

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۳ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ

۵ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

۶ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

۷ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

سپاس و ستایش از آن خداست که مدبر و ولیّ امر و پرورش دهنده جهان هاست (جهان فرشتگان، آدمیان، پریان، حیوان ها و جمادات)

خدای رحمتگر مهربان (به رحمت و مهر عامّ در دنیا برای همه، و خاصّ در آخرت برای مؤمن)

مالک و فرمانروای روز جزا

(پروردگارا) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم

ما را به راه راست (در عقاید و علوم و اخلاق و اعمال) هدایت کن (و بر آن ثابت قدم بدار)

راه کسانی که به آنها نعمت دادی (همانند انبیا و پیروان راستین آنها) آنان که نه مورد خشم (تو) قرار گرفته اند و نه گمراهند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم

۱
۲

ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

۲

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يُنْفِقُونَ

۳

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ
وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

۴

أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۵

الف، لام، میم. این حروف رمزهایی میان الله و رسول اوست. این کتاب مرکب از همین حروف است ولی احدی را توان آوردن مانند آن نیست. این کتاب از الف (الله) به وسیله لام (جبرئیل) به میم (محمد صلی الله علیه وآله) القا شده. این کتاب دارای محکمت و این گونه متشابهات است

این کتاب والا رتبه جای شکی در آن نیست (تأمل در الفاظ و محتوا و حال آورنده آن تردیدی در حقانیت آن نمی گذارد)، مایه هدایت پرهیزکاران است (آنها که صفات پنجگانه زیر را از طریق فطرت یا دعوت انبیا به دست آورده اند)

آنها که به غیب ایمان دارند (به امور پنهان از حواس مانند خدا، وحی، فرشتگان و معاد) و نماز را برپا می کنند (خضوع در برابر حق دارند) و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می نمایند

و آنان که به آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده و به آنچه پیش از تو (بر پیامبران گذشته) فرو فرستاده شده ایمان دارند و به روز واپسین (قیامت) یقین دارند

آنها هستند که بر هدایتی (فطری و عقلی) از سوی خدایشان (پیش از هدایت تشریعی قرآن) قرار دارند و آنهاست که رستگارند (و قرآن آنها را به کمالات و رای این امور، هدایت می کند و در کسانی که منکر این امورند تأثیری نمی گذارد)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَرِهِمْ غِشْوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ

يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ ۖ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

بی تردید کسانی که کفر ورزیدند (و بر کفر خود اصرار دارند) بر آنها یکسان است چه بیمشان دهی یا بیمشان ندهی ایمان نخواهند آورد

خداوند بر دل ها و بر گوش های آنان مهر (شقاوت) نهاده، و بر دیدگانشان پرده ای (از غفلت) است و عذابی بزرگ خواهند داشت

و برخی از مردم گویند: به خدا و به روز واپسین ایمان آوردیم در حالی که آنها مؤمن نیستند

می خواهند خدا و کسانی را که ایمان آورده اند فریب دهند، با آنکه جز خودشان را فریب نمی دهند و نمی فهمند

در دل های آنها بیماری (از کفر و شک و نفاق) است، خدا هم بر بیماریشان بیفزود و بیفزاید و آنها را در مقابل آنکه دروغ می گفتند عذابی دردناک است

و چون به آنها گفته شود: در روی زمین فساد نکنید گویند: جز این نیست که ما اصلاح گریم

آگاه باش که آنها فسادگرانند و لکن نمی فهمند

و چون به آنها گفته شود: ایمان آورید چنان که مردم ایمان آورده اند (در دل خود) می گویند: آیا ما هم مانند سفیهان ایمان آوریم؟! آگاه باشند که آنها خود سفیهند ولی نمی دانند

و چون با کسانی که ایمان آورده اند دیدار کنند گویند: ما ایمان آوردیم، و هنگامی که با شیطان های خود (یاران سرکش خود) خلوت کنند گویند: بی تردید ما با شماسیم، جز این نیست که ما (آنها را با اظهار ایمان) مسخره می کنیم

خدا هم آنها را (در قیامت) مسخره خواهد کرد و (اکنون) در طغیانشان که کورکورانه در آن به سر می برند مهلت می دهد و تقویت می کند

آنها کسانی هستند که گمراهی را به بهای هدایت خریدند، پس نه تجارتشان سود داد و نه از ره یافتگان بودند

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ
ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ

صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ
أَصْبِعَهُمْ فِي ءَادَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ
مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَرَهُمْ ۖ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَّشَوْا فِيهِ
وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ
وَأَبْصَرِهِمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ
قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ
السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ فَلَا
تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ
مِّثْلِهِ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۖ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

داستان آنها داستان کسی است که (در شب تاریک در
بیابانی وسیع) آتشی را برافروزد، پس همین که اطراف او
را روشن سازد خداوند (به خاموش کردن آتش) نورشان را
از بین ببرد و آنها را در میان تاریکی ها که هیچ نبینند رها
سازد

کر و گنگ و نایینايند، از اين رو (به سوی حق) باز نمی
گردند

و يا (داستان آنها) داستان (گرفتاران در) رگباری از آسمان
است که در آن تاریکی ها و رعد و برقی است، آنها انگشتان
خود را از شدت صاعقه ها برای فرار از مرگ در گوش ها
می کنند، و خداوند به همه کافران احاطه (علمی و توانی)
دارد

نزدیک است که آن برق جهنده، روشنی چشمانشان را
برباید هر گاه بر آنها روشنی بخشد در آن روشنی راه روند
و چون فضا بر آنان تاریک شود می ایستند و اگر خدا می
خواست شنوایی و بینایی آنها را از بین می برد، زیرا که
خداوند بر هر چیزی تواناست

ای مردم، پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از
شما بودند آفریده پرستش کنید، شاید پروا پیشه کنید

همان خدایی که زمین را برای شما بساطی (گسترده) و
آسمان را بنایی (برافراشته) قرار داد و از آسمان آبی (به
صورت باران و برف و تگرگ) فرود آورد و به وسیله آن از
میوه ها برای شما روزی بیرون آورد، پس برای خداوند
شریکانی قرار ندهید در حالی که می دانید (آنها قدرت این
آفرینش و اعطاء روزی را ندارند)

و اگر در آنچه ما بر بنده خود فرو فرستاده ایم شک دارید
پس یک سوره مانند آن را (در فصاحت و زیبایی لفظ و
بلاغت و ژرفایی محتوا، و یا از مردی همانند او امی و درس
ناخوانده) بیاورید و (در این کار) آنچه غیر از خدا یاور و
گواه دارید فرا خوانید اگر راستگویید (تا گواهی دهند که
سوره شما همانند سوره ماست)

و اگر (چنین کاری) نکردید و هرگز نتوانید کرد، پس
بپرهیزید از آتشی که هیزم آن مردم اند و سنگ ها، که
برای کافران مهیا شده است

وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا
قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَبِهًا وَلَهُمْ
فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا
فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ
كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ
كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا
أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ
الْخَاسِرُونَ

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ
يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَىٰ
السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

و کسانی را که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند
بشارت ده که برای آنها بهشت ها یا باغ هایی است که از زیر
(ساختمان و درختان) آنها نهرها روان است، هر گاه از آن باغ
ها از میوه ای به آنها روزی داده شود گویند: این همان
است که از پیش (در دنیا) روزی ما شده است، و همه میوه
ها به نزد آنان (در زیبایی و لطافت) شبیه هم آورده می
شوند و برای آنها در آنجا همسرانی است پاکیزه (از عادت
زنانه و مرض و بد خویی) و آنها در آن جاودانه اند

بی تردید خداوند شرم نمی کند از اینکه مثلی بزند هر
مثلی که باشد، پشه و فراتر از آن یا فروتر از آن، اما کسانی
که ایمان آورده اند (به واسطه تأمل و درک مقصود، یا تعبد
و تسلیم) می دانند که آن حق و به جا از جانب پروردگارشان
است، و اما کسانی که کفر ورزیده اند گویند: خداوند از این
مثل چه اراده کرده است؟! (آری خدا با بیان یک حقیقت)
بسیاری را بدان گمراه می کند (سبب گمراهی اختیاری آنها
می شود) و بسیاری را بدان هدایت می نماید، و جز فاسقان
را بدان گمراه نمی سازد

همان هایی که پیمان خدا را پس از محکم کردنش می
شکنند (با احکام خدا پس از ثبوت آن به نقل و عقل،
مخالفت می کنند) و آنچه را که خدا فرمان داده وصل شود
(مانند رابطه با ارحام و معصومان و دین) قطع می کنند و در
روی زمین به فساد می پردازند، آنهایند که زیانکارند

چگونه به خداوند کفر می ورزید در حالی که شما مرده
بودید (مواد اولیه بدتتان قبل از ترکیب و نفخ روح اجزایی
بی جان بود) شما را زنده کرد، آن گاه شما را می میراند و
باز زنده می کند، سپس به سوی او بازگردانده می شوید

اوست که آنچه در این زمین است همه را برای شما آفرید،
سپس به (آفرینش) آسمان پرداخت پس آنها را به صورت
هفت آسمان (مطابق حکمت و خالی از نقص در خلقت) مرتب
و منظم ساخت، و او به همه چیز داناست

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةًۭ ۖ قَالُوْۤا اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا وَیَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ اِنِّیْۤ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ

وَعَلَّمَ ءَادَمَ الْاَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلٰی الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ اَنْبِئُوْنِیْ بِاَسْمَآءِ هٰۤؤُلَآءِۚ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ

قَالُوْۤا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَاۤ اِلَّاۤ مَا عَلَّمْتَنَا۟ ۚ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِیْمُ الْحَكِیْمُ

قَالَ یٰۤاٰدَمُ اَنْۢبِئْهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ ۖ فَلَمَّۤ اَنْۢبَاَهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ اِنِّیْۤ اَعْلَمُ غَیْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُوْنَ

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْۤا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْۤا اِلَّاۤ اِبْلِیْسَۙ اَبٰی وَاَسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِیْنَ

وَقُلْنَا یٰۤاٰدَمُ اَسْكُنْۢ اَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُوْنَا مِنَ الظَّٰلِمِیْنَ

فَاَزَلَّهُمَا الشَّیْطٰنُ عَنْهَا فَاَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِیْهِۗ ۚ وَقُلْنَا اهْبِطُوْۤا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِی الْاَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَّعْۢ اِلٰی حَیْنٍ

فَتَلَقٰی ءَادَمُ مِنْ رَّبِّهٖۤ ؕ کَلِمَتٍۭ فَتَابَ عَلَیْهِۚ اِنَّهٗ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیْمُ

و (به یاد آر) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد (نماینده خدا در آنجا یا جانشین ساکنان پیشین منقرض شده آنجا). گفتند: آیا در آن کسی را (جانشین) قرار می دهی که فساد می انگیزد و خون ها می ریزد؟! در حالی که ما تو را با توصیف به کمالات تسبیح می گوییم و (از هر عیب و نقصی) تقدیس می کنیم. خدا گفت: بی تردید من چیزی می دانم که شما نمی دانید

و همه نام ها را به آدم آموخت (نام همه موجودات جهان را تا انقراض آن به یک زبان یا به همه زبان های آینده بشر، و یا همه مسمیات نام ها را با حقایق و خواص و آثارشان به او آموخت) سپس آن معانی را به فرشتگان عرضه داشت و گفت: اگر شما راستگویید نام های اینها (و یا حقایق و اسرارشان) را به من خبر دهید

گفتند: تو (از هر نقص و عیبی) منزّهی، ما را دانشی جز آنچه خود به ما آموخته ای نیست حقّا تویی که دانا و حکیمی

خداوند فرمود: ای آدم، نام های آنان (و یا حقایق و اسرار آنها) را به فرشتگان خبر ده. چون نامها (یا حقایق آنها) را به فرشتگان خبر داد، خدا فرمود: آیا به شما نگفتم که من بی تردید نهان آسمان ها و زمین را می دانم؟ و آنچه را شما آشکار می دارید و آنچه را که پنهان می داشتید می دانم؟

و (به یاد آر) هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید و خضوع نمایید. همه سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید و او از کافران بود (که کفر خود را پنهان می داشت)

و گفتیم: ای آدم، تو و همسرت در این باغ ساکن شوید و از (میوه و نعمت های) آن به فراوانی از هر جای آن که خواهید بخورید، و به این درخت (درخت گندم یا انگور یا انجیر) نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود

پس شیطان آن دو را از (جهت) آن درخت لغزانید، و آنها را از آنچه در آن بودند (از کرامت و نعمت) بیرون کرد و ما گفتیم: (از این مکان و منزلت، همراه شیطان) فرود آیید در حالی که برای همیشه دشمن یکدیگرید و برای شما در روی زمین قرارگاه و برخورداریی (معین) تا زمانی محدود خواهد بود. (زمان آن بر هر فرد بشر مدت عمر او، و برای مجموع نسل بشر تا انقراض جهان است.

پس (از مدتی استقرار در زمین) آدم از جانب پروردگارش کلماتی را دریافت کرد (به او القاء توبه شد و یا در ضمن اسماء تعلیم شده توبه به او الهام گردید و توبه نمود) پس خدا هم بر او عطف توجه نمود و توبه او را پذیرفت که او بسیار عطوف و توبه پذیر و مهربان است

قُلْنَا أَهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

۳۹

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۴۰
ر

يٰٓبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّيَ فَارْهَبُونِ

۴۱

وَعَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۚ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّيَ فَاتَّقُونَ

۴۲

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۴۳

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ

۴۴
حزب
۳

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۴۵

وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ

۴۶

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُم إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

۴۷
۷۲

يٰٓبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

۴۸

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

گفتیم که همگی از آن (ملاً اعلی) فرود آیید، پس اگر شما را از جانب من هدایتی (به وسیله پیامبران و کتاب های آسمانی) بیامد، کسانی که از رهنمایی من پیروی کنند نه آنها را ترسی باشد و نه اندوهی خواهند داشت

و کسانی که کفر ورزند و نشانه های (عقلی و نقلی توحید) ما را تکذیب کنند آنها اهل دوزخند که در آن جاودان خواهند بود

ای فرزندان اسرائیل (ای اولاد یعقوب اعمّ از یهود و نصاری) نعمت هایی را که من بر شما (از زمان یعقوب تا زمان عیسی) ارزانی داشته ام به یاد آورید و به پیمان من وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم (پیمان شما اطاعت است و پیمان من پاداش)، و تنها از من بترسید

و به آنچه فرو فرستاده ام (قرآن) که تصدیق کننده آن چیزی است که با شماست (از تورات و انجیل) ایمان آورید و نخستین کافر به آن نباشید (که نسل های آینده به پیروی شما برای همیشه کافر شوند) و با (تحریف و اسقاط و تأویل ناروای) آیات من بهای اندکی به دست نیاورید، و تنها از من پروا کنید

و حق را با باطل مخلوط و مشتبه نکنید و حق را پنهان مسازید در حالی که می دانید

و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع نمایید (با نمازگزاران نماز گزارید)

آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید در حالی که شما کتاب (آسمانی) را تلاوت می کنید؟! آیا نمی اندیشید؟

و (در کارهایتان) از صبر (روزه) و نماز یاری طلبید، و البته استعانت و نماز (هر دو) دشوار و گران است مگر بر فروتنان

آنان که می دانند (بالاخره) دیدارکننده پروردگار خویش خواهند بود و حتما به سوی او بازمی گردند

ای فرزندان اسرائیل، نعمت هایی را که من به شما ارزانی داشتم و اینکه شما را بر جهانیان (زمانتان) برتری دادم به یاد آورید

و از روزی پروا کنید که هیچ کس از کسی حقی را ادا و حاجتی را روا و عذابی را دفع نمی کند، و نه از کسی شفاعت پذیرفته می گردد و نه از کسی (برای رهایی از عذاب) عوض گرفته می شود، و نه یاری می شوند

وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ
يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكَ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكَ فِي ذَالِكُمْ
بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَظِيمٌ

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكَ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكَ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ
بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

وَإِذْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَقُومُ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ
بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

وَإِذْ قُلْتُمْ يَمُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً
فَأَخَذْتَكُمُ الصَّعِقَةَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

ثُمَّ بَعَثْنَاكَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

وَوَهَبْنَا لَكُمْ أَلْغَمًا وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلَوىَ
كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

و (به یاد آرید) هنگامی که شما را از (چنگال) فرعونیان
نجات دادیم که بدترین شکنجه را بر شما تحمیل می کردند،
پسران شما را دسته جمعی سر می بریدند و زن های شما را
زنده نگه می داشتند، و در این کار از جانب پروردگارتان
آزمایشی بزرگ (برای شما) بود

و (به یاد آرید) هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم، پس
شما را نجات بخشیدیم و فرعونیان را غرق کردیم در حالی
که می نگریستید

و (به یاد آرید) زمانی که چهل شب با موسی وعده نهادیم
(که در این مدت در کوه طور تورات را به او وحی کنیم)، آن
گاه شما پس از او (در غیاب او) گوساله را به پرستش
گرفتید در حالی که ستمکار بودید

آن گاه پس از آن کار، از شما درگذشتیم، شاید سپاس
گزارید

و (به یاد آرید) زمانی که به موسی کتاب (آسمانی) و جدا
کننده (بین حق و باطل) دادیم، شاید هدایت یابید

و (به یاد آرید) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم
من، حقا که شما به خاطر پرستش گوساله به خودتان ستم
کردید پس به سوی آفریدگار خود توبه کنید و خویشتن را
بکشید (به توبه و ریاضت، هوای نفستان را بکشید. و یا بی
گناهان، پرستندگان گوساله را بکشند) که این عمل در نزد
خالقتان برای شما بهتر است. پس (چون چنین کردید) خدا
به شما عطف توجه نمود و توبه شما را پذیرفت، که او بسیار
عطوف و توبه پذیر و مهربان است

و (به یاد آرید) زمانی که گفتید: ای موسی، هرگز به تو
ایمان نمی آوریم تا خدا را آشکارا ببینیم. پس صاعقه
(آتش سوزنده برق آسمانی) شما را فرا گرفت در حالی که
می نگریستید

سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم، شاید سپاس
گزارید

و (هنگام سرگردانی در صحرای سینا) ابر را بر سرتان
سایبان ساختیم و بر شما منّ و سلوی (خوراک ترنجبین و
کبک) فرود آوردیم (و گفتیم) از طعام های پاکیزه ای که
روزی شما کرده ایم بخورید. و آنها (در طغیان و ناسپاسی
خود) بر ما ستم نکردند، لکن به خودشان ستم می کردند

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا
وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ
خَطَايَكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى
الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

وَإِذْ أَسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ
فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ
مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعَثُّوا فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ

وَإِذْ قُلْتُمْ يَمُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا
رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا
وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ
بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ
وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ
بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

و (به یاد آرید) زمانی که گفتیم: به این شهر (بیت المقدس) درآیید و در آن از هر جا که خواستید به فراوانی بخورید، و از این در (در شهر یا در مسجد الاقصی) خاضعانه و سجده کتان داخل شوید، و بگویید (خدایا خواست ما) ریزش گناهان است تا خطاهای شما را ببخشیم، و بر (پاداش) نیکوکاران خواهیم افزود

پس کسانی که ظلم کردند (کلام خدا را) به گفتاری غیر از آنچه بدانها گفته شده بود تبدیل کردند (مثلا به جای طلب مغفرت طلب گندم نمودند) ما نیز بر آنان که ستم کردند به کیفر فسقشان عذابی از آسمان فرود آوردیم

و (به یاد آرید) هنگامی که موسی برای قوم خود آب طلبید گفتیم: عصای خود را بر آن سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن جوشید (برای دوازده سبط از نسل یعقوب)، هر گروهی آبشخوار خود را شناخت، (و گفتیم) از روزی خداوند بخورید و بیاشامید و در روی این زمین تیهکارانه حرکت نکنید

و (به یاد آرید) زمانی که گفتید: ای موسی، ما هرگز بر یک رقم خوراک صبر نمی کنیم، پس پروردگار خود را در حق ما بخوان تا برای ما از آنچه زمین می رویاند از سبزی و خیار و سیر و عدس و پیازش بیرون آورد. موسی گفت: آیا شما به جای چیز بهتر چیز پست تر را می طلبید؟ (حال که چنین است) به شهری (از شهرها) فرود آیید که آنچه خواستید برای شما فراهم است. و (مهر خواری بر پیشانی، و خیمه) ذلت و نیاز بر آنها زده شد و مستحق خشم خدا شدند. این (خواری) برای آن بود که آنها همواره به نشانه های خدا کفر می ورزیدند و پیامبران خدا را به ناحق می کشتند و این (کفر و پیامبرکشی) به خاطر آن بود که نافرمانی کردند و پیوسته (از حد خود) تجاوز می نمودند

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّٰرِئَ وَالصَّبِئِينَ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ ۖ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ أُعْتَدُوا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ ۖ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً ۖ قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا ۖ قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ۚ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِصٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانُ بَيْنَ ذَٰلِكَ ۖ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ

قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا ۚ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ

به یقین کسانی که (به اسلام) ایمان آورده اند و کسانی که یهودی شده اند و نصاری و صابئین (پیروان نوح یا یحیی)، هر یک (از این گروه ها که در عصر پیامبر خود) به خدا و روز واپسین ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده باشند، آنها را اجری درخور حالشان در نزد پروردگارشان ثابت است، و نه بیمی بر آنها (در روز قیامت) می رود و نه اندوهگین می شوند

و (به یاد آرید) زمانی که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سرتان برافراشتیم (و گفتیم) آنچه را به شما داده ایم (از آیات تورات) به عزم و اراده جدی بپذیرید و آنچه را که در آن است (برای عمل) یادآور شوید، شاید پروا پیشه کنید

آن گاه شما پس از آن (پیمان و پذیرش) روگردان شدید و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود (شما را توفیق توبه نمی داد) حتما از زیانکاران می شدید

و حتما شما کسانی از خودتان را که در روز شنبه (از فرمان خدا) تجاوز کردند (و در آن روز ماهی مید کردند) شناختید که ما به آنها گفتیم: بوزینگانی شوید و رانده شدگانی (از درگاه ما، اراده تکوینی کردیم که چنین شوند و شدند)

پس ما آن عقوبت را کیفری عبرت آموز برای حاضران و نسل های پس از آنها، و پند و اندرزی برای پرهیزکاران قرار دادیم

و (به یاد آرید) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: خداوند به شما دستور می دهد که ماده گاوی را سر ببرید (تا قاتلی در قتل شخص مجهول الحالی معلوم شود). گفتند: آیا ما را به مسخره می گیری؟! گفت: پناه می برم به خدا از اینکه از جاهلان باشم (زیرا مسخرگی از جاهلان سر می زند)

گفتند: پروردگارت را در حق ما بخوان برای ما روشن کند که آن ماده گاو چگونه است (و سنّ آن چیست)؟ گفت: او می گوید که آن ماده گاوی است نه پیر از کار افتاده و نه جوان کار ناکرده، میان این دو حال است. پس آنچه را بدان مأمورید به جا آورید

گفتند: پروردگارت را در حق ما بخوان برای ما روشن کند که رنگ آن چگونه است؟ گفت: او می گوید که آن ماده گاوی است زرد پررنگ و یک دست که بینندگان را شادی بخشد

قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَبَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ

۷۱

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولَ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْكُنْ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ

۷۲
۱۰۹

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادْرَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجُ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ

۷۳

فَقُلْنَا أَضْرِبُوهُ بَعْضُهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

۷۴

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

۷۵
حزب
۵

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

۷۶

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُم بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

گفتند: پروردگارت را در حق ما بخوان برای ما روشن کند که آن چه گاوی است؟ همانا (وضع) این گاو بر ما مشتبه شده و ما حتما به خواست خداوند ره یافتگانیم

گفت: او می گوید که آن ماده گاوی است نه رام که زمین را شخم زند و زراعت را آب دهد سالم (از عیب و عمل) است و لکه رنگی در آن مخالف رنگ اصلی نیست. گفتند: الآن حق (مطلب) را آوردی. پس آن را سر بریدند و (هر چند) حاضر نبودند که چنان کنند

و (به یاد آرید) زمانی که کسی را کشتید و درباره (قاتل) او به نزاع برخاستید و خداوند می خواست آنچه را پنهان می کنید آشکار سازد

پس گفتیم: پاره ای از اعضای آن (گاو ذبح شده) را به او (بدن مقتول) بزنید (تا زنده شود و قاتل را معرفی کند). این گونه خداوند مردگان را زنده می کند و نشانه های (توحید و قدرت) خود را به شما نشان می دهد، شاید بیندیشید

سپس دل های شما پس از آن (معجزات) سخت گردید و مانند سنگ پاره ها یا سخت تر شد، زیرا پاره ای از سنگ ها هست که از آنها نهرها می جوشد (مانند سنگ موسی و سنگ های چشمه ها) و پاره ای از آنها می شکافد و آب از آن می تراود و پاره ای از آنها از ترس (تکوینی) خدا (از کوه ها) فرو می ریزد (تأثر موجودات از اراده خدا ترس تکوینی و اطاعت آنهاست، و غرض آنکه سنگ ها متأثر می شوند اما از دل های ایشان حالت تسلیم دیده نمی شود) و خدا از آنچه انجام می دهید غافل نیست

آیا (شما مسلمانان) طمع دارید که آنها (یهودی ها) به (آیین) شما ایمان بیاورند در حالی که گروهی از آنان (عده ای از علماشان در طول تاریخ) کلام خدا را می شنیدند سپس آن را پس از فهم و تعقل (به خاطر اغراض دنیوی خود) تحریف می کردند در حالی که (زشتی کار خود را) می دانستند

و چون کسانی را که ایمان آورده اند ملاقات کنند می گویند: ما ایمان آوردیم و وقتی با یکدیگر خلوت می کنند (به یکدیگر) می گویند: چرا (از آیات تورات) آنچه را که خدا (علمش را) بر شما گشوده (مانند آیاتی که صفات پیامبر اسلام و صدق او را بیان می کند) به مسلمان ها بازگو می کنید تا با همین حکم نزد پروردگارتان با شما محابه کنند (و پیروز شوند)؟ آیا نمی اندیشید؟

أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

۷۸

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

۷۹

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا^ط فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ

۸۰

وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلَفَ^ط اللَّهُ عَهْدَهُ^ط أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

۸۱

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ^ط فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۸۲

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ^ط أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۸۳
۱۱۲

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ

و آیا نمی دانند که خداوند آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند می داند؟

و برخی از آنان بی سوادانی هستند که از کتاب تورات جز مشتبی خیالات و آرزوهای باطل چیزی نمی دانند، و آنها (درباره احکام آن) تنها ظن و گمانی دارند

پس وای بر کسانی که نوشته ای را با دست های خود می نویسند آن گاه می گویند: این از جانب خداست تا بدین وسیله بهایی اندک به دست آورند. پس وای بر آنها از آنچه دست هاشان نوشت و وای بر آنها از آنچه (در برابر این تحریف) به دست می آورند

و گفتند: هرگز آتش (جهنم) جز روزهایی چند به ما نمی رسد (به عدد ایامی که نیاکان ما گوساله پرستیدند). بگو: آیا از نزد خدا پیمانی گرفته اید- که خدا هم هرگز از پیمان خود تخلف نمی کند- یا چیزی را که نمی دانید به خدا می بندید؟

چرا، (عذاب طولانی به شما خواهد رسید، زیرا) هر که کار بدی کسب کرد و گنااهش (در اثر تکرار) همه وجود او را فرا گرفت (تا آنجا که ایمانش زایل شد) چنین کسانی اهل آتشند و در آن جاودان خواهند بود

و کسانی هم که ایمان آوردند و عمل های شایسته کردند آنها اهل بهشتند و در آن جاودان خواهند ماند

و (به یاد آرید) هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که هرگز جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مسکینان نیکی کنید و با مردم به زبان خوش سخن گویند و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید سپس همه شما جز اندکی روی گردانیدید و شما (ذاتاً) رویگردانید

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ
أَنفُسَكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ

۸۵

ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا
مِّنكُمْ مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن
يَأْتُوكُم أُسْرَىٰ تَقْلُدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ
أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ
مَن يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ
الْقِيَمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا
تَعْمَلُونَ

۸۶

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُفُ
عَنَّهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

۸۷
۱۲۲

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ
وَءَاتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ
أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ أَسْتَكْبَرْتُمْ
فَفَرِّقَنَا كَذَّبْتُمْ وَفَرِّقًا تَقْتُلُونَ

۸۸

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَل لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا
يُؤْمِنُونَ

و (به یاد آرید) زمانی که از شما پیمان گرفتیم که خون
همدیگر را نریزید و یکدیگر را از خانه های خود بیرون
نکنید آن گاه (به پیمانتان) اقرار کردید و بر آن گواهی می
دهید

باز همین شمايید که یکدیگر را می کشید و گروهی از
خودتان را از خانه هایشان بیرون می رانید، در حالی که از
روی گناه و تجاوز، بر ضد آنان (اخراج شده ها) یکدیگر را
یاری می دهید، و (با این حال) اگر آنان در اسارت پیش شما
آیند به دادن فدیة آزادشان می کنید حال آنکه بیرون
کردن آنها (به جنگ، از اول) بر شما حرام بود. پس آیا به
برخی از (احکام) کتاب (تورات) می گروید و به برخی دیگر
کفر می ورزید؟! (حرمت جنگیدن و بیرون راندن را رد می
کنید و لزوم آزاد کردن همکیش را می پذیرید؟! پس کیفر
کسانی از شما که چنین می کنند جز خواری و ذلت در دنیا
نیست، و روز قیامت به سوی شدیدترین عذاب بازگردانیده
می شوند و خدا از آنچه می کنید غافل نیست

آنها کسانی اند که زندگی این دنیا را به بهای آخرت خریدند،
پس هرگز عذابشان (در آخرت) تخفیف نمی یابد و یاری هم
نخواهند شد

و تحقیقا ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم و پس از او
فرستادگانی را پشت سر هم فرستادیم و به عیسی بن
مریم دلایل روشن عطا کردیم و او را با روح القدس تأیید
نمودیم. پس چرا هر زمان که فرستاده ای چیزی را که
میلتان نمی گرفت برای شما آورد تکبر ورزیدید گروهی را
تکذیب کرده و گروهی را می کشتید؟

و گفتند: دل های ما (فطرتا از درک سخنان تو) در پوشش
است. (چنین نیست) بلکه خداوند به سزای کفرشان آنها را
از رحمت خود دور کرده از این رو کمتر ایمان می آورند
(فقط به مشترکات کتاب های آسمانی یا به آنچه مطابق
هوایشان باشد می گروند)

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا
مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا
عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا
أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا
بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ
عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ
قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُّوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ
بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا
ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي
قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ
إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

۹۰

۹۱

۹۲
حزب
۶

۹۳

و چون برای آنها کتابی از جانب خدا آمد (قرآنی) که تصدیق
کننده آنچه با آنهاست (تورات)، در حالی که آنان پیش از
آن، همواره خبر از پیروزی خود (به وسیله آورنده آن کتاب)
بر کسانی که کفر ورزیده اند می دادند، (با این همه) چون
آنچه آن را می شناختند برایشان آمد بدان کفر ورزیدند
پس لعنت خدا بر کافران باد

بد چیزی است آنچه آنها خود را بدان فروختند که به آنچه
خدا فرو فرستاده کفر می ورزند به خاطر حسد بر آنکه چرا
خداوند از فضل خویش بر کسی از بندگان که می خواهد
(کتابی) نازل می نماید. پس آنها به خشمی بر روی خشمی
(از سوی خداوند) گرفتار شدند. و برای کافران عذابی
خوارکننده خواهد بود

و چون به آنها گفته شود: به آنچه خداوند فرو فرستاده (به
قرآن) ایمان آورید، گویند: ما به آنچه بر خود ما نازل شده
(به تورات) ایمان می آوریم و به آنچه پس از آن است کفر
می ورزند در حالی که آن حق است و تصدیق کننده آنچه با
آنهاست! بگو: اگر شما ایمان (به تورات) دارید پس چرا
پیش از این (در طول تاریخ) پیامبران خدا را می
کشتید؟

و به یقین موسی برای شما معجزات و دلایلی روشن آورد
سپس شما پس از وی (پس از رفتنش به کوه طور) گوساله
را به پرستش گرفتید در حالی که (به خود و آیات خدا)
ستمکار بودید

و (به یاد آرید) هنگامی که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور
را بر بالای سرتان بلند کردیم (و گفتیم) آنچه را به شما
دادیم (از آیات تورات) به اراده جدی فرا گیرید، و بشنوید
و بپذیرید. آنها (به زبان) گفتند شنیدیم و (به دل گفتند)
نافرمانی کردیم، و محبت گوساله در دل های آنان به خاطر
کفرشان رسوخ یافت. بگو: اگر شما مؤمنید (و ایمانتان شما
را به پرستش گوساله و کشتن و تکذیب پیامبران فرمان می
دهد) پس بد چیزی است آنچه ایمانتان بدان دستوراتان می
دهد

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

بگو: اگر سرای آخرت در نزد خداوند مخصوص شماست نه مردم دیگر، پس اگر راستگویید مرگ را آرزو کنید

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

و هرگز آنها مرگ را به خاطر آنچه (از اعمال زشت) پیش فرستاده اند آرزو نمی کنند، و خدا به (حال) ستمکاران داناست

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوَةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحِّزٍهُ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

و البته آنها را حریص ترین مردم به زندگی (طولانی) خواهی یافت و (بلکه حریص تر) از کسانی که شرک ورزیدند! هر یک از آنها دوست دارد که ای کاش هزار سال عمر می کرد و هرگز آن عمر دراز، دورکننده او از عذاب (جهنم) نیست و خداوند به آنچه می کنند بیناست

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ

(در پاسخ یهودانی که می گویند ما با جبرئیل دشمنیم و از این رو تو را نیز نمی پذیریم) بگو: هر کس دشمن جبرئیل باشد (او در واقع دشمن خداست، زیرا) او قرآن را به امر یا اراده تکوینی خداوند بر قلب تو فرود آورده در حالی که تصدیق کننده است آنچه را که پیش از آن (از کتاب های آسمانی) بوده است، و هدایت و بشارت است برای ایمان آورندگان

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ

هر کس با خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل دشمن باشد (کافر است و) مسلما خدا هم دشمن کافران است

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ

و حقیقت این است که ما به سوی تو آیاتی روشن و روشنگر فرو فرستادیم، و به آنها جز فاسقان کفر نمی ورزند

أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

و چرا (چنین است که) هر زمان معاهده ای (با خدا و پیامبران) بستند گروهی از آنها آن را شکستند؟! (اینها نه تنها عهد می شکنند) بلکه بیشترشان ایمان نمی آورند

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و چون بر آنها (یهود و نصاری) فرستاده ای از جانب خدا آمد که تصدیق کننده بود آنچه را که با آنهاست (از تورات و انجیل) گروهی از آنها که (علم) کتاب به آنان داده شده بود کتاب خدا (قرآن یا کتاب خودشان) را پشت سر افکندند گویی که نمی دانند (کتاب خداست)

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَنَ ۖ وَمَا كَفَرَ
 سُلَيْمَنُ وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ
 السِّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَرْوَتَ ۚ
 وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا
 تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ
 وَزَوْجِهِ ۚ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ
 وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ
 اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ
 أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۲۰
 بقره
 ۱۰۲
 /۲۸۶

وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا
 يَعْلَمُونَ

۱۰۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا آنْظُرْنَا
 وَاسْمَعُوا ۚ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۰۴
 ۱۴

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ
 أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۚ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ
 بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

۱۰۵

و (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان (از کتاب مدون جادوی خود) می خواندند پیروی کردند، و سلیمان کفر نورزید (گناه سحر را که در آن عصر سبب کفر یا به منزله کفر بود مرتکب نشد) و لکن شیاطین کفر ورزیدند که به مردم سحر می آموختند، و نیز از آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در سرزمین بابل نازل شده بود (پیروی کردند) با آنکه آن دو هرگز به کسی یاد نمی دادند مگر آنکه می گفتند: ما فقط وسیله آزمایشیم (و سحر را فقط برای مقابله با ساحران و ابطال سحرشان به تو می آموزیم) پس زنهار که کفر نورزی (و سحر را در مورد ممنوع آن به کار مبندی) ولی آنها از آن دو فرشته چیزی را می آموختند که میان مرد و همسرش جدایی می افکندند- با آنکه آنها به سبب آن سحر توان ضرر به کسی را جز با اذن (تکوینی) خداوند نداشتند - و آنها پیوسته چیزی را که به آنها زیان می رسانید و سودی نمی داد فرا می گرفتند، و به حقیقت (قوم یهود) می دانستند که هر کس خریدار چنین عملی باشد حتما در آخرت نصیبی ندارد. و بسیار بد است آنچه خود را بدان فروختند، اگر می دانستند

و اگر آنها ایمان می آوردند و پروا پیشه می کردند البته پاداشی که از جانب خداوند است بهتر بود، اگر می دانستند

ای کسانی که ایمان آورده اید (در خطابتان به پیامبر) مگویید راعنا (یعنی ما را رعایت کن) و بگویید انظرنا (یعنی به ما نظر کن. زیرا عبارت اول در نزد یهود به معنی نفرین است) و (فرمان خدا را) بشنوید، و برای کافران عذابی دردناک است

نه کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده اند و نه مشرکان دوست ندارند که بر شما هیچ خیری (مانند وحی و کتاب و پیروزی) از جانب پروردگارتان نازل گردد، در حالی که خداوند هر کس را بخواهد مخصوص رحمت خود می کند و خدا دارای فضل بزرگ است

مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا ۗ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هر نشانه ای را که زایل کنیم یا از خاطرها ببریم بهتر از آن یا مثل آن را می آوریم (هر آیه قرآن، یا حکم کلی، یا وجود حجت، یا علائم دیگر را برداریم جایگزین آن را می آوریم)، آیا ندانسته ای که خدا بر هر چیزی تواناست؟

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

آیا ندانسته ای که ملکیت حقیقی و سلطه و حاکمیت آسمان ها و زمین از آن خداوند است (زیرا آفرینش و حفظ و تدبیر و فانی کردن همه در تحت اراده اوست) و شما را جز خدا هیچ سرپرست و یاورى نیست؟

أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَن يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

آیا شما هم می خواهید از رسولتان (کار محال یا لغو) درخواست کنید همان گونه که پیش از این از موسی درخواست شد (که گفتند می خواهیم خدا را به چشم ببینیم)؟! و کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد حقا که راه راست را گم کرده است

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنْفُسِهِم مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۖ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حقانیت (اسلام) بر آنها روشن شد به خاطر حسد برخاسته از وجودشان، دوست دارند که شما را پس از ایمانتان به کفر بازگردانند. پس (فعلا از ستیز با آنها) درگذرید و توبیخ نکنید تا خداوند فرمان خود را صادر نماید، که خدا بر همه چیز تواناست

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و نماز را برپا دارید و زکات بدهید، و هر چه برای خودتان از کار نیک پیش فرستید آن را در نزد خداوند خواهید یافت، حقا که خدا به آنچه می کنید بیناست

وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرَىٰ ۚ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ۗ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و گفتند: هرگز به بهشت در نمی آید جز کسی که یهودی یا نصرانی باشد. این خیال های خام آنهاست، بگو: اگر راستگویید دلیل و برهاتان را بیاورید

بَلَىٰ ۚ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ ۖ عِندَ رَبِّهِ ۖ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

چرا کسی که تمام وجود خود را تسلیم خدا کند در حالی که (در عمل) نکوکار است، او را پاداشی است درخور مقامش در نزد پروردگار خود، و نه بر آنها بیمی می رود (در آخرت) و نه غمگین می شوند

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتْ الْتَّصَرَّى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ
التَّصَرَّى لَيْسَتْ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ
كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ
وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا
خَافِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ
عَظِيمٌ

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ
اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَنِينٌ

بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ
كُنْ فَيَكُونُ

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ
كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَبَّهَتْ قُلُوبُهُمْ
قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ
أَصْحَابِ الْجَحِيمِ

و یهودیان گفتند: نصرانی ها بر مذهب حق نیستند، و نصرانی ها گفتند: یهودیان بر مذهب حق نیستند، در حالی که همه آنها کتاب (آسمانی) را می خوانند. (پس هر دو ادعا باطل، و هر دو شریعت در عصر خود حق است) کسانی که نادانند (مانند مشرکان) نیز مانند سخن آنان گفتند (که مسلمین بر حق نیستند)، پس خداوند در میان آنان در روز قیامت درباره آنچه با هم اختلاف می کردند داورى خواهد کرد

و کیست ظالم تر از کسی که از مساجد خدا جلوگیری کرد از اینکه نام او در آنها برده شود و در ویرانی آنها تلاش نمود؟ آنها را نرسد و سزاوار نباشد که در آن وارد شوند جز بیمناک (از مردم یا از خدا) برای آنها در دنیا خواریی است و در آخرت عذابی بزرگ دارند

و مشرق و مغرب (زمین و همه کراتی که خاور و باختر دارد) از آن خداست، پس به هر سو رو کنید (در هر دعا و عبادتی) همان جا روی خداست، بی تردید خداوند گسترده (وجود و گسترده قدرت و رحمت) و داناست

و (اهل کتاب) گفتند: خداوند فرزندی اتخاذ کرده! منزّه است او، بلکه آنچه در آسمان ها و زمین است ملک حقیقی اوست، (چرا که خلق و حفظ و تدبیر و فانی کردن آنها به دست اوست) همه در برابر او تسلیم اند (پس مملوک چگونه، فرزند می شود و چه نیازی به آن دارد)

پدیدآورنده آسمان ها و این زمین بدون داشتن نقشه است، و چون فرمان وجود چیزی را بدهد جز این نیست که به آن می گوید: باش، پس بی درنگ می باشد (همین که آن را اراده کند بلافاصله موجود می شود)

و کسانی که نمی فهمند (از مشرکین و کفار) گفتند: چرا خداوند با ما سخن نمی گوید یا معجزه ای برای ما نمی آید (تا دلیل نبوت تو باشد)؟! کسانی که پیش از اینها بودند نیز نظیر گفته اینان را گفتند دل هایشان (در جهل و عناد) به هم می ماند. بی تردید ما دلایل روشن (توحید و دین خود) را برای گروهی که اهل باور باشند بیان کرده ایم

به یقین ما تو را به حق و راستی، مژده دهنده و بیم رسان فرستادیم، و تو هرگز (پس از ابلاغ رسالت و اتمام حجت) مسئول (حال) دوزخیان نیستی

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۚ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۚ وَلَئِنَّ آتَابِعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

و هرگز یهود و نصاری از تو خشنود نخواهند شد تا آنکه از آیین آنان پیروی کنی. بگو: به یقین تنها هدایت خداوند هدایت (واقعی) است. و اگر پس از دانشی که برایت حاصل شد از هواهای آنها پیروی کنی هرگز برای تو از جانب خداوند سرپرست و یآوری نخواهد بود

الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ ۖ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۚ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ ۖ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

کسانی که به آنها کتاب (آسمانی) داده ایم (مانند یهود و نصاری) و آن را به شایستگی تلاوت می کنند (بدون تحریف و با تدبّر و عمل) آنهایند که به آن (قرآن یا پیامبر) ایمان می آورند، و کسانی که بدان کفر ورزند آنهایند که زیانکارند

يَبْنَئِ إِسْرَءِيلَ أَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

ای بنی اسرائیل، نعمت مرا که به شما ارزانی داشتم یاد کنید و این که شما را بر جهانیان (زمتانان) برتری بخشیدم

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفْعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

و بپرهیزید از روزی که هیچ کس از دیگری چیزی از عذاب را دفع نمی کند و از وی (به جای عذاب) بدل پذیرفته نمی شود و شفاعتی او را سود نمی بخشد و آنان یاری هم نمی شوند

وَإِذْ أَتَاكَ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۖ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ

و (به یاد آر) هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری بیازمود، پس او همه را به نحو کامل انجام داد پروردگارش گفت: همانا من تو را برای مردم امام و پیشوا کردم. ابراهیم گفت: و از اولاد من چطور؟ گفت: پیمان من به ستمکاران نمی رسد

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

و (به یاد آرید) زمانی که ما این خانه (کعبه معظمه) را مرجع مردم و جایگاه امن و امان قرار دادیم و (گفتیم) از مقام ابراهیم محلی برای نماز بگیرید (از پشت سر یا جانب راست یا چپ آن)، و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران (یا اعتکاف کنندگان) و رکوع و سجده کنندگان پاکیزه نمایند

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ ۖ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

و (به یاد آرید) هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا، این (سرزمین) را شهری امن قرار ده و به اهل آن- به کسانی که به خدا و روز واپسین ایمان آورده اند- از هر گونه میوه و محصولات روزی گردان. فرمود: (چنین خواهم کرد) و هر که کفر ورزد اندکی او را برخورداری می کنم سپس او را به عذاب آتش گرفتار می سازم، و آن بد جای بازگشتی است

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

وَمَنْ يَرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَبْنَیَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و (به یاد آرید) زمانی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند (و می گفتند) پروردگارا، (این عمل را) از ما بپذیر، که تویی شنوا و دانا

و پروردگارا، ما را تسلیم (فرمان) خود قرار ده، و از فرزندان ما نیز امتی تسلیم خود (پدید آر) و اعمال عبادی ما را (از حج و قربانی ها و جاهای قربانی) به ما نشان ده و بر ما عطف توجه کن، که تویی که بسیار عطوف و توبه پذیر و مهربانی

و پروردگارا، در میان آنها فرستاده ای از خودشان برانگیز که آیات تو را بر آنها بخواند و آنها را کتاب و حکمت (علوم شریعت و معارف عقلی) بیاموزد و آنان را پاکیزه نماید، زیرا تویی که مقتدر غالب و صاحب حکمتی

و کیست که از آیین ابراهیم روی گرداند جز آن که قدر خود را نشناخته و خود را به نادانی زند؟! و ما به یقین او را در دنیا (به نبوت و امامت و حکمت) برگزیدیم و حتما در آخرت از شایستگان است

آن گاه که پروردگارش (پس از ارائه شواهد توحید، به نحو الهام) به او گفت: اسلام آور، گفت: به پروردگار جهانیان اسلام آوردم و (پس از بعثت به نحو وحی) به او گفت: تسلیم امر شو، گفت: تسلیم اوامر خدا شدم

و ابراهیم و یعقوب پسران خود را به آیین خود توصیه کردند (و هر یک در وصیت خود گفت) که ای پسران من، بی تردید خداوند این دین را برای شما برگزیده، پس حتما (بکوشید تا) جز در حال اسلام از دنیا نروید

آیا شما (که می گویند یعقوب فرزندان را به یهودیت سفارش کرد) حاضر و گواه بودید هنگامی که یعقوب را مرگ فرا رسید؟ (در صورتی که یعقوب فرزندان را به دین حنیف ابراهیمی سفارش کرد) آن گاه که به پسران خود گفت: پس از من چه چیزی را خواهید پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که خدایی یگانه است می پرستیم و ما تسلیم (فرمان) اویم

آنها گروهی بودند که درگذشتند، دستاورد آنها از آن آنهاست و دستاورد شما (اهل کتاب) هم از آن شماست، و شما هرگز از آنچه آنها می کردند بازخواست نمی شوید

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

و (اهل كتاب به مردم) گفتند: یهودی یا نصرانی باشید تا هدایت یابید. بگو: بلکه آیین ابراهیم حق گرا را (پیروی خواهیم کرد) و او هرگز از مشرکان نبود

۱۳۶

قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

(ای مؤمنان) بگویید: ما به خداوند و آنچه به سوی ما فرو فرستاده شده و به آنچه به سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (نوادگان یعقوب) فرو فرستاده شده و به آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم، میان هیچ یک از آنان (در اینکه حقند و مبعوث از جانب خداوند) فرقی نمی گذاریم و ما در برابر او تسلیم هستیم

۱۳۷

فَإِنْ ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ بِهِ ۖ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ ۖ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

پس اگر آنها هم به آنچه شما بدان ایمان آورده اید ایمان آوردند مسلما هدایت یافته اند، و اگر روی گرداندند جز این نیست که آنها در مقام مخالفت و دشمنی هستند، پس به زودی خداوند شر آنها را از تو دفع خواهد نمود و اوست شنوا و دانا

۱۳۸

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً ۖ وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ

(آری ایمان دلهای ما) رنگ آمیزی خدایی است و کیست که رنگ آمیزیش بهتر از خدا باشد؟ و ما پرستندگان اویم

۱۳۹

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ

بگو: آیا در (کار) خدا با ما محاجّه و گفتگو دارید (که چرا پیامبر را از عرب برگزیده)؟ در حالی که او پروردگار ما و شماسست و عمل های ما از آن ما و عمل های شما از آن شماسست و ما برای او اخلاص می ورزیم (و همین عمل و اخلاص سبب انتخاب پیامبر است)

۱۴۰

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ ۚ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَدَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

آیا می گوید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (نوادگان یعقوب) یهودی یا نصرانی بودند؟ بگو: شما داناترید یا خدا (که به برائت اینان از یهودیت و نصرانیت شهادت داده و شما می دانید و پنهان می دارید)؟ و کیست ستمکارتر از آن که شهادتی را که از خدا در نزد اوست پنهان دارد؟! و خداوند هرگز از آنچه می کنید غافل نیست

۱۴۱

تِلْكَ أُمَمٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آنها گروهی بودند که درگذشتند، دستاورد آنها از آن آنهاست و دستاورد شما (اهل کتاب) هم از آن شماسست، و شما هرگز از آنچه آنها می کردند بازخواست نمی شوید

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي
كَانُوا عَلَيْهَا قُلٌ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى
النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا
الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ
يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ
هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ
لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً
تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا
كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا
يَعْمَلُونَ

وَلَيْنِ أَتَيْتِ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا
قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبَلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ
بَعْضٍ وَلَيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ
الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

۱۴۳

۱۴۴

۱۴۵

به زودی مردم کم خرد خواهند گفت: چه چیزی مسلمان ها
را از قبله ای که بر آن بودند (از بیت المقدس، به سوی
کعبه) روی گردان کرد؟ بگو: مشرق و مغرب از آن خداست،
هر که را بخواهد به راه راست (راه اصلاح حال مجتمع
بشری) هدایت می کند (و صلاح حال مدتی در توجه به
قدس بود و پس از آن در توجه به کعبه است)

و همان گونه (که برای شما قبله مستقل تعیین کردیم) شما
را امتی میانه (معتدل میان افراط و تفریط) قرار دادیم، تا
شما (در روز قیامت) بر مردم گواه باشید و این پیامبر هم
بر شما گواه باشد. و ما قبله ای را که بر آن بودی (بیت
المقدس را) قرار نداده بودیم جز برای آنکه کسی را که
پیروی از این پیامبر می کند از کسی که به عقب بازمی گردد
(و در قبله سابق باقی می ماند) بازشناسیم (علم ازلی ما
منطبق به معلوم خارجی شود)، هر چند که این حکم جز بر
کسانی که خدا هدایت کرده دشوار و سنگین بود. و خداوند
بر آن نیست که ایمان شما را (پاداش اعتقاد پیشین شما یا
عبادت های رو به قبله سابقتان را) ضایع کند، همانا خداوند
به مردم رئوف و مهربان است

حتما ما به هر سو گشتن رویت را در آسمان (مانند کسی که
منتظر امری باشد) می بینیم، و اینک تو را به سوی قبله ای
که بپسندی متوجه می کنیم پس روی خود را به سوی مسجد
الحرام برگردان، و هر جا که باشید روی خود را به سوی آن
برگردانید، و همانا کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده
شده می دانند که بی شک این (توجه به کعبه) از جانب
پروردگارشان حق است (زیرا در کتاب آنهاست که پیامبر
اسلام به دو قبله نماز خواهد خواند)، و خداوند از آنچه می
کنند (از مخالفت آنها) غافل نیست

و مسلما اگر برای اهل کتاب هر نشانه و برهانی بیاوری آنها
از قبله تو پیروی نخواهند کرد و تو نیز هرگز پیرو قبله آنها
نخواهی بود، و نیز برخی از آنها پیرو قبله دیگری نخواهد
شد، و اگر از خواسته های آنها پس از آن دانشی که به تو
رسیده پیروی کنی بی تردید در آن صورت از ستمکاران
خواهی بود

الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُۥٓ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَآءَهُمْۖ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَۚ

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

وَلِكُلِّ وِجْهَةً هُوَ مُوَلِّيهَاۖ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًاۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌۭ

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِۚ وَإِنَّهُۥ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَۚ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِۚ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُۥٓ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌۭ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِيۚ وَلَآئِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

فَاذْكُرُونِيۚ أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

کسانی که به آنها کتاب (آسمانی) داده ایم او را (محمد صلی الله علیه وآله را طبق معرفی کامل تورات و انجیل) می شناسند به گونه ای که پسرانشان را می شناسند، و همانا گروهی از آنان حق را در حالی که می دانند شدیداً پنهان می کنند

این حق (حکم تغییر قبله و هر حکم حقی) از جانب پروردگار توسّت، پس هرگز از تردیدکنندگان مباش

و برای هر گروهی قبله ای است که (روی خود) بدان سوی می گردانند (یهود به بیت المقدس، نصاری به مشرق، مسلمین به کعبه) پس (در آن نزاع نکنید و) به سوی کارهای خیر سبقت جویید هر جا که باشید خداوند همه شما را (به صحنه محشر) خواهد آورد (تا جزای عمل دهد)، همانا خداوند بر همه چیز تواناست

و از هر جا (برای سفر) بیرون آمدی روی خود را (در حال نماز) به سوی مسجد الحرام بگردان، و بی شک این (دستور) حقّ است از جانب پروردگار تو، و خداوند هرگز از آنچه می کنیدی غافل نیست

(آری) و از هر جا بیرون آمدی روی خود را (در حال نماز) به سوی مسجد الحرام بگردان و هر جا که باشید روی خود را به سوی آن بگردانید تا مردم را بر شما حجتی نباشد (مشرکان نگویند: مدعی آیین ابراهیم است و مخالف قبله او، و اهل کتاب نگویند: آن پیامبر موعود قبله اش کعبه است، پس این شخص او نیست)، مگر کسانی از آنها که ستم ورزیده اند (و بی منطق سخن می گویند)– پس از آنها بترسید و از من بترسید– و (نیز تعیین این قبله) برای آن است که نعمتم را بر شما تمام کنم و شاید هدایت شوید

(تشریع این قبله نعمت است) همان گونه که در میان شما رسولی از خودتان (انسانی هم نوع و هم زبانتان، نه از فرشتگان و نه از پریان) فرستادیم که همواره آیات و نشانه های (توحید) ما را بر شما می خواند و (روح) شما را پاکیزه می کند و رشد می دهد و کتاب (آسمانی) و احکام شرع و معارف عقلی به شما می آموزد و آنچه را نمی دانستید به شما یاد می دهد

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و مرا سپاس گزارید و کفر نورزید و کفران نعمت من نکنید

ای کسانی که ایمان آورده اید از صبر و نماز کمک بجویید، که همانا خداوند با صابران است

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُمُوتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ

۱۵۵

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ

۱۵۶

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

۱۵۷

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ

۱۵۸
حزب
۱۰

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ ۖ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا ۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ

۱۵۹

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِن بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ

۱۶۰

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

۱۶۱

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

۱۶۲

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ

۱۶۳

وَاللَّهُكُمْ إِلَهٌُ وَاحِدٌ ۖ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

و به کسانی که در راه خدا کشته می شوند مرده نگویید، بلکه (ارواح آنها در عالم برزخ به نحو استقلال یا به حلول در قالب مثالی) زنده اند و لکن شما در نمی یابید

و حتما شما را به اندکی از ترس و گرسنگی و کاهشی از مال ها و جان ها و محصولات (درختان، یا ثمرات زندگی از زن و فرزند) آزمایش خواهیم نمود و شکیبایان را مژده ده

همان کسانی که چون مصیبتی بر آنها وارد شود گویند: همانا ما از آن خداییم (ملک حقیقی اوییم به ملاک آنکه خلق و حفظ و تدبیر امور و اعدام ما به دست اوست) و همانا به سوی او باز خواهیم گشت

آنها هستند که بر آنها درودها و رحمتی از جانب پروردگارشان می رسد، و آنها هستند که رهیافته اند

همانا (دو کوه) صفا و مروه از علائم و نشانه های (دین و پرستش) خداست، پس کسی که حج خانه خدا کند یا عمره به جا آورد، بر او گناهی نیست (بلکه واجب است) که بر آن دو طواف کند (میان آن دو سعی نماید زیرا نصب کردن مشرکان قبل از اسلام بتی را در هر یک از صفا و مروه و احترامشان بدانها در هر شوط، سبب حرمت سعی الهی شما نمی شود) و هر که کار نیکی افزون بر حد واجب انجام دهد (بر تعداد سعی و طواف بیفزاید) خداوند سپاسگزار و داناست

همانا کسانی که آنچه را ما نازل کردیم از دلایل روشن و راهنمایی ها (درباره نبوت محمد صلی الله علیه وآله و کتاب او) پس از آنکه همه را برای مردم در کتاب (تورات و انجیل) روشن کرده ایم، پنهان می کنند، آنانند که خداوند لعنتشان می کند و لعنت کنندگان نیز لعنتشان می کنند

مگر کسانی که توبه کردند و به اصلاح (تباهکاری های خود) پرداختند و (آنچه را کتمان کرده بودند) بیان نمودند، پس توبه آنها را می پذیرم و البته منم که بسیار عطوف و توبه پذیر و مهربانم

به یقین کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر مردند لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنها باد

جاودانه در آن (لعنت) باشند، نه عذابی از آنها کاسته گردد و نه مهلت داده شوند (تا پوزش طلبند)

و خدای شما خدایی یگانه است، جز او خدایی (مستحق پرستش) نیست که بخشنده و مهربان است

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ
اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
وَبَتْ فِيهَا مِنْ كُلِّ ذَاتٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيحِ وَالسَّحَابِ
الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ
كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ
ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ
شَدِيدُ الْعَذَابِ

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ أُتْبِعُوا مِنْ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ
وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنْ لَنَا كَرَّةٌ فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا
مِنَّا كَذَلِكَ يُلْهِمُهُمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ
بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا
خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا
لَا تَعْلَمُونَ

به یقین در آفرینش آسمان ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتی هایی که در دریا به سود مردم جریان دارند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین را پس از مرگش زنده نموده، و در آن از هر نوع جنبنده ای پراکنده کرده، و گرداندن بادهای (از سویی به سویی)، و ابری که در میان آسمان و زمین مسخر است، (در هر یک از این امور هفتگانه) نشانه هایی است (از توحید و قدرت و حکمت خدا) برای گروهی که می اندیشند

و برخی از مردم به جای خدا همتیانی (از بت ها و ستارگان و اجنه) برمی گزینند که آنها را چنان که باید خدا را دوست داشت دوست می دارند، ولی کسانی که ایمان آورده اند محبتشان به خداوند بیشتر است (از محبت آنها به معبودانشان). و اگر کسانی که ستم کرده اند آن هنگام که عذاب (آخرت) را مشاهده می کنند ببینند که قدرت و نیرو همه از آن خداست و خدا سخت کیفر است (به شدت پشیمان خواهند شد)

آن گاه که پیشوایان (کفر و جور) از پیروان خود بیزاری جویند و عذاب را (به چشم) ببینند و همه روابط و پیوندها از آنها بریده شود

و کسانی که پیروی کردند گویند: کاش برای ما بازگشتی (به دنیا) بود تا ما نیز از آنها بیزاری می جستیم همان گونه که آنها از ما بیزاری جستند. این چنین خداوند عمل های (دنیوی) آنها را مایه های حسرتی به آنها ارائه می دهد، و آنها هرگز از آتش بیرون آمدنی نیستند

ای مردم، از آنچه در این زمین است (از انواع خوردنی ها و موجودات دیگر) حلال و پاکیزه بخورید و برخوردار شوید، و پیروی از گام های شیطان نکنید، که او برای شما دشمنی آشکار است

جز این نیست که شما را به بدی و زشتی فرمان می دهد و اینکه نادانسته چیزهایی را به خدا نسبت دهید

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أُولَٰئِكَ كَانَ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

۱۷۱

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمْىٰ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

۱۷۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

۱۷۳

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ ۖ لِعَٰغِرِ اللَّهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۷۴

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ۖ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۷۵

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ ۖ وَالْعَذَابُ بِالْمَغْفِرَةِ ۖ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ

۱۷۶

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ ۖ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

و چون به آنها (به مشرکین و کفار) گفته شود: از آنچه خدا فرو فرستاده پیروی کنید، گویند: (نه)، بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی می کنیم. آیا (پیروی می کنند) هر چند پدرانشان چیزی را تعقل نمی کردند و (به راهی) هدایت نمی یافتند؟

مثال (دعوت کننده) کافران مثال کسی است که به حیوانی بانگ می زند که جز فریاد و بانگ زدن میهم را نمی شنود (آنها نیز کلام را می شنوند و گویی معنی را نمی فهمند). کر و گنگ و کورند، از این رو نمی اندیشند

ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخورید (از تمام آنچه در روی زمین برای شما آفریده ایم و پاکیزه است برخوردار شوید) و خدا را سپاس گزارید اگر تنها او را می پرستید (زیرا بدون شکر پرستش تمام نیست)

جز این نیست که (خداوند) بر شما، مردار و خون و گوشت خوک و حیوانی را که (وقت تذکیه) نام غیر خدا بر آن برده شده حرام کرده. اما کسی که ناچار (از خوردن آنها) شود در حالی که در اصل طالب آن نبوده (و بر ضد امام عدل قیام نکرده) و از حد ضرورت هم تجاوز ننموده باشد بر او گناهی نیست، که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

به یقین کسانی که آنچه را خداوند از کتاب (کتاب آسمانی تورات و انجیل) نازل کرده کتمان می کنند (آیات حلیت چیزهایی را که علمایشان به نفع خود برای مردم حرام کرده اند پنهان می کنند) و بدین وسیله بهای اندکی به دست می آورند. آنها جز آتش به شکم های خود فرو نمی برند (در آخرت آن کتمان یا آن بهای به دست آمده به صورت خوردن آتش تجسم می یابد) و خدا در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و (از پلیدی اعمال) پاکشان نمی کند، و آنها را عذابی دردناک خواهد بود

آنها هستند که گمراهی را به بهای هدایت و عذاب را به ازای آمرزش خریده اند، وه! چه شکیبایند بر آتش

آن عذاب به خاطر این است که خداوند کتاب را به حق فرو فرستاده است، (همه کتاب های آسمانی را برای هدفی درست و والا و عقلانی نازل کرده) و همانا کسانی که در کتاب خدا اختلاف نمودند (در پذیرش کل یا بعض، و تحریف لفظ یا معنی) در دشمنی دور و درازی به سر می برند

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ ۖ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ ۖ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ ۚ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ ۖ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَنٍ ۗ ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ۖ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَّأُوْلِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَٰلِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ ۚ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

تنها این که روی های خود را (برای عبادت) به سوی مشرق و مغرب بگردانید نیکی نیست، و لکن نیکی حقیقی (ایمان و رفتار) کسی است که به خداوند و روز آخرت و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران ایمان آورد (به مبدأ و معاد و اصول اعتقادی میان آن دو ایمان آورد) و مال خود را با آنکه آن را دوست (و بدان نیاز) دارد روی محبت خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و سائلان و در (راه آزادی) بردگان بدهد و نماز را برپا دارد و زکات بپردازد، و (وفای) وفاداران به پیمان خویش آن گاه که پیمان بندند و به ویژه (استقامت) شکیبایان در سختی مالی و ضرر جسمی و هنگام جهاد است. آنها هستند که راست گفته اند و آنها هستند که پرهیزکارند. (و بالجمله نیکی در سه بعد اعتقادی و عملی و اخلاقی است.

ای کسانی که ایمان آورده اید، بر شما درباره کشته شدگان (به عمد، حکم) قصاص نوشته و مقرر شده: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن. پس هر که (هر قاتلی که) از جانب برادر (دینی) خود (ولی مقتول) مورد چیزی از عفو قرار گرفت (همه حق قصاص یا بعضی از آن را بخشید یا تبدیل به دیه نمود) پس (بر عفوکننده است نسبت به بقیه یا گرفتن دیه) پیروی از معروف، و (بر قاتل است) پرداخت دیه به او به نیکی و احسان. این (دستور که قصاص حکم تخییری است نه واجب معین) تخفیف و رحمتی است از جانب پروردگارتان. پس هر که بعد از عفو، تجاوز کرد (قاتل را کشت) او را عذابی دردناک خواهد بود

و برای شما- ای صاحبان خرد- در قصاص، زندگی است (در پیاده کردن حکم قصاص زندگی جامعه است) شاید (از خونریزی به ناحق) پرهیز کنید

بر شما نوشته و مقرر شده که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد اگر مالی از خود باقی گذارده (علاوه بر ارثی که در اسلام تشریع شده) برای پدر و مادر و نزدیکان خود به طور پسندیده وصیت نماید. (این دستور علاوه بر حق فریضه) حقی بر عهده پرهیزکاران است

پس هر کس آن (وصیت) را پس از شنیدنش تبدیل کند (ترک نماید یا تغییر دهد) جز این نیست که گناهش بر کسانی است که آن را تغییر می دهند. به یقین خداوند شنوا و داناست

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوسٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا
إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ
عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ
فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ
مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا
خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ
وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ
فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ
أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْتُمْ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ
إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

پس هر که از انحراف یا از گناه وصیت کننده بترسد (بفهمد
که اشتباه یا عمدا حقوق ورثه را تضییع کرده) پس میان
آنها (ورثه و اهل وصیت به تغییر دادن آن) اصلاح نماید بر
او گناهی (در این تبدیل) نیست، همانا خداوند بسیار
آمرزنده و مهربان است

ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما نوشته و مقرر
شده همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر
شد، شاید (روحان نیرومند شود و از هواهای نفسانی)
پرهیز کنید

در روزهایی چند پس هر که از شما مریض یا در سفر باشد
تعدادی (به مقدار آنچه فوت شده) از روزهای دیگر (را
روزه بدارد)، و بر کسانی که روزه طاقت فرسا باشد (مانند
پیران و خردسالان و بیماران مزمن افطار جایز است و)
دادن طعام به یک فقیر (یک مد به ازا هر روز) کفاره و بدل
آن است، و هر که بر خیر بیفزاید (و دو مد بدهد) برای او
بهتر است، و روزه گرفتن (هر چند توان فرسا باشد) بهتر
است، اگر بدانید

ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن فرو فرستاده شده
که راهنمای مردم و دلایلی روشن از هدایت و جدایی (بین
حق و باطل) است. پس کسی که در این ماه حاضر باشد (در
وطن باشد) باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در
سفر باشد تعدادی از روزهای دیگر (را به مقدار آنچه فوت
شده روزه بدارد). خداوند برای شما آسانی می خواهد و
برای شما دشواری نمی خواهد، و (می خواهد) تا شماره
معین (سی روز) را تمام کنید و خدا را به پاس آنکه شما را
هدایت نموده تکبیر گویند و بزرگ شمارید، و شاید سپاس
گزارید

و چون بندگان من از تو درباره من بپرسند (بگو که) من
حتما (به همه) نزدیکم، دعای دعاکننده را هنگامی که مرا
بخواند اجابت می کنم، پس دعوت مرا بپذیرند و به من
ایمان آورند، شاید که راه یابند

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ ءَايَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

۲۰
بقره
۱۸۷
/۲۸۶

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۱۸۸

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحُجَّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۱۸۹
حزب
۱۲
۲۵

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

۱۹۰

برای شما در شب روزه همبستر شدن با زنان حلال شد، آنها لباسند برای شما و شما لباسید برای آنها (هر یک زینت دیگری هستید و پوشاننده عیوب و حافظ از گناه او). خداوند می دانست که شما (درباره حرمت آمیزش در شب روزه) به خود خیانت می کردید، پس بر شما عطف توجه کرد و از شما درگذشت، پس اکنون (می توانید) با آنها همبستر شوید و آنچه را خدا برای شما (درباره این عمل) مقرر داشته (از ثواب و عفت از حرام و اولاد صالح) طلب کنید، و (در شب های روزه رواست که) بخورید و بیاشامید تا وقتی که رشته سپید صبح از رشته سیاه (شب) برای شما روشن گردد، سپس روزه را تا شب به اتمام رسانید. و با زنان در حالی که در مسجدها معتکفید همبستر نشوید. اینها مرزهای (حلال و حرام) خداوند است، نزدیک آنها نروید (تخلف نکنید). این گونه خداوند آیات خود را برای مردم روشن می سازد، شاید بپرهیزند

و اموالتان را در میان خود به ناحق مخورید و آن را به سوی قاضیان (به عنوان رشوه) سرازیر نکنید تا پاره ای از اموال مردم را به گناه و ناحق بخورید در حالی که (حرمت کارتان را) می دانید

از تو درباره ماه های نو (و حکمت تغییر شکل آنها از هلال تا بدر) می پرسند، بگو: آنها وسیله تعیین اوقات (تقویم طبیعی برای کارهای دنیوی) مردم و (برای وقت حج و سایر اعمال دینی دارای وقت معین) است. و نیکی آن نیست که به خانه ها از پشت آنها درآیید (مانند سنت جاهلیت که محرم باید به خانه خود از پشت دیوار وارد شود نه از در ورودی)، و لکن نیکی (عمل) کسی است که (از گناه) می پرهیزد، و به خانه ها از درهای آنها درآیید و از خدا پروا کنید، شاید رستگار گردید

و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند بجنگید و (وقت جنگ از حدود شرعی و قوانین عقلایی جنگ) تجاوز نکنید (بدون عذر قانونی حمله ننمایید، با هم پیمان متارکه نکنید، ضعیفان بی آزار را مکشید، کشته ها را مثله نکنید و اموال را بی جهت اتلاف ننمایید) که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ
أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ ۖ فَإِنْ قَتَلُوكُمْ
فَأَقْتُلُوهُمْ ۚ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ ۚ فَإِنْ
أَنْتَهُوا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ ۚ فَمَنْ
أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَى
عَلَيْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ
وَأَحْسِنُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

وَاتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ
الْهَدْيِ ۚ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ ۚ
فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّنْ رَّأْسِهِ ۖ فَفِدْيَةٌ
مِّنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسْكَ ۚ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ
بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ
فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ ۚ تِلْكَ عَشْرَةٌ
كَامِلَةٌ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

و هر جا به آنها (به مشرکین مکه) دست یافتید آنها را
بکشید، و از جایی که شما را بیرون راندند (از مکه) بیرون
رانید، و فتنه (شرک آنها و آزار دادن مسلمان ها و بیرون
کردن آنها از مکه) از کشتن بدتر است. و با آنها در نزد
مسجد الحرام نجنگید مگر آنکه در آنجا با شما بجنگند، پس
اگر (در آنجا) با شما جنگیدند آنها را بکشید، که کیفر
کافران همین است

و اگر (از شرک و ستیزه) باز ایستند، همانا خداوند بسیار
آمرزنده مهربان است

و با آنها بجنگید تا فتنه ای نباشد (تا ریشه شرک کننده
شود) و آیین و اطاعت تنها از آن خدا باشد. پس اگر (از
شرکشان) باز ایستادند، تعدی جز بر ستمکاران روا نیست

ماه حرام در مقابل ماه حرام است (ماه های رجب، ذو القعدة،
ذو الحجه و محرم محترم اند و نباید در آنها جنگید، اما اگر
کسی حرمت آن را شکست و شروع به جنگ کرد، باید در
همان ماه حرام با او جنگید) و همه محترم ها (مانند حرم،
مسجد الحرام، جان و عرض مؤمن در مقابل هم اند و)
قصاص دارند، پس هر که بر شما تعدی کرد (و احترامی را
شکست) شما هم به مانند آن بر او تعدی کنید، و از خدا
پروا نمایید (که از مرز مقابله به مثل تجاوز نکنید) و بدانید
که خدا با پرهیزکاران است

و در راه خدا انفاق کنید و (به واسطه ترک انفاق در راه
جهاد، یا صرف آن در غیر راه خدا) خود را به دست خود به
هلاکت نیفکنید، و نیکی کنید که بی تردید خداوند
نیکوکاران را دوست دارد

و (عمل) حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید، و اگر
(پس از بستن احرام به واسطه دشمن یا بیماری) ممنوع از
عمل شدید (بر شماسه) قربانی کردن آنچه میسر گردد (از
شتر یا گاو یا گوسفند، که به قربانگاه مکه یا منی بفرستید)،
و سر خود را تتراشید تا آن قربانی به محل خود برسد و اگر
کسی از شما (در حال احرام) مریض باشد یا ناراحتی از
ناحیه سر داشته باشد (و مجبور به تراشیدن سر شود، سر
را بتراشد و) کفاره ای از قبیل روزه یا صدقه یا قربانی
انجام دهد. و اگر (در مورد حج و عمره از دشمن و بیماری)
ایمن بودید پس هر که با تقدیم عمره تمتع (عمره بهره
مندی از تقرب به خدا، و برخورداری از ممنوعات احرام پس
از احرام آن) به سوی حج تمتع رود بر اوست آنچه میسر
گردد از قربانی (شتر یا گاو یا گوسفند) و کسی که قربانی
نیابد (یا پول آن را نداشته باشد) بر اوست سه روز در
همان سفر حج روزه داشتن و هفت روز هنگامی که
برگشتید این ده روز کامل است. این (حج که تمتع نامیده
می شود) فریضه کسی است که (خود و) خانواده اش ساکن
مسجد الحرام (مکه و اطرافش تا ۲۴ کیلومتر) نباشند. و از
خدا پروا کنید و بدانید که خداوند سخت کیفر است

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ
وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ
يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ
يَأْتُوا أَلْبَابَ

(زمان) حج ماه های معینی است (شوال، ذی قعده و ذی
حجه)، پس کسی که در این ماه ها حج را (به واسطه بستن
احرام، بر خود) واجب ساخت (بداند که) در (حال احرام)
حج، بدزبانی و آمیزش با زنان و گناه و مجادله در سخن (روا)
نیست، و هر کار خیری انجام دهید خداوند می داند، و برای
خود توشه بگیرید که بهترین توشه تقواست، و از من پروا
کنید ای صاحبان خرد

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا
أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ
وَأَذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ
الضَّالِّينَ

بر شما گناهی نیست که (در اثنای حج) از پروردگارتان فضل
و روزی طلبید، و چون از عرفات (به سوی مشعر) سرازیر
شدید خدا را (در وادی مزدلفه) در نزد (کوه) مشعر الحرام
یاد کنید، و او را یاد کنید به پاس آنکه شما را هدایت نمود،
و واقعیت این است که شما پیش از آن از گمراهان بودید

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ
اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

سپس (از وادی مشعر به سوی منی) از همان جایی که مردم
سرازیر می شوند روانه شوید (نه از راهی که مشرکان می
روند)، و از خدا آمرزش طلبید، که خداوند بسیار آمرزنده و
مهربان است

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ
ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا
فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ

پس چون اعمال و آداب حجتان را به جا آورید خدا را یاد
کنید آن گونه که پدرانتان را یاد می کنید یا بهتر و رساتر از
آن (رسم عرب این بود که پس از انجام حج در منی به ذکر
افتخارات پدران خود می پرداختند). پس برخی از مردم
گویند: پروردگارا، به ما در دنیا (نعمت) ده و آنان را در
آخرت نصیبی نیست

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

و برخی از آنان گویند: پروردگارا، به ما در دنیا نیکی و در
آخرت نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش (دوزخ) نگاه دار

أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

آنها هستند که از دستاوردهای نصیبی خواهند داشت، و
خداوند زودرس به حساب است (در لمحۀ ای قیامت را برپا
خواهد کرد و در لحظه ای به حساب اجمالی سرّی خلائق پیش
از حساب تفصیلی علنی خواهد رسید)

وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۖ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ

وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ ۗ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ أُتْبَغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ ۚ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

و خدا را در (شب و) روزهای معدودی (۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی حجه، که حاحیان باید در منی باشند، به ذکر و نماز و سنگ زدن به جمره ها) یاد کنید. پس هر که در دو روز (اعمال را انجام دهد و) شتاب به کوچ کند گناهی بر او نیست، و کسی هم که (تا روز سوم) تأخیر کند گناهی بر او نیست، (و این اختیار) برای کسی است (که در حال احرام از صید و آمیزش با زن) پرهیز کرده باشد. و از خدا پروا کنید و بدانید که حتما همه شما (در آخرت) به سوی او گرد آورده می شوید

و از مردم کس هست که گفتارش در زندگی دنیا تو را به شگفت می آورد و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می گیرد در حالی که سرسخت ترین دشمنان است

و چون روی گرداند (و از نزد تو بیرون رود، یا چون سرپرست کاری شود) در زمین به راه افتد تا در آن فساد کند و کشت و نسل را نابود نماید، و خداوند فساد را دوست ندارد

و چون به او گفته شود: از خدا پروا کن، تعصب و نخوت او را به گناه وادارد (و عکس العمل ظالمانه نشان دهد) پس جهنم او را کافی است و البته بد جایگاهی است

و از مردم کس هست که جان خود را برای خشنودی خداوند می فروشد (در راه خدا جانبازی می کند، مانند علی علیه السلام که در شب هجرت در جای پیامبر صلی الله علیه وآله خوابید)، و خداوند به بندگان دلسوز و مهربان است

ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی در تسلیم و طاعت (خدا) درآبیید و پیروی از گام های شیطان نکنید، که او برای شما دشمنی آشکار است

پس اگر بعد از آنکه دلایل روشن (توحید و نبوت) برای شما آمد لغزش کردید (و شرک و کفر اختیار نمودید) بدانید که خداوند مقتدر و با حکمت است (و شما را طبق حکمت عذاب خواهد کرد)

آیا (منکران دعوتت پس از اتمام حجت) جز این را انتظار دارند که (فرمان) خداوند در میان سایبان هایی از ابر سفید بر آنها بیاید و فرشتگان (عذاب) در رسند و کار (هلاکت آنها) تمام شود؟! و همه کارها به سوی خدا بازگردانده می شود

سَلْ بَنِي إِسْرَءِيلَ كَمْ ءَاتَيْنَهُم مِّنْ ءَايَةٍ بَيِّنَةٍ ۖ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ ۗ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ۖ مَسَّتْهُمْ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ ۗ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۖ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

از بنی اسرائیل بپرس تا چه اندازه به آنها دلیل روشن دادیم (مانند عصا، ید بیضاء، شکافتن دریا، منّ و سلوی و تورات که همه نعمت و وسیله رحمت بود، لکن به وسیله کفرانشان همه را تبدیل به اسباب عذاب کردند)! و هر کس نعمت خدا را پس از آنکه به او رسید تبدیل نماید پس (بداند که) خدا سخت کیفر است

زندگی دنیا در نظر کسانی که کفر ورزیده اند (به وسیله شیطان و نفس اماره) آراسته شده، و مؤمنان (تهیدست) را مسخره می کنند، در حالی که آنها که پرواپیشه اند در روز قیامت از آنان برتر و بالاترند، و خداوند هر کس را بخواهد بی شمار روزی می دهد

همه مردم (پیش از بعثت پیامبران صاحب شریعت) یک گروه بودند (که بدون شریعت آسمانی طبق اقتضای عقولشان زندگی می کردند، اما کم کم در امور دنیوی خود به اختلاف افتادند) پس خداوند پیامبران را (با دین و شرایع آسمانی) مژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و همراه آنها کتاب (آسمانی) را به حق (و هدفی والا و عقلانی) فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. (سپس در خود کتاب اختلاف پیدا شد که گروهی اصل آن یا معارفی از آن را نپذیرفتند) و اختلاف در آن را پدید نیاوردند مگر کسانی که کتاب به آنها داده شد آن هم پس از آنکه دلایل روشنی (در این باره) برای آنها آمد، از روی حسد و برتری طلبی در میان خودشان. پس خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به توفیق خود، به حقی که در آن اختلاف داشتند راهنمایی نمود و خداوند هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می کند

آیا (شما مؤمنان) گمان کرده اید که داخل بهشت می شوید و حال آنکه هنوز حالات کسانی که پیش از شما درگذشته اند برای شما نیامده! آنها را زیان های مالی و بدنی رسید، و متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که فرستاده خدا و کسانی که با او ایمان آورده بودند می گفتند: نصرت و یاری خدا کی می رسد؟ (گفتیم) آگاه باشید که حتما نصرت خدا نزدیک است

از تو می پرسند که (در راه خدا) چه انفاق کنند، بگو: (جنس مال مهم نیست، بلکه) هر مالی را انفاق کنید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و فقیران و در راه مانده باشد. و هر کار خیری انجام دهید بی تردید خداوند به آن داناست

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ
تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا
وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ
كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ
الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ
إِنْ أَسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنْكُم عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ
كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ
وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ
مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ
لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

بر شما کارزار (با کفار) نوشته و مقرر شد و حال آنکه برای
شما ناخوشایند است، و بسا چیزی را خوش ندارید و آن
برای شما بهتر است، و بسا چیزی را دوست دارید و آن
برای شما بدتر است، و خدا می داند و شما نمی دانید

از تو درباره جنگ در ماه حرام (رجب، شوال، ذی قعدة و ذی
حجه) می پرسند (چون عده ای از سپاهیان اسلام اشتباهها
در آن ماه جنگیده بودند)، بگو: هر نوع جنگی در آن
(گناهی) بزرگ است، ولی هر نوع جلوگیری از راه خدا (از
اسلام آوردن مردم)، و کافر شدن به او و (منع مردم از)
مسجد الحرام، و بیرون کردن اهلس از آن، (گناه این اموری
که کفار انجام می دهند) در نزد خداوند بزرگتر (از جنگ در
ماه حرام) است، و فتنه (شرک و آزار مسلمین) از کشتار
بزرگتر است! و همواره (مشرکان) با شما خواهند جنگید تا
اگر بتوانند شما را از دیتان بازگردانند، و هر که از شما از
دینش برگردد و در حال کفر بمیرد، چنین کسانی عمل های
نیکشان در دنیا و آخرت تباه می شود (در دنیا نیز ذکر خیر
و دعا و ترحم مردم به واسطه آثار نیکشان تبدیل به عکس
می شود) و آنها اهل آتش اند و در آنجا جاودانند

البته کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت نموده و در
راه خدا جهاد کرده اند، آنها به رحمت خداوند امیدوارند، و
خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

از تو درباره شراب و قمار می پرسند، بگو: در ارتکاب آن دو
گناهی است بزرگ و سودهایی (مادی) برای مردم، و گناه
آنها بزرگتر از سودشان است. و از تو می پرسند که چه چیز
انفاق کنند؟ بگو: آنچه میسور است. این گونه خداوند برای
شما آیات خود را روشن می کند، شاید بیندیشید

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الَّتِي مَنَعَتْهُمْ قُلُوبُهَا أَنْ يَفْقَهُوا قَوْلَ اللَّهِ وَلَهُمْ خَيْرٌ مِّمَّا يُخَالِفُونَ فَأَخْوَنُكُمْ بِاللَّهِ يَعْلَمُ الْمُنْكَرَ مِنَ الْمُنْكَرِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

در (باره کارهای) دنیا و آخرت. و از تو درباره (دخالت در امور) یتیمان پرسند، بگو: اصلاح حال آنها بهتر است، و اگر با آنها به اشتراک زندگی کنید (مانعی ندارد) آنان برادران (دینی) شما هستند، و خداوند افسادگر را از اصلاح گر می شناسد، و اگر خدا می خواست شما را در سختی می افکند (حفظ مال و جان آنها را جداگانه واجب می کرد)، همانا خدا مقتدر و حکیم است

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُوْمِنَ بِوَلَّامَةٍ مُّؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

و زن های مشرک را به همسری مگیرید تا ایمان بیاورند، و البته کنیزی با ایمان از زنی آزاد و مشرک بهتر است هر چند (جمال و مال) او شما را خوش آید، و به مردان مشرک زن ندهید تا ایمان بیاورند، و حتما برده ای باایمان از مردی آزاد و مشرک بهتر است هر چند (مال و جاه) او شما را خوش آید. آنها (مرد و زن مشرک در طول مدت زوجیت در کفر و فسق همسر خود، اثر می گذارند و در نتیجه) به سوی آتش می خوانند و خداوند به توفیق خود به سوی بهشت و آمرزش می خواند و آیات خود را برای مردم بیان می کند، شاید متذکر شوند

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

و از تو درباره عادت زنانه می پرسند، بگو: آن نوعی آزار و ناراحتی است. پس از (آمیزش با) زنان در زمان عادت کناره گیری نمایید و تا پاک نشوند به آنها نزدیک نشوید و چون (از عادت) پاک شدند (یا غسل کردند) از همان جا که خدا دستور داده با آنان آمیزش نمایید، همانا خداوند کسانی را که زود و زیاد توبه می کنند و کسانی را که کوشا در پاکی اند دوست دارد

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّلَقَوْنَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

زنان شما کشتزار شمايند، پس از هر سو و هر وقت که خواستيد به کشتزار خود درآييد و (با نيت اکتفاء به حلال در مقابل حرام و طلب فرزندی صالح از اين عمل، ثوابی) برای خودتان پيش فرستيد و از خدا پروا کنید و بدانيد که او را ملاقات خواهيد کرد و مؤمنان را مژده بده

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید (به خاطر بهانه هایی سوگند نخورید) که نیکی و تقوا و اصلاح میان مردم انجام ندهید و خدا را در معرض سوگندهای (مکرر) خود قرار ندهید که نیکی و تقوا و اصلاح کنید، (تا آنجا که این نام را به ابتذال کشانید) و خداوند شنوا و داناست

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

وَالْمُطَلَّاقُ يَتَرَبَّصُّ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَنِ ۖ وَلَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ ۚ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا ۚ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ ۚ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده و لغوتان مؤاخذه نمی کند، و لکن شما را به خاطر آنچه دل هایتان کسب کرده (قصد سوگند حقیقی داشته) مؤاخذه می کند، و خداوند بسیار آمرزنده و بردبار است

برای کسانی که برای دوری از زنان خود (به قصد آزار آنها) سوگند یاد می کنند (که بیش از چهار ماه با آنها آمیزش جنسی نکنند) چهار ماه مهلت است، پس اگر بازگشتند (و کفاره دادند و همبستر شدند) همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است. (این سوگند گرچه بر امر حرام و خود نیز حرام است لکن منعقد می شود و باطل کردن و دادن کفاره واجب می گردد.

و اگر تصمیم طلاق گرفتند (مانعی ندارد، سوگند منحلّ و کفّاره ساقط می شود) همانا خداوند شنوا و داناست

و زنان طلاق داده شده باید مدت سه پاکی (از عادت زنانه) خود را در انتظار دارند (عدّه نگه دارند) و اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارند بر آنها جایز نیست که آنچه را خداوند در رحم هایشان آفریده (از خون حیض یا فرزند) پنهان دارند (مثلا حیض سوم را دیده ولی انکار کنند تا به وسیله رجوع به شوهر اول بازگردند یا ندیده ادعای دیدن کنند تا مانع از رجوع شوهر شوند یا وجود اولاد را انکار نمایند تا شوهر دیگر کنند)، و شوهرانشان (در طلاق رجعی) سزاوارترند آنها را در زمان عده (به همسری) بازگردانند اگر قصد آشتی و سازش دارند، و برای آنها بر عهده مردان (در سنت فطرت و حکم شریعت) حقوقی شایسته است (چون حق استمتاع و نفقه و حسن معاشرت و ارث) مانند حقوقی که (برای مردان) بر عهده آنهاست (مثل حق طلاق، استمتاع، حسن معاشرت، و انتخاب همسر دیگر، منع از سفر، ولایت بر اولاد، ارث و غیره) و مردان را (به شهادت اختلاف کمّ و کیف حقوق) بر آنها برتری است. و خداوند مقتدر و حکیم مصلحت دان (در تکوین و تشریع) است

طلاق (رجعی که شوهر در آن حق رجوع دارد) دو بار است، پس (در هر بار بر شوهر است یا در عده رجوع کردن و او را) به نیکی نگه داشتن و یا (ترک، رجوع و او را) به خوشی و احسان رها ساختن. و برای شما جایز نیست از آنچه به آنها (به عنوان مهر) داده اید چیزی را پس بگیرید مگر آنکه هر دو بترسند که حدود خدا را برپا ندارند پس اگر (شما حکام شرع) بیم آن داشتید که آن دو حدود خدا را برپا ندارند (در صورتی که هر دو یکدیگر را نمی خواهند یا زن کراحت شدیده دارد به آنها اعلام کنید که) گناهی بر آنها نیست در آنچه زن (برای رهایی خود بعضی از مهر یا همه آن یا بیشتر از آن را به عنوان عوض طلاق) فدیه دهد. اینها مرزهای خداوند است، از آنها تجاوز نکنید، و کسانی که از مرزهای خدا تجاوز کنند آنها حقیقتا ستمکارند

پس اگر (بار سوم) او را طلاق داد دیگر آن زن بر وی حلال نخواهد بود تا آنکه با شوهری غیر او ازدواج کند، و اگر (شوهر دوم) او را طلاق داد گناهی بر او و شوهر اوّل او نیست که به یکدیگر بازگردند، در صورتی که امیدوار باشند که حدود الهی را برپا می دارند، و اینها حدود و احکام خداوند است که برای گروهی که می دانند (و عمل می کنند) بیان می نماید

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا
وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا عَآيَاتِ
اللَّهِ هُزُوءًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ
عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ
يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ
يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
ذَلِكَ أَرْكَى لَكُمْ وَأَظْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَدَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ
يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ
بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ
بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ
أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ
عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتََرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ
عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و چون زن ها را طلاق دادید و به انتهای عده خود نزدیک
شدند، پس (یا دوباره رجوع کنید و) آنها را به خوبی و
خوشی نگه دارید و یا (به ترک رجوع) به خوبی و خوشی رها
سازید، و هرگز آنان را برای آزار و زیان نگه ندارید تا به
آنها تعدی و ستم روا دارید، و هر که چنین کند پس حتما به
خویشتن ستم کرده. و آیات خدا را به مسخره نگیرید و
نعمت (بی حد) خدا را بر خودتان و آنچه را که بر شما از
کتاب و حکمت (احکام شرعی و معارف عقلی) فرو فرستاده
که شما را بدان پند می دهد به یاد آرید، و از خدا پروا
کنید و بدانید که خداوند به همه چیز داناست

و چون زنان را طلاق دادید و به پایان عده خود رسیدند آنها
را از ازدواج با شوهران خود (شوهران سابق یا آنان که
انتخاب خواهند کرد) اگر در میان خودشان به نیکی توافق
کنند باز مدارید. با این (دستور) کسانی از شما که به خدا و
روز آخرت ایمان می آورند پند داده می شوند. این برای
شما رشد دهنده تر و پاکیزه تر است، و خدا می داند و شما
نمی دانید

و مادران باید فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند این
(دستور) برای کسی است که می خواهد دوران شیرخوارگی
(طفل) را تکمیل کند، و روزی و لباس آنها به نحو متعارف بر
عهده کسی است که طفل از آن اوست (پدر) هیچ کس جز
به مقدار توانش مکلف نمی شود، نباید مادری به خاطر
فرزندش به زیان افتد و نه صاحب فرزندى برای فرزندش
(نه به مادر تحمیل شود که مجانا شیر دهد و نه به پدر که
هزینه بیشتر بپردازد) و نباید مادر و پدر (به خاطر اختلافات
خود) به فرزند خود ضرر و آسیب برسانند. و مانند این
تکلیف بر عهده وارث (پدر) نیز می باشد (که اگر پدر بمیرد
و ترکه به همان طفل رسد، نفقه مادر با شرایط فوق از آن
مال ادا می شود)، حال اگر پدر و مادر بخواهند روی توافق
و مشورتشان (فرزند را قبل از موعد مقرر) از شیر بگیرند
بر آنها گناهی نیست. و اگر بخواهید برای شیر دادن
اولادتان دایه طلبید بر شما گناهی نیست در صورتی که
آنچه را که باید بدهید به نیکی و معروف بپردازید. و از خدا
پروا کنید و بدانید خدا به آنچه می کنید بیناست

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ
بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا
جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ
أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ ۖ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ
وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۚ
وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ ۚ
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ ۚ وَأَعْلَمُوا
أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ
تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ۚ وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ ۚ وَعَلَى
الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ

وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ
فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ ۖ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي
بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ ۚ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا
الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و کسانی از شما که قبض روح می شوند و همسرانی باقی می گذارند، آنها خودشان را چهار ماه و ده روز (به عنوان عده وفات) در انتظار نگه می دارند و چون به پایان مدت خود رسیدند پس در آنچه درباره خودشان به نیکی و معروف انجام دهند (انتخاب همسر یا ترک آن) بر شما (حکام جامعه یا مسلمین) گناهی نیست، و خدا از آنچه می کنید آگاه است

و در آنچه از خواستگاری زن ها (بی که در عده وفات اند) به کنایه گوئید یا در دل های خود پنهان دارید بر شما گناهی نیست، خداوند می داند که شما به زودی آنها را (طبق غرایز فطری) یاد خواهید کرد، و لکن با آنها در خلوت قرارداد زناشویی نگذارید جز آنکه گفتاری پسندیده (و اشاره و کنایه دار) بگوئید، و هرگز تصمیم بستن عقد زوجیت نگیرید تا عده مقرر به پایان رسد، و بدانید که خداوند آنچه در دل دارید می داند پس، از (خشم) او بر حذر باشید و بدانید که خداوند بسیار آمرزنده و بردبار است

اگر زنان را در صورتی که با آنها نزدیکی نکرده اید و برای آنها مهری تعیین ننموده اید طلاق دادید بر شما گناهی نیست (نه از جهت طلاق قبل از آمیزش و نه طلاق بدون تعیین مهر) و باید آنها را بهره ای از مال خود دهید و به طرزی پسندیده از مال خود برخوردار کنید، توانگر به مقدار خویش و تنگدست به مقدار خویش، که این حق بر نیکوکاران ثابت و الزامی است

و اگر آنان را پیش از آنکه نزدیکی کنید طلاق دادید در حالی که مهری معین کرده اید پس نصف آنچه تعیین کرده اید (بر عهده شماست) مگر آنکه (آن را) خود آنها گذشت کنند یا آن کس که عقد ازدواج به دست اوست (ولی یا وکیل مطلق) گذشت کند. و گذشت شما (که همه مهر را بدهید) به تقوی نزدیکتر است، و احسان و فرونبخشی را در میان خودتان فراموش نکنید، که خداوند به آنچه می کنید بیناست

حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَنِتِينَ

۲۳۹

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

۲۴۰

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَّعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

۲۴۱

وَالْمُطَلَّقَاتِ مَتَّعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

۲۴۲

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

۲۴۳

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

۲۴۴

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۲۴۵

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَأُضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

بر همه نمازها و (به ویژه) نماز میانه (نماز ظهر) محافظت نمایید و (در نماز و در هر امری) برای خدا خاضعانه به پا خیزید

پس اگر (از دشمن یا خطر دیگر) بیم داشتید، پیاده یا سواره (نماز خوف یا مطارده بخوانید) و چون امنیت یافتید خدا را (در نماز معمولی و غیر نماز) به یاد آورید همان گونه که به شما چیزهایی را که نمی دانستید پیاموخت

و کسانی از شما که مرگشان نزدیک می شود و همسرانی باقی می گذارند بر آنهاست که برای همسرانشان و هزینه زندگی تا یک سال را بدون بیرون کردن (آنها از خانه) وصیت نمایند. و اگر خود آنها بیرون رفتند، پس راجع به آنچه درباره خودشان به طور شایسته انجام دهند (ازدواج یا اشتغالی انتخاب نمایند)، بر شما (وارثان میت) گناهی نیست (و هزینه ساقط می شود) و خداوند توانا و حکیم است (این حکم در صدر اسلام بود بعدا نسخ و تبدیل به ارث و عده شد)

و برای زن های طلاق داده شده متاع و وسیله برخورداری به شیوه پسندیده (از جانب شوهر) لازم است (هزینه مدت عده، تمام مهر، بعض مهر و متعه بر حسب اختلاف طلاق)، که این بر عهده پرهیزکاران ثابت و الزامی است

این گونه خداوند آیات (احکام دین) خود را برای شما روشن می کند، شاید بیندیشید

آیا (به دیده عبرت) ننگریستی به کسانی که از خانه های خود در حالی که هزاران نفر بودند از بیم مرگ (و برای فرار از جهاد) بیرون آمدند، پس خداوند به آنها گفت: بمیرید (اراده نمود مرگ آنها را، بلافاصله مردند). سپس آنها را زنده کرد (تا بفهمند فرار از مرگ ممکن نیست). حقا که خداوند بر مردم صاحب فضل و بخشش است، و لکن بیشتر مردم سپاس نمی گزارند

و در راه خدا (با دشمنان) بجنگید، و بدانید که خداوند شنوا و داناست

کیست آن که به خداوند قرض الحسنه دهد تا خدا آن را برایش (در وقت پرداخت) چندین برابر فروتر کند؟! و خداست که (روزی را) تنگ می کند و می گسترده، و به سوی او بازگردانده می شوید

۲:
بقره
۲۴۶
/۲۸۶

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ أَبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُنْقِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

۲۴۷

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۲۴۸

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آءَالُ مُوسَى وَعَالُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

آیا (به دیده دل) ننگریستی به (حال) آن گروه از سران و اشراف بنی اسرائیل پس از (فوت) موسی که به یکی از پیامبران خود (شموئیل) گفتند: برای ما فرمانروایی برانگیز تا در راه خدا پیکار کنیم، گفت: آیا احتمال نمی دهید که اگر پیکار بر شما نوشته و مقرر شد نجنگید (و نافرمانی کنید)؟ گفتند: ما را چیست که در راه خدا نجنگیم در حالی که از میان خانه ها و فرزندانمان بیرون شده ایم! پس هنگامی که کارزار بر آنها مقرر گردید جز اندکی از آنان (همگی) پشت کردند، و خداوند به ستمکاران داناست

و پیامبرشان به آنان گفت: همانا خداوند طالوت را برای شما به عنوان فرمانروا برانگیخت. گفتند: چگونه او را بر ما فرمانروایی است در حالی که ما به فرمانروایی از او سزاوارتریم، و به او وسعت مالی داده نشده؟! (پیامبرشان) گفت: بی تردید خدا او را بر شما برگزیده و او را در دانش و نیروی بدنی فروزی بخشیده، و خدا ملک و شاهی خود را به هر کس بخواهد می دهد، و خدا (از نظر وجود و توان و رحمت) دارای وسعت است و داناست

و پیامبرشان به آنها گفت: همانا نشانه فرمانروایی او این است که آن تابوت (مندوق عهدی که موسی را در داخل آن به آب افکنده بودند) نزد شما بیاید که در آن آرامش دلی از جانب پروردگارتان (برای شما) ست و بازمانده ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون به جای نهاده اند (از قبیل عصا و زره و نعلین موسی و الواحی از تورات و عمامه هارون) که آن را فرشتگان حمل می کنند. البته در آن نشانه ای است (از صدق حاکمیت طالوت) برای شما اگر اهل ایمان باشید

۲۰
بقره
۲۴۹
/۲۸۶
۳۴ ر

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ
فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي
إِلَّا مَنْ أَغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ
فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا
الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُّلْقُوا
اللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ
وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

۲۵۰

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا
وَتَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَانْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

۲۵۱

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ
الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ
النَّاسَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو
فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ

۲۵۲

تِلْكَ ءَايَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ
الْمُرْسَلِينَ

پس چون طالوت با سپاهیان (به قصد جنگ با عمالقه از
مقرشان) فاصله گرفتند، گفت: همانا خداوند شما را به
واسطه نهر آبی آزمایش خواهد کرد، پس هر که از آن
(سیر) بنوشد از من نیست و هر که از آن نخورد از من
است مگر آن کس که کف آبی به دستش بگیرد (که او هم
از من است). پس جز اندکی از آنان همگی از آن آشامیدند.
و چون او با کسانی که با وی ایمان آورده بودند از نهر
گذشتند (عده ای از آنان) گفتند: ما را امروز توان مقابله با
جالوت و سپاهیانش نیست. (اما) کسانی که باور داشتند که
دیدارکننده خدایند (مؤمنان به آخرت) گفتند: بسا گروه
اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند، و
خدا با صابران است

و چون برای جنگ با جالوت و سپاهیانش ظاهر شدند، گفتند:
پروردگارا، بر (دل های) ما مبر و شکیبایی فرو ریز و قدم
های ما را استوار کن و ما را بر گروه کافران نصرت ده

پس آنها را به توفیق خداوند شکست دادند، و داود (که)
یکی از سربازان طالوت بود) جالوت را کشت، و خدا او را
سلطنت و فرمانروایی و حکمت (علوم شریعت و معارف
عقلی) داد و از آنچه می خواست به او آموخت (مانند کتاب
زبور، داوری بر طبق واقع، منطق پرندگان و بافتن زره از
آهن). و اگر نبود بازداشتن خداوند برخی مردم را به وسیله
برخی دیگر حتما فساد زمین را فرا می گرفت و لکن خداوند
دارای فضل بر همه جهانیان است

اینها آیات (و نشانه های توحید و قدرت) خداست که به حق
و راستی بر تو می خوانیم، و حقا که تو از فرستادگانی

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ^ص
وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَعَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ
وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ^ط وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ
بَعْدِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا
فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ^ج وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا
أَقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ
يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفْعَةٌ^ط وَالْكَافِرُونَ هُمُ
الظَّالِمُونَ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ^ج لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ^ج
لَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ^ط مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ
عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ^ه يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ^ط وَلَا
يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ^ج وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ^ط وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا^ج وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ^ط قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ^ج فَمَن يَكْفُرْ
بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا
انْفِصَامَ لَهَا^ط وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

از این فرستادگان، برخی را (که ذکرشان گذشت) بر برخی
برتری دادیم، از آنان کسی هست که خدا با وی سخن گفت
(مانند موسی)، و برخی را چندین درجه بالا برد، (مانند
پیامبران اولوا العزم) و عیسی بن مریم را دلایل روشن
(معجزات آشکار) عطا کردیم و او را با روح القدس تأیید
نمودیم. و اگر خداوند اراده حتمی می کرد، کسانی که بعد
آنها (از امت های آنان در طول تاریخ) آمدند پس از آنکه
(آن همه) دلایل روشن به آنها رسید با هم نمی جنگیدند،
ولی اختلاف کردند، پس برخی از آنان ایمان آوردند و برخی
کافر شدند (و جنگ ها در جهان به راه انداختند). و حتما اگر
خدا می خواست نمی جنگیدند، و لکن خدا آنچه را اراده کند
(مختار قرار دادن بندگان در عقاید و اعمال) انجام می دهد

ای کسانی که ایمان آورده اید از آنچه به شما روزی کرده
ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی بیاید که در آن نه خرید
و فروشی است و نه دوستی و نه شفاعتی و کافرانند که
ستمکارند

خدای یکتاست که جز او معبودی نیست، زنده قائم به ذات
و برپا دارنده توانا و دائم (جهان هستی) است، هیچ گاه او
را خواب سبک و سنگین فرا نمی گیرد، آنچه در آسمان ها و
آنچه در این زمین است (علاوه بر خود آنها) از آن اوست (به
ملاك آنکه آفرینش و حفظ و تدبیر و فانی کردن همه در
تحت اراده اوست) کیست آنکه جز به اذن او در محضرش
وساطت کند (وساطت تکوینی در میان اسباب و مسببات در
این جهان، و شفاعت ارادی در سقوط کیفر اعمال و فزونی
پاداش در جهان دیگر)؟! آنچه را در جلو روی مردم و آنچه را
در پشت سر آنهاست (حوادث آینده و گذشته جهان را) می
داند و آنها به چیزی از علم او احاطه ندارند جز به آنچه او
بخواهد. کرسی (سلطه و ربوبیت) او آسمان ها و زمین را
فرا گرفته و نگهداری آنها بر او سنگینی و خستگی ندارد، و
او والا و بزرگ است

در (اصول اعتقادات) دین اکراه نیست (زیرا اذعان و
باورهای باطنی اکراه پذیر نیست بلکه تابع دلیل و برهان
است، و) بی تردید راه هدایت از گمراهی (به واسطه این
قرآن) روشن شده است، پس هر که به طغیانگر (شیطان و
پیروانش) کفر ورزد و به خدا ایمان آورد حقا که به
دستگیره محکم چنگ زده که گسستن ندارد، و خداوند
شناو و داناست

اللَّهُ وَلِىُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَائُهُمُ الظَّالِمُونَ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ
إِلَى الظُّلُمَاتِ ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ ءَاتَاهُ اللَّهُ
الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبرَاهِيمُ رَبِّىَ الَّذِى يُحْيِى وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا
أَحْيِى وَأُمِيتُ ۖ قَالَ إِبرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِ بِالشَّمْسِ مِنَ
الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِى كَفَرَ ۗ وَاللَّهُ
لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

أَوْ كَالَّذِى مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى
يُحْيِى هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ
بَعَثَهُ ۖ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۖ قَالَ
بَلْ لَبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ ۖ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ
يَتَسَنَّهْ ۖ وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ ءَايَةً لِلنَّاسِ ۖ وَانْظُرْ
إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا ۖ فَلَمَّا تَبَيَّنَ
لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

خداوند دوست و سرپرست کسانی است که ایمان آورده
اند، آنها را از تاریکی ها (ی جهل و کفر و فسق) به سوی نور
(علم و ایمان و تقوا) بیرون می برد، و کسانی که کفر
ورزیدند سرپرستان آنها طغیانگرانند که آنها را از نور
(هدایت) به سوی تاریکی ها (ی گمراهی) بیرون می برند.
آنها اهل آتشند که در آنجا جاودانند

آیا (به دیده دل) ننگریستی به آن که (نمرود) با ابراهیم
درباره پروردگارش- از سر غروری که خدا او را پادشاهی
داده بود- به محاجه و گفتگو پرداخت؟ آن گاه که ابراهیم
گفت: پروردگار من آن است که زنده می کند و می میراند.
او گفت: من (نیز) زنده می کنم و می میرانم (از دو نفر
محکوم یکی را آزاد می کنم و دیگری را می کشم). ابراهیم
گفت: همانا خداوند (من) خورشید را از مشرق بیرون می
آورد، تو آن را از مغرب بیرون آور! پس آن کس که کفر
ورزیده بود مهوت ماند. و خداوند هرگز مردمان ستمکار را
هدایت نمی کند

یا (کسی را دیده ای) مانند آن که به دهکده ای عبور کرد
که (سقف خانه ها فرود آمده و) دیوارها بر روی سقف
هایش فرو ریخته (و اجساد ساکنانش پراکنده و پوسیده)
بود؟ (از روی تعجب با خود) گفت: چگونه خداوند اینها را
پس از مرگشان زنده می کند؟! پس خدا او را صد سال
میراند، سپس او را برانگیخت، گفت: چقدر (این جا) درنگ
کرده ای؟ گفت: یک روز یا پاره ای از یک روز درنگ کرده
ام. گفت: بلکه صد سال درنگ کرده ای به خوراک و
نوشیدنی ات بنگر که تغییری نکرده و به درازگوشت بنگر
(که چگونه متلاشی شده! ما چنین کردیم تا خواسته ات را
برآوریم) و تا تو را نشانه ای (از توحید و قدرت خود) برای
مردم قرار دهیم، و به استخوان ها (ی درازگوشت) بنگر که
چگونه آنها را برمی داریم (و به هم وصل کرده) سپس بر
آنها گوشت می پوشانیم! پس چون (کیفیت بعث) بر او
روشن شد، گفت: اکنون می دانم که خدا بر همه چیز
تواناست (و اینک به عین الیقین دیدم)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَظْمِنَ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبَعُونَ مِمَّا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَتَكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

و (به یاد آر) هنگامی که ابراهیم گفت، پروردگارا به من نشان ده که مردگان را چگونه زنده می کنی، گفت: آیا (به قدرت من یا به روز جزا) ایمان نداری؟ گفت: چرا، و لکن (درخواست کردم) تا قلبم (با عین الیقین) آرامش یابد. گفت: پس چهار (نوع) پرنده بگیر و آنها را به خود نزدیک گردان (تا علائم جسمی آنها را به دقت ببینی) و ریز ریز (و مخلوط به هم) کن، سپس بر هر کوهی (در این اطراف) پاره ای از آنها را قرار ده، آن گاه آنها را بخوان، که شتابان به سوی تو می آیند. و بدان که خداوند مقتدر شکست ناپذیر و حکیم است

مثل (انفاقات) کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند مثل دانه ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه ای یکصد دانه باشد (پس انفاق هر چیزی هفتصد برابر پاداش دارد) و خداوند برای هر که بخواهد (و حکمتش اقتضا کند) چند برابر می کند، و خداوند (از نظر وجود و توان و رحمت) دارای وسعت است و داناست

کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند سپس منت و آزاری (زخم زبانی) به دنبال انفاقشان نمی آورند، آنان را در نزد پروردگارشان پاداشی درخور آنهاست، و (در آن جهان) نه بیمی بر آنهاست و نه اندوهی خواهند داشت

گفتاری پسندیده و بخشیدن (اصرار و بدزبانی سائلان) بهتر از صدقه ای است که دنبالش آزاری باشد، و خداوند بی نیاز و بردبار است

ای کسانی که ایمان آورده اید، صدقه های خود را با منت آردن باطل نکنید، مانند کسی که مالش را به ریا و خودنمایی به مردم انفاق می کند و به خدا و روز واپسین ایمان ندارد، که مثل او مثل سنگ سخت و صافی است که خاکی (اندک) بر آن نشسته، پس باران تند و درشتی به آن برسد و آن را سنگی صاف (و بدون خاک و گیاه) واگذارد (صدقه او نظیر آن خاک است. و ریاکاران) به چیزی از آنچه کسب کرده اند دست نمی یابند، و خداوند مردم کافر را هدایت نمی کند

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ أَتْبَعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا
مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ
أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلٌّ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنَّ تَكُونَ لَهُو جَنَّةٌ مِّنْ نَّحِيلٍ وَأَعْنَابٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ
الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ
فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ
تَتَفَكَّرُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا
أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ
تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ
اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ
يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ
خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

و مثل (انفاقات) کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی
خدا و استوارسازی روحشان (در ایمان و عمل) انفاق می
کنند، مثل باغی است در جایی مرتفع که باران تندی بدان
رسیده پس میوه خود را دو چندان داده باشد، پس اگر
باران تندی نرسیده باران نرمی رسیده (و بی گیاه نمانده
است)، و خداوند به آنچه عمل می کنید بیناست

آیا یکی از شما دوست دارد که او را باغی باشد از درختان
خرما و انگور، که از زیر (درختان) آن نهرها جاری گردد، و او
را در آن باغ از هر گونه میوه ای باشد، در حالی که پیری به
او رسیده و فرزندان خردسال و ناتوان دارد، پس گردبادی
محتوی آتش سوزان به آن برسد و یکسره بسوزد؟! این
گونه خداوند آیات (احکام و معارف دینی) خود را برای شما
روشن می کند، شاید بیندیشید (در اینکه مبادا در آخرت
در شدت احتیاج، عمل های خیر خود را به وسیله آتش ریا و
منت و کفر نابود بیابید)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از پاکیزه ها و حلال های آنچه
کسب کرده اید و آنچه برای شما از زمین بیرون آورده ایم
(از کشت و معادن) انفاق نمایید و قصد مال ناپاک (بد و
حرام) نکنید که از آن انفاق نمایید، در حالی که آن را (اگر
در برابر حق خودتان می دادند) جز با چشم پوشی (و بی
میلی) نمی گرفتید، و بدانید که خداوند بی نیاز و ستوده
(صفات و ستوده افعال) است

شیطان شما را (به هنگام هر انفاقی) وعده فقر می دهد و
شما را به کار زشت (بخل و غیره) امر می کند، و خداوند
شما را وعده آموزش از جانب خود و فضل و فرونی می
دهد، و خدا صاحب سعه (وجودی، توانی و رحمتی) و دانا (به
همه چیز) است

حکمت را (احکام شریعت و معارف عقلی و عملی را) به هر
کس بخواهد (و در وجود او اقتضا داشته و با حکمت حق
موافق باشد) می دهد، و کسی که به او حکمت داده شود
حقا که خیری فراوان داده شده، و جز صاحبان خرد ناب
کسی پند نمی گیرد

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ^ط
وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

۲۷۱

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ^ط وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا
الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ^ج وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ
سَيِّئَاتِكُمْ^ط وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

۲۷۲
حزب
۱۹

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ^ط وَمَا
تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ^ج وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ
اللَّهِ^ج وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

۲۷۳

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ
ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ
تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا^ط وَمَا تُنْفِقُوا
مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ^ع عَلِيمٌ

۲۷۴
۳۹

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ
أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

و هر نفقه ای که (در راه حق) انفاق نمودید و هر تعهدی که
(در راه خدا) بر عهده گرفتید، بی تردید خدا آن را می داند
(و پاداش می دهد، و تخلف از آن ستمکاری است) و هرگز
برای ستمکاران یآوری نیست

اگر صدقه ها (ی مستحبی) را آشکار سازید کاری نیکوست،
و اگر آنها را پنهان دارید و به فقرا بدهید آن برای شما بهتر
است و (خداوند) از گناهانتان می زداید، و خداوند به آنچه
می کنید آگاه است

هدایت (باطنی) آنها بر عهده تو نیست (بلکه وظیفه تو ابلاغ
و بیم و مرده دادن و اقامه حجت است) و لکن خداست که
هر کس را بخواهد (طبق اقتضاء حکمت و رحمتش) هدایت
می کند، و هر مالی که انفاق کنید به سود خودتان است، و
جز برای طلب رضای خدا انفاق نمی کنید (پس بهترین را
انفاق کنید و منت هم ننهید) و هر مالی انفاق کنید (پاداش
آن در آخرت یا تجسم عینی آن) به طور کامل به شما داده
می شود و هرگز بر شما ستم نمی رود و از حقتان کم نمی
گذارند

(صدقات) از آن فقیرانی است که در راه خدا (مانند جهاد یا
غارت رفتن اموال یا بیماری مزمن یا تحصیل علم) گرفتار
آمده اند، نمی توانند (برای تحصیل معاش خود) هیچ گونه
در روی زمین سفر کنند، فرد ناآگاه آنها را از شدت
محافظتی که دارند توانگر می پندارد آنها را از سیمایشان
می شناسی از مردم به اصرار چیزی نمی خواهند. و هر چه
از مال انفاق کنید مسلماً خداوند به آن داناست

کسانی که اموال خود را در شب و روز، پنهان و آشکار،
انفاق می کنند، آنها را در نزد پروردگارشان پاداشی است
درخور مقامشان، و (در آخرت) نه بیمی بر آنهاست و نه
اندوهی خواهند داشت

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي
يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ
مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ
مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ
وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ
كَفَّارٍ أَثِيمٍ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَوَاتُوا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ
فَلََكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ
لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا
كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

کسانی که ربا می خورند، (در میان مردم) قیام و رفتاری
ندارند مگر مانند رفتار کسی که شیطان او را به برخورد
خود دیوانه کرده (تعادل رفتار او را به هم زده). این بدان
سبب است که آنها گفتند: بی تردید داد و ستد نیز مانند
رباست، در حالی که خداوند داد و ستد را حلال و ربا را
حرام نموده. پس هر که پندی از جانب پروردگارش بدو
رسد و (از رباخواری) باز ایستد، آنچه گذشته از آن اوست
(سودی که پیش از نزول حکم ربا گرفته مال اوست)، و
کارش (از نظر کیفر اخروی) با خداست، و کسانی که (به
رباخواری) بازگردند آنها اهل آتشند، در آن جاودان خواهند
ماند

خداوند ربا را نابود می کند (برکت مال ربوی را می برد) و
صدقات را فزونی می بخشد، و خداوند هیچ کفران کننده
گنهکاری را دوست نمی دارد

همانا کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده و
نماز را به پا داشته و زکات پرداخته اند، برای آنان در نزد
پروردگارشان پاداشی در خور شأن آنهاست، و (در آخرت)
نه بیمی بر آنهاست و نه اندوهی خواهند داشت

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید، و آنچه از
ربا (اضافه بر سرمایه بر ذمه دیگران) باقی مانده رها کنید
اگر ایمان دارید

و اگر چنین نکردید (و به رباخواری ادامه دادید) پس یقین
کنید به پیکاری از سوی خدا و فرستاده او (که متوجه شما
می شود، و دولت حقّه یا جامعه انفجار یافته آن را از شما می
گیرد). و اگر توبه کردید سرمایه های شما از آن شماسست (و
سودش را رد کنید، که در این صورت) نه ستم می کنید و
نه ستم می بینید

و اگر (بدهکار) تنگدست بود پس (بر شماسست) مهلت دادن
او تا وقت توانایی. و صدقه دادن شما (گذشت از اصل
بدهی) برای شما بهتر است اگر بدانید

و بپرهیزید از روزی که در آن به سوی خدا بازگردانده می
شوید، سپس به هر کسی جزای آنچه کسب کرده و یا تجسم
عینی آنچه کرده به کمال داده می شود و آنان مورد ستم
قرار نمی گیرند و از پاداششان کم گذاشته نمی شود

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى
فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب
كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُب وَلْيُمْلِلِ
الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا
فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا
يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا
شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ
وَأَمْرَاتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا
فَتَذْكُرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا
وَلَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلٍ
ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا
إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ
عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا
يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ
وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که دینی را تا مدت معینی (به خاطر گرفتن وام یا داد و ستد) به یکدیگر بدهکار شدید آن را بنویسید، و باید نویسنده ای (سند آن را) در میان خودتان به عدالت بنگارد، و هرگز نباید نویسنده از نوشتن آن- همان گونه که خدا به وی آموخته- امتناع ورزد، او باید بنویسد و کسی که حق به گردن اوست (بدهکار) املا کند، و از خداوند که پروردگار اوست پروا نماید و از حق چیزی را کم نگذارد، و اگر کسی که حق به گردن اوست سفيه یا ناتوان (ستنی) باشد یا (به خاطر آفت زبان) نتواند املا کند، ولی او به عدالت املا نماید. و دو گواه از مرداتان (مردان مسلمان) را به شهادت بطلبید، و اگر دو مرد نباشد، یک مرد و دو زن را از میان گواهانی که (از دینشان) رضایت دارید گواه بگیرید، تا اگر یکی از آن دو زن فراموش نمود آن دیگری او را یادآوری نماید. و چون گواهان (برای تحمل شهادت یا اداء آن) دعوت شوند خودداری نکنند. و از نوشتن بدهی که تا مدتی معین مهلت دارد، کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید. این کار در نزد خدا عادلانه تر و برای گواهی استوارتر و به اینکه شک نکنید (و نزاعی برنخیزد) نزدیکتر است، مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که در میان خود تبادل می کنید، که بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و (بهتر است که) هر زمان داد و ستد کنید شاهد بگیرید، و نباید نویسنده و گواه (به واسطه زیاد و کم کردن، به صاحب حق) ضرر بزنند و نباید به نویسنده و شاهد به سبب ندادن حقشان ضرر برسد، و اگر چنین کنید برای شما فسق و گناه است. و از خدا پروا کنید، و خدا به شما می آموزد و خدا به همه چیز داناست

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَنْ مَّقْبُوضَةً فَإِنْ
أَمِنْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمْنَتَهُ وَلْيَتَّقِ
اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ عِشْمٌ
قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي
أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ
وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ءَامِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ؕ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ
ءَامِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ ؕ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ
أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ؕ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ؕ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا
وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

لَا يُكَفِّرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا
مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا
وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا
رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ؕ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ
لَنَا وَارْحَمْنَا ؕ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

و اگر در سفر بودید و نویسنده ای نیافتید، وثیقه های دریافت شده (جایگزین سند و گواه) است. و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین شمرد (و وثیقه نگرفت) آن کس که امینش شمرده اند باید امانت (بدهی) خود را ادا نماید و از خداوند، پروردگار خود پروا کند. و شهادت را (در مرحله ادا) کتمان نکنید، و هر که آن را کتمان کند قلب او گنهکار است، و خدا به آنچه می کنید داناست

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است (علاوه بر خود آنها) ملک حقیقی خداست، و اگر آنچه در دل دارید (از عقاید فاسده و ملکات رذیله، نه مجرد خطورات و نه ملکات غیر اختیاری) آشکار نمایید یا پنهان سازید خدا شما را به آن محاسبه می کند، پس هر که را بخواهد (به اقتضای رحمتش) می بخشد و هر که را بخواهد (به اقتضای عدلش) عذاب می کند، و خدا بر هر چیزی تواناست

فرستاده ما بدانچه از جانب پروردگارش به سوی او نازل شده ایمان آورده و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب ها و فرستادگان او ایمان آورده اند (و گفتند) میان هیچ یک از فرستادگان او فرق نمی گذاریم، و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا عفو را می طلبیم، و بازگشت (همه) به سوی توست

خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند، هر کس هر کار خیری کسب کرده به سود اوست، و هر کار بدی کسب نموده به زیان اوست، (و مؤمنان گویند) پروردگارا، اگر ما فراموش نمودیم یا خطا کردیم ما را مواخذه مکن پروردگارا، و بار تکالیف سنگینی (به کیفر گناهانمان) بر دوش ما منه چنان که بر کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه بدان طاقت نداریم (از عذاب آخرت) بر ما تحمیل مکن، و از ما درگذر، و ب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ
التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

مِّن قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

هُوَ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ
الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ
فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا
يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا
بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ
رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ
الْمِيعَادَ

الف، لام، میم. این حروف رمزهایی میان الله و رسول اوست. این کتاب مرکب از همین حروف است و کسی توان آوردن مانند آن را ندارد. این کتاب از الف (الله) به وسیله لام (جبرئیل) به میم (محمد صلی الله علیه وآله) القا شده. این کتاب دارای محکّمات و این گونه متشابهات است

خدای یکتا، که جز او معبودی نیست، زنده و قائم به ذات و برپا دارنده توانا و دائم (جهان هستی) است

این کتاب را به حق (و هدفی والا و عقلانی) به تدریج بر تو فرو فرستاد که تصدیق کننده است آنچه را پیش از اوست (از پیامبران و شرایع و کتاب های آسمانی)، و (هر یک از) تورات و انجیل را دفعتا و مجموعا فرو فرستاد

پیش از این برای هدایت مردم، و فرقان را (کتاب های آسمانی دیگر جدا کننده حق از باطل را) نازل کرد. بی تردید کسانی که به آیات و نشانه های خدا کفر ورزیدند برای آنها عذابی سخت است و خداوند مقتدر و صاحب انتقام است

مسلمّا چیزی نه در زمین و نه در آسمان (که از آن جمله ایمان و کفر شماسـت) بر خدا پنهان نیست

اوست که شما را در رحم ها (ی مادران) به هر گونه که می خواهد تصویر می کند، جز او خدایی نیست، مقتدر شکست ناپذیر و دارای اتقان صنع (در تکوین و تشریع) است

اوست که این کتاب را بر تو فرو فرستاد که برخی از آن آیه های محکم به لفظ صریح (و به معنی روشن) است، که آنها مادر و اساس کتابند، (ابهام آیات دیگر با آنها رفع می شود) و برخی دیگر آیه های متشابه است (چند پهلو است و معنی آن به واسطه عموم محتوا و عمق معنی و تعدد مراد در بدو نظر روشن نیست و باید به وسیله آیات محکم و عقل سلیم تفسیر شود)، اما کسانی که در دل های آنان انحراف (از حق) است، برای فتنه جویی و طلب تأویل (یافتن معنی نادرست)، از این کتاب از آنچه متشابه است پیروی می کنند، در حالی که تأویل (و بازگشت معنی حقیقی) آن را جز خدا نمی داند و آنان که رسوخ در دانش دارند می گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست (چه محکم و چه متشابه، و چه معنی را بدانیم و چه ندانیم) و جز صاحبان خرد ناب متذکر نمی شوند

(آنان می گویند) پروردگارا، دل های ما را پس از آنکه ما را راهنمایی کردی منحرف مگردان، و از جانب خود رحمتی به ما مبذول دار، زیرا که تویی که بسیار بخشنده ای

پروردگارا، بی تردید تو گردآورنده مردمی به روزی که شکی در آن نیست حقا که خداوند تخلف وعده نمی کند

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ
مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ وَقُودُ النَّارِ

۱۱

كَذَّابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۱۲

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ
وَبِئْسَ الْمِهَادُ

۱۳

قَدْ كَانَ لَكُمْ ءَايَةٌ فِي فِئَتَيْنِ اللَّتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأَىٰ الْعَيْنِ وَاللَّهُ
يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

۱۴

زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ
وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ
الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ

قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ
جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ
مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

همانا کسانی که کفر ورزیدند هیچ گاه اموال و فرزندانشان
چیزی از (عذاب) خدا را از آنها دفع نخواهد کرد، و آنهايند
که هيضم آتش (جهنم) اند

(روش آنان) مانند روش فرعونيان و کسانی (است) که
پيش از آنها بودند که آيات و نشانه های ما را تکذيب
کردند، خداوند هم آنها را به گناهانشان مؤاخذه نمود، و
خدا سخت کيفر است

به کسانی که کفر ورزيده اند بگو: به زودی (از اسلام)
شکست می خوريد و (در آخرت از قبور پراکنده خود) به
سوی جهنم گردآوری می شويد، و آن بد آرامگاهی است

حقاً برای شما در دو گروهی که با هم (در جنگ بدر) برخورد
کردند نشانه ای (از توحيد و قدرت خدا) بود، گروهی در
راه خدا می جنگيدند و گروه ديگر کافر بودند که آنان
مسلمين را به چشم خويش دو برابر خود می دیدند (و از
اين رو شکست خوردند). و خداوند هر که را بخواهد به
ياری خود تأييد می کند. البته در اين (امر) عبرتی برای
صاحبان بصيرت است

محبت مشتهيات (دنیا) از زنان و فرزندان و اموال انبوه
فراوان از طلا و نقره و اسبان نشاندار و چهارپايان و کشت و
زرع، برای مردم مزین و آراسته شده است، حال آنکه اينها
وسيله برخورداری زندگی دنياست، و خداست که بازگشت
نيکو نزد اوست

بگو: آيا شما را بهتر از اينها خبر بدهم؟ برای کسانی که پروا
پيشه کرده اند در نزد پروردگارشان بهشت هايی است که
از زير (ساختمان و درختان) آنها نهرها جاری است در حالی
که در آنجا جاودانه اند، و نيز همسرانی پاکيزه (از پليدي
های جسمی و روحی) و خوشنودیی از سوی خداست، و
خداوند به بندگان خود بيناست

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا عَامِنَّا فَاعْفُ رَ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

۱۷

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَنِتَّةِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ

۱۸

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۱۹

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

۲۰

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِّي وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

۲۱
۴۴

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّاتِ بَغْيٍ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

۲۲

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

آنان که می گویند: پروردگارا، همانا ما ایمان آوردیم، پس گناهانمان را ببخش و ما را از عذاب آتش نگره دار

همان صابران و راستان در اعتقاد و گفتار و کردار و فرمانبرداران و انفاق کنندگان و آمرزش خواهان در سحرها

خداوند (از ازل به علم خود و پس از خلقت جهان به صنع خود و سپس به زبان انبیا و خرد و کتب آسمانی) در حالی که قیام به عدالت دارد (و کارهایش بر پایه عدل استوار است) گواهی داد که معبودی جز او نیست، و فرشتگان و صاحبان دانش (نیز گواهی دادند آری) جز او معبودی نیست، مقتدر شکست ناپذیر و دارای اتقان صنع (در تکوین و تشریع) است

به یقین دین (حقیقی که انبیا آورده و به صورت شرایع به بشر عرضه داشته اند) در نزد خداوند همان اسلام است، و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده (مانند یهود و نصاری، در دینشان) اختلاف نکردند مگر پس از آنکه آنها را (به حقیقت امر) علم آمد، (آن هم) از روی حسد و برتری جویی. و هر کس به آیات خدا کفر ورزد پس (بداند که) خداوند زودرس به حساب است

پس اگر با تو به جدل و محاجّه برخاستند بگو: من وجودم را تسلیم خدا کرده ام و هم چنین کسانی که از من پیروی کرده اند و به کسانی که به آنها کتاب (آسمانی) داده شده و به بی سوادان (مشرکان بی کتاب) بگو: آیا اسلام آوردید؟ پس اگر اسلام آوردند حتما هدایت یافته اند، و اگر روی گردانند پس آنچه بر عهده توست تنها ابلاغ (رسالت) است (نه پیکار که زمان معینی دارد، و نه کیفر دادن که مربوط به خداست)، و خداوند به بندگان خود بیناست

همانا کسانی که به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را به ناحق می کشند و از مردم کسانی را که امر به قسط و عدل می کنند به قتل می رسانند، آنها را به عذابی دردناک بشارت ده

آنها کسانی اند که عمل های (خیر) آنها در دنیا و آخرت تباه و باطل شده (کارهای خیرشان آثار نیک دنیوی و پاداش اخروی ندارد). و آنها را هیچ یابوری (شفاعت کننده ای در آخرت) نخواهد بود

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

۲۴

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

۲۵

فَكَيْفَ إِذَا جُمِعَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

۲۶

قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنَزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۲۷

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَتُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

۲۸

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقْلَةً وَيُحَذِّرْكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

۲۹

قُلْ إِن تَخْضَعُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تَبْدُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آیا به کسانی که بهره ای از کتاب (آسمانی تورات و انجیل) به آنها داده شده ننگریستی که به سوی کتاب خدا (قرآن یا تورات) دعوت می شوند، تا در میان آنها (درباره نبوت محمد صلی الله علیه وآله یا حکم رجم) داوری کند، سپس گروهی از آنها در حالی که عادتشان بر اعراض (از حق) است روی می گردانند؟

این بدان سبب است که گفتند: هرگز آتش (جهنم در آخرت) جز چند روزی به ما نمی رسد و آنچه افترا می بستند (که جهنم یهود به عدد روزهایی است که اجدادشان گوساله پرستیدند) آنها را در دینشان فریب داده است

پس چگونه خواهند بود آن گاه که ما آنان را روزی که در آن شکی نیست گرد آوریم و به هر نفسی جزاء آنچه به دست آورده (و یا تجسم عینی آن) به تمام و کمال داده شود در حالی که به آنها ستم نرود و از پاداششان کسر و بر کيفرشان اضافه نشود

بگو: خداوندا، ای مالک حقیقی هر مملوک، و ای حاکم مطلق بر همه حکومت ها، به هر که خواهی حکومت می بخشی، و از هر که خواهی حکومت را بازمی گیری، و هر که را خواهی عزت می دهی، و هر که را خواهی خوار می گردانی، (حقیقت) خیر در دست توست، حقا که تو بر هر چیزی توانایی

شب را در روز درمی آوری و روز را در شب درمی آوری (مقداری از شب را از اول زمستان تا اول تابستان به تدریج وارد روز، و همان مقدار را از اول تابستان تا اول زمستان وارد شب می کنی) و زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را از زنده بیرون می آوری، (نبات را از جماد، حیوان را از نطفه و مؤمن را از کافر، و بالعکس در می آوری) و هر که را خواهی بی حساب (بی شمار و بدون استحقاق و بدون عوض) روزی می دهی

مؤمنان نباید کفار را به جای مؤمنان دوست و یاور و سرپرست بگیرند، و هر کس چنین کند در هیچ رابطه ای با خدا نیست، مگر آنکه بخواهید از آنان به نحوی تقيه نمایید. و خدا شما را از (عذاب) خود بر حذر می دارد، و بازگشت (همه زنده ها) به سوی خداست

بگو: اگر آنچه در سینه های شماست (از خطورات و اعتقادات و حالات و ملکات) پنهان دارید یا (به گفتار و کردار) آشکار سازید خدا آن را می داند و نیز آنچه را در آسمان ها و آنچه را در این زمین است می داند، و خدا بر هر چیزی تواناست

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ ءَادَمَ وَنُوحًا وَءَالَ إِبْرَاهِيمَ وَءَالَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَمْرِئُمُ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا قَالَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

روزی که هر کس آنچه را از کار خیر (در دنیا) انجام داده و آنچه را از کار بد به جا آورده حاضر شده می یابد (عین آن اعمال را به صورت قیامتی مجسم می بیند)، آرزو می کند که کاش میان او و عمل های بدش مدت زمان درازی بود (قیامت به تأخیر می افتاد). و خدا شما را از (عذاب) خود بر حذر می دارد، و خدا دلسوز بندگان است

بگو: اگر خدا را دوست می دارید پس پیروی از من کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهاتتان را ببخشد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است

بگو: خدا و فرستاده او را اطاعت کنید. پس اگر روی گردانیدند پس (بدانند که) حتما خداوند کافران را دوست ندارد

به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان (زمان خودشان) برتری داد

فرزندانی که برخی از نسل برخی دیگرند (همه یک دست در فضائل و برگزیدگی هستند)، و خداوند شنوا و داناست

(به یاد آر) هنگامی که زن عمران گفت: پروردگارا، من برای تو نذر کردم که آنچه در شکم خود دارم آزاد باشد (آزاد از هر شغل و مخصوص خدمت بیت المقدس باشد) پس، از من قبول کن، زیرا تویی که شنوا و دانایی. (خادم بیت المقدس باید پسر باشد و زن عمران گمان می کرد حملش پسر است)

پس چون او را بزاد، گفت: پروردگارا، من او را دختر آوردم – و خدا به آنچه او زاییده داناتر بود، و آن پسر (که او در نظر داشت، در فضیلت) مانند این دختر نیست– و من نام او را مریم نهادم و البته من او را و اولاد او را از (شر) شیطان رانده شده به پناه تو در می آورم

پس پروردگارش او را به پذیرش خوبی پذیرفت و به طرز نیکی بار آورد، و زکریا را (که شوهر خاله اش بود) کفیل (تربیت) او نمود. هر زمان که زکریا در محراب وارد بر او می شد روزی (خاص در غیر اوقات آن) در نزد او می یافت، (یک روز) گفت: ای مریم این روزی برای تو از کجاست؟ گفت: آن از جانب خداوند است، زیرا خدا هر کس را بخواهد روزی بی شمار می دهد

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ ۖ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ۚ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ

قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ ۖ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّي آيَةً ۚ قَالَ ءَايَتُكَ إِلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمَزًا ۖ وَادْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرَيْمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

يَمْرَيْمُ اقْنِطِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي ۚ وَأَرْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ

ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۚ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَقْلَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرَيْمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ ۖ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

آن جا و در آن وقت بود که زکریا پروردگار خود را خواند، گفت: پروردگارا، از جانب خود به من فرزندی پاکیزه عطا کن، که تو شنوای دعایی

پس فرشتگان او را در حالی که در محراب خود به نماز و دعا ایستاده بود، ندا دادند که خداوند تو را به (فرزندی به نام) یحیی مژده می دهد که تصدیق کننده کلمه ای از خداوند (عیسی)، و رهبر و بزرگ (قوم خود) و خویشتن دار (از همه کارهای باطل) و پیامبری از تبار شایستگان است

زکریا گفت: پروردگارا، چگونه برای من پسری خواهد بود در حالی که پیری به من رسیده و همسرم نازاست؟! گفت: همین طور است، (لکن) خداوند هر چه خواهد می کند

گفت: پروردگارا، برای من نشانه ای قرار ده (تا بدانم) بشارت از جانب توست نه القاء شیطانی، و یا بدانم زخم باردار شده) گفت: نشانه تو این است که نتوانی سه روز با مردم جز با رمز و اشاره سخن بگویی و پروردگارت را ذکر بسیار گو و شامگاه و صبحگاه تسبیح و تقدیس کن

و (به یاد آر) آن گاه که فرشتگان گفتند: ای مریم، همانا خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و بر زنان جهانیان (عصرت به افتخار خدمت بیت المقدس، رزق آسمانی، سخن گفتن با فرشته و تولد فرزندی بدون پدر) برتری داده است

ای مریم، برای پروردگار خود فروتنی کن (به نماز بایست و اخلاص ورز) و سجده نما، و با رکوع کنندگان رکوع کن (با نمازگزاران نماز گزار)

این (داستان ها) از اخبار غیبی است که به سوی تو وحی می کنیم و (گرنه) آن گاه که آنها قلم های خود را (به عنوان قرعه کشی در آب) می افکندند که کدامیک از آنان مریم را کفالت کند، در نزد آنها نبودی و نیز در آن حال که آنها با هم (برای نگهداری مریم) در جدال و ستیز بودند در نزد آنان نبودی

(به یاد آر) هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم، همانا خداوند تو را به کلمه ای از جانب خود (به فرزندی که به گفتار «کن» در رحم ایجاد شود) که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می دهد که صاحب جلال و احترام در دنیا و آخرت و از مقربان (درگاه خدا) است

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ

و با مردم در گهواره (به اعجاز) و در میانسالی (به وحی) سخن می گوید، و از شایستگان است

مریم گفت: پروردگارا، چگونه برای من فرزندی خواهد بود در حالی که هیچ بشری با من تماس نگرفته؟! گفت: همین طور است خداوند آنچه بخواهد می آفریند، چون چیزی را اراده حتمی کند جز این نیست که به آن می گوید: باش، پس بی درنگ می باشد

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ
كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ
كُنْ فَيَكُونُ

و او را کتاب (آسمانی همه پیامبران) و احکام شریعت و علوم عقلی، و تورات و انجیل می آموزد

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

و فرستاده ای به سوی بنی اسرائیل (قرار می دهد که به آنان می گوید) که من نشانه ای برای شما از جانب پروردگارتان آورده ام، من از گل برای شما چیزی به صورت پرنده می سازم، پس در آن می دمم که به اراده خداوند پرنده ای می گردد، و کور مادرزاد و پیس را بهبود می بخشم و مردگان را به اراده خداوند زنده می کنم، و شما را از آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم. حقا که در این نشانه ای (از توحید و علم و قدرت خدا و نبوت من) است برای شما اگر مؤمن باشید

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن
رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ
فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ
وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا
تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ
مُؤْمِنِينَ

حال آنکه تصدیق کننده تورات پیش از خود هستم و (آمده ام) برای آنکه برخی از آنچه را که بر شما حرام شده (مانند صید ماهی در روز شنبه، و گوشت شتر، و روغن بدن چهارپایان) حلال نمایم، و برای شما نشانه ای (از نبوت خود) از جانب پروردگارتان آورده ام، پس، از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ
الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا
اللَّهَ وَاطِيعُونَ

به یقین خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید، این است راه راست

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

پس چون عیسی از آنان احساس کفر نمود (دانست که همه ایمان نخواهند آورد، به منظور تعیین مرکزی برای دین و تحکیم استوانه ها و حافظان اصیل آن) گفت: یاران من (در حرکت) به سوی خدا کیانند؟ حواریون (یاران خاص سفیدپوش و روشن دل او) گفتند: ما یاران خداییم به خدا ایمان آوردیم و گواهی ده که ما تسلیم شدگانیم

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى
اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ عَامَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ
بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أُنزِلَتْ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

۵۴

وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكِرِينَ

۵۵
۴۷ ر

إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ ۖ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

۵۶

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ

۵۷

وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

۵۸

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ

۵۹

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ ۖ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ ۖ كُنْ فَيَكُونُ

۶۰

أَلْحَقْ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ

۶۱

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

پروردگارا، به آنچه فرو فرستادی ایمان آوردیم و از این فرستاده ات پیروی کردیم، پس (نام) ما را در زمره گواهان (توحید و اصول عقاید در دنیا و ابلاغ رسالت انبیا در آخرت) بنویس

و آنها (کافران بنی اسرائیل برای کشتن عیسی و محو دین او) مکر کردند و خدا هم پاسخ مکرشان را داد، و خدا بهترین پاسخ دهندگان مکر است (طراح قتل عیسی علیه السلام را به شکل او درآورد تا یارانش به جای عیسی او را به دار آویختند، و سپس دین او را رواج داد)

(به یاد آر) هنگامی که خداوند گفت: ای عیسی، همانا من تو را (از میان مردم) برمی گیرم و به سوی خود بالا می برم و از (آلودگی اجتماع) کسانی که کفر ورزیدند پاک می کنم، و تا روز قیامت کسانی را که پیروی از تو کرده اند (نصاری را تا ظهور مصلح کل و مسلمین را پس از آن) برتر از کسانی که کفر ورزیده اند (یهود) قرار می دهم، سپس بازگشت شما (در آخرت) به سوی من است، پس در میان شما در آنچه با هم اختلاف داشتید داوری می کنم

اما کسانی که کفر ورزیدند آنها را در دنیا و آخرت به عذابی سخت عذاب می کنم، و آنان را هیچ یآوری نخواهد بود

و اما کسانی که ایمان آوردند و عمل های شایسته کردند (خداوند) پاداش آنها را به نحو کامل می دهد، و خداوند ستمکاران را دوست ندارد

این (داستان) که بر تو می خوانیم از آیات و نشانه ها (ی صدق نبوت تو) و از این کتاب یادآور و با حکمت است

به یقین داستان عیسی (در چگونگی آفرینش) در نزد خداوند همچون داستان آدم است که او را از خاک آفرید سپس به او گفت: (انسان زنده) باش، پس شد (به طوری که گویی می دیدی که می شود. و البته مجسمه آن در بیرون و این در رحم ساخته شد و هر دو به امر تکوینی خدا بدون پدر انسان شدند. و اگر این معنی دلیل الوهیت است پس هر دو باید اله باشند)

(این مطلب) حق و ثابت از جانب پروردگار توست، پس هرگز از تردیدکنندگان مباش

پس هر کس با تو درباره او (عیسای مسیح علیه السلام) پس از آنکه تو را علم آمده محاجّه و ستیز کند، بگو: بیاپید ما پسرانمان را و شما پسرانتان را و ما زنانمان را و شما زنانمان را (کسانی را که مانند جان ماست) فرا خوانیم، آن گاه به یکدیگر نفرین کنیم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (پیامبر در این قصه حسنین را به عنوان ابناء و فاطمه را به عنوان نساء و علی را به عنوان نفس خود به مباحله آورد و کفار تسلیم شدند)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ

لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۶۳

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ

۶۴

۴۸ر

قُلْ يَٰأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ
أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِۦ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا
بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا۟ فَقُولُوا۟ اشْهَدُوا۟ بِأَنَّا
مُسْلِمُونَ

۶۵

يَٰأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تُحَٰجُّونَ فِىٓ إِبرٰهيمَ وَمَآ أُنزِلَتْ
ٱلتَّوْرَةُ وَٱلْإِنْجِيلَ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِۦٓ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۶۶

هَٰأَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ حَٰجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِۦ عِلْمٌ فَلِمَ
تُحَٰجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِۦ عِلْمٌ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا
تَعْلَمُونَ

۶۷

مَا كَانَ إِبرٰهيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِن كَانَ حَنِيفًا
مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ

۶۸

إِنَّ أَوَّلَى ٱلنَّاسِ بِإِبرٰهيمَ ٱلَّذِينَ أَتَبَعُوهُ وَهَٰذَا ٱلنَّبِيُّ
وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَٱللَّهُ وَلى ٱلْمُؤْمِنِينَ

۶۹

وَدَّتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا
يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

۷۰

يَٰأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَٰتِ ٱللَّهِ وَأَنتُمْ
تَشْهَدُونَ

بی تردید همین است داستان حق (حضرت مسیح)، و جز
خداوند معبودی نیست، و البته خداست که مقتدر و حکیم
است

پس اگر روی گردانند، بی تردید خداوند به (حال)
مفسدان داناست

بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما
یکسان است (انبیاء و کتاب های آسمانی بر آن متفقند) گرد
آییم، و آن این که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او
نکنیم و برخی از ما برخی دیگر را خدایانی به جای خدا
نگیرد. پس اگر (از این پیشنهاد) روی گردانند بگویید:
گواه باشید که ما مسلمانیم

ای اهل کتاب، چرا درباره ابراهیم جدال و ستیزه می کنید
(هر یک از شما می گوید او در مذهب ما بوده) در حالی که
تورات و انجیل نازل نشده مگر بعد از او! آیا نمی اندیشید؟

هان شما همانید که درباره آنچه بدان علم داشتید بحث و
جدال کردید (مانند محاجّه یهود با نصاری درباره عدم
الوهیت عیسی و عدم تثلیث، و محاجّه نصاری با یهود درباره
بعثت و نبوت عیسی)، پس چرا درباره آنچه بدان علم
ندارید (مانند آنکه ابراهیم یهودی یا نصرانی بوده) نیز
بحث و جدال می کنید؟! و خدا می داند و شما نمی دانید

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی و لکن حق گرایی تسلیم
خدا بود و نیز از مشرکان نبود

البته نزدیکترین مردم به ابراهیم (از نظر اصول و فروع
شریعت) کسانی هستند که از او (در عصر شریعتش) پیروی
کردند، و نیز این پیامبر (محمد صلی الله علیه وآله) و
کسانی که (به او) ایمان آورده اند و خدا یاور و سرپرست
مؤمنان است

گروهی از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه نمایند،
حال آنکه گمراه نمی کنند مگر خودشان را و نمی فهمند
(زیرا وبال این دوستی قلبی یا عملی دامن خودشان را می
گیرد)

ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا (در تورات و انجیل درباره
محمد صلی الله علیه وآله) کفر می ورزید در حالی که خود
گواهید (می دانید که این آیات از جانب خداست)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ
الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۷۲
۴۹ر

وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى
الَّذِينَ ءَامِنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكُفِّرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ

۷۳

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ
اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّكُمْ عِنْدَ
رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ
وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۷۴

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

۷۵
حزب ۲۴

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنُ إِن تَأْمَنُهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ
وَمِنْهُمْ مَّنُ إِن تَأْمَنُهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ
عَلَيْهِ قَائِمًا ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيَّاتِ
سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

۷۶

بَلَىٰ مَن أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

۷۷

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَنِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا
أُولَٰئِكَ لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا
يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای اهل کتاب، چرا حق را با باطل به هم آمیخته مشتبه می
کنید و حق را پنهان می دارید (آیات تورات و انجیل را
تحریف کرده داخل آنها می کنید تا حقیقت پنهان ماند) در
حالی که خود می دانید (که حقیقت چیست)؟

و گروهی از اهل کتاب (عالمان آنها به پیروان خود) گفتند:
به آنچه (از آیات قرآنی) بر مؤمنان فرود آمده در آغاز روز
ایمان آورید و در پایان آن کافر شوید، شاید (از دینشان)
بازگردند (زیرا آنها شما را اهل بصیرت در دین می دانند و
با تردید شما به تردید می افتند)

و (گفتند) جز به کسی که پیروی از دیتان دارد اطمینان
نکنید (حقیقت را نگویند)– بگو البته هدایت، هدایت
خداست– تا مبادا (معلوم شود که ممکن است) آنچه به شما
داده شده به کسی داده شود، یا (بتوانند) در نزد
پروردگارتان با شما محاجه کنند (و بالاخره اعتراف نکنید که
مسلمان ها نیز مانند شما قبله و دین و کتاب حق دارند و در
قیامت با شما محاجه خواهند کرد). بگو: فضل و رحمت به
دست خداست، به هر کس بخواهد می دهد (و ترفند شما
مانع از ایمان مستعدان نمی شود) و خداوند (از نظر ذات و
صفت) دارای وسعت، و دانا (به همه چیز) است

هر که را خواهد به رحمت خود اختصاص می دهد، و خداوند
دارای فضل و بخشش بزرگ است

و از اهل کتاب کس هست که اگر بر مال بسیاری امینش
شماری آن را به تو باز می گرداند، و از آنها کس هست که
اگر بر یک دینار امینش شماری آن را به تو باز نمی دهد
مگر آنکه پیوسته بالای سرش بایستی (و مال خود را از او
مطالبه کنی)! این بدان سبب است که آنها گفتند (معتقدند
که) بی سوادان را (غیر یهودیان را) راهی (حق مطالبه ای)
بر ما نیست. و بر خدا دروغ می بندند در حالی که (تباهی
سخن خود را) می دانند

چرا، (مسلمین را بر شما حق است، زیرا) هر که به پیمان
خود (در تعهد به دین) وفا نمود و تقوا پیشه کرد بی تردید
خداوند پرهیزکاران را دوست دارد (و دوست خدا را بر
غیرش حق است)

مسلمان کسانی که در مقابل (نقض) پیمان و سوگندهای خود
(پیمان پذیرفتن دین و سوگند بر یاری حق) بهای اندکی به
دست می آورند (ریاست و مالی می یابند) آنها را در آخرت
بهره ای نیست و خدا با آنان سخن نمی گوید و در روز
قیامت به آنان نظر (رحمت) نمی افکند و آنها را پاک نمی
گرداند و برای آنان عذابی دردناک خواهد بود

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنْ أَلْكِتَابٍ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّيْنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا أَلْمَلِكَةَ وَالنَّبِيَّيْنَ أَرْبَابًا ۚ أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّيْنَ لَمَّا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ ۖ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۚ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي ۖ قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا ۚ وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ

فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

أَفَعَيِّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

و البته از آنان (یهود) گروهی هستند که زبان های خود را در مقام خواندن کتاب (تورات تحریف شده، ماهرانه) می پیچانند تا شما گمان کنید که آن از کتاب آسمانی است، در حالی که از کتاب آسمانی نیست و می گویند: آن از جانب خداست، در حالی که از جانب خدا نیست و دانسته و آگاهانه به خداوند دروغ می بندند

هیچ بشری را نسزد و ممکن نباشد که خداوند او را کتاب (آسمانی) و حکمت یا ولایت امر و پیامبری دهد، سپس او به مردم بگوید: به جای خدا بندگان من باشید! و لکن (می سزد که بگوید) مردمانی خداپرست و تربیت یافتگان و علماء دین باشید از آن رو که آموزگاران کتاب هستید و از آن رو که آن را به خوبی فرا گرفته و می خوانید

و نیز نسزد که شما را دستور دهد فرشتگان و پیامبران را به خدایی بگیرید. آیا (هیچ پیامبری) شما را پس از آنکه تسلیم حق شده اید دستور کفر می دهد؟

و (به یاد آرید) هنگامی که خداوند از (یکا یک) پیامبران (و امت های آنها) پیمان گرفت که البته هر گاه به شما کتاب و حکمت دادم سپس (در آینده تاریخان) فرستاده ای برای شما آمد که آنچه را در نزد شماست تصدیق نمود حتما باید به او ایمان آورید و او را یاری دهید. (آن گاه خدا) فرمود: آیا اقرار کردید و بر این (امر) پیمان مؤکد مرا دریافتید؟ گفتند: اقرار کردیم، فرمود: پس (به همین مبادله پیمان) گواه باشید و من هم با شما از گواهانم

پس کسانی که بعد از این (پیمان) روی گردانند آنانند که نافرمانند

پس آیا جز دین خدا را می طلبند؟ در حالی که هر کس در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه (تکوینا) در برابر او تسلیم است (پس دین نیز که تسلیم شدن تشریعی است باید از آن او باشد) و همه به سوی او بازگردانده می شوند

قُلْ ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ
وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ
وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

۸۵

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي
الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

۸۶

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ
الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ

۸۷

أُولَٰئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ
أَجْمَعِينَ

۸۸

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

۸۹

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ

۹۰

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَّنْ
تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ

۹۱

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ
أَحَدِهِمْ مِّلٌّ أَلَّا رِضْ ذَهَبًا وَلَوْ أَفْتَدَىٰ بِهِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ

بگو: ما به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و
اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (پیامبران از اولاد
یعقوب) نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از
جانب پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم، (و در اعتقاد
به نبوت و بعث از طرف یک مبدأ) میان هیچ یک از آنان
جدایی نمی افکنیم و ما تسلیم اوبیم

و هر که جز اسلام دینی بطلبد هرگز از او پذیرفته نمی شود
و او در آخرت از زیانکاران است

چگونه خداوند هدایت کند گروهی را که پس از آنکه ایمان
آوردند و شهادت دادند که فرستاده ما حق است، و دلایل
روشنی بر آنها آمد، کفر ورزیدند؟! (همانند برخی از اهل
کتاب که پیش از بعثت طبق کتابشان ایمان داشتند و پس
از بعثت منکر شدند، و مانند مرتدین از اسلام) و خدا گروه
ستمکاران را هدایت نمی کند

آنان جز ایشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و همه
مردم بر آنهاست

در آن لعنت جاودانند عذاب از آنها تخفیف نمی یابد و مورد
نظر و احسان قرار نمی گیرند و مهلت داده نمی شوند که
عذاب مقررشان تأخیر افتد

مگر کسانی که پس از آن توبه کردند و شایسته شدند و به
اصلاح کار خود پرداختند که خداوند بسیار آمرزنده و
مهربان است

به یقین کسانی که پس از ایمانشان کفر ورزیدند، سپس بر
کفرشان افزودند، هرگز توبه آنان پذیرفته نمی شود (زیرا
توبه آنها یا از روی نفاق است یا در وقت معاینه مرگ) و
آنهايند که گمراهند

همانا کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر مردند، از هیچ
یک از آنها هر چند به اندازه گنجایش زمین طلا فديه دهد،
پذیرفته نمی شود. برای آنها عذابی دردناک است و هیچ
یاوری نخواهند داشت

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَءِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ ۚ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ

فِيهِ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ ۖ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا ۚ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ ۚ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

قُلْ يَٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِلَّهِ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ

قُلْ يَٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبِعُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَآءُ ۚ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ

هرگز به نیکی (کامل) نمی رسید تا از آنچه خود دوست دارید انفاق نمایید و هر چه انفاق نمایید حتما خداوند بدان داناست

همه خوراکی ها بر بنی اسرائیل حلال بود جز آنچه اسرائیل (یعقوب، به خاطر مرض یا نذری) بر خود حرام کرده بود (از گوشت شتر و شیر آن) پیش از آنکه تورات نازل گردد (پس آنچه از طیّبات در تورات حرام شده به خاطر گناهان بنی اسرائیل است نه آنکه از شریعت سابق مانده باشد)، بگو: (اگر جز این است) پس تورات را بیاورید و آن را بخوانید (تا ثابت شود محرمات خوراکی تورات احکام جزائی و کیفری است) اگر راستگویید

پس کسی که بعد از این بر خدا دروغ بندد (و بگوید محرمات تورات از شریعت پیشین است) آنهايנד که ستمکارند

بگو: خداوند راست گفت (که محرمات تورات در شرایع قبلی و دین ابراهیم حلال بوده) پس باید از آیین ابراهیم پیروی کنید که حقگرا بود و از مشرکان نبود

به یقین نخستین خانه ای که برای (عبادت) مردم نهاده شده همان است که در بکه (مکه مکرمه) است که پر خیر و برکت و وسیله هدایت برای جهانیان است

در آن نشانه هایی روشن (از توحید و حکمت و رحمت خداوند است و از آن جمله) مقام ابراهیم است و هر که به آن جا وارد شود در امان است (باید در امان باشد)، و خدا را بر عهده مردم (این حق) است که آن خانه را قصد کنند و اعمال حج آنجا را به جا آورند البته بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفران نماید (بداند که) حتما خداوند بی نیاز از جهانیان است

بگو: ای اهل کتاب، چرا به آیات و نشانه های خدا کفر می ورزید در حالی که خدا بر آنچه عمل می کنید گواه است؟

بگو: ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده از راه خداوند باز می دارید در حالی که کج کردن راه خدا را می خواهید با اینکه خود (به حقانیت آن) گواهیید؟! و هرگز خداوند از آنچه انجام می دهید غافل نیست

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر گروهی از کسانی را که به آنان کتاب (آسمانی) داده شده فرمان برید شما را پس از ایمانتان به کفر باز می گردانند

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ءَايَاتُ اللَّهِ
وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۚ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ ۚ وَلَا تَمُوتُنَّ
إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ
فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ
النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ ۚ
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

وَلَتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا
جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۚ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ أُسَوِّدَتْ
وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا
كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ

تِلْكَ ءَايَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۖ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ
ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ

و چگونه کفر می ورزید در حالی که آیات خدا بر شما خوانده
می شود و فرستاده او در میان شماست؟! و هر کس به خدا
تمسک جوید حقا که به راه راست هدایت شده است

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا آن گونه که شایسته
پروای اوست پروا کنید، و هرگز نمیرید مگر در حالی که
مسلمان باشید

و همگی به ریسمان خدا (به دین و کتاب و آورندگان وحی)
چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را درباره خود به
یاد آرید آن گاه که با هم دشمن بودید پس میان دل های
شما الفت افکند، پس به نعمت او برادر یکدیگر شدید. و
شما بر لب گودالی از آتش بودید پس شما را از آن
برهانید. خداوند این چنین نشانه های (توحید و قدرت و
حکمت) خود را برای شما روشن می کند شاید هدایت یابید

و باید از شما گروهی باشند که (مردم را) به سوی کار خیر
دعوت نمایند و به کار نیک امر کنند و از کار زشت بازدارند،
و آنهایند که رستگارند

و مانند کسانی (از یهود و نصاری) مباشید که پراکنده شدند
و پس از آنکه دلایل روشن به آنها رسید اختلاف نمودند، و
آنها را عذابی بزرگ است

در روزی که چهره هایی سفید و چهره هایی سیاه می گردد.
اما آنها که چهره هایشان سیاه شده (به آنها گفته می شود)
آیا پس از ایمانتان کفر ورزیدید؟! پس بچشید این عذاب را
در برابر آنکه کفر می ورزیدید

و اما آنان که چهره هایشان سفید شده در رحمت خدایند و
در آن جاودانند

اینها (داستان های عالم آخرت) آیات خداوند است که به
حق و راستی بر تو می خوانیم، و خداوند هیچگاه ستم بر
جهانیان را نمی خواهد

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْأَكْتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ

لَنْ يَضُرَّوْكُمْ إِلَّا أَذًى ۖ وَإِنْ يُقْتِلُوكُمْ يُولُوكُمْ أَلَدَبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ

ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةَ أَيُّنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ۚ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۚ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

لَيْسُوا سَوَاءً ۚ مِّنْ أَهْلِ الْأَكْتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ ءَايَاتِ اللَّهِ ءَانَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

و آنچه در آسمان ها و آنچه در این زمین است (علاوه بر خود آنها) ملک حقیقی خداوند است، (زیرا آفرینش و حفظ و تدبیر و فانی کردن همه در تحت اراده اوست) و همه امور (مربوط به جهان هستی) به سوی او بازگردانده می شود

شما (مسلمان ها) بهترین گروهی هستید که (از جانب خدا) بر مردم (جهان) پدیدار شده اید، به کار پسندیده امر می کنید و از کار زشت باز می دارید و به خدا (در آنچه نازل کرده) ایمان می آورید. و اگر اهل کتاب نیز ایمان می آوردند البته برایشان بهتر بود برخی از آنها مؤمن اند و بیشترشان نافرمانند

آنها (یهود و نصاری) به شما جز اندک آزاری هرگز زیان نمی رسانند، و اگر با شما بجنگند به شما پشت می کنند، آن گاه یاری نمی شوند

در هر جا یافت شوند (مهر) ذلت و خواری (از نظر اسلام) بر آنها زده شده، مگر آنکه به ریسمانی از جانب خدا (پذیرش اسلام) و یا ریسمانی از جانب مردم (قبول ذمه از مسلمانان تمسک جویند)، و آنها به خشمی از خداوند بازگشته مستحق غضب او شده اند، و بر آنان (داغی از) فقر و بدبختی (اعتقادی و اخلاقی و عملی و اجتماعی) زده شده، این بدان سبب است که آنها همواره به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران خدا را به ناحق می کشتند، و آن به خاطر این است که گناه کرده و پیوسته تعدی می نمودند

همه آنها یکسان نیستند، از اهل کتاب گروهی درستکارند که آیات خدا را در اوقات شب می خوانند در حالی که (به خدا) خضوع کرده، سجده می نمایند

به خدا و روز واپسین ایمان می آورند، و به کار پسندیده فرمان می دهند و از کار ناپسند باز می دارند، و در کارهای خیر می شتابند، و آنها از شایستگانشانند

و هر چه از کار خیر به جا آورند هرگز درباره آن بدون پاداش نمی مانند، و خداوند به (حال) پرهیزکاران داناست

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ
مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ

۱۱۷

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا
صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتُهُ ۖ وَمَا
ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِن أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

۱۱۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مِّن دُونِكُمْ لَا
يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ
أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ۖ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ
الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

۱۱۹

هَٰئَنتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ
بِالْكِتَابِ كُلِّهِ ۚ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا
عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ ۚ مِنَ الْغِيْظِ ۚ قُلْ مُوتُوا بِغِيْظِكُمْ ۖ إِنَّ
اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

۱۲۰

إِن تَمَسَسْكُمُ حَسَنَةٌ تَّسُوْهُمُ وَإِن تُصِبْكُمُ سَيِّئَةٌ
يَفْرَحُوا بِهَا ۖ وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ
شَيْئًا ۖ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

۱۲۱
۵۴ر

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعِدَ لِلْقِتَالِ
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

بی تردید کسانی که کفر ورزیدند هرگز اموال و اولاد آنها چیزی را از (عذاب) خدا از آنان دفع نخواهد کرد، و آنها اهل آتشند و در آنجا جاوداند

مثل آنچه آنان در این زندگی دنیا (در راه دشمنی با اسلام یا به عنوان ریا، یا در هر کار خیری) انفاق می کنند مثل بادی است که در آن سرماییه سخت است که (به عنوان کیفر) به زراعت گروهی که بر خویشتن ستم کرده اند بوزد و آن را نابود سازد. و خدا به آنها ستم نکرده و لکن آنها به خویشتن ستم می کنند

ای کسانی که ایمان آورده اید، از غیر خود برای خویش دوست محرم راز نگیرید، آنها از هیچ فسادى درباره شما کوتاهی نمی کنند، مشقت و رنج شما را دوست دارند، دشمنی از دهن هایشان (سخنانشان) پدیدار است، و آنچه سینه هایشان پنهان می دارد بزرگتر است. ما برای شما نشانه ها (ی حال آنها) را روشن کردیم اگر می اندیشید

هان این شماييد که آنها را دوست دارید و آنها شما را دوست ندارند، با آنکه شما به همه کتاب ها (ی آسمانی حتی کتاب آنها) ایمان دارید (و آنها به کتاب شما ایمان ندارند)، و چون با شما ملاقات کنند گویند: ایمان آوردیم و هنگامی که با یکدیگر خلوت کنند از شدت خشم بر شما سر انگشتان خود را می گزند. بگو: از خشتان بمیرید، به یقین خدا به آنچه در سینه هاست داناست

اگر به شما خیر و نیکی برسد آنها را بد حال می کند، و اگر بدی و ناخوشی برسد آنها شاد می شوند و اگر صبر کنید و پروا پیشه کنید نیرنگ آنها هیچ زیانی به شما نمی رساند، مسلماً خداوند به آنچه انجام می دهند (از نظر علم و توان) احاطه دارد

و (به یاد آر) هنگامی که بامدادان از میان اهل خود (در جنگ احد) بیرون شدی در حالی که مؤمنان را برای جنگ در اردوگاه هایی جای می دادی، و خداوند همواره شنوا (ی گفتگوها) و دانا (به اندیشه هایان) است

إِذْ هَمَّتْ طَّائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُهُمَا وَعَلَى
اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

۱۲۳

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَانْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ

۱۲۴

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ
بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ

۱۲۵

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا
يُمِدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
مُسَوِّمِينَ

۱۲۶

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ ۚ
وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۱۲۷

لَيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَسِبُهُمْ فَيُنْقَلِبُوا
خَآئِبِينَ

۱۲۸

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ
فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ

۱۲۹

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ
وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۳۰
۵۵ر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ مَظْهَرًا
وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۱۳۱

وَأَتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

۱۳۲

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

آن گاه که دو گروه از شما خواستند که سستی و ضعف
نشان دهند (و از وسط راه جدا شده برگردند) در حالی که
خدا یاور و پشتیبان آنها بود (و لذا آنها را از این فکر باز
گرداند) و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل نمایند

و حقاً که خداوند شما را در (جنگ) بدر یاری نمود در حالی
که ناتوان و بی پناه بودید. پس، از خدا پروا کنید، شاید
سپاس گزارید

آن گاه که به مؤمنان می گفتی: آیا شما را بس نیست که
پروردگارتان شما را با سه هزار فرشته فرو فرستاده شده
(از آسمان) یاری دهد؟

چرا اگر صبر کنید و پروا پیشه کنید و آنها به همین فوریت
و جوش و خروش به شما روی آورند، پروردگارتان شما را با
پنج هزار از فرشتگان نشاندار یاری می کند

و خداوند این (وعده یاری و فرستادن فرشتگان) را جز برای
بشارت شما و برای آنکه دل هایتان بدان آرامش یابد قرار
نداد (زیرا غالباً دل ها متوجه اسباب است)، و کمک و یاری
جز از جانب خدای توانمند شکست ناپذیر و حکیم نیست
(زیرا اراده او مسبب همه اسباب است)

(و نیز این پیروزی را داد) تا پاره ای از کافران را از بن
براندازد یا آنها را سرکوب کند تا ناامید بازگردند

(هر یک از چهار امر مربوط به خداست و وظیفه تو ابلاغ و
عمل به دستور است و بس)

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است (علاوه بر خود
آنها) ملک حقیقی خداست (زیرا خلق و حفظ و تدبیر و اعدام
همه، در دست اوست) هر که را بخواهد (و شایسته شمارد)
می آمرزد، و هر که را بخواهد (پس از اتمام حجت) عذاب
می کند، و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را که سودهای افزوده و
چند برابر است نخورید، و از خدا پروا کنید، شاید رستگار
شوید

و از آتشی که برای کافران مهیا شده بپرهیزید

و خدا و فرستاده او را فرمان برید، شاید مشمول رحمت
شوید

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ
وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

۱۳۴

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ
وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

۱۳۵

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ
فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ
يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ

۱۳۶

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتُ تَجْرِي مِن
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ

۱۳۷

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

۱۳۸

هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

۱۳۹

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

۱۴۰

إِن يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ
الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

و به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهنای
آن (به اندازه) آسمان ها و زمین است (و) برای پرهیزکاران
آماده شده بشتابی

همانان که در وسعت و شادی و فقر مالی و حالی انفاق می
کنند و فرونشاندگان خشم و بخشاینندگان (لغزش های)
مردم اند، و خدا نیکوکاران را دوست دارد

و آنان که چون کار زشتی (گناه کبیره ای) انجام دهند و یا
(به گناه صغیره ای) بر خود ستم نمایند، خدا را به یاد آرند
و برای گناهان خود آمرزش خواهند- و کیست جز خداوند
که گناهان را ببخشد؟- و بر آنچه کرده اند در حالی که می
دانند اصرار نمی ورزند

آنها پاداششان آمرزشی است از جانب پروردگارشان و
بهشت هایی که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها جاری
است، جاودانه در آن باشند، و خوب پاداشی است پاداش
این عمل کنندگان

البته پیش از شما حوادثی (مانند هلاکت های دسته جمعی)
طبق سنت الهی گذشته است، پس در روی زمین بگردید و
بنگرید که عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود

این (قرآن) برای مردم روشنگر (حقایق) و برای پرهیزکاران
سراپا هدایت و اندرز است

و هرگز (در برابر دشمن) سست نشوید و (از مصائبی که بر
شما وارد می شود) غمگین مباشید که شما برترید اگر مؤمن
(واقعی) باشید

اگر شما را (در جنگ احد) جراحت و آسیبی رسید آن گروه
را نیز (در جنگ بدر) آسیبی مانند آن رسید. و ما این روزها
(ی پیروزی و شکست) را میان مردم به نوبت می گردانیم
(برای مصلحت نظام اتم) و برای آنکه خداوند معلوم کند
کسانی را که ایمان آورده اند (و علم ازلیش بر معلوم
خارجی منطبق گردد) و از میان شما (برای شهادت بر اعمال
مردم در روز واپسین) گواہانی بگیرد، و خداوند ستمکاران
را دوست ندارد

وَلِيْمَحِصَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِيْنَ

و نیز برای آنکه کسانی را که ایمان آورده اند خالص و ناب گرداند و کافران را به تدریج نابود سازد

۱۴۲

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوْا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ جَٰهَدُوْا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصّٰدِرِيْنَ

آیا پنداشته اید که وارد بهشت می شوید در حالی که هنوز خداوند کسانی را از شما که جهاد نموده اند و شکیبایان را معلوم نکرده است؟! (متعلق علم ازلیش در خارج تحقق نیافته است)

۱۴۳

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَاَيْتُمُوْهُ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ

و مسلما شما مرگ را پیش از آن روبرو شوید آرزو می کردید (مؤمنان قبل از جنگ احد آرزوی شهادت می کردند) پس همانا آن را (در جنگ احد) دیدید در حالی که بدان نگاه می کردید (پس تزلزل و فرار چرا؟)

۱۴۴
۵۶ ر

وَمَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهٖ الرُّسُلُ ۚ اَفَاِيْن مَّاتَ اَوْ قُتِلَ اَنْقَلَبْتُمْ عَلٰٓى اَعْقَبِكُمْ ۚ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلٰٓى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللّٰهُ شَيْئًا ۚ وَسَيَجْزِي اللّٰهُ الشّٰكِرِيْنَ

و محمد (صلی الله علیه وآله) فرستاده ای بیش نیست که پیش از او فرستادگانی گذشته اند، پس آیا اگر او بمیرد یا کشته شود شما به پشت سر خود برمی گردید (دست از عقایدتان برمی دارید)؟! و هر کس به پشت سر خود بازگردد هیچ زبانی به خدا نمی رساند، و خداوند به زودی سپاسگزاران را پاداش می دهد

۱۴۵

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوْتَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۚ كِتٰبًا مُّوَجَّلًا ۚ وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهٖ ۚ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْاٰخِرَةِ نُؤْتِهٖ ۚ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشّٰكِرِيْنَ

و هیچ کس را نسزد و عقلا ممکن نشود که بمیرد جز به اراده تکوینی و فرمان خداوند، (مرگ هر زنده ای) نوشته ای است معین و زماندار. و هر کس (از کوشش های خود) پاداش دنیا بخواهد او را از آن می دهیم، و هر کس پاداش آخرت بخواهد او را از آن می دهیم و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد

۱۴۶

وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيٍّ قَتَلَ مَعَهُ رَبِّيُّنَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا اَصَابَهُمْ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ وَمَا ضَعُفُوْا وَمَا اسْتَكَانُوْا ۚ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الصّٰبِرِيْنَ

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنها جنگیدند، پس در مقابل آنچه به آنها در راه خدا رسید سست و ناتوان نشدند و خضوع و تسلیم نشان ندادند و خداوند صابران را دوست دارد

۱۴۷

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ اِلَّا اَنْ قَالُوْا رَبَّنَا اَغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَاِسْرَافَنَا فِيْ اَمْرِنَا وَثَبَّتْ اَقْدَامَنَا وَاَنْصُرْنَا عَلٰٓى الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ

و سخن آنها (در شدايد جنگ) جز این نبود که گفتند: پروردگارا، گناهان ما و زیاده روی ما را در کارمان بر ما ببخش و قدم های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری ده

۱۴۸

فَاَتٰهُمْ اللّٰهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْاٰخِرَةِ ۚ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ

پس خداوند به آنها پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را عطا نمود، و خدا نیکوکاران را دوست دارد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ
عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

۱۵۰

بَلِ اللّٰهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ

۱۵۱

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللّٰهِ
مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ ۖ سُلْطٰنًا ۖ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۖ وَبِئْسَ مَثْوٰى
الظَّالِمِينَ

۱۵۲

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللّٰهُ وَعْدَهُ ۚ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ ۖ حَتَّىٰ
إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا
أَرْسَلَكُمْ مَّا تُحِبُّونَ ۖ مِّنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن
يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُم عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۖ وَلَقَدْ عَفَا
عَنكُمْ ۖ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

۱۵۳
حزب ۲۸

إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلَوْنَهَا عَلَىٰ أَحَدٍ ۚ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي
أُخْرَىٰكُمْ فَأَتْبَكُمُ غَمًّا بَعِيمًا ۖ لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا
فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ ۖ وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از کسانی که کفر ورزیده
اند اطاعت کنید شما را به عقب (به کفر و جهالت دوران
جاهلیت) بازمی گردانند، پس زیانکار خواهید گشت

(آنها یاور شما و سزاوار طاعت نیستند) بلکه خدا یاور
شماست و او بهترین یاری دهندگان است

به زودی در دل های کسانی که کفر ورزیده اند رعب و ترس
می افکنیم به کیفر آنکه چیزی را که خدا بر (حقانیت) او
حجتی نازل نکرده شریک خدا کرده اند، و جایگاه آنها آتش
است و بد جایی است جایگاه ستمکاران

و به یقین خداوند (در جنگ احد) وعده خود را برای شما
تحقق بخشید آن گاه که آنان را به فرمان او قلع و قمع می
کردید تا وقتی که سست شدید و در کار (ی که برای شما
دستور بود یعنی حفظ موضع شیخون دشمن) اختلاف
نمودید، و پس از آنکه آنچه را دوست داشتید (غلبه بر
دشمن) به شما نشان داد نافرمانی کردید، برخی از شما دنیا
را می خواست (غنائم جنگی را) و برخی از شما آخرت را می
طلبید، سپس شما را از (غلبه بر) آنها بازگرداند تا شما را
ببازماید، و البته از شما درگذشت، و خدا دارای فضلی
(بزرگ) بر مؤمنان است

آن گاه که به دوردست ها می گریختید و به کسی توجه نمی
کردید و رسول خدا شما را در آخر سپاهتان فرا می خواند،
پس (خداوند) شما را اندوهی روی اندوهی جزا داد (اندوه
مخالفت امر و شکست در جنگ) تا (ایمانتان قوی شود و)
هیچگاه به آنچه از دستتان رفته و به آنچه (از مصائب و
ضرر) به شما رسیده غمگین نشوید، و خدا به آنچه می کنید
آگاه است

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَآئِفَةً مِّنكُمْ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلّٰهِ يُخَفُّونَ فِي أَنفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُل لَّو كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا أَسْأَلُكَمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَّوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي ۖ وَيُمِيتُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

وَلَٰئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

آن گاه پس از اندوه، آرامشی به صورت خوابی سبک بر شما فرود آورد که گروهی از شما را فرا می گرفت، و گروهی همتشان جان خودشان بود، درباره خدا گمان ناحق، گمان دوران جاهلیت می بردند، (در ظاهر به تو) می گفتند: آیا از این امر (پیروزی) چیزی برای ما هست؟ بگو: مسلماً کارها یکسره مربوط به خداست. آنان در دل هایشان چیزی را پنهان می کنند که برای تو آشکار نمی سازند، (در دل یا میان خودشان) می گویند: اگر (وعده ها راست بود و) برای ما از این امر (پیروزی) چیزی بود ما در اینجا کشته نمی شدیم! بگو: اگر شما در میان خانه های خود هم بودید بی تردید کسانی که کشته شدن بر آنها (در لوح محفوظ) نوشته و مقرر شده بود به سوی خوابگاه های خود (در معرکه جنگ) بیرون می آمدند (تا تقدیر خدا تحقق یابد) و تا خدا آنچه را در سینه های شماست (نیت های شما را) بیازماید و آنچه را در دل های شماست (ایمان شما را) خالص گرداند، و خدا به آنچه در سینه هاست (به نیت های شما) داناست

البته کسانی از شما که در (جنگ احد) روزی که دو گروه با هم برخورد کردند به دشمن پشت کردند جز این نیست که شیطان آنها را به سبب برخی از گناهایی که کسب کرده بودند بلغزانید، و البته خداوند از آنها درگذشت، که خداوند بسیار آمرزنده و بردبار است

ای کسانی که ایمان آورده اید، همانند کسانی نباشید که کفر ورزیدند و درباره برادرانشان، هنگامی که آنها مسافرت کردند (و در سفر مردند) و یا رزمنده بودند (و شهید گشتند) گفتند: اگر در نزد ما مانده بودند نمی مردند و کشته نمی شدند! (بگذارید) تا خداوند این (عقیده و گفتار) را حسرتی در دل های آنان قرار دهد. و خداست که زنده می کند و می میراند، و خدا به آنچه می کنید بیناست

و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، حتماً آمرزش و رحمتی از جانب خداوند بهتر است از آنچه آنها (از ثروت دنیا) جمع می کنند

وَلَيْنَ مُتَمِّمٌ أَوْ قَتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ
الْقَلْبِ لَآنْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ
وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذَلْكُمْ فَمَن
ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُم مِّنْ بَعْدِهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُؤْمِنُونَ

وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَعْلَلَّ مَنِ يَعْلَلُ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ
الْقِيَمَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

أَفَمَن أَتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنُ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَا أَوْهَتْ
جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ بِصِيرُومًا يَعْمَلُونَ

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ
أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِهِ ۖ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

أَوَلَمْآ أَصَبْتُكُمْ مُّصِيبَةً ۖ قَدْ أَصَبْتُمْ مِّثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى
هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ

و اگر بمیرید یا کشته شوید، به یقین به سوی خداوند
گردآوری خواهید شد

پس به برکت رحمتی از جانب خداوند با آنها (امت خود)
نرمخو شدی، و اگر بد خلق و سختدل بودی حتما از دورت
پراکنده می شدند. پس، از آنها درگذر و برایشان آمرزش
طلب و در کارها با آنان مشورت نما، و چون تصمیم گرفتی بر
خدا توکل کن، که بی تردید خداوند توکل کنندگان را
دوست دارد

اگر خداوند شما را یاری کند هیچ کس بر شما پیروز نگردد،
و اگر شما را واگذارد پس کیست آن که شما را پس از وی
یاری دهد؟! و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل نمایند

و هیچ پیامبری را (از نظر شرایع آسمانی و عقل سلیم)
نسزد که (به امت خود در اموال غنائم و غیره) خیانت کند،
و هر کس خیانت نماید در روز قیامت همراه آنچه خیانت
کرده بیاید، سپس به هر نفسی در برابر آنچه به دست
آورده جزای کامل داده شود و به آنان ستم نرود و از
حقشان کم نگردد

پس آیا کسی که از رضای خدا پیروی کرده همانند کسی
است که (به سوی حق) با خشم خدا بازگشته و جایگاه او
جهنم است؟! و آن بد بازگشتگاهی است

آنها (مؤمنان و کافران) در نزد خدا طبقاتی هستند (هر یک
از دو گروه نسبت به دیگری و هر گروهی نسبت به افراد
خود طبقه بندی شده اند) و خدا به آنچه می کنند بیناست

به یقین خداوند بر مؤمنان مَنّت نهاد آن گاه که در میان آنها
فرستاده ای از خودشان (نه از فرشته و نه از جن)
برانگیخت که آیات او را بر آنها می خواند و پاکشان می
گرداند و کتاب (آسمانی) و احکام شریعت و معارف عقلی به
آنها می آموزد، و حقیقت این است که آنان پیش از آن در
گمراهی آشکاری بودند

و آیا آن گاه که به شما مصیبتی رسید (در جنگ احد هفتاد
نفر کشته دادید) که البته دو برابر آن را شما (به آنها)
رسانده بودید (در جنگ بدر هفتاد نفر آنها را کشته و هفتاد
نفر را اسیر کرده بودید) می گوئید: این مصیبت چگونه و از
کجاست؟! بگو: از جانب خودتان است (زیرا در جنگ بدر
گفتید هفتاد اسیر را به فدیة آزاد می کنیم بعدا به عدد
آنها کشته می دهیم و نیز در این جنگ از دستور پیامبر
تخلف کردید) همانا خداوند بر همه چیز تواناست

وَمَا أَصْبَكُمْ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجُمُعَانِ فَيَاذَنِ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ
الْمُؤْمِنِينَ

۱۶۷

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَتِلُوا فِي سَبِيلِ
اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَّاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ
لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا
لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ

۱۶۸

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ
فَادْرَعُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۱۶۹

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ
عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

۱۷۰

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ
لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ

۱۷۱
حزب ۲۹

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ
أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ

۱۷۲
۵۹ر

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ
لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ

۱۷۳

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ
فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

و آنچه (از شکست بزرگ و کشته شدن هفتاد نفر در جنگ احد) روزی که دو گروه با هم برخورد کردند، به شما رسید به اذن و ترخیص خدا بود (تا شما را بیازماید) و تا مؤمنین را معلوم بدارد (و علم ازایش بر معلوم فعلی منطبق گردد)

و تا معلوم بدارد کسانی را که نفاق ورزیدند و (چون) به آنها گفته شد بیایید در راه خدا بجنگید یا (از حریم خود) دفاع کنید، گفتند: اگر ما آشنا به جنگ بودیم حتما از شما پیروی می کردیم! آنها به کفر در آن روز نزدیکتر بودند تا ایمان آنها همواره به دهان های خود چیزی را می گویند که در دل هایشان نیست، و خدا به آنچه کتمان می کنند دانتر است

آنهايي که خود (از جنگ) بازنشستند و درباره برادرانشان (برادران نسبی یا هم مسلکان خود که در جنگ احد کشته شدند)، گفتند: اگر آنها از ما اطاعت می کردند کشته نمی شدند! بگو: (حال که شما راه فرار از مرگ را می دانید) پس مرگ را از خود دفع کنید اگر راستگویید

و هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده اند و در نزد پروردگارشان روزی داده می شوند

در حالی که به آنچه خداوند از فضل خود به آنها داده شادمانند و نسبت به کسانی که در پی آنان (هنوز) به آنها نپیوسته اند (کسانی که هنوز شهید نشده اند) شادی می کنند که نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین خواهند بود

به نعمت و بخششی از سوی خداوند شادمانند و نیز از این که خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی سازد

کسانی که (بعد از جنگ احد، دعوت) خدا و فرستاده او را (برای تعقیب سپاه قریش) اجابت نمودند پس از آنکه زخم و جراحت بدانها رسیده بود، برای کسانی از آنها که نیکی کرده و پروا پیشه نمودند پاداشی بزرگ است

همان کسانی که مردم به آنها گفتند که مردم (مکه) برای (نبرد با) شما اجتماع کرده اند، از آنان بترسید، اما (این خبر) بر ایمان آنان افزود و گفتند: خدا ما را کافی است و او خوب وکیلی است

فَأَنقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءُ
وَأَتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

۱۷۵

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ
وَخَافُونِ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ

۱۷۶

وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوْا
اللَّهَ شَيْئًا ۚ يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ ۚ وَلَهُمْ
عَذَابٌ عَظِيمٌ

۱۷۷

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوْا اللَّهَ شَيْئًا
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۷۸

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ ۚ
إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

۱۷۹

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ
الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ ۚ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى
الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِيٰ مِن رُّسُلِهِ ۚ مَن يَشَآءُ ۚ فَأَمِينُوا
بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ

۱۸۰

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
هُوَ خَيْرًا لَهُمْ ۚ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ ۚ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ
يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

پس با نعمتی از جانب خداوند (صحت و عافیت) و فضلی
(سود تجارتي در مسیرشان) بازگشتند در حالی که هیچ بدی
و آسیبی بدانها نرسید و پیروی از خشنودی خدا نمودند، و
خداوند دارای فضلی بزرگ است

جز این نیست که آن (کس که از دشمن می ترساند) شیطان
است که دوستان خود را (با شایعات) می ترساند، پس از
آنها مترسید و از من بترسید اگر مؤمنید

و مبادا کسانی که در راه کفر می شتابند تو را اندوهگین
سازند، آنها هرگز به خداوند هیچ زبانی نمی رسانند، خدا می
خواهد برای آنها (به خاطر طغیانشان) هیچ نصیبی در آخرت
ننهد، و برای آنان عذابی بزرگ است

همانا کسانی که کفر را به بهای دادن ایمان خریدند هرگز به
خدا هیچ ضرری نمی زنند، و آنان را عذابی دردناک است

و کسانی که کفر ورزیدند گمان نکنند که آنچه به آنها مهلت
می دهیم به خیر آنهاست، جز این نیست که مهلتشان می
دهیم تا (متذکر شوند لکن نتیجه این می شود که) بر گناه
(خویش) بیفزایند، و برای آنها عذابی خوارکننده است

خداوند بر آن نیست که مؤمنان را بر این حالی که شما بر
آیند (مؤمن و منافق به هم مخلوطید) واگذارد تا آنکه پلید
را از پاک (به واسطه وحی بر پیامبر یا به آزمایش های
گوناگون) جدا سازد، و (نیز سنت) خداوند بر آن نیست که
شما را از اسرار غیب (و بواطن یکدیگر) مطلع سازد، و لکن
از (میان) فرستادگانش هر که را بخواهد برمی گزیند (و به
او علم غیب، به اندازه نیاز رسالتش می آموزد)، پس به خدا
(در اجراء سنن تکوین و تشریع) و به فرستادگانش ایمان
آورید، و اگر ایمان آورید و پروا پیشه کنید شما را پاداشی
بزرگ خواهد بود

و کسانی که به آنچه خدا از فضل و رحمتش به آنها داده (از
علم به کتاب آسمانی و مال دنیا) بخل می ورزند گمان نکنند
که آن بخل به خیر آنهاست، بلکه شری است برای آنها، به
زودی آنچه بدان بخل ورزیده اند (تجسم عینی آن علم و
مال به صورت زنجیر) در روز قیامت طوق گردنشان می
شود، و میراث آسمان ها و این زمین از آن خداست (همه
فانی می شوند و او می ماند) و خدا به آنچه می کنید آگاه
است

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

۱۸۲

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ

۱۸۳

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلاَّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۱۸۴

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

۱۸۵

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَمَن زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

۱۸۶
حزب ۳۰

لَتَبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

به یقین خداوند سخن کسانی را که (چون شنیدند خدا از مردم وام می خواهد) گفتند: حتما خدا فقیر است و ما بی نیازیم، شنید به زودی آنچه را گفتند و کشتار به ناحقشان انبیاء الهی را خواهیم نوشت و (در روز قیامت) گوییم: بچشید عذاب سوزان را

این (عذاب) به خاطر کارهایی است که به دست خود از پیش فرستادید، و گرنه خداوند هرگز به بندگان ستمکار نیست

همان کسانی که گفتند: همانا خداوند (در کتاب های آسمانی) به ما سفارش کرده که هرگز به فرستاده ای ایمان نیاوریم تا برای ما قربانی بیآورد که آتش (آسمانی به علامت قبول) آن را بسوزاند. بگو: بی شک فرستادگانی پیش از من دلایل روشن و آنچه گفتید برای شما آوردند (مانند زکریا و یحیی) پس چرا آنها را کشتید اگر راستگویید؟

پس اگر تو را تکذیب کردند همانا فرستادگانی هم که پیش از تو با دلایل روشن و نوشته ها (ی حکمت و اندرز) و کتاب روشن و روشنگر (دین و شریعت) آمده بودند تکذیب شدند

هر جانداری (به ناچار) چشنده مرگ است، و جز این نیست که پاداش های شما در روز قیامت تماما داده می شود، پس هر که را از آتش دور دارند و به بهشت درآورند حقا که کامیاب شده است، و این زندگی دنیا جز کالای فریب نیست

مسلمانا درباره مال ها و جان هایتان آزمایش خواهید شد و حتما از کسانی که به آنها پیش از شما کتاب (آسمانی) داده شده و نیز از کسانی که شرک ورزیده اند سخنان دل آزار بسیاری (در انکار و استهزاء دین و پیامبر، و تحریک مردم علیه اسلام) خواهید شنید، و اگر صبر و پروا پیشه کنید این (استقامت) حتما از کارهای بزرگ و درخور اهمیت است

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ

رَبَّنَا وَعَايِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

۱۸۸

۱۸۹

۱۹۰
۶۱۲

۱۹۱

۱۹۲

۱۹۳

۱۹۴

و (به یاد آر) هنگامی که خداوند از کسانی که به آنها کتاب (آسمانی) داده شد پیمان گرفت، که البته باید (حقایق) آن را برای مردم بیان کنید و پنهان مدارید، پس آن (کتاب و پیمان) را به پشت سر خود افکندند (نادیده گرفتند) و در مقابل آن اندک بهایی به دست آوردند، پس بد چیزی است آنچه پیوسته به دست می آورند

هرگز گمان مبر کسانی که به آنچه به جا آورده اند (از کتمان آیات کتاب آسمانی و منع مردم از اسلام) شادمانی می کنند و دوست دارند به آنچه نکرده اند ستایش شوند، آری گمان مبر که آنها نجاتی از عذاب دارند، بلکه آنها را عذابی دردناک است

و ملکیت حقیقی و حاکمیت تام آسمان ها و این زمین از آن خداوند است (زیرا آفرینش، حفظ، تدبیر و فانی نمودن همه تحت اراده اوست) و خدا بر هر چیزی تواناست

حقا که در آفرینش آسمان ها و این زمین و آمد و رفت شب و روز نشانه هایی است (از قدرت و علم و حکمت خدا) برای صاحبان عقل و خرد ناب

آنان که خدا را ایستاده و نشسته و (خفته) بر پهلوهای خود یاد می کنند، و در (اسرار) آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند (و از ته دل یا توأم با زبان می گویند) پروردگارا، این (دستگاه عظیم) را بیهوده نیافریدی، تو (از کار بیهوده و باطل) منزهی، (و لا بد برای هدف والای تکلیف ذوی العقول و حصول استحقاق ثواب و عقاب در دنیا و فعلیت آن در آخرت است) پس ما را از عذاب آتش نگاه دار

پروردگارا، مسلما تو هر کس را به آتش (جهنم) درآوری حتما او را خوار و رسوا کرده ای، و ستمکاران را هرگز یاورانی نخواهد بود

پروردگارا، همانا ندادهنده ای را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد که به پروردگارتان ایمان آورید ما هم ایمان آوردیم پروردگارا، پس گناهانمان را بر ما ببخش و بدی هایمان را از ما بزدای و ما را در زمره نیکوکاران بمیران

پروردگارا، و آنچه را که بر زبان فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا کن و در روز قیامت ما را خوار و رسوا مگردان، که تو هیچ گاه خلف وعده نمی کنی

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ
مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتُمْ بِبَعْضِكُمْ مِّنْ بَعْضٍ ۖ فَأَلْزَيْنَ الْهَاجِرُوا
وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَرِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَتَلُوا وَقَتِلُوا
لَا تُكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا تُدْخِلْنَهُمْ جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ
الْثَوَابِ

۱۹۶

لَا يَغُرَّتْكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ

۱۹۷

مَتَعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

۱۹۸

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ
خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ

۱۹۹

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ
وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا
قَلِيلًا ۖ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ
الْحِسَابِ

۲۰۰

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا
اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

پس پروردگارشان دعای آنها را اجابت نمود که بی تردید من
عمل هیچ عمل کننده ای از شما را- از مرد یا زن که همه از
یکدیگرید و با هم پیوند دارید- ضایع نخواهم نمود. پس
کسانی که هجرت نمودند و از خانه های خود رانده شدند و
در راه من آزار و رنج دیدند و پیکار کردند و کشته شدند،
حتما بدی های آنها را خواهم زدود و آنها را به بهشت هایی
که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها جاری است وارد
خواهم نمود، که پاداشی است از جانب خدا، و خداست که
پاداش نیکو نزد اوست

مبادا جنب و جوش و رفت و آمد (با امکانات و سودجویانه و
پیروزمندانه) کسانی که کفر ورزیده اند در شهرها تو را
فریب دهد

(این) برخورداری اندکی است (از دنیا)، سپس جایگاهشان
جهنم است و آن بد آرامگاهی است

لکن آنان که از پروردگارشان پروا داشته اند، برای آنها
بهشت هایی است که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها
جاری است، در آنجا جاودانه اند، به عنوان نخستین پذیرایی
از جانب خدا، و آنچه در نزد خداست (از رضوان و نعم
ابدی) برای نیکوکاران بهتر است

و البته از اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و بدانچه به
سوی شما نازل شده (قرآن) و به آنچه به سوی آنها نازل
شده (کتاب های آسمانی پیشین) ایمان می آورند در حالی
که در برابر خدا فروتن بوده، با (تحریف) آیات خداوند بهای
اندکی به دست نمی آورند، آنها پاداشی درخور مقامشان در
نزد پروردگار خود دارند بی تردید خداوند زودرس به
حساب است (پاداش کسی را از جهت حساب تاخیر نمی
اندازد)

ای کسانی که ایمان آورده اید، شکیبایی ورزید و دیگران را
نیز به شکیبایی وادارید و در برابر دشمن پایداری کنید، و
مرزداری نمایید، و از خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا

وَعَاثُوا آلِيَتِمَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْحَبِثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي آلِيَتِمَىٰ فَاَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبْعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا

وَعَاثُوا النِّسَاءَ صَدَقْتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

وَابْتَلُوا آلِيَتِمَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا

ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید، آن خدایی که شما را از یک نفس بیافرید (از یک جاندار که او را از خاک و گل به نحو نخستین پدیده اعجازی، به نام آدم و انسان و بشر پدید آورد) و از جنس او (به همان گونه اعجازی) جفت او را آفرید (و میانشان عقد زوجیت بست) و از آن دو تن (به وسیله ازدواج برادر با خواهر در نخستین نسل آنان طبق تشریع اولی یا اضطراری، و یا نازل کردن پسران بهشتی برای دختران، و دختران بهشتی برای پسرانشان) مردان و زنان بسیاری را منتشر و پراکنده نمود و از خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید و از (بریدن و قطع رابطه با) خویشاوندان پروا کنید، که همانا خداوند پیوسته بر شما مراقب و نگهبان است

و اموال یتیمان را (پس از بلوغ و رشدشان) به آنها بازدهید و (مال) پلید و حرام را با (مال) پاکیزه و حلال (به خاطر تفاوت قیمت) عوض نکنید (مال پست خود را با مال پرارزش آنها تبدیل نکنید) و اموال آنها را با خلط در اموال خود مخورید، که همانا آن گناهی بزرگ است

و اگر بیم آن داشتید که نتوانید درباره دختران یتیم (در صورتی که با آنها طبق رسم آن روز ازدواج کنید) عدالت ورزید، پس با آنچه میلتان باشد از زنان (دیگر) دو تایی یا سه تایی یا چهارتایی ازدواج نمایید، و اگر بترسید از اینکه مبدا عدالت نورزید پس به یک زن یا کنیزی که خریده اید اکتفاء کنید، این کار نزدیکتر است به آنکه منحرف نشوید و ستم نکنید

و مهرهای زنان را با میل قلبی و به عنوان هدیه بدهید (گرچه فریضه واجب شما و عطیه الهی آنهاست) و اگر چیزی از آن را به رضای خاطر به شما ببخشند آن را نوش و گوارا مصرف نمایید

و اموالتان (و اموال یتیمان) را که خدا وسیله قوام (زندگی) شما قرار داده به سفیهان (و خود یتیمان) ندهید، و آنها را از درآمد آن مال روزی دهید و لباس بپوشانید، و با آنها به نحوی شایسته سخن بگویید

و یتیمان را بیازمایید تا آن گاه که به حد ازدواج رسند (به حد توان آمیزش جنسی که نخستین مرحله تکامل روحی و جسمی بشر و هر حیوان است) پس اگر در آنان رشدی (از نظر فکر و عقل) دیدید اموالشان را به خودشان رد کنید، و آن را به اسراف و شتاب از (بیم) آنکه مبدا بزرگ شوند (و اموالشان را از شما پس بگیرند) مخورید، و آن کس (از اولیاء یتیمان) که بی نیاز باشد (از تصرف در آن) خودداری کند، و آن که فقیر باشد به مقدار متعارف (و حق الزحمه عادلانه) بخورد. پس هر گاه خواستید اموالشان را به خودشان رد کنید بر آنها گواه بگیرید (تا بعدا نزاعی پیش نیاید) و خداوند حسابرسی کافی است

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ
نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ
نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينُ
فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

وَلِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَفًا خَافُوا
عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي
بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلَّذِ كَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ ۖ فَإِنْ
كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ ۖ وَإِنْ كَانَتْ
وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ ۚ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ
مِمَّا تَرَكَ ۖ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ
أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ ۚ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ ۚ مِنْ
بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۖ ءَابَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا
تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ
كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

برای مردان از آنچه پدر و مادر و نزدیکانشان به جای
گذارند بهره ای است، و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و
نزدیکانشان به جای گذارند بهره ای است، از آنچه اندک
باشد یا بسیار، بهره ای معین و واجب. (اصل حکم طبق
قانون عقل و سیره عقلا لازم، و کم و کیفش به تناسب هر
شریعتی واجب است.

و چون هنگام قسمت میراث، خویشان (خویشانی که ارث
نمی برند) و یتیمان و فقیران حضور یابند چیزی از آن اموال
به آنان روزی دهید و به آنها سخنی نیکو و پسندیده گوید

و کسانی که اگر پس از خود فرزندان ناتوان (از نظر ستی یا
روانی) به جای گذارند درباره (آینده) آنها بیم دارند، باید
بترسند (از اینکه به ایتم دیگران ستم کنند و در وصیت،
به اولاد خود اجحاف نمایند). پس از خدا پروا کنند و (با
یتیم دیگران) گفتاری استوار گویند (و در صرف اموال و
وصیت به آن عدالت را رعایت نمایند)

همانا کسانی که اموال یتیمان را به ظلم می خورند جز این
نیست که آتش در شکم خود فرو می برند (تجسم عینی هر
تصرف در مال یتیم خوردن آتش در آخرت است) و به
زودی (به فاصله ای اندک میان خوردن و مرگ) در آتش
فروزان درآیند و حرارت آن را بچشند

خداوند شما را در (باره میراث) اولادتان توصیه می کند که
برای هر پسر به اندازه سهم دو دختر باشد، پس اگر (همه
ورثه) زن باشند (دو دختر یا) بیش از دو دختر، دو سوم ما
ترک (میت به حکم اولی) از آن آنهاست (و بقیه نیز در
فرض نبودن پدر و مادر به آنها برمی گردد) و اگر (وارث،
تنها) یک دختر باشد نصف ما ترک از آن اوست (و بقیه نیز
اگر پدر و مادر نباشند به او برمی گردد)، و برای هر یک از
پدر و مادر میت اگر فرزند داشته باشد یک ششم است، و
اگر فرزندی نداشته و ارثش را تنها پدر و مادر می برند
پس برای مادرش یک سوم مال است (و بقیه از آن پدر
است)، و اگر میت برادرانی داشته باشد برای مادر یک
ششم است، (همه اینها) پس از (بیرون کردن) وصیتی
است که می کند یا دینی (که به گردن اوست). شما نمی
دانید کدام یک از پدران و پسرانتان به حال شما
سودمندترند (بنا بر این از اختلاف سهم الارث تعجب و
اعتراض نکنید. این طرز تقسیم) فریضه ای است از جانب
خداوند، همانا خداوند همواره دانا و حکیم است

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ
فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ
يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ
لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِّنْ
بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ
كَلَلَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا
الْسُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ
مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ
اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا
خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ

و برای شما نصف ما ترک زناتان است اگر برای آنها فرزندی
(از شما یا از شوی دیگر) نباشد، و اگر آنها را فرزندی باشد
یک چهارم ما ترک آنها از آن شماسست پس از (بیرون کردن)
وصیتی که آنها می کنند یا دینی (که بر گردن آنهاست)، و
برای آنها (زناتان) یک چهارم ما ترک شماسست اگر شما را
(از او یا غیر او) فرزندی نباشد، و اگر شما را فرزندی باشد
برای آنها یک هشتم از ما ترک شماسست پس از (بیرون
کردن) وصیتی که می کنید یا دینی (که بر عهده دارید). و
اگر مردی یا زنی که از او ارث برده می شود پدر و مادر و
اولاد نداشته باشد و او را یک برادر (مادری) یا یک خواهر
(مادری) باشد برای هر یک از آن دو یک ششم ما ترک است
(و بقیه نیز اگر اجدادی نداشته باشد به آنها بر می گردد) و
اگر بیش از یک نفر باشند (برادر یا خواهر یا هر دو) آنها در
یک سوم مال (به تساوی) شریک اند پس از (بیرون کردن)
وصیتی که بدان توصیه می شود یا دینی (که بر عهده
اوست) در صورتی که (در این وصیت و دین) قصد زیانی به
ورثه نباشد، سفارشی است از جانب خداوند، و خداوند دانا
و بردبار است

اینها حدود خداوند است (احکام اوست که همانند حد و مرز
قابل تجاوز نیست) و هر کس از خدا و فرستاده او فرمان
برد او را به بهشت هایی که همواره از زیر (ساختمان و
درختان) آنها نهرها جاری است درمی آورد، در آنجا جاودانه
اند، و این است کامیابی بزرگ

و هر که خدا و فرستاده او را نافرمانی کند و از حدود او
تجاوز نماید (با احکامش مخالفت کند) او را در آتشی که
جاودانه در آن باشد درمی آورد و برای او عذابی خوارکننده
است

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَلْحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ
أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى
يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا

و از زن های شما آنان که عمل زشت (زنا یا مساحقه) مرتکب می شوند (ای حاکمان اسلامی به وسیله کسی که این تهمت را زده) چهار نفر مرد از خودتان (از مؤمنان) را بر آنها به گواهی طلبید، پس اگر گواهی دادند آنها را (به کیفر این عمل به عنوان حبس ابد) در خانه ها نگه دارید تا مرگ جان آنها را بگیرد یا خداوند برای آنها راهی (دیگر) قرار دهد. (این حکم در صدر اسلام بود و پس از آن راه دیگر این شد که به جای حبس ابد، حد زنا بر آنان جاری گردد.

وَالَّذَانِ يَأْتِيَنِهَا مِنْكُمْ فَأَازِهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا
فَاعْرِضْهُمَا غَنَّهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا

و هر دو نفری از شما (هر مرد و زن بدون همسر) که آن عمل (زنا) را بجا می آورند آنها را (ای حکام اسلامی به وسیله اجراء حد الهی) بیازارید، و اگر (قبل از ثبوت جرم نزد قاضی) توبه کردند و به اصلاح پرداختند از آنان صرف نظر نمایید که همانا خداوند همواره توبه پذیر و مهربان است

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ
يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ
عَلِيمًا حَكِيمًا

در حقیقت، (پذیرش) توبه که (طبق وعده الهی) بر عهده خداوند است، برای کسانی است که کار زشت را از روی نادانی انجام می دهند، سپس به زودی (پیش از معاینه مرگ) توبه می کنند، آنها را که خداوند توبه شان را می پذیرد، و خدا همواره دانا و حکیم است

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ
أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْإِسْلَامَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ
كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

و برای کسانی که همواره گناهان را مرتکب می شوند تا چون مرگ یکی از آنان فرا رسد (یقین به مرگ پیدا کند یا حواس ظاهرشان آثار عالم برزخ را درک نماید) گوید: من الان توبه کردم و نیز برای آنان که در حال کفر می میرند (پذیرش) توبه نیست آنها را که برایشان عذابی دردناک آماده کرده ایم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا
وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتِيَتْموهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ
بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ
فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

ای کسانی که ایمان آورده اید، بر شما حلال نیست زن ها (ی شوهر مرده) را به اکراه (همانند اموال شوهرانشان طبق سنت جاهلیت) به میراث ببرید، و حلال نیست زنانی را که شما وارث آنها هستید از ازدواج مانع شوید تا ارشانشان را شما ببرید و (نیز) آنها را (که همسر شما نیستند) در تنگنا قرار دهید تا پاره ای از آنچه به آنها (به عنوان مهر) داده اید (از دستشان بیرون) ببرید مگر آنکه کار زشت آشکاری (مانند نشوز و زنا) مرتکب گردند (که در این صورت می توانید با تضيیقات حلال چیزی بگیرید) و با آنان به نیکی معاشرت کنید، و اگر از آنها کراهت دارید (باز هم با آنان بسازید، زیرا) بسا هست که شما چیزی را مکروه دارید و خدا در آن خیر فراوانی قرار می دهد

وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَسْتَبْدَالَ زَوْجَ مَكَانَ زَوْجٍ وَعَآتَيْتُمْ إِحْدَهُنَّ
قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بِهْتِنَا وَإِنَّمَا
مُبِينًا

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ
مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ
سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ
وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ
وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضْعَةِ
وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَّائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ
نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ
أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ
اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا

و اگر خواستید همسری را به جای همسری (همسر پیشین) تبدیل کنید و یکی از آنان را (که می خواهید رها کنید) مال فراوانی (به عنوان مهر) داده اید، چیزی از آن را پس نگیرید، آیا آن را از روی بهتان و افترا و گناهی آشکار می گیرید؟! (طبق سنت جاهلیت که به آنها افترا می بستند تا مجبور شوند و از مهرشان دست بردارند.

و چگونه آن را بازپس می گیرید در حالی که شما (با تماس جسمی و روحی) به یکدیگر رسیده اید و آنان از شما پیمانی محکم (به وسیله عقد ازدواج) گرفته اند

و آن کس از زن ها را که پدراتان به همسری گرفته، به همسری بگیرید جز آنچه (در زمان جاهلیت) گذشته بی تردید این عمل بسیار زشت و مبعوض (خدا) و بد راه و رسمی است

بر شما حرام ابدی شده (ازدواج با هفت گروه از خویشانتان که محارم نامیده می شوند): مادرانتان و دخترانتان و خواهراتان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادر و خوردن و عقد بستن: آن مادرانتان که به شما شیر داده اند و خواهران رضاعی تان، و مادران زن هاتان و دختران همسرانتان که در دامان (و تحت کفالت) شمایند از آن همسرانی که با آنها همبستر شده اید، و اگر با آنها همبستر نشده اید پس گناهی بر شما نیست (که مادر را رها کنید و با آنها ازدواج نمایید)، و نیز همسران پسرانتان که از صلب شمایند (نه پسرخوانده ها) و نیز جمع میان دو خواهر (در یک زمان) جز آنچه (در زمان جاهلیت) گذشته، که همانا خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا
بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ
مِنْهُنَّ فَعَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا
تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
حَكِيمًا

وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ
الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمْ
الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَيْمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ
فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَعَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْفِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا
أُحْصِنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى
الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ
وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و (نیز بر شما حرام شد) زنان شوهردار جز آنهایی که (در
جنگ از زنان کفار) به بردگی شما درآمده اند (زیرا
اسارتشان بدون شوهر به حکم طلاق است). اینها (احکام)
نوشته و مقرر شده خدا بر شماست. و غیر اینها (غیر چهارده
قسم گذشته) برای شما حلال شده که با اموال خود (به
ازدواج) بطلبید در حالی که خوددار از گناه و دور از زنا
باشید. و با هر زنی از آنان (از غیر این چهارده قسم) که
ازدواج موقت کردید مهر او را به عنوان واجب (مالی)
بپردازید، و بر شما گناهی نیست پس از تعیین مهر واجب
در آنچه بدان توافق نمایید (از اسقاط مهر یا کم و زیاد
کردن آن)، و همانا خداوند همواره دانا (به مصالح امور) و
دارای اتقان صنع (در تشریع و تکوین) است

و آن کس از شما که توان مالی ندارد تا با زن های آزاد
مؤمن ازدواج نماید پس، از بردگان ملکی از دختران جوان با
ایمانتان به زنی بگیرد. و خداوند به ایمان شما دانتر است،
همه از یکدیگرید (همه به وسیله پیوند ایمانی اعضا یک
پیکرید) پس با آنها به اذن صاحبانشان ازدواج نمایید، و
مهرهایشان را به طور پسندیده به آنان بپردازید، در حالی
که آنان پاکدامن باشند نه اهل زنا و نه دوست گیران
پنهانی. پس هر گاه این زنان (کنیزان) ازدواج نمودند، اگر
کار زشت (زنا) انجام دادند بر آنها نصف آن کیفری است که
بر زنان آزاد است. این (تجویز ازدواج با برده) برای کسی از
شما است که از مشقت (عزوبت) و ضرر (زنا) بترسد، و صبر
کردن برای شما بهتر است، و خداوند بسیار آمرزنده و
مهربان است

خداوند می خواهد (احکام و معارف دین را) برای شما روشن
کند و شما را به سنت های (دینی) کسانی که پیش از شما
بودند هدایت نماید و بر شما عطف توجه کند و توبه شما را
بپذیرد، و خداوند دانا و حکیم است

وَاللّٰهُ يُرِيدُ اَنْ يَّتُوبَ عَلَیْكُمْ وَيُرِيْدَ الَّذِیْنَ یَتَّبِعُوْنَ
الشَّهَوٰتِ اَنْ تَمِیْلُوْا مِیْلًا عَظِیْمًا

یُرِیْدُ اللّٰهُ اَنْ یُّخَفِّفَ عَنْكُمْ وُخُلِقَ الْاِنْسُنُ ضَعِیْفًا

یَتَأْتِیْهَا الَّذِیْنَ ءَامَنُوْا لَا تَأْكُلُوْا اَمْوَالَكُم بَیْنَكُمْ
بِالْبَاطِلِ اِلَّا اَنْ تَكُوْنَ تِجْرَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا
تَقْتُلُوْا اَنْفُسَكُمْ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِیْمًا

وَمَنْ یَفْعَلْ ذٰلِكَ عُدُوْنًا وَّظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِیْهِ نَارًا وَّكَانَ
ذٰلِكَ عَلَی اللّٰهِ یَسِیْرًا

اِنْ تَحْتَبِیْوْا كِبٰیْرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ
سَیِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُّدْخَلًا كَرِیْمًا

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهٖۤ بَعْضَكُمْ عَلٰی بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ
نَصِیْبٌ مِّمَّا اُكْتَسَبُوْا وَلِلنِّسَاءِ نَصِیْبٌ مِّمَّا اُكْتَسَبْنَ
وَسَّئِلُوْا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهٖۚ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمًا

وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوٰلٰی مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْاَقْرَبُوْنَ وَلَّذِیْنَ
عَقَدْتَ اَیْمُنُكُمْ فَاَتَوْهُمْ نَصِیْبُهُمْۚ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰی كُلِّ
شَیْءٍ شَهِیْدًا

و خداوند می خواهد بر شما عطف توجه کند و آنان که از
شهوات نفسی پیروی می کنند می خواهند شما (از راه حق)
به انحراف بزرگی منحرف گردید

خدا می خواهد (با تشریع متعه و تزویج برده و غیر اینها) بر
شما تخفیف دهد، و انسان (در برابر شهوات نفسش) ناتوان
آفریده شده است

ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را در میان
خود به باطل (از راه نامشروع) مخورید مگر آنکه تجارتی از
روی رضایت میان شما انجام یابد، و خودکشی نکنید و
همدیگر را نکشید، و خود را به هلاکت گناه نیفکنید که
همانا خداوند همواره به شما مهربان است

و کسی که آن را (خوردن مال غیر و کشتن نفس را) از روی
تجاوز (از حکم خدا) و ستم (به خویشتن یا دیگران) به جا
آورد به زودی او را در آتشی (سوزان) وارد می کنیم و
حرارتش را به او می چشانیم، و این بر خدا آسان است

اگر از گناهان بزرگی که از آنها نهی می شوید دوری گزینید
ما گناهان کوچک شما را از شما می زداییم و شما را به
جایگاهی گرامی درمی آوریم. (کبیره و صغیره بودن گناهان
نسبت به مفاسد فردی یا اجتماعی آنهاست و اما نسبت به
نافرمانی خدا همه گناهان، کبیره است)

و هرگز آنچه را که خدا به وسیله آن برخی از شما را بر
برخی برتری داده آرزو مکنید (مردان و زنان امتیازات
شرعی و قانونی و جسمی و روانی یکدیگر را، و هر فرد یا
گروهی امتیازات خدا دادی دیگری را از قبیل مال و مقام و
فرزند، آرزو نکند، زیرا این امتیازات طبق حکمت و نظام اتم
خلقت است و تمنیات ضدّ آن سبب بروز حسد و فساد در
جامعه است) برای مردان بهره ای است از آنچه کسب کرده
اند (به دستشان رسیده از راه خصوصیات غیر اختیاری یا
امور اختیاری) و برای زنان نیز بهره ای است از آنچه کسب
کرده اند و از خداوند از فضل او بخواهید، که همانا خداوند
به همه چیز داناست (طبق مصلحت عطا می کند)

و برای هر مالی از آنچه پدر و مادر و نزدیکان و کسانی که
شما با آنها پیمان (زوجیت یا ضمان جریره یا آزادی از
بردگی) بسته اید، بر جای گذاشته اند وارثانی قرار داده
ایم (که بر حسب اختلاف طبقات خویشاوندی ارث می برند)،
و برای هر انسانی ارث برانی از (جهت) ما ترک او قرار
دادیم (و آنها) پدر و مادر و (سایر) نزدیکان اویند و کسانی
که با آنها پیمان (زوجیت، ضمان جریره، اعتاق و امامت)
بسته اید، پس (ای حاکمان وقت) باید نصیبشان را به آنها
بپردازید، که بی تردید خداوند بر همه چیز گواه است

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَأَلْصَلِحَتْ قَتِيتٌ حَفِظَتْ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا

مردان سرپرست زنانند به سبب آنکه خداوند برخی را بر برخی دیگر (مردان را بر زنان در نیروی فکری و روانی و جسمی) برتری بخشیده (و از این رو ولایت امر جامعه را در رتبه نبوت و امامت و ولایت انتصابی از جانب معصوم، از آن مردان قرار داده است) و نیز مردان سرپرست همسران خویش اند به خاطر آنکه از اموالشان (برای زنان) خرج می کنند. پس زنان شایسته مطیع و فرمانبرند و به پاس آنکه خداوند (حقوق آنها را) نگه داشته آنها هم (در غیاب شوهر حقوق و اسرار و اموال او را) نگه دارنده اند. و زنانی که از نافرمانی آنها (نسبت به مسائل معاشرت) می ترسید (نخست) آنها را موعظه کنید و (بعد) در خوابگاه از آنها دوری نمایید و (اگر سود نبخشید، در محدوده دستور شرع) آنها را بزنید، پس اگر از شما اطاعت نمودند، دیگر بر (آزار) آنها راهی نجوید، که همانا خداوند بلند مرتبه و بزرگ است

و (شما ای حاکمان شرع، یا ای خردمندان قوم) اگر از اختلاف و کشمکش میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید، پس داوری از خانواده مرد و داوری از خانواده زن بر انگیزید، که اگر قصد اصلاح داشته باشند خداوند میان آن دو، سازگاری ایجاد می کند، که همانا خداوند دانا و آگاه است

و خدا را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر و نیز به خویشان و یتیمان و مسکینان و همسایه نزدیک و همسایه دور و رفیق نزدیک (همکار، هم مجلس، همسفر و غیره) و در راه مانده و برده مملوکتان نیکی به سزا کنید، که همانا خداوند کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست ندارد

همان کسانی که (از بذل مال و دانش) بخل می ورزند و مردم را نیز (با گفتار و کردار) به بخل وامی دارند و آنچه را که خداوند از فضل و بخشش خود بدانها داده کتمان می کنند. و ما برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده ایم

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا
بِالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ وَأَنْفَقُوا مِمَّا
رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۖ وَإِنْ تَكُ حَسَنَةً يُضْعِفْهَا
وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى
هَؤُلَاءِ شَهِيدًا

يَوْمَئِذٍ يَوْمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ ۖ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ
الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ
تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ
تَغْتَسِلُوا ۚ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ
مِّنْكُمْ مِنَ الْغَايِطِ أَوْ لَمْ تُسِئُوا بِالنِّسَاءِ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً
فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ ۖ إِنَّ
اللَّهَ كَانَ عَفْوًا غَفُورًا

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ
الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ

و همان کسانی که اموالشان را به ریا و برای نشان دادن به
مردم انفاق می کنند و به خدا و به روز واپسین ایمان
ندارند. و هر که شیطان قرین و همدم او باشد (بداند که)
او بد همدمی است

و بر آنها چه زبانی داشت اگر به خدا و به روز واپسین ایمان
می آوردند و از آنچه خدا به آنها روزی کرده انفاق می
نمودند؟! و خدا همواره به (حال) آنها داناست

به یقین خداوند هموزن ذره ای (به کسی) ستم نمی کند و
اگر همان اندازه کار نیک باشد آن را (پاداش آن یا تجسم
عینی آن را در آخرت) دو چندان می کند و از نزد خود
پاداشی بزرگ عطا می نماید

پس چگونه است (حال تو و حال مردم) آن گاه که از هر
امتی گواهی بیاوریم (پیامبرشان را برای گواهی به ایمان و
کفر و طاعت و فسق آنها بیاوریم) و تو را نیز بر اینان (بر
این امت یا بر آن گواهان) گواه آوریم؟

در آن روز کسانی که کفر ورزیده اند و فرستاده خدا را
نافرمانی کرده اند دوست می دارند که کاش با (خاک) زمین
یکسان می شدند و از خداوند هیچ سخنی را پنهان نمی
توانند داشت

ای کسانی که ایمان آورده اید، در حالی که مستید به نماز
نزدیک نشوید تا آن گاه که (مستی زایل شود و) بدانید چه
می گوئید و نیز در حال جنابت (به نماز نزدیک نگرید) تا
غسل کنید مگر در حال مسافرت (که آب نیابید) و نیز در
حال جنابت به مسجد نزدیک نشوید تا وقتی که غسل کنید
مگر آنکه رهگذر باشید، و اگر مریض یا در سفر بودید در
حالی که یکی از شما از قضای حاجت آمده یا با زنان همبستر
شده و آبی نیافتید (یا از استعمالش معذور بودید) پس
خاک پاکیزه ای بجوئید و (پس از زدن دو دست بر آن)
صورت ها و دست هایتان را مسح کنید، که به راستی
خداوند بخشنده و بسیار آمرزنده است

آیا به کسانی که به آنان بهره ای از (علم) کتاب (کتاب
آسمانی تورات یا انجیل) داده شده ننگریستی که چگونه (به
وسیله کتمان و تحریف مطالب آنها) گمراهی را (برای قوم
خود) می خردند و می خواهند که شما نیز از راه حق گمراه
شوید؟

وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاَعْدَائِكُمْ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَلِيًّا وَكَفٰى بِاللّٰهِ نَصِيرًا

مِّنَ الَّذِيْنَ هَادُوا يُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ عَنْ مَّوَاضِعِهٖۚ وَيَقُولُوْنَ
سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِاَلْسِنَتِهِمْ
وَطَعْنًا فِى الدِّيْنِ وَلَوْ اَنَّهُمْ قَالُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَاَسْمَعُ
وَاَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهٖمْ وَاَقْوَمَ وَلٰكِنْ لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ
بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْنَ اِلَّا قَلِيْلًا

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰتُوْا الْكِتٰبَ ءَامِنُوْا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا
مَعَكُمْ مِّنۭ قَبْلِ اَنْ نَّطْمِسَ وُجُوْهَاً فَنَرُدَّهَا عَلٰى اَدْبَارِهَا اَوْ
نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا اَصْحٰبَ السَّبْتِ وَكَانَ اَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُوْلًا

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُشْرَكَ بِهٖۚ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ
يَشَآءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ افْتَرٰى اِثْمًا عَظِيْمًا

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يُزَكُّوْنَ اَنْفُسَهُمْۖ بَلِ اللّٰهُ يُزَكِّيۤ مَنْ يَشَآءُ
وَلَا يُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا

اَنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ ۖ وَكَفٰى بِهٖۚ اِثْمًا مُّبِيْنًا

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ اٰتُوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يُؤْمِنُوْنَ
بِالْحُبِّ وَالطَّلَعُوْتَ وَيَقُولُوْنَ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا هٰؤُلَاءِ اَهْدٰى
مِّنَ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا سَبِيْلًا

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱
۶۹

و خداوند به دشمنان شما داناترست، و کافی است که خدا دوست و سرپرست شما باشد، و بس است که خدا یاور شما باشد

برخی از آنها که یهودی شدند کلمات (تورات) را از جاهای خود تحریف می کنند، و با پیچاندن زبانشان (به لحن عربی) و به قصد طعنه زدن به دین می گویند: شنیدیم و (در باطن می گویند) نافرمانی کردیم و بشنو که نشنوی (ظاهر کلامشان این است که بد نشنوی ولی مرادشان آن است که ناشنوا شوی یا سخن خوش نشنوی)، و می گویند: «راعنا» (که به عربی یعنی ما را رعایت کن و به عبرانی یعنی ای چوپان ما)! و اگر آنها می گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم و بشنو و به ما نظر کن حتما برای آنها بهتر و درست تر بود، و لکن خداوند آنها را به واسطه کفرشان لعن و طرد کرده، از این رو جز اندکی از آنان و یا جز به اندکی از حقایق، ایمان نخواهند آورد

ای کسانی که کتاب (آسمانی) به شما داده شده، به آنچه ما نازل کردیم (به قرآنی) که تصدیق کننده آنچه نزد شماست (از دین و کتاب، و مطابق آنچه پیش شماست از علائم این پیامبر و کتاب او) ایمان آورید پیش از آنکه صورت هایی را محو کنیم و به پشت سر برگردانیم (جسمشان را چنین کنیم یا روحشان را از ایمان به کفر تغییر دهیم) یا آنها را لعن و طرد کنیم چنان که اصحاب سبت را (مبادان ماهی در روز شنبه را) لعن کردیم (و مسخ نمودیم) و فرمان خداوند همواره شدنی است

بی تردید خداوند این (گناه) را که برای او شریک قرار داده شود نمی آمرزد و غیر آن (یا گناهان فروتر از آن) را برای هر کس که بخواهد (بدون توبه) می آمرزد و هر که به خدا شرک ورزد حقا که گناهی بزرگ را افترا بسته است

آیا ننگریستی به کسانی که خود را به پاکی می ستایند؟! (بشر را نرسد که خودستایی کند) بلکه خداست که هر که را بخواهد به پاکی می ستاید و (اگر خدا آنان را نستاید و بر ستایش خودشان هم عذاب نماید) به اندازه نخ روی هسته خرما هم به آنها ستم نخواهد گشت

بنگر چگونه بر خداوند (به خودستایی و ادعای فرزندی او) دروغ می بندند، و همین کافی است که گناهی آشکار باشد

آیا ننگریستی به کسانی که بهره ای از کتاب (تورات و انجیل) به آنها داده شده که به هر بت و طغیانگری ایمان می آورند؟! و درباره کسانی که کفر ورزیده اند می گویند آنها از کسانی که ایمان آورده اند ره یافته ترند؟

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ
نَصِيرًا

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ ۖ فَقَدْ
آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُم مَّلَكًا
عَظِيمًا

فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ بِهِ ۖ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ
سَعِيرًا

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كَلَّمًا
نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرَىٰ مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ
مُّطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا
حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا
يَعِظُكُمْ بِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي
الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ
وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ ذَلِكَ خَيْرٌ
وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

آنهايند که خداوند لعنتشان کرده (از رحمت خود دور نموده)
و هر که را که خدا لعنت کند هرگز برای او یابوری نخواهی
یافت

مگر برای آنها (عالمان تورات و انجیل) نصیبی از حکومت
است (که بخواهند نبوت و هدایت را به هر کس که خواهند
بدهند)؟ که در آن صورت حتی به اندازه نقطه پشت هسته
خرما (چیزی از مال و مقام) به مردم نمی دادند

یا اینکه آنها به مردم (به پیامبر و آتش) به خاطر آنچه
خداوند از فضلش به آنها داده حسد می ورزند؟ همانا ما به
خاندان ابراهیم کتاب و حکمت (نبوت و شریعت و معارف
عقلی) دادیم و آنها را حکومتی بزرگ عطا کردیم

پس برخی از آنان (اهل کتاب) به او (به محمد) ایمان
آوردند و برخی از او روی برتاقتند و دیگران را نیز از ایمان
به او بازداشتند، و جهنم که آتشی است برافروخته برای
آنها کافی است

بی تردید کسانی که به آیات (قرآن) و نشانه های (توحید)
ما کفر ورزیده اند به زودی (به محض مرگ در عالم برزخ یا
در قیامت که در نظر خداوند زود است) آنها را به آتشی
(سوزان) درآوریم و حرارتش را به آنها بچشانیم هر گاه که
پوستشان بریان و پخته گردد برای آنها پوست های دیگری
به جای آن بیاوریم تا (کاملا) عذاب را بچشند حقاً که خداوند
مقتدر و دارای حکمت است

و کسانی که ایمان آورده اند و عمل های شایسته کرده اند
به زودی آنها را در بهشت هایی که از زیر (قصرها و
درختان) آنها نهرها جاری است درمی آوریم، در آنجا همیشه
و جاودانه باشند، آنان را در آنجا همسرانی پاک (از عادت
های زنانگی و اخلاق و کردار زشت و عیوب جسمی) است، و
آنها را به زیر سایه ای گسترده و پایدار درمی آوریم

همانا خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به
صاحبانش رد کنید (واجبات را به خدا و حقوق مردم را به
مردم)، و چون میان مردم داوری نمایید (در مورد نزاع یا
درباره اشخاص و حوادث) عادلانه داوری کنید. حقاً که
خداوند شما را به نیکو اندرزی موعظه می کند، همانا
خداوند همواره شنوا و بیناست

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و از
فرستاده او و صاحبان امرتان (که جانشینان معصوم
پیامبرند) اطاعت نمایید. پس اگر درباره چیزی (از امور دین
یا دنیا) نزاع داشتید آن را به خدا و رسولش برگردانید
(اختلاف در دین را به وسیله فقیه و اختلاف در دنیا را به
واسطه قاضی به کتاب و سنت بازگردانید) اگر ایمان به خدا
و روز واپسین دارید، این (برای شما) بهتر و خوش عاقبت
تر است

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا
أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ
أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۚ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا
بَعِيدًا

آیا ننگریستی به کسانی که می پندارند که به آنچه به سوی
تو نازل شده و به آنچه پیش از تو (به پیامبران گذشته)
نازل شده ایمان آورده اند، ولی می خواهند (در موارد
نزاعشان) محاکمه به سوی طاغوت (حاکمان طغیانگر کفار)
برند در حالی که مأمورند به آن کفر ورزند؟! و شیطان می
خواهد آنها را به گمراهی دور و درازی گمراه سازد

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ
الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا

و چون به آنها گفته شود که به سوی آنچه خداوند نازل کرده
و به سوی فرستاده او بیایید، منافقان را می بینی که از تو
به شدت اعراض می کنند و دیگران را نیز باز می دارند

فَكَيْفَ إِذَا أَصَبَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ
جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَنًا وَتَوْفِيقًا

پس چگونه است (حال اعتذار و رسوایی آنها) وقتی که
مصیبتی به آنها به کیفر آنچه به دست خود کرده اند برسد،
به نزد تو می آیند سوگند به خدا یاد می کنند که ما (در
بردن دآوری پیش کفار) جز نیکی و موافقت (بین طرفین)
قصدی نداشتیم

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ
وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيعًا

آنها هستند که خداوند آنچه را که در دل های آنهاست (از
نفاق و عناد) می داند پس از آنان روی بگردان (در فکر
مبارزه و جنگ مباش) و آنها را پند ده و به آنها سخنی رسا و
مؤثر در جانشان بگوی

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ
ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمْ
الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا

و ما هیچ رسولی را نفرستادیم مگر آنکه به یاری و توفیق
خدا از وی اطاعت شود. و اگر آنها هنگامی که به خویشتن
ستم کردند نزد تو می آمدند، آن گاه از خداوند آمرزش می
خواستند و رسول خدا نیز برای آنها طلب آمرزش می کرد
بی تردید خدا را بسیار توبه پذیر و مهربان می یافتند

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ
لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

پس چنین نیست (که آنها ایمان داشته باشند)، سوگند به
پروردگارت که آنها ایمان نمی آورند تا آن گاه که تو را در
آنچه میان خود اختلاف دارند داور سازند، سپس در نفس
خویش هیچ تنگی و ناراحتی نسبت به آنچه تو حکم داده ای
نیابند و کاملاً تسلیم گردند

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أَخْرِجُوا مِنْ دَيْرِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا

وَإِذَا لَا تَأْتِيَنَّهُمْ مِّنْ لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا

وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا

ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عِلِيمًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا

وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْطِئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَالْ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا

وَلَنْ أَصْبَحَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لِيَقُولَنَّ كَأَنْ لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَلِيَّتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيَهُ أَجْرًا عَظِيمًا

و اگر ما بر آنان مقرر می داشتیم که (به وسیله حضور در جبهه جهاد) تن به کشتن دهید یا از وطن و خانه های خود بیرون روید، جز اندکی از آنان انجام نمی دادند. و اگر آنچه را که بدانها پند داده می شود به جا می آوردند حتما برایشان بهتر و از حیث تثبیت ایمان و تقویت روح استوارتر بود

و در آن صورت ما هم حتما آنها را از جانب خود پاداشی بزرگ عطا می کردیم

و مسلماً آنها را به راهی راست (در اعتقاد و اخلاق و کردار) هدایت می نمودیم

و کسانی که از خدا و فرستاده اش اطاعت نمایند آنان (در دنیا و آخرت) همراه کسانی هستند که خدا بر آنها نعمت بخشیده از پیامبران و صدّیقان و شهیدان و گواهان اعمال و شایستگان، و آنها نیکو رفیقانی هستند

این (رفاقت با این کسان) تفضّلی از جانب خداست، و همین کافی است که خداوند، دانا (به درجات استحقاق و پاداش متناسب) است

ای کسانی که ایمان آورده اید، (در برابر دشمنان دین) آمادگی خود را حفظ نموده، سلاح های خود را بگیرید، پس گروه گروه یا دسته جمعی (طبق اقتضای حال) حرکت و کوچ نمایید

و بی تردید از شما کس هست که (در حرکت به جهاد) کندی می کند (و دیگران را نیز به کندی وا می دارد) پس اگر شما را مصیبتی در رسد گوید: خدا با من لطف و عنایت داشت که من با آنها حاضر نبودم

و اگر تفضّلی از جانب خداوند (چون پیروزی و غنیمت) به شما رسد، چنان که گویی هرگز میان شما و او دوستی و مودّتی نبوده (و نمی توانسته با شما در جنگ شرکت جوید) می گوید: ای کاش من هم با آنها بودم پس به کامیابی بزرگی می رسیدم

پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت می فروشند در راه خدا پیکار نمایند. و هر کس در راه خدا پیکار کند پس کشته شود یا پیروز گردد به زودی او را پاداشی بزرگ عطا می کنیم

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا

الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا

أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا

و شما را چه شده که در راه خدا و (نجات) مستضعفان (ناتوان داشته شدگان) از مردان و زنان و کودکان (از مسلمین مکه که در سلطه مشرکین آن روز بودند و هر مستضعفی که در سلطه مستکبران هر عصر می باشد) نمی جنگید، آنان که همواره می گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که اهلش ستمکارند بیرون بر و برای ما از جانب خود سرپرستی قرار ده و برای ما از سوی خود یابری معین کن

کسانی که ایمان آورده اند در راه خدا می جنگند، و کسانی که کفر ورزیده اند در راه طاغوت (هر طغیانگر نافرمان حق) می جنگند، پس شما با یاران و دوستان شیطان بجنگید، که بی تردید مکر و فریب شیطان همواره (در برابر تدبیر الهی) ضعیف است

آیا ننگریستی به کسانی که به آنها (در مکه پیش از تشریع جهاد) گفته شد: دست های خود را (از جنگ با مشرکان) باز دارید و نماز را برپا کنید و زکات بدهید (ولی آنها به جنگ شتاب داشتند)، اما همین که (در مدینه) جنگ بر آنها نوشته و مقرر شد گروهی از آنان همانند ترس از خدا یا ترسی بیش از آن از مردم می ترسیدند و گفتند: پروردگارا، چرا جنگ را بر ما مقرر کردی؟! چرا ما را تا مدتی کوتاه مهلت ندادی؟! بگو: برخورداری از دنیا اندک است، و آخرت برای تقوایپیشگان بهتر است، و (در آنجا) حتی به اندازه رشته شکاف هسته خرما ستم نخواهید دید و از استحقاقتان کسر نمی شود

هر کجا باشید مرگ شما را درمی یابد هر چند در میان حصارها و قصرهای برافراشته باشید. و چون آنها (منافقان) را حسنه ای (ثروت و فراوانی و غنیمتی) برسد گویند: این از جانب خداست و چون سیئه ای (فقر و مرض و شکستی) برسد گویند: این از جانب توست (به خاطر شومی توست) بگو: همه اینها از جانب خداوند است (جریان همه حوادث جهان مباشرة به اراده اوست لکن اسباب مختلف است) پس این گروه را چه شده که حاضر نیستند سخنی را درک کنند؟

(ای انسان) آنچه از نیکی ها به تو رسد از جانب خداست (سبب آن رحمت اوست) و آنچه از بدی ها به تو رسد از سوی خود توست (سبب آن گناهان توست) و (ای پیامبر) ما تو را به رسالت برای مردم فرستادیم، و خدا از نظر گواهی (بر رسالت تو) کافی است

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا

هر که از فرستاده خدا اطاعت کند در حقیقت خدا را اطاعت کرده، و هر که روی برتابد ما تو را نگهبان بر (اعمال) آنها نفرستاده ایم

۸۱

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

و آنها (در حضور تو) می گویند: فرمانبرداریم و چون از نزد تو بیرون شدند گروهی از آنان در شب نشینی خود غیر از آنچه تو می گویی و غیر آنچه در حضور تو می گفتند در سر می پروراند. و خداوند آنچه را که شبانه در سر می پرورند می نویسد، پس، از آنها روی برتاب و بر خدا توکل نما، و خدا در تکفل امور کافی است

۸۲

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانُ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

پس آیا درباره (معارف) این قرآن اندیشه و پی گیری فکری نمی کنند؟! و اگر از جانب غیر خدا بود مسلما در آن اختلاف بسیاری می یافتند

۸۳

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا

و اگر خبری از (اسباب) ایمنی و وحشت (مانند پیروزی مسلمین یا شکستشان) به آنها برسد (بدون تحقیق) آن را منتشر می کنند، حال آنکه اگر آن را به فرستاده خدا و صاحبان امرشان بازمی گردانند به یقین کسانی از آنان که اهل تحقیق اند، به حقیقت آن پی می بردند (و راه چاره می یافتند) و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود حتما همه شما جز اندکی، از شیطان پیروی می کردید

۸۴

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَن يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا

پس در راه خدا پیکار کن تو به جز (وظیفه) خود مکلف نیستی، و مؤمنان را نیز (به جهاد) ترغیب کن امید است که خداوند بلا و گزند کسانی را که کفر می ورزند (از سر شما) باز دارد، و خداوند بلاانگیزتر و سخت کیفرتر است

۸۵

مَنْ يَشْفَعْ شَفْعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفْعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا

هر کس وساطت پسندیده ای (در هر امر خیری در نزد خدا یا مخلوق) انجام دهد او را بهره ای از آن (پاداشی در دنیا یا آخرت) خواهد بود، و هر کس وساطت ناروایی (در هر امر باطلی یا در حق شخص ناشایسته ای) انجام دهد او را نیز نصیبی از (گناه و وبال) آن خواهد بود، و خداوند همواره بر هر چیزی توانا و نگهبان است

۸۶

وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا

و چون به شما تحیت و درودی گفته شد شما تحیتی نیکوتر از آن یا همانند آن را بگویید، که بی تردید خداوند حسابرس همه چیز است

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقْتُلُوكُمْ أَوْ يُقَتِّلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَتْلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَتِّلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا

سَتَجِدُونَ عَاخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا

خداى يکناست که جز او خدایى نیست، به یقین شما را (از قیورتان) به سوى (حساب) روز قیامت که شکی در آن نیست گرد خواهد آورد، و چه کسی در سخن از خدا راستگوتر است؟

پس شما را چه شده که درباره منافقین دو گروه شده اید (گروهی طرفدار و گروهی مخالف آنان) در حالی که خدا آنها را به کیفر دستاوردشان به حالت کفر و گمراهی در آورده و قلبشان را واژگون نموده! آیا می خواهید کسی را که خداوند در گمراهی خود رها کرده هدایت کنید؟! و کسی را که خدا در گمراهی خود رها کند هرگز برای او راهی (به سوی صلاح) نمی یابی

(این آیه درباره کفار اهل کتاب و منافقان است که در میان خویشان و دوستان مشرک خود بودند،) آنان دوست دارند همان گونه که خود کافر شده اند شما هم کافر شوید تا با هم یکسان باشید. پس هرگز از آنها دوستان و سرپرستانی نگیرید تا آنکه در راه خدا (و برای اثبات پذیرش دین به دیار اسلام) مهاجرت کنند، پس اگر (از این امر) روی برتافتند آنها را (همانند مشرکان) هر کجا یافتید بگیرید و بکشید، و هرگز از آنان دوست و یآوری نگیرید

مگر آنان که به گروهی که میان شما و آنها پیمانی برقرار است بپیوندند یا به نزد شما بیایند در حالی که سینه هایشان از جنگیدن با شما یا با طائفه خود به تنگ آمده باشد. و اگر خدا می خواست مسلماً آنها را بر شما مسلط می نمود و حتماً با شما می جنگیدند. پس اگر از شما کناره گرفتند و با شما سر جنگ نداشتند و پیشنهاد صلح دادند، در این صورت خداوند برای شما راهی (برای تعدی) بر آنان قرار نداده است

به زودی گروهی دیگر را می یابید که می خواهند از شما ایمن باشند و از قوم خود نیز آسوده خاطر باشند هر بار به کفر و جنگ با مسلمین دعوت شوند به سوی آن باز می گردند. پس اگر از شما کناره نرفتند و طرح صلح نیفکندند و دست از شما بر نداشتند پس آنها را هر جا پیدا کردید بگیرید و بکشید، و آنها را که شما را بر آنان تسلط آشکاری بخشیده ایم

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنَ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنَ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

و هیچ مؤمنی را نسزد و عقلا و شرعا روا نباشد که مؤمنی را بکشد مگر آنکه از روی اشتباه و خطا (خطای محض یا شبیه عمد) باشد. و هر کس مؤمنی را به خطا کشت بر اوست آزاد کردن برده ای مؤمن (به عنوان کفاره قتل) و خونیهایی که باید تسلیم خویشان مقتول شود، مگر آنکه آنها ببخشند. و اگر مقتول از گروهی باشد که دشمن شمایند و خود او مؤمن است پس واجب است آزاد کردن برده ای مؤمن (به عنوان کفاره، و خونیه ندارد). و اگر از گروهی باشد که میان شما و آنان پیمانی (پیمان صلح یا ذمه) برقرار است باید خونیهای او تسلیم خویشانش شود و برده ای مؤمن آزاد نماید، و کسی که (برده) نیابد باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد. توبه ای است از جانب خداوند، و خداوند همواره دانا و حکیم است

و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد (و آن را حلال شمرد)، کیفر او جهنم است که جاودانه در آن باشد، و خداوند بر او خشم گیرد و او را از رحمت خود دور سازد و برای او عذابی بزرگ فراهم نماید

ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که در راه خدا (برای جهاد) سفر کردید خوب بررسی و تفحص نمایید و نسبت به کسی که به شما سلام دهد و اظهار اسلام کند مگویید مؤمن نیستی، که بخواهید (به این بهانه او را بکشید تا) متاع زندگی دنیا را بطلبید، در حالی که در نزد خداوند غنیمت های فراوان است. شما نیز پیش از این چنین بودید (به زبان اظهار ایمان می نمودید و نیز برای متاع دنیا انسان می کشتید) تا خدا بر شما (به ایمان واقعی) منت نهاد. پس باید بررسی و تحقیق نمایید، که همانا خداوند به آنچه می کنید آگاه است

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ
وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ
الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا
وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ
أَجْرًا عَظِيمًا

دَرَجَتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمُتَلَبِّكَةَ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ
كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ
أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ
وَسَاءَتْ مَصِيرًا

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا
يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا

فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا
غَفُورًا

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا
وَسِعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ
يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
رَّحِيمًا

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ
تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّ خِفَتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ
كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا

بازنشستگان مؤمنان از جهاد (مستحبّ یا واجب کفایی) که
ضرر جسمی و عذر دیگری ندارند هرگز با جهادگران در راه
خدا به مال ها و جان هایشان یکسان نیستند خداوند
جهادکنندگان به مال ها و جان هایشان را بر بازنشستگان به
رتبه ای (بلند) برتری بخشیده، و خداوند هر یک را وعده
پاداش نیک (بر ایمان و عملش) داده، و جهادگران را بر
بازنشستگان به پاداشی بزرگ مزیت عطا کرده است

به رتبه هایی از جانب خود (در دنیا و آخرت) و آموزش و
رحمتی، و خداوند همواره آموزنده و مهربان است

همانا کسانی که فرشتگان آنها را در حالی که ستمکار نفس
خویشند قبض روح می کنند (به آنها) گویند: در چه (حالی از
نظر دین) بودید؟ گویند: ما در زمین مستضعف بودیم
(ناتوان شده در جنبه ایمان و عمل). فرشتگان گویند: آیا
زمین خداوند وسیع نبود تا در آن (از محیط کفر به محیط
اسلام) مهاجرت کنید؟! پس آنان جایگاهشان جهنم است و
آن بد جای بازگشتی است

مگر ناتوان شدگان از مردان و زنان و کودکان (در دست
قدرتی حاکم یا جوی مانع از تحصیل معارف) که هیچ چاره ای
نداشته و به هیچ نحوی (برای هجرت) راه نیابند

پس آنها هستند که امید است خداوند از آنان در گذرد، و
خدا همواره بسیار بخشاینده و آمرزگار است

و هر کس در راه خدا هجرت کند (برای جهاد یا تحصیل علم
دین یا دنیای لازم) در روی زمین جایگاه دلخواه فراوان و با
وسعت خواهد یافت (که امور دین خود را تأمین نماید)، و
کسی که از خانه خود به قصد هجرت به سوی خدا و
فرستاده او بیرون رود سپس مرگ او را دریابد حقا که
پاداش او بر عهده خداست، و خداوند همواره بسیار
آمرزنده و مهربان است

و چون در روی زمین سفر کردید (هر چند به مقدار یک
فرسخ) بر شما گناهی نیست در اینکه از نماز (های چهار
رکعتی خود دو رکعت) کم کنید اگر بیم داشتید که کافران
شما را آسیب و آزار رسانند، که بی تردید کافران همواره
برای شما دشمنی آشکارند

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَافِيَةً مِنْهُمْ مَعَكَ وَلِيَاخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَافِيَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلِيَاخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرَضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا

۴: ۱۰۲ / ۱۷۶

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا

۱۰۳

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

۱۰۴

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرْنَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنَ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا

۱۰۵ ۷۷ج

و چون (در هنگام خطر) در میان آنها باشی و برای آنها نماز (خوف به جماعت) برپا کنی، یک گروه از آنها (در رکعت اول نمازت) با تو برخیزند (و نماز کنند) و البته باید سلاح های خود را بگیرند، و چون سجده کردند (و رکعت دوم نماز را فردی به اتمام رساندند بروند و) در پشت سر شما (مقابل دشمن) قرار گیرند و آن گروه دیگر که نماز نخوانده اند بیایند و نماز خود را با (رکعت دوم) تو بخوانند و البته باید بر حذر باشند و سلاح های خود را بگیرند، زیرا کافران دوست دارند شما از سلاح ها و ساز و برگ های خود غفلت کنید پس یک مرتبه بر شما حمله کنند. و اگر از باران ناراحت بودید یا بیمار بودید بر شما گناهی نیست که سلاح های خود را بر زمین نهید و حالت احتیاط به خود گیرید، همانا خداوند برای کافران عذاب خوارکننده ای آماده کرده است

و چون نماز (خوف) را تمام کردید خدا را (در همه حال) ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده به یاد آرید، و چون (از شر دشمن) مطمئن شدید نماز (معمولی) را به پا دارید، که بی تردید نماز همواره بر مؤمنان مقرری است واجب

و در جستجو و تعقیب آن گروه (کفار) سستی نورزید، اگر شما درد و رنج می کشید آنها نیز مانند شما درد و رنج می کشند و شما چیزی را از خدا امید دارید که آنها امید ندارند، و خدا همواره دانا و حکیم است

و همانا ما این کتاب را بر تو به حق (هدفی والا و عقلانی) فرو فرستادیم تا در میان مردم به آنچه خدا به تو نمایانده است داوری کنی و مدافع خائنان مباش

وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

۱۰۷

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا

۱۰۸

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ
إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ
مُحِيطًا

۱۰۹

هَآأَنْتُمْ هَآؤَآءِ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَوةِ الدُّنْيَا فَمَنْ
يُجَادِلِ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَمْ مَّنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ
وَكِيلًا

۱۱۰

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ
اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

۱۱۱

وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَكَانَ
اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

۱۱۲

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ
أُحْتَمِلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

۱۱۳
۷۸ر

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ
يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ
وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ
تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا

و از خداوند (برای میل به تبرئه مسلمان به گمان براثت او)
آمرزش بخواه، که همانا خداوند همواره بسیار آمرزنده و
مهربان است

و از کسانی که به نفس خویش خیانت می کنند (و دزدی
قبیله خود را به گردن یک یهودی می نهند) دفاع مکن، که
خداوند کسی را که خیانت پیشه و گنهگار است دوست
ندارد. (مسلمانی زرهی از مسلمان دیگری دزدید و به یک
نفر یهودی نسبت داد و کار به محاکمه کشید، قبیله سارق از
پیامبر خواستند برای حفظ آبروی مسلمان به سود وی داوری
کند، قریب هشت آیه مربوط به این قضیه است.

از مردم پنهان می دارند و از خدا پنهان نمی دارند (باکی
ندارند که پنهان نیست) حال آنکه خدا با آنها بود آن گاه که
شبانه درباره سخنی که خدا بدان راضی نبود بررسی و چاره
اندیشی می کردند (که به پیامبر بگویند به نفع مسلمان
داوری کند)، و خدا همواره به آنچه می کنند (از نظر علم و
قدرت) احاطه دارد

(خطاب به قبیله سارق:) هان این شمايید که در زندگی دنیا
از آنان (از خائنان) دفاع کردید، اما چه کسی است که در
روز قیامت در مقابل خدا از آنها دفاع نماید، یا چه کسی
است که کارساز آنها باشد؟

و هر که کار بدی کند یا به خود ستم نماید (ظلم به غیر یا
ظلم به نفس کند یا گناه اعتقادی یا عملی نماید) سپس از
خدا آمرزش طلبد خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت

و هر کس گناهی مرتکب شود جز این نیست که به زیان
خود مرتکب می شود (هر چند فواید و لذایذ مادی داشته
باشد) و خداوند همواره دانا و حکیم است

و هر که گناهی به خطا و اشتباه یا گناهی به عمد، و یا گناهی
شخصی یا اجتماعی مرتکب شود، سپس آن را به بی گناهی
نسبت دهد به یقین بهتان و گناهی آشکار (در تهمت به
دیگران) بر دوش گرفته است

و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نبود همانا گروهی از
آنان تصمیم داشتند که تو را (در داوری) گمراه کنند حال
آنکه آنها جز خودشان را گمراه نمی کنند و هیچ ضرر و زیانی
به تو نمی رسانند. و خداوند کتاب (آسمانی) و علوم شرعی
و معارف عقلی را بر تو فرو فرستاد و آنچه را نمی دانستی
به تو آموخت، و همواره فضل خداوند بر تو بزرگ است

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

۱۱۵

وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

۱۱۶
۷۹

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ ۖ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

۱۱۷

إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ ۖ إِلَّا إِنثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا

۱۱۸

لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

۱۱۹

وَلَا ضِلَّيْنَهُمْ وَلَا مَنِّينَهُمْ وَلَا مُرْتَنَهُمْ فَلْيَبْتِكُنَّ ۖ عَاذَانَ الْأَنْعَمِ وَلَا مُرْتَنَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا

۱۲۰

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ ۖ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

۱۲۱

أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا

در بسیاری از رازگویی و سخنان در گوشی آنها خیری نیست، جز (رازگویی) آنهایی که دستور صدقه یا کار نیک یا اصلاح در میان مردم دهند و هر که برای طلب خشنودی خداوند چنین کند به زودی او را پاداشی بزرگ خواهیم داد

و هر که پس از آنکه راه هدایت بر او روشن شد با فرستاده ما مخالفت و دشمنی نماید و پیروی از راهی غیر راه مؤمنین کند، او را به آن سو که رو کرده بگردانیم و در جهنم وارد کنیم و حرارتش را به او بپشانیم، و آن بد جای بازگشتی است

مسلمًا خداوند (گناه) شرک به او را (بدون توبه) نمی آمرزد و غیر آن (یا فروتر از آن) را برای هر که بخواهد (هر چند بدون توبه، طبق برخی از شرایط) می آمرزد، و هر کس به خدا شرک ورزد حقا که به گمراهی دور و درازی افتاده است

آنها غیر از خدا جز دخترانی را (بت هایی را که دخترخوانده های قبایل بودند) نمی خوانند و (در حقیقت) جز شیطان سرکش و نافرمان را نمی خوانند

که خداوند او را لعنت کرد و از رحمتش دور نمود، و او گفت: سوگند باد که از بندگان تو بهره ای معین (برای خود) خواهم گرفت. (در دنیا کفار و فساق مطلقا و در آخرت کفار تقصیری و فساق غیر مشمول شفاعت، از آن اوست)

و مسلمًا آنها را گمراه می کنم و به آرزو (ی دور و دراز) دچار می سازم و به آنها فرمان می دهم که گوش های چارپایان را (از روی خرافه و بدعت) بشکافند (سوره مائده آیه ۱۰۳) و دستور می دهم که آفرینش خدا را (در روح و جسم) تغییر دهند (دین فطری را تبدیل به کفر، صفات نیکو را تبدیل به رذایل، عبادت ها را تبدیل به عصیان و جسم طبیعی را تبدیل به طرز دیگر نمایند) و هر که شیطان را به جای خدا سرپرست و یاور خود گیرد حقا که به زبانی آشکار دچار گردیده است

شیطان به آنها وعده می دهد و در آرزوها می افکند، و جز وعده فریبنده به آنها نمی دهد

آنها جایگاهشان دوزخ است و هرگز از آن راه فراری نمی یابند

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا
وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا

لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ
سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ
فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ
وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ
شَيْءٍ مُّحِيطًا

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ
عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتِمَّى النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُوْتُونَهُنَّ
مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ
مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَمَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ
خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا

و کسانی که ایمان آورده اند و عمل های شایسته به جا آورده اند به زودی آنها را در بهشت هایی که از زیر (ساختمان ها و درختان) آنها نهرها جاری است درمی آوریم، که در آن جا برای ابد جاودانه اند، وعده حقّی است که خدا داده، و چه کسی در گفتار از خدا راستگوتر است؟

(پاداش و کیفر در آخرت) نه به آرزوی شماست (تنها برای اینکه امت پیامبر خاتمید) و نه به آرزوی اهل کتاب (که خود را دوستان و فرزندان خدا می دانند، بلکه) هر کس کار بدی انجام دهد کیفر داده می شود و جز خدا یاور و دوستی برای خود نخواهد یافت

و هر کس- مرد یا زن- از عمل های شایسته (چیزی) به جا آورد در حالی که مؤمن باشد، چنین کسانی داخل بهشت می شوند و حتی به اندازه نقطه پشت هسته خرما مورد ستم واقع نمی شوند و از استحقاقشان کم نمی گردد

و چه کسی دینش بهتر است از آن که همه وجودش را تسلیم خدا نموده در حالی که (عملاً) نکوکار است و (از حیث شریعت) از آیین ابراهیم حق گرا پیروی نموده؟ و خداوند ابراهیم را دوست (خود) گرفته است

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است (علاوه بر خود آنها) ملک حقیقی خداست، (به لحاظ آنکه آفرینش، حفظ، تدبیر و فانی کردن همه در موعد مقرر تحت اراده اوست) و خدا همواره به هر چیزی (از نظر وجودی و توانی و علمی) احاطه دارد

و درباره زنان (ازدواج با آنها وارث آنها) از تو فتوا خواهند، بگو: خداوند درباره آنها به شما فتوا می دهد (بدان گونه که در اوایل سوره گذشت) و نیز درباره آنچه در این کتاب بر شما خوانده می شود درباره دختران یتیمی که حقوق مقرر آنها را نمی دهید و رغبتی به ازدواج با آنها ندارید و نیز درباره کودکان مستضعف (که اموالشان را می خورید، فتوا می دهد) و (توصیه می کند به) اینکه با یتیمان به عدل و قسط رفتار نمایید. و هر خیری که به جا آورید حتماً خدا به آن داناست

وَإِنْ أَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

و اگر زنی از سرکشی یا اعراض خود بترسد، بر آن دو گناهی نیست که به نوعی در میان خودشان (هر چند به گذشت از پاره ای از حقوقشان) صلح و آشتی نمایند، و صلح (ذاتا) بهتر است و (البته) بخل و تنگ چشمی طبعاً ملازم نفوس گردیده است (گذشت از حق بر آنها سخت است). و اگر نیکویی کنید و تقوا ورزید حتما خداوند به آنچه می کنید آگاه است

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوا كَالْمُعَلَقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

و شما هر چند هم که حرص بورزید هرگز نمی توانید میان زن ها (در میل باطنی) عدالت کنید، پس (حد اقل در وظایف ظاهری) یکسره از یکی از آنها روی نگردانید تا او را همانند زنی بلاتکلیف رها نمایید. و اگر صلح و سازش کنید و تقوا ورزید مسلماً خداوند همواره آمرزنده و مهربان است

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا

و اگر (اتفاقاً) آن دو از هم جدا شوند، خداوند هر یک را از سعه (رحمت) خویش بی نیاز می کند، و خداوند همواره دارای سعه (وجودی و توانی و علمی و رحمتی) و صاحب اتقان صنع (در تکوین و تشریع) است

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است (علاوه بر خود آنها) ملک حقیقی خداست، و به یقین ما کسانی را که پیش از شما به آنها کتاب (آسمانی) داده شده و شما را سفارش کردیم که از خدا پروا نمایید و (به همه گوشزد کردیم که) اگر کفر ورزیدید (زیانی به او نمی رسانید، زیرا) آنچه در آسمان ها و آنچه در این زمین است از آن خداست و خدا همواره بی نیاز و ستوده (در صفات و افعال) است

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ملک حقیقی خداست، و خداوند در کارسازی (امور جهان هستی) کافی است

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَهْلَهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا

اگر بخواهد- ای مردم- همه شما را از میان می برد و گروه دیگری پدید می آورد، و خدا همواره بر این کار تواناست

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا

هر کس پاداش دنیا را بخواهد، پاداش دنیا و آخرت در نزد خداست (و بر حسب نیتش به او می دهد) و خدا همواره شنوا و بیناست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللّٰهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۖ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَن تَعْدِلُوا ۚ وَإِن تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

ای کسانی که ایمان آورده اید، (در همه امورتان) به کمال و دوام قیام کننده به عدل و گواهی دهنده برای خدا باشید هر چند به زیان خودتان یا پدر و مادر یا نزدیکانتان باشد، اگر (هر یک از طرفین دعوا) توانگر یا فقیر باشد (شما به لحاظ حال آنها بر خلاف واقع گواهی ندهید، زیرا) خداوند به (رعایت حال) آنها سزاوارتر است، پس پیروی از هوای نفس نکنید تا از حق عدول نمایید. و اگر زبان (به سوی باطل) پیچید یا (از گواهی) روی برتایید همانا خداوند همواره به آنچه عمل می کنید آگاه است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۚ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ ۚ وَمَن يَكْفُرْ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ ۖ وَكُتُبِهِ ۖ وَرُسُلِهِ ۖ وَالْيَوْمِ الْأَخِيرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید، به خدا و فرستاده او و کتابی که بر رسولش فرو فرستاده و کتابی که پیش از این نازل کرده به همه اینها ایمان بیاورید، و ای کسانی که به زبان ایمان آورده اید (از ته دل) ایمان بیاورید، و ای کسانی که ایمانتان محقق شده در حفظ آن استوار باشید. و هر که به خدا و فرشتگان و کتاب ها (ی آسمانی) و فرستادگان او و روز واپسین کفر ورزد حقا که به گمراهی دور و درازی افتاده است

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا

همانا کسانی که ایمان آوردند سپس کفر ورزیدند، باز ایمان آوردند دوباره کافر شدند، سپس بر کفرشان افزودند، خداوند هرگز بر آن نیست که آنها را بیامرزد و به راهی هدایت نماید. (آنهايي که ایمان و کفر در آنها تکرر یافته و بر کفر مستقر شده اند توفیق ایمان نمی یابند.

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

منافقان را بشارت ده که آنها را (در برزخ و عالم قیامت) عذابی دردناک است

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ أَيْبَتُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا

همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و یاور و دوست خود می گیرند آیا در نزد آنان عزّت و عظمت می طلبند؟ پس (بدانند که) بی تردید همه عزت از آن خداست

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَن إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا

و همانا او بر شما در این کتاب نازل کرده (سوره ۶ آیه ۶۸) که چون شنیدید که آیات و نشانه های خداوند را مورد انکار و مسخره قرار می دهند، با آنان منشینید تا در سخنی دیگر وارد شوند و گرنه شما نیز همانند آنهايید به یقین خداوند منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد

الَّذِينَ يَتَرْبِّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعَكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا

مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ نَجْدًا سَبِيلًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَن تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَءَامَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا

آنان که پیوسته در انتظار حوادث برای شما می نشینند، پس اگر از جانب خدا برای شما پیروزیی رسید می گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس سهم ما را از غنائیم بدهید)، و اگر برای کافران بهره ای (از پیروزی) باشد (به کفار) می گویند: آیا ما (در گفتگو) بر شما چیره نمی شدیم (که عقاید خود را محکم دارید تا پیروز شوید) و آیا در جنگ ها بر شما پیروز نمی شدیم و دست از سرتان برمی داشتیم و شما را از (آسیب) مؤمنان مانع می شدیم؟ (پس ما را در غنیمت شریک سازید). خداوند در روز قیامت میان شما داوری خواهد کرد، و هرگز خدا برای کافران راه تسلّطی (در حجت و برهان) بر مؤمنان قرار نخواهد داد

مسلمًا منافقان با خدا فریبکاری می کنند حال آنکه خدا فریب دهنده آنهاست (کیفر فریبشان را به خودشان باز می گرداند)، و چون به نماز برخیزند با کسالت برمی خیزند با مردم ریاکاری می کنند و خدا را جز اندکی به یاد نمی آورند

آنها در این میان (میان مؤمنان و کافران قلبا یا عملا) متردّدند، نه (یکسره) به سوی اینان و نه (یکسره) به سوی آنانند. و کسی را که خدا در گمراهیش رها کند هرگز برای او راهی نخواهی یافت

ای کسانی که ایمان آورده اید، کافران را برای خود به جای مؤمنان سرپرست و یاور و دوست مگیرید آیا می خواهید برای خدا بر ضد خودتان حجتی روشن (بر نفاقتان) و سلطه تکوینی (بر عذابتان) قرار دهید؟

بی تردید منافقان در پایین ترین طبقه از آتشند، و هرگز برای آنها یآوری نخواهی یافت

مگر کسانی که توبه کردند و (آنچه از جوهره وجود و اعمال خود تباه ساخته اند) اصلاح نمودند و به خدا (و کتاب او) تمسّک جستند و دین خود را برای خدا خالص کردند، که آنها با مؤمنان خواهند بود و به زودی خداوند مؤمنان را پاداشی بزرگ خواهد داد

خداوند را با عذاب شما چه کار (چه نیازی به آن و چه سودی برای او دارد) اگر شما سپاس گزارید و ایمان آورید؟! و خدا همواره سپاسگزار و داناست

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ
اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا

۱۴۹

إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَفُوًّا قَدِيرًا

۱۵۰

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا
بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ
وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

۱۵۱

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا
مُهِينًا

۱۵۲

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ
أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجُورُهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

۱۵۳
۸۳ ر

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنِزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ
فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً
فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ
مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَعَاتَيْنَا مُوسَىٰ
سُلْطَانًا مُّبِينًا

۱۵۴

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ
سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ
مِيثَاقًا غَلِيظًا

خداوند بدگویی بلند و آشکار (مانند غیبت، بهتان، نکوهش،
سعایت و نفرین) را دوست ندارد (کراهت تشریعی شدید
یا خفیف دارد) جز برای کسی که بر او ستم رفته باشد، و
خداوند همواره شنوا و داناست

اگر کار خیری را آشکار سازید یا آن را پنهان دارید یا از
بدی (دیگران) درگذرید (در همه متخلّق به اخلاق خدا شده
اید و) همانا خداوند همواره با گذشت و تواناست

البته کسانی که به خدا و فرستادگانش کفر می ورزند و می
خواهند میان خدا و فرستادگانش (در حقانیت و اعتقاد)
جدایی افکنند و می گویند: ما به برخی ایمان می آوریم و به
برخی کفر می ورزیم، و می خواهند میان آنها (میان ایمان به
همه و کفر به همه) راهی پیش گیرن

آنها در حقیقت همان کافران (مطلق) اند (زیرا انکار برخی از
آنها انکار همه است)، و ما برای کافران عذابی خوارکننده
آماده کرده ایم

و کسانی که به خدا و فرستادگانش ایمان آوردند، و میان
هیچ یک از آنان جدایی نیفکندند (همه را تصدیق کردند)،
آنهایند که (خدا) به زودی پاداششان را خواهد داد، و
خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است

اهل کتاب از تو درخواست می کنند که کتابی از آسمان برای
آنها فرود آوری! حقیقت این است که آنان از موسی بزرگتر
از آن را درخواست کردند و گفتند: خدا را آشکارا به ما
نشان ده! پس به کیفر ظلمشان آنها را صاعقه (آسمانی) فرا
گرفت. و باز پس از آنکه دلایل روشن به آنها رسید گوساله
را به خدایی گرفتند، پس ما از آن نیز درگذشتیم، و به
موسی برهانی روشن (و قدرتی آشکار) دادیم

و کوه طور را برای پیمانشان (برای بستن پیمان به پذیرش
تورات و عمل به آن) بر فراز سر آنها بلند کردیم، و به آنها
گفتیم: از این در (در بیت المقدس) سجده کنان (با کمال
تواضع) وارد شوید، و به آنها گفتیم: در روز شنبه (از حریم
حرمت صید ماهی) تجاوز نکنید، و از آنان پیمانی سخت و
استوار گرفتیم

فَمَا نَقْضِهِمْ مِّيثَقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ
الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ
عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا

پس (ما بنی اسرائیل را لعن و تعذیب کردیم) به سزای
پیمان شکنی آنها و انکارشان آیات خدا را و کشتار به
ناحقشان پیامبران (الهی) را و گفتارشان که دل های ما در
غلاف است (و سخنان تو را نمی فهمند، لکن چنین نیست)
بلکه خداوند به خاطر کفرشان بر آن مهر (شقاوت) زده، از
این رو آنها ایمان نخواهند آورد جز اندکی از آنان به اندکی
از ایمان

۱۵۶

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَنًا عَظِيمًا

و نیز به سزای کفرشان (به عیسی) و گفتارشان درباره مریم
بهتانی بزرگ را (که عیسی را از کجا آورده

۱۵۷

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ
وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ
أَخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا
اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا

و نیز گفته آنها که ما مسیح عیسی بن مریم رسول خدا را
کشتیم– در حالی که او را نکشتند و به دار نیاویختند، و
لکن کار بر آنها مشتبه شد (خیال کردند در جنگ کشته شد،
یا شخص دیگری به قیافه او کشته شد یا عیسی نامی مدعی
نبوت پس از مدتی کشته شد) و حتما کسانی که درباره او
اختلاف دارند در این باره در شک و تردیدند و جز پیروی
ظن و گمان هیچ علمی بدان ندارند و یقینا او را نکشتن

۱۵۸

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

بلکه خداوند او را (زنده و با بدن دنیوی) به سوی خود بالا
برد، و خداوند همواره مقتدر شکست ناپذیر و دارای متانت
و استواری (در تکوین و تشریع) است

۱۵۹

وَإِنْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ ۖ وَيَوْمَ
الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا

و هیچ یک از اهل کتاب (تورات و انجیل) نیست مگر آنکه
بی تردید (لحظاتی) پیش از مرگش به او ایمان می آورد (که
رسول و بنده خداست لکن این ایمان نتیجه نخواهد داد) یا
همه اهل کتاب (در آخر زمان پس از نزول عیسی از آسمان
و) پیش از مرگش به او ایمان می آورند، و او نیز روز
قیامت بر آنها گواه خواهد بو

۱۶۰

فَظُلِمَ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ
لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا

آری به سزای (این همه) ظلمی که از یهودان سر زد،
چیزهای پاکیزه ای را که برای آنها حلال شده بود (مانند شیر
و گوشت شتر، و صید ماهی، و چربی حیوان) بر آنها حرام
نمودیم و نیز به سزای بازداشتن آنها بسیاری از مردم را از
راه خد

۱۶۱

وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّوُا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ
بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

و به سبب ربا گرفتن آنها در حالی که از آن نهی شده بودند،
و خوردن اموال مردم را به بیهوده و باطل و ما برای کافران
از آنها عذابی دردناک آماده کرده ایم

۱۶۲

لَٰكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا
أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ
وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ أُولَٰئِكَ
سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا

لکن راسخان در علم از آنان (علمای حقیقی تورات و انجیل)
و همه مؤمنان که به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از
تو (بر پیامبران گذشته) نازل شده ایمان می آورند و به
ویژه نمازگزاران و نیز زکات دهندگان و ایمان آورندگان به
خدا و روز واپسین، همه آنها را به زودی پاداشی بزرگ
خواهیم داد

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ
بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ
وَعَاتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ
نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ
حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

لَٰكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنزَلَ إِلَيْكَ ۚ أَنزَلَهُ بِعِلْمِهِ
وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا
ضَلَالًا بَعِيدًا

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا
لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ
يَسِيرًا

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ
فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

بی تردید ما به تو وحی کردیم همانگونه که به نوح و
پیامبران بعد از او وحی کردیم و نیز به ابراهیم و اسماعیل
و اسحاق و یعقوب و اسباط (پیامبرانی از فرزندان یعقوب)
و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم، و
به داود زبور عطا کردیم (پس در دعوی نبوت و عرضه کتاب
بی سابقه نیستی)

و رسولانی را (فرستادیم) که (سرگذشت) آنان را پیش از
این بر تو بازگو کردیم و رسولانی که بر تو بازگو نکردیم، و
خداوند با موسی به طرزی خاص (بی پرده و بدون واسطه)
سخن گفت. (به خواندن همه تورات به سمع او در یک قیام
۷۲ ساعته)

فرستادگانی بشارت رسان و بیم دهنده، تا مردم را بر خدا
(در روز قیامت) پس از (آمدن) این فرستادگان حتی
نباشد، و خداوند همواره مقتدر شکست ناپذیر و حکیم (در
همه امور) است

(کافران اهل کتاب نزول وحی و کتاب را بر تو گواهی نمی
دهند) لکن خداوند به آنچه بر تو فرو فرستاده گواهی می
دهد که آن را به علم خویش نازل نموده (تنظیم الفاظ و
محتوا و انزال به جامعه بشری، همه به علم ازلی اوست) و
فرشتگان نیز گواهی می دهند و خداوند از نظر گواه بودن
کافی است

همانا کسانی که کفر ورزیدند و (دیگران را) از راه خدا
بازداشتند بی تردید به گمراهی دور و درازی درافتادند

همانا کسانی که کفر ورزیدند و (به خود و دیگران) ستم
کردند، خداوند بر آن نیست که آنها را ببامرزد و نه آنکه به
راهی (راست) هدایت نمای

مگر به راه دوزخ که برای همیشه در آن جاودان بمانند، و
این کار (عذاب کردن نفوس نامحدود به عذاب نامحدود در
مدت نامحدود) بر خدا آسان است

ای مردم، حقیقت این است که فرستاده ما (دین و کتاب)
حق را از جانب پروردگارتان بر شما آورد، پس ایمان بیاورید
که به خیر شماست، و اگر کفر ورزید پس (بدانید که خدا از
شما بی نیاز است، زیرا که) همانا آسمان ها و زمین ملک
حقیقی خداست، و خداوند همواره دانا و حکیم است

۴۰
نساء
۱۷۱
/۱۷۶

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ
إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ
وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ
وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ
وَاحِدٌ سُبْحَنَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

۱۷۲
۸۵ر

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا
الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ
وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا

۱۷۳

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ
وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنَكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا
فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا
وَلَا نَصِيرًا

۱۷۴

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا
إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا

۱۷۵

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي
رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا

ای اهل کتاب (ای مسیحیان) در دین خود غلو نکنید و بر
خداوند جز گفتار حق و حقیقت مگویید (مگویید خدا از
الوهیت به وجود عیسی منقلب گشته، یا همانند روح در
قلب وی حلول نموده)، جز این نیست که مسیح عیسی بن
مریم فرستاده خدا و کلمه اوست که به مریم القا نموده (به
واسطه کلمه «کن» او را در رحم مریم پدید آورده) و هم
روحی از جانب اوست (که حیات بخش نفوس است). پس به
خدا و فرستادگانش ایمان آورید و مگویید: (خدا) سه گانه
است (جوهره ذاتش به سه موجود پدر و پسر و روح
القدس تقسیم شده. از این سخن) خودداری کنید که به
خیر شماس، جز این نیست که خداوند خدایی یگانه است،
منزه است از اینکه او را فرزندی باشد، آنچه در آسمان ها و
آنچه در زمین است ملک حقیقی اوست، و خدا برای
کارسازی (امور جهان هستی) کافی است

هرگز مسیح از اینکه بنده خدا باشد ابا و امتناع ندارد، و
همه فرشتگان مقرب نیز ابا ندارند، و هر که از پرستش او
امتناع کند و تکبر ورزد (خداوند) همه آنان را (در روز
رستاخیز) به سوی خود گردآوری خواهد نمود (تا همه را
طبق استحقاق کیفر دهد)

اما کسانی که ایمان آوردند و عمل های شایسته کردند،
پاداش های آنان را به طور کامل خواهد داد و از فضل و
رحمت خود بر آنان خواهد افزود، و اما کسانی که ابا کردند
و تکبر نمودند آنها را به عذابی دردناک کیفر خواهد داد، و
(در آنجا) برای خود جز خداوند سرپرست و یابری نخواهند
یافت

ای مردم، در حقیقت برای شما برهان و حجتی از
پروردگارتان آمده (پیامبر و دین و معجزات او) و برای شما
نوری آشکار و روشنگر (قرآن) را فرو فرستادیم

اما کسانی که به خدا ایمان آورده و به او تمسک جستند، به
زودی آنان را در رحمت و فضلی از جانب خود درمی آورد و
به راهی راست به سوی خود هدایت می کند

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أُمِرُوا هَلَكَ
لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا
إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا أُثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الشُّلْثَانِ مِمَّا
تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حِظِّ
الْأُنثَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْلُوا شَعْبِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ
وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا ءَامِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ
فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا
يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَن صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى
الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

از تو فتوا می طلبند، بگو: خداوند به شما درباره کلاله
(خواهران پدر و مادری یا پدری تنها) فتوا می دهد: اگر
مردی که فرزند (و پدر و مادر و جد) ندارد بمیرد و او را
یک خواهر باشد، نصف میراث وی (به تشریع اولی) از آن
اوست (و بقیه را به تشریع ثانوی ارث می برد)، و این برادر
نیز از آن خواهر اگر اولاد نداشته باشد (تمام مال را) ارث
می برد، اما اگر خواهران دو نفر باشند دو سوم میراث میت
از آن آنهاست (و بقیه را به تشریع ثانوی ارث می برند)،
اگر آنها برادران و خواهران متعدد باشند (همه میراث از
آن آنهاست لکن) برای مرد مانند نصیب دو زن است.
خداوند برای شما بیان می کن

۵. مائده	المَائِدَة: سفره غذا	مدنی	۱۲۰ آیه	۲۲ صفحه
----------	----------------------	------	---------	---------

ای کسانی که ایمان آورده اید، به پیمان ها و قراردادهای
خود (پیمان هایتان با خود مانند نذر و عهد و قسم و با مردم
مانند عقود و قراردادهای دیگر، و با خداوند مانند التزام به
احکام دین که از آن جمله التزام به حلیت و حرمت برخی از
اشیاء است) وفا کنید. (گوشت) چهارپایان زبان بسته (و
جنین های آنها که در وقت تذکيه مرده از شکم مادر بیرون
می آیند) برای شما که حلال شمارنده مبد در حال احرام
نیستید حلال شده جز آنچه بر شما خوانده می شود (که
استثنا شده) همانا خداوند هر چه را بخواهد حکم می کند

ای کسانی که ایمان آورده اید، حرمت نشانه های (توحید و
پرستش) خدا (مانند اعمال حج و عمره و مکان های آن
عبادات) و حرمت ماه های حرام (که رجب و ذی قعدة و ذی
حجه و محرم است) و حرمت قربانی بی نشان و قربانی قلاده
در گردن و حرمت قاصدان بیت الحرام را که فضل و
خشنودیی از پروردگارشان را می طلبند نشکنید. و چون از
احرام درآمدید می توانید شکار کنید، و عداوت گروهی
بدین جهت که شما را از مسجد الحرام بازداشتند شما را
وادر نکند که (بر حقوق آنها) تجاوز کنید. و در هر کار خیر و
تقوا یکدیگر را یاری دهید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید،
و از خدا پروا نمایید، که همانا خداوند سخت کیفر است

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَيسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْلِفِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

بر شما حرام شد (خوردن) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه (در وقت کشتن) نام غیر خدا بر آن برده شده و حیوان خفه شده و به وسیله زدن مرده، و از بلندی پرت شده و مرده و به شاخ حیوان دیگری مرده و آنچه درنده آن را کشته و از آن خورده، مگر آنچه را (از موارد فوق که قابل تذکیه بوده) تذکیه کرده اید و همچنین آنچه بر روی سنگ مقدس (یا برای بت ها) سر بریده شده، و (نیز حرام شد) قسمت کردن (گوشت حیوانی) با تیرهای قمار، که همه این اعمال فسق است،- امروز کسانی که کفر ورزیده اند از آنها (ابطال و ازاله) دین شما مأیوس گشته اند، پس از آنها مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی (استوار و پایدار) پذیرفتم،- پس اگر کسی در حال قحطی و گرسنگی شدید بدون تمایل به گناه (به خوردن بعضی از آن حرام ها) ناچار شود، خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

از تو می پرسند چه چیزی بر آنها حلال شده؟ بگو: همه پاکیزه ها (هر چه که مطلوب عقل و مرغوب طبع باشد از خوراکی و پوشاکی و سایر وسایل زندگی) بر شما حلال گردیده و (نیز صید) آنچه از حیوانات شکاری که تعلیم داده و تأدیب نموده اید (برای شما حلال است)- در حالی که از آنچه خدا به شما آموخته به آنها می آموزید- (پس) از هر حیوانی که برای شما بگیرند و نگه دارند بخورید و نام خدا را (هنگام فرستادن آنها به سوی شکار) بر آن ببرید، و از خدا پروا کنید، که بی تردید خداوند زودرس به حساب است

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شد، و طعام کسانی که به آنها کتاب (آسمانی) داده شده برای شما حلال، و طعام شما هم برای آنها حلال است، و (نیز حلال است بر شما) زنان آزاد و پاکدامن از مؤمنان و زنان آزاد و پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آنها کتاب (آسمانی) داده شده، هر گاه مهر آنها را پرداخته باشید در حالی که پاکدامن باشید نه اهل زنا و نه رفیق باز به نامشروع در نهان. و هر کس کفر ورزد بدانچه باید ایمان آورد حقا که عملش تباه شده و در آخرت از زیانکاران است

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا
وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ
وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ
كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ
أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا
فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ
عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ
وَعَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۵:
مانده
۶
۱۳۰/
۸۷ ر

وَأذْكُرُوا اللَّهَ عَالِيَكُمْ وَمِيثَقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ
إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الصُّدُورِ

۷

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ
أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

۸

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

۹

ای کسانی که ایمان آورده اید، چون برای نماز برخیزید (و وضو نداشتید) پس صورت ها و دست هایتان را تا آرنج بشویید، و بر سرتان و روی پاهاتان تا برآمدگی روی هر دو پا مسح کنید، و اگر جنب بودید شستشو نمایید (غسل کنید)، و اگر بیمار یا در سفر بودید و حال آنکه یکی از شما از قضای حاجت آمده یا با زنان همبستر شده و آبی نیافتید، پس به سراغ خاکی پاک روید و از آن خاک (پس از آنکه کف هر دو دست بر آن زدید) به صورت و دست هایتان بکشید (تیمم کنید). خداوند هرگز نمی خواهد برای شما مشقت درست کند و لکن می خواهد شما را پاک نماید و نعمت خود را بر شما تمام سازد، شاید سپاس گزارید

و به یاد آورید نعمت خدا را بر شما و پیمان او را که (به واسطه پذیرش نبوت و دین) با شما بست آن گاه که گفتید: شنیدیم و فرمان بردیم. و از خدا پروا کنید، که همانا خدا به محتوای سینه ها داناست

ای کسانی که ایمان آورده اید، (در هر کار فردی و اجتماعی) قیام کننده استوار و دائم برای خدا و گواهان به عدل و قسط باشید و هرگز دشمنی با گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است، و تقوا پیشه کنید که همانا خداوند به آنچه می کنید آگاه است

خداوند کسانی را که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند وعده داده که آنها را آمرزش و پاداشی بزرگ است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

۱۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

۱۲
حزب
۴۴
۸۸

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا ۖ وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ ۖ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَءَاتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنكُم فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

۱۳

فَبِمَا نَقَضْتُم مِّيثَاقَهُمْ لَعْنَهُمْ ۖ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَلْسِيَةً ۖ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا ۚ وَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَآئِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۖ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

و کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب نموده اند آنها اهل دوزخند

ای کسانی که ایمان آورده اید، نعمت خدا را بر خود به یاد آرید آن گاه که گروهی آهنگ آن کردند که به سوی شما دست درازی کنند، (به فکر ترور و شیخون بر مسلمین بودند) پس خداوند دستشان را از شما بازداشت. و از خدا پروا کنید و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل نمایند

و همانا خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت، و از میان آنها دوازده نفر سرپرست و رئیس (برای دوازده قبیله) برانگیختیم. و خدا به آنها گفت: بی تردید من با شما هستم، که اگر نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگانم (که در آینده برمی انگیزم) ایمان آورید و آنها را محترمانه یاری کنید و به خدا وامی نیکو دهید (در راه خدا انفاق کنید)، حتما گناهان شما را می زدایم و شما را در بهشت هایی که از زیر (ساختمان ها و درختان) آنها نهرها جاری است درمی آورم. پس اگر کسی از شما پس از این کفر ورزد حقا که راه راست را گم کرده است

پس آنها را به خاطر شکستنشان پیمان خود را لعنت کردیم (به مسخ صورت و قلب سیرت و سقوط حکومت محکوم نمودیم) و دل هایشان را سخت کردیم (به طوری که) سخنان (خدا) را از مواضع خود تحریف و جابه جا می کردند، و سهمی به سزا از آنچه را (از علوم تورات و نشانه های نبوت پیامبر اسلام را) که بدان گوشزد شده بودند فراموش کردند، و همواره از کارهای خائنانه آنها جز شمار اندکی از آنان آگاه می شوی، پس (فعلا تا آن گاه که مأمور به جهاد شوی) از آنان درگذر و روی گردان، که خداوند نیکان و نیکوکاران را دوست دارد

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا
مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَمَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

۱۵

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا
مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ
جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ

۱۶

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمُ
مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ

۱۷

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ
فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ
مَرْيَمَ وَأُمُّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ

و از کسانی که گفتند ما نصرانی هستیم (به نصرت خدا
برمی خیزیم) پیمانشان را (بر زهد در دنیا و توحید کلمه و
عدم تفرق در دین) گرفتیم، پس سهمی به سزا از آنچه را
که بدان تذکر داده شده بودند (از معارف انجیل مانند
مسائل توحید و نشانه های نبوت و اوصاف پیامبر اسلام)
فراموش نمودند، پس میان آنها تا روز رستاخیز دشمنی و
کینه افکندیم، و به زودی خداوند آنها را از آنچه انجام داده
اند آگاه خواهد ساخت

ای اهل کتاب، به یقین فرستاده ما به سوی شما آمده که
بسیاری از آنچه را که شما از کتاب خود پنهان کردید (مانند
اوصاف پیامبر اسلام و نشانه های نبوت او) برای شما روشن
می کند و از بسیاری هم (فعلا) چشم می پوشد (مانند قول
به تجسم خدا و نسبت گناه به پیامبران). حقا که برای شما
از جانب خداوند نور و کتابی روشن و روشنگر آمده است

خداوند به سبب آن (نور و کتاب) کسانی را که (ایمان آورند
و) از رضای او پیروی کنند به راه های سلامت (که راه اصول
و فروع دین است) هدایت می کند و آنها را از تاریکی ها (ی
کفر و نفاق و فسق) به سوی نور به توفیق خود بیرون می
آورد و به سوی راهی راست هدایت می کند

مسلمانا کافر شدند کسانی که گفتند: خدا حتما همان مسیح
فرزند مریم است (واجب منقلب به ممکن شده یا واجب در
ممکن حلول نموده). بگو: اگر او بخواهد مسیح فرزند مریم
و مادرش و هر کس را که در روی زمین است همگی را
بکشد، چه کسی در برابر خدا مالک چیزی است؟ حال آنکه
مالکیت حقیقی آسمان ها و زمین و آنچه در میان آن دو
است از آن خداست هر چه را بخواهد می آفریند و خدا بر
همه چیز تواناست

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصْرَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّوهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

۵:
مانده
۱۸
/۱۲۰

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱۹

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ ۖ يَقَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَعَاقَبَكُمْ ۖ مَا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ

۲۰
۸۹

يَقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

۲۱

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ

۲۲

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنِعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُم غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

۲۳

و یهود و نصارا گفتند: ما پسران خدا و دوستان اویسیم. بگو: پس چرا خدا شما را به گناهتان عذاب می کند؟ بلکه شما هم بشری هستید از جمله کسانی که او آفریده است هر کس را بخواهد (به اقتضای رحمتش) می آمرزد و هر کس را بخواهد (به اقتضای عدلش) عذاب می کند، و ملکیت حقیقی آسمان ها و زمین و آنچه در میان آنهاست از آن اوست و بازگشت به سوی اوست

ای اهل کتاب، همانا فرستاده ما نزد شما آمد، که در دوران انقطاع و بریده شدن سلسله رسولان (میان عیسی و محمد صلی الله علیه و آله معارف دینی را) برای شما بیان می کند تا مبدا (در روز قیامت) بگویید: برای ما هیچ مژده دهنده و بیم کننده ای نیامد. پس حقا که شما را مژده دهنده و بیم کننده ای آمد، و خدا بر هر چیز تواناست

و (به یاد آر) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمت خدا را بر خود متذکر شوید، آن گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را فرمانروایان (مردم) ساخت و به شما چیزی داد که به احدی از جهانیان نداد (مانند غرق کردن دشمنان، تورات مبسوط، سنگ چشمه زا و من و سلوی)

ای قوم من، به این سرزمین مقدسی که خدا برای شما نوشته و مقرر داشته (بیت المقدس) وارد شوید و به پشت خود برنگردید و عقب نشینی نکنید که زیان کار خواهید شد

گفتند: ای موسی، همانا در آنجا گروهی سلطه جو و ستمگر هستند، و ما هرگز داخل آنجا نمی شویم تا آنها از آنجا بیرون روند، پس اگر آنها بیرون شوند ما حتما داخل خواهیم شد

دو نفر مرد از کسانی که (از خدا) می ترسیدند و خدا بر آنها نعمت (ایمان و شجاعت) داده بود، گفتند: از این در (دروازه شهر) بر آنها حمله برید، و چون بدانجا داخل شدید حتما شما پیروزید، و تنها بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَّا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ
أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي ۖ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ
الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ ۚ
فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ
مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۖ قَالَ إِنَّمَا
يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ
لَأَقْتُلَنَّكَ ۖ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ
وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ ۖ فَأَصْبَحَ مِنَ
الْخَاسِرِينَ

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ ۖ كَيْفَ يُورِي
سَوْءَةَ أَخِيهِ ۖ قَالَ يُوَيَّلَتْنِي أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا
الْغُرَابِ فَأُورِيَ سَوْءَةَ أَخِي ۖ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ

گفتند: ای موسی تا آنها در آن (شهر) هستند ما هرگز وارد
آنجا نخواهیم شد، پس تو و پروردگارت بروید (با آنان)
بجنگید، ما حتما در همین جا خواهیم نشست

موسی گفت: پروردگارا، من (راجع به ابلاغ رسالت و دعوت
به جهاد) جز بر خود و برادرانم تسلطی ندارم (و از قوم جز
اندکی در طاعت من نیست) پس میان ما و این گروه نافرمان
جدایی بیفکن

خدا گفت: این سرزمین چهل سال بر آنها (به سزای
گناهانشان) حرام شد، (در این مدت) همواره در روی زمین
(بیابان سینا) سرگردان خواهند ماند. پس بر این گروه
نافرمان اندوه مخور

و داستان دو پسر آدم (هابیل و قابیل) را به حق و درستی
بر آنها بخوان، آن گاه که آن دو کار تقرب آوری انجام دادند
(هابیل شتر نحر کرد و قابیل اندکی گندم پیش آورد) پس
از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. (قابیل)
گفت: حتما تو را خواهم کشت. (هابیل) گفت: جز این نیست
که خدا از پرهیزکاران می پذیرد

البته اگر تو دستت را به سوی من دراز کنی که مرا بکشی،
من هرگز دستم را به سوی تو دراز نمی کنم که تو را بکشم
(هر چند از خود دفاع می کنم) همانا من از پروردگار
جهانیان می ترسم

من می خواهم (سبقت نکنم) تا تو با گناه (کشتن من و دیگر
گناهان) من و گناهان خود (به نزد خدا) بازگردی و از
دوزخیان باشی، و این است کیفر ستمکاران

پس نفس (آماره) او کشتن برادرش را در نظر وی مرغوب
کرد و آسان جلوه داد، پس او را کشت و از زیانکاران گردید

پس خداوند زاغی را برانگیخت که زمین را (برای دفن
چیزی) می کند، تا به وی نشان دهد که چگونه جسد
برادرش را که نباید دیده شود پنهان سازد. وی گفت: ای
وای بر من، آیا من ناتوان بودم از اینکه مثل این زاغ باشم
تا جسد برادر خود را پنهان نمایم؟! پس از پشیمانان گردید

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا
بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا
وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ
رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ
لَمُسْرِفُونَ

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي
الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ
وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ
فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ ۖ فَاعْلَمُوا أَنَّ
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ
وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ
مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ ۚ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

و بدین سبب (به سبب وقوع چنین فاجعه ای) بر بنی اسرائیل (و همه ملت ها در طول تاریخ) نوشته و مقرر داشتیم که هر کس انسانی را جز برای قصاص نفس یا فسادی که در روی زمین کرده بکشد (یا از اسلام به کفر درآورد) چنان است که گویی همه مردم را کشته (و گمراه ساخته و در جهنمی مخصوص قاتلان بی گناهان خواهد بود)، و هر کس انسانی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد یا از کفر به اسلام آورد) گویی همه مردم را زنده کرده (و هدایت نموده) است. و به یقین فرستادگان ما برای آنها (بنی اسرائیل) دلایل روشنی آوردند، سپس بسیاری از آنان پس از آن در روی زمین بیش از حد به فساد و خونریزی پرداختند

جز این نیست که کیفر کسانی که با خدا و رسول او می جنگند و در زمین به فساد و تبهکاری می پویند (با اسلحه سرد یا گرم به منظور ترساندن و سلب امنیت و تجاوز به حقوق مردم ظاهر می شوند) این است که کشته شوند، یا بر دار آویخته گردند، یا دست ها و پاهایشان (چهار انگشت یک دست با چهار انگشت یک پا) بر خلاف جهت یکدیگر بریده شود و یا از آن سرزمین تبعید گردند. این برای آنها خفت و خواری در دنیاست و آنان را در آخرت عذابی بزرگ است

مگر کسانی که پیش از آنکه بر آنها دست یابید توبه نمایند، پس بدانید که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خداوند پروا کنید و (برای تقرب) به سوی او (از مهربان درگاهش و از عمل های صالح) وسیله بجویید و در راه او جهاد کنید، شاید رستگار گردید

مسلمانا کسانی که کفر ورزیده اند اگر تمام آنچه در زمین است و همانند آن نیز همراه آن از آن آنها باشد تا آن را (برای نجات خود) از عذاب روز قیامت فدا دهند از آنها پذیرفته نخواهد شد، و برای آنان عذابی دردناک است

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنَكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ ءَاخِرِينَ لَمْ يَأْتُواكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

همواره اراده می کنند که از آتش بیرون آیند اما هرگز از آنجا بیرون شدنی نیستند، و آنها را عذابی پایدار است

و (ای حاکمان اسلامی) مرد دزد و زن دزد، دستشان را (چهار انگشت غیر ابهام دست راستشان را) ببرید به سزای کاری که کرده اند به جهت کیفری که از جانب خداوند معین شده است، و خدا مقتدر غالب و دارای حکمت (در تکوین و تشریع) است

و هر که پس از ظلمش توبه کند و به اصلاح (عقیده و عمل) پردازد بی تردید خداوند بر او عطف توجه می کند و توبه اش را می پذیرد، که حقا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

آیا ندانسته ای که سلطه و مالکیت حقیقی آسمان ها و این زمین از آن خداوند است؟! (چه آنکه آفرینش و حفظ و تدبیر و اعدام همه در تحت اراده اوست) هر کس را بخواهد (به اقتضای عدل و حکمت) عذاب می کند و هر کس را بخواهد (به اقتضای رحمت) می آمرزد، و خداوند بر همه چیز تواناست

ای فرستاده ما، کسانی که در (میل به کفر و یاری) کفر می شتابند تو را غمگین مسازند، چه آنان که به زبانشان گفتند ایمان آوردیم و دل هایشان ایمان نیاورده (منافقان) و چه آنان که یهودی هستند آنها سخت شنونده دروغ و سخت گوش به فرمان گروهی دیگرند که به نزد تو نیامده اند (علمای آنها) همانها که کلمات (و احکام تورات) را پس از برقراری در مواضع خود تحریف می کنند (و به عوامشان) می گویند: اگر این (حکم) را به شما دادند بگیرید و اگر آن را ندادند (غیر آن را دادند) پرهیز کنید. و هر که خداوند عذاب و سرافکنندگی او را بخواهد هرگز تو چیزی از (عذاب) خدا را از او دفع نتوانی کرد. آنها ایند کسانی که خدا نخواستہ دل هایشان را پاک کند. در دنیا برای آنها خواری و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود

سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ^٥ وَإِنْ تَعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا^٦ وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

۵:
مانده
۴۲
/۱۲۰

وَكَيْفَ يُحْكِمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

۴۳

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَآخِشُونَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ

۴۴
۹۲۰

وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ التَّفَسَّ بِالْتَّفَسِّ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَاللِّسْنَ بِاللِّسَنِ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ^۷ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ^۸ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ^۹ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۴۵

آنها سخت شنونده و پذیرنده دروغ و خورنده حرامند (مردمشان از علمای خود دروغ می پذیرند و علمائشان از مردم رشوه می گیرند) پس اگر به نزد تو آمدند خواهی میان آنها داوری کن یا از آنان روی برتاب، و اگر روی برتافتی هرگز هیچ زبانی به تو نمی رسانند، و اگر داوری کردی میانشان به عدل و داد داوری کن، زیرا خدا عدالت پیشگان را دوست دارد

و چگونه تو را داور قرار می دهند با آنکه تورات که حکم خدا در آن است نزد آنهاست! آن گاه پس از آن (داوری) روی برمی تابند (با اینکه حکم تو مطابق کتابشان است) و آنها (به کتاب خود نیز) ایمان ندارند

به یقین ما تورات را فرو فرستادیم که در آن هدایت و نور بود، پیامبرانی (از زمان موسی تا زمان عیسی) که تسلیم (دین موسی) بودند بر طبق آن برای کسانی که یهودی بودند داوری می کردند، و نیز علمای ربّانی و دانشمندان (تورات شناس) بدان جهت که از آنها حفظ کتاب خدا خواسته شده بود و بر (بقا و مصونیت) آن گواه بودند، (به آن حکم می کردند) پس (ای علمای یهود) از مردم تترسید و از من بترسید و به وسیله (تحریف) آیات من بهای اندکی به دست نیاورید. و کسانی که بر طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند آنهایند که کافرنند

و ما در آن کتاب بر آنها مقرر داشتیم که جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان است (و قصاص می شوند) و زخم ها نیز قصاص دارند، و کسی که به قصاص شدن تن دردهد، برایش کفّاره (آن گناه) است، و هر که از قصاص کردن درگذرد برایش کفّاره (گناهان او) است. و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل نموده داوری نکنند آنهایند که ستمکارند

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ ۖ وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ ۖ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

۵۰
مانده
۴۶
/۱۲۰

وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ ۖ وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

۴۷

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ ۖ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۚ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً ۚ وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۖ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

۴۸

وَأَن اُحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۚ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ

۴۹

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

۵۰

و عیسی بن مریم را به دنبال آنها (پیامبران پیشین) درآوردیم که تصدیق کننده تورات پیش از خود بود، و او را انجیل دادیم که در آن هدایت و نور بود و آن نیز تصدیق کننده تورات پیش از خود و برای پرهیزکاران هدایت اندرز بود

و باید اهل انجیل به آنچه خدا در آن نازل کرده دآوری کنند، و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده دآوری نکنند آنانند که فاسقند

و ما این کتاب را به سوی تو به حق و درستی فرو فرستادیم که تصدیق کننده است آنچه را از کتاب ها (ی آسمانی) که پیش از او بوده و مسلط و مراقب و حافظ و گواه بر آنهاست. پس میان آنان بر طبق آنچه خدا (بر تو) نازل کرده دآوری کن و هرگز از هواهای (نفسانی) آنان با انحراف از حقی که بر تو آمده پیروی مکن. برای هر یک از شما (امت ها) آیین و برنامه روشنی قرار دادیم. و اگر خداوند (به اراده حتمی خود) می خواست همه شما (امت ها) را بی تردید یک امت می کرد (همه بشر را در طول تاریخ با یک نوع استعداد فکری راکد، نیازمند یک شریعت می کرد) و لکن خواست در آنچه به شما داده شما را آزمایش کند (از این رو استعدادهای گوناگون قابل تکامل داد و بر حسب تکامل آن شرایع نازل کرد) پس به سوی کارهای خیر پیشی گیرید. برگشت همه شما به سوی خداست، پس شما را به آنچه درباره آن اختلاف می کردید آگاه خواهد کرد

و (تو را وحی کردیم به) اینکه در میان آنان طبق آنچه خدا نازل کرده دآوری کن، و از هوس های آنها پیروی مکن و از آنان بر حذر باش که مبدا تو را از برخی از آنچه خدا به سوی تو نازل نموده منحرف سازند. پس اگر (از دآوری تو) روی گردانند بدان که خدا اراده کرده آنها را به کیفر برخی از گناهانشان گرفتار نماید، و البته بسیاری از مردم فاسق و خارج از طاعت خدایند

پس آیا دآوری دوران جاهلیت را می خواهند؟! و دآوری چه کسی از دآوری خدا بهتر است برای آنان که یقین (به مبدأ و معاد) دارند؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ أَوْلِيَآءَ
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ وَمَن يَتَوَلَّهْم مِّنكُم فَإِنَّهُٗ مِنَّهُم ۚ إِنَّ
اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ
نَحْشَىٰ أَن تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ ۚ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ
مِّنْ عِندِهِ ۖ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ
أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ لَمَعَكَمَّ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا
خَاسِرِينَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُم عَن دِينِهِ ۖ فَسَوْفَ
يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ۖ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ
عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ
لَآئِمٍ ۚ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ ۖ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

وَمَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ
الْغَالِبُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ
هُزُوءًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ
أَوْلِيَآءَ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُم مُّؤْمِنِينَ

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷
۹۴

ای کسانی که ایمان آورده اید، یهود و نصارا را یاوران و
دوستان خود مگیرید، آنها دوستان و یاوران یکدیگرند، و
هر کس از شما آنها را دوست و یاور خود گیرد از آنها
خواهد بود (و ستمکار است و) بی تردید خداوند گروه
ستمکاران را هدایت نمی کند

پس کسانی را که در دل هایشان بیماری (نفاق) است می
بینی که در (دوستی) آنها شتاب می ورزند، می گویند: بیم
داریم که حادثه بدی به ما برسد (دولت اسلامی سقوط کند
و آنها بر ما مسلط شوند). امید است که خداوند فتحی (برای
مسلمین) یا کاری از جانب خود (هلاک کردن کافران به نحوی
دیگر) پیش آورد تا آنها بر آنچه در دل هایشان پنهان می
دارند پشیمان گردند

و کسانی که ایمان آورده اند (آن گاه که نفاق منافقان ظاهر
شد به یکدیگر) می گویند: آیا اینها بودند که به شدیدترین
سوگندهای خود سوگند می خوردند که با شما هستند؟! (حقاً
که) عمل های آنان (منافقان) باطل و بیهوده گشت و خود
زیانکار شدند

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود
برگردد (زیانی به خدا نمی زند) خداوند به زودی گروهی را
خواهد آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز او را دوست
دارند، در برابر مؤمنان رام و خاضعند و در برابر کافران
مقتدر و پیروز، در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ
ملامتگری نمی هراسند. این (ایمان و محبت و شهامت) فضل
خداوند است که به هر کس بخواهد می دهد و خداوند (از
نظر وجود و توان و رحمت) گسترده است و داناست

جز این نیست که سرپرست و ولیّ امر شما خدا و فرستاده
اوست و کسانی که ایمان آورده اند، آنها که نماز را برپا می
دارند و در حالی که در رکوعند زکات می دهند. (مصدق
منحصر به فرد این عموم طبق روایات فریقین علی علیه
السّلام و بخشیدن انگشتی او در حال رکوع است)

و کسی که خدا و فرستاده او و کسانی را که ایمان آورده اند
به ولایت و سرپرستی بپذیرد (از حزب خداست و) بی
تردید حزب خدا پیروزند

ای کسانی که ایمان آورده اید، کسانی را که دین شما را به
مسخره و بازی گرفته اند، چه از آنان که پیش از شما کتاب
(آسمانی) به آنها داده شده و چه از کفار (دیگر) دوستان و
یاوران خود مگیرید، و از خدا پروا کنید اگر شما مؤمنید

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

۵۹

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَتَّقُمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنْ أَكْثَرُكُمْ فَلسِقُونَ

۶۰

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَن لَّعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ

۶۱

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ ؕ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ

۶۲

وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۶۳

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

۶۴

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَيْنًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

و چون (با ندای اذان مردم را) به سوی نماز بخوانید آن را به مسخره و بازی می گیرند. آن به خاطر این است که آنها گروهی هستند که نمی اندیشند

بگو: ای اهل کتاب، آیا بر ما جز این را عیب می گیرید که ما به خدا و آنچه (از جانب او) بر ما فرود آمده و آنچه پیش از ما (بر پیامبران گذشته) فرود آمده ایمان آورده ایم و اینکه بیشتر شما نافرمانید (این آیه مانند آن است که گفته شود: از من جز این را عیب می گیری که من ثروتمندم و تو فقیری یا من عالمم و تو جاهلی)

بگو: آیا به شما خبر دهم از کسانی که کیفرشان در نزد خداوند بدتر است (از این مؤمنانی که شما بر آنها عیب می گیرید)؟ آنها کسانی هستند (از اسلافتان) که خدا آنان را لعنت کرده و بر آنها غضب نموده و برخی از آنان را به صورت بوزینگان و خوک ها درآورده و کسانی که طاغوت را پرستیدند. آنهایند که جایگاهشان بدتر و از راه راست گمراه ترند

و چون نزد شما آیند گویند: ایمان آوردیم در حالی که قطعاً با عقیده کفر (به حضور شما) وارد شده و با همان عقیده بیرون رفته اند! و خداوند به آنچه همواره کتمان می کنند داناتر است

و بسیاری از آنها را می بینی که در انجام گناه و تجاوز (به حقوق دیگران) و خوردن حرام می شتابند. بسیار زشت است آنچه همواره می کنند

چرا علمای ربّانی و دانشمندان دینی (از یهود و نصاری) آنها را از گفتار گناه آلود و خوردن حرام نهی نمی کنند؟! بسیار زشت است آنچه پیوسته انجام می دهند

و یهود گفتند: دست خدا در بند است (هم در مرحله تشریع و از این روست که احکام دین چه در تورات و غیر آن قابل نسخ نیست، و هم در انفاق به مردم، و گرنه چرا مؤمنان همه فقیرند و خود از مردم وام می خواهد) دست های خودشان در بند باد و به سزای گفتارشان از رحمت خدا دور باشند! بلکه هر دو دست (قدرت) او همواره باز است و قدرت کامله او همیشه محفوظ است (احکام و شرایع را نسخ می کند و نسبت به دوستان و دشمنان، در دنیا و در آخرت) هر گونه اراده نماید انفاق می کند. و حتما آنچه به سوی تو از جانب پروردگارت نازل شده بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان خواهد افزود. و ما میان آنان (یهود و نصاری و فرقه های آنها با یکدیگر) تا روز قیامت دشمنی و کینه افکنده ایم هر بار آتشی را برای جنگ (با مسلمانان) افروختند خداوند آن را خاموش نمود. و آنها در روی زمین راه فساد می پویند، و خداوند مفسدان را دوست ندارد

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ
سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ

و اگر اهل کتاب (به اسلام) می گرویدند و تقوا پیشه می کردند بی تردید گناهانشان را می زدودیم و آنها را در بهشت های پر نعمت درمی آوردیم

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ
رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ
مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ

۶۶

و اگر آنها تورات و انجیل (واقعی را) و آنچه را که به آنها نازل شده برپا می نمودند به یقین از بالای سرشان و از زیر پاهایشان روزی می خوردند (از برکات آسمان و زمین برخوردار می شدند). از آنها گروهی میانه رو و درستکارند و بسیاری از آنها زشت است آنچه به جا می آورند

يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

۶۷
حزب
۴۸
۹۵ر

ای فرستاده ما، آنچه را از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن، و اگر نکنی (گویی هیچ) پیام او را ابلاغ نکرده ای و خداوند تو را از (فتنه و شر) مردم نگه می دارد، بی تردید خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ
وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا
مِّنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى
الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

۶۸

بگو: ای اهل کتاب، شما بر پایه چیزی (از دین و آیین درست) نیستید تا آنکه تورات و انجیل و آنچه را که بر شما از جانب پروردگارتان نازل شده (عملاً) برپا دارید. و حتماً آنچه بر تو از پروردگارت فرود آمده بر سرکشی و کفر بسیاری از آنها خواهد افزود، پس بر گروه کافران اندوه مخور

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ
ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

۶۹

به یقین کسانی که (به اسلام) ایمان آورده اند و کسانی که یهودی شده اند و صابئین (پیروان نوح یا یحیی) و نصاری، هر یک (از این گروه ها که در عصر پیامبر خود) به خدا و روز واپسین ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده باشند، نه بیمی بر آنها (در روز قیامت) می رود و نه اندوهگین می شوند

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا
جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا
يَقْتُلُونَ

۷۰

همانا ما از بنی اسرائیل (بر پذیرش توحید و پیامبران) پیمان گرفتیم و به سوی آنها رسولانی فرستادیم، هر زمان رسولی برای آنها چیزی آورد که دلخواهشان نبود گروهی را تکذیب کرده و گروهی را می کشتند

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۖ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبْنِي إِسْرَءِيلَ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ ۖ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ ۗ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَنِّي يُؤْفَكُونَ

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۗ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

و پنداشتند که (آنان را) آزمایش و عذابی نخواهد بود، پس کور و کر شدند، آن گاه خدا بر آنها عطف توجه نمود و توبه پذیرفت، باز بسیاری از آنان کور و کر شدند و خداوند به آنچه می کنند بیناست

به یقین کافر شدند کسانی که گفتند: خداوند همان مسیح فرزند مریم است (واجب الوجود منقلب به ممکن شده یا واجب در ممکن حلول کرده)، حال آنکه خود مسیح گفت: ای بنی اسرائیل، خداوند را که پروردگار من و پروردگار شماست بپرستید، مسلماً هر که به خدا شرک ورزد خداوند بهشت را بر او حرام سازد و جایگاهش آتش است، و ستمکاران را هرگز یاورانی نیست

بی تردید کافر شدند کسانی که گفتند: خداوند یکی از سه عنصر خدایی است (پدر و پسر و روح القدس)، حال آنکه هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست. و اگر از آنچه می گویند باز نایستند مسلماً کسانی از آنها را که (با این اعتقاد) کافر شده اند عذابی دردناک خواهد رسید

پس چرا آنها به سوی خدا باز نمی گردند و از او آمرزش نمی طلبند؟ در حالی که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

مسیح فرزند مریم جز فرستاده ای نیست که پیش از وی نیز فرستادگانی گذشته اند و مادر او زنی بسیار راستگو و درست کردار بود، هر دو طعام می خوردند (تولد، رسالت و خوردن، هر سه در انجیل است، بنا بر این خدا نبودند). بنگر که چگونه ما آیات و نشانه ها (ی توحید خود و عبودیت عیسی) را بیان می کنیم سپس بنگر که آنها چگونه و به کجا بازگردانده می شوند؟

بگو: آیا به جای خدا چیزی را می پرستید که برای شما (به طور استقلال) تسلط و توان هیچ زیان و سودی ندارد؟! و خداست که شنوا و داناست

قُلْ يَٰأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لَا تَغْلُواْ فِى دِينِكُمْ غَيْرَ ٱلْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُواْ أَهْوَآءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّواْ مِن قَبْلُ وَأَضَلُّواْ كَثِيرًا وَضَلُّواْ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ

لَعَنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنْ بَنَىٰ إِسْرَءِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْاْ وَكَانُواْ يَعْتَدُونَ

كَانُواْ لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُواْ يَفْعَلُونَ

تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِى ٱلْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ

وَلَوْ كَانُواْ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلنَّبِىِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا ٱتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَآءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَلَسِقُونَ

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ ٱلنَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا ٱلْيَهُودَ وَٱلَّذِينَ أَشْرَكُواْ وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا ٱلَّذِينَ قَالُواْ إِنَّا نَصْرِيْكَ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرَهْبَانًا وَٱنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

بگو: ای اهل کتاب، در دین خود به ناحق غلو نکنید (بشر را خدا یا فرزند خدا یا یکی از سه خدا ندانید) و نیز از هوس های گروهی که پیش از این (از راه مستقیم فطرت) گمراه شده و بسیاری را گمراه کردند و از راه راست (شرایع انبیاء) گمراه گشتند پیروی نکنید

کسانی از بنی اسرائیل که کفر ورزیدند، به زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند. این به خاطر آن بود که نافرمانی کردند و پیوسته (از حدود الهی) تجاوز می نمودند

آنها از هیچ کار زشتی که انجام می دادند باز نمی ایستادند (و یکدیگر را نهی نمی نمودند) حقا که بد بود آنچه می کردند

بسیاری از آنها را می بینی که با کسانی که کفر ورزیده اند (با مشرکان) دوستی می کنند. حقا که بد است آنچه هوای نفسشان برای آنها پیش آورده که خدا بر آنها غضب کرده و در عذاب الهی جاودانند

و اگر آنها به خدا و پیامبر و آنچه بر او فرود آمده ایمان داشتند آنها را (مشرکان را) دوست نمی گرفتند، و لکن بسیاری از آنها نافرمانند

مسلمانا سرسخت ترین مردم را در دشمنی با کسانی که ایمان آورده اند، یهود و مشرکان خواهی یافت و نزدیکترین آنها را در دوستی با مؤمنان کسانی می یابی که گفتند: ما نصار اییم. این بدان سبب است که گروهی از آنان کشیشان و راهبان اند و آنها تکبر و بزرگ منشی نمی ورزند

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

۸۴

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ

۸۵

فَأَثَبَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

۸۶

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

۸۷
۹۷ ر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

۸۸

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ ءُمُومُونَ

۸۹

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ ۖ فَكَفَرْتُمْ ۖ وَاطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۖ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ ذَٰلِكَ كَفَرْتُمْ ۖ أَيْمَانُكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ ۚ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ ۚ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و چون آنچه را که به فرستاده ما نازل شده بشنوند دیدگانشان را بینی که به خاطر آنکه حق را شناخته اند اشک می بارد، می گویند: پروردگارا، ایمان آوردیم، پس ما را با شاهدان (دائم در حضورت، و گواهان عالم آخرت) مقرر دار

و ما را چیست که به خدا و آنچه از حق برای ما آمده ایمان نیاوریم؟ در حالی که طمع داریم پروردگاران ما را در زمره گروه شایستگان درآورد و با آنان قرار دهد

پس خداوند در برابر این گفتارشان به آنها بهشت هایی که از زیر (ساختمان ها و درختان) آنها نهرها روان است پاداش داد که جاودانه در آن باشند، و این است پاداش نیکوکاران

و کسانی که کفر ورزیدند و آیات و نشانه های ما را انکار و تکذیب نمودند آنها یاران دوزخند

ای کسانی که ایمان آورده اید، چیزهای پاکیزه ای را که خدا بر شما حلال نموده (انواع وسایل زندگی که حرمتی برای آنها نرسیده) بر خود حرام نکنید و (از مرز حلال به حرام هم) تجاوز ننمایید، که همانا خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد

و از آنچه خدا روزی شما کرده از حلال و پاکیزه اش بخورید (و از حرام شرعی و پلید طبعی اجتناب کنید) و از خدایی که به او ایمان دارید پروا نمایید

خداوند شما را به خاطر (شکستن) سوگندهای لغو و بی قصدتان مؤاخذه نمی کند، و لکن شما را به خاطر (شکستن) سوگندهایی که با اراده جدی خورده اید مؤاخذه می کند پس کفار (شکستن) آن طعام دادن به ده فقیر است از متوسط آنچه به خانواده خود می خورانید یا لباس پوشاندن بر آنها یا آزاد نمودن یک برده، پس اگر کسی (اینها را) نیابد (کفار او) سه روز روزه است. این است کفار سوگندهای شما وقتی که سوگند یاد کردید (و شکستید)، و باید سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید). این گونه خداوند آیات خود را برای شما روشن می کند، شاید سپاس گزارید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ
وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي
الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ
فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ
فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا
طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا
وَعَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ
تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ
بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَن
قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ
يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَرَةٌ
طَعَامُ مَسْكِينٍ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكِ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهٖ
عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ
عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

ای کسانی که ایمان آورده اید، جز این نیست که شراب و
قمار و بت های نصب شده (عبادت آنها و قربانی برای آنها و
خوردن گوشت آن قربانی) و تیرهای قرعه قمار، نجس و
پلید و از اختراعات شیطان است، پس از آنها دوری کنید،
شاید رستگار گردید

جز این نیست که شیطان می خواهد میان شما در (ارتکاب و
اعتیاد به) شراب و قمار، دشمنی و کینه بیفکند و شما را از
یاد خدا و از نماز بازدارد، پس آیا دست بردار هستید

و خدا را اطاعت کنید و فرستاده او را فرمان برید و (از
مخالفتشان) بر حذر باشید. پس اگر روی گردانید، بدانید
که بر عهده فرستاده ما تنها رساندن آشکار (پیام) است (نه
اجرای آن که از شئون امامت، و نه کیفر دادن که در اراده
خداست)

بر کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند
گاهی نیست درباره آنچه (پیش از تحریم، از شراب و میته
و محصول قمار) چشیده اند در صورتی که (پس از تحریم)
تقوا ورزیده و (به اصل دین اجمالا) ایمان آورده و عمل های
شایسته کنند، سپس تقوا ورزیده و (به احکام دین تفصیلا)
ایمان آورند، و باز تقوا ورزیده و کار نیک کنند (احکام دین
را کامل و نیکو انجام دهند) و خداوند نیکان و نیکی
کنندگان را دوست دارد

ای کسانی که ایمان آورده اید، خداوند حتما شما را به چیزی
از شکار (حیوانات خشکی در حال احرام) آزمایش خواهد
کرد (که از شما نرمند و نزدیک شوند) به طوری که دست ها
و نیزه های شما بدانها برسد، تا خداوند کسی را که در نهان
از او می ترسد معلوم بدارد (علم ازلیش انطباق خارجی
یابد) پس کسی که بعد از آن تعدی کند او را عذابی دردناک
خواهد بود

ای کسانی که ایمان آورده اید، در حالی که محرمید شکار
نکشید، و هر کس از شما آن را عمدا بکشد کفارہ ای بر
عهده اوست همانند آنچه کشته است، از جنس چهارپایان
(اهلی)، (مثلا شتر کفارہ شتر مرغ، گاو کفارہ گاو کوهی، و
گوسفند کفارہ آهو است) که دو نفر عادل از شما به این
همانندی گواهی دهند، و به عنوان قربانی به (قربانگاه
حریم) کعبه برسد، یا کفارہ ای است (به مقدار قیمت آن
حیوان معادل) طعام دادن به فقرا، یا برابر آن روزه گرفتن
است (به مقدار قیمت معادل به هر فقیری یک مد بدهد و
یا به عدد مدها روزه بگیرد) تا کیفر کار خود را بچشد.
خداوند از گذشته چشم پوشید (دفعه اول را به واسطه
کفارہ بخشید) و هر کس بازگردد (دوباره در حرم شکار کند
دیگر کفارہ ندارد، لکن) خدا از او انتقام می گیرد، و خداوند
مقتدر و صاحب انتقام است

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ
وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ
الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ
الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلْتِدَّ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا
فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا
تَكْتُمُونَ

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ
الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَأُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَ لَكُمْ
تَسْأَلُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْءَانُ تُبَدَ
لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ
وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
وَكَثُرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

بر شما شکار کردن از دریا و خوردن از شکار آن (در حال احرام) حلال شد تا وسیله برخورداری شما و مسافران باشد، و بر شما شکار از خشکی مادامی که در حال احرامید حرام است، و از خدایی که به سوی او گرد آورده خواهید شد پروا کنید

خداوند، کعبه، آن خانه محترم و امن را و ماه حرام (ماه حج یا چهار ماه حرام) و قربانی بی نشان و قربانی های نشاندار را وسیله برپایی و قوام (دین و دنیای) مردم قرار داد. این (تشریع عظیم و حکیمانه) برای آن است که بدانید بی تردید خداوند آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است می داند و خداوند به همه چیز داناست

بدانید که خداوند سخت کیفر است و هم خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

بر عهده فرستاده ما جز رساندن (احکام دین) نیست (و اجرای عملی آن در میان مجتمع از وظایف امامت، و پاداش و کیفر دادن از شئون ربوبیت است) و خدا آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارید می داند

بگو: هرگز پلید و پاک (چه از روان انسانی باشد و چه از عقاید و اخلاق و عمل وی) یکسان نیستند هر چند زیادی پلیدها تو را به شگفت آورد. پس ای صاحبان خرد، از خدا پروا کنید، شاید رستگار گردید

ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد ناراحت و غمگیتان می کند (از پیامبر) مپرسید (مانند مدت عمر، مرگ دوستان، زوال ملک و آنچه طبق حکمت و نظام اتم عالم تکوین پنهان است) و اگر هنگامی که قرآن نازل می گردد (و فرشته وحی حاضر است) از آنها بپرسید بر شما آشکار می گردد. خداوند از آنها (از پرسش های ناروای گذشته) درگذشت و خداوند بسیار آمرزنده و بردبار است

البته گروهی پیش از شما نیز این چیزها را پرسیدند، سپس بدان کافر شدند

خداوند هیچ حیوانی را به عنوان بحیره، سائبه، و صیله و حام (محترم و ممنوع از تصرف) قرار نداده (۱- شتری که پنج شکم زاییده باشد ۲- شتری که به نذر برای بیمار آزاد شده باشد ۳- گوسفندی که اولادش میان آنها و بت ها مشترک باشد ۴- شتری که ده شکم زاییده باشد، که در زمان جاهلیت استفاده از اینها را حرام می شمردند)، و لکن کسانی که کفر ورزیده اند بر خدا دروغ می بندند و بیشتر آنها نمی اندیشند

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا
حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ عِبَادَةً أُولَٰئِكَ كَانُوا عِبَادَهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِّنْ
ضَلَّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ
بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

۱۰۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شَهَادَةُ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ
الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ ءَاخِرَانِ
مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصْبَحْتُمْ
مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحِبُّسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ
بِاللَّهِ إِنْ أُرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا
نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْأَثِمِينَ

۱۰۶

فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا أَسْتَحَقَّا إِثْمًا فَءَاخِرَانِ يَقُومَانِ
مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأُولَايَيْنِ فَيُقْسِمَانِ
بِاللَّهِ لَشَهَدَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَدَتِيهِمَا وَمَا أَعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا
لَمِنَ الظَّالِمِينَ

۱۰۷

ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَن يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَن تُرَدَّ
أَيْمَنُ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَأَسْمِعُوا ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

۱۰۸

و چون به آنها گفته شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به
سوی فرستاده او بیایید، گویند: آنچه که پدرانمان را بر آن
یافته ایم (از عقاید و رفتار) ما را بس است! آیا هر چند
پدرانشان چیزی نمی دانسته و (به راه راستی) هدایت
نیافته باشند (باز هم کورکورانه از آنها تقلید می کنند)

ای کسانی که ایمان آورده اید، مراقب خودتان باشید، اگر
شما خود هدایت یافتید (ضلالت) کسی که گمراه شده به
شما زبانی نمی رساند (هر چند باید او را نیز دعوت کنید)،
بازگشت همه شما به سوی خداست پس شما را از آنچه می
کردید آگاه خواهد نمود

ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که مرگ یکی از شما
فرا رسد، گواهی در میان شما در حال وصیت، (گواهی) دو
مرد عادل از خودتان باشد (از مؤمنان)، یا اگر در سفر بودید
و مصیبت مرگ به شما رسید (و شاهی از مؤمنان نیافتید)
دو نفر از غیر خودتان باشد اگر (وقت اداء شهادت در صدق
آنها) شک کردید هر دو را پس از نماز نکه می دارید و آنها
به خدا سوگند یاد می کنند که ما به وسیله شهادتمان بهای
اندکی به دست نمی آوریم هر چند (مورد گواهی) از
خویشان ما باشد و گواهی الهی را پنهان نمی کنیم و گر نه
حتما از گنهکاران خواهیم بود

پس اگر معلوم شد که آن دو (شاهد به گفتن دروغ) مرتکب
گناه شده اند دو شاهد دیگر از کسانی که بر آنها ستم و
خیانت شده و نزدیکتر به میت اند (یعنی از وارثان میت هر
چند مدعی هستند) به جای آنها می ایستند و به خدا سوگند
می خورند که شهادت ما از شهادت آن دو درست تر است و
ما تجاوز (از حق) نکرده ایم و الا حتما از ستمکاران خواهیم
بود

این (روش که به محض شک، شاهدان را قسم دهید و در
فرض کذب او مدعی قسم بخورد) نزدیکتر است به اینکه
شهادت را به روش درست انجام دهند و یا بترسند از آنکه
سوگندهای دیگری پس از سوگندهایشان (به مدعیان)
بازگردانده شود (و آنها رسوا شوند) و از خدا پروا کنید و
(فرامین او را) بشنوید، و خداوند مردمان نافرمان را
هدایت نمی کند

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا
إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ

۱۱۰

إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى
وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ
وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ
وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي
فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ
وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي
إِسْرَءِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
مِنْهُمْ إِنِ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ

۱۱۱

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ ءَامِنُوا بِي وَبِرِسُولِي قَالُوا
ءَامَنَّا وَأَشْهَدُ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ

۱۱۲

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ
أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

۱۱۳

قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ
صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ

(به یاد آر) روزی که خداوند همه فرستادگان را گرد آورده،
گوید: (در برابر دعوتتان) چه پاسخی به شما گفته شد؟
گویند: ما را هیچ دانشی نیست (دانش ما در برابر دانش تو
هیچ است، یا دانش به باطن امور آنها، یا به آنچه پس از ما
احداث کردند نداریم) به یقین تویی که دانای کامل نهان
هایی

(به یاد آر) هنگامی که خدا گفت: ای عیسی بن مریم، نعمت
مرا بر خود و بر مادرت متذکر باش، آن گاه که تو را به
وسیله روح القدس تأیید کردم که با مردم در گهواره (به
اعجاز) و در سن میانسالی (به وحی) سخن می گفتی، و آن
گاه که تو را کتاب (خودت و کتاب های آسمانی) و احکام
شریعت و علوم عقلی و تورات و انجیل آموختم، و هنگامی
که از گل مانند شکل پرنده به اذن (تکوینی) من درست می
کردی پس در آن می دمیدی و به اذن و اراده من پرنده می
شد، و به اذن من کور مادرزاد و مریض پیس را شفا می
بخشیدی، و آن گاه که مردگان را به اذن من (از قبر، زنده)
بیرون می آوردی، و آن گاه که (شر) بنی اسرائیل را از تو
بازداشتنم هنگامی که برای آنها دلایل روشن (نبوت) آوردی،
پس کسانی از آنها که کفر ورزیده بودند گفتند: این
(معجزات) جز جادویی آشکار نیست

و هنگامی که به حواریین (وزرا و خواص عیسی) وحی کردم
که به من و فرستاده من ایمان آورید، گفتند: ایمان آوردیم
و گواه باش که ما تسلیم فرمان تویم

(و یاد آر) زمانی که حواریون گفتند: ای عیسی بن مریم، آیا
پروردگار تو می تواند (آیا مصالح وقت اقتضا دارد) که بر ما
مائده ای (طبق یا سفره ای پر از غذا) از آسمان فرو
فرستد؟ گفت: اگر مؤمنید از خدا پروا کنید. (مبادا در نبوت
من شک دارید که معجزه می طلبید؟!

گفتند: می خواهیم از آن بخوریم و دل های ما طمأنینه و
آرامش یابد و (به عین یقین) بدانیم که تو به ما راست
گفته ای و ما بر آن از گواهان باشیم

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ
السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ
وَأَرْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مِنْكُمْ
فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ
اتَّخِذُونِي وَأُخَيَّ إِلَهِينِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا
يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ
عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ
أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي
وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا
تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
شَهِيدٌ

إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرَ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ

عیسی بن مریم گفت: خداوندا، ای پروردگار ما، برای ما از
آسمان مانده ای پر از غذا فرو فرست که برای ما، برای
اولین و آخرین ما، عیدی باشد و نشانه و معجزه ای از جانب
تو و ما را روزی ده، که تو بهترین روزی دهندگانی

خدا گفت: همانا من آن را بر شما نازل خواهم نمود، پس اگر
کسی پس از آن کافر گردد من او را بی تردید عذابی خواهم
کرد که احدی از جهانیان را آن چنان عذاب نکنم

و (به یاد آر روز قیامت را) هنگامی که خدا گوید: ای عیسی
بن مریم، آیا تو به مردم گفتی که مرا و مادر مرا به عنوان
دو خدا به جای خداوند به خدایی بگیری؟ گفت: منزه‌ی تو
(ای خدا)، مرا نسزد آنچه را که حق من نیست بگویم، اگر
گفته بودم حتما تو آن را می دانستی، تو آنچه را در نفس
من است می دانی و من آنچه را در ذات توست نمی دانم، به
یقین تویی که دانای کامل نهان هایی

من به آنها نگفتم جز آنچه را که به من فرمان دادی، که
خدایی را که پروردگار من و پروردگار شماست بپرستید و
مادامی که در میان آنها بودم بر آنها گواه بودم و چون مرا
(به سوی خود) برگرفتی تو خود بر آنها مراقب بودی و تو بر
همه چیز آگاه و دانایی

اگر آنها را عذاب کنی آنان بندگان تواند (و عذابت عین
عدل است) و اگر بر آنها ببخشایی (مقتضای توانایی و حکمت
است که) همانا تو خود مقتدر شکست ناپذیر و دارای
حکمتی

خداوند گوید: این روزی است که راستان را راستیشان (در
عقیده و گفتار و کردار) سود می بخشد، برای آنها بهشت
هایی است که از زیر (ساختمان ها و درختان) آنها نهرها
روان است، جاودانه در آن باشند، خدای از آنها خشنود
است و آنها از خدا خشنود، این است کامیابی بزرگ

ملکیت حقیقی و حاکمیت آسمان ها و این زمین و آنچه در
آنهاست از آن خداست، (زیرا پدید آوردن آنها و حفظ و
تدبیر و سپس اعدام آنها در موع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ
وَالنُّورَ ۖ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا ۖ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى
عِنْدَهُ ۖ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ
وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ ءَايَةٍ مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا
مُعْرِضِينَ

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَأُ مَا
كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي
الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ
مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ
بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ
الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِيَ الْأَمْرُ
ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ

ستایش و سپاس از آن خدایی است که آسمان ها و زمین را
بیافرید و تاریکی ها و روشنی را پدید آورد، باز هم (با
گواهی آفرینشی با این عظمت بر توحید ذات و انحصار این
اقتدار) کسانی که کفر ورزیدند برای پروردگارشان شریک
و همتا قرار می دهند

اوست که شما را (پدر و مادر نخستین تان را بلاواسطه و
نسل آن دو را با وسایط و سیر مراحل) از گل آفرید، سپس
(برای هر فرد شما) مدتی (از عمر) مقرر داشت و مدت
معینی هم در نزد اوست (مدّت استعدادی یا اجل مشروط را
در لوح محو و اثبات نوشت و اجل حتمی در لوح محفوظ است
یا عینیت خارجی این جهان است)، باز هم شما (با مشاهده
این قدرت و نظم و حکمت، در خدا یا در قیامت) شک می
کنید

و اوست خدای یگانه در آسمان ها و در زمین، که نهان و
آشکار شما را می داند و آنچه را (از نیک و بد) به دست می
آورد نیز می داند

و هیچ نشانه و معجزه ای از نشانه های پروردگارشان بر آنها
نمی آید مگر آنکه از (پذیرش) آن رویگردانند

همانا آنها حق را (قرآن و معجزات را) هنگامی که بر آنها آمد
تکذیب کردند، پس به زودی خبرهای آنچه به آن استهزاء
می کردند (کیفرهای موعود آن) به آنان خواهد رسید

آیا ندیدند چه بسیار پیش از آنها از مجامع انسانی را هلاک
کردیم، که به آنها در روی زمین توانایی هایی دادیم که آن
را به شما ندادیم، و ابرها را بر آنها ریزش کنان فرستادیم
و نهرها را از زیر (پای) آنها به جریان انداختیم (ولی آنها
کفران کردند) پس ما به کیفر گناهانشان آنها را هلاک
نمودیم و پس از آنها مجتمع دیگری پدید آوردیم

و اگر نوشته ای در صفحه کاغذی بر تو فرو فرستیم و آنها
آن را با دست های خود لمس کنند باز هم کسانی که کفر
ورزیده اند خواهند گفت: این جز جادویی آشکار نیست

و آنها گفتند: چرا بر او فرشته ای نازل نمی شود (تا شهادت
به نبوتش دهد و همراه او انذار نماید)؟ و اگر فرشته ای
فرود آوریم (و آنها انکار نمایند، طبق سنت جاریه ما) حتما
کار (هلاکت آنها) تمام می شود و دیگر هیچ مهلتی به آنها
داده نمی شود

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلِبُّونَ

۱۰

وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

۱۱
۱۰۳

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

۱۲

قُلْ لِّمَن مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ لِيَجْمَعََنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

۱۳
حزب
۵۲

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۱۴

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

۱۵

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

۱۶

مَنْ يُصِرْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

۱۷

وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱۸

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

و اگر او را فرشته ای قرار می دادیم (پیامبر را از فرشتگان می کردیم) حتما او را (به لحاظ تنابین جوهره ملکی و بشری و عدم امکان تفاهم و معاشرت آنها) به صورت مردی درمی آوردیم و (قهر را کار را) بر آنها مشتبه می کردیم (و می گفتند این هم بشری است مثل ما) همانند آنکه آنها (حق را به باطل) مشتبه می کنند

و مسلّما فرستادگان پیش از تو نیز استهزاء و مسخره شدند، پس بر کسانی که آنها را مسخره کردند آنچه به باد مسخره می گرفتند (از صاعقه و زلزله و غیره) فرود آمد و آنها را فرا گرفت

بگو: در (روی) زمین بگردید، سپس بنگرید که عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بوده است

بگو: آیا آنچه در آسمان ها و زمین است از آن کیست؟ بگو: از آن خداست، که رحمت را بر خویشتن مقرر داشته (و از این رو) حتما شما را (از اولین و آخرین) در روز قیامت که تردیدی در آن نیست گرد خواهد آورد (ولی) کسانی که خود را باخته و به زیان داده اند ایمان نمی آورند

و آنچه در شب و روز آرمیده (آنچه روی کره زمین و اقمار دیگر خورشید که در احاطه سایه و تابش اوست، قرار دارد) از آن اوست، و اوست شنوا و دانا

بگو: آیا غیر خدا را برای خود سرپرست و یاور بگیرم؟! خدایی که آفریننده آسمان ها و زمین است و اوست که خوراک می دهد و خوراک داده نمی شود. بگو: همانا من مأمورم نخستین کسی باشم که اسلام آورده، و (به من گفته شده که) هرگز از مشرکان مباش

بگو: بی تردید من نیز اگر پروردگارم را نافرمانی کنم از عذاب روزی بزرگ بییم دارم

هر که در آن روز (آن عذاب) از وی برگردانده شود حقّا که خدا به او رحم کرده است، و آن است کامیابی آشکار

و اگر خداوند تو را ضرر و زیانی برساند، جز او برطرف کننده آن نیست، و اگر تو را خیری برساند (دوام و زوالش نیز به دست اوست که)، همانا او بر هر چیزی تواناست

و اوست مسلّط و چیره بر بالای سر بندگان، و اوست حکیم (در اداره امورشان) و آگاه (از ظاهر و باطنشان)

قُلْ أَىُّ شَىْءٍ أَكْبَرُ شَهَدَةً ۖ قُلِ ٱللَّهُ شَهِيدٌۢ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۖ وَأَوْحَىٰٓ إِلَيَّ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانُ لِأُنذِرْكُمْ بِهِۦ ۖ وَمَنْ بَلَغَٓ أَيْنَكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ ٱللَّهِ ءَالِهَةً أُخْرَىٰ ۚ قُلْ لَا أَشْهَدُ ۚ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُٔ وَاحِدٌ وَإِنِّى بَرِئٌۭ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَعْرِفُونَهُۥ ۖ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَآءَهُمْ ۚ ٱلَّذِينَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِۦ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُواْ أَيْنَ شُرَكَآؤُكُمُ ٱلَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَن قَالُواْ وَٱللَّهُ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ

أَنظُرْ كَيْفَ كَذَبُواْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ ۖ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُواْ يَفْتَرُونَ

وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۖ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِن يَرَوْاْ كُلَّ ءَايَةٍ لَا يُؤْمِنُواْ بِهَا حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ إِنَّا هَٰذَا إِلَّا أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْعَوْنَ عَنْهُ ۚ وَإِن يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ وُقِفُواْ عَلَى ٱلنَّارِ فَقَالُواْ يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ

(به کافران که از تو برای نبوّت گواهی می طلبند) بگو: چه چیزی از نظر گواهی بزرگتر است؟ بگو: خداوند میان من و شما گواه است، و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر کس را که (تا انقراض نسل بشر) بدو برسد بیم دهم، آیا به راستی شما گواهی می دهید که با خداوند معبودهای دیگری هست؟ بگو: من گواهی نمی دهم بگو: جز این نیست که او خدایی یگانه است و به یقین من از آنچه شما شریک (او) قرار می دهید بیزارم

کسانی که به آنها کتاب (آسمانی) دادیم همان گونه که پسرانشان را می شناسند او را (پیامبر را طبق آنچه در کتابشان معرفی شده) می شناسند. ولی کسانی که خودشان را باخته و به زیان داده اند ایمان نخواهند آورد

و کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغ بسته یا آیات او را تکذیب نموده؟! بی تردید ستمکاران رستگار نخواهند شد

و (به یاد آرند) روزی که همه آنان را (در صحنه قیامت) گرد می آوریم، سپس به کسانی که شرک ورزیده اند می گوییم: کجایند آن شریکان شما که (آنها را شریکان ما) می پنداشتید؟! (چرا به داد شما نمی رسند)!

سپس عذر و پاسخشان (در آخرت) جز این نیست که خواهند گفت: به خداوند، پروردگاران سوگند که ما هرگز مشرک نبودیم

بنگر که چگونه بر ضد خودشان دروغ گویند، و آنچه افترا می بستند از نظر آنها ناپدید شد (شنون و شوکتی که درباره بتان قائل بودند باطل درآمد)

و از آنان برخی به تو گوش می سپارند و ما (به کیفر کفرشان) بر دل هایشان پوشش هایی قرار داده ایم که نفهمند، و در گوش هایشان سنگینی قرار داده ایم (تا سخن حق را نشنوند)، و اگر همه آیات و نشانه ها را ببینند باز هم ایمان نمی آورند تا آنجا که وقتی نزد تو آیند با تو جدال نموده، کسانی که کفر ورزیده اند می گویند: این (قرآن) جز افسانه های پیشینیان نیست

و آنها (دیگران را) از آن بازمی دارند و خود از آن دور می شوند، و آنها جز خودشان را هلاک نمی کنند و نمی دانند

و اگر ببینی هنگامی را که آنها را بر سر آتش نگه داشته اند (امر عجیبی می بینی)! می گویند: ای کاش (به دنیا) بازگردانده می شدیم و دیگر آیات پروردگاران را تکذیب نمی کردیم و از مؤمنان می شدیم

بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

۲۹

وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

۳۰

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

۳۱

۱۰۵۲

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَحْسِرْتَنَّا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ

۳۲

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۳۳

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

۳۴

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبَائِ الْمُرْسَلِينَ

۳۵

وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ أُسْطِطِعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ

(آنها در آرزوی برگشت به دنیا صادق نیستند) بلکه برای آنها آنچه پیش از آن پنهان می کردند آشکار شده، و اگر (به دنیا) بازگردانده شوند حتما به آنچه از آن نهی شده اند برمی گردند، و بی شک آنان دروغگویند

و (همین ها) گفتند: زندگی دیگری جز همین زندگی دنیوی ما نیست، و ما هرگز (پس از مرگ) برانگیخته شدنی نیستیم

و اگر ببینی هنگامی را که آنها بر (پای حساب) پروردگارشان نگه داشته می شوند! (خدا) می گوید: آیا این (زنده شدن پس از مرگ) حق نیست؟ می گویند: چرا، سوگند به پروردگارمان (که حق است) می گوید: پس بپشید این عذاب را به کیفر آنکه کفر می ورزیدید

کسانی که دیدار خدا (قیامت) را تکذیب کردند حقا که زیانکار شدند، (و این انکارشان ادامه دارد) تا چون به ناگاه قیامت بر آنها فرا رسد می گویند: ای دریغ بر ما بر آنچه درباره آن کوتاهی کردیم! و آنها (در آن روز) بار سنگین گناهانشان را بر پشتشان می کشند، هان چه بد باری است که بر دوش خواهند کشید

و زندگی دنیوی جز بازیچه و سرگرمی نیست و مسلما خانه آخرت برای کسانی که پروا پیشه می کنند بهتر است، آیا نمی اندیشید؟

به یقین می دانیم که آنچه آنها می گویند (تو را ساحر و شاعر و مجنون می خوانند) تو را غمگین می سازد، البته آنها تو را تکذیب نمی کنند، و لکن آن ستمکاران آیات و نشانه های خدا را انکار می کنند

و قطعا پیش از تو رسولانی تکذیب شدند، پس در برابر تکذیب و اذیت و آزار وارده صبر کردند تا یاری ما بدانها رسید و کلمات خدا (وعده نصرت و پیروزی انبیا) را هرگز تغییر دهنده ای نیست، و حتما به تو از داستان (صبر و استقامت) فرستادگان رسیده است

و اگر اعراض آنها (از دعوتت) بر تو بزرگ و دشوار است، اگر توانستی نقبی در زمین زنی یا نردبانی (برای نفوذ) در آسمان بجویی و برای آنها (از اعماق زمین و آسمان) نشانه و معجزه ای (دیگر) بیاوری (چنین کن)! و اگر خدا می خواست همه آنها را (به جبر هر چند به جبر در اراده) به راه هدایت گرد می آورد (ولی هدایت اجباری بی اثر است) پس هرگز از نادان ها مباش

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

۳۷

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۚ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَن يُنْزِلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

۳۸

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَّا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

۳۹

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَاءِ اللَّهُ يَضِلُّهُ وَمَن يَشَاءُ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

۴۰

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنِ أَنْتَكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۴۱

بَلْ إِلَٰهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ

۴۲
۱۰۶ر

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ

۴۳

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۴۴

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ ۚ فَتَحْنَا عَلَيْهِم أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ

جز این نیست که (دعوت تو را) کسانی پاسخ می دهند که (کلام را با فهم و تدبر) می شنوند، (ولی اینان مردگانند) و مردگان را خداوند (در قیامت) برمی انگیزاند، آن گاه (برای محاسبه) به سوی خداوند بازگردانده می شوند

و (کفار) گفتند: چرا بر او نشانه و معجزه ای (نظیر عصای موسی و ناقه صالح) نازل نشده؟ بگو: خداوند تواناست بر اینکه نشانه ای (از قبیل آنچه می خواهند) نازل نماید، و لکن بیشتر آنها نمی دانند (که اگر از این آیه ها فرود آید، طبق سنت جاریه حق به مجرد انکار، عذاب نازل می شود)

و هیچ جنبنده ای در زمین و نه پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند نیست مگر اینکه امت هایی همانند شمايند (در هدف خلقت و تعيين عمر و بقاء نسل و کیفیت زندگی)– ما چیزی را در کتاب خود (کتاب لوح محفوظ از نظر بیان و در کتاب تکوین از نظر خلقت) فروگذار نکرده ایم– سپس همگی (در روز قیامت از نقطه مرگشان) به سوی پروردگار خود گردآوری می شوند

و کسانی که آیات و نشانه های ما را تکذیب کردند کرها و لال هایی هستند در تاریکی ها (ی جهل و کفر) هر که را خدا بخواهد (پس از اتمام حجت) در گمراهی رها می سازد، و هر که را بخواهد (پس از پذیرش دعوت) بر راه راست قرار می دهد

بگو: اگر راستگویید به من خبر دهید که اگر عذاب خدا بر شما بیاید یا قیامت (به ناگاه) بر شما فرا رسد آیا کسی را جز خدا می خوانید

بلکه تنها او را می خوانید– و او هم اگر بخواهد آنچه را که برای برطرف شدن آن دعا می کنید برطرف می کند– و آنچه را که شریک (او) قرار می دهید فراموش می کنید

و به یقین ما به سوی امت هایی پیش از تو (پيامبرانی) فرستادیم، پس آنها را به فقر و تنگدستی و بیماری و رنج بدنی گرفتار کردیم، شاید (به درگاه ما) خضوع و زاری کنند

پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنها رسید خضوع و زاری نکردند؟ بلکه دل هایشان قساوت یافت و شیطان برای آنها آنچه را (از گناهان) انجام می دادند زینت و جلوه داد

پس چون آنچه را که بدان یادآوری شده بودند فراموش نمودند درهای همه چیز را (از نعمت های دنیا برای استدراج و تکمیل آزمایش) بر روی آنها گشودیم تا چون به آنچه داده شدند خوشحال گشتند و دل بستند به ناگاه به کيفرشان گرفتیم پس یکباره وامانده و نومید شدند

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۴۶

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ ۚ أَنْظِرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ

۴۷

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ

۴۸

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۖ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

۴۹

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

۵۰

قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ ۖ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ ۚ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ

۵۱
۱۰۷۲

وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

۵۲

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۚ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ

پس ریشه و دنباله گروهی که ستم کردند بریده شد، و ستایش و سپاس از آن خدای یگانه است که پروردگار جهان و جهانیان است

بگو: به من خبر دهید اگر خداوند (قوه) گوش و چشم های شما را بگیرد و بر دل هایتان مهر (نافهمی و شقاوت) نهد، کیست معبودی جز خداوند که آنها را برای شما بیاورد؟! بنگر چگونه آیات خود را گوناگون می آوریم، آن گاه آنها روی می گردانند

بگو: به من خبر دهید اگر عذاب خداوند ناگهان (مانند زلزله و سیل) یا آشکار (مثل وبا و امراض کشنده تدریجی) بر شما بیاید آیا جز گروه ستمکاران هلاک می شوند؟ (مسلم) هلاکت شقاوتمندان از آن ستمکاران است و هلاکت نیکان در میان آنها شهادت است)

و ما فرستادگان خود را جز بشارتگران و بیم دهندگان نمی فرستیم، پس کسانی که ایمان آورند و شایسته شوند و به اصلاح (خود) پردازند، هرگز (در عالم آخرت) بر آنها بیمی نیست و هرگز غمگین نمی شوند

و کسانی که آیات و نشانه های ما را تکذیب کنند، به کیفر نافرمانی هایشان به آنها عذاب خواهد رسید

بگو: به شما نمی گویم که گنجینه های خداوند نزد من است، (توان ایجاد اشیاء به کلمه کن، و بذل نیاز سائلان بدون کم شدن از مقدور را ندارم)، و من علم غیب نیز ندارم، و به شما نمی گویم که من فرشته ام، من جز از آنچه به من وحی می شود پیروی نمی کنم (پس من به سبب پیروی از وحی بینام و هر روی گردان از وحی نابیناست) بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند؟ پس چرا فکر نمی کنید؟

و به وسیله این (قرآن) کسانی را که ترس از محشور شدن به سوی پروردگارشان دارند بیم ده، در حالی که آنها را (در آن روز) جز خداوند سرپرست و یاور و شفاعت کننده ای نخواهد بود، شاید بیرهیزند

و کسانی را که پروردگار خود را صبحگاه و شامگاه می خوانند در حالی که خشنودی و نزدیکی به او را می خواهند از خود مران نه چیزی از حساب آنان (از وظایف اعتقادی و عملی و پاداششان) بر عهده تو است و نه چیزی از حساب تو بر عهده آنها تا آنها را برانی و از ستمکاران باشی

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ

۵۴

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۵۵

وَكَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ

۵۶
۱۰۸۲

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

۵۷

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنَّ الْخُكْمَ لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ

۵۸

قُلْ لَوْ أَنَّ عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ

۵۹
حزب
۵۴

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

و این گونه ما برخی از آنها را به برخی دیگر آزمودیم تا سرانجام (اعیانشان درباره مؤمنین فقیر) بگویند: «آیا اینهاست که خداوند از میان ما بر آنها منت نهاده؟!» آیا خداوند به سپاسگزاران داناتر نیست؟

و چون کسانی که به آیات ما ایمان می آورند نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر داشته، که هر کس از شما به نادانی عمل بدی کند آن گاه بعد از آن توبه کند و به اصلاح (کار خود) پردازد بی تردید خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

و این چنین ما آیات خود را (سخنان کاشف از معارف علمی و عملی را) گوناگون می آوریم (برای هدف هایی والا) و برای اینکه راه و رسم گنهکاران روشن گردد

بگو: من نهی شده ام از اینکه کسانی را که شما به جای خدا می خوانید بپرستم. بگو: من هرگز از هوس های شما پیروی نمی کنم، که در آن صورت گمراه شده ام و از ره یافتگان نیستم

بگو: من بر پایه دلیل روشنی (مانند قرآن و وحی) از جانب پروردگار خود هستم و شما آن را تکذیب کردید، آنچه (از عذاب آسمانی) که بدان شتاب می ورزید در نزد من نیست، فرمان (نافذ در عالم تکوین) جز از آن خدا نیست، که حق را بازگو می کند و جدا می سازد و او بهترین داوران و جدا کنندگان (میان حق و باطل) است

بگو: اگر آنچه بدان شتاب می کنید در اختیار من بود (به لحاظ تمام شدن حجت بر شما و انقضاء صبر بشری من، عذاب می آوردم و) حتما کار میان من و شما تمام شده بود، ولی خداوند به ستمکاران داناتر است (و می داند چه کسی را هلاک کند و کی و چگونه هلاک کند)

خزائن و گنجینه های غیب (که زیر کلمه «کن» است، و حقایق و حدود آنها) نزد اوست، کسی آنها را جز او نمی داند، و (از آنها که به صفحه وجود آمده) آنچه را در خشکی و دریاست می داند، و هیچ برگی فرو نمی افتد جز آنکه آن را می داند و دانه ای در تاریکی های (زیر) زمین و هیچ تر و خشکی (از میوه جات و حبوبات) فرو نمی افتد جز آنکه (در علم ازلی او و) در کتابی روشن هست

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ

ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنجَلْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۚ أَنْظِرْ كَيْفَ نَصْرُفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۚ قُلْ لَّسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

لِكُلِّ نَبَأٍ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِيْٓ ءَايَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

و اوست کسی که شبانگاه روح شما را می گیرد و آنچه را در روز به دست آوردید می داند، سپس شما را در روز برمی انگیزد تا مدتی معین (مدت عمرتان) به سر آید، سپس بازگشت شما به سوی اوست آن گاه شما را به آنچه انجام می دادید آگاه می کند

و اوست چیره و مسلّط بر بالای سر بندگانش، و نگهبانانی بر شما می فرستد (از فرشتگان که مراقب جسم و روحتان باشند) تا آن گاه که هر یک از شما را مرگ فرا رسد فرستادگان ما (عزرائیل و یارانش) جانش را می گیرند و آنها هرگز (در انجام وظیفه) کوتاهی ندارند

سپس همه آنها به سوی خداوند، مولای به حق و راستینشان، بازگردانده می شوند. آگاه باشید که (در آن روز) حکومت (تامّ بلا منازع و فرمان نافذ در صفحه وجود) از آن اوست، و او سریعترین حسابرسان است

بگو: چه کسی شما را از تاریکی های خشکی و دریا نجات می بخشد؟ در حالی که او را با زاری (آشکارا) و پنهانی می خوانید که اگر ما را از این مهلکه نجات داد مسلّمًا از سپاسگزاران خواهیم بود

بگو: خداوند شما را از آن (مهلکه) و از هر اندوهی می رھاند، باز هم شما شرک می ورزید

بگو: او تواناست که بر شما عذابی از بالای سرتان (چون سنگ و صاعقه و سجّیل فرو ریزد) یا از زیر پاهایتان (مانند زلزله و خسف) برانگیزد (یا طبقه ستمگر بالا را بر پایین تران مسلط، یا طبقه پایین را علیه طبقه بالا منفجر سازد) یا شما را گروه گروه به جان هم اندازد و عذاب برخی از شما را به برخی بچشاند. بنگر چگونه ما آیات و نشانه های گوناگون (توحید و عظمت خود) را می آوریم، شاید بفهمند

و قوم تو آن (قرآن) را با آنکه حق است تکذیب کردند بگو: من بر شما گمارده نیستم (تا اجبار کنم و متخلف را کیفر، و فرمانبر را پاداش دهم، بلکه متصدی ابلغم)

برای هر خبری (از وعده ها و وعیدهای خدا) قرارگاهی (معین از نظر زمان و مکان) است و به زودی خواهید دانست

و چون کسانی را دیدی که در آیات و نشانه های ما به هرزه گویی می پردازند (و تو به اقتضای جوّ صدر اسلام در آن مجالس شرکت داری) از آنها روی برتاب تا در سخنی دیگر وارد شوند و اگر شیطان از یادت برد، پس از یادآوری با گروه ستمکاران منشین

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

۷۰

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

۷۱
۱۱۰

قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانًا لَهُوَ أَصْحَبُ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ انْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأْمُرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

۷۲

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

۷۳

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

و از حساب (عمل و کیفر) آنان بر عهده کسانی که پروا پیشه دارند چیزی نیست، و لکن یادآوری و پندی است، شاید بپرهیزند

و رها کن کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفته اند و زندگی دنیا آنها را فریفته است، و به وسیله این قرآن تذکر ده که مبدا کسی (در روز واپسین) به سزای آنچه کسب کرده تسلیم هلاکت و نومید از رحمت گردد، در حالی که برای او جز خداوند سرپرست و یاور و شفاعت گری نباشد، و اگر (در مقابل گناهانش) هر عوض و فدیة ای بدهد از وی پذیرفته نشود. آنهایند که در برابر آنچه کسب کرده اند تسلیم هلاکت و نومید از رحمت شده اند آنان را به سزای کفرشان (و کفران نعمتشان) آشامیدنیی از آب جوشان و عذابی دردناک است

بگو: آیا جز خداوند چیزی را بخوانیم (بپرستیم) که نه سودی به ما می دهد و نه زیانی می رساند، و پس از آنکه خدا ما را هدایت نمود (به دوران جاهلیت) عقبگرد کنیم؟! همانند کسی که شیطانها (ی جنّی) او را در روی زمین سرگردان کرده اند، در حالی که او را یارانی است که به سوی هدایتش می خوانند که بیا به سوی ما (ولی او از شدت تحیر نمی پذیرد) بگو: بی تردید هدایت خدا همان هدایت (واقعی) است و ما مأموریم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم

و (نیز به ما امر شده) اینکه نماز را برپا دارید و از او پروا کنید و اوست که (در روز قیامت) به سوبش گردآوری می شوید

و اوست که آسمان ها و زمین را به حق (برای هدفی والا و عقلانی) آفریده، و روزی که می گوید: باش (و هر زمانی هر جزئی از اجزاء جهان هستی را یا تمام آن را، یا فنا و زوال آن را و یا قیام قیامت را اراده کند) بی درنگ می باشد. گفتار او حق است، و روزی که در صور دمیده شود مالکیت و حاکمیت (مطلق اشیا) از آن اوست دانای نهان و آشکار است، و اوست حکیم و آگاه

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَازَرَ اتَّخِذْ أُصْنَامًا ۖ إِنَّي
أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۷۵

وَكَذَٰلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونُ
مِنَ الْمُوقِنِينَ

۷۶

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا ۖ قَالَ هَٰذَا رَبِّي ۖ فَلَمَّا أَفَلَ
قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ

۷۷

فَلَمَّا رَأَىٰ الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي ۖ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَّمْ
يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ

۷۸

فَلَمَّا رَأَىٰ الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَا أَكْبَرُ ۖ فَلَمَّا
أَفَلَتْ قَالَ يَاقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

۷۹

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّى فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا
وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

۸۰

وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ ۚ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ ۚ وَلَا
أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ ۚ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا ۚ وَسِعَ رَبِّي
كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۖ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

۸۱

وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمُ
بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ ۚ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ
أَحَقُّ بِالْأَمْنِ ۖ إِنَّ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

و (به یاد آر) هنگامی که ابراهیم به پدر خود آزر (که پدر خوانده، یا پدر زن، یا عمو و یا معلم او بود) گفت: آیا بت هایی را به عنوان معبودهایی (برای خود) اتخاذ می کنی؟! حقا که من تو و قوم تو را در گمراهی آشکار می بینم

و همان گونه (که به ابراهیم گمراهی پدر و قومش را می آموختیم) به ابراهیم مالکیت و ربوبیت تامه (خود) بر آسمان ها و زمین را نشان می دادیم (برای آنکه دانا و توانا در استدلال شود) و برای آنکه از باورکنندگان باشد

پس چون شب بر او پرده تاریکی کشید ستاره ای دید، (برای احتجاج با مشرکان) گفت: این پروردگار من است. پس چون غروب کرد، گفت: من غروب کنندگان را دوست ندارم

پس چون ماه را در حال طلوع و شکافنده افق دید گفت: این پروردگار من است. و چون غروب کرد، گفت: حقا که اگر پروردگارم مرا هدایت نکند حتما از گروه گمراهان خواهم بود

و چون خورشید را در حال برآمدن و درخشان (آفاق) دید گفت: این پروردگار من است، این بزرگتر است! و چون غروب نمود، گفت: ای قوم من، قطعا من از آنچه شریک (خداوند) قرار می دهید بیزارم

به یقین من روی (دل) خود را به سوی کسی که آسمان ها و زمین را پدید آورده متوجه نمودم در حالی که با اخلاص و حق گرایم. و من از شرک آوران نیستم

و قوم او با وی (درباره توحید) به جدال و ستیز برخاستند، گفت: آیا با من درباره خدا مجادله می کنید در حالی که او مرا (به یقین علمی و عینی) هدایت نموده؟ و من از آنچه شما شریک او می سازید نمی هراسم، جز آنکه پروردگارم (درباره من) چیزی بخواهد دانش خداوند همه چیز را فرا گرفته است، آیا متذکر نمی شوید؟

و چگونه من از آنچه شما شریک خدا کرده اید بترسم در حالی که شما از اینکه چیزی را که خدا درباره او دلیلی بر شما نازل نکرده شریک خدا نموده اید نمی هراسید؟ پس کدام یک از دو گروه (موحدان یا مشرکان) سزاوارتر به ایمنی است، اگر می دانید؟! (موحدان خود را از طرف جمادات بی سود و زیان در امن می دانند و مشرکان از جانب مالک همه سودها و زیانها)

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا اِيْمَانَهُمْ بِظُلْمٍ اُولَٰئِكَ لَهُمُ الْاَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ

وَتِلْكَ حُجَّتُنَا ءَاتَيْنَاهَا اِبْرٰهِيْمَ عَلٰى قَوْمِهٖۙ نَرْفَعُ دَرَجٰتٍ مِّنْ نَّشَآءُۚ اِنَّ رَبَّكَ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ

وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ ۚ كُلًّا هَدَيْنَاۚ وَنُوْحًا هَدَيْنَاۚ مِّنْ قَبْلُ ۚ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهٖۙ دَاوُدَ وُسُلَيْمٰنَ وَاَيُّوْبَ وَيُوْسُفَ وَمُوْسٰى وَهٰرُوْنَ ۚ وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيٰى وَعِيسٰى وَإِلْيَاسَ ۚ كُلٌّ مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ

وَإِسْمٰعِيْلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا ۚ وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلٰى الْعٰلَمِيْنَ

وَمِنْ ءَابَآئِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ وَاِخْوَانِهِمْ ۚ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ

ذٰلِكَ هُدٰى اللّٰهُ يَهْدِيۤ اِلَيْهِۙ مَنۢ يَّشَآءُ ۚ مِّنْ عِبَادِهٖۙ وَلَوْ اَشْرَكُوْا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَۚ فَاِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَٰٓؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوْا بِهَا بِكَافِرِيْنَ

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ هَدٰى اللّٰهُ ۚ فَبِهٰدِهِمْ اَقْتَدِهٖۙ قُلْ لَا اَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِۙ اَجْرًاۚ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ

کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی نیامیختند (اعتقاد به مبدأ را با ثنویّت یا تثلیث یا تعدّد ارباب و یا عقاید قلبی را با فسق عملی مخلوط نکرده اند) آنهایند که برایشان ایمنی است، و آنها هدایت یافتگانند

و آن (ادله توحیدی) حجت و برهان ما بود که به ابراهیم در برابر قومش عطا کردیم. هر کس را بخواهیم درجاتی بالا می بریم، (و ابراهیم را به نبوّت و امامت و خلت بالا بردیم) حقّا که پروردگار تو دارای اتقان صنع در تکوین و تشریع، و داناست

و به او اسحاق و (نوه اش) یعقوب را بخشیدیم، هر یک را (به اصول و معارف دین) هدایت نمودیم و نوح را نیز پیش از آنها هدایت کردیم، و از اولاد او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت نمودیم) و نیکان و نیکی کنندگان را این گونه پاداش می دهیم

و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را (نیز) هدایت کردیم، همه از شایستگان بودند

و اسماعیل و یسع و یونس و لوط را (نیز هدایت کردیم) و همه را بر جهانیان (زمان خود) برتری دادیم

و نیز برخی از پدران و فرزندان و برادران آنها را (برتری دادیم) و آنان را برگزیدیم و به راهی راست راه نمودیم

این هدایت خداست که هر کس از بندگانش را بخواهد بدان راهنمایی می کند. و اگر آنان (با آن مقام شامخ) شرک ورزیده بودند به یقین آنچه عمل خیر می کردند حبّ و نابود می شد

آنها کسانی هستند که بدانها کتاب (شریعت) و حکم (ولایت و داوری) و نبوّت عطا کردیم، پس اگر اینان (کفار قریش) بدین امور (که اصول شرایع آسمانی است) کفر ورزند، بی تردید ما گروهی را (که در آینده تاریخ خواهند آمد، در قضاء حتمی خود) بدان برگمارده ایم که (آن را برپا دارند و) هرگز بدان کافر نباشند

آنها (طایفه انبیا) کسانی اند که خداوند آنها را هدایت نموده، پس به هدایت و راه و روش آنها اقتدا کن. (و به مردم) بگو: من بر این (ابلاغ رسالت) مزدی از شما نمی طلبم، این (قرآن) جز تذکری برای جهانیان نیست

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ ۚ قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ ۚ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا ءَابَاؤُكُمْ ۖ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ

وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا ۚ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ ۚ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ ءَايَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ ۚ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ

و خدا را آن گونه که سزاوار اوست نشناخته و توصیف نکردند هنگامی که گفتند: خداوند بر هیچ بشری چیزی نازل نکرده (نه فرشته، نه وحی، نه کتاب، نه دین). بگو: چه کسی آن کتاب را که موسی آورده نازل نموده؟ که نور است و هدایت برای مردم (و شما آن را در کاغذها (ی متفرقه) قرار داده (بخشی از) آن را (برای مردم) آشکار می کنید و بسیاری را هم پنهان می دارید، و چیزهایی را که نه شما می دانستید و نه پدرانتان، آموخته شدید. بگو: خدا (همه را نازل کرده)، سپس آنها را رها کن تا در فروشدن به باطل های خود بازی کنند

و این کتابی است پربرکت که ما آن را نازل کردیم، تصدیق کننده چیزی است که پیشاپیش او بوده (از پیامبران و کتاب های آسمانی، و نزولش برای مصالحی است) و برای آنکه (اهل مرکز وحی) ام القری و کسانی را که در حوالی آنند (و تا آخرین نقطه مقابل مرکز در کره زمین قرار دارند، یعنی همه جهانیان را) بیم دهی. و آنان که به آخرت ایمان دارند (سابقه ایمان به آخرت را از کتاب های آسمانی گذشته و عقل سلیم دارند) به آن ایمان می آورند و آنها بر نمازشان محافظت می کنند (تذلل باطنی در عبادتشان دارند)

و چه کسی ظالم تر است از آن که بر خدا دروغ بدد، یا بگوید: به من وحی شده در حالی که چیزی به او وحی نشده، و کسی که بگوید: من نیز به زودی همانند آنچه خدا نازل نموده نازل می کنم! و کاش بینی هنگامی را که ستمکاران در گرداب های مرگ اند، و فرشتگان دست های خود را گشوده اند (و نهیب می زنند) که جاتان را خود از تن بیرون کنید یا جاتان را از چنگال ما برهانید! امروز (که روز ورود به عالم برزخ است) با عذاب خوارکننده کیفر می شوید به سزای آنچه درباره خدا به ناحق می گفتید و از (قبول و تسلیم در برابر) آیات و نشانه های او تکبر می ورزیدید

(در ابتداء ورود به عالم برزخ و اول ورود به صحنه قیامت به مشرکان خطاب می شود) حقا که تنها پیش ما آمدید همان گونه که شما را در آغاز آفرینش (در دنیا) آفریده بودیم، و آنچه را که به شما عطا کرده بودیم پشت سر گذاشتید، و شفیعاتتان را که آنها را شریکان در (ربوبیت ما و عبادت) خود می پنداشتید همراه شما نمی بینیم! به یقین پیوندهای شما گسسته و آنچه را که گمان می کردید (شریکان ما هستند) از نظر شما ناپدید شده است

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ ۖ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ
وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ۚ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ فَإِنِّي تُوَفَّكُونَ

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا ۚ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
حُسْبَانًا ۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۚ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ
وَمُسْتَوْدَعٌ ۚ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ

وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ
شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ
الَّتَخْلِ مِن طُلْعِهَا قِنَوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ
وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ ۚ انظُرُوا إِلَىٰ
ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يُؤْمِنُونَ

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ
وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ

بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ
لَهُ صَاحِبَةٌ ۖ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

همانا خداوند شکافنده دانه و هسته است، زنده را از مرده
بیرون می آورد (گیاهان را از بذرها، حیوانات را از نطفه ها،
ارواح انسان ها را از کالبدها، فرزندان مؤمن را از کفار) و
بیرون آورنده مرده از زنده است (حبوبات و میوه جات
خشک را از گیاه سبز، اجساد مرده را از زنده، اولاد کافر را
از نسل مؤمنین)، این است خداوند (توانای دانا) پس به
کجا و چگونه (از حق) باز گردانده می شوید؟

شکافنده صبح است، و شب را مایه آرامش و خورشید و ماه
را سبب حساب (های درست و منظم) قرار داده (که از
چرخش زمین دور خود و خورشید، ماه و سال شمسی، و از
چرخش ماه دور زمین ماه و سال قمری پدید آید) این است
اندازه گیری آن توانای دانا

و اوست که برای شما ستارگان را قرار داد تا به وسیله آنها
در تاریکی های خشکی و دریا هدایت یابید. همانا ما آیات
(توحید و قدرت و حکمت خود) را برای گروهی که می دانند
تفصیل دادیم

و اوست که شما را از یک نفس (از یک انسان نخستین
مخلوق از گل به طور اعجاز به نام آدم و ازدواج او با فردی
دیگر مشابه او در خلقت به نام حوا و تناسل آن دو) آفرید،
پس برخی از شما (در قرارگاه زندگی دنیا) مستقر است و
برخی (هنوز در ودیعتگاه اصلااب و ارحام) به ودیعت نهاده
است. ما نشانه ها (ی قدرت و حکمت خود) را برای گروهی
که عمیقا می فهمند تفصیل دادیم

و اوست که از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ)
فرو فرستاد، پس به وسیله آن گیاه همه چیز را (روییدنی
همه بذرها را از زیر خاک) بیرون آوردیم، آن گاه از آن
جوانه و ساقه ای سرسبز درآوردیم که از آن دانه های
متراکم و روی هم چیده (حبوبات) را بیرون می آوریم، و از
درخت خرما از شکوفه آن خوشه هایی است نزدیک به هم و
نیز باغ هایی از درختان انگور و (همچنین درختان) زیتون و
انار شبیه به هم و بی شباهت به هم را (بیرون می آوریم)،
هنگامی که میوه می دهد به میوه و طرز رسیدن آن بنگرید
به یقین در آنها نشانه هایی (از توحید و قدرت و حکمت او)
است برای گروهی که ایمان می آورند

و (مشرکان) برای خدا شریکانی از جن قرار دادند در حالی
که آنها را خدا آفریده (و مخلوق ممکن نیست شریک
ربوبیت خالق باشد) و برای او به چهل و نادانی پسران و
دخترانی تراشیدند! منزه است خدا و برتری دارد از آنچه
آنان توصیف می کنند

پدیدآورنده بی سابقه و بی الگوی آسمان ها و زمین است،
چگونه و از کجا او را فرزندی باشد در حالی که او را همسری
نبوده! و همه چیز را او آفریده و او به همه چیز داناست

ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ ۖ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۖ فَاعْبُدُوهُ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

۱۰۳

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَرَ ۖ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

۱۰۴

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمُ ۖ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ عَمِيَٰ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

۱۰۵

وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْأَيَّاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

۱۰۶

اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۖ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

۱۰۷

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا ۚ وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۚ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

۱۰۸

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۚ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ كَذَٰلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ ۚ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ ۚ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۰۹

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ لَإِنْ جَاءَتْهُمْ ءَايَةٌ لِّیُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْأَیُّتُ عِنْدَ اللَّهِ ۖ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا یُؤْمِنُونَ

۱۱۰

وَنُقَلِّبُ أَفْعَدَتَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ ۖ كَمَا لَمْ یُؤْمِنُوا بِهِ ۖ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِی طُعْنِنِهِمْ یَعْمَهُونَ

این است خدایی که پروردگار شماست، جز او معبودی نیست، آفریننده همه چیز است، پس تنها او را پرستید، و او نگهبان و مدبّر و متولی نظام هر چیز است

دیدگان و بینایی آنها او را در نمی یابند و او دیدگان و بینایی ها را در می یابد، و او باریک بین و آگاه است

به راستی برای شما از جانب پروردگارتان بینش هایی آمده (قرآن و سخنان وحی) پس هر که بینا گردد به سود خود اوست و هر که نابینا شود به زیان خود اوست و من بر شما نگهبان نیستم، (محافظ تکوینی شما از انحرافات نیستم، بلکه فقط ابلاغ کننده و بیم دهنده ام)

و این چنین ما آیات و نشانه ها را گوناگون می آوریم (برای اهدافی والا و برتر) و تا (کوردلان) بگویند: تو (در نزد اهل کتاب) درس خواندی، و تا آنکه آن را برای گروهی که دانش دارند بیان کنیم

از آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو وحی شده پیروی کن جز او هیچ معبودی نیست، و از مشرکان روی برتاب

و اگر خداوند می خواست (به قهر و اجبار) آنها شرک نمی آوردند (لکن سنّت خدا در ایمان و عمل، دادن اختیار به بنده است) و تو را نگهبان و محافظ (تکوینی) آنها نکردیم و تو بر آنها گمارده نیستی (تا آنان را اجبارا به ایمان واداری)

و آنها را که کفار به جای خدا می خوانند (مانند بت ها و اجنّه) دشنام ندهید که آنها نیز از روی عداوت و نادانی به خدا دشنام دهند. این گونه ما برای هر گروهی کردارشان را آراستیم، سپس بازگشت آنها به سوی پروردگارشان است، پس آنها را از آنچه (در دنیا) انجام می داده اند آگاه خواهد نمود

و به سخت ترین سوگندهای خود به خداوند سوگند خوردند که اگر نشانه و معجزه ای (از نشانه هایی که می گویند مانند نزول فرشته، شتر صالح، عصای موسی و مائده عیسی) بر آنها بیاید بی تردید بدان ایمان می آورند، بگو: جز این نیست که معجزات در اختیار خداست (معجزه برهان دعوی نبوت است و انتخاب دلیل بر عهده مدّعی است) و شما چه می دانید؟ که اگر آن نیز بیاید ایمان نخواهند آورد

و دل ها و چشم های آنان را (به کیفر سابقه عصیانشان از پذیرش آن) برمی گردانیم، همان گونه که نخستین بار بدان ایمان نیاوردند، و آنها را در طغیان و نافرمانی شان رها می کنیم که سرگردان باشند

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتٰى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبَلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوْٓا اِلَّا اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُوْنَ

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شٰٓيِطِيْنَ الْاِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِيۡ بَعْضُهُمْ اِلَىۡ بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُوْرًا وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوْهُۥ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُوْنَ

وَلِتَصْغَىۡ اِلَيْهِ اَفْئِدَةُ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوْٓا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُوْنَ

اَفَغَيَّرَ اللّٰهُ اَبْتٰغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِيۡ اَنْزَلَ اِلَيْكُمْ الْكِتٰبَ مُفَصَّلًا وَالَّذِيْنَ ءَاتَيْنٰهُمْ الْكِتٰبَ يَعْلَمُوْنَ اَنَّهُۥ مُنْزَلٌ مِّنْ رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِيْنَ

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِيْهٖۚ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ

وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

فَكُلُّوْا مِمَّا ذُكِرَ اُسْمُ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنْ كُنْتُمْ بِآيٰتِيْهِۥ مُؤْمِنِيْنَ

و اگر ما فرشتگان را به سوی آنها فرو می فرستادیم و مردگان با آنها سخن می گفتند و بر آنها همه چیز (از خواسته هایشان) را گروه گروه در مقابلشان گرد می آوردیم، باز هم ایمان نمی آوردند، مگر آنکه خدا (به اراده حتمی و قهر و جبر) بخواهد، و لکن بیشتر آنان (با این روحیه عناد خود) نادانی می کنند

و بدین گونه (به مانند تو) برای هر پیامبری دشمنانی از شیطانهای انس و جن (به وسیله خلق غرائز مختلف شهوت در وجودشان) قرار دادیم که برخی از آنها به برخی دیگر سخنان باطل آراسته و فریبنده را (بر ضد آن پیامبر) پیام سری می دادند تا (دیگران را) بفریبند و اگر خدا (به اراده تکوینی) می خواست چنین نمی کردند، پس آنها و افتراشان را رها کن (تا آن گاه که مأمور به نبرد شوی)

و (تبادل سخن میان شیطان های انس و جن را به عنوان آزمایش آزاد گذاشتیم) تا دل های کسانی که به روز واپسین ایمان ندارند بدان میل کند و آن را بپسندند و برای آنکه هر گناهی را که بخواهند مرتکب شوند، مرتکب شوند

(بگو به کفار) آیا غیر از خدا داوری بطلبم در حالی که اوست که به سوی شما (جامعه بشری) این کتاب را که (در آن معارف دینی و راه تمیز حق و باطل) تفصیل داده شده، نازل کرده است و کسانی که به آنها کتاب (آسمانی) داده ایم می دانند که این کتاب از جانب پروردگارت به حق و درستی (و هدفی والا و عقلانی) نازل شده، پس هرگز از تردیدکنندگان مباش

و سخن پروردگارت (دعوت او به توحید، و آخرین کتاب و شریعت) از نظر راستی (در محتوی) و عدل (در مراحل تشریع) کامل شد، هرگز سخنان (کتاب و شریعت) او را تبدیل کننده ای نخواهد بود، و اوست که شنوا و داناست

و اگر از بیشتر مردم روی زمین (در امور دینی) پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می کنند آنها جز از ظن و گمان پیروی نمی کنند و جز این نیستند که به تخمین می پردازند

حقا که پروردگارت خود به (حال) کسی که از راه او گمراه می شود داناتر است و او به (حال) هدایت یافتگان نیز داناتر است

پس از آنچه بر آن (در وقت سر بریدن) نام خدا برده شده بخورید (نه از ذبیحه مشرکان که نام بت ها را بر آن برده اند)، اگر به آیات او ایمان دارید

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ
فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرَرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ
كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بَغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ
بِالْمُعْتَدِينَ

وَذَرُوا ظَهَرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ
سَيَجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ
وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَدِّلُوكُمْ وَإِنْ
أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ

أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي
النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا
كَذَلِكَ زَيْنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا
وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ
رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ
الَّذِينَ أَجْرُمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا
يَمْكُرُونَ

و شما را چه شده که از آنچه نام خدا بر آن برده شده نمی
خورید در حالی که آنچه را بر شما حرام نموده- مگر چیزی
که به (خوردن) آن مضطر شوید- برای شما به تفصیل بیان
کرده است؟! و بی تردید بسیاری (از مردم) با هواهای
(نفسانی) خود از روی نادانی (دیگران را) گمراه می کنند
(می گویند: چطور اگر شما بکشید حلال است و اگر خدا
بکشد حرام است؟!) مسلما پروردگار تو به (حال)
تجاوزکاران (از حق) داناتر است

و گناه آشکار و پنهان (گناه بدنی و قلبی یا علنی و خلوتی) را
ترک کنید، مسلماً کسانی که گناه کسب می کنند به زودی در
برابر آنچه مرتکب می شوند کیفر خواهند دید

و از آنچه (در وقت سر بردن) نام خدا بر آن برده نشده (و
میته شده) نخورید که البته خوردن آن فسق است. و مسلماً
شیطان ها به یاوران و دوستان خود سرّ القا می کنند (که
میته که کشته خداست از کشته شما بهتر است) تا با شما
جدال و ستیزه کنند، و اگر از آنها اطاعت کنید شما هم
(حقیقتاً یا حکماً) مشرکید

و آیا کسی که مرده بود (به مرگ کفر و بی ایمانی) پس ما او
را (به وسیله هدایت به دین) زنده کردیم و برای او نوری
(از ایمانش) قرار دادیم که با آن در میان مردم راه می رود
(زندگی می کند) همانند کسی است که به مثل در تاریکی
ها (ی انحراف اعتقادی و عملی) است و از آن بیرون شدنی
نیست؟! این گونه برای کافران آنچه به جا می آورند آراسته
جلوه داده شده است

و بدین گونه (که در مکه است) ما در هر مجتمعی (به سزای
غورشان در کفر و فجور) سران مردم گنهکارشان را چنان
کردیم که مکر و فریب کنند (و مردم را از دعوت انبیاء
بازدارند)، ولی مکر و نیرنگ نمی زنند جز به خودشان و
درک نمی کنند

و چون آیه و معجزه ای بر آنها (کفار قریش) بیاید می گویند:
ما هرگز ایمان نمی آوریم تا به ما نیز آنچه به فرستادگان
خدا داده شده (از نبوت و کتاب و معجزه) داده شود خداوند
داناتر است که رسالت خود را در کجا قرار دهد به زودی
کسانی را که گناه کرده اند ذلت و خواری در نزد خدا، و
عذابی سخت به سزای مکاری که انجام می دادند خواهد
رسید

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ ۖ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ ۚ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا ۖ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَةَ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَمْعَشَرُ الْجِنِّ قَدْ أُسْكَرْتُمْ مِّنَ الْإِنْسِ ۖ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِّنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا ۚ قَالَ النَّارُ مَثْوٍ لَّكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

وَكَذَلِكَ نُؤَلِِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

يَمْعَشَرُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا ۚ قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا ۖ وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

ذَٰلِكَ أَنْ لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَفِلُونَ

پس کسی که خدا بخواهد او را (به خاطر سوابق نیکش) هدایت نماید سینه او را برای (پذیرش) اسلام می گشاید، و کسی را که بخواهد در گمراهیش رها سازد سینه اش را به شدت گرفته و تنگ می کند که گویی به زحمت در آسمان رو به بالا می رود. این گونه خداوند پلیدی را بر کسانی قرار می دهد که ایمان نمی آورند

و این (قرآن و دین) راه راست پروردگار توست. حقّ که ما آیات (توحید خود و حقانیت دین) را برای گروهی که متذکر می شوند تفصیل دادیم

برای آنها در نزد پروردگارشان دار السلام است (خانه سلامت از هر گزند و نقص و خانه ای که تحیت آنها در آنجا سلام است) و او دوست و یاور آنهاست به پاداش آنچه (در دنیا) می کردند

و (به یاد آر) روزی که (خداوند) همه آنان (انسان ها و شیاطین) را گرد می آورد (و می گوید) ای گروه شیاطین، از انسان ها فراوان بهره بردید (بسیاری از آنها را پیرو خود نمودید)، و دوستان آنها از انسان ها گویند: پروردگارا، ما دو طایفه برخی از برخی استفاده بردیم (آنها لذت اغواء انبوه انسان ها را بردند و ما لذت هوسرانی به راهنمایی آنها را) و به آن مدت (از عمر و آن حدّ از شقاوت) که برای ما تعیین کرده بودی رسیدیم. (خداوند) می گوید: آتش جایگاه شماست که جاودانه در آن باشید مگر آنکه خدا بخواهد (که خلود نباشد لکن اراده نخواهد کرد) همانا پروردگار تو با حکمت و داناست (می داند که را عذاب کند و چقدر عذاب کند)

و این چنین برخی از ستمکاران را بر برخی سلطه و ولایت می دهیم، به کیفر آنچه (از گناهان) به دست می آوردند

(در روز قیامت از جانب خدا خطاب شود که) ای گروه جن و انس، آیا برای شما فرستادگانی از خودتان نیامدند که آیات مرا بر شما بازگو می کردند و شما را از دیدار امروztان بیم می دادند؟ گویند: ما به زیان خود گواهی می دهیم (آری فرستادگان آمدند و بیم دادند). و زندگی دنیا آنها را فریفت، و (از این رو) به زیان خود گواهی دهند که کافر بودند

این (ارسال پیامبران) برای این است که پروردگارت هرگز هلاک کننده (مردم) شهرها و روستاها به ستم نبوده در حالی که اهلشان غافل باشند

وَلِكُلِّ دَرَجَتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

و برای هر یک (از انس و جن و مؤمن و کافر و صالح و فاجر) مراتب و درجاتی است از آنچه عمل کرده اند (مراتبی از حیث خود عمل و کمال نفس و منازل آخرت)، و پروردگار تو از آنچه عمل می کنند غافل نیست

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَةِ قَوْمٍ ءَاخِرِينَ

۱۳۳

و پروردگار تو بی نیاز و صاحب رحمت است، اگر بخواهد شما را از بین می برد و پس از شما آنچه را بخواهد (انسان یا غیر آن) جانشین شما می کند همان گونه که شما را از نسل گروه دیگری پدید آورد

إِنَّ مَا تُوْعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

۱۳۴

به یقین آنچه وعده داده می شوید (از برزخ و قیامت و بهشت و دوزخ) آمدنی است، و هرگز شما عاجزکننده خدا نیستید (قدرت مقابله یا فرار از او را ندارید)

قُلْ يَتَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَقِيبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

۱۳۵

بگو: ای قوم من، در حد بالای توانتان (در مقابله با دعوت و دین من) فعالیت کنید که حتما من (نیز طبق وظیفه استقامت) فعال و کوشایم، به زودی خواهید فهمید عاقبت (پیروزی) این خانه و سرانجام (نیک) آن خانه از آن چه کسی خواهد بود، بی تردید ستمکاران هرگز رستگار نمی شوند

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

۱۳۶

و (مشرکان) برای خداوند از آنچه او آفریده از کشت و چهارپایان سهمی قرار دادند و به گمان خود گفتند: این از آن خداست و این از آن شریکان ما (چیزهایی که ما شریک خدا کرده ایم)، اما آنچه برای شریکانشان باشد به خدا نمی رسد و آنچه برای خدا باشد به شریکانشان می رسد. بد است آنچه داوری می کنند

وَكَذَٰلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائُهُمْ لِيَرُدُّوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

۱۳۷

و همانند آن (تقسیم)، برای بیشتر مشرکان، شریکانشان (از بت ها و اجنه) کشتن فرزندانشان را (به عنوان قربانی بت ها) آراسته جلوه دادند تا آنها را به هلاکت (معنوی) کشانند و برای اینکه دین (ابراهیمی) آنها را بر آنها مشتبّه و مخلوط (به خرافات) سازند. و اگر خدا می خواست (به قهر و اجبار) آن کار را نمی کردند (لکن در سنت خدا اجبار در عقاید و اعمال نیست)، پس آنها و افتراشان را واگذار (تا آن گاه که مأمور به جهاد شوی)

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَمُ وَحَرِّثُ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ
بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَمَ حَرَمَتٌ ظُهُورُهَا وَأَنْعَمَ لَا يَذْكُرُونَ أَسْمَ
اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَمِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ
عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ
وَصَفَهُمْ إِنَّهُ وَحَكِيمٌ عَلِيمٌ

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا
مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا
مُهْتَدِينَ

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ
وَالْخَلَّ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ
مُتَشَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَعَاتُوا
حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

وَمِنَ الْأَنْعَمِ حُمُولَةٌ وَفَرَّشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا
تَتَّبِعُوا خُطُوتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

و آنها به گمان خود از روی افترا بر خدا گفتند: اینها
چهارپایان و کشت و زرع ممنوع اند، کسی جز آنهایی که ما
می خواهیم (خدمه بت ها) نباید از آنها بخورد، و اینها
چهارپایانی است که سوار شدن بر آنها حرام است، و نیز
چهارپایانی (داشتند) که نام خدا را (در وقت تذکيه) بر آنها
نمی بردند، به زودی (خداوند) در برابر آنچه افترا می
بستند مجازاتشان خواهد کرد

و گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان است (اگر زنده بیرون
آید) مخصوص مردان ما بوده و بر همسران ما حرام است، و
اگر مرده باشد همگی در آن شریکند. به زودی (خداوند)
آنها را بر این توصیف (ناروا) شان مجازات خواهد کرد، که
همانا او حکیم (در تشریع) و دانا (به مصالح و مفاسد) است

به یقین زیانکار شدند کسانی (از مشرکان جاهلیت) که
فرزندان خود را از روی بی خردی و نادانی کشته اند و آنچه
را که خدا روزی آنها کرده بود (از اولاد و کشت و دام) از
روی افترا به خداوند حرام کردند، حقا که گمراه گشتند و
هرگز هدایت یافته نبودند

و اوست که باغ هایی بر روی داربست و بدون داربست، و
درخت خرما و زراعت با حاصل گوناگون و زیتون و انار شبیه
به هم و غیر شبیه به هم را بیافرید، از میوه و محصول آنها
هنگامی که به ثمر نشست بخورید و حق (خدایی) آن را در
روز درو کردن (و چیدن حاصل) آنها بدهید، و اسراف (در
خوردن و دادن) نکنید، که همانا خدا اسراف کنندگان را
دوست ندارد

و نیز از چهارپایان حیواناتی بزرگ و کوچک و پشم و کرک ده
و سواری و بارکش و خوراکی (پدید آورد)، از آنچه خدا
روزی شما کرده بخورید (و برخوردار شوید) و از گام های
شیطان (در تشریع حلال و حرام و ارتکاب حرام) پیروی
نکنید، که همانا او برای شما دشمنی آشکار است

ثَمَنِيَّةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ اثْنَيْنِ قُلْ
ءَالِدَاكَرَيْنِ حَرَّمَ أُمَ الْاُنثَيَيْنِ اَمَّا اُسْتَمَلْتُ عَلَيْهِ اَرْحَامُ
الْاُنثَيَيْنِ نَبَّؤُنِي بِعِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ

وَمِنَ الْاِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ ءَالِدَاكَرَيْنِ حَرَّمَ اَمَ
الْاُنثَيَيْنِ اَمَّا اُسْتَمَلْتُ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاُنثَيَيْنِ اَمَ كُنْتُمْ
شُهَدَآءَ اِذْ وَصَّيْكُمْ اللّٰهُ بِهٰذَا فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى
عَلٰى اللّٰهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ

قُلْ لَا اَجِدُ فِيْ مَا اُوْحِيَ اِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلٰى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُوْ اِلَّا
اَنْ يَكُوْنَ مَيْتَةً اَوْ دَمًا مَّسْفُوْحًا اَوْ لَحْمَ خِنْزِيْرٍ فَاِنَّهٗ
رَجَسٌ اَوْ فِسْقًا اَهْلَ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهِۦ فَمَنْ اُضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ
وَلَا عَادٍ فَاِنَّ رَبَّكَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

وَعَلَى الَّذِيْنَ هَادُوْا حَرَمْنَا كُلَّ ذِيْ ظُفْرِ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ
حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ شَحُوْمَهُمَا اِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُرُهُمَا اَوْ
الْحَوَايَا اَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذٰلِكَ جَزٰىنَهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَاِنَّا
لَصٰدِقُوْنَ

هشت جفت را (هشت فرد توأم با جفتش را آفرید) از
گوسفند دو فرد (نر و ماده) و از بز دو فرد (نر و ماده). یا
هشت جفت آفرید، از گوسفند دو جفت (اهلی و وحشی) و
از بز دو (جفت اهلی و وحشی) بگو: آیا خداوند نرهای آن دو
را حرام کرده یا ماده ها را؟ یا آنچه را (جنین هایی را) که
رحم آن دو ماده دربر گرفته؟ به من از روی علم و دانش
خبر دهید اگر راستگویید

و نیز از شتر دو فرد یا دو جفت و از گاو دو فرد یا دو جفت
(بیافرید). بگو: آیا خداوند نرهای آن دو را حرام کرده یا
ماده ها را؟ یا آنچه را که رحم آن دو ماده در بر گرفته؟ آیا
هنگامی که خداوند شما را به این (تحریم بدعتی) توصیه
نمود حاضر بودید؟! پس چه کسی ظالمتر است از آنکه بر
خدا دروغ بندد تا مردم را به نادانی گمراه سازد؟! خداوند
هرگز گروه ستمکاران را هدایت نمی کند

بگو: در میان آنچه به من وحی شده (خوراک) حرامی بر
خورنده ای که بخواند بخورد نمی یابم مگر آنکه مردار باشد
یا خون ریخته شده (از رگ های حیوان) یا گوشت خوک-
بدان جهت که همه پلیدند- یا ذبیحه ای که به نافرمانی نام
غیر خدا (چه بت ها یا غیر بت ها هر چند از مقدسات) بر آن
برده شده است، و اگر کسی ناچار (به خوردن آنها) شود بی
آنکه جویای لذت یا تجاوزکننده (از قدر ضرورت) باشد،
همانا پروردگار تو بسیار آمرزنده و مهربان است

و بر یهودیان، هر حیوان ناخن دار را حرام کردیم، و از گاو و
گوسفند پیه بدن آنها را حرام کردیم جز آنچه بر پشت یا
روده های آنها چسبیده یا آنچه آمیخته به استخوان است.
این (تحریم) چیزی است که آنها را به خاطر ستمشان کیفر
دادیم و حقا که ما راست گفتاریم

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ
عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا
وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ
لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِغَةُ ۖ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ

قُلْ هَلَمْ شُهِدْكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا
فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ ۖ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ
شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَقِ
نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ ۖ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ
مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۖ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا
بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَدِّكُمْ بِهِ ۖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

و اگر تو را تکذیب نمودند، بگو: پروردگار شما دارای رحمتی
گسترده است (به همین خاطر شما را مهلت می دهد) و
عذاب او هرگز از گروه گنهکاران بازگردانده نمی شود

به زودی کسانی که شرک ورزیده اند خواهند گفت: اگر خدا
می خواست نه ما شرک می آوردیم و نه پدران ما، و نه
چیزی را (بر خویش) حرام می کردیم (پس خدا به شرک و
تحریم ما راضی است)! کسانی که پیش از آنها بودند (نیز
پیامبرانشان را درباره حرمت شرک و بدعت) این گونه
تکذیب کردند تا عذاب ما را چشیدند. بگو: آیا در نزد شما
علمی (مستدل) هست تا برای ما بیرون آورید؟! شما جز از
گمان پیروی نمی کنید و جز به تخمین سخن نمی گوئید (زیرا
لازمه عدم منع تکوینی از شرک و تحریم، رضایت به آنها
نیست)

بگو: پس حجت و برهان رسا (برهانی که کسی را توان ردّ
آن نباشد) از آن خداست، و اگر به (اراده تکوینی) می
خواست همگی شما را (به اجبار) هدایت می کرد (و لکن نه
به شرک بشر اراده تکوینی دارد و نه به ایمانش، بلکه از
شرک نهی تشریعی و به ایمان امر تشریعی کرده و شما باید
اینها را بپذیرید)

بگو: گواهانتان را که گواهی می دهند بر اینکه خدا اینها را
حرام کرده بیاورید. پس اگر (فرضا) گواهی دادند تو با آنها
گواهی مده و از هواهای کسانی که آیات ما را تکذیب کردند
و کسانی که به روز واپسین ایمان ندارند و برای
پروردگارشان همتا قرار می دهند پیروی مکن

بگو: بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم،
و آن اینکه چیزی را شریک او قرار مدهید، و به پدر و مادر
نیکی کنید، و فرزندان را از بیم فقر نکشید- ما شما و
آنها را روزی می دهیم- و به کارهای زشت نزدیک نشوید
چه آشکار آنها و چه پنهان آنها (مانند گناهان عملی و
اعتقادی، یا گناهان آشکار در نظر مردم و پوشیده از آنها)، و
نفسی را که خدا محترم شمرده و کشتنش را حرام کرده جز
به حق (نظیر قصاص یا حدود یا دفاع و غیره) نکشید.
اینهاست که خدا شما را بدان سفارش کرده، شاید
بیندیشید

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

و به مال یتیم جز به شیوه ای که بهتر است نزدیک نشوید تا به حد بلوغ (جسمی و روانی) خود برسد، و پیمانانه و ترازو را عادلانه به تمام بدهید- ما هیچ کس را (در عقاید و اعمال) جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم- و چون (به عنوان داور یا گواهی یا افتاء یا غیره) سخن گویند عدالت ورزید هر چند (در مورد) خویشاوند باشد، و به پیمان خدا (در پذیرش اصول و فروع شریعت) به کمال وفا نمایید. اینهاست که خدا شما را بدان سفارش نموده شاید متذکر شوید

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

و (توصیه کرد به) اینکه این (دستورات) راه راست من است، پس از آن پیروی کنید و از راه های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او پراکنده سازد. اینهاست که خدا شما را بدان سفارش نمود، شاید بپرهیزید

ثُمَّ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

سپس به موسی کتاب (تورات) دادیم برای اتمام (نعمت) بر کسی که نیکوکار باشد و آن را نیکو بداند و در خود و جامعه خود نیکو پیاده کند، و برای تفصیل و بیان هر چیزی (از اصول و فروع شریعت او)، و تا مایه هدایت و رحمت (بر آنان) باشد، شاید به دیدار پروردگارشان ایمان آورند

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

و این کتابی است پربرکت که ما آن را فرو فرستادیم، پس از آن پیروی کنید و پروا پیشه سازید، شاید مشمول رحمت گردید

أَن تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ

تا مبدا بگویند که کتاب (آسمانی) تنها بر دو طایفه پیش از ما (یهود و نصارا) فرود آمده و در حقیقت ما از خواندن و بحث و بررسی آنها بی خبر بودیم

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَن ءَايَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ

یا بگویند: اگر برای ما کتاب (آسمانی) نازل می شد مسلماً از آنها هدایت یافته تر بودیم، پس همانا برای شما حجت و برهان و مایه هدایت و رحمتی از جانب پروردگارتان آمد، پس چه کسی ستمکارتر است از آن که آیات خدا را تکذیب کند و از آنها روی بگرداند و دیگران را نیز از آن منع کند به زودی کسانی را که از آیات ما روی می گردانند و مانع دیگران (نیز) می شوند به سزای رویگردانی و مانع شدنشان به عذاب سختی کیفر می دهیم

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ اانتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

﴿۱۵۸﴾

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

۱۵۹

﴿۱۵۹﴾

﴿۱۶۰﴾

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

۱۶۰

﴿۱۶۱﴾

﴿۱۶۲﴾

قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

۱۶۱

﴿۱۶۳﴾

﴿۱۶۴﴾

﴿۱۶۵﴾

﴿۱۶۶﴾

﴿۱۶۷﴾

﴿۱۶۸﴾

﴿۱۶۹﴾

﴿۱۷۰﴾

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

۱۶۴

﴿۱۷۱﴾

﴿۱۷۲﴾

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا ءَاتَاكُمُ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

۱۶۵

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان (عذاب) بر آنها بیایند، یا پروردگارت (همه نشانه های ربوبی او که قیامت است) بیاید یا برخی از نشانه های پروردگارت (که آثار مرگ است) بیاید؟ روزی که برخی از نشانه های پروردگارت بیاید کسی را که پیش از آن ایمان نداشته یا در حال ایمانش چیزی کسب نکرده ایمان آوردنش سودی نخواهد داشت (در فرض اول کافر و در فرض دوم فاسق خواهد رفت). بگو: شما منتظر (عذاب) باشید که ما نیز منتظریم

﴿۱۷۳﴾

﴿۱۷۴﴾

بی تردید کسانی که دینشان را تجزیه نمودند (برخی از اصول و فروع را قبول و برخی را رد کردند، یا فرق مختلف در دینشان احداث نمودند) و گروه گروه شدند تو هیچ پیوندی با آنها (و مسئولیتی از کار آنها و شرکتی در کیفر آنها) نداری جز این نیست که کار آنها با خداست، سپس آنها را (در روز واپسین) به آنچه انجام می دادند آگاه می سازد

﴿۱۷۵﴾

هر کس کار نیکی به جا آورد او را ده برابر آن پاداش است، (از پاداش هایی که برای طبع عمل به عنوان اولی آن طبق جعل ابتدایی الهی تعیین شده که حد اقلّ تفضل ده برابر و حد اکثرش نامحدود است) و هر کس کار زشتی انجام دهد جز مانند آن را کیفر داده نمی شود و بر آنان ستم نمی رود (نه از پاداش آنان کم می شود و نه بر کیفرشان اضافه می گردد)

﴿۱۷۶﴾

بگو: یقینا پروردگارم مرا به راه راست هدایت نموده، به دینی پایدار (و متکفل سعادت بشر)، همان آیین ابراهیم که حق گرا بود و هرگز از مشرکان نبود

﴿۱۷۷﴾

بگو: همانا نماز من و عبادت و حج و قربانی من، و زندگی من (تمام آثار وجودیم در مدّت عمر) و مرگ من (شئون ابدی بقاء روحم) از آن خدا، پروردگار جهانیان است (عبادت هایم به قصد او و غیر آن ملک حقیقی اوست)

﴿۱۷۸﴾

که او را شریکی نیست، و بدین (اقرار و اعتقاد) مأمور شده ام و من نخستین مسلمانم (نخستین فرد از مسلمین انس و جنم)

﴿۱۷۹﴾

بگو: آیا غیر خدا پروردگاری بجویم در حالی که او پروردگار همه چیز است، و هیچ کس (عملی را از خیر یا شر) جز بر عهده خود کسب نمی کند و هیچ گرانباری از گناه بار گناه دیگری را برنمی دارد، سپس بازگشتتان به سوی پروردگارتان است، پس شما را از آنچه در آن اختلاف می کردید آگاه خواهد ساخت

﴿۱۸۰﴾

﴿۱۸۱﴾

و اوست که شما را جانشینان خود یا جانشینان گذشتگان، در روی زمین قرار داد، و برخی از شما را بر برخی دیگر (از جنبه مادی و معنوی) ب

الف، لام، میم، صاد. این حروف رمزهایی میان الله و رسول اوست. این کتاب مرکب از همین حروف است ولی احدی را یارای آوردن نظیر آن نیست. این کتاب دارای محکمت و این گونه متشابهات است

(این قرآن) کتابی است (نوشته شده ای است از اسبق زمان در لوح محفوظ و قابل نگارش در آینده تاریخ به دست بشر تا انقراض نسل او) که به سوی تو فرو فرستاده شده– پس در سینه ات از آن تنگی و تردید نباشد (که آیا توان عرضه این متاع لایق را خواهم داشت؟ و آیا عرضه آن را تقاضا خواهد بود؟)– تا با آن (مردم را از عذاب الهی) بیم دهی و وسیله تذکر مؤمنان باشد

آنچه را از پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده پیروی کنید و از سرپرستان و دوستانی جز او پیروی نکنید اما بسیار اندک متذکر می شوید

و چه بسیار از مجتمعات انسانی که آنها را نابود کردیم، و عذاب ما بر آنها در رسید در حالی که در آرامش شب و یا در استراحت نیم روز بودند

پس در آن گاه که عذاب ما بر آنها فرا رسید دعا و زاریشان جز این نبود که گفتند: حقا که ما ستمکار بودیم

پس مسلما هم از کسانی که رسولان به سوی آنها فرستاده شده خواهیم پرسید (که به رسولان ما چه پاسخ دادید؟) و هم از فرستادگان خواهیم پرسید (که آیا پیام مرا رساندید یا نه و آیا به دعوت شما چه پاسخ دادند)

پس به یقین ما برای آنان (سرگذشت اعمالشان را) از روی علم بازگو خواهیم کرد و ما هیچ گاه (از آنان) غایب نبوده ایم

و سنجش (عقاید و اعمال) در آن روز حق و ثابت است پس کسانی که اعمال سنجیده آنها سنگین و پراج باشد آنهاپند که رستگارند

و کسانی که اعمال سنجیده آنها سبک و کم ارج باشد آنهاپند کسانی که سرمایه وجود خود را به زیان داده اند به سبب آنکه به آیات ما ستم می نمودند (آنها را نمی پذیرفتند و یا عمل نمی کردند)

و همانا شما را در روی زمین تمکن و توان (استفاده از مواهب آن) دادیم و برای شما وسایل زندگی فراهم کردیم، اما بسیار کم سپاس می گزایید

به یقین ما (آدم جدّ اعلاّی) شما را (ابتدا از خاک های روی زمین به صورت خمیر مایه) آفریدیم، سپس آن ماده را در شکل شما انسان ها صورت بندی کردیم، آن گاه (چون در آن روح دمیدیم) به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند جز ابلیس که وی از سجده کنندگان نبود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْمَصّ

كِتَبُ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ ۚ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ ۚ أُولَٰئَآءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيِّنًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ

فَلَنَقْصَنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ ۖ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ ۖ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ۖ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَمَن خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ۖ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ ۖ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ

وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَةً قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَكِـۤاتِ اسْجُدُوا لِلْآدَمِ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ ۖ لَّمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ

۱
حزب
۶۱
۱۲۲۲

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱
۱۲۳۲

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ۚ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ

قَالَ فَأَهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

ثُمَّ لَا تَجِدُ فِيهِمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَنِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا ۚ لَّمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ

وَيَعَادُكُمْ أَسْكُنُ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ

فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ

فَدَلَّلَهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ ۚ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ

خدا فرمود: آن گاه که تو را امر کردم چه چیز مانع شد که سجده نکردی؟ گفت: من از او بهترم مرا از آتش آفریدی و او را از گل، (و آتش از گل بهتر است، و تولّد یافته از بهتر، بهتر)

گفت: پس فرو شو از آن (از بهشت یا از آسمان یا از میان فرشتگان یا از آن مقام و منزلت)، زیرا که تو را نرسد که در آنجا خود بزرگ بینی کنی پس بیرون رو که مسلّما تو از زبانان و خوارشدگانی

گفت: مرا تا آن روز که آنها (آدم و اولادش از قبر) برانگیخته شوند مهلت ده (ممیران)

گفت: همانا تو از مهلت یافتگانی

گفت: پس بدان سبب که مرا به بیراهه افکندی حتما در کمین آنها بر سر راه مستقیم تو خواهم نشست

سپس بر آنها از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان در خواهم آمد (و وسوسه خواهم کرد)، و بیشتر آنها را سپاسگزار نخواهی یافت

گفت: از این جا ملامت زده و رانده شده بیرون شو، که بی تردید هر که از آنان از تو پیروی کند جهنم را از همه شما پر خواهم کرد

و ای آدم، تو و همسرت در این بهشت (باغی که در زمین برای آنها آفریده بود، یا بهشت برزخ یا بهشت اصلی پس از قیامت) سکونت گزین و از هر جا که خواستید بخورید (برخوردار شوید) و به این درخت نزدیک نگردید که از ستمکاران خواهید بود

پس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از عورت هایشان بر آنها پوشیده بود آشکار سازد، و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد مگر آنکه مبدا دو تا فرشته شوید یا از زمره جاودانان (در این جا) گردید

و برای آن دو سوگند مؤکّد یاد کرد که حتما من برای شما از خیرخواهانم

پس به فریب و نیرنگ، آنها را (از مقامشان) تنزّل داد. پس چون از آن درخت چشیدند عورتشان بر آنها نمایان شد و شروع کردند به از برگ درختان آن بهشت بر خود چسباندن. و پروردگارشان آنها را ندا داد: آیا من شما را از آن درخت نهی نکردم و به شما نگفتم که همانا شیطان دشمن آشکار شماست؟

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ
مِنَ الْخَاسِرِينَ

۲۴

قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ
مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

۲۵

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ

۲۶
۱۲۴ر

يَبْنَیْ ءَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَآتِكُمْ
وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَاتِ اللَّهِ
لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

۲۷

يَبْنَیْ ءَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمْ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ
مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَآتِهِمَا إِنَّهُ
يَرْنُكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا
الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

۲۸

وَإِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا
بِهَآٔ قُلْ إِنْ أَلَّفَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا لَوْ عَلَى اللَّهِ مَا لَا
تَعْلَمُونَ

۲۹

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ
وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ

۳۰

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا
الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ

گفتند: پروردگارا، ما به خویشتن ستم کردیم، و اگر ما را
نیامیزی و بر ما رحم نکنی قطعاً از زیانکاران خواهیم بود

فرمود: همگی (از این مکان به سوی زمین) فرود آیید در
حالی که (تا ابد) دشمن یکدیگر خواهید بود، و شما را در
روی زمین تا مدت معینی قرار و برخورداری خواهد بود (و
پس از آن به عالم برزخ و سپس به قیامت منتقل می
گردید)

فرمود: در آن زندگی می کنید و در آن می میرید و (روز
واپسین) از آن بیرون می آیید

ای فرزندان آدم، به یقین بر شما لباسی که عورت های شما
را بیوشاند و لباسی که زیب و زیور شما باشد نازل کردیم
(مواد اولیه آن را در زمین آفریدیم و استعداد تهیه آن را
به شما دادیم) و البته لباس تقوی بهتر است. اینها از آیات
و نشانه های خداوند (برای مردم) است، باشد که متذکر
شوند

ای فرزندان آدم، مبدا شیطان شما را بفربید و گمراه سازد
همان گونه که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون نمود، به
طوری که لباس از تن آنها بیرون می کرد تا عورت هایشان را
به خودشان بنمایاند! بی تردید او و قبیله اش شما را می
بینند از آنجا که شما آنان را نمی بینید (و آن جایگاه جرم
لطیف غیر قابل رؤیت آنها به دیده حیوانی است نظیر فرشته
و روح) البته ما شیطان ها را سرپرستان کسانی قرار داده
ایم که ایمان ندارند

و چون کار زشتی انجام دهند، گویند: پدرانمان را بر آن
یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده. بگو: مسلماً خداوند به
کار زشت فرمان نمی دهد. آیا چیزی را که نمی دانید به خدا
نسبت می دهید؟

بگو: پروردگارم به قسط و عدل فرمان داده و (گفته) روی
خود و توجه قلب خود را در هر سجده و نمازی و هر وقت
نمازی و در هر مسجدی به سوی (خدا) کنید، و او را در حالی
که دین و طاعت را برای او خالص کرده اید بخوانید. همان
گونه که شما را در آغاز آفریده (در روز قیامت) باز می
گردید (همان طور که جسمتان را از اجزاء زمین ساخت، پس
از مرگ و تفرق در آن دوباره به صحنه آن باز می گردید و به
همان صفت که روحتان را محکوم به سعادت یا شقاوت
استعدادی در علم ازلی پدید آورد با فعلیت آن دو حالت به
محشر باز خواهید گشت لکن توافق فعلیت با استعداد
اختیاری است)

(عود شما در حالی است که) گروهی را هدایت نموده و
گروهی گمراهی بر آنها ثابت شده، زیرا شیاطین را به جای
خدا سرپرست و یاور خود گرفتند و می پندارند که
رهیافتگانند

يَبْنِيْ عَادَمَ خُذُوْا زِيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوْا وَاشْرَبُوْا
وَلَا تُسْرِفُوْا اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِيْنَةَ اللّٰهِ الَّتِي اُخْرِجَ لِعِبَادِهٖۤهٗ وَالطَّيِّبَتِۢ مِنَ
الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِيْنَ ءَامَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَّوْمَ
الْقِيَمَةِ ۗ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰیٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُوْنَ

قُلْ اِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ
وَالْاِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَاَنْ تُشْرِكُوْا بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ
بِهٖۤهٗ سُلْطٰنًا وَاَنْ تَقُوْلُوْا عَلٰی اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ

وَلِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ ۖ فَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ لَا يَسْتَاْخِرُوْنَ سَاعَةً وَلَا
يَسْتَقْدِمُوْنَ

يَبْنِيْ عَادَمَ اِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّوْنَ عَلَيَّكُمْ
ءَاٰیٰتِيۡ فَمَنْ اَتَقٰی وَاَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُوْنَ

وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِءَاٰیٰتِنَا وَاسْتَكْبَرُوْا عَنْهَا اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ
النَّارِ ۗ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ

فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰی عَلٰی اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِءَاٰیٰتِهٖۡ
اُولٰٓئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيْبُهُمْ مِّنَ الْكِتٰبِ ۖ حَتّٰیۤ اِذَا جَآءَتْهُمْ
رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوْا اَیْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ
قَالُوْا ضَلُّوْا عَنَّا وَشَهِدُوْا عَلٰی اَنْفُسِهِمْ اَنَّهُمْ كَانُوْا كٰفِرِيْنَ

ای فرزندان آدم، در وقت هر نماز و در هر مسجدی آرایش و زینتتان را (به تناسب آن عمل و محل) بگیرید، و از (همه) خوراکی های حلال خداوند) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید، که او اسراف کنندگان را دوست ندارد

بگو: چه کسی زینت های خدا را که برای بندگانش پدید آورده و روزی های پاکیزه را حرام نموده؟! بگو: آنها در زندگی دنیا از آن کسانی است که ایمان آورده اند (هر چند کفار هم با آنها شرکت جویند) در حالی که در روز قیامت مخصوص آنها خواهد بود. این چنین ما آیات خود را برای گروهی که می دانند تفصیل می دهیم

بگو: جز این نیست که پروردگار من کارهای زشت را چه آنچه از آنها ظاهر باشد و چه آنچه پنهان باشد (مانند عقاید فاسد و عمل های بد نهانی) حرام کرده و نیز هر گناه و تعدی به ناحق (به حقوق دیگران) را و نیز اینکه چیزی را که خداوند بر آن حجت و برهانی نازل نکرده شریک خدا سازید و آنچه را که نمی دانید به او نسبت دهید

و برای هر ملت و گروهی مدتی است (مدتی معین از زندگی دنیا) پس چون مدتشان به سر رسد ساعتی از آن تأخیر نخواهند کرد و پیشی نیز نمی گیرند

(خطاب ربوبی به نسل آدم از ابتدا تا انقراض آنهاست که) ای فرزندان آدم، هر گاه فرستادگانی از (جنس) خودتان به سوی شما آمدند که آیات و نشانه های مرا بر شما می خواندند (به آنها ایمان آورید)، پس کسانی که پروا کنند و به کار شایسته پردازند (و عقاید و اعمال خود را اصلاح نمایند) نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهی خواهند داشت

و کسانی که آیات ما را تکذیب کنند و از پذیرش آنها تکبر ورزند، آنان اهل آتشند که در آن جاودان باشند

پس چه کسی ظالمتر است از آن که بر خدا دروغ بندد، یا آیات و نشانه های او را تکذیب نماید؟! آنهایند که نصیبشان (در دنیا) از نوشته و مقرری خداوند (از عمر و روزی و اولاد) به آنان می رسد، تا آن گاه که فرستادگان ما (مأموران مرگ) به سراغ آنها بیایند که جانشان را بستانند، می گویند: کجایند آنهايي که به جای خداوند می خواندید؟ گویند: همه از نظر ما گم شدند. و به زیان خود گواهی دهند که کافر بودند

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا آدَرَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَعَاتِبَهُمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ

وَقَالَتْ أُولَهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ

لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَفِّ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

(خداوند یا آن فرشته) می گوید: شما هم در میان امت هایی که پیش از شما از جن و انس درگذشتند به آتش درآیید. هر گاه که گروهی وارد شوند همکیشان خود را لعنت کنند تا چون همگی در آنجا به یکدیگر پیوستند، گروه های پسین آنان (پیروان) درباره گروه های پیشین (پیشوایان) گویند: پروردگارا، اینهایند که ما را گمراه کردند پس آنها را دو برابر از عذاب آتش ده. می گوید: برای هر کدامتان دو برابر است (برای پیشوایان عذاب، گمراه شدن و گمراه کردن و برای پیروان عذاب، گمراه شدن و تقویت کفر) و لکن شما نمی دانید

پیشوایان آنها به پیروان گویند: شما هیچ برتری بر ما ندارید (که مستحق قلت عذاب شوید) پس بچشید عذاب خدا را به کیفر آنچه به دست می آوردید

بی تردید کسانی که آیات و نشانه های ما را تکذیب کردند، و در برابر آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان برای آنها گشوده نمی شود (تا دعاهای آنها در حال حیات، و ارواحشان پس از مرگ بالا رود) و آنها هرگز به بهشت در نمی آیند تا شتر نر در سوراخ سوزن فرو رود. و این چنین ما گنهکاران را کیفر می دهیم

برای آنها از (آتش) جهنم بستری است و از بالای سرشان پوشش هایی (از آن) است و این گونه ما ستمکاران را کیفر می دهیم

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کردند- (و البته) ما هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی کنیم- آنها یاران بهشتند که در آنجا جاودانند

و ما آنچه در سینه های آنها از کینه و عداوت است همه را بر می کنیم، از زیر (پای) آنها نهرها روان است، و گویند: ستایش و سپاس از آن خدایی است که ما را به این (جایگاه پسندیده) راهنمایی کرد، و اگر خدا ما را رهنمون نمی شد ما هرگز راه نمی یافتیم، حقا که رسولان پروردگار ما به حق و درستی (به منظور این هدف) آمدند. و ندا داده می شوند که این بهشت به پاداش آنچه (در دنیا) می کردید به شما داده شد، و آن بهشت (هم که سهم کفار و در معرض انتفاع آنها بود) به سبب اعمالتان به ارث به شما رسید (کفر آنها به حکم مرگ و سهم آنها از آن شما شد)

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَإِنَّ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ

۴۵

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلِّمُوا عَلَيْنَا لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ

۴۶

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۴۷
حزب
۶۳

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

۴۸
۱۲۷

أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ

۴۹

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ

۵۰

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتُهُمُ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَلُهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

۵۱

و بهشتیان دوزخیان را ندا می دهند که ما آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود درست و ثابت یافتیم، آیا شما نیز آنچه را پروردگارتان وعده داده بود حق و ثابت یافتید؟ گویند: آری! پس آواز دهنده ای در میان آنان آواز می دهد که لعنت خداوند بر ستمکاران باد

آتهایی که (مردم را) از راه خدا بازمی داشتند و برای آن کجی می خواستند (آن را منحرف نشان می دادند) و به روز واپسین کافر بودند

و میان آن دو گروه (بهشتیان و دوزخیان) حجاب و حایلی است و بر کنگره های آن حجاب مردانی هستند (از معصومین و اولیاء حق) که هر گروهی را به سیمایشان می شناسند، و آنان به اهل بهشت ندا می دهند که سلام بر شما بهشتیانی که هنوز وارد آن نشده اند و امید آن را دارند

و چون چشمانشان به سوی اهل آتش برگردانده شود، گویند: پروردگارا، ما را با گروه ستمکاران قرار مده

و کسانی که بر آن کنگره ها قرار دارند مردانی را (از دوزخیان) که از صورت هایشان می شناسند ندا دهند (و به عنوان شماتت) گویند: (دیدید که) اجتماع و جمعیت شما (یا گرد آوردن مالتان) و تکبر ورزیدنتان (عذابی را) از شما دفع نکرد

(و با اشاره به مؤمنان گویند) آیا اینها هستند کسانی که سوگند یاد می کردید که خدا رحمتش را به آنها نمی رساند؟ (آن گاه به مؤمنان گویند) به بهشت درآیید که نه بیمی بر شما می رود و نه اندوهی خواهید داشت

و اهل آتش بهشتیان را ندا کنند که از آب یا از آنچه خدا شما را روزی کرده بر ما فرو ریزید. گویند: همانا خداوند این دو را بر کافران حرام نموده است

آتهایی که دینشان را به بیهوده و بازی گرفتند و زندگی دنیا آنها را بفریفت پس ما امروز آنها را از یاد می بریم همان گونه که آنها دیدار امروزشان را از یاد بردند و آیات ما را انکار می کردند

وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ
نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ
شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ
قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ
حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ
الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا
وَطَمَعًا ۚ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا
أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ
فَأَخْرَجْنَا بِهِ ۖ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۚ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

و در حقیقت ما بر آنان کتابی آوردیم که آن را از روی
دانشی (وسیع) تفصیل دادیم (الفاظش را به آیات و سور و
محکمت و متشابهات و نصوص و ظواهر، و محتوایش را به
اصول و فروع و علوم و معارف گوناگون)، در حالی که سرایا
هدایت و رحمت است برای گروهی که ایمان می آورند

آیا آنان جز در انتظار تأویل و بازگشت آیند؟ (آیا جز تحقق
عینی وعد و وعیدهای قرآن در قیامت را انتظار می برند؟)
روزی که تأویلش بیاید کسانی که آن را از پیش فراموش
کرده بودند خواهند گفت: حقا که فرستادگان پروردگار ما
حقیقت را برای ما آوردند (لکن ما نپذیرفتیم)، پس آیا
(امروز) ما را شفیعی هست که برای ما شفاعت کنند؟ یا
(به دنیا) بازگردانده می شویم تا کاری غیر آنچه می کردیم
انجام دهیم؟ (نه، در آن روز) به یقین آنان نفس خود را به
زیان داده اند و آنچه افترا می بستند (به دروغ شریک خدا
می ساختند) از نظر آنها گم گشته است

همانا پروردگار شما خدایی است که آسمان ها و زمین را در
شش روز آفرید (در مدتی مساوی با شش روز یا شش
شبانه روز، یا شش دوران)، آن گاه بر تخت (تدبیر جهان
هستی) سلطه و استیلا یافت. شب را (پرده وار) بر روز می
پوشاند به گونه ای که شب پیوسته روز را می طلبد و روز
هم همواره شب را می جوید و خورشید و ماه و ستارگان را
در حالی که (میان جو غیر متناهی) مسخر و رام فرمان او
هستند بیافرید. آگاه باش که آفرینش و فرمان (نافذ در
همه آفریده ها) از آن اوست ثابت و دائم و پربرکت است
خداوند که پروردگار جهانیان است

پروردگارتان را به تضرع و زاری و نهانی بخوانید (و از حد
معقول درخواست تجاوز نکنید که) همانا او تجاوزکاران را
دوست ندارد

و در روی زمین پس از اصلاح آن (به وسیله انبیا و شرایع
آسمانی، به کفر و فسق) تباهی مکنید، و او را به حال بیم و
امید بخوانید، که همانا رحمت خدا به نیکان و نیکی کنندگان
نزدیک است

و اوست که بادهای را مژده رسان پیشاپیش رحمتش (باران)
می فرستد تا چون ابرهای سنگین بار را برداشتنند ما آن را
به سوی سرزمینی مرده می رانیم، پس به وسیله آن آب را
(به صورت باران و برف و تگرگ) فرو می ریزیم، پس بدان
وسیله از هر نوع میوه و بذری (از دل خاک) بیرون می
آوریم، مردگان را نیز این چنین (در روز قیامت) بیرون می
آوریم. (این مثال را زدیم) باشد که متذکر شوید

وَالْبَلَدَ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُۥ بِإِذْنِ رَبِّهِۦ ۖ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦ فَقَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُۥ ۖ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِۦ ۖ إِنَّا لَنَرُكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

قَالَ يَتَقَوْمَ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

أَوْعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُۥ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ

وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُۥ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِۦ ۖ إِنَّا لَنَرُكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَذِبِينَ

قَالَ يَتَقَوْمَ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

و سرزمین پاک، گیاهش به اذن (تکوینی) پروردگارش (فراوان و پربار) بیرون می آید، و آن (سرزمینی) که پلید است (گیاهش) جز اندک و بی خیر بیرون نمی آید (از طینت انسانی پاک، باورها و ملکات و کارهای زیبا، و از طینت پلید، عقاید و صفات و اعمال پلید برمی خیزد). این چنین ما آیات (توحید خود) را گوناگون می آوریم برای گروهی که سپاس می گزارند

همانا ما نوح را به سوی قوم خود فرستادیم گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید، که برای شما غیر او معبودی نیست. بی تردید من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیم دارم

سران و اشراف قوم او گفتند: همانا ما تو را در گمراهیی آشکار می بینیم

گفت: ای قوم من، مرا هیچ گمراهی نیست، بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم

که رسالت ها و پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیرخواهی می کنم و از سوی خداوند چیزهایی می دانم که شما نمی دانید

آیا تعجب کردید از اینکه از سوی پروردگارتان برای شما تذکری (به عنوان نخستین شریعت و اولین کتاب آسمانی) بر زبان مردی از خودتان آمده تا شما را (از عذاب خدا) بیم دهد و شما هم پروا پیشه کنید و باشد که مورد ترحم قرار گیرید؟

پس او را تکذیب کردند ما هم او و هر کس را که با او در کشتی بود، نجات دادیم و کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده بودند غرق نمودیم حقا که آنها گروهی کوردل بودند

و به سوی قوم عاد برادر (نسبی یا قبیله ای) آنها هود را (فرستادیم)، گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید، شما را جز او معبودی نیست، آیا (از غضب او) پروا نمی کنید؟

سران و اشراف قومش که کافر بودند گفتند: حقیقتا ما تو را در سفاهت و نادانی می بینیم و حتما تو را از دروغگویان می پنداریم

گفت: ای قوم من، مرا هیچ سفاهتی نیست، بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَتِي رَّبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ

۶۹

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً ۖ فَاذْكُرُوا ءَالَآءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۷۰

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

۷۱

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۖ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَّا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ۖ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

۷۲

فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَّعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ

۷۳
۱۳۱

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَاقَوْمُ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ ۖ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ ءَايَةٌ ۖ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أََرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ

که رسالت ها و پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و من برای شما خیرخواهی امینم

و آیا تعجب کردید از اینکه از سوی پروردگارتان برای شما تذکری بر زبان مردی از خودتان آمده (اظهار نبوت و معجزه یا ابلاغ کتاب و شریعت نوح) تا شما را (از عذاب خدا) بیم دهد؟! و به یاد آرید هنگامی که او شما را جانشینانی (در روی زمین) پس از قوم نوح قرار داد و شما را در آفرینش جسم و نیروهای بدن فزونی بخشید. پس نعمت های خدا را به یاد آرید، باشد که رستگار گردید

گفتند: آیا به سوی ما آمده ای که ما تنها خدا را بپرستیم و آنچه را که پدران ما می پرستیدند رها کنیم؟! پس آنچه (از عذاب الهی) وعده می دهی بیاور اگر از راستگویانی

گفت: مسلماً بر شما از جانب پروردگارتان عذاب و غضبی ثابت و مقرر شده است. آیا درباره نام هایی که شما و پدرانتان (بت ها را) بدان نامیده اید (مانند اله، معبود و رازق) و خداوند هیچ حجت و برهانی بر (حقانیت) آنها نازل نکرده با من محاجه و ستیز دارید؟ پس منتظر (عذاب) باشید که من نیز حتما با شما از منتظرانم

پس او و کسانی را که با او بودند به رحمت خود نجات بخشیدیم و ریشه و نسل کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و مؤمن نبودند بریدیم

و به سوی (قوم) ثمود برادر (نسبی یا قبیله ای) آنها صالح (فرستادیم)، گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید که شما را جز او معبودی نیست به یقین برای شما حجت و برهانی از جانب پروردگارتان آمده است این ماده شتر خداست که برای شما نشانه ای (از توحید و قدرت و رحمت او) است، پس آن را رها کنید تا در روی زمین خدا بخورد و گزند و آسیبی به آن نرسانید که شما را عذابی دردناک فرا خواهد گرفت

وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آيَاتَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

برنجیزید

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِءُ مُؤْمِنُونَ

۷۵

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي ءَامَنْتُمْ بِهِءُ كَافِرُونَ

۷۶

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَصْلِحُ أَتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

۷۷

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمِينَ

۷۸

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ

۷۹

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ

۸۰

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

۸۱

و به یاد آرید هنگامی که شما را جانشینانی پس از قوم عاد قرار داد و شما را در روی زمین جای داد که از مواضع هموارش قصرها (ی تابستانی) می سازید و از دل کوه ها تراشیده خانه ها (ی زمستانی) می سازید پس نعمت های خدا را متذکر شوید و در روی زمین تبهکارانه به فساد برنجیزید

سران و اشراف مستکبر قوم او به کسانی که مستضعف بودند، به مؤمنان آنها، گفتند: آیا شما می دانید که صالح از جانب پروردگارش فرستاده شده؟ آنها گفتند: بی تردید ما به آنچه بدان ارسال شده مؤمنیم

مستکبران گفتند: ما قطعاً به آنچه شما ایمان آورده اید کافریم

پس آن ماده شتر را پی کردند و از فرمان پروردگارشان سرکشی نمودند و گفتند: ای صالح، آنچه را به ما وعده می دهی بر ما بیاور اگر از فرستادگانی

پس زمین لرزه سختی (در اثر میجه شدید آسمانی) آنها را فرا گرفت و همه در خانه های خود به زانو درآمده و به رو در افتاده، بی جان شدند

پس (صالح) روی از آنها برتافت و (خطاب به اجساد آنها) گفت: ای قوم من، به راستی من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیرتان را خواستم و به شما اندرز گفتم و لکن شما خیرخواهان را دوست نمی داشتید

و به یاد آر لوط را آن گاه که به قوم خود گفت: آیا آن کار زشت را می کنید که احدی از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است؟

همانا شما از روی شهوت به جای زنان با مردان می آمیزید، (نه تنها در این امر متجاوز از فطرتید) بلکه شما (در هر کاری) گروهی اسرافکارید

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ^ط إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ

۸۳

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ وَكَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

۸۴

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَّطَرًا^ط فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ

۸۵
۱۳۲

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَبْقَوْمُ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ^ط قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ^ط فَأَوْفُوا^ط الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

۸۶

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مَن عَآمَنَ بِهِ^ط وَتَبَغُّوهَا عِوَجًا وَّأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُكُمْ^ط وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

۸۷

وَإِنْ كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنْكُمْ ءَامَنُوا بِأَلَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ^ط وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

و پاسخ قوم او جز این نبود که (به یکدیگر) گفتند: اینها را از شهر خود و اجتماع خود بیرون کنید و (به مسخره گفتند) اینان مردمی پاکی طلبند

پس او و خانواده اش را نجات دادیم جز همسرش که از بازماندگان (در میان اهل عذاب) بود

و بر سر آنها بارانی (از سنگریزه) بارانیدیم، پس بنگر که عاقبت گنهکاران چگونه شد

و به سوی (اهل) مدین برادر (نسبی یا قبیله ای) آنها شعیب را (فرستادیم)، گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید، که شما را جز او معبودی نیست همانا دلیل روشنی از جانب پروردگارتان برای شما آمده (مراد معجزه اوست که بیان نشده)، پس پیمانه و ترازو را به تمام دهید و از اموال مردم کم نگذارید و در روی زمین پس از اصلاح آن (به دعوت انبیا و شرایع آسمانی) فسادانگیزی نکنید اینها برای شما بهتر است اگر ایمان دارید

و بر سر هر راهی منشینید (که مردم را) تهدید نمایید و کسی را که ایمان آورده از راه خدا بازدارید و برای راه خدا انحراف طلبید (سعی در کج کردن یا کج نشان دادن آن کنید)، و به یاد آرید هنگامی که اندک بودید، پس خدا بسیاریتان کرد، و بنگرید که عاقبت مفسدان چگونه بود

و اگر گروهی از شما به آنچه من بدان ارسال شده ام ایمان آوردند و گروهی ایمان نیاوردند، پس صبر کنید (به مبارزه برنخیزید) تا خداوند میان ما داوری کند و او بهترین داوران است

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ
يَشُعِيبُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودَنَّ فِي
مِلَّتِنَا قَالَ أُولَٰؤُ كُنَّا كَٰرِهِينَ

۸۹

قَدْ أَفْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ
نَجَّيْنَا اللَّهَ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ
اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا
أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ

۹۰

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنْ أَتَبَعْتُمْ شُعَيْبًا
إِنَّا لَنَكُونَنَّ إِذَا لَخَسِرُونَ

۹۱

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَلِيمِينَ

۹۲

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا
شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ

۹۳

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَٰقَوْمُ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي
وَنَصَحْتُ لَكُمَّ فَكَيْفَ ءَاسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ

۹۴

۱۳۳

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ
وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ

۹۵

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ
ءَابَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

سران و اشراف مستکبر قوم او گفتند: ای شعیب، بی تردید
تو و کسانی را که با تو ایمان آورده اند از دیارمان و
اجتماعمان بیرون خواهیم کرد مگر اینکه به آیین ما درآیید.
گفت: آیا هر چند که ما کراحت داشته باشیم؟

اگر ما به آیین شما درآییم (بگوییم خدا شریک دارد) پس
از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به یقین بر خداوند
دروغ بسته ایم، و هرگز ما را نرسد که به آن درآییم مگر
آنکه خدای پروردگار ما بخواهد (که هرگز نخواهد خواست)
پروردگار ما از نظر علم و آگاهی بر همه چیز احاطه دارد ما
بر خدا توکل کردیم پروردگارا میان ما و قوم ما به حق و
درستی داوری کن و فیصله ده، که تو بهترین داوران و
فیصله دهنده گانی

و سران و اشراف کافر قوم او گفتند: اگر از شعیب پیروی
کنید آن گاه حتما زیانکار خواهید بود

پس زمین لرزه شدیدی (در اثر صیحه آسمانی) آنها را فرا
گرفت و همه در خانه های خود به زانو درآمده و به رو
درافتاده، بی جان شدند

(آری) کسانی که شعیب را تکذیب کردند (چنان نابود شدند
که) گویی هرگز در آنجا سکونت نداشتند کسانی که شعیب
را تکذیب نمودند آنها خود زیانکار بودند

پس روی از آنها برتافت و (خطاب به اجسادشان) گفت: ای
قوم من، بی شک من پیام های پروردگارم را به شما رساندم
و به شما اندرز گفتم و خیرخواهی کردم، پس چگونه بر
گروهی کافر اندوه خورم

و ما در هیچ شهر و روستایی پیامبری نفرستادیم مگر آنکه
اهل آنجا را به مرض و سختی و فقر و تنگدستی دچار
کردیم، باشد که (به درگاه ما) تضرع و زاری کنند

سپس به جای آن بدی و سختی، نیکی و خوشی آوردیم تا (از
نظر مال و فرزند) فزونی یافتند و (باز متنبه نشده) گفتند:
پدران ما را هم ناراحتی و راحتی رسید (امری است طبیعی
و مؤثری پشت پرده نیست) پس آنها را به ناگاه گرفتار
کردیم در حالی که بی خبر بودند

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ
مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَهُم بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ

۹۷

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيِّنًا وَهُمْ نَائِمُونَ

۹۸

أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ

۹۹

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ
الْخَاسِرُونَ

۱۰۰
ر۱۳۴

أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ
نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا
يَسْمَعُونَ

۱۰۱

تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ
كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ

۱۰۲

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ
لَفَاسِقِينَ

۱۰۳

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَٰئِهِۦ
فَظَلَمُوا بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

۱۰۴

وَقَالَ مُوسَىٰ يَافِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

و اگر اهل شهرها و روستاها ایمان می آوردند و پروا پیشه
می کردند مسلّمأ (درهای) برکت هایی از آسمان و زمین را
بر روی آنها می گشودیم، و لکن (آیات ما را) تکذیب کردند،
پس آنها را به سزای آنچه کسب می کردند دچار ساختیم

پس آیا اهل شهرها و روستاها ایمنند از اینکه عذاب ما
شبانه بر آنها وارد شود در حالی که در خوابند؟

و آیا مردم شهرها و روستاها ایمنند از اینکه عذاب ما به
هنگام روز بر آنها در رسد در حالی که سرگرم بازی (دنیا و
انجام گناه) اند؟

پس مگر از مکر و عذاب غافلگیرانه خدا ایمنند؟! حال آنکه
جز گروه زیان کاران خود را از مکر خدا ایمن نمی دانند

آیا کسانی را که این زمین را پس از صاحبانش به ارث می
برند این مطلب هدایت نکرد (و برایشان روشن ننمود) که
اگر ما بخواهیم به آنها در برابر گناهانشان عذاب می رسانیم
و بر دل هایشان مهر (شقاوت) می نهیم که دیگر (سخن حق
را) نشنوند؟

این مجتمعات (انسانی) است که برای تو از اخبار آنها بازگو
می کنیم، و به یقین فرستادگانشان بر آنها دلایل روشن
آوردند ولی آنها بر آن نبودند که به آنچه پیش از آن
تکذیب کرده بودند ایمان بیاورند! این گونه خداوند بر دل
های کافران مهر (قساوت و نافهمی) می نهد

و برای بیشتر آنان هیچ گونه تعهدی نیافتیم، و حقیقت این
است که بیشتر آنها را بسی نافرمان یافتیم

آن گاه پس از آنان (پس از پیامبران پیشین) موسی را با
آیات و نشانه های خود به سوی فرعون و سران قومش
فرستادیم، پس آنها به آن آیات ستم کردند (آنها را
نپذیرفتند)، پس بنگر که عاقبت کار فسادانگیزان چگونه
بود

و موسی گفت: ای فرعون، مسلّمأ من فرستاده ای از سوی
پروردگار جهانیم

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَن لَّا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ
بَبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَءِيلَ

قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنتَ مِنَ
الصَّادِقِينَ

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ

يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ
الْغَالِبِينَ

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ

قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ
وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَن أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا
يَأْفِكُونَ

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ

وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ

سزاوارم که درباره خدا سخنی جز حق نگویم، بی تردید
برای شما دلیلی روشن (در توحید و نبوت خود) آورده ام،
پس (بپذیر و) بنی اسرائیل را با من (به وطن اصلیشان
بیت المقدس) بفرست

فرعون گفت: اگر آیه و نشانه ای آورده ای پس آن را بیاور
(و نشان ده) اگر از راستگویانی

پس موسی عصای خود بیفکند، که ناگاه اژدهایی آشکار شد

و دست (از گریبان یا زیر بغل) بیرون کشید، که ناگاه سفید
و تابان برای تماشاگران شد

سران و اشراف از قوم فرعون (به یکدیگر) گفتند: بی شک
این (مرد) جادوگری داناست

که می خواهد شما را از سرزمیتان بیرون کند، پس چه رأی
و نظر می دهید

(به فرعون) گفتند: (کار) او و برادرش را به تأخیر انداز و
مأموران گردآورنده را به شهرها بفرست

تا هر جادوگری دانا را به نزد تو آورند

و جادوگران به نزد فرعون آمده، گفتند: اگر ما پیروز گشتیم
حتما برای ما مزدی مهم خواهد بود؟

گفت: آری، و مسلما از مقربان (دربار) خواهید بود

(ساحران) گفتند: ای موسی یا تو (وسایل جادویت را) بیفکن
و یا ما افکننده باشیم

گفت: شما بیفکنید. پس چون (ابزارهای جادو را) افکندند
چشمان مردم را جادو کردند و آنها را سخت ترساندند و
جادویی بزرگ پدید آوردند

و ما به موسی وحی کردیم که عصای خود را بیفکن (چون
افکند اژدهایی شد) پس به ناگاه همه آنچه را که ساحران
به دروغ ساخته بودند به سرعت می گرفت و می بلعید

پس حقیقت جا افتاد و آنچه آنها می کردند (سحر آنان) باطل
شد

پس (همه فرعونیان) در آنجا مغلوب شدند و خوار و
شکست خورده گشتند

و جادوگران (بی اختیار) به سجده درافتادند

قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ

۱۲۲

قَالَ فِرْعَوْنُ ءَامَنْتُمْ بِهِۦ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْۚ إِنَّ هَٰذَا لَمَكْرٌ مَّكَّرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَاۚ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

۱۲۳

لَا قُطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خَلْفٍ ثُمَّ
لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ

۱۲۴

قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

۱۲۵

وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِءَايَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَاۚ رَبَّنَا
أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنا مُسْلِمِينَ

۱۲۶

وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُۥ لِيُفْسِدُوا
فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَءَالِهَتَكَۚ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ
وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ

۱۲۷
۱۳۶ر

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَأَصْبِرُوا۟ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ
يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِۦ ۖ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

۱۲۸

قَالُوا أُوذِينَا مِن قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنۢ بَعْدِ مَا جِئْتَنَاۚ قَالَ
عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عُدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي
الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ

۱۲۹

وَلَقَدْ أَخَذْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِّنَ الثَّمَرَاتِ
لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

۱۳۰
۱۳۷ر

گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم

همان پروردگار موسی و هارون

فرعون گفت: آیا پیش از آنکه من به شما اجازه دهم به وی ایمان آوردید! مسلماً این نیرنگی است که (شما و موسی) در این شهر ساخته اید تا مردمش را از آن بیرون کنید (تا قبطیان را بیرون کنید و بنی اسرائیل بمانند) پس به زودی خواهید دانست

همانا البته دست ها و پاهای شما را بر خلاف یکدیگر (یکی از راست و یکی از چپ) خواهم برید، سپس بی تردید همگی شما را به چوبه دار خواهم آویخت

گفتند: ما (بالاخره) به سوی پروردگارمان بازمی گردیم (پس باکی از تهدید تو نیست)

و تو چیزی را بر ما عیب و خرده نمی گیری جز این را که به آیات و نشانه های پروردگارمان هنگامی که به ما رسید ایمان آورده ایم. پروردگارا، صبری (سرشار) بر (دل های) ما فرو ریز و ما را مسلمان بمیران

و سران و اشراف از قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قوم او را آزاد می گذاری تا در روی زمین فساد انگیزند و تو و خدایان تو را رها کنند! (فرعون بت ها و ستاره هایی را خدایان خود می دانست و خود را خدای مردم، و یا آنها را معبود مردم و خود را معبود آنها می دانست) گفت: به زودی پسرانشان را به سختی می کشیم و زنانشان را زنده نگاه می داریم (چنان که پیش از آمدن موسی می کردیم) و ما بر آنها مسلطیم

موسی به قوم خود گفت: از خداوند یاری بجویید و صبر نمایید، مسلماً زمین از آن خداست (ایجادش، حفظش و اداره ساکنانش تحت اراده اوست) به هر کس بخواهد به میراث می دهد و سرانجام (نیک) از آن پرهیزگاران است

آنها گفتند: ما هم پیش از آنکه به سوی ما بیایی و هم پس از آنکه آمدی اذیت و آزار دیدیم! گفت: امید است که پروردگار شما دشمنتان را هلاک سازد و شما را در این سرزمین جانشین گرداند، پس بنگرد که چگونه رفتار می کنید

و همانا فرعونیان را (به عنوان آغاز وعده بنی اسرائیل) به قحطی ها و کمبود محصولات دچار کردیم، باشد که متذکر شوند

فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحُسْنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبُّهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَّعَهُٗٓ إِلَّا إِنَّمَا ظَنُّهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ عَايَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجُرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْذَّمَ عَايَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَمُوسَىٰ أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لِنَكْشِفَ عَنَّْا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَءِيلَ

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بَلِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا ۖ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ

۱۳۲

۱۳۳

۱۳۴

۱۳۵

۱۳۶

۱۳۷

و چون نیکی و رفاه برای آنها پیش می آمد می گفتند: این از (لیاقت و شایستگی) خود ما است، و چون بدی و بلایی به آنها می رسید فال بد به موسی و همراهانش می زدند. زنه‌ار که سبب شومی آنان (و هر شر و بلایی که به آنان می رسید گناهانشان بود که) در نزد خدا (ثبت) است، و لکن بیشترشان نمی دانستند

و گفتند: (ای موسی) هر نشانه و معجزه ای برای ما بیاوری که ما را بدان جادو کنی، هرگز ما گرونده به تو نخواهیم بود

پس ما طوفان و ملخ و کنه و قورباغه ها و خون را به صورت نشانه هایی جدا جدا بر آنها فرستادیم، باز هم تکبر و سرکشی ورزیدند و گروهی گنه‌کار بودند

و (در هر بار) وقتی که عذاب بر آنها فرود می آمد، می گفتند: ای موسی، پروردگارت را به خاطر پیمانی که با تو دارد (پیمان نبوت یا اجابت دعا) برای ما بخوان که اگر این عذاب را (تا فلان مدت) از ما برطرف کنی حتما به تو ایمان می آوریم و بنی اسرائیل را با تو می فرستیم

پس چون عذاب را از آنان تا مدتی که باید بدان می رسیدند برطرف می کردیم باز هم آنها پیمان می شکستند

سرانجام از آنها انتقام گرفتیم و آنها را در دریا غرق کردیم، زیرا آیات و نشانه های ما را تکذیب کردند و (به کلی) از آنها در غفلت بودند

و به گروهی که همواره (از سوی فرعونیان) ضعیف و ناتوان شمرده می شدند، مشرق ها و مغرب های آن سرزمین را که پرخیر و برکت قرار داده بودیم (سرزمین شام و فلسطین را) به ارث دادیم و سخن نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل (وعده پیروزی آنها) به پاداش صبر آنان کاملا تحقق یافت و آنچه را که فرعون و قومش می ساختند (از خانه و قصر و مناره) و آنچه را داربست می زدند (از تاک ها) ویران و نابود کردیم

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ
عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَمُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ
ءَالِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا هُم فِيهِ وَبِطُلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَالٍ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ
الْعَذَابِ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي
ذَلِكَ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مِيقَتِ
رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي
قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ
إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرْنِي وَلَٰكِنِ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ
مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ
دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ
إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ

و بنی اسرائیل را از دریا (ی نیل) گذرانیدیم، پس به
گروهی رسیدند که بر (پرستش) بت هایی که داشتند روی
آورده و گرد آمده بودند، (آنها طبق تأثر محسوس گرایی از
فرعونیان در ایام اسارتشان) گفتند: ای موسی، همان گونه
که آنها معبودهایی دارند تو نیز برای ما معبودی قرار ده!
گفت: حقا که شما گروهی هستيد که نادانی می کنید

مسلمانا آنچه اينان در آن هستند (از عقايد شرک) نابود
شدنی و آنچه به جا می آورند (از عبادت بت ها) باطل و
بيهوده است

گفت: آيا بجز خداوند معبودی برای شما بطلبم در حالی که
اوست که شما را بر جهانيان (مردم زماتنان) برتری داده
است؟

و (ياد آريد) هنگامی که شما را از فرعونيان نجات داديم، که
شما را سخت شکنجه می کردند، پسرانتان را بيرحمانه می
کشتند و زناتان را (برای بيگاری) زنده نگه می داشتند و
در اين (کار برای شما) ابتلا و امتحان بزرگی از جانب
پروردگارتان بود

و با موسی سی شب وعده گذاشتيم (سی شبانه روز که
جهت آماده شدن برای دریافت تورات عبادت کند) و آن را
با ده شب ديگر کامل کرديم، پس قرار وعده پروردگارش به
چهل شب پايان يافت. و موسی (هنگامی که به ميقات می
رفت) به برادرش هارون گفت: در ميان قوم من جانشيني
کن و به اصلاح پرداز و از راه فسادانگيزان پيروی مکن

و چون موسی به وعده گاه ما آمد و پروردگارش با وی (بدون
واسطه) سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا (خود را) به من
نشان ده تا به تو بنگرم (و تو را به رؤیت خاص باطنی که
پس از مشاهده همه مظاهر جلال و جمال دنیوی و اخروی
حاصل می شود ببینم) گفت: هرگز مرا (در دنیا به چنین
رؤیتی) نخواهی دید، و لکن به سوی این کوه بنگر، اگر در
جای خود ثابت ماند تو هم مرا خواهی دید (استعداد
وجودیت بر این رؤیت کمتر از استعداد کوه است در برابر
تجلی من). پس چون پروردگارش بر کوه تجلی کرد آن را
خرد و غبار کرد و موسی بی هوش افتاد و چون به هوش
آمد گفت: تو (از دیده شدن با چشم) پاک و منزهی، به
سویت بازگشتم و من نخستین گرونده ام

قَالَ يَمُوسَىٰ إِنِّي أُصْطَفِيتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي
وَبِكَلِمِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ

(خدای) فرمود: ای موسی، من تو را به (اداء) رسالت ها و پیام هایم و به سخن گفتنم (با تو) بر سایر مردم برگزیدم، پس آنچه به تو دادم بگیر و از سپاسگزاران باش

۱۴۵

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا
لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا
سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ

و برای او در الواح (تورات) از هر موضوعی پندی، و برای هر چیزی (از امور اعتقادی و عملی مردم) تفصیلی نوشتیم، (و گفتیم) پس آن را با همه نیرو فراگیر و قوم خود را فرمان ده تا نیکوترین آنها را فراگیرند (واجبات را بگیرند و محرمات را رها کنند)، به زودی سرای فاسقان را به شما نشان می دهیم (ویرانه های مساکن عاد و ثمود و فرعونیان را در دنیا و جایگاه های ابدی جهنمشان را در آخرت)

۱۴۶

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ
الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ
الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ
سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ

به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می ورزند و اگر هر آیه و معجزه ای را ببینند ایمان نمی آورند و چون راه هدایت را ببینند آن را پیش نمی گیرند و چون راه گمراهی را ببینند آن را پیش می گیرند از (قدرت معارضه با) آیات خود متصرف و روی گردان می کنم این (کار) برای آن است که آنان آیات و نشانه های ما را تکذیب کردند (از دیدن) آنها غافل بودند

۱۴۷

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ هَلْ
يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و کسانی که آیات و نشانه های ما و دیدار (عالم) آخرت را تکذیب کنند، عمل های (خیر) آنها حبط و باطل خواهد شد آیا آنان جز آنچه عمل می کردند جزا داده می شوند؟

۱۴۸
۱۳۹

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِن بَعْدِهِ مِن حُلِيِّهِمْ عِجَلًا جَسَدًا
لَّهُمْ خُورًا أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا
اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ

(بیشتر) قوم موسی پس از (رفتن) او (به میقات خداوند) از زیورهای خود گوساله ای، مجسمه ای که صدای گوساله داشت، ساختند! آیا نمی دیدند که آن مجسمه با آنها سخن نمی گوید و آنها را به راهی هدایت نمی کند؟! آن را به خدایی گرفتند در حالی که از ستمکاران بودند (که جماد را به جای موجود حی قیوم قرار دادند)

۱۴۹

وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَّمْ
يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

و چون به خود آمدند و سخت پشیمان شدند و دیدند که واقعا گمراه شده اند، گفتند: به راستی اگر پروردگاران ما ما ترحم نکند و ما را نیامرزد حتما از زیانکاران خواهیم بود

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَنَ أَسَفًا قَالَ بِنِسْمَا
خَلَقْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ ۖ وَأَلْقَى
الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنُ أُمِّ إِيَّانَ
الْقَوْمَ اسْتَزَعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ
الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذَلَّةٌ
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتِرِينَ

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَعَامَنُوا إِنَّ
رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَىٰ الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ ۖ وَفِي
نُسخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْتَبُونَ

وَأَخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ
الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِّن قَبْلُ وَإِيَّيَّ
أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ
بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ

و چون موسی خشمگین و اسفناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: پس از من جانشینی بدی از من کردید، آیا در کار (میقات) پروردگارتان عجله نمودید؟! و الواح (تورات) را بیفکند و سر برادرش را گرفته به سوی خود می کشید، وی گفت: پسر مادرم! به راستی این قوم مرا (درباره نهی از این کار) ناتوان کردند و نزدیک بود مرا بکشند، پس دشمنان را به شماتت من برنینگیز و مرا با گروه ستمکاران قرار مده

(موسی) گفت: پروردگارا، من و برادرم را بیامرز و ما را در رحمت خویش در آور که تو مهربانترین مهربانانی

حقاً کسانی که گوساله را به پرستش گرفتند به زودی خشمی از پروردگارشان (در دنیا و آخرت) و ذلت و خواری در زندگی دنیا (مانند سوزاندن معبود آنها و سرگردان شدنشان در بیابان و ماندن ننگ در تاریخ) به آنها خواهد رسید و دروغ بافان را این گونه کیفر می دهیم

و کسانی که گناهیانی انجام دادند آن گاه بعد از آن توبه کردند و ایمان آوردند، همانا پروردگار تو پس از آن بسیار آمرزنده و مهربان است. (این دو آیه جمله های معترضه است میان داستان موسی.

و چون خشم از موسی فرو نشست، الواح (تورات) را برگرفت و در نوشته آن هدایت و رحمت بود برای کسانی که از پروردگارشان بیم دارند

و موسی از (میان) قوم خود برای وعده گاه ما (وعده نزول تورات پیش از پرستش گوساله، یا وعده توبه پس از آن) هفتاد مرد را برگزید، پس چون (به شنیدن صدا بسنده نکرده، خواستار دیدن خدا شدند) آن لرزه شدید آنها را فرا گرفت (و همگی مردند، موسی) گفت: پروردگارا، اگر می خواستی آنها و مرا پیش از این هلاک می کردی آیا ما را به خاطر آنچه نابخردان ما انجام داده اند هلاک می کنی؟! این جز آزمایش تو نیست، هر کس را بخواهی بدان گمراه می کنی و هر کس را بخواهی هدایت می کنی تو یار و سرپرست مایی، ما را بیامرز و بر ما ترحم کن که تو بهترین آمرزندگانی

وَكَتُبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا
إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ
كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ
مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ
الْحَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ
عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ
الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۱۵۷

قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ
مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ
فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

۱۵۸
۱۴۱ ر

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ

۱۵۹

و در این دنیا برای ما نیکی (در زندگی و طاعت و عاقبت) مقرر دار و در آخرت نیز (نیکی در حساب و شفاعت و بهشت)، زیرا ما به سوی تو بازگشته ایم. فرمود: عذابم را به هر کس بخواهم (به اقتضا، حکمت در نظام اتم خلقت) می رسانم و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است پس به زودی آن را برای کسانی که تقوا می ورزند و زکات می دهند و کسانی که به آیات و نشانه های ما می گروند، مقرر می دارم

همان کسانی که از این فرستاده و پیامبر درس ناخوانده خط ننوشته، کسی که (نام و نشانه های نبوت) او را در نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند (پیامبری) که آنها را به هر کار پسندیده فرمان می دهد و از هر کار زشت باز می دارد و پاکیزه ها (ی مادی و معنوی) را بر آنها حلال می کند و ناپاک و پلیدها (ی مادی و معنوی) را بر آنها حرام می کند، و بار سنگین و زنجیرهایی را که بر گردنشان است (رسوم جاهلیت و احکام سخت شریع گذشته را) از دوش آنها برمی دارد. پس کسانی که به او ایمان آورند و تعظیمش نمایند و یاریش کنند و از نوری که با او فرو فرستاده شده (کتاب او) پیروی نمایند، آنها را رستگارد

بگو: ای مردم، به یقین من فرستاده خدا به سوی همه شما (از موجودین زمان خطاب تا انقراض نسل بشر)، خدایی که ملکیت حقیقی و حکومت آسمان ها و زمین از آن اوست، (زیرا خلق و حفظ و تدبیر و فانی کردن آنها در تحت اراده اوست)، جز او معبودی نیست، زنده می کند و می میراند (آنچه را که قابل زندگی و مرگ است او زنده می کند و می میراند) پس به خداوند و فرستاده اش این پیامبر اُمّی که به خدا و کلمات او (در قرآن و کتاب های آسمانی پیشین) ایمان دارد، بگروید و از او پیروی کنید، باشد که هدایت یابید

و از قوم موسی گروهی هستند که محقانه (و با گفتار و کردار حق مردم را) هدایت می کنند و محقانه (در گفتار و کردار خود) عدالت می ورزند

وَقَطَّعْنَهُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا ۚ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ
إِذِ اسْتَسْقَلَهُ قَوْمُهُ ۚ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ ۖ
فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ
مَّشْرَبَهُمْ ۖ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ ۖ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ
وَالسَّلْوَىٰ ۖ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ۚ وَمَا ظَلَمُونَا
وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ
وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرَ لَكُمْ
خَطِيئَتَكُمْ ۚ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ
فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ

وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ
فِي السَّبْتِ ۖ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا
يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

و آنها را به دوازده قبیله از نوادگان (یعقوب) که هر یک
امتی بود تقسیم کردیم، و به موسی هنگامی که قومش از
وی آب طلبیدند وحی کردیم که عصای خود را بر آن سنگ
(مکعبی که از کوه طور آورده ای) بزن. پس از آن دوازده
چشمه (از هر جانب چهارگانه اش سه چشمه) بجوشید، هر
امتی آبشخور خود را شناختند و ابر سفید و متراکم را بر
بالای سر آنها سایبان کردیم، و بر آنان ترنجبین و کبک فرو
فرستادیم (و گفتیم) از روزی پاکیزه ای که به شما داده ایم
بخورید. و آنها (با نافرمانی خود) به ما ستم نکردند و لکن به
خودشان ستم می کردند. (به آیه ۵۷ بقره رجوع شود.

پس کسانی از آنها که ستم کردند (آن سخن را) به گفتاری
غیر از آنچه به آنها گفته شده بود تبدیل نمودند (به جای
توبه گندم خواستند)، پس به کیفر آنکه ستم می کردند
عذابی از آسمان بر آنها فرستادیم. (به آیه ۵۹ بقره رجوع
شود.

و از آنان حال مجتمعی را که در ساحل دریا بودند (اهل
مدین یا ایله فلسطین کنار دریای طبریّه) پرس، آن گاه که
در روز شنبه (از حکم حرمت صید ماهی در آن روز) تجاوز
می کردند، هنگامی که ماهی های آنها در روز شنبه شان
آشکارا روی آب می آمدند و روزی که شنبه نداشتند (روز
غیر شنبه) نمی آمدند. این گونه ما آنها را در برابر نافرمانی
هابیشان آزمایش می کردیم

وَإِذْ قَالَتْ أُمُّهُ مِّنْهُمْ لِمَ تَعْظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ
مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْدِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ
يَتَّقُونَ

۱۶۵

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ ۚ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ
وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَّئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

۱۶۶

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ

۱۶۷

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَن
يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ
لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۶۸

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا مِّنْهُمْ الْأَصْلَحُونَ وَمِنْهُمْ دُونُ
ذَٰلِكَ ۖ وَبَلَّوْنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

۱۶۹

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ
عَرَضَ هَٰذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ
مِّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ ۚ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِّيثَاقُ الْكِتَابِ أَنَّ لَا
يَقُولُوا عَلَىٰ اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ ۚ وَالْدَّارُ الْآخِرَةُ
خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۱۷۰

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ
أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ

و آن گاه که گروهی از آنها (به گروه نهی کننده) گفتند: چرا
قومی را که مطمئناً خدا آنها را هلاک خواهد کرد و یا به
عذاب سختی عذاب خواهد نمود موعظه می کنید؟ گفتند: تا
عذری به درگاه پروردگارتان داشته باشیم و شاید آنها پروا
کنند. (پس قوم موسی سه دسته بودند مجرمان، ناهیان،
ساکتان)

پس چون آنچه را که به آنان تذکر داده شده بود فراموش
کردند، ما کسانی را که از کار بد نهی می کردند نجات
بخشیدیم و آنها را که ستم ورزیدند به سزای آنکه نافرمانی
می کردند به عذابی سخت گرفتار نمودیم

پس چون از آنچه نهی شدند سرکشی کردند به آنها گفتیم
که میمون ها و رانده شده ها شوید (اراده حتمی کردیم که
صورتشان در شکل میمون و روحشان خوار و دور از رحمت
شود و چنین شدند)

و (به یاد آر) آن گاه که پروردگار تو اعلام نمود که مسلماً تا
روز قیامت بر آنان (بر یهود) کسانی را خواهد انگیزت که
همواره بر آنها عذابی سخت روا دارند همانا پروردگار تو
زود کیفر و (در عین حال) بسیار آمرزنده و مهربان است

و آنها را در روی زمین به صورت گروه هایی پراکنده کردیم،
برخی از آنان نیکوکارند و برخی فروتر از آنها و آنها را با
خوشی ها و ناخوشی ها آزمودیم، باشد که (به سوی حق)
بازگردند

پس بعد از آنها جانشینانی (ناصالح) که کتاب (تورات) را به
ارث بردند جایگزین آنها شدند، آنها متاع این جهان پست را
(به رشوه یا تحریف کتاب) می گیرند و می گویند: به زودی
(توبه می کنیم و) بخشوده می شویم و اگر متاعی همانند آن
به آنها برسد باز هم می گیرند! آیا پیمان محکم کتاب بر
عهده آنها گرفته نشد که جز حق را به خدا نسبت ندهند در
حالی که آنچه را در آن کتاب است خوانده اند (و از احکام
آن با خبرند)؟! و (بدانید که) خانه آخرت برای کسانی که
تقوا می ورزند بهتر است، آیا نمی اندیشید

و کسانی که همواره به کتاب (آسمانی خود) تمسک می
جویند و نماز را برپا می دارند، بی تردید ما پاداش صالحان
و اصلاحگران را ضایع نخواهیم نمود

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي ءَادَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ ۖ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ ۖ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ

وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۚ فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِى ۖ وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

و (به یاد آر) هنگامی که ما کوه را (از جای برکنده و) به سان سایبانی بر بالای سر آنها نگه داشتیم و چنین پنداشتند که حتما بر سر آنها فرو خواهد افتاد (و گفتیم) آنچه به شما داده ایم (از کتاب و دین) به نیرو (ی روحی و جسمی) بگیرید و آنچه را که در آن است به یاد داشته باشید، باشد که تقوا ورزید. (به آیه ۶۳ بقره رجوع شود.

و آن گاه که پروردگار تو از بنی آدم، از صلبشان اولادشان را برگرفت (آنها را در دنیا از صلب یکدیگر به تدریج در طول تاریخ بیرون آورد) و آنها را (به وسیله درک عقولشان و ابلاغ پیامبران) بر خودشان گواه گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه آنها (جز محرومان از نعمت عقل و دعوت انبیا) گفتند: چرا، گواهی دادیم. (خدا چنین کرد) تا مبادا در روز قیامت بگویید: ما از این (از توحید و ربوبیت) غافل بودیم

یا بگویید: جز این نیست که پدران ما پیش از ما شرک ورزیدند و ما فرزندانی پس از آنها (و طبعاً پیرو آنها) بودیم، آیا ما را به آنچه باطل گرایان انجام داده اند هلاک می کنی؟

و این گونه ما نشانه ها (ی توحید و دین خود) را تفصیل می دهیم (تا در آن بیندیشند) و تا شاید بازگردند

و بر آنها بخوان سرگذشت کسی را (بلعم باعورا عالم زمان موسی را) که آیات خود را (معارف کتاب آسمانی یا مقام استجابت دعا را) به او دادیم، اما او (به واسطه کفر در اعتقاد و کفران در عمل) از آنها تهی گشت، پس شیطان او را دنبال کرد و او عاقبت از گمراهان گردید

و اگر می خواستیم حتما (مقام) او را به وسیله آن آیات (به اجبار) بالا می بردیم، و لکن او (را طبق سنت اختیار بشر در انتخاب راه، آزاد گذاشتیم و او) به پستی گرایید و دل بر زمین بست و از هوای خود پیروی نمود، پس داستان او داستان سگ تشنه یا خسته است که اگر بر او حمله بری زبان درآورد و اگر رهایش کنی باز هم زبان درآورد (این شخص را تهدید کنی یا نصیحت یکسان است). این داستان گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان را بازگو کن، باشد که بیندیشند

چه داستان زشتی است (داستان) گروهی که آیات ما را تکذیب نمودند و به خودشان ستم می کردند

هر که را خدا هدایت نماید او هدایت شده واقعی است و کسانی را که خدا در گمراهی خودشان واگذارد آنها هستند که واقعا زیانکارند

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ ءَآذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَآلَٰلْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

وَلِلّٰهِ الْأَسْمَآءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا ۖ وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِيٓ أَسْمَآئِهِۦٓ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِۦ يَعْدِلُونَ

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

وَأْمُرِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِم مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ ۖ فَبِآيٍ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يَوْمِنُونَ

مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ ۚ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي ۖ لَآ يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ۚ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ لَآ تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَعْثَةً ۖ يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِئٌ عَنْهَا ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

و حَقّا که ما بسیاری از جن و انس را (گویی) برای دوزخ آفریده ایم، زیرا که دل ها دارند ولی (حقایق را) بدان نمی فهمند، و چشم ها دارند ولی بدان (به عبرت) نمی نگرند و گوش ها دارند ولی بدان (معارف حقّه را) نمی شنوند آنها مانند چهارپایانند بلکه گمراه ترند (زیرا با داشتن استعداد رشد و تکامل، به راه باطل می روند) و آنها همان غافلانند

و برای خداست بهترین نام ها (به جهت حسن معانی و علوّ مفاهیم آنها) پس او را بدان نام ها بخوانید و کسانی را که در نام های او به انحراف می روند (آنها را بر بت ها می نهند یا به گونه ای که سزاوار خدا نیست تفسیر می کنند) رها کنید، آنها به زودی آنچه را که انجام می داده اند جزا داده شوند (تجسم عینی گفتار و کردار آنها کیفرشان خواهد بود)

و از میان کسانی که آفریده ایم گروهی هستند که به (گفتار و کردار) حق (مردم را) هدایت می کنند و به حق داوری می کنند و عدالت می ورزند. (به آیه ۱۵۹ رجوع شود)

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به زودی آنها را اندک اندک از جایی که نفهمند (به هلاک دنیا و عذاب آخرت) غافلگیر می کنیم

و آنان را مهلت می دهم که حقا کید و نقشه من استوار است

و آیا فکر نکردند (تا ببینند) که هیچ جنونی در یار و همدیارشان (محمد صلی الله علیه وآله) نیست؟ او جز بیم دهنده ای آشکار نیست

آیا در ملک بزرگ آسمان ها و زمین (قاهریت و مالکیت خدا و مقهوریت و مملوکیت آنها) و در آنچه خداوند از اشیا آفریده ننگریسته اند و در اینکه شاید پایان عمرشان نزدیک شده باشد؟! (و اگر به دعوت این کتاب نگروند) پس به کدام سخن بعد از این (قرآن) ایمان می آورند؟

هر که را خداوند (به سابقه طغیانش) در گمراهی خود واگذارد دیگر او را هدایت کننده ای نباشد و آنها را رها می کند در طغیان خود سرگردان باشند

از تو درباره قیامت می پرسند که وقت وقوعش کی است؟ بگو: جز این نیست که علم آن نزد پروردگار من است آن را به موقع خود (احدی) جز او ظاهر نخواهد ساخت (این حادثه) در آسمان ها و زمین (برای ساکنان آنها) سنگین است، جز به ناگهانی بر شما نخواهد آمد. چنان از تو می پرسند که گویی تو کاملا از آن آگاهی! بگو جز این نیست که دانش آن نزد خداوند است، و لکن بیشتر مردم نمی دانند

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ
كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ
السُّوءُ إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا
لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ
بِهِ ۖ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَّعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ ءَاتَيْتَنَا صَالِحًا
لَّنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

فَلَمَّا ءَاتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا ءَاتَاهُمَا ۚ
فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ
أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَالِمُونَ

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ
فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا ۚ أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبِطْشُونَ بِهَا ۚ أَمْ لَهُمْ
أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا ۚ أَمْ لَهُمْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۚ قُلِ ادْعُوا
شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَآ تُنْظَرُونَ

بگو: من برای خودم مالک هیچ سود و زبانی نیستم جز آنچه
را که خدا بخواهد (و علم به غیب نیز ندارم) و اگر غیب می
دانستم حتما از هر مال و خیری فراوان برای خود فراهم می
کردم و هیچ زیان و آسیبی به من نمی رسید، من نیستم جز
یک بیم دهنده و مژده آور برای گروهی که ایمان می آورند

اوست آن که هر یک از شما را از یک نفس (پدرتان) آفرید
و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنارش آرام
یابد، پس چون با همسرش آمیزش کرد وی باری سبک
برگرفت و چندی با آن بار گذراند (اوایل مدت حمل) و چون
سنگین بار گردید هر دو، خداوند، پروردگار خود را خواندند
که اگر ما را فرزندی شایسته (سالم و قادر بر ادامه زندگی)
عطا کنی مسلما از سپاسگزاران خواهیم بود

پس چون آن دو را فرزندی (سالم و) شایسته عطا نمود،
برای او درباره آنچه به آنها داده شریک قرار دادند (به
شرک جلی اگر بت ها را دخیل دیدند، و به شرک خفی اگر
اعتماد به اسباب کرده مسبب را از یاد بردند، و این دو آیه
شرح حال اکثریت جامعه است که خالی از شرک جلی یا خفی
نیستند) و خداوند برتر است از آنچه شریک او سازند

آیا موجوداتی را شریک (خدا) قرار می دهند که هیچ چیزی
را نمی آفرینند (توان ایجاد شیء از عدم و نفخ روح در
موجود را ندارند) و خودشان آفریده می شوند؟! (این آیه و
آیات زیر درباره توبیخ شدید بت پرستان و بیان عجز کامل
بتان است)

و نه می توانند آنها را یاری کنند و نه خویشتن را یاری
رسانند

و اگر آنها را به سوی راه راست فرا خوانید از شما پیروی
نمی کنند بر شما یکسان است که آنها را فرا خوانید یا
خاموش بمانید (زیرا نتیجه ای از آنها نمی گیرید)

مسلما کسانی که به جای خدا می خوانید (مانند بت ها و
ستارگان و فرشتگان) بندگانی مانند شما هستند پس اگر
راستگویید آنها را بخوانید تا شما را اجابت کنند

آیا آنها پاهایی دارند که بدان راه روند، یا دست هایی دارند
که با آن بگیرند، یا چشم هایی دارند که با آن ببینند یا
گوش هایی دارند که با آن بشنوند؟! بگو: شریکانی را که
برای خدا قرار داده اید بخوانید سپس بر ضد من هر نقشه
و نیرنگ که دارید به کار برید و مهلتم مدهید

إِنَّ وَلِيََّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ ۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ

۱۹۷

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَظِيلُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

۱۹۸

وَأِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا ۚ وَتَرْهَقُهُمْ ظِلْمُونَ
إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

۱۹۹

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

۲۰۰

وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۚ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۲۰۱

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ

۲۰۲

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ

۲۰۳

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَأْيَةٌ قَالُوا لَوْلَا أُجْتَبِيتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي ۚ هَذَا بَصَائِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

۲۰۴

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْءَانُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

۲۰۵

وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ

۲۰۶

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ ۖ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿١﴾

به یقین سرپرست و یاور من خدایی است که این کتاب را فرو فرستاده و هموست که شایستگان را سرپرستی و یاری می کند

و کسانی که به جای خدا می خوانید نه می توانند شما را یاری دهند و نه خودشان را (به جلب سودی یا دفع زبانی) یاری رسانند

و اگر آنها را به سوی هدایت فرا خوانید نمی شنوند، و (ای پیامبر) آنها را (مشرکان را) می بینی که به سوی تو می نگرند ولی (در حقیقت) نمی بینند

عفو و گذشت پیشه کن و به کار پسندیده فرمان ده و از نادان ها روی برتاب (تا دستور جهاد نیاید به ستیزه برمخیز)

و اگر از سوی شیطان وسوسه تحریک آمیزی تو را تحریک کرد، به خدا پناه جوی زیرا او شنوا و داناست

بی تردید کسانی که تقوا ورزند، هر گاه وسوسه ای از شیطان به آنان رسد یا شیطانی دورزننده (بر دل ها) به فکرشان آسیب رساند (بی درنگ) متذکر شوند و در آن گاه بینا باشند

و (اماّ مشرکان) برادرانشان (شیاطین) همواره آنان را به گمراهی می کشند، سپس (در اغوای آنها) کوتاهی نمی کنند

و چون (مدتی وحی به تأخیر افتد و) آیه و نشانه ای بر آنها نیاوری گویند: چرا آیه و نشانه ای (از پیش خود) فراهم کرده نیاوری؟! بگو: جز این نیست که من آنچه را که از پروردگارم به من وحی می شود پیروی می کنم این (قرآن) مایه های بینشی است از جانب پروردگارتان و سراپا هدایت و رحمت است برای گروهی که ایمان می آورند

و چون قرآن خوانده شود بدان گوش فرا دهید و خاموش باشید، باشد که مشمول رحمت شوید

و پروردگارت را در دل خویش به حال زاری و ترس و به گفتاری آرام نه بلند، در صبحگاهان و شامگاهان یاد کن و از غافلان مباش

به یقین کسانی که در نزد پروردگار تو هستند (در قرب معنوی اویند چون فرشتگان و اولیاء الله) از عبادت او تکبر و سرکشی نمی ورزند و او ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَاذِبُونَ

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ

لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ

از تو درباره انفال می پرسند (اموال عمومی بسیاری تحت عناوین خاصی که غنائم جنگی مورد نزول آیه یکی از آنهاست) بگو: انفال از آن خدا و فرستاده اوست (ملکیت حقیقی از آن خدا و ملکیت اعتباری طولی از آن رسول او به عنوان ولایت وی است) پس، از خدا پروا کنید و روابط ما بین خودتان را اصلاح نمایید (و بر سر انفال نزاع نکنید) و از خدا و فرستاده اش اطاعت نمایید اگر مؤمنید

مؤمنان تنها کسانی هستند که چون یاد خدا به میان آید دل هایشان می ترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان می افزاید، و همواره بر پروردگارشان توکل می کنند

همانها که نماز را برپا می دارند و از آنچه به آنها روزی داده ایم (از مادی و معنوی) انفاق می کنند

آنانند که حقیقتا مؤمنند، برای آنها در نزد پروردگارشان (در دنیا و آخرت) درجاتی (از قرب الهی و کرامت های معنوی) و آمرزش و روزی نیکو و پسندیده ای است

(پاره ای از آنها به جهت محرومیت از غنائم بدر ناخشنودند) همانگونه که پروردگارت تو را از خانه ات به حق و درستی (به سوی بدر) بیرون آورد در حالی که پاره ای از مؤمنان کراهت داشتند

با تو درباره آن کار حق (اقدام به جنگ بدر) گفتگو و مجادله می کردند (که این جهاد جنگ نابرابر است) پس از آنکه (مصلحت آن و نصرت خدا در آن) روشن شده بود (و طوری وحشت زده بودند که) گویی به سوی مرگ رانده می شوند در حالی که خود می نگرند

و (به یاد آرید) هنگامی که خداوند یکی از آن دو گروه را به شما وعده می داد که نصیب شما خواهد شد (کاروان تجار مکه حامل اموال تجارتی از شام به سوی مکه، و گروه مسلح از مکه به سوی آن قافله برای حراست آنها)، و شما دوست می داشتید که آن گروه غیر مسلح از آن شما باشد، و خداوند می خواست که با کلمات خود (با وعده هایی که از ازل در لوح محفوظ نگاشته) حق را ثابت و استوار سازد و ریشه و دنباله کافران را قطع نماید (از این رو شما را با گروه مسلح درگیر کرد)

تا حق را پابرجا کند و باطل را نابود سازد هر چند گنهکاران کراهت داشته باشند

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ
بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا
النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

إِذْ يُغَشِّيكُمُ اللَّعَاسُ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ
السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ
وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ
ءَامَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا
فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا
تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ

وَمَنْ يُؤْلِهِم يَوْمَئِذٍ دُبُرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى
فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ
الْمَصِيرُ

آن گاه که از پروردگارتان (در میدان بدر) یاری می
خواستید، پس درخواست شما را اجابت نمود که من حتما
یاری دهنده شمایم با هزار نفر از فرشتگان که هزارها را
در پی آورند (و مجموعا سه هزار نفر شدند و تا پنج هزار
پیش بینی شده بود- آیه ۱۲۴ و ۱۲۵ آل عمران)

و خداوند آن (امداد) را قرار نداد جز بشارتی (برای شما) و
برای آنکه دل هایتان آرامش یابد (و گر نه آنها سیاهی لشکر
بودند نه مباشر قتل)، و یاری جز از جانب خدا نیست، که
خداوند مقتدر شکست ناپذیر و حکیم است

آن هنگام که (خداوند) به خاطر ایمنی از جانب خود خواب
سبکی را بر شما می پوشانید و آبی از آسمان بر شما فرو می
فرستاد تا شما را بدان پاک کند و پلیدی شیطان را (وسوسه
شیطان یا حالت جنابت را) از شما بزداید و دل هایتان را
استحکام بخشد و گام های شما را بدان استوار سازد

هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی می کرد که من با
شما هستم، پس کسانی را که ایمان آورده اند ثابت قدم
دارید، به زودی در دل های آنان که کفر ورزیده اند ترس
می افکنم، پس ضربه ها را بر فراز گردن ها بزنید (بر فرق
آنها) و همه سر انگشتانشان را قلم کنید

این (کیفر) به خاطر آن است که آنها با خدا و رسول او
ستیزه و دشمنی نمودند، و هر کس با خدا و رسولش ستیزه
و دشمنی کند پس (بداند که) همانا خداوند سخت کیفر
است

(ای کافران) این است (عذاب دنیا) پس بپشید آن را و
البته کافران را (در آخرت) عذاب آتش است

ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که با کافران رو به
رو شدید در حالی که انبوه لشکرشان به سوی شما پیش می
آیند (یا شما به سوی آنها پیش می روید) پشت به آنها
نکنید (و پا به فرار نگذارید)

و هر که در آن روز به آنها پشت کند- مگر آنکه در
جستجوی طرفی دیگر برای ادامه نبرد (عقب نشینی تاکتیکی
برای حمله) یا انتخاب محلی برای پیوستن به گروهی
(همرزم) باشد- حتما خشم خدا را همراه خود ساخته و
پناهگاه او جهنم است و آن بد جای بازگشتی است

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِئَلَّيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدِ الْكَافِرِينَ

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمُ فِتْنَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ^ط وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ^ط وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ^ه وَأَنَّهُ^و إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً^ط وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

پس (بدانید که) شما آنها را نکشتید و لکن خدا آنان را کشت، و آن گاه که تو (به سوی آنها تیر و سنگریزه) افکندی تو نیفکندی و لکن خدا افکند (تا دشمن را مغلوب نماید) و برای آنکه مؤمنان را نیک آرمایش نماید (یا نعمت نیکوی پیروزی دهد) که همانا خدا شنونده و داناست

(آری سرنوشت کفر و ایمان) همین است، و نیز این که خداوند همواره سست کننده نیرنگ کافران است

(ای مشرکان که قبل از جنگ بدر گفتید: خدا هر یک از دو طرف را که حق است پیروز نماید) اگر شما پیروزی را (برای طرفی که حق است) می خواهید، پیروزی طبق خواسته شما آمد (پس تسلیم شوید)، و اگر (از دشمنی و ستیزه) باز ایستید آن برای شما بهتر است، و اگر (به جنگ) برگردید ما هم (به یاری مؤمنان و سرکوب شما) برمی گردیم و هرگز جمعیتتان هر چند بسیار باشد چیزی (از عذاب خدا) را از شما دفع نخواهد کرد و (بدانید که) همواره خدا با مؤمنان است

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا و فرستاده او (در فرامین ولایی او) اطاعت کنید، و از وی روی برمتابید در حالی که (دعوت منطقی او را) می شنوید

و همانند کسانی (از کفار و منافقین) نباشید که (به زبان) گفتند: شنیدیم، در حالی که (حقیقتا) نمی شنوند

حقا که بدترین جنبندگان در نزد خدا مردم کر و لالی (از شنیدن و گفتن حق) هستند که نمی اندیشند

و اگر خداوند خیری در آنها می دانست (اگر باطن خوش حق پذیر داشتند) حتما به آنها می شنواید (هر چند به تکرار ابلاغ باشد) و اگر (در حال فعلی) به آنها بشنواند حتما روی بر می تابند در حالی که (قلبا نیز) اعراض کننده اند

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و فرستاده او را اجابت نمایند هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که به شما زندگی می بخشد، و بدانید که خدا (طبق قدرت بالغه اش به گرفتن آثار از هر مؤثر) میان مرد و قلب او (میان نفس و صفاتش از حبّ و بغض و ایمان و کفر) حایل می شود (جدایی می افکند) و همه شما (در آخرت) به سوی او گردآوری می شوید

و بپرهیزید از فتنه ای (آثار فساد و گناهای) که تنها به کسانی از شما که ستم کرده اند نمی رسد (بلکه دامنگیر همه می شود مانند اختلاف و ترک امر به معروف و نهی از منکر و تصدی ناهلان به مناصب عمده) و بدانید که خداوند سخت کیفر است

وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ
وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا
أَمْنَتَكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ
أَجْرٌ عَظِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا
وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو
الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ
يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا
مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ
عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ارْسِلْ عَلَيْنَا بَرْدًا مِنْ ثُبُورِ الْجِبَالِ كَمَا جَاءَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ
وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

و (به یاد آرید) هنگامی که شما اندک و مستضعف در روی زمین بودید، همواره می ترسیدید که مردم (قریش و کفار دیگر) شما را (از این سرزمین) برابند پس خداوند شما را جای داد و با یاری خود تقویتتان نمود و از پاکیزه ها (ی نعمت های دنیا) روزی شما کرد، باشد که سپاس گزاریید

ای کسانی که ایمان آورده اید، (با مخالفت احکام دین) به خدا و فرستاده او خیانت نورزید و در امانت های خود (امانت های خلقی و خالقی) خیانت نکنید در حالی که می دانید (که خیانت در نزد شرع و وجدان قبیح است)

و بدانید که اموال و فرزندان و وسیله آزمایش اند، و خداست که پاداشی بزرگ در نزد اوست

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از خدا پروا کنید برای شما نیرویی جدا کننده (تشخیص دهنده حق از باطل) قرار می دهد و گناهان (صغیره) شما را می زداید و (گناهان کبیره) شما را می آمرزد و خدا دارای فضل و احسان بزرگ است

و (به یاد آر) زمانی که کافران درباره تو مکر و نیرنگ می کردند تا تو را بازداشت کنند یا بکشند و یا (از شهر) بیرون کنند، و آنها همواره نیرنگ می کردند و خدا هم با نیرنگشان مقابله می نمود و خدا بهترین مقابله کنندگان با نیرنگ است

و چون آیات کتاب ما بر آنها خوانده شود (از فرط عناد و خود بزرگ بینی) گویند: البته شنیدیم، و اگر خواهیم ما نیز همانند این را می گوییم این نیست جز افسانه های پیشینیان

و (یاد کن) هنگامی که (مشرکان منکر قرآن) گفتند: خداوند، اگر این همان (موعود) حق از جانب توست پس بر ما از آسمان سنگی ببار یا بر ما عذاب دردناک دیگری ببار

و اما خدا بر آن نیست که آنها را عذاب کند تا تو در میان آنها هستی، و خداوند عذاب کننده آنها نیست تا آنها استغفار می نمایند. (این آیه در میان آیات مشرکین، به قرینه استغفار مربوط به اهل کتاب است.

وَمَا لَهُمْ إِلَّا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُۥٓ إِنَّ أَوْلِيَاءَهُۥٓ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا
الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ
كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ
عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ
الْخَاسِرُونَ

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ
يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ

وَقَتِّلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ
فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعَمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعَمَ
النَّصِيرِ

و آنها را چیست که خداوند عذابشان نکند در حالی که
(مردم را) از مسجد الحرام بازمی دارند با آنکه آنها
سرپرست آن نیستند، سرپرست آن کسی جز پرهیزکاران
نیست، و لکن بیشترشان نمی دانند

و نماز و دعای آنها در نزد خانه کعبه جز سوت کشیدن و کف
زدن نبود، پس بچشید عذاب (دنیا و آخرت) را به کیفر آنکه
کفر می ورزیدید

بی تردید کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را هزینه می
کنند تا (مردم را) از راه خدا بازدارند (مانند هزینه کردن
در جنگ بدر و احد و غیره)، به زودی همه را هزینه می کنند
آن گاه برای آنها مایه حسرت می گردد و سپس مغلوب می
شوند، و کسانی که کفر ورزیدند (در روز قیامت از
قبورشان) به سوی جهنم گردآوری می شوند

(کفر و هزینه های آنها سبب شده) تا خداوند، پلید را از
پاک جدا سازد (در دنیا کافر را از مؤمن و حرام را از حلال)
و (در آخرت) پلیدها را روی یکدیگر نهد پس همه را
متراکم و انباشته سازد آن گاه در جهنم قرار دهد. (آری)
آنها همان زیانکارانند

به کسانی که کفر ورزیده اند بگو: اگر (از کفر) بازایستند (و
اسلام را بپذیرند) آنچه گذشته است بر آنها بخشوده می
گردد (مانند حدود و تعزیرات گناهان، قضای اعمال، کفارات،
بدهی های خالقی و عقوبت های اخروی) و اگر (به کفر و
ستیزه) بازگردند به یقین طریقه (ما که اهلاك و نابود
ساختن طاغیان است با) پیشینیان گذشته است (و با اینان
نیز پیش می گیریم)

و با آنها (مشرکان) بجنگید تا هیچ نوع کفر و فساد و ناامنی
باقی نماند و دین (رسمی فراگیر) یکسره از آن خدا باشد.
پس اگر بازایستند البته خداوند به آنچه می کنند بیناست

و اگر روی برتافتند، بدانید که خداوند سرپرست و دوست
شماست او خوب سرپرست و دوست و خوب یآوری است

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُۥ وَلِلرَّسُولِ
وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ
ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ
الْجَمْعَانِ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ
أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَأَخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَدِ وَلَكِنَّ
لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِّيَهْلِكَ مَن هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ
وَيَحْيَىٰ مَن حَيَّ عَن بَيِّنَةٍ ۖ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ

إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا ۖ وَلَوْ أَرْنَاكَهُمْ كَثِيرًا
لَّفَسَلْتُمْ وَلَتَنْزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُۥ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِيَ أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا
وَيُقَلِّلُكُمْ فِيَ أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۖ وَإِلَىٰ
اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ
كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

و بدانید آنچه از اشیا و اموال (به وسیله جنگ با کفار یا هر
اكتساب و استفاده دیگر) به غنیمت بردید پس مسلم است
که یک پنجم آن از آن خدا و از آن فرستاده او و از آن
خویشاوند رسول و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان
است (راه هر هدف دینی و دنیوی لازم برای اسلام و
مسلمین که راهیانش نیاز به آن دارند) (خدا مالک حقیقی
آن، و رسول و خویشاوند به عنوان امام امت مالک اعتباری
طولی آن، و گروه های سه گانه از خاندان رسول مستحقین
انفاق از آنند) اگر به خدا و به آنچه بر بنده خود در روز
جدایی (حق از باطل) روزی که آن دو گروه (مسلمین و
مشرکین در بدر) درگیر شدند نازل کردیم، ایمان آورده
اید، و خداوند بر همه چیز تواناست. (در آیه اول این سوره
همه غنائم جنگی از آن خدا و پیامبر دانسته شد و در آیه
۶۹ همه آن برای مؤمنین مباح گردیده، و پس از ایمان
اجمالی به آن دو، این آیه رفع ابهام می کند که خمس آن از
آن خدا و پیامبر و گروه هایی است که نام برده شده و بقیه
از آن رزمندگان است)

(روز فرقان) هنگامی (بود) که شما در حاشیه نزدیکتر وادی
(به مدینه در موقعیتی نامناسب) بودید و آنها در حاشیه
دورتر (از مدینه و نزدیکتر به مکه و جای مناسب) و کاروان
(تجاری قریش) در قسمت پایین تر از شما بودند که
(نوانستند بگریزند)، و اگر با هم قرار می گذاشتید حتما در
آن قرار اختلاف نظر یا تخلف از حضور پیدا می کردید، و لکن
(چنین شد و این برخورد قهری و پیروزی غیر عادی پیش
آمد) تا خداوند کاری را که انجام شدنی بود تحقق بخشد، تا
هر که هلاک می شود از روی حجت و برهان هلاک گردد و
هر که زندگی (معنوی) می یابد از روی حجت و برهان زندگی
یابد، و حقا که خدا شنوا و داناست

(یاد کن) زمانی که خدا آنها را در خوابت به تو اندک نشان
می داد (تا به قومت چنین خبر دهی)، و اگر آنها را به تو
بسیار نشان می داد حتما سست و بیمناک می شدید و در
کار جنگ، اختلاف و کشمکش می کردید، و لکن خدا (شما را
از اختلاف) سالم نگه داشت همانا او به آنچه در سینه
هاست (به نیت های شما) داناست

و (یاد کن) هنگامی که با آنها برخورد کردید (در ابتدا) آنها
را در دیدگانتان اندک نشان می داد و شما را (نیز بدوا) در
دیدگانشان اندک می نمود (هر چند در اثنای نبرد کار بر
عکس شد- رجوع شود به آیه ۱۲ آل عمران) تا خداوند
امری را که (طبق علم ازلی و اراده حتمیش) انجام شدنی
بود محقق سازد و همه کارها (و حوادث عالم وجود طبق
قانون رجوع معلولات به عله العلل) به خدا برمی گردد

ای کسانی که ایمان آورده اید، چون با گروهی (از سپاه
دشمن) رو به رو شدید ثابت قدم باشید و خدا را (بر زبان
و دل) بسیار یاد کنید، باشد که رستگار گردید

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

وَإِذْ زَيْنَ لَهْمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ

كَذَّابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

و از خدا و فرستاده او (در فرامین مولوی آنها) فرمان برید و با هم نزاع و ستیزه مکنید که سست و بیمناک می گردید و تسلط و حکومتتان از میان می رود، و نسیم پیروزی بر شما نمی وزد. و شکیبایی کنید، که همانا خدا با شکیبایان است

و چون کسانی نباشید که از خانه های خود سرمست از نعمت و برای خودنمایی به مردم بیرون شدند و (مردم را) از راه خدا باز می داشتند (مانند سپاه ابو جهل به سوی بدر) و خداوند به آنچه می کنند (از نظر توان و علم) احاطه دارد

و (یاد کن) هنگامی که شیطان عمل های (باطل) آنان را در نظرشان بیاراست و گفت: امروز از میان مردم چیره شونده ای بر شما نیست و من پناه دهنده شمایم پس چون دو گروه یکدیگر را دیدند بر پاشنه های خود به عقب گشت و گفت: من از شما بیزارم، من چیزی را می بینم که شما نمی بینید (نزول و یاری فرشتگان را)، همانا من از خدا می ترسم، و خدا سخت کیفر است

آن گاه که منافقان و کسانی که در دل هایشان بیماری (کفر و شک) بود می گفتند: اینان را (سپاه اسلام عازم بدر را) دینشان فریفته است! حال آنکه هر که بر خدا توکل کند به یقین (پیروز است، زیرا) خداوند غالب مقتدر و صاحب حکمت است

و اگر ببینی زمانی را که فرشتگان کافران را قبض روح می کنند در حالی که به صورت و پشتشان (تازیانه آتشین) می زنند و (به آنها گویند) بچشید عذاب سوزان را

این (عذاب ها) به کیفر آن چیزهایی است که خود پیش فرستاده اید و آلا خداوند هرگز ستم کننده به بندگان نیست

(رفتار این مشرکان) مانند رفتار خاندان فرعون و پیشینیان آنها (است) که به آیات و نشانه های خدا کفر ورزیدند، خدا هم آنها را به گناهانشان مؤاخذه نمود، حقا که خداوند نیرومند و سخت کیفر است

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعَمَهُ أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

كَذَّابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَآهَلَكْنَا لَهُم بِذُنُوبِهِمْ وَٱغْرَقْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَاۡنُۢوًا ظَٰلِمِينَ

إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ٱلَّذِينَ عَاهَدَتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ

فَإِمَّا تَثَقَفَتْهُمُ فِي ٱلْحَرْبِ فَشَرِدَ بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

وَإِمَّا يَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَٱنْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَآءٍ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْخَآيِنِينَ

وَلَا يَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَبَقُواْ إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ

وَأَعِدُّواْ لَهُمْ مَّا أَسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِنْ رِّبَاطِ ٱلْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ ۚ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِّن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُواْ مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

وَإِن جَنَحُواْ لِلسَّلْمِ فَٱجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ إِنَّهُ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ

این (عذاب ها برای مشرکان) از آن روست که خداوند (طبق سنت جاریه خود) بر آن نیست که نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر دهد (از آنان سلب کند) تا آنکه آنها آنچه در خود دارند (از حالات صالحه) تغییر دهند، (رفاه حال اهل مکه پس از اسلام به ضیق و سوء حال تبدیل شد، چون حال عادی خود را به مبارزه و عناد با پیامبر تغییر دادند) و مسلماً خداوند شنوا و داناست

(رفتار اینان) مانند رفتار خاندان فرعون و پیشینیان آنها (است) که آیات پروردگارشان را تکذیب نمودند، ما هم آنها را به کیفر گناهانشان هلاک کردیم و خاندان فرعون را غرق کردیم، و همه آنها ستمکار بودند

بی تردید بدترین جنبندگان در نزد خداوند (در علم ازلی و لوح محفوظ او) کسانی هستند که کفر ورزیدند، پس دیگر ایمان نمی آورند

همان کسانی که با برخی از آنها پیمان بستى، سپس پیمانشان را در هر بار مى شکنند و پرهیز و پروا (از خدا و نقض پیمان) ندارند

پس اگر در جنگ بر آنها دست یافتی با (سختگیری در کیفر) آنان کسانی را که به دنبال آنها هستند سخت پراکنده گردان، باشد که متذکر شوند (و در فکر جنگ نیفتند)

و اگر از خیانت و پیمان شکنی گروهی (از آنان که با هم معاهده دارید) بیم داری پس تو نیز (نقض پیمان خود را) بر مبنای تساوی و عدالت به سوی آنها بیفکن (و بدون اعلام، پیمان خود مشکن) که همانا خداوند خائنین را دوست ندارد

و آنها که کفر ورزیده اند هرگز گمان نبرند که پیشی گرفته اند (از تحت سلطه ما بیرون رفته اند)، بی تردید آنها نمی توانند ما را عاجز کنند (از عذاب ما بگریزند)

و در برابر آنها آنچه توانستید از نیرو (ی انسانی، سلاح های روز و هزینه نبرد) و اسبان بسته و آماده شده (وسایط نقلیه مناسب) آماده سازید که بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خود و دشمنان دیگری را غیر آنها که شما آنها را نمی شناسید، خداوند آنها را می شناسد، بترسانید. و هر چیزی که در راه خدا انفاق کنید (در روز جزا) به طور کامل به شما داده خواهد شد و بر شما هرگز ستم نمی رود (از حقتان کاسته نمی شود)

و اگر به صلح و آشتی گرایند، تو نیز بدان بگرای و بر خدا توکل کن که مسلماً اوست شنوا و دانا

وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ
بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ

وَأَلَفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا
أَلَفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ
مِّنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ
مِّنْكُمْ مِّائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا
يَفْقَهُونَ

أَلَنْ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ
يَكُنْ مِّنْكُمْ مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ
مِّنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ
تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ

لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ
عَظِيمٌ

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ

و اگر بخواهند تو را (در صلح و آشتی یا غیر آن) فریب
دهند، به یقین خداوند تو را بس است اوست کسی که تو
را به نصرت (غیبی) خود و به وسیله مؤمنان تقویت نمود

و میان دل های آنها الفت افکند، که اگر همه آنچه را در
روی زمین است خرج می کردی نمی توانستی میان دل
هایشان الفت افکنی و لکن خداوند میانشان الفت افکند،
که همانا او مقتدر غالب و دارای حکمت است

ای پیامبر، خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی کرده اند برای
تو (در تحقق اهداف رسالت) کافی است (امداد غیبی از او
و مقدمات ظاهری از اینان)

ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد ترغیب کن، که اگر از شما
بیست نفر شکیا باشند بر دویست نفر غلبه می کنند، و اگر
از شما یک صد تن باشند بر هزار تن از کسانی که کفر
ورزیده اند پیروز می گردند، زیرا آنها گروهی هستند که
نمی فهمند (فهم عمیقی از توحید که سبب تقویت صفات
روحی چون شجاعت و غیره باشد ندارند)

اکنون خداوند بر شما (از ایجاب مقابله یک با ده و تحریم
فرار یک از ده) تخفیف داد و دانست (علم ازلیش تحقق
خارجی یافت) که در شما ناتوانی (روحی و عددی) است،
پس اگر از شما صد نفر شکیا باشند بر دویست نفر غلبه
می کنند، و اگر از شما هزار نفر باشند بر دو هزار نفر به
اذن (و توفیق) خدا پیروز می شوند، و خدا با شکیبایان
است

(از نظر تأسیس و دوام حکومت الهی) هیچ پیامبری را نسزد
و نرسد که او را اسیران (جنگی) باشد تا آن گاه که
حکومتش را در روی زمین قوام و استحکام بخشد (بلکه
باید دشمن در حال جنگ کشته شود)، شما متاع دنیا را می
خواهید (که اسیران را بفروشید یا با فدیة آزاد کنید) و
خدا آخرت را می خواهد، و خدا مقتدر شکست ناپذیر و
صاحب حکمت است

اگر حکم مقررى که از جانب خدا گذشته است نبود (که قبل
از اتمام حجت عذاب نکند) حتما شما را درباره آنچه گرفتید
(اسیرانى که بدون دستور پیامبر به خاطر فدیة گرفتید)
عذابى بزرگ مى رسيد

پس، از آنچه به غنیمت برده اید (از غنایم جنگ بدر و فدیة
اسیران) حلال و پاکیزه بخورید. (این نخستین ترخیص
غنایم و فدیة های جنگی است در شرایع آسمانی و تعارض
این ترخیص را با تملیک آن به عنوان انفال به رسول در آیه
اول سوره، تقسیم آیه ۴۱ همین سوره رفع می کند.) و از
خدا پروا کنید، که البته خداوند بسیار آمرزنده و مهربان
است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ
اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ
وَيَغْفِرَ لَكُمْ ۖ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَأَن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ
مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ
بَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَٰئِهِم
مِّنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا ۚ وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ
فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ ۖ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ ۗ وَاللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ
فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ
ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ۚ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ
وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِن بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ
فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي
كِتَابِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

ای پیامبر، به کسانی از اسیران (بدر) که در اختیار شما
هستند بگو: اگر خدا خیری در دل های شما بداند (پذیرش
اسلام را) به شما بهتر از آنچه از شما گرفته شده می دهد و
شما را می آمرزد و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

و اگر (این اسیران) بخواهند به تو خیانت کنند (با فدیة
آزاد شوند و جنگ دیگری برپا نمایند، نخستین بار نیست)
به خدا نیز پیش از این خیانت کردند (خیانت کفر و جنگ)
پس او (تو را) بر آنها مسلط کرد و خداوند دانا و با حکمت
است

همانا کسانی که ایمان آوردند و (به مدینه) هجرت نمودند و
در راه خدا با اموال و جان های خود جهاد کردند، و کسانی
(از اهل مدینه) که (مهاجران را) جا و پناه دادند و یاری
نمودند، آنها هستند که اولیاء یکدیگرند (پیوند دوستی،
یاری و ارثی دارند) و کسانی که ایمان آوردند و هجرت
نکردند شما هیچ گونه پیوندی با آنان ندارید تا مهاجرت
نمایند، و اگر درباره امور دینی از شما یاری طلبند بر شما
است که یاری نمایید مگر آنکه به ضرر گروهی باشد که
میان شما و آنان پیمان (ترک محاصره) برقرار است، و
خداوند به آنچه می کنید بیناست

و کسانی که کفر ورزیدند نیز هم پیوند و یاران یکدیگرند.
اگر این (دستور پیوند با مؤمنان و جدایی از کافران) را
انجام ندهید، در روی زمین فتنه و فساد بزرگ روی
خواهد داد

و کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد
نمودند، و کسانی که (آنها را) جا و پناه دادند و یاری نمودند،
آنها همان مؤمنان واقعی اند، برای آنان آمرزش و روزی
نیکو و فراوان است

و کسانی که بعدا ایمان آوردند و هجرت کردند و همراه شما
به جهاد پرداختند، آنها (در ولاء و پیوند اخوت دینی) از شما
هستند، و خویشاوندان نسبت به یکدیگر در کتاب خدا (در
حکم توارث نوشته در لوح محفوظ و این کتاب، از دیگران)
سزاوارترند (پس توارث میان مهاجران و انصار که از او

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ

۲

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُحْزِي الْكَافِرِينَ

۳

وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

۴

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

۵

فَإِذَا أُنْسِلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۶

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ

(این آیات) اعلام بیزاری (و نسخ پیمان و رفع امان) است از جانب خداوند و فرستاده او، به سوی کسانی از مشرکان که با آنها پیمان بسته اید

پس (ای مشرکان) چهار ماه (از زمان اعلام برائت) در روی زمین (آزادانه) گردش کنید و بدانید که شما ناتوان کننده خدا نیستید (از چنگ او نتوانید گریخت) و خداوند خوارکننده کافران است

و (نیز این آیات) اعلامی است از جانب خداوند و فرستاده او به (عموم) مردم در روز بزرگ حج (روز عید قربان یا روز حج بزرگ، حج سال نهم هجری که مشرکان و مسلمانان با هم حج گزاردند) که خدا و فرستاده او از مشرکان بیزارند (هیچ تعهدی با آنها ندارند) پس (ای مشرکان) اگر توبه کنید (و اسلام آورید) برای شما بهتر است، و اگر روی برتابید بدانید که شما (نه با مقابله و نه با فرار) ناتوان کننده خدا نیستید. و (ای پیامبر) کسانی را که کفر ورزیدند به عذابی دردناک بشارت ده

مگر کسانی از مشرکان که با آنها پیمان بستید سپس چیزی (از تعهداتشان) را از شما کم نگذاشته اند و احدی (از دشمنانتان) را بر ضد شما یاری نکرده اند پس پیمان آنها را تا آخر مدتشان به پایان رسانید، که همانا خداوند پرهیزکاران را دوست دارد

پس چون ماه های حرام (چهار ماه مهلت و حرمت تعرض) پایان یافت مشرکان را هر جا که یافتید بکشید (در داخل حرم و بیرون آن، در ماه های حرام و خارج آن) و آنها را دستگیر نمایید و در محاصره قرار دهید و برایشان در هر کمینگاهی بنشینید، پس اگر توبه کردند و نماز را برپا داشتند و زکات دادند راهشان را بازگذارید، که همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

و اگر یکی از مشرکان (تحت تعقیب) از تو پناه خواست او را پناه ده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به جایگاه امنش برسان، زیرا آنها گروهی هستند که نمی دانند

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ
إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَمُوا
لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا
ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ
فَلْسِقُونَ

أَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ
سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي
الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ
فَقَتِّلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ

أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ
وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ
كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

چگونه مشرکان را پیمانی در نزد خدا و نزد فرستاده اش
تواند بود، جز کسانی که با آنها در نزد مسجد الحرام پیمان
بسته اید؟! پس مادامی که (بر عهد خود) با شما پایداری
کنند شما نیز (بر عهد خود) با آنها پایداری کنید، که همانا
خدا پرهیزگاران را دوست دارد

(آری) چگونه (تعهدشان مورد اعتماد خواهد بود) در حالی
که اگر بر شما پیروز شوند در حق شما نه خویشاوندی را
مراعات می کنند و نه معاهده ای را؟! شما را با سخنانشان
راضی می کنند در حالی که دل هایشان امتناع دارد، و
بیشترشان نافرمانند (نافرمان خدا و وجدانند)

به دادن آیات خدا بهایی اندک به دست آوردند (با انکار
پیامبر و کتابش ریاست و دنیا یافتند) پس (مردم را) از راه
او بازداشتند راستی که زشت است آنچه به جا می آورند

درباره هیچ مؤمنی حق خویشاوندی و معاهده ای را رعایت
نمی کنند و آنها همان تجاوزپیشگاند

پس اگر توبه کردند و نماز را برپا داشتند و زکات دادند
آنها برادران دینی شما خواهند بود. و ما آیات و نشانه های
خود را تفصیل می دهیم برای گروهی که بدانند

و اگر پیمان های خود را پس از تعهدشان شکستند و در
دین شما زبان به طعن و عیب گشودند پس با (این)
پیشوایان کفر بجنگید، که آنها را هیچ تعهدی نیست، باشد
که باز ایستند

آیا با گروهی نمی جنگید که سوگندهای خود را شکستند و
تصمیم به بیرون کردن رسول خدا (از مکه) گرفتند و آنان
بودند که نخستین بار (جنگ را) با شما آغاز نمودند؟! آیا از
آنها می ترسید؟! خداوند سزاوارتر است که از او بترسید
اگر ایمان دارید

قَتَلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ
عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ
عَلِيمٌ حَكِيمٌ

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا
مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا
الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى
أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ
خَالِدُونَ

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ
الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ
يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ
اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ
وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

با آنها بجنگید تا خداوند آنها را به دستان شما عذاب نماید و
خوارشان گرداند و شما را بر آنها پیروز سازد و دل های
گروهی از مؤمنان را (که از مشرکان زخم خورده بودند) شفا
بخشد

و خشم دل هایشان را ببرد و خداوند بر هر که بخواهد
عطف توجه می کند و توبه اش را می پذیرد و خداوند دانا و
با حکمت است

آیا گمان کرده اید که شما (به حال خود) رها می شوید در
حالی که خداوند هنوز حال کسانی از شما را که جهاد کرده
اند و غیر از خدا و فرستاده او و مؤمنان، برای خود صاحب
سری نگرفته اند، روشن و ظاهر نساخته (علم ازلیش درباره
آنها عینیت خارجی نیافته)؟! و خداوند از آنچه می کنید آگاه
است

مشرکان را نسزد و نرسد و در شرع و عقل درست نباشد
که مساجد خدا را آباد سازند (از احداث آن گرفته تا
تزیینات دیگر) در حالی که بر ضد خودشان به کفر گواهند
(و کفر و شرک منافی اعمال توحیدی است). آنان همه عمل
ها (ی خیر) شان هدر و تباه است و در آتش دوزخ جاودانند

جز این نیست که مساجد خدا را کسانی آباد می کنند (به
آبادی مادی و معنوی) که به خدا و روز واپسین ایمان آورده
و نماز را برپا دارند و زکات بپردازند و (در انجام وظایف
دینی) جز از خدا تترسند، پس امید است که آنان از هدایت
یافتگان باشند

آیا آب دادن به حاجیان و آبادسازی مسجد الحرام را همانند
(ایمان و عمل) کسی قرار داده اید که به خدا و روز واپسین
ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده؟! (هرگز این دو) در
نزد خدا یکسان نیستند، و خدا گروه ستمکاران را هدایت
نمی کند

آنها که ایمان آورده و هجرت کردند و در راه خدا با مال ها و
جان هایشان جهاد نمودند، پایه و منزلتشان در نزد خدا
بزرگتر است و آنها همان کامیابانند

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتِ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ

۲۲

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

۲۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عِبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۲۴

قُلْ إِن كَانَ عِبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

۲۵
۱۵۹

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمُ مُدْبِرِينَ

۲۶

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

پروردگارشان آنها را به رحمت و خشنودیی از جانب خود و بهشت هایی که در آنجا برای آنها نعمتی پایدار است بشارت می دهد

آنها در آنجا برای ابد جاودانه اند، حقا که در نزد خدا پاداشی بزرگ است

ای کسانی که ایمان آورده اید، پدران و برادران خود را- اگر کفر را بر ایمان برگزیدند- دوست و یاور خود مگیرید، و هر کس از شما آنها را دوست و یاور گیرد آنها همان ستمکارانند (زیرا دوستی را در غیر محل خود مصرف نموده اند)

بگو: اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خویشانانتان (که اصول مجتمع خویشی انسانند) و اموالی که فراهم کرده اید و تجارتی که از کسادهای بیم دارید و جاهای مسکونی که به آنها دلخوشید (که اصول قوام مالی اجتماع است) از خدا و فرستاده او و جهاد در راه او به نزد شما محبوب ترند پس منتظر باشید تا خداوند فرمان خود را (دستور عذاب شما را) صادر کند، و خدا گروه نافرمانان را هدایت نمی کند

حقا که خداوند شما را در مواضع زیادی یاری نمود و نیز در روز حنین آن گاه که فزونی عددتان شما را به خود مغرور کرد ولی هیچ چیزی (از حادثه و عذاب) را از شما دفع نکرد و زمین بر شما با آن پهناوریش تنگ گردید، سپس پشت به دشمن رو به فرار نهادید

سپس خداوند آرامش خود را (اطمینان قلبی که در موارد خاص بر دل دوستانش می افکند) بر فرستاده خود و بر مؤمنین نازل نمود و سپاهیی که شما آنها را ندیدید فرو فرستاد و کسانی را که کفر ورزیدند عذاب نمود، و این است کیفر کافران

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا ۖ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۚ إِنَّ شَاءَ ٱللَّهِ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

قَتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ ٱلْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُ ۚ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ ٱلْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا ٱلْكِتَآبَ حَتَّىٰ يُعْطُوا ٱلْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ

وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ عُزَيْرٌ ٱبْنُ ٱللَّهِ ۖ وَقَالَتِ ٱلنَّصَارَى ٱلْمَسِيحُ ٱبْنُ ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ ۖ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ قَتَلَهُمُ ٱللَّهُ ۖ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ

ٱتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَٱلْمَسِيحِ ٱبْنِ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَٰهًا وَاحِدًا ۖ لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ سُبْحَٰنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

سپس خداوند پس از آن (حادثه) به هر که بخواهد (از کفار به جنگ آمده و مسلمین فرار کننده) عطف توجه می کند و توبه اش را می پذیرد و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

ای کسانی که ایمان آورده اید، جز این نیست که مشرکان نجس و پلیدند، پس نباید بعد از امسال (سال نهم هجرت، سال نزول سوره براءت) به مسجد الحرام نزدیک شوند، و اگر (به واسطه قطع رابطه با آنها) از فقر و تنگدستی بیم داشتید خدا اگر بخواهد به زودی شما را از فضل خویش بی نیاز می کند، حقا که خداوند بس دانا و با حکمت است

با کسانی که به آنها کتاب (آسمانی) داده شده (مانند یهود و نصاری و لکن) به خدا و به روز واپسین ایمان ندارند (زیرا خدا و معادی که آنها معتقدند خدا و معاد حقیقی نیست) و آنچه را که خدا و فرستاده او (محمد صلی الله علیه و آله در قرآن و موسی و عیسی در عهدین) حرام کرده (مانند شراب و گوشت خوک و رشوه و ربا) حرام نمی شمردند، و به دین حق (اسلام) متدین نمی گردند، مقاتله و کارزار کنید تا آنها با کمال تسلیم و ذلت به دست خویش و تحت قدرت حکومت اسلامی جزیه بپردازند

و یهود گفتند: عزیر پسر خداست (عزیری که ملت یهود را پس از ذلت حیات بخشید و تورات را رواج داد) و نصاری گفتند: مسیح پسر خداست. این سخنی است که به زبان می گویند (نه حقیقتی دارد و نه دلیلی)، به گفتار کسانی که پیش از آنان کفر ورزیدند (بت پرستان قدیم که برای خدا پدر و پسر و مادر و همسر قائل بودند) شباهت دارند، خدا آنها را بکشد که چگونه و به کجا گردانیده می شوند

آنها دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را خدایانی به جای خداوند (در اطاعت بی قید و شرط دستوراتشان) اتخاذ کردند، در حالی که مأمور نشدند جز به آنکه خدای یگانه ای را بپرستند که معبودی جز او نیست، منزّه است از آنچه شریک او می سازند

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتْكُوىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكََ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَآفَّةً كَمَا يَقْتُلُونَكُمْ كَآفَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

آنها می خواهند نور خدا را (دین و کتاب او را) به سخنانشان خاموش نمایند در حالی که خداوند نمی خواهد جز آنکه نور خود را (و لو به گذشت زمان و تکامل عقول و آمدن مصلح کل) کامل نماید هر چند کافران خوش ندارند

اوست که رسول خود را با (وسایل) هدایت و دین حق و درست فرستاد تا آن را بر هر دینی پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش ندارند

ای کسانی که ایمان آورده اید، به یقین بسیاری از دانشمندان اهل کتاب و راهبان آنها، اموال مردم را به باطل (به بهای تحریف تورات و انجیل و گرفتن رشوه) می خورند و (مردم را) از راه خدا باز می دارند و کسانی (از کفار یا مسلمین) که طلا و نقره را گنجینه می سازند و در راه خدا (به واسطه اخراج حق واجب و قرار دادن باقی در چرخش اقتصاد امت) هزینه نمی کنند همه آنان را به عذابی دردناک بشارت ده

روزی که آنها را در آتش جهنم سرخ کنند و پیشانی ها و پهلوها و پشت های آنان را بدان داغ نهند (و به آنها گویند) این همان گنج هاست که برای خود انداخته بودید، پس بچشید کیفر گنج اندوزی خود را

در حقیقت شمار ماه ها (ی قمری) در نزد خداوند (در علم ازلی و لوح محفوظ او) دوازده ماه است که در کتاب خدا (جهان هستی که کتاب تکوینی است) از روزی که آسمان ها و این زمین را آفریده ثابت و محقق است (و از کیفیت تنظیم کره زمین و ماه در منظومه شمسی نشأت یافته)، چهار ماه از آنها (رجب، ذی قعدة، ذی حجة و محرم) حرام است (محترم است و جنگ در آنها حرام است) این دستور آیینی است استوار و پایدار، پس در این ماه ها (با شکستن حرمت آنها و جنگ با یکدیگر) بر خود ستم مکنید. و (هنگام نبرد) با همه مشرکان بجنگید همان گونه که آنها با همه شما می جنگند، و بدانید که خدا با پرهیزگاران است

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُوَاطِّئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَلِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْخُذْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ شَيْءًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا أَثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

جز این نیست که تأخیر انداختن (و جابه جا نمودن ماه های حرام) افزایشی در کفر است (بدعت عملی است علاوه بر کفر اعتقادی) که کافران را به سبب آن گمراه می سازند، در یک سال آن را حلال و در سال دیگر حرام می شمردند (مثلا در یک سال شعبان را به جای رجب حرام و رجب را حلال می کنند) تا با شما و آنچه خدا حرام کرده موافقت کنند (که سالی چهار ماه حرام شود) اما در (نتیجه) آنچه را خدا حرام کرده حلال می نمایند. زشتی اعمالشان بر آنها آراسته شده، و خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند

(این آیه تا یازده آیه دیگر مربوط به غزوه تبوک و جنگ با رومیان است) ای کسانی که ایمان آورده اید، شما را چیست که چون به شما گفته می شود: در راه خدا (به سوی جنگ) حرکت کنید، سنگینی نموده به زمین می چسبید؟! آیا به جای آخرت به زندگی دنیا خشنود شده اید؟ پس (بدانید که) فواید و منافع دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست

اگر (به سوی جهاد) حرکت نکنید خداوند شما را به عذابی دردناک عذاب می کند و گروه دیگری را به جای شما می آورد و شما هیچ ضرری به او نتوانید رساند و خدا بر هر چیزی تواناست

اگر او را (پیامبر را) یاری نکنید بی تردید خدا (یاریش می کند چنان که) او را یاری نمود هنگامی که کافران او را (از مکه) بیرون کردند در حالی که یکی از دو تن بود، (پیامبر و ابو بکر) آن گاه که هر دو در آن غار (غار ثور نزدیک مکه) بودند، وقتی که به همراه خود می گفت: اندوه مخور که حتما خدا با ماست، پس خدا سکیته و آرامش خود را بر او (پیامبر) فرود آورد و او را با سپاهییانی که شما آنها را نمی دیدید (در جنگ های اسلامی) تقویت نمود و سخن کسانی را که کفر ورزیدند پست کرد، و کلمه خداوند (وعده ازلی او در یاری انبیا و پیروزی دینش بر ادیان) است که والا و برترست، و خداوند مقتدر غالب و صاحب حکمت است

أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَٰكِنْ بَعْدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ

لَا يَسْتَعِذُّكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

إِنَّمَا يَسْتَعِذُّكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَٰكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا وُضْعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

سبکبار و سنگین بار (سواره و پیاده، یا جوان و پیر به سوی میدان جهاد) کوچ کنید و با اموال و جان های خود در راه خدا جهاد نمایید، که این برای شما بهتر است، اگر بدانید

اگر اموالی در دسترس و سفری کوتاه و آسان بود حتما از تو پیروی می کردند و لکن این راه پرمشقت (حضور در میدان جنگ تبوک) بر آنها دور جلوه کرد، و به زودی به خدا سوگند می خورند که اگر توانایی داشتیم با شما بیرون می شدیم. آنها خودشان را (به کفر و دروغشان) هلاک می کنند و خدا می داند که آنها دروغگویند

خدا از تو بگذرد! چرا پیش از آنکه (حال) کسانی که راست گفتند برای تو روشن شود و دروغگویان را بشناسی به آنها (در نشستن از جنگ) اذن دادی؟

کسانی که به خدا و روز واپسین ایمان دارند از تو اذن نمی طلبند که از جهاد با اموال و جان هایشان بازنشینند، (زیرا نه برای انجام آن که واجب مؤکد است اذن گرفتن لازم است و نه برای ترک آن که حرام است اذن دادن جایز است) و خداوند به پرهیزگاران داناست

جز این نیست که کسانی از تو (برای تخلف از جهاد) اذن می طلبند که به خدا و روز واپسین ایمان ندارند و دل هایشان در تردید افتاده و آنها همواره در شک و تردید خود سرگردانند

و اگر آنان قصد بیرون شدن (برای جهاد) را داشتند، حتما برای آن وسیله و هزینه ای آماده می کردند، و لکن خداوند حرکت آنها را خوش نداشت پس آنها را (به سلب توفیق) بازداشت و (گویی به آنان) گفته شد: با بازنشستگان (چون زنان و کودکان و عاجزان) بازنشینید

اگر هم در میان شما (به جنگ) بیرون می شدند برای شما جز فساد نمی افزودند، و مسلما میان شما برای خرابکاری می شتافتند تا برایتان فتنه جویی کنند، و در میان شما جاسوسان و ضعیف الایمان هایی سخت فراگیرنده سخنان آنها هستند، و خدا به ستمکاران داناست

لَقَدْ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَافِرُونَ

وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أُنْذِنَ لِي وَلَا تَفْتِنَنِي ۚ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ۚ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ ۖ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ

قُلْ لَّنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ ۖ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ ۚ أَوْ بِأَيْدِينَا ۚ فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنَّا لَنَكُونُ قَوْمًا فَاسِقِينَ

وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ ۚ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهِونَ

حقیقت این است که آنها پیش از این نیز (در جنگ احد) فتنه جویی کردند و کارها را بر تو وارونه ساختند (سپاه اسلام را تجزیه و مردم را دلسرد کردند تا فاجعه احد رخ داد) تا آنکه حق در رسید و فرمان خدا آشکار شد (شما پیروز شدید) در حالی که آنها کراحت داشتند

و از آنها برخی می گویند: (در ترک این جنگ) به من اذن بده و مرا به فتنه (گناه مخالفت فرمانت) میفکن! آگاه باش که آنها در فتنه (کفر و نفاق) در افتاده اند، و مسلماً جهنم بر کافران احاطه دارد (در دنیا به نحو احاطه سبب که کفر و فسق است و در آخرت به نحو احاطه مسبب که آتش است)

اگر تو را نیکی (پیروزی و غنیمتی) برسد آنها را ناراحت می کند و اگر مصیبتی (شکست یا زیانی) برسد می گویند: ما (احتیاط) کارمان را پیش از این گرفته بودیم و شادمان (به محل خود) بازمی گردند

بگو: هرگز ما را جز آنچه خدا (در لوح محفوظ) برایمان نوشته و مقرر داشته (از پیروزی و شکست و غیره) نخواهد رسید او سرپرست و یاور ماست و همه مؤمنان باید بر خدا توکل نمایند

بگو: آیا در حق ما جز یکی از دو خصلت نیک را انتظار می برید (پیروزی در نبرد یا شهادت در راه حق)؟ و ما نیز درباره شما انتظار می بریم که خداوند شما را عذابی از جانب خودش یا به دستان ما برساند (هلاکت در حال کفر یا قتل در حال کفر) پس انتظار برید که ما نیز با شما منتظریم

بگو: (هر گونه که بخواهید) انفاق نمایید به رغبت یا به اکراه، هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد، زیرا شما گروهی نافرمانید

و چیزی آنها را از پذیرفته شدن نفقاتشان باز نداشت جز آنکه آنها به خدا و فرستاده او کفر ورزیدند، و آنها نماز را به جا نمی آورند مگر در حالی که کسل اند و انفاق نمی کنند مگر آنکه ناراضی اند

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ
بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ
قَوْمٌ يَفْرُقُونَ

لَوْ يَجِدُونَ مَلَجًا أَوْ مَغْرَبًا أَوْ مُدْخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ
يَجْمَحُونَ

وَمِنْهُمْ مَن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا
وَإِنْ لَّمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ
سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ

إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا
وَالْمَوْلَافَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ
لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا
مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

پس (فرونی) مال ها و فرزندان شان تو را به شگفت نیاورد!
جز این نیست که خداوند می خواهد آنان را به وسیله
(تحصیل و حفظ) آنها در زندگی دنیا عذاب کند و جان شان
در آید در حالی که کافرنند

و آنها به خدا سوگند می خورند که حتما از شما هستند در
حالی که از شما نیستند، بلکه گروهی هستند که (از فاش
شدن نفاقشان) می ترسند

اگر پناهگاهی یا غارهایی یا دخمه هایی می یافتند بی شک
شتابان به سوی آن روی می آوردند (تا از مسلمین دور
باشند)

و برخی از آنها در (باره تقسیم) صدقات بر تو خرده می
گیرند، اگر از آن به ایشان داده شود خشنود گردند و اگر
داده نشود به ناگاه خشمناک می شوند (هر چند ذی حق
نباشند)

و اگر به آنچه خدا و فرستاده اش (از صدقات) به آنها داده
راضی می شدند و می گفتند: خدا ما را بس است، به زودی
خدا و فرستاده اش از فضل خود به ما می بخشند، همانا ما
به سوی خدا راغبیم (برای آنها بهتر بود)

جز این نیست که صدقات (زکات اموال و جان ها، برای
هشت مصرف است، یعنی) از آن فقرا و مساکین
(فقیرتران) و متصدیان (جمع و حفظ و پخش) آن و کسانی
که باید دل هایشان را به دست آورد (مانند برخی از کفار یا
مسلمان های ضعیف العقیده برای جلب او به دین یا
استمداد از او در جنگ) و در (جهت آزادی) بردگان و (ادای
دین) بدهکاران و هزینه در راه خدا (هر کار خیر عام
المنفعه به ویژه جهاد) و واماندگان در راه است (راه هر
هدف دینی و دنیوی لازم برای اسلام و مسلمین که
راهیان ش نیاز به آن دارند). (این حکم) فریضه ای قطعی از
جانب خداست، و خداوند دانا و با حکمت است

و از آنان کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می
گویند: او (سراپا) گوش است (حرف هر کس را می پذیرد)!
بگو: او گوش خوبی برای شماست، خدا را (در همه
گفتارش) تصدیق می کند و به مؤمنان اعتماد می ورزد و
برای کسانی از شما که ایمان آورده اند رحمت است و
کسانی که فرستاده خدا را آزار می دهند برای آنها عذابی
دردناک خواهد بود

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ

برای شما (درباره خلافتکاری های خود) به خدا سوگند می خورند تا شما را راضی کنند و حال آنکه سزاوارتر آن بود که خدا و رسولش را راضی نمایند اگر مؤمن بودند

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ

آیا ندانسته اند که هر کس با خدا و فرستاده اش مخالفت و دشمنی کند حقا برای او آتش جهنم است که جاودانه در آن خواهد بود؟ این است همان خواری بزرگ

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزَّؤْا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ

منافقان (به عنوان استهزاء) اظهار ترس می کنند از اینکه سوره ای درباره آنان نازل گردد که آنچه را در دل های آنهاست (از کفر و نیت براندازی نظام اسلامی) به آنان و به مردم خبر دهد. بگو: (با این رفتارشان اسلام را) مسخره کنید، بی تردید خداوند آنچه را از آن می ترسید آشکار خواهد کرد

وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَءَايَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ

و اگر از آنان بپرسی (که چرا علیه اسلام گفتار و کردار داشتید) خواهند گفت که ما فقط شوخی و بازی می کردیم. بگو: آیا خدا و آیات و فرستاده اش را مسخره می کردید

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ

دیگر عذر نیاورید، حقا که پس از ایمانتان کافر شدید (پس از ایمان ظاهری، کفرتان روشن شد)! اگر از گروهی از شما (به خاطر توبه شان) درگذریم گروهی دیگر را عذاب می کنیم، زیرا آنان گنهکار بوده اند

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

مردان و زنان منافق برخی از برخی دیگرند (با هم پیوند اعتقادی و عملی دارند) به کار ناپسند فرمان می دهند و از کار پسندیده باز می دارند و دستان خود را (از انفاق در راه حق) می بندند خدا را فراموش کردند خدا هم آنها را فراموش نمود (پس از اتمام حجت به حال خودشان وا گذاشت) مسلما منافقان همان نافرمانانند

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

خداوند مردان و زنان منافق و کافران را آتش دوزخ وعده داده که در آن جاویدان بمانند، همان برای آنها کافی است و خدا لعنتشان کرده، و برای آنها عذابی همیشگی است

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَكَثَرُوا مَالًا
وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا
اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي
خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ
إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُوتَفِكَةِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
يَظْلِمُونَ

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ
اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ
وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

(شما کافران و منافقان) همانند کسانی هستید که پیش از شما بودند و قدرت آنها بیش از شما و اموال و اولاد آنها فروتر از شما بود، پس، از نصیب (دنیای) خود بهره مند شدند، شما نیز از نصیبتان بهره مند شدید همان گونه که آنها که پیش از شما بودند از نصیبشان بهره مند شدند و (در گناه و شهوات) فرو رفتید چنان که آنان فرو رفتند آنها عمل ها (ی خیر) شان در دنیا و آخرت باطل و تباه شد (در دنیا خوش نامی، دعای مسلمین و توفیقات غیبی و در آخرت پاداش های نیکو را نیافتند) و آنها همان زیانکارانند

آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند به آنها نرسیده است؟! (خبر) قوم نوح (که غرق شدند) و عاد (قوم هود که با وزش باد هلاک شدند) و ثمود (قوم صالح که با صیحه آسمانی مردند) و قوم ابراهیم (که با پشه و عذاب دیگر نابود گشتند) و اصحاب مدین (قوم شعیب که با ابر آتشبار هلاک شدند) و آن شهرهای وارونه شده (سه شهر قوم لوط) که رسولانشان دلایل روشنی بر آنها آوردند پس خداوند بر آن نبود که به آنها ستم کند و لکن آنها بودند که به خودشان ستم می کردند

و مردان و زنان باایمان دوست و یاور و سرپرست یکدیگرند، به هر کار نیک (از نظر عقل و شرع) فرمان می دهند و از هر کار زشت (از دیدگاه عقل و شرع) باز می دارند و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند و از خدا و فرستاده او فرمان می برند آنهایند که خداوند به زودی مورد رحمتشان قرار می دهد، که همانا خداوند غالب مقتدر و با حکمت (در مرحله تکوین و تشریع و جزا) است

خداوند به مردان و زنان باایمان بهشت هایی را وعده داده که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها روان است که جاودانه در آن باشند، و نیز مسکن های پاکیزه ای را در بهشت های ابدی و خشنودیی از جانب خداوند (از همه نعمت ها) بزرگتر است آن است کامیابی بزرگ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ
وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وِبِئْسَ الْمَصِيرُ

ای پیامبر، با کافران (به نبرد) و با منافقان (به اتمام حجت و دوری از معاشرت) جهاد کن و بر آنها سخت گیر و جایگاه آنان دوزخ است و آن بد جای بازگشتی است

۷۴

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا
بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ
اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ
يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ
فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

منافقان به خدا سوگند می خورند که (سخن ناروا در غیاب پیامبر) نگفته اند و حال آنکه مسلماً سخن کفر گفتند و پس از اسلام آوردنشان کفر ورزیدند (پس از اظهار اسلام اظهار کفر کردند) و تصمیم خطرناکی گرفتند (ترور پیامبر یا بیرون کردن او از مدینه) که بدان نرسیدند، و آنها (بر خدا و پیامبر) خشم و خرده ای نگرفتند جز این را که خدا و رسولش با فضل و بخشش خویش آنها را بی نیاز کردند (پس به جای شکر نعمت خواستند انتقام بگیرند) پس اگر توبه کنند برای آنها بهتر است، و اگر روی پرتابند خدا آنها را به عذابی دردناک در دنیا و آخرت عذاب خواهد نمود و آنها را در روی زمین هیچ سرپرست و یآوری نخواهد بود

۷۵
حزب
۸۰

وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَيْنٍ ءَاتَيْنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ
وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ

و از آنان کسانی هستند که با خداوند معاهده کردند که اگر از فضل خویش بر ما عطا کند حتما تصدق می دهیم (حق هر صاحب حقی را می پردازیم) و مسلماً از صالحان خواهیم بود

۷۶

فَلَمَّا ءَاتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

پس چون از فضل خویش بدانها عطا نمود به آن بخل ورزیدند و در حال اعراض (قلبی) روی برتافتند

۷۷

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ
مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

پس خداوند به سبب خلف وعده ای که با خدا کردند و به خاطر آنکه همواره دروغ می گفتند نفاق را در دل های آنان تا روزی که او را ملاقات کنند (روز قیامت) در پی آورد

۷۸

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ
الْغُيُوبِ

آیا ندانستند که خداوند اسرار آنها و سخنان درگوشی آنها را می داند و خداوند به همه غیب ها و نهان ها کاملاً داناست؟

۷۹

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ
وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ
مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آنان که بر مؤمنانی که به رغبت صدقه می دهند و صدقه مستحبی می پردازند و بر کسانی که (در انفاق) جز به مقدار توان پیدا نمی کنند، درباره صدقاتشان خرده می گیرند (به تصدق اغنیاء مؤمنین و فقرائشان طعن می زنند) و آنها را مسخره می کنند خداوند آنها را مسخره می کند، و برای آنها عذابی دردناک خواهد بود

أَسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ

فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَعَذُّوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ ۗ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

وَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَعِذْكَ أُولُوا الطَّلُوفِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ

برای آنها آموزش بطلب یا آموزش مطلب (یکسان است) اگر برای آنها هفتاد بار هم آموزش طلبی هرگز خداوند آنها را نخواهد آمرزید، زیرا که آنها به خدا و رسول او کفر ورزیدند، و خداوند گروهی را که فاسقند هدایت نمی کند

به جای گذاشته شدگان (در جنگ تبوک) از خانه نشینی خود بر خلاف (حرکت) رسول خدا خوشحال شدند و خوش نداشتند که در راه خدا با اموال و جان هایشان جهاد کنند (به مردم) گفتند: در گرما (به سوی جنگ) کوچ نکنید! بگو: آتش جهنم گرم تر است، اگر فهم عمیق دارند

پس باید (در ایام زندگی خود) کمتر بخندند و بسیار بگیرند، و یا در دنیا اندکی بخندند و در آخرت بسیار بگیرند، به سزای آنچه (از کفر و فسق) به دست می آوردند

پس اگر خداوند تو را (از سفر این جنگ تبوک) به سوی گروهی از آنان (که از جنگ بازنشستند، در مدینه) بازگردانید و از تو برای بیرون شدن (به جنگ دیگری) رخصت طلبیدند بگو: هرگز با من بیرون نخواهید شد و هرگز همراه من با دشمن نخواهید جنگید، زیرا شما نخستین بار به نشست از جنگ خشنود شدید، اکنون نیز با بازنشستگان (از زنان و بچه ها و بیماران) بنشینید

و هرگز برای احدی از آنها که بمیرد نماز بخوان و بر سر قبرش (به دعا و آموزش خواهی) نایست زیرا آنها به خدا و فرستاده او کفر ورزیدند و در حالی مردند که نافرمان بودند

و (فرونی) مال ها و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد! (زیرا به عنوان احسان یا پاداش کار نیک آنها نیست)، جز این نیست که خدا می خواهد آنان را به وسیله (تحصیل و حفظ) آنها در دنیا عذاب کند و جانشان درآید در حالی که کافرنند

و چون سوره ای فرو فرستاده شود که به خدا ایمان آورید و همراه فرستاده اش جهاد کنید، صاحبان قدرت و ثروت آنها (منافقان) از تو اذن می خواهند و می گویند: بگذار ما با خانه نشینان باشیم

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَعِذُّونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

آنها راضی شده اند که همراه به جای ماندگان (زنان و کودکان و بیماران) باشند، و بر دل هایشان مهر (شقاوت) زده شده، پس دیگر (راه سعادت را) در نمی یابند

لکن فرستاده خدا و کسانی که با او ایمان آورده اند با اموال و جان هایشان جهاد کردند، و آنهایند که خوبی ها (ی د و جهان) از آن آنهاست و آنهایند که رستگارند

خداوند برای آنها بهشت هایی آماده ساخته که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها جاری است در آنجا جاودانه اند این است کامیابی بزرگ

و عذرداران از بادیه نشینان عرب (از سر غیرت نزد تو) آمدند تا به آنها اجازه (جهاد) داده شود، و عذرخواهان بی جهت آمدند تا اجازه ترک جهاد بگیرند، و آنها که به خدا و فرستاده او دروغ گفتند در خانه نشستند (و اذن تخلف هم نخواستند)! به زودی به کسانی از آنها که کفر ورزیده اند عذابی دردناک خواهد رسید

بر ناتوان ها (مانند زنان و کودکان) و بیماران و کسانی که چیزی پیدا نمی کنند که هزینه (راه) کنند حرجی (تنگی و فشاری در ترک جهاد) نیست اگر برای خدا و رسولش (در گفتار و کردار) خیرخواهی کنند بر نیکوکاران هیچ راهی (برای مؤاخذه و عقاب) نیست و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

و نه (گناهی است) بر کسانی که چون به نزد تو آمدند که آنها را سوار (مرکبی) کنی و تو گفتی: مرکبی ندارم که شما را بر آن بنشانم، برگشتند در حالی که چشمانشان از اندوه، اشک فرو می بارید که چرا چیزی نمی یابند که (در راه جهاد) انفاق کنند

راه (مؤاخذه) تنها بر کسانی (باز) است که با آنکه بی نیازند باز هم (برای ترک جهاد) از تو اذن می طلبند آنها راضی شده اند که با به جای ماندگان (از زنان و کودکان و معلولان) باشند، و خداوند بر دل های آنها مهر (شقاوت) نهاده، از این رو هیچ نمی دانند

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ
تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ
عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلِّمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۹۴
توبه
۹۴
/۱۲۹

سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا أُنْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِيُعْرِضُوا عَنْهُمْ
فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَهُمُ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا
كَانُوا يَكْسِبُونَ

۹۵

يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِيَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ
لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

۹۶

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا
أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۹۷

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمْ
الْدَّوَابَّ عَلَيْهِمْ ذَايِرَةٌ السَّوْءِ ۚ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۹۸

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا
يُنْفِقُ قُرْبَتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ ۚ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ ۖ
سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۹۹

هنگامی که شما (از جنگ تبوک) به سوی آنها بازگردید (از تخلف خود) برای شما عذر می آورند، بگو: هیچ عذری نیاورید که هرگز شما را باور نخواهیم کرد، همانا خداوند ما را از خبرهای شما آگاه ساخته است و به زودی کردارتان را خدا و رسول او می بینند (که آیا در آینده توبه می کنید یا بر کفر خود اصرار می ورزید) سپس به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می شوید، پس شما را از آنچه انجام می داده اید آگاه خواهد ساخت

به زودی آن گاه که به سوی آنها بازگردید برای شما به خدا سوگند خواهند خورد تا از (عتاب و سرزنش) آنها صرف نظر کنید، پس از آنها روی برتابید، زیرا آنها پلیدند و ناپاک (توبیخ و سرزنش در آنها اثر ندارد) و جایگاه آنها به کیفر آنچه کسب می کردند دوزخ است

برای شما سوگند می خورند تا از آنها راضی شوید، پس اگر شما هم از آنها راضی شوید همانا خداوند از مردمان نافرمان راضی نخواهد شد

بادیه نشینان عرب (به سبب دوری از اجتماع و تمدن) کفر و نفاقشان سخت تر، و به اینکه حدود و مرزهای آنچه را که خدا بر رسولش نازل کرده ندانند سزاوارترند و خداوند دانا و با حکمت است

و از بادیه نشینان عرب برخی هستند که آنچه را (در راه خیر) انفاق می کنند غرامت و زیان می پندارند و درباره شما حوادث بدی را انتظار می برند (مانند سقوط دولت اسلامی) حادثه های بد بر خود آنها باد! و خداوند شنوا و داناست

و از بادیه نشینان عرب برخی دیگر به خدا و روز واپسین ایمان دارند و آنچه را انفاق می کنند مایه تقرب به خدا و (جلب) دعاهای رسول او می شمارند، یا و آنچه را انفاق می کنند و دعاهای پیامبر را (که در حق آنان می کند) مایه تقرب به خدا می شمارند. آگاه باشید که آن (انفاقات و دعاهای رسول) سبب تقرب آنهاست، به زودی خداوند آنها را در (جوار) رحمت خود داخل خواهد نمود، که همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ
اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ
جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ

۱۰۱

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ
الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ
سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرُدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ

۱۰۲

وَعَاخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَعَاخِرَ
سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۰۳

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ
عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۱۰۴

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ
الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

۱۰۵

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ
وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ
تَعْمَلُونَ

۱۰۶

وَعَاخِرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ
عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار (آنهايي که پيش از
هجرت پيامبر صلی الله عليه وآله به مدينه ايمان آوردند) و
کسانی که با نيکوکاري از آنها پيروي کردند، خدا از آنها
خشنود است و آنها از خدا خشنودند، و برای آنها بهشت
هایی آماده کرده که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها
روان است و برای همیشه در آنجا جاودانه اند اين است
کاميابی بزرگ

و از باديۀ نشينان عرب که در اطراف (شهر) شما هستند
گروهي منافق اند، و از اهل مدينه نيز کسانی با نفاق خو
گرفته اند تو آنها را نمی شناسی، ما آنها را می شناسيم، به
زودی آنان را دو بار عذاب می کنيم (عذاب دنيا و عذاب
مرگ و برزخ) سپس (در قيامت) به سوی عذابي بزرگ
بازگردانده می شوند

و گروهي ديگر (از آنان) به گناهان خود اعتراف کرده، کاري
نيک را با کار بد ديگری در آميخته اند، اميد است که
خداوند بر آنها عطف توجه کند، که همانا خداوند بسيار
آمرزنده و مهربان است

(ای ولی امر امت) از اموال آنان زکاتی بگير که بدین کار
(جان و مال) آنها را پاکيزه می کنی و رشد می دهی، و بر آنها
دعا کن و درود فرست که همانا دعا و درود تو مایه آرامشی
برای آنهاست و خداوند شنوا و داناست

آيا ندانسته اند که خداست که توبه را از بندگانـش می
پذيرد و صدقه ها را در واقع او خود می گيرد (هر چند در
ظاهر پيامبر يا مستحق می گيرد) و خداست که عطوف و
بسيار توبه پذير و مهربان است؟

و بگو: هر چه خواهيد بکنيد، که به زودی کردارتان را خدا و
فرستاده او و مؤمنان (گواهان اعمالتان در دنيا) می بينند، و
به زودی به سوی دانای نـهان و آشکار بازگردانده می شويد،
پس شما را از آنچه (در دنيا) انجام می داديد آگاه خواهد
ساخت

و جمعی ديگر (از مستضعفان اهل کفرند که) کارشان
موقوف به فرمان خداست، يا آنها را عذاب می کند (اگر بر
کفرشان اصرار ورزند) و يا بر آنها عطف توجه می کند (اگر
به ايمان گرايند) و خداوند دانا و با حکمت است

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ
الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ
وَلِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ
لَكَاذِبُونَ

۹۰
توبه
۱۰۷
۱۲۹

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ
أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ
يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ

۱۰۸

أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ
مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ
جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

۱۰۹

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ
قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۱۱۰

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ
الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا
عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ
بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ
وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۱۱۱
حزب
۸۲
۱۶۹

و (نیز از منافقان) کسانی هستند که مسجدی اتخاذ کردند
برای زیان (مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه افکنی میان
مؤمنان و انتظار (آمدن) کسی که از پیش با خدا و فرستاده
اش به محاربه برخاسته بود (منظور مسجد ضرار است که
کفار مدینه برای راهب نصرانی ساختند) و قطعا سوگند یاد
می کنند که ما جز کار خیر قصدی نداشتیم و خدا گواهی می
دهد که آنها قطعا دروغگویند

هرگز در آن (مسجد به نماز) مایست، به یقین مسجدی که
از نخستین روز (بنایش) بر پایه تقوا بنا شده (مانند مسجد
قبا و مسجد مدینه و غیره) شایسته تر است که در آن به
نماز ایستی مردانی در آن هستند که دوست دارند پاکیزه
گردند، و خدا پاکیزگان را دوست دارد

پس آیا کسی که اساس (دین) خود را بر پایه تقوای الهی و
رضای او نهاده بهتر است یا آن کس که بنیان خود را بر لب
پرتگاهی سست و در شرف سقوط نهاده و آن بنا او را در
آتش جهنم سرنگون سازد؟! (اعمال مؤمن بر پایه ایمان و
اخلاص، و اعمال کافر بر پایه ظن و شک در اصول است و
عاقبتش جهنم است) و خدا گروه ستمکاران را (پس از
اتمام حجت) راهنمایی نمی کند

همواره آن بنایشان که (از روی کفر و نفاق) ساخته اند مایه
شک و تردید و فزونی نفاق در دل های آنهاست (گرچه
خراب شود) مگر آنکه (بمیرند و) دل هایشان پاره پاره
گردد! و خداوند دانا و با حکمت است

حقا که خداوند از مؤمنان جان ها و مال هایشان را خریداری
کرده به بهای آنکه بهشت از آن آنها باشد (و کیفیت تسلیم
متاع این است که آنها) در راه خدا می جنگند پس می کشند
و کشته می شوند (و از اموال خود در راه خدا انفاق می
کنند، این معامله) وعده حقی بر عهده اوست (گذشته در
علم ازلی، نگاشته در لوح محفوظ و نوشته شده) در تورات و
انجیل و قرآن (به عنوان سند معامله)، و چه کسی وفادارتر
به عهد خود از خداست؟ پس شادمان باشید به این داد و
ستدی که انجام داده اید، و این است کامیابی بزرگ

التَّائِبُونَ الْعَبِدُونَ الْحَمِيدُونَ السَّاجِدُونَ
الْكَافِرُونَ الْبَاطِلُونَ
وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

(این مؤمنان) همان توبه کنندگان، عبادت کنندگان، حمد و سپاس گویان، روزه داران، سفرکنندگان (برای جهاد و تحصیل علم دین)، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، فرمان دهندگان به معروف و بازدارندگان از منکر و نگهبانان مرزهای (اصول و فروع دین) خدا هستند، و بشارت ده این مؤمنان را

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ
كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ
الْجَحِيمِ

پیامبر و کسانی را که ایمان آورده اند نرسد و شرعا جایز و عقلا صحیح نباشد که برای مشرکان آمرزش بخواهند هر چند خویشان (آنها) باشند، پس از آنکه برایشان آشکار شده که آنان اهل دوزخند

وَمَا كَانَ أَسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَا
إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ
لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ

و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش (عمویش آرر) نبود مگر از روی وعده ای که به او داده بود (که برایش آمرزش بطلبد)، پس چون (از اصرار وی بر کفر یا مرگ او بر کفر) برایش روشن شد که او دشمن خداست از او بیزارى جست (زیرا طلب عفو برای کسی است که خدا با او دشمن شده نه او با خدا) حقا که ابراهیم بیمناک از حق، غمناک از گناه، بسیار آه کشنده از ته دل، (به درگاه خدا) و بردبار بود

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ
مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خدا را نسزد و مطابق لطف و موافق عقل نباشد که گروهی را پس از آنکه (به اصول دین) هدایتشان نموده، (در سایر احکام) به حال نادانی واگذارد (و یا به مخالفتشان عقاب کند) تا آنکه آنچه را که باید از آن پروا کنند (از واجبات و محرمات) بر آنها روشن سازد همانا خداوند به همه چیز داناست

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا
لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

به یقین ملکیت حقیقی و حاکمیت مطلق آسمان ها و زمین از آن خدا است، (هر شیء قابل حیات و مرگ را او) زنده می کند و می میراند، و شما را جز خدا دوست و سرپرست و یاورى نیست

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ
اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ
فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

البته خداوند بر پیامبر و مهاجران و انصاری که به هنگام دشواری (در سفر جنگ تبوک) از او پیروی کردند عطف توجه نمود و توبه آنها را پذیرفت، پس از آنکه نزدیک بود دل های گروهی از آنها (از فرمان پیامبر) منحرف شود (که چرا به جنگ نابرابر در عده و عده اقدام کنیم)، سپس بر آنها به رحمت خود رجوع کرد، که همانا او به آنها رئوف و مهربان است

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ
بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ
مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَن
يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَن
نَفْسِهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا
مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ
وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ ثِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ
إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا
إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ
مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا
رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

و نیز بر آن سه نفری که (از همراهی با سپاه تبوک) واپس
نهاده شدند (و به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله مردم با
آنان قطع رابطه کردند) تا آن گاه که روی زمین با همه
پهناریش بر آنها تنگ شد و دل هایشان از خودشان به
تنگ آمد و دانستند که هیچ پناهگاهی (در فرار) از خدا جز
به سوی او نیست، سپس خدا بر آنها به رحمت خود بازگشت
تا توبه کنند و بازگردند، که همانا خدا خود بسیار عطف و
توبه پذیر و مهربان است

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و با
راستگویان باشید (که مصداق اتم آنها اهل بیت معصوم
پیامبرند)

اهل مدینه و اطرافیانشان از عرب های بادیه نشین را
نسزد و شرعا جایز و عقلا روا نباشد که از رسول خدا (در
مقام جهاد) تخلف نمایند و یا از او (در سفر و خطرات جنگ)
به وسیله پرداختن به خویش روی برتابند این به خاطر آن
است که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنها
نمی رسد و به هیچ مکانی که کافران را به خشم آورد قدم
نمی نهند و هیچ بهره ای از دشمن (از کشتن و اسیر کردن
آنها) نمی یابند مگر آنکه به پاداش آن برای آنها عملی صالح
نوشته می شود همانا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی
سازد

و هیچ هزینه کوچک و بزرگی نمی کنند و هیچ زمین و دره
ای را (در سفر جهاد) نمی پیمایند مگر آنکه به حساب آنها
نوشته می شود، تا خداوند پاداش عمل های بسیار نیکی را
که انجام می دادند به آنان عطا کند

و مؤمنان را نسزد و جایز و ممکن نباشد که همگی (به سوی
جبهه جنگ یا مراکز علمی دینی) کوچ نمایند (به ویژه جهاد
که طبعاً مخصوص به زمان و مکانی خاص است)، پس چرا از
هر جمعیتی از آنان گروهی (معدود) کوچ نمی کنند تا
(رزمندگان در معرفت توحید تجربی، و حوزویان در معارف
دین) تحصیل دانش عمیق نمایند و قوم خود را آن گاه که به
سوی آنها بازگشتند هشدار دهند، باشد که آنها (باطنا و
عملا) بر حذر باشند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

ای کسانی که ایمان آورده اید (ابتدا طبق مصالح و قواعد) با کسانی از کفار پیکار کنید که به شما نزدیک ترند و حتما باید در شما شدت و صلابت (در عمل) بیابند، و بدانید که خداوند با پرهیزگاران است

۱۲۴

وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

و چون سوره ای نازل شود برخی از آنها (از منافقان به عنوان استهزا) گویند: این سوره بر ایمان کدام یک از شما افزود؟ (بگو) اما کسانی که ایمان آورده اند بر ایمان آنها افزود و آنها (از دریافت تحفه نو آسمانی) شادمانی می کنند

۱۲۵

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ

و اما کسانی که در دل های آنها بیماری (شرک و کفر و نفاق) است پلیدی بر پلیدی آنها افزود و مردند در حالی که کافر بودند

۱۲۶

أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ

و آیا نمی بینند که در هر سال یک یا دو بار (به سبب پیدایش جنگ یا حوادث دیگر) آزمایش می شوند؟ اما نه توبه می کنند و نه متذکر می گردند

۱۲۷

وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَيْنَا مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

و چون سوره ای نازل گردد (به سبب ناراحتی و تغییر رنگشان) برخی از آنان به برخی دیگر می نگرند (و گویی از هم می پرسند) آیا کسی شما را می بیند؟ (که مبدا نفاقشان ظاهر شود، یا از مجلس بیرون رویم)، سپس (پنهانی از نزد تو) بازمی گردند. خدا دل هایشان را (از حق) بازگرداند، زیرا که گروهی نافهمند

۱۲۸

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

حقا که شما را فرستاده ای از خودتان آمده (نه از فرشتگان و نه از اجنه) که رنج و ضرر شما بر وی گران است بر (ایمان و کمال) شما حریص است و به مؤمنان رئوف و مهربان است

۱۲۹

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

پس اگر (از پذیرش حق) روی برتافتند بگو: خدا مرا کافی است، خدایی که جز او معبودی نیست، بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ
النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ
قَالَ الْكَاْفِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ
أَيَّامٍ ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا
مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا
تَذَكَّرُونَ

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوُا الْخَلْقَ ثُمَّ
يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا
كَانُوا يَكْفُرُونَ

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ
لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا
بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ

الف، لام، را. من خدای بینا به همه اشیائ. کتاب من مرکب
از همین حروف است و در عین حال معجزه است. کتاب من
دارای محکمت و این گونه متشابهات است. این حروف
رمزهایی میان الله و رسولش محمد (ص) است. این سوره
آیات کتاب حکمت آموز است (آیات قرآن یا لوح محفوظ است
که دارای علوم، احکام شرع و مستقلات عقلی است)

آیا برای مردم تعجب آور است که به مردی از خود آنها (نه
از فرشتگان و نه از اجنه) وحی کردیم که مردم را (از کفر و
شرک و فسق) بیم ده و کسانی را که ایمان آورده اند مژده
ده که آنان را در نزد پروردگارشان سابقه نیک و منزلت و
مقامی راستین و پاداشی بسزاست؟ (از این رو) کافران
گفتند: حتما این (مرد) جادوگری آشکار است

همانا پروردگار شما همان خدایی است که آسمان ها و این
زمین را در (مدتی مساوی) شش روز (یا شش شبانه روز یا
در شش دوران) بیافرید، سپس بر تخت (اقتدار و تدبیر)
استیلا و استقرار یافت همواره کار (آفرینش) را (طبق
قانون علل و اسباب) تدبیر می کند هیچ شفاعت گری
(واسطه ای میان علل و معلول های جهان) نیست مگر پس از
اذن او این است خدایی که پروردگار شماست پس او را
بپرستید آیا متذکر نمی شوید؟

بازگشت شما همگی به سوی اوست، وعده حق و ثابت
خداست، همانا اوست که آفریدگان را در آغاز می آفریند
سپس آنها را (بعد از پایان مدت وجودیشان به سوی خود)
بازمی گرداند، تا آنان را که ایمان آورده و عمل های شایسته
کرده اند به قسط و عدل پاداش دهد و برای کسانی که کفر
ورزیده اند به سزای کفرشان شربتی از آب جوشان و عذابی
دردناک است

اوست که خورشید را روشنی بخش و دارای انوار قرار داد
و ماه را (به اشعه خورشید) تابان نمود و برای آن منزل
هایی (در مدار گردش آن به دور زمین) معین نمود تا شمار
سال ها (ی قمری) و حساب (زمان کارهایتان) را بدانید.
خداوند آنها را جز برای (هدف) حق نیافریده. او آیات و
نشانه ها (ی خود) را تفصیل می دهد برای گروهی که
بدانند (تفصیل خارجی در محنه وجود یا لفظی در مقام
بیان)

به یقین در آمد و رفت شب و روز و زیاد و کم شدن هر یک
(بر حسب فصول زمانی یا قطعات زمینی) و در آنچه خداوند
در آسمان ها (از کرات و فرشتگان و جانداران) و در زمین
(از گیاهان و حیوانات و اجنه و انسان ها) آفریده آیات و
نشانه هایی است (از توحید و عظمت و قدرت و حکمت خدا)
برای گروهی که تقوا می ورزند

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا
بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ ءَايَاتِنَا غَافِلُونَ

أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ أَلَنَارٌ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ
بِإِيمَانِهِمْ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَءَاخِرُ
دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِأَخَيْرٍ لَّقَضَىٰ
إِلَيْهِمْ أَجَلَهُمْ فَتَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ
يَعْمَهُونَ

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا
فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ
كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ
الْمُجْرِمِينَ

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ خَلِيفَ فِي الْأَرْضِ مِن بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ
كَيْفَ تَعْمَلُونَ

همانا کسانی که امید دیدار ما را ندارند (به جهان آخرت
ایمان ندارند) و به زندگی دنیا خشنود گشته و به آن دل
بسته اند و کسانی که از آیات ما (آیات تکوینی عالم شهود
و تدوینی کتاب مجید) غافل ان

آنها جایگاهشان آتش است به کیفر آنچه (با دلشان از عقاید
ناروا و با دستشان از گناهان) کسب کرده اند

به یقین کسانی که ایمان آورده اند و عمل های شایسته
کرده اند، آنها را پروردگارشان به سبب ایمانشان (به قرب
خویش) هدایت می کند، (و در آخرت) در باغ های پر نعمت
از زیر (درختان و قصر) آنها نهرها روان است

دعای آنها در آنجا این است که: خداوندا، تو منزّهی (بدان
گونه که خود را تنزیه کرده ای)، و درودشان در آنجا (از
جانب خدا و با فرشتگان و یکدیگر) سلام است، و پایان هر
دعایشان اینکه: حمد و سپاس از آن پروردگار جهانیان است

و اگر خداوند برای مردم در شر (در پذیرش دعای شر آنها و
یا در کیفر کار بدشان) شتاب می کرد همان گونه که آنان در
طلب خیر (در قبولی دعای خیرشان یا در پاداش عمل
نیکشان) شتاب دارند، قطعاً مدت عمرشان (با نزول عذاب
او) تمام می شد از این رو کسانی را که امید دیدار ما را
ندارند (معاد را منکرند) رها می کنیم تا در طغیانشان
سرگردان بمانند

و چون انسان را سختی و زیان رسد ما را (در همه حال) به
پهلوی خفته یا نشسته یا ایستاده می خواند، و چون سختی و
زیانش را از او برداریم آن چنان می رود که گویی ما را برای
(رفع) آسیبی که به وی رسیده نخوانده است! این چنین
برای اسرافکاران آنچه که به جا می آورند آراسته شده
است

و حقاً که ما ملّت های متسلسل در اعصار مختلف پیش از
شما را هلاک نمودیم، آن گاه که ستم کردند و
فرستادگانشان بر آنها دلایل روشن آوردند ولی آنها حاضر
نبودند که ایمان بیاورند. این چنین گروه گنهکاران را کیفر
می دهیم

سپس شما را پس از آنها در روی زمین جانشین کردیم تا
(طبق سنت جاریه امتحان) بنگریم که شما چگونه رفتار می
کنید

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَأَنْتَ بِقُرْءَانٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَائِي نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَبُكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

و چون آیات روشن ما بر آنها تلاوت شود کسانی که امید دیدار ما را ندارند (معاد را منکرند) گویند: قرآنی غیر این بیاور یا آن را تغییر ده (مثلا برخی از آیه ها و سوره های آن را بردار تا در آن تحریم شرک، نکوهش از بتان، صحبت از قیامت و حرمت میته و قمار نباشد). بگو: مرا نرسد و حق ندارم و در توانم نیست که (همه یا برخی از) آن را از پیش خود تبدیل کنم، من جز آنچه را که به من وحی می شود پیروی نمی کنم، به یقین من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم از عذاب روزی بزرگ می ترسم

بگو: اگر خدا می خواست آن را بر شما تلاوت نمی کردم و او هم شما را از آن آگاه نمی کرد زیرا که من بی تردید در میان شما عمری را (به مدت چهل سال) قبل از (نازل شدن) آن گذرانده ام (درس نخوانده و خط ننوشته و ادعایی نداشته ام و به ناگاه این کتاب بر زبانم جاری شده) پس آیا تعقل نمی کنید

پس چه کسی ظالم تر است از آن که دروغی بر خدا بندد یا آیات او را تکذیب کند؟ حقا که گنهکاران رستگار نمی شوند

و آنها به جای خدا چیزهایی را می پرستند که نه ضرری به آنها می رسانند و نه سودی به آنها می بخشند، و می گویند: اینان شفیعان ما در نزد خدایند. بگو: آیا خدا را از چیزی خبر می دهید که نه در آسمان ها از آن خبر دارد و نه در زمین؟! منزّه و برتر است از آنچه شریکش می شمارند

و مردم (مدت مدیدی در اوایل خلقت) جز ملتی متحد (و بدون اختلاف) نبودند، پس (به سبب روابط اجتماعی در امور دنیوی اختلاف کردند، و پس از نزول کتاب برای رفع اختلافاتشان در خود کتاب) اختلاف کردند، و اگر کلامی از پروردگارت (در علم ازلی و لوح محفوظ) نگذشته بود (که پیش از اتمام حجت عذاب نکند و پس از اتمام حجت شتاب نوزد) حتما میان آنها در آنچه اختلاف می کنند داوری (عملی) می شد. (به آیه ۲۱۳ از سوره بقره مراجعه شود).

و می گویند: چرا او از جانب پروردگارش معجزه ای (که به ناچار مردم را به ایمان وا دارد نظیر ناقه صالح، عصای موسی، آمدن فرشته) نازل نگردیده؟ بگو: جز این نیست که (امور پشت پرده) غیب در اختیار خداوند است (و شاید نازل نماید) پس منتظر باشید که من نیز حتما با شما از منتظرانم

وَإِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ
مَكْرٌ فِيْ ءَايَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ
مَا تَمْكُرُونَ

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي
الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ
عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ
بِهِمْ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ
لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

فَلَمَّا أَنجَلَهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَأْتِيهَا
النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ثُمَّ
إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلَتْهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ
بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا
أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ
عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن
لَّمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

و چون مردم را پس از سختی و رنجی که به آنان رسیده رحمت و راحتی بپشانیم (پس از جهل و فقر جاهلیت، علم و رفاه اسلام دهیم) به ناگاه در آیات ما نیرنگ می ورزند (مانند نسبت دادن سحر و شعر و افسانه). بگو: نیرنگ خدا زودرس تر است، همانا فرستادگان ما آنچه مکر می کنید می نویسند

او همان است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد تا آن گاه که در کشتی ها باشید و کشتی ها سوارانش را به وسیله بادی خوش و ملایم حرکت دهند و آنها بدان خوش حال شوند (به ناگاه) باد شدیدی بر آن کشتی ها بوزد و موج (دریا) از هر سو به آنها بتازد و یقین کنند که در محاصره (موج و بلا) قرار گرفته اند (در آن حال) خدا را با اخلاص در ایمان و اعتقاد می خوانند که اگر از این (ورطه) نجاتمان بخشی حتما از شکرگزاران خواهیم بود

و چون آنها را نجات دهد به ناگاه (می بینی که) در روی زمین به ناحق ستم می کنند! ای مردم، بی تردید ستم های شما به زیان خودتان است، بهره ای (اندک) از زندگی دنیا می برید سپس بازگشتتان به سوی ما است، پس شما را از آنچه عمل می کردید آگاه می سازیم

جز این نیست که مثل زندگی دنیا مانند آبی است که (به صورت برف و باران) از آسمان فرو ریختیم که به سبب آن گیاهان زمین از آنچه مردم و چهارپایان می خورند به هم درآمیخت، تا آن گاه که روی زمین زیبایی خود را فرا گرفت و آرایش یافت و ساکنان آن گمان بردند که خود بر (بهره برداری از) آن قادرند (به ناگاه) دستور ما (به صورت سرما یا گرما یا سیل یا تگرگ) در شب هنگام یا روز بر آن فرا رسید، پس همه را به صورت علف های درو شده خشک درآوردیم به طوری که گویی دیروز سرپا نبوده است. این گونه ما نشانه ها (ی قدرت و غضب خود) را (در کتاب تکوین و کتاب تدوین) تفصیل می دهیم برای گروهی که می اندیشند

و خداوند (بشر را) به سوی دار السَّلام (بهشت سالم از فنا و زوال) دعوت می کند، و هر کس را بخواهد (از پذیراشدگان هدایت عامه) به راهی راست (در معارف خاصه) هدایت می کند

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَائُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَ قَالَ شُرَكَائُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ

فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ

هُنَالِكَ تَبْلُغُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ

كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

برای کسانی که نیکوکار شدند و نیکی کردند پاداش نیک (مقررِی و فزونی (تفضّل) است و چهره های آنان را (در آخرت) دود سیاه و گرد ذلت و خواری نمی پوشاند. آنها اهل بهشت اند که در آنجا جاودانند

و کسانی که مرتکب گناهان شده اند، کیفر هر گناهی (طبق استحقاقِ اولی) به مانند آن است (نه بیشتر)، و ذلت و خواریِی (سراسر وجود) آنها را می پوشاند هرگز آنان را از (خشم و عذاب) خدا نگهدارنده ای نخواهد بود، گوییِی چهره هایشان با پاره هایی از شب ظلمانی پوشیده شده! آنان اهل آتش اند که در آنجا جاودان خواهند بود

و (یاد کنید) روزی که همه آنها را (در صحنه قیامت) جمع کنیم سپس به کسانی که شرک ورزیده اند گوییم: شما و شریکانتان (از بت و غیر بت هر یک برای بازجویی و محاکمه) در جایگاه خود قرار گیرید پس (به وسیله آشکار نمودن حقایق در آن روز) رابطه آنها را با یکدیگر قطع می کنیم و (بدین جهت) شریکان آنها می گویند: شما (در دنیا) ما را نمی پرستیدید (بلکه در واقع هوای نفس خود را می پرستیدید)

پس گواهی خداوند میان ما و شما کافی است، حقیقت این است که ما از پرستش شما غافل بودیم. (غفلت ذوی العقول به خاطر عدم اعتنا بود و غفلت بت ها به خاطر عدم ادراک.

در آن روز و در آنجاست که هر نفسی آنچه را از عمل (در دنیا) پیش فرستاده می آرماید (از میزان ارزش و مقدار جزای آن آگاه می شود) و همه به سوی خداوند مولا و سرپرست حقیقی خود بازگردانده می شوند (به سوی بهشت یا دوزخ روانه می شوند) و آنچه افترا می بستند (به دروغ شریک خدا می پنداشتند) از آنها ناپدید می گردد

بگو: کیست که شما را از آسمان و زمین روزی می بخشد؟ و یا کیست که بر گوش شما و شنوایی آن و دیدگان شما و بینایی آنها تسلّط و حکومت دارد؟ و کیست که زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می آورد؟ و کیست که همه شنون (جهان هستی) را تدبیر می کند؟ بی درنگ می گویند: خدا! بگو: پس آیا پروا نمی کنید؟

پس آن خداوند پروردگار حقیقی شماست و بعد از حقیقت جز گمراهی چیست؟ پس چگونه و به کجا بازگردانده می شوید؟

این گونه سخن (قاطع) پروردگارت درباره کسانی که نافرمانی کردند ثابت و محقق شد که آنان ایمان نخواهند آورد

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَن يَبْدُوُاُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ قُلِ
اَللّٰهُ يَبْدُوُاُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥۚ فَآلِیْ تُؤَفَّكُوْنَ

۳۵

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَن يَهْدِیْ اِلَی الْحَقِّ قُلِ اَللّٰهُ
یَهْدِیْ لِلْحَقِّۚ اَفَمَنْ یَهْدِیْ اِلَی الْحَقِّ اَحَقُّ اَنْ یُّتَّبَعَ اَمَّنْ لَا
یَهْدِیْۚ اِلَّا اَنْ یُّهْدٰیۖ فَمَا لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُوْنَ

۳۶

وَمَا یَتَّبِعُ اَکْثَرُهُمْۚ اِلَّا ظَنًّاۚ اِنَّ الظَّنَّ لَا یُعْنِیْ مِنْ الْحَقِّ
شَیْئًاۚ اِنَّ اَللّٰهَ عَلِیْمٌۢ بِمَا یَفْعَلُوْنَ

۳۷

وَمَا كَانَ هٰذَا الْقُرْءَانُ اَنْ یُّفْتَرٰی مِنْ دُوْنِ اَللّٰهِ وَلَکِنْ
تَصَدِیْقَ الَّذِیْ بَیْنَ یَدَیْهِ وَتَفْصِیْلَ الْکِتٰبِ لَا رَیْبَ فِیْهِ
مِنْ رَّبِّ الْعٰلَمِیْنَ

۳۸

اَمْ یَقُولُوْنَ اُفْتَرٰنَهٗۚ قُلْ فَاْتُوْا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهٖۙ وَادْعُوْا مَنِ
اَسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُوْنِ اَللّٰهِ اِنْ کُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ

۳۹

بَلْ کَذَّبُوْاۤ بِمَا لَمْ یُحِیْطُوْا بِعِلْمِهٖۙ وَلَمَّا یَأْتِیْهِمْ تَاْوِیْلُهٗۚ
کَذٰلِکَ کَذَّبَ الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِهِمْۖ فَاَنْظُرْ کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ
الظَّٰلِمِیْنَ

۴۰

وَمِنْهُمْ مَّنْ یُّؤْمِنُ بِهٖۙ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَا یُؤْمِنُ بِهٖۚ وَرَبُّکَ اَعْلَمُ
بِالْمُفْسِدِیْنَ

۴۱
۱۷۶ر

وَ اِنْ کَذَّبُوْکَ فَقُلْ لِیْ عَمَلِیْ وَلَکُمْ عَمَلُکُمْۖ اَنْتُمْ بِرِیْءُوْنَ
مِمَّا اَعْمَلُ وَاَنَا بِرِیْءٌۢ مِّمَّا تَعْمَلُوْنَ

۴۲

وَمِنْهُمْ مَّنْ یَسْتَمِیْعُوْنَ اِلَیْکَۚ اَفَاَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ کَانُوْا
لَا یَعْقِلُوْنَ

بگو: آیا از شریکان شما (بت هایی که شریک خدا می دانید) کسی هست که آفریدگان را در آغاز بیافریند، سپس آنان را بازگرداند؟ بگو: خداست که آفریدگان را در آغاز می آفریند سپس آنان را بازمی گرداند (پس از میراندن در قیامت زنده می کند) پس چگونه و به کجا بازگردانده می شوید؟

بگو: آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حق هدایت کند؟ بگو: تنها خداست که به سوی حق هدایت می کند (هر موجودی را به سوی مقصد طبیعی هدایت تکوینی، و هر قابل ارشادی را به سوی هدف صالح خود هدایت تشریعی می کند) پس آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند سزاوارتر است که از او پیروی شود یا آن کس که خودش را هم تا هدایت نکنند هدایت نمی یابد؟ شما را چیست؟ چگونه قضاوت می کنید؟

و بیشتر آنها (در اعتقاداتشان) جز از ظنّ و گمان پیروی نمی کنند، با آنکه بی تردید (ظنّ و) گمان از هیچ حقّ بی نیاز نمی سازد، همانا خداوند به آنچه می کنند داناست

و این قرآن چنان نیست و عادتاً و عقلاً امکان ندارد که افترا و دروغی از جانب غیر خدا باشد، بلکه تصدیق (کننده) است آنچه را که پیش از او بوده (تورات و انجیل) و شرح و تفصیل هر کتاب (آسمانی) است تردیدی در آن نیست و از جانب پروردگار عالمیان است

بلکه گویند که این (قرآن) را (محمّد) به دروغ ساخته است. بگو: پس یک سوره همانند آن را (در فصاحت لفظ و عمق محتوا و فنون علوم و اخبار از مغیبات) بیاورید و (در این عمل) هر کس را غیر از خدا توان دارید به یاری طلبید، اگر راستگویید. (به آیه ۲۳ سوره بقره مراجعه شود.

(آنها قرآن را با علم به معانی آن تکذیب نکردند) بلکه چیزی را تکذیب نمودند که احاطه به علم آن نداشتند و هنوز تاویل آن (روز آشکار شدن حقایق آن که روز ظهور حکومت عدل جهانی و روز قیامت است) برای آنها نیامده. کسانی که پیش از آنها بودند نیز (پیامبران خود را) این گونه تکذیب کردند پس بنگر که عاقبت ستمکاران چگونه شد

و از آنان برخی به آن ایمان می آورند و برخی ایمان نمی آورند، (اینان مفسدند) و پروردگار تو به مفسدان داناتر است

و اگر تو را تکذیب نمودند بگو: عمل من از آن من و عمل شما از آن شماست، شما از آنچه من به جا می آورم بیزارید و من از آنچه شما به جا می آورید بیزارم (پس باشد تا برای من دستور جهاد صادر گردد)

و از آنان کسانی هستند که به (قرآن و کلام) تو گوش فرا می دهند (ولی گوش دلشان کر است)، پس آیا تو می توانی کران را بشنوانی هر چند تعقل نکنند؟

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْى وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

وَمَا نُرِيكَ بِعَضِّ أَلَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَعْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنِ اتَّكُمُ عَذَابُهُ بَيِّنَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ

أَنْتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ ءَامَنْتُمْ بِهِ ءَاَلَكُنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِء تَسْتَعْجِلُونَ

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُوَ لَحَقُّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

و برخی از آنان به سوی تو (به دلایل نبوت تو) می نگرند (ولی از درک و عبرت نایبنایند)، پس آیا تو می توانی نایبانیان را هدایت کنی هر چند نبینند؟

مسلمًا خداوند (در گرفتار کردن مردم به عقوبت های دنیا و عذاب های آخرت) هیچ ستمی به مردم نمی کند، و لکن مردم بر خویشتن ستم می کنند (که اسباب آنها را فراهم می سازند)

و (به یاد آر) روزی که (خداوند) آنها را (در صحنه قیامت) گرد می آورد در حالی که گویی (در دنیا یا در عالم برزخ) جز ساعتی از روز درنگ نکرده اند با یکدیگر اظهار آشنایی می کنند (در آن روز) کسانی که دیدار خدا را تکذیب نمودند حتما زیانکار شده اند و از هدایت یافتگان نیستند

و اگر برخی از آنچه را که به آنها وعده می دهیم (از مجازات های دنیوی آنان) به تو نشان دهیم یا تو را (پیش از آن) قبض روح کنیم پس (دل محزون مدار، که کیفر اخروی آنها را خواهی دید، زیرا) بازگشت آنها به سوی ماست، آن گاه خداوند بر آنچه انجام می دهند گواه است

و برای هر امتی (در طول تاریخ و در علم ازلی الهی و لوح محفوظ) فرستاده ای است، پس چون فرستاده آنها بیاید میان آنها به عدالت داوری شود (در دنیا به منطق و برهان و در آخرت به پاداش و کیفر) و بر آنها ستم نمی رود

و (آنها به عنوان استهزاء) گویند: این وعده (عذاب دنیوی یا آمدن قیامت) کی خواهد بود اگر شما راستگویید

بگو: من حتی درباره خودم تسلط بر زیان و سودی ندارم جز آنچه را که خدا بخواهد (چه رسد به عذاب شما یا آمدن قیامت)! هر امت و گروهی را (در علم ازلی الهی و لوح محفوظ او) مدتی است (محدود)، که چون مدتشان به سر رسد ساعتی تأخیر نمی کنند و البته ساعتی هم پیشی نمی گیرند

بگو: اگر عذاب او در شب یا در روز بر شما فرا رسد (پشیمان خواهید شد، پس) مرا خبر دهید که گنهکاران به چه چیزی از آن عجله دارند؟ (آیا شتاب بر نزول عذاب عاقلانه است؟

سپس (به آنان بعد از رسیدن عذاب و اظهار پشیمانی گفته می شود) آیا هنگامی که عذاب فرا رسید به آن ایمان آوردید؟! حالا؟! در حالی که به رسیدن آن عجله می کردید

سپس (در روز قیامت) به کسانی که ستم کرده اند گفته می شود: بچشید عذاب جاودان را! آیا جز در مقابل آنچه (از کفر و فسق) کسب می کردید کیفر داده می شوید؟

و از تو خبر می گیرند که آیا آن (قیامت و پاداش و کیفر) حق است؟ بگو: آری به پروردگارم سوگند که آن حق است، و هرگز شما ناتوان کننده (گریزنده از عذاب خدای من) نیستید

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۖ
وَأَسْرُوا التَّدَامَةَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ ۖ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

هُوَ يَحْيِي ۚ وَيُمِيتُ ۖ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ
لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ ۖ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا
يَجْمَعُونَ

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ
حَرَامًا وَحَلَلًا قُلْ ءَاللَّهِ أَذِنَ لَكُمْ ۖ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ إِنَّ
اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ
مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ ۚ وَمَا
يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ
وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

و (در روز قیامت) اگر برای هر کسی که ستم کرده همه
آنچه در روی زمین است بوده باشد قطعا آن را فدای خود
می کند (تا از عذاب برهد). و هنگامی که عذاب را ببینند
(از شرمساری) پشیمانی خود را پنهان می کنند و میان آنها
به عدالت دآوری می شود و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند

آگاه باشید که در حقیقت همه آنچه در آسمان ها و زمین
است (علاوه بر خود آنها) ملک حقیقی خداست (زیرا
آفرینش و حفظ و تدبیر و فانی نمودن همه در تحت اراده
اوست)، آگاه باشید که حتما وعده خدا حق است و لکن
بیشتر آنان نمی دانند

اوست که (هر موجود قابل حیات و مرگ را) زنده می کند و
می میراند، و به سوی او بازگردانده می شوید

ای مردم (ای همه انسان ها در همه تاریخ) به یقین برای
شما پند و اندرزی از جانب پروردگارتان آمده (کتابی که
سراپا پند و اندرز است) و شفایی برای آنچه در سینه
هاست (از عقاید فاسده و صفات رذیله)، و هدایت و رحمتی
برای مؤمنان

بگو: به فضل و رحمت خداوند (آری) به آن فضل و رحمت
شاد باشند، که آن بهتر است از آنچه آنان جمع می کنند

بگو: به من خبر دهید که آنچه خدا از روزی برای شما نازل
کرده و شما قسمتی از آن را حرام و قسمتی را حلال کردید،
بگو: آیا خدا (این تقسیم را) به شما اذن داده یا بر خدا
افترا می بندید؟ (تشریع احکام تنها از آن خداست نه غیر
او– به آیه ۱۰۳ سوره مائده و ۱۳۸ و ۱۳۹ سوره انعام
رجوع شود)

و کسانی که بر خدا دروغ می بندند گمانشان در روز قیامت
چیست؟ (آیا جز عذاب است به خاطر افترا و ترک شکر؟)
حقا که خداوند (در دنیا) صاحب تفضل بر همه مردم است و
لکن بیشترشان شکر نمی گزارند

و در هیچ حال و کاری نمی باشی، و هیچ قسمتی از قرآن را
از ناحیه او تلاوت نمی کنی و (شما مکلفان) هیچ کاری نمی
کنید مگر آنکه در همان حالی که بدان می پردازید ما حاضر
و گواه شما هستیم، و چیزی به اندازه سنگینی ذره ای نه در
زمین و نه در آسمان از (احاطه ذات و قدرت و علم)
پروردگارت پنهان نیست و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر
نیست مگر آنکه در کتابی روشن (در لوحی که واقع اشیا در
آن منعکس و در منظر مقربان آشکار است) ثبت است

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آگاه باشید که به یقین دوستان و نزدیکان خدا نه بیمی (در عالم آخرت) بر آنان می رود و نه اندوهی خواهند داشت

۶۳

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

همانان که ایمان آورده و همواره (از گناهان) پرهیز می کردند

۶۴

لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

آنان را در زندگی دنیا و در آخرت بشارت است (در دنیا به زبان انبیا و الهامات غیبی و فرشتگان در نزد مرگ، و در آخرت به خطاب حق و لقای ملک و ظهور حقایق)، هیچ تبدیلی در کلمات خدا (در وعده های او) نیست، این است کامیابی بزرگ

۶۵

وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و گفتار آنها تو را غمگین نسازد، مسلماً قدرت و پیروزی همه اش به دست خداست، اوست که شنوا و داناست

۶۶

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

آگاه باشید که هر که (و هر چه) در آسمان ها و هر که (و هر چه) در زمین است ملک حقیقی خداوند است، و کسانی که غیر از خداوند شریکانی (بت هایی) را می خوانند از چه پیروی می کنند؟ آنها جز از ظنّ و گمان پیروی نمی کنند و آنها فقط حدس و دروغ می زنند

۶۷

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

او همان است که شب را برای شما بیافرید که در آن بیارمید و روز را روشن ساخت (تا در آن به کار و تلاش پردازید) حقاً که در این (خلق و تدبیر) نشانه هایی است (از قدرت و حکمت و رحمت او) برای گروهی که بشنوند

۶۸

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَٰذَا أْتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

(مشرکان) گفتند: خداوند فرزندی (برای خود) گرفته است او منزّه است، اوست که بی نیاز است آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از آن اوست در نزد شما برای (اثبات) این ادعا هیچ حجتی نیست آیا به خداوند چیزی را که نمی دانید نسبت می دهید؟

۶۹

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ

بگو: بی تردید کسانی که بر خداوند دروغ می بندند رستگار نمی شوند

۷۰

مَتَّعُ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

(استفاده آنها از افترا) برخورداری اندکی است در دنیا، سپس بازگشت آنها به سوی ما است، آن گاه به آنها به سزای آنکه کفر می ورزیدند عذاب سخت را می چشانیم

وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦ يَتَقَوْمِۦ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُم مَّقَامِي وَتَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ أَقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ

فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍۭ إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَّعَهُۥ فِي الْفُلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۖ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِۦ رَسُولًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِۦ مِنْ قَبْلُ ۚ كَذَٰلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَٰٓئِهِۦ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ

قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ ۖ أَسِحْرٌ هَٰذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْلَمَ مَا جَدَدْنَا عَلَيَّهِۦ ءَابَاؤُنَا وَتَكُونُ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ

و بر آنها داستان نوح را بخوان، آن گاه که به قوم خود گفت: ای قوم من، اگر اقامت من (در میان شما، یا قیامم به امر نبوت) و تذکراتم به نشانه های خدا بر شما گران است (از این رو قصد کشتن یا تبعید مرا دارید) من بر خدا توکل کردم، پس شما با شریکانتان (بت هایی که پندارید شما را یاری می دهند) در کار خود تصمیم بگیرید تا کارتان بر شما مبهم و پوشیده نباشد، آن گاه کار مرا یکسره کنید و هیچ مهلتم ندهید

پس اگر (از دعوت من) روی برتابید (درست نیست، زیرا) من که از شما مزدی نطلبیده ام مزد من جز بر عهده خدا نیست، و من مأمورم که از تسلیم شدگان (فرامین او) باشم

پس او را تکذیب کردند، ما هم او و کسانی را که در کشتی با او بودند (از آن طوفان عظیم تاریخی) نجات دادیم و آنها را جانشین (هلاک شدگان) ساختیم، و کسانی را که به آیات و نشانه های ما تکذیب کردند غرق نمودیم پس بنگر که عاقبت کسانی که بیم داده شدند چگونه بود؟

آن گاه پس از وی (نوح) رسولانی (چون هود و صالح و لوط) را به سوی قومشان برانگیختیم، پس برای آنها دلایل روشن (در اثبات توحید و نبوت خویش) آوردند و (بی) آنها حاضر نبودند به آنچه (خودشان یا پدرانشان) پیش از آن تکذیب کرده بودند ایمان آورند. این گونه ما بر دل های تجاوزکاران مهر (شقاوت) می نهیم

سپس بعد از آنها موسی و هارون را با آیات (و دلایل نه گانه) خود به سوی فرعون و سران قوم او برانگیختیم پس تکبر و سرکشی ورزیدند و آنها گروهی گنهکار بودند

پس چون حق (ادلّه و معجزات موسی) از جانب ما به آنها رسید، گفتند: بی شک این جادویی آشکار است

موسی گفت: آیا حق را (معجزه های خدا را) هنگامی که به شما رسید (جادو) می گوئید؟! آیا این (نوع معجزات) جادو است؟! حال آنکه جادوگران رستگار نمی شوند

گفتند: آیا آمده ای تا ما را از آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم برگردانی و بزرگی و ریاست در این سرزمین از آن شما دو تن باشد؟! (هرگز چنین نشود) و ما هرگز به شما ایمان آور نیستیم

وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ

۸۰

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُّلقُونَ

۸۱

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ

۸۲

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ

۸۳
۱۸۰۹

فَمَا ءَامَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ

۸۴

وَقَالَ مُوسَىٰ يَقَوْمِ إِن كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُّسْلِمِينَ

۸۵

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۸۶

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

۸۷

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

۸۸

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

و فرعون گفت: هر جادوگر دانا (و ماهر در فن سحر) را نزد من آورید

پس چون جادوگران (با ابزارهای نمایش جادو) آمدند، موسی به آنها گفت: آنچه را که تصمیم بر افکندن آن دارید بیفکنید

پس هنگامی که افکندند (جادویشان را نشان دادند) موسی گفت: آنچه شما (به صحنه نمایش) آوردید سحر است، مسلماً خداوند به زودی آن را باطل می کند، که همانا خداوند کردار تبهکاران را به سامان نمی رساند

و خداوند حق را به کلمات خود (به تقدیرش در لوح و اجرایش به اراده) ثابت و پایدار می کند هر چند گنهکاران خوش ندارند

پس به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندانی از قوم او (مردمان مستضعف از قوم او) آن هم با ترسی از فرعون و اشراف قوم خودشان که مبادا (فرعون) آنها را عذاب کند، و البته فرعون در روی زمین بسی برتری طلب و از تجاوزکاران بود (تجاوز در تکبر به دعوی الوهیت و در قتل به کشتن کودکان و در ستم به شکنجه های گوناگون)

و موسی گفت: ای قوم من، اگر به خدا ایمان آورده اید پس بر او توکل کنید اگر تسلیم اوبید

پس گفتند: ما بر خدا توکل کردیم پروردگارا، ما را دستخوش شکنجه ستمکاران یا مایه آزمایش قدرت آنان قرار مده

و ما را به رحمت خویش از (سلطه) گروه کافران نجات بخش

و به موسی و برادرش (هارون) وحی کردیم که برای قومتان (به جای صحرانشینی) در مصر (مرکز حکومت فرعون) خانه هایی فراهم کنید و خانه های خود را رو به روی یکدیگر و به سوی قبله کعبه قرار دهید و نماز را برپا دارید، و (ای موسی) مؤمنان را بشارت (پیروزی) ده

و موسی (پس از نومیدی از ایمان فرعونیان) گفت: پروردگارا، تو فرعون و سران قومش را زینت (سرشار) و اموالی (بسیار) در زندگی دنیا داده ای، پروردگارا، تا عاقبت (بندگانت را) از راه تو گمراه سازند پروردگارا، اموالشان را نابود کن و دل هایشان را سخت گردان که دیگر ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند، (و هارون به نفرین موسی آمین می گفت)

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ
الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ
بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَذْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ ءَامَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ
إِلَّا الَّذِي ءَامَنْتُ بِهِۦ بَنُوءَ إِسْرَءِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ

ءَالَتَنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ ءَايَةً وَإِنَّ
كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِّ ءَايَاتِنَا لَغَافِلُونَ

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِيَ إِسْرَءِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ
الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

فَإِن كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ
الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا
تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ
الْخَاسِرِينَ

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

(خداوند) گفت: حتما دعای شما دو تن پذیرفته شد، پس
(در ابلاغ رسالت خود) مقاوم و استوار باشید و هرگز راه
کسانی را که نمی دانند دنبال نکنید

و بنی اسرائیل را از دریا (رود نیل) گذراندیم، پس فرعون
و لشکریانش آنها را از سر ظلم و عدوان دنبال نمودند، تا
آن گاه که او را حالت غرق شدن در رسید، گفت: ایمان
آوردم که خدایی جز همان که بنی اسرائیل به او ایمان
آورده اند نیست و من از تسلیم شدگانم

(به او گفته شد) الْآن (که وقت توبه گذشته)؟! در حالی که
پیش از این نافرمانی کردی و از تبهکاران بودی

پس امروز تو را با بدن بی جانت نجات داده در مرتفعی از
ساحل دریا می افکنیم تا برای کسانی که پس از تو می آیند
نشانه ای (از قدرت خدا و ذلت طاغوت ها) باشی، و حقاً که
بسیاری از مردم از نشانه های ما غافلند

و همانا بنی اسرائیل را در جاییگاهی درست و دلخواه جای
دادیم (در شام و بیت المقدس) و از روزی های پاکیزه به
آنها روزی دادیم، (پس آنان در امر دینشان به اختلاف
برخاستند،) و اختلاف نکردند مگر آن گاه که علم (به معارف
تورات) برای آنها حاصل شد. بی تردید پروردگار تو در روز
قیامت میان آنها درباره آنچه در آن اختلاف می کردند داوری
خواهد نمود

پس اگر (فرضا) از آنچه (از معارف دینی) به سوی تو نازل
کردیم در شک و تردیدی از آنان که پیش از تو کتاب
(آسمانی) می خوانند بپرس به یقین که حق از جانب
پروردگارت برای تو آمده، پس هرگز از تردیدکنندگان
مباش

و هرگز از کسانی مباش که آیات خدا را تکذیب کردند، که
از زیانکاران خواهی بود

حقاً کسانی که کلمه پروردگارت درباره آنها مسلّم شده (طبق
علم ازلی الهی معلوم است که کفر و شقاوت را اختیار
خواهند کرد) ایمان نخواهند آورد

هر چند همه نشانه ها و معجزه ها برای آنها بیاید، تا آن گاه
که عذاب دردناک را ببینند

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيَّةٌ ءَامَنْتَ فَنَفَعَهَا إِيْمَنُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ
لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَن فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ
تُكْرِهَ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ
عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

قُلِ أَنْظِرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ
وَالنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِهِمْ قُلِ
فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَاجِ
الْمُؤْمِنِينَ

قُلِ يَٰأَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِّن دِينِي فَلَا أَعْبُدُ
الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي
يَتَوَفَّاكُم وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۖ فَإِن
فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِّنَ الظَّالِمِينَ

۹۹

۱۰۰

۱۰۱

۱۰۲

۱۰۳

۱۰۴
۱۸۲ر

۱۰۵

۱۰۶

پس چرا هیچ مجتمعی نبود که (به موقع) ایمان بیاورد و
ایمانش (به حال آن) سود بخشد، مگر قوم یونس که چون
ایمان آوردند عذاب خفت بار و رسوایی را در زندگی دنیا از
آنان برداشتیم و آنها را تا مدتی (از نعمت زندگی) برخوردار
کردیم

و اگر پروردگار تو (به اراده تکوینی) می خواست قطعا
کسانی که در روی زمین اند همگی یکسره به اجبار ایمان
می آوردند (لکن خداوند بدون اجبار به ایمان دستور داده)
پس آیا تو مردم را وا می داری تا به اکراه مؤمن شوند؟

و هیچ کس را نرسد و عقلا ممکن نباشد که ایمان بیاورد
مگر به اذن و توفیق خداوند (به هدایت عقلی و نقلی او) و
خدا پلیدی (گمراهی) را (پس از اتمام حجت) بر کسانی قرار
می دهد که نمی اندیشند

بگو: بنگرید که در آسمان ها و این زمین (از عجایب حیرت
آور خلقت) چیست؟ اما هرگز نشانه ها و انذارها به حال
گروهی که ایمان نمی آورند سودی نمی بخشد و (غفلت و
ضلالت را) از آنها دور نمی کند

پس آیا جز همانند روزهای (عذاب) کسانی را که پیش از
آنها گذشته اند انتظار می برند؟ (روزهای باد مسموم، بارش
سنگ، صاعقه سوزان و صیحه کشنده) بگو: انتظار برید که
همانا من نیز با شما از منتظرانم

سپس فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده اند (در
وقت نزول بلا) نجات می دهیم این چنین- که بر ما لازم
است- مؤمنان را (در هر عصر و محیطی) نجات می بخشیم

بگو: ای مردم، اگر درباره (حقیقت و صحت) دین من در
شکید، پس (بدانید که) من آنهایی را که شما به جای خدا
می پرستید نمی پرستم، و لکن خدایی را که جان همه شما
را می ستاند می پرستم و من مأمورم که از مؤمنان باشم

و (به من امر شده) اینکه توجه قلبت را به سوی این دین
مستقیم حق مدار کن و هرگز از مشرکان مباش

و جز خدا چیزی را که به تو سودی نمی بخشد و زیانی نمی
رساند (به خدایی) مخوان، که اگر چنین کنی در آن صورت
حتما از ستمکاران خواهی بود

وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُٗ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِۦ يُصِيبُ بِهِۦ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِۦ ۚ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ ۖ فَمَنْ أَهْتَدَىٰ فَأِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ ضَلَّٰ فَأِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۖ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

۱۱ . هود	هُود: هود	مکی	۱۲۳ آیه	۱۵ صفحه
----------	-----------	-----	---------	---------

الف، لام، را. من خدای بینا به همه اشیائم. کتاب من مرکب از همین حروف است و در عین حال معجزه است. کتاب من دارای محکمت و این گونه متشابهات است. این حروف رمزهایی میان الله و رسولش محمد (ص) است. (این قرآن) کتابی است که آیات آن (به واسطه فصاحت لفظ و متانت نظم و مصونیت محتوا از خطا و اختلاف و نسخ) استحکام یافته، سپس از جانب (خدای) حکیم آگاه (به سوره ها و آیه ها و احکام و اخلاق و معارف گوناگون) تفصیل داده شده است

(دعوت من این است) که جز خدا را نپرستید که همانا من برای شما از جانب او بیم دهنده و بشارت آورم

و اینکه از پروردگار خود آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید تا شما را با بهره خوشی (از زندگی) تا مدتی معین برخوردار نماید و به هر صاحب فضلی فضل او را (پاداش دنیوی و اخروی کمالات هر صاحب کمالی را به تناسب کمالش) عطا نماید. و اگر روی بر تابید، بی تردید من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیم دارم

بازگشت شما به سوی خداست (ابتداءً به ورود به برزخ و سپس به قیامت و آن گاه به مقرّ دائمی نعمت یا عذاب) و او بر هر چیزی تواناست

آگاه باشید که آنها (مشرکان در وقت شنیدن قرآن) سینه های خود را خم می کنند تا از پیامبر پنهان گردند و دل ها را (از توجه به قرآن) منحرف می سازند تا از یاد خدا منصرف شوند، آگاه باشید، آن گاه که آنان جامه های خود را بر سر و بدن می پیچند یا در وقت خواب لحاف بر سر می کشند خداوند آنچه را نهفته و آنچه را (به زبان) آشکار می سازند می داند، که همانا او به اسرار سینه ها داناست

أَلَا إِنَّهُمْ يَنْتُونْ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ ۚ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ
مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

۷

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ
عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَلَئِنْ
قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ
كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ

۸

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا
يَجْبِسُهُ ۚ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ
لَيَكْفُرُ ۚ

۱۰

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ
السَّيِّئَاتُ عَنِّي ۚ إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ

۱۱

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

۱۲

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ ۚ صَدْرُكَ أَنْ
يَقُولُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ كُزُّ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ ۚ إِنَّمَا أَنْتَ
نَذِيرٌ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

و هیچ زنده متحرکی در این زمین (از حیوان و جن و انس) نیست مگر آنکه روزی او بر عهده خداست، و او قرارگاه اصلی آنها و جایگاه موقت آنها را می داند (قرارگاه آنها را در صلب پدر و رحم مادر، یا) و او محل استقرارشان را (در حال حیات) و مقرّ تودیعشان را (پس از مرگ) می داند، همه در کتابی روشن (لوح محفوظ روشن در انظار مقربان ملا اعلی) ثبت است

و او همان است که آسمان ها و زمین را در حالی که تخت (سلطنت) او بر آب بود در شش روز (در مدتی مساوی با شش روز روشن یا شش شبانه روز یا شش دوران) بیافرید تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید. و اگر بگویی که شما حتما پس از مرگ برانگیخته می شوید، کسانی که کفر ورزیده اند خواهند گفت: این (گونه سخنان) نیست جز جادویی آشکار

و اگر عذاب را تا مدت اندکی از آنها به تأخیر اندازیم حتما (از روی استهزا) می گویند: چه چیز از آن مانع می شود؟! آگاه باشید، روزی که (عذاب) بر آنها بیاید هرگز از آنها بازداشتنی نیست و آنچه به آن استهزا می کردند آنها را فرا خواهد گرفت

و بی شک اگر به انسان رحمتی از جانب خویش بچشانیم (مانند صحت، اولاد و اموال) سپس آن را از وی (به اقتضای گناه او یا نظام اتمّ خلقت) سلب کنیم همانا او سخت نومید شونده (نسبت به آینده) و کفران کننده (نسبت به نعمت های گذشته) است

و اگر او را پس از سختی و پریشانیی که به او رسیده خوشی و نعمتی بچشانیم (مانند صحت و ثروت و امنیت) حتما خواهد گفت که سختی ها و بلاها از من برفت (و بر نخواهد گشت)، و در آن حال سرمست و فخر فروش خواهد بود

مگر کسانی که صبر ورزیدند و کارهای نیک کردند، (تا آنجا که نفس مطمئنه یافتند) و تبدل (احوال در آنها اثر یأس و کفران و فرح و فخر نگذاشت) آنانند که برای آنها آمرزش و پاداشی بزرگ است

پس شاید تو به خاطر آنکه می گویند: چرا بر او گنجی نازل نشده و یا فرشته ای همراه او نیامده، برخی از آنچه را که به سویت وحی می شود (مانند استهزاء، بتان و رسوم جاهلیت آنان را) رها کنی و سینه ات از ابلاغ آن تنگ شود! جز این نیست که تو بیم دهنده ای هستی (گنج و فرشته در اختیار تو نیست) و خدا بر همه چیز ناظر و نگهبان است

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ
وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

فَالَّذِينَ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِطَّ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كَتَبُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

آیا می گویند: او این (قرآن) را از پیش خود ساخته (و به خدا نسبت می دهد)! بگو: شما نیز ده سوره ساخته‌ی همانند آن را بیاورید و (برای ساختنش) هر کس را غیر از خدا توان دارید فرا خوانید، اگر راستگویید

پس (ای مسلمانان) اگر منکران این دعوت شما را اجابت نکردند (و ای مشرکان، اگر عالمانتان از معارضه طفره رفتند) پس بدانید که بی شک این (کتاب) به علم خدا فرو فرستاده شده و اینکه جز او معبودی نیست، پس آیا تسلیم (حق) خواهید شد؟

آنان که زندگی دنیا و زیور و زینت آن را بخواهند (و دین را نپذیرند، پاداش دنیوی) عمل های (خیر) آنها را (مانند حسن معاشرت، انفاقات، اختراعات و خدمات) در دنیا به طور کامل به آنها می دهیم (خواه پاداش نتیجه طبیعی عمل باشد یا بذل خدایی) و در دنیا چیزی از آنها کم گذاشته نمی شود

آنها کسانی اند که در آخرت برای آنها جز آتش (نصیبی) نیست، و آنچه انجام داده اند در آنجا حبط و بی اثر می شود و آنچه می کردند (به خاطر نبود شرط ایمان و غالباً قصد قربت، ذاتاً) باطل خواهد بود

آیا کسی که (در اعتقاد و عمل خود) بر پایه دلیل روشنی از جانب پروردگار خویش است (مانند قرآن) و به دنبال او گواهی از جانب خداست (تأیید معصوم، معجزه او و حکم عقل که مصدق قرآنند) و پیش از آن نیز کتاب موسی پیشوا و رحمت بود (مانند کسی است که تنها به گمان و شک تکیه دارد؟ آری) ایشانند که به این قرآن ایمان می آورند، و هر کس از گروه ها به آن کفر ورزد آتش وعده گاه اوست پس، از آن در شک و تردید مباش، قطعاً آن حق ثابت از جانب پروردگار توست و لکن بیشتر مردم ایمان نمی آورند

و چه کسی ستمکارتر است از کسانی که بر خدا دروغ بندند؟ (بر خلاف واقع توصیف کنند، دینی را به او نسبت دهند، بدعتی در شرع بگذارند)، آنان (در روز قیامت) بر پروردگار عرضه خواهند شد و گواهان (فرشتگان عمل نگار، معصومان هر عصر و اعضای بدنشان) گویند: اینهايند کسانی که بر پروردگار خود دروغ بستند هان! لعنت خدا بر ستمکاران باد

همانان که (مردم را) از راه خدا باز می دارند و آن را کژ و منحرف جلوه می دهند یا مطالب کج وارد آن می کنند و آنها که سخت به روز واپسین کافرنند

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ يُضْعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

۲۱

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ

۲۲

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۲۳

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

۲۴
حزب
۹۰

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦٓ إِلَىٰ لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

۲۵
۱۸۵ر

أَن لَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۖ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ

۲۶

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِۦ مَا نَرْنَكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرْنَكَ أَتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ

۲۷

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّي وَعَآتَنِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِۦ فَعَمِيتَ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَاِرِهُونَ

۲۸

آنها هرگز ناتوان کننده (خدا) در روی زمین (به واسطه مقابله با او یا فرار از عذاب او) نخواهند بود و برای آنها جز خداوند یاوران و سرپرستانی نیست عذاب آخرت برای آنها دو چندان خواهد شد (به کیفر اعمال خود و پیروانشان)، آنها طاقت شنیدن (حق را) نداشتند و هرگز (با چشم دل) حق را نمی دیدند

آنهايند كه وجود خود را به زيان داده اند و آنچه افترا مي بستند (معبودهاي دروغين شان) از آنها گم و ناپديد گشت

مسلمانا آنهايند كه در آخرت از همه زيانكارترند

به يقين كساني كه ايمان آورده و كارهاي شايسته كردند و با اطمينان به پروردگارشان دل سپردند، آنها اهل بهشتند و در آنجا جاودانند

مثل اين دو گروه (كفار و مؤمنان) همانند كور و كر و بينا و شنواست، آيا اين دو در وصف و حال يكسانند؟ آيا متذكر نمي شويد؟

و همانا نوح را به سوي قومش فرستاديم كه (به آنها بگو) بي ترديد من براي شما (از جانب خدا) بيم دهنده اي آشكارم

كه جز خدا را نپرستيد، كه همانا من بر شما از عذاب روزي دردناك بيم دارم

پس اشراف و سران قوم او كه كفر ورزيدند گفتند: ما تو را جز بشري مانند خود نمي بينيم (نه فرشته هستي و نه صاحب امتياز مالي و جاهي) و جز كساني از فرومايگان ما (آن هم) بي تأمل و به نظر بدوي، كسي را نمي بينيم كه از تو پيروي كرده باشد و براي شما هيچ برتري بر خودمان نمي بينيم، بلكه شما را دروغگو مي پنداريم

نوح گفت: اي قوم من، به من خبر دهيد. اگر من از جانب پروردگارم بر دليل روشني (مانند معجزه بالغه) متكي باشم و مرا از نزد خويش رحمتي (علمي و كتاب شريعتي كه از لوازم رسالت الهي است) عطا كرده باشد و آن (به سبب عناد و عدم توجه به معجزه) بر شما مخفي ماند، آيا مي توان شما را بر آن وادار كنيم در حالي كه از آن كراهت داريد (و در نزد عقل و سنت جاريه الهي، در دين اكراه نيست)؟

وَيَقَوْمٌ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّهُمْ مُلَقَوُا رَبَّهُمْ وَلَكِنَّي أَرَبُّكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ

وَيَقَوْمٌ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

قَالُوا يَنْوُحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدْلَنَا فَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيَكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُو فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ

وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ ءَامَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

وَأَصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَوْحَيْنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِفُونَ

و ای قوم من، بر ابلاغ این (رسالت) از شما مالی درخواست نمی کنم. مزد من جز بر عهده خداوند نیست، و من هرگز طردکننده کسانی که ایمان آورده اند نخواهم بود، زیرا آنان (فردا) دیدارکننده پروردگار خویشند (و آنجا با من مخاصمه می کنند)، و لکن شما را گروهی می بینم که جهالت می ورزید

و ای قوم من، اگر من آنها را (از پیش خود) برانم چه کسی مرا در برابر خدا یاری می دهد؟ آیا تذکر نمی یابید؟

و من به شما نمی گویم که گنجینه های (رحمت) خداوند (مانند تولید اموال، قضای حاجت ها، شفای بیماران) در اختیار من است و غیب هم نمی دانم و نمی گویم که من فرشته ام و درباره آنان که چشمان شما آنها را خوار و حقیر می نگرد نمی گویم که هرگز خداوند به آنها خیری نخواهد داد خدا به آنچه در باطن آنهاست داناتر است اگر چنین گفتم حتما از ستمکاران خواهم بود. (به آیه ۵۰ انعام رجوع شود)

گفتند: ای نوح، حقا که با ما به جدال پرداختی و بسیار هم جدال کردی، پس آنچه را (از عذاب الهی) وعده می دهی بر ما بیاور اگر از راستگویانی

نوح گفت: جز این نیست که خداوند اگر بخواهد آن را برای شما می آورد و هرگز شما ناتوان کننده (او با مقابله به مثل یا فرار) نیستید

و من اگر بخواهم برای شما خیرخواهی کنم هرگز خیرخواهیم به شما سودی نخواهد داد اگر خداوند بخواهد شما را (به خاطر طغیانتان) در وادی ضلالت رها نماید، او پروردگار شماست و به سوی او بازگردانده خواهید شد

آیا (قوم تو) گویند: این (قصه یا این قرآن) را خود به دروغ بریافته است! بگو: اگر (فرضا) آن را خود بریافته باشم گناهم بر عهده خودم است، و من از گناहانی که شما به جا می آورید (مانند کفر و فسق) بیزارم

و به نوح وحی شد که از قوم تو جز کسانی که (تا به حال) ایمان آورده اند هرگز کسی ایمان نخواهد آورد، پس از آنچه می کنند غمگین مباش

و کشتی را زیر نظر ما و به (هدایت) وحی ما (راجع به وسائل ساخت و کم و کیف، و زمان و مکان آن) بساز، و درباره کسانی که ستم کرده اند با من سخن مگو، (از آنان شفاعت مکن)، که حتما آنها غرق شدنی هستند

وَيَصْنَعُ الْفُلَكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ ءَامَنَ وَمَا ءَامَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبَهَا وَمُرسِلُهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَبْنِيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ

قَالَ سَآوِيَ إِلَىٰ جِبَلٍ يَْعَصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ

وَقِيلَ يٰنَارُضْ أَبْلَعِي مَاءَكَ وَيَسْمَأْءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ

و او کشتی را می ساخت، و هر زمان که گروهی از اشراف قومش بر او می گذشتند او را مسخره می کردند! (که کشتی در خشکی؟ و نجاری پس از پیامبری؟) گفت: اگر شما ما را استهزا می کنید، به یقین ما نیز شما را (هنگامی که به هر درخت و دیوار و تپه ای پناهنده شدید) همان گونه که مسخره می کنید مسخره خواهیم کرد

پس به زودی خواهید دانست که چه کسی را (در دنیا) عذابی خوار و رسواکننده فرا می رسد و (در آخرت) عذابی پایدار بر او درمی آید

(نوح و قومش در انتظار بودند) تا آن گاه که فرمان ما (امر ما به فرشتگان یا اراده حتمی ما) در رسید و (آب از) تنور فوران کرد، گفتیم: در آن کشتی از هر نوع حیوانی دو زوج (یک جفت نر و ماده) سوار کن و نیز خاندان خود را- جز کسی که گفتار (ازلی ما) درباره (هلاکت) او گذشته است (همسر و یک پسر)- و کسانی را که ایمان آورده اند (سوار کن) و جز اندکی با او ایمان نیاورده بودند

و (نوح) گفت: در آن سوار شوید در حالی که هنگام حرکت و توقف آن بسم الله گوئید و بسم الله (کلید) حرکت و سکون آن است حقا که پروردگار من بسیار آمرزنده و مهربان است

و آن کشتی آنها را در میان موجی همانند کوه ها سیر می داد و نوح پسرش را که در کناری (از اعتقاد پدر یا از مکان او) بود صدا زد: ای پسرک من، با ما سوار شو و با کافران مباش

گفت: به زودی به کوهی که مرا از آب ننگه دارد پناه می برم. نوح گفت: امروز هیچ نگهدارنده ای از فرمان خدا نیست جز کسی که او رحم کند. (در این بین) موجی میان آن دو فاصله شد و (پسر) از غرق شدگان گردید

و (پس از غرق کافران طبق اراده حتمی خدا) گفته شد: ای زمین آب خود فرو بر، و ای آسمان (از ریزش خود) باز ایست و آب (در زمین) فرو شد و کار (حتمی هلاکت کفار) پایان یافت و کشتی بر (کوه) جودی قرار گرفت و (از جانب حق یا فرشتگانش) گفته شد: مرگ و دوری (از رحمت حق) بر ظالمان باد

و نوح (پیش از حادثه طوفان) پروردگار خود را ندا درداد، گفت: پروردگارا، پسرم از خاندان من است و همانا وعده تو (به نجات خاندان من) حق است و تو بهترین داورانی. (این کلام مقدمه درخواست نجات پسر است)

قَالَ يٰٓنُوْحُ اِنَّهُٗ لَيْسَ مِنْ اَهْلِكَ اِنَّهُٗ عَمَلٌ غَيْرُ صٰلِحٍ
فَلَا تَسْـَٔلُنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ اِنِّىْ اَعْظَمُكَ اَنْ تَكُوْنَ
مِنَ الْجٰهِلِيْنَ

قَالَ رَبِّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِىْ بِهٖ عِلْمٌ
وَ اِلَّا تَغْفِرْ لِىْ وَ تَرْحَمْنِىْ اَكُنْ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ

قِيْلَ يٰٓنُوْحُ اٰهْبِطْ بِسَلٰمٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلٰى اُمِّمِ
مِّمَّنْ مَّعَكَ وَاُمُّهُمْ سَخِمَمٌ لِّهِنَّمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِيْمٌ

تِلْكَ مِنْ اَنْبَآءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهَا اِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا اَنْتَ
وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هٰذَا فَاَصْبِرْ اِنَّ الْعَقِبَةَ لِلْمُتَّقِيْنَ

وَ اِلٰى عَادِ اٰخَاهُمْ هُوْدًا قَالَ يٰٓقَوْمُ اَعْبُدُوْا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ
اِلٰهٍ غَيْرُهُٗ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا مُفْتَرُوْنَ

يٰٓقَوْمُ لَا اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِنْ اَجْرِىْ اِلَّا عَلَى الَّذِى
فَطَرَنِىْ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ

وَ يٰٓقَوْمُ اَسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوْا اِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَآءَ
عَلَيْكُمْ مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً اِلٰى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا
مُجْرِمِيْنَ

قَالُوْا يٰٓهٰوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِيْ ءَالِهَتِنَا عَنْ
قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِيْنَ

(خدای) گفت: ای نوح، او از خاندان تو نیست (او ریبیب
توست یا به واسطه کفر و فسق، خویشی را بریده است
زیرا) او (سراپا) عمل ناشایسته است! پس چیزی را که
بدان علم نداری از من مخواه (نوح با اشتباه در موضوع در
معرض درخواست بود که خدا منع کرد) من تو را پند می
دهم که مبدا از جاهلان باشی

گفت: پروردگارا، من به تو پناه می برم از اینکه چیزی را که
بدان علم ندارم از تو بخواهم (انبیا را نشاید که موضوعی
را تشخیص نداده حکم خلاف مصلحت آن را بخواهند) و اگر
مرا نیامرزی و بر من ترحم نکنی از زیانکاران خواهم بود

(از جانب خدا) گفته شد: ای نوح، با سلامت و درودی از
جانب ما و برکت هایی بر تو و بر گروه هایی که همراه تو
هستند فرود آی و گروه هایی هم (از اولاد آنان در طول
تاریخ) خواهند آمد که آنها را (از نعمت های دنیا) به زودی
برخوردار می کنیم، سپس آنها را از جانب ما (به سبب کفر و
طغیانشان) عذابی دردناک خواهد رسید

اینها از خبرهای غیبی است که به تو وحی می کنیم، نه تو
آنها را پیش از این می دانستی و نه قوم تو پس (در ابلاغ
رسالت خود) صبر کن که همانا عاقبت (نیک) از آن
پرهیزگاران است

و به سوی قوم عاد برادر (نسبی یا قبیله ای) آنها هود را
(فرستادیم) گفت: ای قوم من، خدای یکتا را بپرستید، که
شما را جز او خدایی نیست، همانا شما (در شریک کردن بت
ها به خدا) افترا گویانی بیش نیستید

ای قوم من، از شما (بر ابلاغ رسالت) مزدی نمی طلبم،
پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده نیست، آیا نمی
اندیشید؟

و ای قوم من، از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس، به
سوی او بازگردید، تا ابر و باران را بر شما ریزان فرستد و
نیروی بر نیروی (جانی و مالی) شما بیفزاید، و مجرم و
گنهکار (از او) روی مگردانید

گفتند: ای هود، برای ما دلیل روشنی (نشانی که ما
بپسندیم) نیاوردی، و ما هرگز رها کننده خدایان خود به
گفته تو نیستیم و ما هرگز باور دارنده تو نیستیم

إِن نَّقُولَ إِلَّا أَعْتَرَلَكَ بَعْضُ ءَالِهَتِنَا بِسُوِّ^ط قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ
ٱللَّهَ وَأَشْهَدُواْ أَنِّي بَرِئٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

۵۵

مِن دُونِهِ^ط فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ

۵۶

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى ٱللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ^ج مَّا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ
ءَاخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا^ع إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

۵۷

فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ^ع مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ^ع إِلَيْكُمْ^ع
وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ^ع شَيْئًا^ع إِنَّ رَبِّي
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيزٌ

۵۸

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا^ع وَالَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُ^ع بِرَحْمَةٍ مِّنَّا
وَنَجَّيْنَاهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

۵۹

وَتِلْكَ ءَادٌ جَحَدُواْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْاْ رُسُلَهُ^ع وَاتَّبَعُواْ
أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

۶۰

وَأَتَّبِعُواْ فِي هَذِهِ ٱلدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ ٱلْقِيَمَةِ^ط ٱلَا إِنَّ ءَادًا
كَفَرُواْ رَبَّهُمْ^ط ٱلَا بُعْدًا لِّءَادٍ قَوْمِ هُودٍ

۶۱
حزب
۹۲
۱۸۸۲

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَاقَوْمِ ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُمْ
مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ^ط هُوَ أَنشَأَكُمْ مِّنَ ٱلْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا
فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ^ع إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ

۶۲

قَالُواْ يَٰصَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَٰذَا أَتَنْهَانَا أَنْ
نَعْبُدَ مَا يَعبُدُ ءَابَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ
مُرِيبٌ

ما (درباره تو) جز این نمی گوییم که بعضی از خدایان ما
آسیب (روانی) به تو رسانده اند. گفت: من خدا را گواه می
گیرم و شما نیز گواه باشید که من بیزارم از آنچه شریک او
می سازید

(و) به جای او (می پرستید)، پس همگی درباره من نقشه
کشید و مکر و حيله کنید سپس (آن را به کار بندید و) هیچ
مهلتم مدهید

همانا من بر خداوند، پروردگار خود و پروردگار شما توکل
کردم هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او ناصیه اش را در
قبضه دارد (وجودش در اختیار اوست) حقا که پروردگارم
بر راهی راست است (در تدبیر امور جهان خلقت طبق
عدالت و حکمت عمل می کند)

پس اگر روگردان شوید من آنچه را که به (ابلاغ) آن ارسال
شده ام به شما رساندم، و پروردگار من (به زودی شما را
هلاک می کند و) به جای شما گروهی غیر از شما را جانشین
می کند و هیچ زبانی به او نتوانید زد، مسلما پروردگار من
بر همه چیز نگهبان است

و چون فرمان ما (بر عذاب آنان به فرشتگان) در رسید و
اراده حتمی ما تعلق گرفت، هود و کسانی را که با او ایمان
آورده بودند به رحمتی از سوی خود نجات دادیم و آنها را از
عذابی سخت رهایی بخشیدیم

و این (قوم) عاد بودند که نشانه های پروردگارشان (دلایل
روشن توحید و نبوت هود) را انکار کردند و فرستادگان او
را نافرمانی نمودند و از فرمان هر زورگوی عنادورزی پیروی
کردند

و در این دنیا و در روز قیامت لعنتی (از سوی خدا و مردم)
به دنبالشان فرستاده شد آگاه باشید که قوم عاد به
پروردگارشان کافر شدند و پروردگارشان را ناسپاسی
کردند، هان! دوری و نفرین باد بر قوم عاد، قوم هود

و به سوی قوم ثمود برادر (نسبی یا قبیله ای) آنها صالح را
(فرستادیم) گفت: ای قوم من، خدای یکتا را بپرستید، که
شما را جز او خدایی نیست، اوست که شما را از این زمین
آفریده (جدّ و جدّه اولتان را بلاواسطه و نسل آنها را
باواسطه از خاک خلق نموده) و شما را در آن زندگانی داده و
آباد کردن آن را از شما خواسته پس، از او (درباره
گناهاتان) آمرزش بخواهید آن گاه (با عمل های شایسته)
به سوی او بازگردید، به یقین پروردگار من (به بندگانش)
نزدیک و (دعاهایشان را) اجابت کننده است

گفتند: ای صالح، تو پیش از این در میان ما مایه امید بودی
(که دین ما را بپذیری یا سرپرست ما باشی)! آیا ما را از
پرستش آنچه پدران ما می پرستیدند باز می داری؟! و حقا
که ما از آنچه ما را بدان می خوانی (خدای بدون شریک) در
شکی تردیدزا و ابهام آوریم

قَالَ يَقُومُ أَرَعَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّي وَعَآتَنِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ ۖ فَمَا تَزِيدُونِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ

وَيَقُومُ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ ءَايَةٌ فَذُرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ۖ ذَٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَحْنِینَا صَالِحًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ یَوْمَئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِیْرِهِمْ جَاثِمِینَ

كَأَن لَّمْ یَعْنُوا فِیْهَا ؕ أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ ؕ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِیمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ ۖ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِیدٍ

فَلَمَّا رَآ أَیْدِیَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَیْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِیفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ لُّوطٍ

وَأَمْرَاتُهُ قَاِیمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَآءِ إِسْحَاقَ یَعْقُوبَ

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹
۱۸۹ر

۷۰

۷۱

گفت: ای قوم من، مرا خبر دهید اگر من بر دلیلی روشن از سوی پروردگارم باشم و او از جانب خود مرا رحمتی (مقام نبوت) بخشیده باشد، چه کسی مرا از (غضب و عذاب) خدا نجات می بخشد اگر او را (در ابلاغ رسالت) نافرمانی کنم پس شما بر من جز زیان زدن نمی افزایید

و ای قوم من، این شتر ماده خداوند است (که به اراده او از میان سنگ دفعتا پدید آمده) در حالی که برای شما آیه و معجزه ای (از توحید او و نبوت من) است پس آن را رها کنید در روی زمین خدا بخورد و آسیبی به ان نرسانید، که شما را عذابی نزدیک فرا گیرد

پس آن را دست و پا بریدند و نحر کردند (صالح) گفت: سه روز (مهلت دارید که) در خانه هایتان برخوردار باشید (سپس عذاب خواهد آمد) این وعده ای است که دروغ بردار نیست

پس هنگامی که فرمان ما (بر عذاب آنان) در رسید و اراده حتمی ما تعلق گرفت، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند به رحمتی از جانب خود (از شر آن قوم) و از خواری و رسوایی آن روز نجات بخشیدیم حقا که پروردگار تو همان نیرومند و مقتدر شکست ناپذیر است

و آنها را ستم کرده بودند صیحه (مرگبار آسمانی) درگرفت، پس در خانه های خود به زانو درآمده و مردگانی شدند به رو درافتاده

بدانسان که گویی هرگز در آنجا اقامت نداشتند. آگاه باشید که قوم ثمود به پروردگارشان کفر ورزیدند (و ناسپاسی کردند) هان! دوری (از رحمت خدا) باد بر قوم ثمود

و همانا فرستادگان ما (از فرشتگان) برای ابراهیم بشارت (یافتن فرزند و هلاکت قوم لوط) آوردند آنها سلام گفتند، او نیز سلام گفت، پس درنگی نکرد که (برای مهمان ها) گوساله ای بریان شده بر روی شن ها، و روغن چکان حاضر آورد

پس چون دید که دست های آنها به آن نمی رسد آنها را بیگانه یافت و از آنها بیمی در دل احساس کرد، گفتند: مترس، همانا ما (فرشتگانی هستیم که از جانب خدا) به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم (تا آنها را هلاک سازیم)

و زن او ایستاده بود پس (برای آنکه مهمان های مرموز فرشته درآمدند) از شادی بخندید و (در مقدمه مژده فرزند به نحو اعجاز) حیض شد، پس او را به (پسری به نام) اسحاق و پشت سر اسحاق به (نوه ای به نام) یعقوب بشارت دادیم

قَالَتْ يَوۡلَتٰی ءَالِدٌ وَّاَنَا عَجُوزٌ وَهٰذَا بَعۡلِی شَیْخًا ۚ اِنَّ هٰذَا لَشَیْءٌ عَجِیۡبٌۙ

قَالُوۡا اَتَعۡجِبِیۡنَ مِنْ اَمْرِ اَللّٰهِ رَحِمۡتُ اَللّٰهِ وَبَرَکَتُهُۥ عَلَیۡکُمۡ اَهۡلَ الْبَیۡتِ ۚ اِنَّهٗۤ هِ حَمِیۡدٌ مَّجِیۡدٌۙ

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ اِبۡرَهِیۡمَ الرُّوۡعُ وَجَآءَتُهٗ اَلْبُشۡرٰی یُجَدِّلُنَا فِی قَوْمٍ لُّوۡطٍۙ

اِنَّ اِبۡرَهِیۡمَ لَحَلِیۡمٌۙ اَوَّهٌ مُّنِیۡبٌۙ

یٰۤاِبۡرَهِیۡمُ اَعۡرِضْ عَنۡ هٰذَا ۚ اِنَّهٗۤ قَدْ جَآءَ اَمۡرُ رَبِّکَ ۖ وَانۡتَھِمۡ ءَاۡتِیَہِمۡ عَذَابٌ غَیۡرُ مَرۡدُوۡدٍۙ

وَلَمَّا جَآءَتۡ رُسُلُنَا لُوطًا سِیۡءَ بِہِمۡ وَضَاقَ بِہِمۡ ذَرَعًا وَّقَالَ هٰذَا یَوۡمٌ عَصِیۡبٌۙ

وَجَآءَہٗۤ و قَوْمُہٗۤ یُھَرَّعُوۡنَ اِلَیۡہِ وَمِنۡ قَبۡلُ کَانُوۡا یَعۡمَلُوۡنَ السَّیِّۡاَتِ ۚ قَالَ یَقَوۡمُ هٰۤؤُلَآءِ بَنَاتِیۡ هُنَّ اَظۡھَرُ لَکُمۡ فَاتَّقُوا اَللّٰهَ وَلَا تُخۡزَوۡنِ فِی ضِیۡفِیۡ ۖ اَلَیۡسَ مِنْکُمۡ رَجُلٌ رَّشِیۡدٌۙ

قَالُوۡا لَقَدْ عَلِمۡتۡ مَا لَنَا فِیۡ بَنَاتِکَ مِنْ حَقٍّ وَّاِنَّکَ لَتَعۡلَمُ مَا نُرِیۡدُۙ

قَالَ لَوۡ اَنَّ لِیۡ بِکُمۡ قُوَّۃٌ اَوْ ءَاوِیۡ اِلَیۡ رُکۡنٍ شَدِیۡدٍۙ

قَالُوۡا یٰلُوطُ اِنَّا رُسُلُ رَبِّکَ لَنَ یَصِلُوۡا اِلَیۡکَ ۖ فَاسۡرِ بِاَهۡلِکَ بِقِطۡعِ مِّنَ اللَّیۡلِ وَلَا یَلۡتَفِتْ مِنْکُمۡ اَحَدٌ ۖ اِلَّا اَمۡرَاتُکَ ۚ اِنَّهٗۤ مُصِیۡبُہَا مَاۤ اَصَابَھُمۡ ۚ اِنَّ مَوۡعِدَھُمۡ الصُّبۡحُ ۖ اَلَیۡسَ الصُّبۡحُ بِقَرِیۡبٍۙ

گفت: ای وای! آیا من می زایم در حالی که پیر زنی (نود ساله) هستم و این شوی من پیر مردی (صد ساله) است؟! حقا که این چیزی شگفت انگیز است

(فرشته ها) گفتند: آیا از کار خدا شگفتی می کنی در حالی که رحمت خداوند و برکت های او بر شما خانواده است؟! همانا او ستوده صفات و ستوده افعال و صاحب کرم عمیم و جلال گسترده است

پس چون ترس از ابراهیم برفت و مژده (فرزند) به او رسید شروع کرد با (فرستادگان) ما درباره قوم لوط به گفتگو و مجادله کردن

حقا که ابراهیم بسیار بردبار و دلسوز مردم و آه از ته دل کشنده و بازگردنده (به سوی ما) بود

ای ابراهیم، از این (وساطت) درگذر، که بی تردید فرمان پروردگارت (بر عذاب آنها به فرشتگان) دررسیده است، و حتما عذابی بدون بازگشت بر آنها آمدنی است

و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند به خاطر آنها ناراحت گردید و (از سوء قصد قوم خود درباره آنها) در تنگنا قرار گرفت و دستش از حمایت آنها کوتاه شد و گفت: امروز روز سختی است

و قوم او به سویش شتابان آمدند، (تا به آن مهمانان دست درازی کنند)، و پیش از آن نیز این کارهای زشت را انجام می دادند. گفت: ای قوم من، اینان دختران منند، آنها برای شما پاکیزه ترند (که عقد کنید و ببرید)، پس از خدا پروا کنید و مرا درباره مهمانانم شرمنده و رسوا نسازید آیا از شما یک مرد آگاه و رهیافته نیست؟

گفتند: تو نیک می دانی که ما را درباره دختران تو حقی نیست (رغبت و حاجتی نیست) و البته آنچه را ما می خواهیم نیک می دانی

گفت: ای کاش برای مقابله با شما نیرویی داشتم یا به تکیه گاهی محکم و استوار پناه می بردم

(فرشتگان) گفتند: ای لوط، ما فرستادگان پروردگار توایم، آنها هرگز به تو دست نمی یابند، پس در پاسی از شب گذشته با خانواده ات (به بیرون از منطقه) روانه شو و احدی از شما جا نماند و هیچ یک به پشت سر ننگرد، غیر از همسرت که بی شک آنچه به قومت می رسد به او نیز خواهد رسید، البته وعده گاه (عذاب) آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَيَّهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا
حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنْضُودٍ

مُسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۚ قَالَ يَبْنَومُ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم
مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ ۖ وَلَا تَنفُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ ۚ إِنِّي أَرَبُكُمْ
بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ

وَيَقَوْمُ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۖ وَلَا تَبْخَسُوا
النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ ۚ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ
بِحَفِيظٍ

قَالُوا يَشْعِيبُ اأَصْلُوْتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ ءَابَاؤُنَا
أَوْ أَن نَّفْعَلَ فِى أَمْوَالِنَا مَا نَشَؤُا إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ

قَالَ يَبْنَومُ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ
رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَن أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَلَكُم عَنْهُ
إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ۚ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

پس چون فرمان ما (به فرشتگان) در رسید و اراده حتمی ما
تعلق گرفت، آن شهرها را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ
پاره هایی از گلهای پخته و سخت، پیاپی بر آنها فرو باریدیم

سنگ هایی که نزد پروردگارت (در دستگاه مرموز آفرینش
او) نشان دار و رنگارنگ و نام نویسی شده بود و این (نوع
عذاب) از این ستمکاران دور نیست

و به سوی (مردم) مدین برادر (نسبی یا قبیله ای) آنها
شعیب را (فرستادیم)، گفت: ای قوم من، خدای یکتا را
بپرستید، که شما را جز او خدایی نیست، و پیمانه و ترازو را
کم مدهید، حقاً که من شما را در خوشی (و وسعت نعمت)
می بینم و من بر شما (به خاطر کم فروشی) از عذاب روزی
فراگیر و هلاکت بار بیم دارم

و ای قوم من، پیمانه و ترازو را کامل و عادلانه بدهید و از
مردم کالاهایشان را (هنگام اداء حقوق در تمام سنجیدنی
ها) کم مگذارید و تبهکارانه در روی زمین نپوید

آنچه خداوند (پس از اداء حق غیر) برایتان باقی می گذارد
برای شما بهتر است اگر ایمان دارید، و من بر شما گمارده و
نگهبان نیستم (تا مواظب ایمان و عمل و متصدی پاداش و
کیفر شما باشم)

گفتند: ای شعیب، آیا نمازت تو را دستور می دهد که ما
آنچه را پدرانمان می پرستیدند رها کنیم یا آنچه را که می
خواهیم در اموالمان انجام دهیم ترک نماییم؟ (نمازت از ما
سلب آزادی در اعتقاد و عمل می کند؟) تو که به راستی
بردار و رهیافته ای (پس چگونه حریت ما را محدود می
کنی)

گفت: ای قوم من، مرا خبر دهید، اگر من از جانب پروردگار
خود بر دلیلی روشن و معجزاتی (بر نبوت خویش) باشم و او
از جانب خود مرا روزی نیکو (نبوت و دینی جامع) داده
باشد (آیا باز هم دعوت من باطل و سفاهتی است؟) و من
نمی خواهم خود بر خلاف کاری که شما را از آن نهی می کنم
بروم، من تا آنجا که بتوانم جز اصلاح (حال جامعه را) نمی
خواهم، و توفیق من جز به یاری خدا نیست بر او توکل
کردم و به سوی او بازمی گردم

وَيَقَوْمٌ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ
قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنْكُمْ
بَبَعِيدٍ

۹۰

وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُّدٌ

۹۱

قَالُوا يَشْعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرُّكَ فِيْنَا
ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ

۹۲

قَالَ يَقَوْمُ أَرْهَطِي أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ
وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

۹۳

وَيَقَوْمُ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ
مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي
مَعَكُمْ رَقِيبٌ

۹۴

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَحْيِنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ
مِّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ
جَاثِمِينَ

۹۵

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۚ أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ

۹۶
/ ۱۹۱

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

۹۷

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ
بِرَشِيدٍ

و ای قوم من، مخالفت و دشمنی تان با من شما را بر آن ندارد که همانند آنچه به قوم نوح (از طوفان و غرق) یا به قوم هود (از باد سموم) یا به قوم صالح (از صیحه و زلزله) رسید به شما نیز برسد! و قوم لوط از شما (از نظر زمان و مکان) چندان دور نیست

و از پروردگارتان (درباره گذشته ها) آمرزش بخواهید، سپس به سوی او (با عمل های صالح) بازگردید، که همانا پروردگار من مهربان و دوستدار (بندگان توبه کار) است

گفتند: ای شعیب، ما بسیاری از آنچه را که می گویی (مثل دعوت به مبدأ یکتا و ترک کم فروشی) نمی فهمیم و ما بی تردید تو را در میان خودمان ناتوان می بینیم و اگر قبیله کوچکت نبود سنگسارت می کردیم و تو هرگز بر ما اقتدار و غلبه نداری (یا نزد ما قدر و قیمتی نداری)

گفت: ای قوم من، آیا قبیله من بر شما از خداوند قوی تر است (که ملاحظه آنها را نموده) و او را پشت سر افکنده و به فراموشی سپرده اید؟ به یقین پروردگار من به آنچه می کنید احاطه دارد

و ای قوم من، بر همین حال (از شرک و طغیان) هر چه در توان دارید بکنید، که البته من نیز عمل کننده ام به زودی خواهید دانست که چه کسی را عذابی می رسد که خوار و رسوایش سازد و چه کسی دروغگوست، و منتظر باشید که حتما من نیز با شما منتظرم

و چون فرمان ما (به عذاب آنان) در رسید شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند به رحمتی از جانب خود نجات بخشیدیم، و کسانی را که ستم کردند صیحه (مرگبار آسمانی) درگرفت، پس در خانه های خود به زانو درآمده و مرده و به رو درافتاده شدند

آن چنان که گویی هرگز در آنجا اقامت نداشتند. هان! دوری و لعنت باد بر (اهل) مدین همان گونه که قوم ثمود دور گشتند

و حقاً که موسی را همراه آیات و نشانه های خود و حجتی آشکار فرستادیم

به سوی فرعون و سران و اشراف قوم او، پس آنها پیروی از فرمان فرعون نمودند و هرگز فرمان فرعون رهیافته و راهنما نبود

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ

۹۹

وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعَنَہ لَعْنَةُ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ بئسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ

۱۰۰

ذَٰلِكَ مِنْ أُنْبَاءِ الْقُرَىٰ نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ

۱۰۱

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ ءَالِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَّمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ

۱۰۲

وَكَذَٰلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُۥ أَلِيمٌ شَدِيدٌ

۱۰۳

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ

۱۰۴

وَمَا نُؤَخِّرُهُۥ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ

۱۰۵

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ

۱۰۶

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ

۱۰۷

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ

۱۰۸
حزب
۹۴

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُودٍ

او در روز قیامت پیشاپیش قوم خود می رود پس آنها را در آتش (دوزخ) وارد می کند، و آن بد آبشخواری است که بدان درآیند

و در این (دنیا) و در روز قیامت لعنتی در پی آنان فرستاده شده چه بد عطیه ای است (آن لعنتی) که به آنها داده می شود

این (خبرها) از اخبار شهرها و ملت هاست که برای تو بازگو می کنیم از آنها برخی سرپا و برخی درو شده و نابود گشته است

و ما بر آنها ستم نکردیم و لکن آنها بر خویشتن ستم نمودند پس آن گاه که فرمان پروردگار (بر عذاب آنان) دررسید خدایانشان که به جای خداوند می خواندند چیزی (از عذاب) را از آنان دور نکردند و جز زیان و هلاکت بر آنان نیفزودند

و این چنین است مؤاخذه پروردگار تو وقتی که ملت ها و مجامع را در حالی که ستمکارند مؤاخذه می کند بی تردید مؤاخذه او دردناک و سخت است

مسلمًا در آن (قصه ها و داستان ها) برای کسی که از عذاب آخرت بترسد نشانه ای (از قدرت و عظمت خدا) است آن روز روزی است که همه مردم برای آن گرد آورده می شوند و آن روزی است که (همه اجنّه و شیاطین و حیوانات از مراقبت فرشتگان) در آن احضار می شوند، و همه حوادث آن در مشاهده همه حضار آن قرار می گیرد

و آن را به تأخیر نمی اندازیم مگر برای مدتی که (در علم ازلی الهی ابتدا تا انتهای آن) شمرده و تعیین شده است

و زمانی که آن (اجل به سر آید و قیامت) فرا رسد هیچ کس جز به اذن او سخن نگوید پس برخی از آنها بدبخت اند (خیرات وجودی خود را به هدر داده) و برخی نیکبخت (به همه خیرات وجودی خود دست یافته)

اما کسانی که بدبخت شدند در آتش اند، در آنجا ناله و دم و بازدمی (چون بانگ خران) دارند

جاودانه در آتند تا آسمان ها و زمین (جهان آخرت) برپاست مگر آنچه پروردگارت بخواهد (که خلود را تغییر دهد گرچه یقینا تغییر نخواهد داد) به یقین پروردگار تو هر چه را اراده کند، به قدرت انجام دهنده است

و اما کسانی که نیکبخت شدند در بهشت اند جاودانه در آتند تا آسمان ها و زمین (عالم آخرت) برپاست مگر آنچه پروردگارت بخواهد بخشی است بریده نشدنی

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا
يَعْبُدُ ءَابَاؤُهُمْ مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوفُّوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ
مَنْقُوصٍ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكِّ مِّنْهُ
مُريبٍ

وَإِنَّ كَلَّا لَمَّا لِيُوفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ
خَبِيرٌ

فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم
مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي الْتَهَارِ وَزُلْفَا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ
يُذْهِبْنَ أَلْسَيَّاتٍ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ

وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ^ط وَاتَّبَعَ
الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَرَفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ

پس درباره (بطان) آنچه آنان می پرستند در شک و تردید
مباش آنان نمی پرستند جز همان گونه که پدرانشان پیش
از این می پرستیدند (عبادت تقلیدی در اصول دین برای
معبودی مصنوع خود) و ما مسلماً بهره اینها را (از متاع
محدود دنیا و عذاب نامحدود آخرت) به نحو کامل و بی کم و
کاست خواهیم داد

و به یقین ما موسی را کتاب (آسمانی) دادیم، پس در آن
(در اصل پذیرش آن از امت او و در محتوای آن از عالمان
امتش) اختلاف افتاد و اگر نبود سخنی که از پروردگارت (در
ازل) گذشته (که طغیان را برای اتمام حجت تا وقت مقدر
مهلت دهد) حتما میان آنها داوری (و کار آنها یکسره) می
شد، و همانا آنها (یهودان معاصر تو) از این (قرآن) در شکی
تردیدزا و ابهام آورند

و حقیقت این است که (جزا یا تجسم عینی) اعمال هر یک از
دو طرف اختلاف را پروردگار تو (در روز واپسین) به نحو
کامل خواهد داد، چرا که او به آنچه می کنند آگاه است

پس همان گونه که مأمور شده ای (بر عقاید و اعمال و ابلاغ
دینت) پایدار و استوار باش و همچنین کسانی که با تو (به
سوی خدا) رو آورده اند، و طغیان نکنید، که همانا او به آنچه
به جا می آورید بیناست

و به کسانی که ستم کرده اند دل نبندید و میل و تکیه
نکنید که آتش (غضب خدا) به شما می رسد در حالی که
شما را جز خدا هیچ یاور و سرپرستی نباشد و نیز مورد
نصرت خدا هم قرار نگیرید

و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب که نزدیک روز است
برپا دار (نماز صبح را در نیمه اول روز و ظهر و عصر را در
نیمه دوم آن و مغرب و عشا را در اوایل شب بخوان) که به
یقین نیکی ها (که نماز در رأس آنهاست) گناهان را از بین
می برد (پلیدی گناه را از نفس، مفساد آن را از آفاق،
سیاهی آن را از نامه عمل و استحقاق عذاب را از عامل می
زداید)، این تذکری است برای یادکنندگان

و صبر و شکیبایی کن، که همانا خداوند پاداش نیکوکاران را
ضایع نمی کند

پس چرا از اجتماعات انسانی پیش از شما (مانند قوم نوح و
هود و صالح و لوط) صاحبان عقل و درایتی نبودند که (مردم
را) از فساد در روی زمین بازدارند (تا آن گونه گرفتار
عذاب نگردند)؟ جز اندکی از آنها که نجاتشان دادیم (مانند
پیامبران و پیروان آنها) و آنان که ستم کردند تنعم و
کامرانی خود را دنبال کردند و همه گنهکار بودند (پس
گمراهی اکثریت بشر در طول تاریخ جای تعجب و تأسف
است)

و هیچ گاه پروردگارت بر این نبوده که شهرها و روستاها را
به ستم نابود سازد در حالی که اهلشان درستکار و اصلاحگر
باشند

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۖ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ

إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ ۚ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ ۖ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

وَكَلَّا تَقْصُ عَلَيكَ مِنْ أُنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنْثِثُ بِهِ ۚ فُوَادِكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ ۚ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَمِلُونَ

وَأَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ ۚ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

۱۲ . یوسف	یُوسُفَ: یوسف	مکی	۱۱۱ آیه	۱۴ صفحه
------------------	----------------------	-----	---------	---------

الف، لام، را. من خدای بینا به همه اشیائِم. کتاب من مرکب از همین حروف است ولی در عین حال معجزه است. این کتاب دارای محکَمات و این گونه متشابهات است. این حروف رمزهایی میان الله و محمَد (ص) است. این سوره (و این آیه های والا رتبه) آیات قرآن روشن (برای بشر) و آیات نگاشته شده (در لوح محفوظ) آشکار (برای خواص ملا اعلی) است

حقا که ما آن را به صورت قرآنی عربی (کلماتی خواندنی و به لغت عربی) فرو فرستادیم، باشد که (در معارف والای آن) بیندیشید و به خرد دریابید

ما با وحی این قرآن به تو، بهترین قصه را با بهترین شیوه داستان سرایی بر تو می خوانیم و حقیقت این است که تو پیش از این از بی خبران (از این داستان) بودی

(به یاد آر) زمانی که یوسف به پدر خود (یعقوب) گفت: ای پدر، همانا من یازده ستاره و خورشید و ماه را (در خواب) دیدم آنها را دیدم که به من سجده می کنند

و اگر پروردگارت اراده حتمی می کرد و همه مردم را (به اجبار) یک امت (متحد در یک دین عامل به یک آیین) قرار می داد (اراده قلبی همه را بدون اختیار بر یک اعتقاد و عمل استوار می کرد، ولی آنها را مختار نمود) و (از این رو) آنها همواره در اختلافند

مگر کسانی که پروردگارت بر آنها رحم کرده (توفیق ایمان و وحدت کلمه داده) و برای همین هم آنان را آفریده است و کلمه پروردگارت (از ازل) مسلّم و قطعی شده که بی تردید جهنم را از (طاغیان) جن و انس یکسره پر خواهم کرد

و هر گونه خبر از اخبار فرستادگان (خود) را برای تو بازگو می کنیم، اخباری که قلب تو را بدان ثابت و استوار سازیم، و در این سرگذشت ها حق به تو رسیده و پند و تذکری برای گروندگان آمده است

و به کسانی که ایمان نمی آورند بگو: (بر همین) حال و منزله خود هر چه توانید به جا آورید، که همانا ما نیز (به وظایف خویش) عاملیم

و (نتیجه کفر و طغیانتان را) منتظر باشید، که همانا ما نیز منتظریم

و اسرار نهان آسمان ها و زمین از آن خداست (در حیظه ملک و قدرت و علم اوست) و همه فرمان ها و تمام کارها (در جهان هستی به نحو رجو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَٰذَا الْقُرْءَانَ وَإِن كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

قَالَ يَبْنَئِ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَنِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ ءَايَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ

إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا أَيْنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنْتُمْ فَاعِلِينَ

قَالُوا يَتَّابَانَا مَالَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُو لَنَصِحُونَ

أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَع وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُو لَحَافِظُونَ

قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنَّ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ

قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَسِرُونَ

گفت: ای پسرک من خواب خود را بر برادرانت بازگو مکن که برایت حيله ای می اندیشند، همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار است

و این چنین (نظیر انتخابت در این خواب) پروردگارت تو را (در آینده) برمی گزیند و از تعبیر خواب ها و حدیث ها (یی) که در کتاب های آسمانی و کلمات پیامبران آمده) به تو می آموزد و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می کند چنان که پیش از تو بر پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام نمود که همانا پروردگار تو دانا و با حکمت است

حقّا که در یوسف (در شخص او از نظر عظمت روح و کمالات انسانی و مقام نبوت، و در سرنوشت او) و برادرانش نشانه هایی (از عبرت و هدایت) برای پرسشگران نهفته است

آن گاه که (به یکدیگر) گفتند: یوسف و برادرش (بنیامین) که دو برادر از یک مادر بودند) نزد پدر ما از ما محبوب ترند در حالی که ما گروهی نیرومند (نگهبان خانه و اموال پدر و مدبر امور او) هستیم به راستی پدر ما (از نظر سلیقه زندگی و رفتار با فرزندان) در گمراهی آشکاری است (مفضول را بر فاضل ترجیح می دهد)

یوسف را بکشید یا او را در سرزمینی (نامعلوم) بیفکنید تا توجه پدرتان تنها برای شما باشد و پس از آن (از راه توبه نزد پدر و خدا) گروهی صالح باشید

گوینده ای از آنها (که بزرگتر و عاقل ترشان بود) گفت: یوسف را نکشید و اگر انجام دهنده کاری هستید او را در نهان گاه چاه بیفکنید تا برخی از کاروان ها او را بگیرند (و از منطقه بیرون برند و بر این امر تصمیم گرفتند)

(سپس نزد پدر آمده) گفتند: ای پدر، تو را چه شده که ما را بر (نگهداری) یوسف امین نمی دانی در حالی که بی تردید ما خیرخواه اوییم

او را فردا با ما بفرست تا در چمنزار بگردد و بازی کند و حتما ما او را نگهبانیم

گفت: همانا (بیرون) بردن او مرا سخت غمگین می کند و می ترسم در حالی که از او غافلید گرگ او را بخورد

گفتند: البته اگر او را گرگ بخورد در حالی که ما گروهی نیرومندیم در آن صورت ما سخت زیانکار خواهیم بود

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَّبَتِ الْحَبِّ
وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهُمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ

۱۶

قَالُوا يَتَّابَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا
فَاكْغَلَهُ الدِّبْتُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ

۱۷

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ
أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا
تَصِفُونَ

۱۸

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَبُشْرَى
هَذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّهُ بِضْعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

۱۹

وَشَرَّوهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ
الزَّاهِدِينَ

۲۰

وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ
عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ
فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ
عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

۲۱
۱۹۵۱

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي
الْمُحْسِنِينَ

۲۲

پس چون او را بردند و تصمیم گرفتند که در نهانگاه چاهش
قرار دهند (جنایتشان را انجام دادند) و ما (در همانجا) به
وی وحی کردیم که (روزی) آنها را از این کارشان خبر خواهی
داد در حالی که آگاه نباشند (تو آنها را بشناسی و آنها تو را
نشناسند)

و شبانگاه گریه کنان نزد پدرشان آمدند

گفتند: ای پدر، ما رفتیم سرگرم مسابقه شدیم و یوسف را
نزد اسباب و اثاثیه خود رها کردیم پس او را گرگ خورد، و
تو هرگز ما را باور نداری هر چند راستگو باشیم

و بر روی پیراهن وی خونی دروغین آوردند. (پدر) گفت:
(چنین نیست که می گوئید چگونه یوسف را خورده که
پیراهنش را ندیده؟) بلکه نفستان کاری (زشت) را در
نظرتان آراسته است پس صبر و شکیبایی نیکو بایدم کرد، و
خداست که باید بر آنچه توصیف می کنید از او یاری جست

و کاروانی بیامد، پس آب آورشان را فرستادند، او دلوش را
(در چاه) افکند (و چون از چاه بیرون کشید ناگهان) گفت:
ای مژده! این یک پسر بچه است! و (آب آوران) او را (از
کاروان و یا کاروانیان او را از سایر مردم) به عنوان سرمایه
تجارت پنهان داشتند، و خدا به آنچه می کردند دانا بود

و او را به بهایی ناچیز و درهم هایی چند فروختند
(برادرانش که برای اطلاع آمده بودند او را به عنوان برده
گریزیا به کاروانیان و آنها هم او را به مرکز برده به عزیز
مصر فروختند) و (برادران از بیم رسوایی، و کاروانیان به
خاطر وجود نشانه های آزادی در وی) به او بی رغبت بودند

و آن کس از اهل مصر که او را خریده بود به همسر خود
گفت: مقام و منزلت او را گرامی دار، شاید به ما سود بخشد
یا او را به فرزندی بگیریم. و این چنین ما یوسف را در آن
سرزمین تمکن و منزلت دادیم (البته برای حکمت ها و
مصالحی) و برای اینکه او را از تعبیر حدیث ها (تعبیر خواب
ها که احادیث فرشتگان است و مآل فهمی احادیث انبیا)
بیاموزیم، و خداوند بر کار خویش (که تدبیر امور جهان
هستی است) مسلط است و لکن بیشتر مردم نمی دانند

و چون به حد بلوغ و کمال نیروی بدنی و فکری رسید او را
قدرت داورى، معارف عقلی، علوم شرایع (گذشته، شریعت
نوح و ابراهیم) دادیم، و ما نیکوکاران را این چنین پاداش
می دهیم

وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ ۖ وَغَلَقَتِ الْأَبْوَابَ
وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ ۚ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ
إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ ۖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنَّ رَّعَا بُرْهَانَ رَبِّهِ ۖ كَذَلِكَ
لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ ۚ إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا
الْمُخْلِصِينَ

وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِن دُبُرٍ ۖ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا
الْبَابِ ۚ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ
أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَن نَّفْسِي ۚ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِن
كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

وَإِن كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ
الصَّادِقِينَ

فَلَمَّا رَءَا قَمِيصَهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِن كَيْدِكُنَّ ۚ إِن
كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَن هَذَا ۖ وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ ۖ إِنَّكِ كُنْتِ
مِنَ الْخَاطِئِينَ

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن
نَفْسِهِ ۖ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا ۚ إِنَّا لَنَرْنَهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

و آن زنی که وی در خانه اش بود از او به رفق و فریب
درخواست کامجویی کرد و (بدین منظور) درها را محکم
بست و گفت: بشتاب، من از بهر تو آماده ام. یوسف گفت:
پناه بر خدا، او (شویت) مربی من است که جایگاهم را نیکو
کرده، و او (خدا) پروردگار من است که مقام و منزلتم را
نیکو ساخته بی تردید ستمکاران هرگز رستگار نمی شوند

و حقا که آن زن (برای کامجویی) قصد وی کرد، و اگر نه این
بود که یوسف برهان پروردگار خود را دید (مقام نبوت خود
و عظمت خداوند را) طبعا (برای آمیزش) قصد او می کرد
(ولی با دیدن برهان این قصد محال بود)، و یا آنکه آن زن
وی را (برای فحشا) قصد نمود و او هم وی را (برای زدن یا
کشتن به عنوان دفاع) قصد می کرد اگر نه این بود که
برهان پروردگار خود را دید (که او را به سوی فرار از
صحنه هدایت نمود. و) ما چنین کردیم تا بدی (قتل نفس) و
فحشا (اتهام به زنا) را از او بازگردانیم، که همانا او از
بندگان برگزیده ما بود

و هر دو از یکدیگر به سوی در پیشی گرفتند و آن زن
پیراهن وی را از پشت بدید، و (چون در باز شد) هر دو
آقای زن را (شوهرش را) نزدیک در یافتند، زن گفت: جزای
کسی که به خانواده ات قصد بدی کند چیست جز آنکه
زندانی شود یا عذابی دردناک ببیند؟

(یوسف) گفت: این زن از من درخواست کامجویی کرد و
شاهدی از خانواده زن (مردی حکیم یا کودکی در گهواره)
گواهی داد (هدایت به سوی گواه عقلی کرد و آن کیفیت
چاک شدن پیراهن است) که اگر پیراهن او از جلو پاره
شده، زن راست گفته و او از دروغگویان است

و اگر پیراهنش از پشت پاره شده، زن دروغ گفته و او از
راستگویان است

پس چون دید که پیراهنش از پشت پاره شده، گفت: این از
مکر و نیرنگ شما زن هاست حقا که نیرنگ شما (درباره
جذب دل های مردان) بزرگ است

ای یوسف، تو از (افشای) این قضیه صرف نظر کن، و تو نیز
(ای زن) از گناهت آمرزش بخواه، که همانا از خطاکاران بوده
ای

و در شهر (مصر) عده ای از زن ها گفتند: زن عزیز از غلام
خود درخواست کامجویی می کند! محبت او از پرده دل بر
عمق قلبش نفوذ کرده، حقا که ما او را در گمراهیی آشکار
می بینیم

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَءَاتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

۳۲

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاودْتُهُ وَ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا ءَامَرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونَا مِنَ الصَّغِيرِينَ

۳۳

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ

۳۴

فَأَسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۳۵

ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا الْآيَاتِ لَيْسَجُنَّهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

۳۶
۱۹۷

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَنِیْ أُعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَنِیْ أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِیْ خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

۳۷

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَأُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِی رَبِّیْ إِنَّیْ تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

پس چون (زن عزیز) سخنان مکرآمیز آنها را شنید سراغ آنها فرستاد و برایشان تکیه گاهی آماده ساخت و به دست هر یک کاردی (برای خوردن میوه) داد و (به عنوان سلام و پذیرایی آنها به یوسف) گفت: به مجلس آنها درآی. چون او را دیدند بزرگش شمردند و (واله جمالش شدند به حدی که) دست هایشان را سخت بریدند و (از فرط تعجب و تحسین) گفتند: منزّه است خداوند، این بشر نیست، این جز فرشته ای بزرگوار نیست

زن گفت: این همان کس است که مرا درباره وی (غیاباً) سرزنش کردید و البته من از وی درخواست کامجویی کردم و او خودداری نمود، و باز هم اگر آنچه را فرمانش می دهم نکند زندانی خواهد شد و مسلماً از خوارشدگان خواهد گشت

(یوسف) گفت: پروردگارا، زندان برای من از آنچه مرا به آن دعوت می کنند محبوبتر است، و اگر مکر و نیرنگ آن زنان را از من بازنگردانی به سوی آنها میل خواهم کرد و از نادان ها خواهم بود

پس پروردگارش دعای او را اجابت نمود و مکر آنان را از وی بگردانید، که همانا اوست که شنوا و داناست

آن گاه پس از دیدن نشانه ها (ی بی گناهی او مانند قول شاهد، چاک شدن پیراهن از عقب و عفت روح یوسف) به نظرشان رسید که وی را تا مدتی زندانی کنند

و همراه یوسف دو غلام (از غلامان شاه) وارد زندان شدند، یکی از آن دو گفت: من (در خواب) خودم را می دیدم که انگور (برای ساختن شراب) می فشارم و دیگری گفت: من خودم را می دیدم که نانی بر بالای سر خود حمل می کنم که پرندگان از آن می خورند. ما را از تعبیر این (خواب ها) خبر ده، که همانا ما تو را از نیکوکاران می بینیم

گفت: طعامی که جیره شما باشد برایتان نمی آید مگر آنکه شما را از تعبیر آن خواب قبل از آنکه به شما برسد خبر می دهم. این (علم تعبیر) از چیزهایی است که پروردگارم به من آموخته است، زیرا من آیین گروهی را که به خدا ایمان ندارند و به سرای واپسین کافرنند ترک کرده ام

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا
أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى
النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

يَصْلَحِنِي السَّجْنُ عَزَّابُ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ
الْقَهَّارُ

مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ
وَعِبَادُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا
لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

يَصْلَحِنِي السَّجْنُ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا
الْآخَرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ
الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ
فَأَنسَلَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السَّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ
عِجَافٍ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ
أَقْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ

و از دین و آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی
کرده ام ما (خانواده) را نسزد که هیچ چیزی را شریک خدا
سازیم. این (توحید و هدایت) از فضل خداست بر ما و بر
همه مردم، لکن بیشتر مردم سپاس نمی گزارند

ای دو یار زندانی من، آیا خدایان متعدد و پراکنده بهترند
(مانند بت ها، ستارگان و غیره) یا خدای یکتای غالب و چیره
(بر جهان هستی)

شما به جای خداوند نمی پرستید جز نام هایی (بی محتوا) را
که شما و پدرانتان نامگذاری کرده اید و خدا بر (ملاحیت
پرستش) آنها هیچ حجت و برهانی را نازل نکرده است.
فرمان نافذ و حکومت (بر جهان هستی) جز از آن خدا نیست
دستور داده که غیر او را نپرستید آن است دین پابرجا و
استوار، و لکن بیشتر مردم نمی دانند

ای دو یار زندانی من، اما یکی از شما (آزاد می شود و)
خواجه خود را شراب می نوشاند و اما آن دیگری به دار
آویخته می شود و پرندگان از (مغز) سرش می خورند. کاری
که شما دو نفر از تعبیر آن خواستید حکم آن (از سوی خدا)
صادر شده و انجامش قطعی است

و به یکی از آن دو نفر که می دانست خلاص می شود گفت:
مرا در نزد خواجه ات یاد آر اما شیطان یادآوری او را نزد
خواجه اش از یادش برد، از این رو یوسف چند سالی (ما
بین سه تا نه سال) در زندان بماند

و (روزی) شاه گفت: من (در خواب) می دیدم هفت گاو فربه
را که هفت گاو لاغر آنها را می خورند و هفت خوشه سبز و
خوشه های دیگر خشکیده را (که بر سبزه ها پیچیده و آنها را
می خشکانند). ای سران قوم، مرا درباره خوابم نظر دهید
اگر تعبیر خواب می کنید

قَالُوا أَضْغَتْ أَحْلَمٌ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَمِ بِعَلَمِينَ

۴۵

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ

۴۶

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَتٍ لَّعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ

۴۷

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ

۴۸

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُخْصِنُونَ

۴۹

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ

۵۰
۱۹۹

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ أَرْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ

۵۱

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاودْتُنَّ يُوسُفَ عَنِ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْكُنْ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاودْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ

۵۲

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ

گفتند: خواب هایی پریشان و آشفته است و ما به تعبیر خواب های آشفته دانا نیستیم

و از آن دو (زندانی) آن کس که نجات یافته بود و پس از مدتی دراز (زندان و یوسف و تعبیر خواب را) به یاد آورده بود گفت: من شما را از تعبیر این خواب آگاه می کنم، پس مرا (به زندان) بفرستید

(او به زندان آمده، گفت) یوسف، ای مرد راستین و راستگو ما را نظر ده درباره هفت گاو فربه که هفت گاو لاغر آنها را می خورند، و هفت خوشه سبز و خوشه های دیگر خشکیده شاید به سوی مردم بازگردم، باشد که آنها (تعبیر این خواب عجیب را) بدانند

گفت: هفت سال پی در پی با جدّیت تمام کشت می کنید، پس آنچه را درو کردید در خوشه خود به جا نهید جز اندکی را که می خورید

آن گاه پس از آن، هفت سال سخت و قحطی می آید که آنچه را از پیش برای آنها نهاده اید (ذخیره کرده اید) می خورند مگر اندکی را که (به عنوان بذر زراعت) نگهداری می کنید

آن گاه پس از آن، سالی می رسد که مردم در آن یاری می شوند و باران می بینند و در آن پیوسته (پستان حیوانات را برای لبنیات، و میوه جات را برای گرفتن آب میوه، و دانه ها را برای گرفتن روغن) می افشردند

و شاه گفت: او را نزد من آرید. پس چون فرستاده اش پیش یوسف آمد، گفت: به نزد خواجه ات برگرد و از وی بپرس که کار و بار زنانی که دست های خود را بریدند (و موضوع اتهام و سبب زندانی شدن من) چه بود؟ البته پروردگار من به نیرنگ و فریب آنها داناست

(شاه پس از احضار آن زن ها) گفت: کار و بار شما هنگامی که از یوسف درخواست کامجویی داشتید چه بود (و اقدام از طرف که بود) گفتند: منزّه است خدا، ما هیچ بدی و گناهی بر او ندانسته ایم. زن عزیز (که اصل و ریشه فتنه بود) گفت: اکنون حق کاملاً روشن شد، من بودم که از او درخواست کامیابی کردم و حقاً که او از راستگویان است

(یوسف در ادامه سخنان خود گفت) این (پیشنهاد احضار زن ها و پرسش آنها) برای آن است که (عزیز مصر) بداند که من هرگز در غیاب وی به او خیانت نکرده ام، (و زن عزیز گفت) این (اعتراف من) برای آن بود که (یوسف) بداند من در غیابش (در مجلس پرس و جو) بر وی خیانت ننمودم و بی تردید خداوند نیرنگ خائنان را به هدف نمی رساند

وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِيَّ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُتُونِي بِهِۦٓ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُۥ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ

قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ

وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبَوُّا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ ۚ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

وَلَا جُرْ الْأَخِرَةَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا وَاٰمَنُوا يَتَّقُونَ

وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُۥ مُنْكَرُونَ

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ قَالَ أَتُتُونِي بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ أَبِيكُمْٓ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِۦٓ فَلَا كَيْلَ لَكُم عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ

قَالُوا سُرُرُودُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا أُنْقَلِبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانَا نَكَتْلُ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَافِظُونَ

و (یوسف یا زن عزیز گفت) من نفس خود را (بدون توجه و مراقبت های الهی) تبرئه نمی کنم، زیرا که نفس (انسانی) پیوسته فرمان دهنده به زشتی است مگر آنکه پروردگارم رحم کند که همانا پروردگار من بسیار آمرزنده و مهربان است

و شاه گفت: او را نزد من آرید تا وی را خاص خود سازم. پس چون با وی سخن گفت (و عقل و دانش و کمالات نفسانی او را دید) گفت: تو حتما امروز در نزد ما والا مقام و امین هستی

(یوسف به لحاظ اطلاعات از آمدن سال های فراوانی و قحطی و نیاز دولت به حسن مدیریت) گفت: مرا بر خزانه های این سرزمین بگمار، که همانا من نگهبان و دانایم

و این چنین یوسف را در آن سرزمین قدرت و توان دادیم که در هر جای آن می خواست مسکن می گزید. ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم می رسانیم و هرگز پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم

و به یقین پاداش آخرت بهتر است برای کسانی که ایمان آورده و پروا پیشه می داشتند

و (در سال های قحطی) برادران یوسف (به مصر) آمدند و بر او وارد شدند. او آنها را شناخت و آنها او را (به خاطر تغییر سنّ و مقام و زبان) نشناختند

و چون آنها را به آذوقه و وسایل سفرشان مجهّز نمود، گفت: آن برادر پدری تان را هم (نوبت بعد) نزد من آرید، آیا نمی بینید که من پیمانه را کامل می دهم و من بهترین میزبانانم

پس اگر او را پیش من نیاورید هیچ پیمانه ای (از خواربار) نزد من نخواهید داشت و نزدیک من هم نشوید

گفتند: ما به زودی او را از پدرش با نرمی و فریب خواهیم خواست و ما حتما انجام دهنده این کاریم

و به غلامان (پیمانه گر) خود گفت: سرمایه آنها را (که برای خرید طعام آورده اند) در بارهایشان بگذارید، شاید وقتی که به سوی خانواده خود بازگشتند آن را بشناسند، باشد که بازگردند

پس چون به سوی پدرشان بازگشتند، گفتند: ای پدر، پیمانه (طعام) از ما ممنوع اعلام شد (اگر بنیامین همراه ما نباشد) پس برادرمان را با ما بفرست تا پیمانه بگیریم و حتما ما نگهبان او هستیم

قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

۶۵

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَلْعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَبْنَابَنَا مَا نَبَغِيَ هَٰذِهِ بِضَلْعُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفُظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَٰلِكَ كَيْلُ يَسِيرٍ

۶۶

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُوا مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

۶۷

وَقَالَ يَبْنَی لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أَغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

۶۸

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَلَهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

۶۹
۲۰۱۲

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

(یعقوب) گفت: آیا درباره او می توانم به شما اطمینان کنم مگر همان گونه که پیش از این درباره برادرش اطمینان کردم؟! پس (اگر بفرستم) خداوند بهترین نگهدارنده است، و او مهربان ترین مهربانان است

و چون متاع خود را گشودند سرمایه خود را یافتند که به خودشان بازگردانده شده! (برای اینکه پدر را راضی کنند) گفتند: ای پدر، ما دیگر چه می خواهیم؟ این سرمایه ماست که به ما بازگردانده شده و (این بار) برای خاندانمان آذوقه می آوریم و برادرمان را نگهداری می کنیم و (با بردن او) یک بار شتر اضافه می گیریم، که این (در نزد عزیز) پیمانه ای ناچیز است

گفت: هرگز او را با شما نمی فرستم تا آنکه از سوی خدا پیمانی محکم به من دهید که حتما او را برای من می آورید مگر آنکه همگی در احاطه بلا و آسیبی قرار گیرید و هلاک شوید. پس چون پیمان استوار خود به او دادند، گفت: خداوند بر آنچه می گوییم وکیل و ناظر است

و (در بدرقه آنها) گفت: ای پسران من، همگی از یک در (از دروازه های شهر یا دربار عزیز) وارد نشوید و از درهای متفرق وارد شوید (تا مورد حسد حسودان یا خطر بد چشمان یا سوء ظن درباریان قرار نگیرید) و من هرگز از شما چیزی را که از سوی خداست دفع نتوانم کرد فرمان نافذ و حکومت (بر جهان هستی) جز برای خدا نیست، بر او توکل کردم و توکل کنندگان باید تنها بر او توکل کنند

و چون از جایی که پدرشان دستور داده بود درآمدند (این کار) چیزی را از آنچه از سوی خدا تقدیر شده بود دفع نمی کرد جز آنکه حاجتی در دل یعقوب بود که عملی کرد (دفع حسد و چشم بد و سوء ظن) و البته او صاحب علم (فراوان لدنی) بود چرا که ما تعلیمش کرده بودیم، و لکن بیشتر مردم (هر زمان این گونه کمالات را نسبت به پیامبران) نمی دانند

و چون بر یوسف وارد شدند، وی برادرش (بنیامین) را در نزد خود جای داد (و به او) گفت: همانا من برادر تو هستم، پس در مقابل آنچه (این برادران تا حال درباره من و تو) انجام می دادند اندوه مخور

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَتْهَا أَلْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ

قَالُوا وَأَقْبِلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ

قَالُوا نَقْصِدُ صَوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُۥٓ إِن كُنتُمْ كَاذِبِينَ

قَالُوا جَزَاؤُهُۥٓ مَن وُجِدَ فِي رَحْلِهِۦ فَهُوَ جَزَاؤُهُۥٓ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَٓ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّن نَّشَأٍٓ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ

قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُۥ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِۦ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَّكَانًا ۖ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ

قَالُوا يَأَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُۥٓ أَبَا شَيْخَا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓ إِنَّا نَرْنَكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

پس چون آنها را به آذوقه و وسایل سفرشان مجهز نمود جام آبخوری را (که همان پیمانه بود) در باردان برادرش قرار داد، سپس جارزننده ای بانگ برآورد که ای کاروانیان، حتما شما دزدید. (مراد سرقت جام در ظاهر و سرقت یوسف از پدر در واقع بوده، یا دروغ برای مصلحت لازم بلامانع است.

(برادران یوسف) در حالی که رو به مأموران آوردند، گفتند: چه چیزی گم کرده اید

گفتند: پیمانه شاه را گم کرده ایم و برای هر کسی که آن را بیاورد بار یک شتر (جایزه یا حق الجعاله) خواهد بود و (من جارزننده) خودم آن را ضامنم

(برادران یوسف) گفتند: به خدا سوگند شما نیک می دانید که ما نیامده ایم در روی زمین تبهکاری کنیم و ما هرگز دزد نبوده ایم

گفتند: کیفر آن چیست اگر شما دروغگو درآیید

برادران گفتند: جزای آن این است که هر که جام در باردانش یافت شده او خود جزای آن است (سارق مدتی در اختیار صاحب مال قرار می گیرد)، ما ستمکاران (از راه سرقت) را این گونه کیفر می دهیم

پس یوسف کاوش را از ظروف آذوقه آنها پیش از ظرف برادرش آغاز نمود، سپس جام را از ظرف برادرش بیرون آورد. این گونه ما برای یوسف چاره اندیشی کردیم، زیرا در آیین شاه روا نبود که برادرش را بازداشت کند، مگر آنکه خدا بخواهد (که قانون تغییر کند یا راه فوق عملی شود) هر کس را بخواهیم به درجاتی بالا می بریم، و برتر از هر صاحب دانشی داناتری هست

(برادران) گفتند: اگر او دزدی کند (تعجب ندارد) برادری از او نیز در گذشته دزدی کرده بود، پس یوسف آن سخن را در دل خود پنهان داشت و بر آنها آشکار نساخت (و با خود) گفت: شما در منزلت (انسانیت) بدترید (که انحطاط اخلاقی و صفت حسد دارید) و خداوند به آنچه توصیف می کنید داناتر است

گفتند: ای عزیز، همانا او را پدری است پیر و سالخورده، پس یکی از ما را به جای او بگیر، که ما تو را از نیکوکاران می بینیم

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ وَإِنَّا إِذَا لَظَلِمُونَ

فَلَمَّا أَسْتَيْسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِىَ أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لىَ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

أَرْجِعُوا إِلَىٰ آبِئَكُمْ فَقُولُوا يٰأَبَانَا إِنَّ أَبْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ

وَسَأَلَ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يٰإِسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَأَبِیَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَوْا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

گفت: پناه بر خدا که جز کسی را که متاع خود را نزد او یافته ایم بگیریم، که در غیر این صورت ما حتما ستمکاریم

پس چون از او (پذیرش یوسف و نجات برادر) نومید گشتند رازگویان به کناری رفتند. بزرگشان گفت: آیا نمی دانید که (راجع به بنیامین) پدرتان از شما پیمان محکم خدایی گرفته و در گذشته نیز چه تقصیری درباره یوسف کردید؟! پس من که هرگز از این سرزمین بیرون نمی روم تا پدرم مرا اذن دهد یا خداوند درباره من داوری کند و او بهترین داوران است

به سوی پدرتان بازگردید و بگویید: ای پدر، همانا پسرِت دزدی کرد (و او را بازداشت کردند) و ما جز به آنچه دانستیم گواهی ندادیم (در نزد تو به اینکه او دزدی کرده و در نزد عزیز که کیفر دزد برده شدن است) و ما آگاه از غیب هم نبودیم (که او دزدی خواهد کرد تا نیاوریم و اینکه او را به بردگی می گیرند تا آن حکم را بیان نکنیم)

و از آن مجتمعی که ما در آن بودیم (مردم مصر) و کاروانی که در میان آنها آمده ایم بپرس، و بی تردید ما راستگوییم

یعقوب گفت: (چنین نیست که شما بی گناه باشید) بلکه نفستان بر شما امری را به باطل آراسته (که به آنها اطلاع دادید جزای دزد در مذهب ما استخدام اوست و بنیامین را گرفتار کردید) پس صبر نیکو بایدم کرد، امید است که خدا همه آنها را (آن دو نفر که در مصرند و یوسف را) به من بازگرداند که او همان دانا و صاحب حکمت است

و از آنها روی برتافت و گفت: ای دریغ بر یوسف! و هر دو چشمش از (غایت) اندوه سفید شد و همواره غصه گلوگیرش بود

(فرزندانش) گفتند: به خدا سوگند که تو پیوسته از یوسف یاد می کنی تا آنکه مشرف به مرگ شوی یا هلاک گردی

گفت: من از اندوه شدید و غصه خود تنها به خدا شکوه می کنم (نه به شما) و از جانب خدا چیزی را می دانم (زنده بودن یوسف را) که شما از آن آگاه نیستید

يَبْنِيْ اَذْهَبُوْا فَتَحَسَّسُوْا مِنْ يُوسُفَ وَآخِيْهِ وَلَا تَأْيَسُّوْا
مِنْ رَّوْحِ اللّٰهِ ۚ اِنَّهٗ لَا يَأْيِسُ مِنْ رَّوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ
الْكٰفِرُوْنَ

فَلَمَّا دَخَلُوْا عَلَيْهِ قَالُوْا يٰٓاَيُّهَا الْعَزِيْزُ مَسَّنَا وَاهْلُنَا الضُّرُّ
وَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُّزَجَلَةٍ فَاَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا ۖ
اِنَّ اللّٰهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِيْنَ

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَّا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَآخِيْهِ اِذْ اَنْتُمْ جٰهِلُوْنَ

قَالُوْا اَءَنْتَ يُوسُفُ ۖ قَالَ اَنَا يُوسُفُ وَهٰذَا اَخِيْ ۖ قَدْ
مَنَّ اللّٰهُ عَلَيْنَا ۚ اِنَّهٗ مَنْ يَّتَّقِ وَيَصْبِرْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيْعُ
اَجْرَ الْمُحْسِنِيْنَ

قَالُوْا تَاللّٰهِ لَقَدْ ءَاثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَاِنْ كُنَّا لَخٰطِئِيْنَ

قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمْ اَلْيَوْمَ يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ وَهُوَ اَرْحَمُ
الرَّحِيْمِيْنَ

اَذْهَبُوْا بِقَمِيصِيْ هٰذَا فَاَلْقُوْهُ عَلٰى وَجْهِ اَبِيْ يَأْتِ بَصِيْرًا
وَاَتُوْنِيْ بِاَهْلِيْكُمْ اَجْمَعِيْنَ

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيْرُ قَالَ اَبُوْهُمْ اِنِّيْ لَاجِدُ رِيْحَ يُوسُفَ ۖ لَوْلَا
اَنْ تُفَنِّدُوْنَ

قَالُوْا تَاللّٰهِ اِنَّكَ لَفِيْ ضَلٰلِكَ اَلْقَدِيْمِ

ای پسران من، بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و
از فرج و رحمت خدا نومید نشوید، که جز کافران از رحمت
خدا نومید نگردند

پس چون (در نوبت بعد که به منظور خرید طعام و نجات
برادر به مصر رفتند و) بر او وارد شدند، گفتند: ای عزیز،
ما و خانواده ما را سختی و تنگی رسیده و سرمایه ای ناچیز
آورده ایم، پس ما را پیمانه کامل ده و بر ما تصدّق کن، که
همانا خداوند متصدقان را پاداش می دهد

گفت: آیا می دانید هنگامی که جاهل و نادان بودید با یوسف
و برادرش چه کردید؟

گفتند: آیا راستی تو خود یوسفی؟ گفت: (آری) من یوسفم و
این هم برادر من است حقّا که خدا بر ما مَنّت نهاد (ما را از
ذلت به عزّت، از جدایی به وصل و از جهل به علم رسانید)
زیرا که هر کس پروا پیشه کند و صبر نماید (به پاداش
رسد که) همانا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند

گفتند: به خدا سوگند که خداوند تو را بر ما برگزید و برتری
داد و حقیقت این است که ما خطاکار بودیم

گفت: امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست، خداوند شما را
می آمرزد و او مهربانترین مهربانان است

این پیراهن مرا ببرید و بر روی پدرم بیفکنید که بینا می
شود و همه خاندانتان را نزد من آورید

و همین که کاروان (از مصر) جدا شد پدرشان (در کنعان)
گفت: همانا من بوی یوسف می شنوم اگر مرا به کم عقلی
نسبت ندهید

گفتند: به خدا سوگند که تو هنوز در گمراهی قدیم خود
(افراط در حبّ یوسف) به سر میبری

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ ۖ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ۚ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

۹۷

قَالُوا يَبْنَآبَانَا أَتُغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ

۹۸

قَالَ سَوْفَ أُسْتَغْفَرُ لَكُمْ رَبِّي ۖ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

۹۹

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُسُفَ عَاوَىٰ إِلَيْهِ أَبْوِيهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ

۱۰۰

وَرَفَعَ أَبْوِيهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَأْبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءُوسِي مِنْ قَبْلُ ۚ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

۱۰۱
حزب
۹۹

رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۚ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ

۱۰۲

ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۚ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ

۱۰۳

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ

پس چون مژده رسان آمد آن پیراهن را بر روی وی افکند و او بینا شد. گفت: آیا به شما نگفتم که من از جانب خدا چیزی را می دانم که شما از آن آگاه نیستید؟! (زنده بودن یوسف و سرآمدن شب هجران.

(پسران یعقوب) گفتند: ای پدر، برای گناهان ما (از خداوند) آمرزش بخواه، که همانا ما خطاکار بودیم

گفت: به زودی برای شما از پروردگار خویش آمرزش می خواهم (بگذارید شب جمعه شود یا روز وصل یوسف رسد) مسلماً او همان بسیار آمرزنده و مهربان است

پس هنگامی که بر یوسف وارد شدند وی پدر و مادر خود را در آغوش کشید و در جانب خود جای داد و گفت: به خواست خدا در امن و امان به سرزمین مصر درآیید

و پدر و مادر خود را بر تخت خود بالا برد و (به هنگام ورود او همگی) در مقابل او به سجده افتادند، و گفت: ای پدر، این (سجود) تعبیر خواب پیشین من است که خدا آن را حقیقت بخشید، و حقاً که با من نیکی کرد آن گاه که مرا از زندان بیرون آورد و پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم را فاسد کرده بود شما را از صحرا (به اینجا) آورد بی تردید پروردگار من به هر که خود بخواهد احسان کننده و هر امر مشکلی را به تدبیر دقیق و نافذ خود آسان کننده است، همانا اوست که دانا و با حکمت است

پروردگارا، تو مرا بهره ای از ملک و حکومت دادی و از تعبیر خواب ها و تفسیر احادیث (کتاب های آسمانی و کلمات انبیا) آموختی، ای آفریننده آسمان ها و زمین، تو در دنیا و آخرت یاور و سرپرست منی، مرا در حالی که تسلیم (امر تو) باشم بمیران و به صالحان ملحق ساز

این (سرگذشت) از خبرهای غیبی است که به تو وحی می کنیم و تو در آن هنگام که آنها (برادران یوسف) به کار خود تصمیم گرفتند و (برای پیاده کردن آن) نیرنگ می کردند در نزد آنها نبودی

و بیشتر مردم هر چند حریص (به ایمان آنها) باشی ایمان آورنده نیستند

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

۱۰۵
۲۰۴ر

وَكَأَيِّن مِّنْ ءَايَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ

۱۰۶

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُّشْرِكُونَ

۱۰۷

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ
السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۱۰۸

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ
اتَّبَعَنِي ۖ وَسُبْحَنَ اللَّهُ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

۱۰۹

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ مِّنْ أَهْلِ
الْقُرَى ۚ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا ۚ أَفَلَا
تَعْقِلُونَ

۱۱۰

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ
نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَّشَاءُ ۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ
الْمُجْرِمِينَ

۱۱۱

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۚ مَا كَانَ حَدِيثًا
يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ
شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

حال آنکه تو هیچ پاداشی از آنها (در مقابل ابلاغ این کتاب) نمی طلبی این (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان نیست. (که جامعه بشری را به دفاين مغزشان و اوصاف روانشان و اسرار جهانشان تذکر دهد و این مطلب قابل پاداش نیست)

و چه بسیار نشانه ها (از توحید و جلال و جمال خدا و حقیّت معاد) در آسمان ها و زمین است که مردم بر آنها می گذرند در حالی که از آنها رویگردان و به آنها بی توجه اند

و بیشتر آنها (مردم جهان) به خدا ایمان نمی آورند مگر آنکه در همان حال (از راه اعتقاد به بت و عزیر و عیسی و نور و ظلمت و هر شرک جلی و خفی) مشرک اند

پس آیا ایمنند از اینکه عذابی فراگیر از عذاب های خداوند به آنها برسد یا قیامت به ناگاه در حالی که فکرش را هم نمی کردند بر آنها فرا رسد؟

بگو: این راه من است که من و هر کس که پیرو من است با بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم و خدا منزّه است و من از مشرکان نیستم

و پیش از تو (برای هدایت جامعه انسانی) نفرستادیم مگر مردانی را از اهل شهرها و روستاها (نه فرشتگان و نه زنان و نه صحرانشینان را) که به آنها وحی می کردیم. پس آیا اینان در روی زمین سیر نکرده اند تا بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه شد؟! و البته خانه آخرت برای کسانی که پروا پیشه داشته اند بهتر است، آیا نمی اندیشید؟

(رسولان ما دعوت کردند و ملت ها انکار نمودند) تا آن گاه که فرستادگان ما احساس یأس کردند و (ملت هم) گمان بردند که به آنها دروغ گفته شده، (به ناگاه) یاری ما به آنها رسید، پس کسانی که می خواستیم رهانیده شدند و (البته) عذاب ما از گروه گنهکاران برگردانده نمی شود

به یقین در سرگذشت آنان (رسولان و امتّشان) برای صاحبان خرد عبرتی است. (این قرآن) سخنی نیست که بتوان به دروغ بافت و لکن تصدیق کننده چیزی است (از کتاب های آسمانی) که پیشاپیش اوست و تفصیل دهنده هر چیزی (از امور دینی و معارف معنوی) است و هدایت و رحمتی است برا

الف، لام، میم، را. من خدایی هستم که می دانم و می بینم. این کتاب مرکب از همین حروف است اما کسی توان آوردن نظیر آن را ندارد. این کتاب دارای محکمت و این گونه متشابهات است. این حروف رمزهایی میان خدا و رسول اوست. این آیات (که در این سوره است) آیات این کتاب (تدوینی و قرآن) است، و این (آیات که در آفاق است) آیات این کتاب (تکوینی و عالم خلقت) است، و آنچه از سوی پروردگارت به تو فرو فرستاده شده حق است، ولی بیشتر مردم (با شنیدن این آیات و دیدن آن آیات) ایمان نمی آورند

خداوند همان است که آسمان ها را بدون ستون هایی که شما ببینید برافراشت، سپس بر تخت (فرماندهی عالم) استیلا یافت و خورشید و ماه را رام (خود) نمود هر یک از آنها (در مسیر حرکت مستقیم و مستدیر خویش) برای مدت معینی در جریان است، کار (عالم هستی) را تدبیر می کند نشانه ها (ی قرآنی و آفاقی و انفسی) را به تفصیل بیان می کند، باشد که شما به دیدار پروردگارتان (پس از این جهان) یقین پیدا کنید

و او همان است که این زمین را گسترده و در آن کوه هایی ثابت و پابرجا و نهرا قرار داد و در آن از همه میوه جات (و) نتاج (و بذر گیاهان) جفت جفت و نر و ماده بیافرید، شب را (به تدریج در اوقات زیاد شدن شب ها) بر روز می پوشاند قطعاً در این (تصرفات جوی) نشانه هایی است (از توحید ذات و صفاتش) برای گروهی که می اندیشند

و در روی زمین قطعاتی است در کنار هم و باغ هایی از انگور، و کشت و زرع، و درختان خرمایی از یک ریشه و از ریشه های متعدد، که همه با یک آب سیراب می گردند و با این حال برخی از آنها را بر برخی دیگر در محصول برتری می دهیم. حقاً که در این (تنوع خلقت) نشانه هایی است برای گروهی که خرد را به کار می برند

و اگر (از چیزی) تعجب می کنی پس تعجب آور گفتار آنهاست که (گویند) آیا آن گاه که (پس از مرگ) خاک شدیم آیا به راستی ما در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟ آنها باید کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند و آنها در گردنشان غل و زنجیرها (ی ضلالت در دنیا و آتشین در آخرت) است، و آنها اهل آتش اند که در آن جاودانند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْمَرْ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ ۖ وَالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

۱
۲۰۵۹

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۖ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ

۲

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الشَّجَرِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

۳

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَجَوِّرَاتٌ ۖ وَجَنَّتْ مِنْ أَعْنَبٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضِلُ بَعْضُهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

۴

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَءِذَا كُنَّا تُرَابًا أَعْنَا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلُلُ ۖ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۵
حزب
۱۰۰

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ
قَبْلِهِمُ الْمَثَلَتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ
وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّْمَا
أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ
وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ

عَلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ

سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ
مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ
اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ
وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ
مِنْ وَّالٍ

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ
الثِّقَالَ

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَكُتُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ
الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ
وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ

و آنها پیش از (طلب) رحمت، شتاب در (نزول) عذاب را از
تو می خواهند در حالی که (می دانند) قبل از آنها بلاهای
عبرت آموز (بر امم سابقه) گذشته است. و حقاً که پروردگار
تو بر مردم با وجود ستمشان صاحب آمرزشی (بزرگ) است
و البته پروردگارت (نسبت به مستحقین عذاب) سخت کبفر
است

و کسانی که کفر ورزیدند گویند: چرا بر او نشانه و معجزه
ای (مانند ناقه صالح و عصای موسی و مائده عیسی) از
پروردگارش فرو فرستاده نشده؟! جز این نیست که تو فقط
بیم دهنده ای (و معجزه دست خداست نه به اختیار تو و نه
به انتخاب آنها) و برای هر گروهی (از جامعه بشری)
راهنمایی هست (پیامبری یا امام و رهبری است)

خداوند می داند آنچه را که هر ماده ای (از انسان و غیره)
بار می گیرد و آنچه را که رحم های آنها می کاهد و آنچه را
که می افزایش (عدد اولاد را در رحم از یک تا چند، و مدت
بقاء حمل را در آن از شش ماه تا یک سال، و انقطاع خون
حیض را در وقت حمل و زیاد شدنش را پس از آن می
داند) و هر چیزی (از اجزاء عالم وجود) در نزد او مقداری
(معین) دارد

دانای نهان و آشکار است، و بزرگ و برتر از همه چیز و هر
توصیف است

(در نزد او) یکسان است که کسی از شما گفتارش را (در
دل) پنهان دارد (یا درگوشی بگوید) و کسی که آن را فاش
سازد، و کسی که در شب جای پنهان گزیند و یا در روز
آشکارا آمد و شد کند

برای انسان مراقب هایی (از فرشتگان الهی غیر از رقیب و
عتید که نگارندگان اعمال اویند) از پیش رو و پشت سر
اوست که همواره او را به دستور خدا حفظ می کنند. همانا
خداوند بر هیچ گروهی آنچه را دارند (از نعمت و رفاه یا بلا
و سختی) تغییر نمی دهد تا آنکه آنان آنچه را در خود دارند
(از ایمان و کفر یا طاعت و فسق) تغییر دهند. و چون
خداوند به گروهی بدی (و عذابی) را اراده نماید هرگز آن
را برگشتی نباشد و برای آنان جز او یاور و سرپرستی نیست

او همان است که برق (جهنده) را به شما برای بیم و امید
نشان می دهد (بیم از تگرگ و سیل، و امید به رحمت و
خیر) و ابرهای سنگین را (که دریایی از آب روان است)
پدید می آورد و بالا می برد

و رعد (آسمانی) او را (به زبان تکوین) توأم با سپاسش
تقدیس می کند (صداهای جوّی به دقت عقلی گویای کمال
قدرت و برانت او از نقص است) و فرشتگان نیز از بیم
جلالش (تقدیس می کنند)، و صاعقه ها را می فرستد و آنها
را به هر فرد یا افراد (مستحق عقوبت) که خواهد می رساند
در حالی که آنها درباره خداوند مجادله می کنند! و او دارای
شدت قدرت و مؤاخذه و مقابله با مکر است

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبْسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿١٥﴾

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَبَّهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

دعوت به حق و به جا (دعوت مردم به پرستش و طاعت) تنها از آن اوست و خواندن و نیاز خواستن به حق و به جا نیز تنها سزاوار اوست و کسانی که مشرکان به جای او می خوانند چیزی (از نیازشان) را برای آنها برآورده نمی کنند، (آنان نیستند) مگر مانند کسی که دو کف دستش را (از مسافت دور) به سوی آب دراز کند تا آب به دهانش برسد یا کسی که دو دست خود را گشوده در آب کند (و بیرون آرد) تا آب به دهانش برسد، ولی هرگز آب به دهان او نخواهد رسید (اجابت بتان در مورد خواسته آنان مانند تأثیر این عمل ها در سیرابی تشنه است) و خواندن کافران جز در گمراهی و تباهی نیست

و هر که و هر چه در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه برای خدا سجده می کنند (صاحبان شعور و ایمان به خضوع تشریعی، و غیر آنها به خضوع تکوینی) و نیز سایه های آنها (سایه اجرام سایه داری که در آسمان ها در مقابل خورشید خود یا نور دیگری قرار گرفته اند و روز و شب دارند) در بامدادان و شامگاهان (در برابر خدا سجده می کنند)

(به مشرکان) بگو: چه کسی پروردگار آسمان ها و زمین است؟ (سپس خود) بگو: الله (زیرا جوابی به غیر این نیست و آنها از روی عناد ساکت اند. و به عنوان انکار و استبعاد عقلی) بگو: پس آیا غیر او یاوران و سرپرستانی گرفته اید که برای خودشان نیز تسلط بر سود و زبانی ندارند؟! بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا تاریکیها و نور برابرند؟ یا مگر برای خداوند شریکانی قرار داده اند که آنها نیز همانند آفریده های خدا (چیزهایی) آفریده اند که دو رقم آفرینش یا آفریده ها یا آفریننده ها بر آنها مشتبه شده (و از این رو شرکا را نیز مستحق عبادت دیده اند)؟ بگو: (بی تردید) آفریننده همه چیز خداست و اوست یگانه و غالب و مسلط کامل (بر همه اجزاء عالم هستی)

(اوست که) از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرو فرستاد پس رودخانه هایی (هر یک) به اندازه گنجایش خود روان شدند و سیل کفی را بر روی خود برداشت و نیز از آنچه (در کوره ها) جهت به دست آوردن زیور و زینت یا وسایل زندگی بر آن آتش می افروزند (مانند خاک مخلوط معادن) کفی است همانند کف سیل. خداوند این چنین حق و باطل را مثل می زند (حقایق، آب و فلزاتند، و باطل ها کف های آنها)، اما آن کف به کناری رفته نابود می شود و اما آنچه مردم را سود می بخشد (نظیر آب ها و فلزات ذوب شده) در زمین می ماند. خداوند مثال ها را این چنین می زند

برای کسانی که (دعوت) پروردگار خود را اجابت کردند عاقبت نیک و پاداش نیک است، و کسانی که (دعوت) او را اجابت نکردند اگر (در روز واپسین) سراسر آنچه در روی زمین است و نظیر آن نیز از آن آنها باشد حاضرند همه را فدای نجات خود کنند. آنهایند که محاسبه بدی دارند (هیچ عمل خیری از آنها قبول نیست و هیچ گناهی بخشوده نیست) و جایگاه آنها جهنم است و آن بد آرامگاهی است

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ

۲۱

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا آمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ

۲۲

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَانْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ

۲۳

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ

۲۴

سَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

۲۵

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا آمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

۲۶

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَعٌ

۲۷ ر
۲۰۸

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ

۲۸

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

پس آیا کسی که می داند آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرو فرستاده شده حق است همانند کسی است که (چشم باطنش) نابیناست؟ جز این نیست که تنها صاحبان خرد متذکر می شوند

همان کسانی که به عهد خدا وفا می کنند و پیمان (عقلی و نقلی توحید او را) نمی شکنند

و کسانی که با آنچه خدا دستور داده با آن پیوند شود می پیوندند (پیوند انسان با خدا و رسولان و خویشان و اولی الامر و جامعه) و از پروردگارشان می هراسند و از سختی محاسبه (در قیامت) می ترسند

و کسانی که برای جلب رضای پروردگارشان (در شداید و انجام وظائف) صبر کردند و نماز را برپا داشتند و از آنچه به آنها روزی کردیم (از مال و منال) در نهان و آشکار انفاق نمودند و با کار نیک خود گناهان را (یا با برخورد نیک خود بدرفتاری دیگران را) دور می سازند آنهایند که برایشان عاقبت (نیک) این سرای است (به تمام شدن این دنیا بهشت است)

بهشت هایی همیشگی که آنها خودشان و کسانی از پدران و همسران و فرزندانشان که (از نظر عقیده) شایسته اند (گرچه در عمل ناقص اند به خاطر آنها) بدان وارد می شوند و فرشتگان از هر دری بر آنها وارد می گردند

(و گویند) درود بر شما به پاس صبر و شکیبایی تان چه نیکوست (اینجا به عنوان) عاقبت آن سرای

و کسانی که پیمان خدا را (بر توحید و پذیرش دین) پس از استوار کردنش (با معجزات و دلایل)، می شکنند و از آنچه خداوند دستور داده که با آن پیوند شود می برند و در روی زمین فساد می کنند، آنهایند که برایشان لعنت و عاقبت بد این سرای است

خداست که روزی (مادی و معنوی) را برای هر که بخواهد وسعت می بخشد و یا تنگ می گرداند، و آنها (کافران) به زندگی دنیا شادند در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت جز بهره ای (ناچیز) نیست

و کسانی که کفر ورزیدند (به تمسخر) گویند: چرا بر او از جانب پروردگارش نشانه و معجزه ای (مطابق دلخواه ما یا مانند ناقه صالح و عصای موسی و مائده عیسی) فرود نیامده؟ بگو: به یقین خداوند (به اقتضاء حکمت و مصلحت معجزه می فرستد، پس) هر که را بخواهد (از آنان که نمی پذیرند) در گمراهی باقی می گذارد و کسی را که به سوی او بازگشته هدایت می کند

همان کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می یابد آگاه باشید که دل ها تنها به یاد خدا آرام می یابد

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ

كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ

۳۰

وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَأْتِيسِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَن لَّو يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

۳۱

وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

۳۲
۲۰۹ر

أَفَمَن هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بَظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَل زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَن يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ

۳۳

لَّهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ ۚ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ

۳۴

کسانی که ایمان آوردند و عمل های شایسته کردند، خوشی و مسرت، زندگی پاکیزه، بهشت برین و درخت طوبی از آن آنهاست و بازگشتی نیک دارند

همان گونه (که به سوی پیشینیان طبق سنت جاریه خود پیامبرانی فرستادیم) تو را در میان امتی که پیش از آنها امت هایی گذشته اند، فرستادیم تا آنچه را که به تو وحی کرده ایم بر آنان بخوانی، در حالی که آنها به خدای رحمان کفر می ورزند (وحدتش را و شمول رحمتش را نمی پذیرند). بگو: او پروردگار من است، جز او معبودی نیست، بر او توکل کردم و بازگشتم به سوی اوست

و اگر قرآنی بود که کوه ها بدان سیر داده می شد یا زمین بدان شکافته و قطعه قطعه می گردید یا با مردگان بدان سخن گفته می شد (باز هم تأثیری در ایمان آنها نداشت، زیرا ایمان و هدایت) بلکه کارها و فرمان ها یکسره از آن خداست، پس آیا کسانی که ایمان آورده اند (هنوز از ایمان اینان) ناامید نشده و ندانسته اند که اگر خداوند می خواست همه مردم را (بالاجبار) هدایت می کرد؟! (ولی سنت خدا اجبار بر ایمان نیست) و کسانی که کفر ورزیده اند پیوسته مصیبتی کوبنده به سزای آنچه کرده اند به آنها می رسد یا به نزدیکی خانه هایشان فرود می آید تا وعده (نهایی) خداوند برسد، که همانا خداوند خلف وعده نمی کند

و حقا فرستادگانی که پیش از تو بودند نیز مسخره شدند، پس به کسانی که کفر ورزیدند (و استهزا نمودند مدتی) مهلت دادم، سپس آنها را (به عذاب هایی مانند غرق و زلزله و میحه و باران سنگ) مواخذه کردم، پس (بنگر که کیفر من چگونه بود؟

پس آیا کسی که بر هر نفسی مسلط و مراقب عمل وی است (مانند بتان جماد است؟ و با این حال) آنان برای خدا شریکانی قرار داده اند، بگو: آنها را (با اوصافشان) نام ببرید (بگویید آنان زنده، آفریننده، شنونده و بیننده اند)! آیا واقعا خدا را از چیزی در روی زمین که آنها را (به صلاحیت) نمی شناسد خبر می دهید؟ یا فقط سخنی ظاهری و میان تهی می گوئید؟ (نه قطعا خدا شریک ندارد) بلکه برای کسانی که کفر ورزیده اند مکر و نیرنگشان آراسته گشته و از راه (حق) بازداشته و محروم شده اند و کسی را که خدا در گمراهی رها سازد هرگز او را راهنمایی نخواهد بود

آنها را در زندگی دنیا عذابی (چند) است (مانند شکست در جنگ، و مرض و قحطی) و البته عذاب آخرت دشوار است و برای آنها هیچ نگهدارنده ای از (عذاب) خدا نیست

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ^ط
أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى
الْكَافِرِينَ النَّارُ

وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ^ط وَمِنَ
الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ^ج قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ
وَلَا أُشْرِكَ بِهِ^ع إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَعَابِ

وَكَذَلِكَ أُنزِلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ
مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً^ج
وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ
كِتَابٌ

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّطُ^ط وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا
عَلَيْكَ الْبَلَّغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا^ج وَاللَّهُ
يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ^ع وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا^ط يَعْلَمُ مَا
تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ^ط وَسَيَعْلَمُ الْكُفْرُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ

وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده این است
که از زیر (ساختمان ها و درختان) آن همواره نهرها در
جریان است میوه و خوراکی و روزی فراوان آن دائمی و
سایه اش همیشگی است. این سرانجام کسانی است که
تقوا ورزیده اند، و سرانجام کافران هم آتش است

و کسانی که به آنها کتاب (آسمانی) داده ایم (یهود و
نصاریایی که اسلام را تأیید می کردند) از آنچه به سوی تو
فرو فرستاده شده شادمانند، و از گروه ها (ی اهل کتاب)
برخی هستند که بعضی از آن را انکار می کنند (جاهایی را
که با تثلیث و تجسیم و تحریف مخالفت دارد). بگو: جز این
نیست که من مأمورم خدا را پرستش کنم و برای او شریکی
(در الوهیت و ربوبیت و خلقت و عبادت) قرار ندهم به
سوی او فرا می خوانم، و بازگشت من به سوی اوست

تصویر از یک نسخه ازقرآنمکه درمکه، عربیاست.

و همان گونه (که کتاب بر پیامبران نازل کردیم) این کتاب
را در حالی که سراپا حکم به حق و حکمت متعالی و به زبان
عربی است بر تو فرو فرستادیم (تا آن را بهتر بفهمند)، و
اگر پس از دانشی که به تو رسیده پیروی از هواهای آنها
کنی (مثلا قبله یا تثلیث آنها را بپذیری) تو را از جانب خدا
هیچ سرپرست و نگهدارنده ای نخواهد بود

تصویر از یک نسخه ازقرآنمکه درمکه، عربیاست.

و حقاً که ما فرستادگانی را پیش از تو فرستادیم و برای آنها
نیز همسران و فرزندانی قرار دادیم (زیرا بشر بودند نه
فرشته) و هیچ فرستاده ای را سزاوار و مقدور نبوده که
نشانه و معجزه ای بیاورد مگر به اذن و اراده خدا (زیرا)
برای هر وقتی (طبق اقتضای حکمت) نوشته و حکمی مقرر
است (پس غیر خدا هر چند پیامبر نمی تواند هر زمان که
بخواهد معجزه بیاورد)

تصویر از یک نسخه ازقرآنمکه درمکه، عربیاست.

خداوند آنچه را بخواهد (از حوادث کونیّه مندرج در لوح محو
و اثبات) محو و باطل می کند و (حوادثی را در آن) مندرج
می سازد و امّ الکتاب (لوح محفوظ و محل اندراج جهت ثابت
اشیاء) در نزد اوست

تصویر از یک نسخه ازقرآنمکه درمکه، عربیاست.

و اگر پاره ای از آنچه را که به آنها وعده می دهیم (کیفرهای
دنیوی) به تو نشان دهیم یا تو را (پیش از آن) قبض روح
کنیم، جز این نیست که بر عهده تو رساندن پیام است (نه
دیدن عذاب آنان) و بر عهده ما محاسبه (و مجازات) است
(نه اجبار به ایمان و نه قبول هر پیشنهاد)

تصویر از یک نسخه ازقرآنمکه درمکه، عربیاست.

و آیا ندیدند که ما به این زمین رو می آوریم و همواره از
اطراف و کناره های آن می کاهیم؟ (از افراد و جامعه ها و
دانشمندان و دولت ها و تمدن ها کم کرده یا نابود می
نماییم) و خداست که (درباره همه حوادث جهان) حکم می
کند، در حالی که هرگز حکم او را بازگرداننده ای نیست، و
او حسابرسی سریع است

تصویر از یک نسخه ازقرآنمکه درمکه، عربیاست.

و به یقین کسانی که پیش از اینان بودند (در مخالفت با خدا
و فرستادگانش) مکر و نیرنگ کردند، حال آنکه همه نیرنگ
ها از آن خداست (کیفیت و عاملان و راه ابطال همه در تحت
علم و اراده اوست) آنچه را که هر کس به دست می آورد
می داند، و به زودی کافران خواهند دانست که عاقبت این
سرای از آن کیست. (عاقبت این زمین حکومت صالحان
است، یا عاقبت دنیا آخرتی خوش برای نیکان است.

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا
بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

۱۴. ابراهیم

إِبْرَاهِيمَ: ابراهیم

مکی

۵۲ آیه

۷ صفحه

الف، لام، را. من خدایی هستم که می بینم. این کتاب مرکب از همین حروف است اما کسی توان آوردن مانند آن را ندارد. این کتاب دارای محکمت و این گونه تشابهات است. این حروف رمزهایی میان خدا و رسول اوست. (این قرآن) کتابی است که آن را (از علم ازلی خویش به لوح و از آنجا به قلب جبرئیل و از آنجا) به سوی تو فرو فرستادیم تا مردم (جهان) را به خواست و توفیق پروردگارشان از تاریکی ها (انحرافات عقاید و اخلاق و اعمال) به سوی نور (هدایت الهی) بیرون آوری و به راه آن (خدای) صاحب اقتدار و ستوده خصال راه نمایی

همان خدایی که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است (علاوه بر خود آنها) ملک حقیقی اوست (زیرا خلق و حفظ و تدبیر و در آخر فانی کردن آنها تحت اراده اوست) و وای و مرگ بر کافران از عذابی سخت

همانها که زندگی دنیا را دوست دارند و بر آخرت ترجیح می دهند و (مردم را) از راه خدا بازمی دارند و آن را کج و منحرف می طلبند (قوانین آن را منحرف معرفی می کنند و مردم را از آن منحرف می سازند) آنان در گمراهی دور و درازی هستند

و ما هیچ رسولی را جز به زبان قومش نفرستادیم (هر چند شعاع نبوتش بر اهل زبان های دیگر گسترده باشد) تا (حقایق را) برای آنان بیان کند پس خداوند هر که را بخواهد (از آنان که حجت را نپذیرفته اند) در گمراهی رها می کند و هر که را بخواهد (پس از پذیرش حجت، به سوی کمالات) هدایت می کند. و اوست مقتدر غالب و دارای حکمت (در نظام تشریع و تکوین)

و حقاً که ما موسی را با نشانه ها و معجزات خود (مانند عصا و ید بیضا و کتاب تورات) فرستادیم که قوم خود را از تاریکی ها (ی جهل و کفر و فسق) به سوی نور (ایمان) بیرون آر، و ایام الله را (روزهای منسوب به خدا نظیر روزهای پیروزی و شکست و حدوث نعمت های بزرگ و حادثه های تلخ و اعیاد و وفیات مذهبی را) به یادشان بیاور که همانا در این (تذکر) نشانه هایی (از تنبه و عبرت) است برای هر شکیبای سپاسگزار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى
النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

۱
۲۱۱۲

اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ
لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

۲

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن
سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

۳

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ
اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۴

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ
صَبَّارٍ شَكُورٍ

۵

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ
أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَالٍ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ
بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ
كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَأِنَّ
اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ
وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا
أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ
مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا
عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

و (به یاد آر) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: نعمت خدا را بر خود به یاد آرید آن گاه که شما را از فرعونیان برهانید همانها که شکنجه های بد بر شما تحمیل می کردند و پسرانتان را قتل عام می نمودند و زن هایتان را (برای خدمت) زنده می گذاشتند و در این امر برای شما بلا و آزمونی بزرگ از جانب پروردگارتان بود

و (به خاطر آرید) زمانی که پروردگارتان اعلام کرد که اگر شکر گزاریید حتما بر (نعمت های) شما می افزایم، و اگر کافر شدید یا ناسپاسی کردید البته عذاب من بسیار سخت است

و موسی (به قوم خود) گفت: اگر شما و همه کسانی که در روی زمین اند به خدا کافر شوید یا نعمت هایش را کفران کنید (ضرری به او نمی زنید) که همانا خداوند بی نیاز و ستایشگر و ستوده صفات و افعال است (که فرشتگان و مؤمنان او را به زبان قال، و کمال مخلوقاتش او را به زبان حال می ستایند)

آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند مانند قوم نوح و عاد و ثمود و آنان که بعد از آنها بودند که (شمار و احوال) آنها را جز خدا کسی نمی داند، به شما نرسیده است؟! که فرستادگانشان دلایل روشن (توحید و نبوت خویش را) بر آنان آوردند، پس دست های رسولان را به دهانشان بازگرداندند (که ساکت باشید یا دست های خود را بر دهان های خود نهند که خاموش شوید و یا دست ها را در دهان ها کرده از خشم فشرددند) و گفتند: ما به آنچه شما بدان فرستاده شده اید کافریم و حتما از آنچه به سوی آن می خوانید (توحید و بطلان شرکا) در شکی تردیدزا و ابهام آوریم (دین و کتابتان را منکریم و بینة توحیدتان را نارسا می دانیم)

فرستادگان آنها گفتند: آیا در خدایی که آفریننده آسمان ها و زمین است شکی است؟! او شما را می خواند تا از برخی از گناهاتان درگذرد و شما را تا مدت معینی (از عمر) مهلت دهد؟! گفتند: شما جز بشری همانند ما نیستید، می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند بازدارید، پس برای ما برهان روشنی (غیر از این که دارید) بیاورید

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ
يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ
بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

۱۲

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ
عَلَىٰ مَا ءَازَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

۱۳

۲۱۳

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ
لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ

۱۴

وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ
مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ

۱۵

وَأَسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

۱۶

مِّنْ وَرَآئِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ

۱۷

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ
مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۖ وَمِنْ وَرَآئِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ

۱۸

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۖ أَعْمَلُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ
الرَّيْحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ ۖ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ۚ
ذَٰلِكَ هُوَ الصَّلَٰلُ الْبَعِيدُ

فرستادگان‌شان به آنها گفتند: (آری) ما جز بشری به مانند
شما نیستیم، و لکن خداوند بر هر کس از بندگان‌ش که
بخواهد منت می نهد (و او را به رسالت برمی گزیند)، و ما را
نرسد و عقلا ممکن نباشد که هیچ برهانی (و معجزی) جز به
فرمان و اراده او برای شما بیاوریم و مؤمنان باید تنها بر
خدا توکل نمایند

و ما را چیست که بر خدا توکل نکنیم در حالی که ما را به
راه های (کمالات دنیا و آخرت) خودمان هدایت نموده؟! و
یقینا بر اذیت و آزاری که بر ما روا می دارید صبر خواهیم
نمود، و توکل کنندگان باید تنها بر خدا توکل کنند

و آنان که کفر ورزیدند به رسولان خود گفتند: ما حتما شما
را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد مگر آنکه به آیین ما
بازگردید پس پروردگارشان به آنها وحی کرد که مسلما
ستمکاران را هلاک خواهیم کرد

و شما را به یقین پس از آنها در آن سرزمین جا خواهیم
داد، این (وعده) از آن کسی است که از مقام من (از جلال و
عظمت و عدالت من، یا از ایستادن در پیشگاه من در روز
جزا) بترسد و از تهدید من بهراسد

و رسولان (از خدا) داوری و گشایش و پیروزی خواستند یا
کفار درخواست عذاب خدا را نمودند و (سرانجام) هر
سرکش متکبر معاند حق نومید و زیانکار گردید (و به مرگ
سرخ یا سفید در حال کفر رفت)

به دنبال (مرگ) او جهنم است و از آبی چرکین خون آلود
نوشانده می شود

که به سختی آن را جرعه جرعه می آشامد و به راحتی نمی
تواند فرو ببرد و (اسباب) مرگ (شکنجه های جهنم) از هر
سو به او رو می آورد در حالی که او مردنی نخواهد بود
(زیرا در آن جهان مرگ نیست جز برای خود مرگ) و به
دنبال او عذابی سخت و خشن است

وصف حال کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیده اند این
است که عمل های (خیر) آنها مانند خاکستری است که بادی
سخت در روزی توفانی بر آن بوزد (و همه را پراکنده سازد)
آنها به چیزی از آنچه کسب کرده اند دست نمی یابند (نه بر
نتایج دنیوی و نه بر اثرات نفسانی و نه به پاداش های
اخروی)، این است همان گمراهی دور و دراز

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَئُودَ
يُذْهِبُكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا
كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ
مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَّيْنَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا
أَجَزَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ
الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِّنْ
سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي
وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ
إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ

وَأَدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا
سَلَامٌ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ
أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

آیا (به دیده دل) ندیدی که خدا آسمان ها و زمین (و این
دستگاه عظیم حیرت آور) را به حق (برای هدف والای
عقلانی) آفریده است؟ اگر بخواهد شما را (در صورتی که
طغیان کنید) از میان می برد و مخلوقی تازه (به صحنه
وجود) می آورد

و این (اعدام و ایجاد) بر خداوند دشوار نیست

و (روز قیامت) همگی (برای محاسبه) در محضر خدا ظاهر
می گردند، پس ناتوان ها (ی فکری دنیا) به مستکبران می
گویند: ما پیرو شما بودیم، آیا شما چیزی از عذاب خدا را از
ما دفع می کنید؟ آنها می گویند: اگر خدا (در دنیا) ما را
توفیق هدایت داده بود ما هم حتما شما را هدایت می
کردیم یا اگر در این جا ما را به راه نجاتی راهنمایی کند ما
هم شما را راهنمایی می کنیم بر ما یکسان است چه بی تابي
کنیم یا شکیبایی نماییم، هیچ راه گریزی برای ما نیست

و چون کار (روز قیامت) تمام شود (و دوزخیان در جای خود
قرار گیرند) شیطان (بزرگ و ابلیس اول در خطابی به همه
دوزخیان) گوید: همانا خداوند شما را وعده حق داد (وعده
ای که همه تحقق یافت) و من شما را وعده دادم و تخلف
کردم (همه خلاف درآمد) و مرا بر شما (در دنیا) هیچ
تسلطی نبود جز آنکه شما را دعوت کردم و شما مرا اجابت
کردید، پس مرا سرزنش نکنید و خود را سرزنش کنید و
اینک من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من
نیستید، من به اینکه پیش از این مرا شریک طاعت خدا
کردید کافرم همانا ستمکاران را عذابی دردناک است

و کسانی را که ایمان آوردند و عمل های شایسته نمودند به
بهشت هایی درآوردند که از زیر (ساختمان ها و درختان) آنها
نهرها روان است در حالی که به خواست پروردگارشان در
آنجا جاودانه اند، درودشان (درود خدا و فرشتگان بر آنها یا
درود آنها به یکدیگر) در آن جا سلام است

آیا (به دیده دل) ندیدی که خداوند چگونه مثلی زده؟ کلمه
پاکیزه (توحید) را همانند درخت پاکیزه ای (قرار داده) که
ریشه اش (در زمین) استوار و شاخه اش در آسمان است.
(ریشه درخت توحید عقاید اصولی جامعه، و شاخه های آن
اعمال فروعی دین است که سر از آسمان جامعه برین برمی
آورد.

تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

۲۶

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ
الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

۲۷

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ

۲۸
حزب
۱۰۴
۲۱۵۲

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ
دَارَ الْبَوَارِ

۲۹

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ

۳۰

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ ۚ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ
مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ

۳۱

قُلْ لِّعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا
رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّنْ قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ
وَلَا خِلَالٌ

۳۲

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ
الْفُلُكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ

۳۳

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآبِّينَ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ
وَالنَّهَارَ

در هر زمان (مناسب) میوه خود را به اراده پروردگارش می
دهد. (میوه این درخت تحقق مدینه فاضله و زندگی
اجتماعی متعالی الهی در دنیا برای جامعه، و دستیابی به
سعادت کامل در آخرت است.) و خدا مثال ها را برای مردم
می زند، باشد که متذکر شوند

و مثال کلمه پلید (کفر و شرک) مانند درخت پلیدی است که
از روی زمین برکنده شده (از ریشه درآمده) هیچ ثبات و
قراری ندارد. (عقاید کفر و شرک یا هر امر باطلی نسبت به
افراد به مجرد مرگ باطل، و نسبت به جامعه کافر بالاخره
روزی ریشه کن خواهد شد.

خداوند کسانی را که ایمان آورده اند به واسطه گفتار
استوار (کلمه توحید) در زندگی دنیا و در آخرت پابرجا می
دارد، و نیز خداوند ستمکاران را در گمراهی رها می کند و
خداوند آنچه بخواهد انجام می دهد

آیا ننگریستی به حال کسانی (از سران کفر و رفاه زدگان)
که (شکر) نعمت های خدا را تبدیل به کفران کردند و قوم
(پیروان) خود را به سرای هلاکت درآوردند؟

به جهنمی که بدان درآیند و حرارت آن را لمس کنند و
بسوزند و آن بد قرارگاهی است

و آنها برای خداوند شریکانی قرار دادند تا (مردم را) از راه
او گمراه سازند. بگو: (در این چند روز دنیایتان) برخوردار
شوید، که حتما بازگشتتان به سوی آتش است

به آن بندگان من که ایمان آورده اند بگو که نماز را برپا
دارند و از آنچه روزی آنان کرده ایم (از مال و جاه و جان)
در نهان و آشکار انفاق کنند پیش از آنکه روزی بیاید که در
آن نه داد و ستدی است و نه دوستیی (نه مال است و نه
روابط و نه کارآیی آنها)

خداوند همان است که آسمان ها و زمین را بیافرید و از
آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرو ریخت،
پس به وسیله آن از محصولات گوناگون برای شما روزی
(خوراکی، دارویی و پوشاکی) بیرون آورد، و کشتی ها را
مسخر شما کرد تا در دریا به اراده او روان گردند، و نهرها
را نیز مسخر شما نمود

و خورشید و ماه را که (در حرکت و پخش نور و تأثیرات
زمینی) دائم و مستمرند (به جبر تکوینی) مسخر شما نمود،
و (با تنظیم حرکات زمین با خورشید) شب و روز را نیز
مسخر شما کرد

وَعَاتِكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ ۖ فَمَنْ تَبِعَنِ فَإِنَّهُ مِنِّي ۖ وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ ۖ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ ۚ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفِلًا ۚ عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ

و از هر چیزی که از او خواستید (به خواست قولی یا عملی یا طبیعی) به شما عطا کرد، و اگر نعمت های خدا را بشمارید شمار و حساب نتوانید کرد حقا که انسان سخت ستمگر و ناسپاس است

و (به یاد آر) هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر را (شهر مکه آینده را که در آیه ۱۲۶ بقره نیز خواسته) حرمی امن قرار ده و مرا و پسرانم را از پرستیدن بت ها دور بدار

پروردگارا، آن بت ها بسیاری از مردم را گمراه کردند (سبب گمراهی آنها شدند)، پس هر که از من پیروی کند او از من است، و هر که مرا نافرمانی کند همانا تو بسیار آمرزنده و مهربانی

پروردگارا، همانا من بعضی از فرزندانم را (اسماعیل را به همراه مادرش) در دره ای بی کشت و زرع در نزد خانه محترم و مصون تو ساکن کردم، پروردگارا تا نماز را برپا دارند، پس چنان کن که دل هایی از مردم به سوی آنها میل کنند، و از محصولات گوناگون روزی آنان گردان، باشد که سپاس گزارند

پروردگارا، مسلما تو آنچه را ما پنهان می کنیم و آنچه را آشکار می سازیم می دانی، و چیزی در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست

سپاس و ستایش خدایی راست که به من در سر پیری اسماعیل و اسحاق را بخشید، حقا که پروردگار من شنونده و اجابت کننده دعا است

پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده و از اولاد من (نیز نمازگزاران قرار ده)، و ای پروردگار، دعای مرا اجابت نما

پروردگارا، بر من و بر پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای در روزی که حساب برپا می شود

و هیچگاه خدا را از آنچه ستمکاران انجام می دهند غافل مپندار جز این نیست که آنها را مهلت می دهد برای روزی که چشم ها در آن روز (از هول محشر) خیره می گردد

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ

وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرِنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّحِبِّ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ ۖ أَوْ لَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ

وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ خَائِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو أَنْتِقَامٍ

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ ۖ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

سَرَابِيلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهَهُمُ النَّارُ

لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

هَٰذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا بِهِ ۚ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

در حالی که گردن کشیده و سر به بالا نموده اند بدون آنکه پلک بزنند و دل های آنها (از غایت دهشت) خالی (از هر توجه) است

و مردم را بیم ده از روزی که عذاب بر آنها فرا رسد، پس کسانی که ستم کرده اند گویند: پروردگارا، تا مدت کمی (عذاب) ما را تأخیر بینداز تا دعوت تو را بپذیریم و از فرستادگانت پیروی کنیم. (به آنها گفته می شود) آیا شما نبودید که پیش از این سوگند می خوردید که ما را هیچ زوال و فنایی نیست؟

و در منازل کسانی که بر خود ستم کرده بودند ساکن شدید و برای شما روشن شد که با آنان چگونه رفتار کردیم (با چه عذاب هایی آنها را نابود نمودیم) و مثال ها برای شما زدیم (اما تأثیری در شما نکرد)

و بی تردید آنها مکرهای خود را (علیه پیامبران ما) پیاده کردند با آنکه مکرشان (علم به آن از ازل و راه مقابله با آن در دنیا و کیفرش در آخرت) در نزد خداوند است هر چند مکرشان به شدتی بود که از آن کوه ها از جای برکنده می شد

پس هرگز خدا را تخلف کننده از وعده خویش که به فرستادگانش داده مپندار و قطعاً خداوند مقتدر غالب و صاحب انتقام است

در روزی که این زمین به زمین دیگری تبدیل شود (کوه ها نابود، دریاها تبخیر، سطح ها هموار شود) و آسمان ها نیز (تغییر یابد) و همه (مردگان برای محاسبه و مجازات) در محضر خدای یگانه قهار ظاهر گردند

و گنهکاران را در آن روز می بینی که (بر حسب نزدیکی در مذهب و مسلک و گناه و پیشوا و پیرو) در زنجیرها به یکدیگر بسته شده اند

پیراهن و لباس های آنها از قطران است (روغن تند بد بوی قابل اشتعال) و صورت هایشان را آتش فرا می پوشد

تا خداوند هر کس را در مقابل آنچه (از کفر و فسق) کسب کرده یا به تجسم عین آن عقاید و اعمال جزا دهد که همانا خداوند سریع الحساب است (حساب همه اعمال و تعیین مقدار استحقاق جزا فوری است یا زمان مجازات، هر چند برزخ یا قیامت باشد از نظر ربوبی سریع است)

این موعظه ای رسا و ابلاغی کافی برای مردم است (برای آنکه هدایت یابند) و برای آنکه بیم داده شوند و بدانند که او معبودی یگانه است و ت

الف، لام، را. من خدایی هستم که می بینم. این کتاب مرکب از همین حروف است اما کسی توان آوردن مانند آن را ندارد. این کتاب دارای محک‌مات و این گونه متشابهات است. این حروف رمزهایی میان خدا و رسول اوست. این سوره (والا رتبه) آیات این کتاب و قرآنی روشن و روشن‌گر است، و این (آیات برتر) آیاتی ثابت در لوح محفوظ و آیات قرآن مبینی است که در آن لوح است

چه بسا کسانی که کفر ورزیده اند (در وقت دیدن پیروزی مسلمین یا در وقت مرگشان یا در روز جزا) آرزو کنند که کاش مسلمان بودند

آنان را (به حال خود) واگذار تا بخورند و (از لذائذ دنیا) برخوردار شوند و آرزوها مشغولشان کند، که به زودی خواهند فهمید

و ما هیچ مجتمع انسانی را هلاک نکردیم مگر آنکه (در لوح محفوظ از نظر مدّت بقا) نوشته ای معلوم داشت

هیچ امت و گروهی از مدت معین خود سبقت نمی جوید و تاخیر هم نمی کنند

و (به عنوان استهزا) گفتند: ای کسی که بر تو این ذکر (قرآن) نازل شده، همانا تو دیوانه ای

اگر تو از راستگویانی چرا فرشتگان را نزد ما نمی آوری (تا ادعایت را تصدیق و مخالفت را سرکوب نمایند)

ما فرشتگان را نازل نمی کنیم مگر به حق (برای اثبات حق به طور اعجاز) و آنها در چنین وقتی (طبق سنت جاریه ما اگر نپذیرند) مهلت داده نمی شوند

حقّا که ما این ذکر (قرآن) را فرو فرستادیم و به یقین ما خود آن را (از تحریف و نسخ و تمامیت مدت) نگهداریم

و حقیقت این است که ما (پیمبرانی) پیش از تو در میان طوائف پیشینیان فرستادیم

و هیچ فرستاده ای بر آنها نمی آمد مگر آنکه او را استهزا می کردند

ما بدین گونه این قرآن را (برای اتمام حجت، و استهزاء به آن را به اقتضاء شقاوت) در دل های گنهکاران راه می دهیم

در حالی که به آن ایمان نمی آورند، و البته طریقه پیشینیان هم گذشته است (که آنها نیز چنین بودند)

و اگر بر روی آنها دری از آسمان می گشودیم که همواره در آن بالا می رفتند (و همه عوالم غیب را می دیدند

باز هم می گفتند: جز این نیست که ما چشم بندی شده ایم، بلکه ما گروهی جادو زده ایم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الرّٰتِلْكَ ءَايٰتُ الْكِتٰبِ وَقُرْءَانٍ مُّبِينٍ

رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْ كَانُوْا مُسْلِمِيْنَ

ذَرٰهُمْ يَأْكُلُوْا وَيَتَمَتَّعُوْا وَيُلْهِهُمُ الْاَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ

وَمَا اَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ اِلَّا وَلَهَا كِتٰبٌ مَّعْلُوْمٌ

مَا تَسْبِقُ مِنْ اُمَّةٍ اَجَلَهَا وَمَا يَسْتَخِرُوْنَ

وَقَالُوْا يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْ نَزَّلَ عَلَيْهِ الدِّكْرُ اِنَّكَ لَمَجْنُوْنٌ

لَوْ مَا تَاْتَيْنَا بِالْمَلٰٓئِكَةِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ

مَا نُنَزِّلُ الْمَلٰٓئِكَةَ اِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوْا اِذَا مُنْظَرِيْنَ

اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الدِّكْرَ وَاِنَّا لَهُو لَحٰفِظُوْنَ

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِيْ شِيَْعِ الْاَوَّلِيْنَ

وَمَا يَأْتِيْهِمْ مِّنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ

كَذٰلِكَ نَسْلُكُهُ فِيْ قُلُوْبِ الْمُجْرِمِيْنَ

لَا يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْاَوَّلِيْنَ

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِّنَ السَّمَآءِ فَظَلُّوْا فِيْهِ يَعْرَجُوْنَ

لَقَالُوْا اِنَّمَا سُكِّرَتْ اَبْصَرُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُوْرُوْنَ

۱
جزء ۱۴
حزب
۱۰۵
۲۱۸۸

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ

وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ

إِلَّا مَنْ أَسْرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ وَشِهَابٌ مُبِينٌ

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَوْبَقْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ

وَأَرْسَلْنَا الرِّيْحَ لَوَاحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِءُ وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ وَسَجِدِينَ

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ

و همانا ما در آسمان برج هایی قرار دادیم (که خورشید در طول سال آنها را سیر می کند) و آن را (به وسیله ستارگان) برای تماشاگران آراسته کردیم

و آن را از هر شیطان رانده شده ای نگه داشتیم (قدرت عروج به آنجا و اطلاع از اسرار عوالم فرشتگان را ندارند)

مگر آن که استراق سمع کند (دزدانه گوش دهد) که شعله ای روشن او را دنبال نماید

و این زمین را گستردیم و در آن کوه هایی پابرجا نهادیم و در آن از هر چیز سنجیده شده ای رویاندیم (گیاهانی که هر یک از نظر شکل و خواص و زمان و مکان سنجش خاصی دارد)

و در آن هر گونه وسایل زندگی برای شما و برای کسانی که شما روزی دهنده آنها نیستید (تظیر حیوانات و اجنه) قرار دادیم

و هیچ چیزی (در جهان هستی و عالم تصور شما) نیست مگر آنکه گنجینه های آن (سرچشمه های وجودی آن که اراده حتمی ما و کلمه «کن» است) در نزد ماست و آن را (به مرحله وجود) جز به مقداری معین فرو نمی فرستیم؛ و نیز چیزی از وسایل زندگی شما نیست مگر آنکه (مواد اولیه آن از موجودات این جهان) در اختیار ماست و جز به مقدار معینی فرو نمی فرستیم (به مرحله فعلیت نمی آوریم)

و بادها را باردارکننده (ابرها و درختان و گیاهان) فرستادیم؛ پس از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرو فرستادیم و شما را بدان سیراب نمودیم و شما ذخیره کننده آن نیستید (نه در ابر آسمان و نه در اعماق زمین) و توان آن را هم ندارید

و به یقین این ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم و ماییم که (پس از فنا، همه) وارث (آنها) هستیم

و همانا ما (شمار) پیشینیان شما را (از آغاز خلقت تا حال) می دانیم و هم (شمار) آیندگان شما را، و علم به سبقت گیرندگان شما (در ایمان و تقوا) و عقب ماندگان داریم

و البته پروردگار توست که آنها را (در روز قیامت) جمع خواهد کرد (اجزایشان را برای حیات و افرادشان را برای حساب) که همانا او با حکمت و داناست

و بی تردید ما (اولین فرد) انسان را از گلی خشکیده نپخته مصاداری (مجسم به صورت انسان) برگرفته از لجنی بدبو آفریدیم

و جان را (ابلیس اول را که پدر شیاطین است) پیش از آن از آتش بی دود پرحرارت نفوذکننده آفریدیم

و (یاد آر) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: به یقین من بشری را از گلی خشکیده برآمده از لجنی بدبو خواهم آفرید

پس چون آن را درست کردم و در آن از روح خود (روح مبارک و شایسته منسوب به خودم) دمیدم، همگی برای (تعظیم) او سجده کنان به رو درافتید

پس فرشتگان همگی یکسره (در برابر او) به سجده درافتادند

مگر ابلیس که سرباز زد از اینکه با سجده کنندگان باشد

قَالَ يٰٓإِبْلِيسُ مَا لَكَ اَلَّا تَكُوْنَ مَعَ السَّجِدِيْنَ

۳۳

قَالَ لَمْ اَكُنْ لِلسُّجْدِ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلَٰصِلٍ مِّنْ حَمَآءٍ مَّسْنُوْنَ

۳۴

قَالَ فَاَخْرِجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيْمٌ

۳۵

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ اِلٰى يَوْمِ الدِّينِ

۳۶

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِيْ اِلٰى يَوْمٍ يُبْعَثُوْنَ

۳۷

قَالَ فَاِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِيْنَ

۳۸

اِلٰى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوْمِ

۳۹

قَالَ رَبِّ بِمَا اَغْوَيْتَنِيْ لَا زَيِّنَ لَّهُمْ فِى الْاَرْضِ وَلَا اُغْوِيَنَّهُمْ اَجْمَعِيْنَ

۴۰

اِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِيْنَ

۴۱

قَالَ هٰذَا صِرَاطٌ عَلٰى مُسْتَقِيْمٍ

۴۲

اِنَّ عِبَادِيْ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنٌ اِلَّا مَنْ اَتَّبَعَكَ مِنَ الْغٰوِيْنَ

۴۳

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ اَجْمَعِيْنَ

۴۴

لَهَا سَبْعَةُ اَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُوْمٌ

۴۵

اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِىْ جَنَّتٍ وَعُيُوْنٌ

۴۶

اَدْخُلُوْهَا بِسَلٰمٍ ءَامِنِيْنَ

۴۷

وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُوْرِهِمْ مِّنْ غِلٍّ اِِخْوٰنًا عَلٰى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِيْنَ

۴۸

لَا يَمَسُّهُمْ فِىْهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِيْنَ

۴۹

نَبِيُّ عِبَادِيْ اَنِّيْ اَنَا الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ

۵۰ حزب ۱۰۶

وَاَنَّ عَذٰبِيْ هُوَ الْعَذَابُ الْاَلِيْمُ

۵۱

وَنَبِّئُهُمْ عَن صٰٓئِفٍ اِبْرٰهِيْمَ

خدا گفت: ای ابلیس، تو را چه شده که با سجده کنندگان نیستی

گفت: هرگز من بر آن نیستم که در برابر بشری که او را از گلی خشکیده برآمده از لجنی بدبو آفریده ای سجده کنم

خدا گفت: پس، از این جا (از مقام قرب بهشت برین، ملأ اعلی و میان فرشتگان والا) بیرون شو، که همانا تو رانده شده (از هر رحمت و کرامت) هستی

و به یقین (از حال) تا روز جزا (که طول زمان های تکلیف است) بر تو لعنت خواهد بود (و از آن به بعد هم تا ابد زمان کیفر است)

گفت: پروردگارا، پس مرا تا روزی که آنها (بنی آدم) برانگیخته می شوند مهلت ده

خدا گفت: تو از مهلت یافتگانی

(اما نه تا قیامت بلکه) تا روز وقتی معین (روزی که مجتمع بشری همه صالح گردند، یا نسل بشر با نفخه اول صور منقرض شود)

گفت: پروردگارا، بدان سبب که مرا (به طرد از حضورت) به گمراهی افکندی من نیز در روی زمین (همه کارهای زشت را) برای آنها آراسته خواهم کرد و همه آنها را گمراه خواهم نمود

مگر آن بندگان را از میان آنها که (به واسطه شمول رحمتت) برگزیده ای

(ابلیس ادعا کرد جز اندکی از آنها را از هدایت اختیاری خارج و به قهر اغوا خواهم کرد) خدا گفت: این (قرار دادن آنها در راه هدایت و ضلالت اختیاری) راهی است مستقیم بر عهده من (و از هر قدرتی خارج است)

و به یقین تو را بر بندگان من تسلطی نیست (آنها همیشه در انتخاب راه مختارند) جز کسانی از گمراهان که به کلی پیرو تو شوند

و حتما دوزخ وعده گاه همگی آنهاست

آن را هفت در است برای (ورود از) هر دری بخشی از آنان تقسیم شده است، یا آن را هفت طبقه است که برای هر طبقه گروهی از آنان– بر حسب اختلاف کیفر– تقسیم بندی شده اند

حقا که (در آن جهان) پرهیزکاران در باغ ها و چشمه سارها هستند

(به آنان هنگام ورود گفته می شود) با درودی (از سوی خدا و فرشتگان) به آنجا درآیید در حالی که (از هر آسیبی خاصه از فنا و انقضاء مدت) ایمن خواهید بود

و هر چه از کینه ها (و پندارهای باطل و غرایز فاسد) در دل آنها بود برکندیدم، در حالی که برادرانه بر روی تخت ها در مقابل هم قرار گیرند

آنها را هرگز در آنجا رنجی نمی رسد و آنها هرگز از آنجا بیرون رانده شدنی نیستند

بندگان مرا خبر ده که بی تردید منم همان بسیار آمرزنده و مهربان

و عذاب من است همان عذاب دردناک

و آنها را از مهمان های ابراهیم خبر ده

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَمًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ

قَالُوا بَشَرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ ۖ إِلَّا الضَّالُّونَ

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

إِلَّا عَالِ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ

إِلَّا أَمْرًا تَهُۥ قَدَرْنَا إِنِّهَا لَمِنَ الْغَدِيرِ

فَلَمَّا جَاءَ عَالِ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ

۲۲۲

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ

قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ

وَأَتَيْنَكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَدِيقُونَ

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَرَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ

۶۵

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَٰلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَٰؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ

۶۶

وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ

۶۷

قَالَ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ

۶۸

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ

۶۹

قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعُلَمِينَ

۷۰

آن گاه که بر او وارد شدند و سلام گفتند، او گفت: همانا ما (به خاطر آنکه بی وقت و بی رخصت آمدید) از شما بیمناکیم

گفتند: مترس، که ما تو را به پسری دانا (به نام اسحاق) مژده می دهیم. (که به وسیله وحی به علوم دینی و کتاب های آسمانی آشنا خواهد بود)

گفت: آیا مرا مژده دادید در حالی که مرا پیری رسیده است؟! پس به چه چیزم بشارت می دهید

گفتند: تو را بشارتی درست (و به امری حق و ثابت) دادیم، پس هرگز از نومیدان مباش

گفت: و چه کس جز گمراهان از رحمت پروردگار خود نومید می شود؟

گفت: پس کار (اصلی) شما چیست ای فرستادگان

گفتند: ما به سوی قومی گنهکار (قوم لوط) فرستاده شده ایم (تا آنان را هلاک سازیم)

مگر خاندان لوط که حتما همه آنها را نجات خواهیم داد

جز زن او را که (به خاطر بی ایمانی او) تقدیر و تصویب کرده ایم که حتما از بازماندگان (در عذاب قوم لوط) باشد

پس چون فرستادگان نزد خاندان لوط آمدند

لوط گفت: همانا شما گروهی ناشناس و بیگانه اید

گفتند: (قصد سویی نیست) بلکه ما همان را (برای قوم تو) آورده ایم که در آن شک و تردید داشتند (نزول عذاب را)

و ما خبر حق و وعده راستی را برای تو آوردیم و قطعاً ما راستگوییم

پس خانواده خود را در پاسی از شب حرکت ده و خود دنبال آنها را بگیر و از شما احدی جا نماند (یا کسی به پشت سر ننگرد) و به سمتی که مأمور می شوید به راه افتید

و ما این امر حتمی را به او وحی کردیم که ریشه اینان هنگامی که وارد صبح می شوند، بریده شدنی است

و (در آن حال) اهل شهر شادی کنان روی آوردند

لوط گفت: اینان مهمانان منند، مرا (با کار ننگیتان) رسوا مکنید

و از (عذاب) خدا پروا کنید و مرا خوار و سرافکنده نسازید

گفتند: آیا تو را از (دعوت نمودن، پناه دادن و مهمان کردن) مردم دنیا منع نکردیم؟

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَعَلِينَ

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ

فَجَعَلْنَا عَلَيْهِهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ

وَإِنَّهَا لِبِسْبِيلٍ مُّقِيمٍ

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسِلِينَ

وَعَاتَيْنَاهُمْ ءَايَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ ۖ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ ۖ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ ۖ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ

گفت: اینان دختران منند اگر شما کاری می خواهید بکنید (اشاره به دختران خودش یا به همسران آنها که به منزله دختران پیامبرند)

به جان تو سوگند که آنها در مستی (کفر و گناه و شهوت) خود حیران و سرگردان بودند

و (سرانجام) صیحه (آسمانی) آنها را به هنگام برآمدن آفتاب فرا گرفت

پس شهرشان را زیر و رو کردیم و بر آنها بارانی از سنگ گل فرو ریختیم

به یقین در این (حادثه) نشانه هایی است (از قدرت و غضب حق و عاقبت طغیان بنده) برای هوشمندان

و البته آن (شهرهای ویران) بر سر راهی است دایر و بر جای مانده (و سبب عبرت گرفتن است)

و همانا در این (حادثه) نشانه ای است (از قدرت حق و کیفر طاغوت) برای اهل ایمان

و حقیقت این است که اهالی ایکه (سرزمین درختان انبوه درهم پیچیده، مسکن قوم شعیب) ستمگر بودند

پس ما از آنان انتقام گرفتیم، (به آیه ۹۴ هود مراجعه شود) و البته آن دو (مسکن قوم لوط و قوم شعیب) بر سر راهی آشکار قرار دارد

و همانا اهل حجر (قوم ثمود، امت صالح) فرستادگان خدا را تکذیب کردند

و ما نشانه های خود را (مانند خارج شدن شتر از سنگ و غیره) به آنان دادیم پس از آنها رویگردان شدند

و آنها در (دل) کوه ها خانه هایی را می تراشیدند در حالی که ایمن (از فروریزی و رهیابی دشمن) بودند

پس صیحه (آسمانی) آنها را فرا گرفت در حالی که وارد صبح شده بودند

پس آنچه که کسب می کردند (از مسکن و اولاد و اموال، چیزی از عذاب خدا را) از آنها دفع نکرد

و ما آسمان ها و زمین و آنچه را که در میان آنهاست جز به حق (و هدفی والا و عقلانی) نیافریده ایم، و بی تردید قیامت آمدنی است (و کفار را کیفر خواهیم داد) پس به نحوی نیکو (تا آن گاه که مأمور به جنگ نشده ای) گذشت کن

و همانا پروردگار تو همان آفریننده (همه اشیاء) و دانا (به همه چیز) است

و حقا که تو را هفت آیه عظیم الشان (به نام سوره حمد) دادیم که در هر نمازی حد اقل دو بار تکرار می شود و پاره ای از این کتاب است که آیاتش مفسر یکدیگر است، و قرآن بزرگ را (به تو عطا کردیم)

و چشمان خود را به سوی آنچه گروه هایی از آنان را از آن برخوردار کرده ایم مدوز، و بر آنها (که ایمان نمی آورند) غمگین مباش و بال تواضعت را برای مؤمنان فرو گستر

و بگو: همانا من همان بییم دهنده آشکارم (که شما را از نزول عذاب الهی می ترسانم)

همان گونه که (عذاب را) بر قسمت کنندگان نازل کردیم

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْءَانَ عِضِينَ

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ

وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ

۱۶. نحل

التَّحُلْ: زنبور عسل

مکی

۱۲۸ آیه

۱۵ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ

وَالْأَنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ

همانها که (در ابتدای بعثت) قرآن را چند پاره کردند (بخشی را سحر، بخشی را شعر، بخشی را داستان پیشینیان و بخشی را کلام اجته خواندند. و نیز بخشی را قبول و بخشی را رد کردند، اینان را به عذاب های گوناگون هلاک کردیم)

پس سوگند به پروردگارت که بی تردید از همگی آنان (در روز جزا) خواهیم پرسید

از آنچه (در دنیا) به جا می آورده اند

پس آنچه را که بدان امر می شوی آشکارا بیان کن و از مشرکان روی برتاب

حتما ما شر استهزاکنندگان را از تو دور ساختیم

همان کسانی که با خداوند معبود دیگری قرار می دهند، پس به زودی خواهند دانست

و به یقین ما می دانیم که تو سینه ات از آنچه آنها می گویند تنگ می شود

پس همراه با حمد و سپاس پروردگارت (او را) تسبیح و تقدیس کن و از سجده کنندگان باش

و پروردگارت را پرستش کن تا آن امر یقینی (مرگ که برای هر زنده ای حتمی است) بر تو فرا رسد

فرمان خدا (درباره پیروزی اسلام و عذاب مشرکان) فرا رسید پس در آن شتاب نکنید منزّه است خدا و برتری دارد از آنچه شریک او قرار می دهند

فرشتگان را به فرمان خود با روح (با وحی و قرآن) بر هر کس از بندگانش که بخواهد فرو می فرستد که هشدار دهید که معبودی جز من نیست، پس از من پروا کنید

آسمان ها و زمین را (و آنچه را در میان آن دو است) به حق (و هدف والا و عقلانی) آفرید. او برتری دارد از آنچه شریک او قرار می دهند

انسان را (جز پدر و مادر نخستین او را) از نطفه ای (ناچیز مخلوط از نطفه پدر و مادر) بیافرید، اما به نگاه او ستیزه جویی آشکار است (که بر ضد خالق خود نیز مجادله دارد)

و چارپایان (شتر و گاو و گوسفند) را آفرید که در آنها برای شما وسیله گرمی بدن و دلگرمی زندگی و منفعی (دیگر) است و از (شیر و گوشت) آنها می خورید

و برای شما در (داشتن) آنها زیبایی و آرایش است هنگامی که آنها را شامگاهان از چرا به استراحتگاهشان برمی گردانید و هنگامی که بامدادان به چرا روانه می سازید

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ
الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَّءُوفٌ رَّحِيمٌ

وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا
تَعْلَمُونَ

وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ
أَجْمَعِينَ

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَّكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ
شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ

يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَبَ وَمِنْ
كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالشُّجُومُ
مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

وَمَا ذَرَأَّا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَنُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا
وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ
فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و کالاهای سنگین شما را به سوی شهری که جز با دشواری
جانکاه نمی توانستید بدان جا برسید حمل می کنند، همانا
پروردگار شما بسیار رءوف و مهربان است

و اسبان و استران و درازگوشان را (آفرید) تا بر آنها سوار
شوید و هم زینت و آرایش باشند، و آنچه را که نمی دانید
(از قبیل وسایط نقلیه موتوری) خواهد آفرید (به خلق مواد
اولیه آنها در زمین و اعطای نیروی ابتکار به شما)

و بر عهده خداست (نشان دادن) راه راست (در عقاید و
ملکات نفس و اعمال) و برخی از راه ها منحرف است، و اگر
می خواست همگی شما را (به اجبار) هدایت می کرد (لکن
در انتخاب راه دین اکرایی نیست)

او همان است که از آسمان برای شما آبی (به صورت باران
و برف و تگرگ) فرو فرستاد که از آن آب آشامیدنی
شماست (خواه روی زمینی یا زیرزمینی) و از آن درخت و
گیاهی می روید که در آن حیوانات را می چرانید

به وسیله آن برای شما زراعت و درخت زیتون و خرما و
انگور و از هر نوع میوه و محصولی می رویاند. حقا که در این
(آفرینش) نشانه ای است (از توحید و قدرت او) برای
گروهی که می اندیشند

و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام نمود و همه
ستارگان در برابر اراده حتمی او رام است. البته در این
(تسخیر عظیم) نشانه هایی است برای گروهی که خرد را به
کار می برند

و نیز (مسخر کرده) آنچه را که در این زمین به انواع
گونگون و رنگ های مختلف برای شما آفریده (مانند کوه ها،
فضاها، صحراها و حیوانات). حقا که در این (مخلوقات و آثار
و خواص آن) نشانه ای است برای گروهی که تذکر می یابند

و اوست همان که دریا را رام کرد تا از آن گوشت تر و تازه
بخورید و از آن زینت هایی که می پوشید (مانند لؤلؤ و
مرجان) استخراج نمایید، و کشتی ها را در آن می بینی که
شکافنده اند (سینه آب را، برای برآوردن نیازهای مختلف
شما) و برای آنکه (به تجارت و غیره) از فضل خدا جستجو
کنید و باشد که شکرگزاریید

وَأَلَقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوْسَىٰ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَرَٰ سُبُلًا
لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

وَعَلَّمَتْ بِالسَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ

أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

إِلَهُكُمْ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُّنْكَرَةٌ وَهُمْ مُّسْتَكْبِرُونَ

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
الْمُسْتَكْبِرِينَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَّاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ
يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلا سَاءَ مَا يَزِرُونَ

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ
فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَنَّهُمُ الْعَذَابُ مِنْ
حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

و در زمین کوه هایی پابرجا و استوار بیفکند تا مبادا زمین
شما را (به زلزله و اختلال حرکت وضعی و انتقالی خود)
بجنباند، و نیز نهرها و راه ها (قرار داد) باشد که (به
مقاصد دنیوی و به عظمت ربوبی) راه یابید

و نیز نشانه هایی (در زمین برای هدایت مردم به
اهدافشان قرار داد) و آنها (شب هنگام) به وسیله ستاره
(قطبی و غیره) راه می یابند

پس آیا کسی که می آفریند (می تواند نظایر امور فوق را از
عدم به وجود آورد) مانند کسی است که (چیزی) نمی
آفریند؟ آیا متذکر نمی شوید؟

و اگر نعمت های خدا را بشمارید، شمار و حساب نتوانید
کرد (چه رسد به شکر همه) به یقین خداوند بسیار آمرزنده
و مهربان است

و خداوند آنچه را پنهان می دارید (از اسرار قلبتان و عمل
ها و اموال مستور از خلقتان) و آنچه را آشکار می سازید
(از گفتار و کردار و اموالتان) می داند

و کسانی که آنها به جای خدا می خوانند چیزی را نمی
آفرینند و خود نیز آفریده می شوند

مردگانی بی جانند و نمی فهمند که (خودشان یا عبادت
کنندگانشان) کی برانگیخته می شوند

معبود شما معبودی یگانه است، اما کسانی که به آخرت
ایمان نمی آورند دل هایشان حق را انکار دارد و خودشان
متکبر و گردنفرارند

بی گمان خداوند آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار
می سازند، می داند و حقاً که او مستکبران را دوست ندارد

و چون به آنها گفته شود: پروردگارتان چه چیز نازل کرده؟
گویند: افسانه های پیشینیان است

تا سرانجام در روز قیامت بار گناهان خود را به نحو کامل و
نیز پاره ای از بار گناهان کسانی که آنها را به نادانی گمراه
می کردند (آن مقدار که از راه تسبیب اینان تحقق یافته)
بردارند. هان، بد باری است که برمی دارند

البته کسانی که پیش از اینان بودند نیز (با پیامبرانشان)
نیرنگ کردند، پس خداوند به شالوده (بنا و زندگی) آنها از
پایه و اساس روی آورد و در نتیجه سقف از بالای سرشان بر
روی آنها فرو ریخت، و عذاب از سویی که نمی دانستند بر
آنها فرا رسید

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ

الَّذِينَ تَتَوَفَّيْهُمْ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ

الَّذِينَ تَتَوَفَّيْهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

سپس در روز قیامت نیز آنها را رسوا و خوار می کند و می گوید: کجایند آن شریکان من که درباره آنها (با اهل حق) دشمنی و ستیزگی می کردید؟! کسانی که به آنها علم داده شده (انبیاء و مقربان آنها) گویند: حقا که امروز رسوایی و خواری و عذاب بر کافران است

کسانی که فرشتگان جانشان را در حالی که ستمکار بر خویش بوده اند می ستانند (در آن حال) سر تسلیم و خضوع فرود می آورند (و می گویند) ما هیچ عمل بدی انجام نمی دادیم. چرا (انجام می دادید، زیرا) مسلما خداوند به آنچه می کردید داناست

پس از درهای جهنم (یا به طبقات آن) وارد شوید در حالی که جاودانه در آنجا بید. پس بسیار بد جایی است جایگاه متکبران

و به کسانی که تقوا پیشه کرده اند گفته می شود (گوینده جاسوسان کفارند): پروردگارتان چه نازل کرده؟ گویند: (سراپا) خیر و نیکی را (احکام نیکو و پاداش نیکو را، آری) برای کسانی که نیکی کرده اند در این دنیا پاداشی نیک (زندگی پاکیزه و نیکو) است و به یقین خانه آخرت (برایشان) بهتر است و چه نیکوست خانه پرهیزکاران

باغ هایی جاودانی که به آنها درآیند، نهرها از زیر (درختان) آنها روان است برای آنها در آنجا هر چه بخواهند فراهم است. این گونه خداوند پرهیزکاران را پاداش می دهد

همان کسانی که فرشتگان جان آنها را در حالی که پاکیزه (از پلیدی کفر و فسق) اند می ستانند (به آنها) می گویند: سلام بر شما، به بهشت درآبید به پاس آنچه به جا می آوردید (فعلا وارد بهشت برزخ و پس از قیامت وارد بهشت ابدی گردید)

آیا (این مشرکان) جز این انتظار دارند که فرشتگان (مرگ یا عذاب دنیوی) به سراغشان آیند، یا فرمان پروردگارت (به قیام قیامت) فرا رسد؟! کسانی که پیش از آنان بودند نیز این چنین کردند (که عذاب بر آنها نازل شد)، و خداوند بر آنها ستم نکرد و لکن آنها بر خود ستم می کردند

پس کیفر گناهدانی که انجام دادند به آنها رسید و آنچه مسخره اش می کردند (وعده عذاب) آنان را فرا گرفت

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا ءَابَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اْعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

إِنْ تَحْرِصْ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جُزْءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

و کسانی که شرک ورزیدند گفتند: اگر خدا می خواست نه ما و نه پدران ما چیزی را جز او پرستش نمی کردیم و چیزی را بدون (اجازه) او حرام نمی کردیم! (و چون اراده بر عدم ندارد پس عذاب نداریم. آری) کسانی که پیش از آنها بودند نیز این چنین کردند. پس آیا بر فرستادگان ما (وظیفه ای) جز رساندن آشکار است؟! (که در جواب آنها بگویند: هر چند خدا اراده حتمی بر عدم کفر و عدم تحریم حلال ندارد و گرنه تکالیف از اختیار بیرون می رود، لکن از آنها نهی کرده و کفر و عذاب تابع این نهی است.

و البته ما در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم که خدا را عبادت کنید و از طاغوت (شیطانی و انسانی) دوری جویند، پس خداوند برخی از آنها را (که اصول دعوت را پذیرفتند به مراحل کمال) هدایت کرد و بر برخی از آنها (که دعوت را رد کردند) ضلالت و گمراهی حتمی شد. پس در روی زمین بگردید و بنگرید که عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود

اگر تو بر هدایت آنان حرص می ورزی (فایده ای ندارد زیرا) خداوند کسی را که در گمراهی رها کرده هدایت نمی کند و آنها را هیچ یاری کننده ای نیست

و با جدّی ترین سوگندهای خود به خدا سوگند یاد کردند که خداوند کسی را که می میرد هرگز برنخواهد انگيخت! چرا (خواهد انگيخت)، وعده ای است بر عهده او حق و ثابت (طبق اراده ازلی، نوشته در لوح محفوظ، مندرج در کتاب های آسمانی و ابلاغ شده به جامعه به وسیله پیامبران) و لکن بیشتر مردم نمی دانند

تا برای آنها آنچه را که در آن اختلاف می کردند روشن سازد و تا کسانی که کفر ورزیده اند (از ابتداءِ حدوث کفر در میان بشر تا انقراض نسل وی) بدانند که دروغگو بوده اند

(ایجاد قیامت برای ما سهل است، زیرا) سخن ما به چیزی وقتی که (پیدایش) آن را اراده کنیم جز این نیست که به آن بگوییم: باش، پس (بلافاصله) می باشد

و کسانی که پس از ستم دیدن در (راه) خدا هجرت نمودند، مسلّمأ آنها را در دنیا در جایگاهی نیک جای خواهیم داد، و البته پاداش آخرت بزرگتر است اگر بدانند

همانها که صبر کردند و پیوسته بر پروردگارشان توکل می کنند

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِيَ إِلَيْهِمْ ^طفَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

۴۴

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ ^طوَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

۴۵

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

۴۶

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ

۴۷

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ

۴۸

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلَلُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ

۴۹

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

۵۰
سجده
مستحب

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ^ط

۵۱
حزب
۱۰۹
۲۳۰۵

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ ^طإِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ فَإِنِّي فَارْهَبُونِ

۵۲

وَلَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ

۵۳

وَمَا بِكُمْ مِّنْ نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ^طثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ

۵۴

ثُمَّ إِذَا كُشِفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ

و (برای تحکیم روابط خود با خلق) پیش از تو نیز نفرستادیم جز مردانی را که به آنها وحی می کردیم (نه فرشتگان و نه زنان و نه اجنه را)، پس از اهل ذکر (از متخصصین دینی عبرتان) بپرسید اگر نمی دانید (تا بدانید که ارسال پیامبر اسلام تعجب آور نیست)

با دلایل روشن (معجزات) و کتاب های پندآموز آسمانی (آنان را فرستادیم) و به سوی تو نیز این ذکر (قرآن) را فرو فرستادیم تا برای مردم آنچه را که به سوی آنها نازل شده روشن کنی و باشد که بیندیشند

آیا کسانی که به نیرنگ خویش توطئه های زشت (بر ضد پیامبر و اسلام) انجام دادند ایمنند از اینکه خداوند آنها را به زمین فرو برد یا عذاب بر آنها از جایی که فکرش را نمی کنند فرا رسد؟

یا آنها را در حال رفت و آمد روزمره شان (یا در حال توطئه گناھشان) بگیرد؟ پس آنها هرگز ناتوان کننده (خدا از مکافات خود) نیستند

یا آنها را در حالی که نعمت ها را به تدریج از آنها می ستاند یا از دیدن عذاب دیگران در هراسند بگیرد (نه به نحو ناگهانی)، زیرا که پروردگارتان بسیار رئوف و مهربان است

و آیا به سوی آنچه خدا آفریده از اجرام (سایه دار آن گاه که در مقابل خورشید رو به جنوب یا پشت به جنوب قرار می گیرند) ننگریستند که سایه های آنها از جانب راست و از جوانب چپ برمی گردد (از راست به طرف پشت و از چپ به طرف جلو) در حالی که همه اجرام و سایه هایشان سجده کنان برای خدا در حال خضوع و ذلت (تکوینی) اند؟! (پس چرا متنّبہ نمی شوند؟!

و (علاوه بر جمادات) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از جنبندگان برای خدا سجده می کنند (خضوع ذاتی و سجود تکوینی و ارادی دارند) و فرشتگان نیز (سجده می کنند به سجود تشریعی ارادی) و آنان تکبر نمی کنند

از پروردگار مسلط و بالای سر خویش می ترسند و آنچه را مأمور می شوند انجام می دهند

و خداوند گفت: دو خدای معبود نگیرید، (خدای آفرینش و خدای تدبیر) جز این نیست که او معبودی یگانه است، پس تنها از من بترسید

و آنچه در آسمان ها و زمین است (علاوه بر خود آنها) ملک حقیقی خداست، (زیرا آفریدن، حفظ و تصرف و تدبیر و بالاخره فانی کردن همه در تحت اراده اوست) و دین (و طاعت و جزا) همیشه سزاوار اوست، پس آیا از غیر خدا پروا می دارید؟

و هر نعمتی که دارید از جانب خداوند است، و نیز چون ضرر و آسیبی به شما برسد به سوی او زاری و استغاثه می کنید

اما همین که آن ضرر و آسیب را از شما برطرف نماید ناگاه گروهی از شما به پروردگارشان شرک می ورزند! (شرک در وجود یا ربوبیت یا عبادت یا طاعت.

لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

۵۶

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ ۖ تَاللَّهِ لَتُسْئَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ

۵۷

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ

۵۸

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

۵۹

يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ ۚ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

۶۰

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ ۚ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۶۱
۲۳۱

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَحْضِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

۶۲

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ

۶۳

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ وَليُّهُمْ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۶۴

وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

تا سرانجام بدانچه به آنها داده ایم کفر ورزند و ناسپاسی کنند. پس (از خوشی های دنیا) بهره برید، که به زودی خواهید دانست

و برای چیزهایی که علم (به قداست و تاثیر وجودی آنها) ندارند (مانند بت ها) بهره و سهمی از آنچه روزی آنها کرده ایم قرار می دهند (ای مشرکان) به خدا سوگند (در روز قیامت) از آنچه افترا می بسته اید بازخواست خواهید شد

و دختران را برای خدا قرار می دهند (فرشتگان را دختران خدا می دانند)– منزّه است خداوند– و برای خودشان آنچه را که میل دارند (قرار می دهند یعنی پسران را)

و چون یکی از آنان را به (تولد) دختر بشارت دهند (از فرط غیظ و غضب) صورتش سیاه گردد در حالی که خشم گلویش را می فشارد

از بدی بشارتی که به او داده شده از میان قبیله خود متواری شود (و نمی داند) آیا او را با سرافکندگی نگاه دارد یا (زنده) در زیر خاکش نهان سازد. هان، بد قضاوتی می کنند

برای کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند صفات زشت است (چون اعتقاد به تعدّد آلهه، پرستش جماد، کشتن دختران) و برای خداوند صفات والا و برتر است (مانند وحدت ذات، وجوب وجود، اتصاف به صفات جمال و جلال) و اوست مقتدر غالب و با حکمت

و اگر خداوند مردم را به خاطر ظلمشان مؤاخذه می کرد هیچ جنبنده ای را بر روی این (زمین) باقی نمی گذاشت، و لکن آنها را تا مدتی معین مهلت می دهد پس چون مدتشان سرآید ساعتی تاخیر نمی کنند و نمی توانند ساعتی هم پیش بیفتند

و آنچه را که خود نمی پسندند (فرزند دختر را) برای خدا قرار می دهند و زبان هایشان به دروغ توصیف می کند که عاقبت نیک از آن آنهاست (اگر آخرتی باشد ما اهل بهشتیم) قطعا برای آنها آتش است و آنها (در ورود به آن) پیشگام و مقدم خواهند بود

به خدا سوگند که به سوی امت هایی پیش از تو (مانند یهود و نصاری و غیر آنها پیامبرانی) فرستادیم، پس شیطان کارهای (باطل) آنها را برایشان بیاراست، و امروز نیز او یاور و سرپرست آنها (و سایر کافران و مشرکان) است، و برای آنها عذابی دردناک است

و ما این کتاب را بر تو فرو نفرستادیم مگر برای اینکه، آنچه را که در آن اختلاف دارند (مانند اختلاف مسلمین با کفار و با اهل کتاب) برای آنان توضیح دهی، و هدایت و رحمتی باشد برای گروهی که ایمان می آورند

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۚ نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ ۖ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبْنَا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۚ يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَنُهُ ۚ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ ۚ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ ۖ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ ۚ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا ۚ وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً ۚ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ۚ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ

و خداوند از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرو فرستاد پس با آن زمین را (گیاهان و دانه ها و هسته های داخل آن را) پس از مرگش زنده ساخت. حقا که در این (امر) نشانه ای است (از قدرت و حکمت خدا) برای گروهی که می شنوند

و حقا که برای شما در (خلقت) چهارپایان عبرتی (بزرگ) است، که شما را از آنچه در شکم های آنهاست از میان غذاهای نیمه هضم معده و خون (جاری در عروق آنها) شیری ناب و خالص می نوشانیم که گوارای نوشندگان است

و از میوه های درختان خرما و انگور مایعاتی مستی آور (ناپاک) و نیز روزی نیکو و پاک برمی گیرید. حقا که در این (رویش و محصول و منافع) نشانه ای است (از قدرت و حکمت خدا) برای گروهی که عقل خود را به کار می برند

و پروردگارت به زنبور عسل وحی کرد (در طبیعت وی شوق و توان این عمل را قرار داد) که از کوه ها و درختان و از داربست هایی که می زنند خانه هایی (به تناسب حال خود) فراگیر

سپس از همه میوه ها (و شیره درختان و گیاهان) بخور، آن گاه راه های (غریزی) پروردگارت را (در تبدیل مواد اولیه به عسل) به رامی و انقیاد بیوی و در رفت و آمد بین خانه و محل ثمره، راه های الهامی خدا را بدون آزار احدی ببیمای. از درون شکم آنها مواد قابل آشامیدن رنگارنگی بیرون می آید که در آن برای مردم شفاست. حقا که در این (فن) شربت و داروسازی و در کیفیت زندگی سازنده آن) نشانه ای است برای گروهی که می اندیشند

و خداوند شما را آفرید، سپس روح شما را فرا می گیرد، و برخی از شما به پست ترین مرحله عمر (از نظر نیروی فکری و جسمی) باز برده می شود تا پس از علم و دانش چیزی را نداند همانا خداوند پس دانا و تواناست

و خدا برخی از شما را در روزی بر برخی دیگر برتری داد، (به واسطه اختلاف در تلاش ها، یا اقتضای حکمت در تدبیر یا ولایت بر قاصرین) پس کسانی که به آنها برتری داده شده هرگز واگذار کننده روزی خود به مملوک خویش نیستند تا (مالک و مملوک) با هم مساوی باشند، پس آیا این نعمت خدا را (این برتری را) انکار می کنند؟! (و چرا برتری خدا را فراموش می کنند؟!

و خدا برای شما از (نوع) خودتان (نه از حور و غلمان و نه از پریان) همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگان به وجود آورد، و شما را از چیزهای پاکیزه (معنوی و مادی مانند عقل و دین و کتاب آسمانی و خوراکی و پوشاکی و همسر) روزی نمود، پس آیا به باطل (به بت ها و سنن جاهلیت) ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می کنند؟

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَن
رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ
يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى
شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ
يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ
الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا
وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ
إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

و به جای خدا چیزهایی را می پرستند که مالک هیچ گونه
روزی برای آنها از آسمان ها و زمین نیستند و هیچ گونه
تسلطی هم ندارند

پس برای خدا مثال ها (ی ناروا) نزنید، که (دارای شریک و
همسر و دختران است). همانا خدا (زشتی و عدم امکان آن
را) می داند و شما نمی دانید

خداوند مثلی زده: برده مملوکی را که (دارایی و) توانایی بر
هیچ چیزی ندارد، (نه بر نفس و مال خود و نه بر کار و مال
مولا) و شخص آزادی را که او را روزی نیکو (حلال و
فراوان) عطا کرده ایم که از آن در نهان و آشکار انفاق می
کند، آیا اینان مساویند؟ (خداوند نیز با شریکانش مساوی
نیست) تمام ستایش ها از آن خداست (زیرا تمام کمالات از
آن اوست و مشرکان از روی علم انکار نمی کنند) بلکه
بیشتر آنها نمی دانند

و خداوند مثلی (دیگر) زده: دو مردی را که یکی از آن دو
گنگ مادرزاد است (نه می فهمد و نه می فهماند و) توانایی
بر چیزی را ندارد و سربار خواجه خویش است، به هر سو
که روانه اش کند خیری نمی آورد، آیا او با شخصی (سالم و
کامل) که پیوسته به عدل فرمان می دهد و خود بر راهی
راست است یکسان است؟ (شریکان خدا هم قابل مقایسه
با او نیستند).

و غیب آسمان ها و زمین (آنچه از حواس ظاهری و افق فکر
مخلوقات نهان است) از آن خداست، و کار (برپا کردن)
قیامت (در آسانی و سرعت در نزد خدا) نیست جز مانند بر
هم زدن چشم یا کمتر از آن. حقا که خدا بر همه چیز
تواناست

و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که
چیزی نمی دانستید، و برای شما گوش و نیروی شنوایی و
دیدگان و نیروهای بینایی و دل هایی (که حواس بدن را
استخدام کند) قرار داد، باشد که شکر کنید

آیا به پرندگانی که در جو آسمان مسخر (قدرت خدای) اند
ننگریستند که آنها را جز خداوند (با تعبیه دستگاه پرش در
بدن و الهام کیفیت پرواز به آنها) نگه نمی دارد. بی تردید
در این (نوع خلقت) نشانه هایی است (از علم و قدرت و
حکمت خدا) برای گروهی که ایمان دارند

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا مِائَةٍ إِلَى حِينٍ

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُم سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

وَإِذَا رَأَوْا الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

وَإِذَا رَأَوْا الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ ۖ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ

وَأَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامَ ۖ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

و خداوند برای شما از خانه هایتان محل سکونت و آرامش قرار داد، و از پوست چارپایان خانه هایی (منقول) قرار داد که آنها را در روز سفرتان و اوقات صحرانشینی تان به سبکی و راحتی حمل می کنید، و از پشم ها و کرک ها و موهای آنها اثاث خانه و وسیله بهره گیری تا مدتی (معین) را قرار داد

و خداوند برای شما از آنچه آفریده (مانند درخت و سقف و سایه بان) سایه ها قرار داد و برای شما از کوه ها غارها و پناهگاه هایی ساخت، و برای شما لباس هایی قرار داد که شما را از گرما (و سرما) نگه می دارد و لباس هایی که شما را از آسیب یکدیگر نگه می دارد (مانند البسه جنگی، حفاظت هوایی و دریایی). او این گونه نعمتش را بر شما تمام می کند، باشد که تسلیم (اراده او) شوید

پس اگر (از دعوتت) رویگردان شوند (باکی نیست) همانا بر عهده تو رساندن آشکار (پیام) است و بس (نه تحمیل پذیرش و نه مجازات دنیوی یا اخروی)

نعمت خدا را می شناسند سپس آن را انکار می کنند و بیشتر آنها حقیقتا کافر و ناسپاسند

و (به یاد آر) روزی که از هر امتی گواهی برانگیزیم (از مجموع هر امت پیامبر آنها را، یا از هر گروهی در هر عصری برخی از متقین آنها را که به ایمان یا کفر یا طاعت و فسق آنان گواهی دهند) سپس به کسانی که کفر ورزیده اند نه اجازه (تکلم و عذرخواهی) داده شود (زیرا گواهی شهدا و جوارح و اعضا کافی خواهد بود) و نه طلب رضایت از آنها می شود و نه رخصت اینکه رضایت حق را بطلبند

و کسانی که ستم کرده اند چون عذاب (دوزخ) را مشاهده کنند (بر آنان ثابت می شود که) نه عذاب از آنها سبک خواهد شد و نه مهلت داده می شوند

و چون کسانی که شرک ورزیدند آنان را که شریک خدا می پنداشتند مشاهده کنند، گویند: پروردگارا، اینهايند شریکان ما که به جای تو می خواندیم. پس شرکا به آنها این سخن بازگردانند که حقا شما دروغگویید (ما هرگز شریک خدا نبودیم و شما هم به هوای نفس خود عبادت می کردید)

و در آن روز (پس از دیدن حقائق به عین یقین به ناچار) خاضعانه سر تسلیم به پیشگاه خداوند فرو افکنند و آنچه افترا می بستند (از شفاعت و یاری بتان) از آنان گم و ناپدید شود

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ
الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا
بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ
شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ
عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَذَكَّرُونَ

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ
تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ
مَا تَفْعَلُونَ

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِن بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا
تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ
أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ
الْقِيَمَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن يُضِلُّ مَن
يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

کسانی که کفر ورزیدند و از راه خداوند بازداشتند، عذابی
بر عذابشان می افزاییم به خاطر آنکه فساد می کردند

و (به یاد آر) روزی که در هر امتی گواهی بر آنها از (میان)
خودشان برمی انگیزیم (بر مجموع هر امتی پیامبرشان را، یا
بر هر گروهی در هر عصری معصوم آن عصر را) و تو را بر
این امت (یا بر گواهان اعمار) گواه می آوریم. و این کتاب
را بر تو فرو فرستادیم در حالی که بیان رسا و روشنگر هر
چیزی (از علوم و معارف) است و سراپا هدایت و رحمت و
مایه بشارت برای مسلمانان است

به یقین خداوند به عدالت (فردی و عائلی و اجتماعی) و
نیکی کردن و ادای حقوق خویشاوند (خود و خویشاوند
معصوم پیامبر) فرمان می دهد، و از گناهان بسیار زشت و
عمل های ناپسند و تعدی و تجاوز باز می دارد. شما را پند
می دهد، باشد که تذکر یابید

و چون با خدا پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و
سوگندهای خود را پس از محکم کردن آنها شکنید در حالی
که (با بردن نام خدا) خدا را بر خود کفیل قرار داده اید.
مسلمًا خدا آنچه می کنید می داند

و مانند آن زن (سبک مغز) نباشید که رشته های خود را
پس از تافتن و محکم کردن واتابید و پاره پاره کرد، به
طوری که سوگندهای خود را وسیله فریب و فساد میان خود
قرار دهید به خاطر آنکه گروهی از گروهی افزون تر و بهره
مندترند (مثلا با مسلمین سوگند یاری بخورید و به خاطر
آنکه مشرکان بر آنها برتری دارند بشکنید). جز این نیست
که خداوند شما را در این مورد می آزماید، و بی تردید در
روز قیامت آنچه را که در آن اختلاف می کردید برای شما
روشن خواهد کرد

و اگر خدا می خواست بی تردید همه شما را (به اجبار) یک
امت قرار می داد، و لکن (طبق سنت جاریه خویش همه را
در انتخاب دین آزاد می گذارد و سپس) هر که را بخواهد
در گمراهی رها می کند (و آن کسی است که دین او را
نپذیرد) و هر که را بخواهد هدایت می کند (و آن کسی
است که دین او را بپذیرد) و حتما شما از آنچه انجام می
دادید بازخواست خواهید شد

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا أَلْسُوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

۹۵

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۹۶

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۹۷

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۹۸

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

۹۹

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

۱۰۰

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ

۱۰۱
۲۳۷۲

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

۱۰۲

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

و سوگندهای خود را دستاویز فساد و فریب میان خود قرار مدهید تا مبدا گامی (از شما در راه اسلام و عمل) پس از استواری بلغزد و به سزای آنکه از راه خدا بازماندید یا بازداشتید عذاب (دنیا) را بپشید و برایتان (در آخرت) عذابی بزرگ باشد

و در مقابل پیمان خدا بهای اندکی نستانید (به شکستن پیمان های او مال دنیا کسب نکنید) جز این نیست که آنچه در نزد خداست برای شما بهتر است اگر بدانید

آنچه در نزد شماست تمام و فانی می شود و آنچه در نزد خداست پایدار و باقی است. و کسانی که (در انجام وظایف دینی) صبر کرده اند پاداششان را در مقابل عمل های بسیار خوبشان خواهیم داد

هر کس از مرد یا زن، عمل نیک انجام دهد در حالی که ایمان داشته باشد پس او را بی تردید (در دنیا) به زندگی پاکیزه ای زنده خواهیم داشت و (در آخرت) پاداششان را در برابر عمل های بسیار خوبشان خواهیم داد

پس هنگامی که قرآن می خوانی از شیطان رانده شده به خدا پناه بر

چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگار خود توکل می کنند (جز القاء وسوسه) تسلطی نیست

جز این نیست که تسلط او (به طوری که فرمانش نافذ باشد) بر کسانی است که او را به یاری و سرپرستی می گیرند و کسانی که برای خداوند شریک قرار می دهند

و چون آیه ای را به جای آیه دیگر بیاوریم (آیه ای را لفظا یا معنا نسخ کنیم و آیه دیگر بیاوریم) در حالی که خدا به آنچه نازل می کند داناتر است، می گویند: جز این نیست که تو دروغ باف و افتراگری. (چنین نیست) بلکه بیشتر آنها نمی دانند

بگو: این (قرآن) را روح القدس (جبرئیل، روح پاکیزه از آلائش خطا و گناه) از جانب پروردگارت به حق (و برای هدفی والا و عقلانی) به تدریج فرو آورده تا کسانی را که ایمان آورده اند استوار گرداند و هدایت و بشارتی برای مسلمانان باشد

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي
يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِي وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُّبِينٌ

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيْمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ
مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيْمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا
فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ أُسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ
وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْخَاسِرُونَ

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا
وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

و البته می دانیم که آنها می گویند: جز این نیست که این
(قرآن) را بشری به او (محمد صلی الله علیه و آله) می
آموزد (برخی از علماء یهود و نصاری و فارسیان، لکن چنین
نیست) زبان کسی که به انحراف به او نسبت می دهند غیر
عربی است و این (قرآن) به زبان عربی روشن است

مسلمان کسانی که به آیات و دلایل روشن خدا ایمان نمی
آورند خدا آنها را هدایت نخواهد کرد و برای آنها عذابی
دردناک است

(چنین نیست که این کتاب را پیامبر به دروغ به خدا بسته،
یا معانی را از دیگران گرفته و الفاظ را خود بافته، زیرا) تنها
کسانی دروغ پردازی می کنند که به آیات خدا ایمان نمی
آورند (نه پیامبر) و آنهایند که دروغگویند

کسانی که پس از ایمانشان، به خدا کفر ورزند (نه هر کافر)
بلکه آنان که سینه خود به کفر خرسند و گسترده کنند بر
آنها غضبی از سوی خداوند است و عذابی بزرگ دارند، مگر
کسی که (به گفتار کفر) مجبور شود در حالی که قلبش
مطمئن به ایمان باشد (که مورد غضب خدا نیست)

این (غضب) از آن روست که آنان زندگی دنیا را بر آخرت
برگزیدند و از آن روست که خداوند گروه کافران را (پس
از اتمام حجت) هدایت نمی کند

آنهایند کسانی که خداوند بر دل ها و گوش و چشمانشان
مهر (نافهمی و شقاوت) نهاده و آنها همان غافلاند

و بی تردید آنها در آخرت همان زیانکارانند

آن گاه بی شک پروردگار تو نسبت به کسانی که پس از آنکه
(از کفار) شکنجه دیدند هجرت کردند، سپس جهاد نمودند و
صبر کردند، پروردگار تو پس از آن (مصیبت ها، در حق
آنان) بسیار آمرزنده و مهربان است

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَدِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ
مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

(به یاد آر) روزی که هر نفسی می آید در حالی که مجادله و دفاع از خویش می کند و به هر کسی (پاداش متناسب) آنچه کرده (و یا تجسم عینی آن) به نحو کامل داده می شود و به آنها ستم نمی شود (از استحقاقشان کم نمی گردد)

۱۱۲

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا
رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا
اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

و خداوند (برای عاقبت طغیان و کفران نعمت) مثلی زده: مجتمعی را که آسوده و آرام (از دشمن و حوادث) بودند، روزیشان فراوان از همه جا می رسید، پس نعمت های خدا را ناسپاسی کردند، خداوند هم به سزای آنچه می کردند لباس گرسنگی و ترس را به آنها پوشانید و طعم آن را به آنها چشانید

۱۱۳

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ
وَهُمْ ظَالِمُونَ

و همانا برای آنان (اهل مکه) فرستاده ای از خودشان (از شهر و محیط و قبیله خودشان) آمد اما او را تکذیب کردند، پس عذاب (خدا) آنها را فرا گرفت در حالی که ستمکار بودند

۱۱۴

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَلًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ
إِنْ كُنْتُمْ تُعْبُدُونَ

پس، از آنچه خداوند روزی شما کرده که حلال شرعی و پاکیزه طبعی است بخورید و تصرف کنید، و نعمت خدا را شکر گزاریید اگر تنها او را می پرستید

۱۱۵

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلَ
لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ
غَفُورٌ رَّحِيمٌ

جز این نیست که خداوند مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که (در وقت کشتن) نام غیر خدا بر آن برده شده بر شما حرام کرده پس اگر کسی ناچار (به خوردن آنها) شود در حالی که به قصد لذت و بیش از ضرورت نخورد (یا یاغی بر امام عادل نبوده باشد، بداند که) همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

۱۱۶

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ
وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ
عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ

و بر طبق آنچه زبان های شما به دروغ چیزی می گوید، (و بی دلیل حکم به حلیت و حرمت می کند) مگویید این حلال است و این حرام، تا بر خدا دروغ بندید (و در دین او بدعت نهید) البته کسانی که بر خدا دروغ می بندند هرگز رستگار نمی شوند

۱۱۷

مَتَّعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

(نتیجه این بدعت ها برای آنها) برخورداری اندکی است، و عذابی دردناک خواهند داشت

۱۱۸

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا
ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

و بر کسانی که یهودی شدند آنچه را که قبلا (در آیه ۱۴۶ انعام) بر تو بازگو کردیم حرام نمودیم. و ما بر آنها ستم نکردیم و لکن آنها بر خود ستم می کردند

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ أَجْتَبَنَاهُ وَهَدَيْنَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

وَعَاتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۖ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۚ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ ۖ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ

وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ ۗ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

سپس مسلماً پروردگار تو نسبت به کسانی که از روی نوعی نادانی (غفلت از عظمت حق و غلبه هوای نفس) مرتکب گناه گشته اند، آن گاه پس از وقوع آن توبه کرده و هم خود صالح شدند و هم (گذشته ها را) اصلاح نمودند، البته پروردگارت پس از آن بسیار آمرزنده و مهربان است

به راستی ابراهیم (به تنهایی به لحاظ کمالات انسانی اش، به سان) اُمّتی بود، و یا در مدّتی از عمر خود به تنهایی مصداق یک امت اسلامی بود، فروتن و مطیع خدا و حق گرا بود، و هیچ گاه از مشرکان نبود (نه به شرک در وجود و نه در ربوبیت و عبادت و طاعت)

شکرگزار نعمت های خدا بود خدا او را (به رسالت و نبوت سپس به امامت و خلت) برگزید و به سوی راهی راست هدایت نمود

و او را در دنیا زندگانی نیکی (مقبولیت میان امم، طول عمر، اولاد صالح و ثروت سرشار) دادیم، و البته او در آخرت از صالحان خواهد بود

سپس به تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم (راه و روش او در پذیرش توحید، مبارزه با شرک و اصول دین او و امّهات فروع شریعتش) پیروی کن، زیرا او حق گرا بود و از مشرکان نبود

و جز این نیست که شنبه بر کسانی مقرر شد که در آن اختلاف کردند (تعظیم و تعطیل مطلق آن روز به عنوان مجازات، بر یهودانی تشریع شد که در حرمت پیشین صید آن روز اختلاف کردند، برخی نپذیرفتند و برخی نیرنگ نمودند) و حتما پروردگارت در روز قیامت میان آنها در تمام آنچه در آن اختلاف می کردند داوری خواهد کرد

(مردم را) به سوی راه پروردگارت با منطقی حکیمانه و ادله قانع کننده و با پندی نیک و بیداری بخش و عبرت آموز دعوت کن و با آنان (مخالفان) به نیکوترین وجه محاجّه و مجادله نما. (این وظیفه تو، و اما آنها) البته پروردگارت خود داناتر است به کسی که از راه او گم گشته و او داناتر است به هدایت یافتگان

و اگر (در موارد قصاص و نحو آن خواستید) عقوبت کنید پس به مانند آنچه مورد تعدّی قرار گرفته اید عقوبت نمایید، و حتما اگر صبر کنید (به کلی ببخشید یا تخفیف دهید) بی تردید آن برای صبرپیشگان بهتر است

و (بر ابلاغ رسالت) صبر کن و صبرت جز به (توفیق و یاری) خدا نیست و بر (عدم ایمان) آنها یا سختی و فشار مؤمنان اندوه مخور، و از مکرّی که انجام می دهند دلتنگ مشو

به یقین خداوند با کسانی است که پروا پیشه کرده اند و کسانی که نیکوکارند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى
الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ ءَايَاتِنَا
إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

۱
جزء ۱۵۰
حزب
۱۱۳
۲۴۰
منزل
۴

وَعَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ أَلاَّ
تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا

۲

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

۳

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ
مَرَّتَيْنِ وَلِتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا

۴

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي
بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا

۵

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ
وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا

۶

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا
جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُئُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ
كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا

۷

منزه و پاک است (از هر نقص و عیبی) آن خدایی که بنده
خود (محمد صلی الله علیه وآله) را در شبی از مسجد
الحرام به سوی مسجد الاقصی سیر داد- مسجدی که اطراف
آن را (به معنویت فرشتگان فرود آمده و پیامبران برخاسته
از آنجا و سرسبزی درختان انبوه و نهرها) مبارک کرده ایم-
تا برخی از نشانه های (توحید و قدرت و حکمت) خود را به
او نشان دهیم. البته او (خدا) است که (به گفتار بنده خود
و ساکنان ملا اعلی) شنوا و (به حال همه آنان) بیناست

و ما به موسی کتاب (تورات و صحف) دادیم و او را و کتاب
او را راهنمای بنی اسرائیل کردیم که (به آنها بگوید) غیر از
من کسی را وکیل و کارساز (امور دنیا و آخرتتان) نگیرید

(بنی اسرائیل) همان فرزندان کسانی که آنها را با نوح (در)
کشتی) سوار کردیم زیرا که او بنده ای شکرگزار بود

و ما به بنی اسرائیل در کتاب (توراتشان) حکم قطعی و
اعلان حتمی کردیم که شما بی تردید دو بار در زمین
(فلسطین) فساد خواهید کرد و طغیان بزرگی را مرتکب
خواهید شد

پس چون زمان وعده (کیفر) نخستین آن دو طغیان فرا رسد
برخی از بندگان خود را که سخت جنگجویند بر شما
برانگیزیم پس آنها (برای کشتن شما) درون خانه ها را
جستجو کنند (که احدی را زنده نگذارند)، و این یک وعده
مسلم انجام شدنی است

سپس غلبه و تسلط بر آنها را به شما باز می گردانیم و شما
را به وسیله اموال و پسرانی یاری می کنیم و از حیث
نفرت، بیشتر (از آنها) قرار می دهیم

اگر نیکی کنید نیکی به خود کرده اید و اگر بدی کنید از آن
خودتان است، و چون زمان وعده (کیفر طغیان) دیگر فرا
رسد (دشمنانی بر شما بگماریم) تا صورت های شما را (از
شدت شکست و عذاب) غمبار و سیاه کنند و وارد مسجد
(الاقصی) شوند همان گونه که در مرتبه اول وارد آن شدند
و بر هر چه دست یافتند نابود سازند

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا

۹

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

۱۰

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

۱۱ ر۲۴۱

وَيَدْعُ الْإِنْسَنُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَنُ عَجُولًا

۱۲

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ءَايَتَيْنِ فَمَحَوْنَا ءَايَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا ءَايَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا

۱۳

وَكُلَّ إِنْسَنٍ أَلَزَمْنَاهُ طَبِرَهُ فِي غُفَّتِهِ وَخُجِرْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا

۱۴

أَقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا

۱۵

مِّنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا

۱۶

وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا

۱۷

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

(پس از شکست دوم نیز اگر توبه کنید و به حق گرایید) امید آنکه پروردگارتان بر شما ترحم کند (و دولت و استقلالتان را بازگرداند) و اگر (به فساد) بازگردید ما نیز (به کیفر) باز می گردیم، و جهنم را برای کافران زندانی تنگ قرار داده ایم

حقّا که این قرآن (جامعه انسانی را) به پایدارترین و استوارترین طریقه و آیین هدایت می کند، و مؤمنانی را که پیوسته عمل های صالح به جا می آورند بشارت می دهد که برای آنها (در دنیا و آخرت) پاداشی بزرگ است

و اینکه کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند برای آنها عذابی دردناک آماده کرده ایم

و انسان (از روی جهل به واقع، و یا در حال غضب) شرّ و ضرر را (از خدا) می طلبد همان گونه که خیر را می طلبد، و انسان (ذاتا) شتابزده است (هر چه را هوای نفسش اقتضا کرد بدون تأمل در عاقبت آن می طلبد)

و ما شب و روز را دو نشانه (از توحید و قدرت و حکمت خود) قرار دادیم پس آن نشانه را که شب است بی نور، و آن نشانه را که روز است روشن ساختیم، تا شما (در آن روشنی) از پروردگارتان فضل و رحمتی بطلبید (مشغول کسب و کار شوید) و تا (از اجتماع شب و روز، ماه، و از ترکیب ماه ها سال سازید و به وسیله آن) عدد سال ها و حساب را (حساب کارها، قراردادها، عمرها، حوادث را) بدانید، و ما هر چیزی را به تفصیلی مناسب آن توضیح داده ایم

و سرنوشت (نیک یا شوم عمل) هر انسانی را (که از غیب برایش مقدر شده و به سویش پر زده، همانند طوقی) در گردنش لازم و ثابت کرده ایم، و در روز قیامت نوشته ای را برای او بیرون می آوریم که آن را باز و گشوده دیدار خواهد کرد

(به او گفته می شود) کتاب (اعمال قلبی و بدنی) خود را بخوان، تو خود کافی هستی که امروز حسابرس نفس خود باشی

هر که هدایت یافت جز این نیست که به سود خویش هدایت یافته و هر که گمراه شد پس به زیان خویش گمراه شده است، و هیچ گنهکاری حامل گناه دیگری نمی شود و ما (هیچ ملتی را پیش از این به عذاب ریشه کن در دنیا) عذاب کننده نبودیم تا اینکه (نخست) رسولی را (برای بیداری آنان) بفرستیم

و چون بخواهیم مجتمعی را (به خاطر سوابق طغیانشان) هلاک کنیم اعیان و خوشگذران های آنها را (برای اتمام حجت بار دیگر به طاعت) امر کنیم (یا بر دنیای آنها بیفزاییم) پس آنها در آن محیط فسق ورزند (و طبقات دیگر تابع آنها شوند یا به گناهشان راضی گردند) پس حکم قطعی ازلی ما (که نابود کردن طغیان گران است) درباره آنها تحقق یابد پس آنها را به سختی هلاک سازیم

و چه بسیار از جماعت های پس از نوح را (که در عصر نزدیک به هم بودند، مانند عاد و ثمود و قوم لوط) هلاک کردیم، و پروردگار تو در آگاهی و بینایی به گناهان بندگانش (که طبق آن کیفر دهد) کافی است

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَّشْكُورًا

كَلَّا تُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا

أَنْظِرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا

وَعَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذِرْ تَبَذِيرًا

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ ۖ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِءَ كَفُورًا

هر کس تنها این (دنیای) نقد زودگذر را بخواهد ما در دادن آنچه بخواهیم به هر که بخواهیم در دنیا شتاب می کنیم، آن گاه دوزخ را برای او مقرر می کنیم که در آن ملامت شده و رانده شده خواهد سوخت

و کسی که آخرت را بخواهد، و در حالی که مؤمن است برای آخرت کوششی در خور حال آن انجام دهد، پس چنین کسانی سعیشان مورد قبول و پاداش خواهد بود

هر یک از اینان و آنان را (خواهان آخرت و دنیا را) از عطای پروردگارت مدد می رسانیم و عطای پروردگار تو هرگز (از کسی) ممنوع نیست (در دنیا همه نعمت های معنوی و مادی در اختیار همه بشر از مؤمن و کافر قرار داده شده است)

بنگر چگونه برخی از آنها را بر برخی دیگر (در نعمت های مادی و معنوی) برتری داده ایم و البته آخرت از نظر درجات و برتری ها بزرگتر است

هرگز معبود دیگری با خدا قرار مده که (در نزد فرشتگان و صالحان) مذمت شده و (در نزد خدا) نکوهیده و خوار و بی یاور خواهی نشست

و پروردگارت حکم قطعی کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر (خود) نیکی کنید حال اگر در نزد تو یکی از آن دو یا هر دو به کهنسالی رسند (در مقابل زحمات یا خشونت های آنها اظهار ناراحتی مکن حتی) به آنان اف مگو و بر آنها فریاد مزن و سخن درشت مگو و با آنان سخنی کریمانه بگوی

و از روی مهربانی در برابر آنها بال های خضوع و ذلت فرود آر، و بگو: پروردگارا هر دو را رحمت کن به پاس آنکه مرا در خردی (از روی رحمت) تربیت کردند

پروردگارتان به آنچه در دل های شماست داناتر است (اگر قلبا از پدر و مادر منزجرید و یا ستمی به آنها کرده اید) اگر اهل صلاح باشید (و از خطا به سوی خدا برگشته باشید) پس حتما خداوند بازگشت کنندگان را آمرزنده است

و حق خویشاوند (حق خویشان خود و حق خویشان پیامبرت) و حق فقیر و وامانده در راه را بپرداز، و هیچ نوع اسراف و ریخت و پاش (که صرف مال در راه حرام و تجاوز از حد در حلال است) مکن

حقا آنان که اموالشان را (در راه حرام و باطل) ریخت و پاش می کنند برادران (رفیقان و همسویان) شیاطینند، و شیطان همیشه در مقابل پروردگارش بسیار کافر و ناسپاس بوده است

وَمَا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ أَبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّا قَتَلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا

كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا

و اگر از آنان به خاطر (تهدیدستی و) طلب رحمت و وسعتی از پروردگارت که امید داری (به تو برسد و به آنها بدهی تا آنها را بی نیاز نماید) باید از آنان روی گردانی، پس به آنها سخنی نرم بگو

و دستت را بسته به گردن خود قرار مده، (در انفاق واجبات بخل نورز) و آن را به تمام نیز مگشای (چندان انفاق مکن که خود نیازمند شوی) که ملامت زده و وامانده خواهی نشست

همانا پروردگار تو، روزی را برای هر کس که بخواهد توسعه می دهد و (برای هر کس که بخواهد) تنگ می گیرد، البته او همیشه به بندگان خود آگاه و بیناست (حال فرد و اجتماع آنها را می داند)

و فرزندان خود را از ترس فقر و تنگدستی نکشید، ماییم که آنها و شما را روزی می دهیم حقا که کشتن آنها گناهی است بزرگ

و نزدیک زنا نروید (حتی از عمل های مقدماتی آن نیز دوری کنید) زیرا که آن بسیار زشت است و بد راهی است (که به فساد جامعه و زوال معنویت آن منتهی می گردد)

و نفسی را که خداوند (در همه شرایع به وی مصونیت داده و کشتن آن را) حرام نموده، جز به حق (مانند موارد قصاص، ارتداد و حدود شرعی) نکشید. و کسی که مظلوم کشته شود ما حتما برای ولی او تسلطی قرار داده ایم (که می تواند قصاص کند یا دیه بگیرد یا عفو کند) پس او نباید در کشتن اسراف کند (شکنجه و مثله کند یا بیش از یک نفر را بکشد) زیرا که او (به وسیله تشریع این حکم) یاری شده است (و شخص قصاص شده نیز در مقدار بیش از محکومیت، مورد یاری ما قرار دارد)

و به مال یتیم نزدیک نشوید (هیچ تصرفی در آن نکنید) مگر به شیوه ای که نیکو است (تصرف به اجازه شرع و به صلاح مال یا صاحب آن باشد) تا او به حد رشد (و ظهور نیروی جسمی و عقلی) خود برسد، و به پیماتتان وفا کنید (چه پیمان خدا با شما و چه پیمان شما با خدا و چه پیمان خودتان با یکدیگر) همانا پیمان (در روز جزا) مورد سؤال خواهد بود (از صاحب پیمان یا از پیمان مجسم می پرسند)

و چون (مالی را در مقام دادن یا گرفتن) پیمانه کنید پیمانه را پر کنید و (نیز) با ترازوی درست بسنجید، که این (امانت پیمانه و وزن از نظر عقل) خیر است و (از نظر حفظ اعتماد جامعه) سرانجامش نیکوتر است

و از چیزی که بدان علم نداری (در مرحله اعتقاد و گفتار و عمل) پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و دل، هر یک مورد سؤال قرار خواهند گرفت (از انسان درباره کارهای آنها و از آنها درباره کارهای خودشان می پرسند)

و در روی زمین با کبر و سرمستی راه مرو، زیرا تو (هر چند قوی باشی) هرگز نمی توانی (با گامهایت) زمین را بشکافی و هرگز نمی توانی در بلندی به کوه ها برسی

همه این (امور که قریب بیست و سه کار است) بدش (و مفسده دارش) در نزد پروردگارت ناخوشایند است (و مبغوضیت، ملازم حرمت است)

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۖ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا

أَفَأَصْفَكُمْ رَبُّكُمُ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا ۚ إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا

قُلْ لَّوْ كَانَ مَعَهُوَ ءَالِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَّا بُتْعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا

سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوءًا كَبِيرًا

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ ۚ وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِۦ وَلَٰكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ۚ إِنَّهُوَ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بَالَاخِرَةَ حِجَابًا مَّسْتُورًا

وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوُاْ عَلَىٰ أَدْبَرِهِمْ نُفُورًا

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ ۚ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰٓ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا

أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا

وَقَالُواْ ءَآءِذَا كُنَّا عِظْمًا وَّرَفَّتًا ءَآءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

این (بیست و چند خصلت از واجبات و محرمات) برخی از حکمت ها (احکام شرعی و مستقلات عقلی) است که پروردگارت به تو وحی کرده، و هرگز با خداوند معبود دیگری قرار مده، که ملامت شده و رانده شده به جهنم افکنده خواهی شد (ملامت شده خدا و و جدان، و مطرود از زمره نیکان)

آیا پروردگارتان شما را به (داشتن) پسران برگزیده و خود از فرشتگان دخترانی برگرفته؟! همانا شما سخنی بزرگ می گویند (فرزند داشتن خدا و اینکه آنچه را بد می دانید به خدا نسبت می دهید)

و حقا که ما در این قرآن (درباره توحید و نفی شریک خدا و معارف دیگر) بیانات گوناگونی آوردیم تا یاد آرند و پند گیرند اما جز نفرت و گریز در آنها نمی افزاید

بگو: اگر چنان که آنها می گویند با خداوند معبودهایی وجود داشت در آن حال حتما به سوی خدای صاحب عرش راهی می جستند (تا بر او برتری جویند و او را ساقط کنند، یا در ملک او شریک شوند و یا حد اقل در نزد او مقرب گردند)

(خداوند) منزّه است و برتری دارد از آنچه آنها می گویند، برتری بزرگ

آسمان های هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می گویند و هیچ چیزی (از جماد و نبات و حیوان و بالاتر از آنها) نیست مگر آنکه (به زبان قال که بشر عادی نمی شنود، و به زبان حال) با ستایش (از کمالات) او را تسبیح می گوید (چرا که وجودش دلالت بر وجود، امکانش حکایت از وجوب، حدوثش دلالت بر قدم، نقصش حکایت از کمال، حدّش گویایی از نامحدود بودن او دارد) و لکن شما تسبیح آنها را نمی فهمید (از فهم تسبیح قولی قاصر و در عدم فهم تسبیح حالی مقصّرید)، حقا که او بردبار و آمرزنده است (مهلت می دهد تا بفهمید، و می آمرزد اگر نفهمید)

و چون قرآن را تلاوت کنی میان تو و میان کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشاننده و ناپیدا قرار می دهیم (رذائل اخلاق و فسق و کفر آنان حجاب نامرئی است و مانع از توجه به معارف قرآن)

و (به مجازات کفرشان) بر دل های آنها پوشش هایی (از غرور و حبّ جاه و مال) قرار داده ایم که مبادا آن را بفهمند و در گوش هایشان سنگینی (قرار داده ایم)، و چون پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد کنی در حال تنفر پشت می کنند

ما داناتریم که آنها به چه منظور گوش می دهند، آن گاه که (برای استهزا و مسخره) به سوی تو گوش فرا می دهند، و (داناتریم به حالشان) آن گاه که با هم به نجوا می پردازند، آن گاه که این ظالمان (به یکدیگر) می گویند: شما جز از مردی جادو شده پیروی نمی کنید

بنگر که چگونه برای تو مثل ها زدند (شاعر، ساحر، کاهن، مجنون و مسحور) پس آنها گمراه شده اند و توانایی (یافتن و پویندن) هیچ راهی (به سوی حق) را ندارند

و گفتند: آیا هنگامی که ما مشتی استخوان ها و اعضای پوسیده شدیم، آیا در صورت آفریده ای تازه برانگیخته خواهیم شد

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا

۵۱

أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا^ط
قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ
وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ^ط قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا

۵۲

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِۦ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا
قَلِيلًا

۵۳
۲۴۵ر

وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزِعُ
بَيْنَهُمْ^ج إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنسَنِ عَدُوًّا مُّبِينًا

۵۴

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ^ط إِن يَشَأْ يُرْحَمَكُم^ط أَوْ إِن يَشَأْ
يُعَذِّبَكُم^ج وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا

۵۵

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ^ط وَلَقَدْ فَضَّلْنَا
بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ^ط وَءَاتَيْنَا دَاوُودَ زُبُورًا

۵۶

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهِۦ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ
الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا

۵۷

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ
أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ^ج إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ
كَانَ مُحْذُورًا

۵۸

وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ أَوْ
مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

بگو: شما سنگ باشید یا آهن

یا هر آفریده ای که در اذهان شما (از نظر استحکام و عدم پذیرش حیات) بزرگ می نماید، (باز هم خدا در آن روح دمیده زنده اش خواهد کرد). آنها به زودی خواهند گفت: چه کسی ما را (به حیات مجدد) بازمی گرداند؟ بگو: همان کسی که شما را نخستین بار از عدم به وجود آورد. پس فوراً سرهای خود را به سوی تو (از روی تعجب و استهزا) می جنبانند و می گویند: این (زنده شدن) کی خواهد بود؟ بگو: امید آنکه نزدیک باشد

در روزی که شما را (ارواح برزخی شما و جسدهای پراکنده در خاک شما را به خواست تکوینی) فرا می خواند پس شما (به وسیله اجتماع اجزای بدن و تشکل به صورت دنیوی و حلول روان های برزخی در آن) در حالی که ستایش از او می نمایید، اجابت خواهید نمود و (در آن حال) گمان می کنید (در دنیا و در عالم برزخ) جز اندک زمانی درنگ نکرده اید (دنیا و برزخ هر دو در نظرتان نسبت به ابدیت آخرت کم خواهد نمود)

و به بندگان من بگو سخنی را که نیکوتر است بگویند (برای هر مقامی نیکوترین سخن متناسب آن مقام را انتخاب کنند) همانا شیطان (به وسیله کلمات مفسده انگیز) میانشان را بر هم می زند، زیرا شیطان همیشه برای انسان دشمن آشکار بوده و هست

پروردگارتان به حال شما داناتر است، اگر بخواهد (به خاطر عمل های خیرتان و یا به اقتضای رحمت واسعه اش) به شما رحم می کند، یا اگر بخواهد (به جهت استحقاقتان) شما را کیفر می دهد، و تو را بر آنها وکیل و کارساز نفرستاده ایم (وظیفه تو ابلاغ رسالت است نه تصدی اجرای احکام که آن از وظایف امامت است، و نه مجازات در دنیا یا پاداش و کیفر در آخرت که آن از شئون خداوندی است)

و پروردگار تو به حال هر کس که در آسمان ها و زمین است دانش کامل دارد، و به یقین ما برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری دادیم (برتری در علم و فضایل نفسی، و معجزات، و رسالت و شریعت و کتاب) و به داود زبور دادیم

بگو: کسانی را که غیر از او (خدا) درباره آنها گمان خدایی دارید (مانند بت ها و فرشته ها و مسیح و غیره) بخوانید، پس (خواهید دید که) هرگز نه مالک برطرف کردن ضرر و زیانی از شما، و نه قادر بر منتقل نمودن آن به دیگری هستند

آتهایی که (این کفار به خدایی) می خوانند خود به سوی پروردگارشان وسیله می جویند که کدام یک (به خدا) نزدیک ترند، و امید رحمت او را دارند و از عذاب او می ترسند، همانا عذاب پروردگار تو ترسیدنی و درخور پرهیز است

و هیچ مجتمعی (از طغیانگران) نیست مگر آنکه آنها را قبل از روز قیامت (طبق سنت جاریه خویش به کشتار جمعی) هلاک می کنیم و یا به عذابی سخت (مانند قحطی و وبا و امراض دیگر) گرفتار می سازیم (و یا آنکه در مقدمه روز قیامت هیچ مجتمعی نیست جز آنکه نیکانشان را به میراندن عادی، و بدانشان را به عذابی سخت نابود می کنیم تا احدی در روی زمین نماند)، این (روش ما بر طبق علم ازلی) در کتاب (لوح محفوظ) مرقوم بوده است

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ
وَعَاتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ
إِلَّا تَخْوِيفًا

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرَّعْيَا
الَّتِي أَرَيْنَكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي
الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ
عَاسْجُدٌ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَمَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا

قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمْ جَزَاءً
مَوْفُورًا

وَأَسْتَفْزِرُ مِنْ أَسْطَظَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ
بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ وَمَا
يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا

رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ
فَضْلِهِ إِنََّّهُ وَكَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

و ما را از فرستادن معجزات (معجزاتی که قریش می
خواستند) چیزی مانع نشد جز آنکه پیشینیان آن را تکذیب
کردند (و مستحق عذاب شدند و طبع اینها نیز مانند
آنهاست و ما می خواهیم اینها را مهلت دهیم) و به قوم
ثمود (معجزه) ناقه را روشن و آشکار دادیم، پس آنها با
(کشتن) آن (به او و خود) ستم کردند و ما معجزات را جز
برای بیم دادن نمی فرستیم

و (به یاد آر) زمانی که به تو گفتیم: همانا پروردگارت بر
مردم احاطه (علمی و توانی) دارد، (پس غمگین مشو و در
کار خود ثابت باش) و ما آن خوابی را که به تو نمایانديم (که
بوزینگانی از منبرت بالا می روند) و آن درخت لعنت شده در
قرآن را (که شجره خبیثه بنی امیه است) جز آزمایشی برای
مردم قرار ندادیم. و ما آنها را می ترسانیم ولی جز طغیانی
بزرگ در آنها نمی افزاید

و (به یاد آر) هنگامی که به فرشتگان گفتیم به آدم سجده
کنید، پس همه سجده کردند، جز ابلیس که گفت: آیا سجده
کنم بر کسی که او را از گل آفریدی؟

(سپس) گفت: به من بگو این کسی که او را بر من بزرگی و
شرافت بخشیدی (برای چه بود؟) سوگند باد که اگر مرا تا
روز قیامت (که آخرین مدت حیات نسل اوست) مهلت دهی
همه اولاد او را- جز اندکی- لجام خواهم زد (و گمراهشان
خواهم کرد)

(خداوند) گفت: برو (به سراغ هدفِ تو و بیرون از ملا اعلی)،
که هر کس از آنان پیروی تو کند مسلماً دوزخ جزای
شماست، جزایی کامل و فراوان

و هر کس از آنها را بتوانی به آوای خود (به سوی گناه)
برانگیزی، و بر آنها (برای راندن به سوی معاصی) با سواره ها
و پیاده های (لشکر) خود بانگ بزنی، و با آنها در اموال و
فرزندان شرکت نما، و آنها را (در ترک هر واجب و انجام هر
حرام) وعده ده و (باید بدانند که) هرگز شیطان به آنها غیر
از فریب و نیرنگ وعده ای نمی دهد

بی تردید تو را بر بندگان (مطیع) من (جز القاء و سوسه)
تسلطی نیست و همین کافی است که پروردگارت کارساز
(امور بندگان خود) است

پروردگار شما کسی است که کشتی ها را در دریا (به)
بخشیدن قدرت ابتکار و ابزار ساخت کشتی و نرم نمودن
طبیعت آب) به سود شما می راند تا از فضل و روزی او
بجویند زیرا او همیشه با شما مهربان است

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ ۚ فَلَمَّا نَجَّيْكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْصِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيَغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي عَادَـمَ وَحَمَلْنَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْهَمٍّ ۖ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُۥٓ بِيَمِينِهِۦ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِۦٓ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِیْنَآ إِلَيْكَ لِصَفَرِیْ عَلَیْنَا غَیْرَهُۥٓ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ حَلِیلًا

وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا

إِذَا لَآذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَیْوةِ وَضِعْفَ الْمَمَـٰتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَیْنَا نَصِیرًا

و چون در دریا شما را سختی و آسیبی رسد (که سبب ترس از غرق شود) همه آنهایی که (به پرستش) می خوانید (از فکرتان) محو می شود، جز او (که فقط توجه به او می ماند) و چون شما را نجات داده به خشکی رساند، روی می گردانید و انسان همواره بسیار ناسپاس است

پس آیا ایمن شدید از اینکه شما را (پس از بیرون شدن از دریا) در کنار خشکی به زمین فرو برد، یا تندبادی فرستد که بر شما سنگریزه ببارد، آن گاه برای خود وکیل مدافعی نیابید؟

یا ایمن شدید از اینکه شما را بار دیگر به آنجا (به دریا) بازگرداند، آن گاه تندبادی شکننده بر شما روانه کند که شما را به کیفر کفرتان غرق نماید، آن گاه در مقابل کار ما، برای خود پی گیری علیه ما نیابید؟

و حقاً که ما فرزندان آدم را (به وراثت از پدر به وسیله نعمت های مادی و معنوی) کرامت و شرافت بخشیدیم، و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب های مناسب هر یک) سوار کردیم و آنها را از انواع پاکیزه ها (چیزهایی که ملایم طبع آنهاست) روزی کردیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود (از جانداران و اجّـّه و اغلب فرشته ها) برتری کامل دادیم

(به یاد آر) روزی که هر گروهی از مردم را با پیشوای خود (که از وی پیروی داشته اند) و با کتاب آسمانی شان (برای دریافت کتاب عمل) فرامی خوانیم. پس کسانی که کتاب (عمل) آنها به دست راستشان داده شود آنها کتاب خود را می خوانند، و به اندازه رشته پشت هسته خرما هم (که کمترین چیز است) ستم نینند (نه بیش از اندازه گناهشان کیفر ببینند و نه کمتر از استحقاقشان پاداش گیرند)

و هر که در این دنیا کور (دل) باشد در آخرت نیز کور است و (از راه سعادت) گمراه تر است

و حقیقت این است که نزدیک بود که (مشرکان) تو را از آنچه ما به تو وحی کرده ایم (از توحید و روش عملی در دین) منحرف سازند تا غیر آن را بر ما افترا بندی (و از بت ها تجلیل کنی)، و در این حال حتما تو را دوست خود می گرفتند

و اگر نه این بود که تو را (به واسطه مقام عصمت و محافظت فرشتگان) ثابت قدم و استوار کردیم همانا نزدیک می شد که به سوی آنها اندکی میل کنی

در آن صورت ما تو را دو برابر عذاب دنیا و دو برابر عذاب آخرت می چشاندیم (دو برابر عذاب دیگران بر همان جرم در دنیا و در آخرت)، سپس برای خود یآوری در مقابل ما نمی یافتی

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلْفَكَ إِلَّا قَلِيلًا

سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَنِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ جَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا

قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا

وَلَيْنَ شِئْنَا لَنُدْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا

و حَقًّا نزدیک بود که (در زمان قبل از نزول این آیه) تو را از زمین مکه بشورانند تا از آن بیرونت کنند، و اگر چنین می شد آنها نیز پس از تو جز اندک زمانی درنگ نمی کردند (چنان که یک سال پس از بیرون کردن آن حضرت، در جنگ بدر کشته شدند و به سرزمین مکه بازنگشتند)

(این است) سنت و طریقه (ما درباره) فرستادگانمان که پیش از تو فرستادیم (که به دنبال صدور این گونه طغیان از امت آنها هلاکت مستعجل بود) و هرگز در سنت جاریه ما تغییری نمی یابی

از اول زوال خورشید (از دایره نصف النهار، درباره هر شخصی نسبت به محیط خود) تا نهایت تاریکی شب (تا نیمه آن) نماز را برپا دار (چهار نماز فریضه یومیه: ظهر و عصر و مغرب و عشاء و بیست و دو رکعت نافله های آنها را اقامه کن) و نیز قرآن صبح را (نماز صبح و نافله صبح را)، همانا قرآن صبح مشهود (فرشتگان شب و روز برای نوشتن آن) است

و پاره ای از شب را برای آن (تلاوت قرآن و خواندن نافله شب) بیدار باش، (که این) وظیفه ای افزون برای تو (است) باشد که پروردگارت تو را به مقامی درخور ستایش (مقام شفاعت) برانگیزد

و بگو: پروردگارا، مرا (در انجام هر کاری) با حق و راستی وارد کن و با حق و راستی بیرون آر، و برای من از جانب خود تسلطی یاری شده از تو و یاری دهنده (بر کارهایم) قرار ده

و بگو: حق آمد و باطل نابود گشت، حقا که باطل همواره نابود شدنی است (بساط شرک و کفر روزی از روی زمین برچیده خواهد شد)

و از قرآن آنچه را که برای مؤمنین شفا و رحمت است فرو می فرستیم (شفا از امراض معنوی و اجتماعی) و بر ستمکاران جز زیان (روحی و اجتماعی) نمی افزاید

و چون انسان را نعمت (سلامت و جاه و مال) بخشیم اعراض می کند و خود را از ما دور می سازد و چون او را شری دررسد (مانند مرض و فقر، از همه چیز) سخت نومید می شود

بگو: هر کس بر حال و هوا و ساختار نفسانی خود عمل می کند (زیرا منشأ اعمال اقتضای مزاج، یا ملکات است)، اما پروردگار شما به حال کسی که (روی شاکله صالحه) رهیافته تر است داناتر می باشد

و تو را از (حقیقت و اوصاف) روح (که مایه حیات هر جاندار است) می پرسند، بگو: روح (تولد یافته) از فرمان پروردگار من است (و دوام و زوالش نیز در هر جاندار به فرمان اوست) و شما از دانش (به ویژه علم به حقیقت روح) جز اندکی داده نشده اید

و اگر بخواهیم بی تردید آنچه را به سوی تو وحی کرده ایم (که در واقع روح جامعہ است) از بین می بریم (و صفحه فکرت خالی می ماند) آن گاه برای خود متکفل بازگرفتن آن را در مقابل ما پیدا نمی کنی

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا

۸۸

قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْحِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِۦ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا

۸۹

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

۹۰

وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا

۹۱

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّحِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا

۹۲

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِي بِلِلَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ فَبِئِلَّا

۹۳

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرِفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَن نُّؤْمِنَ لِِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزَّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرُؤُهُۥ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا

۹۴

۲۵۰۲

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَن قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا

۹۵

قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا

۹۶

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرًا بَصِيرًا

لكن (آنچه به تو داده) رحمتی است از پروردگارت (که قابل بازگرفتن نیست) زیرا که به یقین فضل او همواره بر تو بزرگ است

بگو: بی تردید اگر طائفه انس و جن اجتماع کنند تا مانند این قرآن را (از نظر لفظ و معنی) بیاورند همانند آن را نخواهند آورد هر چند یاور و پشتیبان یکدیگر باشند (زیرا انشاء کسی است که به همه اجزاء عالم احاطه وجودی و توانی و علمی دارد)

و حقا که ما در این قرآن برای مردم از هر مثالی مکرر و گوناگون بیان کردیم، اما بیشتر مردم جز انکار و کفران نخواستند

و (مشرکان پس از ناتوانی در مقابل معجزات، از روی عناد و پیشنهاد غیر معقول) گفتند: هرگز به تو ایمان نیاوریم تا آنکه از زمین (مکه) برای ما چشمه ای جوشان و پایدار بشکافی و روان سازی

یا آنکه برای تو باغی از درختان خرما و انگور باشد که در میان آنها نهرهای فراوانی جاری سازی

یا آنکه آسمان را همان گونه که گمان داری (و ما را به آن تهدید کرده ای) قطعه قطعه بر سر ما فرو اندازی، یا آنکه خدا و فرشتگان را دسته دسته رو به روی ما بیاوری

یا آنکه تو را خانه ای از طلا (و زیورهای رنگارنگ) باشد یا به سوی آسمان بالا روی. و هرگز به بالا رفتنت ایمان نمی آوریم تا بر ما نوشته ای که بتوانیم آن را بخوانیم فرود آوری. بگو: منزّه است پروردگار من (از اینکه کسی او را با فرشتگانش احضار کند و کسی این امور را بدون اراده او انجام دهد)، آیا من جز بشری فرستاده به رسالتم؟ (رسول حقّ انتخاب معجزه– هر چند به درخواست ملت– را ندارد بلکه با معجزه انتخابی خداوند دعوت می کند.

و مردم را آن گاه که هدایت (دعوت پیامبر و قرآن) بر آنها آمد چیزی از ایمان آوردنشان بازداشت جز آنکه گفتند: آیا خدا بشری را به رسالت برانگیخته است؟ (به اعتقاد آنکه باید رسول از فرشتگان باشد)

بگو: اگر در روی زمین فرشتگانی بودند که با اطمینان راه می رفتند، (خوف خدا نداشتند و نیازمند بعثت رسول بودند) حتما برای آنها از آسمان فرشته ای به رسالت فرو می فرستادیم (زیرا باید اهل زمین از سوی آسمان هدایت شوند و بین رسول و امتش مجانست باشد)

(پس از یأس از تأثیر دعوت و معجزات) بگو: همین کافی است که خداوند میان من و شما گواه است (که در روز جزا شهادت دهد من رسول او بودم و ابلاغ رسالت کردم)، زیرا که بی تردید او همواره به بندگانش آگاه و بیناست

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۖ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ
أُولِيَاءَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ
عُمِيًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا ۖ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۖ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ
سَعِيرًا

ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا
عِظْمًا وَرُفَّتًا أَعِنَّا لِمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ
عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى
الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُّورًا

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذَا لَا مُسَكَّتُمْ
خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَنُ قَتُورًا

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسَّؤَلَ بَنِي
إِسْرَءِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَمُوسَىٰ
مَسْحُورًا

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنزَلَ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَفِرْعَوْنُ مَثْبُورًا

فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَّعَهُ
جَمِيعًا

وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَءِيلَ اأَسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ
وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا

هر که را خدا هدایت نماید پس اوست هدایت یافته
(حقیقی)، و هر که را در گمراهیش رها سازد، هرگز برای
چنین کسانی جز خدا هیچ یاور و سرپرستی نخواهی یافت، و
آنها را در روز قیامت کور و لال و کر بر صورت هایشان
محشور می کنیم (بر صورت ها راه روند یا کشیده شوند)
جایگاه آنان جهنم است، هر زمان که شعله اش فرو نشست
زبانه ای بر آنها بیفزاییم

این (عذاب) کیفر آنهاست به سبب آنکه به آیات و نشانه
های ما کفر ورزیدند و گفتند: آیا آن گاه که ما مشتی
استخوان و اعضای پوسیده شدیم در صورت آفرینشی نو
برانگیخته خواهیم شد؟

آیا ندانستند آن خدایی که آسمان ها و زمین را آفریده
قادر است بر آنکه همانند (جسم دنیوی) آنها را (در آخرت)
بیافریند (و عین روح برزخی آنها را در آن وارد کند) و (نیز)
برای آنها (در زندگی دنیا و هم چنین در مکث برزخی تا روز
قیامت) مدت معینی قرار داده که هیچ تردیدی در آن
نیست؟! اما این ستمکاران از هر چیز جز انکار و کفران
سرباز زدند

بگو: اگر شما خزانه های رحمت پروردگار مرا مالک می
شدید آن گاه از بیم (تمام شدن خزائن به واسطه) انفاق
حتما امساک می کردید. و انسان همواره (روی نیاز و فقر
ذاتی خود طبعاً) بخیل است

و حقا که به موسی نه آیه و معجزه روشن (برای اثبات توحید
و نبوت او) دادیم، پس از بنی اسرائیل سؤال کن آن هنگام
را که (موسی با معجزات) به سوی آنها آمد پس فرعون (با
مشاهده معجزات به او) گفت: من تو را ای موسی بی تردید
جادو شده می پندارم

موسی گفت: حتما تو دانسته ای که این معجزات را جز
پروردگار آسمان ها و زمین فرو نفرستاده تا دلایل روشنی
باشد. و البته- ای فرعون- من تو را هلاک شده می پندارم

پس فرعون تصمیم گرفت که آنها را از زمین (مصر به تبعید
یا از روی زمین به کشتن) بیرون براند، پس ما او و کسانی
را که با او بودند همگی را غرق کردیم

و پس از او به بنی اسرائیل گفتیم: در زمین (مصر و شام)
ساکن شوید. پس چون وعده آخرت برسد همه شما را با
همدیگر (به صحنه محشر) می آوریم (و پس از محاکمه و
قضاوت جدا می سازیم)

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ ۖ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

وَقُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا

قُلْ ءَامِنُوا بِهِ ؕ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّا إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ ؕ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا

وَيَقُولُونَ سُبْحَنَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا

وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ۝

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ ۖ أَيًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۚ وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّلٰٓ ۖ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

و (این قرآن را) به حق فرو فرستادیم و به حق هم نزول یافته (صدورش از مبدأ وحی به هدف حق و وال، و نزول و بقایش نیز به حق و مصون از هر خطا و تحریف است)، و ما تو را جز مژده رسان (به گروندگان) و بیم دهنده (به منکران) نفرستادیم (نه مأمور اجرا که از وظایف امام است، و نه کفیل مجازات که از شئون خدایی است)

و ما این قرآن را متفرق و جدا جدا بر تو خواندیم (سوره سوره و آیه آیه نازل کردیم و یا بر حسب وقوع حوادث تجزیه نمودیم) تا آن را برای مردم آرام آرام و با درنگ قرائت کنی، و ما آن را به تدریج (در مدت ۲۳ سال) فرو فرستادیم

(مشرکان را) بگو: خواه به این کتاب ایمان بیاورید یا نیاورید، بی تردید کسانی که به آنها قبل از (نزول) این کتاب علم داده شده (از کتابهای آسمانی خود حقانیت این کتاب را می دانند و) هنگامی که بر آنها خوانده می شود سجده کنان به صورت درمی افتند

و می گویند: منزّه است پروردگار ما، حقّا که وعده پروردگار ما همواره انجام شدنی است

و (در پیشگاه خداوند) در حالی که می گریند به صورت درمی افتند، و (شنیدن و فهم قرآن) برای آنها بیم دل و خشوع قلب می افزاید

بگو: الله را بخوانید یا رحمان را بخوانید (اسمی را که بر ذات واجب یگانه واجد همه کمالات وضع شده، یا اسمی را که به لحاظ صفات او وضع شده) هر یک را بخوانید (اشاره بر یک ذات پاک است) زیرا برای او بهترین نام هاست (که برخی دلالت بر ذات و برخی بر صفات ذات و برخی بر صفات فعل دارد) و نمازهایت را خیلی بلند مخوان (که فریاد گفته شود) و خیلی هم آهسته مخوان (که خود نیز نشنوی) و میان این دو راهی بطلب (که نمازهای جهریه و اخفاتیه هر دو با اختلاف پیدا بودن جوهره صوت و پیدا نبودن آن در آن راه باشد، و یا آنکه همه نمازها را بلند مخوان و همه را آهسته مخوان، بلکه راهی میان این دو بجوی که برخی را به جهر و برخی را به اخفات بخوان)

و بگو: هر گونه ستایش از آن خداست خدایی که فرزندی نگرفته (زیرا مقدمات تولد فرزند و ثمرات پس از تولد در حق او محال است) و او را شریکی در سلطه و حکومت (بر عالم هستی) و مالکیت حقیقی (بر اجزای آن) نیست، و او را از روی (بیم و نیاز و) مذلت، یاور و سرپرست و دوستی نیست، و ا

۱۸ . كهف <p>اَلْكَهْفُ: غار</p>	مکی	۱۱۰ آیه	۱۲ صفحه
--	-----	---------	---------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سپاس از آن خداوندی است که این کتاب را بر بنده خود فرو فرستاد و در (الفاظ و محتوای) آن هیچ انحراف و کژی نهاد

در حالی که مستقیم و نگهبان و ناظر (بر کتاب های آسمانی گذشته و مصالح جامعه بشری آینده) است تا (کسانی را که ایمان درست یا عمل صالح ندارند) از عذاب سختی از جانب خود بیم دهد و مؤمنانی را که عمل های شایسته به جا می آورند بشارت دهد که حتما برای آنها پاداشی نیکو است

برای همیشه در آن (پاداش نیکو) ماندگارند

و بیم دهد کسانی را که گفتند خداوند فرزندی برگرفته است (مشرکان و یهود و نصاری)

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنَّ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا

۶

فَلَعَلَّكَ بَخِيعُ نَفْسِكَ عَلَىٰ عَاثِرِهِمْ إِنْ لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا

۷

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

۸

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا

۹

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ ءَايَتِنَا عَجَبًا

۱۰

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا ءَاتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا

۱۱

فَضَرَبْنَا عَلَىٰ ءَادَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا

۱۲

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا

۱۳
۲۵۳۷

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى

۱۴

وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَّدْعُوهُ مِنْ دُونِهِ ۚ إِلَٰهًا لَّقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا

۱۵

هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ۚ ءَالِهَةً ۖ لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ ۖ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

نه آنها و نه پدران آنها را علمی به این (ادعا) نیست، بزرگ سخنی است که از دهان آنان بیرون می آید (نسبت دادن شرک و تجسم و ترکیب و ازدواج و نیاز به یاور به خداوند آری) آنها جز دروغ نمی گویند

پس شاید تو می خواهی به دنبال (اعراض) آنها اگر به این سخن (این کتاب) ایمان نیاورند از شدت اندوه هلاک کننده خود باشی

البته ما آنچه را که بر روی زمین است زینت و آرایش آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از آنان در عمل نیکوترند

و به یقین ما آنچه را بر روی آن هست (روزی نابود و تبدیل به) بیابان بی آب و گیاه خواهیم کرد

آیا گمان کرده ای که (سرگذشت) یاران آن غار بزرگ و صاحبان آن لوح نوشته (که صدها سال خفتند و بیدار شدند) از آیات و نشانه های شگفت انگیز ما بود؟ (بلکه) آفریدن زینت های روی زمین و فانی کردن آنها عجیب، و میراندن جاندارها و زنده کردن آنها در قیامت عجیب تر از آن است)

(به یاد آر) آن گاه که آن جوانان در آن غار بزرگ پناه گرفتند پس گفتند: پروردگارا، از جانب خود به ما رحمتی ببخش و برای ما در کارمان هدایت و نجات فراهم ساز

پس ما در آن غار سالی چند، خوابی گران بر آنان مسلط ساختیم

سپس آنها را (از خواب) برانگیختیم تا بدانیم (و علم ازلی ما تحقق خارجی یابد) که کدام یک از آن دو گروه (مختلف) حساب مدتی را که درنگ کرده اند به تمام دارند

ما سرگذشت آنها را به حق و راستی بر تو بازگو می کنیم: همانا آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم

و دل های آنان را استوار داشتیم آن گاه که (در مقابل دیکتاتور وقت) قیام کرده گفتند: پروردگار ما، پروردگار آسمان ها و زمین است ما هرگز جز او معبودی را نخواهیم خواند که در آن صورت سخنی به تجاوز گفته ایم

این قوم ما به جای خداوند معبودهایی برگرفته اند چرا برای (اثبات الوهیت) آنها حجت و برهانی روشن نمی آورند؟ پس چه کسی ظالم تر است از آن که بر خدا دروغ بندد؟

وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْرَأَ إِلَى الْكَهْفِ
يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ
مَرَفَقًا

۱۸
کهف
۱۶
/۱۱۰

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَّوُّرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ
وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ
ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ
يُضِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا

۱۷
حزب
۱۱۸

وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ
الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ
عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُغْبًا

۱۸
۲۵۴ر

وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ
لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا
لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ
فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ
وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا

۱۹

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ
وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذَا أَبَدًا

۲۰

و (به یکدیگر گفتند) اکنون که از آنها و از آنچه به جای خدا
می پرستند کناره گرفتید، پس در این غار بزرگ جای
گزینید، تا پروردگارتان از رحمت خود برای شما بگستراند،
و در کارتارن برای شما رفق و آسایش فراهم سازد

و (چون غارشان در شمال خط استوا و دهانه آن رو به قطب
جنوبی است) خورشید را هنگامی که طلوع کند (و رو به
ارتفاع گذارد) می بینی که از (مقابل) غارشان به سمت
راست میل می کند (و نورش بر غار می تابد) و هنگامی که
غروب می کند (نورش را) از سمت چپ آنان می برد و
متماثل می شود و آنها در فضای وسیعی از آن غارند. این از
نشانه ها و معجزات خداوند است. هر که را خدا هدایت
کند او راهیافته واقعی است، و هر که را که او در
گمراهیش رها سازد پس هرگز برای او یاور و سرپرست
ارشاد کننده ای نخواهی یافت

و آنها را (به خاطر باز بودن چشمشان) گمان می کنی که
بیدارند در حالی که خفته اند، و (در حال خواب) آنها را به
جانب راست، و جانب چپ برمی گردانیم (تا لباس و بدنشان
نپوسد)، و سگشان هر دو دست خود را به آستانه غار
گسترده است، اگر بر آنها اطلاع یابی (و از نزدیک ببینی)
مسئما گریزان به آنها پشت می کنی و همه وجودت از آنان
پر از ترس می شود

و همان گونه (که به اعجاز در خوابشان کردیم دوباره) آنها
را برانگیختیم تا از یکدیگر بپرسند (و حقیقت امرشان و
سقوط دقیانوس بر آنها روشن شود). گوینده ای از آنان
گفت: چقدر (در اینجا در خواب) مانده اید؟ گفتند: یک روز
یا مقداری از روز مانده ایم (و گروهی دیگر چون موهای
بدن و ناخن ها را غیر عادی یافتند) گفتند: پروردگارتان به
مقداری که مانده اید داناتر است حال یکی از خودتان را با
این (پول) نقره به سوی شهر (شهری که از آن فرار کرده
ایم) بفرستید و باید درست بنگرد که کدام یک از (اهالی)
آنجا طعامش پاکیزه تر است تا از آن برای شما روزی
بیاورد، و البته باید ملاطفت و نرمش نشان دهد و احدی را
از حال شما آگاه نسازد

مسئما اگر آنها از حال شما مطلع شوند و به شما دست یابند
سنگسارتان می کنند یا (به هر وسیله) شما را به آیین خود
بازمی گردانند، و در این صورت هرگز رستگار نخواهید شد

وَكَذَلِكَ أَغَثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَهَرَ وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا

وَأَنذِرْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا

و همان گونه (که آنان را از خواب طولانی بیدار کردیم مردم آن دیار را) از (وضع) آنها آگاه ساختیم آن گاه که در میان خودشان در کار بعث خود نزاع داشتند، تا بدانند که وعده خدا حق است و در (آمدن) روز قیامت تردیدی نیست. پس (مشرکان آنها که از این حادثه قانع نشده بودند) گفتند: بر (اجساد) آنها بنایی بسازید (و رهانشان کنید) پروردگارشان به آنها داناتر است. (اما مؤمنان یعنی) کسانی که بر کار آنها غالب بودند گفتند: ما بر اجساد آنان مسجدی بنا خواهیم کرد (تا یادگار جاویدان آنها باشد)

به زودی (کفار قومت) می گویند: آنها سه نفرند چهارمی آنها سگشان است. و می گویند: پنج نفرند ششمی آنها سگشان است. سخن پراکنی بی دلیل! و می گویند: هفت نفرند و هشتمی آنها سگشان است. بگو: پروردگار من به شمار آنها داناتر است جز اندکی (از اهل کتاب و امت تو کسی شمار) آنها را نمی داند، پس درباره آنها جز به گفتگوی ظاهری (به مقداری که قرآن بیان کرده) مجابۀ مکن و درباره آنها از احدی از آنان نظر مخواه

و درباره هیچ چیزی مگو که من فردا حتما انجام دهنده آنم (زیرا علل تکوینی حتی اراده انسان مشروط به خواست خداوند است)

مگر آنکه (بگویی اگر) خدا بخواهد، و هر گاه (ان شاء الله گفتن را) فراموش کردی پروردگار خود را به یاد آر و بگو: امید است پروردگارم مرا به (راهی) نزدیکتر از این به رشد و صواب هدایت نماید

و (اصحاب کَهِف) در غارشان (در خوابی به مدت) سیصد (سال قمری که) سال ها (ی متمادی است) درنگ کردند و نه سال (قمری دیگر) افزودند (که سیصد سال شمسی شد)

(در مقابل کسانی که در مقدار مکث آنها اختلاف دارند) بگو: خداوند به مقداری که آنها درنگ کرده اند داناتر است، غیب آسمان ها و زمین (آنچه از حواس هر موجود زنده بیرون است) از آن اوست (اوست که احاطه علمی بر آنها دارد)، وه چه بینا و شنواست! و برای آنها جز او هیچ یاور و سرپرستی نیست، و او در حاکمیت خود (بر آسمان ها و زمین) احدی را شریک نمی سازد

و آنچه را از کتاب پروردگارت به سوی تو وحی شده تلاوت کن هرگز کلمات او را (لوح محفوظ یا قرآن و الفاظ و معانی آن را) تبدیل کننده ای نیست، و هرگز غیر او ملجأ و پناهی نخواهی یافت

وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنِ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ ۖ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ ۖ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا ۚ وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ ۚ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

أُولَٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُجَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا

وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِّنْ أَعْنَبٍ وَخَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا

كَلَّا الْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أَكْلَهَا وَلَمْ تَظْلِمِ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا

وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا

و نفس خود را همراه کسانی دار که صبحگاه و شامگاه پروردگارشان را می خوانند در حالی که پیوسته خشنودی او را می طلبند. و مباد که هر دو چشمت از آنها (به شخص دیگر و چیز دیگر) منصرف شود که زینت و آرایش زندگی دنیا را طالب باشی، و از کسی که قلب او را (به خاطر سابقه طغیانش) از یاد خود غافل کرده ایم و از هوا و هوس پیروی می کند و کارش اسراف و تجاوز (از حدود خداوند) است اطاعت مکن

و بگو: حق آن است که از جانب پروردگار شماس. پس هر کس خواست ایمان بیاورد، و هر کس نخواست کفر ورزد بی تردید ما برای ستمکاران آتشی آماده کرده ایم که سراپرده هایش بر آنها احاطه خواهد کرد، و اگر (از شدت تشنگی) فریادرسی بطلبند به وسیله آبی به فریادشان رسیده شود که مانند مس گداخته باشد (و) صورت ها را بریان کند. وه چه بد آشامیدنی و چه بد جایگاهی است

البته کسانی که ایمان آوردند و عمل های صالح کردند، بی تردید ما پاداش کسی را که عمل نیک انجام داده ضایع نخواهیم کرد

آنها را بهشت هایی جاودان است که از زیر پایشان نهرها جاری می گردد در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می شوند و لباس هایی از ابریشم سبز رنگ نازک و ضخیم می پوشند در حالی که در آنجا بر روی تخت ها تکیه زده اند. خوب پاداش و نیکو جایگاهی است

و برای آنها مثال زن دو مرد (مؤمن و کافر) را که به یکی از آنها (که کافر بود) دو باغ از درختان انگور عطا کردیم و دور تا دور هر دو (باغ) را از درخت خرما احاطه دادیم، و فاصله میان آن دو را کشتزار قرار دادیم

هر دو باغ میوه های خود را می آوردند و از آن چیزی نمی کاستند و میان آن دو (باغ) نهر آبی روان ساختیم

و آن مرد را (غیر از اینها نیز) اموال گوناگون بود، پس (از روی تکبر و غفلت از حق) به رفیقش در حالی که با او گفتگو داشت گفت: من مالم از تو بیشتر و افرادم از تو نیرومندتر است

وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِۦ ۚ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِۦ أَبَدًا

۳۶

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنَهَا مُنْقَلَبًا

۳۷

قَالَ لَهُۥ صَاحِبُهُۥ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا

۳۸

لَكِنَّا هُوَ ٱللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

۳۹

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِ ۚ إِن تَرِنَ أَنَا۟ أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا

۴۰

فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَآءِ فَيُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا

۴۱

أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَهَا غُورًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبًا

۴۲

وَأَحِيطَ بِثَمَرِهِۦ ۚ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا

۴۳

وَلَمْ تَكُن لَّهُۥ فِتْنَةٌ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا

۴۴

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ ٱلْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا

۴۵
۲۵۷۲

وَأَضْرَبَ لَهُم مَّثَلً ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا كَمَآءٍ أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَآءِ فَاخْتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ ٱلرِّيْحُ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا

و در حالی که (از نظر سوء عقیده و عمل) ستمکار به نفس خویش بود (همراه رفیقش) به باغ خویش درآمده، گفت: گمان نمی‌کنم هیچ گاه این باغ فنا پذیرد

و گمان نمی‌کنم قیامت برپا شود و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم بی‌تردید (در آن عالم) بهتر از این جای بازگشت خواهم یافت

رفیق (مؤمن) او در حالی که با وی در گفتگو بود (در ردّ انکار قیامت) به او گفت: آیا به کسی که تو را از خاک، سپس از نطفه آفریدی، آن گاه به صورت مردی کامل درآورد کفر ورزیدی؟ (انکار قیامت به اعتقاد استقلال خود و اسباب ظاهریه در مقابل خدا شرک در ربوبیت و کفر به حقّ است.

لکن من (می‌گویم) آن «الله» پروردگار من است، و احدی را شریک پروردگارم نمی‌سازم

و چرا وقتی که داخل باغ خود شدی نگفتی: هر چه خدا خواست (همان می‌شود) نیرویی جز به وسیله خدا نیست؟! اگر مرا از نظر مال و فرزند کمتر از خود می‌بینی (امر مهمی نیست)

امید است پروردگارم مرا بهتر از باغ تو (در دنیا یا در آخرت) عطا کند، و بر باغ تو تگرگ هایی (نابودکننده) از آسمان فرو ریزد تا به صورت زمین هموار بی‌گیاه و لغزنده درآید

یا آب آن (به کلی) فروکش کند، پس هرگز توان جستجوی آن را نداشته باشی

(بالآخره مورد غضب قرار گرفت) و میوه هایش نابود شد، پس چنان شد که کف دست ها را (از تأسف) بر آنچه در راه آن هزینه کرده پشت و رو می‌کرد. در حالی که دیوارهای باغ بر روی داربست تاک ها فرو ریخته بود، و (مرتب) می‌گفت: ای کاش کسی را شریک پروردگار خود نمی‌ساختم (وای بر من که از روی غفلت، خودم و اسباب ظاهری را مؤثرتر از خدا دیدم)

و او را غیر خدا گروهی نبود که یاریش دهند، و خود نیز قدرت یاری خود نداشت

در این مورد (و امثال این گرفتاری ها) مالکیت امر و یاری تنها از آن خدای به حقّ است. او از نظر پاداش بهتر و از حیث تأمین عاقبت نیکوتر است (غیر او را نه ولایت امر است، نه پاداش و نه تأمین عاقبت)

و برای آنها زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که از آسمان فرو فرستیم پس گیاهان زمین به وسیله آن (برویند و) به هم مخلوط گردند (و مناظر زیبایی پدید آید) سپس (در اندک مدتی) به حال خشکی بازگردند به طوری که بادها آنها را (به همه جا) بپراکنند. و خداوند همیشه بر همه چیز تواناست

أَلْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَالْبَاقِيَةُ الصَّالِحَةُ
خَيْرٌ ۚ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا

FV

وَيَوْمَ نُسِرُّ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا

PL

وَعَرِّضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًا لَّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ
أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا

५९

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ
وَيَقُولُونَ يَوَيْلَتَنَا مَا لِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا
كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا ۚ وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا ۚ وَلَا يَظْلِمُ
رَبُّكَ أَحَدًا

ॐ
५५५.

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ
كَانَ مِنَ الْغَافِقِينَ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ ۖ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ
أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي ۚ وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا

۵۱
حزب
۱۲۵

مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسِهِمْ
وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا

১৮

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا

۵۳

وَرءَا الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا

مال و فرزندان زیب و زیور زندگی دنیايند، و ماندگارهای نیکو (مانند اعتقادات حقّه و فضائل نفسانی و عمل های نیک) در نزد پروردگار تو از نظر پاداش بهتر، و از نظر امید (به بازتاب دنیوی و اخروی آن) نیکوتر است

و (به یاد آر) روزی که کوه ها را (از جای خود) روان سازیم
(و نابود کنیم) و (همه روی) زمین را صاف و آشکار بینی، و
آنها را (همه زنده هایی را که به مرگ در زمین فرو شده
اند) گرد آوریم و احدی از آنها را جای نگذاریم

و همگی آنها صف بسته بر پروردگار تو عرضه شوند. (به آنها گوییم) حَقّاً همان گونه که شما را نخستین بار (در دنیا تنها و تهیدست) آفریدیم (امروز) نزد ما آمدید. بلکه (در دنیا) گمان می کردید که هرگز برای شما وعده گاهی (برای حساب و جزا) قرار نمی دهیم

و آن کتاب نهاده شود (کتاب اعمال هر فردی در دستش و کتاب اعمال هر امتی در جلو چشمشان و کتاب بزرگ اعمال بشرها در دیدگاه عموم) پس گنهکاران را از آنچه در آن است هراسان خواهی دید، و می گویند: ای وای بر ما! این نوشته را چیست که هیچ (عمل) کوچک و بزرگی (از تصور و باورهای قلبی و حرکات بدنی ما) را به جای نهاده جز آنکه همه را بر شمرده است! و آنچه را (در دنیا) انجام داده اند (حساب آنها، عکس برداری آنها در جوّ صدور عمل، مجازات اخروی، آثار خاص آنها در روح و جسم خود، و تجسم و تبلور آنها را در آن عالم) حاضر خواهند یافت و پروردگارت به هیچ کس ستم نخواهد کرد

و (به یاد آر) زمانی را که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید پس همگی سجده کردند جز ابلیس که از (طایفه) جن بود (و گر نه فرشته گناه نمی کند) پس از فرمان پروردگار خود بیرون رفت. (پس) آیا او و اولاد او را به جای من دوست و یاور و سرپرست می گیرید در حالی که آنها دشمن شمايند؟! بد بدلی است برای ستمکاران آنچه به جای خدا می گیرند

من آنها (شیطان و فرزندانش) را نه در آفرینش آسمان ها حاضر کردم و نه در آفرینش خودشان (که مرا در خلقت یاری دهند و خود از حال خود آگاه شوند) و من هیچ گاه به یاری گیرنده گمراه کنندگان نبوده ام

و (یاد آور) روزی را که (خداوند به مشرکان) گوید: کسانی را که گمان داشتید شریکان من هستید (مانند بت ها، فرشتگان، برخی از انبیاء و اجده) ندا دهید (تا به فریادتان برسند) پس ندا درمی دهند اما آنها اجابتشان نمی کنند، و میان آنان و معبودهایشان مهلکه بی اعتقادی به هم و آشنی شعله ور و صحرایی سوزان و نابودکننده قرار می دهیم

و گنهکاران آتش (دوزخ) را می بینند، پس می دانند که حتما در آن وارد شدند و هیچ راه بازگشتی از آن نمی یابند

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا

۵۵

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمْ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا

۵۶

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَدِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا ءَايَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا

۵۷

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا

۵۸

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلَسَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْيلًا

۵۹

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا

۶۰
۲۶۰ر

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا

۶۱

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا

و حقا که در این قرآن از هر گونه مثلی برای مردم آوردیم، اما انسان بیش از هر چیز جدال و مخاصمه دارد

و مردم را هنگامی که به آنها هدایت (پیامبر، کتاب و معجزات) رسید چیزی مانع از این نشد که ایمان بیاورند و طلب آمرزش از پروردگار خود کنند جز (عنادشان که گویی منتظر بودند) که ستّ (جاریه خدا درباره) پیشینیان (از قبیل صیحه آسمانی، زلزله) به آنها نیز برسد (تا همگی هلاک گردند) یا آنکه عذاب رویاروی بر آنها بیاید (تا به اجبار ایمان بیاورند)

و ما فرستاده های خود را جز مژده رسان و بیم دهنده نمی فرستیم، (زیرا اجرای احکام وظیفه امام و پاداش و کیفر از شئون خداست)، و کسانی که کفر ورزیدند به باطل مجادله می کنند تا بدان وسیله حق را از بین ببرند (درخواست معجزات غیر معقول، سؤال از قیام قیامت، عدد اصحاب کهف و حقیقت روح می کنند تا قرآن و معجزات نبوت را به تشکیک از بین ببرند) و آنها آیات و نشانه های مرا و آنچه را که بدان بیم داده شده اند به مسخره گرفته اند

و چه کسی ظالم تر است از آن که به نشانه های پروردگارش تذکر داده شد سپس از آنها رویگردان شد و دستاورد پیشین خود را فراموش نمود؟! حقا که ما بر دل های آنها پوششهایی (از قساوت و شقاوت) قرار دادیم که نفهمند و در گوش های (دل) آنها سنگینی ای نهادیم، و اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی هرگز با این حال هدایت نخواهند شد

و پروردگار تو بسیار آمرزنده و صاحب رحمت است، اگر آنان (اهل شرک و کفر) را به کیفر آنچه کسب کرده اند مواخذه می کرد حتما در عذاب آنها تعجیل می نمود (لکن تعجیل نمی کند) بلکه برای آنها وعده گاهی است (روز بدر یا قیامت) که هرگز از آن راه نجات و پناهگاه نخواهند یافت

و آن مجتمعات را (قوم نوح و هود و صالح و لوط را) آن گاه که ستم کردند هلاک کردیم و (تعجیل نکردیم بلکه) برای وقت هلاکتشان موعدی قرار دادیم

و (به یاد آر) آن گاه که موسی (فرزند عمران پیامبر بنی اسرائیل) به شاگردش (یوشع فرزند نون وصیّ خودش) گفت: من از رفتن بازنایستم تا به محل تلاقی دو دریا برسم یا مدت مدیدی راه بپیمایم

پس چون به محل برخورد دو دریا رسیدند ماهی خودشان را (که برای غذا تهیه کرده بودند) فراموش کردند، پس آن ماهی (که موج دریا به آن رسیده بود، در نزد یوشع) راه خود را در دریا به سیر زیر دریایی پیش گرفت

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتْنِهِ ءَاتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبًا

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنَسْنِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا

قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ فَأَرْتَدَّا عَلَىٰ ءَاثَرِهِمَا قَصَصًا

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا ءَاتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنَ لَّدُنَّا عِلْمًا

قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ ؕ خُبْرًا

قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا ۖ قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِشُغْرِ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا

فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ ۖ قَالَ أَقْتَلْتَنَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا

پس چون (از آن محل) گذشتند (موسی) به شاگرد خود گفت: مباحنه مان را بیاور که به راستی از این سفرمان رنج بسیار دیدیم

گفت: آیا دیدی وقتی که در کنار آن سنگ جای گرفتیم من (سرگذشت) ماهی را فراموش کردم، و جز شیطان آن را فراموشم نساخت که (به تو) بازگویم، و آن ماهی راه خود را در دریا به طرز عجیبی پیش گرفت (به این جهت که زنده شد و یا آنکه به هر طرف شنا می کرد آب دریا مانند کانال بازمی ماند)

موسی گفت: آن (قضیه ماهی علامت) همان چیزی است که ما در طلبش بودیم. پس بر پی راهی که آمده بودند جستجوکنان بازگشتند

پس بنده ای از بندگان ما را (خضر نبی را) یافتند که او را از جانب خود رحمتی داده (وحی و نبوت، طول عمر، اختفاء از انظار و بی نیازی از مردم در زندگی) و او را علم لدنی و الهامی بدون واسطه آموخته بودیم (علم به اسباب و مسببات عالم تکوین که برای عالم ایجاد تکلیف می کند)

موسی به او گفت: آیا (اجازه می دهی) از تو پیروی کنم به این هدف که از آنچه از علوم راهنمای واقع، تعلیم شده ای به من بیاموزی

گفت: بی شک تو هرگز در کنار من طاقت نخواهی آورد

و چگونه طاقت آوری بر چیزی که (ظاهرش زشت و غیر عقلانی است و تو) احاطه علمی بر (باطن و مصالح واقعی) آن نداری

گفت: به زودی مرا به خواست خدا شکبیا خواهی یافت، و هیچ دستوری را از تو نافرمانی نخواهم کرد

گفت: پس اگر از من پیروی می کنی از هیچ چیز (از کارهای من ابتداء) سؤال مکن تا خودم سخنی از (باطن و حقیقت) آن را برای تو آغاز کنم

پس هر دو به راه افتادند، تا چون سوار کشتی شدند (خضر به وسیله تبری) آن را سوراخ نمود. موسی گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی تا اهل آن را غرق کنی؟! حقا که فاجعه بزرگی آفریدی

گفت: آیا به تو نگفتم که هرگز نمی توانی در کنار من طاقت آوری

گفت: مرا بر آنچه فراموش کردم (وعده عدم سؤال) مؤاخذه مکن، و مرا در کارم به مشقت و سختی وا مدار

پس هر دو به راه افتادند تا آن گاه که به نوجوانی برخوردند (خضر به مجرد برخورد با وی) او را بکشت. موسی گفت: آیا نفس بی گناهی را بدون آنکه قتلی کرده باشد کشتی؟! به یقین کاری ناروا (از نظر شرع و عقل) به جا آوردی

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

۷۶

قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَحِّبْنِي ۖ قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا

۷۷

فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلُهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ ۖ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا

۷۸

قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ ۚ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

۷۹

أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرْدَتْ أَنْ أُعْيِبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا

۸۰

وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا

۸۱

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا

۸۲

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ ۚ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ۚ ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

۸۳
۲۶۲

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ ۖ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا

(باز خضر) گفت: آیا به تو نگفتم که تو هرگز نمی توانی در کنار من طاقت آوری

گفت: اگر از این پس، چیزی از تو پرسیدم دیگر با من رفاقت مکن، زیرا به راستی در نزد من به عذر (مقبولی) رسیدی

پس هر دو به راه افتادند تا چون به اهل قریه ای رسیدند از مردم آنجا طعام طلبیدند، آنها از اینکه از آن دو پذیرایی کنند امتناع کردند، پس در آنجا دیواری یافتند که می خواست فرو ریزد (خضر به تجدید بنا یا تعمیر یا پایه زدن) آن را برپا داشت. موسی گفت: اگر می خواستی البته (می توانستی) بر این عمل مزدی بگیری

گفت: این (زمان وقت) جدایی میان من و توست، (حال) به زودی تو را از (علل غایی و مصالح) آینده آنچه نتوانستی بر آن صبر ورزی آگاه می سازم

اما آن کشتی، از آن فقرایی بود که در دریا کار می کردند، پس خواستم آن را معیوب کنم، زیرا سر راه آنها پادشاهی بود که هر کشتی (سالمی) را به غضب می گرفت

و اما آن نوجوان (کافر و سرکش بود و) پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدیم که آن دو را به طغیان (در عمل) و کفر (در اعتقاد) وادار نماید

پس خواستیم که پروردگارشان به آنها (فرزندی) بهتر از او در پاکی (روح از کفر و فسق) و نزدیکتر از او در عطوفت و مهربانی عوض دهد

و اما آن دیوار از آن دو پسر نوجوان یتیم در شهر بود و در زیر آن گنجی برای آن دو بود و پدرشان هم مردی نیکوکار بود، پس پروردگارت خواست که آن دو به حد بلوغ خود رسند، و گنج خود را بیرون آورند، به جهت رحمتی که پروردگارت به آن دو داشت، و من آن را به خواست خود نکردم. این (اسراری که برای تو بازگفتم) تأویل آن سرگذشت ها بود که نتوانستی بر آنها صبر ورزی

و از تو درباره ذو القرنین می پرسند، بگو: به زودی برای شما از وی آیاتی (از قرآن) باز خواهم خواند

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِي الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِن كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا

۸۵ فَاتَّبَعَ سَبَبًا

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ

۸۶ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا ۖ قُلْنَا يَبْذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّمَا أَن تُعَذِّبَ وَإِنَّمَا أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا

قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِۦ فَيُعَذِّبُهُۥ

۸۷ عَذَابًا نُّكَرًا

وَأَمَّا مَن ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُۥ جَزَاءٌ الْحُسْنَىٰ ۖ وَسَنَقُولُ

۸۸ لَهُۥ مِن أَمْرِنَا يُسْرًا

۸۹ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ

۹۰ نَجْعَلْ لَهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا

۹۱ كَذَٰلِكَ ۖ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا

۹۲ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا

۹۳ يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا

قَالُوا يَبْذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي

۹۴ الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُم سَدًّا

قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ

۹۵ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا

ءَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ

۹۶ أَنْفُخُوا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا

۹۷ فَمَا أَسْطَعُوهَا أَن يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَعُوا لَهُۥ نَقْبًا

همانا ما او را در روی زمین قدرت دادیم و از هر چیزی (که اراده می کرد) اسباب و وسایلی (مانند دانش و توان و امکانات) در اختیار او نهادیم

او هم راه و سببی را (به سوی مغرب زمین) دنبال کرد

تا چون به مغرب خورشید رسید (که شاید غرب افریقا ساحل اقیانوس بوده) خورشید را دریافت که (گویى) در چشمه ای گرم و گل آلود فرو می رود، و در آنجا گروهی (از کفار) را یافت. گفتیم: ای ذو القرنین (در کار آنان مختاری) یا عذاب می کنی و یا در حقشان راهی نیکو پیش می گیری

گفت: اما کسی که ستم (به خویش) کرده (و در کفر و شرک باقی ماند) به زودی او را (به کشتن) عذاب کنیم، سپس به سوی پروردگار خود بازگردانده می شود پس او را عذابی می کند که مثلش دیده نشده است

و اما کسی که ایمان آورد و عملی شایسته کند، برای او پاداشی بسیار نیک است و به زودی از اوامر خود سخن آسانی به او می گوئیم (کارهای آسانی به او دستور می دهیم)

سپس (به سوی مشرق زمین) راه و سببی را دنبال کرد

تا چون به محل طلوع خورشید (آخرین نقطه مسکونی مشرق زمین) رسید، خورشید را دید که بر قومی طلوع می کند که برای آنها در مقابل آن پوششی قرار نداده بودیم (استعداد تهیه لباس و کاشتن درخت و ساختن سایه بان و یا امکانات آن را به آنها نداده بودیم)

(آری) این گونه بود (سرگذشت ذو القرنین و مکان ها و ملت ها) و ما بی تردید (از ازل) به آنچه در پیش داشت احاطه علمی داشتیم

سپس (به قصد سفر به طرف شمال زمین) سببی را دنبال نمود

تا چون به میان دو سد رسید، در پایین (یا جلو و نزدیک) آنها گروهی را یافت که (از کوتاه فکری یا اختلاف زبان) هیچ حرفی نمی فهمیدند

آنها (به هر وسیله که شده) گفتند: ای ذو القرنین، همانا (دو طائفه) یاجوج و ماجوج (که از نسل یافت فرزند نوح اند) در این سرزمین فساد می کنند (ما را می کشند و هستی ما را به غارت می برند)، آیا برای تو هزینه ای (دستمزدی) قرار بدهیم تا میان ما و آنها سدّی بسازی

گفت: آنچه خدا برای من توان و تسلط بر آن را داده (از قدرت نقشه کشی و معماری و تهیه وسائل، از کمک مالی شما) بهتر است، پس مرا به نیرو (ی کار) یاری کنید تا میان شما و آنان سدّی عظیم بسازم

برای من پاره های بزرگ آهن بیاورید. تا آن گاه که میان دو کوه را (با چیدن قطعه های آهن) مساوی کرد (ارتفاع اسکلت دیوار آهنین با سر کوه ها مساوی شد)، گفت: (میان آهن ها مواد سوختی ریخته با کوره های بزرگ) بدمید. تا چون همه را (گداخته مانند) آتش نمود گفت: برای من مس گداخته بیاورید تا بر (منافذ) آن فرو ریزم

پس (قوم یاجوج و ماجوج) دیگر نتوانستند به بالای آن روند و نتوانستند در آن رخنه ای ایجاد کنند

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ ۚ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ ۚ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِّن دُونِ أَوْلِيَآءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِّلْكَافِرِينَ نَزْلًا

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا

الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَآئِهِۦ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَزَنًا

ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا ءَايَتِي وَرُسُلِي هُزُورًا

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزْلًا

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا

قُلْ لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِۦ مَدَدًا

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَٰهُ وَاحِدٌ ۖ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِۦ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدًا

گفت: این (عمل) رحمتی است از جانب پروردگار من (تا آن گاه که وعده پروردگارم فرا رسد)، پس چون وعده پروردگارم (که حادثه ای است مربوط به خرابی آن یا قیام رستاخیز) فرا رسد آن را درهم کوبد و خرد کند، و وعده پروردگار من همیشه حق و ثابت است

و در آن روز (که سد فرو ریزد و پایان جهان نزدیک شود و علانمی از نفخه اول صور ظاهر گردد) آنها را (یاجوج و ماجوج یا همه مردم دنیا را به حال خود) رها کنیم تا در یکدیگر (مخلوط گردند و همانند دریا) موج زنند (و هرج و مرجی بر بشر حاکم شود)، و (چون قیامت فرا رسد نفخه دوم) در صور دمیده گردد پس همه آنها را به طرزی عجیب گرد آوریم (ذرات جسد‌هایشان را از میان خاک جمع کرده مجسم سازیم و ارواح برزخی شان را در آنها وارد کنیم و در صحنه محشر حاضر نماییم)

و جهنم را در آن روز بر کافران به طور آشکار و وحشت زا عرضه بداریم

همانهایی که دیدگان دلشان در پوششی از یاد من بود و نمی توانستند (سخنان مرا) بشنوند

پس آیا کسانی که کفر ورزیدند، گمان کرده اند که (اگر) بندگان من (مانند فرشتگان و عیسی و غیر آنها) را به جای من یاران و سرپرستان خود گیرند (آنها را سود می بخشد؟ هرگز!) بی تردید ما جهنم را برای پذیرایی کافران آماده کرده ایم

بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم در عمل ها (ی دنیوییشان) خبر دهیم

آنها کسانی هستند که سعیشان در زندگی دنیا (در هر امر خیری به خاطر کفرشان) تباه و گم شده است، و خود گمان می کنند که کار نیکی انجام می دهند

آنهايند کسانی که به آیات (توحید) پروردگارشان و به ملاقات او (در روز واپسین) کفر ورزیدند، پس عمل های آنها (به خاطر کفرشان) حبط و باطل گردید و در نتیجه برای آنها در روز قیامت ارزشی نمی نهیم و میزانی برای سنجش اعمالشان برپا نمی کنیم

مطلب همین است که کیفر آنها جهنم است، زیرا کفر ورزیدند و نشانه های توحید و فرستادگان مرا به مسخره گرفتند

حقا کسانی که ایمان آوردند و عمل های شایسته انجام دادند، باغ های فردوس نخستین پذیرایی ورودی آنهاست

آنها در آنجا جاودانه بوده، هیچ گاه تغییر و تحول از آنجا را نمی طلبند

بگو: اگر دریا برای (نوشتن) سخنان پروردگار من (که مجموع کاینات و موجودات است) مرکب شود بی تردید به پایان رسد پیش از آنکه سخنان پروردگارم پایان یابد هر چند (دریای دیگری) نظیر آن را کمک بیاوریم

بگو: جز این نیست که من هم مانند شما بشرم (لکن) به من وحی می شود که بی تردید معبود شما معبودی یگانه است.

پس هر که امید دیدا

۱
۲۶۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
كَهَيَّصَ

۲

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكْرِیَّا

۳

إِذْ نَادَى رَبَّهُ وَنِدَاءً خَفِیًّا

۴

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ
أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِیًّا

۵

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوْلَىٰ مِنْ وَرَآءِی وَكَانَتِ امْرَأَتِی عَاقِرًا فَهَبْ
لِی مِنْ لَّدُنْكَ وَلِیًّا

۶

یَرِثُنِی وَیَرِثُ مِنْ عَآلِ یَعْقُوبَ ۖ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِیًّا

۷

یَزَكِّرِیَّا إِنَّآ نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ أَصْمُهُ یَحِیْ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ
قَبْلُ سَمِیًّا

۸

قَالَ رَبِّ أُنِّی یَكُونُ لِی غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِی عَاقِرًا وَقَدْ
بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِیًّا

۹

قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَی هَیْئٍ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ
وَلَمْ تَكُ شَیْئًا

۱۰

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّی ءَایَةً ۖ قَالَ ءَایَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمُ النَّاسَ
تِلْكَ لَیَالٍ سَوِیًّا

۱۱

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَیْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا
بُكْرَةً وَعَشِیًّا

کاف، ها، یا، عین، صاد. من کفایت کننده، هدایت گر، ولیّ
امر، عالم و صادق الوعد هستم. این حروف رمزهایی میان
خدا و رسول اوست. این کتاب مرکب از همین حروف است
لکن کسی توان آوردن نظیر آن را ندارد. این کتاب دارای
محکّمات و این گونه متشابهات است

(در این سوره) یاد رحمت پروردگار تو از بنده اش
زکریاست

آن گاه که با آوای پنهانی پروردگار خود را ندا کرد

گفت: پروردگارا، همانا استخوان از (بدن) من سست شده و
(موی) سر هم از (سپیدی) پیری می درخشد و هرگز در
دعایم از تو– ای پروردگارم– محروم نبوده ام یا هرگز در
دعوت و امرت– خدایا– نافرمان نبوده ام

و من از عموزادگانم پس از خویش بیم دارم (که جانشینانی
بد باشند) و همسرم از ابتدا نازا بوده، پس مرا از جانب
خویش فرزند ارث بری عطا کن

که از من و از اولاد یعقوب ارث برد، و ای پروردگار من، او
را (از نظر کمالات معنوی) پسندیده قرار ده

(خطاب کردیم) ای زکریا، ما تو را به پسری که نامش یحیی
است مژده می دهیم، که برای او پیش از این همانمی (یا
نظیری در کمالات خاص انسانی) قرار نداده ایم

گفت: پروردگارا، چگونه برای من فرزندی خواهد بود در
حالی که زن من از ابتدا نازا بوده و خودم هم از پیری به
فرتوتی رسیده ام

(فرشته وحی) گفت همین گونه است (لکن) پروردگارت
گفته: این کار بر من آسان است، و همانا تو را پیش از این
آفریدم در حالی که چیزی نبودی

گفت: پروردگارا، برای من نشانه ای (از تحقق این بشارت)
قرار ده. گفت: نشانه ات آنکه تتوانی سه شب (و روز
متوالی) در حالی که سالم هستی با مردم سخن بگویی
(زبانت با خدا باز و با مردم بسته باشد)

پس از محراب بر قوم خود بیرون آمد و به آنها اشاره نمود
که بامداد و شبانگاه تسبیح کنید (یا نماز بخوانید، و آنها از
این اشاره فهمیدند که وعده فرزند نزدیک شده)

يٰٓيَحْيٰى خُذِ الْكِتٰبَ بِقُوَّةٍ ۚ وَءَاتَيْنٰهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا

۱۳

وَحٰنَا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكُوَّةٌ ۖ وَكَانَ تَقِيًّا

۱۴

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا

۱۵

وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا

۱۶

۲۶۵۲

وَاذْكُرْ فِى الْكِتٰبِ مَرْيَمَ اِذْ اُنْتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا

۱۷

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا ۚ فَأَرْسَلْنَا اِلَيْهَا رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا

۱۸

قَالَتْ اِنِّىۡ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا

۱۹

قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَسُوْلُ رَبِّكَ لِاَهْبَ لَكَ غُلَمًا زَكِيًّا

۲۰

قَالَتْ اُنِّىۡ يَكُوْنُ لِىْ غُلَمٌ وَلَمْ يَمَسُّنِىۡۤ اَبْسَرٌ وَّلَمْ اَكُۢ بَغِيًّا

۲۱

قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلٰى هٰٓىٔٓ وَلِتَجْعَلَهُۥۤ اٰیَةًۭ لِلنَّاسِ وَرَحْمَةًۭ مِّنَّا وَكَانَ اَمْرًا مَّقْضٰیًّا

۲۲

حزب

۱۲۳

فَحَمَلَتْهُۤ فَانْتَبَذَتْۢ بِهٖۤ مَكَانًا قَصِيًّا

۲۳

فَاجَاۡءَهَا الْمَخَاضُ اِلٰى جِذْعِ النَّخْلَةِۚ قَالَتْ يَلٰٓئِتَنِىۡ مِثُّ قَبْلَ هٰذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّنْسِيًّا

۲۴

فَنَادٰۤىهَا مِنْ تَحْتِهَاۤ اَلَا تَحْزَنِىۡۤ قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا

۲۵

وَهٰۤىرِىۡ اِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلٰىكَ رُطْبًا جَنِيًّا

(پس یحیی را به وی عطا کردیم و به او گفتیم) ای یحیی، کتاب (تورات یا همه کتاب های آسمانی گذشته) را به قوت (و نیروی فهم معانی آن) بگیر و ما او را در حال کودکی حکمت (و درک معارف الهی و نبوت) عطا کردیم

و (نیز او را) عطوفت و مهربانی دل از جانب خود، و نموّ و رشد روحی و پاکی عطا کردیم، و او پرهیزکار (از هر لغو و باطل در محدوده سنّ خود) بود

و نیز نیکوکار به پدر و مادر بود و هرگز متکبر و گردنکش و نافرمان نبود

و سلام و ایمنی (از هر ترس و عذاب) بر او باد روزی که زاده شد، و روزی که می میرد و روزی که زنده برانگیخته می شود

و در این کتاب از مریم یاد کن هنگامی که از کسان خود در مکانی از شرق (بیت المقدس یا خانه خود) کناره گیری کرد

پس در برابر آنها برای خود پرده ای قرار داد (که خلوتگه راز سازد و به عبادت حق پردازد). پس ما روح (الامین) خود را به سوی او فرستادیم که برای او به صورت بشری تمام عیار درآمد

مریم گفت: همانا من از تو به خدای رحمان پناه می برم اگر پرهیزگاری

گفت: جز این نیست که من فرستاده پروردگار تو هستم تا تو را (همین حال) پسری پاکیزه ببخشم

گفت: چگونه مرا پسری باشد با آنکه بشری به من دست نزده و هرگز بدکاره هم نبوده ام

گفت: همین طور است، پروردگارت گفته: این کار بر من آسان است، (می خواهیم تا مصالحی را تحقق بخشیم) و تا او را نشانه ای (از قدرت خود) برای مردم و رحمتی از جانب خود قرار دهیم، و (این ابداع در خلقت) امری است که (در لوح محفوظ) دستور قطعی آن صادر گردیده است

(فرشته روح در مریم بدمید) پس او (به ناگاه) به عیسی باردار گردید، پس با حمل خویش خود را به مکان دوردستی کنار کشید

پس درد زاییدن او را قهرا به سوی تنه خشک درخت خرما کشانید، (از ناراحتی درد و بیم رسوایی) گفت: ای کاش قبل از این می مردم و به کلی فراموش می شدم

پس (به ناگاه فرزندش) از زیر (پای) او ندا داد که اندوه مخور، همانا خداوند در زیر پایت جویی روان و (فرزندى بزرگوار) قرار داده است

و درخت خرما را به سوی خویش حرکت ده تا برای تو خرمای تازه چیده فرو ریزد

فَكُلِيْ وَاشْرَبِيْ وَقَرِّيْ عَيْنًا ۖ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِيْ إِنَّيْ نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ ۚ قَالُوا يَمْرِئٌمُ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا

يَأْتُحَتَّ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوِيًّا وَمَا كَانَتْ أُمَّكَ بَغِيًّا

فَأُشَارَتْ إِلَيْهِ ۖ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْأَمْهِدِ صَبِيًّا

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَنِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ۖ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ ۚ سُبْحَنَهُ ۚ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۖ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

پس (از آن میوه) بخور و (از آن چشمه) بیاشام و چشم (به مولود جدید) روشن دار، و اگر از مردم کسی را دیدی (با اشاره) بگو: همانا من برای خدای رحمان نذر روزه (سکوت) کرده ام، پس هرگز امروز با انسانی سخن نخواهم گفت

پس او را در حالی که در آغوش گرفته بود به سوی قوم خود آورد، گفتند: ای مریم، حقا که تو کار عجیب و ناپسندی به جا آوردی

ای خواهر هارون، نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت بدکاره بود

پس اشاره کرد به سوی آن (کودک که از او پپرسید)، گفتند: چگونه با کسی که کودکی خرد در گهواره است سخن بگوییم؟

(آن نوزاد به زبان آمد و) گفت: حقا که من بنده خدایم، مرا (در این حال) کتاب (انجیل) داده و (در این سن) پیامبر قرار داده است

و مرا هر کجا که باشم وجود پریبرکتی ساخته، و تا زنده هستم به نماز و زکات سفارش کرده است

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و متکبر و نافرمان و محروم از رحمت قرار نداده است

و سلام و درود باد بر من روزی که زاده شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده برانگیخته می شوم

این (انسانی که ولادت و اوصافش گفته شد) عیسی پسر مریم است (همان) گفتار حقی که در آن تردید می کنند (یهود ساحرش می خوانند و نصاری فرزند خدایش می دانند)

خدا را نسزد (و عقلا محال باشد و شرعا نشاید) که فرزندی بگیرد، منزّه است (از نیاز به همسر و فرزند، زیرا) چون کاری را اراده حتمی کند همین که به او گوید: باش، می باشد

(عیسی گفت) و به یقین خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را پرستش کنید، این راه راست است

پس گروه ها از میان آنان (نصاری، درباره وی) اختلاف کردند (برخی گفتند او خداست، و برخی گفتند او فرزند خداست). پس وای به حال کسانی که (به غلو درباره وی) کفر ورزیدند از حضور در روزی بزرگ

اینان در روزی که نزد ما می آیند چه شنوا و چه بینا خواهند بود! لکن ستمکاران امروز در گمراهی آشکارند، و در آن روز نیز در گمراهی خواهند بود (زیرا ایمان قهری سودی به حالشان نخواهد داشت)

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

۴۵

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ

۴۱
۲۶۶۲

وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا

۴۲

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

۴۳

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

۴۴

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

۴۵

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

۴۶

قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ ءَالِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا

۴۷

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا

۴۸

وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا

۴۹

فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُوَ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۖ كُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا

۵۰

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

۵۱
۲۶۷۲

وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا

و آنها را از روز حسرت (فراگیر که بدان حسرت گناه و نیکان حسرت کمی طاعت خواهند داشت) بیم ده، آن گاه که کار (حساب و قضاوت) تمام شود ولی آنها در غفلت اند و ایمان نمی آورند

بی تردید ما خودمان، زمین و کسانی را که بر روی آن هستند به ارث می بریم (اهل آن را فانی می کنیم و خود باقی می مانیم) و همه در روز قیامت به سوی ما بازگردانده می شوند

و در این کتاب از ابراهیم یاد کن که او بسیار راستگو و پیامبر (خدا) بود

آن گاه که به پدر خود (به عموی خود آزر که سرپرست او بود) گفت: ای پدر، چرا چیزی را که نمی شنود و نمی بیند و هیچ آسیبی را از تو دفع نمی کند (بت ها را) می پرستی؟

ای پدر من، بی تردید برای من دانشی (از جانب حق) آمده که تو را نیامده، پس از من پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت کنم

ای پدر من، شیطان را (با اطاعت از او) پرستش مکن، زیرا شیطان، خدای رحمان را همواره نافرمان است

ای پدر من، همانا بیم دارم که تو را عذابی از جانب خدای رحمان رسد و در نتیجه دوست و یاور شیطان شوی (در دنیا مورد لعن و در آخرت قرین آتش او گردی)

گفت: ای ابراهیم آیا تو از معبودهای من رویگردانی؟! اگر (از این سخنان) بازنایستی حتما تو را سنگسار می کنم و (حال) از من برای مدتی طولانی دور شو

(ابراهیم تهدید او را به نرمی پاسخ داده) گفت: درود بر تو، من به زودی برای تو از پروردگار خود آمرزش می طلبم، زیرا او همواره در حقّ من مهربان و بسیار نیکوکار است

و من از شما و از آنچه به جای خدا می خوانید کناره می گیرم، و پروردگار خود را می خوانم، امید آنکه در خواندن پروردگارم محروم نباشم (یا به شقاوت نرسم چنان که شما با خواندن بت ها به شقاوت می رسید)

پس چون از آنها و از آنچه آنها به جای خدا می پرستیدند کناره گیری کرد (و به سوی شام رفت) به او (فرزندش) اسحاق و (نوه اش) یعقوب را (که ریشه اصلی پیامبران بنی اسرائیل اند) عطا کردیم و هر یک را پیامبر قرار دادیم

و به همه آنها از رحمت خویش (نعمت های دیگری مانند کتاب آسمانی و اولاد و اموال نیز) عطا کردیم و برای آنان ذکر خیر راستین و والایی (در میان اهل همه شرایع) قرار دادیم

و در این کتاب از موسی یاد کن، که او (به وسیله تربیت خاصّ ربوبی) اخلاص یافته و برگزیده خدا و فرستاده (حق) و پیام آور (برای خلق) بود

وَنَدَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا

۵۳

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا

۵۴

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

۵۵

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا

۵۶

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا

۵۷

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا

۵۸

سجده
مستحب

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَءِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ۝

۵۹

حزب
۱۲۴

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ ۖ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا

۶۰

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا

۶۱

جَنَّتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا

۶۲

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا

۶۳

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا

۶۴

وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ ۖ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ ۖ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا

و او را از جانب راست (کوه) طور ندا کردیم و او را مقرب خود نمودیم که با ما مناجات کرد و با او مناجات کردیم

و به او از رحمت خویش برادرش هارون پیامبر را عطا کردیم

و در این کتاب از اسماعیل یاد کن، که او در وعده هایش راستگو و فرستاده (خدا و) پیام آور (خلق) بود

و همواره خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد، و نزد پروردگارش پسندیده بود

و در این کتاب از ادريس (جد دوم نوح) یاد کن، که او بسیار راستگو و پیامبر بود

و ما او را به مکانت و منزلت والایی ارتقا دادیم (و به آسمان بالا بردیم)

اینان (این انبیاء ده گانه و مریم) کسانی هستند از پیامبران که خداوند به آنها نعمت (نبوت، دین و کتاب آسمانی) عطا کرده، (پیامبرانی) از اولاد آدم، و از (نسل) کسانی (از اولاد نوح) که آنها را همراه نوح به کشتی نشانديم (مانند غیر ادريس) و از اولاد ابراهیم و اسرائیل (مانند انبیاء بنی اسرائیل و مریم) و (آنها عبارت اند) از کسانی که آنها را هدایت کردیم و برگزیدیم، هنگامی که آیات خدای رحمان (آیات کتاب های آسمانی یا نشانه های توحید و عظمت او) بر آنها خوانده می شد گریان و سجده کنان بر رو درمی افتادند

سپس در پی آنها جانشینانی آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوت های (نفس) پیروی کردند، پس به زودی (سزا و کیفر) گمراهی خود را خواهند دید

مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عملی شایسته انجام دهند، که آنها وارد بهشت می شوند و هیچ گونه ستمی نمی بینند (و چیزی از استحقاقشان کاسته نمی شود)

باغ های جاودانی که خدای رحمان به بندگانش ناپیدا از نظرشان (و خارج از اختیارشان) وعده داده، و بی تردید وعده او آمدنی است

در آنجا جز سلام و درود (از فرشتگان و از یکدیگر) هرگز کلامی لغو و باطل نمی شنوند و برای آنها در آنجا روزیشان بامداد و شبانگاه (مهیّا) است

این همان بهشتی است که به هر کس از بندگان خود که پرهیزکار باشد به ارث خواهیم داد

(مدتی فرشته وحی تأخیر کرد پیامبر عَلت را پرسید، گفت) ما (برای آوردن وحی تدریجی بر پیامبران) جز به فرمان پروردگارت فرود نمی آییم کارهای آینده و گذشته ما و حال حاضر میان آن دو (و نیز زمان ها و مکان های پیش رو و پشت سر ما و میان آن دو) همه از آن خداوند است (برای او گذشته و حال و آینده یکسان است و تأخیر طبق مصلحت است) و هیچ گاه پروردگارت فراموشکار نیست

رَّبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا

وَيَقُولُ الْإِنْسَنُ أَإِذَا مَا مِثُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا

أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَنُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكْ شَيْئًا

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أُولَىٰ بِهَا صِلِيًّا

وَإِنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَرِعِيًّا

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرُّ مَكَانًا وَأُضْعِفُ جُنْدًا

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَتُ الصَّلِحَتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا

همان پروردگار (و مالک و مدبّر امور) آسمان ها و زمین و آنچه در میان آن دو است، پس او را پرستش کن و بر عبادتش شکیبایی نما آیا همنامی برای او می دانی (که او نیز ربّ السموات و الأرض و الله و واجب الوجود باشد)

و انسان (منکر معاد) پیوسته می گوید: آیا هنگامی که من مردم حتما در آینده نزدیک (از زیر خاک) زنده بیرون آورده می شوم؟

آیا (این) انسان به یاد نمی آورد که همانا ما او را پیش از این آفریدیم در حالی که چیزی نبود

پس سوگند به پروردگارت که بی تردید آنها را با شیطان ها (در صحنه محشر) گرد می آوریم سپس آنها را گروه گروه دور دوزخ در حالی که (از شدت عذاب) به زانو درافتاده اند حاضر خواهیم نمود

سپس از هر ملت و گروهی آنهایی را که نافرمانی و تمرّدشان بر خدای رحمان بیشتر بوده است (نظیر رؤساء جور، علماء سوء، مترفین فاسق) بیرون می کشیم

آن گاه ما به حال کسانی که به چشیدن عذاب دوزخ و سوختن در آن سزاوارترند (از نظر علت استحقاق و کیفیت آن) داناتریم

و از شما (انسان ها) احدی نیست جز آنکه مشرف به ورود در دوزخ شده و یا وارد در آن خواهد شد، این کار بر پروردگار تو حتمی و (طبق اراده ازلی او) مقطوع است

سپس کسانی را که (در اعتقاد و عمل) تقوا ورزیده اند (از درافتادن یا پس از وارد شدن) نجات می دهیم و ستمکاران را در حالی که (از شدت عذاب) به زانو درافتاده اند در آنجا رها می کنیم

و چون نشانه های آشکار (توحید) و آیات روشن (کتاب) ما بر آنها خوانده شود کسانی که کفر ورزیده اند، به آنها که ایمان آورده اند (در مقام مفاخره) گویند: کدام یک از (ما) دو فرقه از نظر جاه و مقام و جا و مکان بهتر، و از نظر فضل و کرم و شکوه مجلس نیکوتریم؟

و چه بسیار از مردم زمان ها را پیش از اینان هلاک کردیم که در متاع و اثاث (زندگی) و شکوه و زیبایی مناظر بهتر از اینها بودند

بگو: کسی که در گمراهی به سر می برد بر خدای رحمان است که او را تا مدتی یاری و مهلت دهد (تا ضلالت و شقاوت خود را کامل کند) تا وقتی که آنچه را وعده داده می شدند که یا عذاب (ناگهانی دنیا) و یا رسیدن قیامت است دیدند، خواهند فهمید که چه کسی جایگاهش بدتر و سپاهش ناتوان تر است

و خداوند بر هدایت کسانی که هدایت یافته اند می افزاید، و ماندگارهای شایسته (عقاید حقّه و فضائل نفسانی و عمل های صالح) نزد پروردگارت از نظر پاداش (اخروی) و از نظر عاقبت بهتر است

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا

۷۸ أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ أَخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

۷۹ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا

۸۰ وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا

۸۱ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا

۸۲ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا

۸۳ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْزُهُمْ أَزًّا

۲۶۹ر

۸۴ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا

۸۵ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا

۸۶ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرْدًا

۸۷ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ إِلَّا مَنِ اخْتَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

۸۸ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا

۸۹ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا

۹۰ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا

۹۱ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا

۹۲ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا

۹۳ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا

۹۴ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا

۹۵ وَكُلُّهُمْ عَاتِيهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَرْدًا

پس آیا دیدی کسی را که به نشانه ها (ی توحید) و آیات (کتاب) ما کفر ورزید و گفت: مسلماً (به واسطه اختیار شرک در دنیا مال و فرزند فراوانی می یابم، و اگر آخرتی باشد در آنجا نیز) مال و فرزند داده خواهم شد؟

آیا او بر غیب (آینده دنیا یا نهان عالم آخرت) اطلاع یافته یا در نزد خداوند پیمانی گرفته (که چنین دل خوش کرده است)؟

چنین نیست، به زودی آنچه را می گوید می نویسیم (یا آنچه را نوشته ایم به او ارائه می کنیم و یا در حَقش اجرا می نماییم) و عذاب (آخرت) را برای او به طور نامتناهی دراز می گردانیم

و آنچه را می گوید (سخن شرک او را یا مال و فرزندى که از آنها سخن می گوید) به ارث می بریم و (در روز واپسین) نزد ما تنها خواهد آمد

و آنها به جای خداوند معبودهایی برگرفتند تا برای آنها وسیله قدرت و غلبه باشند

چنین نیست، به زودی آن خدایان پرستش آنها را انکار خواهند کرد و ضِدّ و دشمن آنها خواهند گردید و مشرکان نیز پرستش بت ها را انکار کرده با آنها دشمن خواهند شد

آیا (به چشم دل) ندیدی که ما شیطان ها را بر سر کافران فرستادیم تا آنها را (به صوت اغوای خود همانند رمه حیوانات) از جاهایشان (به سوی گناه و فساد) به شدت برانگیزند؟

پس بر (شکست و نابودی) آنها شتاب مکن، جز این نیست که ما درباره آنها به دقت لحظه شماری می کنیم (عمل ها و روزها و نفس هایشان را می شماریم تا وقت عذابشان برسد)

(به یاد آر) روزی که پرهیزکاران را (از صحرای محشر) به صورت سوارگانی (بر ناقه های نور) به سوی خدای رحمان گرد می آوریم

و گنهکاران را (همانند حیوانات) تشنه به سوی جهنم می رانیم

(در آن روز مردم) توان شفاعت کردن ندارند مگر کسی (همانند انبیاء و اولیاء و فرشتگان) که از نزد خدای رحمان پیمانی گرفته باشد و نیز مردم حَقّ شفاعت شدن ندارند مگر کسی که (به واسطه صحت اصول عقایدش) پیمانی برای استحقاق شفاعت گرفته باشد

و (برخی از نصاری و بت پرستان) گفتند: خدای رحمان فرزندی (واجب الوجود جدا شده از جوهره ذات والد و متمصف به همه صفات او) گرفته است

حقّا که امری سخت زشت و ناروا مرتکب شدید

نزدیک است از (شدت) آن آسمان ها شکاف ها بردارند و زمین بشکافد و کوه ها (بر سطح زمین) فرو ریزند

از این که برای خدای رحمان فرزندی قائل شدند

و خدای رحمان را سزاوار نیست (و بر وفق عقول و طبق شرایع ممکن نیست) که فرزندی گیرد

همه کسانی که در آسمان ها و زمین اند جز این نیست که (تکویناً) در برابر خدای رحمان سر بندگی فرود آرند

بی تردید همه آنها را تا عدد آخر به طرزی خاص (توأم با تعیین مدت بقا، مقدار و تکامل، نیازهای وجودی، و زمان زندگی) به شمار آورده است

و همه آنها در روز قیامت تنها (و بدون تسلط بر شخصی و مالی همانند روز ولادتشان) به نزد او خواهند آمد

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِشُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا

۲۰. طه	طه: طه	مکی	۱۳۵ آیه	۱۰ صفحه
--------	--------	-----	---------	---------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
طه

مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْءَانَ لِتَشْقَىٰ

إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ

تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَىٰ

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ

وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَىٰ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ

إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى الْنَارِ هُدًى

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَمُوسَىٰ

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

همانا کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند، به زودی خدای رحمان برای آنها دوستی و محبتی (در دل های فرشتگان و مؤمنان در دنیا و آخرت) قرار می دهد

پس جز این نیست که این (قرآن) را (به واسطه تنظیم آن در ملا اعلی به زبان عربی) به زبان تو آسان کردیم تا پرهیزکاران را بشارت دهی و دشمنانی ستیزه جو را بیم رسانی

و چه بسیار از مردم زمان ها که پیش از آنان هلاک کردیم، آیا هیچ یک از آنها را احساس می کنی، یا از آنها صدایی می شنوی

طا، ها. من پاک و منزّه و هدایتگرَم. (ای محمّد) ای مرد بزرگ پاکدل و راهنما، هر دو پای را (هنگام نماز) بر زمین نه

ما قرآن را بر تو فرستادیم تا (در راه اجرای آن، یا با تأسف بر عدم پذیرش آن، یا با انجام عبادت های طاقت فرسا) به زحمت و رنج افتی

لکن (آن را فرستادیم) برای آنکه یادآوری باشد برای هر کسی که می ترسد (طبق فطرت توحیدی استعداد ترس از مبدأ و معاد دارد)

(این قرآن) فرو فرستاده شده، از جانب کسی که زمین و آسمان های بلند را آفریده

خدای رحمان بر تخت (مالکیت و حاکمیت بر اجزاء عالم هستی) قرار گرفته

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین و آنچه در میان آنها و آنچه در زیر خاک (و داخل کره زمین) است از آن اوست (خلقت و حفظ و تدبیر و فانی کردن همه در تحت اراده و قدرت اوست)

و اگر گفتار خود را آشکار کنی (نیازی بدان نیست) زیرا او پنهان و پنهان تر را می داند (پنهان گفتگوی نهانی است، و پنهان تر تصور قلبی یا آنچه به قلب هم نیاید)

خدای یکتا، معبودی جز او نیست، نیکوترین نام ها از آن اوست (نام هایی که به غیر او اطلاق نمی شود مانند واجب الوجود، قدیم و ازلی، یا با قیود اطلاق می شود مانند حی، عالم و قادر)

و آیا سرگذشت موسی به تو رسیده است

آن گاه که (در سفر از مدین به مصر نزد وادی طوی راه گم کرده بود) آتشی دید، پس به خانواده اش گفت: شما درنگ کنید همانا من آتشی دیدم، شاید شعله ای از آن را برای شما بیاورم یا بر سر آتش راهنمایی بیابم

پس چون به آتش رسید ندا داده شد: ای موسی

همانا این منم پروردگار تو، پس نعلین خود (از پای) برکن، زیرا تو در وادی مقدس طوی هستی (و جایگاه مقدس را با کفش آمدن نشاید)

وَأَنَا أَخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ

و من تو را (به رسالت و امامت) برگزیدم، پس به آنچه وحی می‌شود گوش فرا دار

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

به یقین این منم خدای یکتا که جز من معبودی نیست، پس مرا پرستش کن و نماز را به یاد من برپا دار

إِنَّ السَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ

بی‌تردید روز قیامت آمدنی است، می‌خواهم (زمان) آن را پنهان دارم تا (در آن روز) هر نفسی در برابر آنچه می‌کوشد جزا داده‌شود

فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ

پس هرگز کسی که بدان ایمان نمی‌آورد و از هوای (نفس) خود پیروی کرده‌تو را از آن باز ندارد، که هلاک می‌شوی

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَمُوسَىٰ

و ای موسی، آن چیست که در دست راست داری

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأُشْفَىٰ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَىٰ

گفت: این عصای من است، بر آن تکیه می‌کنم و با آن بر گوسفندانم برگ درخت می‌ریزم، و مرا به آن نیازهای دیگری هم هست

قَالَ أَلْقِهَا يَمُوسَىٰ

گفت: ای موسی، آن را (بر زمین) بیفکن

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ

پس بیفکند، به ناگاه ماری شد خطرناک و زهردار که به شتاب حرکت می‌کرد

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ

گفت: آن را بگیر و مترس، به زودی آن را به حالت اولش بازمی‌گردانیم

وَأَضْمُمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ؕ ءَايَةٌ أُخْرَىٰ

و دستت را زیر بغل خود کن (و بیرون آر) تا به عنوان نشانه و معجزه ای دیگر روشن و نورانی بیرون آید بی آنکه در آن عیبی باشد

لِئُرِيكَ مِنْ ءَايَاتِنَا الْكُبْرَىٰ

(این دو معجزه را ارائه کردیم) تا پاره ای از آیات بزرگ خویش را به تو نشان دهیم

أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

(اینک) برو به سوی فرعون، که او طغیان و سرکشی کرده است

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي

گفت: پروردگارا، سینه‌ام را گشاده گردان (مبر و حوصله فراوان به من بده)

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي

و کارم را بر من آسان ساز (در انجام رسالت یاریم کن)

وَأَحْلِلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي

و گرهی (را که مانع بیان مقصود است) از زبانم بگشای

يَفْقَهُوا قَوْلِي

تا سخنم را بفهمند

وَأَجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي

و وزیر و یآوری از خاندانم برای من قرار ده

هَارُونَ أَخِي

برادرم هارون را

أَشَدُّ بِهِ أَزْرَىٰ

پشتم را به او محکم کن

وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي

و او را در کارم (کار ابلاغ رسالت از جانب تو) شریک گردان

كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا

تا (بتوانیم) تو را (علنا در میان قبطیان و مجامع فرعونی) بسیار تسبیح گوئیم و (از شرک) تنزیه نماییم

وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا

و تو را بسیار یاد کنیم

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا

زیرا که تو همواره به ما (اهل بیت و علاقه ما به تسبیح و ذکر) بینایی

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَمُوسَىٰ

گفت: ای موسی، بی‌تردید همه خواسته ات به تو داده شد

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ

و البته بار دیگری نیز تو را مشمول لطف خود ساختیم

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ

أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ

بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَهُ ۖ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً

مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ ۖ

فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَفَتَلْتَ نَفْسًا

فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ

مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يٰمُوسَىٰ

وَأَصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي

أُذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي

أُذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

فَقُولَا لَهُ ۖ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ

قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَن يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَن يَطَّعَىٰ

قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمِعُ وَأَرَىٰ

فَأَتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَا

تُعَذِّبْهُمْ ۚ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ ۖ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ

الْهُدَىٰ

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يٰمُوسَىٰ

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ۖ ثُمَّ هَدَىٰ

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ

آن گاه که به مادرت آنچه را که (درباره نجات تو) لازم بود الهام قلبی کردیم

که او را در صندوقی بنه و آن را در دریا بیفکن، پس (اراده تکوینی ما بر آن شد که) باید دریا او را به ساحل اندازد تا وی را کسی که دشمن من و دشمن اوست برگیرد. و بر تو از جانب خود محبتی (در دل ها) افکندم (برای مصالحی) و برای آنکه در زیر نظر خودم (به جهت تصدی مقام والایی) تربیت و ساخته شوی

آن گاه که خواهرت (در پی صندوق تو) می رفت (تا به عمّال فرعونیان که برای کودکی دایه می خواستند رسید) و می گفت: آیا شما را بر کسی که کفیل (حفظ و شیر دادن) او می شود دلالت کنم؟ پس تو را به سوی مادرت بازگرداندیم تا دیده اش روشن شود و اندوه نخورد. و نیز شخصی (از فرعونیان) را کشتی (و آنان تصمیم قتل تو را گرفتند) پس ما تو را از آن اندوه نجات دادیم، و ما تو را به آزمایش هایی آرمودیم، پس سالیانی در میان اهل مدین ماندگار شدی، آن گاه– ای موسی– بر طبق تقدیر (ازلی ما و بر پایه کمالات نفسانی صالح بر مقام رسالت) آمدی

و تو را برای (اهداف) خود (که تصدی مقام رسالت، تلقی کتاب، مبارزه با کفر و اصلاح جامعه است، انسانی تربیت شده و تکامل یافته در تمام ابعاد) ساختم

تو خود و برادرت همراه معجزات من (دو معجزه فعلی و معجزه های بعدی نزد فرعونیان) بروید و در یاد کردن من سستی نورزید

به سوی فرعون بروید، که او طغیان کرده است

پس با او سخنی نرم بگویید، باشد که بپذیرد یا بترسد (و به پذیرش نزدیک گردد)

گفتند: پروردگارا، ما می ترسیم که (پیش از ابلاغ رسالت) بر ما برآشوبد و عقوبت کند، یا (در کفر و ظلمش) از حد بگذرد

گفت: (ابدا) تترسید، بی تردید من همراه شمایم می شنوم و می بینم

پس به نزد او روید و بگویید: همانا ما فرستادگان پروردگار تو هستیم، پس بنی اسرائیل را (رها کرده) همراه ما بفرست و آنها را شکنجه مکن، که ما حتما برای تو نشانه و معجزه ای از جانب پروردگارت آورده ایم، و درود بر هر که از هدایت پیروی کند

حقّا به ما وحی شده که عذاب (خداوند) بر کسی است که (نشانه ها و دعوت پیامبران او را) تکذیب کند و روی بگرداند

فرعون گفت: ای موسی، پروردگار شما کیست

گفت: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی خلقت خاصّ او را عطا کرده سپس راهنمایی نموده است. (مواد اولیه هر میوه و دانه ای به تدریج صورت نوعی آن را عطا کرده و به سوی آثار و خواصش هدایت تکوینی نموده، و بر نطفه هر حیوانی به تدریج صورت نوعی آن را بخشیده و سپس بر طبق اقتضای قوای او هدایت تکوینی کرده، و بر صاحبان عقل حالت درک کلیات و خوب و بد داده و سپس آنان را به سوی معارف دین هدایت تشریعی نموده است)

گفت: پس حال ملت های پیشین (که خدا را انکار و پیامبران را تکذیب کردند) چگونه خواهد بود

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى

۵۳

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا
وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ
شَتَّى

۵۴

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَمَكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

۵۵

حزب
۱۲۶
۲۷۲ر

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً
أُخْرَىٰ

۵۶

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ

۵۷

قَالَ أَجِئْتَنَا لِنُخْرِجَنَّكَ مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَمُوسَىٰ

۵۸

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ ۚ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا
تُخْلِفُهُ ۖ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى

۵۹

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحَىٰ

۶۰

فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ

۶۱

قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَيَلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ ۖ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَىٰ

۶۲

فَتَنَزَّلُوا أَمْرُهُمْ بَيْنَهُمْ وَآسَرُوا النَّجْوَىٰ

۶۳

قَالُوا إِنَّ هَٰذِهِ لَسَاحِرِينَ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ
أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَىٰ

۶۴

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ آتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ
اسْتَعْلَىٰ

گفت: علم (به حال) آنها در نزد پروردگار من است در کتابی
(به نام لوح محفوظ)، پروردگارم نه خطا می کند و نه
فراموش می نماید

همان که زمین را برای شما گسترده و گهواره ساخت و در
آن برای شما راه هایی گشود و از آسمان آبی (به صورت
باران و برف و تگرگ) فرود آورد، پس به وسیله آن انواعی
از گیاهان رنگارنگ (از زیر خاک) بیرون آوردیم

(خود از خوراکی های متنوع آن) بخورید و چارپایانتان را
بچرانید، حقا که در این (آفرینش خاص) نشانه هایی (از
توحید و قدرت و حکمت او) برای خردمندان است

شما را از آن آفریدیم (جدّ و جدّه اولتان را بدون واسطه و
دفعتا و به نحو اعجاز، و سائر افراد نسلتان را باواسطه و به
تدریج از آن زمین آفریدیم) و (پس از مرگ) در آن بازمی
گردانیم و بار دیگر (در قیامت) از آن بیرون خواهیم آورد

و حقا که ما همه آیات و معجزات خود را به او نشان دادیم،
اما او (همه را) تکذیب کرد و (از پذیرش دعوت ما) روی
گردانید

گفت: ای موسی، آیا آمده ای تا ما را به واسطه جادویت از
سرزمینمان بیرون کنی؟

پس برای تو جادویی همانند جادوی خودت خواهیم آورد،
پس میان ما و خودت زمان معینی قرار ده که نه ما از آن
تخلف کنیم و نه تو، در سرزمینی هموار و جایی که
(مسافتش میان ما و تو) یکسان باشد

موسی گفت: وعده گاه (ما و) شما روز زینت باشد (روز
عیدی خاص که میانشان متعارف بود) و روزی که مردم پیش
از ظهر گرد هم می آیند (و یا به شرط آنکه پیش از ظهر
مردم گرد آورده شوند)

پس فرعون روی گرداند (مجلس را ترک کرد) و نیرنگ خود
را جمع نمود (جادوها و وسائل فریب و سحران اهل نیرنگ
را گرد آورد) سپس (در روز موعود به میدان) آمد

موسی به آنها گفت: وای بر شما، بر خدا دروغ مبندید (که
بت ها شریک اویند و این معجزات سحر است) تا شما را به
عذابی ریشه کن نماید، و البته هر که دروغ بست نومید شد

پس آنها در میان خود درباره کارشان اختلاف و نزاع کردند و
این سخن در گوشتی را پنهان داشتند

(بالآخره سحران به یکدیگر گفتند، و یا فرعونیان به آنها)
گفتند: حقیقت این است که این دو نفر سحرند، می
خواهند شما را از سرزمیتتان به سحر خود بیرون کنند و
طریقه دینی والای شما را (که بت پرستی است) از بین
ببرند

پس فریب های جادویی خود را با فکر و دقت گرد آورید
سپس همه در یک صف (جلو آنها) درآیید، و حتما امروز
کسی رستگار است که به برتری دست یابد

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّمَا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ

۶۶

سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ

۶۷

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ

۶۸

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ

۶۹

وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفُ مَا صَنَعُوا^ط إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ

سِحْرِ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ

۷۰

فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ

۷۱

قَالَ ءَامَنْتُمْ لَهُو قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي

عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأُقْطِعَنَّ أَيَّدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ

خَلْفٍ وَلَا صَلْبَتَكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ أَنِنَا أَشَدُّ

عَذَابًا وَأَبْقَىٰ

۷۲

قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا^ط

فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

۷۳

إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَلَيْنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ

السِّحْرِ وَاللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

۷۴

إِنَّهُو مَنْ يَأْتِ رَبَّهُو مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُو جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا

وَلَا يَحْيَىٰ

۷۵

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ

الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ

۷۶

جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ

جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّىٰ

(و چون همه در موعد معین حاضر شدند ساحران) گفتند:

ای موسی، یا تو (اول آنچه در دست داری) می افکنی یا ما

نخستین افکننده باشیم

موسی گفت: بلکه شما بیفکنید. (آنها افکندند) پس به ناگاه ریسمان ها و عصاهای آنها در اثر سحرشان در خیال موسی مصور شد که (به هر سو) می شتابند

پس موسی (طبق فطرت بشری یا از آنکه مردم بدان بگردند) در دل خود ترسی احساس کرد

گفتیم: مترس، بی تردید تو خود برتری

و آنچه در دست راست داری بیفکن تا همه آنچه را که ساخته اند فرو بلعد، زیرا چیزی که آنان ساخته اند فریب جادوگر است، و جادوگر به هر جا رود (و هر چه بیاورد) پیروز و رستگار نمی شود

(موسی عصا بیفکند، به صورت اژدها درآمده همه را بلعید) پس ساحران سجده کنان به رو درافتادند، گفتند: به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم

فرعون گفت: آیا پیش از آنکه من اذن دهم به او گرویدید؟! حتما او بزرگ و رئیس شماس‌ت که به شما سحر آموخته، پس دست ها و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ خواهم برید و شما را بر تنه های درخت خرما آویزان خواهم کرد و خواهید فهمید که کدام یک از ما (من و خدای موسی) عذابش سخت تر و پایدارتر است

گفتند: سوگند به آن که ما را آفریده هرگز تو را بر دلایل روشنی که بر ما آمده (زنده شدن جماد و بلعیدن اشیاء و برگشتن به حالت اولی) ترجیح نخواهیم داد، پس هر حکمی که توانی بکن، جز این نیست که تو تنها درباره زندگی این دنیا حکم توانی کرد

به یقین ما به پروردگاران ایمان آوردیم تا گناهان ما را (شرک اعتقادی و فسق عملی) و آن سحری را که تو ما را بدان واداشتی ببامرزد، و خداوند بهتر است و پایدارتر

(سخن خداوند است یا سخن ساحران در برابر فرعون) همانا کسی که (فردای قیامت) گنهکار نزد پروردگار خود بیاید حتما برای او دوزخ است، نه هرگز در آن می میرد (تا خلاص شود) و نه (به راحتی) زنده می ماند

و هر که با ایمان نزد او بیاید در حالی که عمل های شایسته کرده باشد چنین کسانی درجات والایی دارند

بهشت های جاودانی که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها جاری است در حالی که در آنجا جاویدانند و این است پاداش کسی که خود را (از همه پلیدی ها) پاکیزه نموده، و کسی که (نفسش در معارف دین الهی) رشد و نمو کرده باشد

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ
طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَفْ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ

۷۸

فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ يَجُنُّدُهُۥ فَعَشِيَهِمْ مِّنَ اللَّيْلِ مَا عَشِيَهُمْ

۷۹

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُۥ وَمَا هَدَىٰ

۸۰

يَبْنِي إِسْرَءِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكَ مِّنْ عَدُوِّكَمَّ وَوَعَدْنَاكَمَّ
جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَالسَّلَوىٰ

۸۱

كُلُوا مِّنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ
عَلَيْكُمْ غَضَبِيَّ ۖ وَمَن يَحِلِّلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ

۸۲

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ

۸۳
حزب
۱۲۷

وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يَمُوسَىٰ

۸۴

قَالَ هُمْ أُولَآءِ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ

۸۵

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنۢ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ

۸۶

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِۦ غَضْبَنَ أَسَفًا قَالَ يَقُومُ أَلَمْ
يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ
أَرَدْتُمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمُ
مَّوْعِدِي

۸۷

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمِلْنَا أَوْزَارًا مِّن
زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَٰلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

و البته ما به موسی وحی کردیم که بندگان مرا (از مصر) شبانه حرکت ده و برای (گذشتن) آنها راهی خشک در دریا (در رود نیل با شکافتن آن) بساز، در حالی که نه از فرا رسیدن (فرعونیان) بترسی و نه از غرق شدن بهراسی

پس فرعون همراه سپاهیانش آنها را دنبال کردند (به طوری که پس از عبور قوم موسی آنها وارد راه های داخل دریا شدند) پس آنها را از (آب) دریا پوشانید آنچه پوشانید (امواجی که در اندیشه بشر نگنجد آنان را فرو گرفت)

و فرعون قوم خودش را گمراه نمود و (به هیچ راه حقّی هدایت نکرد

ای بنی اسرائیل، حقّا که شما را از چنگال دشمنانتان نجات دادیم و با شما در جانب راست کوه طور (به وسیله موسی برای نازل کردن تورات و پذیرش و عمل به محتوای آن) وعده نهادیم و بر شما (هنگام سرگردانی در آن صحرای وسیع) ترنجبین و کبک نازل نمودیم

از روزی های (مادی و معنوی) پاکیزه ای که به شما داده ایم برخوردار شوید و در این بهره برداری (از حد شرع و عقل) تجاوز ننمایید، که خشم من بر شما فرود خواهد آمد، و هر که خشم من بر او فرود آید حتما در ورطه هلاکت سقوط کرده است

و حقّا که من بسیار آمرزنده ام کسی را که (از شرک و کفر) توبه کند و ایمان آورد و عمل های شایسته کند، سپس در هدایت استوار ماند (یا به مراحل کمال انسانیت هدایت یابد)، (زیرا کفر ایام عمر و گناهان آن و قضا و قّاره های مربوطه و سایر حقوق الهی به محض اسلام آوردن ساقط می گردد)

و (چون موسی با متتخبین قومش به طور آمدند و موسی جلوتر رسید، خطاب شد:) ای موسی، چه چیز تو را به شتاب واداشت که پیش از قوم خود آمدی

گفت: آنها هم اینک در پی من می آیند و من– پروردگارا– به سویت شتافتم تا از من خشنود شوی

خداوند گفت: ما قوم تو را پس از تو آزمودیم و سامری آنها را (از پرستش من) گمراه ساخت

پس موسی خشمگین و متأسف به سوی قومش بازگشت، گفت: ای قوم من، آیا پروردگارتان شما را وعده نیکی نداده بود (که تورات را بر شما فرو فرستد)؟ آیا مدت (رفتن من) بر شما طولانی آمد یا آنکه خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که از وعده من تخلف کردید

گفتند: ما وعده تو را به اختیار خود مخالفت نکردیم، و لکن مقادیر سنگینی از زیورهای قوم (فرعون) بر دوش ما نهاده شده بود، پس آنها را (در کوره آتش) افکندیم و همچنین سامری (آنچه همراه داشت) افکند

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُم
وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا
نَفْعًا

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِن قَبْلُ يَقَوْمُ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ ^طوَإِنَّ
رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ

قَالَ يَهْرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا

أَلَّا تَتَّبِعَنِ ^طأَفَعَصَيْتَ أَمْرِي

قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي ^طإِنِّي خَشِيتُ أَن
تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَسْمِرِي

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ
الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي

قَالَ فَأَذْهَبُ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَوةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ ^طوَإِنَّ
لَكَ مَوْعِدًا لَّن تُخْلَفَهُ ^طوَأَنْظِرْ إِلَىٰ إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ
عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

پس (سامری) برای آنها (از زیورهای آب شده) مجسمه
گوساله ای که صدای گوساله داشت بیرون آورد، آن گاه (او
و همکیشانش) گفتند: این خدای شما و خدای موسی است
که (موسی) آن را فراموش نموده (و به سراغش به کوه طور
رفته. یا آنکه سامری خدا را فراموش کرد و مردم را به
گوساله پرستی واداشت)

آیا نمی بینند که آن گوساله (هنگام خواندن) پاسخی به آنان
نمی دهد و مالک هیچ زیان و سودی برای آنها نیست؟

و البته هارون پیش از آن به آنها گفته بود: ای قوم من، جز
این نیست که شما به وسیله این (گوساله) آزمایش شدید،
و همانا پروردگار شما خدای رحمان است، پس از من پیروی
کنید و فرمان مرا اطاعت نمایید

گفتند: همواره ما ملازم (و در پرستش) این (گوساله)
خواهیم بود تا آنکه موسی به سوی ما بازگردد

(موسی چون از میقات بازگشت) گفت: ای هارون، هنگامی
که دیدی آنها گمراه شدند چه چیز تو را بازداشت

از اینکه از من پیروی کنی (و آنها را از شرک بازداری)؟ آیا
دستور مرا نافرمانی کردی

هارون گفت: ای پسر مادرم، موهای ریش و سرم را مگیر،
واقعا من ترسیدم که (اگر با آنها شدت عمل نشان دهم)
بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی و سفارش مرا
رعایت نکردی

موسی گفت: ای سامری، کار و خواسته ات (از ارتکاب این
قیبح بزرگ) چه بود

گفت: چیزی را دیدم و دانستم که مردم ندیدند و
ندانستند (مانند حرکت خاک پای ملک و صنعت ساخت
مجسمه)، پس مشتی از خاک قدم آن فرستاده (یعنی
جبرئیل) برگرفتم و آن را (در داخل مجسمه گوساله)
افکندم (تا صدایی شبیه گوساله داد، و مردم را به عبادتش
دعوت کردم) و این چنین نفسم (این عمل زشت را) برای
من بیاراست

موسی گفت: پس (از میان مردم بیرون) برو و حتما بهره تو
در زندگی آن است که بگویی: به من دست نزنید (به
واسطه مرض مسریت همه از تو بترسند و یا به مرض
روانیت از همه بترسی، و به هر کس بگویی با من تماس
نگیر) و البته برای تو وعده گاهی است که هرگز با تو خلاف
نخواهد شد و اینک آن معبودت را که همواره ملازم
(عبادت) آن بودی بنگر که آن را حتما در آتش می سوزانیم
سپس خاکسترش را در دریا می پراکنیم

جز این نیست که معبود شما الله است (ذات واجبی که
واجد همه کمالات است) که جز او معبودی نیست، علم و
دانش او (همانند وجود و قدرت و رحمتش) همه چیز را فرا
گرفته است

كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۚ وَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا

۱۰۰

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وِزْرًا

۱۰۱

خَالِدِينَ فِيهِ ۖ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ حِمْلًا

۱۰۲

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا

۱۰۳

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا

۱۰۴

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا

۱۰۵
۲۷۵ج

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا

۱۰۶

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا

۱۰۷

لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا

۱۰۸

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ ۖ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا

۱۰۹

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا

۱۱۰

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ ۚ عِلْمًا

۱۱۱
حزب
۱۲۸

وَعَنْتِ الْأُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا

۱۱۲

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا

۱۱۳

وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا

(ای پیامبر) این گونه ما برای تو از اخبار آنچه گذشته بازگو می کنیم؛ و به یقین تو را از جانب خود ذکری عطا کردیم (یاد نیک و کتاب آسمانی)

هر که از آن روی گرداند بی تردید او در روز قیامت باری سنگین را (که تبلور عقاید کفری و تجسم گناهان عملی اوست) به دوش خواهد کشید

آنها در آن (وزر و وبال) جاودانه اند، و آن در روز قیامت چه بد باری برای آنها خواهد بود

روزی که در صور (اسرافیل در دفعه سوم) دمیده شود و ما در آن روز گنهکاران را (در صحنه محشر) زشت و کور و نابینا گرد آوریم

در میان خود به پنهانی سخن گویند که (گویی در مدت عمر دنیا یا در طول عالم برزخ) بیش از ده روز درنگ نکرده اید

ما داناتریم به آنچه می گویند (از مقایسه مدت عمر یا عالم برزخ با ابدیت پس از حشر) آن گاه که نزدیکترین آنها به حقیقت می گوید: جز یک روز درنگ نکرده اید (زیرا در نسبت کوچکی و ناچیزی، یک روز عادلانه تر از ده روز است)

و از تو درباره (سرنوشت) کوه ها می پرسند بگو: پروردگارم آنها را (همانند گرد و غبار) به باد می دهد

پس این (زمین) را هموار و صاف و خالی از همه چیز وامی نهد

به طوری که در آن هیچ پستی و بلندی نبینی

در آن روز همه از دعوت کننده حق پیروی کنند، در حالی که هرگز خطا و انحراف از دعوت کننده، و کجی و نافرمانی از دعوت شده نخواهد بود، و تمام صداها در برابر خدای رحمان فرو خوابد، و جز آوای آهسته نفس ها و صدای آرام پاها نمی شنوی

در آن روز (درباره اسقاط یا تخفیف کیفر و یا ترفیع مقام) شفاعت کسی سودی نبخشد جز آن که خداوند رحمان او را اذن دهد و گفتارش را بپسندد (همانند انبیا و فرشتگان و صالحان)

خداوند آنچه را از آنها (در دنیا) گذشته (عمرها و عمل ها) و آنچه را در آینده دارند (پاداش ها و کیفرها) می داند و آنها به حالات خود و علم خداوند احاطه علمی ندارند

و (در آن روز) چهره ها (که نمودار حالات درونی است) در برابر خداوند زنده و پاینده و برپادارنده هستی ذلت و خضوع خواهند داشت، و البته کسی که بار ظلم را حمل کند نوמיד (از رحمت حق) خواهد بود

و هر کس عمل های شایسته ای انجام دهد در حالی که مؤمن باشد هرگز نه از ستم و کم شدن حق خواهد ترسید و نه از خرد شدن شخصیت خواهد هراسید

و این چنین (که می بینی) ما این (کتاب) را قرآنی عربی فرو فرستادیم و از هر گونه هشدار و تهدید در آن آوردیم شاید (از دشمنی و لجابت) بپرهیزند یا (این قرآن) برای آنها تذکری فراهم آورد

فَتَعَلَىٰ ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِٱلْقُرْءَانِ مِن قَبْلِ أَن يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُۥ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا

۱۱۵

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ ءَادَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُۥ عَزْمًا

۱۱۶
۲۷۶ر

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ

۱۱۷

فَقُلْنَا يٰۤأَادَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوُّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ ٱلْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ

۱۱۸

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ

۱۱۹

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ

۱۲۰

فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ ٱلشَّيْطٰنُ قَالَ يٰۤأَادَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةٍ ٱلْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ

۱۲۱

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ ٱلْجَنَّةِ وَعَصَىٰ ءَادَمُ رَبَّهُۥ فَغَوَىٰ

۱۲۲

ثُمَّ أَجْتَبَهُ رَبُّهُۥ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ

۱۲۳

قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُم لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فِيمَا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَاىَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ

۱۲۴

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَمَةِ أَعْمَىٰ

۱۲۵

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِيْ أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا

پس پاک و برتر است خدایی که مالک مطلق هستی و حق و ثابت است. و در (فراگیری یا خواندن) قرآن پیش از آنکه وحی آن تمام شود شتاب مکن و بگو: پروردگارا، بر علم من بیفزای

و همانا ما به آدم از پیش سفارش کردیم (که از شجره ممنوعه نخورد) پس فراموش نمود و ما برای او عزمی (راسخ) نیافتیم

و (به یاد آر) هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید پس سجده کردند جز ابلیس که سرباز زد

پس گفتیم: ای آدم، همانا این (ابلیس) دشمن تو و همسر توست، پس مبادا شما را از این بهشت بیرون کند پس در رنج و زحمت (اداره زندگی) افتی

و البته برای تو در اینجا این (نعمت) هست که نه گرسنه شوی و نه برهنه

و نه تشنه شوی در آن و نه آفتاب زده

پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانی و ملکی کهنه نشدنی راهنمایی کنم؟ (درختی که تا ابد میوه دهد و یا میوه اش حیات ابدی بخشد و سلطنتی که به هیچ حادثه ای ضعیف یا زایل نگردد)

پس (آدم و حوا) هر دو از (میوه) آن درخت خوردند پس (به ناگاه لباس های خاص بهشتی آنها فرو ریخت و) عورتشان بر آنها نمایان شد و شروع کردند از برگ (درختان) بهشت بر خود چسباندن و آدم پروردگار خود را (در نهی ارشادی که مخالفتش ضرر زندگی داشت نه عصیان تکلیفی) نافرمانی کرد پس به راه خطا افتاد

سپس پروردگارش او را (به نبوت) برگزید و بر او عطف توجه کرد و (به اصول و فروع دین) هدایت نمود

(خداوند) گفت: هر دو از این محیط (به کره زمین) فرود آبیید (و آنجا تناسل کنید) در حالی که برخی از شما (آدمیان) دشمن برخی دیگر خواهید بود پس اگر از جانب من برای شما هدایتی (آیینی به وسیله پیامبری) آمد، هر که پیروی از هدایت من کند هرگز نه گمراه شود و نه شقی و بدبخت گردد

و هر که از یاد من روی گرداند حتما برای او زندگی تنگی خواهد بود (هر چند دارای مال و منال وافر باشد، به لحاظ انقطاع از غیب، و عدم قناعت نفس و طلب زیادی و تزلزل موارد اتکاء و خوف از حوادث)، و روز قیامت او را نابینا محشور می کنیم

گوید: پروردگارا، چرا مرا نابینا محشور کردی در حالی که من (در دنیا) بینا بودم؟

قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ ءَايَتُنَا فَنَسِيتَهَا ۖ وَكَذَٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ

۱۲۷

وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ ۚ
وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰ

۱۲۸

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ
فِي مَسْكِنِهِمْ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِيَ النُّهَىٰ

۱۲۹
رح۲۷۷

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى

۱۳۰

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ
الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۖ وَمِنْ ءَآنَايَ الْلَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ
النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ

۱۳۱

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ ۚ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

۱۳۲

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۖ لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا
نَّحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ

۱۳۳

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ ۚ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةٌ مَّا فِي
الصُّحُفِ الْأُولَىٰ

۱۳۴

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ ۚ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا
أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَاتِكَ مِّن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ
وَنُخْزَىٰ

۱۳۵

قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ مَنِ أَصْحَابُ
الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ

گوید: همین گونه (که امروز کور و فراموش شده ای) آیات
و نشانه های روشن ما برایت آمد اما تو (از آنها چشم
پوشیدی و) آنها را فراموش کردی، همچنین امروز (تو نابینا
می شوی و) فراموش می گردی

و این چنین (در دنیا) جزا می دهیم کسی را که اسراف
نموده (از حد تجاوز کند) و به آیات و نشانه های پروردگار
خود ایمان نیاورده باشد. و البته عذاب آخرت سخت تر و
پایدارتر است

پس آیا مایه هدایت آنها (کفّار مکه) نمی شود این که گروه
های بسیاری از مردم را پیش از آنها هلاک کردیم که اکنون
اینها در مساکن آنها راه می روند (مانند مرور اهل مکه به
مساکن عاد در یمن، و ثمود و اصحاب ایکه در شام، و قوم
لوط در فلسطین)؟! همانا در این (حوادث) نشانه هایی (از
توحید و قدرت و قهّاریت خدا) برای خردمندان است

و اگر نبود سخنی که از پروردگارت گذشته (حکم قطعی
مندرج در لوح محفوظ، که آنها را دفعتا عذاب نکند) و نیز
مدت تعیین شده (برای عمر و زندگی آنها) بی تردید (عذاب
گذشتگان بر آنها) لازم می شد (و همه را یک جا هلاک می
کردیم)

پس بر آنچه می گویند صبر کن، و پروردگارت را پیش از
طلوع آفتاب و پیش از غروب آن توأم با ستایش او تسبیح
کن (نماز صبح و ظهر و عصر و یا اذکار دیگر بخوان)، و از
ساعت های شب (با خواندن نماز مغرب و عشا یا ذکرهای
دیگر) و در جوانب روز (با نوافل و غیره) او را تسبیح و
تقدیس کن، باشد که (به شمول الطاف خدا) خشنود شوی

و دیدگانت را مدوز به آنچه اصنافی از آنها را از آن
برخوردار کرده ایم (از اموال و اولاد و ریاست) که شکوفه
و زینت های زندگی دنیاست تا آنها را در آن بیازماییم، و
روزی پروردگارت (کتاب و دین) بهتر و پایدارتر است

و خانواده خود را به نماز امر کن و خود (نیز) با همه نیرو بر
(مراعات) آن شکیبایی کن، ما از تو هیچ روزی نمی طلبیم (تا
توانش را نداشته باشی) این ماییم که تو را روزی می
دهیم، و عاقبت (نیک) از آن تقواست

و (کافران در مقام ردّ قرآن و درخواست معجزه ای مانند
ناقه صالح و عصای موسی) گفتند: چرا (محمّد) برای ما آیه و
معجزه ای از جانب پروردگارش نمی آورد؟ آیا (این قرآن
که) بیان روشن آنچه در کتاب های پیشین است به آنها
نرسیده است؟

و اگر ما آنها را پیش از این (پیش از بعثت محمد صلی الله
علیه وآله یا نزول قرآن) به عذابی هلاک می کردیم حتما می
گفتند: پروردگار! چرا به سوی ما رسولی نفرستادی تا از
آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه ذلیل و خوار گردیم

بگو: هر یک (از ما و شما) منتظریم (ما منتظر وعده خدا که
دشمنش مغلوب و دینش کامل گردد، و شما منتظرید ما
مغلوب و دعوتمان باطل شود) پ

مردم را رسیدگی به حسابشان (در روز قیامت) نزدیک شده (نزدیک از نظر ربوبی و یا آنکه هر چه آمدنش مسلّم است (نزدیک است) در حالی که آنها در غفلت (از آن حساب) به سر می برند و روگردانند

هیچ تذکّر تازه ای (از وحی و قرآن و معجزه) از پروردگارشان بر آنها نمی آید جز آنکه در حال بازی و سرگرمی (به هوی و هوس) آن را گوش می دهند (ولی جدّی نمی گیرند)

در حالی (وحی و قرآن را می شنوند) که دل هایشان مشغول (لهو و باطل) است، و آنان– که ستم ورزیدند– رازگویی خود را پنهان داشته (گویند): آیا این (محمّد) جز این است که بشری همانند شماست؟! آیا به سوی جادو می روید در حالی که خود می بینید

(پیامبر) گفت: (بی خود درگوشی سخن نگویید، زیرا) پروردگار من هر گفتاری را در آسمان و زمین می داند، و اوست شنوا و دانا

بلکه گفتند: (سحر نیست) مشتی خواب های آشفته است (که خود محمّد یا دیگران دیده اند)، بلکه دروغ هایی است که خود بافته است، بلکه او شاعر است (و این کتاب هم سروده اوست)، پس (اگر راست می گوید) باید معجزه ای بیاورد چنان که پیشینیان (با معجزاتی چون ناقه صالح، عصای موسی و مانده عیسی) ارسال شده بودند

قبل از آنها نیز هیچ مجتمعی که ما آنها را هلاک کردیم ایمان نیاوردند، آیا اینها ایمان خواهند آورد؟

و ما پیش از تو (برای مردم به عنوان پیامبر و رسول) نفرستادیم مگر مردانی را که به آنها وحی می کردیم (نه فرشتگان و نه زنان و نه اجنه را) پس اگر (این سیره جاریه الهی را) نمی دانید از اهل ذکر (از علمای تورات و انجیل غیر محرف، و سایر کتاب های آسمانی) بپرسید

و ما آن فرستادگان را جسدی که طعام نخورند (جهاز هضم و دفع نداشته باشند) قرار ندادیم و آنها جاویدان هم نبودند (که مرگ نداشته باشند)

سپس وعده ای را که به آنها داده بودیم (تحکیم دین و اهلاك دشمنان) تحقق بخشیدیم، پس آنها و کسانی را که می خواستیم نجات دادیم و تجاوزکاران (از حد و مرز احکام) را نابود کردیم

و حقّا که ما به سوی شما (و همه آیندگان تاریخ) کتابی نازل کردیم که در آن یادآوری شماست (به احکام دینی و اخلاقی و معارف گوناگون) آیا نمی اندیشید؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ

مَا يَأْتِيهِمْ مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ

لَا هِيَءَ قُلُوبُهُمْ^ط وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ^ط أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصِرُونَ

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ^ط وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

بَلْ قَالُوا أَضْغَتْ أَحْلِمٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بَيَّاتَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ

مَا ءَامَنْتُ قَبْلَهُمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا^ط أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ^ط فَسْأَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ^ج أَفَلَا تَعْقِلُونَ

جزء: ۱۷
حزب: ۱۲۹
آیه: ۲۷۸

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا
ءَاخِرِينَ

فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسْكِنِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ

قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَلِدِينَ

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِِينٍ

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَوًا لَا نَتَّخِذَنَّهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَعَلِينَ

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ
وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ
عَنْ عِبَادَتِهِ ۚ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ

أَمْ اتَّخَذُوا ءَالِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ

لَوْ كَانَ فِيهِمَا ءَالِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ
الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً ۖ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرُ
مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ
فَهُمْ مُّعْرِضُونَ

و چه بسیار از مجتمع های انسانی را که ستمکار بودند (به ستم شرک و کفر و طغیان در گناهان) شکستیم و نابود کردیم و پس از آنها گروهی دیگر را آفریدیم

پس چون عذاب ما را احساس کردند به ناگاه از آن به شتاب می گریختند

(به آنها به زبان استهزایی قال یا حال گفته می شد) نگریزید و به سوی آنچه در آن بودید از ناز و نعمت و مسکن های خود بازگردید شاید مورد سؤال قرار گیرید (فقرا از شما مال بخواهند و شما هم ندهید، یا بردگان و خادمان از شما وظیفه پرسند و شما هم به کبر و سرکشی خود ادامه دهید)

گفتند: ای وای بر ما، حقا که ما ستمکار بوده ایم

پس همواره آن (ویل و وای) بر زبان آنان بود تا آنها را (مانند گیاهان) درو شده و (مانند مردگان) خاموش قرار دادیم

و ما آسمان و زمین و آنچه را در میان آن دو است به بازی و سرگرمی نیافریده ایم

اگر ما اراده می کردیم که لهوی (بازیچه و سرگرمی یا زن و فرزندی) بگیریم بی تردید از ذات خود (و به تناسب وجود خود) می گرفتیم، اگر ما (به فرض محال) انجام دهنده (این کار) بودیم

بلکه ما به سبب حق بر سر باطل می کوبیم تا به مغز او می رسد پس به ناگاه باطل نابود شده است (ادله روشن توحید و آیات قرآنی را بر عقاید کفر و شرک می افکنیم که به کلی آن را باطل کند). و وای بر شما از آنچه (درباره توحید و نبوت و معاد) توصیف می کنید

و هر چیز و هر کس که در آسمان ها و زمین است از آن اوست (زیرا آفریدن، حفظ، تدبیر و بالاخره فانی کردن همه در اختیار اوست) و کسانی که در نزد او هستند (مقربان درگاه او از فرشتگان و صالحان بشر و اجنّه) هرگز از پرستش او تکبر نمی ورزند و هیچ گاه خسته و وامانده نمی شوند

آنها شبانه روز (خدا را) تسبیح می کنند و هیچ گاه سست نمی شوند

آیا آنها معبودهایی از زمین اتخاذ کرده اند (نظیر بت ها و اجنّه) که (مردم را در دنیا می آفرینند و در آخرت) برمی انگیزانند؟

اگر در آسمان ها و زمین خدایان دیگری غیر از الله وجود داشت، بی شک هر دو (آسمان ها و زمین از نظر حدوث و بقا) فاسد می شدند (تعدد خالق مدبّر و مقتدر و مستقل در اراده قبل از آفرینش مانع از اصل خلقت، و پس از آن سبب فساد در بقا می شد). پس منزّه است خداوند صاحب عرش (دارای تسلط تام بر اجزای عالم هستی) از آنچه (مشرکان) توصیف می کنند

او از آنچه می کند (در برابر هیچ کس) مورد سؤال و مؤاخذه قرار نمی گیرد و همه آنها (همه آفریده های او در مقابل او) مورد سؤال و مؤاخذه قرار می گیرند

آیا به جای خداوند معبودانی برگرفته اند؟ بگو: حجت و برهاتان را بر آن بیاورید. این (دعوت به توحید و بطلان شرک) یاد کرد کسانی است که با من اند و یاد کرد کسانی است (از پیامبران) که پیش از من بوده اند. (اینان اهل دلیل و منطق نیستند) بلکه بیشترشان حق را نمی شناسند و از این رو (از آن) رویگردانند

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيْٓ إِلَيْهِ أَنَّهُۥ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا۟ فَاعْبُدُونِ

۲۶

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُۥٓ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ

۲۷

لَا يَسْبِقُونَهُۥٓ بِالْقَوْلِۙ وَهُمْ بِأَمْرِهٖۙ يَعْمَلُونَ

۲۸

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ

أَرْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ خَشِيَّتِهٖۙ مُّشْفِقُونَ

۲۹

حزب ۱۳۰

وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَٰهٌ مِّنْ دُونِهِۦٓ فَذٰلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظَّٰلِمِيْنَ

۳۰

۲۸۰۹

أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا۟ أَنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنٰهُمَاۙ وَجَعَلْنٰا مِّنَ الْمَآءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ اَفَلَا يُؤْمِنُوْنَ

۳۱

فَجَا۟جًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُوْنَ

۳۲

وَجَعَلْنٰا السَّمٰۤءَ سَقْفًا مَّحْفُوْظًا وَهُمْ عَنِ ءَايٰتِهَا مُعْرِضُوْنَ

۳۳

وَهُوَ الَّذِیْ خَلَقَ الَّیْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَۙ كُلٌّ فِیٓ فَلَكٍ یَّسْبَحُوْنَ

۳۴

وَمَا جَعَلْنٰا لِبَشَرٍ مِّنْ قَبْلِكَ الْخَلْدَۙ اَفَاِیْنِ مِتَّ فَهُمُ

الْخٰلِدُوْنَ

۳۵

كُلُّ نَفْسٍ ذٰۤیْقَةُ الْمَوْتِۙ وَنَبْلُوْكُمْ بِالْۤاَشْرِ وَالْخَيْرِ فِتْنَةًۙ وَّالِیْنَا

تُرْجَعُوْنَ

و پیش از تو هیچ رسولی را نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می کردیم که معبودی جز من نیست پس (تنها) مرا پرستش کنید

و (مشرکان بت پرست) گفتند که خدای رحمان فرزندی (از فرشتگان) گرفته است! منزّه است خداوند (به حکم عقل و قضاوت انبیا و کتاب های آسمانی از اینکه فرزند بگیرد) بلکه آنها بندگانِ گرامی هستند (حقیقتشان نور، مکانشان ملاّ اعلی، شغلشان عبادت و گفتارشان تسبیح است

که هرگز در گفتار بر خدا سبقت نمی گیرند (بلکه گفتارشان سرچشمه گرفته از امر خداست) و همواره به فرمان (تشریعی) او (و یا بر وفق اراده تکوینی او که اراده آنها شعاعی از آن است) عمل می کنند

و هیچ کس از آنها (فرشتگان و انسان ها و اجنّه) بگوید: من (خود) خدایی غیر او و در برابر او هستم او را به جهنم کیفر می دهیم، (آری) ستمکاران را این گونه کیفر می دهیم

خداوند از گذشته آنها (آنچه از بدو خلقتشان انجام داده اند) و آینده آنان (آنچه تا ابد خواهند کرد) آگاه است و آنها جز برای کسی که خدا (عقاید) او را پسندیده شفاعت نمی کنند، و آنها از ترس خدا بیمناکند

و هیچ کس از آنها (فرشتگان و انسان ها و اجنّه) بگوید: من (خود) خدایی غیر او و در برابر او هستم او را به جهنم کیفر می دهیم، (آری) ستمکاران را این گونه کیفر می دهیم

و هر کس از آنها (فرشتگان و انسان ها و اجنّه) بگوید: من (خود) خدایی غیر او و در برابر او هستم او را به جهنم کیفر می دهیم، (آری) ستمکاران را این گونه کیفر می دهیم

و هر کس از آنها (فرشتگان و انسان ها و اجنّه) بگوید: من (خود) خدایی غیر او و در برابر او هستم او را به جهنم کیفر می دهیم، (آری) ستمکاران را این گونه کیفر می دهیم

آیا کسانی که کفر ورزیده اند به دیده دل ندیدند که همانا کرات بالا و کره زمین (همگی) به هم پیوسته و منضم بودند، پس آنها را از هم شکافته و بازگشودیم (و کراتی غیر قابل حصر به وجود آوردیم. یا هر یک از کرات بالا و زمین بسته و منجمد بود پس آن را به وسیله نهرها، معدن ها، درختان و گیاهان شکافتیم و قابل استفاده قرار دادیم)، و هر موجود زنده ای را از آب آفریدیم. آیا باز هم ایمان نمی آورند؟

و هر کس از آنها (فرشتگان و انسان ها و اجنّه) بگوید: من (خود) خدایی غیر او و در برابر او هستم او را به جهنم کیفر می دهیم، (آری) ستمکاران را این گونه کیفر می دهیم

و در روی زمین کوه های استوار و پابرجا قرار دادیم تا زمین آنها را نلرزاند، و در آن (در زمین یا در میان کوه ها) راه های وسیعی قرار دادیم، باشد که (به مقاصد خود) راه یابند

و هر کس از آنها (فرشتگان و انسان ها و اجنّه) بگوید: من (خود) خدایی غیر او و در برابر او هستم او را به جهنم کیفر می دهیم، (آری) ستمکاران را این گونه کیفر می دهیم

و آسمان را (در بالای سر آنها همانند) سقفی محفوظ (از فرو ریختن و نفوذ شیطان ها و اجنّه) قرار دادیم، در حالی که آنها از نشانه های (قدرت و عظمت ما در) آن رویگردانند

و هر کس از آنها (فرشتگان و انسان ها و اجنّه) بگوید: من (خود) خدایی غیر او و در برابر او هستم او را به جهنم کیفر می دهیم، (آری) ستمکاران را این گونه کیفر می دهیم

و اوست کسی که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید، که هر یک در مداری شناور است (مدار شب و روز سطح زمین، و مدار خورشید عمق کهکشانها، و مدار ماه دور زمین است)

و هر کس از آنها (فرشتگان و انسان ها و اجنّه) بگوید: من (خود) خدایی غیر او و در برابر او هستم او را به جهنم کیفر می دهیم، (آری) ستمکاران را این گونه کیفر می دهیم

و هر کس از آنها (فرشتگان و انسان ها و اجنّه) بگوید: من (خود) خدایی غیر او و در برابر او هستم او را به جهنم کیفر می دهیم، (آری) ستمکاران را این گونه کیفر می دهیم

و ما برای هیچ بشری پیش از تو (در دنیا) جاودانگی قرار ندادیم، پس آیا اگر تو بمیری اینان جاودان خواهند ماند؟

و هر کس از آنها (فرشتگان و انسان ها و اجنّه) بگوید: من (خود) خدایی غیر او و در برابر او هستم او را به جهنم کیفر می دهیم، (آری) ستمکاران را این گونه کیفر می دهیم

هر کسی چشنده مرگ خواهد بود، و شما را با بدی و خوبی (مرض و صحت و فقر و ثروت) می آرماییم، و به سوی ما بازگردانده می شوید

وَإِذَا رَعَاكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهْذًا
الَّذِي يَذْكُرُ ءَالِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ

خُلِقَ الْإِنْسَنُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ ءَايَاتِي فَلَا
تَسْتَعْجِلُونِ

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَنْ وُجُوهِهُمْ
النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ
يُنظَرُونَ

وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا
مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

قُلْ مَن يَكْلَأُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ
ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ

أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ
أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَءَابَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا
يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ

و کسانی که کفر ورزیده اند چون تو را ببینند جز به مسخره
ات نمی گیرند، (می گویند) آیا این است کسی که خدایان
شما را (به بدی) یاد می کند؟! در حالی که به ذکر خدای
رحمان (به توحید و کتاب او) کافرند (و بیمی از این کار
ندارند)

انسان (که از گل خلق شده چنان شتاب زده است که گویی)
از شتاب آفریده شده (از این رو در عذاب خدا هم شتاب
می کند) زودا که آیات (و نشانه های عذاب) خود را به شما
(در دنیا و سپس در آخرت) نشان دهم، پس از من شتاب
نخواهید

و می گویند: این وعده (قیامت و عذاب) کی است اگر
راستگوییید؟

اگر کسانی که کفر ورزیدند می دانستند آن زمانی را که
نمی توانند آتش (جهنم) را از صورت ها و پشت های خود
بازدارند و یاری هم نمی شوند (حتما شتاب نمی کردند)

بلکه (آتش برزخی به وسیله مرگ) ناگهانی به آنها فرا می
رسد، پس آنان را مبهوت و مدهوش می سازد، که نه می
توانند آن را رد کنند و نه مهلت داده می شوند

و مسلّما به فرستادگانی پیش از تو نیز استهزا شد، پس
کسانی را که آنها را استهزا کردند کیفر آنچه بدان استهزا
می کردند فرا گرفت

بگو: چه کسی شما را در شب و روز از (عذاب) خدای رحمان
(اگر بخواهد مجازاتتان کند) نگاه می دارد؟ (نه، آنان بیدار
نمی شوند) بلکه آنها از یاد پروردگارشان به کلی
رویگردانند

آیا برای آنها خدایانی به غیر ما هست که آنها را (از عذاب
های ما) محافظت نمایند؟ (نه، بلکه آن خدایان) نه می توانند
خود را و همدیگر را یاری دهند و نه از جانب ما پناه و یاری
داده می شوند

بلکه ما آنها (مشرکان مکه) و پدرانشان را (از نعمت های
زندگی) برخوردار کردیم تا آنکه عمرشان طولانی شد (و از
زمان اسماعیل تا حال ادامه یافت و بت پرست شدند)، پس
آیا نمی بینند که ما به زمین رو کرده، از اطراف آن می
کاهیم (از زمین کفر کاسته بر زمین اسلام می افزاییم و از
اهالی آن به مرور قرن ها می کاهیم افرادی را پس از
افرادی و ملتی را پس از ملتی منقرض می کنیم)؟ پس آیا
آنها بر ما پیروز خواهند شد؟

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذِرُونَ

۴۶

وَلَيْنَ مَسَّتْهُمُ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

۴۷

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ

۴۸

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَآءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ

۴۹

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ

۵۰

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ

۵۱
حزب
۱۳۱
۲۸۲۲

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا إِبْرَهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ

۵۲

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ

۵۳

قَالُوا وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ

۵۴

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَعَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۵۵

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِينَ

۵۶

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ

۵۷

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَمَكُمْ بَعْدَ أَن تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ

بگو: جز این نیست که من شما را به وسیله وحی بیم می دهم اما کران، هنگامی که هشدار داده می شوند دعوت را نمی شنوند

و حتما اگر اندکی از عذاب پروردگارت به آنها برسد بی شک می گویند: ای وای بر ما، همانا ما ستمکار بودیم

و ما در روز قیامت (برای سنجیدن عقاید و صفات و عمل های مکلفین) سنجش ها و ترازوهای عادلانه می نهیم، پس به هیچ کس هیچ گونه ستم نمی شود و از استحقاقش کاسته نمی گردد، و اگر (عمل مکلف در خردی) به وزن دانه خردلی هم باشد آن را می آوریم و همین کافی است که ما حسابگریم

و حقا که ما به موسی و هارون (کتاب آسمانی تورات را که) وسیله جدایی حق از باطل، و روشنی (دل ها و راه معنوی مردم) و یادآور پرهیزکاران (بود) عطا کردیم

آنان که از پروردگارشان که پنهان از انظار است (یا از پروردگار خود در حالی که در خلوت از مردم هم هستند) می ترسند و از قیامت نیز بیمناکند

و این (قرآن) یادآور پربرکتی است (برای جامعه بشری از نظر دنیا و آخرت) که ما آن را فرو فرستادیم، پس آیا شما منکر آن هستید؟

و همانا ما به ابراهیم از پیش (پیش از موسی و هارون) رشد فکری و هدایت فطری لایق به حال او را (درباره توحید و معارف الهی بدون تعلّم) عطا کردیم و ما به او (به همه صفات روحی و شئون زندگی او از ازل) دانا بودیم

آن گاه که به پدرش (به پدر زن یا عمو یا جدّ مادریش آزر) و به قوم خودش گفت: این مجسمه ها چیست که شما پیوسته با تعظیم و خضوع، ملازم پرستش آنها هستید؟

گفتند: ما پدرانمان را عبادت کنندگان آنها یافته ایم (ما هم به تقلید آنان پرستش می کنیم)

گفت: بی تردید شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری بوده اید

گفتند: آیا مطلب حقّی برای ما آورده ای (به جدّ این سخنان می گویی) یا از شوخی کنندگانی؟

گفت: (شوخی نمی کنم) بلکه پروردگارتان همان پروردگار آسمان ها و زمین است که آنها را آفریده است (نه آنکه شماها و آسمان ها و زمین، خدایان و ارباب جداگانه دارید و خدای متعال ربّ الارباب است)، و من بر این حقیقت از گواهانم

و (پیش خود یا نزد برخی از آنها گفت) به خدا سوگند بی تردید درباره بت های شما پس از آنکه رو به محل عید کرده بتخانه را پشت سر گذاشتید چاره ای خواهم کرد

فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ

۵۹ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ

۶۰ قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُوَ إِبْرَاهِيمُ

۶۱ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ

۶۲ قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ

۶۳ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ

۶۴ فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ

۶۵ ثُمَّ نَكِسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ

۶۶ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ

۶۷ أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۶۸ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ

۶۹ قُلْنَا يَنَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

۷۰ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ

۷۱ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ

۷۲ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ

پس همه آنها را قطعه قطعه کرد غیر از بت بزرگشان را (تا بگوید این کار را او کرده) شاید به آن یا به او رجوع نمایند

گفتند: چه کسی این (توهین بزرگ) را به خدایان ما کرده؟ بی شک او از ستمکاران است

(گروهی) گفتند: شنیده ایم جوانی آنها را (به بدی) یاد می کند که به او ابراهیم گفته می شود (شاید او کرده باشد)

گفتند: او را جلو دیدگان مردم حاضر کنید، شاید (به بدگویی او یا به ارتکاب جنایت او) شهادت دهند

(چون او را حاضر نمودند) گفتند: ای ابراهیم، آیا تو این (عمل زشت هولناک) را درباره خدایان ما انجام داده ای

گفت: (نه) بلکه این کار را این بزرگترشان کرده پس از خودشان بپرسید اگر سخن می گویند

پس آنها (ابتدا) به خود بازگشتند و متنّبّه شدند و (در باطن به خویشتن و یا به یکدیگر) گفتند: حقّا شما خود ستمکارید (که جماد بی روح را می پرستید)

سپس (در فکر خود) سرنگون شدند (و به عقیده اول بازگشتند و به ابراهیم گفتند) تو خوب می دانی که اینها هیچ گاه سخن نمی گویند

گفت: پس آیا شما به جای خداوند، چیزی را می پرستید که هیچ سود و زبانی به شما نمی رساند؟

اف بر شما و بر آنچه به جای خدا می پرستید آیا نمی اندیشید؟

گفتند: او را بسوزانید و خدایاتان را یاری دهید اگر (به راستی) کاری خواهید کرد

(و سرانجام او را در آتش انبوهی افکندند، لکن ما به زبان تکوین) گفتیم: ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش

و درباره او مکری اندیشیدند ولی ما آنها را زیانکارتر قرار دادیم (زیرا علاوه بر آنکه او را آسیبی نرسید عملشان برهان قطعی بر صدق او گردید)

و ما او و (برادرزاده اش) لوط را نجات بخشیدیم که به سوی سرزمینی که آنجا را برای جهانیان پربرکت کرده ایم حرکت کنند (سرزمین شامات که مرکز بعثت پیامبران و انتشار شرایع آسمانی است)

و به او (پسرش) اسحاق و (نوه اش) یعقوب را به عنوان عطیه ای افزون عطا کردیم و همه را شایسته و صالح (برای مقام نبوت) قرار دادیم

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ
الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَبِيدِينَ

۷۴

وَلَوْطًا ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي
كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَلَسِقِينَ

۷۵

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

۷۶

۲۸۳ر

وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ
مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

۷۷

وَنَصْرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ
سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ

۷۸

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ
غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ

۷۹

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ ۖ وَكُلًّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَسَخَّرْنَا مَعَ
دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ ۚ وَكُنَّا فَاعِلِينَ

۸۰

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنَ بَأْسِكُمْ ۖ
فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ

۸۱

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي
بَارَكْنَا فِيهَا ۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمِينَ

و آنها را پیشوایانی قرار دادیم که (جامعه را) به دستور ما
هدایت می کردند و به آنها انجام کارهای خیر و برپا داشتن
نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان فقط پرستش
کنندگان ما بودند

و ما لوط را حکم (حکمت عقلانی، حاکمیت بر ملت، قضاوت در
محاکم) و علم (به احکام و معارف کتاب ابراهیم) عطا کردیم
و او را از (میان) مجتمعی که کارهای پلید (همجنس بازی)
انجام می دادند نجات بخشیدیم، زیرا آنها گروهی زشتکار و
فاسق بودند

و او را در رحمت خویش وارد کردیم، چرا که او از
شایستگان بود

و (به یاد آر) نوح را هنگامی که پیش از آن (پیش از این
پیامبران، خدای خود را) ندا درداد، پس ما دعایش را اجابت
کردیم و او و خاندانش را (بجز همسر و یک پسرش) از آن
اندوه بزرگ (کفر و کفران قوم و بی نتیجه ماندن بیش از
نهمصد سال دعوت) نجات بخشیدیم

و او را یاری دادیم (به نجات) از گروهی که نشانه های ما را
تکذیب و انکار کردند، حقا که آنها گروهی بدکار بودند، پس
همگی آنها را (در آب دریا) غرق نمودیم

و (به یاد آر) داود و (فرزندش) سلیمان را آن گاه که درباره
آن مزرعه (یا تاکستان) که گوسفندان آن گروه، شبانه (و بی
شبان) در آن پراکنده شده (و همه خوشه ها و برگ ها را
خورده) بودند داوری می کردند (تبادل نظر در کیفیت
داوری داشتند و آیین قدیم این بود که ملکیت گوسفندان
عوض خسارت باغ از آن صاحب باغ باشد) و ما در قضاوت
های آنان (همه انبیاء گذشته) حاضر و بر حکمشان گواه
بودیم

پس ما آن (حکم جدید ناسخ را) به سلیمان آموختیم (که تا
باغ دوباره بر سر برگ و بار ننشسته عایدات گوسفندان از
آن صاحب باغ باشد نه اصل ملکیت) و ما هر دو را حکم
(نبوت و قضاوت و حاکمیت) و دانش (دین و علوم مورد نیاز
مردم) عطا کردیم، و کوه ها و پرندگان را مسخر نمودیم که
همراه داود تسبیح و تقدیس (خدا) می کردند، و ما (هر چه
را اراده کنیم) انجام دهنده ایم

و به خاطر شما (انسان ها) به داود صنعت زره سازی و لباس
جنگی آموختیم تا شما را از سختی و آسیب جنگ ها حفظ کند
پس آیا شما شکرگزار خواهید بود

و برای سلیمان باد تند (و آرام) را رام کردیم که به فرمان
او به سوی سرزمینی (شامات و فلسطین) که آن را پربرکت
ساخته ایم روان می شد، و ما از ازل به همه چیز داناییم

وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُۥ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَٰلِكَ ۖ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّیْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

فَاسْتَجَبْنَا لَهُۥ وَفَكَشَفْنَا مَا بِهِۥٓ مِنْ ضُرٍّ ۖ وَعَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُۥ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَبِيدِينَ

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ ۖ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا ۖ إِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْلَضِبًا فَظَنَّ أَن لَّنْ نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

فَاسْتَجَبْنَا لَهُۥ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ ۖ وَكَذَٰلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

فَاسْتَجَبْنَا لَهُۥ وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ يَحْيَىٰ ۚ وَأَصْلَحْنَا لَهُۥٓ زَوْجَهُۥٓ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا ۖ وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ

و برخی از شیطان ها برای او غواصی می کردند و کارهایی غیر آن نیز (نظیر ساختن شهرها، قصرها، مجسمه ها و صنایع غریبه) انجام می دادند، و ما پیوسته آنها را (از نافرمانی و پیروی از خبثات فطرتشان) نگهدارنده بودیم

و (به یاد آر) ایوب را هنگامی که پروردگارش را ندا کرد که همانا مرا بیماری و شدت و آسیب رسیده، و تو مهربان ترین مهربانانی

پس ما (دعای) او را اجابت کردیم و شدت و آسیبی را که در او بود برطرف نمودیم و کسان او را (که با حوادث از بین رفته بودند) و نظیر آنها را همراهشان به او عطا کردیم تا رحمتی بر او کرده باشیم و تذکری باشد برای پرستش کنندگان (صبور دیگر)

و (به یاد آر) اسماعیل و ادريس و ذا الكفل (الیاس) را که همه آنان از صابران بودند (در تحمل بار رسالت و حسن اجراء آن، و تربیت امت خود)

و همه آنان را در رحمت خویش (منصب نبوت، کمالات نفسانی، کتاب آسمانی و تربیت جامعه) درآوردیم، زیرا که به حق از نیکان و شایستگان بودند

و (به یاد آر) ذا النون (صاحب نهنگ، یونس بن متی) را هنگامی که خشمناک (از میان قوم خود بیرون) رفت، پس گمان کرد که ما هرگز بر او تنگ نخواهیم گرفت، پس (کارش به جایی رسید که) در میان تاریکی ها (ی سه گانه شب و قعر دریا و شکم نهنگ) ندا درداد که (ای خدا) جز تو معبودی نیست، تو (از هر عیب و نقصی) منزّه و پاکی، حقّا که من از ستمکاران بودم (زیرا عملی که نتیجه اش نقص بهره من بود بدون توجه به جا آوردم)

پس ما خواسته او را برآوردیم و او را از اندوه (آن گرفتاری عظیم) نجات بخشیدیم، و ما این گونه مؤمنان را نجات می دهیم

و (به یاد آر) زکریّا را هنگامی که پروردگار خود را ندا کرد: پروردگارا، مرا تنها (و بدون فرزند و وارث) مگذار و (اگر وارثی هم ندهی باکی نیست، زیرا) تو بهترین وارث هستی

پس ما خواسته اش را برآوردیم و یحیی را به او بخشیدیم و همسرش را هم (که سالخورده و ذاتا نازا بود به وسیله ردّ جوانی و بذل نیروی توالد) برای او شایسته (بارداری) کردیم چرا که آنها (خاندان زکریا یا همه انبیاء گذشته) همواره در کارهای خیر شتاب می ورزیدند، و پیوسته از ما در حال امید و بیم دعا و درخواست داشتند، و همواره در برابر ما خاضع و بیمناک بودند

وَالَّتِي أَحْصَنْتَ فَرَجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَهَا
وَأَبْنَاهَا ءَايَةً لِّلْعَالَمِينَ

۹۲

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ

۹۳

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ

۹۴

ر۲۸۴

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْلَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ
لِسَعْيِهِ ؕ وَإِنَّا لَهُ وَكِتِبُونَ

۹۵

وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

۹۶

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّن كُلِّ حَدَبٍ
يَنْسِلُونَ

۹۷

وَأَقْرَبَ الْوَعْدِ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ
كَفَرُوا يَوْمِلُنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا
ظَالِمِينَ

۹۸

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا
وَارِدُونَ

۹۹

لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ ءَالِهَةً مَّا وَرَدُّوهَا كُلُّ فِيهَا خَالِدُونَ

۱۰۰

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ

۱۰۱

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

و (یاد آور) آن زن را که دامان عَقَّت خود (از حلال و حرام) نگاه داشت پس ما در (مبدأ انسانی موجود در رحم) او از روح خود دمیدیم (و پسری در رحم او آفریدیم) و او و پسرش را (کیفیت خلقت پسر، کیفیت نبوت، رواج کتاب، اقسام معجزات و طول زندگی او را) نشانه ای (از توحید و عظمت و قدرت خود) برای جهانیان قرار دادیم

(ای مردم) به یقین این (نوع انسانی) اَمّت شمايند و همه یک طائفه و یک مَلّیتد (یا این دین توحید مورد دعوت انبیا دین شماسـت، دینی یگانه برای همه افراد بشر) و من پروردگار شمايم، پس تنها مرا بپرستید

اما آنان کار (دین و آیین) خود را در میان خود پاره پاره کردند (هر گروهی پاره ای از آن را با خلط به بدعت هایی برای خود دین قرار دادند و به بت پرست، یهودی، مجوسی، صابئی و غیره منقسم شدند و سرانجام در فردای قیامت) همگی به سوی ما باز خواهند گشت

پس کسی که از کارهای شایسته انجام دهد در حالی که مؤمن باشد، پس هرگز سعی و کوشش او ناسپاسی نخواهد شد و ما بی تردید نگارنده آنیم

و ممنوع و غیر ممکن است بر مجمعی که آنها را هلاک کرده ایم (بازگشت به دنیا) آنها باز نخواهند گشت

(بقا، اختیار برای بشر ادامه دارد) تا آن گاه که (آثار قیامت ظاهر گردد و راه) یأجوج و مأجوج (به شکستن سد) گشوده گردد و آنها از هر بلندی و مرتفعی به شتاب سرازیر شوند

و وعده حق (قیامت) نزدیک گردد پس به ناگاه حادثه این باشد که دیدگان کسانی که کفر ورزیده اند (از عظمت و هول منظره) خیره و بی حرکت گردد (و فریاد زنند): ای وای بر ما که از این (روز) سخت در غفلت بودیم، بلکه ما گروهی ستمکار بودیم (و غفلت ما در اثر ظلم خود ما بود)

(در آن روز به کفار خطاب شود) همانا شما و آنچه به جای خدا (از بت ها و تمثال ها و ستارگان) می پرستید هیزم جهنمید، همه شما وارد شونده در آنید

اگر اینها خدایانی بودند هرگز وارد جهنم نمی شدند، و همگی در آنجا جاودانه اند

(ای پیامبر) آنان در آنجا آه و ناله های شدید دارند و آنها در آنجا (از هول و شدت عذاب و به کیفر نشنیدن سخن حق در دنیا) چیزی نمی شنوند

البته کسانی که از ما برای آنها (به خاطر ایمانشان در دنیا وعده) نیکی گذشته (به آنان وعده آمرزش، شفاعت و بهشت داده ایم) آنان از آن آتش به دور نگاه داشته خواهند بود

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا ۖ وَهُمْ فِي مَا أُشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ

۱۰۳

لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّيْهُمْ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

۱۰۴

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ ۖ وَعَدًا عَلَيْنَا ۖ إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ

۱۰۵

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

۱۰۶

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ

۱۰۷

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

۱۰۸

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ

۱۰۹

فَإِنْ تَوَلَّوْاْ فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَآءٍ ۖ وَإِنْ أَدْرِيْ أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدُ ۖ مَا تُوعَدُونَ

۱۱۰

إِنَّهُ يُعَلِّمُ الْجَهَرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

۱۱۱

وَإِنْ أَدْرِيْ لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَعَ إِلَىٰ حِينٍ

۱۱۲

قُلْ رَبِّ أَحْكُم بِالْحَقِّ ۚ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ

آنها اندک صدای آن را هم (در حال گذشتن از صراط و پس از آن) نمی شنوند و در آنچه دل هایشان میل کند (از نعمت های بهشتی) جاودانند

آن وحشت بزرگ آنان را غمگین نمی کند و فرشتگان (با تبریک و تهنیت) به استقبالشان می آیند (و می گویند) این همان روز شماست که (در دنیا) به آن وعده داده می شدید

(به یاد آر) روزی که ما آسمان را (با هر چیزی که در آن هست) درنوردیم، چنان که طومار نوشته ها را درمی پیچد، همان گونه که نخستین بار آفریدگان را (با جمع ذراتشان از میان آب و خاک) به وجود آوردیم دوباره آنان را بازمی گردانیم (اجزاء نابود شده یا پراکنده شده را جمع کرده و به صورت اول درمی آوریم، این امر) وعده ای است بر عهده ما که بی تردید انجام دهنده آنیم

و حقّ که ما در هر کتاب آسمانی پس از لوح محفوظ، و در زبور (داود) پس از ذکر (تورات موسی) و در قرآن پس از آن کتاب ها، نوشتیم و مقرر کردیم که همانا (ملکیت و حاکمیت و استفاده تام از برکات) این زمین را بندگان صالح و شایسته من به ارث خواهند برد (از دست غاصبان و ائمه جور به امامان عدل و خلفای آنها منتقل خواهد شد)

همانا در (محتوای) این (سوره یا این کتاب) برای گروهی که خداپرستند وسیله رسیدن به غایت مقصود (و دین و دنیای سالم) نهفته است

و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم

بگو: جز این نیست که به من وحی می شود که معبود شما خدایی یگانه است، پس آیا شما (در برابر این سخن) تسلیم شدنی هستید

پس اگر رویگردان شدند بگو: به شما به طور یکسان اعلام کردم و هشدار دادم، و نمی دانم آنچه بدان وعده داده می شوید آیا نزدیک است یا دور

همانا او می داند آنچه را آشکار است از گفتار (شما درباره اسلام از عیب جویی و طعن و استهزا) و آنچه را که پنهان می دارید (از عداوت و نقشه و توطئه براندازی آن)

و من نمی دانم، شاید این (هشدار من و تأخیر عذاب موعود) آزمونی برای شما و (مهلت) برخورداری تا مدتی (معین) است

(پیامبر) گفت: پروردگارا (میان من و اینان) به حق حکم کن، و (ای مشرکان) پروردگار مهربان ما مورد استمداد (من) است در برابر آنچه شم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

يَوْمَ تَرُؤْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ

ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ

وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ

شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ

عَذَابِ السَّعِيرِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا

خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ

مُضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ لِّبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ

مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا

أَشْدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ

الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ

هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأُتْبِتَتْ مِن

كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

ای مردم، از پروردگار خود پروا کنید، حقا که زلزله قیامت (که پیش از نفخه اول صور واقع می شود) چیزی است بزرگ

روزی که آن را ببینید (خواهید دید که) هر زن شیردهنده ای از شیر دادن کودکش غفلت می کند. و هر زن بارداری بار خود را فرو می نهد، و مردم را مست بینی، اما مست نیستند ولی عذاب خداوند سخت است

و از مردم کس هست که همواره درباره خداوند بدون هیچ دانشی مجادله و ستیزه می کند (که فرشتگان دختران اویند، قرآن افسانه پیشینیان است و معادی در کار نیست) و از هر شیطان پلید و سرکشی پیروی می نمایند

بر وی (بر شیطان در لوح محفوظ، طبق علم ازلی الهی) نوشته و مقرر شده که هر کس او را به دوستی و سرپرستی گیرد بی شک او را (از راه های سعادت) گمراه می کند و به سوی عذاب آتش شعله ور راه می نماید

ای مردم، اگر از برانگیخته شدن (پس از مرگ) در شکید پس (در آفرینش خود دقت کنید که) ما شما را از خاک آفریدیم (جد و جدّه نخستین تان را بلاواسطه و به نحو اعجاز، و نسل آن دو را با واسطه به جذب مواد اولیه خاک و انتقال آن به بدن) سپس از نطفه سپس از علقه (لخته خون مبدل از نطفه) سپس از مضغه (پاره گوشتی مبدل از علقه) که برخی دارای خلقت کامل و برخی غیر کامل است، تا (کمال قدرت و حکمت خود را در این آفرینش تدریجی) برای شما روشن سازیم، و ما آنچه را بخواهیم (از مضغه) در رحم ها تا مدت معینی (که جنین کامل شود) برقرار می داریم، سپس شما را در حال کودکی بیرون می آوریم، سپس (حفظ می کنیم) تا به کمال رشد بدنی و روحی خود برسید، و برخی از شما (قبل از پیری) قبض روح می شود و برخی از شما به پایین ترین مرحله عمر بازگردانده می شود تا عاقبت بعد از دانش (فراوان) چیزی نداند. و (روی زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می بینی، پس چون آب را (به صورت باران و برف و تگرگ) بر آن فرو فرستیم می جنبد و بالا می آید و از هر نوع (گیاه و نهال) بهجت انگیز می رویاند

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَأَنَّ السَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ

ثَانِي عِطْفِهِۦ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِۦ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فَتْنَةٌ أُنْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِۦ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا نِنْفَعُهُۥ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَلُ الْبَعِيدُ

يَدْعُوا لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِۦ لَبِئْسَ الْمَوْلَىٰ وَلِبِئْسَ الْعَشِيرُ

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَن لَّنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُۥ مَا يَغِيظُ

این (طرز خلقت انسان و نبات) بدان سبب است که خداوند حق و ثابت است و اوست که مردگان را زنده می کند و او بر هر چیزی تواناست

و اینکه رستاخیز آمدنی است، هیچ شکی در آن نیست و اینکه خداوند همه آنان را که در قبرها هستند برمی انگیزد (و به صحنه محشر می آورد)

و از مردم کس هست که همواره درباره خداوند، بدون هیچ دلیل علمی (و حجت عقلی) و هیچ هدایت (و عرفان باطنی) و هیچ کتاب روشن آسمانی، محاجّه و ستیز می کند

در حالی که متکبرانه (از دعوت الهی) روی می گرداند و به آن پشت می کند تا (دیگران را) از راه خدا گمراه سازد. او را در دنیا خواری و رسوایی است (مانند مشرکان مکه) و در روز قیامت او را عذابی سوزان خواهیم چشاند

(در جهنم به او گفته می شود) این عذاب به سبب آن اعمالی است که دست های خودت پیش فرستاده و اینکه خداوند بر بندگانش هیچ ظلم کننده نیست (بلکه کیفردهنده است)

و از مردم کس هست که خدا را یک طرفه می پرستد (در اعتقاد مردّد، و در عمل معلق است) پس اگر خیری (ثروت، صحت، مقام) به او رسید بدان دلگرم شود، و چون آزمونی (ضرری در مال و جان) به او رسید رخ برتافتۀ برمی گردد. چنین کسی در دنیا و آخرت خود زیان کرده است (در دنیا اعمالش حبط و در آخرت گرفتار کیفر شرک و فسق است)، این است همان زیان آشکار

او به جای خداوند چیزی را می خواند (مانند بت) که نه به او ضرری می زند و نه سودی می رساند این است همان گمراهی دور و دراز

کسی را می خواند که حتما زیانش (بیشتر و) نزدیکتر از سود اوست (زیانش آثار شرک و سودش موهومی است). چه بد یاور و سرپرست، و چه بد معاشر و همدمی است

همانا خداوند کسانی را که ایمان آورده و عمل های شایسته انجام داده اند در بهشت هایی درآورد که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها روان است. البته خدا هر چه را اراده حتمی کند انجام می دهد

هر کس (از مشرکان مکه) گمان می کرد که خداوند هرگز او را (محمّد را) در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد (و اینک می بیند که خدا او را یاری کرده است) یا هر کس درباره خود گمان کند که خدا او را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد، و مأیوس از رحمت حق باشد، پس ریسمانی به سقف کشد سپس (خود را) حلق آویز کند، آن گاه بنگرد آیا این نیرنگ وی خشم و غیظش را از بین می برد

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يُرِيدُ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّٰبِغِينَ وَالطَّٰصِرَىٰ
وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُم يَوْمَ
الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمٰوٰتِ وَمَن فِي
الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ
وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ ۚ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۚ
وَمَن يُّهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ ۝۱۸

هَٰذَانِ خَصَمَانِ أَحْتَصِمُوا فِي رَبِّهِمَّ ۖ فَالَّذِينَ كَفَرُوا
قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ
الْحَمِيمُ

يُصْهَرُ بِهِۦ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ

وَلَهُمْ مَّقْلِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ

كَلَّمَآ أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِّنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا
عَذَابَ الْحَرِيقِ

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ جَنَّٰتٍ
تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِّنْ ذَهَبٍ
وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

و این گونه (که این آیات را نازل کردیم) این کتاب را در
حالی که دلائل روشن (توحید و معارف دینی) است فرو
فرستادیم و حقا که خدا هر کس را بخواهد هدایت می کند
(مکلفین را تشریعا و مؤمنین را تکوینا راهنمایی می کند)

البته کسانی که (به محمّد و کتاب او) ایمان آورده اند و
کسانی که یهودی اند و صابئان و نصاری و زرتشتیان و
کسانی که شرک ورزیده اند، بی تردید خداوند میان آنها (از
نظر صحت و فساد مذهب و استحقاق پاداش و کیفر) در روز
قیامت جدایی خواهد افکند، همانا خداوند بر هر چیزی
شاهد و گواه است

آیا (به دیده دل) ندیده ای که هر که در آسمان ها و هر که
در زمین (و هر چه در آنها) است و خورشید و ماه و ستارگان
و کوه ها و درختان و جنبندگان، در برابر خدا (تکوینا) سجده
و خضوع می کنند، و نیز بسیاری از مردم (مانند مؤمنان
سجده تشریعی می نمایند)، و بسیاری هم (از انسان ها و
اجنه و همه شیطان ها به جهت خودداری از سجده) عذاب بر
آنها ثابت است؟! (آری خدا آنها را خوار کرده) و کسی را که
خدا خوار کند پس هرگز او گرامی کننده ندارد چرا که
خداوند هر چه را اراده حتمی کند انجام می دهد

این دو (گروه مؤمن و کافر) دشمنان یکدیگرند که درباره
پروردگارشان به خصومت برخاسته اند (درباره هستی و
یگانگی و ربوبیت و عبودیت خدا خصامه دارند) پس
کسانی که کفر ورزیده اند برای آنها لباس هایی از (جوهره
تبلور یافته) آتش بریده شده، بر فرق سرشان (در جهنم)
آب جوشان ریخته می شود

که بدان (آب) هر چه در شکمشان است و پوست هایشان
گداخته و آب می شود

و برای (عذاب آنها) گرزهایی از آهن است

هر گاه اراده کنند که از (شدت) غصه از آنجا بیرون آیند
(به اجبار) در آن بازگردانده می شوند و (گفته می شود)
بچشید عذاب سوزنده را

بی تردید خداوند کسانی را که ایمان آورده و عمل های
شایسته انجام داده اند وارد بهشت هایی می کند که از زیر
(ساختمان و درختان) آنها رودها روان است. آنها در آنجا با
دستبندهایی از طلا و (گردنبندهایی از) مروارید آراسته می
گردند و لباس (معمولی) آنها در آنجا دیبا و پرنیان است

وَهْدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهْدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ

و آنها (در برخورد با فرشتگان و میان خودشان) به سوی گفتار پاکیزه (مانند سلام، تحیت، حمد و سخنان بهجت انگیز از پیش) هدایت شده اند، و به سوی راه خداوند ستوده صفات راهنمایی شده اند (که آنها نیز ستوده صفات باشند)

۲۵

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَكِيفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

البته کسانی که کفر ورزیدند و همواره (مردم را) از راه خداوند (اسلام و قرآن) و از مسجد الحرامی که ما آن را برای (عبادت عامه) مردم قرار داده ایم به طوری که حاضر و مسافر در آن یکسانند، جلوگیری می کنند (آنان منحرف و ستمکار به مردم اند) و هر کس در آن با انحراف (از حق) به ظلم قصد (مردم) نماید او را عذابی دردناک می چشایم

۲۶
۲۸۸۲

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

و (به یاد آر) هنگامی که برای ابراهیم جایگاه خانه کعبه را آماده کردیم (که پایه های آن را روی شالوده ای که آدم نهاده بود بالا برد و گفتیم) که برای من (در مراسم حج این خانه) چیزی را شریک قرار مده و خانه مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان (به عبادت) و رکوع و سجده کنندگان (از پلیدی های معنوی و ظاهری) پاکیزه گردان

۲۷

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

و در میان مردم به حج (خانه خدا) اعلان عمومی کن تا (در نتیجه دعوت تا روز قیامت، مردم) پیاده و سوار بر شتران لاغری که از هر راه دور و درازی روانه شده اند به سوی تو روی آورند

۲۸

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَلْبَابِ السُّقُورِ

تا پاره ای از منافع (دنیوی و اخروی) خود را مشاهده کنند و نام خدا را در روزهایی معین (دهه اول ذی حجه یا روز عید و سه روز بعدش) بر آنچه روزی آنها کرده از چهارپایان (سه گانه: شتر و گاو و گوسفند در وقت قربانی کردن) ذکر کنند پس خود از آنها بخورید و به فقیری که در شدت تهیدستی است نیز بخورانید

۲۹

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ

سپس آلودگی و کثافت (بدن) خود را (به تراشیدن سر و بیرون رفتن از احرام و غسل و تنظیف) زایل سازند و به نذرهای خود (هر نذری که بر عهده دارند) وفا نمایند و به دور آن خانه گرامی قدیم و آزاد طواف نمایند

۳۰

ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُوَ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ

این است (حجی که بر ابراهیم و بر تو نوشتیم)، و هر کس برنامه های محترم خدا را بزرگ شمارد برای او در نزد پروردگارش بهتر است. و همه چهارپایان جز آنچه همواره بر شما خوانده می شود بر شما حلال گردید پس از بت های پلید پرهیز نمایید و از گفتار انحرافی (مانند دروغ، بهتان، شهادت به ناحق و آوازه خوانی) دوری جویند

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِۦ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا
خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي
مَكَانٍ سَحِيقٍ

ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ
الْعَتِيقِ

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ
مِّنْ بَهِيمَةٍ أَلَّا يَنعَمَ ۚ فَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ
الْمُخْبِتِينَ

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا
أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرَ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا حَرِّصٌ
فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ ۚ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا
فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا
لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ
مِنْكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا
هَدَيْنَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ

إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ
كُفُورٍ

(از رجس و زور اجتناب کنید) در حالی که برای خدا حق گرا
بوده از مشرکان نباشید و هر کس برای خداوند (در وجود و
ربوبیت و خلقت و عبادت) شریک قرار دهد پس گویی از
آسمان سقوط کرده و مرغان شکاری او را می ربایند (و طعمه
خود می سازند) یا باد (سخت) او را در جایی دوردست می
افکند

این است (برنامه حج)، و هر کس شعائر خدا را (علامت های
حج او و هر علامت دینی را) بزرگ شمارد بی تردید (تعظیم
شعائر الهی) نشأت یافته از تقوای دل هاست

در آن (قربانی ها) برای شما (از زمان بستن احرام) تا مدتی
معین (وقت نحر یا ذبح آنها) منافی است (چون شیر و پشم
و بچه و سواری) سپس هنگام قربانی آنها وقتی است که به
آن خانه قدیم و آزاد (کعبه) برسند

و برای اهل هر شریعتی قربانی عبادی خاصی (یا برنامه حبی
که قربانی دارد) قرار داده ایم (و مخصوص حج شما پیروان
ابراهیم نیست) تا نام خدا را بر آنچه از چهارپایان روزی آنها
کرده ایم (در هنگام قربانی) ذکر کنند. زیرا خدای شما
خدایی یگانه است، پس در برابر او تسلیم شوید و (تو ای
پیامبر) متواضعان و مخلصان را بشارت ده

همانها که چون (نام) خدا یاد شود دل هایشان می ترسد، و
صبرکنندگان بر آنچه بدانها (از شداید) برسد و
برپادارندگان نماز، و آنها که از آنچه روزیشان کرده ایم
انفاق می کنند

و شترهای تنومند را برای شما (در مراسم حج) از شعائر
خدا قرار داده ایم، در آنها برای شما خیر (دنیا و آخرت)
است، پس (در هنگام قربانی) در حالی که سرپا ایستاده
باشند نام خدا را بر آنها ببرید (و نحر کنید) و چون
پهلوهایشان بر زمین خورد (و تذکیه شدند) از آنها بخورید
و به تنگدستان قانع و فقیران اهل توقع نیز اطعام کنید.
این چنین آنها را رام شما کرده ایم شاید که شکرگزارید

هرگز گوشت ها و خون های آنها به خداوند نخواهد رسید،
بلکه از جانب شما تقوا (ی درونی و عملی) به او می رسد.
این چنین خدا آنها را رام شما کرده تا به پاس آنکه شما را
هدایت کرده خدا را تکبیر گویید و بزرگ بدارید. و (تو ای
پیامبر) نیکوکاران را بشارت ده

همانا خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند
(هجوم دشمنان را دفع و راه پیروزی را باز می کند)، البته
خداوند هیچ خیانت پیشه ناسپاسی را دوست ندارد

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَتِّلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَرِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْأُمُورِ

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ ۖ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ ۖ فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْسَ مَعْظَلَةٌ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۖ فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ

به آنان که جنگ بر آنها تحمیل می شود رخصت جهاد و نبرد داده شد، زیرا به آنها ستم شده، و البته خداوند بر یاری آنها کاملا تواناست

آنان که از خانه های خود به ناحق اخراج شدند (و جرمی نداشتند) جز آنکه می گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست. و اگر خداوند برخی از مردم را با برخی دیگر دفع نمی کرد (در هر عصری کفار را از مجتمع دینی و امکنه مذهبی به وسیله مؤمنین دفع نمی کرد) البته دیرهای راهبان و کلیساهای ترسایان و کنشت های جهودان و مسجدهای مسلمانان که بسیاری از اوقات نام خدا در آنها ذکر می شود ویران می گردید. و بی تردید خدا هر که را که او را یاری می کند یاری خواهد کرد، همانا خدا نیرومند و شکست ناپذیر است

همان ها که اگر آنان را در روی زمین تسلط و توان دهیم نماز را برپا می دارند و زکات می پردازند و (مردم را) به هر کار پسندیده (عقلی و شرعی) وا می دارند و از هر عمل ناپسند و زشت بازمی دارند، و عاقبت همه کارها از آن خداست

و اگر تو را تکذیب کنند (عجبی نیست که) پیش از آنان قوم نوح و عاد (قوم هود) و ثمود (قوم صالح هم پیامبران خود را) تکذیب کردند

و نیز قوم ابراهیم و قوم لوط

و نیز اهل مدین (قوم شعیب) و موسی نیز تکذیب شد، پس مدتی کافران را مهلت دادم سپس آنها را به قهر و غضب گرفتم، پس (بنگر که) چگونه بود عکس العمل شدید من

پس چه بسیار از مجتمع های انسانی که هلاکشان کردیم در حالی که (به خود و دیگران) ستمکار بودند، پس (در نتیجه نزول عذاب سقف ها فرود آمده و دیوارهای) خانه هاشان بر سقف ها فرو ریخته، و (چه بسیار) چاه های متروک و کاخ های مرتفع محکم (که همه بی صاحب مانده اند)

آیا در (روی) این زمین سیر نکرده اند تا برای آنها دل هایی پیدا شود که بدان بیندیشند یا گوش هایی که بدان بشنوند؟! زیرا در حقیقت چشم های ظاهر کور نمی شود و لکن دل هایی که در میان سینه هاست کور می گردد

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

وَكَايْنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ أُمَلِّتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ

قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِيْ ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِيْ أُمْنِيَّتِهِۦ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ ءَايَتِهِۦ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ ۚ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِۦٓ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ

و آنها از تو (به عنوان استهزا) شتاب در عذاب (موعود) خواهند، در حالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلف نمی کند، و همانا یک روز در نزد پروردگار تو مانند هزار سال است از آنچه شما می شمارید (یک روز زمان و هزار سال آن، در برابر خدای خارج از زمان و خالق آن یکسان است، پس در او عجله و شتاب تصور نمی شود)

و چه بسیار از مجتمع انسان ها که مهلتشان دادم، در حالی که ستمکار بودند، سپس آنها را (به قهر و غضب) گرفتم و بازگشت (همه آفریده های زنده) به سوی من است

بگو: ای مردم، جز این نیست که من برای شما بیم دهنده ای آشکارم (شما را از عواقب بد کفر و فسق می ترسانم)

پس کسانی که ایمان آوردند و عمل های شایسته کردند برای آنهاست آمرزش و روزی خوب و دلپسند

و کسانی که در (مقابله با) آیات و نشانه های ما می کوشند به هدف اینکه عاجزکننده ما باشند، آنها اهل دوزخند

و ما پیش از تو (نیز) هیچ رسولی و نبیی نفرستادیم (کسی که رسالتش به دیدن آشکار فرشته است، و کسی که نبوتش به تلقی وحی در خواب است) مگر آنکه هنگامی که آیات کتاب خود را می خواند و یا در فکر پیاده کردن دین خود در جامعه می افتاد شیطان در میان گفتار او (شبهات بیهوده) می افکند، و در مقابل اهداف بلند او امور باطل القا می نمود اما خداوند (سنت جاریه اش بر این است که) آنچه را شیطان القا می کند محو و باطل می سازد سپس آیات و نشانه های خود را پابرجا و استوار می نماید، و خداوند دانا و با حکمت است

(هدف از تمکین شیطان این است) تا آنچه را که شیطان القا می کند وسیله آزمون کسانی که در دل هایشان مرض است و سنگدلان قرار دهد، و همانا ستمکاران در مخالفت و عداوت دور و درازی هستن

و تا کسانی که به آنها دانش (دینی) داده شده بدانند آن (دعوت رسول و نبی) حق است از جانب پروردگار تو، پس به آن بگروند و در نتیجه دل هایشان در برابر آن رام و خاضع شود، و حقاً که خداوند کسانی را که ایمان آورده اند به سوی راهی راست (کمالات پس از ایمان) رهنمون است

و کسانی که کفر ورزیدند (از کفار قریش) پیوسته نسبت به این (قرآن یا نبوت تو) در شک و ریب اند تا به ناگاه ساعت (مرگ) به آنها فرا رسد، یا عذاب روز نازا (روز قیامت که هیچ چیز در آن قابل جبران نیست) به سراغشان آید

أَلَمْ لِكْ يَوْمَئِذٍ لِلّٰهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ ۖ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ

ذَٰلِكَ ۖ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ۖ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً ۚ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

فرمانروایی (مطلق واقعی و ظاهری) در آن روز از آن خداست، او در میان آنها (حاضران صحنه محشر) حکم می کند، پس کسانی که ایمان آورده اند و عمل های شایسته کرده اند در باغ های پر نعمت اند

و کسانی که کفر ورزیدند و نشانه های (توحید و صدق کتاب و دین) ما را تکذیب و انکار نمودند برای آنها عذابی خوارکننده است

و کسانی که در راه خدا (برای جهاد یا تحصیل علم دین یا هر امر الهی) هجرت کردند سپس کشته شده یا مردند حتما خداوند آنها را روزی نیکو خواهد داد، و به یقین خداوند بهترین روزی دهندگان است

بی تردید آنها را در جایگاهی وارد می کند که می پسندند، و حقا که خداوند دانا (به نیازهای آنها) و بردبار است (که شتاب در هلاکت دشمنانشان نمی کند)

این است (مطلب درباره ایمان و کفر) و هر کس به آن اندازه که عقوبت دیده عقوبت کند (ظالم خود را قصاص نماید یا از او دیه بگیرد) سپس بر او ظلم شود (جانی دوباره بر او تعدی کند) حتما خداوند او را (تکوینا در دنیا و آخرت و تشریعا) یاری خواهد کرد، و به یقین خداوند بخشنده و آمرزنده است (نسبت به مظلوم و از این رو عقوبت مجازاتی را اجازه می دهد)

این (یاری مظلوم بر ظالم) به خاطر آن است که خداوند (بر هر غلبه ای در عالم تکوین قادر است) شب را وارد و غالب بر روز می کند (تا همه جا را فرا گیرد) و روز را غالب بر شب می کند (تا همه جا روشن گردد. یا مقداری از شب را در فصلی وارد روز می کند و مقداری از روز را در فصل دیگر وارد شب می کند) و (نیز این یاری) به خاطر آن است که خدا شنوا و بینا (به حال مظلومان و ظالمان) است

این (تسلّط خدا بر تشریع و تکوین) به خاطر آن است که تنها خداوند حقّ مطلق مستقل است و هر چه به جای او می خوانند باطل است و خدا والا مقام و بزرگ است

آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرو فرستد پس بدان سبب (روی) زمین سرسبز می گردد، حقا که خدا لطیف است (به دقایق اشیا نفوذ دارد) و آگاه (از کیفیت تدبیر امور جهان) است

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است (و خود آسمان ها و زمین) از آن اوست (چرا که خلقت و حفظ و تدبیر و فانی نمودن آنها تحت اراده تکوینی اوست) و همانا خداوند بی نیاز (ذاتی از همه چیز) و شایسته ستایش (به همه کمالات) است

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَحِيمٌ

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُم ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُم إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنْزِعُ عَنْكَ فِي الْأَمْرِ وَاذْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ

وَإِنْ جَدَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَّصِيرٍ

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْبِئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَٰلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

آیا ندیدی که خداوند آنچه در (روی) زمین است رام شما نموده (با صلاحیت های گوناگونی که در وجودشان هست متعلق علم و اراده شما قرار داده) و نیز کشتی ها را که در دریا به فرمان او جریان دارند و آسمان را (به نیروی خاص نامرئی) نگه می دارد تا مبادا بر روی زمین فرو افتد مگر به اذن و اراده حتمی او (آن گاه که بخواهد نظام عالم تکوین را به هم زند)، حقا که خداوند با مردم رئوف و مهربان است

و اوست که شما را (به تدریج در طول تاریخ نوعتان) زنده کرده، سپس (به تدریج) می میراند، سپس (در نفخه دوم قیامت جمعا) زنده می کند. (نعمت حضور در جهان عمل، با حصول در عالم نتیجه کامل می شود ولی) بی تردید انسان بسیار ناسپاس است

ما برای هر امتی (از اهل شرایع گذشته از نوح تا خودت) عبادتی (به تناسب زمان و حالات آنها) قرار داده ایم که به آن عمل می کنند، پس نباید آنها با تو در امر (شریعت) نزاع و جدال کنند (بلکه باید آیین نسخ را بگیرند و منسوخ را رها کنند). و به سوی پروردگارت دعوت نما، به یقین تو بر هدایت (به راهی) مستقیم هستی

و اگر (پس از اتمام حجت نیز) با تو مجادله کنند، پس (به نحو اعراض) بگو: خداوند به آنچه انجام می دهید داناتر است

خداوند در روز قیامت میان شما در آنچه در آن اختلاف داشتید داوری خواهد کرد

آیا ندانستی که خداوند آنچه را در آسمان و این زمین است می داند؟! البته همه آنها در کتابی (لوح محفوظ نشأت یافته از علم ازلی الهی) ثبت است و بی تردید آن (ثبت در لوح و اجرا، در قیامت) بر خداوند آسان است

و آنها به جای خداوند چیزی را که خدا بر آن دلیل و برهانی نازل نکرده و چیزی را که به (الوهیت، ربوبیت، مقرّیت و شفاعت) آن علم ندارند (بلکه از روی ظن و تقلید است) پرستش می کنند، و هرگز ستمکاران را یآوری نیست

و چون آیات ما که دلایل روشن (توحید و معارف) است بر آنها تلاوت شود، در چهره کسانی که کفر ورزیده اند ردّ و انکار را مشاهده می کنی، نزدیک است به سوی کسانی که آیات ما را بر آنها می خوانند حمله برند (و بر سر آنها بکوبند،) بگو: آیا شما را به بدتر از این (خشم و ناراحتی) خبر دهم؟ (آن) آتش است که خداوند آن را به کسانی که کفر ورزیده اند وعده داده، و بد سرانجامی است

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِنْ
يَسْلُبُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الظَّالِمُ
وَالْمَطْلُوبُ

۷۴

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

۷۵

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ
سَمِيعٌ بَصِيرٌ

۷۶

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

۷۷

سجده
مستحب

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعْبُدُوا رَبَّكُمْ
وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۷۸

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ
عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ
سَمَّكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ
شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا
الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ
فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ

ای مردم (درباره شما و بت هایتان) مثالی زده شده پس
بدان گوش فرا دهید: همانا کسانی که به جای خدا می
خوانید هرگز مگسی هم نتوانند آفرید هر چند بر آن
اجتماع کنند، و اگر مگسی از آنها چیزی برباید آن را از وی
بازپس نتوانند گرفت، طالب و مطلوب هر دو ناتوانند
(مشرکان طالب و بتان مطلوب، مگسان طالب و ربوده های
مطلوب، بتان طالب و مگسان مطلوب)

خدا را در حدّ مقام و منزلت او (حتّی در محدوده استعداد
بشری) اندازه نگرفته و نشناخته اند (و از این رو قوی ترین
موجود را که خالق هستی است با ضعیف ترین مخلوق وی
شریک ساخته اند)، حقّاً که خداوند نیرومند و غالب شکست
ناپذیر است

خداوند رسولانی از فرشتگان (واسطه میان خود و پیامبران)
و از مردم (واسطه میان خود و جامعه) برمی گزیند. همانا
خداوند (به ندای نیازهای جامعه به تعلیم و تربیت، و به حال
رسولان و مربیان آنها) شنوا و بیناست

آنچه را در پیش روی آنها (رسولان ملکی و بشری) و در
پشت سر آنهاست می داند (و آنها را از خطا و نسیان و
دستبرد شیطان مصون می دارد) و همه امور (تشریع و
تکوین) به سوی او بازگردانده می شود

ای کسانی که (به پیامبر ما محمد صلی الله علیه وآله) ایمان
آورده اید، رکوع کنید و سجده به جا آورید و پروردگارتان
را بپرستید و کار خیر کنید، باشد که رستگار شوید. (این
آیه اجمال همه شرایع و خیرات اجتماعی است)

و در (راه) خدا به گونه ای که شایسته اوست جهاد کنید، او
شما را (به اعطاء قرآن و اسلام) برگزیده، و در دین (اسلام)
برای شما هیچ مشقّت و سختی طاقت فرسایی قرار نداده
(هیچ حکم حرجی تشریع نکرده و هر حکم غیر حرجی که به
حرج برخورده رفع کرده است)، این دین، (در اصول و
فروع) همان آیین و شریعت پدران ابراهیم است
(ابراهیم، پدر محمد و محمد پدر امت اسلامی است، پس
ابراهیم پدر مسلمین است)، او بود که شما را از پیش (در
کتاب های انبیای گذشته) و در این (کتاب) مسلمان نامیده،
(این انتخاب) برای این است که این پیامبر (در روز قیامت)
گواه بر شما و شما گواهان بر مردم باشید (معصومان و
اصفیاء آنها در قیامت گواهان افراد این امت و امت های
گذشته خواهند بود). پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	جزء: ۱۸۰
جزء: ۱۳۷	قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ	۲۹۵ر
۲	الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ	
۳	وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ	
۴	وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ	
۵	وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ	
۶	إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ	
۷	فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ	
۸	وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ	
۹	وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ	
۱۰	أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ	
۱۱	الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ	
۱۲	وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ	
۱۳	ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ	
۱۴	ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظًا فَكَسَوْنَا الْعِظَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا ءَاخِرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ	
۱۵	ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ	
۱۶	ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ تُبْعَثُونَ	
۱۷	وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ	

حقاً که گروندگان (به اصول عقاید اسلام) رستگار شدند (گویی به تمام پاداش اعمالشان در آخرت نایل گشتند)

آنان که در نمازشان (به دل و به اندام ها) فروتنند

و آنان که از هر بیهوده و زشت رویگردانند

و آنان که زکات را پرداخت کننده و به تزکیه نفس عاملند

و آنان که نگهدارنده نیروی شهوت خویش اند

مگر با همسران خود یا کنیز ملکی خود، که آنان (در اعمال شهوت در این موارد) مورد سرزنش نیستند

پس هر که جز این (دو مورد) را طلب کند (و التذاذ جنسی به هر نوع و با هر کس انجام دهد) چنین کسانی متجاوز (از حدود اسلام) اند

و آنان که امانت های خود (خلقِ یا خالقِ) و پیمان های خود را (پیمان هایی که خدا با آنان بسته یا خود با خود یا خود با مردم بسته اند) رعایت کننده اند

و آنان که بر نمازهایشان (از نظر رعایت تمامیت و کمال) محافظت می نمایند

آنانند که میراث برانند

همانان که بهشت برین را به ارث می برند (به ملک طلق و غیر موقت مانند میراث مالک می شوند، یا سهم بهشتی کفار را به ارث می برند) آنها در آنجا جاویدانند

و به یقین ما (جدّ و جدّه اولی) انسان را از عصاره ای از گل (به دمیدن روح و زنده کردن آن به نحو اعجاز) آفریدیم

سپس (نسل) او را به صورت نطفه ای (عصاره ای از مواد اولیه زمین) در قرارگاهی استوار (قرارگاه رحم) قرار دادیم

آن گاه نطفه را علقه (به شکل خون بسته) کردیم، سپس علقه را (به صورت) مضغه (نظیر گوشت جویده شده) ساختیم، آن گاه مضغه را (تبدیل به) استخوان ها (ی نرم) نمودیم، پس بر استخوان ها (لباس) گوشت پوشانیدیم، سپس آن را (که جسمی نمودننده بود به واسطه دمیدن روح حیوانی به صورت) خلقی دیگر (و جاندارِ زنده و صالح برای عقل و علم) ایجاد کردیم، پس آفرین بر خدا و پرخیر و برکت است او که نیکوترین آفرینندگان است

سپس شما بعد از آن (که به دنیا آمدید و زندگی کردید) حتما محکوم به مرگید

آن گاه بی تردید در روز قیامت برانگیخته خواهید شد (تا سیر تکاملی تان را از مبدأ خاک و مسیر صلب و رحم و دنیا و برزخ، در قیامت تمام نمایید)

و همانا ما در بالای سر شما هفت راه آفریدیم (هفت آسمان که محل رفت و آمد فرشتگان است)، و ما هیچ گاه در کار آفرینش و آفریدگان از غافلان نیستیم

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ ۖ وَآنَا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهٖ لَقَدِرُونَ

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَكِهٌ كَثِيرٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

وَشَجَرَةٍ تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِلَّالِكِينَ

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۚ نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُۥ أَفَلَا تَتَّقُونَ

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا ۖ وَوَحَيْنَا إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ ۖ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَفُونَ

و از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) به اندازه معین (از نظر استحقاق زمین و مردم) فرود آوردیم، پس آن را در (اعماق) زمین جا دادیم، و البته ما برای از بین بردن تمام آن تواناییم

پس بدان آب برای شما باغ هایی از درختان خرما و انگور ایجاد کردیم، شما را در آن میوه های فراوان (برای اداره معاش) است و از آن نیز می خورید

و درختی را (نیز ایجاد کردیم) که (غالباً) از طور سینا بیرون می آید که (به رویاندن زیتون) روغن و نان خورشی را برای خورندگان می رویاند

و همانا برای شما در (آفرینش، تنوع خلقت، رام بودن و به شما نیاز داشتن) چهارپایان (درس) عبرتی است (خاصه آنکه) از آنچه در شکم های آنهاست به شما (شیر) می نوشانیم، و برای شما در آنها سودهایی فراوان است (در زنده آنها و اجزای مذبوح آنها و نسل آنها) و از (گوشت) آنها می خورید

و بر آنها و بر کشتی ها سوار می شوید

و حقاً که ما نوح را (که نخستین پیامبر صاحب شریعت بود) به سوی قوم خویش (که همه اهل زمین بودند) فرستادیم، پس گفت: ای قوم من، خدای یکتا را بپرستید که شما را غیر او معبودی نیست، آیا (از غضب او و پرستش غیر او) نمی پرهیزید

پس اشراف قومش که کفر ورزیدند گفتند: این (مرد) جز بشری مانند شما نیست که می خواهد بر شما برتری جوید (و ریاست کند) و اگر خدا می خواست (پیامبر بفرستد) فرشتگانی (از آسمان) فرو می فرستاد ما چنین چیزی را در میان نیاکان خود نشنیده ایم (که بشری دعوی نبوت کند و به سوی یک خدا دعوت نماید و خدایان دیگر را نفی کند)

او نیست مگر مردی که جنون دارد، پس تا مدتی منتظر باشید (شاید افاقه یابد یا بمیرد)

نوح گفت: پروردگارا، مرا در برابر تکذیب آنان یاری کن

پس به او وحی کردیم که کشتی را در حضور ما و به وحی ما (مطابق طرح ما) بساز، پس چون فرمان ما (داوری قطعی ما درباره کفار) دررسد، و آب از تنور بجوشد، پس از هر حیوانی دو فرد جفت یکدیگر (نر و ماده) و نیز خاندان خود را (خاندان ایمانی شامل گروندگان را) جز آن کس که گفتار ما درباره (هلاک) او گذشته (زن و یکی از پسرانت) در آن کشتی راه ده، و در حق کسانی که ستم ورزیده اند با من سخن مگو (شفاعت مکن) زیرا آنان محکوم به غرقند

فَإِذَا أَسْتَوَيْتِ أُنْتِ وَمَنْ مَّعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي نَجَّيْنَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۲۹

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

۳۰

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ

۳۱

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءَاخِرِينَ

۳۲

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنْ اْعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ
إِلَهِ غَيْرُهُۥ أَفَلَا تَتَّقُونَ

۳۳
۲۹۷

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ
وَأَتَرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ
يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ

۳۴

وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ

۳۵

أَيَعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظْمًا أَنْكُمْ
مُخْرَجُونَ

۳۶
حزب
۱۳۸

هِيَاهُتَ هِيَاهُتَ لِمَا تُوْعَدُونَ

۳۷

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

۳۸

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُۥ
بِمُؤْمِنِينَ

۳۹

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ

۴۰

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِّیُصْبِحَنَّ نَدِمِینَ

۴۱

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُرَاءً فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ

۴۲

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا ءَاخِرِينَ

پس هنگامی که تو و کسانی که همراه تو هستند بر کشتی
قرار گرفتید، بگو: حمد و ستایش از آن خدایی است که ما
را از گروه ستمکاران نجات بخشید

و بگو: پروردگارا، مرا (در این کشتی و سپس در زمین) به
فرودی پرخیر (در منزلی پربرکت) فرود آر و تو بهترین
فرودآرندگانی

به یقین در این (حادثه عظیم) نشانه هایی (از توحید و
قدرت و جبروت خدا) است و حقیقت این است که ما
همیشه آزمایش کننده ایم

سپس از پی آنان مجتمع و اهل عصر دیگری را ایجاد
نمودیم

پس در میان آنها فرستاده ای از خودشان (نه از فرشتگان و
اجنّه و نه از بیگانه با زبانشان) فرستادیم که خدای یکتا را
بپرستید که شما را جز او معبودی نیست، پس آیا (از
پرستیدن غیر او) پرهیز نمی کنید؟

و از قوم او اشرافی که کفر ورزیده و دیدار آخرت را
تکذیب نموده بودند و آنها را در زندگی دنیا از خوشگذرانی
برخوردار کرده بودیم (به دیگر مردم) گفتند: این مرد جز
بشری مانند شما نیست، از آنچه می خورید می خورد و از
آنچه می نوشید می نوشد (پس چگونه می تواند پیامبر
باشد)

و اگر از بشری مانند خودتان اطاعت کنید در آن صورت بی
تردید زیانکار خواهید بود

آیا به شما وعده می دهد که چون مردید و مشتی خاک و
استخوان شدید آیا (دوباره از قبر زنده) بیرون آورده می
شوید

دور است دور، آنچه بدان وعده داده می شوید

زندگی نیست جز همین زندگانی دنیایی ما که می میریم و
زنده می شویم (گروهی می میرند و گروهی دیگر زنده می
شوند، یا گروهی می میرند و ارواح آنها در قالب گروه های
دیگر زنده می شوند) و هرگز برانگیخته شدنی نیستیم

او نیست مگر مردی که بر خدا دروغ می بندد، و ما هرگز به
او معتقد نیستیم

(پیامبرشان) گفت: پروردگارا، مرا در برابر تکذیب آنان
یاری ده

خدا گفت: حتما پس از اندک زمانی (وقت مرگ و عالم برزخ)
پشیمان خواهند شد

پس آنها را صیحه (آسمانی) به حق (طبق حکمت بالغه خدا)
فرا گرفت، پس آنها را (مانند) خار و خاشاکی بر روی سیل
کردیم، پس هلاک و دوری باد بر گروه ستمکاران

سپس در پی آنان ملت هایی دیگر را در عصرهایی به دنبال
هم ایجاد کردیم

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَعِجِرُونَ

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلٌّ مَّا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِ ۚ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَبِيدُونَ

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

وَجَعَلْنَا أَبْنَٰ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ ۚ ءَايَةً وَعَاوَيْنَهُمَا إِلَىٰ رَبِّوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ

يٰٓأَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

وَإِنَّ هَذِهِ ۖ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلٌّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

فَذَرَهُمْ فِي ۖ عَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ ۚ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ ۚ بَلْ لَّا يَشْعُرُونَ

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ

هیچ امتی از زمان خود (از مدت محدودی که در لوح محفوظ است) نه سبقت می گیرد و نه عقب می افتد

سپس رسولان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم، هر زمان بر ملتی رسولشان آمد او را تکذیب کردند، پس ما هم برخی از آنها را (در هلاکت) در پی برخی دیگر روانه کردیم و آنان را (پس از نابودیشان، بر سر زبان ها) قصه و افسانه ها ساختیم، پس هلاک و دوری باد بر گروهی که ایمان نمی آورند

سپس موسی و برادرش هارون را با آیات و نشانه های خود (معجزات نه گانه) و حجت آشکار (از نظر منطق و استدلال) فرستادیم

به سوی فرعون و اشراف و سران (قوم) او، پس تکبر ورزیدند و گروهی برتری جو و ریاست طلب بودند

پس گفتند: آیا ما به دو نفر بشر مانند خودمان ایمان بیاوریم در حالی که قوم آنها برده و فرمانبر ما هستند؟

پس آن دو را تکذیب نمودند و (عاقبت) از هلاک شوندگان گشتند

و ما به یقین موسی را کتاب (آسمانی تورات) عطا کردیم، شاید که آنان (بنی اسرائیل) هدایت پذیرند

و پسر مریم و مادرش را (در کیفیت ولادت و زمان نبوت و دریافت کتاب) آیه و نشانه (توحید و قدرت خود) قرار دادیم و آن دو را در سرزمینی مرتفع، دارای صلاحیت سکونت و استقرار و آب روان (بیت المقدس یا شام یا مصر) جا دادیم

ای فرستادگان ما، از همه پاکیزه ها (ی جهان از خوراکی، پوشاکی، آب، هوا، فضا، گیاه و غیره به عنوان تعلیم قافله بشری) برخوردار شوید و کارهای شایسته کنید که من به همه آنچه می کنید دانایم

و این (دین و آیین اسلام) دین و آیین شما (پیامبران و امت های شما تا انقراض نسل آنها) است دین و آیینی یگانه (زیرا دین قدر جامع شرایع و عبارت از اصول عقاید و امّهات فروع است و اختلاف و تعدد شرایع به لحاظ برخی از فروع است) و من پروردگار شما هستم، پس از من پروا کنید

پس آنها (امت ها به تبع علمایشان در همه عصرها از آغاز نزول کتاب و شریعت) کار (دین) شان را در میان خود تجزیه و پاره پاره کرده، به صورت احزاب و گروه هایی درآمدند، هر حزبی به آنچه در اختیار دارند دلخوش اند

پس آنها را تا مدتی در گرداب غفلت و مستی شان رها کن (آنها را در انبوه انحراف اعتقادی و عملی که وجودشان را فرا گرفته تا وقت مرگشان رها کن)

آیا گمان می کنند آنچه از مال و پسران به آنها امداد می کنیم

در رسیدن آنها به خیرات شتاب می کنیم؟ (نه) بلکه نمی فهمند (که وسیله آزمایش و تکاملشان را در شقاوت فراهم می کنیم)

حقّا آنهايي که از بیم (عذاب) پروردگارشان دلهره دارند

و آنان که به آیات و نشانه های پروردگارشان ایمان می آورند

و آنان که به پروردگارشان شرک (در الوهیت و خلقت و ربوبیت و عبادت و طاعت) نمی ورزند

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَلٌ مِّنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَمِلُونَ

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْعَرُونَ

لَا تَجْعَرُوا أَلْيَوْمَ ۖ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصَرُونَ

قَدْ كَانَتْ ءَايَتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰٰٓ أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِۦ سَمِرًا تَهْجُرُونَ

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ ءَابَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُۥ مُنْكَرُونَ

أَمْ يَقُولُونَ بِهِۦ جِنَّةٌۭ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ

وَلَوْ أَتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ ۚ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُونَ

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَّاجُ رَبِّكَ خَيْرٌۭ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزَاقِينَ

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَيِّبُونَ

و آنان که آنچه (از مال و جان در راه خدا) می دهند در حالی می دهند که دل هایشان بیمناک است (که میادا پذیرفته نشود، زیرا می دانند) که به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت

آنهايند که در همه عمل های خير شتاب می ورزند و آنها هستند که به آن خيرات (از ديگران) سبقت گيرنده اند

و ما هيچ نफी را (در مراحل ايمان و عمل) جز به مقدار توانش تکليف نمی کنيم و نزد ما کتابی است (به نام لوح محفوظ يا صحيفه عمل هر مکلف) که به حق سخن می گويد (و جزئيات اعمال را دقيقا بازگو می کند) و آنها (در روز جزا) مورد ستم و نقص پاداش قرار نمی گيرند

بلکه (اين کافران) دل هایشان از اين (تکليف دنيا و کيفر آخرت) غرق در جهل و غفلت است و آنها را غير از اين (جهل و غفلت) عمل های ديگری است که بدان عاملند (مانند غور در کفر و فسق)

(اين سرمستی و غفلت آنان ادامه دارد) تا آن گاه که متنعمان و خوشگذران های آنها را به عذاب گرفتار کنيم، (از مرض و فقر و شکست در جنگ) به ناگاه فرياد و زاری برمی آورند

(به آنها گفته می شود) امروز فرياد و زاری برنياوريد، بی شک شما از جانب ما ياری نخواهيد شد

همانا آيات و نشانه های ما بر شما تلاوت می شد پس شما بوديد که به پشت سرتان به قهقري بازمی گشتيد (در مقابل آيات ما به سراغ شرک و فسق و رسوم جاهليت می رفتيد)

در حالی که با آن رويگردانی تکبر می ورزيده، در قصه های شب نشینی بدانها بدگویی و استهزا می کرديد

پس آيا در اين گفتار (قرآن) تدبر و تفکر نکردند (که چه کلام اعجازی خارج از توان بشری است)، يا آنکه بر آنها چیزی آمده که بر نياکان آنها نيامده است

يا آنکه رسول خود را (به پاکی نسب و حسب و حسن سوابق اخلاقی و عملی) نشناخته اند که (نبوت و کتاب) او را منکرند

يا آنکه می گويند او را جنون است؟ (چنين نيست) بلکه او حق را (کتاب آسمانی و آخرين شريعت را) آورده، اما بيشتر آنها حق را خوش نمی دارند

و اگر حق و واقع تابع هواهای آنها می شد (يعنی واقع امر همان شرک و تعدد خدايان بود) بی ترديد آسمان ها و زمين و هر کس (و هر چیزی) که در آنهاست فساد (حدوثی) می يافتند و آفريده نمی شدند، يا به خاطر تعدد و نزاع خدايان، به فساد و تباهی (در بقاء) کشيده می شدند. (آری، چنين نيست که حق پيرو آنها شود) بلکه ما وسيله تذکر و تنبيه آنها را (که کتاب آسمانی است) بر آنها آورده ايم اما آنها از ذکر خود رويگردانند

يا آنکه از آنها مزد و خرجی مستمری (برای ادای رسالت) می خواهی؟ (نه) پس مزد و خرجی پروردگارت بهتر است و او بهترين روزی دهندگان است

و حقاً که تو آنها را به سوی راهی راست (در عقايد و اخلاق و عمل و معاشرت) دعوت می کنی

و همانا کسانی که به روز واپسين ايمان نمی آورند از راه (راست) منحرف اند

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ

قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَعَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِن هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ

و اگر به آنان رحم کنیم و سختی و شدّتی را که دارند برطرف سازیم باز هم حتما در سرکشی خود متحیرانه لجابت خواهند کرد

و بی شک ما آنها را به عذاب (قحطی و مرض در مکه) گرفتار کردیم، پس نه خضوع و فروتنی به درگاه پروردگار خود کردند و نه هیچ گاه ناله و زاری می کنند

تا آن گاه که (با میراندنشان) بر روی آنها در عذاب سختی را بگشاییم به ناگاه در آن عذاب متحیر و نومید (از نجات و همه چیز) می شوند

و اوست که برای شما گوش و دیدگان و دل هایی ایجاد کرده، اما بسیار اندک شکر می گزارید

و اوست که شما را در این زمین (از مواد داخلی آن) به وجود آورده و (پس از آنکه دوباره در آن، خاک شوید در قیامت) به سوی او گرد آورده می شوید

و اوست که (هر موجود مستعد حیات را) زنده می کند و (هر موجود مستعد مرگ را) می میراند و رفت و آمد شب و روز از آن او (و به دست او) است، پس آیا نمی اندیشید؟

بلکه آنان نیز همان گفتند که پیشینیان گفتند

گفتند: آیا آن گاه که مردیم و مشتی خاک و استخوان شدیم آیا دوباره زنده و برانگیخته خواهیم شد؟

البته پیش از این هم این وعده به ما و پدرانمان داده شده این نیست مگر افسانه های پیشینیان

بگو: زمین و هر کس که در آن است (حتی خدایان آنها) از آن کیست اگر می دانید

خواهند گفت: از آن خداوند است. بگو: پس آیا متذکر نمی شوید (که قدرت او را بر معاد انکار می کنید)؟

بگو: پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ (که جایگاه تدبیر امور عالم و مدور فرمان خداست) کیست

خواهند گفت: (آنها نیز) از آن خداست. بگو: پس آیا (از قدرت و غضب او) پرهیز نمی کنید (که معاد را انکار می کنید)؟

بگو: کیست که ملکیت همه اشیا (که از اراده او وجود یافته) و حاکمیت و تسلّط بر آنها به دست اوست، و اوست که (هر کس را بخواهد) پناه می دهد و از (عذاب) او احدی پناه داده نمی شود، اگر می دانید

خواهند گفت: (همه) از آن خداست. بگو: پس چگونه و از کجا (در برابر این حقایق روشن) جادو می شوید؟

بَلْ أَتَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَزَهَبَ كُلُّ

إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَنَ اللَّهُ عَمَّا يُصِفُونَ

عَلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِي مَا يُوعَدُونَ

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَدِيرُونَ

أَدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا^ص وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ

بلکه ما حق را (درباره مبدأ و توحید و معاد) برای آنها آوردیم و البته آنها دروغگویند

هرگز خداوند برای خود فرزندی (مشتق از جوهره ذات و متصف به الوهیت و ربوبیت خود) نگرفته و هرگز با او خدا و معبود دیگری نبوده و گرنه هر خدایی آفریده خود را می برد (و در آن تصرف و تدبیری خاص داشت و اجزاء عالم از وحدت نظم و تدبیر بیرون می رفت) و حتما برخی بر برخی دیگر (در انتخاب امر متعارض) برتری می جست (و این لازمه تعدد وجود و قدرت و اراده مستقل است)، منزه است خداوند از آنچه (مشرکان از شرک و اتخاذ فرزند) توصیف می کنند

همان خدای دانای غیب و آشکار پس از آنچه شریک او قرار می دهند برتری دارد

بگو: پروردگارا، اگر آنچه وعده داده می شوند (از عذاب) به من نشان دهی

پس– پروردگارا– مرا در میان گروه ستمکاران قرار مده

و حقاً که ما تواناییم آنچه را که به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم (نظیر آنچه در بدر نشان دادیم)

به بهترین شیوه، بدی و تجرّی آنها را دفع کن، ما به آنچه توصیف می کنند (از اظهار شرک و استهزاء به دین و کتاب تو) داناتریم

و بگو: پروردگارا، از وسوسه و تحریکات شیطان ها به تو پناه می آورم

و پناه می آورم به تو پروردگارا، از اینکه آنها در نزد من (خاصه در حال نماز و وقت مرگ) حاضر شوند

(آنها در شرک و کفر به سر می برند) تا آن گاه که مرگ یکی از آنان فرا رسد (در قبضه فرشتگان به خداوند) گوید: پروردگارا، مرا بازگردانید

شاید عمل صالحی در آنچه (در دنیا) وا گذاشته ام (از ایام عمر و اموال دنیا) انجام دهم. چنین نیست، آن سخنی است که او گوینده آن است (ولی تحقق نمی پذیرد)، و پیش روی آنها (عالم) برزخ است تا روزی که برانگیخته شوند

پس چون (بار دوم) در صور دمیده شود (و مردم همه زنده گردند) در آن روز (از غایت هیبت و دهشت، گویی) میان آنها هیچ نوع نسب و خویشاوندی نیست، و از (حال) یکدیگر نمی پرسند

پس هر که سنجیده شده هایش (از اعتقاد و اخلاق و عمل) سنگین و پربها شد، چنین کسانی به حقیقت رستگارند

و هر که سنجیده شده هایش سبک و بی ارج باشد (چون عقاید کفری و رذایل اخلاقی و محرمات عملی) چنین کسانی هستند که در وجود نفس خودشان زیان کرده، در جهنم جاودانند

(شعله های) آتش سخت به صورت هایشان می وزد و (چهره) آنها در آنجا عبوس و شکسته و دندان هایشان به سوختن لب ها نمایان است

أَلَمْ تَكُنْ عَآيَتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

۱۰۶

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ

۱۰۷

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ

۱۰۸

قَالَ أَحْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ

۱۰۹

إِنَّهُوَ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّحِمِينَ

۱۱۰

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِحْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِّنْهُمْ
تَضْحَكُونَ

۱۱۱

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ

۱۱۲

قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ

۱۱۳

قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَلِّ الْعَادِّينَ

۱۱۴

قَالَ إِنْ لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا^ط لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۱۱۵

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا
تُرْجَعُونَ

۱۱۶

فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ^ط لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
الْكَرِيمِ

۱۱۷

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا
حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ^ع إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

۱۱۸

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّحِمِينَ

(خدا به آنها می گوید) آیا آیات و نشانه های (توحید و صدق پیامبران) من بر شما تلاوت نمی شد که شما همواره آنها را تکذیب و انکار می کردید؟

گویند: پروردگارا (به واسطه سوء اختیار و هوای نفس) شقاوتمان بر ما چیره شد و ما گروهی گمراه بودیم

پروردگارا، ما را از اینجا بیرون آر (و به دنیا بازگردان) پس اگر (دوباره به گمراهی کفر و فسق) بازگشتیم پس حتما ستمکاریم

(خداوند گوید) ذلیلانه در آنجا ساکت و دور گردید و هرگز با من سخن نگوئید

همانا دسته ای از بندگان من می گفتند: پروردگارا، ما ایمان آوردیم، پس بر ما ببخشی و به ما ترحم نمای و تو بهترین رحم کنندگانی

اما شما آنها را به مسخره گرفتید تا یاد مرا از خاطرتان بردند (اشتغالتان به آنها شما را از ما غافل کرد) و همواره بر آنها می خندیدید

حقاً که من امروز آنها را در مقابل صبرشان پاداش دادم که آنها همه کامیابند

(خداوند یا فرشته ای به آنها) می گوید: از نظر شمار سال ها چند مدت در زمین درنگ کردید؟ (مدت زندگی دنیوی یا بقای برزخی تان چقدر بوده؟

آنها (پس از اطلاع از ابدیت آخرت و مقایسه آن با دنیا و برزخ) گویند: یک روز یا مقداری از یک روز از شمارندگان (خود) بپرس

(خدا یا فرشته) گوید: (آری) جز اندک زمانی درنگ نکردید، ای کاش (در آنجا واقع امر و انتهای سیرتان را) می دانستید

پس آیا گمان کرده اید که شما را بیهوده آفریده ایم و شما هرگز به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟

پس برتری دارد خداوند، آن سلطان حقی که بر عالم هستی تسلط تکوینی دارد، جز او معبودی نیست که پروردگار عرش گرامی است (عرشی که از آنجا نظام عالم وجود تقدیر، و به وسیله فرشتگان پیاده می شود)

و هر کس با وجود خداوند معبود دیگری بخواند که وی را بر آن حجت و برهانی نیست، جز این نیست که حسابش نزد پروردگار اوست بی تردید کافران رستگار نخواهند شد

و بگو: پروردگارا، ببخشی و ترحم کن و تو بهترین رحم کنندگانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَافِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَدَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ

وَالْخَمِيسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

وَيَذَرُوهَا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

وَالْخَمِيسَةُ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

(این) سوره ای است که ما آن را فرو فرستادیم و (عمل به محتوای) آن را واجب کردیم و در آن آیات و دلایل روشنی (بر توحید و معارف دینی) نازل کردیم، باشد که متذکر شوید

(ای حکام عدل مسلمین) به هر یک از زن زناکار و مرد زناکار (در جایی که همسر نداشته و محرم یکدیگر نباشند و زناى به علف و کافر با زن مسلمان نباشد) صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارید مبدا شما را در (اجرای) دین خدا به حال آن دو رحمت و عطوفت گیرد! و باید بر سر عذاب آن دو، گروهی از مؤمنان حاضر شوند

مرد زناکار (طبعاً) جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نمی گیرد (و قهراً به سراغ زن عقیفه نمی رود) و زن زناکار را (نیز طبعاً) جز مرد زناکار یا مشرک به همسری نمی گیرد، و این (رقم همسری) بر مؤمنین (طبق اقتضای عفتشان) ممنوع گردیده است

و (ای اولیاء امور مسلمین) کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می دهند (قذف می کنند) سپس چهار شاهد مرد (بر اثبات ادعای خود) نمی آورند آنها را هشتاد تازیانه بزنید و دیگر شهادتی از آنها نپذیرید و آنهایند که حقیقتاً فاسقند

مگر کسانی که پس از آن (تهمت، در باطن) توبه کنند و (خود را به تسلیم در برابر حد قذف یا راضی کردن متهم) اصلاح نمایند، که به یقین خداوند آمرزنده و مهربان است

و مردانی که به همسران خود نسبت زنا می دهند و گواهانی جز خودشان ندارند پس گواهی یکی از آنها (که به جای چهار شاهد حد را از او برمی دارد) چهار بار شهادت به خداست که وی از راستگویان است (چهار بار بگوید: خدا را شاهد می گیرم که در این نسبت از راستگویانم)

و شهادت پنجم (این است که بگوید) همانا لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد (و پس از این شهادت ها حد قذف از مرد ساقط و زن محکوم به زنا می شود)

و از زن مورد اتهام (نیز) عذاب (حد) را برمی دارد این که چهار بار شهادت به خدا دهد که حتماً آن مرد (در نسبت زنا) از دروغگویان است

و شهادت پنجم را نیز بگوید که غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد

و اگر فضل خداوند و رحمت او بر شما نبود و اینکه خدا توبه پذیر و حکیم است (سخت به کیفر گناهاتنان مبتلا می شدید)

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ

لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَقُولْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمْ الْكَذِبُونَ

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالْسِّنِّتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَّحِيمٌ

به یقین کسانی که آن تهمت بزرگ (تهمت کار زشت به یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه وآله) را آوردند گروهی متشکل و همفکر از شما هستند آن را به ضرر و شرّ خود می‌ندارید بلکه آن به خیر شماست (زیرا سبب برائت پاکان و رسوایی دروغگویان و منافقان است). بر هر مردی از آنها کیفر گناهی است که کسب کرده و آن کس از آنان که قسمت عمده این بهتان را متصدی شده (بیشتر به نشر و اعتراض پرداخته) او را عذابی بزرگ است

چرا هنگامی که آن را شنیدید، مردان و زنان مؤمن (از شما) درباره یکدیگر گمان نیک نبردند و نگفتند که این تهمتی آشکار است؟

چرا بر آن (اتهام) چهار نفر گواه مرد نیاوردند؟! پس چون شاهد‌ها را نیاوردند در نزد خداوند آنان خود دروغگویند (زیرا در فرض نبودن شهود، نسبت دادن زنا هر چند با علم باشد، از نظر حد شرعی و کیفر اخروی به حکم دروغ واقعی است)

و اگر فضل خداوند و رحمت او در دنیا و آخرت بر شما نبود حتما درباره آن امری که در آن وارد شدید عذاب بزرگی به شما می‌رسید

آن گاه که آن (بهتان) را زبان به زبان از یکدیگر می‌گرفتید و با دهان هایتان آنچه را که بدان علم نداشتید می‌گفتید و آن را آسان می‌پنداشتید در حالی که در نزد خدا بزرگ بود

و چرا آن گاه که این (مطلب را) شنیدید نگفتید ما را نسزد و جائز نباشد که به این (سخن) لب‌گشایییم، منزهی تو (ای خدا) این بهتانی است بزرگ

خداوند شما را نصیحت می‌کند که هیچ گاه به مثل این (مطلب) برنگردید اگر ایمان دارید

و خداوند برای شما آیات (احکام و امر و نهی) را بیان می‌کند و خدا دانای حکیم است

به یقین کسانی که دوست دارند (و فعالیت می‌کنند) که عمل زشت در میان کسانی که ایمان آورده اند شیوع پیدا کند (اطلاع از عمل زشت کسی یا ارتکاب عمل زشت شایع شود) برای آنها در دنیا و آخرت عذابی دردناک است، و خدا (عواقب شوم آن را) می‌داند و شما نمی‌دانید

و اگر فضل خداوند و رحمت او بر شما نبود و اینکه خدا رئوف و مهربان است (کیفر این گناه دامن شما را می‌گرفت)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ
خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا
فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا
وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

وَلَا يَأْتِلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولِي
الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيَعْفُوا
وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ

يَوْمَئِذٍ يُوقِفُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ
الْمُبِينُ

الْحَبِثْتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ
لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا
يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ
تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَذَكَّرُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید، پیروی از گام های شیطان
نکنید و هر کس از گام های شیطان پیروی کند مسلماً او
دستور کار زشت و ناپسند می دهد. و اگر فضل خدا و
رحمتش بر شما نبود هیچ یک از شما هرگز (از فساد عقاید
و اخلاق و عمل) پاک نمی شد، و لکن خداست که هر کس را
بخواهد (در مراحل کمالات) پاک می کند و خداوند شنوا و
دانااست

و صاحبان برتری مالی و وسعت معاش از شما، از اینکه به
خویشاوندان و فقیران و مهاجران در راه خدا بخشش
نمایند، کوتاهی نکنند و بر ترک آن سوگند نخورند و باید (از
بدزبانی و بد خلقی آنان) عفو کنند و درگذرند، آیا دوست
ندارید که خدا شما را ببخشد؟ و خداوند بسیار آمرزنده و
مهربان است

همانا کسانی که به زن های پاکدامن بی خبر (از گناه) باایمان
نسبت زنا می دهند، در دنیا و آخرت مورد لعنت اند و برای
آنها عذابی بزرگ است

روزی که زبان ها و دست ها و پاهایشان به زیان آنها بر
آنچه (در دنیا) مرتکب می شدند شهادت خواهند داد

در آن روز خداوند پاداش حقّ (عقاید و اعمال) آنها را به
نحو کامل تأدیه می کند و آنان (به عین الیقین) خواهند
دانست که خدا همان حق ثابت و (در اثر تجلّی کامل جمال و
جلالش در عالم آخرت، به نحو اتم) آشکار است

زنان پلید (از نظر فساد اعتقاد و اخلاق و عمل) برای مردان
پلید، و مردان پلید برای زنان پلیدند (به اقتضای جاذبه
ذاتی ناری همدیگر را می یابند) و زنان پاک (از فساد اعتقاد
و اخلاق و عمل) برای مردان پاک، و مردان پاک برای زنان
پاکند (طبق جاذبه فطری نوری یکدیگر را می یابند) آنها از
آنچه (دیگران به تهمت درباره آنان) می گویند پاک و منزّه
اند، برای آنها آمرزش و روزی گرانمایه (در دنیا و آخرت)
است

ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه هایی غیر از خانه
های خودتان وارد نشوید تا آن که اجازه بگیرید و بر اهل
آن سلام گویند. این برای شما بهتر است، باشد که متذکر
شوید

فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ
وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ
فِيهَا مَتَعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ
بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ
ءَابَائِهِنَّ أَوْ ءَبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ
إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا
مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّبِيعِينَ غَيْرِ أُولِيَ الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ
أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا
يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَىٰ
اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

پس اگر کسی را در آن نیافتید به آنجا وارد نشوید تا به شما (از جانب صاحبش) اجازه داده شود. و اگر گفته شد بازگردید، آن برای شما پاکیزه تر است و خدا به آنچه انجام می دهید داناست

بر شما گناهی نیست که به خانه ها (و اماکن عمومی) غیر مسکونی که در آنجا کاری و استفاده ای دارید وارد شوید، و خداوند به آنچه (از مقاصد قلبی و کارهاتان) آشکار کنید و آنچه پنهان دارید آگاه است

به مردان باایمان بگو که چشمان خود را (از آنچه دیدنش حرام است مانند عورت دیگران و بدن زن اجنبی) فرو بندند، و عورت های خود را (از اینکه در معرض دید قرار گیرد) حفظ کنند، این برای آنها پاکیزه تر است. همانا خداوند از آنچه انجام می دهند آگاه است

و به زنان باایمان بگو که چشمان خود را (از نگاه به عورت غیر و بدن مرد اجنبی) فرو بندند و عورت های خود را (تمام بدن را غیر از صورت و دست ها، از اینکه در معرض دید اجنبی قرار گیرد) حفظ کنند، و زیور و زینت خود و جاهای آن را (مانند، گردن، سینه، موهای سر، بازوان و ساق های پا) آشکار نسازند، جز آنچه (بر حسب ضرورت عرفی) پیداست (مانند لباس های رو و صورت و دست ها)، و باید روسری های خود را بر روی گریبان ها بزنند (تا گردن و سینه پوشانده شود)، و زیور (و جاهای زیور) را بر کسی آشکار نسازند جز بر شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زن های همجنس خودشان یا برده های ملکی شان یا مردان عقب مانده تابع خانواده که نیاز شهوانی ندارند یا کودکانی که نیروی آمیزش با زن ها را ندارند، و (زنانی که خلخال در پا دارند) پاهای خود را (محکم) به زمین نزنند تا زینت هایی که پنهان می دارند معلوم گردد. و همگی شما- ای مؤمنان- به سوی خدا (در تمام ابعاد انسانی) بازگردید، باشد که رستگار شوید

وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ
وَأِمَّاكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ
وَاسِعٌ عَلِيمٌ

وَلَيْسْتَغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ
مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ
أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۚ وَآتُوهُمْ مِّنْ
مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ ۚ وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَّتَكُمْ عَلَى
الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَن
يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ ءَايَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا لِّلَّذِينَ خَلَوْا
مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ مَثَلُ نُورِهِ ۖ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا
مِصْبَاحٌ ۚ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۚ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ
دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا
غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ۖ نُورٌ عَلَىٰ
نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ
لِلنَّاسِ ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ ۚ يُسَبِّحُ لَهُ
فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ

(ای اولیاء جوانان) عذب ها و بی همسرانتان را و از بندگان و
کنیزانتان آنهایی را که صلاحیت ازدواج دارند همسر دهید
اگر فقیر باشند خداوند از فضل خویش بی نیازشان می کند
و خداوند دارای وسعت نامتناهی و داناست

و کسانی که (وسائل) ازدواج را نمی یابند باید پاکدامنی
ورزند تا خدا آنها را از فضل خویش بی نیاز سازد و (از
بردگانتان) کسانی که قرارداد کتبی می طلبند (تا خود را
بازخريد کنند و بها را به تدریج بپردازند) اگر در آنها خیری
(توان پرداخت و قدرت استقلال در زندگی) یافید با آنها
قرار کتبی ببندید، و از مال الهی که خدا به شما داده (از
سهم «فی الرقاب» در زکات) به آنها بدهید (تا خود را آزاد
کنند)، و کنیزان جوان خود را که خواهان عفت اند برای
طلب متاع زندگی دنیا به زنا وادار مکنید، و هر که آنها را
وادار کند همانا خداوند پس از وادار کردن آنها (نسبت به
اجبار شده به خاطر اجبار و نسبت به اجبارکننده در صورت
توبه) بسیار آمرزنده و مهربان است

و حقا که ما برای شما (در این قرآن) آیاتی روشنگر، و اخبار
و اوصافی از کسانی که پیش از شما گذشته اند، و پند و
نصیحتی برای پرهیزکاران فرو فرستادیم

خداوند نور آسمان ها و زمین است (روشنی بخش آنها،
هدایت گر اهل آنها و مدبر امور آنهاست) داستان نور او
(دین و کتاب او) مانند چراغدانی است که در آن چراغ
پرفروغی است و آن چراغ در میان شیشه و آن شیشه
همانند ستاره ای فروزان و نورانی است، آن چراغ افروخته
می شود از (روغن) درخت پربرکت زیتونی که (از نظر محل)
نه شرقی است (که آفتاب وقت عصر بر آن تنابد) و نه غربی
(که آفتاب وقت صبح بر آن تنابد بلکه در محلی است که
دائما خورشید بر آن می تابد)، روغن آن (از صافی و
شفافی) نزدیک است که بدرخشد هر چند بدان آتش
نرسد. نورهایی است انباشته بر یکدیگر (نور زیت و چراغ و
شیشه و چراغدان یعنی نور بودن خدا در بالاترین درجه
تصور است) خداوند به سوی نور خود (دین خود) هر که را
بخواهد (به راهنمایی خاصه) هدایت می کند. و خداوند
برای مردم مثال ها می زند و خدا به همه چیز داناست

(این نور الهی) در خانه هایی است (مانند مساجد و حرم های
معصومین) که خداوند اذن داده تا (نام و مقام و بناء آنها)
بالا برده شود و نام او در آنها ذکر گردد در آن خانه ها در
بامدادان و شامگاهان تسبیح او می گویند

رَجَالٌ لَا تُلِهِمُ تِجْرَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِندَهُ فَوَقَّعَهُ حِسَابَهُ ۗ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

أَوْ كُظُمَتِ فِي بَحْرِ لَّجِيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ ۖ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ ۖ سَحَابٌ ظُلُمَتْ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكْذِبْ لَهَا ۖ وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْطَّيْرُ صَفَّتٍ ۖ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ ۚ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِن جِبَالٍ فِيهَا مِن بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ ۚ مَن يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَن مَّن يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ ۖ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَرِ

مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنها را از یاد خدا و برپا کردن نماز و پرداختن زکات مشغول نمی کند، آنها از روزی می ترسند که دل ها و دیده ها در آن پربیشان و دگرگون است

(آنها تسبیح می گویند و به ذکر خدا مشغولند) تا خداوند به آنها بهترین پاداش آنچه را که انجام داده اند بدهد و از فضل خویش بر (پاداش) آنها بیفزاید، و خداوند هر که را بخواهد بی حساب (بدون مقابله با عمل) روزی می بخشد

و کسانی که کفر ورزیدند تمام عمل های (خیر) آنها (از عبادات و انفاقات و اختراعات) مانند سرابی است در زمین هموار که (انسان) تشنه آن را (از دور) آب پندارد تا آن گاه که به آن رسد آن را چیزی نیابد (مرگ کافر رسیدن به آن سراب است که همه اعمالش را هیچ بیند) و خدا را نزد آن یابد که حساب (عمل) او را تماما بیردازد (نتیجه حسابش را که کیفر سیئات فرعی و جزاء کفری که سبب سراب شدن حسنات اوست درباره او تنجز می بخشد) و خداوند زودرس به حساب است (تراکم اعمال، گذشت زمان ها، زیادی عمال در روز حساب، مانع از انجام سریع در وقت موعود نمی شود)

یا (عمل های شرّ کافران) مانند تاریکی هایی است (برای غریق) در دریایی ژرف که آن را موجی می پوشاند که بالای آن موجی دیگر است و از فراز آن ابری است، تاریکی هایی است انباشته بر روی هم که اگر دست خود را (در جلو دیده اش) بیرون آرد آن را به راحتی نمی بیند (عقاید انحرافی، رذایل اخلاقی و محرمات عمل وی ظلمت هایی است در فضای قلبش در دنیا و فردا در بالای سرش) و کسی که خدا برای او نوری قرار نداده هرگز نوری نخواهد داشت

آیا به چشم دل ندیدی که هر کس که در آسمان ها و این زمین است و پرندگان بال گشوده (در فضا) خدا را تسبیح می گویند؟! هر یک از آنها (بر حسب استعداد تکوینی و ارادی خود) دعا و خضوع و نماز و تسبیح خود را دانسته است و خداوند به آنچه انجام می دهند داناست

و ملکیت حقیقی و فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن خداست (زیرا آفرینش، حفظ، تدبیر و فانی کردن همه در تحت اراده اوست)، و بازگشت (آنچه حیات یافته سپس می میرد) به سوی خداست

آیا ندیدی که خداوند ابری را (از هر سو) به آرامی می راند سپس میان (قطعات) آن پیوند می دهد سپس آن را متراکم می سازد، پس باران را می بینی که از لابه لای آن بیرون می آید، و نیز از آسمان (بالای سرتان) از کوه های ابر یخ زده که در آن هست برف و تگرگ فرو می ریزد، پس به سبب آن به قومی که بخواهد (در دنیا به آنها کیفر دهد) زیان می رساند و آن را از قومی که بخواهد برمی گرداند، نزدیک است روشنی برفش (نور) چشم ها را از بین ببرد

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَرِ

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ ۚ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

لَقَدْ أَنزَلْنَا ءَايَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

وَيَقُولُونَ ءَأَمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ

وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ

أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ ۚ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَمَن يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ لَئِن أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

خداوند شب و روز را دگرگون می کند (هر یک را به دنبال دیگری می آورد یا از هر یک کاسته بر دیگری می افزاید) حقا که در این (تغییر و منشأ آن) برای صاحبان بصیرت عبرتی است (و دلالتی بر توحید و قدرت و حکمت خداوند)

و خداوند هر جنبنده ای را از آبی آفریده، پس برخی از آنها بر روی شکم می رود (مانند مار و ماهی و سایر خزندگان) و برخی بر دو پا می رود (مانند انسان و پرندگان) و برخی بر چهار پا می رود. خداوند هر چه بخواهد می آفریند، حقا که خداوند بر هر چیز تواناست

به یقین ما آیات روشنگری را فرو فرستادیم، و خداوند (پس از هدایت عامه) هر کس را بخواهد به سوی راهی راست (از کمالات معنوی) هدایت می کند

و می گویند: به خدا و به این رسول ایمان آوردیم و اطاعت کردیم، سپس گروهی از آنان پس از آن روی می گردانند و هیچ یک از آنها (که مدعی ایمان شدند) ایمان آورنده نیستند

و چون (در مورد اختلاف و نزاعی) به سوی خدا و رسولش دعوت شوند تا (رسولش) میان آنها داوری کند ناگاه گروهی از آنان (از حضور نزد رسول) رویگردانند

و اگر (در موارد نزاع) حق به جانب آنها باشد با حال تسلیم و فرمانبری به سوی او می آیند

آیا در دل هایشان بیماری (ضعف ایمان) است؟ یا آنکه (پس از ایمان) در شک و تردید افتاده اند؟ یا آنکه می ترسند خدا و رسولش (در مقام داوری) به آنها ستم کنند؟ (هیچ یک نیست) بلکه آنان (به سبب نفاق باطنی) حقیقتا ستمکارند

جز این نیست که سخن مؤمنان هنگامی که به سوی خدا و رسولش خوانده شوند تا (رسولش) در میان آنها (در مقام نزاع و غیره) داوری کند، این است که می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم. و آنانند که به حقیقت رستگارند

و هر که خدا و رسولش را فرمان برد و از خداوند بترسد، و از او پروا کند چنین کسانی به حقیقت کامیاب اند

و به سخت ترین سوگندهای خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر آنها را فرمان دهی (به خارج شدن برای جهاد یا از خانه و زندگی) قطعا بیرون آیند. بگو: قسم نخورید (آنچه بر شما واجب است) اطاعت نیکو و خالصانه است (نه سوگند)، البته خداوند از آنچه می کنید آگاه است

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۖ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ ۖ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أُسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۚ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَعِذَّكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَھُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

بگو: خدا را اطاعت کنید (در همه احکام او) و این رسول را اطاعت کنید (در آنچه به عنوان ولایت امر فرمان می دهد)، پس اگر روی گردانید جز این نیست که بر عهده اوست آنچه بر آن تکلیف شده (ابلاغ رسالت) و بر عهده شماست (پذیرش و عمل به) آنچه بدان مکلفید، و اگر از او فرمان برید هدایت می یابید، و بر رسول جز رساندن آشکار (پیام) چیزی نیست (اما اجرای احکام وظیفه مقام امامت، و مجازات دنیوی و اخروی کار خداوند است)

خداوند به کسانی از شما (مسلمانان) که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که قطعاً آنها را در روی زمین جانشین (خود) کند و حکومت بخشد همان گونه که کسانی را که پیش از آنها بودند (مانند مؤمنان قوم نوح و قوم هود و صالح و قوم یونس) جانشین ساخت، و حتماً آن دینی را که برای آنها پسندیده است (دین اسلام) برای آنها مستقر و استوار سازد، و بی تردید حال آنها را پس از بیم و ترس به امن و ایمنی تبدیل نماید به طوری که تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند. و هر که پس از این (نعمت بزرگ) کفران ورزد، چنین کسانی به حقیقت نافرمانند

و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و از این رسول فرمان برید، باشد که مورد رحمت (خداوند) قرار گیرید

کسانی را که کفر ورزیده اند مپندار که در روی زمین ناتوان کننده هستند (که می توانند خدا را از پیشبرد اهدافش یا هلاک کردن دشمنش درمانده کنند) و جایگاه آنها آتش است و حقاً که بد سرانجامی است

ای کسانی که ایمان آورده اید، باید کسانی که برده ملکی شمايند و کسانی از شما که به حد بلوغ نرسیده اند (هنگام ورود به مسکن شخصی شما) سه بار (در سه وقت) اجازه بگیرند (و سر زده وارد نشوند)، قبل از نماز صبح و هنگام ظهر که لباس های خود را وامي نهيد و پس از نماز عشا که (این اوقات) سه وقت خلوت شماست، گذشته از این (سه وقت) بر شما و بر آنها گناهی نیست (که بدون اجازه وارد شوند، زیرا) آنها پیوسته (بر حسب ضرورت معاشرت) به دور شما می چرخند (یا شما با یکدیگر کار و رفت و آمد دارید و طلبیدن اذن مشکل است). این گونه خداوند آیات (احکام) را برای شما بیان می کند و خداوند دانا و مصلحت دان است

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَعِزُّوْا كَمَا
اسْتَعِزَّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ ۚ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ
عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ
وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى
الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ
بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ
بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ
أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ
جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا
فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَرَكَاةٌ طَيِّبَةٌ
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

۶۰

۶۱

و چون کودکان شما به حد بلوغ رسیدند پس باید (در تمام اوقات وارد شدن) اجازه بخواهند چنان که کسانی که قبل از آنها (به سن بلوغ رسیده) بودند اجازه می خواستند. این گونه خداوند آیات (احکام) خود را برای شما بیان می کند و خدا دانا و مصلحت دان است

و زنان بازنشسته (از حیض و بارداری) که (طبعاً) طمع همسری (میل آمیزش جنسی) ندارند، بر آنها گناهی نیست در اینکه لباس های خود را بر زمین نهند در صورتی که نشان دهنده زیور و آرایش نباشند، و عفت ورزیدن آنها برایشان بهتر است، و خداوند شنوا و داناست

بر افراد نابینا و لنگ و بیمار (خصوصاً) و بر خود شما (عموما) گناهی نیست در اینکه (در این خانه های یازده گانه) در خانه های خودتان (فرزندان یا همسرانتان) یا خانه های پدرانتان یا خانه های مادرانتان یا خانه های برادرانتان یا خانه های خواهرانتان یا خانه های عموهایتان یا خانه های عمه هایتان یا خانه های دایی هایتان یا خانه های خاله هایتان یا خانه هایی که کلیدهایش را در اختیار دارید یا (خانه) دوستان بر شما گناهی نیست در اینکه (در این خانه ها به وارد شدن و استراحت و استفاده از خوراکی و غیره) دسته جمعی یا جدا جدا تصرف نمایید. و چون به خانه هایی وارد شدید بر خویشتن (بر خویشان و همکیشان خود) سلام کنید سلامی از جانب خدا پربرکت و پاکیزه. این گونه خداوند آیات (احکام) را برای شما بیان می کند، باشد که بیندیشید

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا
مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ
يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا
أَسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذِنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ
لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۲۴
نور
۶۲
/۶۴
۳۰۹ ر

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا
قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلِيَحْذَرِ الَّذِينَ
يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ

۶۳

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ
عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ

۶۴

۸ صفحه

۷۷ آیه

مکی

الْفُرْقَان: فرقان

۲۵. فرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ
نَذِيرًا

۱
حزب
۱۴۴
۳۱۰ ر

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ
تَقْدِيرًا

۲

جز این نیست که مؤمنان (واقعی) کسانی هستند که به خدا
و فرستاده او ایمان آورده اند و چون در کار مهم اجتماعی
(مانند امر مشورتی، جنگ، جمعه و عید) با او باشند از نزد
او نمی روند تا از او اجازه بگیرند. کسانی که از تو اجازه می
خواهند آتھایند که به خدا و فرستاده او ایمان دارند پس
اگر برای برخی از کارهایشان از تو اجازه طلبند به هر کس
از آنها که بخواهی اجازه ده و برای آنها از خدا طلب آمرزش
کن، که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

دعوت و خواندن پیامبر را (به سوی هر امر دینی و دنیوی)
میان خودتان همانند دعوت و خواندن برخی از شما برخی
دیگر را قرار مدهید (و آن را بی اهمیت تلقی نکنید)، همانا
خداوند کسانی را که (پس از دعوت پیامبر، از مجلس او) در
پناه و سایه یکدیگر آهسته از میان مردم بیرون می شوند
می شناسد، پس کسانی که از فرمان او سر می پیچند باید بر
حذر باشند از اینکه گرفتاری (در دنیا) یا عذابی دردناک
(در آخرت) به آنها برسد

آگاه باش که بی تردید آنچه در آسمان ها و این زمین است
ملک حقیقی خداوند است (به ملاک آنکه خلق و حفظ و
تربیت و فانی کردن همه در تحت اراده اوست)، حتما آنچه
را که شما بر آنید (از حالات جسمی و اوصاف روحی و شئون
اجتماعی) می داند، و روزی که (همه انسان ها) به سوی ا

والا و بی زوال و پربركت است آن (خدایی) که فرقان
(قرآن جدا کننده میان حق و باطل و جدا جدا از حیث آیات و
سور) را به تدریج بر بنده خود فرو فرستاد تا همه جهانیان
را (از انس و جن تا انقراض نسلشان) بیم دهنده باشد

آن خدایی که ملکیت و حاکمیت آسمان ها و زمین از آن
اوست، و فرزندی برای خود نگرفته و شریکی در مالکیت و
حاکمیت برای او نبوده است، و همه چیز را آفریده و هر یک
را (در وجود و آثار و بقا و روابط فیما بین) به تناسب حال او
اندازه گیری کرده است

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ
وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا
وَلَا حَيَوةً وَلَا نُشُورًا

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ أُفْتَرِلَهُ وَأَعَانَهُ
عَلَيْهِ قَوْمٌ ءَاخِرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا

وَقَالُوا أَأَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ أَكُتِّبَتْهَا فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً
وَأَصِيلًا

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ
غَفُورًا رَحِيمًا

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي
الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا

أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ
الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا

أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَلَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
سَبِيلًا

تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ فُصُورًا

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا

و به جای خدا معبودهایی گرفتند که چیزی را نمی آفرینند و
خود آفریده می شوند و برای خودشان مالک زیان و سودی
نیستند، و تسلّطی بر مرگ و حیات و برانگیختن پس از مرگ
ندارند

و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: این (قرآن) جز دروغی
نیست که آن را خود (محمّد صلی الله علیه وآله) بافته و
گروهی دیگر (از یهودیان) نیز او را بر آن یاری کرده اند!
پس حقّا که (در این نسبت) ظلم و دروغی (بزرگ) انجام
دادند

و گفتند: (این کتاب) افسانه های پیشینیان است که به
خواست او برایش نوشته اند، پس آن نوشته صبح و شام بر
او خوانده می شود (و او حفظ کرده برای مردم تلاوت می
کند)

بگو: آن را کسی نازل کرده که رازهای پوشیده در آسمان ها
و زمین را (آنچه را بیرون از محدوده علم مخلوق و حواس
ظاهری اوست) می داند، حقّا که او بسیار آمرزنده و مهربان
است (و از این رو تعجیل در عذاب کافران ندارد)

و (مشرکان) گفتند: این چه فرستاده ای است که طعام می
خورد و در بازارها راه می رود؟! (در صورتی که رسول باید
فرشته باشد، حدّ اقل) چرا به سوی او فرشته ای فرستاده
نشده تا همراه او بیم دهنده (و مؤید رسالت او) باشد

یا چرا گنجی به سوی او (از آسمان) افکنده نمی شود، یا
باغی برای او نمی باشد که از آن مصرف کند؟! و این
ستمکاران (به مردم) گفتند: شما جز مردی جادو شده را
پیروی نمی کنید

بنگر که چگونه مثل ها زدند و اوصافی برای تو بیان کردند،
پس (درباره شناخت رسول و رسالت) همراه شدند و توان
یافتن راهی (به سوی حق) ندارند

والا و بی زوال و پربركت است آن (خدایی) که اگر بخواهد
بهتر از آن (گنج و باغ) را برای تو قرار می دهد، باغ هایی که
از زیر (درختان) آنها نهرها روان باشد، و برای تو قصرها
قرار می دهد (لكن اينها از شئون رسالت نیست)

(ردّ رسالت به علت، خوردن و راه رفتن رسول بهانه است)
بلکه آنها قیامت را دروغ شمرده اند (و با نبود روز جزا
رسالت و دین، لغو است) و ما برای کسی که قیامت را دروغ
شمارد آتشی فروزان آماده کرده ایم

إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَزَفِيرًا

۱۳

وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا

۱۴

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا

۱۵

قُلْ أَذَلِكْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا

۱۶

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْئُولًا

۱۷

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ

۱۸

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَعَابَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا

۱۹

فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمِ مِّنْكُمْ نَذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا

۲۰

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ^ط وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ^ط وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا

چون (آن آتش فروزان) آنها را از دور ببیند از آن خروش خشم و غضب، و صدای شعله هایش را می شنوند

و چون در آن آتش به جایی تنگ، دست و پا بسته و به همدیگر زنجیر شده افکنده شوند، در آنجا فریاد واویلا و طلب مرگ سر می دهند

(به آنها گفته می شود) امروز یک بار فریاد ویل و مرگ سر ندهید بلکه فریاد ویل و مرگ بسیار سر دهید (زیرا هر گناه اعتقادی و عملی را عذابی است، و هر عذابی را فریاد ویل و مرگی)

بگو: آیا آن بهتر است یا بهشت جاویدان که به پرهیزکاران وعده داده شده که برای آنها (در علم ازلی حق و لوح محفوظ) پاداش و جای بازگشت است؟

آنها را در آنجا در حالی که جاویدانند هر چه (از نعمت های بهشتی) بخواهند فراهم است. این امر بر عهده پروردگار تو وعده ای است درخواست شده (به زبان قال و حال مؤمنان، لکن پیش از وعده درخواست تفضلی و پس از آن درخواست استحقاقی است)

و (به یاد آر) روزی که (خداوند) آنها را و آنچه را که به جای خدا می پرستیدند (از بتان و ستارگان و مسیح و فرشتگان) گرد می آورد، پس (به معبودها) می گوید: آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید (و به عبادت خویش فرا خواندید) یا آنها خود راه را گم کرده اند

آنها گویند: منزّهی تو (ای خدا)، ما را شایسته نبود (و حق نداشتیم) که غیر از تو دوستانی (به عنوان تابعان و پرستش کنندگان) بگیریم، و لکن تو آنها و پدرانشان را (از نعمت های دنیا) برخوردار کردی تا آنکه یاد تو را (آیاتی را که پیامبران آوردند) فراموش کردند و گروهی هلاکت یافته شدند

(به عبادت کنندگان گفته می شود) پس حقا که (معبودهایتان) شما را در آنچه می گوئید تکذیب کردند، پس نه قدرت دفع عذاب (از خود) دارید و نه یاری (خود) را، و هر کس از شما (در این جهان) ستم کند ما او را (در آخرت) عذابی بزرگ می چشانیم

و ما پیش از تو از فرستادگان خود نفرستادیم مگر اینکه آنها هم طعام می خوردند و در بازارها راه می رفتند. و ما برخی از شما را وسیله آزمایش برخی دیگر قرار داده ایم (پیامبر و امت، عاقل و جاهل، غنی و فقیر، تا ببینیم) که آیا (در انجام وظائف) صبر می کنید؟ و همواره پروردگار تو (به حال همه) بیناست

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلٰٓئِكَةُ اَوْ نَرٰی رَبَّنَا لَقَدْ اُسْتُكْبِرُوْا فِیْ اَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْ عُتُوًّا کَبِیْرًا

یَوْمَ یَرَوْنَ الْمَلٰٓئِكَةَ لَا بُشْرٰی یَوْمَیْذٍ لِّلْمُجْرِمِیْنَ وَیَقُولُوْنَ حِجْرًا مَّحْجُوْرًا

وَقَدِمْنَا اِلٰی مَا عَمِلُوْا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنٰهُ هَبَآءً مَّنْثُوْرًا

اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ یَوْمَیْذٍ خَیْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَّاَحْسَنُ مَقِیْلًا

وَّیَوْمَ تَشْقٰی السَّمَاۗءُ بِالْغَمِّ وُنُزِلَ الْمَلٰٓئِكَةُ تَنْزِیْلًا

اَلْمَلٰٓئِکَ یَوْمَیْذٍ اَلْحَقُّ لِلرَّحْمٰنِ وَكَانَ یَوْمًا عَلٰی الْکٰفِرِیْنَ عَسِیْرًا

وَّیَوْمَ یَعْصُ الطَّٰلِمُ عَلٰی یَدَیْهِ یَقُوْلُ یَلِیَّتَنِیْ اُتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِیْلًا

یٰوٰیلتَی لَیْتَنِیْ لَمْ اُتَّخِذْ فُلَانًا خَلِیْلًا

لَقَدْ اَضَلَّنِیْ عَنِ الذِّکْرِ بَعْدَ اِذْ جَآءَنِیْؕ وَكَانَ الشَّیْطٰنُ لِلْاِنْسٰنِ خَدُوْلًا

وَقَالَ الرَّسُوْلُ یَرَبِّ اِنَّ قَوْمِیْ اُتَّخَذُوْا هٰذَا الْقُرْءَانَ مَهْجُوْرًا

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِیْنَؕ وَکَفٰی بِرَبِّکَ هَادِیًا وَنَصِیْرًا

وَقَالَ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَیْهِ الْقُرْءَانُ جُمْلَةً وَّاحِدَةًؕ کَذٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهٖٓ فُوَادَکَؕ وَرَتَّلْنٰهُ تَرْتِیْلًا

و کسانی که امید دیدار ما را ندارند (معاد را منکرند) گفتند: چرا بر ما فرشتگانی فرستاده نشد، یا پروردگار خود را نمی بینیم؟ حقاّ که آنها در نهاد خویش تکبر ورزیدند و سرکشی بزرگی کردند

روزی که آنها فرشتگان (فرشتگان مرگ یا عالم برزخ یا صحنه قیامت) را می بینند در آن روز گنهکاران را بشارتی نیست، و (به فرشتگان) می گویند: ما را ایمنی کامل دهید، و فرشتگان می گویند: سخت ممنوع است (بر شما رحمت و بهشت خدا)

و به سوی آنچه (در حال کفر) انجام داده اند از عمل ها (ی خیر مانند انفاقات و خدمات و اختراعات نافع و غیره) رو می آوریم، پس آنها را غباری پراکنده (در هوا) قرار می دهیم (زیرا پاداش خدا تفضّلی است نه استحقاقی علاوه آنکه نعمت های دنیوی خود پاداش است، ولی نعمت های آخرت مشروط به ایمان است)

اهل بهشت در آن روز جایگاهی بهتر، و استراحتگاهی نیکوتر دارند

و (یاد آور) روزی که آسمان با ابری سفید که در آن است شکافته شود (یا ابر چهل و مادیت دنیا زدوده شود و حقیقت ملاّ اعلی ظهور یابد) و فرشتگان به ترتیب خاصی فرو فرستاده شوند

ملکیت و مالکیت حقیقی (بدون منازع بر همه هستی) در آن روز از آن خدای رحمان است، و آن روز بر کافران روزی سخت خواهد بود

و (به یاد آر) روزی که ستمگر پشت دست های خود را به دندان می گزد، می گوید: ای کاش همراه پیامبر راهی را (به سوی خدا) پیش می گرفتم

ای وای بر من، کاش فلانی را (که سبب انحراف من شد) دوست نمی گرفتم

حقّا که مرا از یاد خدا (یا پیامبر و قرآن) پس از آنکه به من رسیده بود منحرف نمود، و همواره شیطان نسبت به انسان خوارکننده بوده و هست

و (در آن روز) فرستاده خدا گوید: ای پروردگار من، همانا قوم من (امت من از زمان بعثت تا آخر دنیا) این قرآن را متروک گذاشتند (و از درک معارف و عمل به آن اعراض نمودند)

و این گونه ما برای هر پیامبری دشمنانی از گنهکاران قرار دادیم (به واسطه خلق هوای نفس در انسان، و آزاد گذاشتن شیطان در وسوسه او، و بودن دعوت انبیا بر خلاف میل آنان سبب دشمنی آنها شدیم) و همین کافی است که پروردگارت هدایت کننده و یاور توست

و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: چرا قرآن (اگر از علم الهی سرچشمه گرفته) یک جا بر او فرو فرستاده نشده؟ این چنین است، تا قلب تو را بدان ثبات و استحکام بخشیم و (لذا) آن را پی در پی به آرامی (در مدت بیست و سه سال در احوالی با کمّیت مختلف) برخواندیم

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا

۳۴

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا

۳۵
رو ۳۱۳

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ وَ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا

۳۶

فَقُلْنَا أَذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا

۳۷

وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ ءَايَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا

۳۸

وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّيِّسِ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا

۳۹

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ ۖ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا

۴۰

وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أُمِطِرَتْ مَطَرُ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرُونَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا

۴۱

وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوءًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا

۴۲

إِن كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا

۴۳

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ ۚ هُوَ أَفْأَنَتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا

و هیچ مثال و وصفی برای (طعن در نبوت) تو نمی آورند (مانند ساحر، شاعر، افسانه گو) مگر آنکه ما (در پاسخ آن) حقّ مطلب و تفسیر و بیانی نیکوتر را برای تو می آوریم

آنهایی که (در روز قیامت) به رو درافتاده به سوی جهنم گردآوری می شوند، آنها بدترین جایگاه را دارند و گمراه ترین افرادند

و همانا به موسی کتاب (آسمانی تورات) دادیم، و برادرش هارون را همراه او، یاور و معین (او در علم به تورات و حفظ و عمل و ابلاغ آن و مبارزه با دشمن) قرار دادیم

پس گفتیم: بروید به سوی گروهی (فرعون و قوم او) که آیات و نشانه های ما را تکذیب کرده اند، (پس رفتند و آنها تکذیب کردند) پس آنها را به سخت ترین روش هلاک نمودیم

و قوم نوح را هنگامی که فرستادگان ما را (اصل رسالت الهی را که مستلزم انکار همه رسولان است) تکذیب کردند غرق نمودیم، و (داستان) آنها را برای مردم نشانه ای (از قدرت و عظمت خود) قرار دادیم، و برای ستمکاران عذابی دردناک آماده کرده ایم

و عاد (قوم هود) و ثمود (قوم صالح) و اصحاب رسّ (قوم) شعیب یا گروهی دیگر که درخت صنوبر می پرستیدند) و جمعیت های بسیاری را نیز در این فاصله (هلاک کردیم)

و هر یک (از این اقوام) را مثل ها (ی عبرت آموز) زدیم و (چون نپذیرفتند) هر یک را سخت پراکنده و هلاک ساختیم

و حتما آنان (مشرکین مکه) بر شهری که باران بدی بر آن باریده شد (مسکن قوم لوط که سنگباران شد) گذر کرده اند پس آیا آنجا را ندیده اند؟ (چنان نیست که ندیده باشند) بلکه آنان امید (و اعتقاد) به برانگیخته شدن ندارند

و چون تو را ببینند جز به مسخره ات نگیرند، (می گویند) آیا این است کسی که خدا او را به رسالت برانگیخته؟

به راستی نزدیک بود که ما را از خدایانمان گمراه سازد اگر ما بر (عبادت) آنها صبر نمی ورزیدیم! و آن گاه که عذاب (قبر یا برزخ یا قیامت) را ببینند خواهند دانست که چه کسی گمراه تر بوده است

آیا دیدی کسی را که خدای خود را هوای خود گرفته (خدای مورد قبول عقل و فطرت و ملت ها را عملا تنزل داده تا منطبق بر هوای نفس کرده)؟ آیا تو کارساز او (در هدایت یا حفظ از عذاب آخرت) خواهی شد؟

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالَّذِينَ لَا نَفْعَ لَهُمْ أَصْلٌ سَبِيلًا

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۖ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا

فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ۚ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۗ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا

آیا می پنداری بیشتر آنان می شنوند یا می اندیشند؟ (نه) آنها جز همانند چارپایان نیستند بلکه گمراه ترند (زیرا حیوانات راه هدف خلقت را طبق غریزه درست می پیمایند و اینان نه)

آیا به (قدرت) پروردگارت ننگریستی که چگونه (در صبحگاهان و شامگاهان) سایه (همه اجرام سایه دار) را کشیده و اگر می خواست (به وسیله ایستا کردن زمین از حرکت) آن را ساکن می نمود؟ سپس ما آفتاب را برهان بر (وجود سایه، یا راهنمای حرکت) آن قرار داده ایم

سپس آن را (تا آن گاه که خورشید بر بالای سر اجرام برسد) به آرامی به سوی خود برگرفتیم (به قدرت خود آن را محو کردیم)

و اوست آن که (تاریکی) شب را برای شما (چون) پوششی، و خواب را وسیله بریدن از کارها و آرامش، و روز را (وقت) پراکنده شدن (در میان جامعه و کسب روزی) قرار داد

و اوست آن که بادها را مژده دهندگانی پیشاپیش رحمت خویش (باران) فرستاد و ما از آسمان آبی پاک و پاک کننده (به صورت باران و برف و تگرگ) فرود آوردیم

تا به وسیله آن سرزمینی مرده را زنده کنیم و آن را در اختیار آشامیدن چهارپایان و انسان های زیادی از آنچه آفریده ایم قرار دهیم

و به راستی ما یاد نعمت باران را در میان مردم (از قدیم الایام) به روشی گوناگون بیان کردیم، و این (نعمت) را همواره در میان مردم گردانیدیم (و به هر محیطی و ملتی سهمی از آن بر طبق نظام اتمّ جهان عطا کردیم) تا (قدرت و حکمت و رحمت ما را) متذکّر شوند، اما بیشتر مردم (از همه چیز) جز از کفر به حق و کفران نعمت سرباز زدند

و اگر می خواستیم در هر مجتمعی (پیامبر) بیم دهنده ای برمی انگیزتیم (لکن تو را به عللی برای همه مجامع تا آخر جهان انتخاب کردیم)

پس هرگز از کافران پیروی مکن و با الهام از این (کتاب و منطق قوی آن) با آنها جهادی بزرگ (سرد و گرم) انجام ده

و اوست آن که دو دریا را به هم پیوست، این یک گوارا و شیرین و آن یک شور و تلخ مزه است و میان آن دو فاصله و مانعی مستحکم (از قدرت خویش) قرار داد (تا در هم نیامیزند، چنان که رودهای شیرین بزرگ به دریا می ریزند و در محوطه وسیعی آب شیرین در وسط آب شور قرار می گیرد بدون آنکه با هم مخلوط شوند)

و اوست آن که از آب (نطفه) بشری آفرید، پس او را دارای رابطه نسبی و سببی قرار داد (رابطه ذاتی هر انسانی با خویشان خود، و رابطه عرضی با خویشان همسرش)، و همواره پروردگار تو بر همه چیز تواناست

و به جای خداوند چیزی را می پرستند که نه به آنها سودی می دهد و نه زبانی می رساند، و کافر همواره بر ضدّ پروردگار خود پشتیبان (شیطان و دشمنان خدا) است

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

۵۷

رَبِّهِ سَبِيلًا

۵۸

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا

۵۹

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ الرَّحْمَنُ فَسَّئَلُ بِهِ خَبِيرًا

۶۰

سجده مستحب

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۝

۶۱

۳۱۵ر

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا

۶۲

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنۢ أَرَادَ أَنۢ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا

۶۳

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

۶۴

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَمًا

۶۵

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ ۚ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

۶۶

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

۶۷

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا

و ما تو را جز مژده دهنده و بیم رسان (که وظیفه نبوت است) نفرستادیم (و اجرای احکام از طریق تسلّط بر جامعه از وظایف امامت است، و پاداش و کیفر آن از شئون ربوبیت)

بگو: از شما در مقابل این (ابلاغ رسالت) مزدی نمی خواهم جز آنکه کسی بخواهد به سوی پروردگار خود راهی پیش گیرد، (انتخاب اختیاری راه به سوی خدا پس از دعوت رسول، مزد رسالت است)

و بر آن زنده ای که هیچ گاه نمی میرد توکل کن، و او را همراه حمد و ستایش او تسبیح گو (و از هر نقصی منزّه دان) و او کافی است که به گناهان بندگانش آگاه باشد

آن کسی که آسمان ها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز (شش روز روشن یا شش شبانه روز یا شش دوران) بیافرید، سپس بر تخت تسلط بر آفریده ها استقرار و استیلا یافت، (او خدای) رحمان است، پس از او که آگاه است (حقیقت را) بپرس

و چون به آنها گفته شود که به (خدای) رحمان سجده کنید، (از راه مسخره) گویند: رحمان چیست؟ آیا به آنچه تو دستور می دهی (بدون شناخت) سجده کنیم؟! و (گفته تو) بر نفرت و دوری آنها می افزاید

والا و بی زوال و پربرکت است آن (خدایی) که در آسمان برجهایی (از ستارگان) قرار داد و در آن چراغی (که خورشید است) و ماهی تابان قرار داد

و اوست آن که هر یک از شب و روز را برای کسی که متذکر (حق و آثار جلال و جمال او) شود یا بخواهد شکرگزار (نعمت های او) باشد، جانشین دیگری قرار داده (تا اگر تذکر و شکر در یکی فوت شد در دیگری جبران شود)

و بندگان (واقعی خدای) رحمان کسانی اند که بر (روی) زمین با آرامش و فروتنی راه می روند، و چون نادانان آنها را (به گفتار ناروا) طرف خطاب قرار دهند آنها سلام (سخنی مسالمت آمیز و دور از خشونت) گویند

و آنان که شب را در برابر پروردگارشان در حالی که سجده کننده و ایستاده اند به روز می آورند

و آنان که می گویند: پروردگارا، عذاب جهنم را از ما بازگردان، که حقّا عذاب آن (برای اهلش) ملازم و پیوسته است

به یقین جهنم بد قرارگاه و اقامتگاهی است

و آنان که چون انفاق نمایند نه اسراف و تجاوز از حد کنند، و نه سختگیری نموده و پایین تر از حد روند، و (انفاقشان) میان این دو روش، حد وسط و عادلانه است

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا

يُضْعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِۦ مُهَانًا

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا

أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا

خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ۖ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا

و آنان که معبود دیگری با خداوند نمی خوانند، و نفسی را که خدا محترم و مصون داشته، جز به حق (مانند قصاص و حدود و غیره) نمی کشند، و زنا نمی کنند، و کسی که چنین کند به کیفری (سخت) برخورد نماید

(و به لحاظ تقارن گناهان اعتقادی و عملی وی) عذاب او در روز قیامت دو برابر شود و در آن عذاب همیشه به خواری بماند

مگر کسانی که (از آنچه در آن بودند) توبه کنند و ایمان آورند و عمل شایسته نمایند، پس آنهایند که خداوند گناهانشان را تبدیل به نیکی ها می کند (توفیق می دهد در آینده به جای آن گناهان عمل های نیک کنند، یا نسبت به گذشته گناهانشان را محو و به جایش حسنات می نویسد) و همواره خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

و هر که توبه کند و عمل شایسته انجام دهد پس او به نحوی نیکو و رضایت بخش به سوی خدا باز می گردد (پس تبدیل گناه به ثواب عجیب نیست)

و آنان که به دروغ گواهی نمی دهند و در مجالس دروغ و غنا و فحش و غیره حضور نمی یابند، و چون به لغو و بیهوده ای عبور کنند بی اعتنا و بزرگوارانه می گذرند

و آنان که چون به نشانه های پروردگارشان (از وحی و قرآن و موعظه) تذکر داده شوند در مقابل آن (همانند) کران و کوران نمی افتند (بلکه با شنوایی قلبی و دید باطنی به آن می نگرند)

و آنان که می گویند: پروردگارا، برای ما از همسران و فرزندانمان روشنی دیدگان (نسل های صالح و پاک و متقی) عطا کن و ما را بر پرهیزکاران (در مسابقه به سوی ایمان یا رهبری در اصول و فروع و معارف) پیشوا گردان

آنهایند کسانی که در مقابل صبرشان غرفه ها و درجات برتر (بهشت) را پاداش داده می شوند، و در آنجا با تحیت و سلامی (از سوی خدا و فرشتگان) رو به رو می گردند

در حالی که در آنجا جاودانه خواهند بود (و آنجا) نیکو قرارگاه و اقامتگاهی است

(به مشرکان) بگو: پروردگار من برای شما وزنی نمی نهاد اگر نه این بود که می خواهد شما را (طبق اقتضای رحمت عام و اتمام حجت، به توحید

طا، سین، میم. این حروف رمزهایی میان اللّٰه و رسول اوست. و این کتاب مرکب از همین حروف است لکن احدی توان آوردن مانند آن را ندارد. این کتاب دارای محکّات و این گونه متشابهات است. و سوگند به طور سینا و مکّه، و سوگند به طوبی و سدره و محمّد (ص) که

این سوره آیات این کتاب روشن و روشنگر است

شاید تو می خواهی خود را هلاک کنی از این که آنها ایمان نمی آورند

اگر بخواهیم از آسمان نشانه ای (برهانی الزام آور یا عذابی خوارکننده) بر آنها فرو می فرستیم تا گردن های آنها در برابر آن (به اجبار) خاضع گردد

و هیچ وسیله تذکر تازه ای (مانند سوره یا موعظه یا معجزه ای) از جانب خدای رحمان به آنها نمی رسد مگر آنکه همواره از آن روی گردانند

پس حقّا که (آیات ما را) تکذیب کردند، پس به زودی خبرهای آنچه که به آن استهزا می کردند به آنها خواهد رسید (دربرزخ یا قیامت وعده ها را می فهمند)

و (با این همه اصرار بر تکذیب) آیا به این زمین ننگریستند که چه بسیار در آن از هر صنفی نیکو و گرامی (از گیاهان و درختان) رویانیدیم؟

همانا در این (رویاندن) نشانه ای است (بر توحید و قدرت و رحمت ما) اما بیشترشان (به اقتضای پلیدی فطرت) ایمان آور نبوده و نیستند

و همانا پروردگار تو غالب و مقتدر (بر انتقام و کيفر) و مهربان است (که مهلت می دهد)

و (به یاد آر) هنگامی که پروردگارت موسی را ندا درداد که برو سراغ گروه ستمکاران

قوم فرعون، (عجبا) آیا پروا نمی کنند؟

گفت: پروردگارا، به راستی می ترسم مرا تکذیب کنند

و سینه ام تنگی می کند و زبانم (در گفتار) روان نیست، پس (فرشته وحی را) به سوی هارون فرست (تا او را یاور من کنی)

و آنها را بر عهده من جرمی است (فردی از آنها را کشته ام) پس می ترسم مرا (پیش از اداء رسالت) بکشند

گفت: چنین نیست، پس شما دو نفر آیات ما را ببرید، به یقین ما همراه شما (دو نفر و فرعونیان) کاملاً شنونده ایم

پس به نزد فرعون رفته، بگوئید: همانا ما فرستاده پروردگار جهانیانیم

(با این پیام) که بنی اسرائیل را با ما بفرست (تا به سوی شام موطن اصلی خود برویم)

فرعون گفت: آیا ما تو را در حال کودکی در میان خود نپروردیم؟ و سالیانی از عمرت را در میان ما درنگ نکردی

و کردی آن کار آن چنانی را که کردی (مردی را کشتی) در حالی که از کفران کنندگان (نعمت های ما) بودی

۱
حزب
۱۴۷
ر ۳۱۶
منزل
۵

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰
ر ۳۱۷

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
طسّم

تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

لَعَلَّكَ بَخِيعٌ نَفْسَكَ أَلاَّ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ ءَايَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدِّثٍ إِلاَّ كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةًٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلا يَتَّقُونَ

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ

وَلَهُمْ عَلَىٰ ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِيْنَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِيْنَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ

وَفَعَلْتَ فَعَلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الصَّاَلِينَ

۲۱

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا
وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ

۲۲

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدَتْ بَنِي إِسْرَءِيلَ

۲۳

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

۲۴

قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

۲۵

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ ۚ أَلَا تَسْتَمِعُونَ

۲۶

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

۲۷

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ

۲۸

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

۲۹

قَالَ لَئِن أُتِّخِذَتْ إِلَٰهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

۳۰

قَالَ أَوْلَوْ جِثَّتْكَ بَشِيْءٌ مِّمِّينِ

۳۱

قَالَ فَأْتِ بِهِ ۚ إِن كُنْتَ مِنَ الصَّٰدِقِينَ

۳۲

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

۳۳

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ

۳۴

۳۱۸ر

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ ۚ إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ

۳۵

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ ۚ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

۳۶

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأُبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَٰشِرِينَ

۳۷

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ

۳۸

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

۳۹

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُّجْتَمِعُونَ

(موسی) گفت: آن کار را در آن وقت انجام دادم در حالی که از ناآگاهان بودم (ناآگاه از اینکه یک ضربت سبب قتل می شود)

پس چون از شما ترسیدم از نزدتان گریختم، پس پروردگارم به من نبوت و حکمت و علم شریعت بخشید و مرا از فرستادگان خود قرار داد

و آیا این نعمت است که مَنّش را بر من می نهی که بنی اسرائیل را به بردگی گرفته ای (در حالی که من نیز از آنها و در اسارت تو بودم)؟

فرعون گفت: پروردگار جهانیان چیست

گفت: تدبیر و تربیت کننده آسمان ها و زمین و آنچه در میان آنهاست اگر اهل یقین باشید (و بتوانید از حسن تدبیر و تربیت آنها به مدبّر و مربّی آنها پی ببرید)

فرعون به اطرافیان خود گفت: آیا گوش فرا نمی دهید (به گفتار او که چگونه عین سؤال مرا پاسخ قرار می دهد، یا آنکه من از ماهیت پروردگار می پرسم و او از کارهایش جواب می گوید)؟

گفت: پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست

فرعون گفت: همانا این رسولتان که به سوی شما فرستاده شده حتما دیوانه است (من از چیزی می پرسم و او چیز دیگر می گوید)

موسی گفت: پروردگار مشرق و مغرب (محل طلوع و غروب همه کراتی که طلوع و غروب دارند) و آنچه در میان آن دو است، اگر بیندیشید

فرعون گفت: بی تردید اگر معبودی غیر از من اختیار کنی حتما تو را از زندانیان قرار می دهم

موسی گفت: حتی اگر برای تو چیز روشنی بیاورم (معجزه ای آشکار و روشنگر صدق ادعا)

گفت: بیاور آن را اگر از راستگویانی

پس عصای خود را بیفکند که ناگاه اژدهایی آشکار شد (روشن بود که حقیقتا اژدهاست)

و دست (از زیر بغل) بیرون آورد، پس به ناگاه برای بینندگان سفید و نورانی (خیره کننده) بود

فرعون به گروه اشرافی که در اطرافش بودند گفت: حقا که این جادوگر دانایی است

می خواهد شما را از سرزمیتتان به وسیله جادویش بیرون کند، پس چه نظر می دهید

گفتند: کار او و برادرش را به تأخیر انداز و نیروهای گردآورنده ای را به شهرها بفرست

تا همه جادوگران دانا را به نزد تو آورند

پس همه جادوگران در وعده گاه روز معین (روز عید و زینت) گردآوری شدند

و به مردم (به عنوان دعوت به حضور و پیروی از ساحران) گفته شد: آیا شما هم اجتماع خواهید کرد

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَمَّا لَآجِرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

قَالَ لَهُم مُّوسَى الْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ

فَالْقُوا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ

فَالْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

فَالْقَى السَّحَرَةَ سَاجِدِينَ

قَالُوا ءَأَمَنَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ

قَالَ ءَأَمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَا قُطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَا صَلْبَتَكُمْ أَجْمَعِينَ

قَالُوا لَا صَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا أَن كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكَ مُتَّبَعُونَ

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ

وَإِنَّهُمْ لَمَّا لَغَاطِبُونَ

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّنْ جَنَّتٍ وَعُيُونٍ

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بِنِي إِسْرَءِيلَ

فَاتَّبَعُوهُمْ مُّشْرِقِينَ

تا اگر جادوگران پیروز شدند از آنها پیروی کنیم (دین و ربوبیت فرعون را ادامه دهیم)

پس چون جادوگران آمدند به فرعون گفتند: آیا اگر پیروز شدیم برای ما پاداشی خواهد بود؟

گفت: آری، و حتما در آن هنگام از مقربان (درگاه ما) خواهید بود

موسی به آنها گفت: آنچه را بنا دارید بیفکنید، بیفکنید

پس آنها ریسمان ها و چوبدستی های خود را افکندند (و از فرط اعتماد به فرعون و به ساخته های خود که به صورت مارها می جنبید) گفتند: سوگند به عزت (و جلال) فرعون که ما حتما پیروزیم

پس موسی عصای خود را بیفکند، پس به ناگاه آنچه را که آنان به صورت غیر واقعی ساخته (و نمایش داده) بودند می بلعید

پس جادوگران (از عظمت امر و قدرت حق، قهرا) به صورت سجده کنندگان به خاک افتادند

گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم

همان پروردگار موسی و هارون

فرعون گفت: پیش از آنکه من به شما اذن دهم به او ایمان آوردید؟! حتما او بزرگ شماس‌ت که به شما جادو آموخته (و این مبارزه شما ساختگی بوده) پس به زودی خواهید فهمید! قطعاً دست ها و پاهای شما را بر خلاف یکدیگر (یکی از راست و یکی از چپ) خواهم برید و شما را جمیعا بر دار خواهم آویخت

گفتند: هیچ ضرری (بر ما) نیست، زیرا ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم (و او همه را) جبران می کند)

همانا ما طمع داریم که پروردگارمان گناهان ما را بدین سبب که نخستین گرونده بوده ایم ببخشاید

و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه حرکت ده، زیرا شما دنبال خواهید شد (و بدین سبب مقدمه فرج شما و نابودی فرعونیان فراهم خواهد آمد)

پس فرعون (پس از اطلاع از فرار بنی اسرائیل) نیروهای گردآورنده ای در شهرها فرستاد (تا لشکریان را جمع کنند)

(می گفت) همانا اینها گروهی بسیار اندکند

و البته اینها ما را (به سوابق تمرّد و نافرمانیشان) به غیظ و خشم آورده اند

و حتما ما گروهی هشیار و آماده ایم

پس (ما بدین وسیله) آنها را از باغ ها و چشمه سارها

و گنج های (نعمت) و جایگاه گرامی و پرارج بیرون کردیم

(مقتضای قدرت و حکمت ما) چنین بود، و همه آنها را به بنی اسرائیل میراث دادیم

پس (فرعونیان) آنها را به هنگام طلوع خورشید تعقیب کردند

فَلَمَّا تَرَأَ الْجُمُعَانَ قَالَ أَصْحَبُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ

۶۲ قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ

۶۳ فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أُضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ ۖ فَانْفَلَقَ
فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ

۶۴ وَأَرْزَلْنَا ثَمَّ الْأَخْرِينَ

۶۵ وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَّعَهُ ۖ أَجْمَعِينَ

۶۶ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْأَخْرِينَ

۶۷ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

۶۸ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

۶۹ وَاتُّلِ عَلَيْهِمْ نَبَأُ إِبْرَاهِيمَ

۷۰ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ ۖ مَا تَعْبُدُونَ

۷۱ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَظِيمِينَ

۷۲ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ

۷۳ أَوْ يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ

۷۴ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ

۷۵ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

۷۶ أَنْتُمْ وَعِبَادُكُمْ الْأَقْدَمُونَ

۷۷ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ

۷۸ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ

۷۹ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ

۸۰ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ

۸۱ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ

۸۲ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ

۸۳ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ

پس چون آن دو گروه همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: حتما ما در شرف گرفتار شدنییم

موسی گفت: چنین نیست، مسلماً پروردگارم با من است، به زودی مرا (به راه نجات) هدایت می کند

پس به موسی وحی کردیم که عصای خویش به دریا زن. پس دریا (با زدن عصا از دوازده جا، مانند جاده ای) شکافت و هر قطعه ای (از وسط دو راه) همانند کوهی بزرگ بود

و در آنجا آن گروه دیگر (فرعونیان) را نزدیک کردیم

و موسی و کسانی که همراه او بودند همگی را نجات دادیم

سپس آن گروه دیگر را غرق کردیم

حقاً که در این (داستان) نشانه ای (از توحید و قدرت و غضب و رحمت خدا) است، و بیشتر آنها گرونده به حق نبودند

و همانا پروردگار تو (نسبت به طغیان) مقتدر و غالب و (نسبت به مطیعان) مهربان است

و بر آنان (مشرکان) خبر و داستان ابراهیم را بازگو کن

آن گاه که به پدر و قوم خود گفت: شما چه می پرستید

گفتند: ما بت هایی را می پرستیم و پیوسته ملازم آنها و سر بر آستانشان داریم

گفت: آیا آن گاه که (آنها را) می خوانید صدایتان را می شنوند (و خواست شما را برآورده می کنند)

یا شما را سودی می بخشند یا زیانی می رسانند

گفتند: (نه)، بلکه پدرانمان را یافته ایم که چنین می کردند

گفت: آیا می بینید آنچه را که می پرستید

شما و نیاکانتان

به یقین همه آنها دشمن من هستند (زیرا آنها هستند که عابدان خود را جهنمی می کنند) جز پروردگار جهانیان (که چنین نیست)

همان کسی که مرا آفریده و همواره مرا (به سوی امور معاش و معادم) راهنمایی می کند

و همان که مرا طعام می دهد و سیرابم می کند

و چون بیمار شوم او شفایم می بخشد

و همان که مرا می میراند سپس زنده می گرداند

و همان که امید دارم گناه مرا در روز جزا ببخشد

پروردگارا، مرا دانش های عقلی و دینی ببخش، و مرا به شایستگان ملحق ساز

وَأَجْعَلِ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

۸۵

وَأَجْعَلَنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ

۸۶

وَأَغْفِرْ لِيَإِخِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ

۸۷

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ

۸۸

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ

۸۹

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

۹۰

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

۹۱

وَبُرِّرَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ

۹۲

وَقِيلَ لَهُمْ أَيُّنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

۹۳

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمُ أَوْ يَنْتَصِرُونَ

۹۴

فَكُذِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْعَاوُنَ

۹۵

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ

۹۶

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ

۹۷

تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

۹۸

إِذْ نُسَوِّيكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

۹۹

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ

۱۰۰

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ

۱۰۱

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ

۱۰۲

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

۱۰۳

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

۱۰۴

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

۱۰۵
را ۳۲۱

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ

۱۰۶

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

۱۰۷

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

۱۰۸

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

۱۰۹

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

۱۱۰

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

۱۱۱
حزب
۱۴۹

قَالُوا أَنْوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ

و برای من نام و یاد نیک، و زبانی راستگو، و دعوت کننده ای راستین، در میان آیندگان قرار ده

و مرا از وارثان بهشت پرنعمت قرار ده

و بر پدرم ببخشای، زیرا او از گمراهان است. (آزر پدر همسر یا عموی ابراهیم بوده و پدرش تارخ موحد بوده است.

و مرا در روزی که (مردم) برانگیخته می شوند خوار مگردان

روزی که مال و پسران سودی نمی بخشند

مگر کسی که با قلبی سالم (از عقاید و اخلاق فاسده) به نزد خداوند بیاید

و (در آن روز) بهشت به نزدیک پرهیزکاران آورده می شود

و دوزخ برای گمراهان آشکار می گردد

و به آنها گفته می شود: کجاست آنچه پرستش می کردید

به جای خداوند؟! آیا شما را یاری می کنند یا از خود دفع عذاب می توانند کرد؟

پس آن معبودها و گمراهان (که آنها را می پرستیدند) پی در پی در آن آتش به رو درافکنده می شوند

و لشکریان ابلیس نیز همگی (مشرکان و کفار و فساقی که پیوسته در طاعتش بودند و نسل و ذریه های خود ابلیس)

آنان (اهل دوزخ) در حالی که در آنجا به مخاصمه برمی خیزند (به معبودهای خود) گویند

سوگند به خدا که حقیقتا ما در گمراهیی آشکار بودیم

چرا که شما را با پروردگار جهانیان برابر می شمردیم

و ما را جز گنهکاران (عالمان فاسد و حاکمان جور و دوستان متحرف) همراه نکردند

پس (امروز) برای ما هیچ شفاعت کننده ای نیست

و نه هیچ دوست گرم و صمیمی ای

پس کاش برای ما بازگشتی (به دنیا) بود تا از مؤمنان می شدیم

حقا که در این (داستان) نشانه ای (از قدرت و غضب و رحمت خدا) است، و بیشتر آنها گرونده به حق نبودند

و همانا پروردگار تو (نسبت به طاغیان) مقتدر و غالب و (نسبت به مطیعان) مهربان است

قوم نوح همه فرستادگان خدا را تکذیب کردند (زیرا تکذیب بعضی تکذیب همه است، یا آنکه اصل رسالت را انکار می کردند)

آن گاه که برادر (قبیله ای) آنها نوح به آنها گفت: آیا (از غضب و عذاب خدا) نمی پرهیزید

همانا من برای شما فرستاده ای امینم

پس از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید

و من بر این (رسالت) هیچ مزدی از شما نمی طلبم، مزد من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست

پس از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید

گفتند: آیا به تو ایمان آوریم در حالی که فرومایگان از تو پیروی کرده اند

قَالَ وَمَا عَلَّمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ

فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

فَأَنجَيْنَاهُ وَمَنْ مَّعَهُ ۖ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ

وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمٍ وَبَنِينَ

وَجَنَّتِ وَعُيُونٍ

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ

گفت: مرا چه اطلاعی است از آنچه آنها کرده و می کنند

حساب آنها جز بر عهده پروردگار من نیست، اگر بیندیشید

و من هرگز طردکننده مؤمنان نخواهم بود

من جز بیم دهنده ای آشکار نیستم

گفتند: ای نوح، اگر (از این دعوت) دست بردناری حتما از سنگسارشدگان خواهی بود

گفت: پروردگارا، همانا قوم من مرا تکذیب کردند

پس میان من و آنها قضاوتی گشایش دهنده کن، و من و کسانی را که همراه من هستند نجات بخش

پس او و کسانی را که با او در آن کشتی سرشار (از انسان ها و حیوانات و آذوقه) بودند نجات بخشیدیم

آن گاه بعد از نجات آنها همه باقی ماندگان را غرق نمودیم

حقاً که در این (داستان) نشانه ای (از قدرت و غضب خدا) است، و بیشتر آنها گرونده به حق نبودند

و همانا پروردگار تو (نسبت به طاغیان) مقتدر و غالب و (نسبت به مطیعان) مهربان است

قوم عاد (ملت هود) نیز فرستادگان خدا را تکذیب کردند

آن گاه که برادر (قبیله ای) آنها هود به آنها گفت: آیا (از شرک و کفر) نمی پرهیزید؟

همانا من برای شما فرستاده ای امینم

پس از خدا پروا کنید و از من اطاعت نمایید

و من بر این (رسالت) هیچ مزدی از شما نمی طلبم؛ مزد من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست

آیا بر هر مکان بلندی به عبث و بازیچه بنایی برافراشته به نشانه ثروت می سازید؟

و کاخ های مجلل (و برکه و استخرها) بنا می کنید شاید که جاودانه باشید؟

و چون (کسی را) به قهر بگیرید ظالمانه و جائزانه مواخذه می کنید؟

پس از خدا پروا کنید و مرا اطاعت نمایید

و از کسی که شما را به آنچه خود می دانید یاری داده پروا کنید

شما را به (بخشش) چهارپایان و پسران یاری داده

و نیز به باغ ها و چشمه سارها

حقاً که من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم

گفتند: برای ما یکسان است چه پند و اندرز دهی یا از پندهندگان نباشی

إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ^ط إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

أَتَتْرَكُونَ فِي مَا هَلَهْنَا ءَامِنِينَ

فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعُهَا هُضِيمٌ

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بَآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ

فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَدِمينَ

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

این (دعوت به مبدأ و معاد) جز عادت مدعیان پیشین نبوت نیست (که ما آن را نپذیرفتیم) یا این پرستش بت ها و ستارگان که ما داریم جز عادت نیاکان پیشین ما نیست که آن را پذیرفته ایم. و یا این زندگی و مرگ ما جز زندگی و مرگ بشر از ازل نیست، پس بعث و حسابی در کار نیست

و (چون معادی در کار نیست پس) ما هرگز معذب نخواهیم بود

پس او را تکذیب کردند و ما هم آنها را هلاک نمودیم. حقا که در این (داستان) نشانه ای (از قدرت و غضب خدا) است، و بیشتر آنها گرونده به حق نبودند

و همانا پروردگار تو (نسبت به طاغیان) مقتدر و غالب و (نسبت به مطیعان) مهربان است

قوم ثمود نیز همه فرستادگان خدا را تکذیب کردند

آن گاه که برادر (قبیله ای) آنان صالح به آنها گفت: آیا (از شرک و کفر) نمی پرهیزید؟

همانا من برای شما فرستاده ای امینم

پس از خدا پروا کنید و از من اطاعت نمایید

و من بر این (رسالت) از شما مزدی نمی طلبم، مزد من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست

آیا (گمان دارید که) در میان آنچه در اینجا هست (در محیط شخصی و زندگی دنیوی) در حال ایمنی رها خواهید شد؟

در میان باغ ها و چشمه سارها؟

و زراعت ها و درختان خرمایی که شکوفه های آن به نظم چیده شده و نازک و لطیف است؟

و ماهرانه و سرکشانه از کوه ها خانه هایی می تراشید؟

پس از خدا پروا کنید و از من اطاعت نمایید

و فرمان مسرفان را پیروی نکنید

آنان که در زمین فساد می کنند و (هرگز) به اصلاح نمی پردازند

گفتند: جز این نیست که تو از جادوشدگانی

تو جز بشری همانند ما نیستی، پس آیه و معجزه ای بیاور، اگر از راستگوییانی

(پس به دعای صالح ماده شتری از کوه بیرون آمد و صالح) گفت: این ماده شتری است که یک سهم از آب (این سرچشمه) از آن اوست و سهم یک روز معین هم از آن شماسـ

و به او آسیبی نرسانید که شما را عذاب روزی بزرگ فرا خواهد گرفت (عذاب دسته جمعی دنیا یا عذاب قیامت)

پس او را پی کردند سپس پشیمان گشتند

پس آنها را عذاب (موعود) فرا گرفت. حقا که در این (داستان) نشانه ای (از قدرت و غضب خدا) است، و بیشتر آنها گرونده به حق نبودند

و همانا پروردگار تو (نسبت به طاغیان) مقتدر و غالب و (نسبت به مطیعان) مهربان است

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ

قوم لوط نیز فرستادگان خدا را تکذیب کردند

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

آن گاه که برادر (قبیله ای) آنان لوط به آنها گفت: آیا (از این شرک و کفرتان) نمی پرهیزید؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

همانا من برای شما فرستاده ای امینم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

پس از خدا پروا کنید و از من اطاعت نمایید

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و من بر این (رسالت) هیچ مزدی از شما نمی طلبم، مزد من جز بر عهده پروردگار عالمیان نیست

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ

آیا شما از انسان های این دنیا با نران آمیزش می کنید؟

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ ۚ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ

و آنچه را پروردگارتان برای شما از همسرانتان آفریده رها می کنید؟! (گناهتان کوچک نیست) بلکه شما گروهی هستید که (از مسیر خلقت و راه فطرت و مورد تصویب شریعت) تجاوزکننده اید

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ

گفتند: ای لوط، اگر (از این سخنان) دست برداری حتما از تبعیدشدگان خواهی شد

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ

گفت: بی تردید من از دشمنان این عمل شما هستم

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

پروردگارا، مرا و خانواده ام را از (وبال) عملی که اینان انجام می دهند نجات بخش

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ ۖ أَجْمَعِينَ

پس او و خاندان او همگی را نجات دادیم

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَيْرِينَ

مگر پیره زنی (همسر لوط) را که در بازماندگان (در عذاب موعود) بود

ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ

سپس دیگران را هلاک نمودیم

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ

و بر سر آنها بارانی (از سنگ) بارانیدیم، پس بد بارانی بود باران بیم داده شدگان (بی اعتنا به هشدار)

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

حقاً که در این (داستان) نشانه ای (از قدرت و غضب خدا) است، و بیشتر آنها گرونده به حق نبودند

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و همانا پروردگار تو (نسبت به طاغیان) مقتدر و غالب و (نسبت به مطیعان) مهربان است

كَذَّبَ أَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ

مردم ایکه نیز همه فرستادگان خدا را تکذیب کردند

إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ

آن گاه که شعیب به آنها گفت: آیا (از کفر و شرک خود) نمی پرهیزید؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

همانا من برای شما فرستاده ای امینم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

پس از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و من بر این (رسالت) هیچ مزدی از شما نمی طلبم، مزد من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ

پیمانه را (در مقام معامله) پر بدهید و از خسارت زننده ها نباشید

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ

و با ترازوی درست وزن کنید

وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعَثُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ

و کالاهای مردم را کم ندهید و در روی زمین مفسدانه حرکت نکنید

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْحَبِلَةَ الْأَوَّلِينَ

۱۸۵ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

۱۸۶ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَذِبِينَ

۱۸۷ فَاسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

۱۸۸ قَالَ رَبِّیْ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

۱۸۹ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ یَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ

۱۹۰ إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَآیَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

۱۹۱ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ

۱۹۲ وَإِنَّهُ لَنَزِیلُ رَبِّ الْعَلَمِینَ

۱۹۳ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ

۱۹۴ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِینَ

۱۹۵ بِلِسَانٍ عَرَبِیِّ مُبِینٍ

۱۹۶ وَإِنَّهُ لَفِی زُبْرِ الْأَوَّلِینَ

۱۹۷ أَوَلَمْ یَكُنْ لَهُمْ ءَایَةٌ أَنْ یَعْلَمَهُ عُلَمَآؤُ بَنِی إِسْرَءِیلَ

۱۹۸ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِینَ

۱۹۹ فَقَرَأَهُ عَلَیْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِینَ

۲۰۰ كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِی قُلُوبِ الْمُجْرِمِینَ

۲۰۱ لَا یُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ یَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِیمَ

۲۰۲ فَبِأَتْیِهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا یَشْعُرُونَ

۲۰۳ فَیَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ

۲۰۴ أَقْبِعْ عَذَابِنَا یَسْتَعْجِلُونَ

۲۰۵ أَفَرِئَتْ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِینَ

۲۰۶ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا یُوعَدُونَ

و از کسی که شما و اقوام پیشین را آفریده پروا کنید

گفتند: جز این نیست که تو از جادوشدگانی

و تو جز بشری مانند ما نیستی و حقیقت این است که ما تو را از دروغگویان می پنداریم

(و به عنوان استهزاء گفتند:) پس پاره هایی از آسمان را بر سر ما فرو افکن اگر از راستگویانی

(شعیب) گفت: پروردگار من به آنچه عمل می کنید داناتر است (می داند کیفر عملتان سنگ است یا غیر آن)

پس او را تکذیب کردند و عذاب روز سایه بان آنها را فرا گرفت (سایه بانی از ابر آتش زا که بر سر آنها آتش بارید)، حقا که آن عذاب روزی بزرگ بود

حقا که در این (داستان) نشانه ای (از قدرت و غضب خدا) است، و بیشتر آنها گرونده به حق نبودند

و همانا پروردگار تو (نسبت به طاغیان) مقتدر و غالب و (نسبت به مطیعان) مهربان است

و به یقین این (قرآن) فرو فرستاده پروردگار جهانیان است (که از علم ازلی او به لوح محفوظ و از آنجا به حافظه جبرئیل روح الامین نزول یافته)

روح الامین آن را فرود آورده

بر قلب تو تا از بیم دهندگان باشی

(آن را) به زبان عربی روشن (فرود آورده)

و حقا که این (کتاب نام و اوصافش و نام آورنده اش) در کتاب های پیشینیان (انبیاء پیشین) آمده است

و آیا برای آنها (مشرکان مکه) این دلیل و نشانه نیست که دانشمندان بنی اسرائیل از این (کتاب و اوصاف آن به طور کامل) اطلاع دارند

و اگر این (کتاب با همه محتوایش) را بر برخی عجم ها (به زبان غیر عربی) فرو می فرستادیم

پس آن را (پیامبر یا آن عجم) برای آنها می خواند هرگز به آن ایمان نمی آوردند (و می گفتند: آیا قرآن عجمی و ملت عربی؟

و ما آن را این چنین (مبغوض و باطل) در دل های گنهکاران (مکه) راه دادیم

به آن ایمان نخواهند آورد تا عذاب دردناک (مرگ وبرزخ یا قیامت) را ببینند

پس به ناگاه به سراغشان بیاید در حالی که توجهی ندارند

پس (از روی تأسف و حسرت) گویند: آیا ما مهلتی داده می شویم

پس (به عنوان توبیخ گفته می شود) آیا به عذاب ما شتاب می کردند؟

پس خبر ده آیا اگر آنها را سالیانی (از زندگی دنیا) برخوردار سازیم

سپس آنچه وعده داده می شدند به سراغشان بیای

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ

۲۰۸

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ

۲۰۹

ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ

۲۱۰

وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ

۲۱۱

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ

۲۱۲

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَزُولُونَ

۲۱۳

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذِّبِينَ

۲۱۴

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

۲۱۵

وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

۲۱۶

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ

۲۱۷

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

۲۱۸

الَّذِي يَرِنُكَ حِينَ تَقُومُ

۲۱۹

وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّجْدِينَ

۲۲۰

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۲۲۱

هَلْ أَنْبِئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ

۲۲۲

تَنْزَلُ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ

۲۲۳

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ

۲۲۴

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ

۲۲۵

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ

۲۲۶

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

۲۲۷

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا
وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا^ط وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا^ط أَيَّ
مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

آنچه بدان متنعم بودند چه چیزی (از عذاب خدا) را از آنها باز می گرداند

و ما هیچ مجتمعی را (به عنوان کیفر) هلاک نساختیم مگر اینکه برای آنها انذارکنندگانی (از پیامبران یا خلفای آنها) وجود داشت

تا تذکر (جامعه) حاصل آید (دعوت کامل و حجت تمام شود و گر نه هلاک آنها ستم باشد) و ما هیچ گاه ستمکار نبوده ایم

و هرگز این (قرآن) را شیطان ها (بر پیامبر ما) فرود نیاورده اند

و (این کار عظیم و مقدس) سزاوار آنها (که ذاتا شرور و منشأ فسادند) نیست، و آنها (بر حسب خبث ذات خود و قداست این وساطت) قدرت آن را ندارند

به یقین آنها از شنیدن (کلام خدا به سبب بسته شدن درهای آسمان به روی آنها) معزول و برکنارند

و با خداوند معبود دیگری مخوان که از عذاب شدگان خواهی شد

و (نخست) خویشان نزدیکت را بیم ده و انذار کن

و بال مهر و فروتنی خود را برای هر کس از مؤمنان که پیرویت کنند فرود آر و چتر جلب و جذب بر سر آنان بگستر

پس اگر تو را نافرمانی کنند بگو: من از آنچه شما به جا می آورید (از کرده های زشت و باطل شما) بیزارم

و بر آن مقتدر غالب مهربان توکل کن

آن کسی که تو را هنگامی که (به نماز یا به هر امر خیری) قیام می کنی، می بیند

و نیز حرکت هایت را (به قیام و رکوع و سجود) در میان سجده کنندگان (مشاهده می کند)

زیرا که اوست شنوا و دانا

آیا شما را آگاه کنم از آن کسی که شیطان ها بر او فرود می آیند (مانند کاهنان آن عصر)

نازل می شوند بر هر دروغ باف گنه پیشه

آنها شنیده های خود (از ملأ اعلی) را به آنها القا می کنند، و بیشترشان دروغگویند

و (پیامبر شاعر نیست، زیرا) شاعران را گمراهان پیروی می کنند (و پیامبر چنین نیست)

آیا ندیده ای که آنها در هر وادیی (از افکار خیالی) سرگردانن

و اینکه آنها می گویند آنچه را که خود انجام نمی دهند؟

مگر کسانی (از آنها) که ایمان آورده و عمل های شایسته نموده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه ستمدیده اند (اشعاری بر ضد پیامبر

طاء، سین. این حروف رمزهایی میان اللّٰه و رسول اوست. این کتکتاب مرکب از همین حروف است ولی کسی را توان آوردن نظیر آن نیست. و این کتاب دارای محکّمات و این گونه متشابهات است. سوگند به طور سینا و طیر و سلیمان که این سوره آیه های قرآن و کتابی روشن و روشنگر است

راهنما و بشارت دهنده برای مؤمنان است

آنها که نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و آنها که به روز واپسین یقین دارند

همانا کسانی که به روز واپسین ایمان نمی آورند اعمال (زشت و باطل) آنها را (به وسیله رها کردن به حال خود و مسلط نمودن شیطان بر آنها) در نظرشان آراستیم، از این رو همواره در سرگردانی اند

آنها کسانی هستند که برایشان عذاب سختی است و آنها ایند
در آخرت زیناکارترند (زیرا مؤمن در مقابل گناه ثواب
هم دارد ولی آنها ثوابشان حبط شده است)

و به یقین این قرآن از جانب حکیمی دانا به تو القا می شود

(به یاد آور) هنگامی که موسی به خانواده اش گفت: من آتشی را حس کردم (از دور دیدم) به زودی خبری از آن برای شما می آورم یا شعله ای برگرفته (از آن) می آورم شاید که گرم شوید

پس چون به نزد آتش آمد ندا داده شد که پرخیز و برکت است آن کس که در آتش است (خدایی که قدرت و جلالش در آتش تجلی کرده، یا فرشتگانی که در آن آتش تقدیس خدا می کنند) و آن کس که در کنار آن است (موسی)، و منزه است خداوند، پروردگار جهانیان

ای موسی، در حقیقت این منم خدای مقتدر غالب حکیم

و عصابت را بیفکن، پس چون آن را دید که همانند ماری تیز رو به سرعت حرکت می کند، رو به پشت برگشت و (چنان رفت که) به پشت سر نگاه نکرد، (ندا آمد) ای موسی، مترس که همانا فرستادگانم در نزد من نمی ترسند

(و ترک اولای برخی از پیامبران هر چند ستمی خفیف است) لکن کسی که ستم نماید آن گاه پس از بدی کار نیکی به جای آن آورد همانا که من بسیار آمرزنده و مهربانم

و دست خود را در گریبان کن که سفید و درخشنده بی
عیب بیرون می آید، (این دو) در میان نه معجزه (است
پس) به سوی فرعون و قوم او (روانه شو) حقا که آنها
گروهی فاسق و نافرمانند

پس چون معجزات روشن و روشنگر ما به سوی آنها آمد
گفتند: این جادویی آشکار است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَّ تِلْكَ ءَايَتُ الْقُرْءَانِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ

۱
حزب
۱۵۱
۳۲۷.

هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

۲

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ
يُوقِنُونَ

μ

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّاتٌ لَهُمْ أَعْمَلُهُمْ فَهُمْ
يَعْمَهُونَ

۲

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ
الْأَخْسَرُونَ

وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْءَانَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ

5

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُم مِّنْهَا
بَخْبَرٍ أَوْ ءَاتِيكُم بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

V

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا
وَسُبِّحَانَ اللَّهَ رَبِّ الْعَالَمِينَ

人

يَمُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

9

وَأَلْقَى عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ ۚ يَمُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ

10

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

11

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوَاءٍ فِي
تَسْمِعِ عَائِلَةٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

14

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ ءَايَتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ

14

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ
كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَأَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ
الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۚ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ
يُوزَعُونَ

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ التَّمَلِّ قَالَتْ نَمَلَةٌ يَأَيُّهَا التَّمَلُّ
أَدْخُلُوا مَسَكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ
لَا يَشْعُرُونَ

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَلَدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا
تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ
الْغَائِبِينَ

لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَنٍ
مُّبِينٍ

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ ۚ وَجِئْتُكَ
مِنْ سَبَاءٍ مُّبِينٍ

و آن (معجزات) را در حالی که باطنشان به آنها یقین پیدا کرده بود از روی ظلم و برتری جویی انکار کردند، پس بنگر که عاقبت فسادانگیزان چگونه بود

و حقّا که ما به داود و سلیمان دانشی دادیم (دانش شریعت، قضاوت، سیاست، صنعت و فهم سخن پرندگان) و گفتند: ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بیشتر بندگان باایمان خود برتری داد

و سلیمان (نبوت و علم و معجزه و مال را) از داود ارث برد و گفت: ای مردم، به ما زبان پرندگان آموخته شده، و از هر چیزی (از کمالات معنوی و وسایل مادی) به ما داده شده، حقّا که این همان فضل آشکار است

و برای سلیمان سپاهیانش از جنّ و انس و پرندگان (برای حرکت به سوی جنگ یا مانور) جمع آوری شدند، پس همه در یک جا به منظور اجتماع اول و آخرشان گرد آورده می شدند

تا آن گاه که به وادی النمل (سرزمین مورچگان در طائف یا شام) سرازیر شدند، مورچه ای (در مقام اعلام به همگان) گفت: ای مورچگان، به لانه های خود درآیید مبادا سلیمان و سپاهیانش ناآگاهانه شما را پایمال کنند

پس سلیمان از گفته وی با تبسمّ بخندید و (به شکرانه حس کلام و درک مرام او) گفت: پروردگارا، مرا الهام کن که نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس گزارم و عملی شایسته که تو آن را بیسندی به جا آورم و مرا به رحمت خویش در زمره بندگان شایسته ات در آر

و پرندگان (سپاهش) را رسیدگی کرد، پس گفت: مرا چه شده که هدهد را نمی بینم یا آنکه از غایبان است

حتما او را عذابی سخت می کنم یا او را سر می برم مگر آنکه دلیل روشنی (برای غیبت خود) بیاورد

پس هدهد درنگی نه طولانی کرده (بازگشت و) گفت: من بر چیزی آگاهی یافته ام که تو آگاهی نیافته ای، و برای تو از شهر سبا (پایتخت یمن) خبری مهم و یقینی آورده ام

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ

وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ

أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أَتِيَّتْ إِلَىٰ كِتَابٍ كَرِيمٍ

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأُتُونِي مُسْلِمِينَ

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ

قَالُوا نَحْنُ أُولُو قُوَّةٍ وَأُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ

همانا من زنی را یافتم که بر آنان سلطنت می کرد و از هر چیزی (از شئون سلطنت و لوازم اداره مملکت و وسایل عیش ملت) به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت

من او را و قومش را یافتم که به جای خدا خورشید را سجده می کردند و شیطان در نظرشان عمل های (کفرآمیز و فاسقانه) آنها را آراسته، پس از راه حق بازشان داشته بود، از این رو هرگز هدایت نمی یابند

(و شیطان بر آنها زینت داده بود) که سجده نکنند به خدایی که نهان های نهفته در آسمان ها و زمین را بیرون می آورد (خدایی که گیاهان را از خاک، حبوبات را از گیاه، میوه ها را از درخت، خزندگان را از زمین، حیوانات را از نطفه، آب ها را از ابر، دانش ها را از مغز، فرشته ها را از نور، شیطان ها را از نار، و بالاخره موجودات را از نهانخانه عدم بیرون می آورد) و آنچه را (از خطورات دل) پنهان می دارید و آنچه را اظهار می کنید (و آن عملی که در خلوت می کنید و آنچه آشکارا انجام می دهید) می داند

خداوندی که معبودی جز او نیست و صاحب عرش بزرگ است (تسلّط حقیقی گسترده بر اجزاء عالم وجود دارد)

(سلیمان) گفت: اکنون تاملی در کار تو می کنیم که آیا راست گفته ای یا از دروغگویان هستی

این نامه مرا ببر و به سوی آنها بیفکن، سپس از آنها دور شو، پس بنگر که (در مقام تبادل نظر) چه چیزی را بازگو می کنند

(چون نامه را هدهد بر ملکه سبا افکند، ملکه) گفت: ای اشراف و سران، همانا به سوی من نامه ای پراچ و گرامی افکنده شده

این نامه از سلیمان رسیده و (عنوان آن) «به نام خداوند بخشنده مهربان» است

(و مضمون آن) اینکه بر من برتری مجویید و همگی در حال تسلیم به نزد من بیائید

(سپس) گفت: ای اشراف و سران، مرا در کارم نظر دهید، زیرا من هیچ گاه پیش از آنکه شما در نزد من حضور یابید فیصله دهنده کاری نبوده ام

گفتند: ما دارای نیرویی (بزرگ و ارتش و امکانات) و صاحبان شجاعت و توان بالای رزمی هستیم، و فرمان با توست، پس بنگر چه فرمان می دهی

گفت: بی تردید پادشاهان چون به شهر (یا کشوری) درآیند آنجا را به تباهی کشانند و سران و قدرتمندان آن را خوار سازند، و (آنها معمولاً) چنین می کنند

و البته من به سوی آنها هدیه ای می فرستم، پس منتظر می مانم که فرستادگانم به چه (حال و پاسخی) بازمی گردند

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَنَ قَالَ ائْتِمُدُونِي بِمَالٍ فَمَا ءَاتَنِۦ ۚ اَللّٰهُ خَيْرٌۭ مِّمَّا ءَاتٰكُمۡۚ بَلْ اَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُوْنَ

اَرْجِعْ اِلَيْهِمْ فَلَنَاْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِّنْهَا اَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ

قَالَ يٰٓاَيُّهَا الْمَلُوۡاْ اَيُّكُمْ يٰٓتِيْنِيۡ بِعَرْشِهَا قَبْلَ اَنْ يَّاْتُوْنِيۡ مُسْلِمِيۡنَ

قَالَ عِفْرِیْتُ مِّنَ الْجِنِّ اَنَاۡ ءَاتِيْكَ بِهٖۤ قَبْلَ اَنْ تَقُوۡمَ مِّنۡ مَّقَامِكَ ۖ وَاِنِّیۡ عَلَیْهِ لَقَوِیۡٓ اٰمِیۡنٌ

قَالَ الَّذِیۡ عِنْدَهُۥ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتٰبِ اَنَاۡ ءَاتِيْكَ بِهٖۤ قَبْلَ اَنْ یَّرْتَدَّ اِلَیْكَ ظَرْفُكَ ۚ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُۥۤ قَالَ هٰذَا مِّنۡ فَضْلِ رَبِّیۡ لَیْبَلُوۡنِیۡ ءَاشْكُرُۡ اَمْ اَكْفُرُۡ ۖ وَمَنۡ شَكَرَ فَاِنَّمَا یُشْكُرُ لِنَفْسِہٖۤ ۖ وَمَنۡ كَفَرَ فَاِنَّ رَبِّیۡ غَنِیٌّ کَرِیۡمٌ

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرُ اَتَهْتَدِیۡ اَمْ تَكُوۡنُ مِّنَ الَّذِیۡنَ لَا یَهْتَدُوۡنَ

فَلَمَّا جَآءَتْ قِیْلَ اَهٰلَکَذَا عَرْشُکَ ۖ قَالَتْ کَآئِهٖۤ هُوَ ۚ وَاُوْتِیْنَا الْعِلْمَ مِّنۡ قَبْلِهَا وَکُنَّا مُسْلِمِیۡنَ

وَصَدَّهَا مَا کَانَتَ تَعْبُدُۢ مِنَ دُوۡنِ اللّٰهِ ۖ اِنَّهَا کَانَتْ مِّنۡ قَوْمٍ کَافِرِیۡنَ

قِیْلَ لَهَا اُدْخِلِیۡ الصَّرْحَ ۖ فَلَمَّا رَاَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِیْهَا ۚ قَالَ اِنَّهٗ صَرْحٌ مَُّرَدُّۢ مِّنۡ قَوَارِیۡرَ ۖ قَالَتْ رَبِّ اِنِّیۡ ظَلَمْتُ نَفْسِیۡ وَاَسْلَمْتُ مَعَ سُلَیْمٰنَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیۡنَ

پس چون (فرستاده) نزد سلیمان آمد (و هدیه را تقدیم کرد سلیمان) گفت: آیا مرا به مالی (اندک) یاری می کنید؟ با آنکه آنچه خدا به من داده (از نبوت و حکومت و مال) بهتر است از آنچه به شما داده (بی ارزشی هدیه که هیچ) بلکه شما به هدیه خود شادمانید

به سوی آنها (ملکه و قومش) بازگرد، که ما حتما با لشکریانی به سراغ آنها خواهیم آمد که توان مقابله با آن را ندارند، و یقینا آنها را از آن سرزمین با خواری و اسیر و ذلیل بیرون می کنیم

(آن گاه) گفت: ای اشراف و سران، کدام یک از شما تخت آن زن را پیش از آنکه همگی در حال تسلیم بر من وارد شوند برای من می آورد

یکی از جنیان سرکش و تیزهوش گفت: من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی نزد تو می آورم، و البته من بر این کار نیرومند و امینم

کسی که در نزد او دانشی از کتاب (از لوح محفوظ یا از کتاب های آسمانی) بود گفت: من آن را پیش از آنکه پلک چشمت به هم بخورد، و یا قبل از آنکه نگاهت بر چیزی صورت آن را به مغز بدهد، به نزد تو می آورم. پس چون آن را در نزد خود حاضر و پابرجا دید گفت: این (حاصل شدن فوری خواسته، یا وجود چنین فردی در امت من) از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاس می گزارم یا کفران می ورزم؟ و هر کس سپاس گزارد به سود خود سپاس گزاشته، و هر کس کفران ورزد پس همانا پروردگار من بی نیاز و بزرگوار است

(آن گاه سلیمان) گفت: تخت او را (به وسیله تغییراتی در رنگ و شکل) برایش ناشناس سازید تا بنگریم آیا (به شناختش) راه می یابد یا از کسانی خواهد بود که راه نمی یابند

پس چون (ملکه سبا) آمد گفته شد: آیا تخت تو نیز این چنین است؟ گفت: گویی این همان است و پیش از این به ما آگاهی (از قدرت سلیمان) داده شده بود و از تسلیم شدگان بودیم

و او را آنچه به جای خدا می پرستید (از ایمان به خدا و پرستش او) بازداشته بود، زیرا او از گروه کافران بود

به او گفته شد: به حیاط قصر داخل شو، پس چون حیاط قصر را دید گمان کرد آب زیادی است پس دامن جامه را از ساق های خود بالا زد، (سلیمان) گفت: (این که می بینی) حیاط صاف و ساده ای است از شیشه، گفت: پروردگارا من (تا به حال) به خود ستم کرده ام و اینک در برابر پروردگار جهانیان همراه سلیمان اسلام آوردم. (دیدن عظمت قصر و سابقه امر هدهد و آوردن تخت سبب اسلام او شد.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ

قَالَ يَاقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

۴۶

قَالُوا أَطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ قَالَ طَيَّرَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ

۴۷

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

۴۸

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

۴۹

وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۵۰

فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ

۵۱

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

۵۲

وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

۵۳

وَلَوْطَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ ۖ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ

۵۴

أَيِّنَّكُمْ لَمَّا تَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ ۚ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

۵۵

و همانا ما به سوی قوم ثمود برادر (قبیله ای) آنها صالح را فرستادیم که خدا را پرستش نمایید، پس در آن هنگام آنها دو گروه شدند (مؤمنان و کافران) که به نزاع و کشمکش می پرداختند

گفت: ای قوم من چرا برای عذاب و بدی قبل از نیکی شتاب می ورزید (درخواست عذاب می کنید و توبه و ایمان را تأخیر می اندازید)؟! چرا از خداوند درخواست آمرزش نمی کنید تا شاید مورد رحمت قرار گیرید

گفتند: (ای صالح) ما به تو و همراهانت فال بد زده ایم (شما سبب شرور و بدیها هستید). گفت: (سبب) بدی ها و شرور شما (که گناهاتان است) در نزد خداوند است (و ما سبب آن نیستیم) بلکه شما گروهی هستید که امتحان می شوید (این حوادث همه کیفر نیست بلکه برای آزمایش شماست)

و در آن شهر نه نفر (یا نه گروهک، از اشراف و گمراهان شهر) بودند که در زمین افساد می کردند و هیچ اصلاح نمی کردند

آنها به یکدیگر گفتند: هم قسم به خدا شوید که بر او و خانواده اش شیخون زنیم سپس به خونخواهش بگوییم ما حاضر قتل (او و) خانواده اش نبودیم و حتما ما راستگوییم

و آنها نیرنگ بزرگی کردند و ما نیز نیرنگ بزرگی کردیم در حالی که آنها توجه نداشتند

پس بنگر که چگونه بود عاقبت نیرنگ آنها ما آنها و قومشان را (که با آنها هم عقیده بودند) همگی را هلاک ساختیم

پس آن خانه های آنهاست ویران و تهی (از ساکنان!) حقا که در این (حادثه) نشانه عبرتی است برای گروهی که بدانند

و کسانی را که ایمان آوردند و همواره تقوی پیشه داشتند نجات دادیم

و لوط را (به یاد آر) هنگامی که به قوم خود گفت: آیا این کار بسیار زشت را در انظار یکدیگر انجام می دهید؟

آیا شما با مردها به جای زنان به شهوت می آمیزید؟! بلکه شما گروهی هستید که پیوسته جهالت می ورزید

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّا أَنْ قَالُوا اأُخْرِجُواْ عَالَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْۚ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ

۵۷

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُۥٓ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُۥٓ قَدَّرْنَا لَهَا مِنَ الْغَٰبِرِينَ

۵۸

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًاۖ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذِرِينَ

۵۹
را ۳۳

قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفَىٰ ؕ ۚ ٱللَّهُ خَيْرٌۭ أَمَّا يُشْرِكُونَ

۶۰

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا بِهِۦٓ حَدَٰئِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُم أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ؕ ۚ ٱللَّهُ مَعَ ٱللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ

۶۱

أَمَّنْ جَعَلَ ٱلْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَٰلَهَا أَنْهَٰرًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيًّۭا وَجَعَلَ بَيْنَ ٱلْبَحْرَيْنِ حَٰجِزًا ؕ ۚ ٱللَّهُ مَعَ ٱللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

۶۲

أَمَّنْ يُجِيبُ ٱلْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ ٱلْأَرْضِ ؕ ۚ ٱللَّهُ مَعَ ٱللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

۶۳

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ ٱلرِّيَّحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِۦٓ ؕ ۚ ٱللَّهُ مَعَ ٱللَّهِ تَعَالَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

پس پاسخ قوم او جز این نبود که گفتند: خاندان لوط را از میان اجتماعتان بیرون کنید، زیرا آنها مردمی هستند که پاکی می ورزند (و از کار شما دوری می جویند)

پس او و خاندانش را نجات بخشیدیم جز همسرش را که (از ازل) مقدر کرده بودیم از باقی ماندگان (در آن جمعیت هلاک شونده) باشد

پس بر سر آنها بارانی (از سنگ) بارانیدیم پس بد بارانی بود باران آن بیم داده شدگان

بگو: سپاس و ستایش از آن خداوند است، و سلام و درود بر بندگان او که آنها را برگزیده (از پیامبران و جانشینان آنها و مؤمنان نیکوکردار) آیا خدا بهتر است یا آنچه که آن را شریک خدا می دانند؟

(آیا آن شریکان بهترند) یا کسی که آسمان ها و زمین را آفریده و برای شما از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرود آورده؟ پس به وسیله آن باغ های زیبا و سرسبز و مسرت انگیز رویانیدیم که رویاندن درختان آن برای شما مقدور نبود! آیا با خدای یکتا معبودی هست؟ (نه) بلکه آنها گروهی هستند که (از خدا) برمی گردند و برای او همتایی قائل می شوند

(آیا آن شریکان بهترند) یا کسی که زمین را (نسبت به اهلش) ثابت و آرام نموده، و در میان شکاف های آن نهرها (روان) کرده، و برای آن کوه هایی پابرجا و استوار ساخته، و میان دو دریا مانعی قرار داده (در محل تلاقی رودهایی که همانند دریا هستند و دریا در محیط وسیعی میان آب شیرین و شور حاجزی تکوینی قرار داده که با یکدیگر درنیامیزند)؟ آیا با خدای یکتا معبودی هست؟ (نه) بلکه بیشتر آنان نمی دانند

(آیا آن شریکان بهترند) یا کسی که (دعای) شخص گرفتار را هنگامی که او را می خواند، پاسخ می دهد و آسیب و گرفتاریش را برطرف می سازد، و شما را جانشینان (روی) زمین قرار می دهد (جانشینان خدا در روی زمین، و حاضران در جای رفتگان)؟ آیا با خدای یکتا معبودی هست؟ بسیار اندک متذکر می شوید

(آیا آن شریکان بهترند) یا کسی که شما را در تاریکی های خشکی و دریا هدایت می کند، و کسی که بادها را پیشاپیش رحمت خود (باران) بشارت دهنده می فرستد؟ آیا با خدای یکتا معبودی هست؟ برتر است خدا از آنچه شریک (او) می پندارند

أَمَّنْ يَبْدُوْا اَلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُۥ ۖ وَمَنْ يَّرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ
وَالْاَرْضِۙ اَعْلَهُۥ مَعَ اللّٰهِۚ قُلْ هَاتُوْا بُرْهٰنَكُمْۚ اِنْ كُنْتُمْ
صٰدِقِيْنَ

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ الْغَيْبَ اِلَّا اللّٰهُ وَمَا
يَشْعُرُوْنَ اَيَّٰنَ يُبْعَثُوْنَ

بَلِ اَدْرٰكَ عِلْمُهُمْ فِي الْاٰخِرَةِۚ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَاۚ بَلْ هُمْ
مِّنْهَا عَمُوْنَ

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَعِذَا كُنَّا تُرَابًا وَّءَابَآؤُنَاۤ اِنَّا لَمُخْرَجُوْنَ

لَقَدْ وُعِدْنَا هٰذَا نَحْنُ وَّءَابَآؤُنَا مِنْ قَبْلُ اِنْ هٰذَا اِلَّا اَسْطِیْرُ
الْاَوَّلِيْنَ

قُلْ سِيرُوْا فِي الْاَرْضِ فَانظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عٰقِبَةُ الْمُجْرِمِيْنَ

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُوْنَ

وَيَقُولُوْنَ مَتٰی هٰذَا الْوَعْدُۙ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ

قُلْ عَسٰی اَنْ يَّكُوْنَ رَدْفٌ لَّكُمْ بَعْضُ الَّذِیْ
تَسْتَعْجِلُوْنَ

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا
يَشْكُرُوْنَ

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُوْنَ

وَمَا مِنْ غَآيَةِ فِي السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ اِلَّا فِي كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ

إِنَّ هٰذَا الْقُرْءَانَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِیْلَ أَكْثَرَ الَّذِیْ هُمْ
فِيهِ يَخْتَلِفُوْنَ

(آیا آن شریکان بهترند) یا کسی که آفرینش موجودات را او آغاز نموده و سپس آنها را (همه را پس از فانی کردن، یا جاندارها را پس از میراندن، در عالم دیگر) بازمی گرداند، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می رساند؟ آیا با خدای یکتا معبودی هست؟ بگو: حجت و برهاتتان را بیاورید اگر راست می گویید

بگو: هر که در آسمان ها و زمین است غیر از خداوند غیب را (عوالم و علوم خارج از حواس صاحبان شعور را) نمی داند و آنها نمی دانند چه زمانی برانگیخته می شوند

(چنین نیست که قیامت نباشد) بلکه علم آنان (در اثر توجه تام به دنیا) نسبت به آخرت پایان یافته، بلکه (با شنیدن ادله باز هم) از آن در شکّ اند، بلکه (به خاطر شقاوت و مهر بر دل هاشان) نسبت به آن کورند

و کسانی که کفر ورزیده اند گفتند: آیا هنگامی که ما و پدران ما خاک شدیم، آیا حتما (در زمانی زنده شده و از قبرها) بیرون آورده می شویم؟

همانا ما و پدرانمان پیش از این به این (زنده شدن) وعده داده شده ایم، اما این نیست جز افسانه های پیشینیان

بگو: در روی زمین سیر کنید، پس بنگرید که عاقبت گنهکاران چگونه شد

و بر (عناد و عدم ایمان) آنها غم مخور، و از آنچه مکر می کنند در تنگی و سختی مباش (که ما تو را حفظ می کنیم)

و می گویند: این وعده (عذاب دنیوی یا قیامت) کی خواهد بود اگر راستگویید؟

بگو: شاید برخی از آنچه که آن را به شتاب می طلبید (عذاب حاکم بین طرفین) به دنبال شما باشد (در روز بدر فرا رسد)

و حقاً که پروردگار تو دارای فضلی (بزرگ) بر مردم است، و لکن بیشترشان سپاس نمی گزارند

و البته پروردگار تو می داند آنچه را که سینه هایشان پنهان می دارند و آنچه را که (به وسیله زبان) آشکار می سازند

و هیچ چیز پنهانی در آسمان و زمین نیست مگر اینکه در کتابی روشن (لوح محفوظ) ثابت و نگاشته است

همانا این قرآن بر بنی اسرائیل بیشتر آنچه را که در آن اختلاف می ورزند (از فرزندی عزیر و عیسی و قتل مسیح و حرمت برخی از خوراکی ها) بازگو می کند

وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

۷۸

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

۷۹

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ الْحَقِّ الْمُبِينِ

۸۰

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

۸۱

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَن ضَلَالَتِهِمْ ۚ إِنَّ تَسْمَعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُّسْلِمُونَ

۸۲
حزب
۱۵۴

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ

۸۳
ر۳۳۳

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ

۸۴

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ إِذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۸۵

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ

۸۶

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

۸۷

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ۚ وَكُلُّ أَتَوَّه دَاخِرِينَ

۸۸

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ۚ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلُّ شَيْءٍ ۚ إِنَّهُ ۖ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

والبَّتَّهٗ آن سراپا هدایت و رحمت است برای مؤمنان

همانا پروردگار تو میان آنها (بنی اسرائیل، در روز قیامت در تمام موارد اختلافشان) به حکم خود، داوری خواهد نمود، و او مقتدر غالب و داناست

پس بر خدا توکل کن، که بی تردید تو (از نظر دین و کتاب و معارف) بر حقّ روشن هستی

مسلمانا تو مردگان (کفر و عناد) را نتوانی شنواند و دعوت خود را به کران، در جایی که پشت کرده و رویگردانند نتوانی رساند

و تو هدایت کننده کوردلان از گمراهیشان نیستی تو نمی توانی (محتوای دعوت خود را) بشنوانی مگر به کسانی که (به اقتضای طبع می توانند) ایمان آورند، از این رو (طبق استعداد فطری در برابر ما) تسلیم اند

و چون (در اواخر دنیا که مردم از آثار تکوینی جهان به دلالت عقل، خدا را نپذیرفتند و) وعده عذاب در حق آنها ثابت شد برای آنها جنبنده ای از زمین (به نحو اعجاز و برای اجبار مردم به پذیرش) بیرون می آوریم که با اهل زمین سخن گوید زیرا مردم به آیات ما یقین پیدا نمی کنند. (اوصاف این جنبنده و زمان خروج و چگونگی بیرون آمدن و حقیقت کلام و نتیجه پس از آن، از زبان شرع معلوم نشده است)

و (به یاد آور) روزی که از هر امتی گروهی را که آیات ما را تکذیب و انکار می کردند گرد می آوریم، پس (اوّل و آخر) آنها در یک جا جمع آوری و بازداشته می شوند

تا آن گاه که حاضر شوند (خداوند) گوید: آیا نشانه های مرا در حالی که به آنها دانشی فراگیر نداشتید تکذیب و انکار گردید، یا آنکه چه (معامله ای با آیات من) می کردید

و گفتار حتمی عذاب درباره آنها به خاطر ظلمشان واقع شود پس آنها سخنی نتوانند گفت. (مضمون این سه آیه نیز از اسرار پیش از قیامت است.

آیا ندیدند که ما شب را قرار دادیم تا در آن بیارامند، و روز را روشنی بخش کردیم (تا در آن به کسب و کار پردازند) حقا که در این (آفرینش) نشانه هایی (از قدرت و حکمت) است برای گروهی که ایمان می آورند

و (به یاد آر) روزی که در صور (به نفخه نخستین) دمیده می شود، پس همه آنان که در آسمان ها و آنان که در زمین اند (از جانداران) در وحشت افتند (و بمیرند) جز آنان که خدا خواسته (نمیرند، مانند ارواحی که مرگ اوّل را چشیده اند). و روزی که در صور (به نفخه دوم) دمیده شود پس همه آنها که در آسمان ها و زمین اند (زنده شده) به وحشت افتند جز آنان که خدا خواسته (از فرع محشر مصون باشند) ، و همه زنده شده ها (به نفخه سوم) با خضوع و زبونی به (پای حساب) او خواهند آمد

و (در آن روز) کوه ها را می بینی، پنداری که ساکن و جامدند در حالی که همانند سیر ابر حرکت می کنند. (این کار) صنع خداوندی است که هر چیزی را محکم و استوار آفریده است (و مقتضای اتقان صنع در جهان مقدمه این است که روزی به هم بخورد تا جهان نتیجه شروع شود)، همانا او به همه آنچه انجام می دهد آگاه است (و در آن روز رسیدگی می شود)

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۗ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

فَالْتَقَطَهُ ءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا ۖ إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ ۖ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا ۖ إِن كَادَتْ لَتُبْدِيَ بِهِ ۖ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَقَالَتِ لِأُخْتِهِ ۖ قُصِّيه ۖ فَبَصُرَتْ بِهِ ۖ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ ۖ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَصْحُونَ

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ ۖ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و برای آنها در آن سرزمین اسباب قدرت و تسلط فراهم آریم (یا آنان را در آن سرزمین استقرار بخشیم) و به فرعون و هامان (وزیر او) و سپاهیانشان آنچه را که از ناحیه آنها (بنی اسرائیل) بیمناک و در حذر بودند نشان دهیم

و ما به مادر موسی الهام سَرّی و سریع کردیم که او را شیر ده، پس اگر بر او ترسیدی (که فرعونیان بر او اطلاع یابند) او را (در میان صندوقی نه و) به دریا بینداز، و مترس و محزون مباش، که بی تردید ما او را به سوی تو بازمی گردانیم، و او را از پیامبران مرسل قرار می دهیم

پس خاندان فرعون او را (از روی آب) برگرفتند، تا در نتیجه برای آنها دشمن (جاه و مال و جان) و مایه حزن و اندوه گردد! همانا فرعون و هامان و لشکریانشان خطاکار بودند

و همسر فرعون گفت: (این کودک) روشنی چشم من و توست، او را مکشید، شاید (در آینده) ما را سودی بخشد یا او را به فرزندی گیریم و آنها (از عاقبت کار) آگاه نبودند

و قلب مادر موسی (از شدت ناراحتی فرزند) تهی (از همه چیز غیر از فکر او) گشت، و اگر نه این بود که ما دلش را استوار داشتیم تا از مؤمنان باشد، هر آینه نزدیک بود مطلب را افشا کند

و به خواهر موسی گفت: او را دنبال کن پس خواهر او را از دور دید (که به دست فرعونیان افتاد) و آنها آگاه نبودند (که کودک مراقب دارد)

و ما پیش از آن (که خواهرش او را بیابد شیر) همه زنان شیرده را بر او حرام کردیم (حرام تکوینی طبعی، که پستانی را نمی پذیرفت)، پس خواهرش به آنها گفت: آیا می خواهید شما را به خانواده ای که او را برایتان کفالت کنند و خیرخواهش باشند راهنمایی کنم

پس او را به مادرش بازگرداندیم تا چشمش روشن شود و اندوه نخورد، و تا بداند که همانا وعده خداوند حقّ است و لکن بیشتر آنها (مردم) نمی دانند

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ۖ وَاسْتَوَىٰ ۖ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ
نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا
رَجُلَيْنِ يَفْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ ۖ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ ۖ
فَاسْتَعَثَّهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ ۖ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ ۖ فَوَكَرَهُ
مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۖ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ ۖ إِنَّهُ
عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ ۚ إِنَّهُ ۖ هُوَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَن أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ

فَاصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اُسْتَنْصَرُهُ
بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ ۚ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَمُوسَىٰ
أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ ۖ إِنَّ تُرِيدُ إِلَّا
أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ
الْمُصْلِحِينَ

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَمُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ
يَأْتِمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ ۖ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ

و چون به کمال قوای جسمی و استقامت نیروی عقلی رسید
(که در حدود چهل سالگی است) ما به او حکمت (و علوم
عقلی) و علم (به شرایع گذشته را) دادیم، و این چنین
نیکوکاران را پاداش می دهیم

و (از سوی قصر فرعون) به داخل شهر در حال عدم توجه
اهلش (در وقت تعطیلی) وارد شد، پس دو نفر مرد را یافت
که با هم زد و خورد می کردند، یکی از پیروانش بود و یکی
از دشمنانش، پس آن که از پیروانش بود از وی در برابر
دشمنش یاری طلبید، پس موسی مشتی بدو زد و او را
بکشت، گفت: این (جنگ و جدال) از عمل شیطان است،
همانا او دشمن گمراه کننده آشکار است

گفت: پروردگارا البته من (به کشتن قبطی) به خویشتن
ستم کردم، (زیرا خود را در خطر فرعونیان افکندم) پس
مرا ببخش (از عواقب بد آن نگاه دار)، پس خدا او را
بخشید، همانا او بخشنده و مهربان است

گفت: پروردگارا به خاطر انعامت بر من (در طول زندگی)،
هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم شد

پس موسی در شهر (مصر) با حال بیم و ترس صبح کرد در
حالی که منتظر (عکس العمل کار خود) بود، پس به ناگاه
(دید) آنکه دیروز از او یاری خواسته بود از او درخواست
یاری می کند. موسی به او گفت: همانا تو گمراه آشکاری
هستی (زیرا اسیر ملتی با ارباب ها در نمی افتد)

پس چون خواست با کسی که دشمن هر دو بود با شدت
برخورد کند (آن دشمن قبطی، و یا آن پیرو سبطی به گمان
آن که موسی قصد زدن او را دارد) گفت: ای موسی می
خواهی مرا بکشی چنان که دیروز کسی را کشتی؟! تو فقط
می خواهی در روی زمین جبار و سلطه جو باشی و نمی
خواهی اصلاح گر باشی

و مردی از دورترین نقطه شهر (که شاید از طرف قصر
فرعون بوده) در حال شتاب آمد، گفت: ای موسی، همانا
سران قوم درباره تو مشورت می کنند که تو را بکشند، پس
(از مصر) بیرون رو، بی تردید من از خیرخواهان توام

پس (موسی) با حال بیم و ترس، در حالی که (حوادثی را
هم) انتظار می کشید از شهر بیرون آمد، گفت: پروردگارا،
مرا از گروه ظالمان نجات بخش

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ
السَّبِيلِ

۲۳

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ
وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا
لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأُبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ

۲۴

فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ
مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ

۲۵

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي
يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ
عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۲۶

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ
أَلْقَوَى الْأَمِينِ

۲۷

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ بِإِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ
تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حَجَجٌ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا
أُرِيدُ أَنْ أَمْسُقَ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ
الصَّالِحِينَ

۲۸

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ
عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

و چون به سوی (شهر) مدین رو نهاد گفت: امید است
پروردگارم مرا به راه راست (راه شهر مدین) ره نماید

و چون به آب شهر مدین رسید گروهی از مردم را یافت که
(به گوسفندان خود) آب می دادند و نزدیک آنها دو نفر زن
را دید که (از اختلاط دام های خود با دام های مردم)
جلوگیری می کردند، گفت: کار شما چیست؟ (چرا اینجا
متوقفید؟) گفتند: ما (به حیوانات خود) آب نمی دهیم تا این
شیبانان (دام های خود را) بازگردانند، و پدر ما پیری است
کهنسال (به نام شعیب)

پس برای آنها (دام هایشان را) آب داد، سپس به سوی
سایه بازگشت و گفت: پروردگارا، همانا من به آنچه بر من
فرو فرستی از خیر (از غذا و طعام) نیازمندم

پس یکی از آن دو زن در حالی که با نهایت شرم و حیا راه
می رفت نزد وی آمد، گفت: همانا پدرم تو را می طلبد تا
مزد اینکه برای ما (دام ها را) آب دادی بپردازد. پس چون
به نزد او آمد و سرگذشت خود را بازگو نمود: وی گفت: بیم
مدار، از گروه ستمکاران نجات یافتی (اینجا از قلمرو
حکومت فرعون بیرون است)

یکی از آن دو زن گفت: ای پدر، او را استخدام کن، زیرا
بهترین کسی که استخدامش کنی (این مرد) نیرومند با
امانت است

(شعیب) گفت: من می خواهم یکی از این دو دختر خود را
به همسری تو درآورم در برابر این (مهر) که هشت سال
(برای اداره امور خانه یا چرانیدن دام ها) اجیر من باشی، و
اگر ده سال را تمام کردی اختیار با توست و من نمی خواهم
که بر تو سخت گیرم به خواست خداوند مرا از صالحان
خواهی یافت

(موسی) گفت: این (قرارداد تردیدی) میان من و تو ثابت
باشد، پس هر یک از دو مدت را به اتمام رساندم تعذی و
تحمیلی بر من نباشد، و خداوند بر آنچه می گویم وکیل
است

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ ۚ آنَسَ مِنْ جَانِبِ
الْطُّورِ نَارًا ۖ قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي
آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

۳۰

فَلَمَّا أَتَتْهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ
الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَمُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ
الْعَالَمِينَ

۳۱

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا
وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمُوسَى أَقْبَلُ وَلَا تَخَفْ ۖ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ

۳۲

أَسْلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ
وَأَضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ ۖ فَذَنِكَ بُرْهَانِ مِنْ
رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

۳۳

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

۳۴

وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا
يَصْدِقُنِي ۖ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ

۳۵

قَالَ سَنَنْشُدُ عَصَاكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا
يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغٰلِبُونَ

پس چون موسی مدت (معهود) را به پایان برد و با خانواده
خود (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد، از جانب (کوه) طور
آتشی مشاهده کرد، به خانواده خود گفت: شما (این جا)
درنگ کنید، همانا من آتشی دیدم، شاید برای شما خبری از
آن (راجع به پیدا کردن راه) بیاورم، یا پاره آتشی، شاید که
گرم شوید

پس چون موسی به نزدیک آتش آمد، از جانب راست آن
وادی، در آن قطعه زمین پربرکت، از آن درخت (که در آنجا
بود) ندا داده شد که ای موسی، به یقین منم خدای یکتا،
پروردگار جهانیان

و (ندا داده شد به) اینکه عصایت را بیفکن، پس (بیفکند
و) چون آن را دید که به شتاب می جنبد گویی که مار (یا
اجنه) است، گریزان به عقب برگشت و به پشت سر نگاه
نکرد (گفته شد) ای موسی، رو بپار و مترس، همانا تو از
ایمان هستی

دست خود را در گریبان خود کن تا (چون بیرون آوری)
سفید و درخشنده بی عیب و نقص بیرون آید و از جهت هر
هراسی دست (یا دست ها) را بر خود بچسبان (که زایل
شود). پس این دو (معجزه: عصا و ید بیضا) دو حجت و
برهان است از جانب پروردگارت به سوی فرعون و سران و
اشراف او، همانا آنها از پیش گروهی فاسق بودند

گفت: پروردگارا من کسی را از آنها کشته ام، می ترسم
(پیش از آنکه دعوت مرا ابلاغ کنم) مرا بکشند

و برادرم هارون زبانش از من فصیح تر است، پس او را
همراه من کمک و پشتیبان فرست، تا مرا تصدیق کند زیرا
می ترسم مرا تکذیب کنند (و من نتوانم هدفم را به
روشنی بیان کنم)

گفت: به زودی بازویت را به وسیله برادرت محکم سازیم و
برای شما دو تن (در محاجه و مبارزه) تسلط و غلبه قرار
دهیم. به طوری که هرگز به خاطر آیه ها و معجزه های ما به
شما دست نیابند شما و هر کس از شما پیروی کرد پیروزید

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيَّنَّتْ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

۳۷

وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

۳۸

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَأْتِيهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَهْمَنُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَّعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ

۳۹

وَأَسْتَكَبرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ

۴۰

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فأنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ

۴۱

وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ لَا يُنصَرُونَ

۴۲

وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعَنَةً وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ

۴۳
۳۳۸۲

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

پس چون موسی آیات روشن ما را بر آنها آورد، گفتند: این جز جادویی ساختگی نیست، و ما چنین چیزی را (دعوت به توحید در الوهیت و ربوبیت را) در میان پدران پیشین خود نشنیده ایم

و موسی گفت: پروردگار من به (حال) کسی که از جانب او (برای مردم) هدایت را آورده، و کسی که عاقبت (نیک) این خانه از آن اوست داناتر است، (عاقبت نیک خانه دنیا خوشی خانه آخرت است)، مسلماً ستمکاران رستگار نمی شوند

و فرعون گفت: ای سران کشور، من برای شما خدایی غیر خودم نمی شناسم، پس (برای روشن شدن امر) ای هامان، آتشی بر روی گل بیفروز (و آجر بپز) پس برای من بنای بلندی بساز، شاید بر خدای موسی اشراف یابم (یا از اوضاع کواکب به وجود او پی ببرم)، و البته من او را از دروغگویان می پندارم

و او و سپاهیان‌ش در زمین به ناحق تکبر ورزیدند و گمان کردند که به سوی ما باز گردانده نمی شوند

پس او و سپاهیان‌ش را گرفتیم و در دریا افکندیم پس بنگر که عاقبت ستمکاران چگونه بود

و آنها را پیشوایانی قرار دادیم که (به واسطه کفر و طغیان‌شان آیندگان را) به سوی آتش (جهنم) می خوانند، و روز قیامت (از طرف هیچ شفاعت کننده ای) یاری نمی شوند

و در این دنیا لعنتی (بزرگ) را در پی آنان درآوردیم (لعنت فرشتگان و مؤمنان و گناهان پیروانشان که برای آنها لعنت حقیقی است)، و در روز قیامت از زشت رویان و رسواشدگان و منفوران خواهند بود

و به یقین ما به موسی، پس از آنکه مجتمع های پیشین (مانند قوم نوح و هود و صالح و لوط) را هلاک کردیم کتاب (آسمانی تورات) را عطا کردیم که وسیله بینایی های مردم و مایه هدایت و رحمت بود، شاید متذکر شوند

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا
كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ

وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ
ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا
مُرْسِلِينَ

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ
لِنُنْذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَتْهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ
يَتَذَكَّرُونَ

وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا
لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ
مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا
سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ
إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ
أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

و تو در طرف غربی (وادی مقدس) نبودی هنگامی که ما امر
رسالت را به موسی (به وسیله وحی علوم و القاء تورات)
اعلام کردیم و تحکیم بخشیدیم، و تو از حاضران (آن صحنه
عجیب) نبودی

و لکن ما مجتمعاتی را در زمان های متسلسل آفریدیم، پس
عمرشان به طول انجامید (و اخبار آنها کهنه و متغیر شد و ما
آن اخبار را به تو وحی می کنیم)، و تو در میان اهل مدین
اقامت نداشتی تا آیات ما را بر اینان (مشرکین مکه، از
مشاهدات خود) بازگو کنی، و لکن ماییم که فرستنده ایم
(پیامبران را می فرستیم و اخبار گذشتگان را بر آنها وحی
می کنیم تا به مردم بازگو کنند)

و آن گاه که (موسی را از شجره نور برای منصب نبوت) ندا
دردادیم تو در جانب (کوه) طور نبودی (تا از مشاهدات
خبر دهی)، و لکن به خاطر رحمتی از پروردگارت بود (که تو
را از آنها آگاه کردیم) تا گروهی را که پیش از تو (از زمان
عیسی یا از زمان اسماعیل تا عصر تو) هیچ بیم دهنده ای بر
آنان نیامده است بیم کنی شاید متذکر شوند

و اگر نه این بود که چون مصیبت و عقوبتی به آنها (به
عنوان مجازات و کیفر) در مقابل آنچه خودشان پیش
فرستاده اند برسد (حجت آرند و) بگویند: پروردگارا، چرا
به سوی ما رسولی نفرستادی تا از آیاتت پیروی کنیم و از
مؤمنان باشیم (ما بدون برانگیختن پیامبر آنها را به کیفر
کفر و فسقشان گرفتار می کردیم، پس ما همواره عقل را با
نقل تأیید می کنیم)

پس چون از جانب ما (پیامبر و کتاب) حق بر آنها (مشرکان)
آمد، گفتند: چرا نظیر آنچه به موسی داده شده (نزول دفعی
تورات و عصا و ید بیضا) به او داده نشده است؟! مگر این
مشرکان به آنچه پیش از این به موسی داده شده بود کفر
نورزیدند؟ گفتند: (این تورات و قرآن) دو جادویند که
یکدیگر را یاری داده اند و ما هر دو را منکریم. و مگر آن
مشرکان به آنچه به موسی داده شده بود کفر نورزیدند؟
گفتند: (موسی و هارون) دو جادوگر ماهرند که پشت به
پشت هم داده اند و ما هر دو را منکریم

بگو: اگر شما راستگویید پس کتابی از جانب خدا بیاورید که
از آن دو (تورات و قرآن) رهنمون تر باشد تا من از آن
پیروی کنم

پس اگر (دعوت) تو را اجابت نکردند بدان که آنها از
هواهای (نفسانی) خود پیروی می کنند، و چه کسی گمراه تر
است از آن که بدون هدایت خداوند از هوای (نفس) خود
پیروی کند؟! حقا که خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی
کند

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

۵۲

الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ ۚ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ

۵۳

وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَامَنَّا بِهِ ۖ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا ۖ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ ۚ مُسْلِمِينَ

۵۴

أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

۵۵

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ

۵۶

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَآءُ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

۵۷

وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا ۖ أَوَلَمْ نُمْكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

۵۸

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا ۖ فَتِلْكَ مَسَكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِّنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا ۖ وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ

۵۹

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَتِنَا ۚ وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ

در حقیقت ما گفتار خود را یکی پس از دیگری و به هم پیوسته (آیه ها و سوره های قرآن را پیاپی در ظرف چندین سال) به آنها رساندیم، شاید متذکر شوند

کسانی که پیش از این به آنها کتاب آسمانی دادیم (نظیر برخی از اهل تورات و انجیل) آنها به این (قرآن) ایمان می آورند

و چون قرآن بر آنها تلاوت شود گویند: به آن ایمان آوردیم، بی تردید این همان حقّ است از جانب پروردگار ما، همانا ما پیش از (نزل) آن (به واسطه بیانات تورات و انجیل) اسلام آورده بودیم

آنهايند که مزدشان به خاطر آنکه (بر ايمان و عمل به دو کتاب آسمانی) صبر کردند، دو بار به آنها داده می شود، و با نيکی (در گفتار و کردار) بدی و آزار (مردم) را دور می سازند، و از آنچه به آنها روزی کرده ايم انفاق می کنند

و چون سخن لغوی (مانند مسخره و فحش و غیبت و هتاکی) بشنوند، از آن روی برتابند و (با زبان حال) گویند: عمل های ما از آن ما و عمل های شما از آن شما، سلام بر شما، ما نادان ها را (به دوستی و رفاقت) نمی طلبيم

مسلمانا تو نمی توانی هر کس را که خود دوست بداری هدايت کنی (قلبش را متوجه حق سازی، زیرا وظیفه تو راه نشان دادن است) و لکن خداست که هر کس را بخواهد به ايمان می رساند، و او به کسانی که استعداد هدايت را دارند داناتر است

و (مشرکان مکّه بهانه ای دیگر آورده) گفتند: اگر با تو پیروی از هدايت کنیم (مشرکان دیگر) ما را از سرزمينمان می ربایند (و به قتل و اسارت می کشانند)، آيا ما آنها را در حرم امنی جای نداديم که هر گونه محصولی به سوی آن گرد آورده می شود؟! روزیي است از جانب ما، و لکن بیشتر آنها نمی دانند

و چه بسیار از مجتمع های انسانی را که در زندگی خود طغيان و سرکشی کردند هلاک نموديم، پس آن مسکن های آنهاست که پس از آنان جز اندکی از آنها مسکونی نيست (و فقط محل سکونت موقت مسافران است) و ما وارث (آنها) بوده ايم

و پروردگار تو هرگز هلاک کننده شهرها و روستاها نبوده تا آنکه (طبق سنتّ جاریه خود) در مرکز آنها رسولى برانگيزد که آیات و نشانه های (توحيد و اهداف خلقت) ما را بر آنها بخواند و ما هرگز (پس از ارسال پیامبران نیز) هلاک کننده شهرها و روستاها نبوديم مگر در حالی که اهل آنها ستمکار بودند

وَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّعْ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا وَمَا عِندَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَّعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآئِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ ۖ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَآءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ ۚ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ

فَأَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۚ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۖ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

و آنچه از اشیاء (دنیا) به شما داده شده مایه برخورداری در زندگی دنیا و آرایش و زیور آن است، و آنچه در نزد خداوند است (از نعمت های آخرت) بهتر و جاودانه تر است، آیا نمی اندیشید

پس آیا کسی که او را وعده نیکو داده ایم (کامیابی در آخرت) و او حتما به آن خواهد رسید، مانند کسی است که او را از کالای زندگی دنیا برخوردار کرده ایم سپس او در روز قیامت از احضار شوندگان (در حساب و عذاب) خواهد بود؟

و (به یاد آر) روزی که خداوند آنها را ندا داده، گوید: کجایند آن شریکان من (بت ها، ستارگان، اجنّه و غیره) که می پنداشتید (با من در الوهیت، ربوبیت، عبادت یا طاعت شریکند)؟

کسانی که وعده عذاب درباره آنها محقق شده (از آنان که مردم را در دنیا به عبادت و اطاعت خود فرا خوانده اند) گویند: پروردگارا، اینهایند (پرستندگان ما) که ما گمراه کردیم، ما همان گونه که (به اختیار خود) گمراه شدیم آنها را (به اختیار خودشان) گمراه کردیم اکنون از آنها به سوی تو بیزاری می جوییم، آنها ما را نمی پرستیدند (به اجبار نمی پرستیدند، یا شیطان ها و یا نفس اماره خود را می پرستیدند)

و (به عبادت کنندگان) گفته می شود: پس شریکانتان را (کسانی را که همتای خدا می پنداشتید، به یاری خود) بخوانید، پس آنها را می خوانند اما آنها جوابشان را نمی دهند و عذاب را (به عین الیقین) می بینند و آرزو می کنند که ای کاش (در دنیا) هدایت یافته بودند

و (به یاد آر) روزی که (خداوند همه اهل محشر را) ندا داده، گوید: فرستادگان ما را چه پاسخ دادید

پس در آن روز اخبار (مربوط به جواب و غیره به خاطر طول زمان و کثرت دهشت) از آنها پوشیده گردد، پس نمی توانند حتی از یکدیگر پرسش کنند

و اما کسی که (از کفر و فسق) توبه کرده و ایمان آورده و عملی شایسته نموده، پس امید است که از رستگاران باشد

و پروردگار توست که هر چه را بخواهد (در جهان هستی) می آفریند و (در عالم تشریع) اختیار می کند، هرگز برای آنها اختیاری (در جهان تکوین و تشریع) نیست، منزّه است خداوند و برتر است از آنچه برای او شریک و همتا قرار می دهند

و پروردگار توست که می داند آنچه را که سینه هایشان پنهان می دارد و آنچه را که (با زبان یا قلم یا عمل) آشکار می سازند

و اوست خداوندی که جز او معبودی نیست، ستایش در دنیا و آخرت از آن اوست (زیرا همه زیبایی ها در هر دو جهان از اوست) و حاکمیت و داوری (نیز در هر دو جهان) از آن اوست و به سوی او بازگردانده می شوید

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ
الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَوْ لَا تَسْمَعُونَ

۷۲

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ
الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ
أَوْ لَا تُبْصِرُونَ

۷۳

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ
وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۷۴

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

۷۵

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا
أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

۷۶
حزب
۱۵۸
۳۴۱ ر

إِنَّ قُرُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَعَاتَيْنَاهُ مِنْ
الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِيَ الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ
لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ

۷۷

وَأَتَّبَعْنَا فِيمَا ءَاتَاكَ اللَّهُ الْدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ
مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ
الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

بگو: به من خبر دهید، اگر خداوند شب را بر شما به (ایستا
کردن کره زمین) تا روز قیامت جاوید سازد، کیست آن خدا
غیر از خدای یکتا که برای شما روشنایی را (هر چند از غیر
خورشید) بیاورد؟ آیا نمی شنوید؟

بگو: به من خبر دهید، اگر خداوند روز را بر شما (به ایستا
کردن کره زمین) تا روز قیامت جاوید سازد، کیست آن خدا
غیر از خدای یکتا که برای شما شبی را بیاورد که در آن
آرامش گزینید؟ آیا نمی بینید؟

و از رحمت اوست که برای شما (به وسیله حرکت وضعی
زمین) شب و روز را قرار داد تا در شب آرامش گیرید و تا
(در روز به کسب و کار) از فضل و بخشش او جستجو
نمایید، و شاید سپاس گزارید

و (به یاد آر) روزی که (خداوند) آنها را ندا داده، گوید:
کجایند آن شریکان من (بت ها، ستارگان، اجنه و غیره) که
می پنداشتید (با من در الوهیت، ربوبیت، عبادت یا طاعت
شریکند)؟

و (در آن روز) از هر امتی گواهی بیرون می آوریم (معصوم،
عالم عادل، عادل صالح) پس (به آن امت در حضور شاهد)
گوییم: دلیل و برهاتتان را (درباره دیتتان) بیاورید! پس
(به علم البقین و عین البقین) خواهند دانست که (در تمام
اخبار کتاب های آسمانی و احکام و شرایع و وعد و وعیدها)
حق از آن خدا بوده، و آنچه افترا می بستند از نظر آنان گم
و ناپدید شود

همانا قارون از قوم موسی بود (پسر عموی موسی و مأمور
دریافت مالیات فرعون از بنی اسرائیل) پس بر آنان تعدی و
ستم نمود، و از گنجینه های اموال آن اندازه به او داده
بودیم که کلیدهای آنها بر گروه نیرومند سنگینی می کرد.
(به یاد آر) زمانی که قومش به او گفتند: سرمستی مکن،
زیرا خداوند سرمستی کنندگان را دوست ندارد

و در آنچه خداوند به تو داده آخرت را بطلب، و سهم
خود را از (عمر و مال) دنیا فراموش مکن (و تحصیل آخرت
کن) و (به دیگران) نیکی کن همان گونه که خدا به تو نیکی
کرده، و در روی زمین در جستجوی فساد مباش، زیرا
خداوند فسادانگیزان را دوست ندارد

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِن الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ ۖ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَلِيتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قُرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَن ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ وَيَقْدِرُ لَوْ لَا أَن مِّنَ اللَّهِ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بَنَّا وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا ۖ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّمَّا ۖ وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

(قارون) گفت: جز این نیست که این اموال از روی دانشی که در نزد من است (دانش به تورات و کیمیا و تجارت و کشاورزی) به من داده شده آیا ندانسته است که خداوند پیش از وی از مجتمعات انسانی کسانی را که از او قوی تر و ثروتمندتر و پرجمعیت تر بودند هلاک نموده؟ و هرگز گنهکاران (در وقت نزول عذاب) از گناهشان پرسیده نمی شوند (و عذاب خداوند ناگهان فرود می آید)

پس (روزی قارون) در میان آرایش شخصی و اشرافی خود بر قوم خویش بیرون آمد آنهایی که زندگی دنیا را می خواستند گفتند: ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده برای ما بود! حقا که او (از دنیا) دارای بهره ای بزرگ است

و کسانی که به آنها دانش (الهی و دینی) داده شده بود گفتند: وای بر شما! پاداش خداوند برای کسی که ایمان آورد و عملی شایسته کند (از همه ثروت قارون) بهتر است و آن را دریافت نمی کنند مگر صابران

پس او و خانه اش را به زمین فرو بردیم، پس او را در برابر (عذاب) خداوند گروهی (از یاران و نوکرانش) نبود که یاریش دهند و خود نیز از کسانی نبود که از خود دفاع می کنند

و کسانی که دیروز آرزوی جایگاه (مالی و مقامی) او را می کردند چنان شدند که می گفتند: ای وای، گویی خداست که روزی را برای هر کس از بندگان که بخواهد گسترش می دهد و تنگ می گیرد! اگر نه این بود که خدا بر ما منت نهاد (و ما را مثل قارون نکرد) ما را نیز به زمین فرو می برد. ای وای، گویی کافران رستگار نمی شوند

آن خانه برتر و والای آخرت را از آن کسانی قرار می دهیم که در روی زمین اراده برتری و تسلط (بر دیگران) و فساد و تباهی ندارند، و سرانجام (نیک) از آن پرهیزگاران است

هر کس کار نیکو (در مرحله اعتقاد و عمل) آورد، برای او (در دنیا و آخرت پاداشی) بهتر از آن هست، و هر کس کار بد آورد، کسانی که کردارهای زشت انجام داده اند جز به همان مقدار و جز تجسم آن را کیفر داده نمی شوند

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ مَن جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَن هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَن يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ ۖ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ

وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ ءَايَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ۚ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۲۹. عنکبوت	العُنْكَبُوت: عنکبوت	مکی	۶۹ آیه	۹ صفحه
------------	----------------------	-----	--------	--------

الف، لام، میم. رمزهایی میان الله و رسول اوست. کتاب ما مرکب از همین حروف است ولی احدی را توان آوردن مانند آن نیست. این کتاب از الف (الله) به وسیله لام (جبرئیل) به میم (محمد صلی الله علیه وآله) القا شده. این کتاب دارای محکmat و این گونه متشابهات است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الم

أَحَسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوا أَن يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۖ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَذِبِينَ

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَن يَسْبِقُونَا ۚ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

مَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

وَمَن جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

به یقین آن کسی که (ابلاغ) این قرآن را بر تو واجب نموده تو را به محل بازگشت (به زادگاهت مکه که آرزوی بازگشتش را داری) بازمی گرداند بگو: پروردگار من، به کسی که هدایت را آورده و کسی که در گمراهی آشکار است داناتر است

و تو امید نداشتی که این کتاب بر تو القا شود، لکن از روی رحمتی از جانب پروردگار توست (که فرود آمده) پس هرگز پشتیبان کافران مباش

و مبدا (دشمنان) تو را از (عمل و ابلاغ) آیات خداوند پس از آنکه بر تو فرود آمده بازدارند و به سوی پروردگارت دعوت کن و هیچ گاه از مشرکان مباش

و با خدای یکتا خدای دیگری مخوان، خدایی جز او نیست، همه چیزها (ی ممکن الوجود) قابل هلاکت و فناست جز ذات او (که واجب الوجود است)

آیا مردم گمان کردند که آنان رها می شوند تا بگویند ایمان آوردیم و آنها (به وسیله عمل) آزمایش نخواهند شد؟

بی تردید کسانی را که پیش از آنها بودند (طبق سنت جاریه خود به توجیه تکلیف) آزمودیم پس بی تردید علم ازلی خداوند درباره کسانی که راست گفتند تحقق می یابد و درباره دروغگویان (نیز) تحقق می یابد، و صدق راستگویان و کذب دروغگویان ظاهر می گردد

آیا کسانی که مرتکب گناهان (اعتقادی و عملی) می شوند گمان کرده اند که (در مقام مؤاخذه و کیفر) از ما پپیشی می گیرند و ما را عاجز می کنند؟! بد است آنچه داوری می کنند

هر که دیدار خدا را (ورود به حضورش را در برزخ و قیامت و بهشت) امید دارد پس (در عمل بکوشد زیرا) مسلما مدت (تعیین شده از جانب) خدا آمدنی است، و اوست شنوا و دانا

و هر کس (با نفس خود یا دشمن خدا) جهاد کند جز این نیست که به سود خود جهاد می کند، زیرا خداوند از همه جهانیان بی نیاز است

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ ۖ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَهُمْ مِّن شَيْءٍ ۖ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ ۖ وَلَيَسْئَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ ۖ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ

و کسانی که ایمان آورده اند و عمل های شایسته انجام داده اند حتما گناهانشان را از آنان می زداییم و عمل های آنها را که بسیار نیکو است پاداش می دهیم

و انسان را به نیکی به پدر و مادر سفارش کردیم و (گفتیم) اگر با تو سخت گیرند تا چیزی را که بدان علم نداری شریک من سازی از آنان اطاعت مکن بازگشت همه شما به سوی من است، پس شما را از آنچه عمل می کرده اید آگاه می کنم

و کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند بی تردید در زمره صالحان وارد خواهیم کرد

و از مردم کسانی هستند که (به زبان) گویند: به خدا ایمان آوردیم، اما چون در راه خدا شکنجه شوند آزار مردم را همانند عذاب خدا می شمردند (و از ترس آن از ایمان ظاهری برمی گردند)، و اگر از جانب پروردگارت یاریی رسد (به پیروزی و غنیمتی دست یابید) به جد گویند: ما هم با شما بودیم. آیا خداوند به آنچه در سینه های جهانیان است داناتر نیست؟

و البته خداوند کسانی را که ایمان آورده اند خواهد شناخت، و حتما منافقان را نیز خواهد شناخت (علم ازلی او به حال آنها تحقق خارجی می یابد، و حالشان برای جامعه معلوم می شود)

و کسانی که کفر ورزیدند (از مشرکان مکه) به کسانی که ایمان آورده بودند گفتند: شما از راه ما پیروی کنید تا ما (اگر آخرتی و عقابی باشد) گناهان شما را بر عهده گیریم. و هرگز آنها بر عهده گیرنده چیزی از گناهان اینها نیستند آنها حتما دروغگویند

و البته (در روز قیامت) بارهای گران (گناهان) خود را برمی دارند و نیز بارهای گرانی علاوه بر بارهای گران خود (بارهای کسانی که گمراهشان کرده اند بدون آنکه از آنها کسر شود)، و حتما آنها در روز قیامت از آنچه افتراء می بستند (مانند شرک و بدعت های دیگر) بازخواست خواهند شد

و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس در میان آنها نهصد و پنجاه سال درنگ نمود (اما جز اندکی به او ایمان نیاوردند) پس آنها را طوفان (آب) فرا گرفت در حالی که ستمکار بودند

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَبَ السَّفِينَةَ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَنًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُوَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

أَو لَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُوَ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

پس او و کشتی نشینان را نجات دادیم و آن (حادثه یا آن کشتی) را نشانه ای (از قدرت و غضب خود) برای جهانیان قرار دادیم

و ابراهیم را (فرستادیم) آن گاه که به قوم خود گفت: خدا را بپرستید و از او پروا کنید، این برای شما بهتر است اگر بدانید

جز این نیست که شما غیر از خدا بت هایی (بی اثر) را می پرستید، و (در نامگذاری آنها به اله و شفیع و مقرب) دروغی می بافید بی شک کسانی که به جای خدا می پرستید مالک هیچ نوع روزی برای شما نیستند، پس روزی را فقط از نزد خدا بطلبید و او را بپرستید و او را سپاس گزارید، که همه به سوی او بازگردانده می شوید

و اگر (مرا) تکذیب کنید (عجبی نیست) قطعاً امت هایی پیش از شما نیز (پیامبرانشان را) تکذیب کردند و بر عهده رسول جز ابلاغ آشکار نیست (و اما اجبار بر تسلیم و عمل، بر عهده امام است و پاداش و کیفر در دنیا و آخرت بر عهده خداست)

آیا ندیده (و ندانسته) اند که چگونه خداوند آفریده های زنده را (در دنیا) پدید می آورد، سپس آنها را (پس از مرگ، در عالم آخرت) بازخواهد گرداند؟! بی شک این (کار) بر خدا آسان است

بگو: در روی این زمین سیر کنید، پس بنگرید که چگونه آفریدگان را ایجاد کرده، سپس خداوند عالمی دیگر را احداث خواهد کرد. حقا که خدا بر همه چیز تواناست

هر کس را بخواهد (و سزاوار ببند) عذاب می کند و هر کس را بخواهد (و شایسته شناسد) ترحم می کند، و به سوی او بازگردانده می شوید

و شما هرگز (در روز قیامت) عاجزکننده خدا و گریزان از قدرت او نخواهید بود نه در زمین (محشر به فرار و تحصن و تحزب) و نه در آسمان (آن به صعود و نفوذ در اقطارش)، و شما را (در آنجا) غیر از خدا هیچ دوست و سرپرست و یاور نخواهد بود،

و کسانی که به نشانه های (توحید و کتاب) خدا و دیدار او کفر ورزیدند آنها از رحمت من مأیوسند، و آنها را عذابی دردناک است

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ
فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

پس جواب قوم او جز این نبود که گفتند: او را بکشید یا بسوزانید! (و او را در آتش افکندند) پس خداوند او را از آتش نجات بخشید، حقا در این (شیوه نجات دادن) نشانه هایی است (از توحید و قدرت او) برای گروهی که ایمان می آورند

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ
وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن
نَّاصِرِينَ

و (ابراهیم) گفت: جز این نیست که شما غیر از خداوند بت هایی برگرفته اید تا مایه دوستی در میانتان در زندگی دنیا باشد (نظیر دوستی اهل یک مذهب)، سپس روز قیامت برخی از شما برخی دیگر را انکار و برخی از شما برخی دیگر را لعن خواهد کرد، و جایگاه شما آتش است و شما را هیچ یابوری نخواهد بود

فَأَمَّنَ لَهُ وُكُوفُ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ

پس لوط (برادرزاده اش) به او ایمان آورد. و (ابراهیم) گفت: همانا من (از میان قوم خود) به سوی پروردگارم هجرت می کنم، که اوست مقتدر غالب و حکیم

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ
وَالْكِتَابَ وَعَاطَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ
الصَّالِحِينَ

و اسحاق و یعقوب را (در اواخر عمرش) به او بخشیدیم، و نبوت و کتاب (آسمانی) را در میان اولادش قرار دادیم، و پاداشش را در دنیا به او عطا کردیم، و البته در آخرت نیز از صالحان خواهد بود

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُم لَأَتَّوْنَ الْفَاحِشَةَ مَا
سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ

و لوط را (فرستادیم) آن گاه که به قوم خود گفت: همانا شما کار بسیار زشتی را انجام می دهید که احدی از جهانیان در آن بر شما سبقت نگرفته است

أَبْنَيْكُم لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي
نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا
أَثْنَيْنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

آیا شما با مردان آمیزش جنسی می کنید و راه را (راه توالد و تناسل را بر نسل آینده و راه شهر را بر عابران) می برید و در مجلس عمومیتان کارهای زشت به جا می آورید؟! پس جواب قوم او جز این نبود که گفتند: عذاب خدا را بر ما بیاور اگر از راستگویانی

قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ

گفت: پروردگارا، مرا بر این قوم فسادانگیز یاری ده

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا
أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ ۖ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ

۳۲

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ
وَأَهْلَهُ ۖ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ ۖ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

۳۳

وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ ۖ وَقَضَىٰ بِهِمْ ذَرْعًا
وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُونَكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا أُمَّرَأَتَكَ
كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

۳۴

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا
كَانُوا يَفْسُقُونَ

۳۵

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

۳۶

وَالِىَ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَقَوْمُ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا
الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

۳۷

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثَمِينَ

۳۸

وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّن مَّسْكِنِهِمْ ۖ وَزَيْنَ لَهُمُ
الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا
مُستَبْصِرِينَ

و چون فرستادگان ما (از فرشتگان) برای ابراهیم بشارت
(تولد فرزند) را آوردند گفتند: البته ما هلاک کننده اهل
این شهر (مسکن قوم لوط) نیز هستیم، زیرا اهل آن
ستمکارند

(ابراهیم) گفت: همانا لوط در آنجاست! گفتند: ما به کسانی
که در آنجا هستند داناتریم، حتما او و خانواده اش را نجات
می دهیم جز همسرش را که از باقی ماندگان (در میان
عذاب) است

و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند به خاطر آنها بد حال
گشت و طاقتش تنگ شد (که مبادا قومش به سراغ آنها
بیایند) گفتند: مترس و غمگین مباش، حتما ما نجات بخش
تو و خانواده ات هستیم، جز همسرت که از باقی ماندگان
(در میان آن عذاب) است

ما بر اهل این شهر به خاطر فسقی که می ورزند، عذابی از
آسمان فرود خواهیم آورد

و حقا که ما از آن شهر نشانه روشنی (از سنگ های باریده،
چشمه های خشکیده و سرزمین های بی صاحب) به جای
گذاشتیم برای گروهی که می اندیشند

و به سوی (اهل) مدین برادر (قبیله ای) آنها شعیب را
(فرستادیم) گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید و به روز
واپسین امید (و باور) داشته باشید و در روی این زمین
مفسدانه حرکت نکنید

پس او را تکذیب کردند، آن گاه زلزله سختی آنها را فرا
گرفت، پس در خانه خود به روی زمین درافتاده و هلاک
گشتند

و قوم عاد و ثمود را نیز (هلاک نمودیم) و از مسکن های
(ویران شده) آنها (سرنوشت بدشان) برای شما روشن شد،
و شیطان عمل های (زشت) آنان را در نظرشان آراست پس
آنها را از راه (خدا) بازداشت در حالی که پیشتر اهل
بصیرت (به توحید و دین) بودند

وَقَرُّونَ وَفِرْعَوْنُ وَهَلَمَنَّ ۖ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ
فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ

و قارون و فرعون و هامان را نیز (هلاک کردیم) و به یقین موسی دلایل روشن (توحید و شرایع) ما را بر آنها آورد، پس آنها در روی این زمین تکبر و سرکشی ورزیدند، ولی هرگز بر اراده ما پیشی گیرنده نبودند (که بتوانند از عذاب ما بگریزند)

پس هر یک از آنها را به سزای گناهش (به قهر) گرفتیم، از آنها کسانی بودند که بر سرشان سنگ باراندیم (مانند قوم لوط) یا بادی با باران شن فرستادیم (مانند قوم عاد) و از آنان گروهی بودند که صیحه (آسمانی مرگ آور) آنان را فرا گرفت (مانند قوم شعیب و ثمود) و برخی از آنها را به زمین فرو بردیم (نظیر قارون) و برخی از آنها را (در آب) غرق کردیم (نظیر قوم نوح و فرعونیان) و هرگز خدا چنین نبود که به آنها ستم کند و لکن آنها بودند که به خویشتن ستم می کردند

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ ۖ فَمِنْهُمْ مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا
وَمِنْهُمْ مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ
وَمِنْهُمْ مَّنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

مثل کسانی که غیر از خدا (و در برابر او) برای خود سرپرست و یاور برگرفته اند (در سستی و بی نفعی آنچه بدان اعتماد کرده اند) مثل عنکبوت است که خانه ای بر خود بر گرفته، و بی شک سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است، اگر می دانستند

مَثَلُ الَّذِينَ أَخَذُوا مِنَ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ
أَتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا
يَعْلَمُونَ

بی تردید خداوند (حقیقت) آنچه را که به جای او می خوانند، هر چه باشد، می داند (که جز جمادی بی اثر یا عاجز در برابر خدا نیست)، و اوست مقتدر غالب و حکیم

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ ۚ مِنْ شَيْءٍ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ

و اینگونه مثال ها را برای مردم می زنیم، ولی آنها را تعقل نمی کند (و به غور و حقیقت آنها پی نمی برد) مگر دانشمندان

وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ

خداوند آسمان ها و این زمین را به حق (و برای هدفی والا و برتر و عقلایی) آفریده به یقین در این (آفرینش) نشانه ای (از توحید و جلال و جمال او) برای اهل ایمان است

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
لِّلْمُؤْمِنِينَ

آنچه را از این کتاب به سوی تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، زیرا نماز از گناهان بزرگ و آنچه (در شرع و عقل) ناپسند است بازمی دارد، و البته در یاد خدا بودن انسان، و یادکردن خدا انسان را بزرگتر است، و خدا می داند چه می کنید

أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ
تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۚ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ
يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

و با اهل کتاب (یهود و نصاری) مجادله و محاجه مکنید مگر با شیوه ای نیکوتر (بدون غلظت و اهانت و تهدید) مگر با کسانی از آنها که ستم کرده اند (سابقه تکبر و عناد و ردّ حق دارند) و بگویید: ما به آنچه به سوی ما نازل شده و آنچه به سوی شما نازل شده ایمان داریم، و خدای ما و خدای شما یکی است، و ما تسلیم او هستیم

وَكَذَلِكَ أُنْزِلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ ۚ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ

و هم چنان (که به پیامبران گذشته کتاب فرستادیم) این کتاب را به سوی تو فرو فرستادیم، پس کسانی که به آنها کتاب داده ایم (با توجه و اعتقاد به کتابشان) به این کتاب ایمان می آورند، و از اینان (مشرکان نیز) برخی ایمان می آورند و آیات ما را جز کافران (معاند) انکار نمی کنند

وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُهُو بِيَمِينِكَ ۖ إِذَا لَا رَتَابَ الْمُبْطِلُونَ

و تو قبل از این قرآن هیچ نوشته و کتابی را نمی خواندی و نوشته و کتابی را به دست خویش نمی نوشتی و گرنه باطل گرایان (در نبوت تو) شک می کردند

بَلْ هُوَ ءَايَتٌ بَيِّنَةٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ

بلکه این قرآن آیات روشنی است در سینه های کسانی که به آنها علم (الهی) داده شده و هرگز آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی کنند

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ ءَايَتٌ مِّن رَّبِّهِ ۚ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِندَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

و (کفار) گفتند: چرا بر او نشانه هایی (اعجازآمیز مانند ناقه صالح، عصای موسی و مائده عیسی) نازل نمی گردد؟ بگو: آن آیات فقط در اختیار خداست، و جز این نیست که من بیم دهنده ای آشکارم

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

آیا (در نزول معجزه بر تو) آنها را کافی نیست که ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که پیوسته بر آنها خوانده می شود (و آنها جنبه های مختلف اعجاز آن را می بینند)؟ حقا که در این کتاب رحمت و تذکر است برای گروهی که ایمان آورند

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيِّنًا وَبَيِّنَاتُكُمْ شَهِيدًا ۖ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

بگو: کافی است که خداوند میان من و شما گواه باشد آنچه را در آسمان ها و زمین است می داند و کسانی که به باطل (به هر چه غیر از خدا پرستش شود) ایمان آورده و به خدا کفر ورزیده اند آنهایند که زیانکارند

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۵۴

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

۵۵

يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۵۶

يَعِبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِنِّي فَاعْبُدُونِ

۵۷

كُلُّ نَفْسٍ ذَاقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

۵۸

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

۵۹

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

۶۰

وَكَايْنٍ مِّنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۶۱

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ

۶۲

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِۦ وَيَقْدِرُ لَهُۥٓ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

۶۳

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنَ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

آنها عجله در عذاب را از تو می خواهند، و اگر نبود مدت معینی (که خدا در لوح محفوظ برای آنها نوشته) حتما بر آنها عذاب می آمد، و البته به ناگاه در حالی که غافلند عذابشان فرا خواهد رسید

آنان عجله در عذاب را از تو می خواهند در حالی که جهنم بر کافران احاطه دارد (چون علل احاطه از کفر و فسق فعلیت دارد گویی معلول نیز فعلی است) و یا آن که احاطه خواهد کرد

در آن روزی که آنها را عذاب از بالای سرشان و از زیر پاهایشان فرو پوشاند و (گوینده ای) گوید: بچشید کیفر آنچه را که انجام می دادید (یا تجسم عینی آن عقیده و عمل را)

ای بندگان من که ایمان آورده اید، بی تردید زمین من پهناور است، پس (اگر در محیطی قادر به حفظ اصول دین یا پیاده کردن فروع آن نیستید به جای دیگر روید و) تنها مرا پرستش کنید

هر نفس زنده ای چشنده مرگ خواهد بود، سپس به سوی ما (به عالم برزخ ما به صحنه قیامت ما، به بهشت و دوزخ ما) بازگردانده می شوید

و کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند به یقین آنها را در غرفه هایی از بهشت که از زیر آنها نهرها جاری است جای می دهیم در حالی که در آنجا جاودانند نیکو پاداشی است پاداش عمل کنندگان

آنان که (در انجام وظایف مردمی و الهی خود) صبر ورزیدند و همواره بر پروردگارشان توکل می کنند

و چه بسیار از جنبنندگان که روزی خود را برنمی گیرند (و ذخیره نمی کنند مانند اغلب حیوانات خشکی و دریایی) خدا آنها و شما را روزی می دهد، و او شنوا و داناست

و اگر از آنها (مشرکین مکه) بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را (در حرکت های وضعی و انتقالیشان) مسخر کرده؟ حتما می گویند: خداوند (زیرا آنها بت ها را اربابی زیر نظر ربّ و مقربّ و شافع در نزد رب می دانستند نه خالق و مدبّر عالم)، پس چگونه و به کجا (از حق) بازگردانده می شوند

خداوند برای هر کس از بندگانش بخواهد روزی را فراخ می کند و یا تنگ می سازد، همانا خدا به همه چیز داناست

و اگر از آنها بپرسی چه کسی از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرو فرستاد پس بدان وسیله زمین را پس از مرگش (با رویانیدن نباتات) زنده کرد؟ حتما می گویند: الله بگو ستایش از آن اوست بلکه بیشتر آنان نمی اندیشند

وَمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۱
حزب
۱۶۲
۳۴۹

۲

۳

۴

۵

و این زندگی دنیا جز سرگرمی بیهوده و بازیچه نیست، و حقّ که خانه آخرت (حتی زمین و آسمان و جماد و نباتش) دارای حیات است (و گویی حقیقت حیات است) اگر می دانستند

و چون به کشتی سوار شوند (و در خطر غرق قرار گیرند) خدا را می خوانند در حالی که ایمان و اعتقاد را برای او خالص سازند (و معبودها را فراموش کنند)، و همین که آنها را به سوی خشکی رساند و نجات داد پس به ناگاه شرک می ورزند

بگذار تا به آنچه به آنها دادیم (از نعمت نجات)، کفران کنند و (از لذایذ دنیا) برخوردار گردند، پس به زودی خواهند دانست

آیا ندیدند که ما (برای جهانیان) حرمی امن قرار دادیم در حالی که (از ناامنی) مردم از اطراف آنان ربوده می شوند؟ پس آیا به (معبودهای) باطل می گروند و نعمت خدا را (که دین و کتاب است) انکار کرده کفران می ورزند؟

و چه کسی است ستمکارتر از آن که بر خداوند دروغ بندد (و بگوید خدا بت ها را شریک و مقرب و شفیع خود قرار داده) یا حق را چون بدو رسد (مانند نبوت پیامبر و کتاب او) تکذیب نماید؟! آیا در دوزخ جایگاهی برای کافران نیست

و کسانی که در راه ما (با نفس خود و دشمن ما) جهاد کردند به یقین آنها را به راه های (وصول به مقام قرب) خود راهنمایی می کنیم، و همان

۶۰ آیه ۷ صفحه

الف، لام، میم. رمزهایی میان اللّه و رسول اوست. کتاب ما مرکب از همین حروف است ولی احدی را توان آوردن مانند آن نیست. این کتاب از الف (اللّه) به وسیله لام (جبرئیل) به میم (محمّد صلی الله علیه وآله) القاء شده. این کتاب دارای محکّمات و این گونه متشابهات است

رومیان مغلوب شدند (و از پارسیان شکست خوردند)

در نزدیک ترین سرزمین (به حجاز که سوریه و اردن است) و آنها پس از مغلوب شدنشان به زودی پیروز خواهند شد

در ظرف چند سال (آینده و) کار (اداره عالم) و فرمان (نافذ در همه جهان) پیش از آن (غلبه) و پس از آن از آن خداوند است، و در آن روز مؤمنان (مسلمانان) خرسند خواهند شد

به نصرت و یاری خداوند که او هر کس را بخواهد یاری می کند، و اوست مقتدر غالب و مهربان

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

۷

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ

۸

أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ

۹

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

۱۰

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا السَّوْءَ إِن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ

۱۱
روم
۳۵۰

اللَّهُ يَبَدِّئُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۱۲

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ

۱۳

وَلَمْ يَكُن لَّهُم مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ

۱۴

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِذُ يَتَفَرَّقُونَ

۱۵

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ

وَعده خداست، خدا هرگز از وعده خود تخلف نمی کند، ولی بیشتر مردم نمی دانند (که خدا کیست و خلف وعده درباره او محال است)

آنها ظاهری از زندگی دنیا را می دانند (آنچه حس می کنند و از آن برخوردارند در نزد آنها هدف است و اصالت دارد) و از (زندگانی) آخرت (که نتیجه واقعی زندگی دنیاست) سخت غافلند

و آیا در درون خود فکر نکردند که خداوند این آسمان ها و زمین و آنچه را که در میان آن دو است جز به حق (و هدفی والا و برتر و عقلایی) و جز برای مدتی محدود و معین نیافریده؟! و بی شک بسیاری از مردم به دیدار پروردگارشان (به زندگی پس از مرگ) کافرند

و آیا در روی زمین سیر نکردند تا بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟ آنها که نیرومندتر از اینان بودند و زمین را (برای زراعت و نهال و غیره) شخم زدند و بیش از آنکه اینان آباد کنند آباد کردند، و پیامبرانشان دلائل روشنی (از توحید و رسالت و معاد) برای آنها آوردند (لکن به کیفر انکار و تکذیب هلاک شدند)، پس خدا بر آن نبود که به آنها ستم کند و لکن خودشان به نفس خود ستم می کردند

سپس عاقبت کسانی که کارهای زشت انجام دادند این شد که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را مسخره می کردند

خداوند، آفریدگان را در آغاز می آفریند سپس آنها را (پس از میراندن، در روز واپسین) باز می گرداند، آن گاه به سوی (بهشت یا دوزخ) او بازگردانده می شوید

و روزی که قیامت برپا می شود گنهکاران (فاسد العقیده) سرگردان و نومید (از یاری خلق و رحمت حق) می گردند

و آنها را از شریکان خود (بت ها) شفیعی نخواهد بود و به شریکان خود کافر خواهند شد و پرستش آنها را انکار خواهند کرد

و روزی که قیامت برپا شود در آن روز همه از هم جدا می شوند (پریان از آدمیان، انسان ها از شیاطین، مؤمنان از کافران و نیکوکاران از بدکاران)

اما کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند پس آنها در گلستان و مرغزاری (از بهشت) شاد و مسرور خواهند بود

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

۱۷

فَسُبْحَنَّ اللَّهَ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

۱۸

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

۱۹

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ

۲۰

روم
۳۵۱۲

وَمِنْ ءَايَاتِهِۦ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

۲۱

وَمِنْ ءَايَاتِهِۦ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

۲۲

وَمِنْ ءَايَاتِهِۦ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَنَاصِلُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ

۲۳

وَمِنْ ءَايَاتِهِۦ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهِۦ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

۲۴

وَمِنْ ءَايَاتِهِۦ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و اما کسانی که کفر ورزیده و آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کرده اند پس آنها در عذاب (دوزخ) احضار خواهند شد

پس خدا را تسبیح گوئید (در همه حال، خاصه) آن گاه که وارد شامگاه می شوید (به خواندن نماز مغرب و عشا) و آن گاه که وارد صبحگاه می شوید (به خواندن نماز صبح)

و ستایش (تکوینی و تشریعی) از آن اوست در آسمان ها و زمین و (ستایش در همه اوقات از آن اوست خاصه) در وقت عصر (به خواندن نماز عصر) و هنگامی که ظهر می کنید (به خواندن نماز ظهر)

زنده را از مرده بیرون می آورد (گیاهان را از دانه ها و هسته ها و حیوانات و آدمی را از نطفه ها، و نسل مؤمن را از کافر)، و مرده را از زنده بیرون می آورد (دانه ها و هسته ها را از گیاهان، و نطفه ها را از حیوانات، و نسل کافر را از مؤمن) و زمین (و مواد مستعده آن) را پس از مرگش (در فصل سرما، در فصل گرما) زنده می کند، و شما نیز (از قبورتان) این گونه بیرون آورده می شوید

و از نشانه های (توحید و قدرت) او این است که (جد و جدّه نخستین شما را بلاواسطه و) شما را (با چند واسطه) از خاک آفرید سپس به ناگاه شما (گروه بی حدّ و حصر) بشرید که (در روی زمین) پیوسته پراکنده می شوید

و از نشانه های او این است که برای شما از جنس خودتان (نه از فرشتگان و نه از اجنه و غیر آنها) همسرانی آفرید که در کنار آنها آرامش یابید، و میان شما (شوی و زن یا افراد نوع انسانی) علاقه دوستی و مهر باطنی نهاد، همانا در این امر نشانه هایی است (از توحید و قدرت و حکمت خدا) برای گروهی که می اندیشند

و از نشانه های او آفرینش آسمان ها و این زمین و اختلاف زبان های شماست (از حیث لغت ها، کیفیت تکلم و نحوه صدا) و رنگ های شماست (رنگ اصنافتان و افرادتان). به یقین در این (خلقت ذات و اختلاف صفات) نشانه هایی است (از توحید و قدرت و حکمت خدا) برای دانشمندان

و از نشانه های او خواب شماست در شب و روز (برای تقویت نیروهای فعاله مغز و جسد) و جستجوی شماست از فضل او (برای تحصیل روزی و نیازهای زندگی). بی تردید در این (دو حالت استراحت و تلاش) نشانه هایی است برای گروهی که می شنوند

و از نشانه های او آن است که (رعد و) برق را برای بیم و امید (بیم از صاعقه و ویرانی و امید به باران نافع) به شما می نمایاند، و از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرو می فرستد که بدان وسیله زمین را (یا مواد مستعده گیاهان آن را) پس از مرگش زنده می کند. حقا که در این (نزول آب و حیات گیاهان) نشانه هایی است (از قدرت و حکمت او) برای گروهی که می اندیشند

وَمِنْ ءَايَاتِهِۦٓ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِۦ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

وَلَهُۥ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَلْنِثُونَ

وَهُوَ الَّذِي يَبْدُؤُاَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْأَمَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ أَنفُسِكُمْ ۖ هَلْ لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّن شُرَكَآءَ فِي مَا رَزَقْنَكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَآءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ ۖ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ

فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّا أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

مُتَّبِعِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا ۚ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

و از نشانه های او آن است که آسمان و زمین (تا مدتی محدود) به اراده حتمی او پابرجایند، آن گاه (پس از میراندن زنده ها و بردن آنان به زیر خاک) چون شما را به یک خواندن (به وسیله نفخ دوم صور) از زمین فرا خواند، به ناگاه همه شما (از دل خاک) بیرون می آیید

و هر که (و هر چه) در آسمان ها و زمین است از آن اوست (ملک حقیقی اوست، چرا که خلق و حفظ و تدبیر و اداره و فانی کردن همه در تحت اراده اوست، و) همگی (تکوینا) در برابر او خاضع و سر به فرمانند

و اوست آن که آفریدگان را در آغاز می آفریند، سپس آنها را (پس از فانی کردن) باز می گرداند، و این (بازگرداندن) بر او بسیار آسان است. و برای اوست صفت های برتر در آسمان ها و زمین (هر صفت برتری بر هر موجودی در آسمان ها و زمین است مانند حیات، علم، قدرت و نور از آن اوست) و برای اوست مثل ها و نمایندگان برتر و والا در آسمان ها و زمین (نظیر فرشتگان، معصومین و اولیاء الله) و اوست مقتدر غالب و حکیم

(خداوند) برای شما مثالی از خودتان زده است: آیا برای شما از برده هایتان شریکانی در آنچه (از اموال) به شما روزی کرده ایم هستند که همه در (تصرفات) آن مساوی باشید به طوری که از (تعدی و تجاوز) آنها بترسید همانند ترستان از آزادانی امثال خودتان (یا آنکه هیچ گاه برده در عرض مالک خود شرکت و تسلط در ملک مولا را ندارد)؟ این چنین آیات (توحید خود) را تفصیل می دهیم برای گروهی که خرد را به کار می برند (تا بدانند که معبودهای مشرکان نیز در عرض مقام ربوبی نیستند بلکه مملوک خدایند نه شریک او)

(نه، آنها خرد را به کار نبردند) بلکه کسانی که ستم کرده اند، بدون هیچ علمی پیروی از هواهای خود کردند، پس کسانی را که خداوند (پس از اتمام حجت) در گمراهی رها نموده چه کسی است که هدایت کند؟! و هرگز برای آنها یاری کننده ای نیست

پس حق گرایانه روی دل خود را به سوی این دین (دین اسلام) کن همان طریقه و آیین فطری خدا که مردم را بر پایه آن آفریده و سرشته، (و) هرگز تبدیلی در آفرینش (تکوینی) خدا نباشد (و در آیین تشریعی او هم نباید باشد) ، این است دین ثابت و استوار، و لکن بیشتر مردم نمی دانند

(رو به سوی دین خدا کنید) در حال انابه و بازگشت به سوی او، و از او پروا کنید، و نماز را بر پا دارید و از مشرکان نباشید

از آن کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و گروه گروه شدند و هر گروهی به آنچه در نزد خود دارند خرسندند

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا
أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ

لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِۦ يُشْرِكُونَ

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا
قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَايَةٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

فَءَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَٰلِكَ
خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَمَا ءَاتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لِّيرْبُؤَٰ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُا عِندَ
اللَّهِ وَلَا يَكُونُ لَكُمْ رِزْقٌ مِّنْهُ لَتَكُونُنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ
وَمَا ءَاتَيْتُمْ مِّنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْمُضْعِفُونَ

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ
يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَّنْ يَفْعَلُ مِثْلَ ذَٰلِكُمْ مِّن
شَيْءٍ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ
لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

و چون مردم را سختی و زیانی برسد پروردگار خود را در
حالی که به سویش انابه و بازگشت دارند می خوانند، سپس
چون از جانب خود رحمتی به آنها بچشاند به ناگاه گروهی از
آنها به پروردگارشان شرک می ورزند

تا در نتیجه به آنچه به آنها داده ایم کفران کنند. پس (ای
کافران، چند روزی) برخوردار شوید، به زودی خواهید
فهمید

مگر بر آنها حجت و برهانی فرو فرستاده ایم که به (صحت)
شرک آنها سخن می گوید (و یا به نفع خدایان و اربابی که به
سبب آنها شرک می ورزیدند تکلم می کند)؟

و چون مردم را رحمتی بچشانیم (مانند، امنیت و وسعت
روزی) سرمستی می کنند، و چون به خاطر گناهان دستاورد
خودشان آسیبی به آنها رسد به ناگاه (از رحمت حق نیز)
مایوس می شوند (و این هر دو حالت زشت است)

و آیا ندیده اند که خداوند روزی را برای هر کس که
بخواهد (بر حسب اقتضای نظام اتمّ عالم هستی) می گسترد
و تنگ می گیرد؟ بی تردید در این (کار) نشانه هایی است
(از قدرت و تدبیر و حکمت خدا) برای گروهی که ایمان
دارند

پس حقّ خویشاوند و فقیر و در راه مانده را بده (به
خویشاوند خود نفقه را و به خویشاوند معصوم پیامبر انفال
و اخماس را، و به فقیر زکات را، و به وامانده در راه زکات و
خمس را بده)، این (انفاق) برای کسانی که رضای خدا را می
طلبند بهتر است و آنهایند که رستگارند

و آنچه (به عنوان) ربا دهید تا در اموال مردم افزوده شود
(مثلا ده دینارتان در مال او دوازده شود) در نزد خدا زیاد
نمی شود، و آنچه از زکات دهید در حالی که خواهان رضای
خدا باشید (سود خواهید برد، و) چنین کسانی هستند که
برنده سود چند برابرند

خداست آن که شما را آفرید سپس به شما روزی داد، آن
گاه شما را می میراند و سپس زنده می کند، آیا از
همتایاتتان (که برای خدا قرار داده اید) کسی هست که
چیزی از این گونه امور را انجام دهد؟ (قطعاً نه) او منزّه و
برتر است از آنچه شریکش می سازند

فساد و تباهی (از زلزله و طوفان و قحطی و بیماری و جنگ و
قتل و ناامنی) در خشکی و دریا آشکار شد به واسطه آنچه
دست های مردم (از گناهان بزرگ) فراهم آورده، تا
(خداوند کیفر دنیوی) برخی از آنچه را که انجام داده اند به
آنها بچشاند شاید بازگردند

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلَ كَانَ أَكْثَرُهُم مُّشْرِكِينَ

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَیِّمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ یَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُو مِن اللَّهِ یَوْمَیذٍ یَصَدَّعُونَ

مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَن عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ یَمْهَدُونَ

لِیَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِن فَضْلِهِ ۚ إِنَّهُو لَا یُحِبُّ الْكَافِرِينَ

وَمِنَ ءَايَاتِهِ ۚ أَن یُرْسِلَ الرِّیَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِیَذِیْقَكُم مِّن رَّحْمَتِهِ ۚ وَلِتَجْرِیَ الْفُلُكُ بِأَمْرِه ۚ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ ۚ وَلَعَلَّكُم تَشْكُرُونَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُم بِالْبَیِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا ۖ وَكَانَ حَقًّا عَلَیْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ

اللَّهُ الَّذِی یُرْسِلُ الرِّیَحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُو فِي السَّمَآءِ كَيْفَ یَشَآءُ وَیَجْعَلُهُو كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ یَخْرُجُ مِن خِلَالِهِ ۖ فَاِذَا أَصَابَ بِهِ مَن یَشَآءُ مِن عِبَادِهِ ۚ اِذَا هُم یَسْتَبْشِرُونَ

وَإِن كَانُوا مِن قَبْلِ أَن یُنَزَّلَ عَلَیْهِم مِّن قَبْلِهِ ۚ لَمُبْلِسِينَ

فَإَنْظُرْ إِلَىٰ ءَاثَرِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ یُحِی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحِی الْمَوْتِ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

بگو: در روی این زمین سیر کنید، پس بنگرید که سرانجام کسانی که پیش از شما بودند (از طاغیان و ستم پیشگان و ثروت اندوزان) چگونه بود

پس روی (دل) خویش را به سوی این دین مستقیم و استوار متوجه کن پیش از آنکه روزی فرا رسد که آن را از سوی خدا برگشتی نیست، در آن روز (همه مردم) از هم می پاشند و گروه گروه می شوند

هر کس کافر شود کفرش به زیان اوست، و کسانی که عملی شایسته کنند برای خودشان (وسایل زندگی ابدی عالم آخرت را) آماده می کنند

تا (خدا) کسانی را که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند از فضل خویش پاداش دهد، حقّا که او کافران را دوست ندارد

و از نشانه های (توحید و قدرت و حکمت) او آن است که بادها را مژده دهنده می فرستد (تا به ریزش باران مژده دهند) و تا از رحمت های خود (وزش باد و نسیم) به شما بچشاند و کشتی ها تحت اراده حتمی او روان گردند و از فضل او (رزق او که به وسیله باد و باران پدید می آید) جستجو کنید، و شاید سپاس گزارید

و به یقین پیش از تو فرستادگانی به سوی قومشان فرستادیم پس برای آنها دلایل روشنی (از جانب خدا) آوردند (و آنها برخی کافر و برخی مؤمن شدند) آن گاه ما از مجرمان انتقام گرفتیم، و همواره یاری کردن مؤمنان بر عهده ما حق و لازم است

خداوند همان است که بادها را می فرستد، پس آنها ابری را برمی انگیزند پس (خداوند) آن را در آسمان بدان گونه که بخواهد می گستراند و به صورت پاره های گوناگون درمی آورد، آن گاه باران را می بینی که از لابلای آن بیرون می آید، و چون آن باران را به هر یک از بندگانش که بخواهد رساند ناگهان خرسند و شاد می شوند

و حقیقت این است که آنها پیش از آنکه باران بر سرشان فرو ریزد، (آری) پیش از آن سخت نومید بودند

پس به آثار رحمت خدا (باران) بنگر که چگونه زمین (و سایر مواد مستعد نموّ آن) را پس از مرگش (در بهاران) زنده می کند. حقّا که آن خدای زنده کننده مرده ها (در روز واپسین) است، و او بر همه چیز تواناست

وَلَيْنِ اُرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِۦ
يَكْفُرُونَ

فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا
مُدْبِرِينَ

وَمَا أَنْتَ بِهَادٍ الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَّالَتِهِمْ ۖ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ
بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُّسْلِمُونَ

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ
قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ
وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ
كَذَٰلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ
إِلَىٰ يَوْمِ الْبَعْثِ ۖ فَهَٰذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا
تَعْلَمُونَ

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعَذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ
يُسْتَعْتَبُونَ

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَٰئِنْ
جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ

كَذَٰلِكَ يَظْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

و اگر بادی (سوزان و آفت زا) بفرستیم و به سبب آن کشت
خود را زرد شده بینند حتما پس از آن (نیز به جای تنبّه)
کفر پیشه کنند

مسلمًا تو مردگان (کفر و عناد) را نتوانی شنواند و دعوت
خود را به کران، در جایی که پشت کرده و رویگردانند
نتوانی رساند

و تو هدایت کننده کوردلان از گمراهیشان نیستی تو نمی
توانی (محتوای دعوت خود را) بشنوانی مگر به کسانی که
(به اقتضای طبع می توانند) ایمان آورند، از این رو (طبق
استعداد فطری در برابر ما) تسلیم اند

خداوند همان است که شما را از ضعف و ناتوانی (از
موجودی ضعیف چون اسپر و اوول یا نطفه) بیافرید آن گاه
(برای شما) پس از ضعف و ناتوانی (از اول بلوغ تا زمان
پیری) نیرو و قوت (فکری و جسمی) قرار داد، و باز (در
شما) پس از قدرت، ناتوانی و پیری ایجاد نمود، (آری) او هر
چه را بخواهد می آفریند و اوست دانا و توانا

و روزی که قیامت برپا گردد گنهکاران سوگند یاد کنند که
(در دنیا یا پس از مرگ) جز ساعتی درنگ نکرده اند (و
فاصله ای بین مرگ و بعث نبوده است)، آنها (در دنیا نیز)
این گونه (خطا داشتند و) به انحراف کشیده می شدند

و کسانی که به آنها دانش و ایمان داده شده (انبیا و اولیا و
فرشتگان) گویند: شما بی شک طبق کتاب خدا (لوح محفوظ و
قرآن مجید، در آن عالم) تا روز بعث درنگ کرده اید، و این
است روز بعث و قیامت، و لکن شما نمی دانستید (که عالم
برزخ را می گذرانید و باور نداشتید که قیامت حق است)

پس در آن روز عذرخواهی کسانی که ستم ورزیده اند
سودی نمی بخشد و هرگز رضایت آنها جلب نخواهد شد و از
آنان نخواهند که عذرخواهی کنند

و حقّا که ما در این قرآن برای مردم هر گونه مثلی زدیم
(ولی بیدار نشدند) و اگر برای آنها نشانه ای (روشن)
بیاوری همانا کسانی که کفر ورزیده اند خواهند گفت: شما
جز اهل باطل و بیهوده گویی نیستید

این گونه خداوند بر دل های کسانی که نمی دانند (علم
توحید و دین ندارند) مهر (شقاوت و نافهمی) می نهد

پس (در مقابل تهدید و نیرنگ آنان) صبر کن، که مسلما
وعده خداوند (به پیروزی امت و رواج کتاب و جهان شمولی
و ابدیت دینت) حق است، و مباد

الف، لام، میم. این کتاب مرکب از همین حروف و در عین حال معجزه است. این کتاب از الف (الله) به وسیله لام (جبرئیل) به میم (محمّد صلی الله علیه وآله) القا شده. این کتاب دارای محکّات و این گونه متشابهات است

این آیات (آیات این سوره) آیات کتاب حکمت آموز است (آیات قرآن یا لوح محفوظ است که دارای علوم، احکام شرع و مستقلّات عقلی است)

که مایه هدایت و رحمت است برای نیکوکاران

آنان که نماز را برپا می دارند و زکات می پردازند و به آخرت یقین دارند

آنها بر پایه هدایتی (به سوی معارف دینی و کمالات انسانی) از جانب پروردگار خویشند، و آنهایند که رستگارند

و از مردم کسانی هستند که سخنان لهو و بیهوده را می خردند (مانند غناء، طرب آور، ترانه های فاسد، اشعار و گفتارهای رکیک، بهتان و غیبت سرایی، رمان ها و افسانه های فسادانگیز و غیره) تا جاهلانه (مردم را) از راه خداوند گمراه سازند و آن را به مسخره گیرند آنها عذابی خوارکننده خواهند داشت

و چون آیات (کتاب) ما بر او خوانده شود متکبرانه روی برمی گرداند، گویی که آن را نشنیده، گویی که در هر دو گوشش سنگینی است! پس او را به عذابی دردناک مژده ده

البته کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کردند، برای آنها بهشت ها و باغات پر نعمت است

که جاودانه در آنجا به سر می برند وعده حق و ثابت خداوند است، و اوست که مقتدر غالب و دارای حکمت (در تشریع دین در دنیا و اجراء مجازات در آخرت) است

آسمان ها را بدون ستونی که آن را ببینید بیافرید، و در این زمین کوه های ثابت و پابرجا بیفکند تا مبدا (به زلزله هایش) شما را ناآرام کند، و در آن از هر نوع جنبنده ای پراکنده ساخت و از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرود آوردیم پس در آن از هر جفتی نفیس و پرارزش از گیاهان رویانیدیم

اینها آفریده های خداست، پس به من نشان دهید کسان دیگری غیر او (که آنها را شریک خدا می پندارید) چه آفریده اند؟ (آنها چیزی نیافریده اند) بلکه این ستمکاران در گمراهیی آشکارند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم

تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ

خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِن دُونِهِۦٓ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَنَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَن يَشْكُرْ
فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

۱۳

وَإِذْ قَالَ لُقْمَنُ لِبَنِيهِ ۖ وَهُوَ يَعِظُهُ ۚ يَبْنَىٰ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ۖ إِنَّ
الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

۱۴

وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ ۖ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ
وَفَصَّلْهُ ۖ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ ۖ إِلَيَّ الْمَصِيرُ

۱۵

وَإِن جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا
تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۚ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَن
أَنَابَ إِلَيَّ ۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

۱۶

يَبْنَىٰ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي
صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ
لَطِيفٌ خَبِيرٌ

۱۷

يَبْنَىٰ أَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ

۱۸

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّ
اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

۱۹

وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ ۖ وَأَغْضُضْ مِن صَوْتِكَ ۖ إِنَّ أَنْكَرَ
الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ

و همانا ما به لقمان حکمت دادیم (دانش های پرسود عقلی و
نقلی دادیم و از جمله این را گفتیم) که خدا را سپاس گزار،
و هر که سپاس گزارد، جز این نیست که به سود خود
سپاس می گزارد، و هر که کفران کند بی تردید خداوند بی
نیاز و ستوده (صفات و افعال) است

و (به یاد آر) هنگامی را که لقمان به پسرش در حالی که او
را پند می داد گفت: ای پسر عزیزم، برای خدا شریک و
همتا قرار مده، زیرا شرک ظلمی بس بزرگ است (زیرا
بزرگی ظلم به تناسب بزرگی مظلوم است و یکسان شمردن
آن که جز از او نعمتی نیست با آن که هیچ نعمتی از او
نیست به غایت قبیح است)

و ما انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، در حالی
که مادرش او را (در شکم خود در ایام بارداری) در حال
ضعف روی ضعف حمل کرد، و (شیر دادن و) از شیر جدا
کردنش در دو سال بود، (گفتیم) که مرا و پدر و مادرت را
سپاس گزار، که بازگشت (همه) به سوی من است

و اگر در حق تو بکوشند که چیزی را که به (الوهیت و
ربوبیت و قداست) آن علم نداری شریک من قرار دهی
هرگز از آنها اطاعت مکن، و در دنیا با آنها به نیکی معاشرت
نما، و (در واقع) پیرو راه کسی باش که (در همه حال) به
سوی من بازگشته است، سپس بازگشت همه شما به سوی
من است پس شما را از آنچه انجام می داده اید آگاه می کنم

ای پسر عزیزم، (عمل آدمی) اگر به اندازه سنگینی دانه
خردلی در دل سنگ سختی یا در آسمان ها یا داخل این
زمین باشد خداوند آن را (در روز قیامت) خواهد آورد (تا
بر اساس آن جزا دهد) زیرا خدا دقیق و باریک بین و آگاه
است

ای پسر عزیزم، نماز را برپا دار و به معروف (هر کار
پسندیده در نزد عقل و شرع) امر کن، و از منکر (هر کار
زشت و ناپسند) بازدار و بر آنچه به تو رسد (از سختی های
حوادث و در مقام انجام وظایف خلقی و خالقی) صبر کن، که
اینها از واجبات امور و مهمّات کارهاست

و روی خود را به نخوت از مردم برمگردان و در روی زمین با
ناز و تکبر راه مرو، که خداوند هیچ متکبر خودپسند و
فخر فروش را دوست ندارد

و در رفتن و رفتار خود میانه رو باش، و از صدای خود بکاه،
که بدترین صداها صدای خران است

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَهِرَةً وَبَاطِنَةً ۖ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أُولَٰئِكَ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ

وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ ۖ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ ۖ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ

وَلَٰئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۗ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِن بَعْدِهِ ۖ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

مَّا خَلَقْكُمْ وَلَا بَعَثْكُمْ إِلَّا كَتَفْسٍ وَاحِدَةٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

آیا ندیدید که خداوند آنچه را در آسمان ها و آنچه را در این زمین است برای شما مسخّر و رام نموده (تا آنها را در طریق منافع خویش به کار گیرید) و نعمت های آشکار و نهان خود را (مانند آنچه بدن هایتان از آن استفاده دارد و نظیر آنچه جان ها و مغزهایتان از آن بهره مند است) بر شما وسعت و تمامیت بخشیده؟! و برخی از مردم درباره خدا بدون هیچ دانش (و دلیلی از عقل) و رهنمود (ی از وحی و الهام) و کتاب (آسمانی) روشن و روشنگری محابه و مجادله می کنند

و چون به آنها گفته شود از آنچه که خدا فرو فرستاده (کتاب و برنامه دینی) پیروی کنید، گویند: (نه) بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم (عبادت بت ها و سنن جاهلیت) پیروی می کنیم! آیا (از آنها پیروی می کنند) هر چند که شیطان آنها را به سوی عذاب شعله ور (دوزخ) دعوت کند؟

و کسی که روی دل خود را به خدا بسپارد در حالی که (در عمل) نیکوکار باشد بی تردید به دستاویز محکم چنگ زده و عاقبت همه کارها به سوی خداست (اعمال باطنی و بدنی انسان از نظر پاداش و کیفر به او می رسد)

و کسی که کفر ورزد کفر او تو را غمگین نسازد، زیرا بازگشت آنان به سوی ماست پس آنها را از آنچه انجام داده اند آگاه می کنیم (و کیفر می دهیم)، مسلماً خداوند به آنچه در درون سینه هاست داناست

آنها را اندکی (از لذایذ دنیا) برخوردار می کنیم، سپس به عذابی سخت گرفتارشان سازیم

و اگر از آنها (از مشرکان) بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده؟ خواهند گفت: خدا (زیرا آنها مشرک در الوهیت و خلقت نبودند بلکه مشرک در ربوبیت بودند) بگو: ستایش خدا را (که خودتان اقرار دارید) بلکه بیشتر آنان نمی دانند (که مربی اشیا همان خالق آنهاست)

آنچه در آسمان ها و این زمین است ملک حقیقی خداست (زیرا آفریدن، حفظ، اداره و بالاخره فانی کردن همه در تحت اراده اوست)، حقاً خداست که خود بی نیاز و ستوده (در ذات و صفات و افعال) است

و اگر آنچه از درخت در زمین است قلم شود و دریا را (اگر مرکب باشد) هفت دریای دیگر یاری دهد (تا کلمات خدا را که آفریده های او هستند بنویسند) کلمات خدا پایان نپذیرد که خداوند مقتدر غالب و حکیم است (و فیض قدرت و حکمت او نامتناهی است)

آفریدن همه شما و برانگیختنتان (پس از مرگ، از نظر سهولت خلقت اول و دوم و جداسازی افراد و اعمال در قیامت) جز مانند (آفریدن و برانگیختن) یک نفس نیست، زیرا که خداوند شنوا و بیناست (شنوا به گفتار همه، بینا به صفات و کردار همه، پس مشکلی در قیامت نخواهد داشت)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ
اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَطْلُ
وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ
مِّنْ ءَايَاتِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَّوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا
كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ
عَن وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ عَن وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ
اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ
الْغُرُورُ

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي
الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي
نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

آیا ندیده ای که خداوند (در برخی از فصول مقداری از) شب را (به تدریج) داخل روز می کند و (در فصولی دیگر مقداری از) روز را (به تدریج) داخل شب می کند، و خورشید و ماه را مسخر و رام کرده که هر یک (در حرکت مستقیم و دایره وار خود) تا مدت معینی (که در علم ازلی خدا گذشته) جریان دارد، و این که خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است؟

آن (مالکیت و علم و قدرت بی پایان) به سبب این است که خداوند حق (مطلق و ثابت واجب الوجود) است و آنچه جز او می خوانند باطل (مطلق از حیث الوهیت و ربوبیت) است، و خداوند است که برتر و بزرگ است

آیا ندیده ای که کشتی ها در دریا به سبب نعمت های خداوند (آب دریا و باد و هوا) جریان دارند (و نعمت های او را حمل و نقل می کنند)؟! تا برخی از نشانه های (توحید و قدرت و حکمت) خود را به شما نشان دهد حقا که در این (امر) نشانه هایی است برای هر صبرپیشه سپاسگزار

و چون موج دریا همانند ابرهای سایه افکن آنها را فرو پوشد خدا را می خوانند در حالی که اعتقاد و دعا را برای او خالص سازند، ولی همین که آنها را به سوی ساحل نجات آورد، فقط برخی از آنان میانه رو هستند (و در همان حال توحیدی باقی اند). و نشانه های ما را جز هر خائن عهدشکن و ناسپاس انکار نمی کند

ای مردم، از پروردگار خود پروا کنید و از روزی بترسید که هیچ پدری از فرزند خویش چیزی را (از عذاب آن روز) دفع نمی کند و هیچ فرزندی دفع کننده چیزی از پدر خود نیست. به یقین وعده خدا حق است، پس مبادا زندگی دنیا شما را مغرور کند، و شیطان فریبکار شما را نسبت به خداوند بفریبد

همانا خداست که علم به (هنگام) قیامت نزد اوست، و اوست که باران را فرو می فرستد، و آنچه را در رحم ها (ی جانداران زاینده) است می داند (و وحدت و تعدد حمل، اوصاف جسمی آینده، حالات روانی، اعمال آتی و مقرر نهایی آن را می داند)، و هیچ کس نمی داند که فردا (از دانش و عمل و مال) چه

الف، لام، میم. این کتاب مرکب از همین حروف و در عین حال معجزه است. این کتاب از الف (الله) به وسیله لام (جبرئیل) به میم (محمّد صلی الله علیه وآله) القا شده. این کتاب دارای محکّات و این گونه متشابهات است

فرو فرستادن این کتاب شکی در آن نیست که از جانب پروردگار عالمیان است

بلکه (مشرکان مکه) می گویند: این (کتاب) را از پیش خود بافته است. (چنین نیست) بلکه این همان حق و ثابت از جانب پروردگار توست، تا گروهی را که پیش از تو برای آنها بیم دهنده ای (از زمان ابراهیم علیه السّلام یا از زمان عیسی علیه السّلام) نیامده بیم دهی، شاید هدایت پذیرند

خداوند همان است که آسمان ها و زمین و آنچه را در میان آنهاست، در شش روز (روشن یا شش شبانه روز یا شش دوران و مدت طولانی) بیافرید، سپس بر عرش (تسلّط و تدبیر عالم) استیلا یافت. برای شما جز او هیچ سرپرست و مدبّر و شفیع (واسطه ای در جریان امور تکوینی) نیست، آیا متذکّر نمی شوید؟

اوست که امور این دنیا را از (ابتداء خلقت تا برپایی قیامت، به فرمانی صادر از) آسمان (جلال خود، به سوی این زمین به دست فرشتگانش) تدبیر و تنظیم می کند، سپس (نتایج حاصله تدبیر) در روزی که مقدار آن به اندازه هزار سال از سال هایی است که شما می شمارید به سوی (مقام ربوبی) او بالا می رود (و برای بررسی و داوری در موقف حساب به او عرضه می شود)

آن مقام والا (خداوند) دانای غیب و آشکار، و مقتدر غالب و مهربان است

همان که هر چه را آفریده نیکو آفریده (اجزاء آن را متناسب هم و مجموع را متناسب با هدف خلقت او کرده) و آفرینش انسان را از گل آغاز نمود (جد و جدّه اول او را بلاواسطه و به نحو اعجاز از گل پدید آورد

سپس نسل او را از چکیده ای از آبی پست و ناچیز (نطفه) قرار داد

سپس اعضا، او را (در رحم مادر) کامل کرد و از روح خویش در وی دمید و برای شما (انسان ها وسیله درک محسوسات مانند) گوش و چشم ها و (وسیله درک معقولات مانند) دل ها قرار داد، حال آنکه بسیار اندک سپاس می گزایید

و (مشرکان) گفتند: آیا هنگامی که در دل زمین متلاشی و گم شدیم آیا باز در یک آفرینش تازه ای قرار خواهیم گرفت؟! (قدرت ما محدود نیست) بلکه آنها دیدار پروردگارشان را انکار می کنند

بگو: فرشته مرگی که بر شما گمارده شده (روح) شما را (که تمام حقیقت شماسـت) کاملاً (از بدنتان) برمی گیرد (و آن روح محفوظ است و بدن خاک می شود)، سپس (در قیامت در قالب همان بدن) به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِّن دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

ذَٰلِكَ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَنِ مِن طِينٍ

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَئِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ

قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا
أَبْصِرْنَا وَاسْمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًى وَلَٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي
لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ
وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا
وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا
كَانُوا يَعْمَلُونَ

أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ

أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ
نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۖ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا
مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ ۖ الَّذِينَ
كُنتُمْ بِهِءُ تُكَذِّبُونَ

و ای کاش می دیدی هنگامی را که گنهکاران در نزد
پروردگارشان سرهای خود به زیر افکنده (می گویند)
پروردگارا (آنچه را وعده می دادی با چشم و گوش خود)
دیدیم و شنیدیم، پس ما را بازگردان تا عمل های شایسته
کنیم، مسلماً ما باورکننده ایم

و اگر می خواستیم به هر نفسی (از مؤمن و کافر) هدایت
متناسب او را (به نحو اجبار در اراده با تکرار معجزه تا
حاصل شدن اذعان) می دادیم، و لکن گفتار من (از ازل)
ثابت و محقق است که حتما باید جهنم را از اجنه و انسان
هابی (که دعوت و اتمام حجت مرا نپذیرفته اند) پر کنم

(به آنها گویم) پس بچشید (عذاب جهنم را) به کیفر آنکه
دیدار امروztان را فراموش کردید، ما نیز شما را (از رحمت
خویش) فراموش کردیم، و بچشید عذاب جاودانی را به
کیفر آنچه انجام می دادید

جز این نیست که کسانی به آیات و نشانه های ما ایمان می
آوردند که چون به آن آیات تذکر داده شوند سجده کنان به
رو درمی افتند و همراه حمد پروردگارشان (او را) تسبیح
می گویند و از هر عیب و نقصی منزّه می دانند و هرگز تکبر
و سرکشی نمی ورزند

پهلوهایشان (در دل شب) از بسترهای خواب تهی می شود،
پروردگارشان را در حال بیم و طمع می خوانند، و از آنچه
روزی آنها کرده ایم (از علم و جاه و مال) انفاق می کنند

پس هیچ کس نمی داند چه چیزهایی از مایه های روشنی
بخش دیدگان، به پاداش کارهایی که می کرده اند برای آنها
پنهان داشته شده است

پس آیا کسانی که باایمان باشند همانند کسانی هستند که
نافرمانند؟ هرگز یکسان نیستند

اما کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته انجام داده
اند برای آنها بهشت ها و باغ های سکونت است، (و همه
آنها) پذیرایی است به پاداش آنچه (در دنیا) می کردند

و اما کسانی که نافرمان بودند جایگاهشان آتش است، هر
گاه بخواهند از آن بیرون آیند (و به نزدیک درها یا دیوارها
رسند) به آنجا بازگردانده می شوند و به آنها گفته می شود:
بچشید عذاب آتشی را که تکذیب و انکار می کردید

وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

۲۲

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ
الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ

۳۳
ر ۳۶

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّنْ
لِّقَائِهِ ۖ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ

۲۴

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا
يُوقِنُونَ

۲۵

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُم يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ
يَخْتَلِفُونَ

۲۶

أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ
يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً أَفَلَا يَسْمَعُونَ

۲۷

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ
زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ

۲۸

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۲۹

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ
يُنْظَرُونَ

۳۵

فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرِ إِنَّهُمْ مُّنتَظِرُونَ

و حتما آنها را از عذاب نزدیکتر (دنیا مانند قحطی و مرض و شکست) قبل از عذاب بزرگتر (آخرت) می چشاییم، شاید بازگردند

و کیست ظالمتر از آن کس که به آیات پروردگارش تذکر داده شود سپس از آنها روی بگرداند؟! حتما ما از گنهکاران انتقام گیرنده ایم

و به یقین ما موسی را کتاب (آسمانی تورات) دادیم، پس در شک و تردید از دیدار او مباش (دیدار خدا یا دیدار موسی در معراج یا در قیامت)، و او را وسیله هدایتی برای بنی اسرائیل قرار دادیم

و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که (مردم را) به دستور ما هدایت می کردند، از آن رو که صبر ورزیدند و آیات (تورات) ما را باور داشتند

همانا پروردگار تو خود در روز قیامت میان آنها درباره آنچه در آن اختلاف می کردند داوری خواهد نمود

و آیا آنها را هدایت نکرد و برایشان روشن ننمود که چه بسیار گروه هایی از انسان ها را پیش از آنها هلاک کردیم، که اینها در مسکنهای آنها راه می روند (و آثار هلاکت و ویرانی خانه های آنها را می بینند)؟! همانا در این امر نشانه هایی است (از توحید و قدرت خدا)، آیا (به گوش دل) نمی شنوند؟

و آیا ندیدند که ما آب را (به صورت باران یا نهر یا چشمه و قنات) به سوی زمین بی گیاه روان می کنیم، آن گاه به وسیله آن کشته هایی را بیرون می آوریم که از آن چارپایانشان و خودشان می خورند؟! آیا (به چشم سر و چشم دل) نمی بینند؟

و (مشرکان از روی مسخره) گویند: این پیروزی شما کی خواهد بود اگر راستگویید؟

بگو: در روز پیروزی (هنگام نزول عذاب یا روز قیامت) کسانی را که کفر ورزیده اند ایمان آوردنشان سودی نمی بخشد و مهلتی هم داده نمی شوند

پس (فعلا) از آنها روی برتاب و منتظر (وعده الهی) باش که آنها نیز (شکست یا مرگ تو را) منتظرند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ ۚ وَمَا جَعَلَ
أَزْوَاجَكُمْ أَلْفَىٰ تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ
أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ ۖ وَاللَّهُ
يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ

أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ ۚ فَإِنْ لَّمْ تَعْلَمُوا
ءَابَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ
جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ ۚ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ۖ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ ۚ
وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُم
مَّعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

ای پیامبر، از خدا پروا دار و کافران و منافقان را اطاعت
مکن، زیرا خداوند همواره دانا (به مصالح امور) و دارای
حکمت (و دقت و اتقان در اجرای آن) است

و از آنچه به سوی تو از جانب پروردگارت وحی می شود
پیروی کن (و به پیشنهاد سازش مشرکان اعتنا نکن) همانا
خداوند همواره به آنچه عمل می کنید آگاه است

و بر خدا توکل کن، و خدا در وکالت و کارسازی (امور
بندگان)ش کافی است

خداوند برای هیچ مردی دو تا دل در درونش (و دو تا جان
در داخل بدنش و قهرا دو تا اعتقاد متضاد در درون مغزش)
قرار نداده است و همسران آنان را که با آنها ظاهر می کنید (با
انشاء تشبیه آنها به مادران آنان را بر خود حرام می کنید)
مادران آنان قرار نداده، و نیز پسرخوانده هایتان را پسران
(واقعی) شما قرار نداده است، این (تحریم زن و انتخاب
پسر) گفتار شما به زیادتان است، و خدا حق را می گوید و او
به راه (راست) هدایت می کند

آنها را به نام پدرانشان بخوانید، که آن در نزد خداوند
عادلانه تر است، و اگر پدرانشان را نشناسید پس برادران
و دوستان دینی شما (بگویند این برادر یا دوست دینی
من است)، و بر شما گناهی نیست در جایی که در نسبت
اشتباه کردید، و لکن (گناه) آن است که دل های شما قصد
کند (و به عمد نسبت به غیر دهید) و خداوند همواره
آمرزنده و مهربان است

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است (اراده
پیامبر درباره تصرف در جان و مال آنها بر اراده خودشان
مقدم است) و همسرانش (در احترام و تحریم نکاح آنان به
منزله) مادران آنها هستند، و خویشاوندان (درباره بردن
ارث) نسبت به یکدیگر در کتاب خداوند (لوح محفوظ یا
قرآن) از مؤمنان و مهاجران سزاوارترند مگر آنکه بخواهید
به دوستانان نیکی کنید (که به غیر وارثان مالی وصیت
نمایید)، این (حکم از قدیم زمان ها) در کتاب (لوح محفوظ یا
قرآن) نوشته شده است

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۚ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا

لَيَسْئَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ ۚ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَأْهَلُ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُلِواْ الْفِتْنَةُ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُواْ فِيهَا إِلَّا بَسِيرًا

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَرَ ۚ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

و (به یاد آر) هنگامی که از همه پیامبران (در مقام اعطای منصب نبوت) پیمان خاصّشان را گرفتیم، و به ویژه از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم (پیامبرانی که صاحب کتاب و شریعت مستقل بودند و سایر انبیا از آنها دریافت می کردند) و از آنها پیمانی استوار گرفتیم (که همه یکدیگر را تصدیق کنند و جامعه را به سوی یک مبدأ و یک دین دعوت نمایند)

تا (خداوند) راستگویان (امت ها) را (در روز جزا برای دادن پاداش) از صدقشان بپرسد، و برای کافران عذابی دردناک مهیا ساخته است

ای کسانی که ایمان آورده اید، به یاد آرید نعمت خدا را بر خود آن گاه که (در جنگ احزاب) لشکریانی (انبوه از قبایل متعدد عرب) به شما روی آوردند، پس بر آنها بادی (سرد و تند) و سپاهیانی (از فرشتگان) که شما آنها را ندیدید فرستادیم، و همیشه خداوند به آنچه عمل می کنید بیناست

آن گاه که از طرف بالا و پایین (شهر) تان به شما روی آوردند، و آن گاه که چشم ها (از غایت ترس مانند چشم غش زدگان) کج شد و دل ها به حنجره ها رسید و به خداوند گمان های ناروا می بردید

در آن هنگام مؤمنان آزمایش شدند و سخت متزلزل و مضطرب گشتند

و (به یاد آر) زمانی که منافقان و کسانی که در دل هایشان بیماری (ضعف ایمان) است می گفتند: خدا و رسولش به ما جز وعده ای فریبنده نداده اند

و (یاد کن) آن هنگام که گروهی از آنها گفتند: ای اهل مدینه (این میدان) جای توقف شما نیست (و گرنه همه کشته می شوید) پس (به شهرتان) بازگردید و گروهی هم از پیامبر اجازه بازگشت می خواستند، می گفتند: خانه های ما بی حفاظ است، در حالی که بی حفاظ نبود، آنها جز فرار (از جهاد) چیزی نمی خواستند

و اگر احزاب از اطراف مدینه در خانه های آنها بر آنها وارد می شدند سپس از آنها خواسته می شد که دست از دینشان بردارند حتما آن را می پذیرفتند و جز اندک زمانی در پذیرش درنگ نمی کردند

و به یقین آنها پیش از آن (از بدو پذیرش اسلام) با خداوند معاهده کرده بودند که (در جنگ) پشت (به دشمن) نکنند و پیمان خداوند همواره مورد سؤال است

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِّنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

وَلَمَّا رَاَ الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَٰذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَنًا وَتَسْلِيمًا

بگو: اگر از مرگ یا از کشته شدن فرار کردید فراررتان هرگز به شما سودی نمی بخشد و در آن صورت (از زندگی) جز اندک مدتی یا اندک بهره ای نخواهید برد

بگو: چه کسی شما را از (خواست) خدا ننگه می دارد اگر به شما اراده بدی و عذاب یا اراده خوبی و رحمت نماید؟! و هرگز آنها برای خودشان غیر از خدا سرپرست و یآوری نمی یابند

قطعاً خداوند کسانی از شما را که از جنگ بازمی داشتند و کسانی را که به برادران (هم مسلک) خود می گفتند: بیایید به سوی ما (و به سوی جنگ نروید) می شناسد، و آنها جز اندکی به جنگ تن در نمی دهند

آنها نسبت به شما بخیلند، (از یاری شما و انفاق درباره هدف شما دریغ می ورزند) و چون ترسی فرارسد آنها را می بینی که به سوی تو می نگرند در حالی که چشمانشان (از ترس) در حلقه می چرخد مانند کسی که از جهت مرگ بیهوشی بر او مستولی می شود، و چون ترس زایل شد شما را با زبان های تند و خشن آزار می دهند، آنها بر خیر (ی که از پیروزی و غنیمت به شما برسد) بخیل اند، آنان (در حقیقت) ایمان نیاورده اند پس خداوند همه عمل های (خیر) آنها را حبط و باطل کرده، و این (کار) بر خدا آسان است

(منافقان بزدل) گمان می کنند که احزاب (هنوز از اطراف مدینه) نرفته اند (و لذا در ترس و لرزند) و اگر احزاب (دوباره) بازگردند آنها دوست دارند که کاش در صحرا میان بادیه نشینان بودند و از خبرهای (جنگ) شما می پرسیدند، و اگر میان شما هم بودند جز اندکی جنگ نمی کردند

قطعاً برای شما در رفتار رسول خدا مایه اقتدا و سرمشق زندگی است برای کسی که به خدا و روز واپسین امید (قلبی و عملی) دارد و خدا را بسیار یاد می کند

و چون مؤمنان، احزاب (و سپاهیان دشمن) را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده دادند و خدا و رسولش راست گفتند و (دیدن آنها) جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود

مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا

وَأُورِثَكُمُ أَرْضَهُمُ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطْغُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلٌ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

وَإِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْدارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا

يَنْسَاءَ النَّبِيُّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَّفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

از مؤمنان مردانی اند که آنچه را با خدا بر سر آن پیمان بستند (که در جنگ تا مرگ ثابت قدم باشند) به مرحله صدق درآوردند، پس برخی از آنها به نذر خویش وفا کردند (شهید شدند) و برخی از آنان انتظار می کشند، و هیچ تغییری (در پیمان خود) ندادند

(این امتحانات صورت می گیرد) تا خداوند راستگویان را به سبب راستی شان پاداش دهد، و منافقان را اگر بخواهد عذاب کند یا (در صورت توبه) بر آنها عطف توجه نماید، زیرا خداوند همواره آمرزنده و مهربان است

و خداوند کسانی را که کفر ورزیدند در حال غیظ و خشم در حالی که به هیچ مال و پیروزی دست نیافته بازگردانید و زحمت و تحمل کارزار را از مؤمنان برداشت، و خداوند همواره نیرومند و مقتدر غالب است

و کسانی از اهل کتاب (مانند بنی قریظه) را که به آنها یاری داده بودند از حصارهای خود فرود آورد، و در دل هایشان رعب و ترس افکند، گروهی را می کشتید و گروهی را اسیر می کردید

و زمین ها و خانه ها و اموال آنها و سرزمینی را که پا بر آنجا نهاده بودید (مانند زمین خیبر) به ارث به شما داد، و همواره خداوند بر هر چیز تواناست

ای پیامبر، به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زیب و زینت آن را می خواهید (و از وضع موجود خانه پیامبر ناراضی هستید) پس بیایید شما را (به وسیله مهر یا اضافه بر آن) بهره مند کنم و به طرزی نیکو (به دادن طلاق) رها سازم

و اگر خدا و رسول او و خانه آخرت را می خواهید، به یقین خداوند برای نیکوکاران شما پاداش بزرگی مهیا کرده است

ای همسران پیامبر، هر کس از شما عمل زشت آشکاری به جا آورد عذاب او (در آخرت) به دو چندان اضافه می شود و این بر خداوند آسان است (و رابطه همسری مانع آن نمی شود بلکه مقتضی آن است)

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا
أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا

۳۲

يَنْسَاءَ الَّتِي لَسْتَنَ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا
تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا
مَّعْرُوفًا

۳۳

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ
وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتَيْنَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا
يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا

۳۴

وَأَذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ ءَايَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ
إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

۳۵
۳۶۵ر

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
وَالْقَنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ
وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ
وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِتِينَ وَالصَّامِتَاتِ وَالْحَافِظِينَ
فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ
أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

و هر کس از شما در برابر خدا و فرستاده اش فروتنی و فرمانبری نماید و عمل شایسته کند پاداش او را دو چندان می دهیم و برای او روزی گرامی و پرارزشی آماده کرده ایم

ای همسران پیامبر، شما اگر تقوا پیشه کنید مانند دیگر زنان (عادی) نیستید، پس با گفتارتان ناز و عشوه مریزید تا کسی که در دل او مرض (فسق و فجور) است (در شما) طمع ورزد، و گفتاری نیکو (و دور از تحریک و ریه) بگویید

و با وقار در خانه خود قرار گیرید و (در میان مردم) همانند ظهور (زن ها) در دوران جاهلیت نخستین (با آرایش و زینت بدون رعایت حجاب) ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و از خدا (در احکام شریعت) و از رسول او (در فرمان ولایی او) اطاعت نمایید، جز این نیست که خداوند (به اراده تکوینی خاص) می خواهد از شما اهل بیت (پیامبر) هر گونه پلیدی (در عقاید و اخلاق و اعمال) را بزداید و شما را به همه ابعاد پاکی پاکیزه گرداند

و آنچه را از آیات خداوند و حکمت (علوم عقلی و احکام شرعی) در خانه های شما بازگو می شود به یاد آرید، حقا که خدا همواره ریزبین و آگاه است

به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان (که شهادتین را گفته و عملا تسلیم دین شده اند) و مردان مؤمن و زنان مؤمن (که اعتقاد قلبی به اصول و فروع اسلام پیدا کرده اند)، و مردان مطیع و خاضع و زنان مطیع و خاضع، و مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان صابر و شکيبا و زنان صابر و شکيبا، و مردان فروتن از درون قلب و زنان فروتن از درون قلب، و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، و مردان روزه دار و زنان روزه دار، و مردان حافظ شهوات و زنان حافظ شهوات، و مردان بسیار یادکننده خدا و زنان یادکننده، خداوند برای همه آنان آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ^ق وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ ^ط فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

۳۷

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ ^ط وَسُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ^ع وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا

۳۸

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ^ط وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا

۳۹

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ^ق وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

۴۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا

۴۱ ر ۳۶ ۶

وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

۴۲

هُوَ الَّذِي يُصَلِّيٰ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا

۴۳

و هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی را نسزد و شرعا جایز نباشد و عقلا روا نبود آن گاه که خدا و رسولش فرمانی را (درباره آنها) صادر نمایند برای آنها اختیاری در کارشان باشد. و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند مسلّما به گمراهی آشکاری درافتاده است

و (به یاد آر) زمانی که به کسی که خدا بر او نعمت (ایمان) بخشیده بود و تو نیز بر او نعمت داده بودی (آزاد کرده و پسرخوانده ات بود) می گفتی همسرت را برای خود نگه دار و از خدا پروا کن. و تو آنچه را که خداوند (در آینده) آشکار سازنده آن بود (مأمور شدنت به ازدواج با مطلقه وی) در دل خود پنهان می داشتی و از مردم می ترسیدی (که بگویند با همسر پسرخوانده اش ازدواج نموده) در حالی که خداوند سزاوارتر بود که از او بترسی. پس چون زید از وی نیازش را برآورد (و طلاقش داد) او را همسر تو کردیم تا (در آینده) برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسرخوانده هایشان- آن گاه که پسرخوانده ها نیازشان را از آنها برآورده باشند- سختی و منعی نباشد، و امر (تکوینی) خداوند همواره شدنی است

بر پیامبر در آنچه خدا برای او مقرر کرده هیچ گونه سختی و منعی نیست سنت (جاریه) خداوند است درباره کسانی (از انبیا) که پیش از این گذشته اند، و پیوسته فرمان خداوند (درباره بشر) حکمی تعیین شده و قضایی تقدیر شده است

همان کسانی که رسالت ها و پیام های خدا را (به مردم) می رسانند و از او می ترسند و از احدی جز او نمی ترسند، و خدا در حسابرسی (باطن و عمل های خارج آنها) کافی است

محمد (صلی الله علیه وآله) پدر هیچ یک از مردان شما نیست (تا همسر پسرخوانده اش زید بر او حرام باشد) و لکن رسول خدا و خاتم پیامبران است. و خداوند همواره به همه چیز داناست

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را بسیار یاد کنید

و او را در هر صبح و شام تسبیح گویند

او همان است که بر شما درود می فرستد (رحمت خاص خود را بر شما مبذول می دارد) و فرشتگانش نیز (برای شما آمرزش می طلبند) تا شما را از تاریکی ها (ی جهل و کفر و فسق) به سوی نور (علم و ایمان و تقوا) بیرون آرد، و او همواره به اهل ایمان مهربان است

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا

۴۵

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

۴۶

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ ۖ وَسِرَاجًا مُنِيرًا

۴۷

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا

۴۸

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذُنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

۴۹

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ
طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ
عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

۵۰

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي ءَاتَيْتَ
أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ
عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَتِكَ الَّتِي
هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ
أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۖ
قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ
أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
رَّحِيمًا

تحيّت و درود (خدا) بر آنان در روزی که با او دیدار کنند
(در وقت مرگ یا در قیامت یا در وقت ورود به بهشت)
سلام است، و برای آنها پاداشی گرامی و پرارزش آماده
نموده است

ای پیامبر، حقّا که تو را گواه و شاهد (اعمال امتّ به تحمل
شهادت در دنیا و ادای آن در آخرت) و مژده دهنده و بیم
کننده فرستادیم

و نیز دعوت کننده به سوی خدا به اذن (تکوینی و توفیقات)
او، و چراغی روشن و نورافشان

و مؤمنان را بشارت ده که برای آنها (در دنیا و آخرت) از
جانب خداوند فضل و بخششی بزرگ است

و از کافران و منافقان (در هیچ پیشنهادی) اطاعت مکن، و
(فعلاً) به اذیت و آزار آنها اعتنایی مکن، و بر خدا توکل نما،
و خداوند در تکفّل امور و کارسازی (بندگان) کافی است

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه زن های مؤمن را به
همسری خود درآوردید سپس آنها را پیش از آنکه با آنان
آمیزش کنید طلاق دادید، پس شما را بر عهده آنها عده ای
نیست که شمار (روزهای) آن را نگاه دارید پس آنها را (به
دادن نصف مهر در صورت تعیین مهریه و به دادن مبلغی
درخور شأن آنها در صورت عدم تعیین مهریه) برخوردار
نمایید، و آنها را به بهترین شیوه رها سازید

ای پیامبر، (فعلاً هفت طایفه از زن ها را) بر تو حلال کردیم:
آن همسرانت را که مهر آنها را پرداخته ای، و برده های
مملوکت را از آنهایی که خداوند (در جنگ به عنوان اسارت)
به تو ارزانی داشته، و دختران عمویت و دختران عمه هایت
و دختران دائیت و دختران خاله هایت را که با تو (از مکه به
سوی مدینه) هجرت کرده اند، و زن باایمانی را که خود را به
پیامبر ببخشد (مجانا بدون مهر در اختیار او نهد) اگر پیامبر
بخواهد او را به همسری گیرد، در حالی که (این حکم که با
عقد هبه و قبول آن، زوجیت حاصل شود) مخصوص توست
نه دیگر مؤمنان. ما آنچه را درباره همسران و بردگان مردم
بر آنان واجب کردیم (از عدد زن و مهر و نفقه و احکام
برده) دانسته ایم (و این توسعه را برای تو در امر زن ها
قرار داده ایم) تا تو را حرج و مشقّتی نباشد (و بتوانی با
ازدواج های مختلف طوایفی از عرب را با خود و اسلام مرتبط
سازی) و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است

تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُعْوَى إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ
أَبْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ
أَعْيُنُهُمْ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ
وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ
لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَبْظِرِينَ إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ
فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَعْسِنِينَ لِحَدِيثٍ
إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِيهِ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا
يَسْتَحْيِيهِ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ
وَرَاءِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ
لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ
بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

(درباره رفتارت با همسران و تقسیم اوقات بر آنها) نوبت
هر یک از آنها را که خواهی تأخیر می اندازی و هر یک را
خواهی در نزد خود جا می دهی، و هر کدام را که دور کرده
بودی (دوباره) بطلبی گناهی بر تو نیست. این (حکم که
اختیار همه در دست تو باشد) نزدیکتر است به اینکه
دیدگان‌شان روشن شود و غمگین نگردند و به آنچه (از
نوبت) به آنها دادی همگی خشنود باشند (زیرا رفتارت را
مبنی بر عدل و مربوط به وحی می بینند) و خداوند آنچه را
در دل های شماست می داند و خداوند همواره دانا و بردبار
است

پس از این دیگر ازدواج با زن ها بر تو حلال نیست و نه
آنکه آنها را به همسران دیگر تبدیل کنی گرچه زیبایی (و
خوبی) آنها تو را خوش آید، جز آنکه برده مملوک تو باشد، و
خداوند همواره بر هر چیزی مراقب و نگهبان است

ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه های پیامبر وارد
نشوید مگر آنکه برای (خوردن) طعامی به شما اذن داده
شود بی آنکه (زودتر رفته) منتظر وقت رسیدن آن باشید-
و لکن آن گاه که دعوت شدید وارد شوید و چون غذا
خوردید پراکنده گردید- و بی آنکه (پس از خوردن)
سرگرم صحبت شوید، زیرا آن (رفتار شما) پیامبر را می
رنجاند و از شما شرم می کند (و چیزی نمی گوید) و (لی)
خداوند از بیان حق (و وظایف شما) شرم نمی کند، و چون
متاعی (از وسایل زندگی) از آنان (زنان پیامبر) خواستید از
پشت پرده بخواهید، که آن پاکیزه تر است برای دل های
شما و دل های آنان. و شما را نرسد و جایز نباشد که پیامبر
را اذیت و آزار رسانید و نه هرگز همسران او را پس از او
به همسری گیرید، مسلماً آن (کار) نزد خداوند بس بزرگ
است

اگر چیزی را (درباره آزار پیامبر یا ازدواج با زنان او) آشکار
سازید یا پنهان دارید، مسلماً خداوند همواره به همه چیز
(حتی خورات قلبی شما) داناست

لَا جُنَاحَ عَلَیْهِنَّ فِیْٓءَابَآئِهِنَّ وَلَا أُبْنَآئِهِنَّ وَلَا اِخْوَانِهِنَّ
وَلَا اَبْنَآءَ اِخْوَانِهِنَّ وَلَا اَبْنَآءَ اُخْوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا
مَلَكَتْ اَیْمُنُهُنَّ ۚ وَاتَّقِیْنَ اللّٰهَ ۚ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ
شَهِیْدًا

۵۶

اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَٰٓئِكَتُهٗ یُصَلُّوْنَ عَلَی النَّبِیِّ یَاۤئِیْهَا الَّذِیْنَ ءَامَنُوْا
صَلُّوْا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِیْمًا

۵۷

اِنَّ الَّذِیْنَ یُؤْذُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فِی الدُّنْیَا
وَالْآخِرَةِ وَاَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِیْنًا

۵۸

وَالَّذِیْنَ یُؤْذُوْنَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ بِغَیْرِ مَا اُكْتُسِبُوْا
فَقَدْ اُحْتَمَلُوْا بُهْتٰنًا وَاِثْمًا مُّبِیْنًا

۵۹
۳۶۸ر

یَاۤئِیْهَا النَّبِیُّ قُلْ لِاَزْوَاجِکَ وَبَنَاتِکَ وَنِسَآءِ الْمُؤْمِنِیْنَ
یُذْنِیْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَبِیْبِهِنَّ ذٰلِکَ اَدْنٰی اَنْ یُّعْرَفْنَ فَلَا
یُؤْذِیْنَ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِیْمًا

۶۰
حزب
۱۷۱

لِّیَنْ لَّمْ یَنْتَهِ الْمُنَافِقُوْنَ وَالَّذِیْنَ فِی قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ
وَالْمُرْجِفُوْنَ فِی الْمَدِیْنَةِ لَنُغْرِیْنَنَّکَ بِهِمْ ثُمَّ لَا یُجَاوِرُوْنَنَّکَ
فِیْهَا اِلَّا قَلِیْلًا

۶۱

مَّلْعُوْنِیْنَ ۖ اَیْنَمَا تُقِفُوْا اُخِذُوْا وَقَتِّلُوْا تَقْتِیْلًا

۶۲

سُنَّةَ اللّٰهِ فِی الَّذِیْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۚ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ
تَبْدِیْلًا

زنان پیامبر (و سایر زنان) را گناهی نیست در (ترک حجاب
نزد) پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران
برادرانشان و پسران خواهرانشان و زن هایی امثالشان و
برده های مملوکشان و از خدا پروا نمایید، زیرا خداوند
همواره بر هر چیزی ناظر و گواه است

همانا خدا و فرشتگانش همواره بر پیامبر درود می فرستند
(خدا بذل رحمت خاص و فرشتگان توصیف و تقدیس می
کنند) ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود فرستید و
سلام گویید، و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید

بی شک آنهایی که خدا و رسول او را می آزارند خداوند آنها
را در دنیا و آخرت لعنت کرده (از رحمتش دور داشته) و
برای آنها عذابی خوارکننده مهیا نموده است

و آنهایی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را بی آنکه جرمی
مرتکب شده باشند می آزارند حقاً که متحمل بهتان و گناهی
آشکار شده اند (زیرا لازمه آزار، نسبت جرم به آنهاست و
آن خود بهتان است)

ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زن های مؤمنان بگو
روسی ها و چادرهای خود را بر خویش بپفکنند (که گردن و
سینه و بازوان و ساق ها پوشیده شود) این (کار) نزدیکتر
است به آنکه (به حجاب و عفت) شناخته شوند تا مورد
تعرض و آزار (فاجران) قرار نگیرند و خداوند همواره
آمرزنده و مهربان است

البته اگر منافقان و کسانی که در دل هایشان مرض (ضعف
ایمان یا حب گناه) است و شایعه پراکنان در شهر که در
مردم ایجاد اضطراب می کنند، (از افسادشان) دست بر
ندارند حتما تو را بر ضد آنها برمی انگیزیم (تا دستور تبعید
آنها را صادر نمایی) آن گاه در این شهر جز اندک مدتی
مجاور تو نخواهند بود

در حالی که ملعون (از جانب خدا و مطرود از سوی مردم)
بوده، هر کجا یافته شوند باید دستگیر شده و به طرزی بد و
دسته جمعی کشته شوند

(این نوع عذاب) سنت (جاریه) خداست درباره کسانی (نظیر
آنها) که پیش از این در گذشته اند، و هرگز در سنت خدا
تبدیلی نخواهی یافت

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا

۶۴

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا

۶۵

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

۶۶

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ

۶۷

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّنَا السَّبِيلَ

۶۸

رَبَّنَا ءَاتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمُ لَعَنًا كَبِيرًا

۶۹

۳۶۹۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ ءَاذُوا مُوسَىٰ فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا

۷۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

۷۱

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا

۷۲

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَنُ ۚ إِنَّهُ ظُلُومًا جَهُولًا

۷۳

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

مردم از تو درباره قیامت می پرسند (از نزدیکی و دوری و کیفیت حدوث و طول آن روز و حوادث آن) بگو: علم آن نزد خداست و چه می دانی، شاید قیامت نزدیک باشد

خداوند کافران را لعنت کرده (از رحمت های خود در آخرت دور داشته) و برای آنها آتش فروزانی آماده نموده است

که در آنجا برای ابد جاودانه اند (و) هرگز سرپرست و یابوری نمی یابند

روزی که صورت های آنها را در آتش می گردانند (هر طرف آن را در آتش می نهند و به رنگ زرد و سیاه درمی آورند، و آنها) گویند: ای کاش (در دنیا) از خدا اطاعت می کردیم و از رسولش فرمان می بردیم

و گویند: پروردگارا، ما از رؤسا و بزرگان خود اطاعت کردیم، پس آنها ما را از راه (راست) گمراه کردند

پروردگارا، آنها را دوچندان از عذاب ده (عذاب گناهان خودشان و گناهان ما که گمراهمان کردند) و آنها را لعنت کن لعنتی بزرگ

ای کسانی که ایمان آورده اید، (درباره پیامبر) همانند کسانی نباشید که موسی را (به اتهام رابطه غیر مشروع یا کشتن هارون) آزرדند، پس خداوند او را از آنچه گفتند تبرئه کرد، و او در نزد خدا آبرومند بود

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار گویید

تا خداوند عمل های شما را اصلاح نماید و گناهانتان را بپامرزد. و هر که از خدا و رسول او اطاعت کند حقاً که به کامیابی بزرگی دست یافته است

ما امانت را (رسیدن به کمالات والای معنوی انسانی حاصل از ایمان و تقوا را) بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم (قابلیت تحمل آنها را سنجیدیم) آنها از تحمل (و تعهد) آن سرباز زدند و ترسیدند (در آنها صلاحیت اتصاف به آن نبود و به زبان حال ابراز بیم کردند) و انسان آن را بر دوش گرفت (در او صلاحیت ذاتی بود پس پذیرش و تحمل طبعی نمود و از این رو دین آسمانی را به وسیله انبیاء بر عهده او نهادیم) و حقاً که او مستعد ظلم (بر خویش) و نادانی (به عواقب تحمل خود) بود

(امانت بر انسان عرضه شد) تا در نتیجه خداوند مردان منافق و زنان منافق و مردان مشرک و زنان مشرک را (به خاطر انحرافشان از هدف اصلی عرض امانت) عذاب نماید و نیز خداوند به مردان مؤمن و زنان مؤمن (که بر وفق هدف اصلی خلقت و عرض امانت ره پیمودند) عطف توجه کند و توبه آنان ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ
الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

۱
ر ۳۷۰

يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ
السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

۲

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ ۚ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي
لَتَأْتِيََنَّكُمْ عَلِيمٌ ۚ الْغَيْبُ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي
السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ
إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

۳

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ
مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

۴

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن
رَّجْزٍ أَلِيمٌ

۵

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ
الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

۶

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنْبِئُكُمْ إِذَا
مُرِّقْتُمْ كُلَّ مُمْرَقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

۷

ستایش خدایی را که آنچه در آسمان ها و این زمین است
ملک حقیقی اوست (زیرا آفرینش، حفظ، اداره و فانی کردن
همه تحت اراده اوست) و تمام ستایش ها در آخرت (نیز) از
آن اوست (چون همه زیبایی های آن جهان نیز از آن اوست)
و اوست دارای حکمت (و دقت و اتقان در تکوین و تشریع)
و آگاه

آنچه در زمین فرو می رود (از آب ها، مردگان، گنج ها،
ریشه ها و حیوانات) و آنچه از زمین بیرون می آید (از
حیوانات، نباتات، چشمه ها و معادن) و آنچه از آسمان فرود
می آید (از فرشتگان، کتب آسمانی، تقدیرات ربوبی، نور
کرات، صاعقه و باران ها) و آنچه به آسمان بالا می رود (از
فرشتگان، اعمال بندگان، برخی از اجنه و ارواح انسان ها)
همه را می داند و اوست مهربان و آمرزنده

و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: هرگز بر ما روز قیامت
نخواهد آمد بگو: چرا، سوگند به پروردگارم که حتما بر شما
خواهد آمد همان خدایی که دانای غیب است (و) از علم او
هموزن ذره ای نه در آسمان ها و نه در زمین پنهان نیست و
(چیزی) کوچکتر از آن و بزرگتر از آن نیست جز آنکه در
کتاب آشکار (لوح محفوظ) ثبت است

تا آنان را که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند
پاداش دهد. آنهايند که برايشان آمرزش و روزی گرامی و
پرازش است

و کسانی که در (انکار و ابطال) آیات ما کوشیدند به گمان
اینکه عاجزکننده مایند، برای آنها عذابی دردناک از بدترین
عذاب هاست

و کسانی که به آنها دانش (دین و کتاب آسمانی) داده شده،
دیده و دانند که آنچه بر تو از سوی پروردگارت فرود آمده
حق است و به سوی راه خدای مقتدر ستوده هدایت می کند

و کسانی که کفر ورزیدند (به یکدیگر) گفتند: آیا شما را بر
مردی راهنمایی کنیم که به شما خبر می دهد که آن گاه که
(در زیر خاک) به کلی متلاشی شدید حتما (در جهانی دیگر)
در آفرینشی نو ظهور خواهید کرد؟

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ

۹

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ إِن نَّشَأْ نُخَسِّفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطَ عَلَيْهِمْ
كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

۱۵
حزب
۱۷۲
۳۷۱

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يٰجِبَالُ أُوبِیْ مَعَهُ وَالطَّيْرُ
وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ

۱۱

إِنِ اعْمَلْ سَبِيغَتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۱۲

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ
عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ
وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ

۱۳

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَجِفَانٍ
كَالْجُؤَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَتٍ اَعْمَلُوا ءَالَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ
مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ

۱۴

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ
الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّو
كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

آیا به خدا دروغ بسته یا جنونی در او هست؟! (چنین نیست) بلکه کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند (از حال در عذاب و گمراهی دور و درازند

پس آیا به آنچه پیش روی آنها و پشت سر آنهاست از آسمان و زمین، نگریستند که اگر بخواهیم آنها را به زمین فرو می بریم یا پاره هایی از (کرات) آسمان را بر سر آنها فرو می افکنیم؟! همانا در (این احاطه و قدرت ما) نشانه ای است (بر توحید و صدق انبیا) برای هر بنده توبه کار و انابه کننده

و همانا به داود از جانب خود فضل و رحمتی عطا کردیم (و آن تسخیر کوه ها و پرندگان برای او بود، که گفتیم) ای کوه ها و ای پرندگان با او در تسبیح خداوند هم آواز و صوت گردان باشید و نیز آهن را برای او نرم کردیم

که زره های گشاد بباف، و در بافت آنها اندازه نگاه دار (حلقه ها با یکدیگر، و اجزای لباس با هم، و زره با اندام متناسب باشد) و عمل های شایسته (به شکرانه این نعمت ها) به جا آورید، که من به آنچه انجام می دهید بینایم

و برای سلیمان باد را (مسخر کردیم) که سیر صبحگاهیش به اندازه یک ماه (از سیر اسب تندرو) و سیر شبانگاهیش نیز به اندازه یک ماه بود، و برای او چشمه مس را روان کردیم، و از طایفه جن کسانی بودند که به اذن پروردگار او در خدمتش کار می کردند و هر یک از آنها که از فرمان ما سر می تافت از آتش شعله ور به او می چشاندیم

آنها برای او هر چه می خواست از قصرهای محکم (یا عبادتگاه ها و محراب های عبادت) و مجسمه ها و کاسه هایی همانند حوض های بزرگ و دیگ های ثابت غیر منقول می ساختند، (و گفتیم) ای خاندان داود (این نعمت ها را) سپاس بگزارید، و اندکی از بندگان من سپاسگزارند

پس چون مرگ را بر او (در حالی که تکیه بر عصا زده بود) حتم کردیم (و او را میراندیم) جز جنبنده خاکی (موریانه) که عصای او را می خورد آنها را (اجنه و خاندان او را) از مرگش آگاه نساخت، پس چون فرو افتاد جَنیان (که مدعی علم غیب بودند) فهمیدند که اگر غیب می دانستند در آن عذاب خوارکننده (توقف در محضر سلطان با کیفیت خاص در مدتی مدید) درنگ نمی کردند

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ ءَايَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ
كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ۖ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ

فَاعْرِضُوا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ
جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِیْ اُكْلٍ حَمِطٍ وَاَثْلٍ وَشِیْءٍ مِّنْ سِدْرٍ قَلِیلٍ

ذَٰلِكَ جَزَیْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا ۖ وَهَلْ نُجَٰزِیْ اِلَّا الْكَافِرَ

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً
وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ ۚ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَاَيَّامًا ؕ اٰمِنِينَ

فَقَالُوا رَبَّنَا بَعِدْ بَيْنَ اَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ
اَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ ۚ اِنَّ فِيْ ذَٰلِكَ لَاٰیٰتٍ لِّكُلِّ
صَبَّارٍ شَكُورٍ

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ اِبْلِیْسُ ظَنَّهُ ۚ فَاتَّبَعُوْهُ اِلَّا فَرِیقًا مِّنَ
الْمُؤْمِنِیْنَ

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَیْهِمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ یُّؤْمِنُ
بِالْآخِرَةِ ۚ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِیْ شَكٍّ ۚ وَرَبُّكَ عَلٰی كُلِّ شِیْءٍ
حَفِیْظٌ

قُلْ اَدْعُوا الَّذِیْنَ رَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللّٰهِ لَا یَمْلِكُوْنَ مِثْقَالَ
ذَرَّةٍ فِی السَّمٰوٰتِ وَلَا فِی الْاَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِیْهِمَا مِنْ شِرْكِ
وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّنْ ظَهِیْرٍ

همانا برای قوم سبا در محل سکونتشان نشانه ای (از قدرت و رحمت خدا) بود، دو تا بوستان از جانب راست و چپ (مسکنشان بود، به آنها گفتیم) از روزی پروردگارتان بخورید و او را سپاس گزارید، شهری است پاکیزه و پروردگاری آمرزنده

پس (از خدا و دین او) اعراض کردند، و ما بر آنها سیل سدّ عرم را فرستادیم و دو باغ (پر از میوه های گوناگون) آنان را به دو باغی که دارای میوه های تلخ و درخت شوره گز و اندکی از درخت سدر بودند تبدیل کردیم

ما آنها را به سزای کفر و کفرانشان این گونه مجازات کردیم، و آیا جز انکارکننده و ناسپاس را مجازات می کنیم؟

و میان (شهر) آنان و میان شهرهایی که آنها را برکت داده بودیم (سرزمین شامات) شهرهایی آشکار (نزدیک و به هم پیوسته) قرار داده بودیم و سیر و سفر را در میان آنها معین و محدود کرده بودیم (فاصله مساکن و مقدار سفر میان آنها یک اندازه بود، و گفتیم) شب ها و روزها در میان این شهرها با آرامش و امنیت سیر کنید

(ولی آنها از وفور نعمت و راحتی سفر سیر شدند) پس گفتند: پروردگارا، در میان (منازل) سفرهای ما دوری افکن (تا نیاز به زاد و راحله باشد و برتری اغنیا روشن شود)، و آنها به خودشان ستم کردند، پس ما هم آنها را داستان هایی (عبرت انگیز در خاطره ها) نمودیم و به کلی از هم متلاشی کردیم. همانا در این (حادثه) نشانه هایی (از قدرت و غضب خداوند) است برای هر صبرپیشه سپاسگزار

و حقّا که ابلیس گمان خود را درباره آنها درست آورد، که همگی از او پیروی نمودند مگر گروهی از مؤمنان

و هرگز او را تسلّطی بر (اکراه و اجبار) آنها نبود جز آنکه (وسوسه و دعوت کند) تا علم ازلی ما به تمییز کسی که به آخرت ایمان می آورد از کسی که از آن در شکّ است محقق شود (و ایمان آن از شکّ این معلوم گردد)، و پروردگار تو بر همه چیز نگهبان است

بگو: کسانی را که به جای خدا (معبود) پنداشته اید بخوانید (خواهید دید که قادر به جواب شما نخواهند بود، زیرا) ذره ای را در آسمان ها و زمین مالک نیستند، و برای آنها در آن دو (در خلقت و حفظ و تدبیر آسمان ها و زمین) شرکّی نیست، و هرگز برای خدا از آنها یآوری نباشد

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ
عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْكَبِيرُ

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ
إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ
الْعَلِيمُ

قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

قُلْ لَّكُمْ مِّيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا
تَسْتَقْدِمُونَ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن تُؤْمِنَ بِهِذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي
بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ
يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا
لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ

و شفاعت کردن و مورد شفاعت واقع شدن در نزد او (در
آن روز) سودی نمی بخشد جز برای کسی که به او اذن دهد
(که شفاعت کند یا مورد شفاعت قرار گیرد. و گنهکاران در
آن روز در وحشت اند) تا چون (در مقدمه صدور اذن) فزع
و وحشت از دل های آنها زایل شود (به شافعان) گویند:
پروردگارتان چه گفت؟ گویند: (کلامی) حق (گفت و اذن در
شفاعت داد)، و او والا و بزرگ است

بگو: چه کسی شما را از آسمان ها و زمین روزی می دهد؟
بگو: خدای یکتا، و در واقع یا ما و یا شما بر پایه هدایت یا
در گمراهی آشکاری هستیم

بگو: شما از آنچه ما گناه کردیم بازخواست نمی شوید، و ما
نیز از آنچه شما عمل می کنید بازخواست نمی شویم

بگو: پروردگار ما میان ما و شما را (در روز واپسین) جمع می
کند، سپس میان ما به حق داوری قاطع می نماید، و اوست
داور قاطع و دانا

بگو: کسانی را که به عنوان شریک به خدا ملحق کرده اید به
من نشان دهید (بینم در آنها چیزی از آثار الوهیت هست
یا نه؟) چنین نیست، بلکه اوست خدای واجب یکتای جامع
همه کمالات، توانای مقتدر و با حکمت

و ما تو را نفرستادیم مگر نگهدارنده همه مردم (از عصر
خود تا انقراض نسلشان) و مژده دهنده (مالحان) و بیم
کننده (بدکاران)، و لکن بیشتر مردم نمی دانند

و گویند: این وعده (قیام و حساب و داوری) کی خواهد بود؟
اگر شما راستگویید

بگو: شما را وعده گاه روزی است (روز مرگ یا روز واپسین)
که هرگز ساعتی از آن تأخیر نمی کنید و پیشی نمی گیرید

و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: هرگز به این قرآن و به
آنچه پیش از آن بوده است (از کتاب های آسمانی) ایمان
نمی آوریم؟ و اگر ببینی هنگامی که ستمکاران را در پیشگاه
پروردگارشان سرپا نگاه داشته اند در حالی که با یکدیگر
گفتگو می کنند (سخت در تعجب فرو می روی) آنهایی که
استضعاف شده اند به استکبارورزان گویند: اگر شما
نبودید حتما ما مؤمن می شدیم

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ
عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُؤُنْدَادًا
وَأَسْرُوا الثَّمَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي
أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا
أُرْسِلْتُمْ بِهِءٍ كَافِرُونَ

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَدًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ
إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الْوَعْدِ
بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ ءَامِنُونَ

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ
مُخْضَرُونَ

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ
وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

کسانی که استکبار ورزیدند به مستضعفان گویند: آیا ما
بودیم که شما را از هدایت پس از آنکه به شما رسید
بازداشتیم؟! (نه) بلکه خودتان گنهکار بودید

و کسانی که استضعاف شده اند به کسانی که استکبار
ورزیدند گویند: بلکه فریب شبانه روزی (شما) بود، آن گاه
که به ما دستور می دادید به خدا کفر ورزیم و برای او
شریکانی قرار دهیم. و چون عذاب را ببینند پشیمانی
(خود) را پنهان می دارند، و ما طوق آهین در گردن کسانی
که کفر ورزیده اند قرار می دهیم، آیا جز در برابر آنچه می
کرده اند (یا با تجسم یافته آنچه انجام می داده اند) مجازات
می شوند؟

و ما در هیچ مجتمع بشری (پیامبر) بیم دهنده ای
نفرستادیم مگر اینکه اشراف و خوشگذران های آن گفتند:
حقا که ما به آنچه بدان فرستاده شده اید کافریم

و گفتند که ما بیشتر (از شما) اموال و اولاد داریم و ما هیچ
گاه عذاب نمی شویم (زیرا اینها که به ما داده شده علامت
محبت خدا به ماست)

بگو: همانا پروردگار من روزی را (طبق صلاح عام و اقتضای
نظام) برای هر کس بخواهد می گسترد و تنگ می گیرد (و
اینها دلیل حبّ و بغض به افراد نیست) و لکن بیشتر مردم
نمی دانند

و اموال و فرزندان آن چیزی نیست که شما را در نزد ما
مقرّب گرداند، لکن کسانی که ایمان بیاورند و عملی شایسته
کنند، آنها را در مقابل آنچه انجام داده اند پاداش دو برابر
است و آنها در غرفه های بهشت آسوده خاطرنند

و کسانی که در (ردّ و ابطال) آیات ما تلاش می کنند به گمان
اینکه عاجزکننده ما خواهند بود، آنها در عذاب احضار می
شوند

بگو: همانا پروردگار من برای هر کس از بندگان که
بخواهد روزی را (طبق صلاح عام و نظام اتم) فراخ می سازد
و تنگ می کند، و آنچه از اشیاء (در راه خدا) انفاق کنید
عوضش را می دهد و او بهترین روزی دهندگان است

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَكَةِ أَهْوُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ

الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ

لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ

يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا

هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرًى وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا

جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

وَمَا ءَاتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ

مِنْ نَذِيرٍ

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِيعَادَ مَا ءَاتَيْنَاهُمْ

فَكَذَّبُوا رَسُولِيَّ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

فَلْإِنَّمَا أَعْظَمَكُمْ بِوَحْدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خُفٍّ أَنْتُمْ

تَتَفَكَّرُونَ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ

بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَحْدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خُفٍّ أَنْتُمْ

تَتَفَكَّرُونَ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ

بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ

اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلََّمُ الْغُيُوبِ

و (یاد کن) روزی که همه آنها را (عابدان و معبودان را) گرد

آورد، سپس به فرشتگان گوید: آیا اینها (در دنیا) شما را

می پرستیدند

گویند: منزهی تو (از هر عیب و نقص)، تویی تنها دوست و

سرپرست و یاور ما نه آنها (که به عبادتشان راضی نبودیم)

بلکه آنها جَنّیان را می پرستیدند، (زیرا آنها به عبادتشان

راضی بودند و) بیشترشان به آنها گرونده بودند

پس امروز برخی از شما مالک هیچ سود و زیانی نسبت به

برخی دیگر نیست، و به کسانی که ظلم کرده اند گوییم:

بچشید عذاب آتشی را که تکذیبش می کردید

و چون آیات روشن و روشنگر ما بر آنها تلاوت شود گویند:

این (شخص) نیست مگر مردی که می خواهد شما را از آنچه

پدراتنان می پرستیدند بازدارد، و گویند: این (کتاب هم)

نیست مگر دروغی (به خدا) بسته شده، (آری) و کسانی که

به حق– هنگامی که به سوی آنها آمد– کفر ورزیدند گفتند:

این نیست مگر سحری آشکار

و ما (پیش از قرآن) به آنها کتاب هایی (آسمانی) نداده ایم

که آن را بخوانند و پیش از تو نیز (از زمان عیسی یا

ابراهیم تا حال) به سوی آنها بیم دهنده ای نفرستاده ایم

(تا به اتکا، آنها تو را تکذیب کنند، بلکه انکارشان از روی

عناد است)

و کسانی که پیش از اینها بودند نیز (پیامبرانشان را)

تکذیب کردند در حالی که اینان (از نظر عدّه و عدّه و طول

عمر) به یک دهم آنچه به آنان داده بودیم نرسیده اند، و

آنان نیز (از نظر ادلّه نبوت و متانت کتاب) به یک دهم آنچه

به اینان داده ایم نرسیده بودند پس آنها فرستادگان مرا

تکذیب کردند، پس (بنگرند که) عکس العمل من (نسبت به

آنها) چگونه بود

بگو: جز این نیست که شما را به یک نکته پند می دهم (و

سفارش می کنم) که (درباره شناخت و پذیرش این پیامبر)

برای خدا قیام و اقدام کنید (آن هم) دو تا دو تا و تک تک

(نه با اجتماع جنگالی) سپس (در سوابق حالات و ادلّه و

معجزات او) فکر کنید (خواهید دانست که) این یار

(مهربان) شما را جنونی نیست، او جز بیم دهنده شما در

پیشاپیش عذابی سخت (عذاب آخرت) نیست

بگو: هر مزدی که از شما خواسته ام (و جا داشت که

بخواهم) از آن شما باد، و آن مزدی که از شما خواسته ام

(که دوستی خاندانم باشد) به سود خود شماست، پاداش

من جز بر عهده خدا نیست، و او بر همه چیز آگاه و گواه

است

بگو: بی تردید پروردگار من حق را القا می کند (کتاب های

آسمانی را بر دل های انبیا می افکند و از زبان آنها به جامعه

القا می کند، و) دانای کامل غیب هاست

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ

۵۰

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي ۖ وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ

۵۱

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ

۵۲

وَقَالُوا ءَامَنَّا بِهِ ۚ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

۵۳

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ ۚ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

۵۴

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ

۳۵. فاطر

فَاطِرُ: فاطر

مکی

۴۵ آیه

۷ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱
۳۷۶

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكِةِ رُسُلًا أُولِيَ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَثَ وَرُبَعٌ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۲

مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۳

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ

بگو: حق (اسلام) آمد و باطل (شرک و بت پرستی بی اثر شد، زیرا) نه چیزی (از شئون خود و امور دنیا) را آغاز می نماید و نه تجدید می کند

بگو: اگر گمراه شوم به زیان خویش گمراه می شوم، و اگر هدایت یابم به سبب آن است که پروردگارم به من وحی می کند، همانا او شنوا و نزدیک است

و اگر ببینی هنگامی که آنان (مشرکان و کفار، به مرگ یا ظهور قیامت) وحشت زده اند که دیگر آنها را گریز و رهایی نیست، و از مکانی نزدیک دستگیر شوند (از روی زمین به زیر زمین یا از زیر زمین به صحنه قیامت، آن گاه در تعجب فرو می روی)

و آنها (در قبر یا قیامت) گویند: ما به آن (قرآن) ایمان آوردیم، اما چگونه میسر است برای آنها دسترسی به آن از راه دور؟! (از دنیا به آن جهان نزدیک، و از آنجا به دنیا دور است)

حال آنکه آنها به آن (قرآن و پیامبر) پیش از آن کفر ورزیدند، و تیر تهمت به گمان و نادیده از جایگاهی دور (به آنها) می افکندند

و (عاقبت) میان آنان و آنچه بدان میل و اشتها داشتند (از لذایذ دنیا به وسیله مرگ) جدایی افکنده شد، چنان که درباره امثال آنها پیش از آن انجا

ستایش از آن خدای یکتاست که آفریننده (ابداعی و ابتکاری) آسمان ها و این زمین است، خدایی که فرشتگان را رسولانی دارای بال های دوگانه و سه گانه و چهارگانه قرار داده (تا رسالت تدبیر عالم تکوین و وحی و الهام در عالم تشریع را انجام دهند)، او هر چه را بخواهد در آفرینش می افزاید، و در جهان هستی توسعه می دهد زیرا خداوند بر همه چیز تواناست

هر رحمتی را که خداوند برای مردم بگشاید (رحمت های معنوی و مادی) هرگز آن را بازدارنده ای نیست، و هر چه را بازدارد هرگز آن را پس از او گشاینده ای نباشد، و اوست مقتدر غالب و حکیم

ای مردم، نعمت های خدا را بر خودتان یاد آورید، آیا غیر از خدای یکتا آفریننده ای هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ معبودی جز او نیست، پس چگونه و به کجا (از حق) برگردانده می شوید؟

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوْءُ عَمَلِهِۦ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌۢ بِمَا يَصْنَعُونَ

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَدَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَٰئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِۦ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمرِهِۦ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

و اگر تو را تکذیب کنند (محزون مباش) همانا پیش از تو نیز رسولانی تکذیب شدند، و همه کارها (ی قابل پاداش و کیفر مکلفین، در روز واپسین) به سوی خدا بازگردانده می شود

ای مردم، به یقین وعده خدا (به بعث و جزا) حق است، پس مبادا (ظواهر و لذایذ) زندگی دنیا شما را بفریبدا! و مبادا آن (شیطان) پرفریب شما را به (مغفرت و مهلت) خدا مغرور کند

همانا شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن گیرید، جز این نیست که حزب خود را دعوت می کند تا از اهل آتش فروزنده دوزخ باشند

کسانی که کفر ورزیدند برای آنها عذابی سخت است، و کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند برای آنها آمرزش و پاداشی بزرگ است

پس آیا کسی که عمل های زشتش برای او آراسته شده و آنها را زیبا دیده (مانند مؤمن حقیقت بین است؟ هرگز چنین نیست) زیرا خداوند (پس از دعوت بشر و اتمام حجت) هر کس را بخواهد در گمراهی وامی نهد و هر کس را بخواهد رهنمون می شود، پس مبادا جانت برای آنها به خاطر حسرت ها و تأثر از بین برود! که خدا به آنچه انجام می دهند داناست

و خداوند همان است که بادها را روانه کرد پس آنها پیوسته ابری را برمی انگیزند و ما آن (ابر) را به سوی زمین مرده (که مواد گیاهی آن خشکیده است) سوق دادیم، و بدان وسیله آن زمین را پس از مرگش زنده کردیم (بذرهای گوناگون گیاهی را حیات بخشیدیم) رستاخیز هم این گونه است (ذرات بدن های متلاشی شده در دل خاک را حرکت داده، به هم متصل کرده و زنده خواهیم کرد)

هر که شرف و قدرت و غلبه خواهد (بداند که) اینها یکسره از آن خداوند است (و باید از او بطلبد) سخنان پاکیزه (اعتقاد به توحید و اصول عقاید که مفاد کلم طیب است) به سوی (قرب) او بالا می رود و عمل صالح آن را بالا می برد و کسانی که بدی ها را به نیرنگ انجام می دهند آنها را عذابی است سخت، نیرنگشان تباه و بی اثر است

و خداوند (جدّ و جدّه نخستین) شما را (بلاواسطه و به نحو اعجاز) از خاک آفرید، سپس (شما را که نسل او هستید) از نطفه (آفرید) و خداوند شما را (که نسل آدمید ابتداء) از خاک، سپس از نطفه آفرید، آن گاه شما را جفت هایی (نر و ماده) قرار داد، و هیچ مادینه ای حمل بر نمی دارد و بر زمین نمی نهد مگر به علم او، و به هیچ سالخورده ای عمر زیاد داده نمی شود و از عمر هیچ کس کم نمی گردد مگر آنکه در کتابی (لوح محفوظ) ثبت است، همانا اینها بر خدا آسان است

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حُلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكْفُرُونَ بِشْرِكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِمْلِهَآ لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۚ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۚ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

و هرگز دو دریا (نهرهای بزرگ شبیه دریا و دریاها) با هم یکسان نیستند، این یک پاکیزه و شیرین و تشنگی زدا که نوشیدنش گواراست و آن یک شور و تلخ مزه، و از هر یک گوشت تر و تازه می خورید و زیور و زیتنی را که می پوشید استخراج می کنید، و کشتی ها را در آن شکافنده سینه دریا می بینی، تا شما از فضل و نعمت خدا (روزی) جستجو کنید و شاید سپاس گزاریید. (روح وسیع و پهناور انسانی در مؤمن و کافر از نظر حقیقت و منافع ایمانی و اخلاقی مساوی نیست، هر چند از هر دو کارهای خیر و خدمات بشری پدید می آید)

(خداوند) شب را داخل روز و روز را داخل شب می کند (به تدریج به سبب انحنای کره زمین از یکی می کاهد و به دیگری می افزاید)، و خورشید و ماه را مسخر (اراده خود) نموده که هر یک (در حرکت مخصوص عمودی و استداره ای خود) برای مدتی مشخص جریان دارد، این است خداوند، پروردگار شما، ملکیت حقیقی اشیا و حاکمیت تکوینی جهان هستی از آن اوست، و کسانی که به جای او می خوانید به اندازه پوستی از هسته خرما را هم به حقیقت مالک نیستند

اگر آنها را بخوانید دعوت شما را نمی شنوند، و اگر بشنوند (مانند معبودهایی از فرشته و اجنه و قَدَیسین بشر) به شما جواب نمی گویند (قدرت جواب گفتن یا حق جواب گفتن ندارند) و در روز قیامت شریکتان را انکار خواهند کرد، و هیچ کسی تو را (از حال آنان در دنیا و در آخرت) مانند خیبری آگاه (چون خداوند) با خبر نمی کند

ای مردم، همه شما به خدا نیازمندید و خداست که بی نیاز و ستوده صفات و افعال است (او خالق و حافظ و رازق بشر است پس اینان نیازمند مطلق و او غنی مطلق است)

اگر بخواهد شما را (از بین) می برد و مخلوق نوی به وجود می آورد

و این (کار) بر خدا دشوار و سنگین نیست

و هیچ گرانباری از گناه، بار گناه دیگری را بر نمی دارد (هیچ کس در دنیا مستحق عقوبت کار دیگری نمی شود و در آخرت نیز آن عقوبت را تحمل نمی کند) و اگر نفس گرانبار از گناهی، دیگری را برای (برداشتن) بار گناهش بخواند چیزی از آن برداشته نمی شود هر چند از خویشان باشد جز این نیست که تو کسانی را انذار می کنی که از پروردگارشان در نهان بترسند و نماز را به پا دارند. و هر کس (در عقیده و اخلاق و عمل) پاکیزگی جوید جز این نیست که به سود خود پاکیزگی می جوید و بازگشت همه به سوی خداست

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ

۲۰

وَلَا الظُّلُمْتُ وَلَا النُّورُ

۲۱

وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحُرُورُ

۲۲

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ^ص

وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ

۲۳

إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ

۲۴

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّن أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا

فِيهَا نَذِيرٌ

۲۵

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ

رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

۲۶

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ^ص

۲۷

رو ۳۷۹

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ^ه ثَمَرَاتٍ

مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا^ه وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ

أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ

۲۸

وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ^ه وَالْأَنْعَمِ^ه مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ^ه كَذَلِكَ^ه إِنَّمَا

يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ^ه الْعُلَمَاءُ^ه إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

۲۹

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا

رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجْرَةً لَّن تَبُورَ

۳۰

لِيُؤْفِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ^ه إِنَّهُ^ه غَفُورٌ شَكُورٌ

و نابینا و بینا یکسان نیستند (مؤمنان و کافران برابر نیستند)

و نه تاریکی ها و روشنایی (جهل و کفر و رذایل اخلاق و عمل، با علم و ایمان و فضایل)

و نه سایه و گرمای سوزان (پاداش های نیک و کیفرهای سخت)

و نیز زندگان (مغز و دل که اهل ایمانند) و مردگان (فکر و قلب که اهل کفر و جهالتند) یکسان نیستند. بی تردید خداوند هر کس را بخواهد (پس از پذیرش دعوت دین راه های تکامل دینی و انسانی را به او) می شنواند، و تو هرگز اهل قبور را نمی توانی شنواند

تو انذارکننده ای بیش نیستی (نه فعلا مأمور به جنگی و نه مأمور به شنواندن به قلب آنها)

همانا ما تو را به حق (و مطابق عقل و حکمت و رحمت و نظام اتم خلقت) مژده دهنده (مؤمنان) و بیم کننده (کافران) فرستادیم، و هیچ امتی نبوده مگر آنکه میان آنها بیم دهنده ای گذشته است (پیامبری یا وصی معصومی یا دانشمند صالحی)

و اگر تو را تکذیب کنند (عجبی نیست) همانا کسانی هم که پیش از آنها بودند (رسولان خدا را) تکذیب کردند در حالی که رسولانشان برای آنها معجزات و دلایل روشن (نبوت) و نوشته ها (ی پند و اندرز و عرفان) و کتاب روشنی افروز (شریعت) آورده بودند

سپس کسانی را که کفر ورزیدند به کیفر گرفتیم، پس (بنگر که) چگونه بود عکس العمل من؟

آیا ندیده ای که خداوند از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرو فرستاد و به وسیله آن میوه هایی با انواع و اصناف و رنگ های گوناگون (از زمین) بیرون آوردیم؟ و از کوه ها راه هایی است سفید و سرخ با رنگ های مختلف، و سیاه پررنگ (از خود کوه های روی کره زمین رشته هایی رنگارنگ است و در کوه ها جاده هایی رنگارنگ)

و از مردم و جنبندگان و چهارپایان نیز انواع متعدد و رنگ های مختلف است، (آری، امر قدرت و حکمت خدا) این گونه است (و) جز این نیست که از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می ترسند، همانا خداوند مقتدر غالب و آمرزنده است

به یقین کسانی که کتاب خدا را همواره تلاوت می کنند و نماز را به پا داشته و از آنچه به آنها روزی کرده ایم نهان و آشکار انفاق نمودند، تجارتی را امید دارند که هرگز کساد و زیان ندارد

تا خداوند پاداش های آنها را به نحو کامل عطا کند و از فضل خویش بر (پاداش) آنها بیفزاید، زیرا او بسیار آمرزنده و حق شناس و سپاسگزار است

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا
بَيْنَ يَدَيْهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا ۖ فَمِنْهُمْ
ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ ۖ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ ۖ بإِذْنِ
اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ
وَلَوْلُؤَا ۖ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ ۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ
شَكُورٌ

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ ۚ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ
وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا
وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ

وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ
الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۚ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ
وَجَاءَكُمُ التَّنْذِيرُ ۖ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الصُّدُورِ

و آنچه از کتاب به تو وحی کردیم حق محض است، در حالی
که تصدیق کننده است آنچه را که پیش از آن بوده (از
کتاب های آسمانی و شرایع الهی)، همانا خداوند به بندگانش
آگاه و بیناست

سپس ما این کتاب را به کسانی از بندگانمان که آنها را (به
عنوان امت خاتم و اهل اسلام) برگزیدیم به میراث دادیم،
پس برخی از آنها ستمکار خویشند (مانند گنهکاران امت) و
برخی از آنها میانه رو هستند (نظیر عادلان و صالحان آنها) و
برخی از آنان به اذن (تکوینی) خدا سبقت گیرنده به همه
خیرات اند (مانند معصومان امت که وارث کتابند. آری) این
(کتاب و وجود معصومان و صالحان برای امت) همان فضل
بزرگ است

(پاداش آنهاست) بهشت های جاودانه ای که در آن داخل
می شوند، در آنجا با دستبندهایی از طلا و با لؤلؤ آراسته می
شوند و لباسشان در آنجا حریر است

و گویند: ستایش از آن خداوندی است که غم ها (ی دنیا) را
از ما بزدود، حقا که پروردگار ما آمرزنده (بدی ها) و
قدرشناس (نیکی ها) است

همان خدایی که ما را از فضل خویش در خانه اقامتگاه
دائمی جای داد که نه رنجی در آن به ما می رسد و نه
خستگی به ما دست می دهد

و کسانی که کفر ورزیدند آنها را آتش جهنم است که نه بر
آنها حکم مرگ صادر می شود تا بمیرند، و نه از عذاب آن بر
آنها تخفیف داده می شود. (آری) این گونه ما هر کافر و
ناسپاس را کیفر خواهیم داد

و آنها در آنجا فریاد برمی کشند: پروردگارا، ما را بیرون آر
تا عملی صالح غیر از آنچه می کردیم به جا آوریم. (به آنها
گفته می شود) آیا شما را آن قدر عمر ندادیم که هر که
پندپذیر بود متذکر می شد و برای شما بیم دهنده نیامد؟!
پس بچشید (عذاب جهنم را) و برای ستمکاران هرگز یآوری
نیست

همانا خداوند دانای غیب آسمان ها و زمین است (آنچه در
آنها از حیطة فکری و حواس ظاهری هر ذی شعوری پنهان
است می داند)، بی تردید او به آنچه در سینه هاست
داناست

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ خَلِيفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ
كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا
وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أُرُونِي
مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَمْ
ءَاتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّنْهُ بَلْ إِن يَعِدُ الظَّالِمُونَ
بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا

إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ
أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ
أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا
نُفُورًا

أَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ
إِلَّا بِأَهْلِيهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ
لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ
شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا

اوست کسی که شما را در روی زمین جانشین (گذشتگان)
نمود، پس هر کس کفر ورزد کفرش به زیان خود اوست، و
کافران را کفرشان جز میغوضیت در نزد پروردگارشان نمی
افزاید، و کافران را کفرشان جز زیان (اخروی) نمی افزاید

بگو: آیا شریک خوانده هایتان را که به جای خدا می خوانید
(به دقت) دیده اید؟ به من نشان دهید چه چیزی را از
زمین (چه نوعی از موجودات آن را) آفریده اند؟ یا آنها در
(آفرینش یا حفظ یا تدبیر) آسمان ها شرکت دارند؟ یا آنان
را کتابی (آسمانی) داده ایم که آنها (در شریک بودنشان) بر
اساس حجتی از آنند؟ (چنین نیست) بلکه ستمکاران
یکدیگر را جز وعده های فریبنده نمی دهند

بی تردید خداوند آسمان ها و زمین را از اینکه (از مسیر
نظام عالم هستی) منحرف و زایل گردند نگه می دارد و اگر
زایل و منحرف شوند هرگز احدی پس از او آنها را نگه نمی
دارد البته او همواره بردبار و آمرزنده است

و (مشرکان) به سخت ترین سوگندهای خود به خدا سوگند
یاد کردند که اگر برای آنها (پیامبر) بیم دهنده ای بیاید
مسلمًا (علاوه بر آنکه یکی از امم دارای نذیر شوند) ره
یافته تر از آن امتی که یگانه امت هاست خواهند بود. پس
چون بیم دهنده ای بر آنها آمد جز دوری و نفرت (از حق) بر
آنها نیفزود

برای تکبرطلبی در روی زمین و مکر و نیرنگ بد، و مکر بد
جز اهل خود را فرا نمی گیرد، و آیا آنها جز سنت (الهی
درباره) پیشینیان را انتظار می کشند (که به عذاب ناگهانی
ریشه کن شوند)؟ و تو هرگز برای سنت خداوند تبدیلی و
هرگز برای سنت خداوند تغییری نمی یابی

و آیا در روی زمین سیر نکردند تا بنگرند که سرانجام
کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟ در حالی که آنان
نیرومندتر از اینها بودند و هرگز خدا چنین نبوده که چیزی
او را در آسمان ها و در این زمین درمانده کند، چرا که
همواره او دانا و تواناست

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا

۳۶. یس	یس: یس	مکی	۸۳ آیه	۶ صفحه
---------------	--------	-----	--------	--------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یس

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

لِنُنْذِرَ قَوْمًا مَّا أُنْذِرَ آبَاؤَهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

إِنَّا جَعَلْنَا فِيْٓ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ ۖ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاثِرَهُمْ ۚ وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ

و اگر خدا مردم را در مقابل آنچه (از گناه) کسب کرده اند مؤاخذه می کرد بر پشت این (کره خاکی) هیچ جنبنده ای را (زنده) نمی گذاشت، و لکن آنها را تا وقت معینی (که در علم ازلی او گذشته و در لوح محفوظ ثابت است) به تأخیر می اندازد، پس چون اجلشان فرا رسید خداوند همواره به حال

یا، سین. این حروف رمزهایی میان الّه و رسول اوست. و این کتاب مرکب از همین حروف است ولی کسی را توان آوردن مانند آن نیست. و این کتاب دارای محکّمات و این گونه متشابهات است. ای انسان (یگانه در انسانیت)

سوگند به این قرآن حکیم (مستحکم در برابر آسیب باطل، گویای به حکمت، حاکم و داور میان حق و باطل، و دارای معارف عقلی و شرایع آسمانی) که

به یقین تو از (جمله) فرستادگان (خدا) هستی (به سوی انسان ها از زمان بعثتت تا انقراض نسل آنها)

(تو) بر راهی مستقیم هستی (راه علوم شریعت و معارف عقلی)

(و این کتابی است) فروفرستاده (از جانب خدای) مقتدر و مهربان (مهرش علت نزول، قدرتش ضامن اجراست)

تا بیم دهی قومی را که پدرانشان (از زمان عیسی یا ابراهیم) بیم داده نشده اند، از این رو (از حقایق دینی) غافل اند

بی تردید بر بیشتر آنان گفتار (خدا مندرج در لوح محفوظ که جهنّم جایگاه آنهاست) ثابت و محقّق شده است، از این رو دیگر ایمان نمی آورند

همانا در گردن هایشان غل هایی قرار داده ایم که تا چانه های آنها کشیده شده پس سرهایشان رو به بالا مانده است (از این رو نمی توانند به خویشتن بنگرند تا با آیات انفسی متنّبّه شوند)

و ما از جلو رویشان سدّی و از پشت سرشان سدّی قرار داده ایم و آنها را (از هر سو) پوشانده ایم (یا چشمانشان را کور کرده ایم)، از این رو نمی بینند (نمی توانند اطراف خود را ببینند تا با آیات آفاقی متنّبّه گردند)

و بر آنان یکسان است چه بیمشان دهی یا بیمشان ندهی ایمان نمی آورند

جز این نیست که تو کسی را بیم توانی داد که قرآن پندآموز را (پذیرفته و) پیروی کرده و از خدای رحمان (که پنهان از حواس است) در نهان ترسیده باشد پس او را به آموزش (خدا) و پاداشی پراززش و گرامی بشارت ده

البته این ماییم که مرده ها را زنده می کنیم و آنچه را از پیش فرستاده اند (از عمل های حال حیات) و آثار (پس از مرگ) آنها را می نویسیم، و همه چیز را (از اعمال مکلفان و حوادث این جهان) در نسخه ای آشکار (لوح محفوظ) به طور فراگیر برشمرده ایم

وَأَصْرِبُ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَبَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ

۱۴

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ

۱۵

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ

۱۶

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُم لَمُرْسَلُونَ

۱۷

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

۱۸

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجِمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۹

قَالُوا طَئِيرُكُم مَّعَكُمْ أَفِنَ ذُكِّرْتُم بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

۲۰

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَاقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

۲۱

اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلْكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ

۲۲

وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۲۳

عَأْتِخِذْ مِنْ دُونِهِ ۖ ءَالِهَةٌ إِنْ يُرَدِّنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ

۲۴

إِنِّي إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۲۵

إِنِّي ءَامَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ

۲۶

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ ۖ قَالَ يَلَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ

۲۷

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ

و برای آنها داستان اهل آن شهر (انطاکیه) را مثل بزَن هنگامی که فرستادگان خدا به آنجا آمدند

آن گاه که دو نفر به سوی آنها فرستادیم، پس آنها را تکذیب کردند و ما (آنها را) با فرستاده سومی تقویت نمودیم، پس همگی گفتند: ما به سوی شما فرستاده شده ایم

(مردمان شهر) گفتند: شما جز بشری مانند ما نیستید (و پیامبر باید از فرشتگان باشد) و خدای رحمان چیزی نازل نکرده، شما نیستید جز اینکه دروغ می پردازید

(رسولان) گفتند: پروردگار ما می داند که ما به سوی شما فرستاده شده ایم

و بر عهده ما تنها رساندن آشکار (رسالت خویش) است و بس (نه تکرار معجزات و نه تحمیل پذیرش اجباری و نه کیفر و پاداش دنیوی یا اخروی)

گفتند: ما به (دیدن) شما فال بد زدیم (علامت رسیدن ضرر و زیان دیدیم)، بی شک اگر از گفتارتان دست برندارید حتما شما را سنگسار می کنیم و مسلماً از جانب ما عذاب دردناکی به شما خواهد رسید

(رسولان) گفتند: وسیله فال بد شما با خودتان است (که همان گناهاتتان است)، آیا اگر شما را تذکر دهند (تهدید به عذاب می کنید)؟! (چنین نیست که گفتار ما شوم باشد) بلکه شما گروهی تجاوزکارید

و از دورترین جای شهر مردی با شتاب آمد، گفت: ای قوم من، از این فرستادگان پیروی کنید

از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی طلبند و خود هدایت یافته اند

و مرا چیست کسی را که مرا آفریده نپرستم در حالی که همه به سوی او بازگردانده می شوید؟

آیا جز او معبودهایی را به پرستش گیرم که اگر خدای رحمان ضرر و زبانی را برای من بخواهد شفاعت آنها چیزی را از من باز نمی گرداند و نمی توانند مرا نجات بخشند

در این صورت بی تردید من در گمراهی آشکاری خواهم بود

(آن گاه خطاب به رسولان گفت) حقا که من به پروردگار شما ایمان آوردم، پس (اقرار) مرا بشنوید (و تحمل شهادت کنید)

(عاقبت او را کشتند، و بدو) گفته شد: وارد بهشت (برزخ) شو، گفت: ای کاش قوم من می دانستند

که پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامیان قرار داد

وَمَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِۦ مِنۢ بَعْدِهِۦ مِن جُنْدٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَمِدُونَ

يَحْشُرُهُۥ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ

وَإِن كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ

وَعَايَةُ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَوْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ

لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِۦ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

سُبْحَنَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِمَّنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ

وَعَايَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

و ما بر (اهلاک) قوم او پس از وی هیچ سپاهی از آسمان فرو نفرستادیم، و (پیش از آن هم) ما فرو فرستنده (سپاه آسمانی برای اهلاک قومی) نبودیم

(وسیله اهلاک آنها) جز یک میحه (آسمانی) نبود که به ناگاه همگی خاموش و بیجان شدند

دریغا بر بندگان! که هیچ فرستاده ای بر آنها نمی آمد مگر اینکه پیوسته او را استهزا می کردند

آیا ندیدند که پیش از آنها چه بسیار از مجتمعات انسانی در عصرهای متسلسل را (به کیفر طغیانشان) هلاک کردیم که آنها به سوی اینان باز نمی گردند (تا گذشته ها را جبران کنند)؟

و آنها نیستند جز اینکه همگی (در روز واپسین) در نزد ما احضار می شوند

و نشانه ای (روشن، نشانه زمینی در اثبات توحید و قدرت ما و حشر مردم) برای آنها همین زمین مرده است که ما آن را (به دادن نیروی حیات و قابلیت انبات) زنده کردیم و حبوباتی از آن بیرون آوردیم که از آن می خورند

و در آن باغ هایی از درختان خرما و انگور قرار دادیم و از چشمه های گوناگون در آن جوشاندیم

تا از میوه آن و از نتیجه کارکرد دست هایشان (مانند شیره و کمپوت و شربت) بخورند و (بدانند که) رویش درختان و بارور شدن آنها کار دستانشان نبود، پس آیا سپاس نمی گزارند؟

منزه است آن که همه جفت ها را آفریده از آنچه زمین می رویاند (مانند درختان، گیاهان و حیوانات) و از خودشان و از چیزهایی که نمی دانند (همه آنچه در جهان از فعل و انفعال آنها شی ء ثالثی متولد می گردد)

و نشانه ای (دیگر، نشانه جوی، از توحید و قدرت خداوند) برای آنها این شب است که روز را از آن (همانند لباسی) برمی کنیم، پس به ناگاه در تاریکی قرار می گیرند

و این خورشید برای رسیدن به قرارگاه مخصوص خود همواره جریان (شبه مستقیم) دارد. این تقدیر و اندازه گیری (سیر او در میان منظومه های جهان از خدای) مقتدر غالب و داناست

و ماه تمام را منزل هایی مقدر کردیم تا آنکه همانند شاخه کهنه (و زرد رنگ و قوسی شکل) درخت خرما (به صورت هلال) بازگردد (و دوباره به تدریج کامل شود)

نه خورشید را (در نظام حرکت طبیعی خود) می سزد که این قمر (و سایر اقمار خود) را دریابد، و نه شب سبقت گیرنده بر روز است (مثلا به دنبال شب شنبه شب یکشنبه سبقت جوید و روز شنبه را به تأخیر اندازد و حرکت زمین مختل شود)، و هر یک (از خورشید و اقمار آن) در مدار خاصی شناورند

وَعَايَةُ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ

وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ ءَايَةٍ مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُۥٓ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ

قَالُوا يَوَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا ۚ هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و نشانه ای (دیگر، نشانه دریایی، از توحید و قدرت خدا) برای آنها این است که ما فرزندان آنها را در کشتی هایی مملوّ (از خود و اموالشان) حمل کردیم (و دریا و هوا و کشتی را مسخر آنها نمودیم)

و برای آنها از مثل کشتی چیزهایی که بر آن سوار می شوند بیافریدیم (مانند حیوانات سواری و وسایل نقلیه هوایی و زمینی)

و اگر بخواهیم آنها را (در حال سواری بر کشتی) غرق می کنیم، پس نه فریادرسی برای آنها خواهد بود و نه نجات داده می شوند

مگر به خاطر رحمتی از ما و برخورداری (از زندگی) تا زمانی معین (نجات یابند)

و چون به آنها گفته شود: از آنچه در پیش روی شماست (شرک و فسقی که در آینده دارید) و آنچه در پشت سر شماست (کفر و فسقی که انجام داده اید، یا از گناهانتان در دنیا و کیفر آنها در آخرت) پروا کنید شاید مورد ترحم قرار گیرید (اعتنا نمی کنند)

و هیچ نشانه ای از نشانه ها و آیات پروردگارشان (از قرآن و معجزات) به آنها نمی آمد مگر اینکه پیوسته از آنها رویگردان بودند

و چون به آنها گفته شود از آنچه خدا به شما روزی کرده (به مستحقین) انفاق نمایید، کسانی که کفر ورزیده اند به کسانی که ایمان آورده اند گویند: آیا کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست به او طعام می داد؟ (خدا خواسته که او گرسنه باشد!) شما جز در گمراهی آشکاری نیستید

و (مشرکین مکه به عنوان استهزا) گویند: این وعده (قیام رستاخیز) کی خواهد بود اگر راستگویید

آنها جز یک صیحه (آسمانی) را انتظار نمی کشند (نفخه اول صور را که نفخه اماته است) که آنان را در حالی که با یکدیگر (در امور دنیای خود) در خصومت اند فرا گیرد

پس نه قدرت وصیت و سفارش پیدا می کنند و نه می توانند به سوی کسان خود بازگردند. (در یک لحظه هر انسان و هر جانداری در روی زمین در جای خود می میرد.

و در صور (در نفخه دوم که نفخه احیاء است) دمیده شود، پس به ناگاه همه آنان از قبرهای خود به سوی پروردگار خویش می شتابند

گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ (آری) این همان (حیات پس از مرگ) است که خدای رحمان (در دنیا) به ما وعده داد، و فرستادگان او راست گفتند

(در آن هنگام) نفخه و صیحه ای نیست جز یک صیحه (که نفخه سوم صور است) پس به ناگاه همگی (از نخستین انسان آفریده تا آخرین انسان مرده) در پیشگاه ما (موقف سؤال و حساب و داوری) احضار می شوند

و (طبیعی آن روز است که گویی گفته می شود) امروز هیچ کسی به هیچ مقداری ستم نمی شود و از پاداشش کسر نمی گردد، و جز در برابر آنچه می کردید مجازات نمی شوید (و یا جزا، شما نیست جز تجسم یافته عملکرد دنیوی تان)

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكِهِونَ

۵۶

هُم وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرْبَابِ مُتَّكِونَ

۵۷

لَهُمْ فِيهَا فَكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ

۵۸

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ

۵۹

وَأَمْتَرُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ

۶۰
حزب
۱۷۸

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَىٰ ءَادَمَ أَن لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطٰنَ ۖ إِنَّهُۥ
لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

۶۱

وَأَنِ اعْبُدُونِۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

۶۲

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا ۖ أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ

۶۳

هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

۶۴

أَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

۶۵

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

۶۶

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ
يُبْصِرُونَ

۶۷

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَعُوا مُضِيًّا
وَلَا يَرْجِعُونَ

۶۸
۳۸۵ر

وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ ۖ أَفَلَا يَعْقِلُونَ

۶۹

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ
مُّبِينٌ

۷۰

لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ

همانا بهشتیان در آن روز در حال و هوایی خوش اند و
مسرور و متلذذند

خودشان و همسرانشان در زیر سایه هایی (از درختان و
قصرها) بر تخت های آراسته خویش تکیه می زنند

برای آنها در آنجا میوه جات (گوناگون) است، و برای آنهاست
هر چه آرزو کنند و بطلبند

(برای آنها) سلام و درود است، گفتاری (صادر) از جانب
پروردگار مهربان (که بلاواسطه یا به واسطه فرشتگان به
آنان می رسد)

و (به مجرمان خطاب می شود) جدا شوید امروز ای گنهکاران
(از صف مؤمنان و صالحان)

ای فرزندان آدم، آیا به شما (به وسیله پیامبران و عقول
خودتان) سفارش نکردم که شیطان را نپرستید که او مسلما
برای شما دشمنی آشکار است؟

و فقط مرا بپرستید که این راه مستقیم است؟

و بی تردید گروه بسیاری از شما را گمراه کرده، پس آیا
اندیشه نمی کردید؟

این همان جهنمی است که همواره بدان تهدید می شدید

امروز بدان درآیید و بچشید حرارت آن را در برابر آن که
کفر و کفران می ورزیدید

امروز بر دهن های آنان مهر می نهیم، و دست هایشان با ما
سخن می گوید، و پاهایشان به آنچه انجام می دادند گواهی
می دهد

و اگر بخواهیم چشمان آنها را (مشرکین را، به کلی) محو می
کنیم، پس در راه (متعارف خود) پیشی گیرند اما کجا می
توانند راه را ببینند؟! (تتوانند زیرا) چگونه می بینند؟!
(لکن این کار را نمی کنیم)

و اگر بخواهیم آنها را در جای خود (هر جا باشند) مسخ می
کنیم (به صورت حیوان با جمادی درمی آوریم) پس نه می
توانند (به سوی مقصدشان) بروند و نه برگردند، و نه می
توانند در حال مسخ بمانند و نه به حال اول بازگردند

و کسی را که عمر دراز دهیم او را در خلقت، واژگون می
کنیم (نیروهایش را رو به ضعف می بریم)، پس آیا نمی
اندیشند

و ما به او (پیامبر) شعر نیاموختیم و سزاوار او هم نیست،
آنچه او می خواند چیزی جز مایه یادآوری و قرآنی آشکار و
روشنگر نیست

تا کسانی را که زنده دل اند (و وجدانشان آماده پذیرش
حق است) بیم کند، و سخن (خدا و وعده جهنم) بر کافران
محقق شود

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَمًا فَهُمْ لَهَا مَلَكَونَ

۷۲

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ

۷۳

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

۷۴

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ

۷۵

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُونَ

۷۶

فَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

۷۷

أَوْ لَمْ يَرَ الْإِنْسَنُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ

۷۸

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ۖ قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظَمَ وَهِيَ رَمِيمٌ

۷۹

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

۸۰

الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقِدُونَ

۸۱

أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

۸۲

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

۸۳

فَسُبْحَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكَوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

و آیا ندیدند که ما از آنچه دست های (قدرت) ما ایجاد کرده (از مواد اولیه و مبدأ وجود زنده ها) برای آنها چهارپایانی آفریدیم که آنها مالک و مسلّط بر آنند

و آنها را برایشان رام کردیم، پس برخی از آنها وسیله سواریشان است و از (گوشت و لبنیات) برخی می خورند

و برای آنان سودها و آشامیدنی ها در آن (حيوانات) است، پس آیا سپاس نمی گزارند؟

و به جای خدای یکتا معبودهایی برای خود اتخاذ کرده اند، شاید (از ناحیه آنها) یاری شوند

آنها قدرت یاری اینان را ندارند و اینان برای آنها سپاهی احضار شده اند (در دنیا برای حفظ و دفاع از آنها، و در آخرت برای بازپرسی و کیفر)

پس گفتار آنها (در انکار خدا و تکذیب دعوتت) تو را غمگین نسازد، زیرا که ما آنچه را در دل پنهان دارند و آنچه را بر زبان آشکار می کنند، و آنچه را در خلوت و آنچه را در جلوت انجام می دهند می دانیم (و همه را کیفر خواهیم داد)

آیا انسان (به چشم دل) ندیده که ما او را از نطفه ای آفریدیم که به ناگاه (در اندک مدتی انسانی) ستیزه گر و مخاصمه جوی آشکار (در امر معاد) است؟

و برای ما مثالی زد در حالی که آفرینش خود را فراموش نموده، گفت: چه کسی این استخوان ها را زندگی می بخشد در حالی که چنین پوسیده و خاکستر شده است

بگو: کسی آن را زنده می کند که نخستین بار پدیدش آورد، و او به هر (نوع) آفرینش و به هر آفریده ای داناست

همان که برای شما از درخت سرسبز و تر (به نام مرخ و عفار) آتشی (خشک و سوزان) پدید آورد، پس شما از آن (به مالیدن دو شاخه سبز به یکدیگر) به ناگاه آتش می افروزید

و آیا کسی که آسمان ها و زمین را آفریده توانا نیست بر اینکه امثال آنها را بیافریند (اجزایشان را از میان خاک گرد آورد و شکل دهد که در صورت، مماثل آنها و در ماده عین آنها باشد)؟ چرا (تواناست) و اوست آفریننده کامل و دانا

جز این نیست که کار و شأن او این است هنگامی که وجود چیزی را بخواهد به او می گوید: باش، پس می باشد (هیچ ابزاری در میان نیست و به مجرد اراده بود شده، گویی به او گفته: باش، و او شده است)

پس منزّه است آن که ملکیت حقیقی و تسلّط کامل بر همه اشیا به دست (قدرت) اوست، و (همه شما انسان ها) به سوی او بازگردانده می شوید

۳۷. صافات	الصَّافَّاتُ: صف‌بستگان	مکی	۱۸۲ آیه	۷ صفحه
------------------	-------------------------	-----	---------	--------

سوگند به صف بستگان (به فرشتگان صف بسته برای اطاعت خدا به مؤمنان صف کشیده در جماعت، و رزمندگان صف زده برای جهاد) که صفیّ طولانی و مستحکم و عبادی–سیاسی بسته اند

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

پس به زجرکنندگان (به فرشتگان بازدارنده بشرها از گناهان و راننده ابرها از جایی به جایی به آیات قرآنی بازدارنده از بدی ها به مؤمنان بازدارنده از منکرات) که زجرى الهی تکوینی و تشریعی دارند

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

پس به تلاوت کنندگان ذکر (به فرشتگان تلاوت کننده کتاب های آسمانی به خوانندگان الفاظ وحی به گوش و دل انبیا به مؤمنان تلاوت کننده کتاب های آسمانی)

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

که قطعا معبود شما یگانه است

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

پروردگار آسمان ها و این زمین و آنچه در میان آنهاست و پروردگار مشرق هاست (مشرق های خورشید و ستارگان در طول سال)

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

همانا ما آسمان نزدیک (به زمین شما) را به زینت و زیور اختران آراستیم

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

و آن را از (ورود) هر شیطان سرکش خبیثی حفظ نمودیم

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

آنها نمی توانند به (سخنان) اشراف فرشتگان عالم بالا (که اسرار زمینیان در آنجا گفتگو می شود) گوش فرا دهند، و از هر سو در معرض پرتاب تیر قرار می گیرند

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

آنها سخت رانده می شوند، و برای آنها عذابی است لازم و دائم (در قیامت)

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

مگر آنکه کسی (از شیاطین بخواهد سخنی را از ملا اعلی) دزدانه گوش دهد، که شهاب و شعله ای نافذ او را دنبال می کند

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

پس از اینان (مشرکان مکه) بپرس که آیا اینان از نظر خلقت محکمترند یا کسانی که ما آفریده ایم (از فرشتگان و آسمان ها و زمین)؟
همانا ما اینان را از گلی چسبنده آفریده ایم (پس در خلقت ضعیف ترند و در عصیان قوی تر)

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

بلکه تو (از انکار و تکذیب مشرکان) تعجب داری و آنها (این دعوت و تعجب تو را) مسخره می کنند

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

و چون تذکر داده شوند متذکر نمی شوند

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

و چون نشانه ای (از توحید و معجزه ای) ببینند شدیداً مسخره می کنند و دیگران را به مسخره می خوانند

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

و می گویند: این جز سحر و جادویی آشکار نیست

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

آیا آن گاه که ما مردیم و به خاک و استخوان ها تبدیل شدیم آیا به راستی (دوباره) برانگیخته می شویم؟

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

و آیا پدران نخستین ما نیز (برانگیخته می گردند)

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

بگو: آری، آن هم در حالی که خوار و درمانده خواهید بود

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

پس جز این نیست که سبب برانگیختن، یک بانگ و نهیب (آسمانی به واسطه نفخه دوم صور) است که به ناگاه همگی (از قبرها بیرون شده) می نگرند

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

و می گویند: ای وای بر ما، این روز جزاست

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

(آری) این همان روز داوری (خداوند) و جدا شدن (نیکان از بدان) است که آن را تکذیب و انکار می کردید

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

(به فرشتگان دستور می رسد) کسانی را که (به واسطه شرک و عناد در کفر) ستم کرده اند و هم مسلکانشان و آنچه را که به جای خداوند می پرستیدند گرد آورید

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

پس به راه جهنم هدایتشان کنید

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

و آنها را (در آن مسیر) نگه دارید، که آنان باید (از عقاید و اعمال) مورد بازپرسی قرار گیرند

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالصَّافَّاتِ صَفًّا

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

فَالزَّجَرَاتِ زَجْرًا

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

فَالْتَلَيْتِ ذِكْرًا

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا رَبُّ الْمَشْرِقِ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِرِيْنَةِ الْكَوَاكِبِ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

لَّا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مِّنْ خَلْقِنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّنْ طِينٍ لَّا زَبٍ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

وَإِذَا رَأَوْا ءَايَةً يَسْتَسْخِرُونَ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

أَعِذَا مِنْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

أَوْ ءَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

وَقَالُوا يَوَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِء تَكْذِبُونَ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ

سوره صافات در تفسیر قرآن مجید، ترجمه سید محمد باقر عسکری

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ

بلکه آنها در آن روز کاملا تسلیم و منقاد خواهند بود

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ

قَالُوا بَلْ لَّمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطٰنٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طٰغِيْنَ

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْل رَبِّنَا إِنَّا لَذٰٓئِقُونَ

فَأَعْوَيْنٰكُمْ إِنَّا كُنَّا عَلٰوِيْنَ

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ

إِنَّا كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ

وَيَقُولُونَ آيِنَّا لَتَارِكُوْا ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلِينَ

إِنَّكُمْ لَذٰٓئِقُوْا الْعَذَابِ الْاَلِيمِ

وَمَا تُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلَصِينَ

اُولٰٓئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُوْمٌ

فَوَاكِهَ وَهُم مُّكْرَمُونَ

فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ

عَلٰى سُرُرٍ مُّتَقٰبِلِينَ

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِّن مَّعِيْنٍ

بَيَضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ

وَعِنْدَهُمْ قَصِرَتُ الْطَّرْفِ عَيْنٌ

كَأَنَّهُنَّ بَيَضٌ مَّكْنُونٌ

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ

(ای دوزخیان) شما را چه شده که یکدیگر را یاری نمی کنید؟

(استضعاف و اغواشدگان به رهبران باطل و ائمه جور) می گویند: شما بودید که به عنوان خیر و صلاح (و با قسم های دروغ و قدرت و زور) به سراغ ما می آمدید

آنها می گویند: (نه) بلکه شما خود اهل ایمان نبودید

و ما را بر شما هیچ تسلطی (از نظر کفر و ایمان) نبود، بلکه شما خود گروهی طغیان گر بودید

پس سخن و وعده پروردگاران درباره ما تحقق یافت، حتما ما چشنده (عذاب دوزخ) هستیم

پس ما شما را (با فرض اختیار خودتان) گمراه کردیم، و البته ما هم خود گمراه بودیم

پس بی تردید آنان (پیروان و پیشوایان) در آن روز در عذاب شریک اند

ما با گنهکاران این گونه عمل می کنیم

(زیرا) آنها چنین بودند که چون به آنان گفته می شد جز خدای یکتا معبودی نیست، تکبر می ورزیدند

و می گفتند: آیا به راستی ما به خاطر شاعری دیوانه رهاکننده خدایان خود باشیم؟

(او شاعر و دیوانه نیست) بلکه او (دین و شریعت و کتاب) حق را آورده، و همه فرستادگان (خدا) را تصدیق نموده است

شما بی تردید (در عالم آخرت) چشنده عذاب دردناکید

و جز در برابر آنچه در (در دنیا) انجام می دادید جزا داده نمی شوید و جز تجسم عین عقاید و اعمالتان کیفر نمی بینید

(آنان چشنده کیفرند) جز بندگان مخلص و برگزیده خداوند

که آنها برایشان روزیی معین است

میوه هایی (گوناگون) و هم آنان (از جانب خدا به وسیله فرشتگان) مورد اکرام قرار می گیرند

در باغ های پر نعمت

بر روی تخت هایی رو به روی همدیگر

بر دور آنها کاسه ای مملو از شراب صافی (از چشمه ای روان در بهشت) گردانده می شود

شرابی بس سفید و سراپا لذت برای نوشندگان

نه در آن سردرد و ضررهای بدنی است، و نه از آن عقلشان زایل می گردد

و در نزد آنها زنانی است خمار چشم و دیده از غیر همسر پوشیده، و درشت و زیبا چشم

گویی آنان تخم های پرندگانند، پوشیده (در زیر پر، یا در داخل پارچه، محفوظ از غبار و آلودگی)

پس برخی از آنان به برخی دیگر رو آورده، با هم گفتگو کنند

گوینده ای از آنها می گوید: همانا مرا (در دنیا) همنشینی بود

يَقُولُ أَعِنتَكَ لِمَنِ الْمُصَدِّقِينَ

۵۳ أَعِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعِنَّا لَمَدِينُونَ

۵۴ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُّطَّلِعُونَ

۵۵ فَأَظْلَعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ

۵۶ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ

۵۷ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

۵۸ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ

۵۹ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَدَّيْنَ

۶۰ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۶۱ لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ

۶۲ أَذَلِكَ خَيْرٌ تُزَلَّأَمَ شَجَرَةُ الزُّقُومِ

۶۳ إِنَّا جَعَلْنَهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ

۶۴ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ

۶۵ طُلُعَهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ

۶۶ فَإِنَّهُمْ لَا يَكُلُونَ مِنْهَا فَمَا لَيْسَ مِنْهَا الْبُطُونَ

۶۷ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ

۶۸ ثُمَّ إِنَّ مَرَجِعَهُمْ لِلْأُولَىٰ الْجَحِيمِ

۶۹ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ

۷۰ فَهُمْ عَلَىٰ عَآثِرِهِمْ يُهَرَّعُونَ

۷۱ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ

۷۲ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُّنْذِرِينَ

۷۳ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ

۷۴ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

۷۵ وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوحَ فَلَنِعَمَ الْمُجِيبُونَ

۷۶ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

(به من) می گفت: آیا به راستی تو از تصدیق کنندگانی (که) پس از مرگ زنده شدنی در کار است)؟

آیا آن گاه که ما مردیم و مبدل به خاک و استخوان ها شدیم
 آیا (دوباره زنده شده) مجازات می شویم؟

(آن گوینده به یارانش) می گوید: آیا شما میل اشراف و سرکشیدن به او را دارید

پس خود مشرف (به دوزخ) می شود و او را در وسط جهنّم می بیند

می گوید: به خدا سوگند، حقیقت این است که نزدیک بود مرا نیز به هلاکت افکنی

و اگر نعمت (هدایت) پروردگارم نبود همانا من نیز از احضارشدگان (در آنجا) بودم

پس (به یارانش از روی شوق و تقریر می گوید) آیا ما دیگر نمی میریم

جز مرگ نخستین مان (که مرگ از دنیا بود) و ما هیچ گاه معذب نخواهیم شد؟

(آری) یقینا که این همان کامیابی و رستگاری بزرگ است

برای این (رقم نعمت ها) باید اهل عمل بکوشند

آیا این از نظر پذیرایی بهتر است یا درخت زقوم (که برای پذیرایی جهنمیان است)؟

حقّا که ما آن را وسیله عذاب ستمکاران قرار داده ایم

آن درختی است که از قعر جهنم سر بر می آورد (تنه اش در کف می روید و شاخه هایش به درکات بالا می رسد)

شکوفه اش گویی سرهای شیاطین است (در اینکه در اذهان مردم زشت و زیان آور است)

پس همانا که آنها چندان از آن می خورند که شکم ها را از آن پر می کنند

سپس برای آنها روی آن (غذا) شراب آمیخته ای از آب جوشان است (که در خارج از دوزخ می خورند)

سپس بازگشت آنها به سوی جهنم است

زیرا که آنان پدرانشان را گمراه یافتند

پس به دنبالشان به شتاب می رفتند (گویی به سرعت رانده می شدند)

و به یقین پیش از آنان (کفّار مکّه) بیشتر پیشینیان نیز گمراه شدند

و همانا در میان آنها بیم دهندگانی فرستادیم

پس بنگر که سرانجام کار بیم داده شدگان چگونه بود (که با عذاب های گوناگون هلاک شدند)

مگر بندگان برگزیده و خالص شده خداوند (که توفیق حق، نقایص روحی آنها را زدوده و خالص شده اند)

و همانا نوح ما را ندا درداد، پس ما نیکو اجابت کننده بودیم

و او و خاندانش را از آن اندوه بزرگ (ظلم و آزار و اهانت های قوم و خطر طوفان) رها ساختیم

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ

۷۸ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

۷۹ سَلَّمَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعِلْمِينَ

۸۰ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

۸۱ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

۸۲ ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخَرِينَ

۸۳ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ

حزب
۱۸۰

۸۴ إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

۸۵ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ

۸۶ أَيْفَكَاءَ إِلَٰهَةٍ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ

۸۷ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

۸۸ فَتَنَظَرَ نَظْرَةً فِي الشُّجُومِ

۸۹ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ

۹۰ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ

۹۱ فَرَاغَ إِلَىٰ ءَالِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

۹۲ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ

۹۳ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ

۹۴ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُونَ

۹۵ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ

۹۶ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ

۹۷ قَالُوا أَبْنَاؤُا لَهُۥ بُنَيْنَا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ

۹۸ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ

۹۹ وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ

۱۰۰ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ

۱۰۱ فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعَىٰ قَالَ يَبْنَئِي إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي

أَذْبَحُكَ فَأَنْظُرُ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَتَأَبَّتْ أَفْعَلُ مَا تُؤْمَرُ^ط

سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

و تنها اولاد او را باقی ماندگان (روی زمین) قرار دادیم (و باقی اهل کشتی به علی از بین رفتند)

و نام نیکی از او در امتّ های بعدی به جای گذاشتیم (چون ندای توحید، مبارزه با شرک، دریافت نخستین کتاب و شریعت آسمانی)

سلام و درود (خدا) بر نوح در میان جهانیان (جهان فرشتگان و انسان ها و اجّّه) و باید درود گفته شود بر او در میان اهل جهان

ما نیکوکاران را (در دنیا) این گونه پاداش می دهیم

بی تردید او از بندگان باایمان ما بود

سپس دیگران را (کسانی را که سوار کشتی نشدند) غرق کردیم

و همانا از پیروان او (در دین و کتاب و مبارزه با شرک) ابراهیم بود

آن گاه که با قلبی سالم به سوی پروردگار خویش آمد (متوجه او شد، توحید را تصدیق و خود را تسلیم نمود)

هنگامی که به پدر (به عمو یا پدرزن) و قوم خود گفت: شما چه چیزی را می پرستید؟

آیا به دروغ و افترا، معبودهایی غیر از خدا را می خواهید؟

پس گماتتان درباره پروردگار جهانیان چیست؟ (آیا او ربّ نیست، یا اذن پرستش دیگران را داده، یا مشرکان را عذاب نمی کند؟

پس به نظر تأملی در (اوضاع) ستارگان نگریست (تا زمان عروض بیماری خود را تشخیص دهد)

پس گفت: همانا من در شرف بیماریم (و با شما برای مراسم عید بیرون نمی آیم)

پس، از او روی گردانده، برگشتند

پس پنهانی به قصد سرکوبی به سوی خدایانشان روان شد (و با اشاره به غذاهایی که در برابر آنها چیده بودند) گفت: آیا نمی خورید؟

شما را چیست که سخن نمی گوئید؟

پس سرکوبگرانه بر آنها روآورد (و تبر در دست) ضربت هایی با دست راست و به قدرت بر آنها وارد کرد (و همه را جز بزرگشان خرد نمود)

پس (چون از عید برگشتند به اتهام این عمل) شتابان به سوی او روآوردند

(ابراهیم) گفت: آیا چیزی را که خود می تراشید پرستش می کنید؟

در حالی که خداوند، شما و آنچه را می کنید آفریده است (عمل های خودتان و مواد معبوداتتان مصنوع حقیقی خداست)

(به یکدیگر) گفتند: برای او بنایی (وسیع در طول و عرض) بسازید و او را در جهنمی از آتش بیفکنید

پس تصمیم مکر و نیرنگ درباره او گرفتند، و ما آنها را پست و فروتر ساختیم (و او را از آتش نجات دادیم)

و (پس از رهایی از مکر آنها) گفت: حتما من به سوی پروردگار خود (شهری که بتوانم در آنجا به عبادت پردازم) رهسپارم، به زودی راهنمایییم خواهد کرد

پروردگارا، مرا (فرزندی) از شایستگان ببخش

پس او را به پسری بردبار (اسماعیل) بشارت دادیم

پس چون پسر با او به حد کار و کوشش رسید، گفت: ای فرزند خردسالم، من مرتب در خواب می بینم که تو را سر می برم (کارد بر حلقومت می کشم)، پس بنگر چه نظر می دهی. گفت: ای پدر، آنچه را مأمور می شوی انجام ده، که به خواست خدا مرا از مابران خواهی یافت

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ

وَنَدَيْنَهُ أَنْ يَبْرِهِيْمُ

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّءْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ

وَفَدَيْنَهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

سَلَّمَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

وَبَشَرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ

وَبَرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ ۚ مُبِينٌ

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

وَنَصَرْنَاهُمْ فَاكُنُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

وَعَاتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ

سَلَّمَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ ۖ أَلَا تَتَّقُونَ

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ

اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

پس چون هر دو تسلیم (فرمان خدا) شدند و پسر را بر پیشانی بیفکند (از امتحان سرفراز بیرون آمد)

و ما او را ندا دردادیم که ای ابراهیم

حقّا که تو خوابت را تحقق بخشیدی (زیرا متعلق امر آن رؤیا همان کشیدن کارد بر حلقوم بوده، هر چند پدر و فرزند از آن ذبح را فهمیده بودند)، ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم

به یقین این (حادثه) همان آزمایش آشکار است

و ما قربانی بزرگی را (گوسفندی بزرگ از نظر هیکل و از جنبه احترام را) فدای او کردیم

و نام نیکی از او در امت های بعدی به جای گذاشتیم (چون ندای توحید، مبارزه با شرک، فداکاری عظیم، کتاب و شریعت نوین آسمانی)

سلام و درود بر ابراهیم

نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم

همانا او از بندگان باایمان ما بود

و او را به (فرزندی به نام) اسحاق، پیامبری از شایستگان، مژده دادیم

و بر او و بر اسحاق برکت دادیم (اولادی انبیا و کتاب و شریعت) و از اولاد آن دو برخی نیکوکار و برخی بر خویشتن ستمکاری آشکارند

و همانا بر موسی و هارون نیز نعمت بخشیدیم

و آن دو و قومشان را از اندوهی بزرگ نجات دادیم

و آنها را یاری دادیم، پس آنها بودند که پیروز شدند

و آن دو را کتاب (آسمانی) روشن و روشنگر عطا کردیم

و هر دو را به راه راست هدایت کردیم

و نام نیکی از آن دو در امت های بعدی به جای گذاشتیم (چون ندای توحید و مبارزه با شرک، کتاب و شریعت نوین آسمانی)

سلام و درود بر موسی و هارون

ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم

البته آن دو از بندگان باایمان ما بودند

و همانا الیاس نیز از فرستادگان ما بود

آن گاه که به قوم خود گفت: آیا (از نافرمانی خدا و شرک به او) پروا نمی کنید؟

آیا (برای پرستش و طلب نیاز، بت) بعل را می خوانید و بهترین آفرینندگان را رها می کنید

همان خدایی که پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

سَلَّمَ عَلَىٰ إِيَّاسِينَ

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

وَإِنَّ لُوطًا لِّمِنَ الْمُرْسَلِينَ

إِذْ جَعَلْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ

وَأَنَّا لَمُتَمِرُونَ عَلَيْهِمْ مُّصْبِحِينَ

وَبِالْأَيْلٍ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ

فَالْتَقَمَهُ الْخَوْتُ وَهُوَ مُلِيمٌ

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ

لَلِثِي فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ

وَأَثْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَّقُطِينَ

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ

فَعَامَتُوا فَمَنَعْنَاهُمُ إِلَىٰ حِينٍ

فَاسْتَفْتِهِمُ الرِّبَّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ

أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ

پس او را تکذیب کردند، و مسلّمآ آنان (در قیامت برای حساب و عذاب) احضار خواهند شد

مگر بندگان پاک شده و برگزیده خدا

و نام نیکی از او در امت های بعدی به جا گذاشتیم (چون ندای توحید و مبارزه با شرک)

سلام بر الیاس (و بر اولاد یاسین)

ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم

همانا او از بندگان باایمان ما بود

و همانا لوط نیز از فرستادگان ما بود

(به یاد آر) آن گاه که او و همه خاندانش را نجات دادیم

مگر پیره زنی که در میان باقی ماندگان (در عذاب قوم لوط) بود

سپس بقیّه را هلاک کردیم

و همانا شما (اهل مکه در سفرتان به سوی شام) صبحگاهان بر آنها می گذرید

و در شامگاهان نیز پس آیا نمی اندیشید؟

و البته یونس از فرستادگان ما بود

(به یاد آر) هنگامی که به سوی کشتی پر (از مسافران و بار) فرار کرد (و در آن سوار شد)

پس (چون خطر کشتی اقتضا کرد برخی در آب افکنده شود) او در قرعه کشی شرکت کرد و از مغلوبین گردید

پس ماهی او را بلعید در حالی که کار ملامت آور کرده بود و خود را سرزنش می کرد

پس اگر نه این بود که او (در مدت عمرش و در شکم ماهی) از تسبیح گویان بود

حتما تا روزی که (مردم) برانگیخته می شوند در شکم آن ماهی می ماند

پس او را در حالی که بیمار بود در مکانی بدون سقف و سایه افکندیم

و بر بالای سر او بوته ای از نوع کدو (یا موز یا انجیر) رویانیدیم

و او را به سوی یکصد هزار نفر یا بیشتر فرستادیم

پس ایمان آوردند و ما آنها را تا مدتی (معین از زندگی) برخوردارشان کردیم

پس از آنان (مشرکین مکه) نظرخواهی کن، آیا دختران از آن پروردگار دوست و پسران از آن آنها؟

یا آنکه ما فرشتگان را از جنس دختران آفریدیم و آنها حاضر و شاهد بودند؟

آگاه باش که آنها از دروغ پردازیشان می گویند

خداوند فرزند آورده و قطعاً دروغگویند

آیا (بر فرض انتخاب فرزند) دختران را بر پسران برگزیده

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

۱۵۵ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

۱۵۶ أَمْ لَكُمْ سُلْطَنٌ مُّبِينٌ

۱۵۷ فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۱۵۸ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

۱۵۹ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ

۱۶۰ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

۱۶۱ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ

۱۶۲ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَتِنِينَ

۱۶۳ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ

۱۶۴ وَمَا مِثَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ

۱۶۵ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ

۱۶۶ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ

۱۶۷ وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ

۱۶۸ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ

۱۶۹ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

۱۷۰ فَكْفَرُوا بِهِ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

۱۷۱ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ

۱۷۲ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ

۱۷۳ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ

۱۷۴ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ

۱۷۵ وَأَبْصَرَهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

۱۷۶ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

۱۷۷ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ

۱۷۸ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ

۱۷۹ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

۱۸۰ سُبْحَنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

۱۸۱ وَسَلَّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

۱۸۲ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

شما را چه شده، چگونه قضاوت می کنید؟

پس آیا متذکر نمی شوید؟

یا شما را (در این ادّعا) دلیل روشنی است

پس نوشته و کتابتان را بیاورید اگر راستگویید

و آنها میان خدا و میان اجّنه نسب و خویشی قائل شدند، در حالی که اجّنه خود می دانند که (در قیامت برای حساب و عذاب) احضار شدگانند

منزه است خداوند از آنچه آنها توصیف می کنند (از شرک و ولادت و نسب)

مگر بندگان خالص و برگزیده خدا که (خدا را به نحو دیگری توصیف می کنند)

پس همانا شما و آنچه آن را می پرستید (از بت ها و اجّنه و شیاطین

(آری) شما هرگز نمی توانید بر ضد هدف خدا (جامعه را) به گمراهی کشانید

مگر کسی را که (به جهت کفر و عنادش) به جهنم رفتنی و سوختنی است

(و فرشتگان برای نفی ربوبیت خودشان گویند) و هیچ یک از ما نیست مگر اینکه او را (نزد خداوند) مقام و رتبه ای معین است

و بی تردید ماییم که (برای امتثال فرمان خدا پیوسته) صف بسته ایم

و البته ماییم که (به زبان و اعتقاد قلبی) تسبیح گوئیم

و حقیقت این است که (مشرکان) پیوسته می گفتند

اگر در نزد ما (کتاب) یاد آورنده ای از (قبیل کتب) پیشینیان بود

حتما بندگان خالص و برگزیده خدا می بودیم

پس (چون کتابی بهتر از کتب آنها آمد) بدان کفر ورزیدند، و به زودی (کیفر کفرشان را) خواهند دانست

و به یقین قضای حتمی (و وعده قطعی) ما درباره بندگان فرستاده مان (در علم ازلی و لوح محفوظ) گذشته است

که بی تردید آنها هستند که (از جانب ما) یاری شدگانند

و البته سپاه ما هستند که پیروزند

پس تا مدتی (که حکومت تشکیل دهی و فرمان جهاد دررسد) از آنان روی برتاب

و به آنان بنگر که به زودی (کیفر خود را) خواهند دید

پس آیا عذاب ما را به شتاب می طلبند

که چون به آستان سرایشان فرود آید، بدا صبحگاه بیم داده شدگان

باز هم تا مدتی از آنان روی برتاب

و به آنان بنگر که به زودی (کیفر خود را) خواهند دید

منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت و اقتدار و غلبه، از آنچه توصیف می کنند

و سلام و درود بر فرستادگان (از جانب خالق به سوی خلق)

و ستایش از خدای است که پروردگار جهانیان است

صاد. رمزی میان الله و رسول اوست. این کتاب مرکب از همین حروف است ولی احدی را یارای مقابله با آن نیست. این کتاب دارای محکمت و این گونه تشابهات است. سوگند به قرآن شرافتمند و تذکردهنده (به توحید و انبیا و معارف حقّه، که تو پیامبری و گفتارت راست است)

(و نپذیرفتن آنها از نقص تبلیغ تو نیست) بلکه کسانی که کفر ورزیدند در تکبر و غرور و مخالفت و دشمنی اند

چه بسیار پیش از آنها از مجتمعات انسانی را هلاک کردیم، که (در وقت نزول عذاب به توبه و استغاثه) فریاد برآوردند، اما آن حال، حال مهلت و فرار نبود

و از اینکه بیم کننده ای از (جنس) خودشان (نه از فرشته و اجنه) بر آنها آمده تعجب کردند، و کافران گفتند: این جادوگری دروغ پرداز است

آیا همه معبودان را یک معبود کرده؟! حقا که این چیزی بسیار تعجب انگیز است

و اشراف و سران آنها (قریش و مشرکان از اجتماعشان علیه پیامبر) بیرون شدند (و به یکدیگر می گفتند) که بروید و بر معبودهای خود ایستادگی کنید، به یقین این (ادعا) چیزی است پیش بینی شده (فکر ریاستی است که از جانب محمد اراده می شود)

ما این (مطلب یعنی پرستیدن یک معبود نامرئی) را در آیین اخیر (آیین پدرانمان) نشنیده ایم، این (ادعا) جز دروغ بافی نیست

آیا از میان ما این (قرآن) یادآور بر او (که مردی فاقد مال و جاه است) فرو فرستاده شده؟! (علت عدم پذیرش آنها نقص این کتاب نیست) بلکه آنها (از فرط توجه به دنیا) از (قرآن) یادآور من در شک اند، بلکه (اگر در شک هم نبودند نمی پذیرفتند، زیرا) هنوز عذاب مرا نچشیده اند

مگر گنج های رحمت پروردگار مقتدر و بسیار بخشنده ات (که از جمله نبوت و کتاب آسمانی است) در نزد آنهاست (که به هر کس بخواهند ببخشند)

یا مگر ملکیت و تسلط بر آسمان ها و این زمین و آنچه در میان آن دو است از آن آنهاست؟! پس (اگر چنین است) از هر وسیله صعود و عروجی بالا روند (تا از نزول کتاب بر پیامبر مانع شوند)

آنها در جایگاه خودشان سپاهی اندک و شکست خورده از بقایای احزاب گذشته اند (که از قدیم با انبیا در نبرد بودند)

پیش از آنها قوم نوح و عاد (قوم هود) و فرعون که صاحب قصر و لشکر (یا میخ های بازی و شکنجه) بود نیز (پیامبران ما را) تکذیب کردند

و نیز ثمود (قوم صالح) و قوم لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب صاحبان بیشه، تکذیب کردند)، آنها بودند آن احزاب (که با ما و پیامبران ما در جنگ بودند)

هیچ یک از اینان نبودند مگر آنکه فرستادگان ما را تکذیب کردند، پس کیفر من (درباره آنها) سزا گشت

و اینان (کفار مکه) انتظار ندارند مگر یک صیحه را (نفخه اول صور را) که برای آن هیچ مهلت و تأخیری نیست

و (به استهزاء) گفتند: پروردگارا، نصیب ما را (از آن عذاب هایی که وعده می دهی) پیش از روز حساب زودتر ده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
صّ وَالْقُرْءَانِ ذِي الذِّكْرِ

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّن قَرْنٍ فَنَادَوا وَلَوْلَا مَنَاصِرُ

وَعَجِبُوا أَن جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِّنْهُمْ ۖ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ

أَجْعَلِ الْأِلَٰهَةَ إِلَٰهًا وَحِدًا إِنَّا هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ

وَأَنطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتِكُمْ ۖ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْأَمَلَةِ ۖ الْآخِرَةُ إِنَّا هَذَا لِأَخْتِلَقُ

أَنزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ۚ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّن ذِكْرِي ۚ
بَل لَّمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ

جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ

وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَبُ لُيْكَةَ ۚ أُولَٰئِكَ الْأَحْزَابُ

إِن كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ

وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ

أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ ۖ إِنَّهُٗٓ

أَوَّابٌ

۱۸

إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

۱۹

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهِٗٓ أَوَّابٌ

۲۰

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُٗٓ وَءَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ

۲۱ حزب ۱۸۲

وَهَلْ أَتَاكَ نَبُؤُا الْخُصَمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ

۲۲

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ

بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَأَحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ

وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ

۲۳

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةً وَاحِدَةً

فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ

۲۴ سجده مستحب

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ ۖ وَإِنَّ كَثِيرًا

مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۖ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّهٗ

فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ ۖ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۝

۲۵

فَعَفَرْنَا لَهُٗٓ ذَٰلِكَ ۖ وَإِنَّ لَهُٗ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍۭ

۲۶

يَدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ

النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ

إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا

نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ

بر آنچه می گویند صبر کن، و بنده ما داود را که دارای قدرت و نیرو بود (قدرت علمی و جسمی و سلطنتی) به یاد آر، زیرا او بسیار بازگشت کننده (به سوی ما) بود

ما کوه ها را مسخر کردیم که با او هر شامگاه و صبحگاه (خدا را) تسبیح می گفتند

و پرنندگان را به گرد او درآورده (رام کردیم) که هر یک (از کوه ها و مرغان به آوای تسبیح و تقدیس او) به سوی خدا بازگشت بسیار داشتند

و سلطنت او را (به زیادی عدّه و عدّه) تقویت نمودیم و او را حکمت (دانش های عقلی و اجتماعی و شرایع دینی) و سخنانی فیصله دهنده (میان حق و باطل) عطا کردیم

و آیا خبر آن چند نفر متنازع (یا چند نفر فرشته در یک نزاع صوری) آن گاه که از دیوار غرفه و محراب (داود) بالا رفتند به تو رسیده است

هنگامی که (ناگهانی از طرف دیوار بدون اجازه) وارد بر داود شدند و او از آنها به هراس افتاد، گفتند: مترس، دو دسته متخاصم هستیم که برخی از ما بر برخی دیگر تعدی کرده، پس میان ما به حق داوری کن و از راه عدل منحرف مشو، و ما را به راه راست هدایت نما

همانا این شخص برادر من است و او را نود و نه میش است و مرا یک میش، و به من گفت که آن را نیز به من واگذار، و در گفتگو بر من غلبه نموده است

گفت: مسلّما او در مطالبه الحاق میش تو به میش های خود بر تو ستم کرده، و حقّا که بسیاری از آنان که اموالشان به هم مخلوط است بر یکدیگر تعدی می کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته بجا آورده اند، و آنها بس اندکند. (و به ناگاه) داود دانست که ما او را (در این داوری شتابزده) آزمایش کرده ایم، پس از پروردگار خود آمرزش خواست و رکوع و سجده کنان به رو درافتاد (و به خدا) بازگشت

پس ما آن را (آن ترک اولی را که به مجرد طرح دعوی پیش از سؤال از مدّعی علیه قضاوت تعلیقی کرده، و یا در محاکمه صوری فرشتگان در کیفیت داوری خطا نموده) بر او بخشیدیم، و البته او را در نزد ما (در دنیا) قرب و منزلتی و (در آخرت) خوشی بازگشت و جای بازگشتی نیکوست

(سپس گفتیم) ای داود، ما تو را در روی زمین خلیفه (خود) قرار دادیم، پس میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا گمراه سازد، مسلّما کسانی که از راه خدا گمراه می شوند آنها را عذابی سخت است در برابر آنکه روز حساب را فراموش کردند

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ

۲۸

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ

۲۹

كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا ءَايَاتِهِ ۚ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

۳۰

وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَنَ ۚ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ

۳۱

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّفِنتُ الْجِيَادُ

۳۲

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ

۳۳

رُدُّوهَا عَلَيَّ ۖ فطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ

۳۴

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ ۖ وَالْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ ۚ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ

۳۵

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا ۖ لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي ۖ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

۳۶

فَسَحَرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ ۚ رُحَاءَ حَيْثُ أَصَابَ

۳۷

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ

۳۸

وَعَاخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

۳۹

هَٰذَا عَظَاؤُنَا فَأَمَّنْ أَوْ أَمْسِكْ ۖ بَغِيرِ حِسَابٍ

۴۰

وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّعَآبٍ

۴۱
۳۹۴ر

وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ ۖ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ ۖ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ ۚ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ

۴۲

أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ ۖ هَٰذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ

و ما آسمان و زمین و آنچه را میان آن دو هست لغو و بیهوده نیافریدیم، آن گمان کسانی است که کفر ورزیدند، پس وای به حال کسانی که کافر شدند از آتش (دوزخ)

آیا ما کسانی را که ایمان آورده و عمل های شایسته انجام داده اند (در مقام پاداش) همانند فسادانگیزان در روی زمین قرار می دهیم؟ یا پارسایان را مانند گنهکاران می سازیم؟

(این قرآن) کتابی پرخیر و برکت است که بر تو فروفرستادیم تا آیات آن را تأمل و پی گیری کنند (و به معارف عمیق آن برسند) و برای آنکه صاحبان خردها (ی ناب) متذکر شوند

و ما به داود (فرزندش) سلیمان را بخشیدیم، نیکو بنده ای بود، حقا که بسیار رجوع کننده (به سوی ما) بود

(و به یاد آر) زمانی که در پایان روز، اسبان نجیب و تندرو بر او عرضه شد

گفت: من دوستی اسبان جهاد را از سر یاد پروردگارم دارم (و سرگرم تماشا شد) تا آنها از نظر غایب شدند یا خورشید غروب کرد (و یا مشغول تماشای اسب ها گردید تا وقت و ردش گذشت) گفت: همانا من دوستی اسبان را (ناآگاه) بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا خورشید در حجاب شد (پس من ترک اولی کردم)

(گفت) اسب ها را بازگردانید، پس شروع کرد به کشیدن دست به ساق ها و گردن ها (ی آنها به قصد وقف نمودن همه در راه جهاد)

و همانا ما سلیمان را (درباره فرزندش که مطمئن بود فرزندی برومند شود) آزمودیم و بر روی تختش جسدی (بی جان از وی) افکندیم، سپس به سوی خدا بازگشت (و تسلیم حق شد)

گفت: پروردگارا، مرا ببخش، و به من حکومتی (به نحو اعجاز) عطا کن که برای احدی بعد از من (در مقام تربیت جامعه بشری) سزا نباشد، زیرا که تویی بسیار بخشنده

پس ما باد را مسخر او کردیم، که به فرمانش به هر سو که می خواست به نرمی روان می شد

و نیز شیطان ها (ی اجنه) را از هر بتّا و غوآصی (برای احداث بنا و استخراج جواهر از دریا مسخر او کردیم)

و نیز شیاطین دیگر را (برای آنکه در کشورش فساد نکنند) با هم در غل و زنجیر (رام او کردیم)

(گفتیم) این عطای ماست، پس (به هر کس بخواهی) بی حساب (در دنیا) و بدون محاسبه (در آخرت) عطا کن

و البته او را در نزد ما قرب و منزلتی (در دنیا) و نیکی بازگشت و جای بازگشتی نیکو (در آخرت) است

و (به یاد آور) بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگار خود را ندا درداد که شیطان رنج و عذابی (از اضرار بدنی و اتلاف اموال و اولاد) به من رسانده است

(به او گفتیم) پای خود را (بر زمین) بکوب (و چون کوبید چشمه ای جوشید، گفتیم) این چشمه ساری خنک برای شستشو و نوشیدن است

وَوَهَبْنَا لَهُٗٓ أَهْلَهُۥٓ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِّأُولِي
الْأَلْبَابِ

۴۴

وَحُذِّبِيكَ ضِعْفًا فَأَضْرِبِ بِهِۦ وَلَا تَحْنُتْ ۖ إِنَّا وَجَدْنَاهُ
صَابِرًا نَّعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُٗٓ أَوَّابٌ

۴۵

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ ۖ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۖ أُولَى الْأَيْدِي
وَالْأَبْصَرِ

۴۶

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ

۴۷

وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ

۴۸

وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ ۖ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ

۴۹

هَٰذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَّآبٍ

۵۰

جَنَّتِ عَدْنٍ مُّفْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ

۵۱

مُتَكِّئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَلَكَهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ

۵۲
حزب
۱۸۳

وَعِنْدَهُمْ قَصِرَتُ الْأَظْفَارُ ۖ أَثَرَابٌ

۵۳

هَٰذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ

۵۴

إِنَّ هَٰذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُٗ مِنْ نَّفَادٍ

۵۵

هَٰذَا وَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ لَشَرَّ مَآبٍ

۵۶

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَيَبْسُ الْمِهَادُ

۵۷

هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ

۵۸

وَعَاخِرُ مِنْ شَكْلِهِۦٓ أَزْوَاجٌ

۵۹

هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ ۖ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ

۶۰

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ ۖ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ
الْقَرَارُ

۶۱

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَرِذْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ

و (مجددا) خاندان او را (که جز همسرش همه از دستش
رفته بودند) و مثل آنها را همراه آنان به او بخشیدیم، تا
رحمتی از جانب ما و تذکری برای صاحبان خرد ناب باشد

و (به او گفتیم: برای وفا به سوگند تأذیب همسرت) دسته
ای از ترکه برگیر و با آن (آهسته بر وی) بزن و سوگند خود
را مشکن حقا که او را شکیبا یافتیم، چه نیکو بنده ای، همانا
او بسیار رجوع کننده (به سوی ما) بود

و به یاد آر بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب، آن
صاحبان نیروها (ی علمی و جسمی و مالی) و بصیرت ها (در
امور مادی و معنوی) را

ما آنها را به صفت ناب و خالصی که (غرق) یاد خانه آخرت
بودن است برگزیدیم

و البته آنها در نزد ما از برگزیدگان و نیکانند

و به یاد آر اسماعیل و الیسع و ذو الکفل را که همه از
نیکان بودند

این (سرگذشت پیامبران) یاد نیکی است و حتما برای
پرهیزکاران بازگشتی نیک و فرجامی نیکوست

بهشت های جاودانی که درهای آنها به رویشان باز است (و
هیچ دری نیاز به کلید ندارد)

در آنجا تکیه زنان (بر تخت ها) میوه های فراوان و نوشیدنی
را (از غلامان و نوجوانان بهشتی) طلب می کنند

و در نزد آنهاست زنانی نظر فرو هشته از غیر شوهر،
همگوان با یکدیگر (در سنّ و جمال و با همسر در نور و
کمال)

این (نعمت ها) همان است که برای روز حساب وعده داده
می شدید

این (نعمت ها) روزی ماست که هرگز آن را پایانی نیست

این است (حال و محلّ متّقین) و حتما برای طغیانگران
بازگشتی بد و بدترین محل بازگشت است

جهنمی که در آن وارد می شوند و حرارت آن را می چشند، و
بد آرامگاهی است

این آب جوشان و چرکاب (سوزان جهنم) است که باید آن را
بچشند

و انواع عذاب ها و خوردنی های دیگری از جنس آن (که باید
بچشند)

(به سران ضلالت از علماء سوء و حکام جور، به هنگام ورود
پیروانشان در آتش گفته می شود) اینان فوجی (از تابعان
شما) هستند که به اجبار با شما وارد آتشدند. آنها می گویند:
خوشی و وسعت مباد بر آنها چرا که آنها نیز وارد آتش و
چشنده آنند

(تابعان) گویند: بلکه بر شما خوشی مباد (زیرا) شما این
آتش را برای ما پیش آوردید، که بد قرارگاهی است

(و باز می گویند) پروردگارا، هر کس این (وضع) را برای ما
پیش آورده او را عذابی دوچندان در آتش بیفزای (عذاب
خودشان و عذاب گمراه کردن ما را)

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ

۶۳

أَتَخَذْنَهُمْ سِحْرِيًّا أَمْ رَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَرُ

۶۴

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ

۶۵

۳۹۵ر

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِّ إِلَهِ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

۶۶

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّ

۶۷

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ

۶۸

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ

۶۹

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ

۷۰

إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنْمَأ أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

۷۱

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي خَلِيقُ بَشَرًا مِّن طِينٍ

۷۲

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ

۷۳

فَسَجَدَ الْمَلَكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

۷۴

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ

۷۵

قَالَ يٰإِبْلَيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي ۖ
اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ

۷۶

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ

۷۷

قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَاجِعٌ

۷۸

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

۷۹

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

۸۰

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ

۸۱

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

۸۲

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

۸۳

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ

(و اهل آتش) گویند: ما را چه شده که مردانی را که (در دنیا) از اشرار و بدان می شمردیم (اسلام گرایان و دین طلبان، در اینجا) نمی بینیم؟

آیا آنها را (به ناحق) به مسخره گرفتیم (و حال در بهشت اند) یا چشمان ما از آنها منحرف است (و گرنه در اینجايند)؟

به یقین این مخاصمه و ستیزه گری اهل آتش با یکدیگر ثابت و واقع شدنی است

بگو: جز این نیست که من بیم دهنده هستم و بس (نه مأمور به جنگ و نه فعلا موظف به اجرای احکام و نه پاداش و کیفردهنده) و هیچ معبودی جز خداوند یکتا (در الوهیت و ربوبیت و عبادت و طاعت) و قهار (و غالب بر همه هستی) نیست

همان پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه در میان آن دو است، خدای مقتدر شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده

بگو: این (قرآن و خبر از قیامت) خبری است بزرگ

که شما از آن رویگردانید

مرا (پیش از این) دانشی به (گفتگوی) ملاّ اعلی (و فرشتگان عالم بالا) هنگامی که با هم (درباره خلقت آدم) گفتگو و محاجّه داشتند نبود

(زیرا) به من چیزی وحی نمی شود جز آنکه من بیم کننده ای آشکار هستم و بس

(برای توجه به گفتگو و محاجّه ملاّ اعلی به یاد آر) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من تصمیم بر آفریدن بشری از گل دارم

پس چون ساخت کالبد او را کامل کردم و از روح خود (از موجود زنده بالذات و زندگی بخش مخلوق و منسوب به خود) در آن دمیدم پس همگی سجده کنان در برابر او درافتید

پس فرشتگان همگی یکسره سجده کردند

مگر ابلیس که تکبر ورزید و (پیش از آن) از کافران بود

(خداوند) گفت: ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد از اینکه به چیزی که من با دو دست خود (بلاواسطه و با اراده خود) آفریدم سجده کنی؟ آیا تکبرّ ورزیدی یا واقعا از برترین ها بودی

گفت: من از او بهترم، زیرا مرا از آتش آفریدی و او را از گل (و آتش از گل بهتر است، پس تولد یافته از بهتر نیز بهتر خواهد بود)

(خداوند) گفت: پس از آنجا (از آسمان ها و از میان فرشتگان و از مقام قرب الهی) بیرون شو، که تو حتما رانده شده ای

و به یقین لعنت من بر تو تا روز جزا خواهد بود

گفت: پروردگارا، پس مرا تا روزی که آنها برانگیخته می شوند مهلت ده

گفت: همانا تو از مهلت یافتگانی

تا روز زمان معین (روزی که تکلیف از انسان ها به نفخه اول صور سلب گردد)

گفت: به عزّت سوگند که همگی آنها را (نسل آدم را تا انقراضشان) اغوا نموده و از راه به در خواهم کرد

مگر بندگان خالص شده و برگزیده تو از میان آنها را (که روح و جسدشان را از پلیدی کفر و فسق خالص نموده ای)

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأُهُ بَعْدَ حِينٍ

۳۹. زمر

الرُّمَر: گروه‌ها

مکی

۷۵ آیه

۱۰ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ سُبْحَانَهُ ۚ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ۖ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

گفت: حق از من است و من حق می گویم

که حتما جهنم را از تو (و همه ذرّیه و قبیله تو) و از هر کس از آنان (از جنس بشر) که پیروی تو کنند یکسره پر خواهم کرد

بگو: من بر این (رسالت و کتاب) هیچ پاداشی از شما نمی طلبم، و من از کسانی که چیزی را بر خود ببندند و ادعای بیجا کنند نیستم

این (قرآن) جز تذکر و یادآوری برای همه جهانیان نیست

و البته خبر آن را پس از مدتی خواهید دانست (به تدریج تا انقراض نسل بشر، حقایق و معارف آن برای جامعه انسانی و پیروزی آن بر سایر ادیا

فرو فرستادن این کتاب از جانب خدایی است که دارای اقتدار و غلبه (بر همه چیز) و متانت و اتقان (در تکوین و تشریع) است

همانا این کتاب را به سوی تو به حق (و بر وفق غرضی برتر و عقلایی) فرو فرستادیم، پس خدا را در حالی که اعتقاد و طاعت را برای او خالص کرده باشی پرستش کن

آگاه باشید که آیین و اعتقاد و طاعت خالص از آن خداست، و کسانی که به جای خدا سرپرستان و اربابی (از فرشتگان و اجّّه و قدّیسین بشر) اتخاذ کرده اند (می گویند) ما آنها را نمی پرستیم جز برای آنکه هر چه بیشتر ما را به خدا نزدیک کنند، همانا خداوند میان آنها (و مؤمنان) در آنچه اختلاف می نمایند (در روز قیامت) داوری خواهد کرد، البته خداوند کسانی را که دروغگو و کافر و ناسپاسند هدایت نمی کند

اگر خدا می خواست فرزندی بگیرد حتما از (میان) آنچه می آفریند آن را که می خواست برمی گزید، (لکن) او منزّه است، او خداوند یکتا و غالب و مسلّط (بر همه چیز) است

آسمان ها و زمین را به حق (و برای هدفی والا و غرضی عقلایی) آفریده، همواره شب را (به تدریج به تناسب فصول و ایام و اقالیم و منطقه ها) بر روز می پیچد و روز را بر شب می پیچد، و خورشید و ماه را (در تحت اراده خود به نفع بندگان^ش) مسخر نموده، هر یک (در سیر مستقیم یا دایره ای خود) تا مدتی معین (که قیام قیامت است) در جریان است آگاه باش که اوست مقتدر شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده

خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنزَلَ
لَكُمْ مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَنِيَّةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ
أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمْ
اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَلَىٰ تَصَرُّفُونَ

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ
الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ
أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ
تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ
نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوًّا إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ
أُنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ
مِن أَصْحَابِ النَّارِ

أَمَّنْ هُوَ قَنِتٌ ءَانَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْأَخِرَةَ
وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ
لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

قُلْ يَٰعِبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي
هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ
أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ

همه شما را از یک فرد انسانی (جدّ اعلایان آدم) بیافرید، سپس (در کیفیت آفرینشتان) همسر او (حوّا) را از نوع او خلق نمود (و با ازدواج آنها بنی نوع بشر وجود یافت و یا آنکه) شما جانداران را از یک جاندار تک سلولی آفرید سپس (با تکثیر آن) برایش جفت قرار داد (و از این راه همه جانداران روی زمین پدید آمد)، و برای شما از چهارپایان هشت قسم (شتر، گاو، گوسفند، بز، از هر یک نر و ماده از خزاین غیب به جهان شهود) فرود آورد، شما (و چهارپایاتان) را در شکم های مادرانتان با آفرینشی پس از آفرینشی در میان تاریکی های سه گانه (مشیمه، رحم و شکم) می آفریند این است خداوند، پروردگار شما، مالکیت و حاکمیت جهان هستی از آن اوست، جز او معبودی نیست، پس چگونه و به کجا (از او) برگردانده می شوید؟

اگر کفر بورزید بی تردید خداوند از شما بی نیاز است و (به او ضرری نمی زنید لکن از روی رحمت) کفر را بر بندگان نمی پسندد، و اگر شکرگزاری آن را برای شما می پسندد، و هیچ نفس گنهکاری بار گناه دیگری را بر نمی دارد، سپس بازگشت شما به سوی پروردگارتان است، پس شما را از آنچه انجام می دادید آگاه خواهد ساخت، زیرا او به آنچه در میان سینه هاست (از تصورات و تصدیقات و صفات روحی) داناست

و چون انسان (بی ایمان یا سست ایمان) را آسیب و زبانی برسد (مانند خطر غرق و مرض مهلک) پروردگار خود را در حال بازگشت (قهری) به سوی او می خواند، سپس چون نعمتی از جانب خود (نعمت نجات و غیره) به او عطا کند آنچه را که به خاطر آن در گذشته خدا را می خواند فراموش می کند و (دوباره) برای او شریکانی (از بت و غیره) قرار می دهد تا (مردم را) از راه او گمراه سازد! بگو: به کفر خویش اندک مدتی برخوردار باش، که حتما از اهل آتش خواهی بود

(آیا آن کافر اهل عذاب بهتر است) یا کسی که ساعات شب را در حال سجود و قیام، طاعت و خضوع دارد، از (عذاب) آخرت می ترسد و رحمت پروردگار خود را امیدوار است؟ بگو: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟ جز این نیست که تنها صاحبان خرد ناب متذکر می شوند

بگو: ای بندگان من که ایمان آورده اید، از پروردگارتان پروا کنید برای کسانی که در این دنیا نیکی (اعتقادی و عملی) کرده اند، پاداشی نیکو (در دنیا و آخرت) است و زمین خداوند فراخ است (اگر در محلی نتوانید دینداری کنید به محلی دیگر هجرت نمایید) جز این نیست که به شکیبایان پاداششان بی شمار و بی حساب به نحو کامل داده می شود

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

قُلِ اللَّهُ أَعْبُدْهُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِّنْ دُونِهِ ۚ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۗ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ۚ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُۥ يَعْبَادِ فَاتَّقُوا

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُوْلُوا الْأَلْبَابِ

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ

لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرْفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَنُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ

بگو: من مأمور شده ام که خدا را در حال اخلاص طاعت و اعتقاد پرستش نمایم

و مأمور شده ام که نخستین فرد تسلیم شوندگان (به این دین و کتاب) باشم

بگو: همانا اگر پروردگارم را عصیان کنم از عذاب روزی بزرگ بیم دارم

بگو: من فقط خدا را در حالی که اعتقاد و طاعتم را برای او خالص کرده ام می پرستم

پس شما به جز او هر چه را خواستید بپرستید. بگو: بی تردید زیانکاران (واقعی) کسانی هستند که نفس خود و کسان خود را در روز قیامت به زیان داده باشند، آگاه باشید که آن همان زیان روشن است

برای آنها از بالای سرشان سایه بان هایی از آتش و از زیر پایشان نیز سایه بانها (ی آتشین طبقه پایین) است. این (عذاب) است که خداوند بندگانش را بدان بیم می دهد که ای بندگان من از من پروا کنید

و کسانی که از هر طاغوت سرکش و معبودی جز او دوری گزیدند که مبادا او را پرستش کنند، و به سوی خدا بازگشتند، بشارت باد آنها را، پس مژده ده بندگان مر

آتهایی که سخنان را گوش فرا می دهند و از بهترین آنها پیروی می کنند، آنها هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها هستند که صاحبان خرد نابند

پس آیا کسی که کلمه عذاب درباره او (در علم ازلی الهی و لوح محفوظ به سبب طغیانش) محقق و ثابت شده (نجات می یابد)؟ آیا کسی را که در (میان) آتش است می توانی رهایی بخشی؟

لکن کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند برای آنها غرفه هایی است که بر بالای آنها نیز غرفه هایی است ساخته شده، که از زیر آنها نهرها روان می گردد وعده خداست (و) خدا هرگز خلف وعده نمی کند

آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی (به شکل باران و برف و تگرگ) فرو فرستاد پس آن را در زمین وارد چشمه سارها نمود، آن گاه به وسیله آن گیاهانی را به انواع گوناگون (سبزیجات، حیوبات، میوه جات) بیرون می آورد، سپس رشد آنها تمام شده خشک می شود، پس آن را زرد شده بینی، سپس آنها را به صورت خاشاک درمی آورد. همانا در این (آفرینش و فنا) تذکر و تنبّه برای صاحبان خرد ناب است (تذکر فنای دنیا و مسأله حیات پس از مرگ)

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِٗٓ
فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ
مُّبِينٍ

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَبِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ
مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ
إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِٗ مَن يَشَآءُ وَمَن
يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ

أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِٗ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَقِيلَ
لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَاَتَتْهُمْ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا
يَشْعُرُونَ

فَاَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ
اَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ
يَتَذَكَّرُونَ

قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشٰكِسُونَ وَرَجُلًا
سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَّيِّتُونَ

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ

پس آیا کسی که خداوند سینه او را برای (پذیرش) اسلام
گشاده، پس او (در زندگی خود) بر پایه نوری از پروردگار
خویش است (دینی که راه های اعتقاد و عمل را روشن می
کند مانند انسانی تاریکدل است)؟ پس وای به حال کسانی
که دل هایشان در اثر غفلت از یاد خدا سخت گردیده، آنها
در گمراهی آشکاری هستند

خداوند بهترین گفتار را فرو فرستاده (به صورت) کتابی (که)
تمام آیات آن در فصاحت لفظ و متانت بیان و عمق محتوی)
شبیه یکدیگر که هر یک از آیاتش معطوف به دیگری و
روشنگر و مفسّر دیگری است از (شنیدن) آن پوست های
(بدن) کسانی که از پروردگارشان می ترسند به لرزه می
افتد، سپس پوست ها و دل هایشان نرم شده و آرامش و
اطمینان به خدا پیدا می کنند. این (حالت) هدایت خداوند
است که هر که را بخواهد بدان راهنمایی می کند، و هر که
را خدا در گمراهی واگذارد (توفیقاتش را از او سلب کند)
هرگز او را راهنمایی نخواهد بود

پس آیا کسی که (به واسطه بسته بودن دست هایش) با
صورت خود از عذاب بد و سخت در روز قیامت می پرهیزد
(مانند کسی است که ایمن از هر عذاب است)؟! و به
ستمکاران گفته می شود: بچشید کیفر آنچه را از گناهان که
به دست می آوردید و یا تجسم و تبلور یافته عینی آن
اعمال را بچشید

کسانی که پیش از اینان بودند نیز (پیامبران خود را)
تکذیب نمودند، پس عذاب (خداوند) از جایی که حدس نمی
زدند بر آنها وارد شد

پس خداوند خواری و ذلت را در زندگی دنیا (به غرق و
میحه آسمانی و زلزله و سنگ باران و مسخ) به آنها
چشانید، و مسلّما عذاب آخرت بزرگتر است، اگر می
دانستند

و حقیقت این است که ما در این قرآن برای مردم از هر
گونه مثالی زدیم، شاید متذکّر شوند

قرآنی عربی، که بدون هیچ گونه کجی و انحراف (در الفاظ و
معانی) است، شاید پرهیزند

خداوند (برای مشرک و موحد) مثالی زده است: مردی برده
را که چندین مولای بد خلق و مختلف الاراده در او شریکند
(هر یک او را به سوی دستور خود می کشد)، و مردی را که
تنها برده یک مرد است (که به هر چه امر کند مزاحمی
ندارد)، آیا این دو (در اوصاف و حالات) مساویند؟ ستایش
خدا راست (و حقانیت این امر مخفی نیست) بلکه بیشتر
آنها نمی دانند

تو مسلّما خواهی مرد و آنها نیز بی تردید خواهند مرد

سپس همه شما روز قیامت در نزد پروردگارتان مخاصمه
خواهید نمود

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُۥٓ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ

۳۳

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

۳۴

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

۳۵

لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

۳۶

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِۦ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

۳۷

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُّضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ

۳۸

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُولُنَّ ۗ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَتُ ضَرِّهِۦ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِهِۦ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

۳۹

قُلْ يٰٓقَوْمِ اَعْمَلُوا عَلٰٓى مَكَانَتِكُمْ اِنِّىۡ عَمِلٌ فَسُوۡفَ تَعْلَمُوۡنَ

۴۰

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بست (فرزندانی و شریکانی برای او قائل شد) و آنچه را که راست است (رسالت و کتاب تو را) وقتی به او رسید تکذیب نمود؟! آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست؟

و آن کس که صدق و راستی آورد و خود آن را تصدیق نمود (همانند یکا یک پیامبران که دین حق خود را تصدیق نموده اند) آنانند که پرهیزگاران واقعی (و در مرتبه عصمت) اند. و آن کس که صدق و راستی آورد (چون پیامبر اسلام) و آن که (از این امت) او را تصدیق نمود آنها همه پرهیزگاران واقعی اند

برای آنهاست در نزد پروردگارشان هر چه بخواهند این است پاداش نیکوکاران

تا خداوند عمل های بدتر آنها را (چه رسد به بد را) ببامزد، و آنها را در مقابل بهترین عمل هایی که می کرده اند پاداش دهد

آیا خداوند کفایت کننده (امور) بنده اش نیست؟! و تو را از کسانی غیر او می ترسانند! و هر کس را خداوند در گمراهی واگذارد هرگز او را راهنمایی نخواهد بود

و هر کس را خدا هدایت نماید هرگز او را گمراه کننده ای نیست. آیا خداوند مقتدر غالب و صاحب کیفرخواهی نیست؟

و اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده بی شک خواهند گفت: خدا، (زیرا آنها معبودهایشان را شریک در ربوبیت و تربیت می دیدند نه در الوهیت و خالقیت)، بگو: پس به من خبر دهید آنچه به جای خدا می خوانید، اگر خداوند ضرر و زبانی بر من اراده کند آیا آنها زداينده ضرر او هستند؟ یا اگر او قصد رحمتی به من نماید آیا آنها جلوگیرنده رحمت او هستند؟ بگو: خدا برای من کافی است، که اهل توکل تنها بر او توکل می کنند

و اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده بی شک خواهند گفت: خدا، (زیرا آنها معبودهایشان را شریک در ربوبیت و تربیت می دیدند نه در الوهیت و خالقیت)، بگو: پس به من خبر دهید آنچه به جای خدا می خوانید، اگر خداوند ضرر و زبانی بر من اراده کند آیا آنها زداينده ضرر او هستند؟ یا اگر او قصد رحمتی به من نماید آیا آنها جلوگیرنده رحمت او هستند؟ بگو: خدا برای من کافی است، که اهل توکل تنها بر او توکل می کنند

بگو: ای قوم من، شما روی وضع و حال خود (از آیین و اعتقاد) عمل کنید، من هم (در حال تسلیم و ایمان) عمل کننده ام، پس به زودی خواهید دانست

که چه کسی را (در دنیا) عذابی می رسد که خوار و رسوایش کند و (در آخرت) بر وی عذابی دائم وارد شود

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا ۖ فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ ۚ قُلْ أُولَٰئِكَ لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا ۖ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۖ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَا فُتَدُوا بِهِ ۚ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ

حقیقت این است که ما این کتاب را به حق به خاطر مردم بر تو فرو فرستادیم؛ پس هر که هدایت یابد به سود خویش هدایت یافته، و هر که گمراه گردد جز این نیست که به زیان خود گمراه می شود، و تو متکفل امور آنها نیستی (که موظف به رساندن ایمان بر دل هایشان باشی که آن کار خداوند است)

خداست که (حقیقتاً) ارواح مردم را در هنگام مرگشان به طور کامل می گیرد (که علاقه ای میان جان و تن نمی ماند) و از آن که نمرده در حال خواب (به نحو ناقص می گیرد، و علقه ظاهری قطع، و باطنی می ماند)، پس آن روح را که مرگش را مسلم کرده (در عالم برزخ) نگه می دارد و آن دیگری را (به سوی بدنش) تا مدتی معین روانه می دارد. بی تردید در این (امر) نشانه هایی (از قدرت و حکمت حق و آمدن قیامت) است برای گروهی که می اندیشند

بلکه آنان به جای خدا شفیعی گرفته اند (نظیر بت ها که آنها را شفیعان می گفتند)! بگو: آیا (آنها را شفیع می دانید) هر چند چیزی را مالک نباشند یا چیزی را ندانند؟

بگو: شفاعت و وساطت تماما از آن خداوند است (چه وساطت های تکوینی میان علت و معلول ها در دنیا و چه شفاعت های عالم آخرت زیرا) ملکیت حقیقی و مالکیت آسمان ها و زمین از آن اوست (به ملاک آنکه آفرینش و حفظ و تدبیر و فانی کردن همه به دست اوست) سپس همه شما به سوی او بازگردانده می شوید

و چون خداوند به تنهایی یاد شود دل های کسانی که به آخرت ایمان ندارند منزجر و متنفر گردد، و چون کسانی دیگر جز او (بت ها) یاد شوند به ناگاه خوشحالی می کنند

(آن گاه که از ایمان آنها مأیوس شدی) بگو: خداوند، ای آفریننده آسمان ها و زمین، دانای نهان و آشکار، تویی که در میان بندگان در آنچه (در دنیا) اختلاف می کردند (در عالم آخرت) داوری خواهی کرد

و اگر برای کسانی که (به واسطه کفر به خویشتن) ستم کرده اند آنچه در زمین است و همانند آن همراه آن باشد بی تردید همه را برای نجات از بدی و سختی عذاب در روز قیامت فدا می دهند و برای آنها از جانب خدا آنچه را که گمان نمی کردند (از شدت عذاب) پدید می آید

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِۦ
يَسْتَهْزِءُونَ

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ
إِنَّمَا أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍۭٔ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَ أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ

قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَٰؤُلَاءِ
سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ

أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ
فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ
رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ

وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُۥ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ
الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ
يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يٰحَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ
وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ

و برای آنها عمل های بد و کیفرهای اعمالشان ظاهر گردد، و آنچه را که (در دنیا) بدان استهزا می کردند (از سختی های قیامت و عذاب های گوناگون جهنم) بر آنها فرود آمده، احاطه خواهد کرد

آری، هر گاه انسان را ضرر و زبانی رسد ما را فرا می خواند، سپس چون که نعمتی را از جانب خود به او عطا کردیم می گوید: جز این نیست که من آن را روی کاردانی خود داده شده ام (نه) بلکه امتحانی است (از جانب خدا) و لکن بیشترشان نمی دانند

همانا این سخن را کسانی که پیش از آنها بودند نیز (مانند قارون و یارانش) گفتند، پس آنچه (از اموال) کسب می کردند چیزی (از عذاب خدا) را از آنها دفع نکرد

پس کیفرهای بد دستاوردشان به آنها رسید و کسانی از اینان (کفار مکه) که ستم کرده اند نیز به زودی کیفرهای بد کسبشان به آنها می رسد و هرگز عاجزکننده ما (از انتقام) نیستند

آیا ندانسته اند که خداست که روزی را برای هر کس که بخواهد می گسترد و تنگ می کند؟ حقا که در این (امر) نشانه هایی است (از قدرت و تدبیر و حکمت خدا) برای گروهی که ایمان آرند

بگو: ای بندگان من که در جنایت به خویش (به واسطه گناه) از حد گذشتید، از رحمت خدا نومید مگردید، بی تردید خداوند همه گناهان را (به وسیله توبه هر چند شرک باشد) می آمرزد، زیرا اوست آمرزنده و مهربان

و به سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم او شوید، پیش از آن که عذاب (ناگهانی دنیا و یا عذاب آخرت) به شما برسد و دیگر یاری نشوید

و از بهترین چیزها که از جانب پروردگارتان بر شما فرو فرستاده شده (واجبات اعتقادی و عملی و فضایل نفسانی) پیروی کنید، پیش از آنکه عذاب ناگهانی بر شما فرا رسد در حالی که آگاه نباشید

(خدا شما را پند می دهد) که مبدا کسی (در روز قیامت) بگوید: ای دریغ بر تقصیری که درباره خداوند کردم! و حقیقت این است که من از مسخره کنندگان بودم

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

۵۸

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ
الْمُحْسِنِينَ

۵۹

بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ ءَايَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ
الْكَافِرِينَ

۶۰

وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ
أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ

۶۱

وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا
هُم يَحْزَنُونَ

۶۲

اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

۶۳

لَهُۥ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

۶۴

۴۰۲ز

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ تُأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ

۶۵

وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ
لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

۶۶

بَلِ اللَّهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ

۶۷

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ۚ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ
الْقِيَمَةِ ۚ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ ۚ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَى
عَمَّا يُشْرِكُونَ

یا بگوید: اگر خدا مرا هدایت می کرد مسلماً از پرهیزکاران
بودم

یا هنگامی که عذاب را ببیند گوید: ای کاش مرا بازگشتی
بود تا از نیکوکاران می شدم

(به او گفته شود) چرا، آیات و نشانه های من به سراغ تو
آمد اما تو تکذیب و انکار کردی و تکبر ورزیدی و از کافران
بودی

و روز قیامت کسانی را که بر خداوند دروغ بسته اند می
بینی که صورت هایشان سیاه است آیا در جهنم جایگاهی
برای متکبران نیست؟

و خداوند کسانی را که تقوا داشته اند به خاطر کامیابیشان
(از ایمان و عمل) نجات می بخشد آنها را نه بدی رسد و نه
غمگین گردند

و خداوند آفریننده (بلا واسطه و با واسطه) همه اشیاء است،
و او متکفل تدبیر همه چیز است

گنجینه های آسمان ها و زمین و کلیدهای آنها از آن اوست،
(ماهیات آنچه قابل خروج به عالم وجود است در علم ازلی
او، و کلید همه آنها که کاف و نون است در اختیار اوست) و
کسانی که به آیات خدا کفر ورزیده اند آنها هستند که
زیانکارند

بگو: پس آیا به من دستور می دهید که غیر خدا را بپرستم
ای نادان ها

و در حقیقت به سوی تو و به کسانی (از پیامبران) که پیش
از تو بودند وحی شده که اگر (به خداوند) شرک ورزی عمل
های خیرت باطل و تباه گردد (پاداش اخرویش ساقط و از
قابلیت تجسم در عالم دیگر می افتد) و حتما از زیانکاران
خواهی بود

بلکه تنها خدا را بپرست و از سپاسگزاران باش

و (قدرت و عظمت) خدا را به سنجشی که شایان مقام اوست
(هر چند در خور استعداد بشری خویش) نسنجیدند و
نشناختند و حال آنکه (کره) زمین روز قیامت یکسره در
قبضه (قدرت) اوست و همه آسمان ها در هم پیچیده به
دست پراقتدار اوست او منزّه است و از آنچه شریکش می
پندارند برتری دارد

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَتْ بِالتَّيِّبِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

و در صور (به نخستین نفخه) دمیده شود، پس هر که در آسمان ها و هر که در زمین است هلاک گردد جز آن کس که خدا خواهد (از کسانی که مرگ اول را چشیده و در برزخند و مردگان این نفخه نیز به آنجا می روند)، سپس بار دیگر در آن (به نفخه دوم) دمیده شود پس به ناگاه همگی آنان به پا خاسته می نگرند (و منتظر فرمان مالک آن روز می مانند)

و (در آن روز روی) زمین به نور پروردگارش (نور خاصی که برای آن روز آفریده شده) روشن گردد، و کتاب (بزرگ لوح محفوظ که اعمال اهل محشر نیز در آن مندرج است، در یک سو) نهاده شود و همه پیامبران و گواهان (اعمال از معصومین و فرشتگان و متقین) آورده شوند و میان آنها (اهل محشر) به حق داوری گردد و به آنها ستم نرود و از استحقاقشان کم نشود

و به هر کس (پاداش) آنچه کرده به تمام داده شود و او (خداوند) به آنچه انجام می دهند داناتر است

و کسانی که کفر ورزیده اند گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند، تا آن گاه که بدان جا رسند درهایش گشوده گردد و نگهبانانش (از روی توبیخ و سرزنش) به آنها گویند آیا فرستادگانی از (جنس) خودتان به سوی شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و شما را از ملاقات این روزتان بیم دهند؟ گویند: چرا، و لکن (ما بر کفر و عناد خود اصرار کردیم تا) وعده عذاب (الهی) بر کافران ثابت گردید

به آنها گفته شود: از درهای جهنم به عنوان اقامت جاودانی در آن وارد شوید، پس بد جایی است جایگاه متکبران

و کسانی که از پروردگارش پروا داشته اند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون بدان جا رسند و درهایش (به روی آنها) گشوده گردد (داخل شوند) و نگهبانانش به آنها گویند: سلام بر شما، (از نظر جسم و روح) پاکیزه شدید، پس به عنوان اقامت جاودانی در آن داخل شوید

و (بهشتیان پس از استقرار در بهشت) گویند: ستایش از آن خدایی است که وعده خود را درباره ما راست گردانید و سرزمین بهشت را به میراث به ما داد (سهم کسانی را که به فرض پذیرش دین شریک ما می شدند به ما داد) که هر جایی از بهشت را بخواهیم منزلگاه انتخاب می کنیم، پس نیکو پاداشی است پاداش عمل کنندگان

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۴۰. غافر

عَافِر: آمرزنده

مکی

۸۵ آیه

۱۰ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حم

۲

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

۳

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ

۴

مَا يُجَدِّلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقْلُبُهُمْ فِي الْبَلَدِ

۵

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرُسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

۶

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

۷

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

و فرشتگان را (در آن روز حلقه وار) احاطه کنندگان عرش (مقر سلطنتی حق و مرکز صدور فرمان های او) می بینی که همراه ستایش پروردگارشان تسبیح و تقدیس می کنند، و میان آنها (همه اهل محشر) به حق داوری شود، (و پس از پایان حوادث قیامت) گفته شود: همه ستایش و سپاس از آ

حاً، میم. رمزهایی است از جانب الله که به محمد (ص) القا شده. این کتاب مرکب از همین حروف است ولی احدی را توان مقابله با آن نیست. این کتاب دارای محکمت و این گونه متشابهات است. سوگند به حلم بی حد و ملک مطلق ما که آنچه در جریان قدر می گذرد از قضای ازل گذشته است و

فرو فرستادن این کتاب از جانب خدای مقتدر شکست ناپذیر و داناست

آمرزنده گناه و پذیرنده توبه، سخت کیفر، صاحب نعمت فراوان و پیوسته، معبودی جز او نیست بازگشت (همه کس و همه چیز) به سوی اوست

(کسی) در آیات (و معجزات) خدا مجادله و ستیزه نمی کند، جز کسانی که کفر ورزیده اند، (و سرانجام به کیفر خود می رسند) پس رفت و آمد آنها در شهرها (و وفور اموال و اولاد و اقتدارشان) تو را فریب ندهد

پیش از آنان نیز قوم نوح و احزابی که بعد از آنها آمدند (مانند قوم هود و صالح و لوط، پیامبرانشان را) تکذیب کردند، و هر امتی آهنگ رسول خود کردند تا او را بگیرند (تبعید یا زندانی کنند یا بکشند)، و به وسیله باطل، مجادله و ستیز کردند تا حق را بدان زایل و باطل سازند، پس آنها را بگرفتیم، پس (بنگر که) چگونه بود کیفر من

و همان گونه (که گذشتگان را بود) سخن پروردگارت بر همه کسانی که کفر ورزیده اند ثابت و مسجل است که آنها اهل آتش اند

کسانی (از فرشتگان) که عرش (مقر سلطنت حق و مرکز صدور فرامین تدبیر جهان) را حمل می کنند و کسانی که گرداگرد آنند، توأم با ستایش پروردگارشان تسبیح و تقدیس او می گویند، و به او ایمان (خاص مقام خود) می آورند و برای کسانی (از انسان ها) که ایمان آورده اند آمرزش می طلبند (و می گویند) پروردگارا، رحمت و علمت همه چیز را فرا گرفته، پس بر کسانی که توبه کرده و راه تو را (در عقیده و عمل) پیروی کرده اند ببخشای و آنها را از عذاب جهنم نکه دار

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ
ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ
وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقَّتِكُمْ
أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَنِ فَتَكْفُرُونَ

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَثْنَتَيْنِ وَأُحْيَيْنَا أَثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا
فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ

ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ
بِهِ تَوَمَّنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ

هُوَ الَّذِي يُرِيكُم ءَايَاتِهِ وَيُنَزِّل لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ رِزْقًا
وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ
يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ
الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

پروردگارا، و آنها را در بهشت های جاودانی که به آنان و به
مالحان از پدران و همسران و فرزندانشان وعده داده ای
داخل گردان، زیرا که تویی مقتدر شکست ناپذیر و صاحب
حکمت

و آنها را (در آخرت) از کیفر گناهان یا تجسم و تبلور عینی
گناهان در آن عالم نگه دار، و هر که را که در آن روز از
کیفر گناهان نگه داری حقا که او را مورد رحمت خود قرار
داده ای، و این همان کامیابی بزرگ است

همانا کسانی که کفر ورزیدند (گاهی که در جهنم بر خود و بر
یکدیگر بغض و خشم کنند) ندا می شوند که بی تردید
عداوت و خشم خدا بر شما بیشتر است از بغض و خشمتان
بر نفس خود و بر یکدیگر، چرا که به سوی ایمان دعوت می
شدید و کفر می ورزیدید

گویند: پروردگارا، (پس از زندگی دنیا و تحقق دعوت به
توحید) دو بار ما را میراندی و دو بار زنده کردی (میراندن
از دنیا و زنده کردن در برزخ و میراندن از برزخ و زنده
کردن در قیامت)، پس ما به گناهان خود (انکار حیات اول و
مرگ و حیات دوم) اعتراف کردیم، پس آیا راهی برای
بیرون آمدن (از اینجا) هست

این (عذاب ها) به سبب آن است که چون خدا به تنهایی
خوانده می شد (به وحدانیت او) کفر می ورزیدید و اگر به
او شرک آورده می شد (به آن) ایمان می آوردید! پس
داوری از آن خدای والا رتبه و بزرگ است

او همان است که آیات خود را (ادله عقلی و نقلی توحید خود
را) به شما نشان می دهد و برای شما از آسمان روزی
(مادی و معنوی) نازل می کند، و (این نعمت ها را) متذکر
نمی شود جز کسی که دل به خدا داده و به سوی خدا بازمی
گردد

پس خدا را در حالی که طاعت و عقیده را برای او خالص
کرده باشید بخوانید هر چند کافران نپسندند

خدایی که درجات کمالش بالا است و بالابرنده درجات مخلوق
خود، و صاحب عرش (فوق آسمان ها و مقرّ سلطه و مرکز
صدور فرمان تدبیر عالم) است، او (فرشته) روح را به
فرمان خود به هر کس بخواهد از بندگانش (انبیاء عظام)
القاء و ارسال می دارد تا (مردم را) از روز تلاقی و برخورد
بیم دهد (تلاقی ارواح برزخی با ابدان محشری، و همه احیا
شده ها با خدا، و مکلفان چهارگانه با یکدیگر، انسان ها،
فرشته ها، اجنه و شیطان ها، و تلاقی هر مکلفی با جزای
عمل های خود)

روزی که آنها (حاضرین در محشر) ظاهر و آشکارند، چیزی از
آنها بر خدا پنهان نمی ماند (و از جانب خدا گفته می شود)
امروز مالکیت و حاکمیت از آن کیست؟ (و گفته می شود) از
آن خداوند یکتای قهار است

الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظِيمٍ
مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٌ يُطَاعُ

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ
بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَءَانَارًا فِي الْأَرْضِ
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَرُونَ فَقَالُوا سَحِرٌ كَذَّابٌ

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ
ءَامَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي
ضَلَالٍ

امروز هر کسی در مقابل اعمالی که کسب کرده جزا داده می شود و یا تجسم و تبلور عین عملش جزاء او خواهد بود، امروز (از هیچ کس بر هیچ کس) ستمی نمی رود، همانا خداوند سریع الحساب است (و حساب همه انس و جن بر او طولانی و سنگین نیست)

و آنها را از روز آن حادثه نزدیک (روز قیامت) بیم ده هنگامی که دل ها (از هول و دهشت از جا کنده شود و) نزدیک گلوگاه ها رسد در حالی که اندوه خود را فرو می خورند (در آن روز) ستمکاران را نه خویشاوندی هست و نه شفاعتگری که گفتارش پذیرفته شود

او چشم های خیانتکار (یا خیانت چشم ها را مانند نگاه در موارد ممنوعه) و آنچه را که سینه ها پنهان می کنند (از کفر و افکار حرام و صفات رذیله) می داند

و خداست که (درباره خلق و تدبیر و تشریع) حکم می کند و کسانی که (مشرکان) به جای خدا می خوانند هیچ حکمی صادر نتوانند کرد، همانا خداوند است که شنوا و بیناست

و آیا آنها در زمین سیر نکردند تا بنگرند عاقبت کار کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بوده؟ آنها از اینان از نظر نیرو (ی انسانی و مالی) و آثار وجودی در روی زمین (مانند قلعه ها، شهرها و بناها) بیشتر و قوی تر بودند، پس خدا آنها را به کیفر گناهانشان مؤاخذه کرد و برای آنها نگهدارنده ای از (عذاب) خدا نبود

آن (مؤاخذه) بدین خاطر بود که فرستادگانشان بر آنها همواره دلایل روشن (توحید و نبوت خود) را می آوردند ولی آنها کفر ورزیدند، پس خدا آنها را به عذاب بگرفت، همانا او مقتدر و سخت کیفر است

و به تحقیق ما موسی را با آیات خود و برهانی آشکار و روشنگر فرستادیم

به سوی فرعون (طاغوت قبطیان) و هامان (وزیر او) و قارون (زراندوز طاغی بنی اسرائیل) پس گفتند: (این مرد) جادوگری است پس دروغ پرداز

پس چون حق را (توحید و ادله و معجزات را) از نزد ما برای آنها آورد، گفتند: پسران کسانی را که با موسی (به خدا) ایمان آورده اند بکشید و زنانشان را زنده گذارید اما مکر و نیرنگ کافران جز در گمراهی نیست (و هرگز به هدف نمی رسد)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ ۚ إِنِّي أَخَافُ
أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا
يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِّنْ عَالِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَنَهُ ۚ أَتَقْتُلُونَ
رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ ۚ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ
رَبِّكُمْ ۚ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ ۚ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا
يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ
مُسْرِفٌ كَذَّابٌ

يَقَوْمَ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا
مِنْ بَاسِ اللَّهِ ۖ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا
أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ

وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنَ يَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِّثْلَ يَوْمِ
الْأَحْزَابِ

مِثْلَ ذَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ ۚ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۚ وَمَا
اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ

وَيَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ

يَوْمَ تُولَوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ۚ وَمَنْ
يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

و فرعون (به مشاورینی که کشتن موسی را صلاح نمی دیدند) گفت: بگذارید موسی را بکشم و او پروردگار خود را بخواند (تا نجاتش دهد) زیرا می ترسم دیتان را (که پرستش من و بتان به عنوان ارباب زیر نظر اله است) تغییر دهد یا در این سرزمین (به ایجاد شورشی علیه دولت) تباهی به بار آورد

و موسی (در خطاب به فرعون و یارانش) گفت: همانا من به پروردگارم و پروردگار شما پناه برده ام از (شر) هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد

و مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمانش را (از آنان) پنهان می داشت گفت: آیا مردی را به (جرم) گفتن اینکه خدا پروردگار من است می کشید؟! در حالی که برای شما از جانب پروردگارتان دلایل روشنی آورده، و اگر دروغگو باشد دروغش به زیان اوست، و اگر راستگو باشد (حد اقل) برخی از آنچه وعده می دهد (از عذاب های دنیا و آخرت) به شما می رسد، همانا خداوند کسی را که اسرافکار و دروغ پرداز است هدایت نمی کند (و شما در فرض صدق او با این رفتارتان مسرف و کذابید)

ای قوم من، امروز مالکیت و حاکمیت از آن شماست و در این سرزمین غالب و برترید، پس اگر عذابی بر ما بیاید چه کسی ما را (در رهایی) از عذاب خدا یاری می دهد؟! فرعون گفت: من به شما جز آنچه (حقیقتاً) رأی من است رأی نمی دهم (که مصلحت در قتل موسی است) و شما را جز به راه راست هدایت نمی کنم

و آن که ایمان آورده بود گفت: ای قوم من، بی تردید من بر شما از (پیش آمدی) مانند روز احزاب می ترسم

از مثل روشی که درباره قوم نوح و (ملت) عاد و ثمود و آنهایی که پس از آنان بودند به کار رفت (اهلاک دسته جمعی ناگهانی)، و خداوند هرگز بر بندگان‌ش قصد ستم ندارد

و ای قوم من، همانا من بر شما از روز «تنادی» می ترسم (روزی که مردم یکدیگر را از وحشت به یاری طلبند یا فریادهای دسته جمعی کشند)

روزی که (از جایگاه حساب) پشت به موقف کنان روی برمی تابید (که به سوی جهنم روید، یا از داخل جهنم به قصد خروج به سوی کرانه های آن فرار می کنید) در حالی که شما را نگه دارنده ای از (عذاب) خدا نباشد و هر کس را خدا در گمراهی واگذارد هرگز او را هدایتگری نخواهد بود

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي
شَكِّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ
اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ
مُرْتَابٌ

و حقا که یوسف پیش از این (پیش از موسی) برای شما
دلایل روشنی (بر توحید و نبوت خویش) آورد پس شما
همواره از آنچه آورده بود در تردید بودید تا چون درگذشت
گفتید: هرگز خداوند پس از او رسولی بر نمی انگیزد (در
زمان حیاتش او را تکذیب کردید و پس از مرگش پذیرفتید
و آیندگان را انکار نمودید). این چنین خداوند کسی را که
اسرافکار تردیدکننده است در گمراهی رها می کند

۳۵

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ كَبْرٌ
مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ
كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ

آنان که در آیات و نشانه های خدا بی آنکه برهانی بر آنها
آمده باشد مجادله و ستیزه می کنند، مورد خشم و عداوت
سختی در نزد خدا و در نزد کسانی که ایمان آورده اند می
باشند. این گونه خداوند بر مجموعه دل متکبر زورگو مهر
(شقاوت) می نهد

۳۶

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَهْلِكُنِ ابْنُ لِي صِرَاحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابِ

و فرعون (که در برابر موسی و معجزاتش ضعف پیدا کرده
بود و بی محابا فرمان قتل صادر نمی کرد) گفت: ای همام،
برای من بنایی بسیار مرتفع بساز، شاید (با رصدگیری از قله
آن) به وسایلی برسم

۳۷

أَسْبَبَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلَعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ
كَذِبًا وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ
السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ

وسایل و اسباب آسمان ها (نظیر ستارگان و موجودات جوی)
تا (از این راه) بر خدای موسی اطلاع یابم، و البته من او را
دروغگو می پندارم. و این گونه برای فرعون عمل های بدش
آراسته شد و از راه (حق و توحید) بازداشته شد و نیرنگ و
مکر فرعون جز در تباهی و بطلان نبود

۳۸
۴۰۸۲

وَقَالَ الَّذِي ءَامَنَ يَقَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

و آن کس که ایمان آورده بود گفت: ای قوم من، از من
پیروی کنید تا شما را به راه درست و رساننده به هدف
هدایت کنم

۳۹

يَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ
الْقَرَارِ

ای قوم من، جز این نیست که این زندگی دنیا برخورداری
(محدود و موقت) است و همانا (زندگی) آخرت است که
خانه ثبات و پایداری است

۴۰

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا
مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ
يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ

هر که کار بد کند جز به مقدار آن مجازات نمی شود، و هر
که عمل شایسته کند، مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن
باشد، چنین کسانی به بهشت درآمده، در آنجا بی حساب
(بدون مقایسه با عمل و فوق آنچه در حساب مؤمن بگنجد)
روزی داده شوند

وَيَقُومَ مَا لِيَ أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجْوَةِ وَتَدْعُونِي إِلَى النَّارِ

تَدْعُونِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ
وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَرِ

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا
فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ
النَّارِ

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولَ لَكُمْ وَأَفْوِضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

فَوَقَّهَ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ
الْعَذَابِ

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ
أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ

وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا
إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ
الْعِبَادِ

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخِزْنَةِ جَهَنَّمَ أَدْعُوا رَبَّكُمْ يُحْفَفُ
عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ

و ای قوم من، مرا چه شده است که شما را به سوی نجات
دعوت می کنم و شما مرا به سوی آتش فرا می خوانید؟

شما مرا دعوت می کنید تا به خداوند کافر شوم و چیزی را
که بدان علم ندارم شریک او سازم، و من شما را به سوی
آن (خدای) مقتدر شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده فرا می
خوانم

مسلمانا آنچه مرا به سوی آن می خوانید آن را دعوتی در دنیا
و آخرت نیست (درخور خواندن نیست و کسی را به کلام
خود یا فرستادن رسول یا کتاب فرا نخوانده است)، و
بازگشت ما به سوی خداست و مسرفین (تجاوزکنندگان از
حد بندگی) یاران آتش اند

پس به زودی آنچه را به شما می گویم (در وقت نزول عذاب
و در جهان دیگر) متذکر می شوید، و من کار خود را به خدا
می سپارم، زیرا خداوند به (حال) بندگان بیناست

پس خداوند او را از آسیب فریب های آنها نکه داشت و
عذابی سخت بر فرعونیان وارد شد و آنان را فرا گرفت

همان آتش (در عالم برزخ) که فرعونیان هر صبح و شام بر
آن عرضه می شوند، و روزی که قیامت برپا شود (گفته می
شود) فرعونیان را به سخت ترین عذاب ها درآورد

و (به یاد آر) هنگامی که آنها در میان آتش با هم به محاجّه و
ستیز برمی خیزند، ضعیفان به کسانی که استکبار ورزیده
اند گویند: همانا ما دنباله رو شما بودیم، پس آیا شما دفع
کننده بخشی از آتش از ما توانید بود

کسانی که استکبار ورزیده اند گویند: ما همگی در اینجا هستیم،
حقا که خداوند در میان بندگان داورى کرده (و راه نجاتى
وجود ندارد)

و کسانی که در آتشند به نگهبانان جهنم گویند:
پروردگارتان را بخوانید تا این عذاب را یک روز از ما تخفیف
دهد

قَالُوا أَوْ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمُ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا
فَادْعُوا^{قُلُ} وَمَا دُعَاؤُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ
الْأَشْهُدُ

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ
الدَّارِ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ الْكِتَابَ

هُدًى وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ
رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي ءَايَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ إِنْ
فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ^ط إِنَّهُ
هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

لَخَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ

(نگهبانان) گویند: آیا فرستادگان شما (در دنیا) دلایل
روشن برای شما نمی آوردند؟ گویند: چرا (نگهبانان) گویند:
پس (خودتان خدا را) بخوانید و (بدانید که) خواندن
کافران جز در گمراهی نخواهد بود

به یقین ما فرستادگان خود و کسانی را که (به آنها) ایمان
آورده اند یاری می دهیم، در زندگانی دنیا (به پیروزی در
جنگ ها و به الهامات خیر) و در روزی که گواهان (اعمال از
انبیا و معصومان و فرشتگان) به پا می خیزند (روز قیامت،
به یاری در اجرای پاداش و کیفر)

روزی که ستمکاران را عذرخواهی شان سود نمی بخشد، و
برای آنهاست لعنت (خداوند) و برای آنهاست آن سرای
ناخوشایند

و حقا که ما به موسی (وسیله) هدایت دادیم (کتاب تورات و
صحف و دین و معجزات) و آن کتاب را به بنی اسرائیل به
میراث دادیم

(کتابی) که برای صاحبان خرد ناب (سراپا) هدایت و
یادآوری بود

پس شکیبایی کن که حتما وعده خدا (بر پیروزی و رواج
دینت) حق است، و از گناهت آمرزش طلب، و همراه توصیف
پروردگارت او را در شامگاه و صبحگاه تسبیح و تقدیس گو

بی تردید کسانی که درباره آیات و نشانه های خداوند بی
آنکه برهانی به آنها رسیده باشد مجادله و ستیزه می کنند،
در سینه هایشان جز تکبری (از پذیرش حق) که هرگز به
آن (به هدف خود) نخواهند رسید نیست. پس به خدا پناه
بر، زیرا اوست که شنوا و بیناست

قطعا آفرینش آسمان ها و زمین از آفرینش مردم (زنده
کردن آنها پس از مرگ) عظیم تر و مهم تر است (پس توانای
بر آن توانای بر این نیز خواهد بود) و لکن بیشتر مردم نمی
دانند

و هرگز نابینا و بینا و نیز کسانی که ایمان آورده و عمل های
شایسته به جا آورده اند و (انسان) گنهکار یکسان نیستند
(ولی) بسیار اندک متذکر می شوید

إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآئِنِّي تُؤْفَكُونَ

كَذَٰلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

به یقین روز قیامت آمدنی است (و از نظر براهین عقلی و نقلی) تردیدی در آن نیست، و لکن بیشتر مردم ایمان نمی آورند

و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، (و تکبر از دعا تکبر از عبادت است و) البته کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند به زودی خوار و سرافکنده وارد جهنم می شوند

خداوند همان است که شب را برای شما قرار داد تا در آن سکونت و آرامش یابید، و روز را روشن و روشنی بخش نمود (تا به کار و کوشش پردازید). حقا که خداوند دارای فضل و بخشش بر مردم است، و لکن بیشتر مردم سپاس نمی گزارند

این خداوند، پروردگار شماست که آفریننده همه چیز است جز او معبودی نیست، پس به کجا و چگونه (از او) بازگردانده می شوید؟

این گونه (نظیر قوم تو) کسانی که پیوسته آیات (توحید) خدا را انکار می کنند (از حق) بازگردانده می شوند

خداوند همان است که زمین را برای شما محل سکونت قرار داد و آسمان را بنایی ساخت (بر بالای سر شما که برکات گوناگونش بر شما فرو ریزد) و شما را صورت بندی کرد و صورت هایتان را نیکو نمود، و شما را از پاکیزه ها (ی مادی، چون اموال و اولاد و همسران و معنوی چون عقل و علم و دین) روزی نمود. این خداوند پروردگار شماست، پس مقدس و پرخیر و برکت است خداوند که پروردگار جهانیان است

اوست زنده (بالذات و ازلی و ابدی)، جز او معبودی نیست، پس او را بخوانید در حالی که اعتقاد را (از شرک) و طاعت را (از ریا) و دین را (از بدعت) خالص کرده باشید، همه ستایش ها (بالاصاله و بالذات) از آن پروردگار جهانیان است

بگو: من از آن هنگام که دلایل روشنی از جانب پروردگارم به من رسیده نهی شده ام از اینکه کسانی را که به جای خدا می خوانید پرستش کنم، و مأمور شده ام که تسلیم پروردگار جهانیان باشم

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبْلُ ۖ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ ۖ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي ءَايَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

إِذِ الْأَغْلُلُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيُّنَا مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ

مِن دُونِ اللَّهِ ۖ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَدْعُوا مِن قَبْلُ شَيْئًا كَذَٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ

ذَٰلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ

او همان است که شما را از خاک آفرید (جدّ و جدّه اعلایتان را ابتداء و به نحو اعجاز، و شما نسل او را با سیر مراحل قبل از ورود به رحم، از خاک آفرید) سپس از نطفه، آن گاه از علقه (اندکی خون بسته شده)، سپس شما را در حال کودکی (از رحم مادر) بیرون می آورد، بعد (شما را زنده نگه می دارد) تا به حدّ کمال (جسمی و روحی) خود برسید، سپس (به زندگیتان ادامه می دهد) تا پیر شوید، و از شما برخی پیش از آن (پیش از هر یک از مراحل سه گانه کودکی، بلوغ و پیری) قبض روح می شود، و (این مهلت) برای این است که به مدت معینی (که از علم ازلی الهی گذشته و در لوح محفوظ نگاشته شده) برسید و شاید (در مبدأ نشو و سیر تکاملی تان) بیندیشید

او همان کسی است که (همه اجرام قابل حیات را) زندگی می بخشد و (در موعد خود) می میراند و چون امری را اراده حتمی کند، جز این نیست که (او بلافاصله موجود می شود گویی که) به او می گوید: باش، پس می باشد

آیا به سوی کسانی که در آیات و نشانه های (توحید) خداوند مجادله و ستیزه می کنند ننگریستی که چگونه و به کجا (از آن دلایل روشن) بازگردانده می شوند

همان کسانی که این کتاب و آنچه را که ما رسولان خود را برای (ابلاغ) آن فرستاده ایم (از دین و احکام و معارف) تکذیب و انکار کردند، پس به زودی خواهند دانست

آن گاه که غل ها و زنجیرها در گردن هایشان به شدت بسته شده، بر زمین (جهنم) کشیده می شوند

در میان آب جوشان، سپس در آتش، وجودشان مملو از آتش می شود

سپس به آنها گفته شود: کجایند آنها که شریک خدا قرار می دادید

و به جای او پرستش می کردید؟ گویند: آنها از ما گم شدند، بلکه ما اصلا پیش از این هرگز چیزی را (غیر خدا) نمی خواندیم! این گونه خداوند کافران را در گمراهی خود فرو می گذارد (که در قیامت هم دست از دروغ برنمی دارند)

این (عذاب) به سبب آن است که در روی زمین به ناحق شادی می کردید، و نیز به خاطر آن که (با گناه) سرمستی می کردید

از درهای جهنم (که بر حسب اقتضای گناهان تعیین شده) داخل شوید در حالی که جاودانه در آن خواهید بود، که بد جایی است جایگاه متکبران

پس صبر کن، البته وعده خداوند (به شکست و عذاب آنها) حقّ است، و اگر برخی از آنچه را که به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم یا تو را (پیش از آن) قبض روح نماییم، همه آنان به سوی ما بازگردانده می شوند (و کیفرشان را در آخرت خواهی دید)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَمَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

وَيُرِيكُمُ آيَاتِهِ ۚ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَءَاثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ ۚ يَسْتَهْزِءُونَ

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ ۚ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ ۚ مُشْرِكِينَ

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسًا ۖ سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ ۚ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ

و به تحقیق پیش از تو رسولانی (را به سوی جامعه بشری) فرستادیم، سرگذشت برخی از آنها را بر تو بازگو کردیم و برخی را بر تو بازگو نکردیم، و هرگز رسولی را نرسد (و عقلا ممکن نباشد) که آیه و معجزه ای (یا عذابی) جز به اذن خدا بیاورد، پس چون فرمان خدا (درباره هلاکت ملتی به فرشتگان) صادر شود (میان آنها عملا) داوری به حق شود، و در آنجا باطل اندیشان و باطل گویان و باطل گرایان زیانکار گردند

خداوند همان است که چارپایان را برای شما بیافرید (و رام ساخت) تا برخی از آنها را سوار شوید، و از (گوشت) آنها می خورید

و شما را در آنها سودهایی است (استفاده از شیر و پشم و پوست و اولاد و فضلات و معاملات) و (آنها را آفرید) برای آنکه (به وسیله بار کردن کالا) بر آنها به نیازی که در دل هایتان است برسید، و بر روی آنها و بر کشتی ها حمل می شوید

و (خداوند) همواره نشانه های (توحید و عظمت) خود را (در کرانه های جهان و در نفوس خودتان) به شما نشان می دهد، پس کدام یک از آیات خدا را انکار می کنید؟

پس آیا در زمین سیر نکردند تا بنگرند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟ کسانی که از اینان بیشتر و نیرومندتر و دارای آثار وجودی بیشتر در روی زمین (از قبیل قصرها، بناها، نهرها، سدها و باغات) بودند، اما آنچه به دست می آوردند (عذاب الهی را) از آنان دفع نکرد

پس چون فرستادگانشان دلایل روشنی برای آنها آوردند آنها به آنچه از دانش در نزدشان بود (علوم مربوط به عقاید فاسده و امور دنیایشان) دل خوش کردند (و معارف انبیا را ترک نمودند) و (سرانجام) آنچه بدان استهزا می کردند بر آنها وارد شد و آنان را فرا گرفت

پس هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند گفتند: به خداوند یکتا ایمان آوردیم و به آنچه آن را شریک (خدا) قرار می دادیم کافر شدیم

اما ممکن نبود آن گاه که عذاب ما را دیدند ایمانشان به آنها سود بخشد. (این) سنت و روش خداوند است که درباره بندگان(ش از دیرینه تاریخ) گذشت

حَا، میم. رمزهایی است از جانب اللّٰه که به محمد (ص) القا شده. این کتاب مرکب از همین حروف است ولی احدی را توان مقابله با آن نیست. این کتاب دارای محکّات و این گونه متشابهات است. سوگند به حلم بی حد و ملک مطلق ما که آنچه در جریان قدر می گذرد از قضای ازل گذشته است و

(این سوره و این کتاب) فرو فرستاده ای است از جانب خداوند صاحب رحمت عامه (بر همه مکلفان) و رحمت خاصه (بر همه گروندگان)

کتابی است که آیاتش تفصیل داده شده (الفاظش به سوره ها و آیه ها تقسیم شده، محتوایش به احکام دینی و معارف اخروی و علوم دنیوی تبیین شده) در حالی که قرآنی است به زبان عربی برای گروهی که اهل دانشند

(قرآنی است) مژده دهنده (هر گرونده) و بیم کننده (هر نافرمان) اما بیشتر آنان روی گردان شدند، از این رو (به گوش دل) نمی شنوند

و گفتند: دل های ما از آنچه به سویش می خوانی در پوشش هاست و در گوش های ما سنگینی است، و میان ما و شما حجابی است (از عداوت و عناد و اختلاف عقیده و رویّه)، پس تو کار خود بکن ما نیز حتما (علیه تو) در فعالیتیم

بگو: جز این نیست که من بشری همانند شمایم (نه از فرشته ام و نه از اجنّه، لکن) بر من وحی می شود که تنها معبود شما معبودی یگانه است، پس (در عقاید و اعمالتان) به سوی او متوجه شوید و از او طلب آموزش نمایید و وای بر مشرکان

همانها که زکات نمی پردازند (بر نیازمندان انفاق مالی ندارند) و به روز واپسین نیز کافرنند

البته کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند برای آنها پاداشی بی منّت و بی پایان است

بگو: آیا به راستی شما به کسی که این (کره) زمین را در دو روز آفریده (در مقدار زمان دو روز روشن یا مقدار دو شبانه روز یا در دو دوران، مثلا دوران میعان و دوران انجماد) کفر می ورزید و برای او شریکانی می سازید؟! (حال آنکه) اوست پروردگار جهانیان

و در آن (کره) کوه هایی ثابت و استوار بر روی آن قرار داد و در (پهنه) آن خیر و برکت نهاد و زاد و توشه های (موجودات) آن را (از انسان و حیوان و نبات و جماد) در چهار روز (چهار فصل) قرار داد در حالی که (رسیدن قوت) برای سائلین (تکوینی آن بر حسب اقتضای طبایع آنها) یکسان است

پس (از خلقت اصل زمین اراده حتمی خدا) متوجه به سوی آسمان شد در حالی که (ماده اولی آن) دود بود، پس به آن و به زمین گفت: خواه به طاعت یا به اکراه بیاپید (اراده حتمی تعلّق گرفت که آن دود، آسمان ها شود و زمین به برکت و تهیّه قوت رسد)، آن دو (به زبان حال و مقهوریت ذاتی) گفتند: مطیعانه آمدیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حم

تَنْزِيلُ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كِتَبُ فَصِّلَتْ ءَايَتُهُ ۖ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِيْ أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِيْ ءَاذَانِنَا وَقْرٌ
وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْ إِنَّا عَمِلُونَ

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَٰهُ
وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ۖ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

قُلْ أَتِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِيْ يَوْمَيْنِ
وَتَجْعَلُونَ لَهُۥٓ أُنْدَادًا ۚ ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِّنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا
أَقْوَتَهَا فِيْ أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ

ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَآءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ
أُتَيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ

فَقَضَلَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

۱۳

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثُمُودَ

۱۴

إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۖ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

۱۵

فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً ۖ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

۱۶

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ

۱۷

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

۱۸

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

۱۹
۴۱۵ر

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ

۲۰

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَقُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

پس آنها را در مدت دو روز (یا دو دوران) هفت آسمان ساخت و در هر آسمانی امور آن را (به فرشتگان آنجا) وحی نمود، و آسمان (اول) نزدیک تر به شما را با چراغ هایی (از ستارگان) آراستیم، و آن را (از اجنه و شیاطین) حفظ نمودیم اینها تقدیر و اندازه گیری خدای مقتدر داناست

پس اگر روی برتافتند بگو: شما را از صاعقه ای (چیز کشنده ای مانند صیحه، آتش، باد) مانند صاعقه (قوم) عاد و ثمود بیم دادم

هنگامی که فرستادگانشان پیش از زمان آنها و پس از زمانشان به سراغشان آمدند (همه انبیاء، انبیاء همه هستند پس گویی همه به آنها گفتند) که جز خدا را نپرستید. آنها گفتند: اگر پروردگار ما می خواست (که ما ایمان بیاوریم) حتما فرشتگانی فرو می فرستاد، پس ما به آنچه شما بدان ارسال شده اید کافریم

و اما عاد (قوم هود) به ناحق در روی زمین تکبر ورزیدند و گفتند: چه کسی از ما نیرومندتر است؟ آیا (به چشم دل) ندیدند که خدایی که آنها را آفریده از آنها نیرومندتر است؟! و (در واقع) آنها نشانه های ما را (با وجود یقین باطنی) انکار می کردند

پس بر آنها بادی بسیار سرد و صدادار در روزهای نحسی فرستادیم تا عذاب خوارکننده ای در زندگی دنیا به آنها بچشانیم و البته عذاب آخرت خوارکننده تر است و هرگز آنها (در آن روز) یاری نمی شوند

و اما ثمود (قوم صالح) را راه نمودیم ولی آنها کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند، پس آنها را به کیفر گناहانی که کسب می کردند صاعقه عذاب ذلت آور و خفت بار فرا گرفت

و کسانی را که ایمان آورده و همواره پرواپیشه بودند نجات بخشیدیم

و (به یاد آر) روزی که دشمنان خدا را (از قبرها و مکان های مختلف) به سوی آتش گرد می آورند پس اول و آخر آنها (در مکانی) جمع آوری می گردند

تا چون همه به آتش رسند گوششان و دیدگانشان و پوست بدنشان به آنچه (در دنیا) انجام می دادند بر ضدشان گواهی دهند (همان گونه که در دنیا از روی ادراک، تحمل شهادت کرده بودند در آنجا ادا خواهند نمود)

وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۲۲

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ

۲۳

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُصَبِّحْتُمْ مِنَ الْخُسِرِينَ

۲۴

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ

۲۵
حزب
۱۹۲

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ

۲۶
۴۱۶۲

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْءَانِ وَالْعَوُّ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ

۲۷

فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

۲۸

ذَٰلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

۲۹

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِي أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ

و آنها به پوست های (بدن) خود (که گناهشان به مباشرت بوده) گویند: چرا به زبان ما گواهی دادید؟ گویند: آن خدایی که همه چیز را (همه سخن گویان را) به سخن در آورده ما را به سخن درآورد، و او همه شما را در نخستین بار آفریده و اکنون به سوی او بازگردانده می شوید

و شما (در دنیا وقت گناه) از (بیم) آنکه گوش و دیدگان و پوست هایتان بر ضد شما گواهی دهد پنهان نمی شدید، بلکه (تنها از مردم استتار می کردید و) گمان کردید که خداوند بیشتر آنچه را که (پنهان از مردم) به جا می آورید نمی داند

و این گماتنان که به پروردگارتان بردید شما را (به استمرار کفر و فسق) هلاک نمود پس، از زیانکاران شدید

پس اگر صبر کنند آتش جایگاه آنهاست، و اگر رضا (ی ما) را خواهند هرگز آنها قابل رضایت نیستند (به لحاظ امتزاج ذاتشان با پلیدی کفر و فسق، در آن عالم امکان رضایت از آنها نیست)

و ما برای آنها (در دنیا در اثر کفر و عنادشان) رفقا و همنشینانی (از شیاطین و اجنه) تعیین کردیم که شهوات و خوشی های حال و آینده را بر آنها آرایش دادند و گفتار (ازلی حق و وعده جهنم بر اهل کفر) بر آنها در زمره امت هایی از جنّ و انس که پیش از آنان درگذشتند محقق شد، حقا که آنها زیانکار بودند

و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: به این قرآن گوش فرا مدهید و (وقت خوانده شدن آن) سخنان لغو و باطل در آن افکنید، تا شاید پیروز شوید

پس ما هم بی تردید کسانی را که کفر ورزیدند عذاب سختی می چشانیم و حتما آنها را به کارهای بسیار زشتی که می کردند کیفر می دهیم یا تجسم عینی کارهای بدشان را کیفر اخروی آنها می کنیم

آن آتش کیفر دشمنان خداست، که آنها را در (میان) آن، خانه جاودانه است به سزای آنکه نشانه های ما را انکار می کردند

و (در آن روز) کسانی که کفر ورزیدند گویند: پروردگارا، آن دو گروه از اجنه و انسان ها را که ما را گمراه کردند به ما نشان ده تا آنها را زیر قدم های خود قرار دهیم (و لگدمال کنیم) تا از ذلیلان و پست تران شوند

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ
تُوعَدُونَ

۳۱

نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا
مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ

۳۲

نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ

۳۳
۴۱۷ر

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ
إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

۳۴

وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۚ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

۳۵

وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ
عَظِيمٍ

۳۶

وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۳۷

وَمِنْ عَائِيَّتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا
لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ
إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

۳۸
سجده
واجب

فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ۝

بی تردید کسانی که (از ته دل) گفتند: پروردگار ما الله
است، سپس (در مرحله عمل) پایداری نمودند، فرشتگان بر
آنها (در دنیا به نحو تأیید غیبی، یا در وقت مرگ، یا هنگام
برانگیخته شدن از قبر) فرود آیند (و گویند) که هرگز
مترسید و غمگین نشوید و شما را مژده باد به بهشتی که
(در دنیا) وعده داده می شدید

ما سرپرستان و دوستان و یاران شما در دنیا و آخرتیم، و
برای شما در آنجا هر چه نفستان اشتها کند (از نعمت های
جسمانی) و هر چه (به دل و زبان) طلب کنید (از لذایذ
معنوی) مهیاست

پذیرایی ابتدایی است از (جانب خدای) آمرزنده ای مهربان

و چه کسی خوش گفتارتر است از آن کس که به سوی خدا
دعوت کند و عمل شایسته به جا آورد و (از عمق دل) بگوید
همانا من از تسلیم شدگانم

و هرگز امر نیک (از اعتقاد و کردار و گفتار) با امر بد
یکسان نیست (پس بدی هایی را که به تو می رسد) با
بهترین روش دفع کن، به طوری که به ناگاه آن که میان تو و
او دشمنی است (چنان شود که) گویی دوستی گرم و
خویشاوند است

و این (صفت پاسخ بدی را به نیکی دادن) جز به کسانی که
صبر ورزیده اند القا و اعطا نمی شود و جز به کسی که سهم
بزرگی (از کمال انسانیت) دارد داده نمی شود

و اگر وسوسه ای از جانب شیطان تو را تحریک کند (که به
وظیفه خود عمل نکنی) پس به خدا پناه بر، زیرا که اوست
شناو و دانا

و از نشانه های (توحید و قدرت و ربوبیت) او شب و روز و
خورشید و ماه است، به خورشید و ماه سجده نکنید، و به
خدایی که آنها را آفریده سجده نمایید اگر شما او را می
پرستید (و بس)

پس اگر تکبر ورزیدند، کسانی که در حضور پروردگار تو
هستند (از فرشتگان و مقربان) شبانه روز او را تسبیح می
کنند و هرگز خسته نمی شوند

وَمِنْ ءَايَاتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى۟ الْأَرْضَ خَاشِعَةًۭ فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْۚ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتِۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌۭ

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِيٓ ءَايَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَاۚ أَفَمَن يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌۭ أَمْ مَن يَأْتِي ءَامِنًا يَوْمَ الْقِيَمَةِۚ أُعْمِلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُۥ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌۭ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُۥ لَكِتَابٌۭ عَزِيزٌۭ

لَّا يَأْتِيهِ الْبَطِلُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنۢ خَلْفِهِۦۖ تَنزِيلٌۭ مِّنۢ حَكِيمٍۭ حَمِيدٍۭ

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنۢ قَبْلِكَۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍۭ أَلِيمٍۭ

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَاتُہٗۚ ءَاغَجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّۭ قُلٌۭ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَشِفَآءٌۭ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِيٓ ءَاذَانِهِمْ وَقُرْۭ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًىۚ أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِنۢ مَّكَانٍۭ بَعِيدٍۭ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى۟ الْكِتَابَ فَآخْتَلَفَ فِيهِۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍۭ

مَّنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِۦۖ وَمَنْ أَسَاءَۖ فَعَلَيْهَاۚ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍۭ لِلْعَعِيدِۚ

و از نشانه های (توحید و قدرت) او این است که تو این زمین را در حال خشکی و فروافتادگی می بینی، پس چون آب را (به صورت باران و برف و تگرگ) بر آن فرو ریزیم بجنبد و (خود و گیاهانش) برآید. همانا کسی که آن را زنده نمود بی تردید زنده کننده مردگان (در قیامت) است، زیرا او بر هر چیزی تواناست

همانا کسانی که درباره آیات و نشانه های ما به انحراف می روند (آیات تکوینی را مانند خورشید و ماه می پرستند و آیات تشریعی را ردّ و تأویل می کنند) بر ما پنهان نیستند پس آیا کسی که در آتش افکنده می شود بهتر است یا آنکه روز قیامت در حال ایمنی می آید؟! هر چه می خواهید بکنید، که او به آنچه انجام می دهید بیناست

همانا کسانی که به این قرآن پندآموز هنگامی که به سوی

آنها آمد کفر ورزیدند (در آتش خواهند بود) و حقّ که این کتابی محکم و پیروز و شکست ناپذیر است

همانا کسانی که به این قرآن پندآموز هنگامی که به سوی

که از جلو رو و پشت سرش باطل به آن راه نمی یابد (در احکام و معارف و خبرهایش نسبت به گذشته و آینده بطلانی رخ نمی دهد)، فرو فرستاده از کسی است که صنعتش در تکوین متقن و در تشریع محکم، و خود ستوده از تمام جهات است

همانا کسانی که به این قرآن پندآموز هنگامی که به سوی

به تو گفته نمی شود جز آنچه به فرستادگان پیش از تو گفته شده (ساحر، مجنون، طالب ریاست و غیره). بی تردید پروردگار تو (برای گروندگان) دارای آمرزش و (برای نافرمان ها) دارای عذابی دردناک است

همانا کسانی که به این قرآن پندآموز هنگامی که به سوی

و اگر این (کتاب) را قرآنی غیر عربی می کردیم حتما می گفتند: چرا آیات آن روشن و آشکار بیان نشده؟! آیا سخن عجمی و ملتّ عربی (هیچ تناسب دارد)؟! بگو: (در نزول این کتاب لغت هدف نیست) این کتاب برای کسانی که ایمان آورده اند سراپا هدایت و شفای (امراض فردی و اجتماعی) است، و کسانی که ایمان نمی آوردند در گوششان نوعی سنگینی است (که آن را نمی شنوند) و این کتاب بر آنها کور و نامفهوم است، (گویي) آنان از راه دور ندا می شوند

همانا کسانی که به این قرآن پندآموز هنگامی که به سوی

و به یقین ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم پس در (میان قومش در پذیرش) آن اختلاف افتاد، و اگر نبود سخنی که از پروردگارت گذشته (از علم ازلی در لوح محفوظ نگاشته شده که هر امتی را، مهلتی است) حتما میان آنها (به محض انکار، به عذاب دسته جمعی) داوری می شد، و حقّ که آنان (در آن روز) درباره تورات در شکی تردیدزا و ابهام آور بودند، و اینان نیز (امروز) درباره قرآن در شکی تردیدزا و ابهام آورند

همانا کسانی که به این قرآن پندآموز هنگامی که به سوی

هر که عمل شایسته کند به سود خود اوست و هر که بد کند به زیان خود اوست، و هرگز پروردگار تو به بندگانش ستمکار نیست

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا ءَاذَنَكَ مَامِنَّا مِنَ شَهِيدٍ

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَدْعُونَ مِن قَبْلُ وَظَنُوا مَا لَهُم مِّن مَّحِصٍ

لَا يَسْمَعُ الْإِنسَانُ مِن دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ

وَلَئِن أَدْقَنَهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءَ مَسَّتُهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَنِ أَعْرَضَ وَنَجَّجَانِيهِ ؕ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ ؕ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

سُرِّيهِمْ ؕ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ؕ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَاءِ رَبِّهِمْ ؕ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ

علم به (زمان وقوع) قیامت تنها به او بازمی گردد، و میوه جات از غلاف های خود بیرون نمی آیند و هیچ ماده ای باردار نمی شود و بارش را فرو نمی نهد مگر به علم او، و روزی که (خداوند) مشرکان را ندا می دهد که کجایند شریکان من؟ گویند ما که (با مرگ و دیدن برزخ و روشن شدن حقایق) تو را اعلام کردیم که هرگز از ما شاهدهی (بر اینکه تو شریک داری) نیست

و آنچه پیش از آن می خواندند (بت هایی که در دنیا به خدایی و مقربیت و شفاعت پذیرفته بودند) از آنها گم می شود و یقین پیدا می کنند که آنها را هیچ راه فراری نیست

هرگز انسان از طلب خیر (اموال و رفاه دنیا) خسته و سیر نمی شود، و چون شری و آسیبی به او رسد مایوس و نومید گردد

و اگر او را پس از آنکه آسیب و ضرری به او رسیده، رحمتی از جانب خود بچشانیم حتما خواهد گفت: این از آن من است (به سبب لیاقت خود من است و کسی را دخلی در حصول و تصرف آن نیست) و گمان ندارم قیامتی برپا شود، و اگر (فرضا) به سوی پروردگارم بازگردانده شوم حتما برای من در نزد او زندگی خوبی خواهد بود. پس ما بی تردید کسانی را که کفر ورزیده اند به آنچه کرده اند آگاه می سازیم و حتما به آنها از عذابی سخت و دردناک خواهیم چشاند

و هر گاه به انسان نعمتی عطا کنیم (از ما) روی می گرداند و خود را دور می کشد، و چون شر و ضرری به او رسد مشغول دعای مصرّانه و گسترده می گردد

بگو: به من خبر دهید اگر (این قرآن) از جانب خداوند باشد سپس شما به آن کفر ورزید، چه کسی گمراه تر است از آن که در مخالفت سختی با آن است؟

به زودی نشانه های (توحید و قدرت) خود را به آنان (به مشرکان مکه و همه انسان های تاریخ) در کرانه ها (ی مکه و پهنه زمین) و در نفوس خودشان نشان خواهیم داد (مانند فتوحات مسلمین در آن عصر و گسترش اسلام در گیتی در آینده و توجه انسان ها به لطایف حکمت های خداوند در وجودشان) تا بر آنها روشن گردد که آن (خدا و قرآن) حق است، آیا (در ظهور حق) همین کافی نیست که پروردگار تو بر همه چیز گواه است (و نزد همه موجودات مشهود و آشکار است)؟

آگاه باش که آنان از ملاقات پروردگارشان در شک و تردیدند (زندگی پس از مرگ را باور ندارند) آگاه باش که خداوند به همه چیز (از نظر وجود و عل

حَا، مِیم، عَین، سَین، قَاف. رمزهایی است از جانب اللّٰه که به محمّد (ص) القا شده. این کتاب مرکب از همین حروف است ولی احدی را توان مقابله با آن نیست. این کتاب دارای محکّمات و این گونه متشابهات است. سوگند به حلم بی حد و ملک مطلق ما که آنچه در جریان قدر می گذرد از قضای ازل گذشته است

حَا، مِیم، عَین، سَین، قَاف. رمزهایی است از جانب اللّٰه که به محمّد (ص) القا شده. این کتاب مرکب از همین حروف است ولی احدی را توان مقابله با آن نیست. این کتاب دارای محکّمات و این گونه متشابهات است. سوگند به حلم بی حد و ملک مطلق ما که آنچه در جریان قدر می گذرد از قضای ازل گذشته است

این گونه (مانند این کلمات و این سوره) خداوند مقتدر حکیم به تو و کسانی (از پیامبران) که پیش از تو بودند وحی می کند

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است (علاوه بر خود آسمان ها و زمین) ملک حقیقی اوست (زیرا که آفرینش و حفظ و تدبیر و فانی کردن آنها در دست قدرت اوست) و اوست که (از نظر ذات و جوامع صفات و شئون افعال) والا و بزرگ است

(در حال نزول وحی از جانب واجب الوجود فوق ممکنات) نزدیک است که آسمان ها از فرازشان (از جانب نزول وحی) بشکافند، و فرشتگان همراه ستایش پروردگارشان همواره او را (از هر نقص و عیبی) تنزیه و تقدیس می کنند و برای کسانی که در روی زمین اند آمرزش می طلبند. آگاه باش که همانا خداست که آمرزنده و مهربان است

و کسانی که به جای او سرپرستان و دوستانی (به عنوان شریک خدا در الوهیت و ربوبیت) گرفته اند، خداوند بر آنها مراقب و نگهبان است (عمل هایشان را ثبت و کیفرهایشان را اجرا خواهد نمود) و تو هرگز بر امور آنها گمارده نیستی

و این گونه ما قرآنی را به زبان عربی به تو وحی کردیم تا (مردم) امّ القری (مکه) و اطرافیان آن را (اهل مرکز وحی و مجتمعات جهانی تابعه را) انذار کنی و از روز جمع (روز جمع شدن ارواح برزخی با بدن های خاکی، و بشرهای اولین با آخرین، و انسان ها با اجنّه و شیاطین، و مکلفان با عمل های خود و عاملان با جزای عمل ها، روزی) که در آن شکی نیست بیم دهی، که گروهی در بهشت اند و گروهی در آتش شعله ور

و اگر خداوند (به اراده حتمی) می خواست همه آنها را (بدون اختیار، از نظر عقیده و عمل) یک امت قرار می داد، و لکن (سنّت خداوند بر عرضه دین به نحو اختیار است که قهرا تفرقه متولد می شود و در نتیجه) کسانی را که می خواهد (و اصل هدایت را پذیرفته اند) در رحمت خود درمی آورد، و ستمکاران را نه سرپرست و یاری است و نه یآوری

بلکه آنها به جای خداوند سرپرستان و یاورانی برای خود گرفته اند حال آنکه تنها خداوند سرپرست و یاور است و اوست که مردگان را زنده می کند و اوست که بر همه چیز تواناست

و آنچه از موضوعات (دینی و دنیوی) که در آن اختلاف دارید داوری آن به خدا بازمی گردد، چنین خدایی پروردگار من است بر او توکل کردم و به سوی او بازمی گردم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
حَمْدٌ

عَسَقَ

كَذٰلِكَ يُوحٰى اِلَيْكَ وَاِلٰى الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِكَ اللّٰهُ الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ

لَهُۥ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ

تَكَادُ السَّمٰوٰتُ یَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ ۚ وَالْمَلَائِكَةُ یُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهٖمْ وَیَسْتَغْفِرُوْنَ لِمَنْ فِی الْاَرْضِ ۗ اِلَّا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ

وَالَّذِیْنَ اُتَّخَذُوا مِنْ دُوْنِهٖۤ اَوْلِیَآءَ اللّٰهُ حَفِیْظٌ عَلَیْهِمْ وَمَا اَنْتَ عَلَیْهِمْ بِوَكِیْلٍ

وَكَذٰلِكَ اَوْحٰیۤنَا اِلَیْكَ قُرْۤاٰنًا عَرَبِیًّا لِتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰی وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ یَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَیْبَ فِیْهِۦ فَرِیْقٌ فِی الْجَنَّةِ وَفَرِیْقٌ فِی السَّعِیْرِ

وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَجَعَلَهُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَّلٰكِنْ یُدْخِلُ مَنْ یَّشَآءُ فِی رَحْمَتِهٖۤ ۚ وَالظَّٰلِمُوْنَ مَا لَهُمْ مِّنْ وَّلِیٍّ وَّلَا نَصِیْرٍ

اَمْ اُتَّخَذُوا مِنْ دُوْنِهٖۤ اَوْلِیَآءَ ۚ فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِیُّ وَهُوَ یُحِی الْمَوْتٰی وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ

وَمَا اُخْتَلَفْتُمْ فِیْهِ مِنْ شَیْءٍ ۚ فَحُكْمُهُۥٓ اِلَی اللّٰهِ ۚ ذٰلِکُمْ اللّٰهُ رَبِّیْ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَیْهِ اُنِیْبُ

فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيَا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ

فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

همو که پدیدآورنده (ابتدایی و بی سابقه) آسمان ها و زمین است برای شما از جنس خودتان (نه از فرشتگان و اجنه) همسرانی قرار داده، و از چهارپایان (نیز) جفت ها (ی نر و ماده آفریده) و شما را در این (تدبیر ازدواج) زیادتی و انتشار می بخشد. هیچ چیز مانند او نیست، و اوست شنوا و بینا

گنجینه های آسمان ها و زمین (مواد اولیه و منابع روزی، و کلیدهای آنها که اراده خداست) از آن اوست برای هر که بخواهد روزی را می گسترد و یا تنگ می گیرد، زیرا که او به همه چیز داناست

برای شما (جامعه بشری) از دین (آسمانی) همان را تشریع کرد که به نوح (اولین پیامبر صاحب شریعت) توصیه کرده بود و آنچه را که بر تو (آخرین صاحب شریعت) وحی کردیم و آنچه را که به ابراهیم و موسی و عیسی (صاحبان شرایع فیما بین) توصیه نمودیم، (و هدف از تشریع) اینکه این دین را (به اجتماع و وحدت) برپا دارید و در آن متفرق نشوید. بر مشرکان آنچه که به سوی آن دعوتشان می کنی (یک خدا و یک رب و یک دین) دشوار و گران است. خداوند هر کس را بخواهد (و شایسته بیند) به سوی خود (و به سوی این دین) جلب می نماید، و هر که را که (با پذیرش دین توحیدی) به سوی او بازگردد به سوی خود، هدایت می کند

و (صاحبان هر یک از شرایع، به مسلک های مختلف) پراکنده نشدند مگر پس از آنکه آگاهی کامل (به حقیقت شریعت و حقیقت مسلک ها) به آنها رسید، (و این تفرقه) به خاطر ظلم و حسد و برتری جویی در میان خودشان (بود)، و اگر نبود کلمه ای که از پروردگارت گذشته (از علم ازلی او در لوح محفوظ مندرج شده که هر فرد و قومی را) تا مدت معینی (مهلت است)، حتما میان آنها (به هلاکت اهل باطل) داوری قطعی می شد، و البته (اغلب) کسانی که پس از آنها کتاب (آسمانی) را به ارث دریافتند در شکی تردیدزا و ابهام آورند

پس به سوی همان (شریعت، مردم را) دعوت کن، و همان گونه که مأموری پایداری نما، و از هوا و هوس های آنان (کفار و مشرکان) پیروی مکن، و بگو: به هر کتابی که خدا فرو فرستاده ایمان آوردم، و مأمورم که میان شما عادلانه رفتار کنم، خداوند پروردگار ما و شماست، (نتایج) عمل های ما از آن ما و عمل های شما از آن شماست، دیگر محاجه و استدلالی میان ما و شما (پس از روشن شدن حقایق و ظهور عناد شما) نیست، خداوند میان همه ما (در روز واپسین) جمع خواهد نمود، و بازگشت همه به سوی اوست

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا أُسْتُجِيبَ لَهُمْ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

۱۷

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

۱۸

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

۱۹

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

۲۰
۴۲۱ ر

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ

۲۱

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۲۲

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

و کسانی که درباره (توحید و ربوبیت) خدا محاجّه و ستیزه می کنند پس از آنکه دعوت او (از جانب فطرت و عقل سلیم و علمای منصف اهل کتاب) پذیرفته شده، دلیل آنها در نزد پروردگارشان باطل است، و بر آنها غضبی (از خدا) و برای آنها عذابی سخت خواهد بود

خداوند همان است که کتاب را (کتاب های آسمانی را در هر عصری) به حق (و برای هدفی عقلانی و برتر) فرو فرستاد و (نیز فرمان) سنجش را (و مورد آن را مانند کمالات معنوی و کالاهای خارجی، و وسائل آن را نظیر موازین صحت عقاید و عمل ها در شرع، و ابزار توزین کالاهای، فرو فرستاد) و تو چه می دانی، شاید قیامت (برای سؤال و سنجش) نزدیک باشد

کسانی که به آن ایمان ندارند به آمدنش شتاب می ورزند، و کسانی که ایمان دارند از آن بیمناکند و می دانند که آن حق است. به هوش باش! کسانی که درباره قیامت تردید می کنند حتما در گمراهی دور و درازند

خداوند به بندگانشر نرم رفتار و سهل گیر و دقیق النظر است، هر کس را بخواهد روزی (معنوی جان، و مادی تن) می بخشد، و او نیرومند و مقتدر شکست ناپذیر است

هر کس کشت آخرت بخواهد (بذر عمل برای محصول آخرت بکارد) بر کشت او می افزاییم (حد اقل بهای تفضلی را ده برابر بهای عادلّه می دهیم)، و هر کس کشت دنیا بخواهد (عمل به قصد دنیا کند، ما طبق تقدیر خود) از آن به او می دهیم و دیگر او را در آخرت نصیبی نخواهد بود

آیا آنها را شریکانی است که از احکام دین آنچه را که خدا بدان اذن نداده برای آنها تشریع کرده اند؟ (در حالی که غیر خدا حق تشریع ندارد!) و اگر نبود آن سخن قطعی (حکم ازلی الهی منقوش در لوح محفوظ که هر فرد و قومی را مهلتی است) حتما میان آنها (به هلاکت و نابودی) داوری قطعی می شد، و حقا که ستمکاران را عذابی دردناک است

ستمکاران را (در روز جزا) بیمناک از آنچه کسب کرده اند خواهی دید، در حالی که تجسّم یافته عین دست آوردشان بر آنها واقع است (و از آن راه گریزی ندارند) و کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند در باغ های سرسبز بهشت به سر می برند، برای آنها هر چه بخواهند در نزد پروردگارشان حاضر است این همان فضل بزرگ است

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۖ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۖ فَإِن يَشِإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ ۖ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ ۖ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۚ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِن يُنْزِلُ بِقَدْرِ مَا يَشَآءُ إِنَّهُ وَبِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ

وَهُوَ الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِّن بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۚ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ

وَمِنَ ءَايَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَآءُ قَدِيرٌ

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَن كَثِيرٍ

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۚ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

این همان چیزی است که خداوند، آن بندگان خود را که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند بدان بشارت می دهد. بگو: از شما در مقابل این (ابلagh رسالت خود) جز محبت (قلبی و عملی) درباره خویشاوندانم مزدی نمی طلبم، و هر کس کار نیکی انجام دهد (بر این محبت بیفزاید) ما برایش در آن، نیکی می افزاییم (بر پاداش طبیعییش حد اقل ده برابر اضافه می کنیم)، حقاََ که خداوند آمرزنده و شکرگزار است

بلکه گویند که (در ادعای نبوت و قرآن) بر خداوند دروغ بسته است! (چنین نیست، زیرا کار در دست خداست) پس اگر می خواست بر قلبت مهر می نهاد (و توان بیان آیات را از تو می گرفت بلکه) خداوند به وسیله کلمات خود (که به انبیا وحی می کند همواره طبق سنت جاریه خویش) باطل را محو می کند و حق را تحقق می بخشد، همانا او به آنچه در درون سینه هاست داناست

و اوست که توبه را از بندگانش می پذیرد و از گناهان می گذرد و آنچه را که به جا می آورید می داند

و (درخواست) کسانی را که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند اجابت می کند و از فضل خویش بر (پاداش) آنها می افزاید، و برای کافران (در روز واپسین) عذابی سخت است

و اگر خداوند روزی را بر بندگانش گسترش می داد بی تردید در روی زمین ستم و طغیان می کردند، و لکن آنچه را می خواهد با تقدیر و اندازه گیری نازل می کند، زیرا او به (حال) بندگانش آگاه و بیناست

و اوست که باران نافع را پس از آنکه (مردم) مأیوس شدند فرو می فرستد و رحمت خود را می گسترد، و اوست سرپرست و دوست و یاور و ستوده (در تمام صفات و افعال)

و از نشانه های (قدرت و عظمت و حکمت) اوست آفرینش آسمان ها و زمین و آنچه از جنبدگان در آنها منتشر نموده، و او هر گاه بخواهد بر جمع نمودن آنها (در روز قیامت پس از هلاک کردنشان در دنیا) تواناست

و آنچه از مصیبت ها به شما برسد به خاطر گناهانی است که خود کسب کرده اید، و از بسیاری نیز درمی گذرد

و شما در روی زمین ناتوان کننده (خدا) نیستید (که از مصیبت فرار کنید یا آن را دفع نمایید)، و شما را هرگز غیر خدا سرپرست و یآوری نیست

وَمِنْ ءَايَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ

۳۳

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِۦ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

۳۴

أَوْ يُوقِظْهُنَّ بِمَا كَسَبُوۡا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ

۳۵

وَيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِيٓ ءَايَاتِنَا مَا لَهُمْ مِّنْ حَٰصِرٍ

۳۶

فَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّعِ ٱلْحَيٰوةَ ٱلدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ ٱللَّهِ خَيْرٌۭ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

۳۷

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ

۳۸

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

۳۹

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ ٱلْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ

۴۰

وَجَزَآؤُا سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۖ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ

۴۱

وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِۦ فَأُوْلَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ

۴۲

إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَظْلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ ۖ أُوتِيَكَ لَهُمْ عَذَابٌۭ أَلِيمٌ

۴۳

وَلَمَنِ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ

۴۴

۴۲۳

وَمَنْ يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ وَلِيٍّ مِّنْ بَعْدِهِۦ ۖ وَتَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ لَمَّا رَأَوْا ٱلْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ

و از نشانه های (توحید و قدرت و حکمت) او کشتی های کوه پیکری است که در دریا روانند

اگر بخواهد باد را (که وسیله جریان آنهاست) ساکن می کند، پس کشتی ها بر پشت آب راکد می مانند، همانا در این (تدبیر: آب ژرف دریا، خلقت ابزار کشتی، هدایت بشر به ساخت آن) نشانه هایی است برای هر پرصبر و شکرگزار (صبور در یافتن اسرار خلقت، و شکور در مقابل نعمت ها)

یا آنها را (کشتی و کشتی نشینان را) در مقابل آنچه آنان (از گناه) کسب نموده اند هلاک می کند، و از بسیاری (از گناهان) نیز درمی گذرد

(چنین می کنیم تا بترسند) و تا کسانی که در آیات و نشانه های ما محاجّه و ستیزه می نمایند بدانند که آنان را (از چنگ قدرت ما) گریزگاهی نیست

پس آنچه به شما داده شده (از وسائل گوناگون حیات موقت) بهره و کالای زندگی دنیاست، و آنچه (از پاداش های اخروی) در نزد خداوند است بهتر و پایدارتر است برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می کنند

و (نیز برای) کسانی که از گناهان بزرگ و عمل های شنیع و منکر اجتناب می ورزند، و چون (در امور شخصی خود) به خشم آیند (به جای انتقام) درمی گذرند

و کسانی که پروردگارشان را (در دعوت به ایمان و عمل) اجابت کرده اند، و نماز را برپا داشته اند و کارشان در میان خودشان به مشاوره برگزار می گردد، و از آنچه به آنها روزی کرده ایم انفاق می کنند

و کسانی که چون به (اجتماع آنها یا اهداف دینی) آنها ستم رسد از یکدیگر یاری می جویند و همدیگر را یاری می دهند (و از دشمن انتقام می گیرند)

و مجازات هر بدیی، بدیی است همانند آن (مانند کشتن و بریدن و جراحات زدن، در برابر مثل آن و بدل مالی در مقابل تلف کردن مال). پس اگر کسی عفو کند و (میان خود و خدا و خود و طرف خود را) اصلاح نماید پاداش او بر عهده خداست، حقا که او ستمکاران را (ابتداءً کنندگان به بدی و متجاوزان در کیفر را) دوست ندارد

و به یقین کسانی که پس از مظلوم شدنشان انتقام بگیرند هرگز (از نظر عقل و شرع) راهی بر (تعدی و تجاوز به) آنها نیست

جز این نیست که راه (مجازات و کیفر) بر کسانی (باز) است که به مردم ستم می کنند و در زمین به ناحق سلطه و فساد می جویند آنها عذابی دردناک خواهند داشت

و البته کسی که (با وجود قدرت بر انتقام) صبر کند و درگذرد، حقا که آن از کارهای مهم است

و کسی را که خداوند رها کند (و دست عنایت از سرش بردارد) او را پس از خدا هرگز سرپرست و یآوری نخواهد بود. و ستمکاران را می بینی هنگامی که عذاب (دوزخ) را بینند می گویند: آیا برای بازگشت (به دنیا یا به توبه و ایمان) راهی هست؟

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ
طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ
خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي
عَذَابٍ مُّقِيمٍ

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ
يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ

أَسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنْ
اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ حَفِظًا ۖ إِنَّ عَلَيْكَ إِلَّا
الْبَلْعُ ۖ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرَحَ بِهَا ۖ وَإِنْ
تُصِبُّهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ يَهَبُ لِمَنْ
يَشَاءُ إِنثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ

أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا ۖ وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا ۚ إِنَّهُ
عَلِيمٌ قَدِيرٌ

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَآئِ
حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ ۚ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيٌّ
حَكِيمٌ

و آنها را می بینی که به حالت فروتنی از ذلت و خواری، بر
آتش عرضه می شوند، در حالی که (از ترس) زیرچشمی به
آن می نگرند. و کسانی که ایمان آورده اند (درباره آنها) می
گویند: حقا که زیانکاران کسانی هستند که با دادن خود و
کسان (دنیوی یا بهشتی) خود در روز قیامت زیان کرده اند،
به هوش باش که حتما ستمکاران در عذاب دائمند

و آنها را سرپرستان و دوستانی نخواهد بود که در برابر خدا
یاریشان کنند و هر کس را خدا (با قطع رحمتش) در
گمراهی رها کند هرگز او را راهی (به نجات) نیست

پروردگارتان را (در دعوتش به ایمان و عمل) اجابت کنید
پیش از آنکه روزی فرا رسد که تحقق آن را بازگشتی از
جانب خدا نیست شما را در آن روز پناهگاهی نیست و شما
را (درباره اعمالتان قدرت) انکاری نیست

پس اگر از (دعوتت) روی برتابند (تو را نکوهشی نیست،
زیرا ما) تو را بر آنان نگهبان نفرستاده ایم، بر عهده تو جز
رساندن (پیام دین) نیست (و اعتقاد قلبی و التزام عملی و
جزاء دنیوی و اخروی آنها وظیفه تو نیست). و ما چون انسان
را رحمتی از جانب خود چشانیم به خاطر آن سرمست شود، و
اگر بدی و مصیبتی در مقابل دست آوردشان به آنها برسد
بی تردید انسان بسی کفران کننده است (همه نعمت ها را
به خاطر آن نادیده می گیرد)

ملکیت حقیقی و تسلط و حاکمیت بر آسمان ها و زمین از آن
خداست (چرا که خلقت و حفظ و تدبیر و فانی کردن آنها از
آن اوست)، هر چه بخواهد می آفریند به هر کس می
خواهد دخترانی می بخشد و به هر کس می خواهد پسرانی
عطا می کند

یا پسران و دختران را با هم (برای کسی) جمع می کند، و
هر که را بخواهد نازا قرار می دهد، چرا که حقا او دانا و
تواناست (مصالح نظام اتم تکوین را می داند و اجرا می کند)

و هیچ بشری را نسزد و ممکن نباشد که خداوند با او سخن
گوید مگر به صورت وحی (به القاء نهانی و سریع مطلب بر
قلب، بدون وساطت حواس، در خواب یا بیداری، به استقلال
یا به وسیله فرشته) یا (با سخن گفتن به گوش او) از پشت
پرده (غیب) یا آن که رسولی (از فرشتگان) را بفرستد که
به اذن (و نظارت) خودش آنچه را می خواهد (به دیدن
شخص و شنیدن صوت) بر او وحی کند، همانا خداوند والا
مرتبه و حکیم است

وَكَذٰلِكَ اَوْحَيْنَاۤ اِلَيْكَ رُوْحًا مِّنْ اَمْرِنَا۟ مَا كُنْتَ تَدْرِىۤ مَا
اَلَكْتُبُ وَلَا الْاَيْمٰنُ وَلٰكِنْ جَعَلْنٰهُ نُوْرًا نَّهْدٰى بِهٖۤ مَنْ
نَّشَآءُ مِنْ عِبَادِنَا۟ وَاِنَّكَ لَتَهْدٰى اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ

صِرَاطِ اللّٰهِ الَّذِى لَهٗۤ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ ۗ اَلَا
اِلَى اللّٰهِ تَصِيْرُ الْاُمُوْرُ

۴۳. زخرف	الرُّخْرُف: زینت	مکی	۸۹ آیه	۷ صفحه
----------	------------------	-----	--------	--------

حَا، میم. رمزهایی است از جانب اللّٰه که به محمّد (ص) القا شده. این کتاب مرکب از همین حروف است ولی احدی را توان مقابله با آن نیست. این کتاب دارای محکّات و این گونه متشابهات است. سوگند به حلم بی حد و ملک مطلق ما که آنچه در جریان قدر می گذرد از قضای ازل گذشته است و

سوگند به این کتاب روشن و روشنگر (میان حق و باطل، اصول و فروع، حلال و حرام) که

ما این کتاب را قرآنی عربی قرار دادیم شاید شما (که نخستین امت مورد عرضه این کتابید و از شما به دیگران منتقل خواهد شد، در حقایق آن) بیندیشید

و حقّا این (قرآن) در کتاب مادر (لوح محفوظ) در نزد ما والّا رتبه و دارای اتقان نظم، و دقت محتوا، و متانت بیان است

پس آیا این کتاب سراپا تذکر را از شما از روی اعراض و انزجار بازگردانیم، به خاطر آنکه شما گروهی تجاوزکارید؟

و چه بسیار از پیامبران در میان مردمان پیشین فرستادیم

و هیچ پیامبری بر آنها نمی آمد مگر این که او را مسخره می کردند

پس ما نیرومندتر از آنان (از قوم عرب) را هلاک کردیم، و مثل و توصیف پیشینیان (در این قرآن) گذشت

و البته اگر از آنان (از مشرکان مکه) بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده؟ حتما می گویند: آنها را همان (خداوند) مقتدر دانا آفریده، (زیرا آنها شرک در تدبیر و ربوبیت داشتند نه در خلق عالم)

همان که این زمین را برای شما (همانند گهواره) محل آرامش قرار داد، و برای شما در آن راه ها آفرید شاید شما (به اهداف دنیوی خود و به توحید و کمال او) هدایت یابید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حم

وَالْكِتٰبِ الْمُبِیْنِ

اِنَّا جَعَلْنٰهُ قُرْءٰنًا عَرَبِیًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ

وَإِنَّهٗۤ فِیۤ اُمِّ الْكِتٰبِ لَدَیْنَا لَعَلِیۡ حَكِیْمٌ

اَفَنَضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا اَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِیْنَ

وَکَمْ اَرْسَلْنَا مِنْ نَّبِیٍّ فِی الْاَوَّلِیْنَ

وَمَا یَأْتِیْهِمْ مِّنْ نَّبِیٍّ اِلَّا کَانُوْا بِهٖۤ یَسْتَهْزِءُوْنَ

فَاَهْلَکْنَا اَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَّمَضٰی مَثَلُ الْاَوَّلِیْنَ

وَلَیْنِ سَاَلْتَهُمْ مِّنْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَیَقُوْلُنَّ
خَلَقْنَهِنَّ الْعَزِیْزُ الْعَلِیْمُ

الَّذِیۤ جَعَلَ لَکُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا وَّجَعَلَ لَکُمْ فِیْهَا سُبُلًا
لَّعَلَّکُمْ تَهْتَدُوْنَ

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا ۚ
كَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ
وَالْأَنْعَامِ مَا تَرَكْبُونَ

لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ
عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ
مُقْرِنِينَ

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ

أَمْ أَتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَكُمْ بِالْبَنِينَ

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ
مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

أَوْ مَنْ يُنشِئُ فِي الْحَلِيِّهِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبْدُ الرَّحْمَنِ إِنثًا أَشْهَدُوا
خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ ۗ مَا لَهُمْ بِذَٰلِكَ مِنْ
عِلْمٍ ۚ إِن هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

أَمْ ءَاتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ ۖ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ ءَاثَرِهِمْ
مُّهْتَدُونَ

و همان که از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) به اندازه معین (طبق اقتضای حکمت بالغه) فرو فرستاد، پس به سبب آن سرزمینی مرده را (به واسطه رویاندن گیاهان و درختان) زنده کردیم این گونه (شما نیز در روز قیامت از دل خاک ها) بیرون آورده می شوید

و همان که همه انواع (موجودات و همه جفت ها از مخلوقات) را آفرید و برای شما از کشتی ها و چارپایان آنچه که بر آن سوار می شوید پدید آورد

تا بر پشت آنها قرار گیرید، سپس نعمت پروردگارتان را هنگامی که بر آنها مستقر شدید یاد نمایید و بگویید: منزّه است (از هر عیب و نقص) آن که این را برای ما مسخر و رام نمود و (گرنه) ما قدرت آن را نداشتیم

و بی تردید ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم

و (مشرکان) برای خدا از بندگانش جزئی (فرزندی که جزء جدا شده از پدر است) قرار دادند (فرشتگان را دختران او خواندند)، حقا که انسان بسی کفر ورزنده و کفران نعمت کننده آشکار است

آیا از آنچه می آفریند دخترانی برای خود گرفته و شما را به (داشتن) پسران برگزیده است؟

حال آن که هر گاه یکی از آنان را به چیزی که او را شبیه خدای رحمان کرده (به ولادت دختری که او را فرزند خدا دانسته) مژده دهند صورتش (از شدت اندوه) سیاه می گردد در حالی که درونش پر از غصه و حزن است

و آیا کسی را که در میان زینت و زیور پرورش می یابد و در مقام جدل و مخاصمه بیانش روشن نیست (فرزند خدا می خوانید)؟

و فرشتگانی را که بندگان خدای رحمانند دختران پنداشتند آیا در آفرینش آنها حضور داشتند و مشاهده کردند (که آنها دخترند)؟ به زودی شهادت آنان (درباره فرشته ها) نوشته می شود و مورد بازپرسی قرار خواهند گرفت

و آنها (درباره بت ها) گفتند: اگر خدای رحمان می خواست (قهرا) آنها را عبادت نمی کردیم! آنها به این (ادعا) علم ندارند، بلکه تنها حدس می زنند و دروغ می گویند (زیرا عدم اراده تکوینی دلیل بر رضا و عدم منع تشریعی نیست، بلکه آیات الهی منع تشریعی را ثابت می کند)

یا آنها را کتابی پیش از این (قرآن) داده ایم که (در ادعاهایشان) بدان تمسک می جویند؟

بلکه آنها گفتند: همانا ما پدرانمان را بر آیینی یافته ایم، و حتما ما نیز در اثر پیروی آنها راهیافته ایم

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ

۴۳:
زخرف
۲۳
/۸۹

قَالَ أَوْلُو جِئْتُكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ عَابَاءَكُمْ
قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

۲۴
حزب
۱۹۷

فَاتَّقِمْنَا مِنْهُمُ ۖ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

५७

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ

۲۶
۴۲۶

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ

۲۷

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ ۚ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

PL

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَءَابَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ

۲۹

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ

μ_o

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْفَرِيقَيْنِ
عَظِيمٍ

፲፱

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ^ج نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا^ج وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ
لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا^ط وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا
يَجْمَعُونَ

ጡህ

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ
بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِّنْ فِصَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ

ጸጸ

و همین گونه ما در هیچ مجتمعی پیش از تو (نیز، پیامبر) بیم دهنده ای نفرستادیم جز اینکه مردمان خوشگذران آنها گفتند: ما پدرانمان را بر آیینی یافته ایم و ما بر پی آنها رهرویم

(پیامبرشان) گفت: آیا هر چند من برای شما آیینی هدایت بخش تر از آنچه پدرتان را بر آن یافته اید بیاورم (باز هم پیرو آنانید)؟ گفتند: بی تردید ما به آنچه شما بدان فرستاده شده اید کافریم

پس ما از آنان (به هلاک کردن و ریشه کن نمودن آنها)
انتقام گرفتیم، پس بنگر که عاقبت تکذیب کنندگان چگونه
بود

و (به یاد آر) هنگامی که ابراهیم به پدر (پدرزن یا عمو) و قوم خود گفت: بی تردید من از آنچه شما می پرستید سراپا بیزارم

مگر (از) کسی که مرا آفریده (از متن عدم به عرصه وجود آورده) که البته به زودی مرا (به ابعاد کمالات انسانی در دنیا، و به بهشت در آخرت) هدایت خواهد نمود

و (خداوند) آن (برائت از بت و توجه به مبدأ) را کلمه جاویدانی در میان نسل او قرار داد، شاید (نسل او و قوم او به سوی آن) بازگردند

بلکه اینان (کفار مکّه) و پدرانشان را (که توحید ابراهیمی را نپذیرفتند، از نعمت های دنیا) برخوردار کردم تا آن که حق و فرستاده ای آشکار و روشنگر (قرآن و محمد صلی الله علیه وآله) به سراغ آنها آمد

و چون حق (قرآن) به سوی آنها آمد گفتند: این جادوست و ما حتما بدان کافریم

و گفتند: چرا این قرآن بر مرد بزرگی (صاحب مال و جاهی) از یکی از این دو شهر (مانند ولید بن مغیره از مکه و عروه بن مسعود از طائف) فرو فرستاده نشده؟

آیا آتھایند که رحمت پروردگار تو را (از نبوت و هدایت و تربیت جامعه) تقسیم می کنند (که به هر کس خواهند بدهند)؟! ماییم که وسایل حیات آنها را در زندگی دنیا در میانشان قسمت کرده ایم و برخی از آنها را بر برخی به رتبه هایی (از کمالات مادی و معنوی) برتری داده ایم تا بعضی از آنان بعض دیگر را به خدمت گیرند (تا نظام اتم و اصلح اداره مجتمع بشری فراهم آید)، و رحمت پروردگار تو (نبوت و ولایت عامه و دین) از آنچه آنها گردآوری می کنند بهتر است

و اگر بیم آن نبود که مردم همه یک امت شوند (و همه بر کفر و شرک اتفاق کنند) همانا برای کسانی که به خدای رحمان کفر می ورزند برای خانه هایشان سقف هایی از نقره می ساختم، و نردبان هایی (از نقره) که بر آن بالا روند

وَلِيُؤْتِيَهُمْ اٰبَآءًا وَّسُرْرًا عَلَیْهَا یَتَّكِبُوْنَ

۳۵

وَزُخْرَفًا وَاِنْ كُلُّ ذٰلِكَ لَمَّا مَتَّعِ الْحَیْوةَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِیْنَ

۳۶

۴۲۷ر

وَمَنْ یَعِشْ عَنِ ذِکْرِ الرَّحْمٰنِ نُقِیْضْ لَهُ وَّ شَیْطٰنًا فَهُوَ لَهُ وَّ قَرِیْنٌ

۳۷

وَإِنَّهُمْ لَیَصُدُّوْنَهُمْ عَنِ السَّبِیْلِ وَیَحْسَبُوْنَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُوْنَ

۳۸

حَتّٰی اِذَا جَاۤءَنَا قَالَ یٰلَیْتَ بَیْنِیْ وَبَیْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَیْنِ فَبِئْسَ الْقَرِیْنُ

۳۹

وَلَنْ یَنْفَعَكُمُ الْیَوْمَ اِذْ ظَلَمْتُمْ اَنَّاكُم فِی الْعَذَابِ مُشْتَرِكُوْنَ

۴۰

اَفَاَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ اَوْ تَهْدِی الْعُمْیَ وَمَنْ كَانَ فِی ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ

۴۱

فَاِِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَاِنَّا مِنْهُمْ مُّنتَقِمُوْنَ

۴۲

اَوْ نُرِیَنَّكَ الْاٰذِی وَعَدْنَاهُمْ فَاِنَّا عَلَیْهِمْ مُّقْتَدِرُوْنَ

۴۳

فَاسْتَمْسِكْ بِالْاٰذِیْ اَوْحٰی اِلَیْكَ ^ط اِنَّكَ عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ

۴۴

وَإِنَّهُ لَذِکْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِکَ ^ط وَسَوْفَ تُسْأَلُوْنَ

۴۵

وَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رُّسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمٰنِ ءَالِهَةً یُعْبَدُوْنَ

۴۶

۴۲۸ر

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسٰی بِآیٰتِنَا اِلٰی فِرْعَوْنَ وَمَلَِیْهِۦ فَقَالَ اِنِّیْ رَسُوْلُ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ

۴۷

فَلَمَّا جَاۤءَهُمْ بِآیٰتِنَا اِذَا هُمْ مِنْهَا یَضْحَكُوْنَ

و برای خانه هایشان درهایی و نیز تخت هایی (از نقره می ساختیم) که بر آنها تکیه کنند

و نیز (برای خانه هایشان) زیور و زینت زرّین را (قرار می دادیم)، اما همه اینها جز برخورداری (اندک) زندگی دنیا نیست، و آخرت در نزد پروردگار تو از آن پرهیزکاران است

و هر کس از یاد خدای رحمان (در اثر اشتغال به شهوات) چشم ببوشد (و کوردل شود) برای او شیطانی می گماریم، که همواره (برای وسوسه و گمراهی) یار و قرین باشد

و مسلما آن شیطان ها آنان را از راه (هر خیری) بازمی دارند، و آنها گمان می کنند که هدایت یافتگانند

تا آن گاه که (آن کوردل در قیامت) نزد ما آید (به شیطانش) گوید: ای کاش میان من و تو دوریی به فاصله مشرق و مغرب بود، که تو بد یار و قرینی هستی

و از آن رو که (در دنیا به خود) ستم کردید هرگز (این تنفر و آرزوی دوری) امروز شما را سودی نخواهد داد زیرا که بی تردید شما در عذاب (دوزخ) مشترکید (و میان شما دوری نخواهد افتاد)

پس آیا تو می توانی کران را بشنوانی یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکارند هدایت کنی؟

پس اگر ما تو را (از این جهان) ببریم بی تردید از آنان انتقام خواهیم گرفت

یا آنچه را (از عذاب) که به آنها وعده داده ایم به تو نشان دهیم، پس ما حتما بر آنها مقتدر و غالبیم (و به هر حال از آنها در حال حیات تو یا پس از مرگ تو انتقام می گیریم)

پس به آنچه به تو وحی شده تمسّک جوی، زیرا که تو بر راهی راست قرار داری

و البته این (قرآن) برای تو و قوم تو یادآوری است، و به زودی (از آن) بازخواست خواهید شد

و از رسولان ما که پیش از تو فرستاده ایم بپرس (از علمای امت و کتاب های غیر محرّف آنها، یا در معراج از ارواح آنها جویا شو) که آیا (از آغاز تاریخ) غیر از خدای رحمان معبودانی که عبادت شوند قرار داده ایم؟

و همانا موسی را همراه آیات و نشانه های خود به سوی فرعون و سران و اشراف قوم او فرستادیم، پس گفت: من فرستاده پروردگار جهانیانم

پس چون آیات ما را برای آنان آورد به ناگاه آنان از (روی تمسخر به) آنها می خندیدند

وَمَا نُرِيهِمْ مِّنْ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

۴۹

وَقَالُوا يَأَيُّهُ السَّاحِرُ أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ

۵۰

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ

۵۱

وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ ۚ قَالَ يَبْقَوْمُ الْيَسَّ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي ۚ أَفَلَا تُبْصِرُونَ

۵۲

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ

۵۳

فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلٰٓئِكَةُ مُقْتَرِنِينَ

۵۴

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ ۖ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَٰسِقِينَ

۵۵

فَلَمَّا ءَاسَفُونَا اُنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ

۵۶

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ

۵۷
حزب
۱۹۸
۴۲۹۲

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ

۵۸

وَقَالُوا ءَالِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ ۚ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ

۵۹

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ

۶۰

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَّلٰٓئِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ

و ما هیچ آیه و معجزه ای را به آنها نشان نمی دادیم مگر آنکه از مشابهش (در اعجاز و دلالت بر مدّعا) بزرگتر بود. و آنها را به عذاب (قحطی و طوفان و ملخ و غیره) گرفتار کردیم، شاید بازگردند

و (چون گرفتار شدند) گفتند: ای جادوگر، پروردگارت طبق عهده‌ی که با تو کرده (که اگر ایمان بیاوریم عذاب را برمی دارد) برای ما بخوان که حتما ما رهیافته خواهیم بود

پس چون عذاب را از آنها برطرف کردیم ناگاه پیمان می شکستند

و فرعون در میان قوم خود ندا در داده، گفت: ای قوم من، آیا فرمانروایی مصر از آن من نیست و این نهرها از زیر (قصرهای) من (و در تحت اراده من) روان نیستند؟ آیا نمی بینید؟

بلکه من از این کسی که خود پست و زبون است و نمی تواند سخن به روشنی بگوید (اشاره به لکنت زبان موسی) بهترم

پس چرا بر او دستبندهایی از طلا آویخته نشده یا فرشتگان همراه او دوشادوش هم نیامدند؟

پس او قوم خود را سبک مغز شمرد و آنها هم اطاعتش نمودند حقّا که آنها گروهی فاسق و نافرمان بودند

پس چون ما را به خشم آوردند از آنان انتقام گرفتیم پس همه آنها را غرق نمودیم

در نتیجه آنها را پیشروان (طاغوتیان تاریخ) و مثالی عبرت آور برای آیندگان قرار دادیم

و چون به (عیسی) فرزند مریم مثال زده شد (و در سوره مریم از او تعریف شد) به ناگاه قوم تو از آن (به گمان اینکه خدایی او را پذیرفتی به جدال و مخاصمه) فریاد برآوردند

و (به قصد ترجیح خدایان خود) گفتند: آیا خدایان ما بهتر است یا او؟! (وقتی که او خدا و معبود باشد پس خدایان ما به خدایی اولویت دارند). این مثال را برای تو جز به عنوان جدال (باطل) نزدند (زیرا تو خدا بودن او را نپذیرفته ای) بلکه آنها گروهی سرسخت و ستیزه جویند

او نبود جز بنده ای که بر وی نعمت بخشیدیم و او را مثلی (مخلوق عجیب خارق العاده ای که مثل سر زبان ها و الگو برای عمل باشد) برای بنی اسرائیل قرار دادیم

و (مسأله عیسی از قدرت ما عجیب نیست بلکه) اگر بخواهیم از شما بشر فرشتگانی در روی زمین متولد می سازیم، و یا به جای شما فرشتگانی در زمین می آوریم که جانشین شما باشند

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ أَلِيمٍ

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ

يَعْبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ

الَّذِينَ ءَامَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ اَنتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

لَكُمْ فِيهَا فَلَکِهَةٌ کَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ

و حَقًّا که او (عیسی به خاطر کیفیت تولد و معجزه هایش و در اواخر عمر از آسمان فرود آمدنش) سبب علم به قیامت است، پس هرگز در آن (روز) تردید مکنید و از (دین و کتاب) من پیروی نمایید، که این است راه راست

و مبادا شیطان شما را (از راه توحید و دین) بازدارد! حَقًّا که او برای شما دشمنی آشکار است

و چون عیسی دلایل روشن (از معجزات نبوت خود) آورد، گفت: من برای شما حکمت (احکام شریعت و علوم عقلی) آوردم (و آمدم) تا بیان کنم برای شما برخی از آنچه را که در آن اختلاف می‌کنید پس از خدا پروا کنید و از من فرمان برید

به یقین خداوند یکتا پروردگار من و شماست، پس او را پرستش کنید، این است راه راست

پس گروه‌ها از میان امت او به اختلاف برخاستند (برخی در یهودیت باقی مانده، و برخی ایمان آورده و غلو کرده و برخی راه به اعتدال رفتند) پس وای بر کسانی که ظلم (با این عظمت و گستردگی) نمودند از عذاب روزی دردناک

آیا آنها جز قیامت را انتظار دارند که ناگهان بر آنها بیاید در حالی که (از آن) غفلت دارند؟

دوستان (دنیا) در آن روز دشمن یکدیگرند (چون اسباب دوستی در آن روز تبدیل به اسباب دشمنی می‌شود) مگر پرهیزکاران (که سبب دوستی آنان قوی‌تر می‌گردد)

(و به آنان خطاب می‌شود) ای بندگان من، امروز نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید

(ای) کسانی که به آیات و نشانه‌های ما ایمان آورده و همواره تسلیم بودید

شما و همسران (دنیوی) تان با سرور تمام و آراستگی کامل و غایت اکرام به بهشت درآیدید

و بر آنان کاسه‌هایی زرین (پر از غذا) و کوزه‌هایی (سرشار از شراب طهور) گردانده می‌شود، و در آنجا آنچه دل‌ها اشتها کند و چشم‌ها لذت برد مهیاست، و شما در آنجا جاودانید

و این همان بهشتی است که شما را در مقابل آنچه (در دنیا) انجام می‌دادید به ارث داده شد (یا سهم بهشتی کفار است که شما به خاطر اعمال نیکتان به میراث بردید)

برای شما در آنجا میوه‌های فراوانی است که از آنها می‌خورید

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

۷۵ لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ

۷۶ وَمَا ظَلَمْنَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ

۷۷ وَنَادَوْا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۖ قَالَ إِنَّكُمْ مَكِثُونَ

۷۸ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ

۷۹ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ

۸۰ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ ۚ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ

۸۱ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَبِيدِينَ

۸۲ سُبْحَنَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

۸۳ فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

۸۴ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ

۸۵ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ ۚ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۸۶ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

۸۷ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۖ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ

۸۸ وَقِيلَ لَهُ يَرْبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ

۸۹ فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

همانا گنهکاران در عذاب جهنم جاویدانند

(عذاب) از آنها تخفیف نمی یابد و آنان در آنجا نومید (از نجات) اند

و ما به آنها ستم نکردیم ولی آنان خود ستمکار بودند

آنها ندا در می دهند: ای مالک (جهنم، بگو) پروردگارت ما را بمیراند و نابود سازد! گوید: بی تردید شما (در این جا) ماندگارید

ما حق را (دین و کتاب و معارف الهی را در دنیا) برای شما (طائفه بشر) آوردیم، و لکن بیشتر شما حق را خوش نداشتید

بلکه آنها کار (مکر و مخالفت با حق) را محکمتر کردند، ما نیز (کار مکر و غضب را بر آنها) محکمتر می کنیم

آیا آنها می پندارند که ما راز دل و سخن در گوشی آنها را نمی شنویم؟ چرا (می شنویم) و فرستادگان ما که نزد آنهایند می نویسند

بگو: اگر برای خدای رحمان فرزندی بود خود من (برای ادای حق فرزندی و شرکتش با پدر در وجوب عبادت) نخستین پرستنده (او) بودم

منزه است پروردگار آسمان ها و زمین، پروردگار عرش، از آنچه آنها توصیف می کنند (که او فرزند دارد، فرشتگان دختران اویند، مجسم است و به سه جزء تقسیم شده و ...)

پس آنها را رها کن که (در کفر و فسقشان) فرو روند و سرگرم بازی (با دنیای خود) باشند تا آن روزشان را که وعده داده می شوند دیدار کنند

و اوست که در آسمان ها معبود است و در زمین معبود و اوست دارای اتقان صنع و تدبیر، و دانا (به همه چیز)

و پرخیر و برکت و پایدار است خدایی که ملکیت حقیقی و تسلط و حاکمیت بر آسمان ها و زمین و آنچه در میان آن دو هست از آن اوست، و علم به هنگام حدوث قیامت نزد اوست، و به سوی او بازگردانده می شوید

و کسانی که اینان به جای خدا می خوانند (مانند بت ها و فرشتگان و برخی از انسان ها، در روز قیامت) مالک هیچ شفاعتی نخواهند بود، مگر آن کسانی که شهادت به حق دهند (مگر شفیعیانی که خود اقرار به توحید کنند) در حالی که (ایمان و صلاحیت شفاعت شده را) می دانند

و اگر از آنان بپرسی چه کسی آنها را آفریده خواهند گفت: خداوند، (زیرا آنها مشرک در خلقت نبودند بلکه مشرک در تربیت و ربوبیت بودند)، پس چگونه و به کجا (از حق) باز گردانده می شوند؟ (و الوهیت و خالقیت را از ربوبیت جدا می کنند)

و (در نزد خداست آگاهی به) گفتار او (گفتار شاکیانه و مایوسانه پیامبر که گفت) ای پروردگار من، مسلما اینان گروهی هستند که ایمان نخواهند آورد

پس (ای پیامبر) از آنان روی برتاب و بگو: به سلامت (سلام یأس و متارکه دعوت و انتظار فرمت برای نبرد)، و به زودی (پس از تشکیل حکومت ت

حَا، میم. رمزهایی است از جانب اللّٰه که به محمّد (ص) القا شده، و این کتاب مرکب از همین حروف است ولی احدی را توان مقابله با آن نیست. این کتاب دارای محکّات و این گونه متشابهات است. سوگند به حلم بی حد و ملک مطلق ما که آنچه در جریان قدر می گذرد از قضای ازل گذشته است و

سوگند به این کتاب روشن و روشنگر که

ما آن را (یک جا) در شبی پربرکت (که شب قدر است) فرو فرستادیم، زیرا ما همواره (طبق سنّت جاریه خود) بیم دهنده (جهانیان) بوده ایم

در آن شب هر کار محکم و استواری (از حوادث سال از آن جمله نزول قرآن تا شب قدر آینده) از هم باز می شود (و به مأمورین اجرا ابلاغ می گردد)

کاری که نشأت یافته از جانب ماست، زیرا ما همواره (فرشتگان را برای اداره امور تکوین، و پیامبران را برای ابلاغ امور تشریع) فرستنده بوده ایم

به خاطر (اقتضای) رحمت پروردگارت، زیرا که اوست شنوا (ی درخواست های قوی و عملی نیازمندان) و دانا (به نیاز آنها)

همان پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه که در میان آن دو هست اگر اهل باورید

هیچ معبودی جز او نیست، (اوست که) زنده می کند و می میراند، پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست

بلکه آنان (به جای ایمان آوردن، درباره توحید و معاد) در تردید و سرگرم بازی (با دنیای خویش) اند

پس در انتظار روزی باش که آسمان (در مقدمه شروع قیامت) دودی آشکار بیاورد

که همه مردم را فرا گیرد، (و گفته می شود) این عذابی دردناک است

(در حالی که همه می گویند) پروردگارا، این عذاب را از ما برطرف ساز، که ما اهل ایمانیم

از کجا و چگونه آنها را تذکر خواهد بود در حالی که بر آنها فرستاده ای روشن (از نظر رسالت) و روشنگر (نسبت به حقایق) بیامد؟

سپس از او روی برتافتند و گفتند: او (در سخنانی که می خواند) تعلیم یافته (از دیگران است که به خدا نسبت می دهد) و دیوانه است

ما اکنون آن عذاب را (از اهل جهان) اندکی برطرف می کنیم (و تذکر می دهیم) که شما حتما (پس از مدتی به عذاب آخرت) باز می گردید

(آن عذاب در) روزی (است) که (کافران را) به بزرگترین و سخت ترین طرزی فرا گیریم، زیرا ما انتقام گیرنده ایم

و حقیقت این است که ما پیش از آنها قوم فرعون را آزمودیم و رسولی بزرگوار به سراغ آنها آمد

(گفت) که بندگان خدا (بنی اسرائیل ستمدیده) را به من بازدهید، همانا من برای شما فرستاده ای امینم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حَم

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبَرَّكََةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ مُّوقِنِينَ

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ عَابَائِكُمْ الْأَوَّلِينَ

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ

يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ

أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ

إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ

أَنْ أَدَّوْا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُم بِسُلْطَنِ مُّبِينٍ

وَإِنِّي عَذْتُ رَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ

وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَأَعْتَزِلُونِ

فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ

فَأَسْرِ بِعَبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ

وَأَتْرَكَ الْبَحَرَ رَهْوَاً إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا ءَاخِرِينَ

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ

مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ

وَلَقَدْ أَخْتَرْنَاهُمُ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ

وَعَاتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْأَيِّتِ مَا فِيهِ بَلَؤٌ مُّبِينٌ

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ

إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ

فَاتُّوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُّجْرِمِينَ

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِبِينِ

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و (پیام دیگر) اینکه بر خداوند تکبر و برتری نکنید، زیرا من برای شما حجتی آشکار آورده ام

و البته من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه بردم از اینکه مرا برانید یا ناسزا گویید یا سنگ بزنید، یا بکشید

و اگر به من ایمان نمی آورید پس از من کناره گیرید و مرا به حال خود واگذارید

(اما دعوتش سودمند نیفتاد) پس پروردگار خود را خواند که اینان گروهی گنهکارند (در آن حدی که استحقاق هلاکت دسته جمعی دارند)

(گفتیم) پس بندگان مرا شبانه حرکت ده، زیرا شما تحت تعقیب هستید

و (چون دریا را برای تو شکافتیم و عبور کردی) دریا را با راه وسیعش رها کن (تا فرعونیان وارد شوند) زیرا آنان بی تردید سپاهی محکوم به غرقند

چه بسیار از باغ ها و چشمه سارها که از خود باقی نهادند

و چه کشتزارها و منزل و جایگاه های زیبا و پر نعمتی

و چه خوش گذرانی ها که در آن مسرور و خوشحال بودند

(آری) این گونه بود، و ما همه آنها را به گروهی دیگر به میراث دادیم

پس نه آسمان و زمین بر آنها گریست، و نه (در وقت نزول عذاب) مهلت یافتند

و به یقین ما بنی اسرائیل را از آن عذاب خوارکننده (ذبح پسران و بیگاری دختران) نجات بخشیدیم

از (دست) فرعون که حقا او سرکشی برتری جو از تجاوزکاران بود

و همانا ما آنها را از روی علم (به استحقاق و صلاحیتشان) بر جهانیان (مردم زمانشان) برگزیدیم

و آنها را از آیات و معجزات آنچه در آن امتحانی آشکار (یا نعمتی روشن) بود عطا کردیم (مانند عصا، ید بیضا، شکافتن دریا، هلاک دشمنان، نزول تورات و منّ و سلوی و ابر سایه بان)

البته اینان (کفار قریش) می گویند

سرانجام زندگی (و هستی بشر) جز همان مرگ اولی (مرگ از دنیا) نیست و ما هرگز بر انگیخته نخواهیم شد

پس پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید اگر شما (در دعوی قیامت) راستگویید

آیا آنها (در نفوس و نیرو) بهتر (و بیشتر) ند یا قوم تبع (یکی از سلاطین مقتدر یمن) و کسانی که پیش از آنها بودند (مانند عاد و ثمود)؟ همه آنان را هلاک نمودیم، چرا که همه گنهکار بودند

و ما آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن دو است به بازی (و بدون هدف) نیافریده ایم

ما آن دو را جز به حق (و برای هدفی والا و عقلانی) نیافریده ایم، و لکن بیشتر آنها نمی دانند

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَتُهُمْ أَجْمَعِينَ

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

إِنَّ شَجَرَتَ الرَّقُومِ

طَعَامُ الْأَثِيمِ

كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ

كَغَلِي الْحَمِيمِ

خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ

ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِينَ

كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ

يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ ءَامِنِينَ

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَّعَهُمْ عَذَابَ
الْجَحِيمِ

فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ

و به یقین روز فصل (روز قضاوت به حق خداوند و روز جداسازی حق از باطل و مؤمن از کافر و عادل از فاسق) موعدهمگی آنان است

روزی که هیچ دوست و یآوری از دوست و یاور خود هیچ گونه ضرری را دفع نمی کند، و آنان یاری نمی شوند

مگر کسی که خداوند مورد ترحم قرار دهد، زیرا اوست مقتدر و مهربان

بی تردید درخت زقوم (که در ته جهنم می روید و شاخه هایش به همه طبقات می رسد)

خوراک فرد گنه پیشه است

مانند مس گداخته است که در شکم ها می جوشد

مانند جوشیدن آب جوشان

او را بگیرید و به قهر به میان جهنم بکشید

سپس از فرق سرش آب جوشانی که سراپا عذاب و شکنجه است بریزید

(و بگویید) بچش که حقا تو همان قدرتمند گرامی هستی

این همان (عذاب ها) است که شما در آن تردید می کردید

همانا پرهیزکاران در جایگاه امنی (از مرض و اندوه و پیری و مرگ) خواهند بود

در میان باغ ها و چشمه سارها

از لباس های ابریشم نازک و ضخیم می پوشند در حالی که (برای انس و صحبت) رویاروی هم می نشینند

این گونه است (حال آنها)، و حور العین (زنان بهشتی سفیداندام و درشت چشم) را همسر آنها می کنیم

در آنجا هر نوع میوه ای را می طلبند در حالی که ایمن (از ضرر و زوال آن) باشند

در آنجا مرگی نخواهند چشید لکن مرگ اولی را (که سبب انتقال از دنیا به عالم برزخ بوده و هم چنین مرگ دومی که سبب انتقال از برزخ به قیامت بوده، چشیده اند)، و (خداوند) آنها را از عذاب جهنم (برای ابد) نگه می دارد

تفضلی است از جانب پروردگار تو، و این همان نجات و کامیابی بزرگ است

پس جز این نیست که ما این (قرآن) را به زبان تو آسان کردیم، (چون آن را عربی و تو را گویا و ذهنت را آشنا به معارف آن قرار دادیم) شاید آنان (قوم تو) متذکر شوند

پس (چون آنها متذکر نمی شوند) منتظر (عذاب بر آنها) باش که البته آنها نیز منتظر (عذاب) هستند

حا، میم. رمزهایی است از جانب الله که به محمد (ص) القا شده، و این کتاب مرکب از همین حروف است ولی احدی را توان مقابله با آن نیست. این کتاب دارای محک‌مات و این گونه متشابهات است. سوگند به حلم بی حد و ملک مطلق ما که آنچه در جریان قدر می گذرد از قضای ازل گذشته است و

فرو فرستادن این کتاب از جانب خداوند مقتدر شکست ناپذیر و صاحب اتقان صنع در تکوین و متانت در تشریع است

به یقین در آسمان ها و زمین (در وجود و کیفیت و آثار خلقت آنها) نشانه هایی است (از توحید و ربوبیت و قدرت و حکمت خداوند) برای اهل ایمان

و نیز در آفرینش خودتان و آنچه از جنبنندگان (در سراسر جهان) منتشر می نماید (به لحاظ اختلاف بدن ها و روان ها و نحوه ارتباط روان ها با بدن ها) نشانه هایی است برای گروهی که باور دارند

و نیز در رفت و آمد شب و روز و زیاد و کم شدن آنها و آنچه از روزی که خداوند از آسمان نازل می کند (مانند باران و نور خورشید) و به وسیله آن زمین را پس از مرگش زنده می سازد (بذرها، گیاهان و نهال ها را روح نمو می دمد) و نیز در گرداندن باده‌ا (به هر سو) نشانه هایی است برای گروهی که می اندیشند

اینها (این آیات کتاب و آیات انفسی و آفاقی) آیات خداست که به حق و درستی بر تو می خوانیم، پس (اگر اینها را نپذیرند) به کدام سخن بعد از (سخن) خدا و نشانه های او ایمان می آورند؟

وای بر هر دروغ پرداز گناه پیشه

که آیات خدا را که پیوسته بر او خوانده می شود می شنود سپس در حال تکبر (بر کفر و عناد خود) اصرار می ورزد، گویی که آنها را نشنیده! پس او را به عذابی دردناک بشارت ده

و هر گاه از آیات (کتاب و نشانه های) ما چیزی بداند آنها را به مسخره گیرد. آنهایند که برایشان عذابی خوارکننده خواهد بود

پشت سر (دنیای) آنها جهنم است و آنچه (از مال و جاه) به دست آورده اند و آنچه به جای خدا سرپرستان و دوستان اتخاذ کرده اند چیزی (از عذاب خدا) را از آنها دفع نمی کند، و آنها را عذابی است بزرگ

این (قرآن) سراپا هدایت است، و کسانی که به آیات پروردگارشان کفر ورزیدند آنان را عذابی است از نوع عذاب سخت و دردناک

خداوند همان است که دریا را به نفع شما (به بخشیدن طبع خاص و سعه وجودی به آب و ایجاد هوا در محیط آن) مسخر نمود تا کشتی ها در آن به فرمان (تکوینی) او روان شوند و تا شما از فضل و نعمت های (بری و بحری) او طلب کنید و شاید سپاس گزایید

و آنچه در آسمان ها و آنچه در این زمین است همه را که (وجود و حفظ و تدبیرشان) از اوست به سود شما مسخر نمود. حقا که در این (تسخیر) نشانه هایی (از توحید و قدرت و رحمت او) است برای گروهی که می اندیشند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ

وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ ءَايَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

وَأَخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ ءَايَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

تِلْكَ ءَايَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَءَايَاتِهِ يُؤْمِنُونَ

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ

يَسْمَعُ ءَايَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ ءَايَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

مِّنْ وَرَائِهِم جَهَنَّمٌ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

هَٰذَا هُدًىٰ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٌ

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ ٱللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا فَلِنَفْسِهِ�ۗ وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِي إِسْرَٰءِيلَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ ٱلطَّيِّبَتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ

وَعَٰتَيْنَاهُم بَيِّنَتٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِۖ فَمَا اخْتَلَفُوا۟ إِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَعْثِيَا۟ بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَفْضِلُ بَيْنَهُم يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

إِنَّهُمْ لَن يَغْنُؤُوا۟ عَنكَ مِنَ ٱللَّهِ شَيْئًاۚ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍۭ ۖ وَٱللَّهُ وَلِىُّ ٱلْمُتَّقِينَ

هَٰذَا بَصَرٌ۬ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ۬ لِّقَوْمٍۭ يُوقِنُونَ

أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ أُجْتَرَحُوا۟ ٱلسَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَتِ سَوَآءً۬ مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْۖ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ

وَخَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَوَاتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

به کسانی که ایمان آورده اند بگو تا از کسانی که ایمان و امید به روزهای خدا (مانند روزهای شکست و مرگ، برزخ و قیامت) ندارند درگذرند (و تا تحقق حکومت الهی متعرض آنها نشوند) تا (خداوند، خود) گروهی را (که معارضه می کنند) در برابر دستاوردهان کیفر دهد

هر که عمل شایسته کند به سود اوست، و هر که کار بد کند به زیان اوست، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید (تا نتیجه اعمالتان را ببینید)

و همانا ما بنی اسرائیل را کتاب (آسمانی تورات و انجیل و زبور و صحف) و حکم (حکمت و قضاوت و حکومت) و نبوت دادیم، و آنها را از چیزهای پاکیزه (چون منّ و سلوی و مائده آسمانی) روزی کردیم و آنها را بر جهانیان (عصر خودشان) برتری بخشیدیم

و برای آنها دلایل روشنی از امر (دینشان) عطا کردیم (که در اصول و فروع آن اجمالی نماند)، پس آنان (در دینشان) اختلاف نکردند مگر پس از آنکه علم (به حقیقت امر) به آنان رسید (و اختلافشان نبود مگر) از روی حسد و تعدّی و برتری طلبی در میان خودشان. همانا پروردگار تو میان آنها در روز قیامت در همه آنچه در آن اختلاف می کردند داوری خواهد نمود

سپس تو را بر شریعتی (خاص) از امر (کلی دین، یعنی شریعت اسلام در برابر شریعت های چهارگانه گذشته) قرار دادیم پس، از آن پیروی کن و هرگز از هواهای کسانی که دانش ندارند (کفار و مشرکان) پیروی مکن

زیرا که البته آنها چیزی از (عذاب) خدا را از تو دفع نمی کنند، و همانا ستمکاران دوستان و یاوران یکدیگرند، و خداوند سرپرست و یاور پرهیزکاران است

این (قرآن و این شریعت) وسایل بینایی مردم است، و سراپا هدایت و رحمت است برای گروهی که (به مبدأ و معاد) باور می دارند (یعنی فعلیت و تأثیرش درباره آنهاست)

آیا کسانی که مرتکب گناهان شدند گمان دارند که ما آنها را همانند کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند قرار می دهیم که زندگی و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می کنند

و خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفرید (به درستی و غرضی والا و عقلانی آفرید تا هر مستعدّی به کمالات لایق خود برسد) و تا هر نفسی (در عالم دیگر) در برابر آنچه کسب کرده جزا داده شود و آنها هرگز ستم نمی شوند و از استحقاقشان کاسته نمی گردد

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِّنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَن

قَالُوا أَأُتُوا بِآيَاتِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُم ثُمَّ يُمِيتُكُم ثُمَّ يُجْمَعُكُم إِلَىٰ يَوْمٍ

الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِدِ

يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ

وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ

تُحْزَرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي

رَحْمَتِهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ ءَايَتِي تَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ

فَأَسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا

نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيقِنِينَ

پس آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفسش قرار داده و خدا او را روی علم خود (به کفر باطن و خبث سربیره اش) و آگاهی وی، به حال خود رها کرده و بر گوش و قلب او مهر (شقاوت) نهاده و بر دیده (دل) او پرده کشیده؟! پس چه کسی است که او را بعد از خدا هدایت کند؟ آیا متذکر نمی شوید؟

و (مشرکان که معاد را منکرند) گفتند: زندگی جز همین

زندگی دنیای ما نیست که همواره می میریم و زنده می شویم (گروهی می میرند و گروهی زنده می شوند و یا آنکه از بدنی می میریم و در بدنی دیگر به طرز تناسخ زنده می گردیم) و ما را جز مرور زمان نمی کشد (فرشته ها به وسیله مرور زمان تناسخ را انجام می دهند نه آنکه مبدئی در کار باشد)، و آنها را بر این (مدعا) هیچ علمی نیست جز این نیست که آنها گمان پردازی می کنند

و چون نشانه ها و دلایل روشن ما (در امر معاد) بر آنها

خوانده شود جز این حجت و دلیلی ندارند که می گویند اگر شما راستگویید پدران ما را (از قبر بیرون) آورید (تا ما ایمان بیاوریم)

و چون نشانه ها و دلایل روشن ما (در امر معاد) بر آنها

بگو: خداوند شما را (ابتدا در این دنیا) حیات می بخشد سپس می میراند، آن گاه شما را به روز قیامت که شکی در آن نیست گرد می آورد، و لکن بیشتر مردم نمی دانند

و چون نشانه ها و دلایل روشن ما (در امر معاد) بر آنها

و ملکیت و مالکیت حقیقی آسمان ها و زمین از آن خداوند است (به لحاظ آنکه خلقت و حفظ و تدبیر و فانی کردن آنها در دست اوست)، و روزی که قیامت برپا شود آن روز است که باطل گرایان زیان می برند

و چون نشانه ها و دلایل روشن ما (در امر معاد) بر آنها

و (در آن روز) هر امتی را (از غایت دهشت) گرد آمده و به زانو درافتاده می بینی هر امتی به سوی کتاب خود (هر فردی از امت به سوی نامه عمل خود یا هر امتی به سوی کتاب مذهب خود) خوانده می شود، (و خطاب می آید که) امروز در برابر آنچه عمل می کردید کیفر داده می شوید، یا تجسم یافته عین عمل دنیوی تان کیفر اخروی شماست

و چون نشانه ها و دلایل روشن ما (در امر معاد) بر آنها

این نوشته ماست که بر (عمل های) شما به حق و درستی سخن می گوید زیرا ما از آنچه شما انجام می دادید نسخه برمی داشتیم (و یا از روی لوح محفوظ رونوشت می کردیم و با عمل های شما تطبیق می دادیم)

و چون نشانه ها و دلایل روشن ما (در امر معاد) بر آنها

پس کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند آنها را پروردگارشان در رحمت خود وارد می کند این همان کامیابی آشکار است

و چون نشانه ها و دلایل روشن ما (در امر معاد) بر آنها

و اما کسانی که کفر ورزیدند (به آنها گفته می شود) مگر نه این بود که نشانه های (توحید و کتاب) من بر شما خوانده می شد، اما شما تکبر ورزیدید و گروهی مجرم و گنهکار بودید؟

و چون نشانه ها و دلایل روشن ما (در امر معاد) بر آنها

و چون گفته می شد که بی تردید وعده خدا حق است و در قیامت شکی نیست، می گفتید: ما نمی دانیم قیامت چیست، ما تنها گمانی داریم و ما به یقین نرسیده ایم

وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ

۳۴

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِلُكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّصْرِينَ

۳۵

ذَٰلِكُمْ بِأَنكُمُ اتَّخَذْتُمْ ءَايَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا ۖ فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

۳۶

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۳۷

وَلَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۴۶. احقاف	الأَحْقَاف: سرزمین احقاف	مکی	۳۵ آیه	۵ صفحه
------------------	--------------------------	-----	--------	--------

حَا، میم. رمزهایی است از جانب اللّٰه که به محمّد (ص) القا شده. این کتاب مرکب از همین حروف است ولی احدی را توان مقابله با آن نیست. این کتاب دارای محکّمات و این گونه متشابهات است. سوگند به حلم بی حد و ملک مطلق ما که آنچه در جریان قدر می گذرد از قضای ازل گذشته است و

فرو فرستادن این کتاب از جانب خدای مقتدر شکست ناپذیر و صاحب اتقان صنع در تکوین و متانت در تشریع است

ما آسمان ها و زمین و آنچه را که در میان آن دو هست جز به حق (و هدفی برتر و عقلانی) و تا مدتی معین (که روز قیامت و روز زوال نظام جهان هستی است) نیافریدیم، و کسانی که کفر ورزیدند، از آنچه انذار شده اند رویگرداندند

بگو به من خبر دهید که آنچه به جای خداوند می خوانید (مانند بت ها و غیره) به من نشان دهید که چه چیزی (چه قسمتی) از این زمین را آفریده اند؟ یا آنها را شرکّتی در (آفرینش) آسمان هاست؟ کتابی را که پیش از این (قرآن) بوده یا باقی مانده ای از حجت و برهان علم آور (از گذشتگان) را برای من بیاورید اگر راستگویید

و چه کسی گمراه تر است از آن که به جای خدا کسانی را می خوانند که تا روز قیامت هم او را اجابت نخواهند کرد و آنها از خواندن اینان (به کلی) غافل اند

و برای آنها کیفرهای عمل های بدشان ظهور (علمی و تجسمی) پیدا می کند و آنچه که بدان استهزا می کردند (از عذاب های گوناگون آنجا) آنان را فرا می گیرد

و (به آنها) گفته می شود: امروز شما را فراموش می کنیم (در میان عذاب رها می کنیم) چنان که شما دیدار امروزتان را (در دنیا) فراموش کردید، و جایگاه شما آتش است و شما را هرگز یاری کنندگانی نیست

این (عذاب ها) به سبب آن است که شما آیات خدا را به مسخره گرفتید و زندگی دنیا شما را فریفت، پس امروز آنها از جهنم بیرون آورده نشوند و دعوت به عذرخواهی نگردند و از آنان نخواهند که رضایت حق را به دست آورند

پس ستایش از آن خدایی است که پروردگار آسمان ها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان است

و بزرگی و تسلیم ناپذیری و تسلط، در آسمان ها و زمین از آن اوست و اوست مقتدر شکست ناپذیر و با حکمت (که دارای اتقان در خلقت و متانت د

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حَم

۲

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۳

مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ

۴

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ ۚ أَتُتُونِ بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَٰذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

۵

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۚ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ ۖ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ ۚ كَفَىٰ بِهِ ۚ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۚ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرَىٰ مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنِ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ ۚ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ ۚ فَقَامَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ ۚ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ ۚ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ

وَمِن قَبْلِهِ ۚ كَتَبُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۚ وَهَذَا كِتَبُ مُّصَدِّقٍ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِّلْمُحْسِنِينَ

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و چون مردم محشور گردند معبودها (هر چند از جماد باشند) با آنان دشمن شوند و به پرستش آنها کفر ورزند و آنها نیز با معبودها دشمن گردند و به عبادتشان کافر شوند

و چون آیات روشن ما بر آنها خوانده شود کسانی که کفر می ورزند درباره حق و حقیقت هنگامی که بدانها رسد گویند: این جادویی آشکار است

بلکه گویند: این قرآن را از خود فرا بافته (و به خدا نسبت داده)؟ بگو: اگر آن را فرا بافته باشم (و خدا بخواهد مرا عذاب کند) شما هرگز مالک (دفع) چیزی از (عذاب) خدا نسبت به من نیستید. او داناتر است به آنچه شما در آن وارد می شوید (از تکذیب قرآن و جادو شمردن آن)، همین بس که او شاهد میان من و شماست، و اوست آمرزنده و مهربان

بگو: من از میان فرستادگان (خدا در دعوی نبوت و ارائه کتاب و معجزه) نوظهور و بی سابقه نیستم و نمی دانم (در آینده دنیا و آخرت) با من و شما چه خواهد شد، من پیروی نمی کنم مگر آنچه را که به سویم وحی می شود، و من جز بیم دهنده آشکاری نیستم

بگو: به من خبر دهید که اگر این (قرآن) از جانب خدا باشد و شما کفر ورزیدید و گواهی از بنی اسرائیل (مانند برخی از علمای یهود) بر نظیر آن (تورات واقعی که مثل قرآن و شاهد صدق قرآن است) گواهی داد و ایمان آورد و شما تکبر ورزیدید (آیا شما در گمراهی سختی نمانده اید)؟ همانا خداوند ستمکاران را (به مراتب کمال ایمان) هدایت نمی کند

و کسانی که کفر ورزیدند درباره کسانی که ایمان آوردند، گفتند: اگر این (قرآن یا این دین) چیز خوبی بود آنها (که از فقرا و طبقات پایین اند) در پذیرش آن بر ما سبقت نمی گرفتند و چون بدان هدایت نیافتند خواهند گفت: این (کتاب) دروغی قدیم و کهنه است

(و چگونه می شود افک باشد) در حالی که پیش از آن کتاب (آسمانی) موسی پیشوا و رحمت (جامعه بود) و این کتابی است تصدیق کننده (آن) به زبان عربی، تا انذار کند کسانی را که ستم کرده اند، و بشارت باشد برای نیکوکاران

به یقین کسانی که (از عمق قلب) گفتند: پروردگار ما تنها خداست، سپس (بر طبق آن) استقامت داشتند، (در عالم آخرت) نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهی خواهند داشت

آنها یاران بهشت اند که در آن جا جاودانه اند، به پاداش آنچه (در دنیا) انجام می دادند

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا
وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا
بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا
تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۖ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ
الْمُسْلِمِينَ

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ
عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ ۖ وَعَدَ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا
يُوعَدُونَ

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ
خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَكْفِيَانِ ۖ اللَّهُ وَیْلَكَ ءَامِنٌ
إِنِّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أَمْرِ قَدْ خَلَتْ مِنْ
قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنسِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ

وَلِكُلِّ دَرَجَتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَلِيُوفِّيَهُمْ أَعْمَلَهُمْ وَهُمْ لَا
يُظْلَمُونَ

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذَهَبْتُمْ طِيبَتِكُمْ
فِي حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا وَأَسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ
الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا
كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ

و ما انسان را سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی
کند، (خاصه مادر) زیرا مادرش (بار وجود) او را به سختی
حمل کرده و به سختی فرو نهاده و (دوران) بارداری و
(شیرخواری تا) از شیر گرفتن او سی ماه است (که مجموع
کمترین مدت زمان حمل شش ماه، و بیشترین مدت زمان
شیر دادن دو سال است، یا بیشترین زمان حمل یک سال، و
کمترین زمان شیر دادن هجده ماه). تا آن گاه که به کمال
نیروی (جسمی و عقلی) خود و به چهل سالگی رسید گفت:
پروردگارا، مرا الهام کن و توفیق ده تا نعمتی را که بر من و
بر پدر و مادرم ارزانی داشته ای (نعمت ظاهری مادی و
نعمت معنوی عقل و ایمان) سپاس گزارم و عمل صالحی که
تو از آن خشنود شوی به جا آورم، و فرزندانم را برای من
صالح گردان، که من به سوی تو بازگشتم و بی تردید از
تسلیم شدگانم. (آیه درباره انسان مؤمن صالح است.

آنهايند کسانی که ما از آنان عمل های بسیار نیکشان را می
پذیریم و از گناهانشان در زمره اهل بهشت می گذریم طبق
وعده راستینی که وعده داده می شدند

و (اما) آن کس که به پدر و مادر خویش گفت: اف بر شما،
آیا به من وعده می دهید که (پس از مرگ از میان خاک ها)
بیرون آورده می شوم در حالی که مردمانی در قرن ها پیش
از من گذشته اند (و کسی از آنها زنده نشده است)؟! و آن
دو همواره از خدا (درباره ایمان او) یاری می خواستند (و
می گفتند) وای بر تو، ایمان بیاور، قطعاً وعده خداوند حق
است، اما او می گفت: این (سخن شما) جز افسانه های
پیشینیان نیست

چنین کسانی هستند که گفتار خدا (وعده دوزخی بودن
کفار) درباره آنها در میان امت هایی از جنّ و انس که پیش
از آنان گذشته اند ثابت و مسلمّ شده، حقّاً که آنها زیانکار
بودند

و برای هر یک (از مؤمنان و کافران) درجاتی است (از ایمان
و کفر و سعادت و شقاوت و پاداش و کیفر) نشأت یافته از
آنچه انجام داده اند. (این رفتار برای علی است) و برای
آنکه خداوند (جزای) عمل های آنها را (با تجسم یافته عین
اعمالشان را) به نحو کامل به آنها بدهد، و هرگز آنها مورد
ستم قرار نمی گیرند و از ثوابشان کاسته یا بر عقابشان
افزوده نمی گردد

و روزی که کافران بر آتش عرضه می شوند (به آنها گفته
می شود) شما همه خوشی ها و لذت هایتان را در زندگی
دنیايتان (به وسیله ارتکاب گناهان) بردید و در آنجا
برخوردار شدید، پس امروز به خاطر آنکه در روی زمین به
ناحق تکبر می ورزیدید و به کیفر آنکه نافرمانی می کردید با
عذاب خوارکننده ای مجازات می شوید

وَأَذْكُرُ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتْ
الْأُذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي
أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ
مِنَ الصّٰدِقِينَ

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ
وَلَكِنِّي أَرِكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ
مُّمَطِّرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَكِنُهُمْ
كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ

وَلَقَدْ مَكَنَّاهُمْ فِيْمَا إِنْ مَكَنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا
وَأَبْصَرَ وَأَفْعِدَّةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَرُهُمْ
وَلَا أَفْعِدَتُهُمْ مِّنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِّنَ الْقَرْىِ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا ءَالِهَةً بَلْ
ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

و به یاد آور (داستان هود) برادر قبیله ای قوم عاد را، آن
گاه که قوم خود را در آن ریگستان (واقع در یمن) انذار
نمود- و البته بیم دهندگانی پیش از او و پس از او نیز (در
آن محیط) گذشته بودند- که جز خداوند کسی را نپرستید،
زیرا که من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم

گفتند: آیا آمده ای تا ما را از معبودهای خود برگردانی؟!
پس اگر از راستگوییانی آنچه را به ما وعده می دهی (از
عذاب های ناگهانی و دسته جمعی) بیاور

گفت: جز این نیست که علم (به اینکه آن عذاب چیست و
چگونه است و کی است) در نزد خداوند است و من آنچه را
که بدان فرستاده شده ام، ابلاغ می دارم (دعوت به توحید
و هشدار از نزول عذاب برای طغیانگران)، و لکن شما را
گروهی می بینم که همواره چهل می ورزید

پس چون عذاب را به صورت ابری گسترده دیدند که رو به
سوی درّه ها و آبگیرهای آنان نهاده، گفتند: این ابری است
باران زا برای ما، (هود گفت: نه) بلکه آن همان است که آن
را به شتاب خواستید، بادی است که در آن عذابی دردناک
است

که همه چیز را (از نفوس و اموال) به فرمان پروردگارش
هلاک و نابود می سازد. پس آنها آن چنان (هلاک) شدند که
جز مسکن هایشان دیده نمی شد. این گونه ما گروه
گنهاران را کیفر می دهیم

و به راستی که ما به آنها در چیزهایی (از نظر توان جسمی و
اموال و اولاد) قدرت و تمکّن داده بودیم که شما را در آن
چیزها تمکّن نداده ایم، و برای آنها گوش و دیدگان و دل
هایی قرار داده بودیم، اما نه گوششان و نه چشمانشان و نه
دل هایشان چیزی را (از عذاب خداوند) از آنها دفع نکرد،
زیرا آنها پیوسته آیات خدا را انکار می کردند و (سرانجام)
آنچه که بدان استهزا می کردند آنها را از همه سو فرا
گرفت

و حقّا که ما آنچه را که در اطراف شما (اهل مکه) از
اجتماعات بود (مانند اصحاب حجر و قوم ثمود و قوم لوط)
هلاک کردیم، و آیات گوناگون (توحید و عظمت خود) را به
آنها نشان دادیم، شاید بازگردند

پس چرا کسانی که آنها را به جای خدا برای خود معبودهایی
برای تقرب (به خدا) گرفته بودند (در وقت نزول آن عذاب
ها) آنان را یاری نکردند، بلکه از نظر آنها گم شدند؟! (آری)
این بود (نتیجه) دروغ و انحراف آنها و افترابی که می
بستند

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّنْذِرِينَ

۳۰

قَالُوا يَاقَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَىٰ الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ

۳۱

يَقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ ۖ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ

۳۲

وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ ۚ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۳۳

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْ يَخْلُقْهُنَّ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ ۚ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۳۴

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

۳۵

فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ ۚ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ ۚ بَلَّغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ

و (به یاد آر) هنگامی که گروهی از جنّ را به سوی تو متوجه کردیم که قرآن را گوش می دادند پس چون در نزد (تلاوت) آن حاضر شدند، گفتند: ساکت شوید و گوش فرا دهید و چون به پایان رسید به سوی قوم خود بازگشتند در حالی که (همانند پیامبری) اندازکننده بودند

گفتند: ای قوم ما، همانا کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده در حالی که تصدیق کننده است آنچه را که پیش از او بوده است (از پیامبران و کتاب های آسمانی آنها)، به سوی حق و به سوی راهی مستقیم (در عقاید و اخلاق و اعمال) هدایت می کند

ای قوم ما، دعوت کننده خدا (پیامبر اسلام) را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا خداوند از برخی از گناهانتان درگذرد (آنچه که قبل از اسلام مخالفت حقوق الله کرده اید) و از عذابی دردناک (در آخرت) پناهتان دهد

و هر که دعوت کننده خدا را اجابت نکند هرگز در روی زمین عاجزکننده (خدا) نخواهد بود (که از ملکش فرار کند یا به قدرت برتری پناهنده شود) و او را جز خداوند سرپرستان و یاورانی نیست چنین کسانی در گمراهی آشکاری هستند

و آیا (به چشم دل) ندیدند آن خدایی که آسمان ها و زمین را آفریده و به آفریدن آنها خسته و وامانده نشده قادر است بر اینکه مرده ها را زنده کند؟ چرا (دیده و دانسته اند که) بی تردید او بر همه چیز تواناست

و روزی که کافران بر آتش (دوزخ) عرضه می شوند (به آنها گفته می شود) آیا این حق نیست؟ می گویند: چرا، سوگند به پروردگارمان (که حق است). (خداوند) می گوید: پس این عذاب را بجشید به کیفر آن که کفر می ورزیدید

پس صبر کن همان گونه که صاحبان عزم راسخ از فرستادگان خدا (صاحبان شرایع چهارگانه: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی) صبر کردند، و برای (هلاکت) آنها شتاب مکن. روزی که آنها آنچه را که وعده داده می شوند (حضور در صحنه محشر) ببینند (به خیال خودشان) گویی جز ساعتی از روز (در دنیا یا در برزخ) درنگ نکرده اند

کسانی که کفر ورزیدند و از راه خداوند اعراض کردند و از آن جلوگیری نمودند، خداوند عمل های آنان را (عمل های خیرشان را در آخرت و توطئه های شرّشان را در دنیا) تباه گردانید

و کسانی که (به آنچه بر انبیا نازل شده) ایمان آورده و کارهایی شایسته کردند و به آنچه بر محمد (صلی الله علیه وآله) نزول یافته (از وحی و قرآن و شریعت) در حالی که همه از جانب پروردگارشان حق است ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را بزود و حالشان را (در دنیا و آخرت) اصلاح نمود

این (ابطال اعمال کافران و اصلاح حال مؤمنان) بدان سبب است که آنان که کفر ورزیدند پیروی از باطل نموده و کسانی که ایمان آوردند پیروی از حقّ کردند که از جانب پروردگارشان است. و این گونه خداوند برای مردم اوصافشان را بیان می کند

پس چون با کافران (در جنگ) برخورد کردید باید گردن هایشان را بزنید (نخست کشتن نفوس است) تا آن گاه که آنها را سخت بکشتید و از پای درآوردید، پس (آنان را به اسارت گیرید و) بندشان را محکم کنید که بعدا یا به آزاد کردن بر آنها منت نهید و یا فدیّه (مالی یا اسیری عوض آن) بگیرید، تا آنکه جنگ ابزار خود بر زمین نهد و فرو نشیند، این است (دستور خدا) و اگر خداوند می خواست خود از آنها انتقام می گرفت و لکن (چنین می کند) تا برخی از شما را با برخی دیگر (مؤمنان را با کفار و کفار را با مؤمنان) آزمایش کند، و کسانی که در راه خدا کشته شدند هرگز (خداوند) عمل های آنها را گم نمی سازد (و پاداشی وافر به آنها می دهد)

به زودی آنها را (به مراتب کرامات برزخی و اخروی) راهنمایی می کند و حال و کارشان را (در آن جهان) اصلاح می نماید

و آنها را به بهشتی که (در دنیا) به آنها معرفی کرده، و حدود و ثغور آن را به آنها شناسانده و آن را برای آنها مزین و خوشبو نموده درمی آورد

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر خدا را (پیامبر و دین و کتاب او را) یاری نمایید خدا هم شما را (در رسیدن به اهدافتان) یاری می کند و قدم های شما را استوار می دارد

و کسانی که کفر ورزیدند سقوط و سرنگونی بر آنها باد و (خداوند) همه عمل های آنها را تباه و بی اثر گردانید

این بدان سبب است که آنها آنچه را که خدا فرو فرستاده (از وحی و قرآن و دین) ناخوش داشتند، پس خداوند عمل های آنها را (از نظر آثار دنیوی و پاداش اخروی) حبط و باطل نمود

پس آیا آنان در روی زمین سیر نکردند تا بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! خداوند آنچه را داشتند (از نفوس و عائله و اموال) هلاک نمود و (البته) برای این کافران نیز امثال این عاقبت ها و عقوبت ها خواهد بود

این، از آن روست که خداوند سرپرست و یاور کسانی است که ایمان آورده اند و کافران را سرپرست و یآوری نیست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَلَهُمْ

فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْنَتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فِإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَلَهُمْ

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ فَأُحْبَطَ أَعْمَلَهُمْ

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ

۱
۴۴۲

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰
حزب
۲۰۳

۱۱

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ
وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَمُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ

۱۳

وَكَايْنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجَتْكَ
أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ

۱۴

أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ
وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

۱۵

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ
ءَاسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ
لِّلشَّرِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ
الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا
مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ

۱۶

وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ قَالُوا
لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ ءَانِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ
عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

۱۷

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَءَاتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ

۱۸

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ۖ فَقَدْ جَاءَ
أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ

۱۹

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبَكُمُ وَمَثَوَلَكُمُ

همانا خداوند کسانی را که ایمان آورده و عمل های شایسته
کرده اند در بهشت ها و باغ هایی که از زیر (ساختمان و
درختان) آنها نهرها روان است درمی آورد، و کسانی که کفر
ورزیده اند (از لذایذ دنیا) بهره مند می شوند و می خورند
همان گونه که چهارپایان می خورند (خوردن و تنعم را هدف
اصلی زندگی می بینند) و (سرانجام) آتش جایگاه آنهاست

و چه بسیار مجتمعی که از مجتمع تو که تو را بیرون کردند
نیرومندتر بودند، ما آنها را هلاک کردیم، پس هیچ یآوری
برای آنها نبود

پس آیا کسانی که (کارهایشان) بر (پایه) حجت و برهانی از
پروردگار خویش است (مانند مؤمنان متکی بر عقل و شرع)
همانند کسانی هستند که عمل های بدشان برای آنان
آراسته شده و از هواهای خود پیروی کرده اند؟

صفت بهشتی که پرهیزکاران بدان وعده شده اند (این
چنین است که) در آن نهرهایی است از آبی که طعم و
بویش برنگشته، و نهرهایی از شیر که طعمش تغییر نکرده،
و نهرهایی از شراب که سراپا لذت است برای نوشندگان، و
نهرهایی از عسل تصفیه شده، و برای آنها در آنجا از هر
گونه میوه هست و نیز آمرزشی از جانب پروردگارشان (آیا
اینان) مانند کسانی اند که در آتش جاودانه اند و آبی
جوشان به آنها خورانده می شود که روده هایشان را پاره
پاره می کند

و از آنان (از منافقان) کسانی هستند که به (سخنان) تو
گوش می دهند، تا آن گاه که از نزد تو بیرون شوند به
کسانی که علم (ربّانی) به آنها داده شده (از روی استهزا یا
عدم اعتنا به مطلب) می گویند: (پیامبر) الان چه گفت؟ آنها
کسانی هستند که خداوند بر دل های آنها مهر (شقاوت)
نهاده و از هواهای خود پیروی کرده اند

و کسانی که هدایت یافته اند (خداوند) بر هدایتشان
افزوده و آنها را (روح) پرهیزکاری متناسب حالشان بخشیده
است

پس آیا آنها جز قیامت را منتظرند که ناگهان بر آنها فرا
رسد؟ که بی تردید علانمش آمده است (وجود مکلفین و
توجه تکلیف و حصول طاعت و عمیان و بعثت پیامبر خاتم و
شقّ القمر). پس اگر بر آنها فرا رسید چگونه و کی تذکرشان
به آنها سود می بخشد؟

پس بدان که جز خدا معبودی نیست و از گناهت (از هر
ترک اولایت که ذنب نسبی مقام عصمت است) و برای
(گناهان) مردان و زنان باایمان آمرزش طلب، زیرا که
خداوند مراحل انقلابتان را از حالی به حالی (در دنیا) و محل
سکونت و استقرارتان را (در آخرت) می داند

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُنْظَرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُم

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقْطَعُوا أَرْحَامَكُم

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْءَانَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

إِنَّ الَّذِينَ أُرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرََهُمْ

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَصْحَطَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ ۖ فَاحْبَطَ أَعْمَلَهُمْ

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَنْ لَّنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَنَهُمْ

و کسانی که ایمان آورده اند می گویند: چرا سوره ای (درباره جهاد) فرو فرستاده نشد؟! و چون سوره ای محکم (واضح و غیر متشابه) فرستاده شود و در آن سخن از جنگ به میان آید کسانی را که در دل های آنان بیماری (ضعف ایمان) است می بینی که به سوی تو همانند کسی می نگرند که بیهوشی مرگ او را فرا گرفته. پس وای به حال آنان

فرمان پذیری و سخنی نیک برای آنها بهتر است، و چون کار (جنگ) جدی شد، پس اگر با خدا از سر صدق درآیند (و به رغبت به جهاد روند) البته برای آنها بهتر خواهد بود

پس آیا از شما (منافقان و ضعیف الایمان ها) جز این متوقع است که اگر از اسلام روی گردانید (یا در اسلام به ولایت و حکومت رسیدید) در روی زمین فساد کنید و خویشاوندی های خود را به کلی قطع نمایید؟

آنها کسانی هستند که خداوند لعنتشان کرده و گوش (باطن) آنها را کر و دیدگان (دل) آنان را کور نموده است

پس آیا در این قرآن تدبیر و اندیشه نمی کنند یا بر دل هایی قفل های (عناد و قساوت و شقاوت) آن نهاده شده است؟

همانا کسانی (از اهل کتاب) که پس از آنکه راه هدایت بر آنها روشن شده به پشت سر خود برگشته اند (در عقاید سابق خود مانده اند) شیطان (باطل ها و گناهان را) در نظر آنها آراسته نموده و در آرزوهای دور و درازشان افکنده است

این بدان سبب است که آنان به کسانی که آنچه را خدا نازل کرده، ناخوش داشته اند (مانند کفار قریش) گفتند: ما در برخی از کارها (توطئه های پنهانتان بر ضد مسلمین) شما را اطاعت خواهیم کرد، و خداوند پنهان کاری آنها را می داند

پس چگونه است (حال آنها) آن گاه که فرشتگان جانشان را می ستانند در حالی که به صورت ها و پشت آنها (تازیانه) می کوبند؟

آن (عذاب) به خاطر آن است که آنها از آنچه خدا را به خشم آورده (مانند مخالفت پیامبر و تحریف تورات و انجیل) پیروی کردند، و خشنودی او را ناخوش داشتند، پس عمل های (خیر) آنها را حبط و باطل نمود

بلکه آنان که در دل هایشان بیماری (نفاق و ضعف ایمان) است گمان کردند که خداوند هرگز کینه ها و عداوت های آنها را بیرون نخواهد ریخت (و دست آنها را رو نخواهد کرد)

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي
لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ

۳۱

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ
وَنَبْلُوهَا أَخْبَارَكُمْ

۳۲

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ
مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا
وَسَيُحِبِّطُ أَعْمَالَهُمْ

۳۳

حزب
۲۰۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا
تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ

۳۴

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ
كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

۳۵

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ
وَلَن يَتِرْكُمْ أَعْمَالَكُمْ

۳۶

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ
أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلَكُمْ أَمْوَالَكُمْ

۳۷

إِنْ يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخُلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ

۳۸

هَآأَنْتُمْ هَآؤِلَآءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ
يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ ۗ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ
وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ ۚ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا
يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ

و اگر بخواهیم، آنها را به تو نشان می دهیم به طوری که آنها
را به صورت و شمایل بشناسی، و حتما آنها را در سبک و
شیوه گفتار خواهی شناخت، و خداوند کرده های شما را می
داند

و حتما شما را (به وسیله تکالیف دینی) آزمایش خواهیم
کرد تا مجاهدان شما را و صابران را بدانیم (علم ازلی ما بر
معلوم خارجی منطبق شود)، و گزارشات (اعمال) شما را
بررسی کنیم

بی تردید کسانی که کفر ورزیدند و از راه خدا اعراض
نموده و جلوگیری کردند و پس از آنکه راه هدایت برای آنها
روشن شد با فرستاده ما مخالفت و دشمنی نمودند، هرگز
کمترین ضرر و آسیبی به خدا نمی رسانند و به زودی عمل
هایشان را حبط می کند (فعالیت های ضد دینی شان را در
دنیا و عمل های خیرشان را در آخرت تباه و بی اثر می
سازد)

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را (در احکام شریعت)
اطاعت نمایید و از فرستاده او نیز (در اوامر مولویش)
اطاعت کنید و عمل های (خیر) خود را (به واسطه ارتداد،
منت نهادن بر خدا و مردم، و با گناهان حبطکننده) باطل
مسازید

بی تردید کسانی که کفر ورزیدند و از راه خدا اعراض کرده
و جلوگیری کردند، سپس در حالی که کافر بودند مردند،
هرگز خداوند آنها را نخواهد آمرزید

پس ضعف و سستی نورزید و (دشمن را) به آشتی دعوت
نکنید، در حالی که شما برترید و خدا با شماست و هیچ گاه
عمل های شما را بی پاداش نمی گذارد

جز این نیست که زندگی این دنیا بازیچه و سرگرمی است، و
اگر ایمان بیاورید و پرهیزکاری کنید پاداش های (دنیوی و
اخروی) شما را می دهد و (در برابر آن همه) اموالتان را هم
نمی خواهد (بلکه از برخی از شما و از برخی از اموالتان یک
پنجم یا یک دهم یا یک چهلیم و مانند اینها را مطالبه می کند)

که اگر (همه) اموالتان را بخواهد و بر شما اصرار نماید بخل
می ورزید و (خدا با این تکلیف) کینه های شما را بیرون می
آورد و آشکار می سازد

به هوش باشید، شما همانها هستید که دعوت می شوید تا
در راه خدا انفاق کنید پس برخی از شما بخل می ورزند، و
هر که بخل ورزد جز این نیست که نسبت به خود بخل می
ورزد، و خداست که بی نیاز است و شمااید که نیازمندید، و
اگر (از دین او) روی برتابید به جای شما گروه دیگری را می
آورد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

۱
۴۴۶

لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ
عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

۲

وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا

۳

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا
مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ
عَلِيمًا حَكِيمًا

۴

لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ
عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا

۵

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ
الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ
اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

۶

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

۷

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

۸

لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً
وَأَصِيلًا

۹

به یقین ما تو را پیروزی دادیم پیروزی نمایانی (در مقابله با
کفر به ادله و براهین، و در مبارزه با کفار به فتوحات بسیار)

تا خداوند گناهان گذشته و آینده تو را ببامزد (گناهانی را
که کفار بر تو می دیدند مانند هتک مقدساتشان، به اعلای
کلمه الله بزدايد، و ترک اولی ها را که خود گناه می دیدی
به شمول رحمت ببخشايد) و نعمتش را بر تو تمام نماید و تو
را به راهی راست هدایت کند

و تو را به نصرتی قوی و شکست ناپذیر یاری دهد

اوست که اطمینان و آرامش را در دل های مؤمنان فرو
فرستاد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند، و (انواع) سپاهیان
آسمان ها و زمین از آن خداوند است (چه سپاهیان ارادی
متصرف در عالم تکوین از فرشتگان و اجنه و آدمیان، و چه
غیر ارادی از آنچه در سلسله علل فعالیت دارند) و خداوند
همواره دانا و حکیم است

تا مردان و زنان مؤمن را در بهشت هایی که از زیر
(ساختمان و درختان) آنها نهرها جاری می گردد درآورد در
حالی که جاودانه در آن باشند، و گناهانشان را از آنها
بزدايد، و این در نزد خداوند کامیابی بزرگی است

و مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را که به خدا
گمان بد می برند عذاب کند بر آنها باد حوادث بد زمانه، و
خداوند بر آنها غضب کرده و آنها را لعن و طرد نموده و برای
آنها جهنم را آماده ساخته، و آن بد جای بازگشتی است

و (انواع) سپاهیان آسمان ها و زمین از آن خداوند است، و
خداوند همواره مقتدر شکست ناپذیر و حکیم است

به راستی ما تو را شاهد (و گواه بر عقاید و اعمال امت در
دنیا به تحمل و در روز جزا به اداء) و مژده دهنده (مطیعان)
و بیم دهنده (گنهکاران) فرستادیم

تا (شما مردم) به خدا و فرستاده او ایمان آورید و او را
یاری دهید و او را تعظیم نمایید و بامدادان و شامگاهان او
را تسبیح گوید و به پاکی از هر عیب و نقصی یاد کنید

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ
أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَوْفَىٰ
بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا
وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي
قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ
بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَبِيرًا

۱۱
۴۴۷

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَّنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ
أَبَدًا وَزَيَّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَّتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ
قَوْمًا بُورًا

۱۲

وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ
سَعِيرًا

۱۳

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ
يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

۱۴

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا
نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَّنْ تَتَّبِعُونَا
كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ ۖ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا ۚ بَلْ
كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا

۱۵

همانا کسانی که با تو بیعت می کنند جز این نیست که با خدا
بیعت می کنند (اشاره به بیعت در حدیبیه)، (این دست تو)
دست خداست که بالای دست آنهاست، پس هر کس پیمان
شکند جز این نیست که به زیان خود می شکند، و کسی که
بدانچه بر آن با خدا معاهده نموده وفا نماید زودا که
(خداوند) پاداش بزرگی به او بدهد

به زودی بازنهاده شدگان از بادیه نشینان عرب (که در
حدیبیه با تو شرکت نکردند) به تو خواهند گفت: (محافظت)
اموال و کسان ما، ما را مشغول کرد، پس برای ما آموزش
طلب. آنها به زبان هایشان چیزی را می گویند که در دل
هایشان نیست بگو: اگر خدا بر شما ضرری اراده کند یا
نفعی بخواهد چه کسی است که در برابر خداوند مالک چیزی
باشد (و از اراده او جلوگیری نماید)؟ بلکه خداوند همواره
(از ازل) به آنچه انجام می دهید آگاه است

(عذر واقعی شما در ترک جهاد آن نبود) بلکه گمان کردید
که دیگر این پیامبر و مؤمنان هرگز به سوی کسان خود باز
نمی گردند (و به دست کفار قریش کشته می شوند) و این
(گمان باطل) در دل هایتان آراسته گردید و گمان بد بردید
(که خدا پیامبرش را یاری نخواهد نمود) و گروهی فاسد و
مستحق هلاکت بودید

و هر که به خدا و فرستاده او ایمان نیاورد (بداند که) البته
ما برای کافران آتشی افروخته آماده کرده ایم

و ملکیت حقیقی و حکومت آسمان ها و زمین از آن خداست
(زیرا خلق و حفظ و تدبیر و فانی کردن آنها تحت اراده حتمی
اوست)، هر کس (از گنهکاران) را بخواهد می آمرزد و هر
کس را بخواهد عذاب می کند، و خدا همواره آمرزنده و
مهربان است

بازنهاده شدگان (از واقعه حدیبیه) هنگامی که شما برای
گرفتن غنیمت هایی (از خیبر) به سوی آن روانه شوید به
زودی به شما خواهند گفت: بگذارید ما نیز به دنبال شما
بیاییم! آنها می خواهند سخن (ازلی نوشته در لوح محفوظ)
خدا را (که این متخلفان از غنایم بعدی محروم اند) تغییر
دهند. بگو: هرگز به دنبال ما نخواهید آمد، خداوند پیش از
این (در ازل) این گونه گفته و به زودی خواهند گفت: (خدا
منع نکرده) بلکه شما بر ما حسد می ورزید (چنین نیست)
بلکه آنها جز اندکی نمی فهمند

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدُّعُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ ۖ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا ۖ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ ۖ وَمَن يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَ لَكُمْ هَذِهِ ۚ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ ءَايَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا

وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

وَلَوْ قَتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ ۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

به این بازنهاده شدگان از بادیه نشینان بگو: به زودی به سوی (مبارزه با) مردمانی سرسخت و جنگجو دعوت می شوید که با آنها بجنگید یا آنکه اسلام بیاورند، پس اگر فرمان بردید خداوند به شما پاداشی نیکو می دهد، و اگر روی بگردانید همان گونه که پیش از این روی گرداندید شما را به عذابی دردناک عذاب می کند

بر نابینا گناهی نیست، و بر لنگ گناهی نیست، و بر بیمار گناهی نیست (که در جهاد شرکت نکنند)، و هر کس از خدا و رسول او اطاعت نماید او را به بهشت هایی در می آورد که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها روان است، و هر کس روی بگرداند او را به عذابی دردناک عذاب می کند

بی تردید خداوند از مؤمنان هنگامی که در زیر آن درخت (سدر در حدیبیه) با تو بیعت می کردند خشنود گردید، پس آنچه را در دل های آنان بود (از اخلاص و حسن نیت) دانست، در نتیجه بر آنان آرامش و اطمینان (قلب) نازل کرد، و پیروزی نزدیکی (پیروزی خیبر) را به آنها پاداش داد

و نیز غنیمت های فراوانی را که (در فتح خیبر) دریافت می کنند، و خداوند همواره مقتدر شکست ناپذیر و دارای حکمت است

خداوند غنیمت های فراوانی را که (در آینده تاریخ) به دست می آورید به شما وعده داده، و این (غنیمت خیبر) را زودتر به شما داد و دست های (تعدی) مردم را از شما بازداشت (تا تسلیم خدا شوید) و برای آنکه (این پیروزی ها) نشانه ای (از قدرت و رحمت خدا) برای مؤمنان باشد و تا شما را به راهی راست هدایت نماید

و (نیز به شما وعده داده) غنائم دیگری را که (تا حال) بر آنها دست نیافته اید، قطعاً خداوند بر آنها احاطه (وجودی، توانی و علمی) دارد، و خدا همواره بر همه چیز تواناست

و اگر کسانی که کفر ورزیده اند با شما بجنگند حتما به شما پشت می کنند (و مغلوب می شوند) آن گاه سرپرست و یابوری نمی یابند

(این پیروزی انبیا) سنت الهی است که پیش از این (تقدیرش در لوح محفوظ و جریانش در امت ها) گذشته است، و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی یابی

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

۲۵

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

۲۶

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

۲۷
۴۴۹

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا

۲۸

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا

و اوست که دست های آنها را از شما و دست های شما را از آنها در دل مکه (در حدیبیه که نزدیک حرم است) بازداشت، پس از آنکه شما را (به واسطه ورود در آنجا) پیروز کرد، و خداوند همواره به آنچه می کنید بیناست

آنها هستند کسانی که کفر ورزیدند و شما را از (زیارت) مسجد الحرام بازداشتند و نیز قربانی (شما) را منع کردند از اینکه به محل خود (مکه یا منی) برسد. و اگر نه این بود که مردان و زنان مؤمنی را که نمی شناختید (و مخلوط با کفار مکه بودند) زیر پای گذارید و از این راه، ناآگاهانه گزند و ناخوشایندی (و دیه هایی) به شما برسد (شما را از جنگ با آنها باز نمی داشت، و چنین کرد) تا کسانی را که می خواهد (شما و مسلمین مخلوط با کفار را) در رحمت خود داخل کند. و اگر آنها (از مسلمان ها) جدا بودند بی تردید کسانی از آنان را که کفر ورزیدند به عذاب دردناکی عذاب می کردیم

(به یاد آر) زمانی که کافران در دل های خود خشم و تعصب جاهلیت نهادند (و در حدیبیه قرارداد منع پیامبر و یارانش را از مکه امضا نمودند) پس خداوند اطمینان و آرامش دل را بر رسول خود و بر مؤمنین فرو فرستاد و کلمه تقوی را (توحید و ثبات و تسلیم را) همراه آنان نمود و آنها سزاوارتر به آن و اهل آن بودند، و خداوند همواره به همه چیز داناست

به یقین خداوند رؤیای فرستاده خود را به حق تحقق بخشید که (در خواب به او گفته بود) شما حتما به خواست خداوند، در حال امن و در حالی که سرهایتان را تراشیده و موی و ناخن خود را کوتاه کرده اید و بیمی (از کسی) ندارید وارد مسجد الحرام خواهید شد. پس خداوند آنچه را شما نمی دانستید (که این وعده مربوط به سال بعد و در تأخیر آن حکمت هاست) دانست و پیش از آن پیروزی نزدیکی قرار داد (صلح حدیبیه را که در واقع فتحی بزرگ بود)

اوست آن که رسول خود را با (چراغ) هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز کند (از نظر منطق و برهان، و یا پیروان واقعی آن را در حکومت بر جهانیان پیروز کند) و خداوند در گواهی (بر این مطلب) کافی است

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ
بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا
سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي
التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَكَازَرَهُ
فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ
الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ
مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

۴۸
فتح
۲۹
۲۹

۴۹. حجرات

الحُجُرَات: حجره‌ها

مدنی

۱۸ آیه

۳ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَهِيدٌ عَلِيمٌ

۱
حزب
۲۰۶
۴۵۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ
النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن
تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

۲

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

۳

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْقِلُونَ

۴

محمد فرستاده خداست، و کسانی که همراه اویند در برابر
کفار نیرومند و سرسخت و در میان خودشان مهربانند، آنها
را همواره در حال رکوع و سجود می بینی که پیوسته فضل
و بخشش خداوند و خشنودی او را می طلبند، نشانه (عبادت
و خشوع) آنها در اثر سجده در رخسارشان پیداست این
صفت آنهاست در تورات (موسی)، و صفت آنها در انجیل
(عیسی) همانند زری است که (خداوند) جوانه های آن را
(از اطرافش) برآورده و تقویت کرده تا کلفت و ستر شده و
بر ساقه های خود ایستاده به طوری که کشاورزها را به
اعجاب وامی دارد، (خدا چنین کرده) تا به وسیله آنها کفار را
به خشم

ای کسانی که ایمان آورده اید، بر خدا و فرستاده او تقدم
نجویید (در احکام دینی پیش از شنیدن از آنها رأی ندهید
و در امور ولایی و قضایی جلوتر از آنها حکم نکنید)، و از
خدا پروا کنید، که خدا شنوا و داناست

ای کسانی که ایمان آورده اید، (برای رعایت ادب و مقام
پیامبر) صدای خود را (هنگام صحبت) بلندتر از صدای
پیامبر نکنید، و با او بلند سخن نگویید همانند آنکه با
یکدیگر بلند سخن می گویند، مبدا عمل هایتان حبط و تباه
گردد و خود ندانید (ثواب همان تکلم که اگر جهری نبود
ثواب داشت، یا ثواب سایر عمل هایتان نیز باطل شود، زیرا
ایذاء پیامبر از مبطلات پاداش اعمال است)

همانا کسانی که صداهای خود را در نزد رسول خدا پایین
می آورند کسانی اند که خداوند دل هایشان را برای
پرهیزکاری آزموده (و آماده ساخته) است آنان را آمرزش و
پاداشی بزرگ است

مسلمانا کسانی که تو را از پشت اتاق هایت صدا می زنند
بیشتر آنها نمی فهمند (که حرمت تو را نگاه نمی دارند)

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصْحِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَدِمِينَ

۷

وَأَعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ

۸

فَضَلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۹

وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

۱۰

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

۱۱

۴۵۱ ر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَبِ بئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

و اگر آنها صبر می کردند تا به سوی آنها بیرون آیی حتما برای آنها بهتر بود و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برای شما خبری آورد بررسی و تحقیق کنید تا مبدا گروهی را به نادانی آسیب رسانید، آن گاه از کرده خود پشیمان گردید

و بدانید که رسول خدا در میان شماست (پس شما باید گوش به فرمان او باشید و)، اگر او در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند مسلماً در سختی و هلاکت می افتید، و لکن خدا ایمان را محبوب شما نمود و آن را در دل هایتان بیاراست، و کفر و نافرمانی و گناه را در نظرتان میغوض کرد (تا از هلاکت نجات یابید) چنین کسانی هستند که ره یافته اند

(این حبّ و بغض به عنوان) تفضّل و نعمتی است از جانب خداوند و خداوند دانا و حکیم است

و اگر دو گروه از مؤمنان با هم جنگیدند میان آنها را اصلاح کنید، و اگر یکی بر دیگری تجاوز نمود با آن گروه که تجاوز می کند بجنگید تا به فرمان خداوند بازگردد، پس اگر بازگشت میانشان به عدالت صلح برقرار نمایید، و همواره دادگری کنید، که خداوند دادگران را دوست دارد

جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند، پس (در تمام اختلافات) میان دو فرد یا دو گروه برادرانتان اصلاح نمایید، و از خدا پروا کنید شاید مورد ترحم قرار گیرید

ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگز گروهی (از مردان شما) گروه دیگر را مسخره نکند شاید آن گروه (مسخره شدگان) بهتر از آنان باشند، و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آن گروه بهتر از آنان باشند، و از یکدیگر عیب جویی نکنید، و همدیگر را به لقب های زشت مخوانید بد نامگذاری است (یاد کردن مؤمن به) فسق پس از ایمان (مؤمن را به نام مرتکب گناهان خواندن)، و آنان که توبه نکنند آنهايند که ستمکارند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ
الظَّنِّ إِثْمٌ ۖ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا
أُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ
شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ
أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَامَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا
وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ۖ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ
وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا
وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ
الصَّادِقُونَ

قُلْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ
اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِن كُنْتُمْ
صَادِقِينَ

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا
تَعْمَلُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید، از گمان ها جدّا بپرهیزید،
زیرا که (پیروی) برخی از گمان ها (گمان بدی که مخالف
واقع باشد) گناه است و (چون معلوم نیست پس باید از
همه پرهیز نمود و از عیوب و اسرار دیگران) تجسس و
کاوش نکنید و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا یکی از شما
دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (مسلمّا)
آن را مبطّوس دارید! و از خدا پروا نمایید، که خدا بسیار
عطف توجه کننده و توبه پذیر و مهربان است

ای مردم، بی تردید ما همه (افراد نوع) شما را از یک مرد و
زن (آدم و حوا) آفریدیم، و یا هر فرد شما را از یک پدر و
مادر خلق کردیم، و شما را قبیله های بزرگ و کوچک قرار
دادیم تا همدیگر را بشناسید (پس در میان شما برتری
تّزادی نیست بلکه) مسلمّا گرامی ترین شما در نزد خدا
پرهیزکارترین شماست همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است

بادیه نشینان گفتند: ما (از ته دل) ایمان آوردیم. بگو:
ایمان نیاورده اید، بلکه بگویید (در ظاهر به گفتن
شهادتین) اسلام آوردیم، زیرا هنوز ایمان در دل های شما
وارد نشده است و اگر از خدا (در اوامر او) و فرستاده اش
(در دستورات ولایی او) اطاعت نمایید (خداوند) از عمل
های شما نمی کاهد، زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان
است

جز این نیست که مؤمنان کسانی هستند که به خدا و
فرستاده او ایمان آورده اند، سپس هرگز (در ایمان خود)
شک و تردیدی نکرده و با مال ها و جان هایشان در راه خدا
جهاد کرده اند، آنها هستند که (در اعتقاد و گفتار و کردار)
صادق اند

بگو: آیا خدا را از دین (و عقاید باطنی) خود خبر می دهید؟!
در حالی که خداوند آنچه را که در آسمان ها و آنچه را که در
زمین است می داند و خداوند به همه چیز داناست

آنها بر تو مّنت می نهند که اسلام آورده اند بگو: اسلامتان را
بر من مّنت ننهید، بلکه اگر (در ادعای اسلام) راستگویید
این خداست که بر شما مّنت دارد به سبب آن که شما را به
ایمان راه نموده است

بی تردید خداوند غیب آسمان ها و زمین را (آنچه را که در
آسمان ها و زمین از حیطة فکر و احساس هر ذی شعوری
خارج است) می داند، و خداوند ب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ

أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكْ رَجْعٌ بَعِيدٌ

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

تَبَصَّرَةٌ وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِۦ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لِّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِۦ بَلَدَةً مَّيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ

وَعَادُ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ

أَفَعَيَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ

قاف. رمزی میان الله و رسول اوست. این کتاب مرکب از همین حروف است ولی بشر از مقابله با آن ناتوان است. این کتاب دارای محکمت و این گونه تشابهات است. ای محمد، آن گونه که مأمور شده ای استوار باش، آنچه موجود شدنی است از ازل بدان حکم شده و، سوگند به قرآن با عظمت و عزیز و باشکوه و شرافت و قدر و منزلت (که تو از پیامبرانی و روز جزا حق است)

(آنها نه فقط نپذیرفتند) بلکه تعجب کردند از اینکه بیم دهنده ای از (جنس) خودشان بر آنها آمده (که نه از ملائکه است نه از جن)، از این رو آن کافران گفتند: این چیز عجیبی است

آیا آن گاه که مردیم و خاک شدیم (دوباره زنده و برانگیخته می شویم)؟ این بازگشتی است دور (از تجربه تاریخ و درک عقل و چگونه اجزای متلاشی و مخلوط به یکدیگر بدن ها تجزیه و تحلیل، و ترکیب جداگانه پیدا می کند؟

(هیچ دوری ندارد، زیرا) مسلّم آنچه را که این زمین از جمعیت آنها کم می کند و خاک (قبر) از جسد آنها می کاهد ما (از ازل) دانسته ایم و در نزد ما کتابی است (به نام لوح محفوظ) که (حوادث عالم هستی را) حافظ است و (از هر حادثه و تغییر) محفوظ است

(نه آنکه عقلشان درک نکند) بلکه حق را هنگامی که بدانها رسید (و روشن شد) تکذیب کردند، پس آنها در کاری آشفته اند (در دل یقین و بر زبان انکار دارند)

پس آیا به آسمان بالای سرشان ننگریستند که چگونه آن را بنا نمودیم و بیاراستیم و آن را هیچ گونه شکافی نیست (نقص و خللی در آن دیده نمی شود)؟

و ما زمین را بگستردیم، و در آن کوه هایی ثابت و استوار افکندیم، و در آن از هر صنف و جفتی از گیاهان زیبا و دل انگیز رویاندیم

تا (سبب) بینایی و تذکر باشد برای هر بنده ای که (به وسیله تفکر در آیات آفاقی به سوی خدا) باز می گردد

و از آسمان آبی پرخیز و برکت (به صورت باران و برف و تگرگ) فرود آوردیم پس به وسیله آن باغ ها (ی پردرخت) و دانه های دروکردنی رویانیدیم

و درختان بلند قامت و باردار خرما را که خوشه های روی هم چیده و (در هر خوشه) میوه های روی هم چیده دارند

تا روزی بندگان باشد، و نیز به وسیله باران سرزمین مرده ای را (با روییدن گیاهان) زنده کردیم، این گونه است بیرون آمدن (همانند روییدن گیاهان و دانه هاست، سر برآوردن مردگان از قبرها در روز قیامت)

پیش از آنان (مشرکان مکه) نیز قوم نوح، و اصحاب رس (ملّتی که در یمامه پیامبرشان حنظله را در چاه افکندند) و ثمود (قوم صالح، پیامبرانشان را) تکذیب کردند

و نیز عاد (قوم هود) و فرعون (و یارانش) و برادران (قبیله ای) لوط

و ساکنان آن سرزمین خرم و پردرخت (قوم شعیب) و قوم تبع (سلطان یمن) همه آنان فرستادگان را تکذیب کردند پس وعده حتمی من (که منکران را عذاب خواهم نمود درباره آنها) ثابت و سزا گردید

پس مگر ما در آفرینش نخستین (جهان هستی) درماندیم (تا از اعاده آن عاجز باشیم)؟ (آنها منکر خلق اول نیستند) بلکه آنها درباره آفرینش جدید در اشتباهند

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

۵۰:ق
۱۶/۴۵
۴۵۳ر

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ

۱۷

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ

۱۸

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ

۱۹

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ

۲۰

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ

۲۱

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ

۲۲

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ

۲۳

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

۲۴

مَتَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ

۲۵

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ

۲۶

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَيْتُهُو وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

۲۷
حزب
۲۰۸

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ

۲۸

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ

۲۹

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ

۳۰
۴۵۴ر

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ

۳۱

هَذَا مَا تُوَعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ

۳۲

مَنْ حَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ

۳۳

أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ

۳۴

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ

۳۵

و به یقین ما انسان را آفریدیم و آنچه را که نفسش بدان سبب در او وسوسه می کند می دانیم و ما به او از رگ گردن و رگ های خونس نزدیک ترین

(به یاد آر) آن گاه که آن دو (فرشته) دریافت کننده، از راست و از چپ او نشسته (افکار و اعمال او را) دریافت می کنند

هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد جز آنکه در نزد او فرشته مراقب حاضر و آماده ای (برای نوشتن) است

و حالت سکرات مرگ به راستی فرا می رسد و حقیقتی را (برای انسان از جهان دیگر) پیش می آورد، (و به او گفته می شود) این همان است که از آن فرار می کردی

و در صور (به نفخه دوم) دمیده می شود، آن (روز) روز (منجز شدن) وعده های تهدیدآمیز (خداوند) است

و هر کسی (در آن روز) می آید در حالی که سوق دهنده و گواهی (بر اعمالش) همراه اوست

(به او گفته می شود) حقا که از این (روز) در غفلت بودی، پس ما پرده (غفلت) را از (جلو فکرت) کنار زدیم پس چشمت امروز تیزبین است (اوضاع محشر و اعمال خود و جزای آن را خواهی دید)

و همراه (محافظ) او می گوید: این است آن شخصی که در نزد من آماده است (و همراه گواهِش می گوید: این است آنچه از صحایف اعمال او در نزد من مهیاست)

(دستور رسد) شما دو تن (فرشته محافظ و گواه) هر کافر سرسخت معاند را در جهنم افکنید

هر بازدارنده از خیر و تجاوزگر (از حدود خالق و متجاوز به حقوق مخلوق) و تردیدکننده (در اصول عقاید و ریب افکن در دل ها) را

آن کس را که با خدای یکتا معبود دیگری قرار داده پس او را در عذاب سخت و دردناک بیفکنید

(شیطان) همنشین او گوید: پروردگارا، من او را به سرکشی و انداشتم، لکن خودش در گمراهی دور و درازی بود (من فقط دعوت کردم و او به اختیار اجابت نمود)

(خداوند) گوید: در نزد من با یکدیگر ستیزه مکنید، در حالی که من وعده عذاب را به شما (به وسیله پیامبران و کتاب های آسمانی) از پیش داده ام (حجت بر همه تمام و جرم همه روشن است)

آن گفتار (حتمی مندرج در لوح محفوظ که کفار هیزم آتش اند) هرگز در نزد من تبدیل نمی شود (تخلف و نسخ برنمی دارد) و من هرگز ستم پیشه بر بندگان نیستم

و (به یاد آر) روزی که به جهنم گوییم: آیا پر شدی؟ و او (به لحاظ آن که اجزاء عالم آخرت دارای شعور و قادر بر تکلم اند) گوید: آیا بیشتر هم هست (یعنی باز هم جا دارم و یا آنکه دیگر جا ندارم)

و بهشت را برای پرهیزکاران بدون فاصله زیاد نزدیک گردانند

(به آنها گفته شود) این همان است که وعده داده می شدید، (این) برای هر کسی است که (در دنیا) بسیار دل به خدا می سپرده و نگهبان (حقوق خالق و خلق) بوده

کسی که از خداوند رحمان در نهان (در حالی که خود از دید خلق پنهان، و آخرت از وی نهان بود) می ترسید، و با قلبی متوجه و پر انابه (به دیدار خدایش) آمده

(گفته می شود) با سلام و درود (از جانب خدا و فرشتگان، و به سلامت ابدی) وارد آن شوید، (و مژده باد شما را که امروز روز جاودانگی است

آنها را هر چه بخواهند در آنجا هست، و در نزد ما فزونی است (نعمت هایی که از تصور و خواست آنها بیرون است)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ

۳۷

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ

۳۸

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ

۳۹

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَرَ السُّجُودِ

۴۰

وَأَسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ

۴۱

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ

۴۲

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ

۴۳

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ

۴۴

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ

۴۵

۵۱. ذاریات

الدَّارِيَّاتِ: بادهای ذره افشان

مکی

۶۰ آیه

۴ صفحه

و چه بسیار پیش از اینان (مشرکان مکه) مردمان زمانه ای را هلاک کردیم که از اینان در قدرت و تسلط قوی تر بودند پس شهرها را سیر کردند و در هر جا نفوذ نمودند، (اما) آیا برای آنها وقت نزول عذاب) جای فرار و پناهگاهی بود؟

بی شک در این (سرگذشت ها) تذکری است برای کسی که او را قلبی (بیدار) باشد یا گوش فرا دهد در حالی که (به دل) حاضر و گواه (حقایق) باشد

و به یقین آسمان ها و این زمین و آنچه را که در میان آن دو هست در شش روز (روشن، یا شش شبانه روز یا در شش دوران) آفریدیم و هیچ رنج و خستگی به ما نرسید (و بعث و نشور نیز این چنین خواهد بود)

پس بر آنچه می گویند (از انکار نبوت و شرک در ربوبیت و تکذیب قیامت) صبر کن و پروردگار خود را پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن همراه با سپاس و ستایش تسبیح گو (و از هر عیب و نقصی منزّه دان، یعنی نماز صبح و نماز ظهر و عصر بخوان)

و در مقداری از شب نیز او را تسبیح گو (نماز مغرب و عشا بخوان) و نیز به دنبال سجده ها (در همه نمازها او را به صورت تعقیب تسبیح گو)

و گوش فرا ده (و منتظر ندا باش) روزی که نداکننده (اسرافیل به وسیله نفخه دوم در صور) از مکانی نزدیک (و با نسبتی متساوی به همه بدن های متلاشی شده در پهنه گیتی) ندا درمی دهد

روزی که (همه ارواح در عالم برزخ) آن میحه را که حق (و ثابت در لوح محفوظ) است می شنوند (و با بدن های ترکیب یافته از ذرات بدن دنیوی مقرون می شوند)، آن (روز) روز بیرون شدن (همه از قبرها) است

بی تردید این ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم، و بازگشت (همه در عالم آخرت) به سوی ماست

روزی که زمین از روی آنها بشکافد در حالی که (از آنجا به سوی خداوند) شتابانند، این (احیاء و احضار) برای ما حشری آسان است

ما به آنچه (این کافران از تکذیب و استهزا و شرک و انکار معاد) می گویند داناتریم، و تو بر آنها مسلّط نیستی (که به ایمان و تسلیم شان واداری)

سوگند به بادهای پراکنده کننده ابرها و برانگیزنده گردها و بارور کننده گیاهان و درختان، و سوگند به زنان صالح که نسل بشر را در روی زمین منتشر می کنند، چه پراکندن و نشر عجیب و پربرکتی

پس (سوگند) به بادهای گرانبار از ابرها، و ابرهای گرانبار از باران ها و ماده های گرانبار از حمل ها

پس (سوگند) به کشتی هایی که به آسانی روانند، و نسیم هایی که به سهولت وزانند، و ستارگانی که به آرامی در جریانند

پس (سوگند) به بادهای تقسیم کننده ابرها و باران ها، و فرشتگان توزیع کننده ارواح بر جنین ها، و حیات بر جاندارها و دانش بر مغزها، و روزی بر روزی خواران

که جز این نیست که آنچه وعده داده می شوید (از احوال پس از مرگ) حتما راست است

و بی شک (روز) جزا بودنی و واقع شدنی است

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ

۸

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ

۹

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ

۱۰

قُتِلَ الْخَرَّصُونَ

۱۱

الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرَةٍ سَاهُونَ

۱۲

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ

۱۳

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ

۱۴

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ

۱۵

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

۱۶

ءَاخِذِينَ مَا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ

۱۷

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ

۱۸

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

۱۹

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

۲۰

وَفِي الْأَرْضِ ءَايَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ

۲۱

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ

۲۲

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ

۲۳

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلِ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ

۲۴

۴۵۶ر

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ صَيْفِ بْنِ هَارِثٍ الْمُرَمِيِّ

۲۵

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ

۲۶

فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ ۖ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ

۲۷

فَقَرَّبَهُوَ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

۲۸

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ ۖ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ

۲۹

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ

۳۰

قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ

سوگند به آسمان دارای زینت و حسن منظر، و آفرینش معتدل، و راه های گوناگون عروج و نزول فرشتگان

که همانا شما (اهل مکه درباره پیامبر و قرآنش) در گفتار مختلف و گوناگونید (که او ساحر و این سحر، و او کاهن و این سخن جن و شیطان، و او شاعر و این شعر، و او آموخته شده و این افسانه های پیشینیان است)

کسی که (از هر خیر و سعادتِی) منحرف شده او (از پیامبر و قرآنش) منحرف می گردد یا آن که در علم ازلی خداوند از سعادت محروم بوده او از این پیامبر و قرآن بازگردانده می شود

مرده باد دروغ پردازان (که درباره پیامبر، قرآن و معاد سخن دروغ می گویند)

آنهايي که در گردابی (از نادانی) غافل (از توجه به حقایق دین) اند

می پرسند: روز جزا کی است

همان روز که آنان در آتش عذاب شوند و بسوزند

(به آنها گفته می شود) عذابتان را (که در برابر گناهان یا تجسم عینی گناهان است) بجشید این همان است که بدان عجله می کردید

به یقین پرهیزکاران در باغ ها و چشمه سارهایی هستند

در حالی که آنچه را پروردگارشان (از نعمت های آخرت) به آنان عطا کرده دریافت می کنند، زیرا که آنان پیش از آن (در دنیا) نیکو و نیکوکار بودند

آنها اندکی از شب را می خوابیدند

و سحرگاهان (از خداوند) طلب آمرزش می کردند

و در اموالشان برای اهل سؤال و محرومان حقّی (مطلوب از جانب خدا و مقرر از طرف خودشان) بود

و در این زمین (در بزرگی و حجم و حرکت ها و اوضاع سطح و معادن و کوه های آن) نشانه هایی است (از توحید و قدرت و حکمت و رحمت خداوند) برای اهل یقین

و در وجود خودتان (در حرکت کمی و کیفی جسم و چگونگی اعضائیتان، و کیفیت تعلّق روح و حکومت او بر جوارختان، و ترکیب عقل و اوصاف متضاد در روانتان، و توالد و افزایش نسل و روابط اجتماعتان، نیز نشانه هاست) پس آیا (به چشم سر و چشم دل) نمی بینید؟

و روزی شما (اسباب روزیتان از باران و باد و نور و شب و روز و فصول سال) و آنچه بدان وعده داده می شوید (بهشت آخرت) در آسمان است

پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این (مطلب که روزی شما در آسمان است) حقّ است (از علم ازلی الهی گذشته و در لوح محفوظ درج شده و به مرحله اجرا درآمده است) همان گونه که شما (وقت تکلم می دانید که) حرف می زنید

آیا خبر مهمان های گرامی ابراهیم (که گروهی از فرشتگان بودند) به تو رسیده است

آن گاه که بر او وارد شده سلام گفتند، گفت: سلام (بر شما، ولی در نفس خود گفت اینان) گروهی ناشناسند

پس پنهانی به سوی خانواده اش رفت و گوساله ای فربه (و کیاب شده) بیاورد

پس آن را نزدیک آنها برد (و چون دید از آن نخوردند) گفت: آیا نمی خورید؟

پس از آنها احساس وحشت کرد، گفتند: مترس و او را به پسری بس دانا مژده دادند

پس زنش فریادکنان روی آورد و (از تعجب و خوشحالی) بر صورت خویش نواخت و گفت: پیره زنی نازا (می تواند بزاید)؟

گفتند: پروردگارت این چنین گفته، بی تردید اوست که حکیم و داناست

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ

مُسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ

فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَنِ مُّبِينٍ

فَتَوَلَّىٰ بِرُّكْنِهِ ۖ وَقَالَ سَحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ

مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْنَاهُ كَالرَّمِيمِ

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُم تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذْنَاهُمُ الصَّلِيعَةَ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

فَمَا اسْتَطَعُوا مِن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ

وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

فَفِرُّوْا إِلَى اللَّهِ ۖ إِنَّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ ۖ إِنَّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

ابراهيم گفت: ای فرستادگان (الهی مأموریت و) کارتان چیست

گفتند: ما به سوی گروهی گنهکار (قوم لوط) فرستاده شده ایم

تا سنگ هایی (ساخته شده) از گل (همانند بارانی) بر سر آنها فرو فرستیم

که در نزد پروردگارت برای آن اسرافکاران (ظالمان متجاوز) نشاندار شده اند

پس هر یک از مؤمنان (به ابراهیم و لوط) را که در آن منطقه بود بیرون بردیم

و در آن دیار جز یک خانه از مسلمانان (که خانه لوط بود) نیافتیم

و در آنجا (پس از هلاک کردن مردم) نشانه ای (از قدرت و غضب خود، صحرایی وحشت زا، دیاری واژگون، سنگ هایی باریده، آب هایی آلوده) برای کسانی که از عذاب دردناک می ترسند به جا گذاشتیم

و درباره موسی نیز (نشانه ای از خشم و قدرت ماست) هنگامی که او را با حجت و دلیلی روشن (مانند عصا و ید بیضا) به سوی فرعون فرستادیم

پس به تمام وجود از او روی برتافت (یا با همه نیرو و سپاه خود از او روی برگردانید) و گفت: (این مرد) جادوگری است یا دیوانه ای

پس او و لشگریانش را گرفتیم و در دریا افکندیم در حالی که مرتکب کارهای ملامت زا و خود (در آخرین لحظه) ملامت گر خویش بود

و نیز در (سرگذشت) عاد (قوم هود نشانه ای از خشم و قدرت ماست) هنگامی که بر آنها باد نازا (از هر خیر و زاینده هر شر) را فرستادیم

چیزی را که بر آن می وزید رها نمی کرد جز اینکه آن را همانند استخوان پوسیده می ساخت

و نیز در (سرگذشت) ثمود (قوم صالح پس از آنکه ناقه اعجازی را کشتند، نشانه ای از خشم و قدرت ماست) هنگامی که به آنها گفته شد (صالح گفت) تا مدتی (تا سه روز) برخوردار شوید (که عذابتان فرا خواهد رسید)

پس آنها (در روزهای مهلت نیز) از فرمان پروردگارشان سرپیچی کردند، پس آنها را صاعقه آسمانی فراگرفت در حالی که (به آن) می نگریستند

پس نه توان برخاستن از جای (و گریختن) یافتند و نه توانستند به خود و به یکدیگر یاری رسانند

و قوم نوح را پیش از این (هلاک کردیم) که بی شک آنها گروهی فاسق و نافرمان بودند

و آسمان را با دست های قدرت (خویش) بنا نهادیم و به یقین ما گسترش دهنده (ساختمان آن و روزی رسان ساکنان آن) هستیم

و زمین را بگستردیم، پس نیکو گستراننده ایم

و از هر چیزی جفت هم آفریدیم (مانند نر و ماده در حیوانات و گیاهان) شاید متذکر شوید (که زوجیت و شرکت از صفات ممکن است نه واجب)

پس (از عذاب خدا به وسیله توحید و تسلیم) به سوی خدا بگریزند، همانا من برای شما از جانب او بیم دهنده ای آشکار و روشنگرم

و با خداوند معبود دیگری قرار مدهید، همانا من برای شما از جانب او بیم دهنده ای آشکار و روشنگرم

كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ
أَوْ مَجْنُونٌ

۵۳ أَتَوَاصَوْا بِهِۦٓ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ

۵۴ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ

۵۵ وَذَكَرْ فَإِنَّ الدِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ

۵۶ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

۵۷ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ

۵۸ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ

۵۹ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا
يَسْتَعْجِلُونَ

۶۰ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

۵۲. طور	الطُّور: کوه طور	مکی	۴۹ آیه	۳ صفحه
---------	------------------	-----	--------	--------

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالطُّورِ

۴۵۸ر

۲ وَكِتَبٍ مَسْطُورٍ

۳ فِي رَقٍ مَّنْشُورٍ

۴ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ

۵ وَالسَّفِّ الْمَرْفُوعِ

۶ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ

۷ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ

۸ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ

۹ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا

۱۰ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا

۱۱ فَوَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِینَ

۱۲ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ

۱۳ یَوْمَ یُدْعُونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً

۱۴ هَٰذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

هم چنین بر کسانی که پیش از آنها (اهل مکه) بودند هیچ
فرستاده ای نیامد مگر آنکه گفتند: جادوگری است یا دیوانه
ای

آیا بر این (امر، گذشتگان و آیندگان) به یکدیگر سفارش
کرده اند؟! (نه) بلکه آنان گروهی (ذاتا) طغیانگرند

پس از آنان روی بگردان، که تو (بر این اعراض) مستحق
سرزنش نیستی

و (مؤمنان را) تذکر ده، زیرا تذکّر و پند مؤمنان را سود می
بخشد

و جنّ و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا پرستش کنند

نه از آنان می خواهم که برایم تحصیل روزی کنند، و نه می
خواهم که طعامم دهند

به یقین خداوند خود روزی دهنده (به همه روزی خواران) و
صاحب قوه و نیرومند است

پس همانا برای کسانی (از قوم تو) که ستم کرده اند سهمی
بزرگ (از عذاب) است مانند سهم یارانشان (از امت های
گذشته)، پس به عجله از من نطلبند

پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند از آن روزشان که وعده
داده می شوند

سوگند به کوه یا به طور سینا (که موسی بر فراز آن وحی
شنید)

و به کتابی نوشته شده (قرآن، یا لوح محفوظ، یا الواح تورات
یا هر کتاب آسمانی یا کتاب نفس صالحان که در آن ایمان
نگاشته شده، و یا نامه عمل هر مکلفی در روز جزا)

در صفحه ای باز و گشوده (که بالفعل گشوده است یا در
آینده گشوده خواهد شد)

و (سوگند) به آن خانه آباد (کعبه آباد از زائران، خانه
آسمانی آباد از فرشتگان، و قلب مخلصان آباد از ایمان)

و به آن سقف برافراشته (آسمان)

و به آن دریای مملوّ (از آب یا) افروخته و پر (از آتش در
پیشاپیش قیامت)

که بی تردید عذاب پروردگار تو (در آخرت برای کافران)
ثابت و حتمی است

هرگز آن را بازدارنده ای نیست

روزی که آسمان به لرزه ای سخت بلرزد.

و سیر کند همه کوه ها سیری (به صورت غبار در هوا).

پس وای در آن روز بر تکذیب کنندگان.

آنان که در فرو رفتن (به گفتار و کرداری باطل و ناروا) بازی
می کنند.

روزی که به سختی و خشونت به سوی جهنم رانده می
شوند.

(به آنها گفته می شود) این همان آتشی است که آن را (در
دنیا) تکذیب می کردید.

أَفْسِحَرُّ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

۱۶

أَصْلَوْهَا فَأَصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُحْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۱۷

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

۱۸

فَكَهِينٍ بِمَا آتَاهُمُ رَبُّهُمْ وَوَقْلَهُمُ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

۱۹

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۲۰

مُتَّكِعِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ

۲۱

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ

۲۲

وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفَكَهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

۲۳

يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيْمٌ

۲۴

حزب
۲۱۰

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ

۲۵

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

۲۶

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ

۲۷

فَمَنْ أَلَّهِ عَلَيْنَا وَوَقَلْنَا عَذَابَ السَّمُومِ

۲۸

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ

۲۹

۴۵۹ر

فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ

۳۰

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِۦ رَيْبَ الْمُنُونِ

۳۱

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ

آیا این سحر است یا شما نمی بینید (همان گونه که در دنیا تهدیدهای آن را نمی شنیدید)؟!

بدان درآیید و بسوزید، خواه صبر کنید یا صبر نکنید برای شما یکسان است، و جز این نیست که شما در مقابل آنچه انجام می دادید، یا با تجسم عینی آنچه می کردید، کیفر می شوید.

به یقین پرهیزکاران در باغ ها و نعمتی فراوانند

در حالی که از آنچه پروردگارشان به آنها داده برخوردارند و از آن به شادی سخن می گویند، و پروردگارشان آنان را از عذاب جهنم نگاه داشته است

(به آنها گفته شود) بخورید و بیاشامید، گوارا باد شما را به پاداش آنچه (در دنیا) انجام می دادید

تکیه کنان بر تخت هایی منظم و همردیف، و آنها را با حور العین همسر می کنیم

و کسانی که ایمان آورده اند و فرزندانشان به نوعی در ایمان از آنها پیروی کرده اند (ولی در درجه پایین ترند) فرزندانشان را (در آخرت و بهشت) به آنها ملحق می سازیم و از عمل های آنها چیزی را (به واسطه الحاق اولاد) نمی کاهیم هر انسانی در گرو عمل خویش است (اگر نیک آورد رها می شود و الاّ در گرو می ماند)

و آنها را میوه و گوشتی که اشتها دارند پی در پی می رسانیم

در آن جا جام (شراب) را که در (آشامیدن) آن لغوگویی و گناهی نیست (به شوخی و محبت) از دست هم می ستانند

و (برای پذیرایی آنان) پسران نوجوان بهشتی خاص آنان گردشان می گردند که گویی (در زیبایی و صفا) مرواریدی نهفته (در صدف) اند

و برخی از آنها به برخی دیگر رو کرده از (حال دنیوی) یکدیگر می پرسند

گویند: همانا ما پیشتر (در دنیا) در میان خانواده خود بیمناک (از عواقب امر) بودیم

پس خداوند بر ما منت نهاد و ما را از عذاب سوزان دردآور نگه داشت

البته ما او را پیش از این پیوسته می خواندیم، زیرا که اوست نیکوکار و مهربان

پس (ای پیامبر) تذکر ده، که تو به لطف و نعمت پروردگارت نه کاهن هستی (که الهام از اجنّه و شیاطین گیری) و نه دیوانه

بلکه آنها گویند: او شاعری است که برایش حوادث زمان و آمدن مرگ را انتظار می کشیم

بگو: انتظار کشید، من نیز حتما با شما از منتظرانم (که عذاب خدا بر شما فرود آید)

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَمُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ

۳۳ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُۥٓ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ

۳۴ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِۦٓ إِن كَانُوا صَادِقِينَ

۳۵ أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ

۳۶ أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ

۳۷ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيِّطُونَ

۳۸ أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِۦ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ

۳۹ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ

۴۰ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّن مَّعْرَمٍ مُّثْقَلُونَ

۴۱ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ

۴۲ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًاۖ فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ

۴۳ أَمْ لَهُمْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِۚ سُبْحٰنَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

۴۴ وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَآءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ

۴۵ فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ

۴۶ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

۴۷ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

۴۸ وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَاۖ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ

۴۹ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ النُّجُومِ

آیا خردهایشان آنها را به این (گفتار) فرمان می دهد یا آنها گروهی طغیان گرند (که تسلیم حق نمی شوند)

یا آنکه می گویند: این (قرآن) را از خود بربافته، (نه) بلکه (با علم به واقع) ایمان نمی آورند

پس اگر راستگویند (که قرآن بربافته بشر است) کلامی مانند آن بیاورند

آیا آنها از غیر چیزی (که دیگران از آن خلق شده) آفریده شده اند (تا در تکلیف آنها شریک نباشند)؟ یا آنها خود آفریننده خویشند (تا امر خدا را نپذیرند)

یا آنکه آنها آسمان ها و زمین را آفریده اند (تا برتر از آن باشند که فرمان پذیرند؟ نه) بلکه یقین ندارند

یا مگر گنجینه های (دانش و رحمت) پروردگارت نزد آنهاست (که نبوت را به هر که خواهند دهند) یا آنهایند که (بر جهان هستی) مسلمانند (تا نبوت را از تو سلب کنند)

یا مگر نردبانی دارند که بر (فراز) آن (به سخنان ملا اعلی) گوش فرا دهند؟ (اگر چنین است) پس شنونده آنها باید حجت آشکاری (بر کلامش) بیاورد

آیا دختران (که آنها را بد و مبعوض می شمارید) از آن خدا و پسران (که آنها را خوب و محبوب می دانید) از آن شماست؟

یا مگر (برای ابلاغ رسالت و دین) از آنان مزدی درخواست می کنی که آنان از غرامت آن سنگین بارند

یا مگر علم غیب (یا لوح محفوظ) نزد آنهاست که آنان (سخنان خود را از روی آن) می نویسند

یا که نیرنگی (برای تو) اراده می کنند؟ پس کسانی که کفر ورزیده اند خود نیرنگ شده اند (کیفر مکرشان به خودشان بازمی گردد)

یا مگر برای آنها معبودی جز خدا هست؟ منزه است خداوند از اینکه برای او شریک قرار می دهند

و اگر پاره هایی از آسمان را ببینند که فرود می آید گویند: ابری است متراکم

پس آنها را رها کن (با آنها محاجّه و ستیزه مکن) تا روزی را که در آن هلاک می شوند دیدار کنند (روز مرگ یا نفخه اول صور)

روزی که مکر آنها چیزی (از عذاب موعود) را از آنها دفع نمی کند و نیز یاری نخواهند شد

و بی شک برای کسانی که ستم کرده اند (مشرکان مکه) عذابی است پیش از آن (قطعی در مکه و روز بدر) و لکن بیشتر آنان نمی دانند

و بر (عمل و ابلاغ) حکم پروردگارت صبر کن، زیرا تو در مقابل دیدگان (حفظ و عنایت) ما هستی، و هنگامی که (نزدیک ظهر از خواب یا از کار) برمی خیزی پروردگارت را همراه حمد و ثنا تسبیح گوی (نماز ظهر و عصر بخوان)

و پاره ای از شب نیز او را تسبیح گو (نماز مغرب و عشا بخوان) و نیز هنگام پشت کردن و فرو شدن ستارگان (بامدادان نماز صبح بخوان)

سوگند به ستاره هنگامی که طلوع و غروب کند (یا به شهاب ثاقب زمانی که بر اجنّه و شیاطین فرود آید، یا به گیاه زمانی که سر برآورد، یا به اقساط و آیات قرآن هنگامی که به مرکز وحی نازل گردد)

یار و دوست شما (محمد صلی الله علیه وآله) نه (از راه سعادت در عمل) گمراه شده و نه (از حق در عقاید) منحرف گشته

و او (در ابلاغ قرآن و پیام های خدا) هرگز از هوای نفس سخن نمی گوید

آنچه می گوید جز وحیی که (از مبدأ اعلی) به او القاء می شود نیست

آن را (جبرئیل امین) آن که قوایش محکم و نیرومند است به او تعلیم داده

همان که دارای نیرو و توان (در خلقت و استحکام و متانت در عقل) است، پس (در صورت اصلی خویش در برابر پیامبر) بایستاد

در حالی که او در کرانه ای برتر (از زمین) بود

سپس (به پیامبر) نزدیک و نزدیکتر شد

پس به فاصله مقدار دو کمان (یا دو ذراع) یا کمتر، (از پیامبر) فاصله داشت

پس وحی کرد به بنده خدا (محمد صلی الله علیه وآله از حقایق و اسرار) آنچه وحی کرد

قلب (پیامبر) در آنچه دید (از صورت جبرئیل و نزدیک شدن او خطا نکرد و) دروغ نگفت

آیا با او درباره آنچه (به چشم و دل) می بیند مجادله می کنید؟

و بی تردید در یک نزول دیگری (که پیامبر را با خود به بالا برد) او را (در صورت اصلیش به چشم سر و خدا را به دیده دل) دیده بود

در نزد سدره المنتهی (درخت سدری که در آخر محدوده آسمان ها و در انتهای محلّ صعود و نزول عمل های بندگان قرار دارد)

که بهشت آخرتی که جایگاه (مؤمنان پس از تمام شدن حساب محشر) است در نزد آن است

هنگامی که آن سدره را آنچه که می پوشاند (از نور و زیبایی و فرشتگان بی حد) احاطه کرده بود

هرگز چشم (پیامبر آنچه را دید) به خطا ندید و (از آنچه باید ببیند) تجاوز نکرد

به یقین از نشانه های بسیار بزرگ پروردگار خود مشاهده کرد

پس به من خبر دهید از لات و عزّی (دو بت بزرگ قبایل عرب)

و منات، آن سومین بت دیگر (از بت های معروف عرب که به شکل موهومی سه فرشته اند، که آیا اینها شریک خدایند؟

آیا (به گمان شما) برای شما پسر است و برای خدا دختر؟

در این صورت این تقسیم جانرانه ای است

این بتان (با عنوان های معبود و مقرب و شفیع) جز نام های بی محتوا نیستند که شما و پدرانتان (بر آنها) نهاده اید، هرگز خدا بر (حقانیت) آنها حجت و برهانی فرو نفرستاده است (آری) آنان جز از ظنّ و گمان و هواهای نفسانی پیروی نمی کنند، با آنکه بر آنان از پروردگارشان وسیله هدایت آمده است

مگر برای انسان آنچه آرزو کند فراهم است (که بت ها خدا باشند و حاجت بخش و شفاعت گر شوند)؟

(چنین نیست) زیرا آخرت و دنیا از آن خداست (و شریکی در آنها ندارد)

و چه بسیار فرشته که در آسمان ها هست که شفاعت و وساطت آنها (در امور تکوینی این جهان و برای گنهکاران آن جهان) هیچ سودی نمی بخشد مگر پس از آنکه خداوند، برای کسی که می خواهد و رضایت می دهد (که شفاعت کند یا شفاعت شود) اذن دهد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ

أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ

لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ

وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ

أَلَكُمُ الدَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ

تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمِيَّتُوهَا أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ

أَمْ لِلْإِنْسَنِ مَا تَمَنَّىٰ

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا

مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً
 الْأُنثَى

۲۸

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا
 يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

۲۹

فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ
 الدُّنْيَا

۳۰

ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ
 سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى

۳۱

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا
 بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

۳۲

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ
 رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ
 الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا
 أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى

۳۳

۴۶۲۲

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى

۳۴

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى

۳۵

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى

۳۶

أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى

۳۷

وَأِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى

۳۸

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى

۳۹

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَنِ إِلَّا مَا سَعَى

۴۰

وَأَنْ سَعِيَهُ سَوْفَ يُرَى

۴۱

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى

۴۲

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنتَهَى

۴۳

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى

۴۴

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا

همانا کسانی که به آخرت ایمان ندارند فرشتگان را به اسم
 زن نامگذاری می کنند (می گویند آنها دختران خدایند)

با آنکه آنها را علمی به آن (ادعا) نیست، آنها جز از ظنّ و
 گمان پیروی نمی کنند، و بی تردید ظنّ و گمان به هیچ وجه
 از حق بی نیاز نمی کند

پس، از کسی که از یاد (و قرآن) ما روی برتافته و جز
 زندگی این دنیا را نمی خواهد اعراض کن (و با آنها مجادله و
 ستیزه مکن)

این آخرین مرحله از دانش آنهاست. همانا پروردگار تو
 داناتر است به کسی که از راه او گم گشته و داناتر است به
 کسی که هدایت یافته است

و آنچه در آسمان ها و زمین است (به تبع خود آنها) از آن
 خداست (زیرا خلق و حفظ و اداره و فانی کردن آنها در
 دست قدرت اوست و همه را آفریده) تا کسانی را که بدی
 کرده اند در برابر آنچه انجام داده اند، یا با تجسم اخروی
 عین آن عمل ها، کیفر دهد و کسانی را که کار نیک کرده اند
 به پاداش بهتری جزا دهد

همانها که همواره از گناهان بزرگ (که در دنیا تعزیر و برای
 آخرت وعده آتش دارد) و عمل های زشت (که در اسلام بر
 آنها حدی تعیین شده) دوری می جویند، مگر گناه صغیره یا
 گناهی که اتفاقا رخ می دهد که حتما مغفرت پروردگارت
 گسترده است، او به شما آن هنگام که شما را از این زمین
 بیافرید و هنگامی که در شکم مادرانتان جنین بودید داناتر
 است، پس خودستایی نکنید، او به کسی که تقوا ورزیده
 داناتر است

پس آیا دیدی آن کس را که (از توحید و جهاد و انفاق) روی
 گردانید

و اندکی (از مال خویش) بداد و (و از باقی) امساک نمود

آیا علم غیب نزد اوست و او (به دیده دل آینده را) می بیند
 (که اگر انفاق کند فقیر می گردد)

یا از آنچه در صحیفه های موسی (که اسفار تورات) است با
 خبر نشده

و (یا از آنچه در صحیفه های) ابراهیم (است) همان کسی
 که (در اطاعت حق و ابلاغ توحید و صبر در مبارزه و انجام
 امتحان) به نحو کامل وفا نمود

که هیچ باربرداری بار گناه دیگری را برنمی دارد

و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده چیزی نیست

و سعی و تلاش او به زودی (به مرگ یا قیامت) دیده خواهد
 شد

سپس در مقابل آن جزای کامل داده می شود

و انتها (ی سیر عمل هر عاملی و حرکت هر موجودی در جهان
 هستی) به سوی پروردگار توست

و اوست که خداند و گریاند (این دو صفت را در هر زنده
 مستعد ایجاد کرد)

و اوست که (همه زنده ها را در وقت معین) میراند و (همه
 مرده ها را طبق اراده) زنده گرداند

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

مِنْ تُطْفَئَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشَأَ الْأُخْرَىٰ

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ

وَأَنَّهُ وَاهْلَك عَادًا الْأُولَىٰ

وَتَمُودًا فَمَا أَبْقَىٰ

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَىٰ

وَالْمُوتِفَكَّةَ أَهْوَىٰ

فَغَشَّيْهَا مَا عَشَىٰ

فَبِأَيِّ آءَالٍ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ

هَٰذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذِرِ الْأُولَىٰ

أَزِفَتِ الْأَزِفَةُ

لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفُهُ

أَفَمِن هَٰذَا الْحَدِيثِ تَعَجُّبُونَ

وَتَصْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ

وَأَنْتُمْ سَمِيدُونَ

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا۟ ﷻ

۶۲
سجده
واجب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۖ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ

حِكْمَةٌ بَلِغَةٌ ۖ فَمَا تُغْنِ النَّذِرُ

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ

و اوست که دو جفت (دو صنف) نر و ماده را بیافرید

از نطفه ای آن گاه که در رحم ریخته شود

و بر عهده اوست (طبق علم ازلی و اراده حتمی الهی، مندرج در کتاب های آسمانی و شرایع بشری) پدید آوردن جهان دیگر

و اوست که بی نیاز نموده و ثروت قابل بقاء و دوام داده

و اوست پروردگار (ستاره) شعری (که گروهی از مشرکان آن را پرستش می کردند)

و اوست که عاد اول (قوم هود) را هلاک نمود

و نیز ثمود (قوم صالح) را، پس (احدی از آنها را) باقی نگذاشت

و نیز قوم نوح را پیش از آنها (هلاک نمود) که آنان ستمکارتر و نافرمان تر بودند

و شهرهای واژگون شده (قوم لوط) را که (پس از بالا بردن) به رو درافکند

پس آن شهرها را پوشانید آنچه پوشانید (از عذاب سخت و سنگباران شدید و غیره)

(همه حوادث فوق نعمت هایی است که نظام اتم عالم را تشکیل می دهد) پس در کدام یک از نعمت های پروردگارت تردید می ورزی؟

این (پیامبر و کتاب او هر یک) بیم دهنده ای است (برای بشر) از سنخ بیم دهندگان نخستین

آنچه (بر طبق علم ازلی الهی مخصوص به ذات او) نزدیک شدنی است (قیام قیامت) نزدیک شده

که جز خدا کسی آشکارکننده زمان آن نیست و (هنگامی که تحقق یابد) جز خدا زایل کننده یا تأخیرافکننده یا برطرف کننده (هول و عذاب) آن نیست

آیا از این سخن (احوال امت ها و نزدیکی قیامت یا از قرآن) تعجب می کنید؟

و می خندید و نمی گریید؟

و شما استکبار می ورزید و آواز می خوانید و در لهو و غفلتید؟

پس خدا را سجده کنید و بپرستید

۵۴. قمر	القَمَرُ: ماه	مکی	۵۵ آیه	۴ صفحه
---------	---------------	-----	--------	--------

قیامت خیلی نزدیک شد و ماه از هم شکافت

و چون نشانه و معجزه ای ببینند روی گردانند و گویند: سحری است دائمی (که همیشه از این شخص سر می زند)

و (تو و قرآن تو را) تکذیب کردند و پیروی از هواهای خود نمودند در حالی که هر امری (بالاخره در مقری از حق و باطل) مستقر خواهد شد (پس صدق پیامبر و کتاب ما نیز روشن خواهد شد)

و به یقین از خبرها (ی امت های گذشته) به مقداری که پند و اندرز و وسیله باز ایستادن (از گناه) باشد بر ایشان آمده است

(این قرآن) کلام حکیمانه تمام و رسایی است، لکن اندازها سودی به حال آنها ندارد

پس، از آنها روی بگردان (و ستیزه مکن و منتظر باش) روزی که دعوت کننده به سوی امری وحشتناک دعوت کند (اسرافیل به نفخه سوم به سوی حساب فرا خواند)

خُشْعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ

۸

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ

۹

حزب
 ۲۱۲

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَحْجُونٌ وَازْدُجِرَ

۱۰

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ

۱۱

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ

۱۲

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ

۱۳

وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ

۱۴

تَجَرَّى بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِّمَن كَانَ كُفِرَ

۱۵

وَلَقَدْ تَرَكْنَهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

۱۶

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ

۱۷

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

۱۸

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ

۱۹

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ

۲۰

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ

۲۱

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ

۲۲

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

۲۳

۴۶۴ ر

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ

۲۴

فَقَالُوا أَبَشَرًا مِنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُوَ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَلٍ وَسُعُرٍ

۲۵

أَءُلْقِيَ الدِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ

۲۶

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِّنَ الْكَذَّابِ الْأَشِرِّ

۲۷

إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَأَرْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ

در حالی که چشمانشان پر از خشوع و ذلت است (به وسیله نفخه دوم صور) از قبرها بیرون آیند گویی ملخ هایی پراکنده اند

شتابان و وحشت زده در حالی که گردن کشیده و چشم دوخته به سوی دعوت کننده (که اسرافیل و نفخه سوم است) می روند کافران گویند: این روز بسیار سختی است

پیش از آنها قوم نوح (نیز پیامبران را) تکذیب کردند، پس بنده ما (نوح) را دروغگو خواندند و گفتند: دیوانه ای است جن زده، و (با این تهمت از میان آنها) رانده شد

پس او پروردگار خود را خواند که من مغلوبم، پس (از دشمنانم) انتقام گیر

ما هم درهای آسمان را به آبی سخت ریزش کننده گشودیم

و زمین را به (جوشش) چشمه هایی شکافتیم، پس (دو تا) آب به صورتی که مقدر شده بود به هم درآمیخت

و او را بر (کشتی) دارای تخته ها و مسمارها سوار کردیم

که زیر نظر و به انواع مراقبت ما حرکت می کرد به پاداش کسی که مورد انکار و ناسپاسی (قوم خود) قرار گرفته بود

و حقاً که ما آن (حادثه و آن کشتی) را نشانه ای (از قدرت و غضب خود) باقی گذاشتیم، پس آیا پندگیرنده ای هست؟

پس چگونه بود عذاب من و بیم دهندگان و انذارهای من؟

و به راستی ما قرآن را برای تذکر و پندآموزی آسان و قابل فهم کردیم، پس آیا پندگیرنده ای هست

قوم عاد نیز (پیامبر خود را) تکذیب کردند، پس چگونه بود عذاب و هشدارهای من؟

ما بر آنها تندبادی سرد در روزی که نحوستش مستمر بود فرستادیم

که مردم را از جای برمی کند (و بر زمین می افکند) گویی تنه های نخل از جا کنده شده اند

پس چگونه بود عذاب من و هشدارهای من؟

و به راستی ما قرآن را برای تذکر و پندآموزی آسان و قابل فهم کردیم، پس آیا پندگیرنده ای هست

قوم ثمود (امت صالح) نیز بیم دهندگان و هشدارهای ما را تکذیب نمودند

پس گفتند: آیا ما بشری تنها و بدون اقوام، از طبقه پایین خودمان را (که نه از فرشتگان است و نه از پریان) پیروی کنیم؟ در این هنگام ما در گمراهی و جنون خواهیم بود

آیا وحی و کتاب پندآموز از میان ما تنها بر او القا شده؟ (نه) بلکه او دروغ پردازی متکبر و هواپرست است

به زودی فردا خواهند فهمید که دروغ پرداز متکبر و هواپرست کیست؟

(به صالح گفتیم) همانا ما آن شتر ماده را (که می خواستند، از کتم عدم به طریق اعجاز) برای آزمایش آنها می فرستیم، پس در انتظار (عاقبت) آنها باش و صبر پیشه کن

وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌّ

۲۹

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ

۳۰

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ

۳۱

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيِّحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ

۳۲

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

۳۳

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالَّذُرِّ

۳۴

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا ءَالَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ

۳۵

نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ

۳۶

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالَّذُرِّ

۳۷

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِۦ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ

۳۸

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ

۳۹

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ

۴۰

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

۴۱

وَلَقَدْ جَاءَ ءَالَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ

۴۶۵ر

۴۲

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ

۴۳

أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أُولَئِكَمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ

۴۴

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ

۴۵

سَيُهِزُّمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبُرَ

۴۶

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَى وَأَمَرُّ

۴۷

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ

۴۸

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ

۴۹

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ

و آنها را آگاهی ده که آب در میانشان تقسیم شده است (روزی سهم آنها و روزی سهم آن شتر) هر نوبت آب، مورد حضور (صاحب نوبت) خواهد بود

پس آنها (برای کشتن آن شتر اجتماع کردند و) یارشان را فراخواندند، پس او شمشیر برگرفت و شتر را پی کرد

پس چگونه بود عذاب من و هشدارهای من؟

ما بر سر آنها یک بانگ سهمگین (به خلق صوت یا به واسطه فرشته) فرستادیم، پس همه آنها به حالت چوب های خشک و شکسته و علف های خشک که صاحب آغل تهیه می کند، درآمدند

و به راستی ما قرآن را برای تذکر و پندآموزی آسان و قابل فهم کردیم، پس آیا پندگیرنده ای هست

قوم لوط نیز بیم دهندگان (و هشدارهای ما) را تکذیب کردند

همانا ما بر آنها تندبادی ریگبار فرستادیم جز بر خاندان لوط که سحرگاهان نجاتشان دادیم

تا (این نجات) نعمتی از جانب ما (بر آنها) باشد، این گونه نجات می دهیم هر که را که شکر گزارد

حقاً که لوط انذار کرد آنها را از مواخذه شدید ما، ولی آنها جدل و تردید در انذارها نمودند

و همانا از او درخواست تسلیم میهمانانش را کردند، پس ما چشم های آنان را محو و کور نمودیم (و گفتیم) پس بچشید عذاب و (کیفر) انذارهای مرا

و البته در سپیده دم عذابی پایدار بدانها رسید (عذاب سنگباران، پیوسته به عذاب مرگ و برزخ، متصل به عذاب قیامت و جهنم)

پس بچشید عذاب و (کیفر تکذیب) انذارهای مرا

و به راستی ما قرآن را برای تذکر و پندآموزی آسان و قابل فهم کردیم، پس آیا پندگیرنده ای هست

و همانا که برای فرعونیان نیز بیم دهندگان و هشدارها (ی پیاپی) پیامد

آنها همه آیات و نشانه ها (ی توحید و صدق فرستاده) ما را تکذیب نمودند، ما هم آنها را به مانند گرفتن سلطان غالب مقتدر بگرفتیم

آیا کافران شما (اهل مکه از حیث نفرات و ثروت و نیرو) بهتر و برتر از آنهايند؟ یا برای شما امان نامه ای در کتاب ها (ی آسمانی) ثابت است

یا آنکه آنها می گویند: ما متحد و همدست و انتقام گیرنده از دشمنیم

به زودی آن اتحاد و اجتماع شکست می خورد و آنها (به دشمن) پشت خواهند کرد (همان گونه که در جنگ بدر واقع شد)

بلکه قیامت وعده گاه آنهاست، و قیامت بسی مصیبت بارتر و تلختر است

حقاً که گنهکاران در گمراهی (از راه سعادت و بهشت) و در آتش افروخته اند

آن روزی که در میان آتش به رو کشیده شوند (و گفته شود) بچشید درد محسوس دوزخ را

زیرا به حقیقت ما همه موجودات عالم هستی را (از حیث ذات و آثار و کمّ و کیف و زمان بقا) به اندازه معین و حدی محدود آفریدیم (و آتش ابدی هم سرنوشت کفر دائمی شماسـت)

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ

فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ

۵۵. رحمن	الرَّحْمَنُ : بخشاینده	مدنی	۷۸ آیه	۴ صفحه
-----------------	------------------------	------	--------	--------

خداوند رحمان (رحمت افزایی که نعمت های فراوان مادی و معنویش در دنیا مؤمن و کافر را فرا گرفته، و در آخرت مؤمنان را فرا می گیرد و از جمله آنها نعمت های زیر است)

قرآن را (که از علم ازلیش به لوح محفوظ نزول یافته بود، ابتدا به ساکنان خاص ملا اعلی تعلیم داد، و از آنجا به وسیله جبرئیل به قلب پیامبر نازل کرد، و از طریق زبان او به جامعه بشری) یاد داد

انسان را (که عجیب ترین مخلوق و شاهکار هستی و زیباترین وجود و جامع ترین پدیده عالم خلقت از حیث کمالات روحی و جسمی است) بیافرید

او را راه بیان (قدرت انتقال مکنونات دل به وسیله تولید الفاظ در زبان را که اعجب نعمت ها و مایه امتیاز وی از جانداران و سبب ایصال وحی الهی به جامعه بشری است) آموخت

خورشید و ماه با حسابی معین در جریانند (خورشید به حرکت مستقیم غیر متغیر، و ماه به حرکت به دور زمین و با واسطه به دور خورشید)

و گیاه و درخت (در برابر خدا تکوینا) سجده می کنند

و آسمان را برافراشت، و قانون و میزان را (که وسیله سنجش متناسب هر چیزی از عقاید و اخلاق و عمل و امور خارجی است) بنهاد (از طریق انبیا و الهام به عقول بشر تعلیم کرد)

(و امر نمود) که در سنجش (هیچ چیزی از حسن و قبح افعال و کمّ و کیف اشیا) طغیان نکنید

و وزن را به عدالت برپا دارید و ترازو را کم مگذارید

و این زمین را برای همه خلق (از انس و جن و هر جنبنده ای که در آن است) بیافرید

در آن هر نوع میوه، و درخت خرماست که دارای خوشه های غلاف دار است

و نیز دانه با ساق و برگ و گیاهان خوشبو

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

انسان (نخستین، آدم و حوا) را از گل خشکیده ای مانند سفال (فرا گرفته از لای متعَن) آفرید (و یا نوع انسان را مانند سایر همتوعانش از جانداران، که با تبادل انواع منتهی به تک سلولی می شوند از لجن آفریده، همانند کوزه گری که کوزه های خود را از گل ساخته باشد)

و جن (یا پدر اجنه) را از شعله ای سفید و سرخ و سیاه از آتش آفرید

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

و کار ما (در آفرینش اشیا) جز یک اراده تکوینی نیست که (در سهولت و سرعت) مانند چشم بر هم زدن است

و بی تردید ما امثال شما را (از مشرکان گذشته) هلاک نمودیم، پس آیا پندگیرنده ای هست

و هر چه آنها به جا آورده اند (از عقاید و اعمال) در نوشته ها (در کتاب های عمل شخصی آنها و کتاب عمومی لوح محفوظ) ثبت است

و هر کوچک و بزرگی (از عمل ها در آن) نوشته شده است

همانا پرهیزکاران در بهشت ها و باغ ها و رودهای جاری و وسعت زندگی و روشنی دائم خواهند بود

در جایگاهی راستین (جایگاهی در برابر ایمان و عمل راستین، یا تبلور و تجسم یافته از عقاید و کردار راستین) نزد سلطانی با کمال اقتدار

۲ عَلَّمَ الْقُرْآنَ

۳ خَلَقَ الْإِنْسَانَ

۴ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

۵ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ

۶ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ

۷ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ

۸ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ

۹ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ

۱۰ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ

۱۱ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَاللَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ

۱۲ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ

۱۳ فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۱۴ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ

۱۵ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ

۱۶ فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

۴۶۷۲

وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

سَنَقَرُكُمْ أَيُّهُ الثَّقَلَانِ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

يَمْعَشَرِ الْحِجْنَ وَالْإَنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَاَنْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ

۳۳

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پروردگار دو مشرق (مشرق بهار و تابستان در رفت و برگشت خورشید از خط استوا تا میل اعظم شمالی، و مشرق پاییز و زمستان در رفت و برگشت آن از خط استوا تا میل اعظم جنوبی) و پروردگار دو مغرب (مقابل آن دو، یا دو مشرق خورشید در روز و ماه در شب و دو مغرب مقابل آن) است

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

دو دریا را که با هم برخورد دارند به هم درآمیخت (نهرهای شیرین به هم پیوسته جاری همانند دریایی، با دریای شور راکد، تلاقی دارند)

میان آن دو (در یک محیط وسیعی از موضع تلاقی) حد فاصلی است که بر یکدیگر (از حیث اثر) غلبه نمی کنند (یا همه آب های شیرین روی زمین از دریای شور آمده و دوباره به آن بازمی گردند ولی در یکدیگر به قدرت خدا اثر نمی گذارند)

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

از آن دو دریا (ی شور و شیرین) مروارید و مرجان بیرون آید

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

و او راست کشتی های روان در دریا که همانند کوه های بلندی ساخته شده اند (زیرا مواد اولیه ساخت، و فکر و نیروی سازنده و آفریدن آب همه از آن اوست)

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

هر که بر روی این (زمین) است (از انس و جن) محکوم به فناست

و تنها ذات صاحب کبریا و عظمت و برتری و دارای جود و جمال و رحمت پروردگارت باقی می ماند

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

هر که در آسمان ها و زمین است (به زبان قال و حال) از او درخواست می کند او هر روز و هر زمان در کاری است

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

به زودی به (حساب) شما می پردازیم ای دو گروه انس و جن

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

(در روز قیامت خطاب شود) ای گروه جن و انس، اگر توانستید از کرانه های آسمان ها و زمین (به بیرون) بگذرید (تا از کیفر اعمالتان فرار کنید) بگذرید، (اما) نخواهید گذشت جز با قدرتی (فوق العاده که آن را ندارید)

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

بر (سر) شما شعله ای از آتش و دودی غلیظ، یا پاره های مس گداخته، فرو فرستاده می شود، پس هرگز از خود دفاع نتوانید کرد

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

پس آن گاه که آسمان بشکافد و همانند چرم سرخ (یا روغن مذاب) گلگون گردد

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

پس در آن روز (که از قبر بیرون آمده و هنوز به موقف نرسیده اند) هیچ انس و جنّی از گناهش پرسش نمی شود

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَصِي وَالْأَقْدَامِ

۴۲ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۴۳ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ

۴۴ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانِ

۴۵ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۴۶ وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ

۴۶۸

۴۷ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۴۸ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ

۴۹ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۵۰ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ

۵۱ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۵۲ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ

۵۳ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۵۴ مُتَّكِيْنَ عَلَى فُرُشٍ بَطَآئِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ

۵۵ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۵۶ فِيهِنَّ قَلَصِرَاتُ الْظُرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

۵۷ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۵۸ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ

۵۹ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۶۰ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ

۶۱ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۶۲ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ

۶۳ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۶۴ مُدْهَامَتَانِ

۶۵ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۶۶ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاحَتَانِ

۶۷ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

(زیرا) گنهکاران به سیمایشان شناخته می شوند، پس آنها را از موهای جلو سر و قدم ها می گیرند (و به دوزخ می افکنند)

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

این همان جهنمی است که گنهکاران آن را تکذیب و انکار می کردند

آنها در میان آن آتش و آب جوشان (از شدت عطش و دهشت پیوسته) دور می زنند

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

و برای کسی که از تسلط و احاطه پروردگارش، یا از قیام خود در حضور پروردگارش بترسد دو بهشت است

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

که هر دو دارای انواع درختان و شاخساران است

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

در آن دو (بهشت) دو چشمه پیوسته در جریان است

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

در آن دو از هر میوه ای دو صنف است (خشک و تر، یا شناخته شده از دنیا و ناشناخته)

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

در حالی که بر روی بسترهایی که آستر داخل آنها از ابریشم ستبر است تکیه زده اند، و میوه هر دو باغ نزدیک و در دسترس است

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

در آن بهشت ها زنانی هستند که چشم از دیدن غیر همسر کوته بینان دارند و جز او به کسی عشق نورزند، نه انسانی پیش از آنها با آنان تماس گرفته و نه جَنی

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

(در پاکی و درخشش) گویی یاقوت و مرجاند

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ (پاداش نیکی آنها در دنیا نیکی خدا به آنهاست)

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

و فروتر از آن دو (بهشت که از آن خائفان مقرب بود) دو بهشت دیگر است (از آن اصحاب یمین)

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

که هر دو از شدت سرسبزی به سیاهی می زنند

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

در آن دو، دو چشمه جوشان و در فوران است

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

فِيهِمَا فَكِهَةٌ وَنَحْلٌ وَرُمَانٌ

در آن دو (هر نوع درخت) میوه و درخت خرما و انار است

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

در آنها زنانی نیکو سیرت و زیبا صورت است

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

حوریانی پرده نشین (و مصون از دید اغیار) در میان خیمه ها

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

که نه انسانی پیش از آنها با آنان تماس گرفته و نه جنی

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

در حالی که (بهشتیان) بر بالش های سبز و بسترها و فرش های زیبا تکیه زده اند

پس (ای گروه انس و جن) کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟

پرخیر و برکت است نام پروردگارت که صاحب کبریا و عظمت و برتری و جود و جمال و رحمت است

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

مُتَكِّئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضِرٍ وَعَبَقَرِيٍّ حِسَانِ

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تَبَرَّكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

۵۶. واقعه	الْوَاقِعَةُ: پیشامد	مکی	۹۶ آیه	۴ صفحه
-----------	----------------------	-----	--------	--------

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۲۱۴
۴۶۹ حزب

آن گاه که آن واقعه (واقعه قیامت) واقع شود

۲ لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ

که در واقع شدن آن دروغی نیست، و سزا نیست کسی آن را دروغ شمارد

۳ حَافِضَةٌ رَافِعَةٌ

پایین آورنده است و بالابرنده (زیرورو کننده نظام خلقت و سپس پایین آورنده اهل کفر و طغیان، و بالا برنده اهل تقوی و ایمان)

۴ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا

آن گاه که این زمین (به همان لرزش معهود خود) سخت لرزانده شود

۵ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا

و کوه ها به شدت سیر داده شوند و خرد گردند

۶ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا

پس به حالت غبار پراکنده درآیند

۷ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً

و شما (مکلفان) به سه گروه تقسیم شوید

۸ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

(نخست) اصحاب یمین چه هستند اصحاب یمین؟ (گویی تجسم یمن و سعادت.

۹ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

و (دوم) اصحاب شمال چه هستند اصحاب شمال؟ (گویی تبلور شومی و شقاوت.

۱۰ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ

و (سوم) پیشگامان (در ایمان) سبقت گیران (در تقوی)

۱۱ أُوتِيَكَ الْمُقَرَّبُونَ

آنها مقربان (درگاه) اند

۱۲ فِي جَنَّتِ التَّعِيمِ

در بهشت ها و باغ های پر نعمت خواهند بود

۱۳ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ

گروه انبوهی از پیشینیان (معصومین از گذشتگان)

۱۴ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ

و اندکی از پسینیان (معصومین امت اخیر)

۱۵ عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ

بر تخت هایی بافته شده (از طلا، آراسته به جواهر، و چیده شده در ردیف هم)

۱۶ مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَبِّلِينَ

تکیه داده بر آنها رو به روی یکدیگر

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَلَدَانٌ مُّخَلَّدُونَ

۵۶:
واقعه
۱۷
/۹۶

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ

لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ

وَفَكَهَةَ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

وَحُورٌ عِينٌ

كَأَمْثَلِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا

إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ

فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ

وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ

وَضَلٍّ مَّمدُودٍ

وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ

وَفَكَهَةَ كَثِيرَةٍ

لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ

وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ

إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا

عُرْبًا أَثَرَابًا

لِلْأَصْحَابِ الْيَمِينِ

ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ

وَتِلْكَ مِنَ الْآخِرِينَ

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ

وَضَلٍّ مِّن يَحْمُومٍ

لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ

وَكَانُوا يُصْرُونَ عَلَى الْحَنِثِ الْعَظِيمِ

وَكَانُوا يَقُولُونَ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

أَوْ أَبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتٍ يَّوْمٍ مَّعْلُومٍ

همواره به گرد آنها پسرانی جاودانی (در طراوت و نوجوانی)

و دستبند و گوشواره دار می گردند

با تنگ ها و ابریق ها و جام هایی از شرابی روان (و جاری از سرچشمه)

که از آن نه سردرد می گیرند و نه عقلشان زایل می گردد

و با میوه از آنچه انتخاب کنند

و گوشت پرنده از هر چه میل نمایند

و (برای آنها در آنجا) زنانی است سفیدپوست و درشت چشم و زیبا

همانند مرواریدی نهان در صدف (که نه تغییر رنگ داده و نه دست کسی به آن رسیده)

به پاداش آنچه (در دنیا از عمل های شایسته) به جا می آورند

در آن بهشت ها هرگز سخنی لغو و گناه آور نمی شنوند

مگر سخن سلام (علیک) سلام (علیک)

و (اما) یاران دست راست، چه هستند یاران دست راست؟ (مبارکان نامه به دست راست داده شدگان)

در (میان باغ هایی از درخت) سدر بی خار

و (درخت) موز که میوه هایش روی هم نشسته

و سایه ای کشیده شده دائم

و آبی ریزان (از آبشارها)

و میوه هایی (از حیث انواع و الوان و خصوصیات) فراوان

که نه تمام شدنی است و نه ممنوع از استفاده است

و فرش هایی عالی و روی هم گسترده، یا همسرانی والا قدر در اخلاق و جمال

که البته ما آنها را به آفرینش خاصی (به نحو اعجاز از غیر راه توالد، و یا تجدید خلقت زنان مؤمن سالمند دنیا) آفریدیم

پس آنها را (برای همیشه) دوشیزه قرار داده ایم

و دوستان و عشق و رزان به همسر، یا همسالان با یکدیگر یا با همسرانشان

(اینها همه) برای یاران دست راست است

که گروهی انبوه از پیشینیان (از امت های گذشته)

و گروه انبوهی از متاخران (از آخرین امت) اند

و (اما) یاران دست چپ، چه هستند یاران دست چپ؟ (شقاوتمندان نامه به دست چپ داده شدگان)

در (میان) حرارت نفوذکننده آتش و آب جوشان

و سایه ای از دود غلیظ سیاه اند

که نه خنک است و نه سودبخش (برای استراحت)

حقا که آنها پیش از این (در دنیا) از صاحب نعمت های خوشگذران بودند

و همواره بر تخلفات بزرگ (از پیمان های الهی) اصرار می ورزیدند

و می گفتند: آیا هنگامی که ما مردیم و خاک و پاره های استخوان شدیم آیا حتما ما برانگیخته می شویم؟

و آیا نیاکان ما (نیز برانگیخته می شوند)

بگو: بی تردید اولین و آخرین

حتما به سوی وعده گاه روز معینی (روز قیامت) گردآوری خواهند شد

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ

۵۲

لَا يَكُونُ مِنْ شَجَرٍ مِّن رَّقُومٍ

۵۳

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ

۵۴

فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ

۵۵

فَشَرِبُونَ شُرَبَ الْهِيمِ

۵۶

هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ

۵۷

نَحْنُ خَلَقْنَكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ

۵۸

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ

۵۹

ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ

۶۰

نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

۶۱

عَلَىٰ أَن تُبَدِّلَ أَمْثَلَكُمْ وَنُنشِئَکُمْ فِی مَا لَا تَعْلَمُونَ

۶۲

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ

۶۳

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ

۶۴

ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ

۶۵

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ

۶۶

إِنَّا لَمُعْرِضُونَ

۶۷

بَلْ نَحْنُ مُحْرُومُونَ

۶۸

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِی تَشْرَبُونَ

۶۹

ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ

۷۰

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ

۷۱

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِی تُورُونَ

۷۲

ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ

۷۳

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْکِرَةً وَمَتَعًا لِلْمُقْوِينَ

۷۴

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

۷۵
حزب
۲۱۵
۴۷۱ ر

۷۶

وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ

سپس شما ای گمراهان انکارکننده (رسالت و قیامت)

حتما از درختی (بد منظر و بد طعم و بو) که زقوم است خواهید خورد

پس شکم ها را از آن پر خواهید نمود

پس روی آن آب جوشان خواهید نوشید

پس همانند شتران عطش زده می نوشید

این در روز جزا پذیرایی ابتدایی آنهاست

ما شما را آفریدیم پس چرا (به توحید و رسالت در دنیا و تجدید خلقتان در آخرت) تصدیق نمی کنید؟

آیا آنچه از نطفه (در رحم) می ریزید دیده اید

آیا شما آن را (در مراحل مختلف تا انسان کامل) می آفرینید یا ما آفریننده ایم

ماییم که مرگ را در میان شما (از نظر اسباب و مدت و تقدیم و تأخیر) مقدّر کردیم– و هرگز ما در اراده مغلوب نمی شویم

تا (در دنیا) امثالتان را به جای شما قرار دهیم (همواره جمعی را ببریم و نظائرشان را بیاوریم) و (در آخرت به تناسب آن جهان) شما را در صورت ها و حالاتی که نمی دانید مجددا ایجاد نماییم

و به یقین شما خلقت نخستین (در این دنیا) را دانستید (که چگونه پیدا شده و همواره تبادل می یابد) پس چرا متذکر نمی شوید؟

آیا آنچه را کشت می کنید دیده اید

آیا شما آن را می رویانید یا ما رویاننده ایم

اگر اراده حتمی کنیم مسلّما آن را خار و خاشاک می گردانیم، پس شما از روی تعجب و تأسف گویید

حقّا که ما غرامت زده ایم

بلکه ما محروم و بدبختیم

آیا آبی را که می نوشید دیده اید

آیا شما آن را از ابر سفید باران زا فرود آوردید یا ما فرو فرستنده ایم

اگر بخواهیم آن را تلخ می گردانیم، پس چرا سپاس نمی گزارید؟

آیا آن آتشی را که برمی افروزید دیده اید

آیا شما درخت آن را ایجاد کرده اید یا ما ایجادکننده ایم

ما آن را وسیله تذکر (آتش قیامت) و برخورداری برای مسافران قرار داده ایم

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی (و او را از هر عیب و نقصی بری دان)

پس سوگند به جایگاه ستارگان (در جوّ وسیع) و به زمان غروب و سقوط آنها، و به اوقات نزول اجزاء قرآن

و البته اگر بدانید این سوگندی است بزرگ (زیرا اوّلی از ادلّه توحید و قدرت حق در تکوین و دومی از ادلّه حکمت و رحمت او در تشریع است)

إِنَّهُ وَلَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ

۷۸ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ

۷۹ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

۸۰ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

۸۱ أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ

۸۲ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ

۸۳ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُوفَ

۸۴ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ

۸۵ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ

۸۶ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ

۸۷ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۸۸ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ

۸۹ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٍ

۹۰ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

۹۱ فَسَلَّمَ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

۹۲ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ

۹۳ فَنُزِّلُ مِنَ حَمِيمٍ

۹۴ وَتَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ

۹۵ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ

۹۶ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

که به یقین این قرآنی است کریم (نیکو و ستوده و نفیس و گرامی در نزد فرستنده آن و پذیرندگانش)

که در نوشته ای مستور (و لوحی محفوظ از تغییر و تبدیل نگاشته شده) است

که آن (لوح نوشته) را لمس نکند جز فرشتگان پاکیزه شده (از کدورت تجسم و معامی)، و خطوط این قرآن را لمس نکند جز پاکان از حدث، و معارف آن را نداند جز پاکیزگان از رذایل اخلاقی، و حقایق عرفانی آن را درک ننماید جز پاکان از تعلق دل به غیر معبود

فرو فرستاده شده از جانب پروردگار جهانیان است (به لوح، و از آن به جبرئیل و از وی به قلب پیامبر، و از آنجا به متن جامعه)

آیا با این سخن (با این قرآنی که به مردم گفته شده) به سستی و سبکی برخورد می کنید؟

و روزی تان را (از آن و سپاس آن روزی را) این قرار می دهید که آن را تکذیب می نمایید

پس چرا آن گاه که جان به گلوگاه می رسد

و شما در آن حال (به وضع خود یا آن محتضر) می نگرید

و ما (و فرشتگان ما) به آن محتضر از شما نزدیکتریم و لکن نمی بینید

(آری) پس چرا اگر شما مجازات شدنی نیستید

آن جان را (در آن حال به بدن خود) باز نمی گردانید اگر راستگویید؟

پس اگر (آن محتضر) از مقربان باشد

پس (او را) آسایش و روزی پاک و بهشت پرنعمت است

و اما اگر از یاران دست راست باشد

پس (به او گفته می شود) سلامی است تو را از جانب یاران دست راست

و اما اگر از تکذیب کنندگان گمراه باشد

پس پذیرایی ابتدایی (او) از آب جوشان است

و وارد شدن در جهنم و چشیدن حرارت آن

به یقین این (مطالب) خود حقی است یقینی و غیر قابل شک

پس به نام پروردگار بزرگ خود تسبیح گو (و او را از هر نقمی منزّه دان)

۵۷. حدید	الحَدِيد: آهن	مدنی	۲۹ آیه	۵ صفحه
----------	---------------	------	--------	--------

آنچه در آسمان ها و این زمین است (از زنده و جماد هر یک به زبان خویش) خدا را تسبیح گفتند و او مقتدر شکست ناپذیر و دارای اتقان منع (در تکوین و تشریع) است

ملکیت حقیقی و حاکمیت تام آسمان ها و زمین از آن اوست (زیرا خلق و حفظ و تدبیر و فانی کردن همه در تحت اراده اوست) می میراند و زنده می کند، و او بر هر چیزی تواناست

اوست اول و آخر (موجودی است پیش از همه و بعد از همه، اول سلسله علل و آخر و منتهی الیه سلسله معلولات است) و پیدا (از نظر آثار و تجلی صفات) و نهان (از نظر کنه و حقیقت ذات)، و او به همه چیز داناست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يُحْيِ ۖ وَيُمِيتُ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُمْ مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَّنْ أَنْفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أَوْلِيكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِن بَعْدِ وَقَتْلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

مَّن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ وَ أَجْرٌ كَرِيمٌ

اوست که آسمان ها و زمین را در شش روز (یا شش شبانه روز یا در شش دوران) آفرید، سپس بر تخت (تسلط و تدبیر امور هستی) استیلا یافت آنچه در زمین فرو می رود (از آب ها، مردگان، گنج ها، ریشه ها و حیوانات) و آنچه از زمین بیرون می آید (از حیوانات، نباتات، چشمه ها و معادن) و آنچه از آسمان فرود می آید (از فرشتگان، کتب آسمانی، تقدیرات ربوبی، نور کرات، صاعقه و باران ها) و آنچه به آسمان بالا می رود (از فرشتگان، اعمال بندگان، برخی از اجنّه و ارواح انسان ها) همه را می داند، و هر کجا باشید او با شماست، و خدا به آنچه می کنید بیناست

ملکیت حقیقی و مالکیت آسمان ها و زمین از آن اوست (به لحاظ آن که خلق و حفظ و تدبیر و اعدام همه به دست اوست) و همه کارها (ی جهان هستی و سلسله معلولات) به سوی او (که علّه العلل است) بازگردانده می شود

شب را (در مدت شش ماه از اول زمستان تا اول تابستان به تدریج) در روز درمی آورد، و روز را (در شش ماه دیگر از اول تابستان تا اول زمستان به تدریج) در شب درمی آورد، و او به آنچه در سینه هاست (از فکر و اندیشه و صفات هر ذی شعوری) داناست

به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید، و از آنچه (از اموال) شما را در آن جانشین (خود و گذشتگان) قرار داده انفاق کنید، پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق نمودند (در آخرت) پاداش بزرگی خواهند داشت

و شما را چه شده که به خدا ایمان نمی آورید (یا آثار ایمان را بروز نمی دهید)؟ در حالی که فرستاده خدا شما را فرا می خواند تا به پروردگارتان ایمان بیاورید و مسلّما خداوند از شما (به وسیله انبیا و درک عقلتان) پیمان گرفته اگر (استعداد) ایمان دارید

اوست که بر بنده خود (محمد صلی الله علیه وآله) همواره آیات و دلایل روشنی فرو می فرستد تا شما را از تاریکی ها (ی شرک و کفر و فسق) به سوی نور (هدایت) بیرون آورد، و حقّ که خداوند به شما رئوف و مهربان است

و شما را چه حاصل از اینکه در راه خدا انفاق نکنید؟ در حالی که میراث آسمان ها و زمین از آن خداست (همه می میرند و همه چیز از آن او می شود). هرگز کسانی از شما که پیش از فتح (مکه) انفاق کردند و جهاد نمودند (با دیگران) یکسان نیستند، آنها از حیث درجه بزرگترند از کسانی که پس از فتح انفاق کردند و جهاد نمودند، و خداوند به هر یک وعده (پاداش) نیکو داده و خدا از آنچه عمل می کنید آگاه است

کیست که به خداوند وام دهد وامی نیکو (به نیت اخلاص، از بهترین اموال و به نیازمندترین محل)؟ تا خدا آن را برای او چند برابر کند و او را (در آخرت) پاداشی پراچ و پسندیده باشد

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
وَبَايِمَنِهٖمۡ بِشَرَكَهٖمۡ اَلْيَوْمَ جَنَّتۡ تَجَرِي مِنْ تَحْتِهَا اَلْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا انْظُرُونَا
نَقْتَسِبْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا
فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُۥ بَابٌ بَاطِنُهُۥ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُۥ
مِنْ قَبْلِهِ الْعَذَابُ

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ
أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ
أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا
مَأْوٰنُكُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلٰىكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ
مِنْ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ
فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْۖ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ

أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَاۚ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ
الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

إِنَّ الْمَصَدِّقِينَ وَالْمَصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا
يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶
حزب
۲۱۶

۱۷

۱۸

در روزی که مردان و زنان مؤمن را می بینی که (پرتو) نورشان پیشاپیش آنها و در سمت راستشان پیش می رود، (به آنها گفته می شود) مژده باد شما را در این روز به بهشت ها و باغ هایی که از زیر (ساختمان ها و درختان) آنها نهرها جاری می گردد، در آنجا جاودانه باشید، این همان کامیابی بزرگ است

روزی که مردان و زنان منافق (در مسیر اهل محشر به سوی هدف خاص) به کسانی که ایمان آورده اند می گویند: به خاطر ما (اندکی) درنگ کنید و مهلت دهید یا به سوی ما بنگرید تا از نورتان روشنی گیریم. به آنها گفته می شود: به پشت سرتان (دنیا) بازگردید و (از آنجا) نوری بجویید. در این هنگام میان آنان (مؤمنان و منافقان) دیواری که دارای در است زده می شود، در طرف داخل آن (که به سوی بهشت است) رحمت است و بیرونش (که به سوی جهنم است) از آن ناحیه عذاب است

آنها مؤمنان را ندا می دهند: آیا ما در دنیا با شما نبودیم؟ گویند: آری، و لکن شما خود را به هلاکت افکندید و (هر شری را برای مؤمنان) انتظار کشیدید و (در دین حق) شک کردید و آرزوها (ی باطل) شما را مغرور ساخت تا فرمان خدا (به هلاکتتان) در رسید، و شیطان فریبنده شما را درباره خدا فریب داد

پس امروز نه از شما و نه از کسانی که (علنا) کفر ورزیدند فدیة (ای برای نجاتتان) پذیرفته نمی شود، جایگاه شما آتش است، آنجا برای شما سزاوارتر است و بد جای بازگشتی است

آیا برای کسانی که ایمان آورده اند وقت آن نرسیده که دل هایشان برای یاد خدا و برای آنچه از حق نازل شده فروتن و خاشع شود و مانند کسانی نباشند که پیش از آنها کتاب (آسمانی) به آنها داده شده بود، پس مدت (عمر و خوشی زندگی) بر آنها طولانی شد و دل هایشان سخت گردید، و بسیاری از آنها نافرمان بودند؟

بدانید که همانا خداوند این زمین را پس از مرگش زنده می کند (مواد مستعد رشد آن را پس از مدتی حیات نباتی می بخشد، پس دل های سخت را نیز به آب ایمان حیات خواهد بخشید). حقا که ما نشانه ها (ی توحید و عظمت خود) را برای شما روشن کردیم، شاید بیندیشید

بی تردید مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و آنان که به خداوند وامی نیکو داده اند (به مؤمن وام بی سود داده یا در راه حق انفاق نموده اند) بر (پاداش) آنها چند برابر افزوده می شود و پاداشی ارجمند و پسنیدده خواهند داشت

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ
وَالشَّٰهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ
بَيْنَهُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ
أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ
حُطَمًا ۚ وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ
وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ
السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ ذَٰلِكَ
فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

مَا أَصَابَ مِّن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي
كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا ءَاتَاكُمْ ۚ
وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۚ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ
اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

و کسانی که به خدا و فرستادگانش ایمان آوردند آنهاست که در نزد پروردگارشان صدیقین (کسانی که اعتقاد و گفتار و کردارشان مطابق هم و موافق واقع است) و گواهانند (کسانی که در محشر گواه عقاید و اعمال مردم اند)، آنان را اجر اینها و نور اینهاست. و کسانی که کفر ورزیدند و نشانه های (توحید و دین) ما را تکذیب و انکار نمودند آنها یاران دوزخند

بدانید که جز این نیست که زندگی این دنیا بازی و سرگرمی و آرایش نمودن و فخرفروشی تان به یکدیگر و افزون طلبی از همدیگر در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که گیاهان (سرسبز حاصل از) آن کشاورزان را به شگفت آورد سپس پژمرده شود و آن را زرد بینی سپس خشک و شکسته شود و در آخرت عذابی سخت است (برای طایعان) و آمرزش و خشنودی خدا (برای مطیعان)، و زندگی دنیا جز متاع فریب نیست

(به وسیله عمل های شایسته) سبقت جویید به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن مانند پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی که به خدا و فرستادگان او ایمان آورده اند مهیا شده است، آن فضل خداوند است که به هر که خواهد می دهد، و خدا صاحب فضل بزرگ است

هیچ مصیبتی چه در (روی) زمین (از قبیل زلزله و قحطی و ناامنی) و چه در نفوس خودتان (نظیر جراحت و مرض و مرگ) روی ندهد جز آنکه در کتابی (لوح محفوظ) پیش از آنکه آن را (زمین یا شما یا آن مصیبت را) خلق کنیم ثبت است، همانا این (کار) بر خدا آسان است

تا بر آنچه از دست شما رفت تأسف نخورید، و بر آنچه به شما داده شادمانی (بی جا) نکنید، و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد

همانها که (از انفاقات واجب خود) بخل می ورزند و مردم را نیز به بخل ورزیدن وا می دارند. و هر کس (از قبول حق و انفاق مال) روی بگرداند مسلماً خدا خود بی نیاز و ستوده (خصال و افعال) است

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ
وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ
شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ
بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

۵۷
حدید
۲۵
/۲۹

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ
وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

۲۶
۴۷۵ر

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ عَائِثِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ
وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً
وَرَحْمَةً وَرَهَابَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ
رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا
مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

۲۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرُسُولِهِ يُؤْتِكُمْ
كَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ
وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۲۸

لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ
اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو
الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

۲۹

به یقین ما فرستادگان خود را با دلایلی روشن (از منطق و معجزه) فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و وسیله سنجش (معانی و شناسایی حق از باطل و وزن اشیاء خارجی) فرو فرستادیم تا مردم (در زندگی دنیا) به قسط و عدل برخیزند، و آهن را (از مرحله امکان به حیطه وجود) فرو فرستادیم که در آن نیرویی سخت (در جنگ و دفاع) و منفعتی (دیگر) برای مردم است و تا خداوند کسانی را که او و فرستادگانش را در نهان یاری می دهند بشناسد (علم ازلیش بر معلوم متأخر منطبق گردد)، که همانا خدا نیرومند و مقتدر شکست ناپذیر است

و حقا که ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و (منصب) نبوت و کتاب (آسمانی) را در اولاد آن دو قرار دادیم، پس برخی از آنان هدایت یافتند و بسیاری از آنها نافرمان بودند

سپس به دنبال آنها فرستادگان خود را پیایی فرستادیم و عیسی بن مریم را در پی آنان روانه کردیم و او را انجیل دادیم و در دل های کسانی که از او پیروی کردند رأفت و مهربانی (در زندگی فیما بینشان) قرار دادیم، و رهبانیتی را (ترک دنیا و انقطاع از مردم برای عبادت را) هم از خود اختراع کردند که ما برایشان مقرر نداشته بودیم لکن (آن انتخاب) برای طلب خشنودی خدا بود که آن را هم چنان که سزاوار آن بود رعایت نکردند، پس ما به کسانی از آنها که ایمان آورده بودند مزدشان را دادیم، و بسیاری از آنها فاسق بودند

ای کسانی که (به خدا و پیامبران گذشته) ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و به فرستاده او (محمد صلی الله علیه و آله) ایمان آورید تا شما را دو سهم از رحمت خویش عطا کند (سهمی بر ایمان به او و سهمی بر ایمان به پیامبران گذشته)، و نوری برای شما قرار دهد که با آن راه (زندگی اجتماع در دنیا، و راه بهشت را در محشر) بییابید و شما را بیمارزد، و خداوند آمرزنده و مهربان است

تا اهل کتاب بدانند که (اگر به پیامبر خاتم ایمان نیاورند) بر چیزی از فضل خدا قادر نیستند (یا برای اینکه معتقد نشوند که مؤمنان بر چیزی از فضل خدا دست ندارند، بلکه می توانند همه را از آن خود کنند)، و (بدانند که) همانا فضل و رحمت در دست خداست، آن را به هر کس بخواهد می دهد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مَنْ نَسَاهُمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

به یقین خداوند گفتار آن زنی را که با تو درباره همسرش مجادله می کرد و به سوی خدا شکایت می برد شنید و پذیرفت، و خداوند گفتگوی شما را می شنید، همانا خدا شنونده و بیناست

کسانی از شما که با همسرانشان ظاهر می کنند (به قصد حرام ابدی کردن، به آنها می گویند: آمیزش با تو مثل آمیزش با مادرم است)، آنها مادرانشان نیستند، مادرانشان تنها آنها هستند که آنان را زاده اند، و حقا که سخنی زشت و دروغ می گویند (و آن سخن تأثیری در حرام شدن زن ندارد)، و همانا خدا بسیار با گذشت و آمرزنده است

و کسانی که با همسران خود ظاهر می کنند، سپس از آنچه گفته اند باز می گردند، بر آنها واجب است پیش از آن که با هم تماس گیرند، برده ای آزاد کنند. این چیزی است که بدان موعظه می شوید، و خداوند از آنچه می کنید آگاه است

پس اگر کسی (برده) نیابد بر او واجب است پیش از آن که با هم تماس بگیرند دو ماه پیاپی روزه بگیرد، و کسی که (روزه را نیز) نتوانست بر او واجب است شصت فقیر را طعام دهد. این برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان آورید، (و از آداب جاهلیت دست بردارید)، و اینها حدود و احکام خداست، و کافران را عذابی دردناک است

البته کسانی که با خدا و فرستاده او دشمنی و ستیزه می کنند خوار و ذلیل خواهند شد آن گونه که کسانی که پیش از آنها بودند خوار و ذلیل شدند. و حقا که ما آیات و نشانه هایی روشن نازل کردیم، و برای کافران عذابی خوارکننده است

در روزی که خداوند همه آنها را برانگیزد، آن گاه از آنچه انجام داده اند آگاهشان کند (کارهایی که) خدا همه آن را تا انتها برشمرده و آنها خود فراموش کرده اند، و خداوند بر هر چیزی گواه و حاضر است

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ط مَا
يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ
سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ
مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ

۸

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا
عَنْهُ وَيَتَنَبَّجُونَ بِالْآثِمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ ط وَإِذَا
جَاءُوكَ حَيَّوكَ بِمَا لَمْ يُحْيِكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ
لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا ط
فَبِئْسَ الْمَصِيرُ

۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَنَجَّيْتُمْ فَلَا تَتَنَجَّجُوا بِالْآثِمِ
وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَجَّجُوا بِالْبِرِّ وَالْتَّقْوَى ط
وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

۱۰

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ
بِضَارِهِمْ شَيْءٌ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

۱۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ
فَأَفْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ ط وَإِذَا قِيلَ أَنْشُرُوا فَأَنْشُرُوا
يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

آیا (به چشم دل) ندیدی که خداوند آنچه را در آسمان ها و
آنچه را در زمین است می داند؟ هیچ نجوا و رازگویی میان
سه نفر محقق نمی شود مگر اینکه او چهارمی آنهاست، و نه
میان پنج نفر مگر آنکه او ششمی آنهاست، و نه کمتر از آن
و نه بیشتر مگر اینکه او با آنهاست در هر کجا که باشند،
سپس در روز قیامت همه را به آنچه کرده اند آگاه می
سازد، حقا که خداوند به همه چیز داناست

آیا ننگریستی به کسانی که از نجوی و سخن در گوشی منع
شدند، سپس به آنچه نهی شدند بازمی گردند و همواره به
گناه و تجاوز (از حقوق) و نافرمانی رسول ما رازگویی می
کنند؟! و چون به نزد تو آیند تو را بدان شیوه که خدا تحیت
نگفته سلام و تحیت می گویند و در دل خود (یا در میان
خودشان) می گویند (اگر این مرد پیامبر است) پس چرا
خداوند (در دنیا) ما را به گفته مان عذاب نمی کند؟ جهنم
برای آنها بس است که در آن وارد می شوند و حرارتش را
می چشند، و آن بد جای بازگشتی است

ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که با هم نجوا و
رازگویی می کنید (یا اقل) به گناه و تجاوز (از حقوق) و
نافرمانی فرستاده ما نجوا مکنید، و (به توصیه) به نیکی و
پرهیزکاری نجوا نمایید، و از خدایی که (روز قیامت) به
سوی او گردآوری می شوید پروا نمایید

جز این نیست نجوا (بی که کافران و منافقان انجام می
دهند) از جانب شیطان است تا کسانی را که ایمان آورده
اند محزون و نگران کنند، حال آنکه (شیطان و آن نجواها)
هیچ ضرری جز به اذن خدا بر آنها وارد نمی سازد، و مؤمنان
باید تنها بر خداوند توکل نمایند

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه به شما گفته شد در
مجلس ها جا باز کنید، پس جا باز کنید تا خدا هم به شما
(در جای و روزی و شرح صدر و بهشت) گشایش دهد، و
چون گفته شد (برای وسعت جا و تقدم اهل فضل)
برخیزید، پس برخیزید تا خدا هم کسانی از شما را که ایمان
آورده اند و کسانی را که به آنها دانش عطا شده درجانی (در
دنیا و آخرت) بالا برد. و خداوند از آنچه می کنید آگاه است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ
نَجْوٰنِكُمْ صَدَقَۃًۢ ذٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَظْهَرُۢ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا
فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

ءَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوٰنِكُمْ صَدَقْتِۦ فَإِذْ لَّمْ
تَفْعَلُوا وَتَابَ ٱللَّهُ عَلَيَّكُمْ فَأَقِمْوٓا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ
وَٱطِيعُوا ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ ۚ وَٱللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِم مَّا هُمْ
مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

اتَّخَذُوا أَيْمَنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ
مُّهِينٌۭ

لَن تَغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِّنَ ٱللَّهِ شَيْئًا ۚ
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُٗ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ
وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ۖ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَٰذِبُونَ

أَسْتَحْوِذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطٰنُ فَأَنسَهُمُ ذِكْرَ ٱللَّهِ ۚ أُولَٰئِكَ
حِزْبُ الشَّيْطٰنِ ۖ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطٰنِ هُمُ الْخٰسِرُونَ

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَادِّثُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ أُولَٰئِكَ فِي ٱلْأَذَلِّينَ

كُتِبَ ٱللَّهُ لَآ غَلِبَٖنَ أَنَا وَرُسُلِي ۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّۭ عَزِيزٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که (خواستید) با فرستاده خدا گفتگوی خصوصی کنید جلوتر از گفتگوی خود صدقه بدهید، این برای شما بهتر و پاکیزه تر است، و اگر (مالی برای صدقه) نیافتید (بدانید که) خدا آمرزنده مهربان است

آیا ترسیدید از اینکه پیش از گفتگوی خصوصی خود صدقاتی بدهید؟ پس حال که انجام ندادید و خدا هم از شما درگذشت، نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و فرستاده او اطاعت نمایید، و خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است

آیا ننگریستی به کسانی که (منافقانی که) قومی را که خدا بر آنها خشم کرده (قوم یهود را) به دوستی گرفته اند؟! اینها نه از شمايند و نه از آنها و به دروغ قسم می خورند (که از شما هستند) در حالی که خود می دانند

خدا برای آنها عذاب سختی مهیاّ نموده، زیرا که بسیار بد است آنچه آنها (در دنیا) عمل می کردند

آنها سوگندهای خود را (که برای تبریّه از خیانتشان می خوردند) سپری قرار داده اند، پس (بدین وسیله خود و مردم را) از راه خدا بازداشته اند، پس آنها را عذابی خوارکننده است

هرگز اموال و فرزندانشان چیزی از (عذاب) خدا را از آنها دفع نخواهد کرد، آنها یاران آتش اند که در آنجا جاودان خواهند بود

در روزی که خداوند همه آنها را برمی انگیزد، پس (در آنجا نیز در اثبات اسلامشان) برای خدا سوگند یاد می کنند آن گونه که برای شما (در دنیا) سوگند یاد می کنند، و گمان می کنند بر پایه چیزی هستند (نفاقشان را پایه استواری می بینند)، آگاه باش که آنها همان دروغگویانند

شیطان بر آنها مستولی شده پس یاد خدا را از خاطرشان برده است، آنان حزب شیطانند، آگاه باش که حزب شیطان همان زیان کارانند

مسلمانا کسانی که با خدا و فرستاده او دشمنی می کنند آنها در زمره خوارترین کسانند

خداوند (از علم ازلی خود بر لوح محفوظ) نگاشته و مقرر داشته که من و فرستادگاتم پیروز خواهیم شد، بی تردید خداوند نیرومند و مقتدر شکست ناپذیر است

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ
اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ
عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ
بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ
اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

خدا هما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ
دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ
مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمْ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ
يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ
بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يٰأُولِيَ الْأَبْصَارِ

وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ
فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ

گروهی را که به خدا و روز واپسین ایمان دارند نمی یابی
که با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی دارند دوستی
نمایند، هر چند پدرانشان یا فرزندانسان یا برادرانشان یا
خویشانانشان باشند. آنها هستند که خداوند ایمان را در دل
هایشان ثابت و مقرر کرده و با روحی از جانب خود (با نور
خاصی یا معارف قرآنی یا توفیق غیبی) آنها را تأیید نموده، و
آنها را (در آخرت) به بهشت ها و باغ هایی که از زیر
(ساختمان ها و درختان) آنها نهرها جاری است وارد می کند
که در آنجا جاودانه اند، خدا از آنها خشنود و آنها از خدا
خشنودند، آنها حزب خدا هستند، آگاه باش که حتما حزب
خدا هما

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است خدا را (به زبان
قال یا به زبان حال) تسبیح گفت، و او مقتدر شکست ناپذیر
و دارای متانت و اتقان صنع (در مرحله تکوین و تشریع)
است

اوست که کافران اهل کتاب را (یهود بنی نضیر را) برای
نخستین بار اخراج و تبعید دسته جمعی از خانه هاشان (از
جزیره العرب) بیرون راند، شما گمان نمی کردید که آنان
بیرون روند، و آنها هم گمان می کردند که حصارها و
دژهایشان آنان را از (اراده) خدا جلوگیری خواهد شد، پس
(اراده) خداوند از آنجا که گمان نمی کردند بر آنها در رسید
و در دل هایشان رعب افکند (به گونه ای که) خانه های خود
را به دست خویش و به دست مؤمنان خراب می کردند پس
عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت

و اگر نه این بود که خدا بر آنها ترک وطن را نوشته بود حتما
آنها را در دنیا (به قتل و اسارت) عذاب می کرد، و آنها را در
آخرت عذاب آتش است

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَمَن يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ
شَدِيدُ الْعِقَابِ

۵

مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ
اللَّهِ وَلِيُخْرِىَ الْفٰسِقِينَ

۶

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ
خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ
وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۷

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ
وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَىٰ لَا
يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ
فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
شَدِيدُ الْعِقَابِ

۸

لِّلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ
يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ
أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

۹

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَن هَاجَرَ
إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ
عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ۚ وَمَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

این (ترک وطن و عذاب) به خاطر آن است که آنها با خدا و
فرستاده او سرسختانه مخالفت کردند، و هر که با خدا
سرسختانه مخالفت ورزد (بداند که) خدا سخت کیفر است

آنچه از درختان خرماى پراچ بریدید یا آن را بر ریشه هاى
خود سرپا رها کردید به اذن خدا بود (برای مصالحى) و برای
اینکه نافرمان ها را خوار و رسوا نماید

و آنچه را خداوند بر فرستاده خود از (اموال) آنها (به عنوان
فىء) بازگرداند (همه از آن رسول اوست، زیرا) شما برای
(گرفتن) آن اسب و شترى نتاختید (و بر سرش نجنبید)
و لکن خداوند فرستادگان خود را بر هر کس بخواهد مسلط
مى سازد، و خدا بر هر چیزى تواناست

آنچه خداوند (به عنوان فىء) از (اموال) اهل شهر و
روستاها بر فرستاده خویش بازگردانید از آن خدا و
رسولش و خویشان او و یتیمان و مسکینان و در راه
ماندگان (راه هر هدف دینی و دنیوی لازم برای اسلام و
مسلمین که راهیانـش نیاز به آن دارند) است، تا میان
ثروتمندان شما دست به دست نـگردد و آنچه را فرستاده ما
به شما داد (از احکام و معارف و اموال) بگیرید و از آنچه
شما را منع و نهی کرد باز ایستید، و از خدا پروا نمایید، که
خداوند سخت کیفر است

(بخشى از فىء) برای فقیران مهاجری است که از خانه ها و
اموالشان بیرون رانده شده اند در حالى که فضل و
خشنودی خدا را مى طلبند و خدا و فرستاده او را یاری مى
کنند، آنها همان صادقانند

و برای کسانی (از انصار) است که پیش از آنان خانه هجرت
و ایمان (محیط مدینه) را برای خود مأوى گزیده اند و کسانی
را که به سوى آنها هجرت کرده اند دوست مى دارند. و در
سینه هاى خود چشم داشتى نسبت به آنچه به آنها
(مهاجران) داده شده نمى یابند، و (آنها را در اموال خود) بر
خود مقدم مى دارند هر چند خودشان را فقر و نیاز باشد و
کسانی که از بخل نفس خود مصون مانند آنها هستند که
رستگارانـد

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا
الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ
ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا
مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا
نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ
يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ
وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُولُنَّ أَلَا ذَبَرْتُمْ لَا يَنْصُرُونَ

لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهَبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا
يَفْقَهُونَ

لَا يَقْتُلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ
جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

كَمْثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهُمْ وَلَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ

كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ
إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و کسانی (از مؤمنان) که پس از آنها (پس از مهاجرین و
انصار) آمدند می گویند: پروردگارا، بر ما و آن برادران ما
که در ایمان از ما پیشی گرفتند بیخشی، و در دل های ما
کینه و خیانتی نسبت به کسانی که ایمان آورده اند قرار
مده، پروردگارا، بی تردید تو بسیار رئوف و مهربانی

آیا به کسانی که نفاق ورزیدند نگرستی که به برادران
(نسبی یا دینی) خود از اهل کتاب که کافرند می گویند. اگر
شما (از وطنتان) بیرون رانده شدید ما نیز حتما با شما
بیرون می رویم و درباره شما هیچ گاه از کسی اطاعت نمی
کنیم، و اگر مورد هجوم و قتل قرار گرفتید حتما شما را
یاری خواهیم کرد و خداوند گواهی می دهد که آنها
دروغگویند

مسلمانا اگر آنها (کفار) اخراج شوند اینان (منافقان) با آنها
خارج نمی شوند، و اگر با آنها جنگی درگرفت آنان را یاری
نخواهند کرد و اگر (فرضا) یاری کنند پشت به آنها بگیریزند،
سپس (هیچ یک از آن دو گروه) یاری نمی شوند

البته شما در دل های آنان از خداوند بیم آورترید، این
بدان سبب است که آنها گروهی هستند که فهم (و معرفت
الهی) ندارند

آنها همه (از یهود و منافقان) با شما جز در شهرها و
روستاهای دارای حصار یا از پشت دیوارها (ی قلعه یا خانه)
نمی جنگند، زور و قوتشان در میان خودشان شدید است
(ولی در برابر شما مؤمنان ضعیف اند) آنها را متحد پنداری
در حالی که دل هایشان پراکنده است، این برای آن است
که آنها گروهی هستند که نمی اندیشند

(مثل یهود بنی نضیر) مثل کسانی است که اندکی پیش از
آنها بودند (مانند اهل بدر و غیر آنها) که عاقبت وخیم کار
خود را چشیدند، و برای آنها (در آخرت) عذابی دردناک
است

(و مثل منافقان) مثل شیطان است که به انسان گفت: کافر
شو و چون کافر شد، گفت: همانا من از تو بیزارم، همانا من
از خدایی که پروردگار جهانیان است می ترسم

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاُ
الظَّالِمِينَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ
لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ
هُمْ الْفَاسِقُونَ

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
هُمْ الْفَائِزُونَ

لَوْ أَنزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا
مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَتَفَكَّرُونَ

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ
الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا
يُشْرِكُونَ

هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ
يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پس سرانجام کار هر دو (شیطان و کافر) آن شد که هر دو در آتش اند، جاودانه در آن می مانند، و این است کیفر ستمکاران

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و هر کسی باید (به دیده دل) بنگرد چه چیزی برای فردا (ی خویش) پیش فرستاده و از خدا پروا کنید، که خدا از آنچه می کنید آگاه است

و مانند کسانی باشید که خدا را فراموش کردند پس خدا هم خودشان را از یادشان برد، آنها همان نافرمان ها هستند

هرگز دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند، بهشتیانند که رستگار و کامیابند

اگر این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم حتما آن را از ترس خدا ذلیل و متواضع و شکافته می دیدی. و این مثال ها را برای مردم می زنیم شاید بیندیشند

اوست خدایی که جز او معبودی نیست، دانای غیب و آشکار است (آنچه از حواس ظاهری و باطنی هر ذی شعوری نهان و آنچه در مقابل آنها آشکار است، یا آنچه هنوز موجود نشده و آنچه موجود شده است)، اوست بخشنده و مهربان

اوست خدایی که جز او معبودی نیست، ملک است (سلطان فرمانروای جهان هستی است)، قدوس است (منزه و پاک از هر عیب و نقص و شریک و فرزند است) سلام است (ذاتش سالم از عیب، صفاتش سالم از نقص و افعالش سالم از شر است) مؤمن است (توحیدگوی خود، مؤمن به حقیقت ذات و صفات خویش و ایمنی بخش از هر ظلم و بدی است) مهیم است (امین، مسلط و فائق بر همه چیز، حافظ همه هستی و مراقب همه اشیاء است) عزیز است (بی مثل و نظیر، غالب شکست ناپذیر، و بخشنده عزت است) جَبَّار است (دارای شأنی عظیم، جبران کننده هر شکست و ضرر، اصلاح گر حال موجودات و صاحب اراده قاهره بر اشیاء است) متکبّر است (مستحق تعظیم و صاحب کبریا و بزرگی باطنی و آشکار است)، منزه است خداوند از اینکه برای او شریک قرار می دهند

اوست خدای آفریننده (اشیاء بر پایه تقدیر و سنجش) و آفریدگار و ایجادکننده (موجودات ممتاز از یکدیگر، مماثل در کمال صنع) و صورت بخش (اشیاء به صورت های مختلف) او راست بهترین نام ها، همه آنچه در آسمان ها و زمین است او را (به زبان قال و حال) تسبیح می گویند و اوست صاح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ
تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ
يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ
كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَدًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ
إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ
يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

۱
۴۸۲

إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ
أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ

۲

لَنْ تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۳

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ
قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ
اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ
أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ
لَا اسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا
عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

۴

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ
أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۵

ای کسانی که ایمان آورده اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنها طرح دوستی می افکنید در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کفر ورزیده اند، آنها رسول خدا و شما را به خاطر ایمانتان به خدای یکتا که پروردگار شماست (از وطنتان مکه) بیرون می کنند، (پس با آنان اظهار دوستی نکنید) اگر (از وطنتان) برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون آمده اید شما دوستی خود را پنهانی به آنها می رسانید در حالی که من به آنچه پنهان دارید و آنچه آشکار کنید داناتریم. و هر کس از شما چنین کند پس حقا که راه راست را گم کرده است

آنها اگر بر شما مسلط شوند دشمنان (سرسخت) شما خواهند بود و دست ها و زبان هایشان را به بدی به سوی شما خواهند گشود، و همیشه دوست دارند که شما کافر شوید

هرگز خویشان و فرزندانتان (که برای آنها از دیتان می گذرید) در روز قیامت سودی به حال شما نخواهند داشت، (در آن روز خداوند) میان شما جدایی خواهد افکند، و خداوند به آنچه می کنید بیناست

به یقین برای شما در (روش) ابراهیم و کسانی که همراه او بودند سرمشق خوبی است، آن گاه که به (کفار) قوم خود گفتند: حتما ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم، ما به (آیین و خدایان) شما کفر ورزیدیم، و همیشه میان ما و شما عداوت و دشمنی پدیدار است تا آن گاه که به خدای یگانه ایمان آورید جز گفتار ابراهیم به پدرش (یا ناپدری یا عمویش) که من برای تو (از خدا) آمرزش خواهم خواست و من برای تو از خدا (جز درخواست)، چیزی را مالک نیستم پروردگارا، ما بر تو توکل کردیم و (به دل) به سوی تو بازگشتیم، و بازگشت (همه) به سوی توست

پروردگارا، ما را وسیله آزمایش کسانی که کفر ورزیده اند قرار مده (که ما را به زبان یا به عمل بیازارند، یا برای امتحان آنها ما را به مصائبی گرفتار مساز)، و پروردگارا، بر ما بیخشی، زیرا تویی که صاحب اقتدار و حکمتی

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ

وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُمْ

مَوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ

يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ

يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ

وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن

تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ

فَأَمْتَحِنُوهُنَّ ۚ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ ۚ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ

مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا

هُم يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاثُوهُمْ مَّآ أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن

تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ

الْكُوفَرِ وَسْئَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنفَقُوا ۚ ذَٰلِكُمْ

حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

وَإِن فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ

فَعَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ

الَّذِي أَنْتُمْ بِهِءٍ مُّؤْمِنُونَ

البته برای شما در (روش) آنان سرمشق خوبی است برای
کسی که خدا و روز آخرت را امید می دارد، و هر کس روی
برتابد (به خود ضرر زده) زیرا خداوند بی نیاز و ستوده
صفات و ستایشگر و ستایش شده است

امید آنکه خداوند میان شما و میان کسانی (از کفار مکه) که
با آنها دشمنی داشتید (به وسیله اسلام آنها در فتح مکه)
دوستی قرار دهد، و خداوند تواناست و خداوند آمرزنده و
مهربان است

خدا شما را از کسانی (از کفار) که با شما درباره دین
نجنگیده و شما را از خانه هایتان بیرون نکرده اند منع نمی
کند که به آنها نیکی کنید و با قسط و عدل رفتار نمایید،
زیرا خدا عدالت پیشگان را دوست دارد

جز این نیست که خداوند شما را از دوستی کسانی منع می
کند که با شما درباره دین جنگیده اند و شما را از خانه
هایتان بیرون رانده اند و بر بیرون راندن شما همدیگر را
یاری داده اند. و هر کس با آنها دوستی کند چنین کسانی
که ستمکارند

ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که زنان مؤمن (از
شوی کافر خود جدا شده) به عنوان مهاجر نزد شما آمدند،
آنها را (از نظر ایمان) بیازمایید- و خدا خود به ایمان آنها
داناتر است- پس اگر آنها را مؤمن تشخیص دادید آنها را
به سوی کفار (شوهران کافرشان) بازگردانید، نه اینان بر
آنها حلالند و نه آنها بر اینان حلالند و آنچه (شوهرانشان از
مهر) هزینه نموده اند به آنها بازپردازید، و بر شما گناهی
نیست که آنها را به همسری درآورید در صورتی که اجرت
هایشان (مهرهایشان) را بپردازید، و نیز به عقود و
پیوندهای زنان کافر (تان که به کفار پیوسته اند) تمسک
مجویید (آن عقدها باطل شده) و از آنها آنچه هزینه (مهر)
کرده اید بطلبید، و آنها هم از شما آنچه هزینه کرده اند
بطلبند. این حکم خداوند است که در میان شما حکم می
کند، و خدا دانا و حکیم است

و اگر برخی از همسرانتان از دستتان رفتند و به سوی کفار
شدند، آن گاه غنیمتی (به جنگ یا غیر آن) از آنها به شما
رسید، پس به کسانی که همسرانشان رفته اند به مقدار
آنچه (از مهر) هزینه کرده اند بپردازید، و از خدایی که به
او ایمان آورده اید پروا کنید

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَدَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَيسُّوْا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَيسُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ

۶۱. صف الصَّف: صف مدنی ۱۴ آیه ۲ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنِينَ مَرْصُوعُونَ

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَقَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

ای پیامبر، هنگامی که زن های مؤمن نزد تو آمدند تا با تو بیعت کنند بر اینکه چیزی را شریک خدا نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و اولادشان را نکشند و فرزند افتراپی را (بچه دیگران یا حرام زاده خود را) نیاورند که او را به شوهر خود ببندند به این ادعا که فرزند اوست که از میان شکم و پاهایشان بیرون آمده، و تو را در هیچ کار نیکی (که فرمان مولوی دادی) نافرمانی نکنند، پس با آنها بیعت کن و برایشان از خداوند آمرزش بخواه، که خداوند آمرزنده و مهربان است

ای کسانی که ایمان آورده اید، گروهی را که خداوند بر آنها خشم نموده به سرپرستی و دوستی و یاری مگیرید، که آنها از آخرت نومیدند همان

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است خدا را (به زبان قال یا به زبان حال) تسبیح گفت، و او مقتدر شکست ناپذیر و دارای متانت و اتقان صنع (در مرحله تکوین و تشریع) است

ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی را می گوئید که عمل نمی کنید؟ (چرا وعده به قصد تخلف می دهید؟

در نزد خدا بسیار مبغوض است که چیزی را بگوئید که به جا نمی آورید

به یقین خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او پیکار می کنند که گویی بنایی پولادین اند

و (به یاد آر) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، چرا مرا می آزارید در حالی که می دانید من فرستاده خدا به سوی شمایم؟! پس چون (از حق) منحرف شدند خداوند هم دل هایشان را در انحراف رها کرد (و الطاف غیبی را از آنها برید)، و خدا هرگز مردمان نافرمان را راهنمایی نمی کند

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَبْنِي إِسْرَءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اُسْمُهُوَ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تَجَرَّةٍ تُنَجِّيَكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّنَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّا نْتَ طَآئِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَكَفَرْتَ طَآئِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

و (به یاد آر) هنگامی که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل، بی تردید من فرستاده خدا به سوی شمایم در حالی که آنچه را پیش از من آمده که تورات باشد تصدیق کننده ام و به فرستاده ای که پس از من خواهد آمد که نام او احمد (صلی الله علیه وآله) است بشارت دهنده ام. پس چون احمد آمد و برای آنان دلایل روشنی آورد گفتند: این جادویی است آشکار

و کیست ستمکارتر از آنکه در عین حالی که به سوی اسلام دعوت می شود (آن را نپذیرفته و با انکار آن) بر خداوند دروغ بندد؟! و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند

می خواهند نور خدا را با دهن های خود خاموش کنند (دعوت پیامبر و دین و کتاب او را به تکذیب و افترا باطل نمایند) حال آنکه خدا تمام کننده نور خویش است هر چند کافران را خوش نیاید

اوست که فرستاده خود را با (وسایل) هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه مصادیق دین (که شرایع آسمانی است) پیروز گرداند، هر چند مشرکان را خوش نیاید

ای کسانی که ایمان آورده اید، آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات بخشد

به خدا و فرستاده اش ایمان بیاورید و در راه خدا با مال ها و جان هایتان جهاد کنید، این (ایمان و جهاد) برای شما بهتر است اگر بدانید

تا گناهاتتان را ببخشاید و شما را به بهشت ها و باغ هایی که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها جاری است و در مسکن هایی پاکیزه و دلپسند در بهشت هایی جاوید درآورد، این است کامیابی بزرگ

و نعمت دیگری که آن را دوست دارید (به شما می دهد و آن) یاریی از جانب خدا (در منطق و برهان بر همه ملل در طول تاریخ) و پیروزیی نزدیک (در فتح مکه و غیره است)، و (ای پیامبر) مؤمنان را بشارت ده

ای کسانی که ایمان آورده اید، یاوران خدا باشید همان گونه که عیسی بن مریم به حواریین (به خواص خود آن روشندان و سفیدجامگان) گفت: یاوران من (در حرکت) به سوی خدا کیستند؟ حواریین گفتند: ما یاوران خداییم. اما گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کفر ورزیدند، پس م

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ
الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ
آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا
مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

وَعَاخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

قُلْ يَٰأَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ
دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
بِالظَّالِمِينَ

قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ
تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَلِيمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است همواره خدا را (به زبان قال و زبان حال) تسبیح می گویند، خدایی که مسلط (بر همه عالم هستی)، پاکیزه (از هر عیب و نقص)، مقتدر شکست ناپذیر و دارای اتقان صنع در مرحله تکوین و متانت در تشریع است

اوست که در میان امیان (مردم مکه که غالبا بی سواد بودند) فرستاده ای از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها تلاوت می نماید و آنها را (از پلیدی های عقیدتی و اخلاقی و عملی) پاکیزه می کند و به آنها کتاب (آسمانی) و معارف دینی و عقلی می آموزد، و حقیقت این است که آنها پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند

و (برانگیخت او را) برای مجتمعات دیگری از آنها (تا انقراض بشر) که هنوز به آنها نپیوسته اند، و اوست مقتدر غالب (بر آنچه اراده کند) و حکیم (در تشریع دین قویم ابدی)

آن (رسالت) فضل خداوند است که به هر کس که خود بخواهد می دهد، و خدا صاحب فضل بزرگ است

مثل کسانی (از علماء یهود) که (دانش علم و عمل و ابلاغ) تورات بر دوش آنها نهاده شد سپس آن را بر دوش نکشیدند، مثل درازگوشی است که کتاب هایی چند بار می کشد (اما بهره ای از آنها ندارد). بد مثلی است مثل گروهی که آیات خدا را (دستورات تورات را با مخالفت خویش) تکذیب و انکار کردند، و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند

بگو: ای کسانی که یهودی هستید، اگر می پندارید که شما دوستان خدایید نه مردم دیگر، پس آرزوی مرگ کنید اگر راستگویید (تا به جوار رحمت و نعمت دوست برسید)

و هرگز آنها به خاطر دستاوردهایی که پیش فرستاده اند آرزوی مرگ نخواهند کرد، و خدا به (حال) ستمکاران داناست

بگو: بی تردید آن مرگی که از آن می گریزید با شما ملاقات خواهد کرد، سپس به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می شوید، پس شما را از آنچه (در دنیا) عمل می کردید آگاه خواهد نمود

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۱۰

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۱۱

وَإِذَا رَأَوْا تِجْرَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجْرَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که برای نماز در روز جمعه ندا در داده شد پس به سوی یاد خدا (اقامه نماز جمعه) بشتابید و داد و ستد را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر بدانید

و چون نماز تمام شد (مجازید که) در روی زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید (در پی کار و روزی روید) و خدا را بسیار یاد کنید، شاید رستگار گردید

(ولی به نماز جمعه اهمیت ندهند) و چون تجارت یا لهوی ببینند به سوی آن پراکنده شوند و تو را ایستاده (در حال خطبه یا نماز) رها می کنند، بگو

۶۳. منافقون	المُنافِقُونَ: منافقان	مدنی	۱۱ آیه	۲ صفحه
-------------	------------------------	------	--------	--------

هنگامی که منافقان نزد تو بیایند، می گویند: گواهی می دهیم که تو حتما فرستاده خدایی و خدا می داند که تو فرستاده اوئی و هم خدا گواهی می دهد که همانا منافقان دروغگویند (و بر خلاف اعتقاد خود گواهی می دهند)

سوگندهای خود را سپر ساخته اند پس از راه خدا اعراض کرده و مردم را از آن بازداشته اند به راستی بس زشت است آنچه می کنند

آن (نفاق و بد عملی) به خاطر این است که آنها (به دیدن برخی از معجزات) ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند (و به منافقان پیوستند) پس بر دل های آنها مهر (شقاوت) زده شد، از این رو نمی فهمند

و چون آنها را ببینی هیکل های (آراسته) آنها تو را به شگفت می آورد، و چون سخن گویند (چنان چرب زبانند که) به گفتارشان گوش فرا می دهی، (اما از بی ایمانی و بی محتوایی) گویی چوب هایی هستند تکیه داده شده! (از شدت جبن) هر فریادی را به زیان خود می پندارند آنها دشمن (حقیقی) اند، از آنها بر حذر باش خدا آنها را بکشد! چگونه و به کجا (از حق) منحرف می شوند؟

۱
۴۸۸ ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ

۲

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۳

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

۴
حزب
۲۲۲

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسْنَدَةٌ يُحَسِّبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

۶

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

۷

هُمْ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا^ط وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ

۸

يَقُولُونَ لَيْنِ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ^ج وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

۹

۴۸۹۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

۱۰

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ

۱۱

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

و چون به آنها گفته شود: بیاپید تا رسول خدا برای شما آمرزش بطلبد، (از روی انکار و تکبر) سرهایشان را برمی گردانند، و آنها را بینی که اعراض می نمایند و دیگران را نیز بازمی دارند در حالی که متکبر و گردنفرارزند

بر آنها یکسان است که برایشان آمرزش بطلبی یا آمرزش نطلبی، هرگز خداوند آنها را نخواهد بخشید زیرا خداوند گروه نافرمان ها را هدایت نمی کند

آنها هستند که می گویند: بر کسانی که نزد رسول خداپند انفاق مکنید تا پراکنده شوند در حالی که گنجینه های آسمان ها و زمین از آن خداست، و لکن منافقان نمی فهمند

می گویند: حتما اگر (از این سفر جنگی) به مدینه بازگردیم آن که عزیزتر است آن را که ذلیل تر است (گروه منافقان، پیامبر و یارانش را) از آن بیرون خواهد کرد در حالی که عزت و اقتدار از آن خدا و رسول او و مؤمنان است، و لکن منافقان نمی دانند

ای کسانی که ایمان آورده اید، مبدا اموال و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل کنند! و هر کس چنین کند پس آنها همان زیانکارانند

و از آنچه روزی شما کرده ایم انفاق نمایید پیش از آنکه هر یک از شما را مرگ فرا رسد پس (در شرف رفتن) گوید: پروردگارا، چرا (مرگ) مرا تا مدتی نزدیک به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از شایستگان باشم؟

و هرگز خداوند (مرگ) کسی را هنگامی که اجلش فرا رسد به تأخیر نمی افکند، و خدا به آنچه می کنید آگاه است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱
۴۹۰

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۲

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ
صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

۳

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا
تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

۴

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ
أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۵

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ
يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

۶

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَّنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ
لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

۷

فَعَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

۸

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ
بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۹

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است (علاوه بر خود آنها)
خدای را (به زبان قال و حال) تسبیح می گویند (و از هر
نقص و عیبی منزّه می دارند)، فرمان نافذ و حکومت (بر همه
هستی) از آن اوست، و ستایش تنها او را سزد (و هر
ستایشی به او برمی گردد، و ستایش حق را خود او می کند)
و او بر همه چیز توانا (ی مطلق) است

اوست که شما را آفرید، پس برخی از شما کافر است و
برخی مؤمن، و خداوند به هر عمل (قلبی یا بدنی) که انجام
می دهید بینا است

آسمان ها و زمین را به حق (برای هدفی والا و عقلانی)
آفرید و شما را (به این شکل خاص) مصوّر نمود و
تصویرتان را (به لحاظ تناسب اعضا با اهداف روانی و صفات
انسانی) زیبا کرد، و بازگشت (شما و دیگر زنده ها) به سوی
اوست

آنچه را که در آسمان ها و زمین است می داند و آنچه را
پنهان می کنید و آشکار می سازید می داند، و خدا به آنچه
در سینه های شماست (از افکار و اندیشه های مغزی و
حالات و صفات روحی) داناست

آیا خبر کسانی که پیش از این کفر ورزیدند برای شما
نیامده؟ آنها ضرر و عاقبت وخیم کار خود را چشیدند و آنها
را عذابی است دردناک

آن (عذاب) بدان سبب است که همواره فرستادگانشان
برای آنها دلایل روشن (توحید و نبوت خود) را می آوردند و
آنها گفتند: آیا بشرهایی (از جنس خودمان) ما را هدایت می
کنند؟! پس کفر ورزیدند و روی گرداندند و خداوند (به
واسطه هلاک کردنشان از ایمان و طاعت آنها) اظهار بی نیازی
نمود، و خداوند (ذاتا) بی نیاز (از همه چیز) و ستوده صفات
و ستایشگر و مورد ستایش است

کسانی که کفر ورزیدند (از بت پرستان مکه) پنداشته اند
که هرگز برانگیخته نخواهند شد. بگو: چرا، سوگند به
پروردگارم که شما برانگیخته می شوید، سپس به آنچه عمل
کرده اید خبر داده می شوید، و این (برانگیختن) بر خدا
آسان است

پس به خدا و رسول او و نوری (قرآنی) که فرو فرستاده
ایم ایمان آورید، و خداوند از آنچه عمل می کنید آگاه است

(برانگیخته می شوید در) روزی که شما را برای روز اجتماع
جمع خواهد کرد، آن روز، روز مغبون کردن یکدیگر است
(به خاطر تضییع حقوق ها در دنیا، پاداش یکدیگر را می
گیرند و یا کیفر را به یکدیگر تحمیل می کنند، و یا درجات
بهشت را با درکات جهنم تبدیل می کنند). و هر کس به خدا
ایمان بیاورد و عمل شایسته کند خداوند گناهانش را می
زداید و او را در بهشت ها و باغ هایی که از زیر (ساختمان و
درختان) آنها نهرها جاری است وارد می کند در حالی که در
آن برای همیشه جاودانه باشند، این است کامیابی بزرگ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
خَالِدِينَ فِيهَا ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ
قَلْبَهُ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ
رَسُولِنَا الْمَبَالِغُ الْمُبِينُ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا
لَكُمْ فَأَحْذَرُوهُمْ ۚ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ
غَفُورٌ رَّحِيمٌ

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا
لِّأَنْفُسِكُمْ ۚ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ ۗ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ

إِنْ تَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضْعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ
وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

عَلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و کسانی که کفر ورزیدند و آیات و نشانه های ما را تکذیب و انکار نمودند آنها یاران آتشند که در آنجا جاودانه اند، و آن بد جای بازگشتی است

هیچ مصیبتی (به کسی) نرسد جز به اراده (تکوینی) خداوند (که نشأت گرفته از گناهان او یا نظام اتمّ عالم هستی است). و هر کس به خدا ایمان آورد خدا قلب او را (به معارف و کمالات دیگر) هدایت می کند، و خدا به همه چیز داناست

و خدا را (در اوامر شریعت) اطاعت کنید و رسول او را (در دستورات مولویش) فرمان برید، و اگر روی گردانید جز این نیست که بر عهده فرستاده ما رساندن آشکار (احکام) است (نه اجبار جامعه به پذیرش و عمل، که آن از وظایف امامت است و نه کیفر اخروی، که آن از شئون ربوبیت است)

خدای (واجب الوجود) یکتا، جز او معبودی نیست، و مؤمنان باید بر خداوند توکل نمایند (جریان تمام امور تکوینی متعلق به خود را غیر از اراده، از او بدانند و بر عهده او گذارند)

ای کسانی که ایمان آورده اید، برخی از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند (به خاطر ایمااتان با شما رفتار دشمنانه دارند)، از آنها بر حذر باشید (که شما را منحرف نسازند)، و اگر (از بدی ها و آزارشان) عفو نمایید و چشم پوشی کنید و ببخشایید (خدا هم شما را می آمرزد) که بی تردید خداوند آمرزنده و مهربان است

جز این نیست که اموال و فرزندانتان (به سبب آن که زینت دنیایند و شما را به خود مشغول می دارند) وسیله آرمایش (شما) هستند، و خداست که در نزد او پاداشی بزرگ است

پس تا توانید از خدا پروا کنید و (دعوت ها و اوامر او را) بشنوید و اطاعت نمایید و (از جان و مالتان) انفاق کنید که برای خودتان بهتر است و کسانی که از بخل نفسشان مصون گردند آنها همان رستگارانند

اگر به خداوند قرض الحسنه دهید (از اموال و اعمال و اولادتان در راهش بذل کنید، پاداش) آن را برای شما چند برابر می کند و شما را می بخشد، و خداوند شکرگزار و بردبار است

دانای نهان و آشکار، و مقتدر شکست ناپذیر و صاحب حکمت (در تکوین و تشریع) است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

۱
جزب
۲۲۳
۴۹۲

فَإِذَا بَلَغَ أَجْلُهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوَعِّظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

۲

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

۳

وَاللَّيِّ يَسِّنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ أَرَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّيِّ لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَتْ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا

۴

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا

۵

ای پیامبر، هنگامی که خواستید زن ها را طلاق دهید آنها را به وقت عده طلاق دهید، (در زمانی که شروع به عده ممکن باشد یعنی از حیض پاک شده و با شوهر همبستر نشده اند)، و حساب عده را نگه دارید، و از خدای- پروردگارتان- پروا کنید آنها را (در دوران عده) از خانه هایشان بیرون نکنید- و آنها نیز بیرون نروند- مگر آنکه عمل زشت آشکاری مرتکب شوند. و اینها حد و مرزهای خدا است و هر کس از حد و مرزهای خدا تجاوز کند حقا که بر خویشتن ستم کرده تو (ای مرد) نمی دانی (و آن زن نمی داند) شاید خدا پس از آن (طلاق) کاری (از نظر صلح طرفین) پدید آورد

و چون (زن های مطلقه) به آخر مدت عده نزدیک شدند پس آنها را (با رجوع به زوجیت) به نیکی (و عمل به وظایف همسری) نگه دارید و یا از آنها (با تمام شدن عده) به خوشی (و اداء مهر و حقوق واجب) جدا شوید، و (وقت اجراء طلاق) دو مرد عادل را از خودتان (از مؤمنان) گواه بگیرید، و (شما ای شاهد ها) گواهی را برای خدا اقامه کنید (تخلف و تغییر ندهید). به این (دستورات) کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد اندرز داده می شود، و کسی که از خدا پروا کند برای او راه خروجی (از مشکلات) قرار می دهد

و او را از راهی که گمان نمی برد روزی می دهد و کسی که بر خدا توکل نماید او برایش کافی است مسلما خداوند رساننده فرمان و تحقق بخشنده اراده خویش است همانا خداوند برای هر چیزی (از اجزاء عالم هستی از نظر ماهیت و کم و کیف و آثار وجودی و مدت بقا) اندازه ای قرار داده است

و از زنان شما آنهایی که از دیدن خون حیض مأیوسند، اگر شک کردید، (که برای سن یأس است یا عوارض دیگر) عده آنها سه ماه است و هم چنین زنانی که (با وجود اقتضای سن) حیض ندیده اند. و زن های باردار مدت عده آنها وضع حمل آنهاست. و هر که از خدا پروا کند خدا برای او در کارهایش آسانی قرار می دهد

این (احکام همه) حکم خداوند است که به سوی شما فرو فرستاده و هر که از خدا پروا کند خدا گناهان او را می زداید و پاداش او را بزرگ می دارد

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وَّجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَٰئِكَ حَمَلَ فَاَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأُتِمُّوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَاسْتَزِضِعْ لَهُوَ أُخْرَىٰ

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ ۖ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۚ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

وَكَايْنٍ مِّنْ قَرِيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ ۚ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكَرًا

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَقِبَهُ أَمْرُهَا خُسْرًا

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَٰأُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا ۚ قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا

رَّسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّخُرَاجِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَاعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

آنها را (زنان مطلقه را) در آنجا که ساکن هستید از مقدار توانتان سکونت دهید، و به آنها (از ناحیه مسکن و انفاق و غیره) آسیب نرسانید تا (زندگی را) بر آنها تنگ ننمایید (و مجبور به رفتن شوند). و اگر باردار باشند هزینه آنها را تا آن گاه که وضع حمل کنند بدهید، و اگر برای شما بچه را شیر دادند اجرت آنها را بپردازید، و در میان خود (راجع به حال طفل) به نیکی به مشورت و قبول گفتار یکدیگر بپردازید، و اگر با یکدیگر سختگیری کردید، زن دیگری آن بچه را شیر دهد (مرد باید برای طفل دایه بگیرد)

کسی که دارای وسعت (مالی) است (برای زن و فرزندش) از دارایی خود هزینه کند، و کسی که روزی بر او تنگ است از آن مقدار که خدا به وی داده هزینه کند هرگز خداوند کسی را جز به کاری که توانش را داده مکلف نمی کند خدا به زودی پس از سختی آسانی قرار می دهد

و چه بسیار از مجتمعات (انسانی) که از فرمان پروردگار خود و فرستادگانش سرپیچی کردند، پس آنها را به حساب شدیدی محاسبه کردیم و به عذابی بس سخت عذاب نمودیم

پس آنها عاقبت وخیم کار خود را چشیدند، و سرانجام کارشان زیان بود

خداوند برای آنها (در آخرت) عذابی سخت آماده کرده پس از خدا پروا کنید ای صاحبان خرد که ایمان آورده اید، بی تردید خدا به سوی شما وسیله تذکر فرو فرستاده است

رسولی که آیات روشن و روشنگر خدا را بر شما تلاوت می کند تا کسانی را که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند از تاریکی ها (ی شرک و کفر و فسق و فساد جامعه) به سوی نور (هدایت و توحید) بیرون آورد. و هر کس به خدا ایمان بیاورد و کردار شایسته نماید خدا او را به بهشت ها و باغ هایی که از زیر (ساختمان ها و درختان) آنها نهرها جاری است درمی آورد که برای همیشه در آنجا جاودانه اند، حقا که خدا روزی را برای او نیکو کرده است

خداست که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آنها (هفت عدد کره زمین، یا هفت طبقه زمین، یا هفت اقلیم از سطح کره زمین بیافرید)، اراده حتمی (مبدأ واجب در آفرینش آنها بر حسب ترتیب خلقت) در میان آنها (از نخستین مخلوق ممکن تا آخرین مراتب آن به تدریج) فرود می آمد (تا همه را هست نمود)، و فرمان (حاکم حقیقی به فرشتگان) در میان آنها (درباره تدبیر و تصرف و تنظیم نظام اتم آنها) همواره فرود می آید، تا بدانید که خداوند بر هم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ
أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ
الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ
وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ
فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ
الْخَبِيرُ

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ
فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَلِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ
بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ

عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكُنَّ
مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَتَبِعْنَ عِلْدَاتٍ سَلَّحَاتٍ
ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ
اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

ای پیامبر، چرا آنچه را که خداوند بر تو حلال کرده (از خوردن عسل و تماس با همسر، به وسیله سوگند بر خود) حرام می کنی در حالی که (در این ترک اولی) رضایت همسرانت را می جویی؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است

بی تردید خداوند گشودن قسم هایتان را (در این گونه موارد) برای شما مقرر و جایز نموده (که مخالفت کنید و کفاره دهید)، و خدا (از جنبه دینی و دنیوی) سرپرست شماست و اوست دانا و حکیم

و (به یاد آرید) هنگامی که پیامبر به برخی از همسرانش سخنی (شامل چند مطلب) به پنهانی گفت، و چون وی آن را (به زن دیگر پیامبر) افشا نمود و خدا (هم) پیامبر را از افشای او آگاه ساخت، پیامبر برخی (از افشاهای او) را (به وی) اظهار کرد و از برخی اعراض نمود و چون آن (همسر) را از آن افشا خبر داد، او گفت: چه کسی تو را از این افشا با خبر ساخت؟ گفت: آن (خدای) دانا و آگاه مرا خبر داد

اگر شما دو نفر (افشاگر راز و شنونده آن) به سوی خدا توبه برید (می سزد، زیرا) که دل هایتان (از حق) منحرف شده، و اگر بر ضد او یاور هم باشید پس (بدانید که) مسلماً خداوند خود و جبرئیل و مرد شایسته مؤمنان، یاور او هستند، و فرشتگان نیز پس از آنها پشتیبانند

اگر او شما را طلاق دهد امید است که پروردگارش به جای شما او را همسرانی دهد که بهتر از شما باشند، (زنانی) تسلیم خدا، مؤمن، مواظب طاعت، توبه کار، عبادت کننده، روزه بگیر، شوهر کرده و دوشیزه

ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و کسان خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ هاست نگه دارید بر آن (آتش) فرشتگانی (در گفتار و اخلاق و تعذیب) خشن و (در هیکل و اراده) قوی، موکلند که خدا را در آنچه به آنها امر می کند نافرمانی نمی کنند و آنچه را دستور داده می شوند انجام می دهند

(در آن روز گفته شود) ای کسانی که کفر ورزیده اید، امروز عذر نیاورید جز این نیست که در برابر آنچه (در دنیا) می کردید جزا داده می شوید یا تجسم عین آن عقاید و اعمال، کیفر امروز شماست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُم سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۹

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

۱۰

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطَ ۖ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ

۱۱

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۱۲

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا الْقِسْمُ الْإِثْمُ مِنَ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَوْلَا قَوْلُ اللَّهِ لَمَرْيَمُ إِنَّهَا عَلَىٰ ظَهْرِهِمَا الظِّلُّ فَاسْكُتِي لِي وَاسْجُدِي لِلرَّبِّ وَاسْجُدِي بَيْنَ السُّجُودِ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ مَوَدَّةَ بَنَاتٍ لَّيْسَ بَالِغٍ فِي عِلْمِكُم بِشَيْءٍ مِّنَ الْغُيُوبِ وَأَنذَرْتُهُم وَلَٰكِن لَّا تُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید، به سوی خداوند توبه کنید توبه ای خالصانه، امید است پروردگارتان گناهان شما را بزداید و شما را به بهشت ها و باغ هایی که از زیر (ساختمان و درختان) آنها جوی ها روان است درآورد در آن روزی که خداوند، پیامبر و کسانی را که با او (به خدا) ایمان آورده اند خوار نمی کند، نور آنها (از قبر که محل بعث است تا مرکز حساب) از پیشاپیش و از جانب راستشان در حرکت است، می گویند: پروردگارا، نور ما را کامل گردان و بر ما ببخشای، که تو بر هر چیزی توانایی

ای پیامبر، با کافران و منافقان پیکار کن و بر آنها سخت گیر و جایگاه آنها جهنم است و آن بد جای بازگشتی است

خداوند برای کسانی که کفر ورزیده اند زن نوح و زن لوط را مثل زده که در تحت (زوجیت) دو بنده صالح از بندگان ما بودند، پس به شوهرانشان (به واسطه نفاق) خیانت کردند و آنها از آن دو زن چیزی از (عذاب) خدا را دفع نکردند، و (به محض مرگ) به آنها گفته شد وارد آتش برزخ شوید، و (در روز قیامت) به آنها گفته شود: همراه واردین داخل آتش (ابدی) شوید

و خداوند برای کسانی که ایمان آورده اند زن فرعون را مثل زده: آن گاه که گفت: پروردگارا، برای من در نزد خود (در قرب جلال و رحمت خود) در بهشت خانه ای بساز، و مرا از فرعون و عمل وی رهایی بخش، و از گروه ظالمان (دربار و ملتش) نجات ده

و نیز مریم دختر عمران را، زنی که دامان خود پاک نگاه داشت، پس در او از روح خویش (روحی که به اراده ما وجود می یابد) دمیدیم (تا عیسی در رحمش خلق شد)، و کلمات پروردگارش را (آنچه با انبیاء به عنوان وحی سخن گفته) و کتاب های (آسمانی و لوح محفوظ) او را تصدیق نموده و ا

مقدس و والا و پرخیر و برکت است آن (خدایی) که ملکیت حقیقی و حاکمیت بر جهان هستی در دست (قدرت) اوست (زیرا آفرینش و حفظ و تدبیر آن تحت اراده اوست) و او بر هر چیزی تواناست

همان که مرگ و زندگی را (برای شما آدمیان) پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست مقتدر شکست ناپذیر و آمرزنده

همان که هفت آسمان را طبقه هایی (روی هم) آفرید، هرگز در آفرینش خدای رحمان (از نظر زیبایی، استواری و اتقان صنع) تفاوت و ناهمگونی نمی بینی، پس بار دیگر بنگر آیا (در خلق اشیا) هیچ خلل و شکاف (و خلاف حکمت) می بینی

سپس بار دیگر (به جهان هستی) نگاه کن که چشم (دلت) خوار و وامانده (از درک نقص و خللی در خلقت) به سوی تو باز می گردد

و به یقین ما آسمان نزدیکتر (به شما) را با چراغ هایی (از ستارگان) زینت بخشیدیم و آنها را وسایل رجم شیاطین قرار دادیم، و برای آنها (برای شیاطین در آخرت) عذاب آتش فروزان آماده نموده ایم

و برای کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند عذاب جهنم است، و آن بد جای بازگشتی است

چون در آن افکنده شوند از آن صدای دلخراش فرو کشیدن نفس بشنوند در حالی که پیوسته در جوش و فوران است

نزدیک است که از شدت خشم متلاشی شود هر گاه گروهی در آن افکنده شوند نگهبانانش از آنها می پرسند: آیا شما را (در دنیا) بیم دهنده ای نیامد

می گویند: چرا، مسلماً برای ما (از جانب خدا) بیم دهنده ای آمد، ولی (او را) تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی نازل نکرده شما جز در گمراهی بزرگی نیستید

و گویند: اگر ما (به راستی) می شنیدیم یا می اندیشیدیم هرگز در زمره اهل آتش فروزان دوزخ نبودیم

پس به گناهشان اعتراف می کنند و مرگ و دوری (از رحمت خدا) باد بر اهل آتش فروزان دوزخ

البته کسانی که از پروردگارشان در نهان (در حال خلوت از مردم و نهان بودن عذاب از نظرشان) می ترسند آنها را آمرزش و پاداشی بزرگ است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تَبْرَكَ الَّذِي يَدِيَهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ
مِن تَفَوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ
حَسِيرٌ

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَهَا رُجُومًا
لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ
خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن
شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

۱
جزء: ۲۹
حزب
۲۲۵
ر ۴۹۶

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ ۖ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

۱۴

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

۱۵ ر ۴۹۷

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ ۖ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ

۱۶

ءَأَمِنْتُمْ مَّن فِي السَّمَاءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ

۱۷

أَمْ أَمِنْتُمْ مَّن فِي السَّمَاءِ أَن يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ

۱۸

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيفَ كَانَ نَكِيرِ

۱۹

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَقَتٍ وَيَقْبِضْنَ ۚ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرِّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بِصِيرٌ

۲۰

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُم يَنصُرُكُم مِّن دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ

۲۱

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِن أُمْسَكَ رِزْقَهُ ۚ بَل لَّجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ

۲۲

أَفَمَن يَمِثِّي مَكِيبًا عَلَىٰ وَجْهِهِ ۖ أَهْدَىٰ أَمَّن يَمِثِّي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

۲۳

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ ۖ وَالْأَفْئِدَةَ ۚ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

۲۴

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

۲۵

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

۲۶

قُلْ إِنَّمَا أَعْلِمُ عِندَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

و گفتارتان را (در سینه خود یا از غیر همرازتان) پنهان دارید یا آشکار سازید، حتما خداوند به آنچه در سینه هاست داناست

آیا کسی که آفریده نمی داند؟ هوش دار، کسی که (صاحب اندیشه و قدرت اندیشیدن او را) آفریده (اندیشه هایش را نیز) می داند و او باریک بین و آگاه است

اوست آن که زمین را (به هموار نمودن سطح و ایجاد حرکت وضعی و انتقالی در آن) برای شما رام نمود، پس بر دوش های آن راه روید (و همه جای جسم کروی دوش آن است) و از روزی او بخورید، و (بدانید که فرمان) برانگیختن به دست او و حضور برانگیخته ها به سوی اوست

آیا از کسی که در آسمان است (فرمانش در آنجا جاری است چون خداوند، یا حضور پرقدرتش در آنجاست چون فرشتگان) ایمنید از این که شما را در زمین فرو برد پس به ناگاه زمین در موج و لرزه افتد (و شما را خرد کند)

یا از آن کس که در آسمان است ایمنید از این که تندبادی بر شما فرو فرستد که سنگریزه ببارد؟! پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است

و حقیقت این است که کسانی که پیش از اینان (مشرکان مکه) بودند (پیامبران ما را) تکذیب کردند، پس عکس العمل و کیفر ما چگونه بود

و آیا آنها به پرندگانی که در بالای سرشان در پروازند ننگریستند که گاه بال های خود گشوده دارند و گاه می بندند؟! آنها را (در میان فضا) جز خدای رحمان نگه نمی دارد، که او به هر چیزی بیناست

آیا کیست آن که سپاه شماست که شما را در برابر خدای رحمان یاری دهد؟! کافران جز در غفلت و فریب نیستند

یا کیست آن که به شما روزی دهد اگر خداوند روزیش را از شما بازدارد؟ (حق بر آنها پنهان نیست) بلکه در سرکشی و فرار (از حق) لجابت می کنند

پس آیا کسی که (به خاطر پست و بلندی راه) افتاده و خرنده بر صورت خود راه می رود هدایت یافته تر است یا آن که با قامت راست بر راه مستقیم می رود؟! (کافری که پیوسته در لغزش کفر و فسق راه زندگی می پیماید ره یافته تر است یا مؤمن قائم به ایمان در راه راست دین؟

بگو: اوست آن که شما را پدید آورد و برای شما نیروی شنوایی و دیده ها و دل ها قرار داد اما شما کم سپاس می گزارید

بگو: اوست آن که شما را در این زمین بیافرید و (در آخرت) به سوی او گرد آورده می شوید

و (کافران) گویند: این وعده (روز قیامت) کی است اگر شما راستگویید

بگو: این علم تنها در نزد خداست، و من فقط بیم دهنده ای آشکارم

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهٖ تَدَّعُونَ

۲۸

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنِ أَهْلَكَنِیَ اللَّهُ وَمَنْ مَّعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ

۲۹

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ ءَامَنَّا بِهِ ؕ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۳۵

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنِ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَآءٍ مَّعِينٍ

پس چون آن (جهنم موعود) را از نزدیک ببینند چهره کسانی که کفر می ورزیدند زشت و درهم گردد، و (به آنها) گفته شود: این همان چیزی است که آن را (در دنیا به عنوان مسخره) می خواستید

بگو: به من خبر دهید اگر خداوند مرا و هر کس را که با من است بمیراند یا بر ما رحم آورد (و زنده نگه دارد، به هر حال) کافران را چه کسی از عذاب دردناک پناه خواهد داد

بگو: آن (کسی که شما را به توحید او می خوانم) خدای رحمت بخش (به همه جهان هستی) است، به او ایمان آوردیم و بر او توکل کردیم، پس به زودی خواهید فهمید که چه کسی در گمراهی آشکاری است

بگو: به من خبر دهید، اگر آب شما (در چشمه ها و چاه ها و رودها) در زمین فرو نشیند، کیست که برای شما آبی روان و گوارا بیاورد؟

۶۸. قلم	القَلَمُ: قلم	مکی	۵۲ آیه	۳ صفحه
---------	---------------	-----	--------	--------

نون. رمزی میان الله و رسول اوست. این کتاب مرکب از همین حروف است اما بشر از معارضه آن ناتوان است. این کتاب دارای محکmat و این گونه متشابهات است. سوگند به لوح نورانی محفوظ (که قلم بر وی بنگاشت)، و به دوات و هر جوهر مایع (که قلم بدان بنویسد). سوگند به قلم (قلم اوّل جاری بر لوح محفوظ، و قلم فرشتگان حسابگر، و قلم انسان های پاک) و به آنچه قلم ها می نویسند (علوم و اسرار تودییی قلم که بر روی لوح محفوظ نگاشته می گردد، و عمل های نیک صالحان که در صحایفشان نوشته می شود، و علوم نافعۃ که قلم فرسایان می نگارند)

که به نعمت و لطف پروردگارت تو دیوانه نیستی

و به یقین برای تو (در دنیا و آخرت) پاداشی است بی منت و بی پایان

و همانا تو بر ملکه نفسانی بزرگی (که همه اخلاق فاضله انسانی در آن جمع است) استواری

پس به زودی تو خواهی دید و آنها نیز خواهند دید

که کدام یک از شما (تو یا دشمنانت) گرفتار جنونید

همانا پروردگارت خود به کسی که از راه او گمراه شده و هم به هدایت یافتگان داناتر است

پس از تکذیب کنندگان (خود و آیات خداوند) اطاعت مکن

زیرا آنها دوست دارند که نرمش و سازش کنی تا آنها نیز نرمش و سازش کنند

و از هیچ کس که بسیار سوگند خور و فرومایه است فرمان مبر

آن که سخت عیجو و بدگو و گام بردارنده به سخن چینی است

و بسیار بخیل و بازدارنده از خیر، تجاوزگر و گناه پیشه است

و پس از آن (همه صفات زشت،) خشن و سنگدل و بی اصل و ریشه است

(این گناهان را انجام می دهد) به خاطر آنکه صاحب مال و پسران است

هنگامی که آیات ما بر او خوانده شود گوید: افسانه های پیشینیان است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
نَّ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

۱
حزب
۲۲۶
۴۹۸

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ

۳

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

۴

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

۵

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ

۶

بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ

۷

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

۸

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ

۹

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ

۱۰

وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ

۱۱

هَمَّا زِ مَّشَاءِ بَنِيمٍ

۱۲

مَنَاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ

۱۳

عُتِّلَ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ

۱۴

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ

۱۵

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

سَنَسِمُهُ وَ عَلَى الْخُرْطُومِ

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ

وَلَا يَسْتَنْوُونَ

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ

أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَرِمِينَ

فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ

أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ

وَعَدُوا عَلَىٰ حَرْدٍ قَدِيرِينَ

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ

قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِغِينَ

عَسَىٰ رَبُّنَا أَن يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ

كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ

أَمْ لَكُمْ أَيْمَنُ عَلَيْنَا بَلِغْتُهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ

سَلَهُمُ أَيُّهُمْ بِذَٰلِكَ رَعِيمٌ

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِن كَانُوا صَادِقِينَ

يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

ما به زودی داغ (ذلت) بر بینی او می نهیم

ما آنها را (اهل مکه را) آزمودیم همان گونه که صاحبان آن باغ را (که در یمن در نزدیکی صنعا بود) آزمودیم آن گاه که قسم خوردند که بامدادان میوه های آن را خواهند چید

در حالی که (در فکر خود چیزی برای فقرا) استثنا نمی کردند و ان شاء الله نمی گفتند

پس شبانه بلایی فراگیر از جانب پروردگارت بر آن باغ احاطه کرد در حالی که آنها خواب بودند

پس آن جا به صورت باغی میوه هایش چیده شده و درختانش سیاه و سوخته درآمد

پس هنگام صبح یکدیگر را صدا زدند

که اگر قصد چیدن (میوه) دارید بامدادان به سوی باغ و زراعت خود بیرون آیید

پس به راه افتادند در حالی که آهسته با هم گفتگو می کردند

که مبدا امروز فقری در این باغ بر شما وارد شود

و صبحگاه با تصمیم بر محروم کردن (فقرا) بیرون شدند

پس چون آن باغ را دیدند، گفتند: حتما راه را گم کرده ایم یا گمراه از راه حق شده ایم

(نه تنها راه حق را گم کرده ایم) بلکه ما (از نعمت حق و زراعت خود) محروم شده ایم

میانسال آنها و عاقل ترین و مستقیم ترین آنها گفت: آیا به شما نگفتم که چرا خدا را منزّه (از نقص و عیب) نمی دارید (و با تصمیم بر مخالفتش عملا او را عاجز می شمارید)؟

گفتند: پروردگار ما منزّه است، حقاّ که ما ستمکار بودیم

پس به یکدیگر روی آورده، در حالی که به ملامت هم می پرداختند

گفتند: ای وای بر ما، مسلّما ما طغیانگر و سرکش بودیم

امید است که پروردگار ما بهتر از آن را به جای آن به ما بدهد، که ما به سوی پروردگاران مشتاقیم

این گونه است عذاب (ما در دنیا)، و البته عذاب آخرت بزرگتر است، اگر می دانستند

به یقین برای پرهیزگاران در نزد پروردگارشان بهشت های پر نعمت است

پس آیا ما تسلیم شدگان را (از نظر پاداش اخروی) همانند گنهکاران قرار می دهیم؟

شما را چه شده؟ چگونه داوری می کنید؟

آیا برای شما کتابی است (آسمانی) که در آن می خوانید

که برای شماست (در آن عالم) هر چه برگزینید؟

یا برای شما عهد و پیمان های مؤکد است بر ما تا روز قیامت که هر آنچه حکم کنید (از بهشت و نعمت های آخرت) برای شما خواهد بود؟

از آنان بپرس که کدام یک از آنها ضامن این (ادعا) است؟

یا آنها را شریکانی است (شریکانی در صحت این ادعا یا مبودهایی شریک خدا که فردا آنها را نجات دهند و مقام بخشند)؟ پس شریکانشان را بیاورند اگر راستگویند

(به یاد آر) روزی که کار بر آنها به شدت سخت شود و (به عنوان توبیخ) به سجده کردن دعوت شوند ولی نتوانند (زیرا صفت تکبر دنیوی به انجماد قامتشان تجسّم یافته است)

خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهِفُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ^ط سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّنْ مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ

فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ

لَوْلَا أَن تَدْرَكُهُ نِعْمَةٌ مِّنْ رَبِّهِ^ه لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَفَجَعَلَهُ^و مِنَ الصَّالِحِينَ

وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

در حالی که چشمانشان فرو افتاده، ذلت و خواری وجودشان را فرا گیرد، و همانا (در دنیا) به سجده (خدا) دعوت می شدند در حالی که سالم بودند

پس مرا با کسانی که این حدیث را (قرآن را) تکذیب می کنند واگذار، که به زودی آنها را تدریجاً (به سوی عذاب و شقاوت ابدی) از آنجا که نمی دانند نزدیک می کنیم

و من به آنها مهلت می دهم (تا شقاوتشان به کمال رسد) و همانا کید و تدبیر من محکم و استوار است

آیا از آنان (برای رسالت خود) مزدی می طلبی تا آنها از غرامت گرانبار باشند؟

یا آنکه غیب نزد آنهاست (علم لوح محفوظ یا مغیبات اشیا) پس (از روی آن) می نویسند (و بر شرک و فسق خود استدلال می کنند و از تو بی نیاز می شوند)

پس بر فرمان پروردگارت صبر کن (و در هلاک آنان مشتاب) و همانند (یونس) صاحب ماهی مباش آن گاه که با دلی پراندوه (در شکم ماهی خدا را) ندا درداد

اگر نه این بود که نعمتی از جانب پروردگارش (توفیق، قبول توبه و ولایت معنوی) او را دریافت، همانا (از شکم ماهی) ملامت شده و مطرود به صحرایی بی گیاه افکنده می شد (ولی مشمول رحمت گشت و با کمال حرمت افکنده شد)

پس پروردگارش او را (به تجدید وحی و الطاف خاصه) برگزید و از شایستگانش قرار داد

و حقیقت این است که کسانی که کفر ورزیده اند هنگامی که این ذکر (قرآن را) شنیدند نزدیک بود تو را به (نحوست) چشمانشان بلغزانند! و (به خاطر عجز از درک قرآن درباره آورنده آن) می گویند: او دیوانه است

در حالی که این (پیامبر و این قرآن) چیزی جز مایه تذکری برای جهانیان نیست

۶۹. حاقه	الحَاقَّةُ: حتمی	مکی	۵۲ آیه	۳ صفحه
----------	------------------	-----	--------	--------

آن ساعت، و آن حادثه واقع شدنی، و آن امور و احوال مسلّم الوقوع که نامش حاقّه است

چیست حقیقت آن حاقّه؟ (چه حادثه بزرگ و هولناک و طولانی است!

و چه آگاهت کرد که حاقّه چیست؟! (نمی توانی به حقیقت آن پی ببری. آن حادثه کوبنده ای است.

ثمود (قوم صالح) و عاد (قوم هود) آن حادثه کوبنده را تکذیب کردند

اما قوم ثمود به سبب طغیانشان با عذابی متجاوز از حد، هلاک شدند

و اما قوم عاد به واسطه تندبادی سرد و غرّان و سرکش به هلاکت رسیدند

(بادی که خداوند) آن را به مدت هفت شب و هشت روز نحس و پی در پی بر آنان مسلط نمود، و (اگر آنجا بودی) آن گروه را بر زمین افتاده می دیدی، گویی تنه های نخل تو خالی و از جا کنده اند

پس آیا از آنها هیچ باقی مانده ای می بینی؟

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ ۖ وَالْمُوتِفِكْتُ بِالْخَاطِئَةِ

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً

إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُنْذُنٌ وَعِيَةٌ

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَةٌ

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَةَ

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَةَ

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

فُطُوفُهَا دَانِيَةٌ

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ ۖ فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَةَ

وَلَمْ أَدرِ مَا حِسَابِيَةَ

يَلَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيُ

هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيَةُ

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ

ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ

و فرعون و کسانی (از کافران) که پیش از او بودند و (اهل) شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) مرتکب خطا شدند (و راه اصول و فروع دین را به خطا رفتند)

پس فرستاده پروردگارشان را نافرمانی کردند، خداوند هم آنها را به کیفر سختی بگرفت

ما وقتی که آب (فرو ریخته از آسمان و فرا جوشیده از زمین به دعای نوح) از سرگذشت (اجداد) شما را به کشتی سوار کردیم

تا آن (حادثه) را برای شما مایه تذکر قرار دهیم و گوش شنوا و نگهدارنده آن را نگه دارد

پس چون در صور یک بار دمیده شود (نفخه اول که مقدمه به هم خوردن نظم جهان هستی است)

و زمین (از مدار حرکت خود) و کوه ها (از مقر اتصال خود) برداشته (و بر کنار) گردند و هر دو با یک برخورد درهم کوبیده شوند

پس آن روز است که قیامت تحقق یابد

و آسمان بشکافد و (نظم و وضع) آن در آن روز سست و متلاشی خواهد شد

و فرشتگان (مسلط) بر اطراف آسمان باشند، و عرش پروردگارت را در آن روز هشت نفر (یا هشت گروه) بر بالای سر خود (یا بر بالای سر آسمانیان) برمی دارند

در آن روز شما (به پیشگاه خدا برای حساب و داوری) عرضه خواهید شد، هیچ امر نهانیتان پنهان نخواهد ماند

اما کسی که نامه عمل او به دست راست او داده شود، (با خوشحالی) می گوید: بگیرید (ای مردم و) بخوانید کتاب مرا

حقاً که من (در دنیا) یقین داشتم که به حساب (عمل های) خود خواهم رسید

پس او در یک زندگی است که نیکو و صاحبش از آن خشنود است

در بهشتی برین و عالی مقام

که میوه هایش نزدیک است (به خاطر آنکه شاخه ها در تحت اراده چیننده است)

بخورید و بیاشامید، گوارا باد به پاداش آنچه در روزگارهای گذشته از پیش فرستادید (که همه در برابر آن عمل ها یا تجسم خارجی آن عقاید و اعمال است)

و اما کسی که نامه (عمل) او به دست چپش داده شود، می گوید: ای کاش نامه ام به من داده نمی شد

و نمی دانستم حسابم چیست

ای کاش (به جای) آن حیات دنیوی من مرگی قاطع بود (و یا آن مرگ دنیوی نابودکننده دائم من بود، و یا به جای این حالم مرگی فانی کننده داشتم)

اموال (دنیایی) من (هیچ عذابی را) از من دفع نکرد

قدرت و سلطنتم (و حجت و برهان ادعاهایم) از دستم رفت

(دستور می رسد) او را بگیرید و در غل و زنجیر کنید

سپس او را در آتش فروزان درآورید و بسوزانید

سپس در زنجیری که درازایش هفتاد گز است در بند کشید

زیرا او (در دنیا) به خدای بزرگ ایمان نمی آورد

و هیچ گاه (خود و دیگران را) به دادن طعام به فقیر و مستمند ترغیب نمی کرد

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ

۳۶

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ

۳۷

لَا يَأْكُلُهُوَ إِلَّا الْخَلِيطُونَ

۳۸

ر۵۰۱

فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ

۳۹

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ

۴۰

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

۴۱

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ

۴۲

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

۴۳

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

۴۴

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ

۴۵

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ

۴۶

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

۴۷

فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ

۴۸

وَإِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

۴۹

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ

۵۰

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

۵۱

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ

۵۲

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

۷۰. معارج	المَعَارِج: درجات	مکی	۴۴ آیه	۳ صفحه
-----------	-------------------	-----	--------	--------

۱

ر۵۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ

۲

لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ

۳

مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ

۴

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ

أَلْفَ سَنَةٍ

۵

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا

۶

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ وَبَعِيدًا

۷

وَنَرْنَهُ قَرِيبًا

۸

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ

۹

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ

۱۰

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا

پس امروز او را در اینجا خویش و دوست مهربانی نیست

و نه خوراکی، مگر از غسله اهل آتش یا چرک و خونی (که از بدن دوزخیان می چکد)

که آن را جز گنهکاران خطا پیشه نمی خورند

پس نه سوگند به آنچه می بینید (از محسوسات)

و آنچه نمی بینید (از موجودات غیبی)

که این (قرآن) به یقین گفتار فرستاده ای گرامی (جبرئیل و پیامبر) است

و آن گفتار یک شاعر نیست (ولی) کمتر ایمان می آورید

و نه گفتار یک کاهن (که سخن از اجنه فرا می گیرد اما) کمتر متذکر می شوید

(این کتاب) فروفرستاده ای است از جانب پروردگار جهانیان

و اگر او برخی از گفتارها را به ناحق به ما می بست

مسلمًا او را به تمام قدرت می گرفتیم و یا دست راستش را می گرفتیم و به عذاب می کشیدیم

سپس بی تردید شاهرگ قلبش را می بریدیم

در آن صورت هیچ یک از شما جلوگیری از (عذاب) او نبود

و همانا این (قرآن) یادآوری است برای پرهیزکاران

و ما حتما می دانیم که از میان شما تکذیب کنندگانی هستند

و این (قرآن) حتما (در روز جزا) حسرتی برای کافران خواهد بود

و همانا این (قرآن) حق و حقیقت یقینی است

پس به نام پروردگار بزرگ خویش تسبیح گوی (و او را از هر عیب و نقمی منزّه دان)

درخواست کننده ای عذابی را درخواست نمود که (حتما) واقع شدنی است

برای کافران، و آن را بازدارنده ای نیست

(عذابی) از جانب خداوند صاحب معارج (درجات آسمانی که عمل های بندگان و افواج فرشتگان از آنها بالا می روند یا درجات کمال روحی مؤمنان یا درجات معنوی فرشتگان، یا درجات بهشتی اولیاء خدا)

فرشتگان و روح (جبرئیل یا موجود شریفی غیر فرشته) در روزی که مقدار آن (در سنجش با روزهای دنیا) پنجاه هزار سال است (یعنی روز قیامت، برای منقضی شدن کارهای اجرایی عالم هستی و برای عرضه محاسبات) به سوی خداوند عروج (معنوی) می کنند

پس صبر کن صبری نیکو (که در آن شایبه نارضایتی و جزع و عجله نباشد)

آنها آن (روز) را دور (از امکان) می بینند

و ما آن را نزدیک (به امکان یا به وقوع) می بینیم

روزی که آسمان همانند فلز گداخته شود

و کوه ها همانند پشم رنگین (زده شده پراکنده در هوا) گردد

و هیچ خویشاوند و دوست گرمی از (حال) خویشاوند و دوست خود نپرسد

يُبْصِرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِهِمْ
بَبَنِيهِ

۷۰:
معارف
۱۱
/۴۴

۱۲ وَصَحِبَتِهِ وَأَخِيهِ

۱۳ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ

۱۴ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ

۱۵ كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْلَى

۱۶ نَزَاعَةً لِللَّشَوَى

۱۷ تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى

۱۸ وَجَمَعَ فَأَوْعَى

۱۹ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا

حزب
۲۲۸

۲۰ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا

۲۱ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا

۲۲ إِلَّا الْمُصَلِّينَ

۲۳ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ

۲۴ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ

۲۵ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

۲۶ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيِّمَ الَّذِينَ

۲۷ وَالَّذِينَ هُمْ مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ

۲۸ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَا مُنِ

۲۹ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ

۳۰ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ
مَلُومِينَ

۳۱ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

۳۲ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

۳۳ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَتِهِمْ قَائِمُونَ

۳۴ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

۳۵ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّتٍ مُّكْرَمُونَ

۳۶ فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ

۵۰۳ر

۳۷ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ

۳۸ أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ

۳۹ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ

خویشان را به خویشان خود بنمایند و نشان دهند (لکن از شدت هول به یکدیگر توجه نکنند)، گنهگار آرزو کند ای کاش می توانست از عذاب آن روز پسران خود را فدا دهد

و نیز همسر و برادرش را

و نیز خویش و قومش را که (در دنیا) او را پناه می دادند

و نیز همه کسانی را که در روی زمین اند، تا این کار او را (از عذاب آن روز) نجات دهد

چنین نیست (که مجرم نجات یابد، بلکه) آن (جهنم) شعله آتش است که زبانه می کشد

در حالی که برکننده پوست سر و اعضا (بدن) است

(به گفتار لفظی و جذب قهری) فرا می خواند، هر کس را که (به حق) پشت کرده و (از خدا و دعوتش) روی گرداند

و (اموالی) جمع کرد و در ظرف هایش (از صندوق و بانک و انبار) انباشته نمود

حقا که انسان به غایت حریص و کم طاقت آفریده شده

چون او را ضرر و آسیب رسد سخت بی تابی کننده است

و چون خیری بدو رسد سخت بخیل و نابخشوده است

مگر نمازگزاران

آنان که بر نمازشان پیوسته و پایدارند

و آنان که در اموالشان حقی است معلوم (مانند زکات های واجب و مستحبّ و انفاق های دیگر)

برای اهل سؤال و محروم (از مال دنیا)

و آنان که (در اعتقاد و عمل) روز جزا را تصدیق دارند

و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند

زیرا که از عذاب پروردگارشان ایمنی نیست

و آنان که نگهدارنده نیروی شهوت خویش اند

مگر با همسران خود یا کنیز ملکی خود، که آنان (در اعمال غریزه شهوت در این موارد) مورد سرزنش نیستند

پس هر که جز این (دو مورد) را طلب کند (و التذاذ جنسی به هر نوع و با هر کس و هر چیز انجام دهد) چنین کسانی متجاوز (از حدود اسلام) اند

و آنان که به امانت ها و عهد و عقد خود (با خالق و مخلوق) پایبندند

و آنان که بر سر شهادت های خود (در مقام تحمل و ادا) ایستاده و استوارند

و آنان که بر نمازشان (از نظر رعایت حال واجب و مستحبّ و کمال اجزاء و شرایط) مواظبت می کنند

آنها در بهشت هایی (عالی و خواستنی) مورد اکرام اند

پس کسانی را که کفر ورزیده اند چیست که به نزد تو شتابانند؟

و گروه گروه از راست و چپ (گرد تو را می گیرند)؟

آیا هر یک از آنان طمع دارد که (فردای قیامت با آن حال کفر) او را به بهشت پرنعمت درآورند؟

چنین نیست ما آنها را از آنچه خود می دانند آفریده ایم (از نطفه و مراحل بعدی، و تا به ایمان و عمل تکامل نیابد سزاوار بهشت نگردند)

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِرُونَ

عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

فَذَرَهُمْ يَخْضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ

خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهِقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

۰۷۱. نوح	نُوح: نوح	مکی	۲۸ آیه	۲ صفحه
----------	-----------	-----	--------	--------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا

يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْبِعَهُمْ فِيٰٓءَاذَانِهِمْ وَأَسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهَارًا

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا

پس سوگند به پروردگار مشرق ها و مغرب ها (صد و هشتاد مشرق خورشید از اول میل اعظم جنوبی آفتاب تا انتهای میل اعظم شمالی آن که از اول زمستان تا اول تابستان و عکس آن است، و صد و هشتاد مغرب مقابل آنها و یا مشرق ها و مغرب های ستارگان و یا اقمار دیگر این خورشید، و یا اقمار هر خورشیدی) که همانا ما تواناییم

بر این که به جای آنها (انسان هایی) بهتر از آنها را بیاوریم، و ما هرگز (در اراده خود) مغلوب نمی شویم

پس (بعد از اتمام حجت با آنها مستیز، بلکه) آنان را رها کن تا (در گرداب طغیان خود) فرو روند و بازی کنند تا روزی را که به آنها وعده داده می شود ملاقات نمایند

روزی که از قبرهای خود شتابان بیرون می آیند، گویی به سوی نشانه ای نصب شده به سرعت حرکت می کنند

در حالی که چشمانشان فرو افتاده، ذلت و خواری (بزرگ) آنها را فرا می گیرد، آن است روزی که وعده داده می شدند

همانا ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قوم خود را بیم ده پیش از آنکه عذابی دردناک به آنان رسد

نوح گفت: ای قوم من، بی تردید من برای شما بیم دهنده ای آشکارم

که خدا را بپرستید و از او پروا نمایید و از من اطاعت کنید

تا از گناهان شما ببخشاید و شما را تا مدتی معین (اجلی که بر هر زنده ای به طبع اولی نوشته شده) مهلت دهد (و پیش از آن به کیفر طغیانتان نکشد)، همانا اجل خدایی هر گاه فرا رسد هرگز تأخیر نمی افتد، اگر بدانید

گفت: پروردگارا، من قوم خود را شب و روز دعوت کردم

اما دعوت من برای آنها جز فرار (از حق) نیفزود

و البته من هر وقت آنها را دعوت کردم تا بر آنها ببخشایی، انگشتان خود را در گوش هایشان کردند و لباس های خویش بر سر کشیدند و (بر مخالفت و عناد) اصرار کردند و به شدت تکبر ورزیدند

باز هم من آنها را با صدای بلند و آشکار دعوت نمودم

و باز دعوت را بر آنها علنی و در اجتماعشان، و سرّی و در نهان انجام دادم

پس گفتم که از پروردگار خود طلب آمرزش کنید که او همواره بسیار آمرزنده است

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا

تا آسمان (ابر) را بر شما پرباران فرستد

وَيُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ أَنْهَارًا

۱۲

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا

۱۳

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا

۱۴

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا

۱۵

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا

۱۶

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا

۱۷

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا

۱۸

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا

۱۹

لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا

۲۰

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا

۲۱ رعد ۵۰

وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا

۲۲

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا

۲۳

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا

۲۴

مِمَّا حَطِيتَتْهُمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا

۲۵

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا

۲۶

إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

۲۷

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا

۲۸

در حالی که شما را در مراحل و حالاتی گوناگون آفریده (مواد خاکی، نبات، غذا، نطفه، علقه، مضغه، جنین، طفل، جوان و پیر)

آیا (به چشم دل) ندیده اید که خداوند چگونه هفت آسمان را طبقه هایی روی هم آفریده است؟

و ماه را در میان آنها روشن و روشنی بخش و خورشید را چراغی تابان قرار داد

و خداوند شما را از زمین به رویش خاصی رویانید (از مواد خاکی تا انسان کامل شدن رویشی است به طرز حرکت جوهری)

سپس جسم شما را در دل آن بازمی گرداند و باز به طرز خاصی بیرون می آورد. (روز قیامت ذرات متلاشی آن را جمع کرده شکل دنیوی می دهد و روح برزخی را در آن وارد می کند)

و خداوند این زمین را برای شما فرشی گسترده قرار داد

تا در آن (برای اهداف زندگی خود) راه های وسیع صحرایی و میان کوه ها را بیمایید

نوح گفت: پروردگارا، آنها مرا نافرمانی کردند و از کسی که مال و فرزندش جز بر زیان (اخروی) او نیفزود (رؤسا و اشرافشان) پیروی کردند

و نیرنگی بس بزرگ اندیشیدند

و گفتند: هرگز خدایاتتان را رها نکنید و ابدًا ودّ و سواع و یغوث و یعوق و نسر را (که نام بتانشان در آن عصر بود) ترک نکنید

و حقّا (آن سران) بسیاری را گمراه کردند و (خدایا) ظالمان را جز گمراهی میفزای

(آری) به سبب گناهانشان غرق شدند، و بلافاصله در آتشی (سوزان در عالم برزخ) درآورده شدند، پس برای خود جز خداوند یار و انصاری نیافتند

و نوح گفت: پروردگارا، احدی از کافران را بر روی زمین باقی مگذار

که اگر آنها را باقی بگذاری بندگان را گمراه می سازند و جز بدکار کفرورزنده و کفران کننده ای زاد و ولد نمی کنند

پروردگارا، بر من و پدر و مادرم و هر کس که با ایمان به خانه من درآید و بر مردان و زنان مؤمن بیخشی، و ستمکاران را جز هلاکت میفزای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۖ وَلَن نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا

وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن تَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَهَا مِْلَةً حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدَ لِّلسَّمِيعِ ۖ فَمَن يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَّصَدًا

وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرُّ أَرِيدَ يَمَنَ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِمَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن نُّعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُ هَرَبًا

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ ۖ فَمَن يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ ۚ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا

بگو: به من وحی شده که گروهی از جن (که موجوداتی مستور از حواس ما، مخلوق از آتش، دارای جنس نر و ماده، زاد و ولد، تکلیف دینی، مرگ و بعث، ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ هستند، به این قرآن) گوش فرا داده، پس (به سوی قوم خود رفته) گفته اند: حقا که ما قرآن عجیبی شنیدیم (که در زیبایی لفظ، دقت نظم و عمق محتوا فوق کلام بشر است)

و (نیز ایمان آوردیم به) اینکه مقام و عظمت پروردگار ما برتری دارد، و او هرگز برای خود همسر و فرزندی اتخاذ نکرده است

و شخص نادان ما بر خداوند سخنی دور از حق می گفته (که) او همسر و فرزند دارد)

و ما گمان داشتیم که هرگز انس و جن بر خداوند دروغ نمی بندند

و مردانی از انس به مردانی از جن پناه می بردند (که شری را از آنها دفع کنند یا اخباری را از راه کهانت بیاموزند) پس آنها (اجنّه) بر گناه و طغیان و ذلت اینان (انسان ها یا اینان بر طغیان و سرکشی آنها) می افزودند

و آنها (مشرکین انس) گمان کردند همان گونه که شما (اجنّه) گمان کردید که هرگز خداوند احدی را (به نبوت برای بشر یا احدی را برای معاد) برنخواهد انگيخت

و ما به آسمان رسیدیم، پس آن را یافتیم که پر از نگهبانان نیرومند و تیرهای شهاب است

و ما در گذشته در موضعی از آن برای شنیدن (سخن فرشتگان) می نشستیم، اما اکنون اگر کسی گوش فرا دهد تیر شهابی را در کمین خود می یابد

و ما نمی دانیم آیا برای کسانی که در روی زمین اند شری خواسته شده یا آنکه پروردگارشان برای آنها هدایت و خیر خواسته است

و (پیش از استماع قرآن) گروهی از ما صالح و گروهی ناصالح بودند ما فرقه هایی متفرق بودیم

و ما دانستیم که هرگز خدا را در روی زمین (به وسیله مبارزه با اهداف او) عاجز نتوانیم کرد، و هرگز او را به فرار (از قبضه قدرت او) ناتوان نخواهیم ساخت

و چون ما این (قرآن) هدایت گر را شنیدیم به آن ایمان آوردیم زیرا هر کس به پروردگار خود ایمان آورد هرگز از نقص (پاداش خود) و رسیدن ظلمی نمی هراسد

وَأَنَا مِّنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا

۱۵ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا

۱۶ وَالْوَالِدَاتُ يُغْضِبْنَكَ بِإِسْلَامِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ بِنِعْمَةِ اللَّهِ هَدًى فَلَا تَكُونَنَّ لِلْطَّاغُوتِ عَلَا قًا وَمَا لِلظَّالِمِينَ نَصِيرٌ

۱۷ لِنَفْسِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا

۱۸ وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا

۱۹ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا

۲۰ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا

۲۱ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا

۲۲ قُلْ إِنِّي لَنْ يُخِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا

۲۳ إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَةً وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا

۲۴ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَّاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا

۲۵ قُلْ إِن أَدْرِىٰ أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا

۲۶ عَلِيمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا

۲۷ إِلَّا مَنْ أَرْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا

۲۸ لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

و از ما گروهی تسلیم (امر خدا) و گروهی منحرف از حقند. پس کسانی که تسلیم شدند آنهایند که رشد و هدایت را جستجو و پیدا کرده اند

و اما منحرفان از حق مسلماً هیزم جهنم خواهند بود. (پایان سخن اجنه

و (نیز به من وحی شده که) بی تردید اگر (انس و جن) بر راه (راست اعتقاد و عمل) استقامت ورزند حتما آنها را از آب فراوان (و برکات مادی و معنوی) سیراب سازیم

تا آنها را در این باره آزمایش کنیم. و کسی که از یاد پروردگار خود روی گرداند او را در عذاب سختی که بر او چیره شود درمی آورد

و اینکه مساجد از آن خداست (سجده های به قصد عبادت، اوقات نمازها از مجموع هر وقتی به مقدار انجام نماز آن، مسجدها جمیعا و هفت عضو بدن انسان که باید وقت سجده به زمین برسد، همه از آن اوست) پس احدی را با خداوند (به عنوان پرستش) بخوانید

و این که چون بنده خدا (پیامبر) برخاست که خدا را بخواند چیزی نمانده بود که (مؤمنان و مشرکان برای شنیدن آیات عجیب قرآنی) بر سر او روی هم بریزند

بگو: جز این نیست که من پروردگار خود را می خوانم و هرگز کسی را (در ربوبیت و پرستش) شریک پروردگار خود نمی سازم

بگو: من هرگز مالک (رساندن) ضرر یا هدایتی برای شما نیستم

بگو: بی تردید هرگز کسی مرا در برابر خدا پناه نمی دهد، و هرگز جز او پناهگاهی نمی یابم

(وظیفه من نیست) مگر رساندن (توحید و شئون جلال و جمال) از جانب خداوند و (رساندن) رسالت های او و آنان که خدا و فرستاده او را نافرمانی کنند بی تردید برای آنان آتش دوزخ است که جاودانه در آن ماندگار خواهند بود

(آنها شما را ضعیف و بی یاور خواهند شمرد) تا آن گاه که آنچه را وعده داده می شوند ببینند، پس به زودی می فهمند چه کسی از نظر یاور ناتوان تر و از نظر تعداد کمتر است

بگو: من نمی دانم آیا آنچه وعده داده می شوید (از عذاب دنیا یا قیام قیامت) نزدیک است یا پروردگارم برای آن مدتی (طولانی) قرار خواهد داد

(خداوند) دانای غیب است، و بر اسرار غیبی خود کسی را آگاه نمی کند

مگر کسی را که برگزیده از فرستاده (فرشته به سوی پیامبران و فرستاده پیامبر به سوی مردم که او را مطلع می نماید)، پس خداوند از پیش رو و پشت سر او نگهبانی (از فرشتگان محافظ) روانه می کند (تا رسولان ملکی و بشری را از مزاحمت شیاطین مصون دارند، و

تا بدانند (و علم ازایش تحقق خارجی یابد) که آنان رسالت های پروردگارشان را (به پیامبران و آنان به مردم) رسانند و او احاطه (علمی) دارد به آنچه

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ	ای جامه بر خود پیچیده
۲	قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا	شب را جز اندکی (برای نماز و عبادت) برخیز
۳	نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا	نصف شب را یا اندکی از نصف کم کن (یک سوم آن را)
۴	أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا	یا بر نصف بیفزای (دو سوم آن را)، و قرآن را با ترتیل (شمرده و آرام و با ترتیب) تلاوت کن
۵	إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا	همانا ما به زودی بر تو سخنی سنگین القا خواهیم کرد (آیاتی سنگین از نظر فهم معانی، اتصاف نفس به حقایق آن، عمل به فرامین آن، ابلاغ آن به مردم، پیاده کردن آن در مجتمع و درک و عمل جامعه به آن)
۶	إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا	زیرا عبادتی که در شب صورت می گیرد محکمتر و پابرجاتر و گفتار در آن درست تر و استوارتر است
۷	إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا	و البته برای تو در روز کار و اشتغال طولانی است (و کمتر به عبادت می رسی)
۸	وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا	و نام پروردگار خود را (به زبان و دل) یاد کن و (در دل) از همه چیز به سوی او منقطع شو
۹	رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا	همان خدایی که پروردگار مشرق و مغرب است، جز او معبودی نیست، پس او را وکیل خود ساز (و بر او توکل نما)
۱۰	وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْلِرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا	و بر آنچه می گویند (از نسبت های ناروا) صبر کن و از آنها به وجهی نیکو (به صبر و مدارا و عدم درگیری، تا آن گاه که مأمور به جهاد شوی) دوری گزین
۱۱	وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا	و مرا با تکذیب کنندگان توانگر و خوشگذران واگذار، و آنها را اندکی (در این دنیا) مهلت ده
۱۲	إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا	که همانا در نزد ما (در عالم آخرت) زنجیرهایی گران و آتشی به شدت فروزان است
۱۳	وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا	و خوراکی گلوگیر و عذابی دردناک
۱۴	يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا	در روزی که این زمین و کوه ها بلرزند و کوه ها به صورت تپه های شن روان گردند
۱۵	إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا	به یقین ما به سوی شما رسولی فرستادیم که بر (اعمال) شما گواه است، چنان که به سوی فرعون رسولی فرستادیم
۱۶	فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذَاً وَبِيلًا	پس فرعون آن فرستاده را نافرمانی کرد، ما هم او را به طرز سختی (به عذاب خود) بگرفتیم
۱۷	فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا	پس اگر کفر بورزید چگونه از (عذاب) روزی که کودکان را (از شدت هول) پیر سپیدمو کند پرهیز خواهید کرد؟
۱۸	السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ ۚ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا	آسمان به سبب (شدت) آن روز شکافته خواهد بود (آری) وعده او شدنی است
۱۹	إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ۖ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا	همانا این (آیات) وسیله تذکر است، پس هر کس بخواهد به سوی پروردگار خود راهی برگزیند

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ ۖ وَثُلُثَهُ ۖ وَطَآئِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ ۗ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ عَلِمَ أَن لَّنْ نُحْصِيَهُ فَتَابَ عَلَيْكُم ۖ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنْكُم مَّرْضَىٰ وَءَاخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ ۚ وَءَاخِرُونَ يَقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ ۚ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۚ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۚ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۷۴. مدثر	الْمُدَّثِّرُ: جامهٔ خواب به‌خود پیچیده	مکی	۵۶ آیه	۳ صفحه
۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ	ای جامه رو بر خود پیچیده و ای ردای شب بر سر کشیده (و ای لباس نبوت بر جان و جامه کمالات بر روان پوشیده)		
۲	قُمْ فَأَنْذِرْ	برخیز و (مکلفان انس و جن را) انذار کن		
۳	وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ	و پروردگار خود را تکبیر گوی و (به گفتار و عمل) به بزرگی یاد کن		
۴	وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ	و لباس هایت را پاکیزه ساز (لباس های تن از نجاست و روح از محرمات پاک کن و همسرانت را از کفر و فسق تطهیر نما)		
۵	وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ	و از پلیدی و موجبات عذاب دوری گزین		
۶	وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ	و مالی را مبخش که بخواهی عوض بیشتری دریابی، و یا آن را در نظر خود زیاد بشماری یا در عبادتت بر خدا منت منه که آن را بسیار انگاری		
۷	وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ	و برای پروردگارت شکیبایی کن		
۸	فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ	پس هنگامی که در صور دمیده شود		
۹	فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ	پس آن روز، روزی سخت است		
۱۰	عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابٌ عَسِيرٌ	بر کافران آسان نیست		
۱۱	ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا	مرا تنها گذار با آن که او را آفریدم		
۱۲	وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا	و برای او مالی گسترده و فراوان قرار دادم		
۱۳	وَبَنِينَ شُهَدَاءَ	و پسرانی حاضر (در مکه، یا در مجالس اعیان ها، یا آماده خدمت دادم)		
۱۴	وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا	و برای او (بساط جاه و مال و اولاد) به فراوانی گستردم		
۱۵	ثُمَّ يَظْمَعُ أَنْزِيدَ	باز هم طمع دارد که بیفزایم		
۱۶	كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِإِيْتِنَا عَنِيدًا	هرگز (نمی افزایم)، زیرا او پیوسته با نشانه های (توحید و رسالت رسول) ما عناد می ورزد		
۱۷	سَأَرْهُقُهُ صُعُودًا	به زودی او را به بالا رفتن از گردنه پر مشقتی وادار می کنم (به عذاب سخت آخرت گرفتار می کنم)		

إِنَّهُ وَفَكَرَ وَقَدَّرَ

همانا او (درباره قرآن) فکر کرد و سنجید

۱۹ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ

پس کشته باد که چگونه سنجید

۲۰ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ

باز هم کشته باد که چگونه سنجید

۲۱ ثُمَّ نَظَرَ

سپس نگریست

۲۲ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ

آن گاه روی ترش کرد و چهره درهم کشید

۲۳ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ

سپس پشت (به حقیّت قرآن) کرد و تکبر ورزید

۲۴ فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ

آن گاه گفت: این نیست جز جادویی که (از جادوگران پیشین) باز گفته می شود

۲۵ إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ

این جز گفتار بشر نیست

۲۶ سَأُصْلِيهِ سَقَرَ

به زودی او را به سقر درآورم و بسوزانم

۲۷ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ

و تو چه دانی که سقر چیست

۲۸ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ

دوزخی است که (چیزی را) نه باقی می گذارد (که به او نرسد و نسوزاند) و نه رها می کند (مگر آنکه به اعماقش برسد، یا چون پس از نابودی بازگردانده شود دوباره می سوزاند)

۲۹ لَوَاحِئُهُ لِلْبَشَرِ

آشکار است (در آن روز) برای بشرها، و سوزاننده و سیاه کننده پوست های بدن است

۳۰ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ

بر آن نوزده (نفر یا گروه) گمارده شده اند

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ

۳۲ كَلَّا وَالْقَمَرِ

را ۵۱۱

۳۳ وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ

۳۴ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ

۳۵ إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبَرِ

۳۶ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ

۳۷ لِمَن شَاءَ مِنْكُم أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ

۳۸ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَةٌ

۳۹ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ

۴۰ فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ

۴۱ عَنِ الْمُجْرِمِينَ

۴۲ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ

۴۳ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ

۴۴ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ

۴۵ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ

۴۶ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بَيَّومَ الدِّينِ

۴۷ حَتَّىٰ أَتَيْنَا الْأَيُّقِينَ

و ما مأموران آتش را جز فرشتگان نکردیم و شمار آنها را (در این تعداد) جز آزمایشی برای کسانی که کفر ورزیده اند قرار ندادیم، تا آنان که به آنها کتاب داده شده (یهود و نصاری به خاطر مطابقت قرآن با کتابشان) یقین کنند، و مؤمنان نیز بر ایمانشان افزوده گردد و اهل کتاب و مؤمنان شک نکنند، و از طرفی کسانی که در دل هایشان مرض (شک) است و نیز کافران گویند: خداوند از این (توصیف عدد مأموران دوزخ) چه مثلی اراده نموده؟ (آیا می شود فقط نوزده نفر محیط پهناور دوزخیان بی شمار را اداره کنند؟!)

این گونه خداوند هر که را بخواهد (پس از اتمام حجت و عدم پذیرش) در گمراهی رها می کند، و هر که را بخواهد (پس از پذیرش دین به کمالات دیگر) هدایت می نماید. و (شمار) سپاهیان پروردگارت را جز او کسی نمی داند، و این (آیات قرآنی) جز وسیله تذکر برای بشر نیست

چنین نیست (که می پندارند که قرآن و دوزخ دروغ است) سوگند به ماه

و سوگند به شب هنگامی که پشت کند

و سوگند به صبح زمانی که روشن شود، که

حتما این (آیات قرآن یا این دوزخ) یکی از بزرگترین (نشانه های لطف و قهر خدا) است

در حالی که بیم دهنده است برای بشر

برای هر کس از شما که بخواهد (به واسطه ایمان و عمل) پیش رود یا (به واسطه کفر و عسیان) عقب بماند

هر کس در گرو کسب خویش است (هر نفسی در برابر واجباتی که باید کسب کند، و محرمانی که کسب نموده در گرو است و چون اول را داد و دوم را زدود رها می شود)

مگر اصحاب یمین (دست راستیان صالح که از گرو خارج شده اند)

که در بهشت ها و باغ ها به سر برده، از یکدیگر می پرسند

از حال گنهکاران

(سپس به آنها متوجه شده می گویند) چه چیز شما را به دوزخ درآورد

گویند: ما از نمازگزاران نبودیم

و به فقیر و تهیدست طعام نمی دادیم

و با اهل باطل (در کارها و گفتارهای بیهوده) غور می کردیم

و روز جزا را تکذیب و انکار می کردیم

تا آنکه مرگ ما فرا رسید

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَعَةُ الشُّفَعِيْنَ

۴۹ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ

۵۰ كَانَتْهُمْ حُمْرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ

۵۱ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ

۵۲ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ اَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنْشَرَةً

۵۳ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ

۵۴ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ

۵۵ فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ

۵۶ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا اَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ هُوَ اَهْلُ التَّقْوٰى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

۷۵. قیامت	الْقِيَامَةُ: قیامت	مکی	۴۰ آیه	۲ صفحه
-----------	---------------------	-----	--------	--------

۱ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
لَا اُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَمَةِ

سوگند می خورم به روز قیامت

و سوگند به نفس ملامت گر (نفس مؤمن و و جدان بیدارش که او را در مقابل عصیانش سرزنش می کند سوگند به اینها که قیامت حق است)

آیا انسان می پندارد که ما هرگز استخوان های او را (پس از مرگ از میان خاک ها) گرد نمی آوریم

چرا (گرد می آوریم) حال آنکه قادریم سر انگشتان او را نیز با همان اسرار خطوطی که اول داشت بسازیم

(انکارش تنها برای این نیست که در قیامت شک دارد) بلکه انسان می خواهد هر چه (در عمر) پیش رود گناه کند

می پرسد روز قیامت کی است

پس آن گاه که چشم (از سختی مرگ یا از هول محشر) بازایستاد و خیره گشت

و نور این ماه خاموش شد

و خورشید و ماه (در گرفتگی نور یا در نزدیکی به زمین یا در جو و فضا) با هم شدند

در آن روز انسان می گوید: راه گریز کجاست

حاشا، هرگز پناهگاهی نیست

قرارگاه نهایی (همه موجوداتی که از بدو خلقت به طرف او روانند) در آن روز، تنها به سوی پروردگار توست (که بر حسب اختلاف درجات در بهشت یا دوزخ استقرار ابدی دارند)

انسان را در آن روز از آنچه پیش فرستاده (در دنیا انجام داده) و آنچه تاخیر انداخته (و نکرده، یا از خیر و شری که در زندگی کرده و آنچه به صورت سنت نیک و بد از خود به جای گذاشته) آگاهی دهند

(نیاز به اخبار نیست) بلکه انسان بر نفس خویشتن بیناست

هر چند (در ظاهر) همه عذرهای خود را القا کند

زبان خود را (وقت نزول قرآن) بدان حرکت مده که به خواندنش شتاب کنی (پیش از تمام شدن وحی شروع به خواندن مکن، یا مجموع قرآنی که یک دفعه در قلبت به ودیعت نهادیم، پیش از رسیدن موعد، سوره ها یا آیه های آن، چیزی از آن را به زبان میاور)

به یقین بر عهده ماست جمع کردن آن (در سینه ات) و خواندن آن (بر تو، و خواندن تو بر مردم)

پس چون آن را خواندیم از قرائت آن پیروی کن

سپس بیان (حقایق و اسرار) آن نیز بر عهده ماست

پس آنها را شفاعت شفیعان سودی نخواهد بخشید

پس آنها را چیست که از پند و تذکر رویگردانند؟

گویی گورخرانی رمیده اند

که از چنگ میادی (یا شیری) گریخته اند

(کار آنها تنها اعراض نیست) بلکه هر یک از آنها می خواهد که نامه هایی سرگشاده (از جانب خدا) به او داده شود (که این پیامبر را بپذیر)

چنین نیست (که چون نامه نیامده نمی پذیرند) بلکه آنها از آخرت نمی ترسند

چنین نیست (که می گویند، بلکه) این (قرآن) وسیله تذکر و یادآوری است

پس هر که بخواهد می تواند آن را یاد کند (و از محتوایش کمال یابد)

و یاد نمی کنند مگر آنکه خدا بخواهد (زیرا اراده اختیاری آنها نیز مانند اعمال خارجیشان در تحت اراده تکوینی خداست، اگر نخواهد تحقق نیابد)

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ

تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ

وَوَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ

وَالْتَقَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ

فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ

وَلَكِنَّ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ

أَوَّلَىٰ لَكَ فَأَوَّلَىٰ

ثُمَّ أَوَّلَىٰ لَكَ فَأَوَّلَىٰ

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِي يُمْنٍ

ثُمَّ كَانَ عِلْقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا

مَّذْكُورًا

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أُمشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ

سَمِيعًا بَصِيرًا

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَلََّا وَسْعِيرًا

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا

چنین نیست (که انکار معاد به خاطر شک در آن باشد) بلکه شما این دنیای زودرس را دوست دارید

و آخرت را رها می کنید

چهره هایی در آن روز خرم و شاداب است

(به دیده دل) به سوی پروردگار خود (و به دیده سر به تجلّی و ظهور اتم آثار جلال و جمال او) نظاره گر است

و چهره هایی در آن روز به شدت عبوس و درهم کشیده اند

می دانند که مورد عذابی کمرشکن (یا داغی آتشین بر بینی) قرار خواهند گرفت

چنین نیست (که انسان می پندارد) هنگامی که روح به استخوان های دور گردن (به گلوگاه) رسید

و (از طرف حاضران) گفته شد: کیست طیب شفابخش؟ (و فرشتگان گفتند: کیست روح او را بالا ببرد؟ فرشته رحمت یا غضب؟

و دانست که آن (زمان، زمان) جدایی (از دنیا) است

و ساق پا بر ساق دیگر بیچید و حسرت دنیا به عذاب آخرت متصل شد

در آن روز (روز مرگ) سوق و حرکت به سوی پروردگار توسّت (از ملاقات برزخی، قیامت، حضور در محکمه، محاکمه تا بهشت یا جهنم)

(در آن حال گفته می شود) او نه تصدیق (دعوت خدا) نمود و نه خضوع و نماز کرد

ولی تکذیب کرد و روی گردانید

سپس به سوی کسانش رفت در حالی که متکبرانه قدم برمی داشت

وای بر تو، و جهنم برای تو شایسته تر است

باز وای بر تو و جهنم برای تو شایسته تر است

آیا انسان می پندارد که بیهوده و باطل رها می شود (و تکلیف و حسابی ندارد)

مگر او قطره ای از آب منی که در رحم زن ریخته می شود نبود؟! (و از حیث وجود اسپرها و اوول در آن و اسرار نهفته آنها اندازه گیری می شود؟

سپس علقه ای (خون بسته ای) شد، پس (خدا) او را (در مراحل دیگری) بیافرید و (اندام های او را) درست و کامل نمود

آن گاه از آن، دو زوج نر و ماده قرار داد

آیا چنین خدایی قادر نیست که مرده ها را زنده کند؟

۰۷۶. انسان	الْإِنْسَان: انسان	مدنی	۳۱ آیه	۳ صفحه
------------	--------------------	------	--------	--------

آیا بر انسان زمانی از روزگار گذشت که چیزی قابل ذکر نبود؟ (آری از بدو تَکَوَّن مادّه اولیه اش تا وقت تشکیلش به شکل انسانی و نفخ روح که ادوار مختلف است زمانی گذشت که درخور اطلاق اسم انسان نبود)

در حقیقت ما انسان (نسل دو انسان اول) را از نطفه ای مرکب از مختلطاها (منی مرد و زن که هر یک آمیخته از موادی است) آفریدیم در حالی که او را از حالی به حالی درمی آوردیم که بیازماییم، و سرانجام او را موجودی شنوا و بینا قرار دادیم

همانا او را به راه راست (در ابعاد زندگیش به هدایت تکوینی و تشریعی) راهنمایی کردیم، خواه سپاسگزار باشد خواه ناسپاس

البته ما برای کافران (و ناسپاسان) زنجیرها و غل ها و آتشی فروزان آماده کرده ایم

بی تردید نیکان (در آن جهان) از جامی می نوشند که آمیزه آن کافور (سرد و خوشبو) است

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا

وَيُطْعَمُونَ اَلطَّعَامَ عَلٰى حُبِّهِۚ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

إِنَّمَا نُنْطَعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا

فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا

وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا

مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْآئِكِۖ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا

وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا

قَوَارِيرًا مِّنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَنٌ مُّخْتَلِفُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنْثُورًا

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلَكًا كَبِيرًا

عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌۖ وَحُلُّوْاْ أَسَاوِرَ مِّنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا

إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَّشْكُورًا

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْءَانَ تَنْزِيلًا

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِيعْ مِنْهُمْ ءَائِمًا أَوْ كَفُورًا

وَاذْكُرْ اِسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و آن را به هر گونه بخواهند جاری می سازند

آنها به نذر خود وفا می کنند، و از روزی که شر و عذاب آن بسی گسترده است می ترسند

و غذای خود را با علاقه (و نیاز) به آن و از روی محبت خدا به فقیر و یتیم و اسیر انفاق می کنند

(و زبان قال و حالشان این است که) جز این نیست که ما شما را برای رضای خدا اطعام می کنیم از شما پاداش و سپاسی نمی خواهیم

حقا که ما از پروردگاران در روزی که گرفته و به شدت سخت و هولناک (و چهره ها در آن عبوس) است می ترسیم

پس خداوند آنان را از شر آن روز نگه داشته، و آنان را با خوشی و شادابی و شادمانی رو به رو خواهد ساخت

و آنها را در برابر صبرشان بهشتی (برین) و ابریشمی (نازنین) پاداش خواهد داد

که در آنجا تکیه زنان بر پشتهی ها و تخت ها قرار گیرند در آنجا نه شدت گرمایی بینند و نه شدت سرمایی

در حالی که سایه های (درختان) آن بر سر آنها نزدیک و گسترده است، و میوه های چیدنی اش به آسانی فرود آمده و در اختیار است

و بر دور آنها جام هایی از نقره و تنگ هایی بلورین گردانیده می شود

بلورهایی که جوهرش از نقره است که (بهشتیان یا خدمه آنان) آنها را به هر اندازه که خواسته اند اندازه گیری کرده اند

و در آن بهشت از جامی نوشانده می شوند که آمیزه زنجبیل (خوشبو) است

و بر گرد آنها پسرانی جاودانی (در طراوت و نوجوانی) و دستبند و گوشواره دار (به خدمت) می گردند که چون آنها را ببینی پنداری مرواریدی غلتان و پراکنده اند

و چون آنها را ببینی، نعمتی (فراوان) و ملکی بزرگ بینی

و بر اندام آنها جامه هایی است سبز رنگ از ابریشم نازک و ضخیم و با دستبندهایی از نقره آرایش شوند، و پروردگارشان آنها را شرابی پاک و پاک کننده (از همه کدورت ها) بنوشاند

(خطاب شود که) همانا این (نعمت و رحمت) برای شما پاداش است، و سعی شما مورد سپاس است

(ای پیامبر) به یقین ما خود، این قرآن را بر تو به تدریج فرو فرستادیم

پس برای فرمان پروردگارت (در عمل و ابلاغ و پیاده کردن آن در جامعه) صبر کن، و از هیچ گنهکار یا کفرورزنده و کفران کننده ای از آنان اطاعت مکن

و نام پروردگار خود را در بامداد و شامگاه (به هر ذکر مطلق و خاصه به نماز صبح و ظهر و عصر) یاد کن

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا

۲۷ إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا

۲۸ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ^ط وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا

۲۹ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ^ط فَمَن شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

۳۰ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

۳۱ يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ^ط وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

۰۷۷. مرسلات	المُرْسَلَات: فرستادگان	مکی	۵۰ آیه	۲ صفحه
-------------	-------------------------	-----	--------	--------

سوگند به گروه های فرشتگان پیاپی ارسال شده (برای اداره امور عالم تکوین و به ارواح برزخی مؤمنان که در روز حشر به سوی بدن های نو به نحو تراکم ارسال می گردند)

پس به آنها که (به سوی اهداف خود) همانند تندباد روانند

و سوگند به فرشتگان نشرکننده به نشری خاص (که روح حیاتی به جانداران، و روزی به زنده ها، و وحی به انبیاء، و صحیفه های عمل به اهل محشر می رسانند)

پس به آن جدا کنندگان (حق از باطل) جدایی روشن و آشکار

پس به آن القاکنندگان ذکر (قرآن و پند در دل های جامعه)

که (همه معارف نشر و القا شده) برای اتمام حجت (بر تکذیب کنندگان) یا بیم دادن و هشدار (به پندپذیران) است

که آنچه بدان وعده داده می شوید (روز قیامت) به یقین واقع شدنی است

پس آن گاه که ستارگان محو شدند

و آن گاه که آسمان بشکافت

و آن گاه که کوه ها از جای کنده شدند

و آن گاه که فرستادگان (خدا) وقت حضورشان (در محاکمه امت و شهادتشان برای آنها) معین گردید (قیامت برپا خواهد شد)

(این حوادث) برای چه روزی تأخیر افتاده

برای روز داوری و جدایی (نیکان از بدان)

و تو چه دانی که روز فصل چیست (و چقدر مهم است)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان

آیا پیشینیان (از کفار و طغیان گران) را هلاک نکردیم

سپس پسینیان را نیز در پی آنان (به هلاکت و عذاب) درآوریم

ما با گنهکاران اینچنین رفتار می کنیم

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان

أَلَمْ تَخْلُقْهُمْ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ

إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَدِيرُونَ

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا

أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوْسِيَ شَاحَتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَّاءً فُرَاتًا

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

أَنْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ

أَنْطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ

كَأَنَّهُ جِمَلَتٌ صُفْرٌ

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ

فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ

وَفَوْكَاهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ تُجْرِمُونَ

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

آیا شما (اولاد آدم) را از آبی خوار و پست نیافریدیم

پس آن را در جایگاهی استوار (رحم مادر) قرار دادیم

تا مدتی معین (از شش ماه تا یک سال)

پس ما توانستیم (ساختن انسان را از آن آب) و نیکو تواناییم و اندازه گیری کردیم (او را از حیث جسم و اعضا و روح و صفات و نیاز) پس ما نیکو اندازه گیر هستیم

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان

آیا این زمین را حرکت کننده به سرعت در جو، و فراگیر و جای دهنده (برای ساکنان مختلف آن) قرار ندادیم

برای زنده ها و مرده ها

و در روی آن کوه هایی استوار و بلند قرار دادیم و شما را آبی گوارا نوشانیدیم

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان

(پس از حساب محشر به آنها گفته می شود) بروید به سوی آنچه بدان تکذیب می کردید

بروید به سوی سایه ای (از دود غلیظ) که دارای سه شاخه است (و تجسم عینی غلبه بهیمیّت و سبّیت و شیطنّت بر نفس است در دنیا)

که نه سایه افکن است و نه از زبانه آتش مانع می شود

که همانا شراره هایی پرتاب می کند (در بزرگی) همانند ساختمان بلند (یا تنه های بزرگ نخل)

(و در رنگ) گویی شترانی زرد رنگ اند

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان

این روزی است که آنها (در برخی از مواقف محشر) سخن نمی گویند

و آنها را اذن (سخن) گفتن نمی دهند، پس عذر نتوانند آورد (زیرا که عذر ندارند)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان

این روز داوری و جدا کردن (نیکان از بدان) است، که همه شما و پیشینیان را گرد آورده ایم

پس اگر چاره و نیرنگی (برای نجات از عذاب امروز) دارید با من به کار بندید

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان

به یقین پرهیزکاران در (زیر) سایه ها و (بر لب) چشمه هایند

و (در کنار) میوه ها از هر رقم که اشتها کنند

بخورید و بیاشامید، گوارا باد، به پاداش آنچه انجام می دادید

حقّا که ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان

(شما کافران در دنیا) بخورید و اندکی و در اندک مدتی برخوردار شوید، که شما گنهکارید (و به کیفر خود خواهید رسید)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان

و چون به آنها گفته شود (در برابر خدا) رکوع کنید و اطاعت و خضوع نمایید رکوع و خضوع نمی کنند

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان

(اگر آنان به این کتاب ایمان نمی آورند) پس به کدامین سخن پس از آن ایمان می آورند؟

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	جز: ۳۰ حزب ۲۳۳ ۵۱۸ر
۲	عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ	
۳	الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ	
۴	كَلَّا سَيَعْلَمُونَ	
۵	ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ	
۶	أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا	
۷	وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا	
۸	وَخَلَقْنٰكُمْ أَزْوَاجًا	
۹	وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا	
۱۰	وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا	
۱۱	وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا	
۱۲	وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا	
۱۳	وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا	
۱۴	وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا	
۱۵	لِّنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا	
۱۶	وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا	
۱۷	إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَتًا	
۱۸	يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا	
۱۹	وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا	
۲۰	وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا	
۲۱	إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا	
۲۲	لِّلظَّالِمِينَ مَنَآبًا	
۲۳	لِّبِثِّينَ فِيهَا أَحْقَابًا	
۲۴	لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا	
۲۵	إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا	
۲۶	جَزَاءً وَفَاقًا	
۲۷	إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا	
۲۸	وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا	
۲۹	وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا	
۳۰	فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا	

(کافران) درباره چه چیزی از یکدیگر می پرسند

از خبری بزرگ (آمدن قیامت، یا حقانیت قرآن

همان خبری که در آن اختلاف دارند (برخی آن را محال و برخی مستبعد دانسته، برخی تردید داشته و برخی با علم به آن، منکرند)

نه چنان است (که فکر می کنند) به زودی خواهند دانست

باز هم نه چنان است، به زودی خواهند دانست. (این دو آیه تهدید است برای منکران نبأ عظیم)

آیا این زمین را مهد آرامش قرار ندادیم؟ (از این آیه تا آیه ۱۶ ، نه دلیل بر اثبات نبأ عظیم است)

و کوه ها را میخهایی؟ (فرو رفته در سطح آن نکردیم؟

و شما را به صورت جفت هایی آفریدیم

و خوابتان را وسیله آرامش (بدن و نوعی از بریدن دست روح از تصرف در بدن) کردیم

و شب را پوششی (بر اشیا، و کارهای شما) قرار دادیم

و روز را وقت زندگی و تلاش برای معاش نمودیم

و بر بالای سر شما هفت آسمان محکم و استوار بنا نمودیم

و چراغی بسیار فروزان و سوزان (خورشید) قرار دادیم

و از بادهای فشارآورنده (به ابر) و ابرهای متراکم درهم فشرده، آب ریزان فراوانی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرود آوردیم

تا به وسیله آن دانه ها و گیاهان را (از دل خاک) بیرون آوریم

و باغ هایی با درختانی انبوه و در هم پیچیده

به یقین روز داوری (میان جهانیان) و جدایی (حق از باطل و نیکان از بدان– در علم ازلی الهی و بر طبق نوشته لوح محفوظ–) وعده گاه است (وعده گاه معارفه همگانی، رسیدگی به همه امور، تعیین حسنات و سیئات، و توفیه پاداش ها و کیفرها. و از این آیه تا آخر سوره توصیف پیدایش نبأ عظیم و حوادث و حقایق آن صحنه فراتر از ادراک بشری است)

روزی که در صور (به نفخه سوم) دمیده شود، پس شما فوج فوج (از گورها به سوی حساب) می آیید

و آسمان گشوده شود و به صورت درهایی (برای نزول انبوه فرشتگان) درآید

و کوه ها (از جای خود) سیر داده شوند و (حقیقتا معدوم و در نظر) آب نما گردند

البته جهنم (در آن روز) کمین گاه است (فرشتگان در اطراف صراط آن برای حفظ مؤمنان از سقوط و جذب کافران به جهنم کمین می کنند)

برای طغیان گران جای بازگشت است

که روزگاران درازی (به درازای ابدیت) در آن درنگ کنند

در آنجا نه خنکی (هوا و نوشیدنی) چشند و نه آشامیدنی (گوارا)

مگر آب جوشان و مایعات روان از چرک و خونابه

کیفری است موافق (عقاید و اخلاق و عمل های آنها)

همانا آنها هیچ امیدی به (روز) حساب نداشتند

و آیات و نشانه های ما را سخت و مصرانه تکذیب کردند

و ما به شمار همه چیز احاطه یافته و آن را در کتاب لوح محفوظ قرار داده و هر عملی از آنها را در صحیفه اعمالشان ثبت کرده ایم

پس بچشید که هرگز برای شما جز عذاب نخواهیم افزود

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَارًا

۳۲ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا

۳۳ وَكَوَاعِبِ أَثْرَابًا

۳۴ وَكَأْسًا دِهَاقًا

۳۵ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا

۳۶ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا

۳۷ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا

۳۸ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا

۳۹ ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَن شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا

۴۰ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا

۷۹. نازعات	النَّازِعَات: به قدرت کِشدگان	مکی	۴۶ آیه	۲ صفحه
------------	-------------------------------	-----	--------	--------

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا

۲ وَالنَّشِيطَاتِ نَشْطًا

۳ وَالسَّيِّحَاتِ سَبْحًا

۴ فَالسَّبَّيْقَتِ سَبْقًا

۵ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا

۶ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ

۷ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ

۸ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ

۹ أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ

۱۰ يَقُولُونَ أَيْنَا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ

۱۱ أَعِذَا كُنَّا عِظَمًا تُخْرَجُ

۱۲ قَالُوا تِلْكَ إِذَا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ

۱۳ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ

۱۴ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ

۱۵ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ

همانا برای پرهیزکاران رستگاری و کامیابی و جایگاه نجات است

باغ های حصارین و درختان انگور است

و دخترانی نارپستان و هم سن و سال

و جام هایی سرشار (از شراب ها و شربت های گوناگون)

در آنجا نه هرگز لغوی می شنوند و نه دروغی و نه تکذیبی (خدا و فرشتگان آنها را و آنها یکدیگر را تکذیب نمی کنند.

(این) پاداشی (است) از جانب پروردگارت، بخشی به قدر کافی و روی حساب عمل های گذشته است

همان پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه در میان آن دو است، همان خدای رحمان که اهل محشر را در برابر او هرگز یارای سخن نباشد (که مستقلا شفاعت کنند یا اعتراض به داوری یا پاداش و کیفرش نمایند)

روزی که روح (جبرئیل یا رئیس فرشتگان یا موجود شریفی از غیر جنس ملک) و فرشتگان به صف می ایستند، هیچ یک از آنان سخن نمی گوید مگر آن کس که خدای رحمان او را اذن دهد و سخن درست گوید

آن روز، روز حق است، پس هر که خواهد (از هم اکنون) به سوی پروردگار خود راه بازگشتی پیش گیرد (عقاید و اعمالی انتخاب کند که به او برسد)

به یقین ما شما را از عذابی نزدیک بیم دادیم، روزی که هر کس به آنچه با دست های خود پیش فرستاده می نگرد، و کافر می گوید: ای کاش خا

سوگند به فرشتگانی که جان کافران را به شدت (از کالبدشان) بیرون می کشند

و به فرشتگانی که ارواح مؤمنان را به نرمی و آرامی بیرون آرند و به ستارگانی که از مشرق به آرامی بیرون آیند (و به سوی مغرب روند)

و به فرشتگانی که ارواح بشر را پس از قبض به سرعت به سوی بهشت یا دوزخ برزخ ببرند

پس به فرشتگانی که در انجام فرمان های خدا سبقت جویند. و به اسبان رزمندگان راه حق که بر یکدیگر پیشی گیرند

پس به فرشتگانی که امور عالم را تدبیر می کنند (جهان به اراده آنها که انعکاس اراده الله است تدبیر می شود) (جواب سوگندهای پنجگانه این است که شما همگی برانگیخته خواهید شد)

روزی که آن لرزاننده (نفخه اول صور که همه کائنات را) به شدت بلرزاند (اجرام ساکن همه بلرزند و زنده ها همه بمیرند)

و لرزاننده دیگری در پی آن (نفخه دوم صور به فاصله ای که جز خدا نداند) درآید (و همه مردگان را زنده کند)

در آن روز دل هایی سخت مضطرب و بیمناکند

چشمانشان خاضع و فروافتاده است

(همانها که امروز) گویند: آیا ما (پس از مرگ دوباره) به حال نخستین زندگی بازگردانده می شویم؟

آیا آن گاه که استخوان های پوسیده و خرد شدیم؟

گویند: در آن صورت این بازگشتی زیانبار است

جز این نیست که آن (بازگشت به سبب) یک صیحه است (نفخه دوم صور)

که ناگهان همه آنان در روی یک زمین هموار خالی قرار خواهند گرفت

آیا داستان موسی به تو رسیده است

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

۱۷ أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

۱۸ فَقُلْ هَلْ لَّكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ

۱۹ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ

۲۰ فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ

۲۱ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ

۲۲ ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَىٰ

۲۳ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ

۲۴ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ

۲۵ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخْزَةِ وَالْأُولَىٰ

۲۶ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَىٰ

۲۷ ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا

۵۲۱ر

۲۸ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا

۲۹ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا

۳۰ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا

۳۱ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا

۳۲ وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا

۳۳ مَتَعَا لَكُمُ وَلَا نَعْمِيكُمُ

۳۴ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ

۳۵ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسُنُ مَا سَعَىٰ

۳۶ وَبُرَزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ

۳۷ فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ

۳۸ وَعَآثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

۳۹ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

۴۰ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهٖ ۖ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ

۴۱ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

۴۲ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِلُهَا

۴۳ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِنَهَا

۴۴ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهِلَهَا

۴۵ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يُحْشِلَهَا

۴۶ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا

آن گاه که او را پروردگارش در وادی مقدس طوی ندا درداد

که برو به سوی فرعون، که او طغیان کرده است

پس بگو که آیا تو را میلی هست به آنکه (از کفر و طغیان) پاکیزه شوی

و تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا از او بترسی

پس آن نشانه بسیار بزرگ (توحید و نبوت خود، عصای متحول به حالت مختلف) را به او نشان داد

پس او تکذیب نمود و نافرمانی کرد

آن گاه پشت کرد در حالی که (بر ضد موسی) می کوشید

پس (قوم خود را) گرد آورد و ندا درداد

و گفت: من پروردگار برتر و والاتر شما هستم. (به خاطر انقافات مالی و اداره امور مردم خود را ربّی بالاتر از بت ها و سایر ارباب آنها می دید.

پس خداوند او را به کیفر گفته های کفرآمیز اول و آخرش بگرفت و به عذاب عبرت زای آخرت و دنیایش گرفتار ساخت (که همان غرق دسته جمعی دنیوی و آتش صبحگاهی و شامگاهی برزخی بود)

بی تردید در این (حادثه) عبرتی است برای کسی که (از خدا) می ترسد

آیا آفریدن شما (پس از مرگ) دشوارتر است یا آسمان، که آن را بنا نمود

سقف آن را برافراشت و (خلقتش را از نظر ماهیت ذات، کرات تزیینی، حرکت های مستقیم و دایره ای آنها) نظام بخشید

و شبش را تاریک نمود و روزش را آشکار ساخت

و زمین را پس از آن بگسترده و هموار نمود و (در حرکت وضعیتش به دور خود و در مدار حرکت انتقالیش به دور خورشید) به چرخش انداخت

آب های درونی آن و چراگاه ها و گیاهان آن را ظاهر ساخت

و کوه ها را (بر روی آن) ثابت و پابرجا نمود

تا برای شما و چارپایانتان وسیله برخورداری (در زندگی) باشد

پس هنگامی که آن بلای چیره شونده بسیار بزرگ (حادثه قیامت) دررسد

در روزی که انسان آنچه را که به کوشش انجام داده (به وسیله نامه عمل شخصی و لوح محفوظ عمومی) به یاد آورد

و جهنم را برای هر که ببیند (و نابینا محشور نباشد) آشکار سازند

اما کسی که طغیان کرده

و زندگی دنیا را (بر آخرت) ترجیح داده

پس بی تردید جهنم جایگاه اوست

و اما کسی که از مقام و منزلت پروردگار خود و از ایستادن در برابر او ترسیده و نفس را از هواها منع کرده

پس بی شک بهشت جایگاه اوست. (این پنج آیه جواب آیه ۳۴ است)

۴۲ همواره تو را از قیامت می پرسند که وقوع آن در چه زمانی است

تو در چه حالی از یاد آن هستی؟ (از وقت آن چه خبر داری؟

نهایت (کار) آن به سوی پروردگار توست (علم به حقیقت و کیفیت حدوث و زمان آن و پدید آوردنش مخصوص اوست)

جز این نیست که تو بیم دهنده کسی هستی که از آن می ترسد (نه وادارکننده به اعتقاد و نه کیفردهنده مخالفان)

گویی آنها روزی که قیامت را می بینند (چنین پندارند که در دنیا یا در طول عالم برزخ یا در مجموع) جز شامگاهی یا صبحگاه آن درنگ نکرده اند.

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	صورت در هم کشید و روی گردانید
جزب ۲۳۴ ۵۲۲ر	عَبَسَ وَتَوَلَّى	
۲	أَن جَاءَهُ الْأَعْمَى	بدان جهت که آن نابینا نزد او آمد. (بیان برخورد مردی ثروتمند است در محضر پیامبر یا نابینایی که برای پذیرش اسلام آمده بود.
۳	وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّيَ	و تو چه می دانی؟ شاید او (به واسطه انجام عمل های صالح، از گناه) پاک گردد
۴	أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى	یا (از شنیدن گفتار حق) متذکر شود و تذکرش او را سود دهد (و اسلام آورد)
۵	أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى	اما کسی که ثروتمند است، یا خود را ثروتمند و بی نیاز می پندارد
۶	فَأَن تَصَدَّقَ لَهُ	پس تو با او با استقبال و گرمی برخورد می کنی
۷	وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَكِّيَ	در حالی که بر تو مسئولیتی نیست از اینکه او پاکی نپذیرد (و اسلام نیاورد)
۸	وَأَمَّا مَن جَاءَكَ يَسْعَى	و اما کسی که به نزد تو آمده، کوشش (در هدایت و طلب خیر) دارد
۹	وَهُوَ يَخْشَى	در حالی که (از خدای خود) می ترسد
۱۰	فَأَن تَعْلَىٰ عَنْهُ تَلَٰلَىٰ	پس تو از توجه به او به دیگران می پردازی؟
۱۱	كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ	نباید چنین باشد این آیات قرآنی وسیله یادآوری است
۱۲	فَمَن شَاءَ ذَكَّرْهُ	که هر کس بخواهد، محتوای آن را یاد کند (تا هدایت یابد)
۱۳	فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ	(این قرآن) در صحیفه ها و نوشته هایی است گرامی و ارجمند
۱۴	مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ	والا قدر و پاک (از لغو و باطل و تناقض و اختلاف)
۱۵	بِأَيِّدِي سَفَرَةٍ	در دست نویسندگانی از فرشته ها (که آن را از لوح محفوظ استنساخ نموده اند) یا رسولانی از فرشتگان (که آن را از مبدأ وحی به پیامبر رسانده اند) و یا مسافرانی از عالمان امت (که آن را در نقاط جهان به جاهلان ابلاغ می کنند)
۱۶	كِرَامٍ بَرَرَةٍ	گرامیانی نیکوکار
۱۷	قُتِلَ الْإِنسَنُ مَا أَكْفَرُهُ	کشته باد انسان که چقدر کافر و ناسپاس است
۱۸	مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ	(خدایش) از چه چیزی او را آفریده
۱۹	مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ	او را از نطفه ای (مختلط و پست و بی ارزش) آفرید، آن گاه (از بدو خلقت تا اتمهای کمالش در حرکت های کمی و کیفی) اندازه گیری کرد
۲۰	ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ	سپس راه را (راه انتخاب خیر و شر را به دادن عقل و اراده و اختیار) برایش آسان ساخت
۲۱	ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ	سپس او را میراند و در قبر کرد
۲۲	ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ	سپس آن گاه که بخواهد او را زنده برمی انگیزاند
۲۳	كَلَّا لَمَّا يَقِضْ مَا أَمَرُهُ	چنین نیست (که انسان در برابر اوامر او و این نعمت ها اطاعت و شکر نموده، بلکه) او هنوز آنچه را به او دستور داده (به کمال) انجام نداده است
۲۴	فَلْيَنْظُرِ الْإِنسَنُ إِلَىٰ طَعَامِهِ	پس انسان باید به خوراک خویش بنگرد (تا دست قدرت حق را ببیند)
۲۵	أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا	ما آب را به ریزش خاصی فرو ریختیم (به شکل باران و برف و تگرگ)
۲۶	ثُمَّ شَفَقْنَا الْأَرْضَ شَفًّا	سپس این زمین را شکافتیم شکافتنی (متناسب حال گیاهان و درختان و چشمه ها)
۲۷	فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا	پس در آن دانه ای رویانیدیم (با اقسام مختلف و بی شمار)
۲۸	وَعِنَبًا وَقَضْبًا	و درخت انگور و سبزیجاتی که چندین نوبت چیده می شود
۲۹	وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا	و درخت زیتون و خرمايي
۳۰	وَحَدَائِقَ غُلْبًا	و باغ هایی حصار کشیده مملو از درختان تنومند و بزرگ
۳۱	وَفَلَكِهًا وَأَبًّا	و میوه ای تر و خشکانده شده برای ذخیره، و علف چرایي
۳۲	مَتَّعَا لَكُمْ وَلَآ نَعْمِيْكُمْ	برای برخورداری شما و چهارپایانتان
۳۳	فَإِذَا جَاءَتِ الصَّآخَةُ	پس هنگامی که صیحه گوش خراش (نفخه دوم صور) در رسد
۳۴	يَوْمَ يَقْرُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ	روزی که آدمی از برادرش می گریزد
۳۵	وَأُمِّيهِ وَأَبِيهِ	و از مادر و پدرش
۳۶	وَصَحْبَتَيْهِ وَبَنِيهِ	و از همسر و پسرانش
۳۷	لِكُلِّ أُمْرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ	برای هر انسانی در آن روز حال و کاری خواهد بود که او را به خود مشغول دارد
۳۸	وُجُوهٌ يُّؤَمِّدُ مُسْفِرَةً	چهره هایی در آن روز روشن و درخشان است
۳۹	صَاحِكَةً مُّسْتَبْشِرَةً	خندان و شادمان
۴۰	وُجُوهٌ يُّؤَمِّدُ عَلَيْهَا عِبْرَةً	و چهره هایی در آن روز بر آنها غبار و کدورت است
۴۱	تَرَاهُمْهَا قَآرَةً	سیاهی و تاریکیی آن را فرا گرفته و پوشانده است
۴۲	أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ	آنان همان کافران فاجرند

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	آن گاه که خورشید در هم پیچیده شود (گویی چیزی دورش بیچند تا خاموش و بی حرارت گردد)
۲	وَإِذَا التَّجُومُ أَنْكَدَتْ	و آن گاه که ستارگان تیره گردند و فرو ریزند
۳	وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ	و آن گاه که کوه ها سیر داده شوند (و خرد و متلاشی گردند)
۴	وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ	و آن گاه که شتران آبستن ده ماهه (با ارزش ترین مال آن عصر) رها و بی صاحب مانند
۵	وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ	و آن گاه که همه حیوانات وحشی محشور شوند (از محل مرگ خود بیرون آیند)
۶	وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ	و آن گاه که دریاها پر شوند و جوشان گردند
۷	وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ	و آن گاه که ارواح برزخی با ابدان جدید محشری، و نیکان با نیکان و بدان با بدان و مردان بهشتی با همسران خود جفت گردند
۸	وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُيِلَتْ	و آن گاه که درباره هر نفس زنده به گور پرسیده شود (از دختران زنده به گور شده جاهلیت، انسان های زنده به گور شده تاریخ، بی گناهان در زندان مرده سؤال شود) که
۹	بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ	به چه جرمی کشته شدند؟ (و از قاتلان آنها پرسیده شود که اینان به کدامین گناه کشته شدند؟
۱۰	وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ	و آن گاه که کتاب های عمل (از جانب حق تعالی میان اهل محشر) منتشر و صحیفه عمل هر شخصی (در مقابلش) گشوده گردد
۱۱	وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ	و آن گاه که آسمان (از روی آنچه بر آن احاطه داشته) برچیده شود
۱۲	وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ	و آن گاه که جهنم برافروخته و شعله ور گردد
۱۳	وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنْفِلَتْ	و آن گاه که بهشت (بر متقین) نزدیک شود
۱۴	عَلِمْتُ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرْتُ	(آن روز است که) هر نفسی آنچه را (برای خود در دنیا) حاضر کرده می فهمد
۱۵	فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنَّسِ	نه نه پس سوگند به ستارگان پنهان شونده (در روز) و به ستارگان بازگردنده در شب
۱۶	الْجَوَارِ الْكُنَّسِ	آن ستارگان سیرکننده غایب شونده (که در آخر شب همانند وحوش فرو رفته در نهان گاه در مغرب خود پنهان می شوند
۱۷	وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ	و سوگند به شب آن گاه که روی آورد و آن گاه که پشت کند
۱۸	وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ	و سوگند به صبح آن گاه که بدمد
۱۹	إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ	(جواب سوگندهای گذشته این است) که این (قرآن) بی تردید گفتار فرستاده ای گرامی و ارجمند (جبرئیل) است
۲۰	ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ	که نیرومند و در نزد خداوند عرش دارای قرب و منزلتی است
۲۱	مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ	در آنجا مورد اطاعت (فرشتگان) و امین است
۲۲	وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ	و مصاحب و رفیق شما (پیامبر) دیوانه نیست
۲۳	وَلَقَدْ رَءَاهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ	و حقاً که (این پیامبر) او را در آن کرانه روشن و افق والانر (از افق آدمیان، کرانه فرشتگان) دیده است
۲۴	وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ	و او بر غیب (بر آنچه به وحی دریافت نموده) بخیل نیست (که آن را پنهان کند یا تغییر دهد یا تاخیر اندازد یا مخلوط نماید)
۲۵	وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ	و این (قرآن) گفتار شیطانی رانده شده (از درگاه خدا) نیست
۲۶	فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ	پس به کجا می روید؟
۲۷	إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ	این جز یادآوری برای جهانیان نیست
۲۸	لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ	برای آن کس از شما که بخواهد (در اعتقاد و اخلاق و عمل) مستقیم گردد
۲۹	وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ	و شما (انتخاب این راه را) اراده نمی کنید مگر آنکه خداوند، پروردگار جهانیان، (با اراده تکوینی) بخواهد (زیرا اراده اختیاری شما مانند افعا

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ	حزب ۲۳۵ ۵۲۴ر
۲	وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ	
۳	وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ	
۴	وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ	
۵	عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ	
۶	يَا أَيُّهَا الْإِنْسَنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ	
۷	الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّلَكَ فَعَدَلَكَ	
۸	فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ	
۹	كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ	
۱۰	وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ	
۱۱	كِرَامًا كَتِيبِينَ	
۱۲	يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ	
۱۳	إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ	
۱۴	وَإِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ	
۱۵	يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ	
۱۶	وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ	
۱۷	وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ	
۱۸	ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ	
۱۹	يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا ۖ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ	

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ	۵۲۵ر
۲	الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ	
۳	وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ	
۴	أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ	
۵	لِيَوْمٍ عَظِيمٍ	
۶	يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ	

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينَ

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ

خِتَلُمُهُمْ مِسْكٌَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ

وَمِزَاجُهُمْ مِنْ تَسْنِيمٍ

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ

وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ

چنین نیست (که می پندارند حسابی نیست)، بی تردید نوشتار و کارنامه کیفری فاجران در سَجِّین است

و تو چه می دانی که سَجِّین چیست

نوشتار (جامع) رقم خورده ای است (که مجازات اعمال همه فاجران در آن است

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان

آنان که روز جزا را تکذیب می کنند

و آن را جز هر متجاوز گنه پیشه تکذیب نمی کند

همان که هر گاه آیات ما بر او تلاوت می شود می گوید: افسانه های پیشینیان است

چنین نیست (که آیات ما افسانه باشد) بلکه بر دل های آنان آنچه کسب می کرده اند (از گناهان) زنگار بسته است

چنین نیست (که آنها پندارند)، بی تردید آنها در آن روز از (عنایات) پروردگارشان در حجابند

سپس آنان حتما وارد جهنم می شوند حرارت آن را چشیده و در آن خواهند سوخت

سپس به آنها گفته می شود: این همان چیزی است که آن را تکذیب و انکار می کردید

چنین نیست (که حسابی در کار نباشد)، همانا نوشتار و کارنامه پاداش نیکان در علِّین است

و تو چه می دانی که علِّین چیست

نوشتار (جامع) رقم خورده ای است (که پاداش های نیکان در آن است)

که مقربان آن را می بینند و فرشتگان در نزد آن حاضر می شوند

به یقین نیکوکاران در نعمتی فراوانند

بر روی تخت های آراسته فاخر (به نعمت های بهشتی و جمال حق) می نگرند

در چهره های آنان خرمی و طراوت نعمت فراوان را درک می کنی

از شراب صاف و ناب سر به مهر سیراب می شوند

که مهر آن از مشک است و آخر جرعه هایش بوی مشک می دهد و در این نعمت ها رقابت کنندگان باید رقابت کنند (در دنیا بر یکدیگر در عمل خیر سبقت جویند)

و آمیزه آن شراب از (چشمه) تسنیم است (که از بالا سرازیر می شود)

چشمه ای که مقربان از آن می نوشند

همانا آنان که گناه کرده اند، (در دنیا) به حال کسانی که ایمان آورده بودند می خندیدند

و چون بر آنها می گذشتند (از روی تمسخر) با چشم و ابرو به یکدیگر اشاره می کردند

و چون به سوی کسان خود بازمی گشتند با شادی (از مسخره آنها) بازمی گشتند

و هنگامی که آنها را می دیدند می گفتند: مسلّما اینها گمراه اند

با آنکه آنها بر اینان (بر مؤمنان) نگهبان فرستاده نشده بودند (که مراقب هدایت و ضلالتشان باشند)

پس امروز کسانی که ایمان آورده اند به کافران می خندند

عَلَىٰ الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ

هَلْ تُؤْتِبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

۳۶

۸۴. انشقاق	الْإِنْشِقَاقُ: شکافتن	مکی	۲۵ آیه
------------	------------------------	-----	--------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱

حزب

۲۳۶

۵۲۶ ر

إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

۲

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ

۳

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ

۴

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

۵

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ

۶

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَبَيَمِينِهِ

۷

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا

۸

وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا

۹

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

۱۰

فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا

۱۱

وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا

۱۲

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا

۱۳

إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّنْ يَحُورَ

۱۴

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

۱۵

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ

۱۶

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ

۱۷

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ

۱۸

لَتَرْكَبَنَّ ظَبَاقًا عَن طَبَقِ

۱۹

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

۲۰

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ ۝

۲۱

سجده

مستحب

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ

۲۲

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ

۲۳

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

۲۴

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

۲۵

بر روی تخت ها (ی بهشتی به حال بهشتیان و دوزخیان) می نگرند

که آیا کافران در برابر آنچه می کردند جزا داده شدند؟ یا عقاید و اعمال باطلشان در وجودشان تجسم کیفری یافت

آن گاه که آسمان شکافته شود

و به (اراده حتمی) پروردگار خود (تکوینا) گوش سپارد و سزاوار است (که چنین باشد)

و آن گاه که این زمین (به واسطه بزرگ شدن آن یا هموار شدنش بدون کوه ها و دریاها) گسترده شود

و آنچه در درون دارد بیرون افکند و تهی گردد

و به (اراده حتمی) پروردگارش گوش سپارد و سزاوار است (که چنین باشد)، (جواب دو جمله شرطیه این است که: انسان پروردگارش را دیدار کند و به حسابش رسیدگی شود)

ای انسان، بی تردید تو به سوی (دیدار جمال و جلال و ثواب و عقاب) پروردگارت با تلاشی سخت (به سیر تکوینی و طبیعی) رهسپاری، پس او را دیدار خواهی کرد

اما کسی که نامه عمل او به دست راستش داده شود

پس به زودی با محاسبه آسانی حسابرسی می شود

و به سوی کسان خود (در بهشت از ارحام و حور و غلمان) با سرور و شادی بازمی گردد

و اما کسی که نامه عمل او از پشت سرش (به دست چپ) داده شود

پس او به زودی با فریاد، مرگ خود را خواهد طلبید

و در آتش افروخته وارد می شود و می سوزد

چرا که او در میان کسان خود (با غفلت از آخرت، به مال و جاه) مسرور بود

او می پنداشت که هرگز (به سوی خداوند) باز نخواهد گشت

چرا (بازمی گردد)، همانا پروردگارش همواره به حال او بیناست

نه، پس سوگند به سرخی مغرب (پس از غروب و سفیدی پس از آن)

و سوگند به شب و آنچه که جمع آوری کند (از جانداران در روز منتشر شده)

و سوگند به ماه آن گاه که از حال هلالی به تدریج نورش کامل گردد (تا بدر شود)

که بی تردید شما حالی را پس از حالی خواهید پیمود (در دنیا سیر تکاملی جسمتان از حال نطفه گی تا حال مرگ را که بیش از سی حالت است، و در سیر تکاملی روحتان از حال پذیرش اسلام تا کمال قرب الهی را، و پس از دنیا حال ورود بهبرزخ و انتقال به قیامت و مواقف آن تا ورود به بهشت و جهنم را خواهید پیمود)

پس آنان را چه شده که ایمان نمی آورند؟

و چون قرآن بر آنها تلاوت شود خضوع نمی کنند و به سجده نمی افتند

بلکه کسانی که کفر ورزیده اند پیوسته تکذیب می کنند

و خداوند به آنچه (از کفر و عناد) در دل خود پنهان می دارند داناتر است

پس آنها را به عذابی دردناک بشارت ده

مگر کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته انجام داده اند، که برای آنها پاداشی بی منت و بی نهایت است

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	سوگند به آسمان دارای برج ها
۵۲۷ر	وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ	
۲	وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ	و سوگند به روزی که وعده داده شده (روز قیامت)
۳	وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ	و سوگند به مشاهده کننده (حادثه اخدود) و هر مورد مشاهده آنها (که در اخدود سوزانده شدند) و به هر پیامبری گواه امت خود و هر مشهودی صالح از امتش، و به پیامبر اسلام گواه پیامبران گذشته در آخرت و آنان که مورد گواهی اویند، و به هر فرشته گواه اعمال مردم در آخرت و مردم نیکوکار مورد گواهیشان، و به حجر الاسود شاهد زائران خانه خدا و مشهودان ا
۴	قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ	کشته باد صاحبان آن خندق (شاه کافر و ستمگر و یارانش که مؤمنان مخالف خود را در خندقی از آتش می افکندند)
۵	النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ	آن آتش پرهیمه و شعله ور
۶	إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ	هنگامی که آنها بر کنار آتش (به تماشا) نشسته بودند
۷	وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ	و آنها به آنچه بر سر مؤمنان می آوردند خود ناظر بودند
۸	وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ	و آنها بر آن مؤمنان هیچ عیب و ایرادی نگرفتند جز آنکه به خدای مقتدر ستوده (صفات و افعال) ایمان آورده بودند
۹	الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ	آن خدایی که ملکیت حقیقی و مالکیت تمام آسمان ها و زمین از آن اوست (چرا که آفرینش و حفظ و تدبیر همه به دست اوست)، و خداوند بر هر چیز ناظر و حاضر و گواه است
۱۰	إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۖ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ	بی تردید کسانی که مردان و زنان مؤمن را عذاب و شکنجه کردند سپس توبه نکردند، آنها راست عذاب (های گوناگون) جهنم و آنها راست عذاب آتش سوزان. (این آیه جواب سه سوگند اول است و از آیه چهار تا آیه نه، شرح حال مورد قسم است.
۱۱	إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ	به یقین کسانی که ایمان آوردند و عمل های شایسته انجام دادند برای آنها بهشت هایی است که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها روان است آن است کامیابی بزرگ
۱۲	إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ	همانا به قهر گرفتن پروردگارت بسیار سخت است
۱۳	إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ	حقاً اوست که (آفریدگان را) پدید می آورد و (پس از مرگ و نابودی دوباره به حال قبل) بازمی گرداند
۱۴	وَهُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ	و اوست آمرزنده و دوستدار (مطیعان)
۱۵	ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ	صاحب عرش (و مالک تصرف در جهان هستی) و ارجمند (در ذات و صفات)
۱۶	فَعَالٌ لِّمَآ يُرِيدُ	انجام دهنده مقتدر آنچه را که اراده کند
۱۷	هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ	آیا خبر آن سپاهیان (از امم گذشته که در برابر خدا و پیامبرانش لشکرکشی کردند) به تو رسیده
۱۸	فِرْعَوْنُ وَثَمُودَ	(سپاهیان) فرعون و ثمود (قوم صالح پیامبر، که چگونه به هلاکت رسیدند)؟
۱۹	بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ	(تنها آنها تکذیب نکردند) بلکه کسانی (از قوم تو) که کفر ورزیدند در انکاری (شدیدتر) اند
۲۰	وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِم مَّحِيطٌ	و خداوند بر آنها از هر سو احاطه (وجودی و علمی و توانی) دارد
۲۱	بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَّجِيدٌ	(این کتاب سحر و افسانه نیست) بلکه آن کتابی خواندنی و ارجمند است
۲۲	فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ	که در لوحی محفوظ (از دروغ و تحریف و دستبرد شیاطین و اجنه) نگاشته شده است

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ	۵۲۸۷	سوگند به آسمان و آن آینده شب
۲	وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ		و تو چه می دانی آن آینده شب چیست
۳	التَّجَمُّ الثَّاقِبُ		آن ستاره فروزان است که (نورش) شکافنده (تاریکی ها) است
۴	إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ		(سوگند به اینها) که هیچ نفسی نیست جز آنکه بر او (و اعمالش) نگهبانی است (نگهبان فرد یا گروه که خود او را در دنیا از حوادث، و عقاید و اعمالش را به نوشتن در صحایف نگه دارد و مراقب او در برزخ و قیامت تا مرز رسیدن به منزلگه خلود باشد)
۵	فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ		پس انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده
۶	خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ		از آبی جهنده (مختلط از زوجین) آفریده شده است
۷	يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ		که از میان سلب (مرد) و استخوان های سینه (زن) بیرون می آید
۸	إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ		بی تردید که آن (خدای آفریننده) بر بازگرداندن او (به زندگی پس از مرگ) تواناست
۹	يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ		به روزی که رازهای نهان بر ملا شود (ایمان و کفر مغزها، فضایل و رذایل نفس ها، اسرار دل ها و پنهان عمل ها آشکار گردد)
۱۰	فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ		پس او را (در آن روز، در مقابل عذاب الهی) نه نیرویی است و نه یاورى
۱۱	وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ		سوگند به آسمان دارای بازگشت. (بخارها پس از صعود به سوبیش به صورت باران بازمی گردند و ستاره هایش پس از غروب از مشرق بازمی گردند.
۱۲	وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ		و سوگند به زمین دارای شکاف (برای جوشش چشمه ها، رویش گیاهان و بیرون ریختن آنچه بلعیده در روز قیامت)
۱۳	إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ		که این قرآن به یقین گفتاری قاطع و جدا کننده (حق از باطل) است
۱۴	وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ		و هرگز بیهوده و شوخی نیست
۱۵	إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا		البته آنها پیوسته حيله و فریب به کار می برند
۱۶	وَأَكِيدُ كَيْدًا		و من نیز عملی مقابل حيله آنها خواهم نمود
۱۷	فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا		پس کافران را مهلت ده و اندکی آنها را به حال خودشان واگذار (و تا مدتی به ستیزه و مبارزه و انتقام بر مخیز)

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى	۲۳۷ ۵۲۹۷	نام پروردگار برتر و والاتر خود را تنزیه کن (به زبان به پاکی بستای و به دل از هر عیب و نقص منزّه دان، و نام های اختصاصی او را بر غیر او اطلاق مکن، و در معنی آن نام ها ره به انحراف مجوی و تاویل ناروا مکن)
۲	الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى		آن کس که (هر موجودی را) آفرید و (اعضا، او را متناسب یکدیگر و بر وفق هدف اصلی خلقتش) راست و درست نمود
۳	وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى		و آن کس که (هر آفریده ای را از حیث کمّ و کیف وجودی) اندازه ای قرار داد پس (او را به سوی کمالش) هدایت نمود
۴	وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى		و آن کس که چراگاه را (از دل خاک) بیرون آورد
۵	فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى		سپس آن را (پس از طراوت و الوان رنگ ها) خاشاکی تیره رنگ و سیاه گردانید
۶	سُقِّرْتُكَ فَلَا تَنْسَى		به زودی تو را (به خواندن همه قرآن به طرز تنظیم اصلی در علم ازلی و لوح محفوظ) خوانا می کنیم، پس هرگز فراموش نمی کنی
۷	إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى		جز آنچه را که خدا بخواهد (که هرگز نخواهد ولی قدرت او دانما محفوظ است)، همانا او آنچه را آشکار و آنچه را پنهان است می داند
۸	وَنُيْسِرُكَ لِلْيُسْرَى		و تو را برای راه آسان (در دعوت و هدایت) آماده و متمکن می سازیم
۹	فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى		پس (آنان را) تذکر ده اگر تذکر سود بخشد
۱۰	سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى		به زودی کسی که استعداد ترس (از خدا) دارد متذکر می شود
۱۱	وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى		و کسی که از همه شقی تر است (و از خدا نمی ترسد) از آن دوری می جوید
۱۲	الَّذِي يَصِلَى النَّارَ الْكُبْرَى		آن کس که به آتش بزرگتر درمی آید و می سوزد
۱۳	ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى		سپس در آنجا نه (حقیقتاً) می میرد و نه (به راحتی) زندگی می کند
۱۴	قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى		حقا که رستگار شد کسی که خود را (از عقاید فاسد و رذایل اخلاق و عمل های زشت) پاک کرد و رشد بخشید و زکات داد
۱۵	وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى		و نام پروردگار خود را یاد کرد و خضوع نمود و نماز خواند

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

إِنَّ هَٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ

۸۸. غاشیه	الْغَاشِيَّة: غاشیه	مکی	۲۶ آیه
-----------	---------------------	-----	--------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ

وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ

تَصَلَّىٰ نَارًا حَامِيَةً

تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ عَآنِيَةٍ

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ صَرِيحٍ

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنَ جُوعٍ

وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ

لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ

وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ

وَزَرَارٍ مَبْثُوثَةٌ

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِلَهِ كَيْفَ خُلِقَتْ

وَالِى السَّمَآءِ كَيْفَ رُفِعَتْ

وَالِى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ

وَالِى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ

لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ

إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ

فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ

(شما به سراغ آن فلاح نمی روید) بلکه شما زندگی دنیا را ترجیح می دهید

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است

همانا این (امور: تزکیه و فلاح، تذکر و نماز و ایثار آخرت بر دنیا) در همه کتاب های آسمانی گذشته ثبت است

در کتاب های ابراهیم و موسی

چهره هایی در آن روز ذلیل و فرو افتاده اند

آنها تلاش کنندگان رنج برنده اند (عمل های دنیوییشان رنج های آخرت می آورد) یا اهل تلاش و رنج در میان عذاب آخرتند

در آتش پرحرارت درمی آیند و حرارت آن را می چشند و می سوزند

از چشمه ای جوشان نوشانده می شوند

خوراکی ندارند جز از خار خشکیده تلخی (که حیوانات هم نمی خورند)

که نه فریهی می آورد و نه از گرسنگی بی نیاز می کند

چهره هایی در آن روز ناز دیده و تازه و با طراوت اند

از کوشش های (دنیوی) خود راضی و خوشنودند

در بهشتی برین و والا رتبه اند

هرگز در آن جا سخنی لغو و بیهوده نمی شنوی و نمی شنوند

در آن جا چشمه ای است که پیوسته روان است

در آنجا تخت هایی است بلند و پراج و برافراشته

و جام ها و قدح هایی (که در مقابلشان و در کنار آن چشمه) نهاده شده

و بالش هایی ردیف هم چیده شده

و فرش ها و بساطهایی فاخر و گسترده شده

آیا آنان به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده

و به آسمان که چگونه برافراشته شده

و به کوه ها که چگونه (بر سطح زمین) کوبیده شده و قامتشان بالا رفته

و به این زمین که چگونه گسترده و هموار گردیده

پس تذکر ده، که تو (به عنوان رسول) تنها تذکردهنده ای

تو بر آنها مسلط نیستی (نه بر قلب آنها که به ایمان مجبور کنی، و نه بر مجتمع آنها که به زور حکومت برانی، و نه به سرنوشت آنها که کیفر اخروی دهی)

(به تذکرات خود ادامه ده) لکن کسی را که (پس از تذکرات) روی گرداند و کفر ورزد

پس خداوند او را به عذاب بزرگتر عذاب خواهد کرد

به یقین بازگشت همه آنان به سوی ماست

آن گاه بی تردید حساب آنان بر عهده ماست

۱ ۵۳۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْفَجْرِ	سوگند به سپیده دم (فجر هر روز، یا فجر اعیاد، یا نماز فجر)
۲	وَلَيَالٍ عَشْرٍ	و به شب هایی ده گانه (دهه اول ذی حجه یا دهه آخر ماه رمضان که بهترین اوقات سالند)
۳	وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ	و به زوج و فرد (به همه مخلوقات که زوجند، و به خداوند که فرد است، یا به نماز شفع و وتر در آخر شب)
۴	وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ	و به شب هنگامی که (به طرف صبح) سیر می کند، (سوگند به همه اینها که خداوند کفار را عذاب خواهد کرد.
۵	هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ	آیا در این امور سوگندی برای صاحب خرد هست؟ (آری برای کسی که از شرافت و اسرار این امور آگاه باشد سوگند هست.
۶	أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ	آیا به چشم دل ندیدی و ندانستی که پروردگار تو با عاد (قوم هود) چگونه رفتار کرد
۷	إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ	با (اهالی شهر) ارم که دارای قصرهای مرتفع، و ستون های برافراشته، و انسان های بلند قامت بود
۸	الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَدِ	شهری که مانندش در میان شهرها (به دست بشر) آفریده نشده بود
۹	وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ	و با تمود (قوم صالح) آنها که صخره ها را در دل آن وادی (میان عمان و حضرموت) می بریدند (و ساختمان می ساختند)
۱۰	وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ	و با فرعون دارای سپاهیان نیرومند، با دارای میخ ها (بی که برای خیمه ها و برای شکنجه محکومان آماده کرده بود)
۱۱	الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَدِ	همانها که در شهرها طغیان کردند
۱۲	فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ	و در آنها فساد بسیاری به راه انداختند
۱۳	فَصَبَّ عَلَيْهِمُ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ	پس پروردگارت بر (سر) آنها تازیانه عذاب هایی گوناگون فرو ریخت
۱۴	إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ	حقاً که پروردگار تو در کمین گاه است
۱۵	فَأَمَّا الْإِنْسَنُ إِذَا مَا أُنْتَلَهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ	اما انسان هر گاه که پروردگارش او را آزمایش کند و اکرام نماید و نعمت بخشد، گوید: پروردگارم مرا گرامی داشت (پس به هر عملی اذن داد)
۱۶	وَأَمَّا إِذَا مَا أُنْتَلَهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَنَنِ	و اما هر گاه که او را آزمایش کند و روزی را بر او تنگ گیرد، گوید: پروردگارم مرا خوار کرد
۱۷	كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ	چنین نیست (که می پندارید که زیادی نعمت، آزادی عمل دادن است و کمی آن خوار شمردن و تنها پندارتان خطا نیست) بلکه یتیم را گرامی نمی دارید
۱۸	وَلَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ	و بر اطعام فقیران یکدیگر را ترغیب نمی کنید
۱۹	وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا	و میراث خود را همراه با ارث دیگران می خورید، و هر میراث را هر چند میت از حلال و حرام جمع نموده باشد تصرف می کنید
۲۰	وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا	و مال (دنیا) را کاملاً دوست می دارید
۲۱	كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا	نه چنان است (که شما پندارید) آن گاه که (بلندی های) این زمین پیایی درهم کوبیده و متلاشی شود (و زمین صاف و مسطح گردد)
۲۲	وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا	و (فرمان مؤکد و تجلی جلال و حاکمیت مطلقه) پروردگارت فرا رسد و فرشتگان صف به صف (به صحنه محشر فرود) آیند
۲۳	وَجِئَاءَ يَوْمَيْهِمِ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَنُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى	و در آن روز جهنم را (به نزدیک) آورند آن روز است که انسان (به حقایق توحید و اهداف تکوین و تشریع) متذکر می شود، اما کجا این تذکر برای او (سودمند) خواهد بود

يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ

يَأْتِيَتْهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي

وَادْخُلِي جَنَّتِي

۹۰.

الْبَلَدُ: شهر

مکی

۲۰ آیه

۱
حزب
۲۳۸
ر ۵۳۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ

وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لُبًّا

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ

فَكَ رَقَبَةٍ

أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ

۱۷

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا
بِالْمَرْحَمَةِ

۱۸

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

۱۹

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

۲۰

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ

گوید: ای کاش برای زندگی (ابدی) خویش (چیزی) از پیش
فرستاده بودم

پس در آن روز هیچ کس مانند عذاب او (خدا) عذاب نکند
(عذابی که هیچ کس در دنیا مانند آن را نمی توانست بکند)

و هیچ کس همانند در بند کشیدن او در بند نکشد

ای جان آرام گرفته (جانی که در سایه کمال تقوا به مرتبه
ای رسیده که هواها و شیاطین توان انحرافش را ندارند)

به سوی پروردگار خویش بازگرد در حالی که تو از او خشنود
و او از تو خشنود است

پس در میان بندگان من در آی

و در بهشت من داخل شو

نه سوگند به این شهر (مکه معظمه)

در حالی که تو در این شهر جای گزینی

و سوگند به پدر و آنچه فرزند آورده (به آدم و معصومین از
اولاد او، و به ابراهیم و فرزندش اسماعیل که بانیان کعبه و
مکه اند و به هر مؤمن صالحی که فرزندی صالح آورد)

که بی تردید ما انسان را در رنج و مشقت آفریده ایم
(کامش توأم با ناکامی و لذایزش همراه با تلخی است)

آیا او می پندارد که هرگز کسی بر او دست نمی یابد (که
کفر می ورزد و طغیان می کند)؟

(به عنوان منت و زیاد شمردن انفاقاتش) می گوید: من مال
فراوانی را نابود کردم

آیا گمان می کند که هیچ کس او را (در حال انفاق) ندیده
است؟

آیا ما برای او دو چشم (بینا) قرار ندادیم

و یک زبان و دو لب

و او را (به دادن عقل و تأیید به نقل) به دو راه (خیر و شر
در بعد مادی و معنوی) هدایت نمودیم

پس او گردنه و راه دشوار را بالا نرفته

و تو چه دانی که راه دشوار چیست

آزاد کردن برده ای است

یا طعام دادن در روز قحطی و گرسنگی

به یتیمی خویشاوند

یا فقیری خاک نشین

علاوه بر اینها از کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به
صبر و مهربانی و بخشش توصیه کرده اند

آنها اصحاب یمن و سعادتند

و کسانی که به آیات و نشانه های ما کفر ورزیدند آنها
اصحاب شومی و شقاوتند

بر آنها آتشی است سرپوشیده (که دم و سوز آن بیشتر و
راه خروج از آن بسته است)

<p> ۹۱. شمس الشمس: خورشید مکی ۱۵ آیه</p>	
--	--

<p> ۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ۵۳۳ر</p>	<p> سوگند به خورشید و گسترش پرتو آن</p>
<p> ۲ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا </p>	<p> و سوگند به ماه هنگامی که در پی آن آید</p>
<p> ۳ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا </p>	<p> و سوگند به روز آن گاه که زمین را روشن و فضا را نورانی و خورشید را هویدا سازد</p>
<p> ۴ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا </p>	<p> و سوگند به شب آن گاه که خورشید را بپوشاند و آفاق و هوا را تاریک نماید</p>
<p> ۵ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا </p>	<p> و سوگند به آسمان و آن (موجود مقتدری) که آن را بنا نمود</p>
<p> ۶ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا </p>	<p> و سوگند به این زمین و به آن (ذات قادری) که آن را بگسترده</p>
<p> ۷ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا </p>	<p> و سوگند به نفس (آدمی) و به آن که او را راست و درست کرد (اعضاء او را متناسب یکدیگر و صفات او را متلایم اعضا؛ و محیط خارج نمود)</p>
<p> ۸ فَالْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا </p>	<p> پس بدکاری و پرهیزکاریش را به وی الهام نمود و او را بر عمل توانا ساخت</p>
<p> ۹ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا </p>	<p> که به یقین رستگار شد کسی که نفس را (در کمالات اعتقادی و اخلاقی) رشد داد و (از پلیدی های فکری و نفسانی) پاکیزه داشت</p>
<p> ۱۰ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا </p>	<p> و بی تردید محروم و زیانکار شد کسی که آن را به پلیدی ها آلود و زیر پرده های چهل و کفر و فسق پنهان کرد</p>
<p> ۱۱ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا </p>	<p> ملت ثمود (قوم صالح) به سبب طغیانشان (او را) تکذیب نمودند</p>
<p> ۱۲ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا </p>	<p> آن گاه که شقی ترین آنها به پا خاست (و برای کشتن شتر صالح داوطلب شد)</p>
<p> ۱۳ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا </p>	<p> پس پیامبر خدا به آنها گفت: از آسیب به شتر خدا و منع وی از سیراب شدن در نوبت خودش بر حذر باشید</p>
<p> ۱۴ فَكَذَّبُوهُ فَعَبَّرُوهَا فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا </p>	<p> اما آنها او را تکذیب کردند و شتر خدا را کشتند، پس پروردگارشان آنها را به کیفر گناهشان به کلی هلاک کرد و همه را با خاک یکسان نمود</p>
<p> ۱۵ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا </p>	<p> و از عاقبت آن کار (هم از کسی) بیم ندارد</p>

<p> ۹۲. لیل اللیل: شب مکی ۲۱ آیه ۲ صفحه</p>	
---	--

<p> ۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ۵۳۴ر</p>	<p> سوگند به شب آن گاه که (خورشید و روی زمین و فضا را) فرو پوشد</p>
<p> ۲ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَآى </p>	<p> و سوگند به روز آن گاه که تجلی و ظهور کند</p>
<p> ۳ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى </p>	<p> و سوگند به آن ذات مقتدری که نر و ماده را آفریده (آدم و حوا را، نر و ماده هر جاندار را و نر و ماده هر گیاه را)</p>
<p> ۴ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَى </p>	<p> که همانا کوشش و تلاش شما بسی مختلف و پراکنده است (برخی از تلاش هایتان بخشش و تقوا و تصدیق است و برخی بخل و استغنا و تکذیب)</p>
<p> ۵ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى </p>	<p> اما آن کس که (از مال و موجودی خود) بخشش نمود و تقوا پیشه کرد</p>
<p> ۶ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى </p>	<p> و وعده های خدا را تصدیق نمود</p>
<p> ۷ فَسُنِّيَسِرُهُۥ لِيُسْرَى </p>	<p> پس به زودی او را به راه آسانی (از ایمان و طاعت) آماده می کنیم (روحیه ای می دهیم که پیمودن راه تقوی بر او آسان باشد)</p>
<p> ۸ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى </p>	<p> و اما آن کس که بخل ورزید و خود را بی نیاز (از خدا و یاریش) شمرد</p>
<p> ۹ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى </p>	<p> و وعده های الهی را تکذیب نمود</p>
<p> ۱۰ فَسُنِّيَسِرُهُۥ لِّلْعُسْرَى </p>	<p> پس به زودی او را به راه دشواری آماده می سازیم (روحیه ای می دهیم که پیمودن راه تقوا بر او سخت باشد)</p>
<p> ۱۱ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى </p>	<p> و چون (به حفیض شقاوت یا به گودال قبر یا به فعر جهنم) سقوط کند، مالش برای او سودی نخواهد داشت</p>
<p> ۱۲ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى </p>	<p> بی تردید هدایت کردن (مکلفان به سوی احکام دین و زندگی در دنیا به وسیله انبیا و عقول سلیمه) بر عهده ماست</p>
<p> ۱۳ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى </p>	<p> و مسلماً آخرت و دنیا (جهان ایجاد نخستین و جهان اعاده پس از اعدام) از آن ما و تحت اراده ماست</p>
<p> ۱۴ فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى </p>	<p> پس شما را از آتشی که زبانه می کشد بیم دادم</p>

لَا يَصْلَحُهَا إِلَّا الْأَشَقَى

که در آن جز کافر شقی تر وارد نمی شود و نمی سوزد

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى

همان کسی که (در دنیا کافر شد و دعوت پیامبران را) تکذیب کرد و روی گردانید

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى

و به زودی از آن هر پرهیزکارتر به دور داشته می شود (و اما تقیّ مطلق و شقیّ مطلق یعنی فاسق نیز از آن دورند زیرا اشقی نیستند)

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى

آن کس که مال خود را (در راه خدا) می دهد تا پاکیزه شود (و روحش کمال یابد)

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى

و کسی را در نزد او نعمت و متّنی نیست که این پاداش آن باشد

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى

لکن برای طلب رضای پروردگار اعلی و برترش (عطا می کند)

وَلَسَوْفَ يَرْضَى

و البته به زودی (در آخرت به واسطه الطاف بی پایان حق) خشنود خواهد شد

۹۳. ضحی

الضُّحَى: روشنایی روز

مکی

۱۱ آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالضُّحَى

سوگند به ابتدای پرتوافشانی خورشید و به روز روشن

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى

و سوگند به شب آن گاه که آرام گیرد و فراگیر شود

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى

که پروردگارت تو را ترک نکرده و دشمن نداشته است

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى

و مسلما آخرت برای تو از دنیا بهتر است

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى

و البته به زودی پروردگارت (آن قدر) به تو عطا کند که خشنود شوی

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى

آیا تو را یتیم نیافت پس جای و پناه داد؟ و آیا تو را یگانه زمان و تنها نیافت، پس جهانی را به دورت جمع نمود

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى

و تو را ناآگاه (از معارف دینی) یافت پس (به وسیله وحی) هدایت نمود

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى

و تو را فقیر و نیازمند یافت پس بی نیاز کرد

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

پس یتیم را هرگز خوار و رانده مساز

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ

و حاجت خواه را به تشر مران

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

و نعمت پروردگارت را (که به تو ارزانی داشته) بازگو کن (و بگو که تو خود نخستین هدیه واجب به عالم امکانی، وسیله فتح دریچه خلقتی، دارا

۹۴. انشراح

الشَّرْح: گشایش

مکی

۸ آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ

۱
جزب ۲۳۹
ر ۵۳۶

وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ

۲

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ

۳

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ

۴

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

۵

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

۶

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ

۷

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ

و به سوی پروردگارت رغبت کن

۹۵. تین	التَّيْنِ: انجیر	مکی	۸ آیه
----------------	------------------	-----	-------

سوگند به انجیر و درخت آن و زیتون و درخت آن و به دو کوه تین و زیتون در دمشق و بیت المقدس

و سوگند به کوه سینا (کوهی که خدا با موسی در آن سخن گفت و تورات را بر قلب او در یک قیام ممتد سه روزه از راه گوشش فرو فرستاد)

و سوگند به این شهر امن (مکه معظمه که از نظر قانون آسمانی مصون است)

که به یقین ما انسان را در بهترین اعتدال و استقامت (در جسم و روان) آفریدیم. (قامت مستقیم، اعضا، متناسب، بشره ظاهر، مغز متفکر، روح قابل فضایل دادیم)

سپس او را به پایین ترین مرتبه فروتران بازگردانیدیم (از نظر مادی به حالت ضعف جسمی و فکری، و از نظر معنوی پس از اتمام حجت به حالت جهل و شقاوت رساندیم)

مگر کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته انجام داده اند، که آنها را پاداشی بی منت و بی پایان است

پس (ای انسان) چه چیزی تو را پس از این (بیان) به تکذیب (روز) جزا وامی دارد؟

آیا خداوند بهترین داوران و حاکمان نیست

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَكَمِينَ

۹۶. علق

الْعَلَقُ: خون بسته

مکی

۱۹ آیه

بخوان (این کتاب را با شروع) به نام پروردگارت، آن که (همه آفریده ها را او) آفرید

انسان (فرزند آدم و حوا) را از لختی خون بسته شده آفرید

بخوان (و تردیدی به خود راه مده) در حالی که پروردگار تو کریم تر (از همه کریمان) است (و می تواند تو را از غیر راه عادی خوانا کند)

آن کس که (بشر را) به وسیله قلم علم آموخت

به انسان آنچه را که نمی دانست آموخت

چنین نیست (که آنها این نعمت ها را شکر کنند بلکه) به یقین انسان طغیان می کند

از اینکه خود را بی نیاز بیند

بی تردید بازگشت (همه زنده ها پس از مرگ) به سوی پروردگار توست

به من خبر ده، آیا آن کسی که بازمی دارد

عَبْدًا إِذَا صَلَّى

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَبَ وَتَوَلَّى

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى

كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ

نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ

كَلَّا لَا تُطِيعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝

چنین نیست (که می پندارد عذابش نمی کنیم)، مسلما اگر (از عنادش) باز نایستد موهای پیشانیش را می گیریم و (به سوی عذاب) می کشیم

پیشانی دروغگویی خطاکار را

پس (اگر خواهد) همنشینان خود را (برای یاریش) فرا خواند

ما هم مأموران آتش را فرا می خوانیم

چنین نیست (که او بتواند کاری بکند)، هرگز از او اطاعت مکن و (به خدای خود) سجده نما و تقرب جوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ

وَطُورِ سِينِينَ

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَكَمِينَ

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

سجده

واجب

<p> ۹۷. قدر الْقَدْرُ: اندازه مکی ۵ آیه</p>	
<p> ۱ ۵۳۹</p> <p> بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ</p>	<p> ۲ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ</p>
<p> ۳ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ</p>	
<p> ۴ تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ</p>	
<p> ۵ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ</p>	
<p> ۹۸. بینہ الْبَيِّنَةُ: دلیل روشن مدنی ۸ آیه ۲ صفحه</p>	

کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیدند و مشرکان (از نزاع و ستیزه با یکدیگر درباره آمدن پیامبر مکی عربی صاحب کتاب آسمانی) جدا نبودند (اهل کتاب مدعی آمدن او و مشرکان منکر آن بودند) تا آن گاه که دلیل روشنی بر آنها بیامد (و پس از آمدن بینّه با هم علیه آن ائتلاف کردند

فرستاده ای از جانب خداوند که صحیفه هایی پاک را تلاوت می کن

که در آنها نوشته هایی استوار و پایدار است (احکام و معارف الهی، مطابق عقل و غیر قابل نسخ)

و اما کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده (در اعتقاداتشان) تفرقه و اختلاف نکردند مگر پس از آنکه دلیل روشن (پیامبر و قرآن) بر آنها آمد (و پس از آمدن درباره پذیرش آن پراکنده شدند)

با آنکه آنها (در این کتاب آسمانی) مأمور نشده اند جز به آنکه خدا را بپرستند در حالی که اعتقاد و دین و طاعت خود را برای او خالص نمایند و حق گرا باشند و نماز را برپا دارند و زکات بدهند، و این است دین ثابت و پایدار

بی تردید کسانی از اهل کتاب که (به اسلام) کفر ورزیدند و مشرکان، در آتش جهنم اند، که جاودانه در آن باشند. آنهایند که بدترین مخلوقاتند

مسلمّا کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته انجام داده اند، آنهایند که بهترین مخلوقاتند

۱
۵۴۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

۲
رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً

۳
فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ

۴
وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ

۵
وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ

۶
إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ

۷
إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّتْ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ
خَشِيَ رَبَّهُ

۹۹. زلزال	الزَّلَٰلَةُ: زلزله	مدنی	۸ آیه
-----------	---------------------	------	-------

آن گاه که این زمین به زلزله مخصوص خود (که در تاریخ خلقتش یک بار بیش نیست) لرزانده شود

و این زمین بارهای گران و کالاهای پراچ خود را (از مردگان و معادن و گنجینه ها) بیرون ریزد

و انسان (بیرون آمده از شکم آن با تعجب و دهشت) گوید: چه شده است آن را؟

زمین در آن روز خبرهای خود را بازگو می کند. (اخراج کالاها بازگکردن تکوینی است یا به سخن درآمده بیان خواهد کرد.

و این به سبب آن است که پروردگارت به وی وحی تکوینی نموده

در آن روز مردم در صورت گروه های گوناگون (از قبرها به طرف صحنه حساب) برمی آیند تا حساب اعمالشان به آنها نشان داده شود، و (از مرکز حساب به سوی محل ابدی خود) بیرون می شوند تا (جزا یا تجسم عینی) عمل هاشان به آنان ارائه شود

پس هر که هموزن ذره ای کار خیر کند (جزا یا تجسم خارجی) آن را می بیند

و هر که هموزن ذره ای کار شرکند آن را می بیند

۱۰۰. عادیات	الْعَادِيَّات: دوندگان	مکی	۱۱ آیه	۲ صفحه
-------------	------------------------	-----	--------	--------

سوگند به اسبان دونده (جهاد) که به شدت نفس می زنند

پس به اسبانی که با سم هایشان جرقه آتش از سنگ می جهانند

پس به تازندگان (بر دشمن) در صبگاهان

که به وسیله آن حمله گردی برانگیختند

پس بدان حمله در میان جمعی (از دشمن) درآمدند

که همانا انسان به پروردگار خود سخت ناسپاس و بخیل و نافرمان است

و بی تردید خود بر این معنی گواه است

و مسلماً او بر دوستی مال فطرتا بسی سرسخت است

آیا نمی داند هنگامی که آنچه در قبرهاست برانگیخته شود (روز قیامت)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا

وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا

وَقَالَ الْإِنْسَنُ مَا لَهَا

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَدِيَّتِ صُبْحًا

فَالْمُورِيَّتِ قَدْحًا

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا

فَأَثَرُنَ بِهِ نَقْعًا

فَوْسَطْنَ بِهِ جَمْعًا

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ

و آنچه در سینه هاست (از ایمان و کفر و فضایل و رذایل در نامه عمل و در میان مردم) روشن و جدا گردد

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ خَبِيرٌ

به یقین پروردگارشان به حال آنها در آن روز آگاه است؟

۱۰۱ . قارعه	القَارِعَةُ: کوبنده	مکی	۱۱ آیه
-------------	---------------------	-----	--------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
القَارِعَةُ

آن حادثه کوبنده (گوش ها و دل ها، و سرکوب کننده دشمنان خدا)

مَا الْقَارِعَةُ

چیست آن حادثه کوبنده و سرکوب کننده؟

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ

و چه چیزت آگاه کرد که آن حادثه کوبنده چیست؟ (آن حادثه قیام قیامت است)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ

روزی که مردم همانند پروانه های پراکنده شوند

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ

و کوه ها همانند پشم رنگارنگ حلاجی شده در جوّ متلاشی گردند

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

اما کسی که عمل های وزن شده اش سنگین و پرارج باشد (عقاید و اعمالش نیک باشد)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

پس او در یک زندگی رضایت بخش خواهد بود

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

و اما کسی که عمل های موزونش سبک و بی ارج است (عقاید و اعمالش فاسد باشد)

فَأُمُّهُ وَاوِيَةٌ

پس جایگاه و پناهگاهش هاویه است

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ

و چه چیزت آگاه نمود که هاویه چیست

نَارٌ حَامِيَةٌ

آتشی به غایت داغ و سوزان است

۱۰۲ . تکاثر	التَّكَاثُرُ: افتخار به زیادی ثروت	مکی	۸ آیه
-------------	------------------------------------	-----	-------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْهَلِكُمُ التَّكَاثُرُ

شما را مباهات با یکدیگر در افزونی (مال و جاه و فرزند) و مسابقه با هم در افزودن (آنها) از یاد خدا مشغول داشت

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ

تا آنکه گورستان ها را زیارت کردید (تا دم مرگتان چنین بودید) یا رفتید تا برای تفاخر، قبرهای ارحامتان را نیز بشمارید

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

چنین نیست (که می پندارید باید برای دنیا کوشید)، به زودی (وقت ورود به عالم برزخ) خواهید دانست

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

آری چنین نیست، به زودی (در روز جزا) خواهید دانست

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

چنین نیست اگر (حقیقت امر را) به علم الیقین (علم غیر قابل تشکیک) می دانستید

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ

به یقین جهنم را (به دیده دل) می دیدید (لکن ندانستید و ندیدید)

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ

سپس بی تردید آن را (در روز جزا) به عین الیقین خواهید دید (یقینی حاصل از داخل شدن و سوختن در آن)

ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

سپس شما در آن روز بی شک از بخشش و نعمت (خدا در دنیا) بازخواست خواهید شد

۱۰۳ . عصر	العَصْر: روزگار	مکی	۳ آیه
-----------	-----------------	-----	-------

سوگند به وقت عصر (یا نماز عصر، یا عصر طلوع اسلام و عرضه قرآن به جامعه و یا دوران ظهور حکومت الهی مهدی موعود) که

مسلّما انسان (به لحاظ رو به نقصان و زوال بودن عمر او، و غلبه هوی و شیطان بر او) در زیان است

مگر کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند و یکدیگر را به حق (به آنچه ثابت و مسلم است از عقاید و اعمال) تومیه کرده و یکدیگر ر

۱۰۴ . همزه	الْهُمَزَة: عیب‌جو	مکی	۹ آیه
------------	--------------------	-----	-------

وای بر هر عادت کننده به عیب جویی مردم و بدگویی دیگران

آن که مالی گرد آورد و پیاپی شماره کرد و انباشت (و به دستور خدا در تحصیل و مصرف اعتنایی نکرد)

می پندارد که مالش او را جاودانه خواهد ساخت (و مرگ یا حوادث به سراغش نخواهد آمد)

چنین نیست، بی تردید در حطمه (آتشی خردکننده) افکنده می شود

و چه چیزت آگاه کرد که حطمه چیست؟

آتش برافروخته خداوند است

آتشی که بر دل ها (که مرکز کفر و شرک و نفاق است) سر می کشد (و علاوه بر ظاهر، باطن را نیز می سوزاند)

همانا آن آتش درش بر روی آنها بسته است (و راه خروج ندارند)

در ستون هایی بلند (بسته و معذب شوند)

۱۰۵ . فیل	الْفِيل: فیل	مکی	۵ آیه
-----------	--------------	-----	-------

آیا (به چشم دل) ندیدی و ندانستی که پروردگار تو با اصحاب فیل (سپاه ابرهه که برای تخریب خانه خدا آمده بودند) چگونه رفتار کرد؟

آیا نیرنگ و نقشه آنها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟

و بر سر آنها پرندگانی گروه گروه فرستاد

که بر آنان سنگ هایی (ریز) از جنس سنگ گل می افکندند

پس همه آنها را چون کاه های خرد و جویده شده قرار داد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ

۱
۵۴۵ر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ

۲

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ

وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ

۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيُلْ لِكُلِّ هُمْزَةٍ لُّمَزَةٍ

۱
۵۴۶ر

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ

۲

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ

۳

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ

۴

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ

۵

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ

۶

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

۷

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَدَةٌ

۸

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ

۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ

۱
۵۴۷ر

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ

۲

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ

۳

تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ

۴

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ

۵

۱۰۶ . قریش	قُرِیش: قریش	مکی	۴ آیه
------------	--------------	-----	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا يَلْفِ قُرِيشِ	۵۴۸ر
۲	إِئْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ	
۳	فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ	
۴	الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَعَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ	

۱۰۷ . ماعون	الْمَاعُون: ظرف غذا	مکی	۷ آیه
-------------	---------------------	-----	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِّينِ	۵۴۹ر
۲	فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ	
۳	وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ	
۴	فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ	
۵	الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ	
۶	الَّذِينَ هُمْ يُرْءَاوْنَ	
۷	وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ	

۱۰۸ . کوثر	الْكُوثَر: خیر فراوان	مکی	۳ آیه
------------	-----------------------	-----	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ	۵۵۰ر
۲	فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ	
۳	إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ	

به یقین ما تو را کوثر عطا کردیم. (خیر فراوان، دین قیّم، کتاب باقی، علم بی پایان، نسل باقی روزافزون، علماء امت، حوض کوثر و نهر بهشتی)

پس (به شکرانه آن) برای پروردگارت خضوع کن و نماز بخوان و (در تکبیر آن) دست ها را تا گلوگاه بالا بر (یا شتر قربانی کن)

همانا (تو ابتر و بی نسل نیستی) دشمن توست که دم بریده و بی نسل است

۱۰۹ . کافرون	الْكَافِرُونَ: کافران	مکی	۶ آیه
<p>۱ را۵۵</p> <p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ يَأَيُّهَا الْكَافِرُونَ</p>	<p>بگو: ای کافران (ای مشرکان و بت پرستان مکه)</p>		
<p>۲</p> <p>لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ</p>	<p>آنچه را که شما می پرستید هرگز من نمی پرستم</p>		
<p>۳</p> <p>وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ</p>	<p>و نه هرگز شما پرستنده آن هستید که من می پرستم</p>		
<p>۴</p> <p>وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ</p>	<p>و نه هرگز من پرستنده آنم که شما می پرستید</p>		
<p>۵</p> <p>وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ</p>	<p>و نه هرگز شما پرستنده آن هستید که من می پرستم</p>		
<p>۶</p> <p>لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ</p>	<p>دین شما از آن خودتان، و دین من از آن من (فعلا متارکه برخورد و جنگ است تا آن گاه که حکم جهاد نازل شود)</p>		
۱۱۰ . نصر	النَّصْر: یاری	مدنی	۳ آیه

<p>۱ را۵۵۲</p> <p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ</p>	<p>هر گاه که یاری خداوند و آن پیروزی (بزرگ، فتح مکه و پیروزی های دیگر) فرا رسید</p>		
<p>۲</p> <p>وَرَأَيْتِ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا</p>	<p>و مردم را دیدی که فوج فوج در دین خدا وارد می شوند</p>		
<p>۳</p> <p>فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا</p>	<p>پس همراه با حمد پروردگارت او را تسبیح گو و به اعتقاد و عمل منزه دار و از او آمرزش طلب، که او همواره عطف توجه کننده و توبه پذیر است</p>		
۱۱۱ . مسد	المَسَد: لیف خرما	مکی	۵ آیه

<p>۱ را۵۵۳</p> <p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ</p>	<p>بریده باد هر دو دست ابو لهب، و زینکار باد او و مرگ بر خود او</p>		
<p>۲</p> <p>مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ</p>	<p>هرگز مال و دستاورد او (چیزی از عذاب خدا را) از وی دفع نکرد</p>		
<p>۳</p> <p>سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ</p>	<p>به زودی در آتشی زبانه دار درآید و در آن بسوزد</p>		
<p>۴</p> <p>وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ</p>	<p>و نیز زن او که هیزم کش است (در آتش دوزخ درآید)</p>		
<p>۵</p> <p>فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ</p>	<p>همان که در گردنش طنابی از لیف خرماست. (غرض از این دو وصف این است که وی به کیفر آنکه در دنیا با طناب هیمه خار بر سر راه پیامبر می کشی</p>		

۱۱۲ . اخلاص	الإِخْلَاصُ: خالص کردن	مکی	۴ آیه
-------------	------------------------	-----	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بگو: حقیقت آن است که خداوند یکتاست	۵۵۴ر
۲	اللَّهُ الصَّمَدُ	خداوندی است بزرگوار و قبله حاجات، و ذاتی است بسیط الحقیقه غیر مرکب و بی نیاز	
۳	لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ	نه کسی را زاده و نه از کسی زاده شده است (محال است صفت پدر و فرزند پیدا کند)	
۴	وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ	و هیچ گاه احدی همتای او (در الوهیت و خالقیت و ربوبیت و عبودیت و طاعت) نبوده است	

۱۱۳ . فلق	الْفَلَقُ: سپیده صبح	مکی	۵ آیه
-----------	----------------------	-----	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم، و زمین شکافته شده به بیرون آمدن چشمه سارها و گیاهان، و ارحام مفتوح به تولد اولاد، و قبور شکافته شده برای برانگیختن مردگان	۵۵۵ر
۲	مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ	از شر آنچه آفریده (از آنچه دارای شر است مانند شیاطین و اجنّه خبیثه و شرور مادی)	
۳	وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ	و از شر هر شب تاریک آن گاه که درآید و فرا گیرد، و از هر موجود شروری که هجوم آورد	
۴	وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ	و از شر زنان (جادوگر) دمنده در گره ها	
۵	وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ	و از شر هر حسود آن گاه که حسد خود را به کار بندد	

۱۱۴ . ناس	النَّاسُ: مردم	مکی	۶ آیه
-----------	----------------	-----	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بگو: پناه می برم به پروردگار مردم (به مربّی آنها از ابتداء، تکوّن تا انتهای مراحل تربیت)	۵۵۶ر
۲	مَلِكِ النَّاسِ	به سلطان و حاکم (مطلق) مردم	
۳	إِلَهِ النَّاسِ	به معبود (حقیقی) مردم	
۴	مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ	از شر وسوسه گر پنهانی، آن عقب رونده عودکننده	
۵	الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ	آن که در سینه های مردم وسوسه می کند	
۶	مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ	چه از جن باشد و چه از انس	